بسم الله الرحمن الرحیم

به نام حق

به حضور جناب آقای دکتر سید محمد [illegible] تقدیم است

استاد محترم دانشگاه تهران

مشهد مقدس نهم آذرماه ۱۳۷۴

فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن
محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن

محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

جلد ۴

ن - ی

تهیه و تنظیم

گروه فرهنگ و ادب اسلامی

سید محمود خسروانی شریعتی، حسین ادیالباف مقدم

سید حسن مدرّسی، عباس هوتکانی، اصغر ارشاد سرابی و دیگران

با نظارت

دکتر محمدجعفر یاحقی



فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن

محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

جلد چهارم (ن - ی)

تهیه و تنظیم

گروه فرهنگ و ادب

بنیاد پژوهشهای اسلامی

با نظارت

دکتر محمدجعفر یاحقی

حروفچینی متن و صفحه‌آرایی: بهروز - تهران

چاپ اول: ۱۳۷۴

هزار و پانصد نسخه - وزیری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

قیمت: ۸۶۰۰ ریال

مشهد: بلوار شهید منتظری - صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۳۵؛ تلفن ۵-۸۲۱۰۳۳

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا ٱلذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ

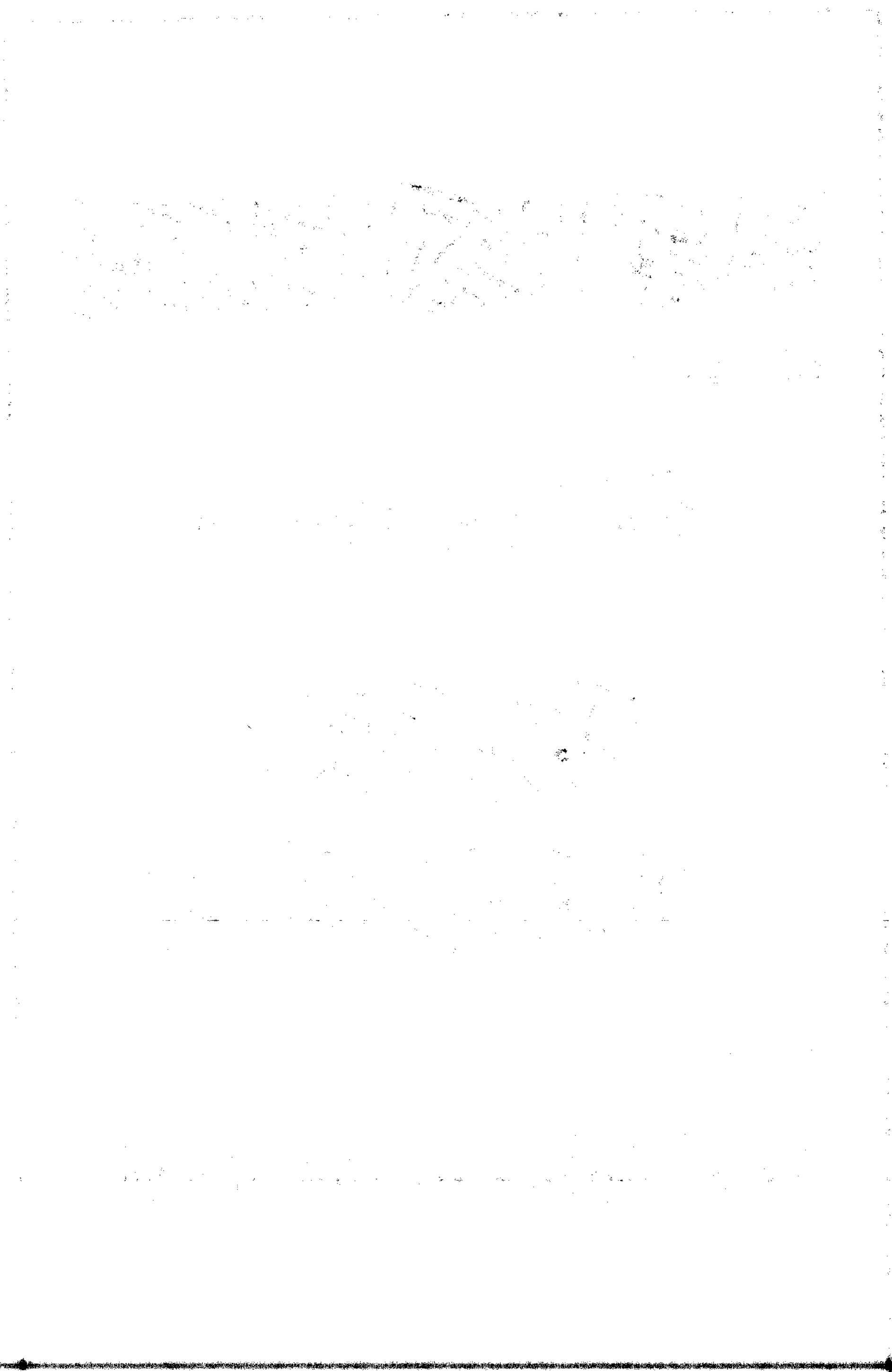
سوره حجر (۱۵) آیه ۹

ما فرو فرستادیم این یاد و پیغام را و ما خود نگه دارانیم

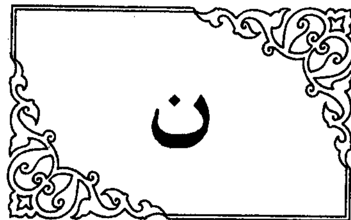
إِنَّ ٱلْقُرْآنَ زَاجِرٌ وَآمِرٌ
يَأْمُرُ بِٱلْجَنَّةِ وَيَزْجُرُ عَنِ ٱلنَّارِ

اُصول کافی. جلد ۴

قرآن باز دارنده و فرماینده است، به بهشت می‌فرماید و از آتش باز می‌دارد



فهرست مندرجات



نَ: نٓ وَٱلْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۶۸:۱)
سوگند یاد می کند که زمین بر پشت وی است ۳٤، سوگند است بماهی که زمین بر پشت وی است ٤۳، سوگند یاد می کند به ماهی ٥٦، ماهی ۱۰٥

★ نَا: وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۲:۵۷)

بر ما ۲، خویش ۱۰

~: إِنَّ ٱلْبَقَرَ تَشَٰبَهَ عَلَيْنَا (۲:۷۰)
مایان ۹۹

~: لَوْلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوْ تَأْتِينَآ ءَايَةٌ (۲:۱۱۸)
با ما ۱۰۰

~: قَالُوٓا۟ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلْمُلْكُ عَلَيْنَا (۲:۲٤۷)
مَا ۲۷

~: نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ (۳:٦۱)
خود ٥۸

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا۟ لَيْسَ عَلَيْنَا فِى ٱلْأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٌ (۳:۷٥)

اما ۲٥

~: وَرَٰعِنَا لَيًّۢا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِى ٱلدِّينِ (٤:٤٦)
بما ۲

~: فَقَالُوٓا۟ أَرِنَا ٱللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ (٤:۱٥۳)
بدیما ۱، مان ۹۷

~: قَالُوا۟ حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ (٥:۱۰٤)
خُویش ۲

~: لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَٰٓئِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ (٧:١٥)

بما ١٠٠

~: قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا (٤٦:٢٢)

بما ١٢٤

لَنَا: قَالُوا۟ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (٢:٢٤٦)

ايما ١

~: وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ ٱلْحَقِّ (٥:٨٤)

مارا ٢

~: وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (١٨:١٠)

ما ٤٣

~: وَقَالُوا۟ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ (٢٨:٥٥)

مارا باد ٢

نَائِمُونَ: أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيَٰتًا وَهُمْ نَآئِمُونَ (٧:٩٧)

خواب كناران ١، خفتگان ٢، خفته باشند ٢٧، خفته ٢٩، خفتَه ٦٢، خفتگآن ١٠٠، خفته گان ١٠٩، خواب كنند گان ١١٦، خوابيد گان ١٢٢، بخواب رفتگان ١٣٥، خُفتگان ١٤٠

~: فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَآئِمُونَ (٦٨:١٩)

خُفته ٢، خفته بودند ١٩، خفته ماند گان ٩٩، خُفْته ١٠٨

نَاجٍ: وَقَالَ لِلَّذِى ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٍ مِّنْهُمَا (١٢:٤٢)

رستار ١، برهنده ٢٩، برهد ٣٦، رستني ٥٢، رَسْته ٥٥، رستگار ٥٦، رسته ٧٢، رستگار گشت ٧٩، رستي ٩٨، رستن است ١٠٥، ره‌زن ١٠٦، رهنده ١٠٩، رهانده ١١٠، رسته است ١١٢، رَستني ١٢٤

★ أَنَّهُ نَاجٍ: وَقَالَ لِلَّذِى ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٍ مِّنْهُمَا (١٢:٤٢)

كه او برهَد ٢٤

نَاجَيْتُمْ: إِذَا نَٰجَيْتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىْ نَجْوَىٰكُمْ

صَدَقَةً (٥٨:١٢)

سخن گوييد ٢٤، راز گوييد ٣٠، راز گوئيد ٣٩، راز كنيد ٨١، راز گوئيد شما ٩٩، راز گويند ١٠٨، راز خواهيد گفت ١٣٨

نَادَانَا: وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ (٣٧:٧٥)

بخواند ١، خواند ٣٣، آواز داد ٣٩، فرياد زد ١٣٦

نَادَاهُ: إِذْ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلْوَادِ ٱلْمُقَدَّسِ طُوًى (٧٩:١٦)

آواز داد ٢، بخواند ٣٠، خواند ١٢٠

نَادَاهَا: فَنَادَىٰهَا مِن تَحْتِهَآ أَلَّا تَحْزَنِى (١٩:٢٤)

آوازداد ٢، آواز كرد ٣٨، بانگ زد ٥٣، بانگ بلند بخواند ٥٨، بانگ داد ٧٢، بانگ كرد ٩٤، برخواند ١٠٦

نَادَاهُمَا: وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن تِلْكُمَا ٱلشَّجَرَةِ (٧:٢٢)

بخواند ١، گفت ٣، گُفت ٥٥، ند كرد ١١٣

فَنَادَتْهُ: فَنَادَتْهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ يُصَلِّى فِى ٱلْمِحْرَابِ (٣:٣٩)

خواندند ٣، آواز دادند ١٠، آواز داد ٢٤، خوانند ٢٨، گفت ٥٨، بخواندند ٦١، برخواندند ٦٣، آواز آمد ٩٨، آواز كردند ١٢٩، بانك كَرْد ١٣٨

نَادِمِينَ: فَأُوَٰرِىَ سَوْءَةَ أَخِى فَأَصْبَحَ مِنَ ٱلنَّٰدِمِينَ (٥:٣١)

پشيمانان ١، پشيمانان ٢، پشيماني خوران ٢٧، كساني كه پشيمان خورند ٢٩، پشيمان شد گان ٣٠، پشيماتان ٤٢، پشيمان بُود گان ٥٣: پشيماتان ٥٥، آن كساني كه پشيماني خورند ٦٢، پشيمان خورند گان ٦٧، پشيمان بود گان ٧٢، پشيماني خورند گان ٩٢، پشيمانآن ١٠٠، پشيمان خورد گان ١٢٤، پشيمان شده گان ١٣٠

~: فَيُصْبِحُوا۟ عَلَىٰ مَآ أَسَرُّوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ نَٰدِمِينَ (٥:٥٢)

پشيمانان ١٠٧، پشيمان زد گان ١٣٠

~: قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَٰدِمِينَ (۲۳:۴۰)
پشیمان شده ۳۹، پشیمانانْ ۵۳، پشیمانیان ۹۹، پشیمان شوندگان ۱۰۲

~: فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَٰدِمِينَ (۴۹:۶)
پشیمان ۶، پشیمانان ۶۱

نادَوْا: وَنَادَوْا أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ أَن سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ (۷:۴۶)
بخوانند ۱، آوازدهند ۱۰، آواز دادند ۲۹، برخوانند ۶۳، بانگ کنند ۱۲۱

~: فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (۳۸:۳)
بخواندند ۱، آواز دادند ۲۲، بخواندند یک دیگر را ۲۴، بانگ کردند ۳۰، فریاد می کردند ۳۶، بانک کردند ۵۶، برخواندند ۸۹، خواندند ۹۱، همدگر را بخواندند ۹۶، بخوندند ۱۳۰

~: وَنَادَوْا يَٰمَٰلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ (۴۳:۷۷)
آواز کنند ۳، آواز کردند ۳۲، آواز دهند ۶۱

~: فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ (۵۴:۲۹)
بانگ زدند ۴۱

نادُوا: وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ (۱۸:۵۲)
بخوانید ۱، بخُوانید ۲، بخوانیت ۳، آوازد ۸، بخوانی ۲۴، آواز دهند ۲۹، بخوانیْت ۵۵، برخوانید ۹۳، آواز کنید ۹۹

نادَی: وَنَادَىٰٓ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ أَصْحَٰبَ ٱلنَّارِ (۷:۴۴)
بخوانند ۱، آواز دَهند ۱۰، آوازدهند ۱۰ مکرّر، آواز دادند ۲۹، خوانند ۳۰، آواز دادندی ۵۶، بخواندند ۷۲

~: وَنَادَىٰٓ أَصْحَٰبُ ٱلْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَٰهُمْ (۷:۴۸)
برخوانند ۱۰۶، آواز دهند ۱۳۱

~: وَنَادَىٰٓ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ (۷:۵۰)
آواز دادند ۵۶

~: وَنَادَىٰ نُوحٌ ٱبْنَهُۥ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ (۱۱:۴۲)
آواز داد ۳، آواز کَرد ۵۵، برخواند ۶۳

~: وَنَادَىٰ نُوحٌ رَّبَّهُۥ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ٱبْنِي مِنْ أَهْلِي (۱۱:۴۵)
خواند ۳، بانگ زد ۴۱، خواند ۵۵، بآواز خواند ۵۸

~: إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيًّا (۱۹:۳)
بخواند ۵۶

~: وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِن قَبْلُ فَٱسْتَجَبْنَا لَهُۥ (۲۱:۷۶)
بخواندْ ۲، بخوانده ۵۳

~: فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبْحَٰنَكَ (۲۱:۸۷)
بانگ کرد ۵۸، بآواز گفت ۸۶

~: وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ (۲۶:۱۰)
آوازْ دادْ ۵۳، برخوآند ۱۰۰

~: وَٱذْكُرْ عَبْدَنَآ أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ (۳۸:۴۱)
بخاند ۱۱۳

~: وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِۦ قَالَ يَٰقَوْمِ (۴۳:۵۱)
آواز داد ۲۲، آوازْ دادْ ۵۳، بانگ کرد و بخواند ۶۴

~: وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ (۶۸:۴۸)
آواز داد ۲، آواز کرد ۳۰

~: فَحَشَرَ فَنَادَىٰ فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلْأَعْلَىٰ (۷۹:۲۳)
آواز برآورد ۶۴، آواز درداد ۱۳۸

نادَیتُم: وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ ٱتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا (۵:۵۸)
بخوانید ۱، خوانیت ۳، بخوانیت ۱۰ مکرّر، بانگ کنید ۲۴، بخوانند ۲۷، آواز دَهید ۴۵، بخوانید شما ۵۶، بانگ زنند شما را ۵۷، بانگ دهید ۷۵، آواز دهید شما ۷۶، آواز دهید ۱۰۳، خوانید ۱۱۹، خوانده شوید ۱۲۹، میخوانید ۱۳۰

نادِیکُم: وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ ٱلْمُنكَرَ (۲۹:۲۹)

انجمن ۳، لاف گاه ٦۷، انجمنگاه ۷٦، انجمنها ۱۰۲

نادَیْنا: وَمَاكُنتَ بِجَانِبِ ٱلطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا (۲۸:٤٦)
بخوانديم ۱، آواز داديم ۲٤، برخوانديم ۵۳، بخوانيديم ما ۵۸، آواز داديم ما ٦۱، آواز شنوانيديم ٦۵، برخوانديم ما ۸۹، خواندم ۱۱۹، بخوانيديم ۱۳۹

نادَیْناهُ: وَنَٰدَيْنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلْأَيْمَنِ (۱۹:۵۲)
بخوانديم ۱، آواز داديم ۲٤، بخوانيم ۵۳، بخوانديم ما ۵۸، بشنوانيديم ٦٤، برخوانديم ما ۸۹، برخوانيديم ما ۱۰۰، خوانديم ۱۱٤

~: وَنَٰدَيْنَٰهُ أَن يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ ٱلرُّءْيَآ (۳۷:۱۰٤)
آواز داديم ما ٦۱، آواز داد ۸۷، برخوانديم ۱۰٦

نادِیَهُ: فَلْيَدْعُ نَادِيَهُۥ سَنَدْعُ ٱلزَّبَانِيَةَ (۹٦:۱۷)
گروه ۲، هم نشینان ۲٤، خواننده ۳۹، انجمن ۷۹

اَلنّارُ: فَٱتَّقُوا۟ ٱلنَّارَ ٱلَّتِى وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلْحِجَارَةُ (۲:۲٤)
آتش دوزخ ۳٦، آتش ۵۵

~: وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ (۲:۳۹)
دوزخ ۲٤، دوزخ سوزان ۳۹

~: فَأَصَابَهَآ إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَٱحْتَرَقَتْ (۲:۲٦٦)
آتش سوزان ٤۰

~: وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ وَقُودُ ٱلنَّارِ (۳:۱۰)
آتش دوزخ ۲۷، دُوزخ ۱۳٦

~: وَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۳:۱۱٦)
آتش ۱، دوزخ ۲۷

~: رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُۥ (۳:۱۹۲)
آتش دوزخ ۱۰، دوزخ جاودانه ۲۷

~: قَالَ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِى مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُۥ مِن طِينٍ (۷:۱۲)
آتشت ۷٦

~: وَقَالُوا۟ لَا تَنفِرُوا۟ فِى ٱلْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا (۹:۸۱)
آتش ٦۲

~: يَقْدُمُ قَوْمَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ ٱلنَّارَ (۱۱:۹۸)
دوزخ ۷٦

~: تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَٰلِحُونَ (۲۳:۱۰٤)
آتش دُوزخ ۵۱

~: لَّعَلِّىٓ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ ٱلنَّارِ (۲۸:۲۹)
آتش ۱، روشنایی ٦۱

~: يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ (۵۵:۳۵)
آتش با دود ۱۰۸

★ نارِ السَّموم: وَٱلْجَآنَّ خَلَقْنَٰهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ (۱۵:۲۷)
آتش سوزان ۳، آتش بی دود ۱۱۱، آتش بیدود ۱۳۱

اَلنّازِعات: وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرْقًا وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشْطًا (۷۹:۱)
فریشتگان ستدارجانها ۱، فریشتگان که جان گیرند ۲٤، فریشتگان بیرون کشند گان ۳۰، کشند گان جانها ۳۹، فرشتگان جان ستاننده ٤۲، فرشتگان که بکشند جانها ۸۷، کنند گان جانها ۹۱، فریشتگان جان کشند گان ۹٤، فرشتگان جان ستآننده ۱۰۰، کشندگان ۱۰۲، ملائکه بیرون کشنده ۱۰٤، بر کشند گان ۱۱۳، فرشتگان کشنده جانها ۱۲۲، کشند گان جان ۱۳٦، ستانند ۱۳۸

اَلنّاسُ: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ (۲:۸)
مَرْدُمان ۵۵

~: فَٱتَّقُوا۟ ٱلنَّارَ ٱلَّتِى وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلْحِجَارَةُ (۲:۲٤)

مردم ٢

~: أَتَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ (٢:٤٤)

مردمآن ٩٤

~: وَقُولُوا۟ لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ (٨٣:٢)

مردمان ٢، مردمان ٥٣، مردمان ٥٥

~: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَهِلَّةِ قُلْ هِىَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلْحَجِّ (١٨٩:٢)

مردمان ١٠

~: وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٢٢١:٢)

مردمان ١

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ (٢٤٣:٢)

مردمان ١٠

~: وَٱلْكَٰظِمِينَ ٱلْغَيْظَ وَٱلْعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِ (١٣٤:٣)

بندگان ٢٧، بندگان و پرستاران و زیردستان ٤٠

~: فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ ٱلنَّاسَ (٧٧:٤)

مردمان ٥٣

~: يَسْتَخْفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ ٱللَّهِ (١٠٨:٤)

مردمان ٥٣

~: فَلَا تَخْشَوُا۟ ٱلنَّاسَ وَٱخْشَوْنِ (٤٤:٥)

مردان ٧٠

~: وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ خَرَجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِم بَطَرًا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ (٤٧:٨)

مردمان ١١٤

~: وَأَذَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلنَّاسِ (٣:٩)

مردمان ٦٢

~: فَٱخْتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلْأَنْعَٰمُ (٢٤:١٠)

مردم ٦٢

~: ذَٰلِكَ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى ٱلنَّاسِ (٣٨:١٢)

مردمان ٧٦

~: الٓر كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ ٱلنَّاسَ (١:١٤)

مردمان ٦١

~: وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓا۟ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰٓ (٩٤:١٧)

مردام ٦١

~: فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (٥٠:٢٥)

مردم ٧٦

~: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ (٦:٣١)

مردما ٩٦

* لِلنَّاسِ: جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلْكَعْبَةَ ٱلْبَيْتَ ٱلْحَرَامَ قِيَٰمًا لِّلنَّاسِ (٩٧:٥)

مرمردمانرا ٢

نَاسِكُوهُ: لِّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ (٦٧:٢٢)

نگاه دارنده ٢٤، کننده ٢٩، همی ریزند ٧٨، کنندگان ٩١، پرستنده ١٣٢، پذیرنده ١٣٣

نَاشِئَةَ: إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيْلِ هِىَ أَشَدُّ وَطْـًٔا وَأَقْوَمُ قِيلًا (٦:٧٣)

پاره ٢، برخاستن ٣، برخواستن ١١٤، خیزنده ١٣٢

ٱلنَّاشِرَٰتِ: فَٱلْعَٰصِفَٰتِ عَصْفًا وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشْرًا (٣:٧٧)

پراکنداران ١، بادهاء پراکنده ٢، فریشتگان که باز کنند ٣، بارانها ٢٤، بادهای پراکنده ٢٩، بادهای پراکنده کننده ٣٠، بادها پراکنده ٤١، بادهایی که آرد باران ٧٦، بادهای خوش جهنده ٨٩، بادهاء باران‌انگیز ٩١، بادهاء پراکنده ٩٦، برانگیزندگان ١٠٩، گشایندگان ١١١، فرشتگان که بالها باز کنند ١١٤، فرشتگان پراکنده کنندگان

۱۳۲، بادهای بازآرنده ۱۳٦

اَلنَّاشِطَاتِ: وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرۡقٗا وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشۡطٗا (۷۹:۲)
فریشتگان ستدارجانها ۱، بیرون کشند گان جان ۲، فریشتگان که بندها بر گیرند از جان ۲٤، کشند گان ۳۰، ستارگان رانده یا فرشتگان جان ستاننده ٤۱، فرشتگان کشانیده ٤۲، فریشتگان کشنده گان جان ٥٦، ستانند گان جان ۸۰، بر کند گان ۹۰، فرشتگان کشآینده ۱۰۰، گشایند گان ۱۰۲، فرشتگان بیرون برنده ۱۰۳، فرشتگان گشاینده ۱۰٥، بیرون کشند گان ۱۰۸، بیرون آورنده ۱۱۱، بیرون برند گان ۱۱٥، بیرون برنده ۱۲۰، نیرو کشند گان ۱۲٤

نَاصِبَةٌ: وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ عَامِلَةٞ نَّاصِبَةٞ (۸۸:۳)
رنجور ۱، رنج برده ۲، برنج فتاده ۲۹، رنج برنده ٤۲، رنج گیرنده ٦۱، رنج بیننده ٦٥، رنج بسیار دیده ٦۷، رنجه شونده ۷۹، رنج برد ۸۸، رنجه شده ۹۰، رنج کشنده ۱۰۲، رنجان ۱۰٦، رنج کشیده ۱۳۲

نَاصِحٌ: أُبَلِّغُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنَا۠ لَكُمۡ نَاصِحٌ أَمِينٌ (۷:٦۸)
نیک خواه ۳، نیک خُواه ۱۰، نیک خَواه ٥٥، نیکخواه و پند دهنده ٥۸، نیکوخواه و دل سوز ٦۷، نیکوخواه ۸۰، نیک خوآه ۹٤، نیکخواه ۱۰٥، خیرخواه ۱۲۷

نَاصِحُونَ: مَا لَكَ لَا تَأۡمَ۬نَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُۥ لَنَٰصِحُونَ (۱۲:۱۱)
نگاه بان ۲٤، نیکوخواهان ۳۰، نیکخواهان ۳٦، نیک خَواهَان ٥٥، نیک خواهند گان ٦۳

~: أَهۡلِ بَيۡتٖ يَكۡفُلُونَهُۥ لَكُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ نَٰصِحُونَ (۲۸:۱۲)
نیک خواهان ۲، نیک خواه ۲٤، نیک خواهند ٤٦، نیکخواه ٤۸، نیک خاهند گان ٥۳، خیرخواهان ۱۳۲

نَاصِحِينَ: وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ (۷:۲۱)
نیکوخواهان ۳، نیک خواهان ۱۰، نیکوکاران ۱۱۰، خیرخواهان ۱۲۷

~: وَنَصَحۡتُ لَكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ ٱلنَّٰصِحِينَ (۷:۷۹)
نیک خُواهان ۱۰، نیکخواهان ۳٦، پند دهند گان ٥۸، نیک خوآها ۹٤، نیک خَواهَان ۱٤۰

نَاصِرَ: أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ فَلَا نَاصِرَ لَهُمۡ (٤۷:۱۳)
نگاهٌ دارنده ٦، یاری کننده ۲۲، یاری ده ۲٤، یاری کُننده ٥٦، یاری دهنده ٦۱، یار ۱۰٥

~: فَمَا لَهُۥ مِن قُوَّةٖ وَلَا نَاصِرٖ (۸٦:۱۰)
یاری گر ۲، یاور ۹٦، یاری کن ۱۰٦

نَاصِرًا: فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ أَضۡعَفُ نَاصِرٗا وَأَقَلُّ عَدَدٗا (۷۲:۲٤)
یار ۱، یاریگر ۳، یاری کننده ۱۹، یاری کردن ۳۰، یاری دهان ٦۷، یاری گر ۸۰، یاری کن ۱۳۸

نَاصِرِينَ: حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ (۳:۲۲)
یاری کن ۲٤، یاوران ۲٥، یاری گران ۲۸، یَارِی گَرَان ٥٥، یاری دهند گان و فریادرسند گان ٥۸، یاری گران ٦۱

~: وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ (۳:٥٦)
یاریگران ۳، یاران ۲٥، وادارنده ٤۰

~: أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ (۳:۹۱)
یار و نگه دار ٤۰

~: بَلِ ٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلنَّٰصِرِينَ (۳:۱٥۰)
یاری کُنند گان ۲، یارُ و نگه دار ۱۰، یاری کنند گان ۱۰ مکرّر، یاری دهان ۳۸، یاری کننده گان ۱۱۹

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَن يُضِلُّۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ (۱٦:۳۷)

یاری گر ۲، یاری کنان ۳۸، نیرودهندگان ۴۹، یاری کُنَنْدِگان ۵۳

~: وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّـٰصِرِينَ (۲۹:۲۵)
یاری ده ۲۴، یاری دهنده ۶۱، بازدارندگان ۶۵، یاران و مددکاران ۱۰۳، یارگر ۱۱۴

~: وَمَا لَهُم مِّن نَّـٰصِرِينَ (۳۰:۲۹)
یاری گر ۲، یاری دهندگان ۲۴، یاری کُنان ۵۳، یاری کنند ۶۱

~: وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّـٰصِرِينَ (۴۵:۳۴)
یاری کننده ۱۶

ٱلنَّاصِيَةِ: كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًۢا بِٱلنَّاصِيَةِ (۹۶:۱۵)
پیشانی ۳۴

~: نَاصِيَةٍ كَـٰذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۹۶:۱۶)
موی پیشانی ۲

نَاصِيَتِهَا: مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ ءَاخِذٌۢ بِنَاصِيَتِهَآ (۱۱:۵۶)
پنک[1] ۱، مُوی پیشانی ۲، موی پیشانی ۳، پیشانی ۳۶، مُویِ پیشانی ۵۵، مویهای پیشانی ۱۱۶

نَاضِرَةٌ: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۷۵:۲۲)
تازه شدار ۱، تازه و شادان ۲، تازه ۳، تاونده ۶، تابنده و نگرنده ۲۴، درفشان ۳۴، درخشنده ۳۹، تازه و نیکو ۵۶، روشن ۶۱، تر و تازه ۷۹، نیکو درنشان ۹۱، تازه و تابان ۱۰۲، تازه شادان ۱۰۸، شادان ۱۱۱، تابنده ۱۳۶

نَاظِرَةٌ: وَإِنِّى مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌۢ (۲۷:۳۵)
برمرداشتار[2] ۱، چشم دارنده ۲۰، بیننده ۳۹، نگه کننده ۴۷، نگاه کنم ۷۶، نگاه کننده ۱۲۶، بنگرم ۱۳۸

~: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۷۵:۲۳)
نگران ۲، نگرنده ۳، نگرّان ۴۲

ٱلنَّـٰظِرِينَ: إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ ٱلنَّـٰظِرِينَ (۲:۶۹)
نگرندگان ۲، نِگرَندَگان ۵۵، نگرندگان ۶۱، نگرانندگان ۷۶، نگرندکان ۸۴، بینندگان ۱۰۱، نِگرندگان ۱۱۴، نگرندها ۱۳۵، نگاه کنندگان ۱۳۶

~: وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّـٰظِرِينَ (۷:۱۰۸)
نگرستاران ۱، بینندگان ۲۷، آن کسانی که همی نگریدَند ۶۲، نگرندگآن ۱۰۰

~: وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِى ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّـٰهَا لِلنَّـٰظِرِينَ (۱۵:۱۶)
نگاه کنندگان ۳، نگرندِگانْ ۵۳، نگرندَگان ۵۵، نگریدگان ۵۷، نِگُرَندگان ۶۲، نگرندهگان ۱۱۸

~: وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّـٰظِرِينَ (۲۶:۳۳)
نگرندگان ۲

~: إِلَّآ أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَـٰظِرِينَ إِنَىٰهُ (۳۳:۵۳)
برمرداشتاران[3] ۱، پایندگان ۲، چشم دارندگان ۳۹، پایندگان ۹۴

نَاعِمَةٌ: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (۸۸:۸)
شادان و نازان ۲، نیکو ۲۴، نازک ۲۹، نازان و شادان ۳۰، تازه ۴۸، نازنده ۶۱، تر وتازه ۷۹، شادمان ۸۷، نازان ۸۹، روشن و تابان ۱۳۹

نافقوا: وَلِيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُوا۟ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا۟ (۳:۱۶۷)

---

۱. پنک: موی پیشانی.
۲. برمرداشتار: نگرنده و گوش دارنده.
۳. برمرداشتاران: چشم دارندگان و نگرندگان.

دورویگی کردند ٣، دُورُوِیِي کَردَند ٥٥، دوری نمودند ١٢٢

~: أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نَافَقُواْ يَقُولُونَ لِإِخۡوَٰنِهِمُ (٥٩:١١)
دُو سَرَگی کردند ٢، دورویی کردند ٣، دوروی کردند ٣٩، دُورُوی کَردند ٤٢، دورو می گردند ١٠٥، دوسرگی کردند ١٠٨، دوری کردند ١٢١

نَافِلَةً: وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةً لَّكَ (١٧:٧٩)
أفزُونِي ٢، افزونی ٣، نماز شب افزونی ٢٩، اَفزُونی ٥٥، نماز شب ١١١

~: وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ نَافِلَةً (٢١:٧٢)
أفزُونی ٢، افزونی ـ نبیره ٣، نوه ٤١، پسرپسر ٥٢، اَفْزونی ٥٣، فرزندان فرزندان ٥٦، نبسه ٦٩، نبیری ٧٦، فرزند فرزند ٧٩، افزونی ـ نبهره نبیره ٨٠، فزونی ٩٤، فرزند فرزندی ١١٣، نه بیره ١٢٤، زیادی ١٢٦

ٱلنَّاقَةُ: هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗۖ فَذَرُوهَا (٧:٧٣)
مَاده اشتر ٢، اشتُر ١٠

~: وَيَٰقَوۡمِ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗ فَذَرُوهَا (١١:٦٤)
ماده اِشتُر ٢، مَادَه شُتُر ٥٥، مَاده شتر ٦١، شتُر ٧٦

~: وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَا (١٧:٥٩)
ماده شتر ٣، شُتَرِ مادَه ٥٣، مَادَه شِتر ٥٥، اشتری ماده ٧٤

~: هَٰذِهِۦ نَاقَةٞ لَّهَا شِرۡبٞ وَلَكُمۡ شِرۡبُ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ (٢٦:١٥٥)
وشتر ١، اِشتر ٢، اشترماده ٣٤

~: إِنَّا مُرۡسِلُواْ ٱلنَّاقَةِ فِتۡنَةٗ لَّهُمۡ فَٱرۡتَقِبۡهُمۡ وَٱصۡطَبِرۡ (٥٤:٢٧)
ماده اشتر ٢، شُتر ماده ٨١، شترماده ٩٠

~: فَقَالَ لَهُمۡ رَسُولُ ٱللَّهِ نَاقَةَ ٱللَّهِ وَسُقۡيَٰهَا (٩١:١٣)
شتر ٢٤

لَنَاكِبُونَ: عَنِ ٱلصِّرَٰطِ لَنَٰكِبُونَ (٢٣:٧٤)
گشتاران ١، برگشتگان ٣، برگردیده ٢٤، هاگرده ٢٩، برگردندگان ٣٠، برمی گردند ٤١، بیکسون شوندگان ٤٣، بچسبیده‌اند ٤٧، بگشته ٥٣، بچسبند ٥٤، بازخزندگان ٥٦، گردندگان برگشته ٥٨، همی شتابند ٦١، گشتگان ٦٤، بچسبند بجای دیگر ٧٦، بگردندگان ٧٩، برگشته گان ٨٠، کرانه شوند ٩٠، سرگشتگان ٩١، بیک سو رفته ٩٥، همی بتابند ١٠٨، گردنده گان ١٠٩، بگردانندگان ١١٣، گردیدگان ١١٩، گردندگان بگمراهی ١٢٠، گردانندگان ١٢٦، بیکسو رفته ١٢٨، بگشته‌اند ١٣٩

نَاكِسُوا: وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلۡمُجۡرِمُونَ نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ (٣٢:١٢)
فرود گرفتاران ١، فروافکنندگان ٣، در پیش افکنده ٢٤، فرود افکنده ٣٠، فروافکنده باشند ٣٤، فرود برنده ٣٩، فروفکننده ٤١، نگوسار کنند ٤٣، فروداندگان ٤٦، فروافکندگان در پیش افکند ٤٧، پیش افکنند ٥٢، فُرُو بُرْدَهْ بَاشَنْد ٥٣، فروافکنده دارند ٥٦، نگونسارکننده ٥٨، فرود آرند ٦١، فرازندگان ٧٢، نگونسار کنند ٧٣، درپیش اندازندگان ٧٩، در پیش افکنده باشند ٨٨، درافکندگان ٩١، فروافکنده‌اند ٩٨، نگونسار گردانیده ١٠٤، در پیش افکنند ١٠٥، سرنگون باشند ١٠٦، فروفکنده (باشند) ١٠٨، فکندگان ١١١، درپیش اندازنده گان ١١٣، در پیش افکندگان ١١٦، نگونسار گردانده ١٣٢، سرنگون کرده شوند ١٣٤، فروآرندگان ١٣٩

ٱلنَّاهُونَ: ٱلۡأٓمِرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱلنَّاهُونَ (٩:١١٢)
واززداران ١، بازدارندگان ٢، باززنندگان ١٣، وادارندگان ٢٩، زنندگان ٣٨، باززد کنندگان ٤٩، باز زَنَنْد گان ٥٣، بازدَارَنْدگان ٥٥

نَأۡتِ: مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ أَوۡ نُنسِهَا نَأۡتِ بِخَيۡرٖ مِّنۡهَآ (٢:١٠٦)

بَیاریم ۲، بیاریم ۳، بیاوریم ۲۹، بیَاریم ۴۲، بیاریم ما ۶۱، آریم ۶۳، آوریم ۸۹، می آریم ۱۱۱، می آوریم ۱۲۲، بیاوردیم ۱۲۸

نُؤْتِهِ: وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا (۳: ۱۴۵)
دهیم ۱، بَدهیم ۲، بدهیم ۳، بدیهیم ۸۲، ما بدهیم ۹۶

~: وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا (۴۲: ۲۰)
دِهیم ۳۲، می دهیم ۳۹، میدهیم ۱۱۴

نُؤْتِهَا: وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا (۳۳: ۳۱)
بدهیم ما ۶۱، بدهیم ۱۱۴

نَأْتِی: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا (۱۳: ۴۱)
می آییم ۱، بیاریم ۳۹، گیریم ۴۲، همی آریم ۵۳، فروگیریم ۹۴، همی گیریم ۹۶، آئیم ۱۱۴، همی فراگیریم ۱۲۸

~: أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا (۲۱: ۴۴)
همی اندر آریم ۲، می آریم ۱۲، می آئیم ۲۹، اندر آریم ۳۰، بیاَئیم ۴۳، می آییم ۵۶، می گیریم ۵۸، همی اندر آئیم ۶۱، می آئیم ۱۰۰

نُؤْتَی: حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ (۶: ۱۲۴)
داده شیم ۱، بدهنْد بما ۲، داده شویم ۳، دهَند ما ۱۰، دَهَنْد ما را ۵۳، بدهند ما را ۶۰، داده شود ۹۴، داده شود ما را ۱۱۲

نَأْتِيَكُمْ: وَمَا كَانَ لَنَا أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَانٍ (۱۴: ۱۱)
بیاریم ۲، آریم ۵، آوریم ۲۹، بیاریم ۵۸، بیاریم ما ۶۱، بیاوریم ۱۱۱

فَلَنَأْتِيَنَّكَ: فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا (۲۰: ۵۸)
آریم ۱، بیاریم ۲، بیارم ۶۱، آوریم ۱۰۰، بیاریم ما

۱۲۳

فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ: فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا (۲۷: ۳۷)
آریم ۱، بیاَئیم ۴۳، بیاریم ۵۳، بیایم ۵۸، مَا آریم ۷۶، آوریم ۱۰۰، هر آینه بریم ۱۲۱، آیبم ۱۳۲، ما بیاریم ۱۳۹

نُؤْتِيهِ: فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۴: ۷۴)
بدهیم ۲، بدهیم ۱۰

~: فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۴: ۱۱۴)
دهیم ۱، بدهیم ۲، بدهیم ما ۶۱، بدهم ۱۳۸

سَنُؤْتِيهِمْ: وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (۴: ۱۶۲)
دهیم ۱، بدهیم ۲، بدهیم ۴۵، بدهیم ما ۱۰۴

نُؤْثِرَكَ: قَالُوا لَن نُّؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ (۲۰: ۷۲)
گزینیم ۳۶، برگزینم ۴۳

★ لَنْ نُؤْثِرَكَ: قَالُوا لَن نُّؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ (۲۰: ۷۲)
بنگزینیم ۱، نگزینیم ۲، هرگز نه برگزینیم ۳، ما نگزینیم ۲۴، هرگز نگزینیم ۳۰، هرگز نگزینم ۴۱، ما نگزینیم ۴۲، نه برگزیدیم ۵۶، نگزیدیم ۶۱، هرگز برنگیریم ۸۷، برنگزینیم ۱۰۳، هرگز برنگزینیم ۱۰۹، برنگزینم ۱۱۷، هرگز برنگزینم ۱۲۲، نه گزینیم ما ۱۲۴، برنگزیدیم ۱۲۶، نه گزینیم ۱۲۹

نَأْخُذَ: قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ (۱۲: ۷۹)
گیریم ۱، بگیریم ۵، فراگیریم ۲۹، بگیریم ما ۶۱

★ أَنْ نَأْخُذَ: قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ (۱۲: ۷۹)
فرانگیریم ۱۰۰، نگیریم ما ۱۲۴

نُؤَخِّرُهُ: وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ (۱۱: ۱۰۴)

بازپس می افکنیم ۳، بازپس افکنیم ۳۰، بازپس داریم ۷۵، بازداریم ۱۲۴، بازپس میداریم ۱۲۶، پس داریم ۱۲۹

★ مَانُؤَخِّرُهُ: وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ (۱۱:۱۰۴)
پس نکنیم ۱، سپس همی نداریم ۲، واپس نداشتیم ۲۴، واپس نمی داریم ما ۲۹، پس نمی کنیم ۳۹، باپس نداریم ۵۲، باشْپَسْ نمی افکَنیمَش ۵۵، بازپس نمی داریم ۵۶، باپس نمی داریم ۵۷، وانمی گذاریم ۵۹، واپس نمی داریم ۷۹، از پس نداریم ۹۴، ما باپس نمی داریم ۹۵، پس همی نداریم ۹۶، پس نمیداریم ۱۰۲، بازپس نمیداریم ۱۰۴، واپس نداریم ۱۰۹، بازپس نداریم ۱۲۱

نَأْكُلَ: قَالُوا نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا (۵:۱۱۳)
بخوریم ۱، بخُوریم ۲، خوریم ۳۰، بخوریم ما ۶۱

نُؤْمِنُ: قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ (۲:۱۳)
گرَویدِیم ۵۵، ما بگرویدیم ۶۴، ما همی بگرویم ۹۴

~: قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ (۲:۹۱)
گرویم ۳، بگرویم ما ٤، ما بَبرویم ۱۰، ایمان آوردیم ۲۹، ما برویده ایم ٤۰، ما بگرویم ٤۲، گرویده ایم ٦٤، استوار داریم و گرویم ۸۰، بگرویدیم ما ۱۰۰، گرویده ایم ۱۲۳

~: إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ (۳:۱۸۳)
راست گوی داریم ۳

~: وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ (٤:۱۵۰)
بگرویم ۱، بگرویم ۲، می گرویم ۳، ببرویم ۱۰، بگرویدیم ۷۵، بمی گرویم ۸۹، میگرویم ۱۱۱

~: قُل لَّا تَعْتَذِرُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ (۹:۹٤)
استوار داریم ما ۱۲٤

~: وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنبُوعًا (۱۷:۹۰)
اُستوار دَاریم ۵۵

~: وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهُ (۱۷:۹۳)
استوار داریم ۳۰

~: فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (۲۳:٤۷)
راست گر گیریم ۱، مَا بگرویم ۲، راست گوی گیریم ۵۸، استوار خواهیم داشت ٦٤، راست گو گیریم ۷۷

~: قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ (۲٦:۱۱۱)
باور کنیم ۲٤، همی بگرویم ۳۸، باور داریم ٤۷، بگرویم و استوار داریم ۵۸، استوار خواهم داشت ٦٤، ما باور داریم ۷٦، براست داریم ۸۹، باَور داریم ۱۰۰

★ لَا نُؤْمِنُ: إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ (۳:۱۸۳)
نه داریم اِستُوارْ ۲، باور نداریم ۱۰، بمگروی ۲٤، نگرویم ۲۷، استوار نَداریم ٤۲، استوار نداریم ۵۲، نه گرویم ما ٦۱، براست نداریم ٦۳، نه گرویم هیچ ۹۲، برآست نداریم ۱۰۰

~: وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ (۵:۸٤)
نمی گرویم ۱، نه گرویم ۹، نگرویم ۲۹، نمی گرویم ۵۸، نمی گرویم ما ٦۱، بنگرویدیم ٦۳، نگرویدیم ٦٤، بنگرویم ۱۰۰

★ لَن نُّؤْمِنَ: وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ (۲:۵۵)
اِستُوار نداریم ۲، هرگز راست گوي نداریم ۳، مَا باور نداریم ۱۰، هرگز باور نداریم ۲۹، استوار نَداریم ٤۲، نه باور داریم ۵۳، باوَر نداریم ٦۰، باَور نداریم ٦۲، هرگز نه گرویم ۹۰، هرگز باور نکنیم ما ۱۰۲

~: قَالُوا لَن نُّؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ (۱۲۴:۶)
نگرویم ۱، هرگز نگرویم ۳، ما بنه خواهیم برویدن ۱۰، ما نگرویم ۲۷، هرگز نه گرویم ما ۶۱، نگرویم و استوار نداریم ۶۴، نمیگرویم ۱۱۴، ما نگروید یم ۱۲۴

~: قُل لَّا تَعْتَذِرُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ (۹۴:۹)
راست گر نگیریم ۱، نه استوار ۱۳، ندارم باور ۲۴، هرگز باور ندارم ۴۱، هرگز استوار ندارم ۵۸، براست نداریم ۶۳، براست نداریم ما ۹۳، استوار ندارم ۱۰۵، باور نمیکنیم ۱۲۰

~: وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنبُوعًا (۹۰:۱۷)
هرگز نه راست گوی داریم ۳، استوار نداریم ۵۲، هرگز نه اُستُوار داریم ۵۵، هرگز نگرویم و راست گوی نداریم ۵۸، باور نداریم ۷۶، هرگز باور ند آریم ۱۰۰

~: وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهُ (۹۳:۱۷)
هرگز نه استوار داریم ۳، هرگز استوار نداریم ۵۸، بنوگرویم ۵۹، راست گوی نکنیم ۶۷

~: وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَٰذَا الْقُرْآنِ (۳۱:۳۴)
نه گرویم ۲۲، نگرویم ۳۹، نگروید یم ۴۱، هرگز نگرویم ما ۵۶، هرگز نگرویم ۷۴، هرگز مگروید یم ۸۷، بنگرویم ۱۰۰، نگرویم هرگز ۱۱۴

لَنُؤْمِنَنَّ: لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ (۱۳۴:۷)
راست کر گیریم ۱، باور داریم ۱۰، بگرویم و راست گوی داریم ۲۷، استوار داریم ۴۲، بگرویم ۴۵، بگرویم ما ۶۱، بِگرویم ۶۲، راست گوی داریم هر آینه هر آینه ۹۱، گرویم ۱۱۴

نَأَى: وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ (۸۳:۱۷)
دُورْ برد ۲، دورافکند ۳، برود ۲۴، دور کند ۲۹، یک سو کند ۳۹، دوربرد ۵۲، دُورْ افکند ۵۵، دور شد ۵۶، برگرداند ۵۷، بازشود ۵۹، بازگشت ۶۱، دوری کرد ۶۴، یکسو کند ۶۹، از یک سوی کنند ۷۲، دور بکند ۹۳، دربرد ۱۰۵، دورگرداند ۱۱۱، کرانه بگیرد ۱۳۱، بکرانی آید ۱۳۳، دور شوید ۱۳۷

~: وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ (۵۱:۴۱)
دور شهد ۱، بیک سُو شود ۲، بیک سو شوند ۱۶، بیکسواشود ۲۲، دور شود ۲۴، یکسو برد ۳۰، دور افکند ۳۲، دور ببرد ۳۴، یکسو شود ۴۱، بَرْگَرْدَدْ و از یک سو شود ۵۳، دُور شود ۵۶، دور شوند ۶۱، دور گشت ۸۱، یک سو شود ۹۴، خود را بکنار اندازد و دور شود ۱۱۱، دورافکنده ۱۱۷، دورگردانید ۱۲۰، بیک سو برد ۱۲۴

نَبَاتُ: فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ (۹۹:۶)
رُسْتَن ۲، کشت و رُست ۱۰، رستن ۱۰ مکرّر، رستن یا گیاه ۳۰، رستمانی ۴۴، رُسْتن یَا گیاه ۵۵، گیاه رستن ۵۶، برآمدن ۵۸، گیاه و رستن ۶۱، رُستن ۸۸، روینده ۹۲، روئید نیها و رستنیها ۱۱۱، دانه ۱۱۵

~: فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ (۲۴:۱۰)
گیاه ۳، گِیا و کشت و درختان وُ میوها و ترها ۱۰، گیای رسته ۲۷، گِیاه ۵۵، آنچه برآید ۵۸، رستنی ۹۲، رستهآ ۱۰۰

~: فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ (۴۵:۱۸)
گیا ۲، کشتهاء زمین ۴۴، برآید ۵۳، روئیدنی ۱۳۲

~: فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ (۵۳:۲۰)
رسته ۲۹، گیاهها ۴۲، آنچه روید ۸۶، رستنیها ۸۸، رستها ۹۲، رستنها ۱۳۰، رویندها ۱۳۲

نَبَاتًا: فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا (۳۷:۳)
پروردن ۳، بالَنديدَن ۱۰، پروردن ۲۴، برآوردن

۲۷، رویانیدن ۲۸، بالیدن ۴۰، رُویانیدَن ۴۲، رستن ۶۱، پرورانیده ۶۳، پرورانیدن ۶۷، بَراوردَن ۱۳۸

~: وَٱللَّهُ أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷:۷۱)
ورآوردن ۱، رُویانیدن ۲، رویانیدن ۳، رستنی ۱۹، برویانیدن ۲۴، برریانیدن ۸۹، رُستنی ۱۰۵، رسته ۱۰۶، روئیدن ۱۱۱، رستنها ۱۳۸

~: لِّنُخْرِجَ بِهِۦ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵:۷۸)
گیا ۲، گیاه ۳، کشتها ۴۱، گیا ۱۰۸، گیاهها ۱۳۶

نَبَاتُهُ: وَٱلْبَلَدُ ٱلطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُۥ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ (۷:۵۸)
کِشتُ و برز ۱۰، گیا ۱۰ مکرّر، کِشت و رست ۲۷، رسته ۸۹، کشته ۹۰، گیاه، رستن، بَر ۱۰۹

~: كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ ٱلْكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ (۵۷:۲۰)
رُستن ۲، گیاه ۳، رستن ۲۹، رستنی ۵۱، برریانیدن ۸۱، رویاند ۱۱۳، روئیدگی ۱۳۱، روییدن ۱۳۲

نَبِّئْ: نَبِّئْ عِبَادِىٓ أَنِّىٓ أَنَا ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ (۱۵:۴۹)
آگه کن ۱، آگاه کن ۲۴، آگاهی ده ۴۲، آگاه کُن ۵۳، بیاگاهان ۵۹، بیاگاهان ۶۱

نَبَإِ: وَلَقَدْ جَآءَكَ مِن نَّبَإِى۟ ٱلْمُرْسَلِينَ (۶:۳۴)
آگاهی ۲

~: أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ (۹:۷۰)
آگاهی ۹۴

~: وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ (۱۰:۷۱)
آگاهی ۲، خبر ۱۳

نَبَّأَتْ: فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِۦ وَأَظْهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيْهِ (۶۶:۳)
آگه کرد ۱، آگاهی داد ۲، آگاه کرد ۳، آگاهی یافت ۳۰، بیاگاهانید ۶۱، آگاه شد ۹۴، آگاه گردانید ۱۰۴، آگاه گردید ۱۳۶

نَبَّأْتُكُمَا: قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِۦٓ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِۦ (۱۲:۳۷)
آگاه کُنَمْ ۵۳، آگاهانم ۶۱، اگاه کنم ۶۹، بیاگاهانم ۷۹، آگاهی دهم ۹۲، آگاه گردانم ۱۲۲

نَبَّأَنَا: قَدْ نَبَّأَنَا ٱللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ (۹:۹۴)
آگه کرد ۱، آگاهی داد ۲، آگاه کرد ۲۴، بیاگاهانید ۳۴، آگاه کَرد ۵۵، آگاهانید ۶۱، آگاه ساخته ۱۲۲، آگاهی داده است ۱۲۸

نَبِّئْنَا: نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِۦٓ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ (۱۲:۳۶)
آگه کن ۱، آگاهي ده ۲، آگاه کن ۲۴، بیاگاهان ۶۱، آگاهی ده ۹۴

نَبَّأَنِىَ: قَالَتْ مَنْ أَنۢبَأَكَ هَٰذَا ۖ قَالَ نَبَّأَنِىَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْخَبِيرُ (۶۶:۳)
آگه کرد ۱، بَیاگاهانید ۴۲، بیاگاهانید ۷۹، آگاه کرد ۸۰، آگاهانید ۱۰۰

نَبَّأَهَا: فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِۦ قَالَتْ مَنْ أَنۢبَأَكَ هَٰذَا (۶۶:۳)
آگاه شد ۱۰۵، آگاه کرد ۱۱۴

نَبَأَهُم: نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِٱلْحَقِّ (۱۸:۱۳)
آگاهی ۱۰۸

نَبِّئْهُمْ: وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَٰهِيمَ (۱۵:۵۱)
آگاهي ده آگاه کُن ۵۵، بیاگان ۱۱۳

~: وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ ٱلْمَآءَ قِسْمَةٌۢ بَيْنَهُمْ ۖ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ (۵۴:۲۸)
آگاه کن ۳، بیاگاهان ۳۰، بیاگاه ۳۹، اگاهی ده ۵۳، آگاهی ده ۶۴، یاد کارها ۷۸، آگاه گردان ۱۰۳

نَبِّـُٔونِى: نَبِّـُٔونِى بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۶:۱۴۳)
اگه کنید ۱، بگویَید ۱۰، آگاه کنی ۲۴، آگاهی دهیت ۲۷، آگاه کنیت ۳۰، آگاهی دهید ۵۲، آگاه کنید ۵۳، بیاگاهانید ۶۱، بیاگانید ۱۰۲، آگاهانید ۱۲۳

نَبْتَغِى: سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ (۲۸:۵۵)

جوییم ۳، می جوییم ما ۶۲

لا نَبْتَغِی: سَلَٰمٌ عَلَیْکُمْ لَا نَبْتَغِی ٱلْجَٰهِلِینَ (۲۸: ۵۵)
نجوییم ۲۴، ما نمی جوییم ۲۹ نمی جوئیم ۳۹، نجوییم ما ۴۲، نجوئیم ۴۳، نه همی جوییم ۵۳، نخواهیم ۶۱، نمی جوییم ۷۶، نمیجوییم ۱۰۳، نمیخواهیم ما ۱۰۴، نمیخواهیم ۱۱۱، نخواهیم ۱۲۱

نَبْتَلِیهِ: إِنَّا خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِیهِ (۲:۷۶)
می آزماییم ۱، آزموده گردانیم ۲، بیازماییم ۶، بیازمودیم ۳۰، آزموده کنیم ۳۴، آزموده کردیم ۳۸، بیازمائیم ۴۳، آزمودیم ۹۲، می آزمائیم ۱۰۰، آزمون کنیم ۱۰۲، آزموده گردانیدیم ۱۰۸، آزمون همیکنیم ۱۰۹، آزمایش کنیم ۱۱۱

نَبْتَهِلْ: ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰذِبِینَ (۶۱:۳)
زاری کنیم ۳، سته[1] خوانیم بر یک دیگر ۱۰، سنه[1] خوانیم یک دیگر را ۴۰، زاری کنیم بخدای ۴۱، زاری کنیم ما ۹۹، زاری نماییم ۱۲۲، کم[2] و زاری کنیم ۱۲۸، نفرین کنیم ۱۳۶، بزاری ۱۳۸

نُبَدِّلَ: عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَٰلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِی مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۱:۵۶)
بیافریدیم ۶۴، بجای نهیم ۱۰۹، دیگر کنیم ۱۱۴

~: عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَیْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِینَ (۴۱:۷۰)
گردانیم ۳، دیگر گردانیم ۱۱۴

نَبَذَ: نَبَذَ فَرِیقٌ مِّنَ ٱلَّذِینَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ (۱۰۱:۲)
انداخت ۳، بینداخت ٤، بیَنداخت ۱۰، دست بداشتند ۲۴، بازافکند ۲۹، بینداختند ۴۰، بیفکنَد ند ۴۲، بیفکنند ۴۸، بیفکند ند ۵۲، آنداخت ۵۵، بیندازد ۵۷، بیفکند ۷۶، افکند ۸۰، بشد ۹۰، می انداخت ۱۱۲، افکندند ۱۳۰

لَنُبِذَ: لَّوْلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ لَنُبِذَ بِٱلْعَرَآءِ (۶۸: ۴۹)
انداخته شدی ۱، انداخته شد ۳، بینداختیمی ما ۱۹، بینداختندی ۲۹، بینداختند او را ۳۹، بینداختمی ما ۵٤، بیرون انداخته شدی ٦٤، افکنده شدی ۱۰۳، انداختندی ۱۰۵، فکنده شدی ۱۳۲

فَنَبَذْتُهَا: فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا (۹۶:۲۰)
بینداختم ۱، انداختم ۳، پراکندم ۲٤، بیفکندم ۳۶، درانداختم ٤۱، بینداختیم ۵۲، بیَنداختیم ۵۳، درافکندم ۵٦، بدمیدیم ۵۸، انداختم ۸۰، فکندم ۸٦، من انداختم ۹٦، افکندم ۱۱۱

فَنَبَذْنَاهُ: فَنَبَذْنَٰهُ بِٱلْعَرَآءِ وَهُوَ سَقِیمٌ (۳۷: ۱۴۵)
بینداختیم ۱، انداختیم ۳، برافکندیم ۲٤، بیرون فکندیم ۳۳، بینداخت ۳۸، بینداختم ٤۲، انداختیم ما ۵۸، بینداختیم ما ٦٤، بیفکندیم ۸۱، افکندیم ۱۳۲، بیرون افکندیم ۱۳٦

فَنَبَذْنَاهُمْ: فَأَخَذْنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذْنَٰهُمْ فِی ٱلْیَمِّ (۴۰:۲۸)
بیَنداختیم ۲، درافکندیم ۲۱، اندر افکندیم ۲٤، بیفکندیم ٤۲، افکندیم ما ٤٦، بنَداختیم ۵۳، بینداختیم ما ۵۸، فکندیم ۸٦، دربردیم ۹٦، انداختیم ما ۱۰۰، بینْداختیم ۱۰۸

~: فَأَخَذْنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذْنَٰهُمْ فِی ٱلْیَمِّ وَهُوَ مُلِیمٌ (۵۱: ۴۰)
انداختیم ۱، أندرافکندیم ۲، درانداختیم ٤۱، بیفکندیم ما ٦٤، افکندیم ۱۲٦

نَبَذَهُ: أَوَكُلَّمَا عَٰهَدُوا۟ عَهْدًا نَّبَذَهُۥ فَرِیقٌ مِّنْهُم (۱۰۰:۲)

---

۱. سنه: لعنت و نفرین و دعای بد.
۲. کم: پریشانی.

بُـوایـسـت انـداخـت ۱۰، دسـت بـداشـتـی ۲٤، بینداختند - بیفکندند ۳٤، بوایست انداخت - ابوایست شکست ٤۰، پیدا کند ٤۲، بینداخت ٤۳، بیندازند ٤۸، بیفکند ۵۳، بیندازد ۵۹، انداخت ٦۱، بیفکنند ٦۲، افکند ۹۱، بیند آخت ۹٤، انداختند ۱۰۰، بشکنند ۱۰۲، بشکست ۱۱۲، شکستند ۱۱٦، بشکستند ۱۲۳، افکندی ۱۲۸، واپس افکنند ۱۳٦، بازشکافند ۱۳۸

فَنَبَذُوهُ: فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (۳: ۱۸۷)

بینداختند ۱، بینداختنْد ۲، انداختند ۳، بینداختَند ۲۳، دست بداشتند ۲٤، ایشان بینداختند ۲۷، بازانداختند ۲۹، بیَفکندَند ٤۲، فروگذاشتند ٦٤، بینداختن ۷٦، افکندند ۱۰۲، فکندند ۱۰٤، بیفکندند ۱۰۵، بیند آختند ۱۳۰

نَبْرَأَهَا: مَا أَصَابَ ... إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا (۵۷: ۲۲)

آفرینیم ۳، ما بیافریدیم ۲۹، بیافریدیم ۳۰، بیافرید ٤۱، بیزار شویم ٦۱، بیافرینیم ۷۹، آفریدم ۹٤، آفریدیم ۱۰٤، آفریدیم ما ۱۲٤

نَبْرَحَ: قَالُوا لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ (۲۰: ۹۱)

همیشه بیم ۱، ما همیشه باشیم ۲۹، ما باز بپاییم همواره ۳٤، ما همواره خواهیم بودن ٤۸، همیشه باشیم ۷۹، می باشم ۹٤، هرگز که همیشه باشیم ۱۰۰، پیوسته باشیم ۱۲۳، همیشه ۱۳۸

★ لَنْ نَبْرَحَ: قَالُوا لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ (۲۰: ۹۱)

زاستر نشویم ۲، زاستر نشوی ۳۰، هرگز برنخیزیم ٤۱، نجنبیم ٤۲، نجنبیم ازینجا ۵۲، هرگز دور نشویم ۵۸، بازنگردیم ٦۲، هرگز گردانیده نشویم ۷۲، هرگز نشویم ۸۷، همیشه باشیم هرگز برنگردیم ۱۰۹، نمیرویم و همیشه هستیم ۱۱۱، نه باز شویم ما ۱۲٤

نُبَشِّرُكَ: قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۱۵: ۵۳)

می میزدک بریم[1] ۱، مژده می دهیم ۲۹، مژدَهْ دهیم ۵۳، مُژدَه مِی دِهیم ۵۵، مژده دهیم ما ٦۱، مژده میدهیم ۷٤، همی مژده دهیم ۹٤، مژده میدهیم ۱۲۱

~: يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ (۱۹: ۷)

همی مُژده دهیم ۲، مژدگان دهیم ۲٤، مژده دهیم ۳۹، شاد کنیم ۵۲، مژده میدهیم ما ٦۱

نَبْطِشُ: يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ (٤٤: ۱٦)

بگیریم ۲، گیریم ۳، سخت بگیریم ۲۹، گیریم ۳۲، زخم آهنجیم ٤٤، فراگیریم ۸۹، بگیریم ما ۱۰۲

نَبْعَثُ: وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا (۱٦: ۸٤)

بفرستیم ۱، برانگیزنم ۲، برانگیزیم ۳، زنده گردانیم ۲۹، برانگیزم ۵۷، زنده کنیم ۵۸، برانگیزیم ما ٦۱، بیرون آریم ٦٤، برانگیزایم ۹٦، برنگیزیم ۱۱٦، بفرستیم ما ۱۲٤، برانگیزانم ۱۳۰

~: وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا (۱٦: ۸۹)

برانگیزانیم ۳۸، بَرانگیزیم ۵۳، بِفرستادِیم ٦۲، برانگیزیم ۱۲٦

~: وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا (۱۷: ۱۵)

فرستیم ۳۰، بفرستادیم ۹٦

★ حَتَّى نَبْعَثَ: وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا (۱۷: ۱۵)

تا نفرستیم ۲٤

نَبْغِ: قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا (۱۸: ٦٤)

۱. میزدک بریم: مژده دهیم.

می جوییم ٢٤، ما میجوییم ٤٢، میجوییم ٩٣

★ كُنَّا نَبْغِ: قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا قَصَصًا (٦٤:١٨)

می جستیم ٨، جستیم ٣٠، ما می جستیم ٣٤، همی جستیم ٣٩، می جُستیم ٥٦، میجُستیم ما ٦١، ما جستیم ٩٦، ما همی جستیم ١٢٨، میجستیم ١٣٢

نَبْغِي: قَالُوا۟ يَٰٓأَبَانَا مَا نَبْغِى هَٰذِهِۦ بِضَٰعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا (٦٥:١٢)

جوییم ٤٢، همی جوییم ٥٣، می جوییم ما ٥٦، می خواهی ٥٧، میجوییم ٦١، جوئیم ١١٢، همی جوئیم ١٢٨

★ مَا نَبْغِي: قَالُوا۟ يَٰٓأَبَانَا مَا نَبْغِى هَٰذِهِۦ بِضَٰعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا (٦٥:١٢)

ستم نکنیم ٢، ما دروغ زن نه‌ایم ٢٤، گردن کشی نمی کنیم ٥٨، گردنکشی نمیکنیم ٧٤، ستم نمی کنیم ٩١، نمی خواهیم ١١٣، ستم نمیکنیم ما ١٢١

نَبْلُوَا: حَتَّىٰ نَعْلَمَ ٱلْمُجَٰهِدِينَ مِنكُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبْلُوَا۟ أَخْبَارَكُمْ (٣١:٤٧)

بیازماییم ٣، آزموده همی کنیم ٢٢، بیازمائیم ٣٩، آزموده کنیم ٤٧، بیازماید ١٠٠، می آزماییم ١١١، آزمودن کنیم ١١٤، بیا گاهانیم ١٣٤

نَبْلُوكُمْ: وَنَبْلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (٣٥:٢١)

می آزماییم ١، آزمُوده گردانیدیم ٢، آزموده کنیم ١٢، ما بیازماییم ٢٤، بیازماییم ٣٤، می آزمائیم ٣٦، آزموزیم ٤٣، همي ازماییم ٥٣، آزموده می کنیم ٥٨، آزموده گردانیم ٦١، می آزمائیم ٦٤، بیازمایم ٧٦، بیازماییم ما ٩٢، آزمایش کنیم ١١٣، میآزماییم ١٢١، آزمایش میکنیم ١٣٢، بیازمائیم ما ١٣٨

لَنَبْلُوَنَّكُمْ: وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلْأَمْوَٰلِ (١٥٥:٢)

هر آینه آزماییمتان هر آینه هر آینه ٣، بیازمادیم ١٠، آزموده کنیم ٢٩، بیازماییم هر آینه هر آینه ٣٠، ٩١، بیازمائیم ٣٦، آزمایش کنیم ٤٠، آزمودَه گردانیم ٤٢، آزموده گردانیم ٥٢، آزموده گردانیم ٥٣، هَرَاینَه بیَازمَاییمْ هَرَ آینه هَراینه ٥٥، هراینه بیازمایم ٥٦، ما آزموده کنیم ٦٢، هر آینه بیا گاهانم هر آینه ٨٠، آزموده گردانند ٨٢، آزموده کردیم ٩٤، می آزمائیم ١٠٠، می آزمایم ١١١، آزمایش خواهیم کرد ١٢٢، می آزماییم ما ١٢٤

~: وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ ٱلْمُجَٰهِدِينَ مِنكُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ (٣١:٤٧)

می آزماییم ١، بیازماییم ٦، آزمُودَه کنیم ٢٢، همی آزموده کنیم ٤٧، بیازمایم ٨٧، آزمایش نماید ١٠٠

لِنَبْلُوَهُمْ: إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى ٱلْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ (٧:١٨)

بیازماییم ١، بیازمایم ٤٣، بیازمائیم ٥٧، بیزمائیم ٦٤، بیازماایم ٧٦، آزمایش کنیم ١١٣، آزماییم ١١٤، آزموده گردانیم ١٢٨

نَبْلُوهُمْ: كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ (١٦٣:٧)

بیازمودیم ١، می آزماییمشان ٣، آزمایش کردیم ١٠، بیازموده کردیم ٣١، می آزمائیم ٣٦، آزموده کنیم ٣٩، می آزماییم ٤١، بیازمائیم ٥٦، آزمایش می کردیم ٥٧، آزموده می کنیم ٥٨، بیازماییم ما ٦١، بیازمُودیم ٦٢، آزموده میکنیم ٧٤، می آزمودیم ٩٣، آزمایندگان کردیم ٩٦، آزمودیم ١٠٠، آزموده گردانیم ١٢٤، میآزمائیم ١٢٩

لَنُبَوِّئَنَّهُمْ: لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً (٤١:١٦)

جایَ کنیم ١، جای دهیم شان هر آینه هر آینه ٣، فروآریم ٢٤، ما جای سازیم ٢٩، بسازیم ٣٩، جَای دهیم ٥٥، جای دهیم ما ٦١، فروآوریم ٦٢، آرام جای دهیم ٦٤، هر آینه فرود آریم ٧٤، جای دهیم

و فرود آریم ۹۲، بسازیم و فروآریم ۱۰۹، جای دهیم ۱۱۸، هرآینه جای دهیم ۱۲۰

~: لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا (۲۹:٥۸)

جای سازیم ۲، جای دهیم ۳، فرود آریم ۲٤، فروداریم ٦۹، فرود آوریم ۸۸، جای دهیم هرآینه هرآینه ۹۱، جای سازمشان ۹٤، فرود آریم و جای دهیم ۱۳۹

اَلنُّبُوَّةَ: مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ (۳:۷۹)

پیغامبری ۱،، پیغامبری ٥٥، پیغمبری ٦۷

~: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ (٦:۸۹)

پیغامبری ۲، پیغامبری ٥٥، پیغابری ۱۱۰، پادشاهی ۱۱۲

~: وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ (۲۹:۲۷)

پیامبری ٤٦

~: وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ (٤٥:۱٦)

پیغامبری ۳۲

اَلنَّبِيُّ: إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا النَّبِيُّ (۳:٦۸)

فرستاده ٥۸، پیغمبران ۱۰٦

~: وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ (۳:۱٤٦)

پیغمبران ۱۰٦

~: وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّ (۳:۱٦۱)

پیغامبر ۲، پیغمبر ۳٤

~: وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ (٦:۱۱۲)

پیغامبر ۱۰، پیامبر ۱۰ مکرر

~: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ (۷:۱٥۷)

آگاه کننده ۳

~: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّمَن فِي أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَىٰ (۸:۷۰)

پیغامبر ٦۲، پیغامبر آگاه کننده ۸۰

~: مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَن يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ (۹:۱۱۳)

پیغامبر ٥٥

~: وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ (۲۲:٥۲)

آگاهی دهنده ۲، بزرگوار ۲۹، آگاهی دهنده ٦۱

~: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ (۳۳:۱)

آگاه آگاه کننده ٤۱

~: وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ (٤۳:٦)

پیغامبران ۱۲٤

~: وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (٤۳:۷)

پیغامبر ۱

~: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ (٦٥:۱)

پیغمبر بزرگ گردانیده ۱۰۸

~: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ (٦٦:۹)

آگاه دهنده ۳۰

نَبِيًّا: وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا (۳:۳۹)

پیغانبر ۲٥

~: قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (۱۹:۳۰)

پیغامبر ۱

~: وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (۱۹:٤۹)

آگاه کننده ۳، پیغامبران ٥۸

~: إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا (۱۹:٥۱)

آگاهی دهنده ٢، آگاهی دهنده ٣٠، آگاه کرده ٥٨، بزرگ ٧٦، پیغمبر ٨٦، آگاه ١٠٥، فرستاده شده ١١٦

~: وَوَهَبْنَا لَهُ مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيًّا (١٩: ٥٣)

فرستاده ٣٩، پیمبر ٨٦

~: إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا (١٩: ٥٤)

بزرگوار ٤٨، برکشیده آکاهی دهنده ٩٤، برکشیده ١٠٨

~: وَاذْكُرْ فِي الْكِتَٰبِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا (١٩: ٥٦)

آگاه آگاه کنند ٤١

لَنُبَيِّتَنَّهُ: قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ (٢٧: ٤٩)

شوهنگ کنیم ١، شبیخون کُنیم ٢، شبیخون کنیم ٣، شبیخون آریم ٢٩، شبی خون کنیم ٣٠، شبیخون کنید ٤٣، بشب فروگیریم ٤٦، ما شبیخون کنیم ٤٧، شَبیخُون کنیم ٥٣، شبیخون کنم ٦٥، شبی خون بریم ٧٦، شب خون آریم ٧٩، شبیخون آوریم ٨٦، پیدا کنیم ٨٧، شبیخون کنیم هرآینه هرآینه ٩١، شبیخون می کنیم ١٠٣، شبیخون میکنیم ١١١، هرآینه شبیخون کنیم ١٢١، شبیخون بریم ١٢٢، بکشیم ١٣٨، سخون گوئیم ١٣٩

نُبَيِّنُ: انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْأَيَٰتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (٥: ٧٥)

می دیدور کنیم ١، همی پیدا کنم ٢، پیدا می کنیم ٣، پیدا کنیم ١٠ مکرّر، پدید می کنیم ٢٧، پدید کنیم ٣١، پیدا می کُنیم ٤٢، ما پیدا کنیم ٥٧، روشن می کنیم ٦٣، همی پیدا کنیم ٩٤، آشکار کنیم ٩٦، روشن میکنیم ١٠٠، هویدا میکنیم ١١٥، جدا می کنیم ١٢٦

~: ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ (٢٢: ٥)

دیدور کنیم ١، پدید کنم ٢، پدید کنم ٨٧، روشن کنیم ١٠٠

لِنُبَيِّنَهُ: وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (٦: ١٠٥)

دیدور کنیم ١، پدید کُنیم ٢، پیدا کنیم ٣، پدیدار کنیم ١٠، پدید کنم ١٠ مکرّر، پدید کنیم ٢٦، می پدید کنیم ٥٣، آسان کنیم ٧٦، روشن کنیم ٨٥، آشکار کنیم ٩٦، روشن باز کنیم ١٠٦، پیدا کنم ١١٤

نَبِيُّهُمْ: وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا (٢: ٢٤٧)

پیغامبر ١٠، پیامبر ٢٧

النَّبِيُّونَ: يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا (٥: ٤٤)

پیغامبران ١، پیغمبران ٦٧، پیغابران ١١٠

النَّبِيِّينَ: وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ (٢: ٦١)

پیغمبران ٢٩، پیغامبران ٥٥

~: وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ ... وَالنَّبِيِّينَ (٢: ١٧٧)

پیغامبران ٢

~: وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَٰقَ النَّبِيِّينَ لَمَا ءَاتَيْتُكُم (٣: ٨١)

پیغامبران ١، پیغانبران ٢٥

~: فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ (٤: ٦٩)

پیامبران ٢٧

~: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ (١٩: ٥٨)

پیمبران ٨٦

~: وَوُضِعَ الْكِتَٰبُ وَجِاىٓءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ (٣٩: ٦٩)

پیغمبر آن ١٠٠

نَتَبَرَّأَ: وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ (٢: ١٦٧)

بیزار شدیمی ٣، ما بیزاری ستانیمی ١٠، بیزار

شویم ٢٤، بیزاری جوییم ٣٠، ویزار باشیم ٤٠، بیزار گشتیم ٥٣، بیزاری جُوییم ٥٥، بیزار شدیمی ما ٦١، بیزاری کنیم ٦٢، بیزار شدیم ٦٣، بیزاری ستانیم ٦٧، بیزاریم ٧٥، بیزار گشتمی ٧٦، بیزار گشتیمی ٨٢، ما بیزار گشتیمی ٩٤، بیزار می شدیم ١٠٤، بیزار شدمان ١٠٦، بیزار میشدیم ١١١، بیزاری کنیم ما ١٢٤، بیزاری می جوییم ١٣٦

نَتَّبِعُ: قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ (٢:١٧٠)
ما بَدُم رَویم ٢، کار کنیم ٢٤، ما کنیم ٤٠، ما بدم رویم ٤٢، بدُم رویم ٥٣، ما پی روی کنیم ٧٦، بدُم رویم ٩٤، بیرویم ٩٦، پیروی میکنیم ١٠٠، ما پی رویم ١٢٥، پی گیریم ما ١٢٩

~: نُجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ ٱلرُّسُلَ (١٤:٤٤)
پس روی کنیم ١، پَی گیریم ٢، پیروی کنیم ما ٦١، پیروی کنیم ١٠٠، پی روی کنیم ما ١٢٤

~: رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ (٢٠:١٣٤)
پی روی کردیمی ٤١، پی گیری کنیم ٤٢، پی گیری کنم ٥٢، پس روی کردیمی ما ٥٨، بدم رفتیمی ١٠٨

~: لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُوا۟ هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ (٢٦:٤٠)
پی گیریم ٢٩، بدم رویم ٣٠، فراز شویم ما ٤٦، ما پسروی کنیم ٤٧، از پس فراشویم ٥٢، بدم رونْم ٦١، پی روی نماییم ٨٦، از پس فراشویم ١٢٥، پس روی کنم ١٣٨

~: لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ (٢٨:٤٧)
پس روی کردیم ٤٣، پس روی کردیمی ٤٦، پیروی کردیمی ٤٧، پی روی کردمانی ٥٢، پس روی کردمانی ٥٣، ما پس روی کردیمی ٥٨، پیروی کردمانی ١٠٠، پیروی کردیم ١١١، پیروی میکردیم ١١٦، پیروی نماییم ١٣٢، پسروی کردمانیم ١٣٤

~: وَقَالُوٓا۟ إِن نَّتَّبِعِ ٱلْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَآ (٢٨:٥٧)
ما پس روی کنیم ٢١، پی روی کنیم ٤٢، فراز آییم ٤٦، پسروی کنیم ٤٧، پس روی می کنیم ٦٤

~: قَالُوا۟ بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ (٣١:٢١)
پس روی کردیم ما ٦١، پی روی میکنیم ١٠٣، پَسرَوی کنیم ١١٩

نَتَّبِعْكُمْ: ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ (٤٨:١٥)
پس روی کنیم ١، ما پس واشما بیاییم ٦، بدم آییم ٣٠، پی گیریم ٩٦، پیروی کنیم ١٠٠، بدم آئیم ١٠٨

نَتَّبِعُهُۥ: فَقَالُوٓا۟ أَبَشَرًا مِّنَّا وَٰحِدًا نَّتَّبِعُهُۥ (٥٤:٢٤)
پس روی کنیم ١، پَی رویم ٢، سپس رو باشیم ٣٩، پی گیری کنیم ٥٢، پس روی باشیم ٥٦، پس روی می کنیم ٨٠، ما پس روی کنیم ٨١، پیروی کنیم ١٠٠، پی روی کنیم ١٠٣، بدم رویم ١٠٨

نُتْبِعُهُمُ: أَلَمْ نُهْلِكِ ٱلْأَوَّلِينَ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ ٱلْءَاخِرِينَ (٧٧:١٧)
دررسانیم ١، درمی رسانیم ٣، از پس برویم ١٩، از پس اندر آوردیم ٣٩، از پی در آوریم ١٠٦، در آوردیم در پی ١١٣، از پی در آریم ١١٦، در پی ایشان داشتیم ١١٧، از پی در آوردیم ١٣٦

نَتَبَوَّأُ: وَأَوْرَثَنَا ٱلْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ (٣٩:٧٤)
می جای گیریم ١، فرود آییم ٢٤، جای می سازیم ٢٩، جای گیریم ٣٠، جای سازیم ٣٨، جایگاه همی گیریم ٥٣، جای دهیم ٦١، با جای دهیم ٨٨، جا گیریم ٩٠، جای گرفتیم ١٠٠، جای میگیریم ١١١، جای میگیرم ١٢٠، جای میکنیم ١٢١، جای گیریم ما ١٢٤

نَتَجَاوَزُ: وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّـَٔاتِهِمْ فِىٓ أَصْحَٰبِ ٱلْجَنَّةِ (٤٦:١٦)
درمی گذاریم ٣، اندر گذارند ٢٢، درگذرند ٢٩، درگذاردیم ٣٠، درگذاریم ٣٤، درگذرانیم ٧٩، درگذارد ٨١، درگذریم ٨٩، اندر گذاریم ١٠٨

درمیگذریم ۱۲۲، درگذرم ۱۲۶

نَتَّخِذَ: لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْوًا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا (۲۱:۱۷)
گیریم ۱، گرفتیمی ۲۴، فراگرفتمانی ۳۴، فراگیریم ۷۶

~: قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ (۲۵:۱۸)

فراگیریم ۷۶، گرفتیم ۸۶

لَنَتَّخِذَنَّ: قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا (۱۸:۲۱)
برآریم ۲، بکنیم ۴۱، بکنیم ما ۵۸، فراگیریم ۵۹، بگیریم ما ۶۱، برآریم ۷۸، بسازیم هرآینه هرآینه ۹۱، بکنیم و یا برآریم ۹۶، بسازیم ۱۲۱، بگیریم ۱۳۹

نَتَّخِذَهُ: أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا (۱۲:۲۱)

گیریم ۱، بگیریم ۵۳، بگیریم ما ۶۱

~: لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا (۲۸:۹)
فراگیریم ۴۷، بگیرم ۱۳۹

نَتَرَبَّصُ: وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ (۹:۵۲)
می برمرداریم ۱، چشم می داریم ۳، چشم می داریم ۱۰، گوش می داریم ۲۹، چشم می داریم ۵۵، چشم همی داریم ۶۲، چشم میداریم ۶۷، چشم د آریم ۹۴، ما همی چشم داریم ۱۲۸

~: أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ (۵۲:۳۰)
چشم داریم ۲، ما گوش داریم ۲۹، چشم همی داریم ۳۰، گوش داریم ۵۳، راه پای کنیم ۹۶، چشم میداریم ما ۹۹، چشم می داریم ما ۱۲۴

نَتْرُكَ: أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا (۱۱:۸۷)
بهیلیم ۱، بمانیم ۳، دست بداریم ۲۴، ما بگذاریم ۲۹، بگذاریم ۴۱، گذاریم مَا ۴۲، بجای مانیم ۵۲، دست بازداریم ۵۳، بمانیم ۵۵، بگذاریم ماترا ۶۱، یله کنیم ۶۷، رها کنیم ۷۶، گذاریم ۱۰۳، واگذاریم ۱۲۲، واگذاریم ما ۱۲۷

نَتَقَبَّلُ: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا (۴۶:۱۶)
بپذیرفته اند ۲۲، پذرفتیم ۳۰، بپذیرد ۸۱، بپذیریم ۸۹، پذیریم ۱۰۵، به پذیریم ۱۰۸، می پذیریم ۱۲۲، میپذیرم ۱۳۲، پذیرم ۱۳۶

نَتَقْنَا: وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ (۷:۱۷۱)
ورداشتیم ۱، برداشتیم ۲، برکندیم ۳، از بُن و بیخ برکندیم ۱۰، برکندیم ما و برداشتیم ۲۷، برکندیم ما ۲۹، برداشتیم ۳۵، برکندیم ۵۵، برداشتیم ما ۵۸، برداریم ما بازداشتیم ما ۶۱، برافراشتیم ما ۶۳، از بیخ برکندیم ما ۷۹، برکندیم برافراشتیم ۸۹، برکندیم و بجنبانیدیم ۱۰۲، از جای برداشتیم ۱۰۴، کندیم ۱۲۰

نَتَكَلَّمَ: قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَٰذَا (۲۴:۱۶)
سخن گوهیم ۱، سخن گویم ۲۹، سخن گوییم ۳۴، گوئیم ۳۹، سخن گوئیم ۴۳، سخن گوئیم ۵۱، سخن گوئیم ۵۳، سخن گو شویم ۶۷، سخن کنیم ۱۱۶، سخن گوئیم ما ۱۲۴

نَتْلُوا: نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَإِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ (۲۸:۳)
می خوانیم ۱، همی خوانیم ۳۰، برخوانیم ۳۸، همی برخوانیم ۵۳، می برخوانیم ۴۷، میخوانیم ۶۱، می خوانیم ما ۶۴، بخوانیم ۹۶، میخوانم ۱۲۳

نَتْلُوهُ: ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ (۳:۵۸)
می خوانیم ۳، خواندم ۲۴، برخوانیم ۲۵، برمی خوانیم ۲۷، همی خوانیم ۲۹، می خوانم ۳۶،

می فرستیم ۴۰، ما برمی خوانیم ۵۸، میخوانیم ۶۱، بخوانیم ۷۵، برخواندم ۸۸، خواندیم ۱۳۶، می برخوانیم ۱۳۸

نَتْلُوهَا: تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ (۲:۲۵۲)
می خوانیم ۱، همی خُوانیم ۲، می برخوانیم ۲۷، برخواندیم ۳۰، مِی خُوانیم ۴۲، میخوانیم ۴۳، می فرستم ۶۳، میخوآنیم ۱۰۰، می خوانیم ما ۱۲۴، میخوانم ۱۳۰

~: تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ (۳:۱۰۸)
میخوانیم ما ۶۱، برخواندیم ۶۷، خوانیم ۷۶، بخوانیم ما ۹۶

~: تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ (۴۵:۶)
همی خوانیم ۲، همی خوانیم ۲۲، خواندیم ۸۷

نَتَنَزَّلُ: وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ (۱۹:۶٤)
می فرود آییم ۳، ما فرود آئیم ۳۹، فرود بیایم ۴۳، فروایم ۵۳، فرو می آیم ۸۰، فرومانیم ۸۷، فرود آریم ۹۰، فرود آییم ۱۱۴، فرود آئیم ما ۱۲۴

★ مَا نَتَنَزَّلُ: وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ (۱۹:۶٤)
فرود نیایند ۱، ما فُرو نیایِم ۲، ما فرو نیاییم ۳۰، فرو نیاییم ما ۵۶، فرود نیاییم ۵۸، نیاییم فرود ۶۲، فرود نیاریم ۶۷، فرو نیاییم ۷۹، فرود نمی آریم ۸۶، نیاوریم ۱۰۵، فرو نیائیم ۱۲۳، فرود نمی آئیم ما ۱۳۲، ما فرود نیایم ۱۳۹

نَتَوَفَّيَنَّكَ: وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ (۱۰:۴۶)
بمیرانیم ۱، بمیِرانیم ۲، میرانیمت هرآینه هرآینه ۳، بمیرانم ۲۴، جان بستانیم ۲۹، میرانیم هرآینه هرآینه ۳۰، میِرَانیم هَرَاینه هَرَاینَه ۵۵، جان ستانیم ۵۹، جان برداریم ۷۶، بمیرانیم هرآینه هرآینه ۹۱، جان بستآنیم ۱۰۰، گیریم جان ۱۰۹، میرانیم ۱۱۴، بمیرانیدیم ۱۲۱

~: وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ (۱۳:۴۰)
می میرانیم ۴۱، بمیرانیمْ ۵۳، بِمیرانیم ۶۰، جآن بستآنیم ۱۰۰، سپری کنیم هرآینه ۱۰۹

~: فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ (۴۰:۷۷)
بمیرانیم ۵۸، جآن بستانیم ۱۰۰، جان برگیریم ۱۰۲، فراستانیم ۱۰۹، بگیریم ۱۳۲

★ أَلَّا نَتَوَكَّلَ: وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنَا سُبُلَنَا (۱۴:۱۲)
که وستام[1] نمی کنیم ۱، که نسپاریم کار خویش ۹۴

نُثَبِّتُ: مَا نُثَبِّتُ بِهِۦ فُؤَادَكَ (۱۱:۱۲۰)
باستانیم ۱، اِستوار گردانیم ۲، استوار می داریم ۳، ورجای بداریم ۲۹، اُستُوار مِی دَاریم ۵۵، استوار گردانیم ما ۶۱، بیستانیم ۷۲، استوار گردانیدیم ۹۶، زیاده کنیم ۱۱۲، استوار کردم ۱۳۶

~: كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَٰهُ تَرْتِيلًا (۲۵:۳۲)
بداریم سخت ۲، استوار کنیم ۳، برجا بدارد ۲۰، برجای بداریم ۲۹، استوار گردانیم ۳۶، پایدار کنیم ۳۷، پای دار کنیم ۴۲، بستانیم ۴۶، بداریم ۴۷، بیارامد ۵۸، استوار کردیم ۶۹، بداریم ۷۶

نَجَا: وَقَالَ ٱلَّذِى نَجَا مِنْهُمَا وَٱدَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ (۱۲:۴۵)
برست ۱، بَرِسْت ۲، رست ۳، جست و رست ۳۰، رسته بود ۳۶، بُرست ۴۲، رَسْتَه بودند ۵۳، رَسْت ۵۵، برسته بود ۵۶، برهَانید ۶۱، رستگاری یافت ۷۶، بِرَسْت ۹۴، رستگار شد ۱۱۴، رهایی یافته بود ۱۲۲

---

۱. وستام: توکل.

اَلنَّجاة: وَيَـٰقَوْمِ مَالِىٓ أَدْعُوكُمْ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ (۴۰: ۴۱)
رستن ۱، رهایی ۳، رستگاری ۲۹، رهایش ۳۶، رهائی ۱۲۳، راه یافتن ۱۳۰

نُجازِی: ذَٰلِكَ جَزَيْنَـٰهُم بِمَا كَفَرُوا۟ وَهَلْ نُجَـٰزِىٓ إِلَّا ٱلْكَفُورَ (۳۴: ۱۷)
پاداش دهیم ۳، پاداش کرده شوند ۵۶، پاداش داده شوند ۱۱۳، پاداش یابند ۱۱۴، پای داشت دهیم ۱۱۹، پاداش میدهیم ۱۲۰

نَجّاکُم: فَلَمَّا نَجَّىٰكُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ ٱلْإِنسَـٰنُ كَفُورًا (۱۷: ۶۷)
برهاند ۱، رهانید ۳، برهانید ۳۸، بَرَهانَدْ ۵۳، بَرهاند ۶۲، رهاند ۱۰۰

نَجّانا: إِنْ عُدْنَا فِى مِلَّتِكُم بَعْدَ إِذْ نَجَّىٰنَا ٱللَّهُ مِنْهَا (۷: ۸۹)
کبرهانست[1] ۱، بَرهانید ۲، رهانید ۳، برهانید ۱۰، برهاند ۴۵، برهانیده باشد ۴۸، بَرهانید ۵۳، برهانیده است ۹۲

~: فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّـٰلِمِينَ (۲۳: ۲۸)
برهانید ۲

نَجّاهُم: فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (۲۹: ۶۵)
برهاند ۱، رهانید ۳، برهانید ۵۶، برهانیدیم ۶۱

~: فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ (۳۱: ۳۲)
رهانید ۵۸، برهانیم ۸۷، رهاند ۱۱۴، رهانیدیم ۱۲۱، برهانیده‌ایم ۱۳۹

نُجِبْ: رَبَّنَآ أَخِّرْنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ (۱۴: ۴۴)
پاسخ کنیم ۳، پاسخ کنیم ما ۶۱، پاسخ دهیم ۶۴، ما پاسخ کنیم ۸۳، بپذیرم ۱۲۲

* لَمْ نَجِدْ: فَنَسِىَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُۥ عَزْمًا (۲۰: ۱۱۵)
نگندادیم ۱، نیافتیم ۲، نه یافتیم ۳۰، نیافتم ۶۱، نیافتیم ما ۶۴، ما نیافتیم ۱۰۲، نه دیدندیم ۱۱۴

اَلنَّجْدَیْن: وَهَدَيْنَـٰهُ ٱلنَّجْدَيْنِ (۹۰: ۱۰)
دوره ۱، دُوراه ۲، دوراه ۳۶، پستانها ۳۹، دو پستان مادر ۶۷، دو پستان ۸۹، دو سر پستان ۱۱۱، بوستانها ۱۱۴، دو بستان ۱۳۴، دو راه پستان مادر ۱۳۹

نَجْزِی: وَسَنَجْزِى ٱلشَّـٰكِرِينَ (۳: ۱۴۵)
پاداش دهیم ۱، پاداشن دهیم ۲، پاداشت دِهیم ۱۰، دهیم ۴۱، پاد آش دهیم ۹۴

~: وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ (۶: ۸۴)
پاداش کنیم و دهیم ۵۸، پاداش دهیم نیکو ۹۲

~: سَنَجْزِى ٱلَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ ءَايَـٰتِنَا سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ (۶: ۱۵۷)
پاداشت دهیم ۱۰، پاداش کُنیمْ ۵۳، پاداش دهیم ما ۵۸، پاداش دهیم ۶۷، دهیمش پاداش ۱۱۴

~: وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُجْرِمِينَ (۷: ۴۰)
پاداش دَهیم ۶۲، مزد دهیم ۱۱۲، سزا دهیم ۱۲۷

~: وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلظَّـٰلِمِينَ (۷: ۴۱)
پاداشت خواهیم داد ۱۰، پای داش دهیم ۵۷، پاداش میدهم من ۱۲۳

~: وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُفْتَرِينَ (۷: ۱۵۲)
پاداش می دهیم ۳، پاداشت خُواهیم داد ۱۰، پای داشت دهیم ۳۵

~: كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْقَوْمَ ٱلْمُجْرِمِينَ (۱۰: ۱۳)
ما پاداش دهیم ۲۹، پاداش کنیم ما ۵۸

~: وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ (۱۲: ۲۲)
پاداشن دهیم ۲، پَادَاش دَهِیمْ ۵۵، پاداش نهیم ۵۶

---

[1]. کبرهانست / که برهانست.

~: كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلظَّٰلِمِينَ (١٢:٧٥)
پاداشن کنیم ٢

~: وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنۢ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ (٢٠:١٢٧)
پاداش دهم ٨٧، پاداشت دهیم ١٣٨

~: ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ (١٢:٢٨)
پاداش ١١١

~: إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ (٣٧:٨٠)
پاداشت کُنیم ٨١، پاداش میدهیم ١٠٣

~: إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ (٣٧:١٠٥)
پاداشت کُنیم ٨١

~: كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْقَوْمَ ٱلْمُجْرِمِينَ (٤٦:٢٥)
پاداش کنم ٦١

~: نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي مَن شَكَرَ (٥٤:٣٥)
پاداش کنیم ٢، سپاس دهیم ٨٠، پاداش دادیم ١٣٦

لَنَجزِيَنّ: وَلَنَجْزِيَنَّ ٱلَّذِينَ صَبَرُوٓا۟ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (١٦:٩٦)
پای دَاشت دهد ٥٧، پاداش کند ٥٨، پاداشت دهند ٥٩، پاداشت دهیم ٦٣، پاداش دهیم ٧٦

لَنَجزِيَنَّهُمْ: وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (١٦:٩٧)
پاداش دهیم ١، پاداشن دهیم ٢، پای داشت دهیم ٥٧، بدهیم پاداش ٩٢

~: وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ ٱلَّذِي كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (٢٩:٧)
پاداش کنم ٨٧، پاداشت دهیم ١٣٤

~: وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ ٱلَّذِي كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (٤١:٢٧)
پاداش دهیم هر آینه هر آینه ٣، پاداش کنیم ٢٢، هر آینه پاداش دهیم ١٠٣

نَجْزِيهِ: وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّىٓ إِلَٰهٌ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ

نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ (٢١:٢٩)
پاداشن کُنیم ٢، پاداش کنیم ١٢، پاداش دهیم ٥٦، پاداش کنم ٦١، پاد آش کنیم ٩٤، پاداشت دهیم ١١٣، سزا میدهیم ١٣٢

نَجَس: إِنَّمَا ٱلْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا۟ ٱلْمَسْجِدَ ٱلْحَرَامَ (٩:٢٨)
پلید ١، پلید ١٠، پَلید ٥٥

نَجعَلْ: ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰذِبِينَ (٣:٦١)
بکُنیم ٢، کنیم ما ٢٤، بکنیم ٢٧، گوئیم ٢٩، گوییم ٤٠، بر گردانیم ١١٤، بکنیم ما ١٢٤، بگردانیم ١٣٠

~: لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا (١٨:٩٠)
کردیم مَا ٤٢

~: فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰٓ أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (١٨:٩٤)
بکُنیم ٢، نهیم ٣٤، بیرون کنیم ٥٦، گردانیم ٧٦

~: قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَٰنًا (٢٨:٣٥)
کنیم ١، بکردم ٦١، پدید کنیم ٨٦

~: إِذْ تَأْمُرُونَنَآ أَن نَّكْفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُۥٓ أَندَادًا (٣٤:٣٣)
کنیم و گوییم ٥٨، فرا گیریم ١٠٣

~: أَمْ نَجْعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ... أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ كَٱلْفُجَّارِ (٣٨:٢٨)
بکنیم ما ٥٨، کردیم ما ٥٨، کُنیم ٨١، ما کنیم ٨١، میگردانیم ١٠٣، میگردانید یم ١٣٢، بگردانید یم ١٣٦

~: أَفَنَجْعَلُ ٱلْمُسْلِمِينَ كَٱلْمُجْرِمِينَ (٦٨:٣٥)
همی کنیم ٣٨، همی ما کنیم ٥٤، خواهیم گردانید ١٠٣، گردانید یم ١١٤

★ لَمْ نَجْعَلْ: وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن

دُونِهَا سِتْرًا (۹۰:۱۸)
نکرده بودیم ۵۸، نکردیم ما ۶۱، نگردانیده بودیم ۱۱۶، پدید نیاوردیم ۱۳۲

~: اَسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَل لَّهُ مِن قَبْلُ سَمِيًّا (۷:۱۹)
نکردیم ۱، نه کَردیم ما ۶۱، پدید نکردیم ۸۶، نگردانیده ایم ۱۱۱، نیافریده ایم ۱۳۲

~: أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵:۷۷)
نه ما کردیم ۶، نه کردیم ما ۹۲، نه بکردیم ۱۰۰

~: أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶:۷۸)
نه گردانیدیم ۳، نساخته ایم ۱۰۳

~: أَلَمْ نَجْعَل لَّهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۸:۹۰)
نه کردیم ۶۱، نه پدید کردیم ۱۰۰، نه بگردیم ۱۱۱، پدید نکرده ایم ۱۲۰، نگردانید ۱۳۶

★ لَنْ نَجْعَلَ: بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا (۴۸:۱۸)
نکنیم ۱، هرگز نکنیم ما ۵۸، هرگز نگردانیم ما ۶۱، هرگز نکنیم ۹۲، پدید نکنیم ۱۰۰، که ما نکنیم ۱۱۸، که هرگز پدید نیاوریم ۱۳۲

وَلِنَجْعَلَكَ: وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ (۲۵۹:۲)
کنیم ۱، گردانیم ۳، بکنیم ۲۷، بگردانیم ۴۲، ما کنیم ۵۷، کردیم ۶۳، ما گردانیم ۱۰۳، گردانیدیم ۱۰۴

وَلِنَجْعَلَهُ: وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا (۲۱:۱۹)
بکنم ۲، بکنیم ما ۶۱، گردانیم ۸۶

نَجْعَلُهَا: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ (۸۳:۲۸)
بکنیم ما ۴۶، کنیم ـ سازیم ۴۷، ساخته ایم ۷۶، بکنیم ۸۹، کردیم ۱۱۴، کنیم ۱۳۹

~: لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ (۱۲:۶۹)
گردانیم ۱۰۳

نَجْعَلَهُمْ: وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً (۵:۲۸)
کنیم ۱، بکنیم ۲۹، کردیم ما ۵۸، بکنم ۶۱، بگردانیمشان ۶۴، گردانیم ۷۶

نَجْعَلْهُمَا: نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا (۲۹:۴۱)
کنیم ۱، بگردانیم ۱۳۶، بکنیم ۱۳۸

النَّجْمُ: وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (۱۶:۱۶)
ستاره ۱، ستارَه ۵۳، ستارگان ۵۸، ستاره ها ۱۳۶

~: وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۱:۵۳)
پروین ۳

~: وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۶:۵۵)
گیاها ۱، درخت خورد که ساق ندارد ۳۹، گِیاه ۵۱، درخت خرد ۵۶، گیاه ۷۹، گیاه بی ساق ۸۰

★ لَنْ نَجْمَعَ: أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ (۳:۷۵)
بهم نکنیم ۱، گِرد نیاریم ۲، هرگز گرد نکنیم ۳، گرد نکنیم ۶، گرد نه آریم ۳۰، نه فراهم کنیم ۳۹، فراهم نیآریم ۴۳، گرد نیاریم ۵۶، هرگز فراهم نیاریم ۶۴، هرگز فراهم نیاید ۶۷، هرگز فراهم نکنیم ما ۹۲، هرگز فراهم نخواهیم آورد ۱۰۲، فراهم آورده نشود ۱۱۶، هرگز گرد نیاوریم ۱۳۲

نَجِّنَا: وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۸۶:۱۰)
برهان ۱، نگه دار ۷ مکرر، بُرهان ۵۵، برهانمان ۱۱۴

نَجِّنِي: وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۸:۲۶)
برهان ۱، برهان ۲، رهانید ۸۶، بَرهان ۱۱۹

~: رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ (۱۶۹:۲۶)
باز رهان ۶۵، رهایی ده ۱۰۴

~: قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ (۲۱:۲۸)
بَرهان ۲، بَرهان ۱۱٤

~: وَنَجِّنِي مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ (۱۱:٦٦)
گردن آزاد و برهان ۱۰۰، رستگار کن ۱۱٤، رها کن ۱۳۰

نَجْوَاكُمْ: إِذَا نَٰجَيْتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَىٰكُمْ صَدَقَةً (۱۲:٥۸)
راز گفتن ۳۹، راز ۹۰

نَجْوَاهُمْ: لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَىٰهُمْ (۱۱٤:٤)
رازان ۱، رازها، گفتارها ۲، راز کردن ۱۰، رازگویان ٦۹، رآز گفتن ۹٤، بس گفتن ۱۲٤

~: أَلَمْ يَعْلَمُوٓا أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُمْ (۷۸:۹)
راز ۲، رازگفتن ۳، اشکارا ۱۱، آشکار ۳۸، رَاز گُفتن ٥٥، آشکارا رازگفتن ٥٦، رآز ۱۰۰

~: أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم (۸۰:٤۳)
آشکارا ۱٦، پنهان داشتن ۳۹، آنچه ایشان با یکدیگر گویند ٦٤، نهان ۱۰۸، نهانیها ۱۱٤

نَجَوْتَ: قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ (۲٥:۲۸)
برستی ۱، رستی ۲، رستی ۳، برستی تو ۷٦، برستی ۸۸، رهایی یافتی ۱۰۳، رستگاری یافتی ۱۰٦، رهائی یافتی ۱۱٦، رهیدی ۱۲۹

ٱلنُّجُومَ: وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلنُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا (۹۷:٦)
ستارگان ۱، ستاره ۷٥، ستارگآن ۱۰۰

~: وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتٌۢ بِأَمْرِهِۦ (۱۲:۱٦)
سِتارگان ٥٥، سِتارگان ٦۲، ستاره ها ۱۲۹

~: فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي ٱلنُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (۸۸:۳۷)
ستَارها ۸۱

~: وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَٰرَ ٱلنُّجُومِ (٤۹:٥۲)
ستارها ۸۱

ٱلنَّجْوَىٰ: إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰٓ (٤۷:۱۷)
رازان کناران ۱، راز ۲، رازگویند گان ۳، همرازان ۱۰، راز گویند ٤۱، راز همی کنند ٥۳، رَازگُویَند گان ٥٥، راز می گویند ٥۸، راز گفتند ٦۳، راز کنند ۸۸، راز میگویند ۱۱۳

~: فَتَنَٰزَعُوٓا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا ٱلنَّجْوَىٰ (٦۲:۲۰)
رازان ۱، رآز ۱۰۰

~: وَأَسَرُّوا ٱلنَّجْوَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ (۳:۲۱)
راز ۲، رازَها ٥۳، باز گفتن ٦٥

~: مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ (۷:٥۸)
رازان کناری ۱، راز کننده ۳۸، رازگویان ٤۸، رازگوی ۸۸، رازگوینده ۱۰۳

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نُهُوا عَنِ ٱلنَّجْوَىٰ (۸:٥۸)
پنهان گفتن ۳۹، راز گفتن با یکدیگر ۱۰۳

~: إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا (۱۰:٥۸)
رازگفتن ۲، رازکردن ۲٤

نُجِّيَ: فَنُجِّيَ مَن نَّشَآءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ (۱۱۰:۱۲)
رهانیده شد ۱، برهانیم ٥، برهانیدیم ۲٤، رَهَانِیدَه شُد ٥٥، رهانیدیم ٦۳، برَهانِیدیم ۷٦، رهانیم ۱۱٤

نَجِيًّا: فَلَمَّا ٱسْتَيْـَٔسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا (۸۰:۱۲)
رازگویندگان ۳، رازکنندگان ٥، رازگویان ۳۰، پنهان ٥۳، رَازگویُندَگان ٥٥، تنها ٥٦، رازکُنان ٥۷، راز می گفتند ٥۸، براز ۸۳، براز گفتن ۹٤، رازکنان ۱۰۲، راست گوینده ۱۱۳

~: وَنَٰدَيْنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَٰهُ نَجِيًّا (٥۲:۱۹)

هم راز ۱، راز گوینده ۳، راز کردن ۲۴، راز گوی ۳۹، راز گفتن ۴۱، همرازی ۴۲، راز ـ همراز ۴۳، تنها و هم راز ۵۶، سخن گفتن ۱۰۵، همراز ۱۲۶

نَجَّيْنَا: وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ (۱۱:۵۸)

برهانیدیم ۲، رَهانیدیم ۵۵، برهانیدیم ۷۶، برهانیم ۱۱۸

~: فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ (۱۱:۶۶)

برهانستیم ۱

~: وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ (۱۱:۹۴)

بَرهانیدیم ۵۳

~: وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۴۱:۱۸)

رهانیدیم ۳، برهَانیدیم ۲۲

~: وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَٰءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۴۴:۳۰)

برهانیدیم ۲، برهانیدیم مَا ۲۲

نَجَّيْنَاكَ: وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا (۲۰:۴۰)

برهانستیم ۱، بَرهانیدیم ۲، برهانیدیم ۲۴، برهانیدم ۳۰، برهاندیم ۴۳، بَرَهانیدم ۵۳، برهانیدیم ما ۵۸، رهانیدیم ۶۴

نَجَّيْنَاكُمْ: وَإِذْ نَجَّيْنَاكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (۲:۴۹)

رهانیدیم ۳، بَرهَانیدیم ۱۰، برهانیدیم ۲۴، رَهَانیدیم ۵۵، برهانیدیم ما ۸۹، برهانیدم ۹۰

نَجَّيْنَاهُ: فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ (۱۰:۷۳)

برهانستیم ۱، رهانیدم ۳، برهانیدیم ما ۲۴، بَرهَانیدیم ۶۲، رهانیدیم ۸۰، رهایی دادیم ما ۱۰۴

~: فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۲۶:۱۷۰)

برهانیدیم ۲

~: وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۳۷:۷۶)

برهاندیم ۱۰۲

نَجَّيْنَاهُمْ: إِلَّا ءَالَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُم بِسَحَرٍ (۵۴:۳۴)

ما برهانیدیم ۵۱، برهانیدیم ۵۶، رهانیدیم ۱۱۶، برهانیدیم ما ۱۳۸

نَجَّيْنَاهُمَا: وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۳۷:۱۱۵)

برهانیدیم ۳۳، رهانیدیم ۱۱۴، برهانیدیم ما ۱۳۸

نُحَاسٌ: يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ (۵۵:۳۵)

دود ۱، سیاهی و دود ۳۰، دودی بی آتش ۳۵، پارهٔ آتش بی‌دود ۴۱، دُود ۴۲، مس ۴۳، مس گداخته ۴۹، دود بی آتش ۶۷، دود مس ۹۰، مس پاره ۱۰۰، روی و سیاهی ۱۰۸، دود سیاه ۱۱۵، دود سیاه یا روی گداخته ۱۱۶، رویی گداخته ۱۲۲، روی گداخته ۱۳۲

نَحْبَهُ: فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ (۳۳:۲۳)

مرگ ۴۲، زمانه ۵۶، پیمان ۱۰۹

لَنُحَرِّقَنَّهُ: لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (۲۰:۹۷)

بسوزیم ۱، بسوزانیم ۲۴، ما بسوزیم ۲۹، ما بسوزانیم ۳۴، بَسُوزانیم ۵۳، خود بسوزانیم ۶۲، بسوزانمش یا بسوهان سایمش هرآینه هرآینه ۸۰، سوده گردانیم بسوهان ۱۰۴، می‌سوزانیم ۱۲۴، سوزیم ۱۲۸

نَحْسٍ: إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ (۵۴:۱۹)

بداختر ۳، بد ۳۸، شوم ۵۳، سخت بد ۹۴

نَحِسَاتٍ: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ (۴۱:۱۶)

بداختر شوم ۳، قحط گرسنکیها ۱۵، شوم ۵۱، بداختر ۶۱، بد بختان ۱۰۹، ناخجسته ۱۲۶

نَحْشُرُ: يَوْمَ نَحْشُرُ ٱلْمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحْمَٰنِ وَفْدًا (۱۹: ۸۵)
گرد آریم ۲، گرد آریم ٤٤، گرد کنیم ٥٨، برانگیزم ٨٧

~: يَوْمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ وَنَحْشُرُ ٱلْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (۲۰: ۱۰۲)
برداریم ٤١، برانگیزانیم ٥٧، گرد آوریم ٧٤، بانگیزیم ٨٧، فراهم آریم ٩٤، ما گرد آوریم ٩٦، گرداریم ١٠٨، فراهم آوریم ١٣٠

~: وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا (۲۷: ۸۳)
برانگیزیم ٢١، برانگیزیم ما ٤٦، بینگیزیم ٤٧، انگیزم ٥٣، گرد کنم ٨٧، گرد آوریم ١٣٢

لَنَحْشُرَنَّهُمْ: فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَٱلشَّيَٰطِينَ (۱۹: ۶۸)
گرد آریم ٢، گرد کنیم ٢٤، برانگیزیم ٣٩، برانگیزانیم ٤٢، گرد آریم ٤٤، بیرون آریم - برانگیزیم ٥٩، برانگیزم ٨٧، گرداریم ١٢٨، برنگیزیم ١٣٩

نَحْشُرُهُ: وَنَحْشُرُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ أَعْمَىٰ (۲۰: ۱۲۴)
برانگیزیم ٢، برانگیزیم ٢٤، برانگیزم ٥٨، برانگیزانیم ٦٤، زنده کنیمش ١١٤

نَحْشُرُهُمْ: وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوٓا (۶: ۲۲)
گرد آریمشان ٢، گرد کنیمشان ٣، برانگیزیم ٩، گرد کُنیم ٢٧، زنده کنیم ٦٠، گرد آریم ما ٦١، برانگیزم ٦٤، برانگیزیم ما ٩٩، گرد آوریم ما ١٠٤

~: وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا (۱۰: ۲۸)
گرد آریم ٢، برانگیزیم ١٠، گرد آوریم ٤١، برنگیزیم ٥٩، جمع کنیم ٧٩، فراهم آوریم ١٢٠

~: وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا (۱۷: ۹۷)
گرد آریم ٢، برانگیزانیم ٩٤، برانگیزیم ١٠٣، برانگیزانیم ما ١٢٤، فراهم آوردیم ١٣٠

لَنُحْضِرَنَّهُمْ: ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (۱۹: ۶۸)
بجای آریم ٣٠، بجاء آریم ٩٠

نَحْفَظُ: وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ (۱۲: ۶۵)
نگه داریم ١، نگاه داریم ٢، نگاه می داریم ٣، نگاه داریم ما ٦١، ما نِگاه داریم ٧٦، نگهداری کنیم ١٠٠، نگهبانی کنیم ١١١، نگهداریم ١١٤

ٱلنَّحْلِ: وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحْلِ أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا (۱۶: ۶۸)
کوژان انگبین ١، زنبورْ ٢، مگس انگمین ٢٤، منج انگبین ٢٩، کبتان ٣٠، زنبور انگبین ٣٩، زنبوران انگبین کَبْتان ٤٣، مگس انگبین ٤٨، زنبور ٥٢، منج ٥٣، کَبَتان ٥٥، زنبورعسل ٧٤، زنبور انگه ١١١، انگبین ١١٦، ملخ انگبین ١٢٦، مگس عسل ١٢٧

نِحْلَةً: وَءَاتُوا ٱلنِّسَآءَ صَدُقَٰتِهِنَّ نِحْلَةً (۴: ۴)
دادن خُوش ٢، دهش بخوشی ٣، بخوش منشی ١٠، دادن ٢٣، بخومنش ٣٠، دادنی ٣٦، خوش منشی ٤٠، دادَن خُوش ٤٢، خوشی ٤٣، دادن خوش ٥٢، خَوش دلی ٥٥، بدادن بخوشی ٧٢، دهش ٨٠، دادن بخوشی ٨٢، بخوش دلی ٩١، دادنی خوش ٩٨، خوشدلی ١١٤، دهشی ١١٩، دادنی بخوبی ١٢٨، به خوشدلی ١٢٩

وَلْنَحْمِلْ: ٱتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَٰيَٰكُمْ (۲۹: ۱۲)
ورداریم ١، ما بَرداریم ٢، برداریم ٣، ما برداریم ٢٤، ما برگیریم ٢٩، برگیریم ٣٤، برداریم ما ٦١، برد آریم ١٠٠، باید که برداریم ١٠٤، باید برداریم ما ١١١، بازگیریم ١٣٨

نَحْنُ: قَالُوٓا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۲: ۱۱)
ما ٢، ماخود ٢٤

~: قَالُوٓا۟ إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ (١٤:٢)
ما ٩١

~: قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ (١١:١٤)
ایما ١، ایم ما ٩٤

~: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا ٱلذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ (٩:١٥)
اما ٥٧

~: إِنْ هِىَ إِلَّا مَوْتَتُنَا ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ (٣٥:٤٤)
مَا ٣٢

~: ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ ٱلزَّٰرِعُونَ (٦٤:٥٦)
هما ٢٤

★ مَا نَحْنُ: فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (١٣٢:٧)
نیم ایما ١، نباشیم ما ٥٧، نداریم ما ٧٦

لَنَحْنُ: وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْىِۦ وَنُمِيتُ وَنَحْنُ ٱلْوَٰرِثُونَ (٢٣:١٥)
ایماایم ١

~: ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِٱلَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا (٧٠:١٩)
ما ٨٧

وَنَحْنُ: قَالُوٓا۟ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِٱلْمُلْكِ مِنْهُ (٢٤٧:٢)
ایما ١، مَا ٢٧

~: قَالُوٓا۟ إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَآءُ (١٨١:٣)
ما ٢٤

نَحْيَا: إِنْ هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا (٣٧:٢٣)
می زییم ١، بَزییم ٢، زییم ٣، زنده شویم ٢٤، زنده می شویم ٣٦، می زئیم ٣٩، می زییم ٥٨، بزیم ٦١، همی زییم ١٠٩

~: وَقَالُوا۟ مَا هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا (٢٤:٤٥)
بزییم ٢، زنده باشیم ٣٤، می زییم ٣٩، زنده گذاریم ٦٤، زنده میشویم ١١١، زنده گرداند ما را ١٢٤، زنده میکنیم ١٣٠

نُحْيِى: وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْىِۦ وَنُمِيتُ وَنَحْنُ ٱلْوَٰرِثُونَ (٢٣:١٥)
زنده کنیم ١، زنده گردانیم ٢، ما زنده می کنیم ٣٠، زنده کنیم ٥٣، زنده می کنیم ٥٥، بزیانیم ٥٩، می زیانیم ١٠٣، زنده گذاریم ١١٨

~: لِّنُحْـِۧىَ بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُۥ مِمَّا خَلَقْنَآ أَنْعَٰمًا (٤٩:٢٥)
زنده گردانیم ٥٣، زنده کنیم ١١٩، زنده کنم ١٣٩

~: إِنَّا نَحْنُ نُحْىِۦ وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا ٱلْمَصِيرُ (٤٣:٥٠)
زنده می کنیم ٦، زنده میگردانیم ٨٦، زنده میکنیم ١٠٣، زنده میگردانم ١٢٣، ما زنده کنیم ١٣٩

لَنُحْيِيَنَّهُۥ: مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُۥ (٩٧:١٦)
زندگانی دهیم ١، زندگانی دهیم ٢، ما زندگانی دهیم ٢٤، زنده گردانیم ٣٨، بزیانیم ٣٩، زنده داریم ٦٤، زندگانی دهیم هرآینه هرآینه ٨٠، بزیانیم ٩٤، زندگانی دهیم ١٠٠، زنده کنیم ١١٤، بزیانیم ما ١٢٤

نَخَافُ: قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَآ أَوْ أَن يَطْغَىٰ (٤٥:٢٠)
می ترسیم ١، بترسیم ٢، بترسیم ٣٠

~: إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (١٠:٧٦)
ترسیم ٣٠، همی ترسیم ٥٦، میترسیم ١٠٢

نَخْتِمُ: ٱلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰٓ أَفْوَٰهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَآ أَيْدِيهِمْ (٦٥:٣٦)
مهر کنیم ١، مهر نهیم ٢٤، مُهر نهیم ٨٦

نَخِرَةً: أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا نَّخِرَةً (١١:٧٩)
ریزنده ٢٤، پوسیده ٢٩، پوسیده ریزنده ٤١، ریزیده شده ٦٤، ریزیده و پوسیده ٧٩، پوسیده و ریزیده ٨٩، پوسیده کاواک ٩١، کهنه ١٠٣، کهنه و

ریزه ریزه ۱۱۱، کهنه و بخاک شده ۱۱۶، پوسیده میانه کاواک ۱۲۱

نُخرِجُ: فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا (۹۹:۶)

بیرون آریم ۲، بر کشیم ۱۰، بیرون همی آریم ۷۵، بیرون می آوریم ۸۹، بدر می آریم ۹۶، بیرون آوردیم ما ۱۲۴

~: كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۵۷:۷)

بیرون آریم ۱، زنده کنیم ۱۰، بیرون بریم ۶۰، بیرون آوریم ۶۳، بیرون میآوریم ۱۲۱

~: وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (۱۳:۱۷)

بیرون آریم ۲، بیرون اریم ۵۳، بیرون می آوریم ۵۸، بیرون آریم ما ۶۱

~: أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا (۲۷:۳۲)

بیرون آریم ۵۸، بیرون آوریم ما ۱۲۴

نُخرِجُكُمْ: مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ (۵۵:۲۰)

بیرون آریم ۱، بیرون آریم ۲، بیرون آوریم ۳۴، بیرون اریم ۵۳، برون آریم ۱۲۳، بیرون آوریم ما ۱۲۴

~: ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا (۵:۲۲)

بیرون آوردیم ۱۰۰، بیرون می آریم ۱۱۳

لَنُخْرِجَنَّ: لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا (۱۱:۵۹)

بیرون شویم ۲، ما بیرون شویم ۳۹، ما بیرون آییم ۵۶، بیرون کنیم ۶۱، بیرون رویم ما ۶۴، بیرو آییم هر آینه هر آینه ۸۰، بیرون آیم ۸۷، ما بدر رویم ۹۶، بیرون آئیم ۱۰۰، بیرون رویم ۱۳۲

لَنُخْرِجَنَّكَ: لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن

قَرْيَتِنَا (۸۸:۷)

ما بیرون کنیم ۲۹، بیرون کنیم ما ۵۳، بیرون آریم ما ۶۱، خود بیرون کنم ۸۸، بیرون می کنیم ۹۶، بیرون کنیم ۱۱۴، بیرون آوریم ۱۳۶، بیرون کنیم ۱۴۰

لَنُخْرِجَنَّكُمْ: وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُم مِّنْ أَرْضِنَا (۱۳:۱۴)

بیرون کنیم ۱، بیرون کنیم ۲، ما بیرون کنیم ۲۹، بیرون کنیم هر آینه هر آینه ۳۰، بیرون آریم ما ۶۱، خود بیرون کنیم ۶۲، بیرون کنم ۱۱۲

لَنُخْرِجَنَّهُمْ: وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً (۳۷:۲۷)

بیرون کنیم ۱، بیرون کنیم ۵۳، بیرون کنم ۵۸، بیرون آوریم ۱۰۰، بیرون آریم ۱۱۴، آواره کنیم ۱۳۲

نَخْزَىٰ: فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَىٰ (۱۳۴:۲۰)

خوار شدیم ۱، رسوا گشتمی ۲، رسوا شویم ۲۹، خاکسار گشتیمی ۴۱، رسوا شدندی ۴۳، رسوا گردیم ۵۳، خوار گشتیم ۵۸، خوار میشویم ۷۴، رسوا گشتیم ۹۴، رسوا شدمانی ۱۰۰، رسوا گردیم ۱۱۱، رسوایی یابیم ۱۱۳، زیان زده شویم ۱۲۱، خوار گردیم ۱۲۲، رسوا شویم ما ۱۲۴، دشوار شدمانی ۱۳۸

نَخْسِفْ: إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ (۹:۳۴)

فروبریم ۲، فرو بردیم ۳۸، فرود بریم ۳۹، بزمین فروبریم ۴۱، فرود بردیمی ۵۸، فرو بردمانی ۱۰۰، بزمین فرو برد ۱۰۵، فرو بریم ۱۱۹

نَخْشَىٰ: يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ (۵۲:۵)

ترسیم ۱، بترسیم ۲، می ترسیم ۳، بترسیم ۱۰ مکرر، بترسیم ۴۵، همی ترسیم ۵۳، می ترسیدیم ۶۰، می ترسیم ما ۶۱، میترسیم ۱۰۲

نُخْفِي: رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ (۱۴:۳۸)
می پنهام کنیم ۱، پنهان همی داریم ۲، نهان می داریم ۵، پنهان داریم ۲۴، ما وامی پوشاینم ۲۹، نهان می کنیم ۴۱، پنهان کنیم ۵۳، پوشیده می کنیم ۵۵، پنهان کنیم ۵۷، پوشیده داریم ۵۹، نهان داریم ما ۶۱، پنهان می کنم ۶۳، می داریم پنهان ۷۶، پوشیده می کنیم ۸۰، پنهان می کنیم ۸۹، پوشیده کنیم ۹۱، پنهان میکنیم ۹۳، پنهان دارم ۹۴، نهان میداریم ۱۰۳، نهان میکنیم ۱۰۴، پوشیم ۱۱۴، پنهان میداریم ۱۱۸، پنهان کنیم ما ۱۲۴، پنهان میکنم ۱۳۰

ٱلنَّخْلُ: وَمِنَ ٱلنَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ (۶:۹۹)
خرماها ۱، خُرمابُنان ۲، خرمابنان ۳، خُرما ۹، درختان خرما ۱۰، خرمابن ۴۸، خُرمابن ۵۳، بن خرما ۵۸، خُرما ۸۸، خرما آستانها ۱۰۰، خورمابنان ۱۲۳

~: وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَ جَنَّٰتٍ مَّعْرُوشَٰتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَٰتٍ وَٱلنَّخْلَ (۶:۱۴۱)
خرما ۱، خُرمابُنان ۲، درختان خُرما ۱۰، درخت خُرما ۵۵، درخت خرمابن ۶۲، خرمابنان ۹۲، درخت خورما ۱۲۳

~: جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَٰبٍ وَحَفَفْنَٰهُمَا بِنَخْلٍ (۱۸:۳۲)
خُرمابنان ۲، خرماستان ۳۰، خرماشتان ۵۵، خرمااستآنها ۱۰۰، خرماینان ۱۱۳، درخت ۱۲۱، خرمانیان ۱۲۸

~: وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (۲۶:۱۴۸)
خرمابُنان ۲، درختان ۳۴، خورماستان ۱۲۳

~: وَٱلنَّخْلَ بَاسِقَٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ (۵۰:۱۰)
خرمابانان ۹۵، خرمااستانها ۱۰، درختهای خرمابن ۱۳۶

~: فِيهَا فَٰكِهَةٌ وَٱلنَّخْلُ ذَاتُ ٱلْأَكْمَامِ (۵۵:۱۱)
خرماستانها ۳

~: فِيهِمَا فَٰكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (۵۵:۶۸)
خرمان بنان ۶۵، خورما ۱۱۹، خرماها ۱۳۶

~: فَتَرَى ٱلْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۶۹:۷)
درخت خرما ۳، خرمابنا ۶۱، درخت خرمابنه ۱۱۱، خرمابنان ۱۱۳، درختهای خرما ۱۱۴

نَخْلًا: فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۸۰:۲۹)
خرما ۱، خرمابنان ۳۹، درخت خرما ۶۱، خرمابنا ۸۰، خرمانیان ۹۲، خرمااستان ۹۳، خرمااستانها ۱۰۰، خرمابن ۱۰۳، خرماستان ۱۰۹

ٱلنَّخْلَةِ: فَأَجَآءَهَا ٱلْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ (۱۹:۲۳)
خرما ۱، خرماء خشک ۹۶، خرمابُن ۱۳۸

~: وَهُزِّىٓ إِلَيْكِ بِجِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ تُسَٰقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا (۱۹:۲۵)
خُرمابُن ۲، خرمابن ۲۴، درخت خرما ۲۹، خرمابنان ۸۷

نَخْلُقْكُم: أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ (۷۷:۲۰)
بیافریدیم ۱۰۳

★ لَمْ نَخْلُقْكُمْ: أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ (۷۷:۲۰)
بنیافریدیم ۱، نه ما بیافریدیم ۶، نه آفریدیم ۳۰، همی نه آفریدیم ۳۹، نیافریدیم ما ۱۰۰، نیافریدیم ۱۱۳، نه آفریدم ۱۱۴

نَخُوضُ: وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ (۹:۶۵)
درمی آییم ۳۶

★ كُنَّا نَخُوضُ: وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ (۹:۶۵)
می درشدیم ۱، سخن نابکار همی گفتیم ۲، همی

گفت و گوی کردیم ۱۱، دور می شدیم ۲۹، درشدیم ۳۰، همی گفت گوی کردیم ۳۸، درمی رفتیم ببازی ۴۱، همی سخن نابکار گفتیم ۵۲، می دَرشُدِیم دَر شُدیم ۵۵، درمی شدیم ۵۶، در سخن می شدیم ۵۸، گفت و گوی می کردیم ۷۹، سخن نابکار گفتیم ۸۳، پیکار همی کردیم ۹۴، ما سخن نابکار گفتیم ۹۶، ما همی سخن نبکار گفتیم ۱۰۵، فراخ روی میکردیم ۱۲۱، در سخن رفتیم ما ۱۲۴

~: وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۷۴: ۴۵)

بودیم پیکار کننده بیهوده گو ۲، گفت گوی می کردمی ۶، گفت و گوی کردیم ۱۹، دررفتمانی ۲۹، بودیم پیکار کننده ۳۰، گفت و گو کردیم ۳۸، بدروغ داشتیم ۳۹، درفتمانی ۵۲، بازی می کردیم ۶۹، درمی شدیم در باطل ۷۹، مادر می آمدیم ۸۷، بودیم ما آویزش کنندگان ۹۱، بودیم پیکار کننده ۱۰۸، درمی آمدیم ۱۰۹، درمی رفتیم ۱۱۴، فرومیرفتیم ۱۲۲، درمیرفتیم ۱۳۰، فرورفتیم ۱۳۶

نُخَوِّفُهُمْ: وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (۱۷: ۶۰)

می ترسانیم ۱، همی بیم کُنیم ۲، بیم کنیم ۳۸، بیم همی کنیم ۳۹، بیم هَمی کنیم ۵۳، بترسانیم ۵۷، بترسانیم ما ۶۱، می ترسانیم ما ۶۴، می بترسانیم ۹۲، همی بیم کنیم ۹۶، میترسانیم ۱۰۲، ترسانیمشان ۱۱۴، بیم نمایم ۱۲۲، بیم نمائیم ۱۲۷

نَخِيلٌ: أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ (۲: ۲۶۶)

خرما ۱، خُرمابُنان ۲، درختان خرما ۱۰، خُرمَابُنَان ۵۵، خرمابن ۶۲، خرمانیان ۶۷، خرما درختان ۷۴، خرمابستان ۷۵، درختان خورما ۱۲۳، خرماینا ۱۲۸

~: وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ (۱۳: ۴)

خرماها ۱، خرماستانها ۱۱۸

~: يُنبِتُ لَكُم بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ (۱۶: ۱۱)

درخت خرما ۲۴، خرماستان ۳۰، خُرمابُنانْ ۵۳، خُرماسْتان ۵۵، دَرَخْت هَاءِ خرما ۶۲، درختهای خرما ۹۳، خورما ۱۲۳، خُرمابن ۱۲۷

~: وَمِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا (۱۶: ۶۷)

خورمانیان ۱۲۳

~: أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ (۱۷: ۹۱)

خرمابنان ۲، خُرمَاسْتان ۵۵، خرمااستانها ۱۰۰، خرمانیان ۱۳۹

~: فَأَنشَأْنَا لَكُم بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ (۲۳: ۱۹)

خرمانیا ۶۱

~: وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ (۳۶: ۳۴)

خرماها ۹۶، خرمااستان ۱۱۴، خورماستان ۱۲۳

★ نَخِيلٌ صِنْوَانٌ: وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ (۱۳: ۴)

خرمابنان از یک بن برآمده ۹۴

نِداءً: الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً (۲: ۱۷۱)

آوازْ دَادن ۲، آوازدادن ۳، آواز ۲۴، بانگ ۲۹، آوَاز دادَن ۴۲، آوَاز دَادَن ۵۵، بانگ کردن ۵۶، آواز دادَن ۶۱، آوآز دادن ۹۴، آواز کردن ۱۲۵

~: إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (۱۹: ۳)

خواندن ۱، خواندستن ۴۴، خوندن ۱۳۰

النَّدامَةَ: وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ (۱۰: ۵۴)

پشیمان خوردن ۱۰، پِشیمانی ۵۵، پریشانی ۹۶

~: وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ (۳۴: ۳۳)

پشیمانی ۱، پشیمانی می خوردند ۷، پشیمانیها ۱۰۶، پشیمانها ۱۳۸

نُداوِلُها: وَتِلْكَ ٱلْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ ٱلنَّاسِ (۳: ۱۴۰)
می گردانیم ۱، همی گردانیم ۲، مَی گردانیم ۱۰، می گردانیم ۲۳، همی گردانید یم ۲۷، میگردانیم ۲۹، ما می گردانیم ۳۴، می گذارانیم ۳۹، همی گردانیم ۴۲، همی گردانیمش ۵۲، می گردانیم ۵۵، ما همی گردانیم ۶۲، میگردانیم ۶۷، گردانیم ۸۳، می گردانید یم ۹۲، میگرادنیم ۱۰۱، میگذرانیم ۱۰۳، میگردانید یم ۱۰۴، دست بدست میگردانیم ۱۲۲، می گردانیم ما ۱۲۴

نُدْخِلْكُمْ: نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا (۴: ۳۱)
در کنیم ۱، أندَر آریم ۲، اندر آرُم ۱۰، فروآریم ۲۴، اندرآریم ۲۹، درآریم ۳۰، درآوردیم ۳۸، فرُود آریم ۴۰، درآریم ما ۶۱، درآریم ۶۹، دربریم ۷۶، درآوریم ۸۹، اندر آرم ۹۴، درآرم ۱۲۳

لَنُدْخِلَنَّهُمْ: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِى ٱلصَّـٰلِحِينَ (۲۹: ۹)
در کنیم ۱، أندر آریم ۲، اندراریم ۲۱، درآریم ۴۳، درآریم ما ۴۶، اندرارم ۵۳، فرو آوریم ۶۲، درآوریم ۷۶، دربریم ۱۰۵، اندر آریم ۱۳۵

نَدْخُلَها: وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا۟ مِنْهَا (۵: ۲۲)
درآییم ۵۶

~: قَالُوا۟ يَـٰمُوسَىٰٓ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَآ أَبَدًا مَّا دَامُوا۟ فِيهَا (۵: ۲۴)
اندرشویم ۴۵

★ لَنْ نَدْخُلَها: وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا۟ مِنْهَا (۵: ۲۲)
درنشیم ۱، هرگز نه درآییمش ۳، نشویم ۲۴، درنرویم، درنشویم ۵۲، نه اندر رویم ۵۳، هرگز درنیاییم ۵۸، هرگز دررویم ما ۶۱، نرویم در ۶۳، نرویم ۶۷، درنیاییم ۷۰، اندر نیاییم هرگز ۹۴، درنمی رویم ۹۶، درنشوم ۱۰۳، درنخواهیم آمد ۱۲۲

~: قَالُوا۟ يَـٰمُوسَىٰٓ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَآ أَبَدًا مَّا دَامُوا۟ فِيهَا (۵: ۲۴)
اندر نیاییم ۵۶، اندر نشویم ۵۷، هرگز درنرویم ۵۸، هرگز اندر نشویم ۶۲، نرویم ما ۶۳، نشویم ما ۷۶، نشویم اندر ۸۳، اندر نه شویم ۸۸، درنرویم ما ۱۰۰، درنرویم هرگز ۱۲۱

نُدْخِلُهُمْ: سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّـٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ خَـٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا (۴: ۵۷)
در کنیم ۱، درآریم ۲، فرود آریم ۱۰، اندر آریم ۲۹، فروآوریم در آوریم ۳۴، دربریم ۳۸، فروآریم ۶۲، دادیم ۷۵، روان داریم ۷۶، درآوریم ما ۱۰۴

~: سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّـٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ (۴: ۱۲۲)
اندَر آریم ۴۵، اندراریم ۵۳، درآریم ما ۶۱

★ سَنُدْخِلُهُمْ: سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّـٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ خَـٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا (۴: ۵۷)
زوداکه درآوریم ۲۷

نَدْرِي: وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُم مَّا نَدْرِى مَا ٱلسَّاعَةُ (۴۵: ۳۲)
می دانیم ۳۲

~: وَأَنَّا لَا نَدْرِىٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِى ٱلْأَرْضِ (۷۲: ۱۰)
دانیم ۸۰، میدانیم ما ۱۰۰، میدانیم ۱۲۹

★ لَانَدْرِي: وَأَنَّا لَا نَدْرِىٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِى ٱلْأَرْضِ (۷۲: ۱۰)
ندانیم ۱، نمی دانیم ۳، نه دانیم ۶، نمیدانیم ۱۱۱

★ مَانَدْرِي: وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُم مَّا نَدْرِى مَا ٱلسَّاعَةُ (۴۵: ۳۲)
نه دانیم ۲، نمی دانیم ۳، ندانم ۱۶، ندانیم ۲۲، ما ندانم ۲۴، ما ندانیم ۲۹، ندانیم ما ۴۴، ندآنیم [illegible]

ما نمیدانیم ۱۰۲، ما نمی دانیم ۱۰۳، نمیدانیم ۱۱٤

نَدْعُ: فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ (٣:٦١)

بخوانیم ۲، ما بیرون خوانیم ۱۰، بخوانیم ما ۲۷، بُخوانیم ٤۰، بخوانیم ما ٦۱، خوانیم ٦۹، برخوانیم ۸۹، برخوآنیم ۱۰۰، بخوانم ۱۳۰

~: فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ سَنَدْعُ ٱلزَّبَانِيَةَ (٩٦:١٨)

ما بخوانیم ۲۹، ما خوانیم ۹٦

نَدْعُوَا: لَن نَّدْعُوَاْ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهًا لَّقَدْ قُلْنَآ إِذًا شَطَطًا (١٨:١٤)

بخوانیم ۹۲، بخوانیم ما ۹۳

٭ لَنْ نَدْعُوَا: لَن نَّدْعُوَاْ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهًا لَّقَدْ قُلْنَآ إِذًا شَطَطًا (١٨:١٤)

نخوانیم ۱، هرگز نه خوانیم ۳، نپرستیم ٤۸، هرگز نخوانیم ما ٦۱، نخوانیم ما ۹٦، هرگز نخوانیم ۱۰۰، هرگز نمی خوانیم ۱۰٦

نَدْعُوا: قُلْ أَنَدْعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا (٦:٧١)

می خوانیم ۱، خُوانیم ۲، خوانیم ۳، می پرستیم ۳٤، بپرستیم ٦۰، میخوانیم ما ٦۱، پرستیم ما ۱۰٤، میخوانیم ۱۱٤

~: يَوْمَ نَدْعُواْ كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَٰمِهِمْ (١٧:٧١)

بخوانیم ۲، واخوانیم ۲٤، بخوانیم ما ۵۸، بازخوانیم ۷٦، بخواهیم ۱۳۹

٭ أَنَدْعُوا: قُلْ أَنَدْعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا (٦:٧١)

هرگیز خوانیم ۸۸

٭ كُنَّا نَدْعُوا: هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدْعُواْ مِن دُونِكَ (١٦:٨٦)

همی خُواندیم ۲، همی خواندیم ۵۳، میخواندیم ما ٦۱، همی خواندیم ٦۲، خواندیم ٦۳، میپرستیدیم ۱۱٦، ما میخواندیم ۱۱۸، می خوانیدیم ۱۲٤

٭ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا: قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَّدْعُواْ مِن قَبْلُ شَيْـًٔا (٤٠:٧٤)

نبودیم می خواندیم ۱، نخواندیم ما ۱۳۸

نَدْعُوهُ: إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْبَرُّ ٱلرَّحِيمُ (٥٢:٢٨)

می خوانیم ۳۰، خوانیم ۸۷، میخوانیم ۱۱٤

٭ (كُنَّا) نَدْعُوهُ: إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْبَرُّ ٱلرَّحِيمُ (٥٢:٢٨)

می خواندیم ۳۹، میخواندیم ۸۱، خواندیم ۹٦، میخوآندیم ۱۰۰، همی خواندیم ۱۰۸

نَدُلُّكُمْ: هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ (٣٤:٧)

راه نماییم ۳، راه نمایم ۷، راه نمونی کنیم ۲٤، راه نمودنی باشیم ۳۰، راه نمائیم ۳۸، ره نمایم ٤۳، راه نماید ۵۲، راه نمودنی کنم ۵٦، ره نمونی کنیم ٦۵، راه نمون شویم ۱۰٤، راه نمون باشیم ۱۰۸، همی راه نماییم ۱۱۹

نَدِيًّا: أَيُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا (١٩:٧٣)

انجمن ۳، جایگاه ۳۰، فرمان ٤۲، انبوه ٤٤، انجم - نشستن جای ۵٦، انجم نشستگاه ۵۹، جایگاه نشستن ٦۵، نشستن جایگاه ٦۹، هم نشینان ۸۸، انجمن گاه ۹۵، نشست ۱۰۲

نَذَرَ: وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا (٧:٧٠)

بهیلیم ۱، بگذاریم ۲، مانیم ۳، دست وَاداریم ۱۰، دست بازداریم ۲۷، رها کنیم ۷٦، ما بگذاریم ۹٦، بیم کرد ۱۲۱، دست بداریم ۱۲۳، بگذاریم ۱٤۰

~: فَنَذَرُ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا فِى طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ (١٠:١١)

بمانیم ۳، دست بازداشیمی ۱۳، دست بداریم ۲٤

ما بگزاریم ۲۹، گذاریم ۳۰، فرو گذاریم ۴۲، گُذاریم ۵۵، بگذاشتیمی ما ۶۱، همی بگذاریم ۸۸، بگذ آریم ۱۰۰، رها می کنیم ۱۰۴، دست بازدار ۱۰۵، میگذاریم ۱۱۲، وامیگذاریم ۱۲۲، می گذاریم ۱۲۶

~: ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوا وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (۷۲:۱۹)

دست بازدارم ۵۲، دَشت بدارم ۵۳، دست بازداریم ما ۵۶، بگذاریم ما ۵۸، دست بازدهیم ۶۹، بجا مانیم ۹۴، بجای مانیم ۱۲۸، واگذاریم ۱۳۲

نُذُرِ (ی): فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۱۶:۵۴)

بدست ۱، ترسانیدن ۲۹، ترسانیدَها ۵۳، بیم نمودن ۱۲۲

~: كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۱۸:۵۴)

بیم ۹۰

~: فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۲۱:۵۴)

بیم کردن ۲، بیم کردنها ۸۷

~: فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ (۳۷:۵۴)

بیم کنند گان ۱۰۳

~: فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ (۳۹:۵۴)

بیم کردگان ۱۳۰

ٱلنَّذْرِ: وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُهُ (۲۷۰:۲)

پیمان ۲، پذیرفتن ۲۴، پذرفتن ۴۱، نیکوئی ۱۲۱

~: يُوفُونَ بِٱلنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُۥ مُسْتَطِيرًا (۷:۷۶)

پَیمان ۲

ٱلنُّذُرُ: وَمَا تُغْنِي ٱلْـَٔايَٰتُ وَٱلنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (۱۰۱:۱۰)

بدس بران[1] ۱، بیم کُنند گان ۲، پند ده ۱۳، بیمَها ۲۹، بیم کُنَندَ گان ۵۵، بیم کنان ۵۷

~: وَقَدْ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦٓ (۲۱:۴۶)

پیغامبران ۲۲، پند دَهانْ ۵۳، بیم کننده ۸۱، بیم نمایند گان ۸۶، بیم نمایان ۹۰، پیغمبران ۱۰۵

~: هَٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ ٱلنُّذُرِ ٱلْأُولَىٰٓ (۵۶:۵۳)

بیم کنند گان ۲، بیم کننده گان ۳۰، بیم کننده ها ۱۱۶

~: حِكْمَةٌۢ بَٰلِغَةٌ فَمَا تُغْنِ ٱلنُّذُرُ (۵:۵۴)

پندها ۳، ترسانند گان ۲۹، بیم کُننده ۸۱

~: كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍۭ بِٱلنُّذُرِ إِنَّآ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا (۳۳:۵۴)

بیم کرده شد گان ۱۳۰

~: وَلَقَدْ جَآءَ ءَالَ فِرْعَوْنَ ٱلنُّذُرُ (۴۱:۵۴)

بیمها ۳

نُذْرًا: فَٱلْمُلْقِيَٰتِ ذِكْرًا عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (۶:۷۷)

بدست ۱، بیم ۲، بیم کردن ۱۹، نومید ۸۸

نَذَرْتُ: رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا (۳۵:۳)

پَیمان کردم ۲، پیمان کردُم ۲۷، پذیرفتم ۴۱، پَیمان کَردَم ۴۲، فراپذیرفتم ۷۶، بجاره[2] کردم ۱۲۸

~: فَقُولِيٓ إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا (۲۶:۱۹)

پیمان کردم ۲، سوگند خوردم ۵۸، پیمان کرده‌ام ۹۴

نَذَرْتُمْ: وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُهُ (۲۷۰:۲)

پذیرفته باشید ۱۰، بپذیری شما ۲۴، پذیرفتیت ۴۱، ساز کُنید ۴۲، سازکنید ۵۲، پیمان کنید ۶۱، پیمان کنیت ۸۳، پذیرید شما ۱۰۴، پیمان کنید شما ۱۲۴

---

۱. بدس بران: بیم کند گان.

۲. کذا در اصل بدون نقطهٔ (؟)

وَنَذَرُهُمْ: وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (٦:١١٠)

بهیلیم ١، بگذاریم ٢، مانیم ٣، دست بازدارند ٩، دست بازداریم ٢٧، بجای ماندیم ٢٩، بمانیم ٤٢، مانیم ٥٥، دست بداریم ٧٢، رها کنیم ٧٦، می مانیم ٩١، میگردانیم ١٠٤، میگذاریم ١٢٠، وامیگذاریم ١٢٧، بجای ماندم ١٢٨

نُذِقْهُ: وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (٢٢:٢٥)

بچشانیم ٥١، بچشانم ٨٧

~: وَمَن يَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا (٢٥:١٩)

بچشانیم ١، درچشانیم ١٠٠، میچشانیم ١١٥، می چشانم ١٢٣

~: وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (٣٤:١٢)

بچشانیم ٢، بچشانیم ٧، بچشانید یمی ٤٧، بچشانیم ما ٦١، چشانیم ٨٦، درمیچشانندیم ١٠٠، بچشانید مانی ١١٣، درچشانید مانیم ما ١٣٤

نَذْكُرَكَ: وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا (٢٠:٣٤)

ایاد کنم ١، یاد کنیم ٣٤، یاد کنم ٤٢، یاد کنیم ما ١٢٤

نَذِلَّ: فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَىٰ (٢٠:١٣٤)

سست شدیم ١، خوارشویم ٣، خوار گشتیمی ٢٤، خوارشدیمی ٤١، خوار گشتیم ٥٨، خار شویم ١١٣، خوار شویم ما ١٢٤، خوار... شدمانی ١٣٨، خوار شوم ١٣٩

نَذْهَبَنَّ: وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ (١٧:٨٦)

ببریم ١، ببردیمی ٥٣، بَریم هَرایِنه هَرّاینَه ٥٥، بُردیمی ٥٦، بازبریم ٧٦، ببردمانیم ما ٨٩، ببردمانی ١٠٠، ببریم و فراموش گردانیم ١٠٢، ببردمی ١٢٤

~: فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ (٤٣:٤١)

ما ببریم ٢٩، ببرم - بمیرانیم ٣٠، بریم هرآینه ٣٢، بیرون بریم ٦٤، ببریم هرآینه هرآینه ٩١، ببرند ١٠٥، بریم ١١٤، بریم هرآینه ١٢١، ببَریم ١٣٢

نُذُورَهُمْ: ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ (٢٢:٢٩)

پیمانها ٣٠، پیمانهاء ٩٠

نَذِيرِ (ی): فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (٦٧:١٧)

بیم کردن ٣، ترسانیدن ٣٤، بیم ١٣٦، بیم کننده ١٣٨

نَذِيرًا: بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ (٢:١١٩)

بیم کننده ٥٥

~: وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (١٧:١٠٥)

بدس بری ١، بیم نماینده ٨

~: تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (٢٥:١)

بیم کننده ٢، ترساننده و آگاهی دهنده ٢٩، آگاه کننده ٥٨

~: لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا (٢٥:٧)

ترساننده و خواننده ٥٤، بیم نمای ٦٤، اندرزکننده ٨٨

~: وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيرًا (٢٥:٥١)

پیغامبر ١٣٩

~: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (٣٣:٤٥)

بیم کُننده ٢، ترساننده ٢٩، بیم کنندگی ١٠٩

~: إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (٣٥:٢٤)

بیم کننده و ترساننده ١٣٩

~: قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (٤:٤١)
بیم دهنده ١٥٠

~: إِنَّهَا لَإِحْدَى ٱلْكُبَرِ نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ (٣٦:٧٤)
بیم کردن ١١٤

نَذِيرٌ: تَقُولُوا مَا جَآءَنَا مِنۢ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ (١٩:٥)
بدسّ بری ١، کسی که بیم دهد ٢٩، بیم نماینده ٥٧، بیم نما ٦٤

~: أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (١٨٤:٧)
پیغامبر بیم کننده و آگاه کننده ١٠، بیم نما ٥٧، بیم دهنده ١٣٥

~: إِنْ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (١٨٨:٧)
بیم کنند[ه] ١٠

~: أَلَّا تَعْبُدُوٓا إِلَّا ٱللَّهَ إِنَّنِى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ (٢:١١)
پند ده ١٣

~: وَٱخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَقُلْ إِنِّىٓ أَنَا ٱلنَّذِيرُ ٱلْمُبِينُ (٨٩:١٥)
بیم کُننده ٢

~: قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَآ أَنَا۠ لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (٤٩:٢٢)
بیم کننده ٢

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٤٦:٢٨)
پیغمبر ٥٨

~: قُلْ إِنَّمَا ٱلْءَايَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (٥٠:٢٩)
بیم کنند گان ٦١

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (٣:٣٢)
بیم کننده ٢، آگاه کننده ٤٦، آگاه کنند گان ١٣٩

~: وَمَآ أَرْسَلْنَا فِى قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ (٣٤:٣٤)
آگاهی دهنده ٢٩

~: إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (٤٦:٣٤)
ترساننده ٣٤

~: إِن يُوحَىٰٓ إِلَىَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (٧٠:٣٨)
بیم کُننده ٨١

~: وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِى قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ (٢٣:٤٣)
بیم کننده ٣٢

~: وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (٥١:٥١)
پند دهنده ١٣٦

~: هَٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ ٱلنُّذُرِ ٱلْأُولَىٰٓ (٥٦:٥٣)
ترسانیدن ٣٩

~: كُلَّمَآ أُلْقِىَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (٦٧:٨)
پیغامبر ١٩

فَلَنُذِيقَنَّ: فَلَنُذِيقَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا (٤١:٢٧)
ما درچشانیم ٢٩، بچشانیم ٣٠، بچشانیم ما ٦١، چشانیم هر آینه هر آینه ٩١، درچشانیم ١٠٠، چشانیم ١١٤

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ: وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَدْنَىٰ دُونَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَكْبَرِ (٢١:٣٢)
بچشانیم ١، می چشانیم ٦٤، درچشانیم ١٠٠، چشانیم ١١٤

~: وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (٥٠:٤١)
بچشانیم هر آینه هر آینه ٣٢

نُذِيقُهُ: وَنُذِيقُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ (٩:٢٢)
بچشانیم ٢، بچشانیم ٤٨، بچشانیم ما ٥٨، چشاندیم ١٢١، بچشانم ١٢٣، خواهیم چشانید ١٣٥

نُذِيقُهُمْ: ثُمَّ نُذِيقُهُمُ ٱلْعَذَابَ ٱلشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ (۱۰:۷۰)
بچشانیم ۱، چشانیم ۳، چَشانیم ۵۵، درچشانیم ۶۳، می چشانیم ۱۳۵، میچشانیم ۱۳۶

~: لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ ٱلْخِزْىِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۴۱:۱۶)
درچشانیم ۲۹، درچشآنیم ۱۰۰

نَرَاكَ: قَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۷:۶۰)
می بینیم ما ۶۱، بینیمت ۱۱۴

~: قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِى سَفَاهَةٍ (۷:۶۶)
بینیم ۷۶

~: فَقَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦ مَا نَرَىٰكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا (۱۱:۲۷)
بینَمتْ ۱۱۴

~: وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفًا (۱۱:۹۱)
ما می بینیم ۱۰۰

~: نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِۦٓ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ (۱۲:۳۶)
می گینیم ۱، می بینیم ۳، می بینیم ۷۶

~: إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ (۱۲:۷۸)
همی بینیم ۲

نَرَاهُ: إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُۥ بَعِيدًا وَنَرَىٰهُ قَرِيبًا (۷۰:۷)
می بینیم ۳، همی بینیم ۳۰، ما می بینیم ۵۴، بینم ۶۱، میدانیم ۱۱۱

لَنَرَاهَا: إِنَّا لَنَرَىٰهَا فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۱۲:۳۰)
می گینیم ۱، همی بینیم ۲، می بینیم ۲۴، بینمش ۱۱۴

سَنُرَاوِدُ: قَالُوا۟ سَنُرَٰوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَٰعِلُونَ (۱۲:۶۱)
بخواهیم ۱، خُواهیم ۲، درخواهیم ۳، بخواهیم ما ۲۴، واخواست کنیم ۲۹، ما دَرخُواهیم ۷۶، بخوآهیم ۹۴

نُرَبِّكَ: قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا (۲۶:۱۸)
پروردیم ۴۳، پروردیم ما ۵۸

★ أَلَمْ نُرَبِّكَ: قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا (۲۶:۱۸)
بنپروردیم ۱، نه بپروریم ۲، ما نپروردیم ۲۹، نه پروردیم ما ۴۶، نپروردیم ۴۷، نه پَرْوَرْدیم ۵۳، نه پروردیم ۵۶، نه ما پروردیم ۶۲، نه پروردم ۱۰۰، نه پروریدیم ۱۰۲، نه پرورانیدیم ۱۰۶، ببردیدیمت ۱۰۸، نه بَپَرْوَرْدیم ۱۱۹، نپروراندیم ۱۲۱

نَرِثُ: إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ ٱلْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۱۹:۴۰)
پادشاییم ۲۴

نَرِثُهُ: وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (۱۹:۸۰)
گیریم ۳، می گیریم ۳۹، بستانیم ۴۴، بازستانیم ۱۳۳

لَنَرْجُمَنَّكُمْ: لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا۟ لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۳۶:۱۸)
بسنگ بکشیم ۱، سنگسار کنیم هر آینه هر آینه ۳، سنگ سار کنیم ۲۲، سنگسار کنم ۴۳، بکشیم ۷۹، سنگسار کنیم ۹۲، سنگسار میکنیم ۱۲۲، سنگ باران کنیم ۱۲۹، ما بکشتیم ۱۳۹

نُرَدُّ: فَقَالُوا۟ يَٰلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا (۶:۲۷)
بازگردانیده شوم ۲، وابرندی ۲۴، بازبرندمی ۲۹، بازگردانیدی ۵۳، بازبرندی ۵۶، بازگردانیده شدیمی ما ۶۱، بازهلندی ۷۲، بازگردانند ۷۶، بازگردانیده شدمانی ۷۹، برگردانیده شویمی ۸۲، بازگردانیده شُدیمی ۸۸، بازگردانیده شویمی ۹۴، بازمیگردانیدند مآرا ۱۰۰، بازگردانیده شویم ما ۱۰۴، بازگردانندی ۱۰۵، واگردانیده میشدیم ۱۱۲، بازگردانید شدیمی ۱۲۶

~: وَنُرَدُّ عَلَىٰٓ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ (۶:۷۱)
وازگردانسته شیم ۱، بازگردانّند ما را ۲، بازبرند ما را ۹، روا خواهند برد ما را ۱۰، بازگردانند ما را

١٠ مکرّر، واگردیم ٢٤، بازگردانند ما را ٢٦، می بازگردانند ما را ٢٧، بازرده شویم ٥٦، بازگردیده ایم ٥٧، بازدهند ما را ٦٢، بازگردیم ما ٦٤، بازکرده شویم ٦٩، بازگردنیده شویم ٩١، بازگردانید ما را ٩٢، بازگرد آنیده شویم ١٠٠، بازگردیم ١٠٧، بازگردیده شویم ١١٤

~: فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ (٧:٥٣)

بازگردانند مرمارا ١٠ مکرّر، ما را بازپس برند ٥٣، بازگردانیده شویم ٥٥، بازآورده شویم ٥٦، بازگردانیم ما ٦١، ما را باز برند ٦٢، بازگردانیم ٧٦، بازگردانیده شود ٩٨، بازهلند ما را ١٠٧، بازگردانیده شویم ١١٣، گردانیده شویم ١١٤، بازگردانیده می شویم ١٢٠، برگردانیده خواهیم شد ١٢٢

فَنَرُدَّهَا: مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا (٤:٤٧)

وازگردانیم ١، برگردانیم ١٠، بگردانیم ٢٤، بازرنیم ٢٧، بازگردانیم ٢٩، بازبریم ٥٦، بازگردانیم ما ٦١، گردانیم ٦٢، بازآریم ٧٥، برگردانیدیم ٧٦، بازگرد آنیم ٩٤، بازبگردانیم ٩٦

نَرْزُقُكَ: لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُكَ (٢٠:١٣٢)

روزی دهیم ١، روزی دهیم ٢، همی روزی دهیم ٥٣، همی روزی دهیم ٦٢، روزی میرسانیم ٨٦، ما روزی دادیم ٨٧، روزی می دهیم ٨٩، روزی میدهیم ١٠٠

نَرْزُقُكُمْ: وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُم مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ (٦:١٥١)

روزی دهیم ١، روزی می دهیم ٣، روزی دهیم ١٠، روزی می رسانیم ٣٦، می دهیم روزی ٥٨، روزی دهیم ما ٦١، ما روزی میدهیم ٦٣، روزی میدهیم ١٠٠، روزی دادیم ١٢٤

نَرْزُقُهُمْ: وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ (١٧:٣١)

روزی دهیم ١، روزی دهیم ٢، روزی دهیم ما ٦١، همی دهیم روزی ٦٢، روزی می دهیم ٦٤، روزی میدهیم ٩٢

نُرْسِلُ: وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (٦:٤٨)

فرستیم ٢، می فرستیم ٣، فرستادیم ٩، فرستیم ما ٥٦، فرستادیم ما ٦٤

~: وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَن كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ (١٧:٥٩)

بفرستادیمی ٦٢، بفرستیدیمی ٩٣

~: لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ (٥١:٣٣)

بفرستیم ١، فروفرستیم ٢، فرستیم ٦١، فروگذاریم ٦٩

★ مَا نُرْسِلُ: وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (٦:٤٨)

نه فرستیم ٢، نمی فرستیم ٣٠، نمیفرستیم ١١١

~: وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (١٧:٥٩)

نفرستیم ١، نفرستادیم ٥٢، نفرستادیم ما ٥٨، ما نفرستادیم ٩٦

~: وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (١٨:٥٦)

ما نفرستادیم ٢، نمی فرستیم ما ٥٨، نمی فرستادیم ١٠٣

لَنُرْسِلَنَّ: لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (٧:١٣٤)

بفرستیم ١، بفرستیم ١٠، ما بفرستیم ٢٩، فرستیم ٣٠، می فرستیم ٥٦، فرستیم ما ٦١، بفرستیم ما ١٢٤

نَرْفَعُ: نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (٦:٨٣)

ورداريم ۱، بَرْداشتيم ۲، بلند برمی آريم ۳، برداشته داريم ۱۰، برمی داريم ۴۱، بردآريم ۴۲، بَرمی آريم ۵۵، برافرازيم ۶۳، برداشتيم ۸۸، برداريم ما ۹۹، بلند می گردانيم ۱۰٤، برميداريم ۱۱۱

~: نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِى عِلْمٍ عَلِيمٌ (۷۶:۱۲)

برآوريم ۲، بلند كنيم ۳، برداريم ۵، بلند گردانيم ۲۹، همی برداريم ۵۳، بَلَند كنيم ۵۵، برداريم ما ۶۱، برافرازيم ۶۳، بَرداشتيم ۷۶، برفرازيم ۸۵، برآوريم ۹۶، برافرآزيم ۱۰۰، بلند گردانيم ما ۱۰٤، بلند ميگردانيم ۱۲۶

نَرى: وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهْرَةً (۵۵:۲)

بَبينيم ۲، بَبينيم ۱۰، ببينيم ۲٤، به ببينيم ۶۲، ببينيم ۱۰۷

~: قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِى ٱلسَّمَآءِ (۱٤٤:۲)

همی بينيم ۲، می بينيم ۳، ما مَی بينيم ۱۰، ديديم ما ۲٤، ما می بينيم ۲۹

~: وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَٰٓؤُا۟ (۹٤:۶)

همی بينيم ۲، بينيم ما ۲٤، می بينيم ما ۶۱

~: وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍۭ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَٰذِبِينَ (۲۷:۱۱)

همی بينيم ۵۳، بينم ۱۱٤

~: لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا (۲۱:۲۵)

ما ببينيم ۴۲، بديديمی ۵۶

★ لا نَرى: وَقَالُوا۟ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ ٱلْأَشْرَارِ (۶۲:۳۸)

نمی بينيم ۸۱، نمی بينم ۹۶

★ مَا نَرى: وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَٰٓؤُا۟ (۹٤:۶)

نمی گينيم ۱، همی نبينيم ۲۶، نمی بينيم ۳۰، نمی بينيم ما ۱۰۰، همی نه بينيم ۱۲۷

~: وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍۭ (۲۷:۱۱)

ما همی نبينيم ۶۲، ما نمی بينيم ۷۶، نه می بينيم ۱۱۸

نُرِى: وَكَذَٰلِكَ نُرِىٓ إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۷۵:۶)

بنموديم ۱، نموديم ۳، مَی نَمُوديم ۱۰، نمايیم ۲۷، بنمايیم ما ۶۱، فرانموديم ۶۲، بازنموديم ۶۳، بنموديم ما ۶٤

~: وَنُرِىَ فِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَحْذَرُونَ (۶:۲۸)

بنمايیم ۱، بازنمايیم ۴۸، بازنمائيم ۵۳، بنمائيم ۶٤، فرانمودند ۱۰۵، نموده شديم ۱۱۹

نُرِيدُ: قَالُوا۟ نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا (۱۱۳:۵)

می خواهيم ۱، میِ خُواهیم ۲، خواهم ۱۰ مكرّر، همی خواهيم ۲۶، می خُواهیم ۴۲، ميخواهيم ما ۶۱، خواهيم ما ۶۷

~: مَا لَنَا فِى بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (۷۹:۱۱)

ما همی خواهیم ۲، ما می خواهيم ۲٤، مِی خَواهِیمْ ۵۵، ما ميخواهيم ۱۰۳

~: عَجَّلْنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ (۱۸:۱۷)

خواهيم ۱، خواهیم ۲، خواهیْم ۵۳، ما خواهيم ۵۸، بخواهيم ما ۶۱

~: وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ (۵:۲۸)

خواستيم ۴۷، ميخواهم ۹۱، می خواستيم ۹۸، ميخواستيم ۱۱۵

★ لا نُرِيدُ: إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَآءً وَلَا شُكُورًا (۹:۷۶)

نمی خواهیم ۱، نخواستیم ۳۰، نخواهیم ۳۹، نمیخواهیم ۱۰۰

نُرِيَكَ: لِنُرِيَكَ مِنْ ءَايَٰتِنَا ٱلْكُبْرَى (۲۰:۲۳)
بنمایم ۱، بنمایم ۲، نمایم ۳، بازنمایم ۵۲، فرانماییم ۶۲، بازنمائیم ۱۰۰

~: وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَٰدِرُونَ (۲۳:۹۵)
نمایم ۲۹، بنمائیم ۴۳، فرانماییم ۴۷، فرانمایم ۵۲، بُنمایم ۱۰۸، باز نمایم ۱۱۷

نُرِيَنَّكَ: وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ (۱۰:۴۶)
بنماییم ۱، بنمایم ۲، نمائیم ۱۳، وانمایم ۲۴، باز نماییم ۶۳، فرانمایم ۱۰۹، فرانمائیم ۱۱۲، نه مائیم ما ۱۲۴

~: وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ (۱۳:۴۰)
بنمایم ۲، نمایم ۲۴، ما بنماییم ۵۸، بنمائیم ۶۰، فراتو نماییم ۶۲، بازنمایم ۶۳، بنماییم ما ۹۲، بازنمائیم ۹۳

~: أَوْ نُرِيَنَّكَ ٱلَّذِى وَعَدْنَٰهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ (۴۳:۴۲)
نماییم هر آینه ۳۲، نماییم هر آینه هر آینه ۸۰، بنماایم ۸۱، نمایم هر آینه ۱۲۱

لِنُرِيَهُۥ: ٱلَّذِى بَٰرَكْنَا حَوْلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنْ ءَايَٰتِنَآ (۱۷:۱)
بنماییم ۱، بنمایم ۲، وانماییم ۲۴، بازنماییم ۴۲، بنماییمْ ۵۳، بنمایانم ۷۴، نماییم ۷۹، بازنمائیم ۹۳، نمایم ۱۱۸

نُرِيهِمْ: سَنُرِيهِمْ ءَايَٰتِنَا فِى ٱلْءَافَاقِ وَفِىٓ أَنفُسِهِمْ (۴۱:۵۳)
بنماییم ۱، بنمایم ۵۶، زود بازنمایم ۱۰۶، نمائیم ۱۳۲، بازنماییم ۱۳۸

~: وَمَا نُرِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِىَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا (۴۳:۴۸)
نماییم ۲۲

★ مَا نُرِيهِمْ: وَمَا نُرِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِىَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا (۴۳:۴۸)
نمی نماییم ۳، ننمائیم ۳۹، نمی ننمائیم ۴۱، ننمودیم ۵۲، ما نمی نمودیم ۱۰۳، ننمودیم ما ۱۳۸

نَزَّاعَةً: كَلَّآ إِنَّهَا لَظَىٰ نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ (۷۰:۱۶)
بیرُون کشنده ۲، نیک کشنده ۳، کننده ۶، کنند ۱۹، کَننده ۳۸، بر کشیده ۳۹، کَشنده ۴۱، کشنده ۴۳، در کشیده ۴۹، زبانه زننده ۸۹، بر کنده ۹۱، بیرون کننده ۹۹، کشنده و بر کننده ۱۰۹، بر کشنده ۱۱۳، تنگ کشنده ۱۱۴، بر کننده ۱۱۷، پوست بازشدن ۱۲۱، بر کننده و سوزنده ۱۳۸

نَزِدْ: مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ ٱلْءَاخِرَةِ نَزِدْ لَهُۥ فِى حَرْثِهِۦ (۴۲:۲۰)
بیوزاییم ۱، فزون کنیم ۳، فزون کنم ۳۲، بیفزایم ۳۸، بفزاییم ۵۳، بیفزاییم ما ۵۶، بیافزایم ۸۱

~: وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُۥ فِيهَا حُسْنًا (۴۲:۲۳)
بیفزاییم ۲۲، افزون کنم ۳۲، بیفزائیم ۳۹، بَیفِزَاییم ۸۱، بیفزائیم ما ۱۲۴

نَزْدَادُ: وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ (۱۲:۶۵)
بیوزاییم ۱، بیفزاییم ۲، افزون می کنیم ۳، بفزاییم ۴۹، اَفزوُن مِی کُنیم ۵۵، می بیفزاییم ما ۶۱، زیادت ستانیم ۶۴، بیفزآییم ۹۴، فزون آریم ما ۱۰۴، افزون ستانیم ۱۰۵، زیاد بستانیم ۱۱۱، افزون کنم ۱۱۴، بیفزائیم ما ۱۲۴، فزون آریم ۱۲۶

نَزَعَ: وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ (۷:۱۰۸)
بیرون آورد ۱، بر کشید ۳، بَیرُون کَشید ۱۰، بیرُون آوُرد ۴۵، بَر کَشیْد ۵۵، در کشید ۹۱، کشید ۱۰۶، بیرون کند ۱۱۳، بیرو کشید ۱۳۰

~: وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ (۲۶:۳۳)
بیرون کشید ۲، بیرون آورد ۲۰، بکشید ۲۹، بیرون

کرد ۶۲، برون آورد ۶٤، بیرو کرد از آستین ۸۰، بیران کشید ۹۵، بیرون کشیده ۱۰۸، برون کرد ۱۱٤، بر آورد ۱۲۳، برون کشید ۱۲۸

نَزَعْنا: وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ (۷:٤۳)

بیرون کنیم ۱، بیرُون آهنجیم ۲، بیرون گیریم ۳، بیرون کردَه باشیم ۱۰، بیرون کشیم ۱۰ مکرّر، بکشید یم ۲۷، ببریم ۲۷، ببریم و بیرون کشیم ۳۹، بیرون کَرْدَهْ باشیم ۵۳، بَرُون گِیرْیم ۵۵، بر کشیم ۵۸، بیرون کرده ایم ۶۲، بر کند یم ما ۷۶، بر کنیم ما ۸۹، بیرون آورده باشیم ۱۰۲، بیرون بریم ۱۱۱، بیرون می بریم ۱۲۰، بکشید یم ما ۱۲٤، بیاهنجید یم ۱۲۸

~: وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا (۱۵:٤۷)

بیرُون کشید یم ۲، بیرون آوردیم ما ۲۹، ما بر کند یم ۳۸، بیرون کشید یم ٤۱، برُون گیریم یا گِرِفْتیم ۵۵، بیرون اریم ما ۶۹، بیرون گیریم یا گرفتیم ۷۱، بیرون کشیده باشیم ۹۳، بیرون آهنجیم ۹٤، بیرو می کنیم ۱۱۳، بیرون آهیختیم ۱۲۸، بکنیم ۱۳۶

~: وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ (۲۸:۷۵)

برون کنیم ۱، بیرون آوردیم ۲، بیرون آریم ۲۱، بیرون کشیم ما ٤۶، بیرون اوردیم بر کنیم ۵۳، بیرون کشید یم ما ۵۶، بیرون آریم ما ۵۸، بکشم ۸۷، بیران آریم ۹۵، بکشیم ما ۱۰۵، بیرون آوریم ۱۱۱، برون کردیم ۱۱٤، بیرون کردیم ۱۲۱، بیرون آوریم ما ۱۲٤

نَزَعْناها: وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ (۱۱:۹)

دور کنیم ۱، بیرون گیریم ۳، بازستانیم ۲٤، ماور کنیم ۲۹، بستانیم ۳۹، بیرون کشید یم ٤۱، بُرُون آرِیم ۵۵، بر کشید یم ۵۷، بیرون کنیم ما ۵۸، باز گیریم ۶۰، بیرون آوردیم ما ۶۱، بَازستانِیم ۶۲، بکشیم ما ۶٤، کشیم ما ۶۹، بر کشیم ۷۵، بَر کنیم ۷۶، بر کنیم ۸۵، بیرون کشیم ۹۱، بگردانیم ما ۹۳، بازبستانیم ۹۶، بگردانیم ۱۰۶، ستانیم بیرون کشیم ۱۰۹، برداریم ۱۲۲

نَزَغَ: وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَن نَّزَغَ الشَّيْطَانُ (۱۲:۱۰۰)

شورانگیخت ۱، شُورش افکندْ ۲، تباهی افکند ۳، تباه کرد ۲٤، درانداخت ٤۱، خورش افکند ۵۲، تَباهی افکند ۵۵، بشورانید ۵۶، تباهی کرد ۵۷، شورانگیزید ۵۸، افکند ۶۰، بشخشانید ۶۱، تباه کرده بود ۶٤، شورش افکند ۸۳، سوزش افکند ۹۸، بلغزانید ۱۰۲، شورانید ۱۰۳، شوزش افکند ۱۰۵، شورش افکنده ۱۲۸

نَزْغٌ: وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ (۷:۲۰۰)

شُورش ۲، آغالیدن ۱۰، شوریدگی ۲۷، درآمدن ٤۱، شور ٤۳، شورش ۵۲، شخشانیدن ۶۱، جنبیدن ۸۸، شورانیدن ۱۰۷

~: وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ (٤۱:۳۶)

وسوسه ۱، شُورانیدن ۲، تباهی افکندن ۳، شور ۱۵، شوُر ۲۲، تباهی ۲۹، شورانیدن ۳۰، شوریدن ۳۸، درانداختن ٤۱، کشیدن ٤۲، بشورانیدن ۶۱، شورانیدگی ۹۰، تباهی و افتادگی ۱۲۱

نَزَلَ: وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ (۱۷:۱۰۵)

فرود آمد ۱، فُرود آمد ۲، فرستاد ۵۸، فرود آمَد ۶۱، فرو آمد ۷۶

~: نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۲۶:۱۹۳)

فروآورده است ۳٤، فرو آورد ۵۶، بفرستاد ۵۸، فرود آورد ۶۱، بیرون آمد ۸۷، فرود آورده ۱۳۲

~: فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ (۳۷:۱۷۷)

فرود آید ۱، فرو آیدْ ۲۲، فرو آید ۹۶

~: أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ (۱۶:۵۷)

فروفرستاد ۵۶

نَزَّلَ: ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ (۲:۱۷۶)

فرستادست ۱۰، فُرو فِرستاد ۴۲، همی فرو آید ۱۰۷، فرو فریستاد ۱۲۸

~: نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ (۳:۳)

فرود کرد ۱، فُرو فرسْتاد ۲، بفرستاد ۱۰، اوی فرستاد ۶۳، فرود فرستاد ۶۵، فرو فرستادیم ۱۱۱

~: ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ (۴:۱۳۶)

فرود کرده شد ۱، فرو فرستیده است ۳۴، فرو فرستاده شد ۵۷، فرو فرستآد ۱۰۰

~: وَقَدۡ نَزَّلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أَنۡ إِذَا سَمِعۡتُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ (۴:۱۴۰)

فرستاده شد ۵۸، فرستاده آمد ۱۲۴

~: تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ (۲۵:۱)

فرو فرستاده است ۶۲

~: وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ ... لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ (۲۹:۶۳)

فروفرستاد ۳، فرود آورد ۳۰، فروآورد ۴۷

~: وَٱلَّذِي نَزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ (۴۳:۱۱)

فرو فرستاد ۳۲، فرستاد ۳۹

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ سَنُطِيعُكُمۡ (۴۷:۲۶)

بفرستاده بود ۶، می فرستاد ۶۴

★ مَا نَزَّلَ: سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّا نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٖ (۷:۷۱)

فرود نکرد ۱، فرود نفرستاد ۱۰ مکرّر، فرو نفرستاد ۲۷، نفرستاد ۵۸، فرود نیاورد ۱۳۶

~: فَكَذَّبۡنَا وَقُلۡنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٍ (۶۷:۹)

نفروفرستاد ۴۱، نفرستاده است ۶۴، فرو نفرستآد ۱۰۰، فرو نفرستاده است ۱۰۳

نُزِّلَ: وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ (۶:۳۷)

فرو فرستادی ۸۸

~: وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِي نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ إِنَّكَ لَمَجۡنُونٞ (۱۵:۶)

فرود کرده شد ۱، فُرو فرستاده آمد ۲، فرستاده آمدست ۳۹، فرستاده آمده ۵۲، فُرو آمدْ ۵۳، فرستاده‌اند ۷۶

~: وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ (۱۶:۴۴)

فرستاده آمد ۲، فروفرستاده شد ۳، فرود فرستاده شد ۵۸، فرو فرستاده شده است ۶۴، فرو فریستاده آمد ۱۲۸

~: وَيَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلۡغَمَٰمِ وَنُزِّلَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ تَنزِيلًا (۲۵:۲۵)

فرود کرده شند ۱، فرو فرستاد ۳۰، فرو فرستند ۴۶، فرستاده شوند ۵۸، فروفرستد ۶۱، فرود فرستاده شوند ۹۲، فرو فرستاده شوند ۱۰۰

~: وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ (۴۳:۳۱)

فرو فرستادندْ ۲۲، فرستاده شد ۵۶، بودی فروآمده ۱۱۴

~: وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٖ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡ (۴۷:۲)

فرو فرستاده آمد ۲، فرو فرستاده‌اند ۲۲، فرو فرستادند ۲۹، فرو فرستاده است ۱۱۶

★ لَا نُزِّلَ: وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ (۶:۳۷)

فرو فرستیده نیامد ۵۷، فرو نیاورده شد ۱۰۹، فروفرستاده نشد ۱۱۱، نفرستاد ۱۱۸

~: وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ (۴۳:۳۱)

فرستاده نشد ۱۰۳

★ لو لانُزِّلَ: وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِ (۶:۳۷)
چرا فرود کرده نشد ۱، چرا فرو نفرستادند ۴۲، چرا فرو فرستاده نشد ۵۸، چرا نفرستند ۷۶، چرا نفرستاد ۹۲، چرا فرو نفرستادند ۱۰۰

~: وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْءَانُ جُمْلَةً وَاحِدَةً (۲۵:۳۲)
چرا فرستاده نشد ۵۸

نُزُلًا: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ (۳:۱۹۸)
پاداش ۱، مَیزوانی و نیکوَاداشتن ۱۰، میزوانی و نیکوداشت ۴۰، پیش آوردن ۴۱، جَای فُرُود آمدن ۵۵، پاداش ۶۷، مهمان داشتی ۹۰، مهمان داری ۹۶

~: إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا (۱۸:۱۰۲)
جای فرود آمدنْ ۲، جای فرود آمدن ۳، جایگاه ۲۴، جای فروآمدن ۵۲، فروآمدن ۵۳، جَای فرُود آمَدَن ۵۵، فروآمدن جای ۵۶، تزغو[1] ۹۵

~: كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا (۱۸:۱۰۷)
جاءَ فُرود آمدن ۲، ساخته ۳۹، پیش آورد ۴۱، فرود آمدن جای ۶۱، فرود آمده ۹۰

~: فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۲:۱۹)
آورندن ۴۷، فروفرستاده ۷۶، پاداشت ۱۰۰، آماده ۱۰۶، پیش کشی ۱۱۱

~: أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ (۳۷:۶۲)
جایگاه فرو آوردنْ ۲۲، فرود آمدن ۳۳، جاء فرود آمدن ۶۵، فروآیندگان ۸۱، نواخت ۹۵، از روی پیش کش ۱۱۱، میهمانی ۱۱۴، پیشکش ۱۲۰

~: وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ (۴۱:۳۲)
روزی ۳، فـرو آوردن ۲۲، فـرود آوردن ۳۸، فرستادن ۳۹، بجارده ۴۸، مهمانی ۵۲

نُزُلٌ: وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ (۵۶:۹۳)
پاداش ۱، روزی ۲۹، ساخته ۳۹، مهمانی ۴۲، فروآیندگان ۸۱، خورد ۹۰، مهمان ۹۶، پیش کش ۱۰۳، خوردنی ۱۰۸

نُزِّلَتْ: وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ (۴۷:۲۰)
فروفرستاده شد ۳، فرو فرستاده آمدْ ۲۲، فروفرستاده آمد ۴۷، فرستاده شد ۵۶

★ لَا نُزِّلَتْ: وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ (۴۷:۲۰)
نفرستادند ۱۰۵، فروفرستاده نشد ۱۱۱، فرو نفرستادند ۱۱۴، فرستاده نشد ۱۲۴

★ لَوْ لَا نُزِّلَتْ: وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ (۴۷:۲۰)
چرا فرود کرده نشد ۱، چرا فرستاده نشد ۳۹، چرا فرو نمی آید ۶۴، فرستاده نمی شود ۱۰۳، چرا فرو فرستاده نشد ۱۳۲

نَزْلَةً: وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ (۵۳:۱۳)
راه ۱، فرود آمدن ۳، بار ۳۰، یکبار ۵۱، فروآمدن ۸۱، یک بار ۱۲۵

نَزَّلْنَا: وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا (۲:۲۳)
فُرو فرسْتادیم ۲، فَرستادیم ۱۰، بفرستادیم ۲۴، بفرستادیم ما ۹۹، فرو فرستاده ایم ما ۱۰۲، بتدریج فروفرستادیم ۱۰۴

~: ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُم (۴:۴۷)
فرود کردیم ۱، فرو فرستادم ۳، ما فرستادیم ۱۰، فروفرستادیم ما ۵۷، فرستادیم ما ۵۸،

---

۱. کذا (؟) ضبط و ریشهٔ کلمه بر ما معلوم نشد.

فروفرستاده ایم ٦٢

~: وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَٰبًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ (٦:٧)

فرود کردی ایما ١، فُرو فرستادیم ٢، فرستادیم ٣، بفرستادیمی ٩، فرستادیمی ١٠ مکرّر، ما فرو فرستادمانی ٥٧، فروفرستادیمی ما ٦١، فروفرستادیمی ٨٨، بفرستادیمی ما ٩٢

~: وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ (٦:١١١)

فرو فرسِدیم ١٠، فرو فرستادمی ٢٩، فرو فرستادمانی ٥٧، فروفرستیم ٩٦

~: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَٰفِظُونَ (١٥:٩)

فرو فرستادِیم ٦٢، فروفرستآدیم ١٠٠

~: وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَٰبَ تِبْيَٰنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً (١٦:٨٩)

فُرو فرستادیم ٢

~: لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَآءِ مَلَكًا رَّسُولًا (١٧:٩٥)

فروفرستیدمانی ٣٤، بفرستادمانی ٤٢، فرستادمانی ١٠٠، ما فروفرستادمی ١٣٩

~: وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ (٢٠:٨٠)

فرود فرستادیم ٨٦

~: وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً مُّبَٰرَكًا فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ جَنَّٰتٍ (٥٠:٩)

می فرستیم ٦، فروفرستآدیم ما ١٠٠

نَزَّلْنَاهُ: وَقُرْءَانًا فَرَقْنَٰهُ لِتَقْرَأَهُۥ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَٰهُ تَنزِيلًا (١٧:١٠٦)

فروفرستادیم ما ٩٣، فرستادیمش ١٠٣، فرو فرستاد ١٣٩

~: وَلَوْ نَزَّلْنَٰهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُۥ عَلَيْهِم (٢٦:١٩٨)

فرستادیمی ٢٤، فروفرستیدمانی ٣٤، بفرستادیمی ما ٤٦، فروفرستادمی ٤٧، فرود آورد فرود

فرستادیم ٨٦، فروفرستادمانی ١٠٠، ما فرستادیمی ١٣٥

نَزَّلَهُ: فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ (٢:٩٧)

فُرود آورْد ٢، برو در آورد ٤، بفرستد ٢٤، فرستد ٤٠، فرو آورد ٤٢، فرو آید ٥٣، فرُود آورَدْ ٥٥، فرود آوَرْد ٦٢، فرود آرد ٦٤، فرستاد ٦٧، فرود آید ٨٨، همی فروآید ٩٤، فرود می آمد ٩٨، همی فرود آرد ١٠٥، آورد ١٢٧، فرستاده [است] ١٣٦

~: قُلْ نَزَّلَهُۥ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ (١٦:١٠٢)

فرود آورد ١، فُرُود آوَرْد ٥٣، فرود آمد ٥٨، فرود آوَرد ٦٢، فرود آورده است ٦٤، فرود آوردانی ١١٣

نُزُلُهُمْ: هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (٥٦:٥٦)

پاداش ١، خوردنی ٣٠، روزی ٣٦، پیش آورد ٤١، پیش کش ١٠٣، خوردن ١٠٨، پیشکش ١١١، پیش آوردن ١١٣، روزی و مهمانی ١١٤، پشکش ١٣٠

سَنَزِيدُ: وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَٰيَٰكُمْ ۚ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (٢:٥٨)

برفزاییم ٢، افزون کنیم ٣، افزاییم ١٠، زود بود که بیفزائیم ٢٩، زود بیفزایم ٣٦، بیفزایْیم ٥٣، زوُد بُوَد که اَفزُون کُنیمْ ٥٥، سرانجام فزونی دهیم ٦٤، فزونِ کنیم ٨٠، افزائیم ١٠٩، سرانجام افزونی دهیم ١٢١، زود بزیادت کنیم ١٣٨

~: وَادْخُلُوا۟ الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيٓـَٰٔتِكُمْ ۚ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (٧:١٦١)

بیوزاییم ١، بفزاییم ١٠، بیفزاییم ٢٤، زودُافزوُن کُنیم ٥٥، بیفزاایم ٥٧، افزاییم ما ٦١، میفرازیم ٩٢، افزون گردانیم ١١١، جزا دهیم ١٣٦

★ لَنْ نَزِيدَكُمْ: فَذُوقُوا۟ فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (٧٨:٣٠)

نیوزاییم ١، نه افزائیم ٣٩، نمی افزائیم ١١٦، هرگز نیفزائیم ١٣٢، نیفزاییم ١٣٦

اَلنِّسَاءُ: زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوٰتِ مِنَ النِّسَآءِ وَالْبَنِينَ (١٤:٣)
زنان ١، زنان و کنیزگان ٤٠

~: فَإِن كُنَّ نِسَآءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ (١١:٤)
مادینه گان ١٠ مکرّر، دختران ٤٠

~: وَإِن كَانُوٓا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَآءً (١٧٦:٤)
مادینه ٥٢، مادینگان ٩٨

~: إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَآءِ (٨١:٧)
زنان و دُختران ١٠

~: وَلَا نِسَآءٌ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ (١١:٤٩)
پیرزنان ٦

نِسَاءَ كُمْ: يُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ (٤٩:٢)
زنان ٢، زنان و دختران ١٠

~: فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ (٦١:٣)
یاران ٥٨

~: يُقَتِّلُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ (١٤١:٧)
دختران ١

~: وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ (٦:١٤)
زنینکان ٧ مکرر

نِسَاؤُكُمْ: نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ (٢٢٣:٢)
زنان ٢٤

نِسَائِكُمْ: أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَآئِكُمْ (١٨٧:٢)
زنان ٢، زنان ٣، زنآن ١٠٠

نِسَاءَ هُمْ: قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَآءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَآءَهُمْ (١٢٧:٧)
زنان ٣٥، زنان و دختران ٥٨

~: يَسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَآءَهُمْ (٤:٢٨)
دختران ١

~: قَالُوا اقْتُلُوٓا أَبْنَآءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَآءَهُمْ (٢٥:٤٠)
زنها ١٣٦

نِسَائِهِمْ: الَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَآئِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَٰتِهِمْ (٢:٥٨)
زنان ١

نِسَائِهِنَّ: وَلَآ أَبْنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ (٥٥:٣٣)
زنان ٣٠

نُسَارِعُ: نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَٰتِ بَل لَّا يَشْعُرُونَ (٥٦:٢٣)
می شتاوانیم ١، می شتابیم ٣، همی شتابیم ٢٤، همی بشتابیم ٣٠، شتاب می کنیم ٣٦، بشتابیم ٣٨، می شتابانیم ٣٩، پیشی می کنیم ٤١، بشتابانیم ٤٢، بشتابانید یم ٤٣، هَمي شِتابيم ٥٣، پیشی می کنیم ما ٦٤، می بشتابانیم ٧٧، شتاب مینماییم ٨٦، می شتابیم ـ زود می دهیم ٩١، همی شتابانیم ٩٥، شتاب می نماییم ١٠٤، میشتابیم ١١١، شتاب میکنیم ١٢٠، می شتابیم ما ١٢٤، شتاب مینمائیم ١٣٢

نُسْئَلُ: قُل لَّا تُسْـَٔلُونَ عَمَّآ أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْـَٔلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٢٥:٣٤)
پرسند ما را ٣٨، پرسم ٨٧، پرسند مان ١١٤

★ لا نُسْئَلُ: قُل لَّا تُسْـَٔلُونَ عَمَّآ أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْـَٔلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٢٥:٣٤)
پرسیده نشیم ١، نپرسند ما را ٢٢، پرسیده نشویم ٥٨، نه پرسیده شوم ٦١، ما پرسیده نخواهیم شد ٦٤، نپرسند از ما ١٠٠، پرسیده نخواهیم شد ١٠٣، پرسیده نشویم ما ١٣٢

نَسْئَلُكَ: لَا نَسْئَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ (۱۳۲:۲۰)

می خواهیم ۴۳، خواهیم ۱۱٤

★ لَا نَسْئَلُكَ: لَا نَسْئَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ (۱۳۲:۲۰)

نمی خواهیم ۱، نخُواهیم ۲، نخواهیم ۲٤، نخواهیمْ ۵۳، نخواهیم ما ۵٦، ما نخواهیم ٦۲، نخواهم ۸۷، نمیخواهیم ۱۰۳، درنمی خواهیم ۱۱۳

لَنَسْئَلَنَّ: فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ (٦:۷)

بپرسیم ۱، بپُرسیم ۱۰، ما بپرسیم ۱۰ مکرّر، بپرسیم ما ۲۷، پرسیم هرآینه هرآینه ۳۰، بپرسانیم ٦۲، بازپرسیم ٦۳، هرآینه بخواهیم پرسید ٦٤، درپرسیم ۷۹، ما پرسیم ۹٦، پرسیم ما ۱۰٤، پرسیم ۱۱٤، می پرسیم ما ۱۲٤، به پرسیم ۱۲۸

لَنَسْئَلَنَّهُمْ: فَوَرَبِّكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۹۲:۱۵)

بپرسیم ۱، بپرسیم ما ٦۱، بازپرسیم ٦۳، هرآینه پرسیم هرآینه هرآینه ۷۱، درپرسیم ۷۹، بازپرسم ۱۰٦، به پرسیم ۱۲۸

نَسَبًا: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا (۵٤:۲۵)

خویش و پیوند ۳، نژاد ۲۰، خویشاوند ۳۰، خویشاوندان ۳٦، پیوستگی قرابت ٤۷، خویش ۵۸، خویشاوندیْ ٦۱، پیوند خویشی ۱۰۹، پیوستِگیِ ۱۱۹

~: وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا (۱۵۸:۳۷)

خویشی ۱، پیوستگی ۲٤، خویشاوندی ٤۳، خویشی و پیوند ۱۱٦

نُسَبِّحُ: وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ (۳۰:۲)

نماز مَی کنیم ۱۰، نماز کنانیم ۲٤، بَپاکی یَاد می کُنیم ۵۵، یاد کنیم ۵۷، بپاکی یاد می کنیم ۸۰، همی گوییم ۸۲، بپاکی کنیم ۹۰، پاکی گوایم ۸۲، بپاکی یاد میکنیم ۱۰۲، بپاکی یاد کنیم ۱۲۹، پاک میگوییم ۱۳۵

نُسَبِّحَكَ: وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا (۳۳:۲۰)

کنیم نماز ۲٤، پاکی گوییم ۵٦، بپاکی یاد کنیم ۵۸، نماز کنیم ٦٤، ستایش نمائیم ۱۰۰، بپاکی ستایمت ۱۱٤، بپاکیزگی یاد کن ۱۱٦، بستایم ۱۲۱، بپاکی بستایم ۱۲۲

نَسْتَبِقُ: قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ (۱۷:۱۲)

می تیرانداختیم ۱، اسب می تاختیم و تیر می انداختیم ۳، اسب می دوانیدیم و تیر می انداختیم ۳۰، می دویدیم - تیراندازی می کردیم ۳٦، تیرانداختن و اسب دوانیدن ٤۱، پیشی گیریم ۵۲، پیش همی رَفتیم ۵۳، اَسب می دَوانـدیمْ و تیر مِی اَنداختِیم ۵۵، پیشی می گرفتیم یک دگر ۵٦، پیشی میگرفتیم ۵۹، بَا یک دیگر تک کنیم ٦۲، می انداختیم ٦۳، پیشی می گرفتیم بر یکدیگر ۷۹، اسب می دواندیم و تیر می انداختیم ۸۰، اسب می دوآندیم ۹٤، پیشی می بردیم ۱۰۳، پیشی می گرفتیم ۱۰۹، پیشی میگرفتیم بر یکدیگر ۱۱۱، اسب دوانیدیم ۱۱٤، پیشی گرفتیم ۱۲۰، پیش رفتیم ما ۱۲٤، تیراندازیم ۱۲۸، پیش میرفتیم ۱۳۰

نَسْتَحْوِذْ: قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱٤۱:٤)

دست یافتیم ۸۰، ما توانا بودیم ۱۲۹

★ لَمْ نَسْتَحْوِذْ: قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱٤۱:٤)

نه دست یافتیم ۳، نه ما توانا بودیم ۲۹، نمی شتافتیم ٤۱، نه ما توانا بُودیم ٤۲، نه گِرْد اوردیم ۵۳، نه دَست یَافتیم ۵۵، نه چیره گشتیم ۵۷، دست نیافتیم ۱۰٦

نَسْتَحْيِي: قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ (۱۲۷:۷)

زنده گذاریم ۳، زنده بگذاریم ۲۷، زنده مانیم

۳۱، بمانیم ۳۵، زنده می گذاریم ۵۶، زنده بداریم ۵۷، زنده گذاریم ما ۶۱، زنده گردانیم ۷۶، زنده میگذاریم ۱۲۲، زنده بگذارم ۱۲۶

سَنَسْتَدْرِجُهُمْ: وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم (۷:۱۸۲)

بگیریمی ۱، اند ک اند ک گیریم ۳، بگیریم ۱۰، گیریم ۲۴، زود بود که بنوردیم ۲۷، درآریم ۴۱، اَندَک اَندَک گیرِیمشان ۵۵، دریابانیم ۵۸، درآریم ما ۶۱، اند ک اند ک آریم ۹۱، کم کنیم ۹۲، درنوردیم ۹۳، سرانجام دهیم ۱۰۰، بآهستگی فراگیریم ۱۰۴، اند ک اند ک گذرانیم ۱۱۴، بآهستگی بگیریم ۱۲۶، فراگیریم ۱۳۶

~: وَمَن يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۶۸:۴۴)

درکشیم ۲، اند ک اند ک بگیریم ۱۹، درپیچیم ۲۹، اندرکشیم ۳۰، اندرآریم ۳۹، بگیریم ۴۲، اند ک بگیریم ۷۹، اند ک اند ک نزدیک گردانیم ۸۰، بگردانیم ۹۶، درآوریم ۱۰۰، بگیریم اند ک اند ک ۱۱۳، بگیریم آهسته آهسته ۱۱۶، پاداش دهیم ۱۲۰، زود باشد که بگیرم ۱۲۳، درکشیم ما ۱۲۴، کشیم ۱۳۲

نَسْتَعِينُ: إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۱:۵)

یاری میجوئیم ۲۹، خواهیم یاری ۲۴، نیرُو خُواهیم ۴۲، یَاري مي خَواهِم ۵۵، میخواهیم یاری ۸۴، یاری می خواهیم ۸۹، یاری خواهیم ۹۰، یاری میخواهیم ۱۰۰، نیرو خواهیم ۱۰۵، یاری میخواهم ۱۱۰، یاری میجویم ۱۳۶

نَسْتَنْسِخُ: إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۵:۲۹)

می نویشتیم ۱، همی نبشتیم ۲۲، همی نوشتیم ۳۰، همی نویسیم ۳۸، نبشتیم ۱۰۸، می فرمودیم نوشتن ۱۱۳، مینوشتیم ۱۲۲، می نوشتیم ۱۲۴

نُسْخَتِهَا: وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (۷:۱۵۴)

نبشته ۱۰، نوشتها ۴۱، نبشتگی ۴۲، نویشتگی ۵۵ و ۱۲۵، نوشته ۶۷، نبشتگیها ۹۴، نبشتها ۱۰۲، نوشته شده ۱۱۶، نبیش اتک[1] ۱۲۸

نَسْخَرُ: قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (۱۱:۳۸)

اوسوس کنیم ۱، فسوس کنیم ۳، افسوس می داریم ۲۹، افسوس کنیم ۳۹، فسوس می داریم ۴۲، فسوس خواهیم کرد ۶۴، فسوس داریم ۷۶، افسوس داریم ۷۹، افسوس کنیم ما ۹۹، فسوس میداریم ۱۰۳، افسوس خواهیم داشت ۱۰۴، ما افسوس کنیم ۱۲۵، فسوس خواهیم داشت ۱۲۶، ریشخند می کنیم ۱۳۶

نَسْفًا: لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (۲۰:۹۷)

وراوشانست ۱، بباد بردادن ۳، پراکندن ۲۴، پاشیدن ۲۹، بباددادن ۳۰، باد کردن ۴۲، بَبَادْ دادَن ۵۳، برافشاندن ۵۸، بادشدن ۷۲، افشاندن ۷۴، بر باد دادن ۸۶، باد برداميدن ۸۹، انداختن ۹۰، ریزیدن ۹۶، بباد دردادن ۹۹، پراکردن پاشیدن ۱۰۲، بباد کردن ۱۰۵، پراکنده ساختن ۱۱۱، باد بو بردادنا ۱۱۳، پراکنده کردن ۱۲۳

~: وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (۲۰:۱۰۵)

ورکندن ۱، برکندن ۳، راندن ۴۲، بر باد کردن ۵۳، برکندگی و بباد دادن ۵۸، پست کردن ۷۶، گرد کردن ۹۶، خورد ومرد کردن ۱۰۰، به باد بردادن ۱۰۶

نُسِفَتْ: وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ (۷۷:۱۰)

ورکنده شهد ۱، برکنده شود ۳، برفتن ایستد ۱۹، از جای برگیرند ۲۴، بر باددهند ۲۹، از بن برکنده شود ۳۰، برکنند ۴۳، پراکنده شود ۵۶، از

---

[1] نبیش اتک / نبشتگ، نبشته.

جای برکنده شود ٦٤، از بیخ برکنده شود ۷۹، از بن برکنند ۸۸، برگدازد ۹۱، پراکنده شوند ۹۲، خورد ومرد کرده شوند ۱۰۰، از بیخ برکنده شوند ۱۰۲، از بن برکننده ۱۰۸، برکنده شود از بیخ ۱۰۹، برکنده شوند ۱۱٦، بباد دردمیده شوند ۱۱۷، از هم پاشیده شوند ۱۲۲، بباد بردامیده شود ۱۳۸، کنده شود ۱۳۹

لَنَسْفَعًا: كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۹٦:۱۵)
بگیریم ٢٤، بکشیم ۲۹، بگریم ما ٤١، بکشم ٥٢، بفرماییم تا بسختی گیرند ٦٧، برکشیم ۱۰۰، بگریم ۱۲۰، فراگیریم ۱۲٦، هرآینه بگیرم ۱۳۰، بسختی بکشیم ۱۳۲

نُسْقِطْ: أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ (۳٤:۹)
بیوکنیم ۱، افکنیم ۳، برافکنیم ۷، بیفکنیم ۲۹، فروافکنیم ۳۰، فروانداز یم ٤١، فرود آریم ٤٣، بفکنیم ٤٧، برافکنیم ٥٢، بافکنیم ٥٦، بیفکندیمی ٥٨، بیفکنیم ما ٦١، فکنیم ٨٦، فروبرم ٨٧، انداختمانی ۱۰۰، فکنیم ما ۱۰٤، بیندازیم ۱۱۳، اندازیم ۱۱٦، فروافکنیم ۱۱۹، بیفکندمایی ۱۳۸

نَسْقِي: قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ (۲۸:۲۳)
آب دهیم ۳٦، اب دَهیم ٥٣

★ لَا نَسْقِي: قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ (۲۸:۲۳)
آب ندهیم ۱، آب ندهیم ۲، نتوانیم آب دادن ٢٤، ما آب ندهیم ٤٢، نخورانیم ٤٣، ما آب نتوانیم داد ٤٧، آب نتوانیم داد ٥٦، ندهیم آب ٦٢، آب نمی توانیم دادن ٩٤، ما آب ندیم ۱۰۰، ما آب نمی دهیم ۱۰۳، آب نمیدهیم ۱۱۱، آب همی نتوانیم داد ۱۲۸

نُسْقِيكُمْ: نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ (۱٦:٦٦)
می دهیم ۳۰، می آشامانیم ٤١، می خورانیم ٤٢، می دهیم ٥٥، آب دهیم ٥٧، آب دهیم ما ٦١، درخورد می دهیم ٦٣، می آشامیم ۷۲، میاشامانیم ٧٤، بخورد میدهیم ۹۳، بخورانیم شما را ٩٤، همی آشامانیم ٩٦، میخورانیم ۱۰۵، آشامانیمشان ۱۰۹، خوردنی دهیم ۱۱۳، آب میدهیم ۱۲۱

~: نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ (۲۳:۲۱)
می سراب دهیم ۱، همی دهیم ٢٤، بیاشامانیم ۳۰، شیر دهم ٥٢، میدهیم برای دوشیدن ۷۷، میدهیم ۸۷، خورد شما میدهیم ٩٤، شیر دهیم ۱۰۵، درخورد میدهیم ۱۰٦، خورانیم ۱۰۹، با خورد دهم ۱۱۳، سیراب میگردانیم ۱۲۹

نُسْقِيَهُ: لِّنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا (۲۵:٤٩)
آب دهیم ۱، بیاشامانیم ۲۰، آب خورانیم ۳۹، بخورانیدیم ٤٣، بخورانیم ٤٧، بدهیم ٥٣، بدهیم ٥٨، با آب گردانیم ٦١، آب خور کنیم ٦٤، آب گاه ساختیم ۸۸، درخورد می دهیم ۱۰۰، درخورد دهیم ۱۰٦، بآب گردانیم ۱۲۸

نُسُكٍ: فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ (۲:۱۹٦)
خُون ریختَن ٤٢، خون ریختن ٥٢، گوسفند ٥٣، قربانی ۷۸، قربان ۱۳۸

وَلَنُسْكِنَنَّكُمْ: وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِن بَعْدِهِمْ (۱٤:۱٤)
آرام دهیم ٥، ما بنشانیم ۲۹، فروآریم ٢٤، آرامانیم هرآینه هرآینه ۳۰، بیارامانیم ٤٢، بیارامیم ٥٢، بُنشانَم ٥٣، آرَامَانیم هَرَاینه هَرَلِینَه ٥٥، جای دهیم ٥٦، آرام دهیم ٥٧، بنشانیم ٧٦، آرام دهیمتان ۱۱٤، جای دهیم ما ۱۲٤

نُسُكِي: قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٦:۱٦۲)
گوسپند کشان ۱، پرستش ٥٧، فرمان ۹۱، زیستن ۱۰٦، کارهای حج ۱۲۸

ٱلنَّسْلَ: سَعَىٰ فِي ٱلْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ ٱلْحَرْثَ وَٱلنَّسْلَ (٢:٢٠٥)
زه ٣، جانوران ٣٦، زه و زاد ٤٢، زه و زاد ٥٢، زه ٥٥، جانور ٦٣، نژادزادن ٩٢، چهارپای ٩٥، زه و زآد ١٠٠ ، زه‌زاد ١٠١، نژاد ١٠٢، زِه و زاد ١٠٥، تخم ١٢٤، زِه و زاد ١٢٥، چهارپایان ١٣١، فرزندان ١٣٨

نَسْلَخُ: وَءَايَةٌ لَّهُمُ ٱلَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ (٣٦:٣٧)
بیرون آریم ٢٢، بیرون می آوریم ٢٤، بیرون آوریم ٢٩، بیرون آهنجیم ٣٠، بیاهنجیم ٣٣، بیرون می آریم ٣٦، بکشیم ٤٢، بیرون آید ٤٣، ما بکشیم ٥٢، بیرون آوردیم ما ٦١، بیرون می کشیم ٦٤، بیرون می گیریم ٩١، ما بدر کشیم ٩٦، درمیکشیم و دور میکنیم ١٠٣، بیرون آهیختیم ١٠٨، بیرون می کردیم ١٠٩، درمیکشم و دور میکنم ١١١، میکنیم ١١٦، بیرون میکشیم ١٢١، درمیکشم ١٢٣، بیرون آریم ما ١٢٤، بیرون کنیم ١٢٩، درمی آوریم ١٣٠، بار میکنیم ١٣٢

نَسْلُكُهُ: كَذَٰلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ ٱلْمُجْرِمِينَ (١٥:١٢)
در کنیم ١، درمی آریمش ٣، درآریم ٢٤، درمی آوردیم ٢٩، درکشیم ٤١، دراندازیم ٤٢، اندر اُوردیم ٥٣، دَر مِی آریم ٥٥، درآریم ما ٥٨، ما همی آوریم ٦٢، درآوریم ما ٦٣، ما می آوریم ٧٦، درمی گیریم ٨٠، درآوریم ٨٩، افکندیم ٩٣، اندر آریم ٩٤، اندراریم ٩٨، فرومی آریم ١١٦، می درآریم ١٢٦، درمی آوریم ١٢٩

لِنُسْلِمَ: وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (٦:٧١)
نرم شیم ١، گردن دهیم ٣، پا کیزه داریم ١٠، گردن نهی ١٠ مکرّر، گردن نهیم ٢٦، گردن نهیم و فرمان برداری کنیم ٣٩، گَرْدن دِهیم ٥٥، گردن نهیم و فرمان بردار باشیم ٦٤، گردن نهیم ما ٩٠، با یکدیگر گردن نهیم ١٢٢، گردن نهم ١٢٣

نَسْلَهُ: ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَٰلَةٍ مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ (٣٢:٨)
فرزندان ١، زه ٣، آفریدن ٢٤، زایدن ٢٩، فرزند ٤٦، نژاد ١٠٩، زه و زاده ١٢١

نَسْمَعُ: أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم (٤٣:٨٠)
شنویم ٣٢

~: لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ (٦٧:١٠)
بشنودیم ٣، ما بشنودیمی ٣٠، ما بشنیدمانی ٣٤، بشنیدیمی ٣٩، شنیده بودمانی ٥٢، شنودیمی ٨٠، بشنیدمی ٨٧، بشنیدیم ما ٨٩، بشنیدیم ٩١، می شنیدیم ٩٢، می شنودیم ١٠٠، بشنویم ١٠٣، شنوده بودمانی ١٠٥، همی شنیدیمی ١٠٩، شنودمانی ١١٣، می شنودیم ما ١٢٤، بشنیدمانی ١٣٤

★ لَا نَسْمَعُ: أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم (٤٣:٨٠)
نمی اشنیم ١، می نشنویم ٢، نمی شنویم ٣، می نشنویم ٢٢، نشنویم ٣٩، نمیشنویم ١٣٢، ما نشنویم ١٣٨

سَنَسِمُهُ: سَنَسِمُهُ عَلَى ٱلْخُرْطُومِ (٦٨:١٦)
داغ کنیم ١، زنیم ٢٤، داغ نهیم ٢٩، نِشان کنیم ٤٢، روی سیاه کنیم ٤٩، داغ نَهیم ٩٦، دآغ نهیم ١٠٠، نشان کنیم ١٠٢، ما داغ فرماییم ١٠٤، نشانی کنیم ١٠٩، داغ نمائیم ١٢٢، داغ کنم ١٢٣، داغ نهیم ما ١٢٤، داغ نماییم ١٣٢، داغ زنیم ١٣٦، داغ برکنم ١٣٩

نَسُوا: وَنَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ (٥:١٣)
فرموش کردند ١، فرامُشت کردنْد ٢، فرامَوش کردند او دست واداشتند ١٠، دست بازداشتند ١٠ مکرّر، گذاشتند ٣٦، فراموش می کنند ٤١، فرامش کردند ٤٥، فراموش کَردند ٦١، فراموش کرده‌اند ٦٤، فرموش کنید ٧٥، ترک کردند ١١١

~: أَخَذْنَا مِيثَٰقَهُمْ فَنَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ (٥:١٤)

~: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ (۶:۴۴)
فَرامُوش کردنْد ۲، فرامشت کردند و بجای ماندند ۸۸، فراموش کنند ۱۱۸

~: فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَٰذَا (۷:۵۱)
فرامُشت کردنْد ۲، ایشان فراموش کردند و دست واداشتند ۱۰، گذاشته بود ۳۶، بگذاشته بودند ۶۴، فروگذاشتند ۸۸، فراموش کرده بودند ۱۰۲، فروگذاشتند و فراموش کردند ۱۱۱، فراموش کردید ۱۱٤

~: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا (۷:۱۶۵)
ایشان فَرامَوش کردند و دَست وَاداشتند ۱۰، بگذاشتند ۳٤، رها کردند ۵۸

~: نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ (۹:۶۷)
فرامُوش کرَدَند ۵۵، فروگذاشته‌اند ٦٤، از یاد بماندند ۹۶، بمانند ۱۰۵

~: حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا (۲۵:۱۸)
فرامشت کردند ۲، دست بداشتند ۲٤، فراموش کردند و واگذاشتند ۱۱٦

~: لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۳۸:۲۶)
فراموش کردند ۲

نِسْوَةٌ: وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ (۱۲:۳۰)
زنان ۱، زنَان ۵۵، زنان ۷۶، گروه زنان ۱۲۳

نَسُوقُ: وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا (۱۹:۸٦)
برانیم ۱، بَرانیم ۲، رانیم ۳، بَکشیم ۵۳، برانیم ما ۹٤، برآنیم ۱۰۰

~: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا (۳۲:۲۷)
می رانیم ۳، همی رانیم ۳۰، روان می کنیم ۳٦، می برانیم ٤٦، ما همی رانیم ۵۳، برانیم و بفرستیم ٦٤، میرآنیم ۱۰۰، میرانیم ۱۰۲، می رأنیم ۱۱۹

نَسُوهُ: يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ (۷:۵۳)
فراموش کرده باشند ۱۰، دست بداشتند ۲٤، فراموش کرده‌اند ۲۷، بگذاشتند ۳٤، بگذاشته‌اند ۳۹، فراموش کرده بودند ۵۸، فراوش کردند ۷٦، واگذاشته‌اند ۱۲۷

~: أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵۸:٦)
فرامُشت کرده‌اند ۲، فراموش کردند ۳، افراموش کُنَند ٤۲، فراموش می کنند ۸۱، فراموش کرده باشد ۱۰۳، فراموش کرد ۱۰٦، فراموش کرداند ۱۱۳

نُسَوِّيَ: بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ (۷۵:٤)
گراگر کنیم[1] ۱، راست کنیم ۱۹، راست کردیم ٤۱، رَاست گردَانیم ٤۲، یکسان کنیم ٤۳، فراهم آریم ٦۷، یکسان کنم ۸۷، با هم آوریم ۱۰۰، راست کنیم و هموار ۱۰۹، راست گردانیم ۱۱٦، راست کنم ۱۳۰، برابر کنیم ۱۳۹

نُسَوِّيكُمْ: إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۲٦:۹۸)
گراگر کردیم[1] ۱، برابر می کردیم ۲۰، برابر کردیم ۲٤، راست می کردیم ۲۹، برابر کنیم ٤۳، برابر کنم ٤٦، بَرابَر همی کردیم ۵۳، برابر می شمارد ٦٤، برابر میگردانیم ۸٦، برابر می داشتیم ۹۲، برابر همی کردم ۹٤، راست داشتیم ۹٦، برابر کردیم ما ۱۰۰، برابر میکردیم ۱۰۳، فراموش کردیم ۱۰۵، برابری کردیم ۱۰٦،

۱. گراگر / برابر.

برابر همی کردیم ۱۰۸، همتای گفتیم ۱۳۵، یکسان کردیم ۱۳۹

نَسِیَ: فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ (۱۸:۵۷)
فراموش کرد ۳، فراموش کند ۲۴، دست بازداشت ۴۹، دست بازدارد ۵۳، فَراموش کَرْد ۵۵، فراموش گرداند ۵۸، فراموش گردانید ۶۱، فراموش کرده ۱۳۲

~: فَقَالُوا هَٰذَا إِلَٰهُكُمْ وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ (۲۰:۸۸)
فَراموش کَردْ ۵۳، بگذاشت ۵۸، گذاشت ۸۷، فرامشت کرد ۹۴، فرامش کرد ۱۰۸، فراموش ۱۳۸

~: وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ (۲۰:۱۱۵)
فرامُشت کرد ۲، فرمان بهشت ۴۲، دَسْت بازداشت ۵۳

~: وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ (۳۶:۷۸)
فراموش کرده است ۲۴، فراموش بکرد ۳۳

~: ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ (۳۹:۸)
فرموش کند ۱، فرامشت کند ۲، فراموش کرْد ۲۲، فراموش گردد ۸۱

نَسْيًا: قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا (۱۹:۲۳)
فرموش ۱، فرامُشتْ کرده ۲، بینداخته ۲۹، فرامشتی ۳۹، فراموش چیزی ۴۴، فراموش ۴۹، فراموش کرده ۵۶، فراموش شده ۵۹، چیز انداخته ۹۴، فرامش کرده ۱۰۸، بازگذاشته ۱۱۵

★ نَسْيًا مَنْسِيًّا: قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا (۱۹:۲۳)
فراموش شدهٔ فراموش ۵۹، چیزی برون انداخته و فراموش کرده ۱۲۸

نَسِيًّا: وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (۱۹:۶۴)
فرموش کنار ۱، فرامُشت کار ۲، فراموش کار ۳، فراموش کننده ۲۴، فراموشتکار ۴۴، فراموشْ کار ۵۳، فراموشکار ۷۶، فروگذارنده ۷۹، فرامش کار ۸۰

نَسِيَا: فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا (۱۸:۶۱)
فرامُشت کردنْد ۲، فراموش کردند ۲۴، فرامشت کردند هر دو ۴۹، فَرامُوشْ کَردَند ۵۵، فراموش کَردند ۶۱

اَلنَّسِيءُ: إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ (۹:۳۷)
سپسْ بُردن ۲، سپس بردن ۱۱، سپوختن ۲۷، واپس داشتن ۲۹، فراموش کردن ۳۸، فراموشی ۴۳، باپس افکندن ۵۷، بازپس افکند ۹۱، دیر کردن ۱۰۹، از پس انداخت ۱۱۲، پس افکندن ۱۱۴، پس انداختن ۱۲۹

نَسِيتَ: وَاذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ (۱۸:۲۴)
فرموش کنی ۱، فراموش کنی ۳، فراموش کردی ۳۶، فَراموش کنی ۵۳، فراموش کنی تو ۶۱، فراموشی کنی ۷۶، فراموش تو ۱۳۹

~: إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ (۱۸:۶۳)
فرموش کردم ۱، فرامُشت کردم ۲، فراموش کَردَم ۵۳، فَرامُوش کَردَم ۵۵، فراموش کرَدم ۶۱، من فراموش کردم ۹۶

~: قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (۱۸:۷۳)
فراموش کردم ۳، فراموش کردم من ۶۱

نَسِيتُمْ: فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا (۳۲:۱۴)
فرموش کردید ۱، فرامُشت کردید ۲، فراموش کردی ۲۴، فراموشت کردیت ۳۰، فراموش کردید ۳۴، فراموش کردید شما ۴۳، فروگذاشتید ۴۷، فراموش کرده بودید ۶۴، شما فراموش کردید ۱۰۶

~: وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا (۴۵:۳۴)

فراموش کردید ۲، فراموش کردیت ۳، فراموش کرْدید ۲۲، بازداشتید شما ۳۰، بگذاشتید ۳۴، گذاشتید ۳۹، فِرامُوش کَرْدیْد ۵۳، بگذاشتید شما ۶۱، فرود گذاشتید شما ۶۷، فرامُوش کردی شما ۸۱، فرامش کردید ۱۰۸، واگذاشتید ۱۱۶، فراموش انگاشتید ۱۳۶

فَنسِيتَها: قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَا (۲۰:۱۲۶)
فرموش کردی ۱، بگذاشتی ۲، دست بداشتی ۲۴، فراموش کردی ۲۹، بجای ماندی ۳۰، بگذاشتی ۳۹، دست بازداشتی ۵۳، بگذاشتی و فراموش کردی ۶۴، رها کردی تو ۷۶، فراموش کردی تو ۹۶، چشم پوشیدی ۱۱۱، واگذاشتی ۱۲۲، دست بازداشتی ۱۲۴

نُسَيِّرُ: وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً (۱۸:۴۷)
برانیم ۱، روان کنیم ۳، برانیمْ ۵۳، بُرانیمْ ۵۵، روان گردانیم ما ۶۱، برانیم ما ۶۴، روانه گردانیم ۷۹، بروانیم ۱۳۹

نَسينا: رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا (۲:۲۸۶)
فرموش کردیم ۱، فراموش کنیم ۳، فراموش کُنیم ۱۰، فراموش کنیم ما ۳۴، فرامُوش کنیم ۵۵، بگذاشتیم ۶۷، بفراموشی کاری کنیم ۷۴، فراموش کردیم ۷۵، فراموش کاری کنیم ۸۸، فراموش کردیم ما ۹۲، فراموش کار کنیم ۱۳۸

نَسيناكُمْ: فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَٰكُمْ (۳۲:۱٤)
فرموش کردیم ۱، فروگذاشتیم ۳، بجای ماندیم ۳۰، بگذاریم ۴۳، بگذاشتیم ۴۶، فراموش کردیم ۴۷، رها کردیم ۵۶، فراموش گردانیم ۶۴، فراموش می کنیم ۷۶، فروگذاریم ۷۹، دست بازداشتم ۸۷، بجای مانیم ۱۰۸، فراموش کردیم ما ۱۳۴، فروگزاشتیم ۱۳۸

فَنَسِيَهُمْ: نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَٰفِقِينَ هُمُ الْفَٰسِقُونَ (۹:۶۷)
فرموش کرد ۱، فراموش کرد ۱۱، فروگذاشت ۳۹، بگذارد ۵۸، فروگذاشتست ۶٤، بگذاشت ۶۷، دست بازداشت ۹۲، بجای ماند ۹٤، بماند ۹۶، فراگذاشت ۱۱۳

نَشاءُ: نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۶:۸۳)
خواهیم ۱، خُواهیم ۱۰، خواهم ۱۰۵

~: لَّا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَن نَّشَاءُ بِزَعْمِهِمْ (۶:۱۳۸)
ما خواهیم ۲، بخواهیم ۲۷، میخواهیم ٦٤

~: أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ (۷:۱۰۰)
خواستیمی ۲٤، خواستیمی مَا ۲۷، خواستمانی ۲۹، ما خواستمانی ۵۷، خواستماني ۱۱۳، خواستمانیم ما ۱۳٤، خَواستیمی ۱٤۰

~: قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَا (۸:۳۱)
خواهیمی ۲۷، بخواهیم ما ۵۸، خواستیمانی ۱۰٤

~: نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (۱۲:۷۶)
خواهیم ۷۲، خُواستیم ۷۶

~: مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ (۱۷:۱۸)
خُواهیم ۲

~: ثُمَّ صَدَقْنَٰهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَٰهُمْ وَمَن نَّشَاءُ (۲۱:۹)
خواستیم ۱، خواستیم ۲، میخواستیم ۸۶

~: وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَٰطَ (۳۶:۶۶)
بخواستیمی ما ۶٤، خواستمانیم ۱۳٤

~: وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ (۳۹:۷٤)
میخواهیم ۱۰۳

~: وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ (۴۳:۶۰)

بخواستیمی ۳۲، خواستیمی ما ۵۶، بخواستمی ۱۰۸، خواستمانی ما ۱۳۸

~: وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَاهُمْ (۴۷:۳۰)

ما خواهیم ۶، بخواستمانی ۸۱، خواستی ۱۱٤

~: لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (۵۶:۶۵)

خواهیمْ ۶۱، خواهیم ما ۹۶

نَشَأْ: إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً (۲۶:٤)

خواهیم ۱، خواهیم ما ٤۶، بخواهیمْ ۶۱، خواستمانی ۱۰۰

~: إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ (۳٤:۹)

خواستیمی ما ۵۸، خواستمانی ۱۰۰

~: وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ (۳۶:٤۳)

بخواهیم ۳۳، خواستیمی ۶۱، ما خواهیم ۹۶

النَّشْأَةَ: ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ (۲۹:۲۰)

برانگیختن ۲۱، آفریدن و زنده کردن ٤۷، افریدن ۵۳، پدید کردن ۹۶

~: وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ (۵۳:٤۷)

برآوردن ۲۹، زنده کردن ٤۱، بازافریدن ۵۳، زنده کردن و آفرینش ۶٤، پدید آمدن ۸۱، بازآفریدن ۸۹، زنده گردانیدن ۱۳۶

~: وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۵۶:۶۲)

آفریدن ۲، آفرینش ۲٤، آفرینِش ٤۲

★ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ: ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ (۲۹:۲۰)

ورآوردن دیگر ۱

نَشْتَرِي: فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا (۵:۱۰۶)

خریم ۱۰ مکرّر، گزینیم ۲۷، خَریم ٤۵، میخریم ما ۶۱، گزینیم ۱۱٤

★ لَا نَشْتَرِي: فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا (۵:۱۰۶)

نخریم ۱، ما نخریم ۹، نمی خریم ما ۲٤، همی نخریم ۲۶، هیچ بها نگیریم ۲۹، نمی خریم ٤۱، فرانگیریم ما ۶۳، نفروشیم ۶٤، نمیخریم ۱۰۲، نخریم ما ۱۰۳، ما نَخریم ۱۰۷، نمیفروشیم ۱۱۱، فرانگیریم ۱۳۸

سَنَشُدُّ: قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا (۲۸:۳۵)

سخت کنم ۱، استوار کنم ٤۱، سخت کردیم ٤۲، نیرو کنیم ۵۶، سخت گردانیم ۶۱، زود سخت کنیم ۹۰، نیرومند گردانم ۹٤، استوار کنیم ۱۰۲، استوارکنیم ما ۱۲٤، نیرون مند گردانم ۱۲۸

نَشْرًا: وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (۷۷:۳)

پراکندن ۱، بازکردن ۳، پراکندگی ٤۱، آوردن ۷۶، پراکنده کردن ۸۸، انگیزیدن ۹۱، برانگیختن ۱۰۲، خوش جستن ۱۰۶، گشودن ۱۱۱، پهن کننده ۱۳۶

نُشِرَتْ: وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۸۱:۱۰)

وازکرده شهد ۱، از یک دیگر بازکنند ۲٤، بگشایند ۳۰، گشاده شود ۳۶، پراکنده کنند ٤۱، برافلاجند ۵۲، بازکرده شود ۵۶، بازگشایند ۶۱، بازکرده شوند ۸۹، پران شوند ۹۹، بازکنند و بگشایند ۱۰۸، گشوده شود ۱۱۱، از هم پرکرده شوند ۱۱۳، گشاده کرده شود ۱۱۶، بازگشاده شود ۱۲۰، گشوده شوند ۱۳۲

نَشْرَحْ: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۹٤:۱)

گشاده کردیم ۳۸، برگشودیم ۱۳٤

★ لَمْ نَشْرَحْ: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۹٤:۱)

نه فراخ گردانیدیم ۲، نه ما روشن بکردیم ۲۹، نگشاده گردانیدیم ۵۳، نه گشاده گردانیدیم ۵٦، فراخ و روشن نکردیم ۷۹، نه ما فراخ گردانیدیم ۸۸، نه گشادیم ما ۹۱، نه برگشودیم ما ۱۰۰، گشاده نکردیم ۱۰۲، نه روشن کردیم ۱۰۵، نه برگشودم ۱۰٦، نه برگشودیم ۱۱۱، نگشادهایم ۱۲۰، نگشادم من ۱۲۳، نگشادیم ۱۳۰، نگشودیم ۱۳٦

نُشْرِكَ: أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا (۳:٦٤)
گیریم انباز ۲۷، انباز گیریم ۲۸، انباز گوییم ۳۰، انباز گوییم ۵۵، انباز گیریم ما ٦۱

~: مَا كَانَ لَنَآ أَن نُّشْرِكَ بِٱللَّهِ مِن شَىْءٍ (۱۲:۳۸)
انباز گرفتیم ۵۳، انباز آریم ۵۸، انباز آریم ما ٦۱، انباز فراداریم ٦۳، همباز گیریم ۱۱۲

~: وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدًا (۷۲:۲)
انباز کنیم ۸۰

★ لَا نُشْرِكَ: أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا (۳:٦٤)
انباز نگیریم ۲، انباز نگوییم ۳، هنباز نگیریم ۱۰، نگوییم هنباز ۲٤، انباز نگیریم ۳٦، نیاریم انباز ٤۱، انباز نگیریم ٤۲، انباز فرانداریم ٦۳، انباز نیاریم ٦٤، نه گیریم همباز ۷۲، انباز نگیریم ما ۹۹، انباز نگردانیم ۱۰٤، انباز نگیرم ۱۰۵، انباز فراندارید ۱۳٤، انباز نیاوریم ۱۳٦

★ لَنْ نُشْرِكَ: وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدًا (۷۲:۲)
انباز نمی گوییم ٦، نه هنباز گیریم ۱۹، انباز نگرفتیم ۳۰، نه گیریم هنباز ۳۹، همباز نگیریم ٤۹، انباز نگیریم ٦۱، هرگز انباز نگفتیم ٦٤، هرگز نه انباز کنیم ۸۰، انباز فرانداریم ۸۹، هرگز انباز نیاریم ۹۲، هرگز انباز نگیریم ما ۹۹، هرگز انباز فراند آریم ۱۰۰، انباز نگوییم ۱۱٤

نَشْطًا: وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرْقًا وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشْطًا (۷۹:۲)
آسان ۱، کشیدن ۳۰، برداشتن ۳۸، فروکشیده ٤۳، گشادن ۵۲، ستانیدن ۸۰، کندن ۹۰، بازگشادن ۱۰۲، بیرون بردن بنرمی ۱۰۳، بیرون آوردن ۱۱۱، ستاندن ۱۱٤، بیرون بردن ۱۱٦

نَشْهَدُ: إِذَا جَآءَكَ ٱلْمُنَٰفِقُونَ قَالُوا۟ نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِ (٦۳:۱)
می گوایی دهیم ۱، گوای دهیم ۲، گواهی می دهیم ۳، گواهی دهیم ۲٤، گوایی دهیم ۳۹، گوای ۹۵، گواهی میدهیم ۱۰۰، دهیم گواهی ۱۳۹

ٱلنُّشُورُ: فَأَحْيَيْنَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ كَذَٰلِكَ ٱلنُّشُورُ (۳۵:۹)
برانگیختن ۷، زنده گردانیدن ٤۹، زنده کردن ۵۳، زنده کردن ٦۱، زنده گردانیدن مردگان ۸٦، برانگیزانیدن ۱۱٤، زنده کردن مردگان ۱۲۲، زنده شدن از گور ۱۳٤

~: فَٱمْشُوا۟ فِى مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا۟ مِن رِّزْقِهِۦ ۖ وَإِلَيْهِ ٱلنُّشُورُ (٦۷:۱۵)
انگیختن ۱، انگیخت ۲، زنده شدن ۳، بازگشتن ۱۹، گرد آوردن و برانگیختن همه ٤۱، برانگیختن و زنده شدن ۵٦، برانگیخته شدن ۹۲، برانگیختن - بازگشتن ۱۰۹، بازگشت ۱۱۱، باز زنده شدن ۱۱۹، زنده گشتن ۱۲٤، زنده گی ۱۳٦

نُشُورًا: وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَوٰةً وَلَا نُشُورًا (۲۵:۳)
ورانگیختن ۱، برانگیختن ۲٤، زنده کردن ۳٦، زنده کردن ٤۲، برخاستن ٤۳، برانگیختن از پی مرگ ۷٦، باز زنده شدن ۸۰، برانگیزانیدن ۸٦، گردانیدن ۸۸، باز زنده کردن ۱۰۵

~: أَفَلَمْ يَكُونُوا۟ يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوا۟ لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (۲۵:٤۰)
انگیختن ۱، انگیختن ۲، زنده شدن ۳، برانگیزند ۷٦، زنده گردانیدن ۸٦، زنده شدن از پس مرگ ۸۸، برانگیخته شدن ۱۰۰، برنگیختن ۱۰۲

~: وَجَعَلَ ٱلنَّهَارَ نُشُورًا (۲۵:٤۷)

پراکنده شدن ۳، پراکندن ٤١، انگیختن و پراکندن ٤٧، برخواستن ٥٣، زنده ٥٨، بیداری و پراکندگی ٦٢، پراکنده پیدا کردن ۸۸، باز برخواستن [برخاستن] ۹۹، پراکندگی ۱۰۲، برای ساختن ۱۳۱، برانگیختن زنده شدن ۱۳۸

نُشوزًا: وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا (۱۲۸:٤)
نافرمانی ۱، کَشیدن ۲، ناسازواری ۳، ستیزه کِردَن ۱۰، خشم گرفتن ۲۷، بیرون شدن از دوستی ۲۹، ستیزه کردن ۳۰، ناسزاوار ۳٦، ناسازگاری ۳۸، بی فرمانی ٤١، ناسازگاری ٤٢، نَهْ سَاخْتَنْ ٥٣، نَاسَازوَارِی ٥٥، بازایستادگی ٥٧، خویشتن کشیدن ٥٨، بذ خوکی ٦٠، بیرون آمدَن ٦١، گردن کشی ٦٤، نافرمانی کردن ٦٥، بی فرمان ۷٥، ناساختن ۷٦، کنارَه گرفتن ۸۲، کناره گرفتن ۹٤، ناسازگآری ۱۰۰، ناسازی ۱۰۲، سرباز زدن ۱۱۱

نُشوزَهُنَّ: وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ (۳٤:٤)
نافرمانی ۱، خویشتن کشیدن ۲، سَتیزه کردن و نافُرمان بُرداری اندر خُوفت وخَیز ۱۰، ناسازواری ۳۰، ناساخت ۳۸، ستیزه کرده و نافرمانی ٤٠، ناسازگاری ٤٢، بی فرمانی ٤٣، ناسازگاری ٥٢، نَاسَازوَارِی ٥٥، گردن کشی و بی فرمانی ٥٨، بیرون آمدن ٦١، نافرمان برداری ٦٥، ناسازواری و بی فرمانی ٦٧، گردنکشی ٧٤، از خویشتن کشیدن ۷۸، خویشتن کشید ۸۲، ناسازگاری کردن ۸۳، ناسازگاری ۱۰۰، نافرمانیها ۱۰٤، بدسازی ۱۰۹، بیفرمانی ۱۲۳، نگاه داشت ۱۳٥

اَلنَّصارَی: إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ (٦٢:٢)
ترسَا آنْ ۲، ترسان ٤، ترسَانْ ٥٣، تَرسَایانْ ٥٥، ترسَا آن ٥٧، تَرْسا آن ٩٤، ترساوانان ١٢٨

~: وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ

نَصَارَىٰ (۱۱۱:۲)
ترسا ٤، تَرسَایَان ٥٥

~: وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا (۱۳٥:۲)
ترسای ٤١، ترسآیان ٩٤

~: وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ (١٤:٥)
ترساان ۱، یاری گران ۲، یاری گران ۳، ترساگان ۳۷، تَرسایان ٤٥، ترسَایان ٦١، یار ۷٦

~: وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ (۱۸:٥)
ترسایان ۲

~: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ (٥١:٥)
ترساانْ ٥٣

~: إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ (٦٩:٥)
ترساکان ۱

~: وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ (۳۰:۹)
ترسا آن ۲، ترسَایَان ٦٢، ترسأیان ۱۰۰

~: إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ (۱۷:۲۲)
تَرساآنْ ٥٣، ترسایان ٦٤

اَلنُّصُبِ: وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ (۳:٥)
بتان ۱، بُتان ۲، بت ۲٤، بتان سنگین ۸۰، سنگهای بتان ۹٥، روی بتان ۱۰٥

~: كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ (٤٣:٧٠)
آنچه بپا می کند ۳، نشانه ۳۰، بالای ٦١، آنچه بپای میکنند ۱۱٤، برپا کرد ۱۲۰

نَصَبًا: ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا (۱۸: ۶۲)

رنج ۱، رَنْج ۲، ماند گی ۳۴، رنج و سختی ۴۱، رنج و ماند گی ۴۲، رنج و ماند گی و گرسنگی ۴۴، رَنْج ۵۵، ماند گی و رنج ۵۶، گرسنگی و رنج و سختی ۶۰، رنج ماند گی ۷۴، رنج تن ۷۹، رنجک ۸۴

نَصَبٌ: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (۹: ۱۲۰)

رنجه ۱، رنْج ۲، گرسنگی ۲۴، ماند گی ۲۹، رنجکی درد ۳۸، رَنج ۵۵، رنج و ماند گی ۱۰۹

~: لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ (۱۵: ۴۸)

رنج ۲، ماندِ گی ۶۲، سختی ۱۱۲

~: لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ (۳۵: ۳۵)

رَنج ۲، رنج ماند گی ۱۳۹

نُصْبٍ: إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلشَّيْطَٰنُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (۳۸: ۴۱)

رنج ۱، رَنج ۲، سختی رنج ۴۱، رنج و سختی ۵۲، درد ۷۴، رنج تن ۷۹، سختی ۱۰۰

نُصِبَتْ: أَفَلَا يَنظُرُونَ ... إِلَى ٱلْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۸۸: ۱۹)

در بالای کرده شدند ۱، بپای کردنش ۲، بپای کرده است ۲۴، بپای کردند ۳۰، بنهاده آمد ۳۸، بداشتند ۵۱، برپای کرده شده ۷۹، بپای کرده شد ۸۰، گسترانیده شد ۸۷، بپای کرد ۸۸، بپایی کرده شد ۹۱، برپای گردانیده شده ۱۰۴، بپای بداشته ۱۰۶، برپا کرده شد ۱۰۹، برپای بداشته شده اند ۱۱۱، برپای داشته شده ۱۱۶، نهاده شده ۱۲۰، برپا شده ۱۲۲، استاده کرده شده است ۱۲۳، بپای کرده شده ۱۳۴، بپای بداشته اند ۱۳۸، ایستاده شده است ۱۳۹

نَصْبِرَ: وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَٰحِدٍ (۲: ۶۱)

شکیبائی کنیم ۳

★ لَنْ نَصْبِرَ: وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَٰحِدٍ (۲: ۶۱)

شکیبای نتوانیم کرد ۴، شکیبائی نکنیم ۳۴، هَرگز شکیبای نکُنیمْ ۵۵، شکیبایی نکنیم ۷۶، هرگز نه شکیبایی کنیم ۹۱، شکیبائی نداریم ۱۰۰، ما شکیبایی نداریم ۱۰۲، هرگز شکیبایی نکنیم ۱۰۴، هرگز نشکنیم ۱۰۹، شکیبایی نکنیم ما ۱۲۴

وَلَنَصْبِرَنَّ: وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَآ ءَاذَيْتُمُونَا (۱۴: ۱۲)

شکیوایی کنیم ۱، ما شکیبایی کنیم ۳۹، شکیبایی کنیم ۴۱، شکیبائی کنیم ۵۳، شکیبای کنیم ۹۶

نَصَحْتُ: وَقَالَ يَٰقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ وَنَصَحْتُ لَكُمْ (۷: ۷۹)

نیک خواستم ۱۰ مکرّر، نیک خواهی کردم ۲۷، پند دادم ۵۸، نیکو خواهی کردم ۶۴، نیکو خوآهی کرد ۹۴، نیکویی خواهم ۱۲۴، نیک خواستم ۱۴۰

~: فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ (۷: ۹۳)

نیکو خواستم ۳، نیک خواهی کردُم ۲۷، نیکوُ خَواسْتم ۵۵، نیکخواستم ۶۱، نیک خوآستم ۹۴

نَصَحُوا: وَلَا عَلَى ٱلْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا۟ (۹: ۹۱)

نیکو خواهند ۳، نیک خواهند ۲۴، نیک خواهی کنند ۲۷، نیک خواه باشند ۵۲، نیک خَواهَنْد ۵۵، نیکخواستند ۶۱، نیکوئی جستند ۱۰۰، نیکخواه ۱۰۵، نیکخواه و فرمانبردار باشد ۱۱۱، نیک خواستند ۱۱۲، نیکخواهی کردند ۱۱۴، نیکخواهی کنند ۱۲۰، فرمان برند ۱۳۱

نُصْحِی: وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِيٓ إِنْ أَرَدتُّ أَنْ أَنصَحَ لَكُمْ (۳٤:۱۱)
نیک خواهی ۳، نیک خواستن من ۳۸، نیک خواهی ۵۵، پند ۵۸، نیکخواستن ۶۱، نیکوخواهی ۸۰، انیک خواستن من ۹۸، نیکخواهی ۱۱٤

لَنَصَّدَّقَنَّ: وَمِنْهُم مَّنْ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنْ ءَاتَىٰنَا مِن فَضْلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ (۹: ۷۵)
باور داریم ٤۱

ٱلنَّصْرُ: حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصْرُ ٱللَّهِ (۲:۲۱٤)
یاری ۲، یاری کردن ۱۰، یاری ٤۲، یاری نمودن ۸٤، یاوری ۱۲۷

~: وَمَا ٱلنَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۸: ۱۰)
یاری و نیرو کردن ۱۰، یاری و بپای کردن ۲۷، یاری دادن ۵۵

~: وَإِنِ ٱسْتَنصَرُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ فَعَلَيْكُمُ ٱلنَّصْرُ (۸: ۷۲)
نیروا کردن و یاری کردن ۱۰، یاری و نیرو ۱۰۷

~: لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ (۲۱: ٤۳)
یاری کردن ۲، یاری ۷۶

~: وَلَئِن جَآءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ (۲۹: ۱۰)
نیرو ۲۱

~: بِنَصْرِ ٱللَّهِ يَنصُرُ مَن يَشَآءُ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ (۳۰: ۵)
یاری دادن ۵۳

~: وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۳۰: ٤۷)
یاری دادن ۲، یاری کردن ۳، یاری کرد ٤۷

~: إِذَا جَآءَ نَصْرُ ٱللَّهِ وَٱلْفَتْحُ (۱۱۰: ۱)
نیرو و یاری ٤۰

نَصْرًا: وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَآ أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ (۷: ۱۹۲)
یاری کردن ۳، یاری و نیرو کردن و رهانیدن ۱۰، یاری ۲۹

~: فَقَدْ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا (۲۵: ۱۹)
یاری دادن ۲، یاری کردن ۵۱، یاری ۷۶

~: وَيَنصُرَكَ ٱللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا (٤۸: ۳)
نیرو دادن ٤٤

نَصْرَانِيًّا: مَا كَانَ إِبْرَٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا (۳: ۶۷)
ترسا ۱، ترسا ۲۸، ترسا ۵۵، ترسایان ۹۲، ترسا ۱۰۰

لِنَصْرِفَ: كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ ٱلسُّوٓءَ (۱۲: ۲٤)
بگردانیم ۱، بر گردانیم ۳، روبگردانیم ۲٤، گردانیم ۳۰، بگردانیم ۵۳، گردانیم ۵۵، بگردانیدیم ۵۸، بگردانیم ما ۶۱، باز گردانیم ۶۲، باز گردانیم ۹۳، بگرد آنیم ۱۰۰، باز گردیم ما ۱۲٤

نُصَرِّفُ: كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلْفَحْشَآءَ (۶: ٤۶)
می دیدور کنیم ۱، همی گردانیم ۲، می گردانیم ۳، گردانم ۱۰ مکرر، گردانیم ۲۷، پدید کنیم ۵۳، می گردانیم ۵۵، بگردانیم ما ۶۱، همی گردانديم ۸۸، هویدا میکنم ۱۳۸

~: ٱنظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ ٱلْءَايَٰتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ (۶: ۶۵)
همی گردانیم ۹، پیدا کنیم ۲۷، میگردانیم ۲۹، پدید می کنیم ۵۳، همی گردانیم و پدید می کنیم ۸۳، می گردانیم ما ۱۲٤، میگردانم ۱۳۰

~: وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلْءَايَٰتِ وَلِيَقُولُوا۟ دَرَسْتَ (۶: ۱۰۵)
برمی گردانیم ۳، بگردانیم ۹، همی گردانم ۱۰

مکرّر، گردانیم ٢٦، همی گردانیم و پیدا می کنیم ٤٤، پیدا می کردیم ٥٦، هویدا کنیم ١٣٦

~: كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (٧: ٥٨)
مَی گردانیم ١٠، پیدا می کنیم ٢٧، برگردانیم ما ٢٩، همی پیدا کنیم ٤٥، بمی گردانیم ٨٩، پیدا کنم ٩٢، ما گردانیم ٩٦، هویدا میکنیم ١٠٠، می بگردانیم ١١٢، بیان می کنیم ١١٣، گردانیم ما ١٢٤

نَصَرَكُمْ: وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ (٣: ١٢٣)
یاری کرد ٢، یاری کند ٦١، یاری فرمود ١٠٤

~: لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ (٩: ٢٥)
یاری داد ٣، یاری دهد ٦١، یاری نمود ١٢٦

نَصْرَكُمْ: لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (٧: ١٩٧)
یاری کردن و نیرَو کردن ١٠، یاری کردن ٢٤، یاری ٥٣، یاری دادن ٥٧

نَصْرُنَا: فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا (٦: ٣٤)
یاری ٢، نیرو ٩

~: وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا (١٢: ١١٠)
یاری ٢، یاری ٥٣، یاری کردن ٥٦

نَصَرْنَاهُ: وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا (٢١: ٧٧)
یاری کردیم ٢، یاری کردیم ٢٤، یاری کَردیم ٥٣، یاری کردیم ما ٥٦، رهاندیم ١٢١

نَصَرْنَاهُمْ: وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (٣٧: ١١٦)
یاری دادیم ٢٤، نیرو کردیم ٣٣، یاری دادیم ما ٦٤، یاری کردیم ما ١٠٠

نَصَرَهُ: إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ (٩: ٤٠)
بیارد کرد ١١، یاری کرد ٣٩، یاری داد ٤٩

بِنَصْرِهِ: وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ (٣: ١٣)
یاری ٢، یاری ٣، یاری کردن ١٠، نیرو دادن ٤٠

~: تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ (٨: ٢٦)
یاری ٥٥

~: هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (٨: ٦٢)
یاری دادن ٢٧، نیرو ١٢٤

نَصَرَهُمُ: فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً (٤٦: ٢٨)
یاری کردند ٦١، یاری نمود ٨٦

★ لانَصَرَهُمْ: فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً (٤٦: ٢٨)
یاری ندادند ٥١، یاری نکردند ٨٧

★ لَوْلا نَصَرَهُمْ: فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً (٤٦: ٢٨)
چرا نه یاری کردند ٢٢، چرا یاری نکرد ٣٠

نَصْرِهِمْ: وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (٢٢: ٣٩)
یاری کردن ١٢، یاوری ٢٩، نیرو دادن ٥٢، یاری دادن ٥٨، یاری نمودن ٨٦، یاری ١٠٦

نَصَرُوا: وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (٨: ٧٢)
یاری کردند ٥٦، یاری کرده‌اند ١٣٠

~: وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا (٨: ٧٤)
یاری دادند ٢٩

نَصَرُوهُ: فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ (٧: ١٥٧)

یاری دادند ۲، یاری کردَند ۱۰، یاری کردند ۲۹، یاری دادند ۳۰، یاری دهند ۹۳، یاری داده‌اند ۱۳۰

نَصَرُوهُمْ: وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ ٱلْأَدْبَٰرَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۱۲:۵۹)
یاری دهند ۳، یاری کنند ۳۹

نِصْفُ: وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ (۲۳۷:۲)

نیم ۱، نیمهٔ ۵۵، نیمَه ۹۴

~: وَإِن كَانَتْ وَٰحِدَةً فَلَهَا ٱلنِّصْفُ (۱۱:۴)
نیمه ۲، نیمه ۳، نیم ۱۰

نِصْفَهُ: قُمِ ٱلَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِّصْفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳:۷۳)
نیم ۱، نیمه ۲

نُصْلِه: نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِۦ جَهَنَّمَ وَسَآءَتْ مَصِيرًا (۱۱۵:۴)
درکنیم ۱، درآریم ۲، درآریم ۳، بسوزیم ۱۰، فروآریم ۲۴، بسوزانیم ۲۷، اندرآریم ۲۹، دَرآریم ۴۲، بَسپُوزیم ۴۵، اندَر آریم ۵۳، دراریم ۵۶، درآریم ما ۶۱، درآوریم ۶۳، دربریم ۹۶، درآوردیم ۱۲۱

نُصْلِيهِ: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدْوَٰنًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا (۳۰:۴)
درکنیم ۱، أندر آریم ۲، درآریم ۳، بسوزیم ۱۰، فروآریم ۲۴، رسانم ۲۹، بیندازیم ۳۸، اندراریم ۵۳، بسوزانیم ۵۷، درآریم ما ۶۱، درآوریم ۶۳، دربریم ۹۶، دراریم ۱۰۵

★ نُصْلیه نارًا: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدْوَٰنًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا (۳۰:۴)
تپش دوزخ بیابد ۶۲

نُصْلِيهِمْ: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا (۵۶:۴)

درکنیم ۱، أندر آریم ۲، درآریم ۲۴، اندرآریم ۲۹، اندراریم ۵۳، درآوریم ۶۳، بسوزیم ۶۴، برآریم ۹۷، درآریم ما ۱۰۴، دراریم ۱۱۴، بچشانیم ۱۳۵

نَصُوحًا: يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ تُوبُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا (۸:۶۶)

نیک ۱، استوار ۳، پیوسته ۳۹، درست ۵۶، راست ۶۱، پاکیزه ۱۰۸، نیکو ۱۱۴، پاک ۱۲۴

نُصيبُ: نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَآءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ (۵۶:۱۲)
رسانیم ۱، ما هارسانیم ۲۹، برسانیم ۳۶، برسانیم ۴۲، رَسانیم ۵۵، بَرسانیم ۵۷، بهره‌مند کنم ۵۸، برسانیم ما ۶۱، فرارسانیم ۶۲، بخشایش ۹۰، بهرمند کنیم ۹۲، بهره‌مند گردانیدیم ۱۰۰، میرسانیم ۱۲۰

نَصيبًا: أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ نَصِيبًا مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ ٱللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ (۲۳:۳)
نیاوه ۱، بَهر ۲، برخ ۱۰، برخه ۲۵، بَهرَه ۵۵، بهرَه ۵۷

~: مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۷:۴)
بهره ۳، بَرخ ۱۰، بخش ۳۹، بَهرَه ۹۴، بهره پیدا کرده ۱۱۲

~: وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ ٱلْحَرْثِ وَٱلْأَنْعَٰمِ نَصِيبًا (۱۳۶:۶)
بهر ۲، بهردانسته ۱۰۷

~: وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَٰهُمْ (۵۶:۱۶)
بخش و بهره ۵۸

~: فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ ٱلنَّارِ (۴۷:۴۰)

برخی ۳۹، بهر ۴۲، بخش - برخ ۱۰۹، پاره ۱۳۲

نَصیبٌ: أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (٢٠٢:٢)

بَهره ٢، بهره ٣، برخ ١٠، بَهره ٥٥، برخی ٨٨

~: لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ (٧:٤)

بخش ٤٣

~: لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا (٣٢:٤)

بهر ٥٣

~: مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا (٨٥:٤)

بَرخ ٢٧، بهره‌ی مزد ٤٥

~: وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ (١٤١:٤)

بَهره ٥٣

~: وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (٢٠:٤٢)

نیاوه ١٦، نیاوه ٢٢، بهره ٣٢

نَصیبَكَ: وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا (٧٧:٢٨)

نیاوه ١، بهره ٣٦، بخش ٤٣، برخ ٤٧

نَصیبُهُم: أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ (٣٧:٧)

نیاوه ١، بَهره ٢، بهره ٣، برخ ١٠، برخی ٥٣

~: وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ (١٠٩:١١)

بخش ٤٣، باداش ٦٤

نَصیرٌ: وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (١٠٧:٢)

یار ٤، یار و نگه‌دار ١٠، نگه‌دار ٤٠، یاری گر ٤٢، یاری کرد ٥٣، یاری گری ٥٥، یاری کنی ٦٣، یاری گری ٨٢

~: أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ (٤٠:٨)

نصرت کنار ١، نیروا کننده او نگه‌دار ١٠، نیروکننده ٢٧، یاری کن ٣٦، نیرودهنده ٤٩

~: وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٧٤:٩)

یاری گر ٥٥، یاری دهنده ١١٣، یاران ١٣٦

~: وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (١١٦:٩)

یاری ده ٢٤، یاور ٢٩، یارمند ٥٣، نگاه دار ١٠٥

~: وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ (٧٨:٢٢)

یاورا ٦٢، یاری داشت ١٠٧

~: وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٢٢:٢٩)

یاریگر ٣، بازدارنده ٢٤

~: وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (٣٧:٣٥)

یاری گر و رهاننده ١٠٩

~: وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٨:٤٢)

یار ٨١

~: وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٣١:٤٢)

یاری گر ٢

نَصیرًا: وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا (٤٥:٤)

یاریگر ٣، یاری کننده و نگاه دارنده ٢٧، نگه‌دار ـ یاری دهنده ٤٠، یار و نگاه‌دار ٥٨، نگاه‌دار ٧٤

~: وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (٥٢:٤)

یاری گر ٢، بهره ٥٢، یاری دهنده ٥٧، فریادرس ٥٨، یار و یاور ١٢٧

~: وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (٧٥:٤)

یاری کار ٦١

~: وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (٨٩:٤)

نیروکندی وادارنده ١٠، یاری دیه ٤٩

~: وَلَا یَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللّهِ وَلِیًّا وَلَا نَصِیرًا (۴: ۱۲۳)
یار و نگه دار ۱۰، رهاننده ۳۶، یاری کننده ۴۵، نیرودهنده ۴۹، یاری ۵۳

~: وَلَا یَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللّهِ وَلِیًّا وَلَا نَصِیرًا (۴: ۱۷۳)
یاری ده ۲۴، یارمند ۵۷، دوست ۷۵، بازدارنده و یاری گر ۸۳

~: ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَیْنَا نَصِیرًا (۱۷: ۷۵)
یاور ۲۹، یار ۵۷

~: وَاجْعَل لِّی مِن لَّدُنكَ سُلْطَانًا نَّصِیرًا (۱۷: ۸۰)
یاری دهنده ۸، یاری کرده ۲۹، یاری دهنده ۴۲، هویدا ۸۴

~: وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِیًا وَنَصِیرًا (۲۵: ۳۱)
یاری کننده ۲، یاری کن ۴۲، یاری دهنده ۷۶

~: وَلَا یَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللّهِ وَلِیًّا وَلَا نَصِیرًا (۳۳: ۱۷)
نگهدار ۴۸

~: خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا لَّا یَجِدُونَ وَلِیًّا وَلَا نَصِیرًا (۳۳: ۶۵)
یاری گر ۲، یاری کننده ۷، نیرو ده ۴۲

~: ثُمَّ لَا یَجِدُونَ وَلِیًّا وَلَا نَصِیرًا (۴۸: ۲۲)
یار ۶، یاری کردن ۸۱

نَضَّاخَتَانِ: فِیهِمَا عَیْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۵۵: ۶۶)
ورجوشیدار ۱، برجوشیده ۳، روان ۲۴، بردمنده ۲۹، خوش و روان ۳۰، جوشنده ۴۲، دمنده ۴۳، آب برمی ریزد و می جوشد ۴۹، بَردَمنده ۵۱، هر دو دمنده ۵۶، برجوشنده ۷۹، جوشنده ۸۱، برجوشند ۸۹، روند گان ۹۴، خوش روان ۹۵، هر دو رمنده ۹۸، برآرنده ۱۰۲، خوش ۱۰۸، برجوشند گان بآب ۱۰۹، دو چشمه جوشنده ۱۱۱، جوشیده بآب ۱۲۰، جوشان ۱۳۸، دو دمنده ۱۳۹

نَضِجَتْ: كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَیْرَهَا (۴: ۵۶)
نرم شهد ۱، پخته شود ۳، پخته و سوَخته گشته بود ۱۰، بسوزد ۲۴، پخته و سوخته شود ۲۷، سوخته شود ۳۶، نرم گشت ۳۹، پختَه شوَد ۴۲، نرم شود ۵۳، پُخته شوَدْ ۵۵، نرم و سوخته گردد ۵۸، بریان شوند ۶۱، بسوزد و بریان شود ۶۷، سوخته گردد ۷۴، سوخته شوند ۸۵، بسوزند ۱۰۶، ریزه شود ۱۱۴، پخته گردد ۱۱۹، پخته یا سوخته گردد ۱۳۰، سوخت شود ۱۳۸

أَفَنَضْرِبُ: أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِینَ (۴۳: ۵)
بزنیم ۱، گردانیم ۳، همی دشت بداریم ۲۲، بگردانیم ۲۹، برانگیزیم ۳۰، بکردیم - باز گیریم ۵۶، بکردیم ۶۱، ما می زنیم و پدید می کنیم ۸۱، پدید کنیم ۸۷، زنیم ۱۰۳، بازداریم ۱۱۱، بازداریم و دورداریم ۱۱۶، گردانیدیم ۱۲۱، باززنم ۱۲۳، بگردانیم ما ۱۲۴، باززنیم ۱۳۶، بازمیگردانیم ۱۳۸

نَضْرِبُهَا: وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ (۲۹: ۴۳)
می زنیم ۱، همی پیدا کنیم ۲، پیدا می کنیم ۳، بزنیم ۲۴، همی زنیم ۳۰، می زنیم و پدید می کنیم ۴۷، پدید می کنیم ۵۸، پدید میکنیم ۷۴، میزنیم ۱۰۰، پیدا همی کنیم ۱۰۸، زدیم ۱۲۱

~: وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَكَّرُونَ (۵۹: ۲۱)
می پیدا کنیم ۵۶، پیدا کنم ۶۱، می زنیم ما ۸۱، پدید کردیم ۹۲، بیان میکنیم ۱۰۲، پیدا میکنیم ۱۱۴

نَضْرَةً: فَوَقَاهُمُ اللّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْیَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (۷۶: ۱۱)
تازه ۱، تازگی ۲، زیبایی روی ۲۴، تازه رویی ۲۹، تازَه روُی ۴۲، تازه روی ۵۲، نیکویی ۶۱، تازگی روی ۶۴، تازه گیْ در روی ۱۰۹، شکفتگی

~: تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ (۸۳:۲٤)
تازگی ۲، تازه گی و شادی ۳۰، روشنای ۵۳، تازیگی ۹٤، تازگی و شادی ۱۰۸، تازه گی ۱۰۹، شادکامی ۱۲٤

نَضۡطَرُّهُمۡ: نُمَتِّعُهُمۡ قَلِيلٗا ثُمَّ نَضۡطَرُّهُمۡ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٖ (۳۱:۲٤)
بیچاره کنیم ۱، بیچاره گردانیم ۲، بازکشیم ۲٤، بیچاره کنم ٤۱، بیچاره بازگردانیم ٤۷، درمانده کنیم ٦٤، بناچار آریم ۸٦، بناچار آریم ما ۱۰٤، بیچاره کنیم ۱۱۹، به بیچارگی آریم ۱۲۳

نَضَعُ: وَنَضَعُ ٱلۡمَوَٰزِينَ ٱلۡقِسۡطَ لِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ (۲۱:٤۷)
بنهیم ۱، بنهیم ۲، نهیم ۳، بمی نهیم ۲۹، برنهیم ۵۳، بنهیم ما ۵٦، می نهیم ۷٤، ما بنهیم ۱۰۲، بیاویزیم ۱۰۳، میگذاریم ۱۲۲، می گذاریم ۱۳۵

نَضِيدٌ: وَٱلنَّخۡلَ بَاسِقَٰتٖ لَّهَا طَلۡعٞ نَّضِيدٞ (۵۰:۱۰)
درکوافته ۱، برهم نهاده ۲، درهم نشسته ٦، برهم نشسته ۲٤، سفد یکدیگر پیوسته ۳۰، بر یکدیگر نشسته ۳٤، بر یکدیگر نهاده ۳۸، ساخته بر یکدیگر ۳۹، رسیده ٤۱، بهم بازنهاده ٤۲، یک بر دیگر نهاده ٤۷، برهم نشانده ٤۸، برنشسته ٤۹، بهم بازنهاده ۵۱، برهم افتاده ۵٦،، پس یکدیگر نهاده ٦٤، زبر یکدیگر نهاده ٦۷، شاخ برهم نهاده ۸۷،، بر یکدیگر بسته ۸۸، بر یکدیگر ۹۰، یک بدیگر پیوسته ۹۵، و هم نهاده ۹٦،، ساخته ۱۰۲، درهم پیچیده و بهم رسته ۱۱٦، درهم رسته ۱۲۳، برهم بسته ۱۲٤، بسیار ۱۳۳

★ لَا نُضِيعُ: إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ (۷:۱۷۰)
نیست نگردانیم ۱۰۹

~: نُصِيبُ بِرَحۡمَتِنَا مَن نَّشَآءُۖ وَلَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۱۲:۵٦)
بی بهره نکنیم ٤۱

~: إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ مَنۡ أَحۡسَنَ عَمَلًا (۱۸:۳۰)
ناچیز نکنیم ۵٦، نیست نکنیم ۹٦، ناچیز نگردانیم ۱۰٤، نابود نگردانیم ۱۲۲

نَطۡبَعُ: وَنَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ (۷:۱۰۰)
مهر کنیم ۱، مهر نِهیم ۱۰، مهر نهادیمی ۲٤، مُهر نهیم ۲۷، مهر نهادمانی ۲۹، مهر نهادیم ۵۲، مهر نِهیم ٦۲، مهر زنیم ۱۲۲، مهرنهم ۱۲۳، مهر نهادمانیم ۱۳٤، مُهر نهادیمی ۱٤۰

~: كَذَٰلِكَ نَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلۡمُعۡتَدِينَ (۱۰:۷٤)
مُهرْ نهیم ۲، مهر نهادیم ۲٤، ما مهر نهیم ۲۹، مهر می نهیم ٤۱، مُهرْ کُنیم ۵۵، مهر نهیدیم ۵۷، مهراوکنیم ۵۹، مهر نهاده ایم ٦٤، مهر مینهیم ۱۱٦، مهر میزنیم ۱۲۷

نُطۡعِمُ: أَنُطۡعِمُ مَن لَّوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطۡعَمَهُۥٓ (۳٦:٤۷)
خوردنی دهیم ۳، بخورانیم ۳۰، نان دهیم ۳۹، خورش دهیم ما ۹۹

~: قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ (۷٤:٤٤)
خوردنی دادیمی ۸۰، خوردنی میدادیم ۱۱٤

نُطۡعِمُكُمۡ: إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا (۷٦:۹)
خو[ر]دنی می دهیم ۸۰، خورانیم ۸۸، بخورانیم ۱۰۸، خوردنی میدهم ۱۱٤، میخورانیم ۱۲۰

نُطۡفَةٌ: خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٖ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٞ مُّبِينٞ (۱٦:٤)
آب اندک ۲، پارهٔ آب ۳۰، آب اندک و بسیار ۵۸، پارهٔ آب پشت ۸۰، آب که فرزند ازو بود ۹۲، آب چکیده از مرد ۱۰٤، آب منی ۱۲٦

~: أَكَفَرۡتَ بِٱلَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلٗا (۱۸:۳۷)
آب اندک ۵۲، آب اندک ۵۵، آب اندک -

آب پشت ٩٤، منی ١٣٩

~: فَإِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ (٥:٢٢)

آب مرد ٢٩، آب پشت ١١٩

~: ثُمَّ جَعَلْنَٰهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (١٣:٢٣)

آب گرم ٢، آب پشتهاء مردان ٥٨، پاره آب ٦٤، آب چکیده آب پشت ١٠٩

~: ثُمَّ خَلَقْنَا ٱلنُّطْفَةَ عَلَقَةً (١٤:٢٣)

آب أند کی ٢

~: وَٱللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَٰجًا (١١:٣٥)

آب پشت ٣، آب خوار ١١٤

~: أَوَلَمْ يَرَ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن نُّطْفَةٍ (٧٧:٣٦)

آب پشت ٢٢، آب گنده ٩٥، آب گندیده ١٢٢

~: هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ (٦٧:٤٠)

آب پدر ٢٤، آب پُشت ٥٦

~: وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوْجَيْنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلْأُنثَىٰ مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ (٤٦:٥٣)

آب بوی ناک ٣٠، آب مرد و زن ٥٣

~: أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ (٣٧:٧٥)

آب أند ک ٢، آب ٣، اند کی از آب بوی ناک ٣٠

~: إِنَّا خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ (٢:٧٦)

آب پشت مرد ٣، آب پشت پدر ١١٤

~: مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ (١٩:٨٠)

آب اند ک ٢

نَطْمِسَ: ءَامِنُوا۟ بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا (٤٧:٤)

محا کنیم ١، نشان ببریم ٢، ناپدید کنیم ٣، بگردانیم ٢٤، ببریم ٣٨، کوژ کنیم ٥٣، نَاپَدِید کُنیم ٥٥، ناپیدا کنیم ٥٦، بستریم ٥٧، نشانها ببریم ٨٢، نشان بِبَریم و ناپدید کنیم ٨٣، مُهر کنیم ٩٠، کور کنیم ١٢٤

نَطْمَعُ: وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلصَّٰلِحِينَ (٨٤:٥)

اُمید دَاریم ٢، همی امید داریم ١٠ مکرّر، امید همی داریم ٢٩، اومید می داریم ٤١، امید داریم ٤٢، چَشم می دَاریم ٥٥، اومید داریم ٥٦، امید داریم ما ٦١، امید می دارد ٧٨، می بیوسیم ١٠٩

~: إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ (٥١:٢٦)

چشم می داریم ٣، اومید داریم ٣٠، امید می داریم ٣٩، امید میداریم ٨٦، چشم دریم ٩١، امید گاریم ١٠٧، چشم میداریم ١٢٩، امید واریم ١٣٦

نَطْوِى: يَوْمَ نَطْوِى ٱلسَّمَآءَ كَطَىِّ ٱلسِّجِلِّ لِلْكُتُبِ (١٠٤:٢١)

درنوردیم ١، بنوردیم ٢، درپیچیم ٢٩، نوردیم ٣٦، بنوردند ٤٣، نَورْدیمْ ٥٣، اندر نوردیم ٦٩، درنوردیم ما ١٠٤، پیچیم ١١١، درنوردیم و درهم پیچیم ١١٦، درمی پیچیم ١٣١، درهم پیچم ١٣٣، درنوردیدیم ١٣٤، درهم پیچیم ١٣٧، درنوردیدند ١٣٨

ٱلنَّطِيحَةُ: وَٱلْمُنْخَنِقَةُ وَٱلْمَوْقُوذَةُ وَٱلْمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ (٣:٥)

بسروزده ١، بسُرو زده ٢، بشاخ زده و مرده ٣، آنکه بَسرُه زَخم کُشته شود ١٠، سرون زده ١٠ مکرّر، آنچه در سرو زدن کشته آید ٢٤، بزخم سرو مرده ٢٧، آنچه در سرو زدن با یکدیگر کشته شده باشد ٢٩، بزخم سرون مرده ٣٠، سُرو زده ٣١، آنچه به سرون بمیرد ٣٦، بسرو زخم مرده ٣٧، بسرو زدن کشته شده ٤١، از زخم سرو بمردَه ٤٢، سُرون زده ٤٣، سُرو زدَه ٤٥، بَسُرون زدَه ٥٥، سرو زده ٥٦، بسرو بکشته ٥٧، آنچه بُسُرو یک دیگر

کشته باشند ۶۲، سرو زده بمرده ۶۷، بسرو زدن بر یک دیگر کشته شده باشد ۷۰، آنچه سرون زده باشد و بیمرد ۷۲، بزخم سرو بمرده ۷۶، بسروزدگی مرده ۸۲، آنکه سرو زده باشند ۸۸، از سرون کشته ۹۰، بَسُروُ زَدْ که مُردَه ۹۴، آنچه شاخ زده شده باشد ـ بشاخ کشته ۱۱۱، بزخم زده و مرده ۱۱۲، شاخ برو زده ۱۱۶، بشاخ و سرو زده و مرده ۱۱۹، از بلندی افتاده مرده ۱۲۰، آنچه بشاخ بکشند ۱۲۱، آنچه بشاح زده باشند ۱۲۳، آنچه یکدیکر را بسر زده باشند ۱۲٤، آنچه از ضرب شاخ حیوان دیگر مرده ۱۲۷، سروزدگی مرده ۱۲۸، آنچه بزخم شاخ دیگری مرده ۱۳۰، بزخم سر بمرده ۱۳٤

نُطِيعُ: لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا (۵۹:۱۱)
فرمان بریم ۳، فرمان برداری کنیم ٦۵

★ لَا نُطِيعُ: لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا (۵۹:۱۱)
فرمان برداری نکنیم ۱، فرمان نبریم ۲۹، فرمان نکنیم ۳۰، نه کنیم فرمان برداری ۹۲، فرمان نمی بریم ۹٦، فرمان برداری نکنیم ما ۹۹، فرمان نکنیم ما ۱۲٤، پیروی نکنم ۱۳٦

سَنُطِيعُكُمْ: سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ (٤٧:٢٦)
فرمان برداری کنیم ۱، فرمان کنیم ۲، فرمان بریم ۳، فرمان برداریم ٦، فرمانبریم ۱۳۲، پیروی کنیم ۱۳٦

نَظَرَ: وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ (۹:۱۲۷)
بنگرد ۱، نگرد ۳، همی نگرند ۱۳، بنگرند ۲٤، نِگرد ۵۵، فرانگرند ٦۲، نگرند ۹۳، بنگریستندی ۱۳٦

~: فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (۳۷:۸۸)
بنگرست ۱، نگریست ۳، بنگرید ۳۳، بنگر کرد ۹۲، درنگریست ۱۰۳، نگرست ۱۱٤

~: ثُمَّ نَظَرَ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (۷٤:۲۱)
نگاه کرد ۳، بنگریست ۳۸، درنگرید ۵۱

نَظَرَ: يَنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ (٤٧:۲۰)
نگرستن ۱، نگاه کردن ۳، نگرش ٦، نگریستن ۲٤، دیدن ٦۱

نَظِرَةٌ: وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ (۲:۲۸۰)
زمان دادن ۱، پایستن ۲۸، درنگ ۳۹، زمان دهیت ٤۱، درنگ دادن ٤۲، درنگ باید دادن ۵۲، چشم داشتن ٦۱، زمان باید داد ٦۳، درنگ کردن ۷٦، پایستن ۸۰، زمان باید دادن ۸۲، زمان ۹۲، زمان دادن ۱۰۰، هنگام دادن ۱۰۹، ایستادن ۱۱٤

نَظْرَةً: فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (۳۷:۸۸)
نگرست ۱، نگریستن ۳، نگرستن ۲۲، بنگریستن ۷۲، نگرِشْتَنی ۸۱، نگریدن ۱۰۵، نگاه کردن ۱۳٦

فَنَظَلُّ: قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ (۲٦:۷۱)
همیشه بیم ۱، همه روز باشیم ۲۹، می باشیم ۳٦، همیشه می باشیم ۳۹، روز گذاریم ٤۳، روزگذاره ٤۷، بباشیم ۵۳، باشیم ۵٦، همه روز بمانیم ۵۸، همی باشم ٦۱، روز می گذاریم ٦٤، بَخواهیم ۷٦، روز میگذاریم ۸٦، همی باشیم ۹٤، هستیم ۹٦، همیشه ۱۰۰، همیشه باشیم ۱۰۲، روز میگذرانیم ۱۰٤، روزگزاریم ۱۱٤، نزدیک شویم ۱۱۹، همیشه هستیم ۱۳۲، همه روز نماییم ۱۳۹

نَظُنُّ: إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ (٤۵:۳۲)
اندیشه کنیم ۲، اندیشه کنیم ۱٦، گمان می بریم ۸۰، گمان می بریم ما ۱۲٤

★ إِنْ نَظُنُّ: إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ (٤۵:۳۲)

گمان نمی بریم ۳، ما اندیشه نمی بریم ۴۲، که نپنداریم ما ۵۶، ما اندیشه نکنیم ۹۶، گمان همی نبریم ۱۰۸، گمان نمیبریم ۱۱۱، گمان نمی بردیم ۱۱۳، هیچ گمان نمیبریم ۱۳۲، گمان نکنیم ۱۳۶

نَظُنُّكَ: إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ (۶۶:۷)
می پنداریم ۱، گمان می بریم ۳، همی گمان بریم ۱۰ مکرّر، می پنداریم ۲۴، گمان همی بریم ۵۲، پنداریم ۵۶، گمان میکنیم ۱۲۹، گمان داریم ۱۳۶، همی گمان بَریم ۱۴۰

~: وَمَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ (۱۸۶:۲۶)
همی پنداریم ۲۴، گمان بریم ۴۲، پندارم ۴۳، گمان ما ۵۸، می دانیم ۱۰۴، همان گمان برديم ۱۰۸، گمان میبریم ۱۱۶

* إِن نَّظُنُّكَ: وَمَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ (۱۸۶:۲۶)
نپنداریم ۷۶، هم نپنداریم ۹۶

نَظُنُّكُمْ: وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍۭ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَٰذِبِينَ (۲۷:۱۱)
می پنداریم ۱، گمان می بریم ۳، می پنداریم ۷ مکرّر، همی پنداریم ۳۴، همی دانیم ۵۳، می پندارم ۵۶، پنداریم ۵۸، گمان بریم ۶۷، گمان می بریم ۱۰۰، گمان میبریم ۱۱۱، دانیم ما ۱۲۴، گمان کنیم ۱۳۶

نِعَاجِهِ: قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦ (۲۴:۳۸)
میشان ۱، میش ۳۰، میشها ۸۱، ماده میشان ۸۷، گوسفندان ۱۳۲، میش ها ۱۳۶

ٱلنُّعَاسَ: إِذْ يُغَشِّيكُمُ ٱلنُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ (۱۱:۸)
خواب ۱، خُوابْ ۲، خُواب خوش ۱۰، خواب خوش ۲۷، خواب سبک تن آسایش ۴۱، خَوابْ ۵۵، غنودن ۶۲، خواب اندک ۷۹، ناسه ۸۸، خواب سبک ۹۳، خوآب ۱۰۰، سبک خواب ۱۰۲، غنویدن ۱۰۹، خوابی سبک ۱۱۱، بخواب اندک ۱۱۳، پینکی ۱۳۵

نُعَاسًا: ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنۢ بَعْدِ ٱلْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَآئِفَةً مِّنكُمْ (۱۵۴:۳)
خواب ۱، خُواب ۱۰، خواب سبک ۲۹، خوابی خوش ۴۰، بیاسودیت ۴۱، خَواب ۵۵، خواب و غنودن ۵۸، غنودن ۷۴، خواب غنودی ۹۹، غنویدن ۱۰۹، خوابی به سر درآورد ۱۳۸

نَعْبُدُ: إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵:۱)
بَرویدَه ایم - بَرستیم ۱۰، خواهیم پرستیدن ۲۴، می پرستیم ۲۹، می پَرستیم ۵۵، می پرستم ۱۲۳، پرستش می کنیم ۱۲۹

~: قَالُوا۟ نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ (۱۳۳:۲)
پرستیم ۲، پرستیم ۳، پرستیم ما ۳۸، می پرستیم ما ۶۱، بَه پرستیم ۸۴، خواهیم پرستید ۸۹، به پرستیم ما ۹۹، بَه پرستیم ما ۱۰۷

~: تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ (۶۴:۳)
یکی بی همتا گوییم ۲۵

~: قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ ٱللَّهَ وَحْدَهُۥ (۷۰:۷)
برستون کنیم ۱، بپرستیم ۱۰ مکرر

~: أَتَنْهَىٰنَآ أَن نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا (۶۲:۱۱)
میپرستیم ۱۱۱، به پرستیم ۱۲۸

~: وَٱجْنُبْنِى وَبَنِىَّ أَن نَّعْبُدَ ٱلْأَصْنَامَ (۳۵:۱۴)
ما پرستیم ۲۹، بپَرستیم ۵۳، می پرستم ۵۹، بپرستیم ما ۶۱

~: قَالُوا۟ نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ (۷۱:۲۶)
می برستون کنیم ۱، همی پرستیم ۵۳

★ أَلَّا نَعْبُدَ: تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ (۳:۶۴)
که نَپرستیم ۲، که نه پرستیم ۳، نپرستیم ما ۲۴، نپرستیم ۲۷، نه پرستیم ۴۰، ما نمی پرستیم ۹۶، تا نپرستیم ۱۲۸، نمی پرستیم ۱۳۸

نَعْبُدُهُمْ: مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ (۳۹:۳)
پرستیم ۹۲

★ مَا نَعْبُدُهُمْ: مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ (۳۹:۳)
نمی پرستیم ۳، ما نمی پرستیم ۶۱

نَعْجَةٌ: تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ (۳۸:۲۳)
میش ۱، میشک ۲۲، گوسفند ۳۶، ماده میش ۴۱، گوسفند ماده ۱۰۴، میش ماده ۱۰۹

نَعْجَتِكَ: قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ (۳۸:۲۴)
میش ۲،، ماده میش ۳، گوسپند ۶۹

★ لَنْ نُعْجِزَ: وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ (۷۲:۱۲)
پیشی نکنیم ۱، نتوانیم سُست کردن ۲، سست نیاویم ۶، سست نتوانیم گردانیدن ۳۰، سستکاری نکنیم ۹۶، سست کاری نکنیم ۱۰۵

نَعُدْ: وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ (۸:۱۹)
واز آییم ۱، باز گردیم ۳، ماوا گردیم ۱۰، ما بازاییم ۲۹، باز آییم ۳۵، ما باز گردیم ۳۹، ما باز آییم ۴۲، باز گردم ۵۲، با سپس شویم ۶۰، باز گردیم ما ۶۱، بر گردیم ۱۲۲، ما باز گردانیم ۱۲۴، باز گردانیم ۱۲۸

نَعُدُّ: فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا (۱۹:۸۴)
می شمریم ۱، می شمرم ۳، ما همی شمریم ۲۴، بسازیم ۲۹، شمردیم ۳۰، ما بیاراییم ۴۲، بیارایم ۵۲، بشمردیم ۵۶، همی شمریم ۶۱، همی شماریم ۶۲، می شماریم ۷۶، آماده می کنیم ۷۹، برشمریم ۸۰، می سازیم ۸۷، برشمردیم ۱۰۰، بشماریم ۱۱۱، آماده کرده‌ایم ۱۱۳، شمریم ۱۱۴، میشماریم ۱۱۶، شماریم ۱۲۱، میسازیم ۱۲۶، میشمریم ۱۳۸

نَعِدُهُمْ: وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ (۱۰:۴۶)
بیم می کنیم ۳، بیم کنیم ۴۹، نوید دادیم ۵۶

~: وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ (۱۳:۴۰)
بیم مِی کُنیم ۵۵

★ كُنَّا نَعُدُّهُمْ: وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ (۳۸:۶۲)
می شمردیم ۱، همی شماردیم ۲۲، ما شمردیم ۲۴، شمردیم ۳۰، بشمریم ۳۳، ما می شمردیم ۳۹، هَمی شُمُردیمْ ۵۳، می شمردیم ما ۵۶، بدست بنهادیم ۸۱، میشمردیم ۱۱۶، می شمریم ۱۳۴، همی شمردیم ۱۳۹

نُعَذِّبْ: إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً (۹:۶۶)
شکنجه کنیم ۹۱

نُعَذِّبُهُ: قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ (۱۸:۸۷)
شکنجه کنیم ۱۱۴

سَنُعَذِّبُهُمْ: سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ (۹:۱۰۱)
زود شکنجه کنیم ۱۱۴

نَعْفُ: إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً (۹:۶۶)
درگذاریم ۳، درگذرانند ۱۱، دَرگُذاریم ۵۵، درگذریم ۸۹، اندر گذاریم ۹۶، درگذاریم ما ۱۲۴

نَعْقِلُ: وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶۷:۱۰)
بکاربستیم خود را ۳، می دانستیم ۲۴، اندر

یافتیمی ۳۹، دریافتیمی ۴۱، بدانستیم ۴۳، دانستمانی ۵۲، بدانیمی ۶۱، بکاربستیمی خود را ۸۰، درمی یافتیم ۱۰۰، بدانستیمی ۱۰۸، کاربستیمی ۱۱۴، خردمندی کردیم ۱۳۶

نَعْلَمَ: إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ (۲:۱۴۳)
بینیم ۲۹، پیدا کنیم ۳۰، بینیم و جدا کنیم ۴۰، دانستهٔ ما پیدا آید ۵۹، پدید کنیم ما ۶۱، بدانم ۸۸، بدانید ۱۰۵

~: قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَاكُمْ (۳:۱۶۷)
دانستی ۱، دانیمی ۱۰، ما دانیم ۲۴، ما بدانیم ۲۷، بدانستی ۲۹، دانستمی ۳۰، دانستیمان ۳۴، دانستمانی ۳۸، بدانیمی ۳۹، بداندی ۴۰، دانم ۶۰، بدانستیمی ۶۱، دانیم ما ۹۰، دانستیمی ۹۱، ما دانستی ۹۶، بدانستیم ما ۱۲۴

~: وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَن قَدْ صَدَقْتَنَا (۵:۱۱۳)
بدانیم ۲، بدانیم ما ۶۱، بدانیم هر آینه ۸۸

~: قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُۥ لَيَحْزُنُكَ ٱلَّذِى يَقُولُونَ (۶:۳۳)
دانیم ۱، همی دانیم ۲، دانستیم ۳، خود همی دانیم ۴۴، ما می دانیم ۷۶، نیک همی دانیم ۱۰۵، ما میدانیم ۱۱۸، ما نیک میدانیم ۱۲۴

~: وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (۱۵:۹۷)
میدانیم ۵۹، میدانیم ما ۶۱، ما همی دانیم ۱۲۸

~: وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٌ (۱۶:۱۰۳)
می دانم ۲، ما همی دانیم ۶۲

~: ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَىُّ ٱلْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓا أَمَدًا (۱۸:۱۲)
به بینیم ۹۳

~: وَمَا كَانَ لَهُۥ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَٰنٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِٱلْآخِرَةِ (۳۴:۲۱)
پدید کنیم ۵۸، جدا باز کنیم ۱۰۰، باز کنیم ۱۳۸

~: وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ ٱلْمُجَٰهِدِينَ مِنكُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ (۴۷:۳۱)
جدا کنیم ۲۲، بدانند ۱۳۶

~: وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِۦ نَفْسُهُۥ (۵۰:۱۶)
می دانیم ۶

وَلِنُعَلِّمَهُۥ: وَلِنُعَلِّمَهُۥ مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ (۱۲:۲۱)
بیاموزیم ۱، بیاموزنیدیم ۲، بیاموزانیم ۲۹، بیاموختیم ۳۴، آموختیم ۵۳، آموزانیم ۵۵، آموزیم ۵۸، در آموختیم ۷۶، در آموزانیم ۹۳، در آموختیم ۱۰۰، در آموزیم ۱۰۶، در آموزانیدیم ۱۱۳، آموزانیدیم ۱۲۹

نَعْلَمُهُمْ: لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ (۹:۱۰۱)
دانیم ۱، می دانیم ۲۹، بدانیم ۵۶، میدانیم ۶۱، ما میدانیم ۱۱۸، میدانم ۱۳۶

نُعْلِنُ: رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِى وَمَا نُعْلِنُ (۱۴:۳۸)
می اشکرا کنیم ۱، آشکارا همی کنیم ۲، آشکارا می داریم ۵، آشکارا داریم ۲۴، ما آشکارا می کنیم ۲۹، آشکارا می کنیم ۳۶، آشکارا کنیم ۴۲، اشکارا کنیم ۵۳، آشکارا می کنیم ۵۵، آشکارا میکنیم ۹۳، آشکار کنم ۹۴، آشکار میکنیم ۱۱۱، آشکار داریم ۱۲۲

نَعْلَيْكَ: إِنِّىٓ أَنَا۠ رَبُّكَ فَٱخْلَعْ نَعْلَيْكَ (۲۰:۱۲)
دو کفش ۱۱۴، موزها ۱۲۲

نَعَمْ: فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا۟ نَعَمْ (۷:۴۴)
خواهد بود ۱۰، آری ۴۵

~: قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ (۲۶:۴۲)
آری ۲

نِعْمَ: وَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ (۳:۱۳۶)
نیک است ۱، نیک است ۲، نیکو ۳، نیکا ۱۰، نیکو

۲۷، نیکُو ۵۵، چه نیکوست ۵۶، چه نیکست ۱۰۵

~: فَزَادَهُمْ إِيمَٰنًا وَقَالُوا۟ حَسْبُنَا ٱللَّهُ وَنِعْمَ ٱلْوَكِيلُ (۳:۱۷۳)

نیکْ سْت ۲، چه نیکو ۵۶، نیک کار ۱۳۸

~: فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَىٰكُمْ ۚ نِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ (۸:۴۰)

نیکو است ۳۰، نیکو اسْت ۵۵، بهترین نیکوترین ۹۰

~: سَلَٰمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ ۚ فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدَّارِ (۱۳:۲۴)

نیکستْ ۲، نیکوست ۳، نیکست ۵، نیکَست ۷۶، نیکو بود ۱۰۰، نیکُوست ۵۵

~: نِعْمَ ٱلثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (۱۸:۳۱)

نیکْ است ۲، خوب است ۴۳

~: تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ نِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ (۲۹:۵۸)

خوش است ۱۲۱

~: وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ (۳۷:۷۵)

بود نیکو ۶۱، پیداست ۱۰۵، خوشا ۱۱۴

~: وَوَهَبْنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيْمَٰنَ ۚ نِعْمَ ٱلْعَبْدُ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ (۳۸:۳۰)

نیک بود ۱، چه نیک است ۱۰۵

~: نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ (۳۹:۷۴)

نکوست ۸۱

~: وَٱلْأَرْضَ فَرَشْنَٰهَا فَنِعْمَ ٱلْمَٰهِدُونَ (۵۱:۴۸)

چه نیک ۱۰۹

~: فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ ٱلْقَٰدِرُونَ (۷۷:۲۳)

نیک ۲، خنک ۶

ٱلنَّعَمِ: وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ (۵:۹۵)

ستورَان ۱، چهارْپایان ۲، شتر و گاو و گوسپند ۱۰، اشتر و گاو و گوسفند ۲۷، چهارپای ۲۹، استُوران ۴۵، چهارپایان ۵۳، چهاْرپایان ۵۵، چهارپا ۶۳، اشتر و گاو و گوسپند ۷۲، چهارپایان ۷۶، چهاپآیان ۱۰۰، شتر و گاو و گوسفند ۱۳۰

نِعمّا: إِن تُبْدُوا۟ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِىَ (۲:۲۷۱)

نیک است ۱، نیکْ أست ۲، نیکا ۱۰، نیک چیزی بود ۲۴، نیک چیزی است ۲۵، نیک نیک ۲۷، نیکو باشد ۳۰، نیکوست ۳۶، نیک کارست ۵۲، نیک چیز ۶۳، نیک چیزی ۶۷، نیک کاری است ۸۲، نیکو چیزیست ۱۰۰، نیک کارست ۱۲۱، سخت نیک ۱۲٤، نیک کار است ۱۲۸

~: إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ سَمِيعًۢا بَصِيرًا (۴:۵۸)

نیک ۱، نیکسْت آنچه ۲، نیکو ۳۶، نیک است آنچه ۶۰، نیکست ۶۱، نیک چیز است ۷۶، نیکست آنچه ۹۷، چه نیکو ۱۰٤

نَعماءَ: وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ ٱلسَّيِّـَٔاتُ عَنِّىٓ (۱۱:۱۰)

نیکویی و فراخی ۲، فراخی ۵۲، نیکُویی ۵۵، نیکویی و فراخی ۸۳، نیکوی فراخی ۹۶، نیکو داشت ۱۰۲، نیکویها ۱۱٤، توانگری ۱۲۰، فراخی و نیکویی ۱۲۸

نَعْمَةٍ: وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ وَنَعْمَةٍ كَانُوا۟ فِيهَا فَٰكِهِينَ (۴۴:۲۷)

فراخی ۳۰، زیست بناز ۱۰۹

~: وَذَرْنِى وَٱلْمُكَذِّبِينَ أُو۟لِى ٱلنَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (۷۳:۱۱)

کامرانی ۶، فراخیها ۳۰، ناز و کامرانی ۱۰۹، توانگری و کامرانی ۱۳۸

نِعْمَةٌ: وَمَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُ (۲:۲۱۱)

نیکویی ۱۳۸

~: يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضْلٍ (۳:۱۷۱)

نیکوییهاء ۹۰

~: يَٰقَوۡمِ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ (۵:۲۰)
نیکی ۱۱٤

~: ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ (۱٤:٦)
نیکوییها ۱۰٤

~: وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِ (۱٦:۵۳)
تن درستی و فراخی ۵۸

~: أَفَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ (۱٦:۷۱)
نیکوی ۳۰

~: ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَآءَتۡكُمۡ جُنُودٞ (۳۳:۹)
نیکو داشت ٤۷

~: وَلَوۡلَا نِعۡمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ (۳۷:۵۷)
بخشش ۱۰۳

~: ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعۡمَةٗ مِّنۡهُ نَسِيَ مَا كَانَ (۳۹:۸)
آسایش و نیکوداشت ۱۰۹

~: ثُمَّ إِذَا خَوَّلۡنَٰهُ نِعۡمَةٗ مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلۡمِۭ (۳۹:٤۹)
نیکوئی ۸۷

~: فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَنِعۡمَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ (٤۹:۸)
نیکویْ ۲

~: لَّوۡلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعۡمَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ لَنُبِذَ بِٱلۡعَرَآءِ (٦۸:٤۹)
نیکویی ۲

نِعْمَتَكَ: وَقَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ (۲۷:۱۹)
نیکو داشت ٤۷، نیکوییها ۹۲

~: قَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ (٤٦:۱۵)
نیکُویی ۲، نیکویی ۸۰

نِعْمَتَهُ: وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمۡ وَلِيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ (۵:٦)
نیکوی ۲، نیکویی ۳

نِعْمَتِيَ: ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِيٓ (۲:٤۰)
نیکُوئی ۵۵، نیکو داشت ۱۰۲، نیکوئی ها ۱۰٤

~: ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ (۲:٤۷)
نیکوئی ۱۰۵

~: ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ (۲:۱۲۲)
نیکوییها ۱۰٤

~: فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِي وَلِأُتِمَّ نِعۡمَتِي عَلَيۡكُمۡ (۲:۱۵۰)
نیکویی ۳، نیکو ۳۰

~: يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱذۡكُرۡ نِعۡمَتِي عَلَيۡكَ وَعَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ (۵:۱۱۰)
نیکوی ۳۰

نُعَمِّرْكُمْ: أَوَلَمۡ نُعَمِّرۡكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُ (۳۵:۳۷)
زند گانی دادیم ۳۸، دادیم زند گانی ۵٦، زند گانی دادیم ما ۱۰۰

★ لَمْ نُعَمِّرْكُمْ: أَوَلَمۡ نُعَمِّرۡكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُ (۳۵:۳۷)
زند گانی ندادیم ۱، نه زند گانی دادیم ۳، همی نه زند گانی دادیم ۲۲، نه بزیانیم ۳۹، ما همی نه زند گانی دادیم ٤۷، نه شما را زند گانی دادیم ۵۲، نه زند گانی دادم ۵۳، زند گانی نداده بودیم ۱۱٦

نُعَمِّرْهُ: وَمَن نُّعَمِّرۡهُ نُنَكِّسۡهُ فِي ٱلۡخَلۡقِۚ أَفَلَا يَعۡقِلُونَ (۳٦:٦۸)
زند گانی دهیم ۱، زند گانی بسیار دهیم ۲۲، زند گانی دراز گردانیم ۳۰، زند گانی دراز کنیم ۵٦، زند گانی دراز دهیم ۱۱٤

نَعْمَلُ: فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَآءَ فَيَشْفَعُوا۟ لَنَآ أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ (٧:٥٣)
کار کنیم ٣، بکنیم ١٠ مکرّر، کار کنیم ما ٢٤، مِی کَرْدِیم ٥٥، کار کردیم بکنیم ما ٦١، کرده باشیم ٧٦، می کردیم ما ١٢٤

~: فَأَلْقَوُا۟ ٱلسَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِن سُوٓءٍ (١٦:٢٨)
می کردیم ١، می کنیم ٢٩، همی کردیم ٥٣، مِی کَردِیم ٥٥، کار میکردیم ما ٦١، کار می کردیم ١١٤، کردیم ١١٨

~: رَبَّنَآ أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَٱرْجِعْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (٣٢:١٢)
کار کنم ٦١، کنم ١٠٥، کنیم ما ١٢٤

~: وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا (٣٥:٣٧)
کنیم ١، همی کردیم ٢٢، میکردیم ٥٨، کار بکنیم ٩٦

* مَا كُنَّا نَعْمَلُ: فَأَلْقَوُا۟ ٱلسَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِن سُوٓءٍ (١٦:٢٨)
ما نکردیم ٢٤، نکردیم ما ٦٣، ما همی نکردیم ٩٤، ما نمیکردیم ١٠٣

نِعَمَهُ: وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةً وَبَاطِنَةً (٣١:٢٠)
نیکوییها ٣، نیکوداشتها ٤٧، نیکویی ٩٢

نَعَّمَهُ: فَأَمَّا ٱلْإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبْتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ فَأَكْرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّىٓ أَكْرَمَنِ (٨٩:١٥)
بنازپرورد ٨٠

نَعُودَ: وَمَا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّعُودَ فِيهَآ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّنَا (٧:٨٩)
واز آییم ١، بازگردیم ٣، اندرآییم ١٠، بازآییم ٢٧، گردیم ٤٩، بازگردیم ما ٦١، درآییم ٩٦، بازگردانیم ١٢٠، برگردیم ١٢٢

نُعِيدُكُمْ: مِنْهَا خَلَقْنَٰكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ (٢٠:٥٥)
دیگربار کنیم ١، بازگردانم ٢، بازآوریم ٢٩، بازبریم ٣٩، بازگردانیم ٤٢، بازگردانیدیم ٦١، بریم ٧٦، بازگردنیم ٨٠، بازگردانیم ما ١٢٤، بازمیگردانم ١٣٠

نُعِيدُهُۥ: كَمَا بَدَأْنَآ أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُۥ (٢١:١٠٤)
دیگربار کنیم ١، دیگرباره کنیم ١٢، بازآفرینیم ٢٤، بازآوریم ٢٩، بازآریم ٣٩، بازگردانیم ٤٣، دیگرباره گَرْدانیمْ ٥٣، بازبریم ٦٤، آفرینیم ١٠٠، بازآوردیم ١٠٥، بازآفرینم ١٠٦

سَنُعِيدُهَا: قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا ٱلْأُولَىٰ (٢٠:٢١)
وازآریم ١، زُود بازگردانیم ٢، زود بازگردانیم ٣، بازگردانیم ٢٤، بازآوریم ٢٩، بگردانیم ٤٢، زود بازآرم ٥٨، گردانیم ٦٢، زود بازبریم ٦٤، باگردانیم ٨٠، ما بازگردانیم ٨٧، بازگردانم ٩٤، هرآینه بازبریم ١٠٣، بازگردانیدیم ١٣٩

ٱلنَّعِيمِ: لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَٰهُمْ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ (٥:٦٥)
ناز ٥٧

~: وَرِضْوَٰنٍ وَجَنَّٰتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ (٩:٢١)
نیکویی ٣، نِیکوئی ٥٥، نیکوی ٩١، ناز و نعمتها ١١٣

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ (٣١:٨)
آسایش ٣، با ناز ١٠٩

~: إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى جَنَّٰتٍ وَنَعِيمٍ (٥٢:١٧)
نیکوییها ٣، نیکویی ها ٨٠

~: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ (٦٨:٣٤)
بار و آسایش ٨٧

~: أَيَطۡمَعُ كُلُّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ أَن يُدۡخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٖ (٣٨:٧٠)
آسايش و نيكوييها ٩٤، نيكو ١١٤

~: إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٖ (١٣:٨٢)
آسانى ١٠٩، نيكيها ١١٤

~: تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ (٢٤:٨٣)
بهشت ١٢٣

~: ثُمَّ لَتُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ (٨:١٠٢)
ناز و نعمتها ٧٩، خوشيها ١٢١

نَعِيمًا: وَإِذَا رَأَيۡتَ ثَمَّ رَأَيۡتَ نَعِيمٗا وَمُلۡكٗا كَبِيرًا (٢٠:٧٦)
آسايش ٣، آيسايش نيكوييها ٩٤

نُغَادِرْ: وَحَشَرۡنَٰهُمۡ فَلَمۡ نُغَادِرۡ مِنۡهُمۡ أَحَدٗا (٤٧:١٨)
دست بازداريم ٦٣

★ لَمْ نُغَادِرْ: وَحَشَرۡنَٰهُمۡ فَلَمۡ نُغَادِرۡ مِنۡهُمۡ أَحَدٗا (٤٧:١٨)
مهيليم ١، بجا نمانيم ـ دسّت بازنداريم ٢، نه فروگذاريم ٣، دست بنداريم ٢٤، بنگذاشتيم ٢٩، نه مانيم ٣٠، فرونگذاريم ٤١، رها نكنيم ٤٢، دست بازنداريم ٤٩، بجاى بنمانيم ٥٢، نه مَانِيم ٥٥، نگذاريم ٥٦، نه گذاشتيم ما ٦١، بنگذاريم ٦٢، نه باز مانيم ٨٨، نه گذاريم ٩٢، نمانيم ١٠٣، بجاى نمانيم ١٠٥، نه گذاشتيم ١٠٩، نه نماييم ١١٤، وانگذاريم ١٢٢، نگذارم ١٢٣، بنه گذاريم ١٢٨، بنگزاريم ١٣٤

نُغۡرِقۡهُمۡ: وَإِن نَّشَأۡ نُغۡرِقۡهُمۡ فَلَا صَرِيخَ لَهُمۡ (٤٣:٣٦)
بآب فروبريم ٣، در آب فرو بريم ١١٤

لَنُغۡرِيَنَّكَ: لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا (٦٠:٣٣)
بفريوند ١، بَرآغالانيم ٢، برآغالانيم ٣، برآغاليم ٢٩، برگماريم ٣٨، برانگيزيم ٣٩، برگمارند ٤١، مابرگماريم ٦٧، برآغاليم و برگماريم ٧٢، برآغازيم ٩٢، فرماييم ما ١٠٤، برگماريم ـ برآغالانيم ١٠٩، بگماريم ١١٧، برگماريم ما ١٢٤، برآقاليم ١٢٩

نَّغْفِرْ: وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُولُواْ حِطَّةٞ نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطَٰيَٰكُمۡ (٥٨:٢)
بيامرزيم ٢، فروپوشانيم ٣، بَيامرزيم ١٠، بيَامُرزيم ٥٥، بيامرزم ٥٧، بيامرزيم ٦٧، بيامرزيديم ٩٠، آمرزيم ما ١٠٩، ما بيامرزيم ١٢٧

~: نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطِيٓـَٰٔتِكُمۡ (١٦١:٧)
بيامرزيم ١، بيامَرزيم ١٠، بيامرزيم ما ٦١، آمرزيمتان ١١٤

ٱلنَّفَّٰثَٰتِ: وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ (٤:١١٣)
جادوان ٢٤، زنان جادوان دردمنده ٧٩، زنان دردمنده ٨٠، باددمندگان ٩٦، زنان دمنده ١٠٢، دمندگان ١٠٥، باددمنده ١٠٦، زنان جادو ١١٤، زنان باددمنده ١١٧، زنان دمندگان ١٢٢، زنان جادو كه جادودمند ١٣٩

نَفَادٍ: إِنَّ هَٰذَا لَرِزۡقُنَا مَا لَهُۥ مِن نَّفَادٍ (٥٤:٣٨)
كرانه شدن ١، سِپرُى شدن ٢، سپرى شدن ٣، رسيدن ٢٢، گسيختن ٢٩، سپرى ٣٠، برسيدن ٥٢، نيستى ٨١، آن سوى شدن ٨٧، وابرسيدن ١٠٢، با خود آمد ١١٣، گم شدگان ١٢٦، بسرآمدن ١٣٠، كمى ١٣٣، بن درآمدن ١٣٨

ٱلنِّفَاقِ: وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡمَدِينَةِ مَرَدُواْ عَلَى ٱلنِّفَاقِ لَا تَعۡلَمُهُمۡ (١٠١:٩)
دورويى ٣، دوسرگى ٢٧، كارزار ٢٩

نِفَاقًا: فَأَعۡقَبَهُمۡ نِفَاقٗا فِي قُلُوبِهِمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ يَلۡقَوۡنَهُۥ (٧٧:٩)
دورويى ٣، دُورُويى ٥٥، دوزبانى ٥٨، دوسرگى ٩٤، دورويگى ١٠٩، دوسرى ١٢٨

~: ٱلۡأَعۡرَابُ أَشَدُّ كُفۡرٗا وَنِفَاقٗا (٩٧:٩)
دورويى نمودن ١٠٤، دورويگى ١٠٩، دوروى

نمودن ۱۲۶

لِنَفْتِنَهُمْ: وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ ... لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ (۲۰:۱۳۱)

بیازمودی ۱، آزموده گردانیم ۲، بیازمائیم ۳۶، آزمون کنیم ۳۹، در آشوب اندازیم ۴۱، آزموده کنیم ۷۴، بیازمایم ۸۷، آزموده گرانیم ۱۰۸، آزمایش نمایم ۱۲۲، آزمایش نمائیم ۱۳۲

~: لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ (۷۲:۱۷)

بیازماییم ۳، آزمون آوردیمی ۶، آزموده کنیم ۱۹، آزموده گردانیدیمی ۳۰، آزموده کردیم ۳۹، بیازماییم ۴۲، بیازمانیم ۵۲، بیازماهم ۸۰، آزمائیم ۱۱۱، آزمایش کنیم ۱۱۳

نَفْحَةٌ: وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۱:۴٦)

خنکی ۱، بوی ۳، دمیدن ۱۲، پاره ۲۴، سوزاک ۳۹، دم ۵۲، اندک ۵٦، پاری ۷٦، بهره ۷۹، بوی - اندک ۸۰، رسیدن ۸۸، بویی - اندکی ۹۴، وزیدن ۱۳۵

نَفَخَ: ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ (۳۲:۹)

بدمید ۱، بدمید ۲، دردمید ۳، در آورد ۲۴، بیافرید ۴۱، دمید ٥٦

نُفِخَ: وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا (۱۸:۹۹)

دمیده شهد ۱، دَرْدمیده شد ۲، دردمیدند ۲۹، بدمیده‌اند ۵۳، دردمیده شد ۷۲

~: فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (۲۳:۱۰۱)

اندر دمند ۲۴، دمیده شد ۳۹، دَردمَند ۵۱، اندردمید ۵٤، بدمد ٦۱، بازدمد ۹٦

~: وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ (۳٦:۵۱)

دمیده شود ۳، دردمنده شود ۷٤، دردمد ۱۲٤

~: وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ (۳۹:٦۸)

بدمیم ۱۵، دمیده میشود ۱۲۰

~: وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (۵۰:۲۰)

دردمند ٦، اندر دمیدند ٤۱، اندر دمیده شود ۱۰۸

~: فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (٦۹:۱۳)

دردمیده شود ۲، بدمند ۳۸، دردمند ٤۱، دمیدن ۹٤

نَفَخْتُ: فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي (۱۵:۲۹)

بدمم ۱، دردمم ۳، دمیدم ۳٦، بدمَمْ ۵۳، دَردَمم ۵۵، درآوردم ۵۹، دردمیدم من ٦۱، بدمیدم من ٦٤، دردمَمْ ۷۱، دردمیدیم ۷٤، بدمیدیم ۸۸، بِدَمَمْ ۹٤، اندردمم ۹٦، بدمیدم ۱۱۲، دمیدم من ۱۲٤

~: فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي (۳۸:۷۲)

درآوردم ۲٤، دردمیدم ۳۹، درآرم ٤۱، دمیدم ۹۲

نَفْخَةٌ: فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (٦۹:۱۳)

دمیدن ۱، دمیْدن ٦۱، دردمیدن ۱۱۳، آواز ۱۲۵، باد ۱۳٦

نَفَخْنَا: فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا (۲۱:۹۱)

بدمیدیم ۱۲، اندر دمیدیم ۳٤، مادردمیدیم ۳۹، دردمیدیم ٤۲، دردمیدم ۸۷، دمیدیم ما ۱۲۳

~: فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا (٦٦:۱۲)

بدمیدیم ۱، دمیدیم ۲، دردمیدیم ما ۸۹، آفریدیم ۱۰٤، دمید ما ۱۱۳

نَفِدَ: قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي (۱۸:۱۰۹)

کرانه شید ۱، گسسته شدی ۲۹، سپری شود ۳۰، تهی شود ۳٦، نماندی و سپرس شَودی و تهی ٤٤، سپری شدی ٤۹، سپری گشتی ۵۲، سِپری شَوَدْ ۵۵، نیست شود ۵٦، نماندی ۵۸، برسید ٦۲، برَسد ٦۳، برسیدی ۸۸، سپری شد ۱۳۹

نَفِدَتْ: وَلَوْ أَنَّمَا فِي ٱلْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ ... مَّا نَفِدَتْ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ (۳۱:۲۷)
سپری شد ۳، رسیدی ۱٤، سپری شود ٤۳، نیست شوند ٦٤

★ مَا نَفِدَتْ: وَلَوْ أَنَّمَا فِي ٱلْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ ... مَّا نَفِدَتْ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ (۳۱:۲۷)
اسپری نگردد ۲، بنه رسیدی ۲٤، بنرسیدی ۲۹، سپری نگردد ۳۰، سپری نشود ۳۹، نشود سپری ٤۱، بنرسد ٤۷، نَهْ رَسَدْ ۵۳، سپری نتوانند کرد ۵٦، درنیاید ۷٦، بنرسیدی ۸۸، بپایان نیامدی ۱۱٦، گزارده نشود ۱۱۹، بپایان نرسیدی ۱۲۰

نَفَرَ: فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ (۹:۱۲۲)
بیرون شود ۱۳، بیرُوْن آمَدْ ۵۳، بیرون شد ۹۰، بیرون رفتندی ۱۱٤، بیرون آمد ۱۲٤

★ لَا نَفَرَ: فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ (۹:۱۲۲)
بیرون نشود ۲٤، نه بیرون شوند ۳۸، بیرون نرفت ۹٤، بیرون نروند ۹۸، نه برمند ۱۰۳

★ لَوْ لَا نَفَرَ: فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي ٱلدِّينِ (۹:۱۲۲)
چرا بیرون نشد ۱، چرا بیرون نَروند ۲، چرا نشدند ۲۹، چرا بیرون نرفت ۵۸، چه بود که بیرون نروند ۹۳، چرا بیرون نروند ۹٦، چرا نرفت ۱۰٤، چرا بیرون نشوند ۱۱۳، چرا نروند ۱۲۰

نَفَرًا: أَنَا۠ أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا (۱۸:۳٤)
گرُوه ۲، گُرُوه ۵۵، لشکر ۸۹

~: وَإِذْ صَرَفْنَآ إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقُرْءَانَ (٤٦:۲۹)
گره ۱، گروه ۳، گروهان ۱۳٤

نَفَرٌ: قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ ٱلْجِنِّ (۷۲:۱)
گره ۱، گروه ۲

سَنَفْرُغُ: سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ (۵۵:۳۱)
زود پردازیم ۳، برداریم زود ۲٤، بپردازیم ۳۹، بَردَاریْم ۵۱، زود بود که بپردازیم ۵٦، سرانجام بپردازیم ٦٤، زود بود که برداریم ۸۷، نگاهداریم ۹۲، پروا کنیم - بپردازیم ۱۰۹، واپردازیم ۱۱۱، زود بود برسیم ۱۲٤، جدا کنیم ۱۳٦

نُفَرِّقُ: لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ (۲:۱۳٦)
جدا کنیم ۳، جدایی کنیم ما ٦۱، جدا کردیم ما ۱۲٤، جدای می کنیم ۱۲۹

~: لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِۦ (۲:۲۸۵)
کنیم جدا ۹۰، جُدا کنیم ۹۷، کنیم ما جدا ۱۲٤، جدایی می کنیم ۱۲۹

~: لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ (۳:۸٤)
کنیم جُدا ۲۷، جدایی کنیم ٦۱

★ لَا نُفَرِّقُ: لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ (۲:۱۳٦)
جُدایی نکُنیم ۲، جُدایی نکنیم ٤۲، نیفکندیم جدائی ۵۳، جدایی نکنیم ۷٦، جدا نه‌افکنیم ۸۳، نه پراکنیم ۸۸، جدایی نکنم ۹۰، نکنیم جد آی ۹٤، جدائی نکنیم ۹٦، نکنم جدا ۹۸، جدائی نیفکنیم ۱۰۰، جدایی نمیدانیم ۱۰٤، جدایی نیفکنیم ۱۰٦، جدا نمی کنیم ۱۱٤، جدائی نمی‌افکنیم ۱۱٦، جدای نمیدانیم ۱۲٦

~: لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِۦ (۲:۲۸۵)
جدا نکنیم ۱، نکُنیم جُدا ۲، جدا نَکُنیم ۱۰، جدا نه کنیم ٤۰، ما جُدا نکنیم ٤۲، ما جدا نکنیم ۵۲، نه جدا کنیم ۸۸، جدایی نمی‌افکنیم ۱۱۱، ما جدایی نکنیم ۱۱۸، جدا نمیکنم ۱۲۳، جدایی نمی نهم ۱۳۰، نکنید جدا ۱۳۸

~: لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ (۳:۸٤)
جُدا نکُنیم ۲، جُدا نکنیم ۱۰، نپراکنیم ۳۹، نکنیم جدا ٤۱، جدایی نیفکنیم ٦۳، نجدا کنیم ۸۸، برنپراکنیم ۹۲، جدایی نمیکنیم ما ۱۰٤، جدا

نیفکنیم ۱۰۶، جدائی نمی افکنم ۱۲۳، نمی افکند جدایی ۱۳۰

نَفْسٌ: وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا (۲:۴۸)
تن ۵۵

~: وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا (۲:۱۲۳)
هیچ کس ۴۰

~: لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا (۲:۲۳۳)
کَس ۱۰

~: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (۳:۱۸۵)
جانوَر ۱۰، جانور ۴۰

~: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ (۷:۱۸۹)
خویشتن ۲۷

~: أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ (۱۳:۳۳)
کس ۷ مکرر

~: مَّا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ (۳۱:۲۸)
یک تن ۵۸

~: يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۸۹:۲۷)
جان ۲۴

نَفْسًا: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۲:۲۸۶)
تن ۲۵، کس و تن ۲۷

~: فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ (۴:۴)
خویش ۹۴، دل ۱۰۹

~: مَن قَتَلَ نَفْسًا ... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا
(۵:۳۲)
کس ۱۲۱

~: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۷:۴۲)
یک ۶۲

لِنُفْسِدَ: قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ (۱۲:۷۳)
توهی کنیم ۱، تباهی کنیم ۳، تباهی کُنیم ۵۵، تباه کاری کنیم ما ۶۱، تباه کاری کنیم ۶۴، تباهی کُنیم ۷۶، تباهی کنیم ۱۰۰، تباهکاری کنیم ۱۲۰

نَفْسِكَ: وَمَا أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِكَ (۴:۷۹)
تَن ۴۵، خویشتنت ۵۷

~: تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ (۵:۱۱۶)
تن ۲، راز ۵۲

~: وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً (۷:۲۰۵)
اندرون ۳

~: وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ (۳۳:۳۷)
دل ۲۴، خود ۱۰۵

~: فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ (۳۵:۸)
جان ۲۹

نَفْسَهُ: وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ
(۲:۱۳۰)
خویش ۲۹

~: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (۲:۲۰۷)
خویشتن ۸۸

~: وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۳:۲۸)
خود ۲، خویشتن ۱۰، نزد ۲۷، از خود ۷۶

~: إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ (۳:۹۳)
خویشتن ۲

~: وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ (۴:۱۱۰)
تن ۲، برخود ۷۶

~: قُل لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ (۶:۱۲)

خود ۱

~: فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِۦ (۱۲:۷۷)

درون ۳

~: وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ مُبِينٌ (۳۷:۱۱۳)

تن ۸۱

~: فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ (۴۸:۱۰)

خویشتن ٦

~: وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِۦ نَفْسُهُۥ (۵۰:۱٦)

دل ٦، جان ۳۹

نَفْسِهَا: يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَٰدِلُ عَن نَّفْسِهَا (۱٦:۱۱۱)

خَودْ ۵۵، تن ۱۱۹

نَفْسِي: قَالَ رَبِّ إِنِّي لَآ أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي (۵:۲۵)

تن ۲، خود ۳٦، برخود ۷٦

~: قُلْ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنْ أُبَدِّلَهُۥ مِن تِلْقَآيِٕ نَفْسِيٓ (۱۰:۱۵)

خویش ٦۷

~: قُل لَّآ أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۱۰:۴۹)

خویشتن ۱۰

~: وَقَالَ ٱلْمَلِكُ ٱئْتُونِي بِهِۦٓ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي (۱۲:۵۴)

تن ۹٤

~: وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (۲۰:۹٦)

دل ۲٤

نَفَشَتْ: وَدَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي ٱلْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ ٱلْقَوْمِ (۲۱:۷۸)

بشوبچریدند ۱، بشب بچرید ۲، چرا کردند بشب ۳، چرا کرد ۲٤، بچرید ۲۹، چرا کردند و بخوردند ٤۱، بچریدند ٤۳، بچریده بود ۵٦، چرا کردند ۵۸، بشب بچریدند ٦۱، پراکنده شده بود ٦۲، شب چرا کرد ٦۹، پراکنده شد ۷٦، در شب چرا کردند ۷۸، چَرا کرد ۸٦، بچرند ۸۸، شب چرا کردند ۹۲، چرا کرد بشب ۱۰٤، شب چرا کرده بودند ۱۰٦، بشب پراکنده شدند ۱۰۹، شب رفته بودند ۱۱۱، چرانیده بودند ۱۱۷، بشب رفته بود ۱۳۳، بشب چرا کرده بود ۱۳۸

نُفَصِّلُ: وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ ٱلْمُجْرِمِينَ (٦:۵۵)

همی پدید کنیم ۲، پدید می کند ۲٤، پیدا بکنیم ۲۹، جدا می کنیم و پیدا ٤٤، جدا می کنم ۵۸، جدا کنیم ما ٦۱، روشن می کنیم ٦۳، جدا کردیم ۸۲، پدید میکنم ۹۸، هویدا میکنیم ۱۰۰، پدیدار میکنیم ۱۰۲، روشن میگردانیم ۱۱۱، هویدا کنیم ۱۲٦

~: كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۷:۳۲)

می دیدور کنیم ۱، پیدا می کنیم ۳، پدید می کنیم ۱۰، همی پدید کنیم ۱۰ مکرّر، پدید کنیم ۲٤، جدای می کنیم ۲۹، جدایی دهیم ۷٦، پیدا کردیم ۱۱٤، همی پَدیدْ کنیمْ ۱٤۰

~: وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۷:۱۷٤)

جدا بمی کنیم ۲۹، پیدا کنیم ۳۵، هویدا می کنیم ۸۹، پدید کنیم ما ۹۰، بیان میکنیم ۹۳، همی پیدا کنیم ۹٦، پیدا میکنیم ۱۲۱

~: وَنُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۹:۱۱)

ما پدیدار مَی کنیم ۱۰، پیدا همی کنیم ۱۱، پدیدار کنیم ۲٤، پَیدَا مِی کُنیم ۵۵، جدا میکنیم ٦۷، ما جدا کنیم ۹۲، پدیدار میکنیم ما ۱۰۲، همی پدید کنیم و جدا ۱۰۹، بیان کنیم ما ۱۱۳، پیدا کُنیم ۱۱٤

~: كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱۰:۲٤)

جدا کنیم ۱۳، پدید میکنیم ۷٤، بیان می کنیم ۷۹، پیدا کنیم ما ۹۰، پدید کنیم و جدا ۱۰۹، روشن

میسازیم ۱۱۱، روشن میکنیم ۱۱۶، جدا گردانیم ۱۱۸

~: كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۳۰:۲۸)
پدید کُنیم ۲، پدیدار همی کنیم ۲۴، پیدا و جدا می کنیم ۴۱، پدیدار می کنیم ۴۷، پَدید کُنَمْ ۵۳، پیدا کردیم ۶۱، آشکارا کنیم ۷۶

نُفَضِّلُ: وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ (۱۳:۴)
افزونی نهیم ۳، ما افزون می نهیم ۲۹، افزون می گردانیم ۳۶، فزونی نهیم ۴۱، افزون گردانیم ۵۲، افزونی دِهیم ۵۵، افزونی نهیم ما ۶۱، افزون همی گردانیم ۹۶، افزونی نهآدیم ۱۰۰، افزونی می نهیم ۱۰۲، فزونی می دهیم ما ۱۰۴، افزونی نهادیم ۱۰۶، افزونی میدهیم ۱۲۰

نَفْعًا: مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۵:۷۶)
سُود رسانیدن ۲

~: قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا (۷:۱۸۸)
سود ۱، سودی ۱۲۹

~: لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا (۱۳:۱۶)
سود کردن ۳

~: وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۲۰:۸۹)
سُود ۲

نَفَعَتِ: فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ (۸۷:۹)
سود کند ۳۰، سود دارد ۶۱، سود دهد ۹۶

نَفْعَلَ: أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ (۱۱:۸۷)
کنیم ۱، ما بکنیم ۲۹، بکنیم ۴۱، همی کنیم ۵۳، بکنیم ما ۶۱

~: إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۳۷:۳۴)
می کنیم ۳، کردیم ۸۱، میکنیم ۱۰۳، فرماییم ما ۱۰۴

نَفْعِهِ: يَدْعُو لَمَن ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ (۲۲:۱۳)

سُود ۲، سود کردن ۵۶، سود ۵۸

نَفَعَهَا: فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ (۱۰:۹۸)
سود داشت ۳، سود کردی ۷ مکرّر، سُود داشتی ۴۲، سود بداشت ۶۲، سود کرد ۷۵، سود دهد ۷۶، سود داشتی ۹۶، سودمند بود ۱۰۰، سود رساندن ۱۱۱، بسودداشتش ۱۱۴

نَفْعِهِمَا: وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا (۲:۲۱۹)
سود ۵۷، سودمندی ۹۹

نَفَقًا: فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ (۶:۳۵)
سوراخ ۱، سمج ۳، سولاخ ۹، راه ۳۶، سُولاخ ۵۳، سُمج ۵۵، راه سولاخ ۵۷، فروشدن ۷۹، سُوراخ ۸۸، سمج یا سوراخ ۹۲، سوزآخ ۹۴، راه سوراخ ۹۶، سرداب ۱۰۲، جای فروشدن ۱۰۴، ره گذر ۱۱۲

نَفَقَاتُهُمْ: وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ (۹:۵۴)
هزینها ۳، هُزینها ۱۰، هزینه ۳۰، هَزینَها ۵۵، خزینتها ۱۱۴

نَفَقَةٍ: وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ (۲:۲۷۰)
خزین ۱، هُزینه ۲، هَزینَه ۵۵، دهش ۶۴

~: وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً (۹:۱۲۱)
هزینه ۳، هزینه کردن ۲۷، هَزینه ۵۵

نَفْقِدُ: قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ (۱۲:۷۲)
می جوییم ۱، گم کردستم ۲۴، کم می یابیم ۲۹، میجوئیم ۳۹، می جُوییم ۵۵، میجوییم ما ۶۱، می یابیم ۶۳، ما می جُوییم ۷۶، می جوئیم ۹۰، گم کرده‌ایم ۹۳، گُم کرده‌ایم ۱۰۰، میجوییم ۱۰۴، گردیم ۱۰۵، نمی یابیم ۱۰۶، گم کرده شده ۱۲۰، گم کردیم ما ۱۲۴، گم کرده‌اید ۱۳۶

نَفْقَهُ: قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ (۱۱:۹۱)
می دانیم ما ۶۱، دریابیم ۷۵

★ مَانَفقَهُ: يَٰشُعَيۡبُ مَانَفۡقَهُ كَثِيرٗا مِّمَّا تَقُولُ (۹۱:۱۱)
درنمی یاویم ۱، همی درنیابیم ۲، یاد نگیریم ۷ مکرّر، نمی دانیم ۲۹، درنمی یابیم ۳۱، نمی یابیم ۳۹، ما ندانیم ۴۲، همی برنیفتیم ۵۲، ما همی ندانیم ۵۳، نمی دریابیم ۵۵، ما درنیابیم ۵۶، درنمی یابم ۵۹، برنیفتیم ۸۲، همی برنه افتیم ۸۳، نمیدانیم ما ۹۳، همی درنیابیم ۹۶، درنمی یابیم ما ۱۰۲، ندانیم ۱۲۱

نُفورًا: وَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا نُفُورٗا (۴۱:۱۷)
شوریدن ۱، رمیدن ۲، رمیدگی ۸، دوری ۲۴، رَمیدَن ۵۵، رمیدگی و شوریدگی ۵۸، بیرون آمدن ۶۱، رمیده ۹۴، رمیدن و دورشدن ۱۱۶، رهیدن ۱۲۹

~: وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا (۴۶:۱۷)
شوریدن و رمیدن ۵۸، رمیدگان ۷۲، رمندگان ۷۹، گریزان ۱۲۳

~: وَمَا ٱلرَّحۡمَٰنُ أَنَسۡجُدُ لِمَا تَأۡمُرُنَا وَزَادَهُمۡ نُفُورٗا (۶۰:۲۵)
گریختن ۲، گریختن و رمیدن ۳۰، گریختن و پراکندن ۵۳، رمیدن و دورشدن ۷۲، رمیدن و گریختن ۱۰۸

~: فَلَمَّا جَآءَهُمۡ نَذِيرٞ مَّا زَادَهُمۡ إِلَّا نُفُورًا (۴۲:۳۵)
شوریدن ۱، رمیدن ۳، دورشدن ۹۲

نُفور: بَل لَّجُّواْ فِي عُتُوّٖ وَنُفُورٍ (۲۱:۶۷)
شوریدن ۱، رَمیدن ۲، رمیدن ۳، رمیدگی ۱۹، رمیدن از حقّ ۷۹، گردن بردن ۹۵، رمندگی ۱۰۳، گذشتن ۱۱۷، دوری ۱۳۶، درگذشتن ۱۳۸

ٱلنُّفوس: وَإِذَا ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتۡ (۷:۸۱)
تنها ۲۴، تنها با جان ۳۸، جانها ۱۳۲

نُفوسِكُم: رَّبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمۡ (۲۵:۱۷)
تنها ۲، دلها ۲۴، دلهاء ۶۲

نَفيرًا: وَأَمۡدَدۡنَٰكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ أَكۡثَرَ نَفِيرًا (۶:۱۷)
گره ۱، گروه ۲، یاری گران ۳۰، شمار ۳۹، یاران ۴۲، سِپاه ۵۳، شُمار ۵۵، لشکر ۶۳، از روی شمار ۸۰، بیرون آمدگان ۸۴، بیرون آیندگان ۸۸، گروهان ۱۰۴

نُقاتِلْ: ٱبۡعَثۡ لَنَا مَلِكٗا نُّقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (۲۴۶:۲)
کارزار کنیم ۳، کنیم کارزار ۲۷، کارزار کُنیم ۴۲، کارزار کنیم ما ۶۱

★ أَلَّا نُقاتِلَ: قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا (۲۴۶:۲)
که کارزار نکنیم ۱، که نه کنیم کارزار ۲۷

★ لَا نُقاتِلَ: قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا (۲۴۶:۲)
کارزار نکنیم ۱۰، نکنیم کارزار ۴۱، کالزار نکنیم ۶۰

نَقْبًا: فَمَا ٱسۡطَٰعُوٓاْ أَن يَظۡهَرُوهُ وَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ لَهُۥ نَقۡبٗا (۹۷:۱۸)
سوراخ کردن ۱، سولاخ ۲۴، سوراخ ۳۰، شکاف کردن ۳۹، سُوراخ ۵۳، سُوراخ کَرْدَن ۵۵، بریدن ۶۰، سوراخ کنند ۶۲، سوراخ نمودن ۱۲۲

نَقَّبوا: فَنَقَّبُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ هَلۡ مِن مَّحِيصٍ (۳۶:۵۰)
بگشتند ۱، گشتند ۳، همی بگردیدند ۲۴، بجستند ۲۹، بگشتند و برفتند ۳۰، اندر شوید ۳۸، اندرشدند ۴۷، آمد شد کردند ۴۹، گردیدند ۵۲، بگشتند ۵۶، بگشتندی ۶۱، می گشتند ۶۴، بگردیدند ۱۰۲، راه بریدند ۱۰۳، کاویدند و جستند ۱۰۹، بریدند ۱۲۰، آمد و شد میکردند ۱۲۶

نَقْتَبِسْ: ءَامَنُواْ ٱنظُرُونَا نَقۡتَبِسۡ مِن نُّورِكُمۡ (۱۳:۵۷)
گیریم ۱، بهره یاویم ۲۴، باز گیریم ۲۹، روشنایی گیریم ۳۰، روشنائی گیریم ۳۹، برداریم بهره ۴۱،

فرا گیریم ۴۲، می جوئیم ۴۳، روشنای گیریم ۴۹، روشنایی گیریمْ ۶۱، بگیریم ۸۷، بهره بر گیریم ۹۴، بهره فرا گیریم ۱۳۶

سَنُقَتِّلُ: قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَآءَهُمْ وَنَسْتَحْيِ نِسَآءَهُمْ (۱۲۷:۷)
بکشیم ۱، زود بود که کشم ۳، می کشیم ۱۰، بُکشیم ۲۷، زود بود که کشیم ۳۰، زود باشد که بکشیم ۵۸، بکشم ۶۰، زود بکشیم ما ۶۱، زود بکشیم ۱۰۰، کشیم ۱۰۴، زود کشیم ۱۱۴، زود بود که بکشیم ما ۱۲٤

نَقْدِرَ: فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ (۸۷:۲۱)
توانااییم ۱۲، تنگ کنیم ۵۳

* لَنْ نَقْدِرَ: فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ (۸۷:۲۱)
توانایی نداریم ۱، هرگز نه تنگ کنیم ۳، ما تنگ فرانگیریم ۲۹، نگیریم ۴۱، ما تنگ نکنیم ۴۲، ما پادشاه نیستیم ۵۶، کار تنک نکنیم ۵۸، تنگ نگردانیم ۶۱، تنگ بازنگیریم ۸۹، نه هرگز تنگ کنیم ۹٤، نه تنگ کنیم ۱۱٤، هرگز تنگ نگیرم ۱۲۲، تنگ نگیریم ۱۲٦، هرگز تنگ نگیریم ۱۳۲، تنگ بارنکردی ۱۳۸

نُقَدِّسُ: وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ (۳۰:۲)
پاک گُوییم ۲، بپاکی یاد کنیم ٤، بَپاکی یَاد مَی کنیم ۱۰، بپاکیزگی می گرویم ۳٦، بپاکیزگی یاد می کنیم ٤۰، پَاک گُوییم ٤۲، بَپاکیزگی یاد کنیم ۵۰، پَاک مِی گوئیم ۵۵، پاک گوییم ٦۲، پاک میداریم ٦٤، پاک همی گوییم ۸۲، به پاکی گواهی میدهم ۸٤، پاکیزگی گوئیم ۹۰، همی بپاکی یاد کنیم ۹٤، پاک می داریم ۹۸، پاک میدانیم ۱۰۰، بپاکی گواهی میدهیم ۱۰٤، خود را پاک میکنیم ۱۰۹، بپاکی یاد می کنیم ۱۱۲، بپاکیزگی میخوانیم ۱۱٦، بپاکی یاد میکنیم ۱۱۸، پاک می گوییم ۱۲٤، پاک گوئیم ۱۲۵، پاک بگوییم ۱۲۸، یاد میکنیم ۱۳۰

نَقْذِفُ: بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ (۱۸:۲۱)
بیندازیم ۱، بزنیم ۲، بزنیم ۱۲، برزنیم ۲٤، می اندازیم ۲۹، بیفکنیم ۳٤، پدید کنیم ٤۲، بینداختیم ٤۳، بندازیم ۵۳، بینداختمی ۵٦، بابودمی کنیم ٦٤، بیفکنیم ـ بدمد کنیم ٦۷، می افکنیم ۸۰، آریم ما ۹٤، بیفکنم ۹۸، می زنیم ۱۰٦، اندازیم ۱۰۹، بگماریم ۱۳۲، میزنیم ما ۱۳۸

نُقِرَ: فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۸:۷٤)
دمیده شهد ۱، دردمیده شود ۳، دردمند ٦، بدمند ۱۹، اندردمند ۲٤، دمیده شود ۵٦، بدمد ٦۹، دردمد ۹۱

نُقِرُّ: وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى (۵:۲۲)
باستانیم ۱، بیارامانیم ۲، آرام می دهیم ۳، بیازماییم ۱۲، بداریم ۲٤، آرام دهیم ٤۱، بیارامیم ۵۲، بیارامانیدیم ۹٤، آرام دهیم شما را ۱۰۰، بیارامیدیم ما ۱۲٤

سَنُقْرِئُكَ: سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَى إِلَّا مَا شَآءَ اللَّهُ (٦:۸۷)
بخوانیم ۱، خُواننده گردانیم ۲، خواننده کنیم ۲۹، خواننده گردانیم ۳۰، برخوانیم ۳۹، خواننده گردانیم ٤۲، بیاموزیم ۵۳، خوانیم ۱۰۲، خواننده کردیم ۱۰۸، زود خواننده گردانیمت ۱۱٤، بزودی برخوانیم ۱۲۰، میخوانیم ۱۳٦، قرآن خوان گردانیم ۱۳۸

نَقْرَؤُهُ: وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهُ (۹۳:۱۷)
خوانیم ۱، برخُوانیم ۲، ورخوانیم ۲٤، بخوانیم ۳٦، همی برخوانیم ۳۹، برخوانیم ۵۲، خوانیم ۵۵، ما خوانیم ۵۸، میخوانیم ۱۱٤

نَقُصُّ: تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَآئِهَا (۱۰۱:۷)
برمی گوییم ۳، میخوانیم ۳٦، همی خوانیم ۵۳، بگوییم ما ٦۱، همی بازگوییم ۹٤، خواندیم ۹٦، برمی گوییم، همی خوانیم ۱۰۹، بازمی گوییم ما ۱۲٤

~: وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلرُّسُلِ (۱۲۰:۱۱)
می خُوانیم ۲، همی خوانیم ۳۴، بَرمِی گُوییم ۵۵، بازمیگوییم ۶۳

~: نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ ٱلْقَصَصِ (۳:۱۲)
همی پدید کنیم ۲، ورخواندیم ۲٤، فرو می خوانیم ۳۶، پدید کنیم ۵۲، برمیگوییم ۵۹، باز گوئیم ٦٤، بازمی گوئیم ۸۵، پیدا کنم ۹۸، پدیده کنیم ۱۱۰

~: نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِٱلْحَقِّ (۱۳:۱۸)
همی گوییم ۳۰، همی برخوانیم ۳۹، بگوییم ٤۲، ما هَمی برخوانیم ۵۳، بَرخَوانیم ٦۲، پدید میکنیم ٦۷، بخوانیم ۱۰۲

~: كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَ (۹۹:۲۰)
برخوانیم ۲٤، می خوانیم ۳۶، بَرخوانیم ۵۳، بازمی گوییم ۵۸، پیدا کنیم ٦۱، بازمیگویم ۷٤، برگوییم ۹۱

نَقْص: وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِ (۱۵۵:۲)
کاسْتن ۲، کم کردن ۳، کم کاستی ۱۰، زیان ۲۹، کم شدن ۳۶، کم وکاستی ٤۰، کاستَن ٤۲، کَم کَردَن ۵۵، زیانکاری ٦۷، کاستی ۷٦، کاهست ۹٤، کمی ۱۱۲

~: وَلَقَدْ أَخَذْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ بِٱلسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۳۰:۷)
کهستن ۱، کاستن ۲، کَم کاستِی ۱۰، کم وکاست کردن ۲۷، کم ۳۶، کاهش ٤۵، کَم کَرْدَن ۵۵، باز کم کردن ٦۳، کمین ۹۹، کاستی ۱۱۲

★ لَمْ نَقْصُصْ: وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ (۷۸:٤۰)
نه بر گفتیم ۳، نه برخوانیم ۳۹، نگفتیم ٦٤، برنخواند یم ۹٦، نخوانده ایم ۱۰۳، نخواند یم ۱۱۱

★ لَمْ نَقْصُصْهُمْ: وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَٰهُمْ عَلَيْكَ (۱٦٤:٤)
نه بر گفتیم ۳، نگفتیم ۵۲، نخوانید یم ۵۳، نَه گُفتیم ۵۵، یاد نکردیم ٦۲، نه برخواند یم ۸٤، نه یاد کردیم ۸۸، برنگفتیم ۱۰۲، نخوانده ایم ۱۱٦، بازنگفتیم ما ۱۳۸

فَلَنَقُصَّنَّ: فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ (۷:۷)
گوییم هر آینه هر آینه ۳، ما آگاه کُنیم ۱۰، پدید کنیم ۱۰ مکرّر، برخوانیم ۲۷، بازرانیم ٤۱، مابرخوانیم ٤۵، باز گوییم ٦۳، باز گوئیم ۸۵، هر آینه بخوانیم ۱۰۲، هر آینه باز گوئیم ۱۱۱، بر گوئیم ۱۱۲، میخوانیم ۱۳۰، خواهیم خواند ۱۳۵

نَقُصُّهُ: ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْقُرَىٰ نَقُصُّهُۥ عَلَيْكَ (۱۰۰:۱۱)
آگاه کردیم ۷ مکرّر، برمی گوییم ۳۰، می برخوانیم ٤۱، برمی گوییم ۵۹، بخوانیم ما ٦۱، بازمی گوییم ٦۳، باز گفتیم ٦٤، می خوانیم ٦۹، همی خوانیم ۸۸، بازمیگوئیم ۹۳، میخوانیم ۱۱۱، برخوانیم ۱۱٤، خوانید یم ما ۱۲٤

نَقَضَتْ: وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّتِى نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنۢ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثًا (۹۲:۱٦)
واز تافت ۱، ویران کرد ۳، بشکافت ۲۹، بازمی کند ۳٦، بشکست ۳۸، بگسلد ۳۹، زنی که پنبه ریسمان کند باز ریسمان پنبه کند ٤۱، تاب بازدادی ۵۲، شکست ۵۳، ویِرّان کَرْد ۵۵، بازگشاید ۵٦، باز کرد و پاره کرد ۵۸، تاب بازداد ۵۹، شکافت ٦۲، بازشکافت ٦۳، باز کند ٦۷، باز کرده و پاره کرد ۷٤، تاب زد ۹۹، بازمی شکافد ۱۰۰، واکرد ۱۰۲، تاه تاه کرد ۱۰۳، بازشکافند ۱۰٦، بشکافت و بگشاد ۱۱٦، بازشتافت ۱۱۸، گسست ۱۲۲، تباه کرد ۱۲٦، گسست از هم ۱۲۷، گردانید ۱۳۵

نَقْضِهِم: فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ (۱۵۵:٤)

بشکستن ۱، بازشکافتند ۲۹، شکستن شان ۱۱۴

~: فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ لَعَنَّٰهُمْ (۵:۱۳)
شکستن ۱، شکافتن ۲۹، بشکستند ۴۱، شکَستن ۴۲، شِکستن ۴۵، بشکافتن ۵۷، بشکافتند ایشان ۷۰، بشکست ۷۵

نَقْعًا: فَأَثَرْنَ بِهِۦ نَقْعًا فَوَسَطْنَ بِهِۦ جَمْعًا (۱۰۰:۴)
گرد ۳۶، خاک ۹۰، خاک و گرد ۱۰۰، گرد و غبار ۱۱۶، غبار ۱۲۰

نَقْعُدُ: وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمْعِ (۷۲:۹)
می نشستیم ۱، می نشینیم ۶، بنشستیم ۱۹، همی نشستیم ۳۰، مِی نِشستیم ۴۲، بودیم نشسته ۱۰۵، نشستیم ۱۰۸، می نشستیم ما ۱۲۴

نُقَلِّبُ: وَنُقَلِّبُ أَفْـِٔدَتَهُمْ وَأَبْصَٰرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا۟ بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٍ (۶:۱۱۰)
می گردانیم ۱، بگردانیم ۹، برگردانیده مَی داریم ۱۰، همی گردانیم ۱۰ مکرّر، بگردانید یم ما ۲۴، ما همی گردانیم ۲۹، برگردانیم ۳۴، می گردانیم ما ۵۷، می گردانید یم ما ۶۱، روی گردانیم ۸۵، بمی گردانیم ۸۹، بگردانید یم ۹۲، میگرد آنیم ۱۰۰، میگردانیم ۱۰۴، گردانیم ۱۱۱، بازگردانیم ۱۱۴، گردانیده می شویم ۱۱۹، می کیبانیم[1] ۱۲۲، میگردانم ۱۲۳، برمیگردانیم ۱۳۵

نُقَلِّبُهُمْ: وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ ٱلْيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِ (۱۸:۱۸)
می گردانستیم ۱، می گردانیمشان ۳، می گردانیم ۸، می گردانید یم ۲۴، میگردانید یم ۲۹، همی گردانیم ۳۹، بگردانیم ۴۱، برگردانیم ۴۹، همی گردانیم ۵۳، مِی گرِدانید یمْ ۵۵، گردانیم ۵۷، می گردانید یم ما ۵۸، میگردانیم ۵۹، ما همی گرْدانیم ۶۲، میگردانید یم ما ۹۳، میگردانید ۱۱۴، می گردانید ند ۱۳۹

نَقَمُوا: وَمَا نَقَمُوٓا۟ إِلَّآ أَنْ أَغْنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ مِن فَضْلِهِۦ (۹:۷۴)
ناپسند داشتند ۳، کینه گرفتند ۱۱، کشیدند کینه ۲۴، کینه آهنجند ۳۰، کینه داشتند ۶۱، در خشم شدند ۷۲، کینه کشیدند ۹۰، کینه همی بیاهیختند ۱۰۸، کینه کشی کردند ۱۲۶

★ مَا نَقَمُوا: وَمَا نَقَمُوٓا۟ إِلَّآ أَنْ أَغْنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ مِن فَضْلِهِۦ (۹:۷۴)
کینه نداشتَنْد ۲، هیچ کینه ندارند ۲۷، نمی کشند کینه ۴۱، ناپسندی نکردند ۴۳، کینه نیافتند ۵۲، ناپِسنْد نَداشْتَند ۵۵، نپسندیدند ۵۶، هیچ کینه نداَشتند ۶۲، زشت نداشتند ۶۳، ناپسند داشتند ۸۰، کینه نداشتند ۸۳، ناپسند نه داشتند ۹۱، زشت نمی داشتند ۹۳، نکشیدند کینه ۹۴، کینه ور نشدند ۱۰۳، هیچ کینه نداشتند ۱۰۹، نخواستند ۱۲۱، کینه نورزند ۱۳۵

~: وَمَا نَقَمُوا۟ مِنْهُمْ إِلَّآ أَن يُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ (۸۵:۸)
کینه نکشیدند ۴۲، کینه نمی کشیدند ۶۷، ناپسند نداشتند ۹۱

نَقُولُ: وَنَقُولُ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ (۳:۱۸۱)
می گهیم ۱، بگوییم ۲، گوییم ما ۵۶، بگوییم ما ۶۱، ما بگوییم ۹۶، خواهیم گفت ۱۲۲

~: ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوٓا۟ أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ (۶:۲۲)
گوهیم ۱، گوئیم ۲۹، بگوییم ۸۸

~: ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا۟ مَكَانَكُمْ أَنتُمْ (۱۰:۲۸)
گوئیم ۲۹

~: إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعْتَرَىٰكَ بَعْضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٍ (۱۱:۵۴)
میگوییم ۵۹

~: فَلَمَّآ ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (۱۲:۶۶)

---

۱. کیبیدن: گردانیدن (فرهنگ نفیسی).

می گوهیم ۱، ما می گوییم ۲۹، همی گوییم ۵۳، میگوییم ما ۶۱، ما می گُوییم ۷۶، میگوییم ۱۱۱

~: إِذَآ أَرَدۡنَٰهُ أَن نَّقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۱۶:۴۰)
بگوییم ما ۶۱

~: وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا (۱۸:۸۸)
هر آینه بگوییم ۲، سرانجام گوئیم ۶۴، هر آینه بگوییم ۱۰۸، گُوییم ما ۱۲۴

~: فَلَا عُدۡوَٰنَ عَلَيَّۖ وَٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٞ (۲۸:۲۸)
می گوئیم ۴۳، گفتیم ۶۱، ما همی گوییم ۶۲

~: وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلنَّارِ (۳۴:۴۲)
می گوییم ۴۱، گوئیم ما ۵۶، ما گوییم ۱۳۹

~: يَوۡمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ (۵۰:۳۰)
گوییم ۶، بگوئیم ۳۹، گویم ۶۱، گوایم ۸۱

~: وَيَقُولُونَ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ لَوۡلَا يُعَذِّبُنَا ٱللَّهُ بِمَا نَقُولُ (۵۸:۸)
میگوئیم ۱۰۳

* إِنْ نَقُولُ: إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعۡتَرَىٰكَ بَعۡضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٖ (۱۱:۵۴)
نمی گهیم ۱، نمی گوییم ما ۵۸، نمیگوئیم ۱۰۰، نگفتیم ۱۲۱

لنقولنّ: ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ مَا شَهِدۡنَا مَهۡلِكَ أَهۡلِهِۦ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ (۲۷:۴۹)
گوهیم ۱، گوئیم ۴۳، بگوییم ۵۸، بگویم ۶۱، گوییم ۱۳۹

نَقِيبًا: وَبَعَثۡنَا مِنۡهُمُ ٱثۡنَيۡ عَشَرَ نَقِيبٗا (۵:۱۲)
سرهنگ ۱، سالار لشکر ۳، پیامبر ۲۷، گواه ۳۰، پیغامبر ۳۶، سپه سالار ۴۸، گزیده ۴۹، سَالارِ لَشکَرْ ۵۵، سالار ۵۶، پیغامبر پادشاه ۵۸، نگاهبان ۶۱، پادشاه ۶۴، مرد کاردان ۷۹، بر گزیده ۹۶، سالار ۱۰۰، نگه بان ۱۰۹، مهتر ۱۱۱

نَقِيرًا: فَإِذٗا لَّا يُؤۡتُونَ ٱلنَّاسَ نَقِيرًا (۴:۵۳)
چند دنگی خسته ۱، اندازهٔ مغاکچهٔ خرما ۳، آن نقطه که بر پشت خرمااسته بوَد ۱۰، پوست خرما ۲۴، چاهک خستهٔ خرما ۲۷، استه ی خرما ۲۹، مُغاکچهٔ کوله خرما ۳۰، اندازه چاهک پشت خسته خرما ۳۶، بمقدار چاهک دانه خرما ۴۱، خسته خرما ۴۳، چندانکه از خشک که بر پوست دانهٔ خرما باشد ۴۹، اَندازهٔ مَغَاکچه دانهٔ خُرمَا ۵۵، چاک پشت استخوان خرما، اندازه چاک که بر پشت استخوان خرما بود ۵۷، پوست دانه خرما ۵۸، پوستک تنک که در میان خسته خرما بود ۶۷، خستهٔ خرما ۷۵، چندانک پوست استه خرما ۷۶، نقطه پشت خرما ۷۸، اندازهٔ مغاکچه پشت دانه خرما ۸۰، پوست خسته خرما ۹۲، اندازه ی مغاکچه ی دانه ی خرما ۹۷، چیزی اند ک ۱۰۳، مقدار کواسته خرما ۱۰۴، گو خرماسته ۱۰۹، گوی که بر پشت [دانه][1] خرماست ۱۱۱، باندازه دانه خرما پشت استه ۱۱۴، اندازهٔ مغاک دانهٔ خرما ۱۱۹، دانهٔ خرما ۱۲۱، گو پشت خرما ۱۲۲، گوی که بر پشت خرماست ۱۲۷، پوست پشت دانه خرما ۱۳۱

~: فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ وَلَا يُظۡلَمُونَ نَقِيرٗا (۴:۱۲۴)
اندازه مغاکچه دانهٔ خرما ۳، مغاکچهٔ دانهٔ خرما ۳۰، اند ک ۳۸، بمقدار چاهک پشت دانهٔ خرما ۴۱، پُوست خُرما ۴۲، چندانکه نقطه که بر پشت خرما دانه ۴۹، مقدار آستهٔ خرما ۵۳، اندازهٔ مَغاکچه دَانهٔ خُرمَا ۵۵، چند پوست خستهٔ خرما ۵۶، سوراخ میان استخوان خرما ۵۷، چند پوست دانه خرما ۵۸، شکاف استه خرما ۶۲، مغاکی که در خسته خرما بود ۶۴، دانه خرما ۷۴، پشت خستهٔ خرما ۷۵، اندازه مغاکچه دانه خرما ۸۰، آسته

۱. کلمهٔ داخل قلّاب را به قرینهٔ جمله گذاشته ایم.

خرما ۸۲، مقدار نقطه میان استخوان خرما ۸٤، اندازه مغاک دانه خرما ۹۱، اندازهٔ مغاکچهٔ دانهٔ خرما ۹۷، گوی در خسته خرما ۱۰۲، گوی بر پشت استه خرما ۱۰٤، گوِ دانه خرما ۱۰۹، گوی بر پشت استخوان خرما ۱۱۱، اند ک چیز ۱۱۲، مغاکچه استه خرما ۱۱٤، اند ک چیزی ۱۱۵، رشته دانهٔ خرما ۱۱۹، استخوان خرما ۱۲۹، گوی که در پشت خرما باشد ۱۳۰

نُقَیِّضْ: وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ ٱلرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُۥ شَيْطَٰنًا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٌ (۳٦:٤۳)
سبب کنیم ۱، بگماریم ۲، برگماریم ۳، بگماریم ۱٦، بگماریم ۲۲، بگماشتیم ۳۰، هم گردن کنیم ٤۹، پدید کنیم ۷۹، ما برگماریم ۸۱، بگمارم ۹۰، بگذاریم ۹٤، برگماریم ما ۹۹، برنگیزیم ۱۰۲، برگمارم ۱۱٤، هم‌نام کنیم ما ۱۲٤، برانگیزانیم ۱۳٦

نُقیمُ: فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَزْنًا (۱۰۵:۱۸)
راست کنیم ۳، بپای کَردیم ۵۳، رَاست کُنیمْ ۵۵، ایستانیم ٥٦، بپای داریم ٦۱، بپای کردیم ٦۳، نهیم ۹۳

★ لا نقیمُ: فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَزْنًا (۱۰۵:۱۸)
بناستانیم ۱، بپای نکنیم ۲، راست نداریم ۲۹، بپاء نکنیم ۳۹، نه ایستانیم ٤۳، نبیستانیم ٤٤، ننهیم ٦۲، نداریم ۷٦، بنسنجیم ۸۸، پیدا نکنیم ۱۰۲، برنداریم ۱۰۹، راست نکنیم ۱۱٤، برپای نخواهیم کرد ۱۳۰، بپانداریم ۱۳۲

★ لَمْ نَکُ: قَالُوا۟ لَمْ نَكُ مِنَ ٱلْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ ٱلْمِسْكِينَ (٤۳:۷٤)
نبودیم ۱، نه بودیم ٦٤

~: وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ ٱلْمِسْكِينَ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلْخَآئِضِينَ (٤٤:۷٤)
ندادمانی ۲۹، نبودیم ما ٦٤، نبودم ۱۱٤

اَلنِّکاح: وَلَا تَعْزِمُوا۟ عُقْدَةَ ٱلنِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ ٱلْكِتَٰبُ أَجَلَهُۥ (۲۳۵:۲)
زَناشُویَی ۲، زناشویی ۲۷

~: إِلَّآ أَن يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَا۟ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ عُقْدَةُ ٱلنِّكَاحِ (۲۳۷:۲)
زناشوئی ۵۳، کابین ٦۹

~: وَٱبْتَلُوا۟ ٱلْيَتَٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغُوا۟ ٱلنِّكَاحَ (٦:٤)
زناشویی ۲، زناشویی ۲۳، زن خواستن ۳۰، بزنی کردن ۳۹، زَناشوهَری ٤۲، زناشوهری ۵۲، زن بزنی کردن ۵۸، زن کُردن ۷۲، مردی ۹۰، بزن کردن ۹۲، زناشوی ۹٤، زناشوئی ۹۸

نِکاحًا: وَلْيَسْتَعْفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا (۳۳:۲٤)
زناشویی ۲، زن کردن ۲٤، زنی کردن ۳۹، زن خواستن ٤۱، زَنْ کَرْدَنْ ۵۳، دست پیمان ٦٤، زناشوئی ۸٤، زنان بشوی ۸۷، زناشوی ۹٤

~: وَٱلْقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِى لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا (٦۰:۲٤)
زناشویی ۲، شوی کردن ۳، شوهر کردن ۲٤، زناشویی ۳۰، شوی کردَن ٤۲، زنان شویی ٤۳، شوهَر کَردَن ۵۱، شُوی کردن ۵۳، زناشوی کردن ۵٦، زناشوهری ۱۰۲، زناشوئی ۱۰۸

نَکال: فَأَخَذَهُ ٱللَّهُ نَكَالَ ٱلْءَاخِرَةِ وَٱلْأُولَىٰٓ (۲۵:۷۹)
شکنجه ۸۰

نَکالاً: فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا (٦٦:۲)
پَند ۲، پند و شکنجه ۳، رسوایی ٤، بند و شکنجه ۳۰، بَند و شِکَنجه ۵۵، رسوآیی ٦۰

~: فَٱقْطَعُوٓا۟ أَيْدِيَهُمَا جَزَآءًۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلًا مِّنَ ٱللَّهِ (۳۸:۵)
شکنجه ۳، پرده دریدگی ۲۹، دستکاری ۳۱، دَستکاری ٤۵، شِکَنجه ۵۵، زشت کاری ۸٤، زشتکاری ۱۱۲

نَكْتُبُ: سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ (٣:١٨١)
بنويسيم ١، نبيسيم ٢، ما بنويسيم ٢٩، نويسيم ٣٠، نبشته نگاه می داریم ٤٠، نويسيم ٤٢، می نبشتيم ما ٥٣، نبيسيم ٥٦، بنويسانيم ٦١، بازنويسيم ٦٣، خواهيم نوشت ١٢٢

~: كَلَّاۚ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُۥ مِنَ ٱلْعَذَابِ مَدًّا (١٩:٧٩)
نبيسيم ٢، بنويسيم ما ٢٩، نبشتيم ٦١، نويسيم ٨٩، نويسيم ما ١٢٤

~: إِنَّا نَحْنُ نُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمْۚ (٣٦:١٢)
می نويسيم ٣، نبيسيم ٢٢، همی نويسيم ٢٤، نه بيسيم ٤٧، می نويسيم ما ١٢٤

★ سَنَكْتُبُ: سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ (٣:١٨١)
زودا که ببنيسيم ٢٧، سرانجام بنويسيم ٦٤، زودا نويسيم ١٠٩

نَكْتَلْ: فَأَرْسِلْ مَعَنَآ أَخَانَا نَكْتَلْ (١٢:٦٣)
پيمانه بَسْتانيم ٢، پيموده ستانيم ٣، واپيمائيم ٢٩، بستانيم ٣٦، پيمائيم ٣٩، پيمانه بگيريم ٤١، بپيمايم ٤٢، پيمانه ستانيم ٥٢، پيمُودَه سِتانيم ٥٥، پيمانه بكنيم ٥٧، پيمايیم ٥٨، پيمايیم ما ٦١، به پيمايیم ٩٢، پيمانه بستانيم ٩٦، بگيريم به پيمانه ١٢٠

نَكْتُمُ: وَلَا نَكْتُمُ شَهَٰدَةَ ٱللَّهِ (٥:١٠٦)
پنهان داريم ٣، پنهان كنيم ١٠ مكرّر، پنهان می داريم ٢٧، نهان داريم ما ٦١، پنهان كنيم ما ١٢٤، بازپوشانيم ١٣٨

★ لَا نَكْتُمُ: وَلَا نَكْتُمُ شَهَٰدَةَ ٱللَّهِ (٥:١٠٦)
پنهام نكنيم ١، پَنْهان نكُنيم ٢، پنهان نكنيم ٩، نه پنهان كنيم ٢٦، پنهان نداريم ٣٩، نپوشانيم ٤١، پنهان نمی كنيم ٥٨، بازنپوشانيم ٦٣، پوشيده نكنيم ٦٤، نپوشيم ٦٧، بازنپوشيم ما ٧٦، وانپوشانيم ٧٩، ما بازنپوشيم ٩٥، پنهان نمی داريم ٩٨، بازنپوشآنيم ١٠٠، نهان نميداريم ما ١٠٤، نمی پوشيم ١١١، نه پنهان كنيم ما ١٢٤

نَكَثَ: فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ (٤٨:١٠)
پيمان شكند ١، بشكند ٢٩، دروغ كند و بازگردد ٤٤، دروغ داشت ٥٢، بشكست ٧٢، بازشكافد ٨٩، درنگ كرد ٩٢، شكست ١٢٦، بازشكافت ١٣١

نَكَثُوا: وَإِن نَّكَثُوٓاْ أَيْمَٰنَهُم مِّنۢ بَعْدِ عَهْدِهِمْ (٩:١٢)
بشكنند ١، بشكنَند ١٠، شكنند ٣٠، بشكافند ٦٠، می شكنند ٦١، بازشكافند ٦٣

~: أَلَا تُقَٰتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوٓاْ أَيْمَٰنَهُمْ (٩:١٣)
بشكستند ١، شكستند ٣، شكسته اند ١٠، شِكَنَند ٥٥

نَكَحَ: وَلَا تَنكِحُواْ مَا نَكَحَ ءَابَآؤُكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ (٤:٢٢)
بزنی كردند ١، خواستند ٣، بزنی كرده باشند ١٠، بزنی كرد ٢٣، بزن كَرد ٤٢، بزن كرد ٥٢، بزن كرده باشيد ٥٣، بزنی كرده باشَد ٥٧، بزن كرده باشد ٧٦، بزنی كرده است ١٠٢، زن كرده اند ١١٤، زن كرده باشد ١٢٤

نَكَحْتُمْ: إِذَا نَكَحْتُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ ... فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ (٣٣:٤٩)
بزنی كنيد ١، بزنی كنيت ٣، بزنی كنيد شما ٣٩، بزنی كُنيد ٥٣، بخواهيد زنان ٦١، بخواهيد ٨٨، بخواهيد بزنی ١١٩، بزنی خواهيد ١٢٢

نَكِدًا: وَٱلَّذِى خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا (٧:٥٨)
مخجاره ی[1] ١، اندك و بی چيز ٣، سخت ١٠ مكرّر،

١. خجاره / اندک ؛ كم: دشوار، سخت.

دشخواری ۲۷، اندک ۲۹، بدشخواری ۳۸، اندک مایه برنج دشواری ۳۹، سخت و ناشایسته ٤۱، دشخواری و سختی ٤۵، اَندَک ۵۵، دشواری ۵٦، خار ۵۷، ناخوش ٦۱، اندکی ٦۷، بسختی دشوار ۸۳، رنج ۸۸، اندک مایه ۹۲، اندکی بسختی ۹٤، کم ۹٦، ناچیز ۹۸، آنچه بکار نیاید ۱۰۰، سختی ۱۰۵، سختی و دشواری ۱۰۹، چیزی اندک ۱۱۳، اندکی بیفایده ۱۳۵، خار و خاشاک ۱۳٦

نُکَذِّبُ: فَقَالُوا يَٰلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا (٦:٢٧)
بدروغ داشتیمی ۲۷، بدروغ داریمی ۹٤

~: وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ (٧٤:٤٦)
بودیم دروغ دارنده ۲، بدروغ گرفتیم ۳۸، بودیم بدروغ داشتن ۳۹، دروغزن می داشتیم ٤۱، بدروغ داشتمانی ۵۲، دروغ داشتیمی ۵٦، دروغ دارندگان ٦۱، دروغ دانستیم ٦٤، دروغ گوی می داشتیم ۸۰، بدروغ داشتیم ۱۰۰، دروغ میداشتیم ۱۱٤

★ لَا نُكَذِّبَ: وَلَا نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا (٦:٢٧)
بدُروغ نَداریم ۲، بدروغ نداشتمی ۹، بدروغ نداشتیمی ۲٤، نه دروغزن گوییم ۲٦، بدروغ نداریمی ٤۲، نه دروغزن کردیمی ۵۳، بدروغ نداریم ۵۷، بدروغ نداشتمانی ٦۳ و ۷۹، بدرُوغ نداشتیمی ۸۸، ما بدروغ نداریم ۹٦، بدروغ نمیداشتیم ۱۰۰، دروغ نمیداشتیم ۱۱۲، دروغ نگوئیم ۱۲۱، بدروغ نداشتیم ۱۲٤

نُكُرٍ: فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكُرٍ (٥٤:٦)
گست[1] ۱، بیمناک ۳، ناشناخته ۳۹، سهمگین ٤۳، ناشِناخته ۵٦، سخت بزرگ ۸۸، سخت بزرک ۱۰۸، زشت و ناخوش ۱۱٦، دشوار ۱۲۰، زشت ۱۲۳، خوار ۱۳۰، ناخوش ۱۳۲

نُكْرًا: لَّقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا نُّكْرًا (١٨:٧٤)
ناپسندیده ۲، زشت ۳، ناشناخت ٤۸، ناپسندیده ۵۲، زِشت ۵۵، ناشناخته ۵٦، ناشناخته سخت ۵۸، ناپسند ۹۸، ناکردنی ۱۰٤، بزرگ زشت ۱۲۸

~: ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ فَيُعَذِّبُهُۥ عَذَابًا نُّكْرًا (١٨:٨٧)
بیمناک ۳، سَخت ۲۹، سخت و شگفت ٤٤، بیم ناک ۸۰، نادیده ۹۸، ناشایسته ۹۹

~: فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا (٦٥:٨)
گست[1] ۱، سخت ۲، سهمناک زشت ۳، سخت سخت دشوار ٤۱، سهمناک ٤۳، نشناخته ۵٦، دشوار ٦٤، ناخوش ۷۲، بیمناک و زشت ۸۰، بزرگ ۹٦، ببلخ[2] ۱۱۳، سهمناک و زشت ۱۲۱، بسیار دشوار ۱۳٦

نَكِّرُوا... نَكِّرُوهُمْ: فَلَمَّا رَءَآ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ (١١:٧٠)
ناشنخته کرد ۱، نشناخت ۲۹، نَشنَاخت ۵۵، ناخوش آمد ۵۸، زشت آمد ۵۹، ناشناساداشت ۷۸، ناشناخت شمرد ۷۹، ناشناسا ۸۳، ناشناخته کرد ۹۲، ناشناس آمد ۹٤، ناساخته آمدند ۱۰۵، ناخوش داشت ۱۲۲، ناشناسا آمد ۱۲٤، ناخوش گرفت ۱۳۵

نَكِّرُوا: قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِيٓ (٢٧:٤١)
ناشنخته کنید ۱، بگردانیت ۳، بگردانید ۲٤، ناشناخته کنید ۳۰، ناشناسا کنید ۷٤، ناشناخت گردانید ۷۹، جدا کنید ۱۰۵، نگون سار نهید ۱۰۸، بگردانید . زیرین زبر کنید ۱۰۹، ناشناخته گردانید

---

۱. گست: سخت ؛ زشت.
۲. ببلیغ ؟

۱۱٦

نُکِسُوا: ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ (۲۱:٦۵)
واز گردانسته شدند ۱، نگوسار باز آمدند ۱۲، پیش افکندند ۲٤، نِگوسارشان کردند ۲۹، فرود افکندند ۳۰، نگوسار شدند ۳۸، بازگونه کردندشان ۳۹، نگوسار گردند ٤۲، نگوسار کردند ۵۲، افکندندشان نگون ۵۳، فرو افکندندشان ۵٦، فرو فکندند ٦۱، فرو افکندند ٦٤، نگونسار کردند ٦۷، بازگونه کردند ۷۲، بازگردانده شدند ۷٤، باش گونی کردند ۷٦، سر فرو انداختند ۷۸، نگوسار کرده شدند ۷۹، نگوسار باز آمدند ۸۸، بازگونه افتادند ۹۰، فرود افکنند ۹٤، بیفتادند ۹۹، باشگونه دیدند ۱۰۳، نگونسار گردانیدند ایشانرا ۱۰٤، سرنگون کرده شدند ۱۰٦، فروفکندش ۱۰۸، نگون گشتند ۱۰۹، نگونسار کرده شدند ۱۱۱، فرو افکندید ۱۱۹، نگونسار گشتند ۱۲۱، نگونسار گردانیده شدند ۱۳۲، در پیش افکندند ۱۳٤، نگون کرده شدند ۱۳۵، سرگشته شدند ۱۳۸، بازگونه کردند ۱۳۹

نَکْسُوهَا: وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا (۲:۲۵۹)
ورپوشانیم ۱، بپوشانیم ۲، گوشت بَرپَوشیم ۱۰، ورپوشیم ۲٤، می پوشیم ۲۵، برپوشیم ۲۷، بپوشیم ۲۹، رویانیم ۳۰، پُوشانیم ٤۲، بپوشانیدیم ٤۳، پوشانیم ۵۲، مِی پُوشانیم ۵۵، بپوشانیم ما ٦۱، اندر پوشیم ٦۲، پوشیم درمی پوشانیم ٦۳، می پوشانیم ٦٤، بپوشاند ٦۹، فرود هم آریم ۷۵، همی پوشیم ۸۸، درمی پوشآنیم ۱۰۰، پوشانی ۱۰۵، درپوشانیم ۱۱۲، میپوشانیم ۱۲۲، برپوشانیم ۱۲٤، بازپوشانیم ۱۲۵، بپاشانیم ۱۲۸

نَکَصَ: فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ (۸:٤۸)
وازخزید ۱، برگشت ۲، برگشت ۳، برگشت و گریخت ۱۰، ورگردید ۲٤، پیش واشد ۲۷، واپس شد ۲۹، برگردید ۳٤، بازگشت ۳۸، بَرگشت ۵۵، برگشتند ۵٦، بازخزید ٦۹، بازپس گردید ۷۹، برگرد ۱۰۰، برگردیدند ۱۰۳

نَکْفُرُ: وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ (٤:۱۵۰)
بنه بَرویم ۱۰، نِگرویم ٤۲، نگرویم ۵۸، بپوشیم ۷۵، بپوشانیم ۹۱، نگرویدیم ۹٤، نه گرویدیم ۹۷، نمیگرویم ۱۲۲

نُکَفِّرْ: إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ (٤:۳۱)
محا کنیم ۱، بپُوشانیم ۲، بپوشیم ۲۹، پوشانیم ۳۰، پاک گردانیم ۳٦، پاک کنیم ٤۱، بپوشانیم ما ۵٦، بپوشانیم و درگذاریم ٦٤، ببریم ۷٦، درگذاریم ۸٤، واپوشیم ۸۸، بازپوشانیم ۱۰۰، بستریم ۱۰۳، پوشیده گردانیم ۱۰٤، نمی گرویم درگذرانیم ۱۱۱، پوشیم ۱۱٤، به پوشانیم ۱۲۸

لَنُکَفِّرَنَّ: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ (۲۹:۷)
محا کنیم ۱، بپوشانیم ۲، فروپوشیم ۳، فراپوشیم ۳۹، بپوشیم و درگذاریم ٤۷، ببریم ۵۲، بپوشیم ۵۸، درگذاریم ٦۱، واپوشانیم ۷۹، پوشانیم ۸۰، بازپوشانیم ۱۰۰، درگذاریم و بپوشیم ۱۰۲، به پوشانیم ۱۲٤

نُکَلِّفُ: لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (٦:۱۵۲)
اندر خُواهیم ۱۰، اندر هواهم ۱۰ مکرر، فرماییم ۲٤، بِسْکَفْت فَرمایِیم ۵۵، فرماییم ما ٦۱

~: لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۷:٤۲)
فرمودیم ۲٤، ببسکفت فرماییم ۳۰، خُواهیم ٤۵، ببسکفت فرمایم ۸۰

~: وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۲۳:٦۲)
ببشکفت فرماییم ۳، نهیم ۳۰، درخواهیم ٤۳، بیشگفت فرمائیم ۸۲، بشگفت فرماییم ۹۱،

بیشکفت فرمائیم ۹۴، بی شگفت فرمايیم ۱۱۴

★ لَا نُكَلِّفُ: لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۶:۱۵۲)
ورننهیم ۱، اَفْدُر نُخواهیم ۲، به نکام اندر نخواهیم ۲۷، بر نه نهیم ما ۳۹، درنخواهیم ۴۲، بستم ننهیم ۵۶، ننهیم ۵۷، برنج برننهیم ۷۹، درنخواهیم ما ۱۰۲، رنج برننهیم ۱۱۲، برنج نفرماییم ۱۱۴، بناکام نخواهیم ما ۱۲۴

~: لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۷:۴۲)
اندر نه خواهیم ۱۰، بناکام اندر نخواهیم ۲۷، نفرمائیم ۳۹، نخواهیم برنج ۵۶، نه فرماییم ما ۶۱، انداز نخواهیم ما ۹۰، ستم بر نه نهیم ما ۹۹، کار سخت ننهیم ۱۰۴، برنج ندادیم ۱۱۴، نمیفرمائیم ۱۲۰، بناکام درنخواهیم ما ۱۲۴، اندَر نَخواهیم ۱۴۰

~: وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۲۳:۶۲)
اندر نخواهیم ۲، نه بشکفت فرماییم ۳، ما اندر نخواهیم ۲۴، نه نهیم ۳۰، نکنیم گران بار ۴۱، برننهیم ۴۲، درنمی خواهیم ما ۴۷، نخواهیم ما ۵۶، اندر نخواهیم ۶۱، رنج بر نه نهیم ۷۹، نه ببسکفت فرماییم ۸۰، نه نهیم ما ۸۷، نمی فرماییم ۹۲، نمی فرماییم هیچ ۱۰۳، درنخواهیم و رنج نفرماییم ۱۰۹، برنَنِهیم ۱۱۹، همی نخواهیم بناکام ۱۲۸

نُكَلِّمُ: قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ (۱۹:۲۹)
سخن گوهیم ۱، سخن گوییم ۲۴، سخن گوئیم ما ۳۸، سخن پرسیم ۵۸، سخن گوئیم ۶۴، گوییم سخن ۸۶، سخن گویم ۹۴، سخن کنیم ۱۰۲

نَكُنْ: فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ (۴:۱۴۱)

بودیم ۳۶

~: وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ (۹:۸۶)
بیم ۱، باشیم ۳۰، بباشیم ۹۴

★ لَمْ نَكُنْ: فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ (۴:۱۴۱)
نبودیم ۱، نَمابودیم ۲، نه باشیم ۲۴، نبودیم ما ۲۷، نه بودیم ۲۹، همی نه باشیم ما ۴۵، نَه بُودِیم ۵۵، نه بودیم ما ۶۱، نیستیم ۷۶، نباشیم ۱۱۲

~: يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ (۵۷:۱۴)
همی نه بودیم ۲، نه ما بودیم ۳۰، ما نبودیم ۸۱

نَكُونَ: وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (۵:۱۱۳)
بیم ۱، باشیم ۹، بباشیم ۱۰ مکرّر، بباشیم ما ۱۲۴

~: يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۶:۲۷)
بودیمی ۹، ببودیمی ۲۷، گردیم ۳۶، باشیدیمی ۴۲، باشیمی ۵۶، بودمی ۷۶، بباشمی ۹۴، می بودیم ۱۰۰، میبودیم ۱۱۲

~: إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ (۷:۱۱۵)
کیم[1] ۱، باشیم ما ۳۵، ما باشیم ۵۸

~: إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ (۲۰:۶۵)
کبی[2] ۱

~: فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۶:۱۰۲)
بباشیدیمی ۶۱، می شدیم ۱۳۲

~: فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۸:۴۷)
بودمانی ۳۴، بودیم ۴۳، بودیمی ما ۵۸، بودیمانی ۱۰۴

---

۱. کبیم / که بیم.
۲. کبی / که باشی، که بُوی.

لَنَکُونَنَّ: لَئِنْ أَنجَىٰنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (٦: ٦٣)
بیم ۱، هر آینه باشیم ۲٦، خود باشیم ٦۲، بباشم ۸۸

~: لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (۷: ۲۳)
بباشیم ۱۰ مکرّر، شویم ۲۷، باشیم ما ۵۸

~: وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (۷: ۱٤۹)
ما می شویم ۹٦، به باشیم ۱۲۸

~: لَئِنْ ءَاتَيْتَنَا صَٰلِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (۷: ۱۸۹)
ما باشیم ۱۰

~: لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ (۹: ۷۵)
باشیم ۲٤

~: لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (۱۰: ۲۲)
باشیم هر آینه هر آینه ۸۰، بوده باشیم ۱۳٦

نَكِيرِ (ی): فَأَمْلَيْتُ لِلْكَٰفِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۲: ٤٤)
ناپسندیده ۱۱۱، ناپسندیدن ۱۲۳

~: فَكَذَّبُوا۟ رُسُلِى فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۳٤: ٤۵)
گردانیدن ۳

~: وَلَقَدْ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (٦۷: ۱۸)
شکنجه ۹۱، ناشناخت ۹۲، بیم کردن ۱۱۱

نَکِیر: وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ (٤۲: ٤۷)
گردانیدن ۳، بازدارنده ۲٤، باززننده ۳۰، گرداننده ناشناخته ۸۷

أَنُلْزِمُكُمُوهَا: أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَٰرِهُونَ (۱۱: ۲۸)
بگردن درآریم ۳، شناسا کردیم ۲٤، بر شما توانم بست ۲۷، بگردن در آریمتان ۵۵، بگردن دادیم ۹۱، بزور چفسانیم ۱۰۹، اندر آویزم ۱۱۲، ما درست گردانیم ۱۲۸، بربندیم ۱۳۳

نَلْعَبُ: لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ (۹: ٦۵)
می بازی کردیم ۱، بازی می کردیم ۳، بازی می کردیم وایکدیگر ۱۰، بازی کردیم ۲٤، بازی میکردیم ۲۹، بازی می کنیم ۳٦، بازی همی کردیم ٤۱، بخندیدیم و بازی می کردیم ۵۵، بازی و خنده می کردیم ۵۸، بازی میکردیم ما ٦۱، بازی همی کردیم ٦۲، بازی میکنیم ٦۳، بازی همی کردیم ۹٤، بازی کردیم ما ۱۲٤، ببازی میگفتیم ۱۲۷، بازیچه می نمودیم ۱۳٦

نَلْعَنَهُمْ: أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّآ أَصْحَٰبَ ٱلسَّبْتِ (٤: ٤۷)
نفرین کنیم ۲۷، برانیم ٤۳، نفرین کنیم ۵۵، نفرین می کنیم ۹۷، بنفرینیم ۱۰۲، دور گردانیم ۱۰٤

سَنُلْقِی: سَنُلْقِى فِى قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلرُّعْبَ بِمَآ أَشْرَكُوا۟ بِٱللَّهِ (۳: ۱۵۱)
او کنیم ۱، زود اندر افکنیم ۲، زود بود که افکنیم ۳، اندر او کنیم ۱۰، اندر افکنیم ۲۳، زود باشد که بیفکنیم ۲۷، زود درافکنیم ۳۰، در آریم ۳٦، اندر و کنیم ٤۰، در اندازیم ٤۱، درافکنم ٤۲، زود بیفکنیم ٤۳، زود بیفکنیم ما ۵٦، سرانجام درافکنیم ۵۸، زود افکنیم ما ٦۱، اندازیم ٦۳، سرانجام بیفکنیم ٦٤، درفکنیم ۷٦، درانداختیم ۹٦، بیفکنیم ما ۹۹، فکنیم ما ۱۰٤، زود درافکنم ۱۰۵، اندر آریم ۱۰٦، بیندازیم ۱۲۲

~: إِنَّا سَنُلْقِى عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۷۳: ۵)
فرو فرستیم ۲، می فرستیم ٦، فروفرستیم ۳۰، همی افکنیم ۳۸، می اندازیم ٤۱، براندازیم ٤۲، بفرستیم ٤۳، بیفکندیم ۵۲، هر آینه بیفکنیم ۵٦، زود اندازیم ۵۷، افکنیم ۸۰، فروریختیم ۸۸، افکنیم ما ۹۲، فکنیم ۱۰٤، زود افکنیم ۱۱٤

نَمارِق: وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ وَزَرَابِىُّ مَبْثُوثَةٌ (۸۸: ۱۵)
بالشها ۲، بالشتها ۳٦، نیم بالشها ۳۹، بالش ٤۸، بالشهای برنشستنی ۸۰، بالشهاء ۸۷، بالشها (ی) نشستنی ۸۸، بالشتهاء ۹۰، بالشها برنشستنی ۱۰٤، بالشهاء برنشستنی ۹۱، نازبالشتها ۱۳٤

نُمَتِّعُهُمْ: وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱:۴۸)
برخورداری دهیم ۱، برخُورداری دهیم ۲، نیکو بداریم ۷ مکرّر، برخورداری می دهیم ۶۷، ما دهیم برخورداری ۷۶، برخورداری دهیمشان ۹۱، بهره‌ور خواهیم کرد ۱۲۲

~: نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ (۳۱:۲۴)
برخورداری دهم ۲، زندگانی دهیم ۳۹، برخورْداری دهیم ۴۲، برخوردار کنیم ۴۶، برخورداری کنیم ۶۱، برخورداری میدهیم ۱۱۱، بَهرخورداری دهیم ۱۱۹، بهره‌مند کنیم ۱۲۲، بهرمند کنیم ۱۳۲

★ سَنُمَتِّعُهُمْ: وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱:۴۸)
سرانجام برخورداری دهیم ۶۴، زود برخورداری دهم ۱۱۹

نَمُدُّ: وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (۱۹:۷۹)
بیوزاییم ۱، دراز بکشیم ۲، افزون کنیم ۳، بیفزاییم ۲۴، بیفزائیم ۲۹، می کشانیم ۴۱، بکشیم ۴۴، بفزاییم ۵۳، می افزاییم ۵۶، دراز بکشیم ۶۱، بیفزاییم ۸۷، درکشیم ۱۰۰، افزون کنم ۱۱۴، بازکشیم و بگسترانیم ۱۱۶، بازکشم ۱۲۳، بیفزائیم ما ۱۲۴

نُمِدُّ: كُلًّا نُّمِدُّ هَٰؤُلَاءِ وَهَٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ (۱۷:۲۰)
بیوزاییم ۱، اُفزُون گردانیم ۲، افزائیم ۳۹، می کشیم ۴۱، افزون گردانیم ۴۲، بیفزایانیم ۵۷، بدهیم ۵۸، کشش میکنیم ۵۹، افزاییم ۶۹، فروبارانیم ۱۱۴، فزائیم ما ۱۲۴، فزونی دهیم ۱۲۸

نُمِدُّهُمْ: أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ (۲۳:۵۵)
می اوزاییم ۱، همی افزون گردانیم ۲، مرد می کنیم ۳، ما دهیم ۲۴، افزون گردانیم ۳۰، بکشیم ۵۲، همی فزاییم ۵۳، بیفزاییم ۵۶، همی افزون گردانیم ۶۱، میدهیم ۱۰۲، می افزاییم ۱۰۳

نُمَكِّنَ: وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ (۲۸:۶)
جای کنیم ۱، جای سازیم ۲، دستگاه دهیم ۳، فرود آوریم ۲۴، جای سازیم ۳۰، جای دهیم ۳۹، استوار کردیم ۴۳، جایگاه دهیم ما ۴۶، جایگاه دهیم ۵۶، جایگاه کنیم ۵۸، جای دادیم ما ۶۱، جا دهیم ۷۶، جای دستگاه دهیم ۷۹، فرمان‌روایی دهیم ۸۶، جایگاه دادیم ۱۰۵، جای و دست گاه دهیم ۱۱۳، فرمانروایی دهیم ۱۳۲

~: أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا آمِنًا (۲۸:۵۷)
جایگاه کردیم ۴۲، جای دادیم ۶۱

★ لَمْ نُمَكِّنْ: مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ (۶:۶)
جای نکردیم ۱، نساختیم جای ۲، نه دست گاه دادیم ۳، نداده بودیم ۲۴، جای نساختیم ۲۶، جای ندادیم ۲۷، جاء ندادیم ۳۹، نساختیم ۴۲، نَهْ جای دادیم ۵۳، نَه جَایْگاه دَادیم ۵۵، نجای دادیم ۸۸، پادشاهی و دستگاه ندادیم ۱۰۲

~: أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا آمِنًا (۲۸:۵۷)
نه جای ساختیم ۲، نه جای دادیم ۳، نه فرود آوردیم ۲۴، نه جاء کردیم ۳۹، نه کرده‌ایم ۴۷، نه جای کردیم ۵۳، نه جای دادیم ما ۵۶، نه ما جای داده‌ایم ۹۲، نه جایگاه کردیم ۹۶، نه جای دآدیم ۱۰۰، جا ندادیم ۱۲۲

النَّمْلِ: حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ (۲۷:۱۸)
موران ۱، مور ۳، مورچه ۲۰، مورچگان ۴۳، مرچگان ۴۶، یک مورچه ۵۸، مورچه گان ۶۱، مورچه لنگ ۱۰۳

★ وَادِ النَّمْلِ: حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ (۲۸:۱۸)
رود مور ۳

نُمْلِي: أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ (۳:۱۷۸)

همی زمان دهیم ۲، مَی زمان دهیم اوفاهلیم ۱۰، روزگار دهیم ۳۹، زمان دهیم ۴۰، می گذاریم ۴۱، هَمِی زمان دَهِیم ۴۲، زمان می دهیم ۵۳، روزگار می دهیم درنگ می دهیم ۵۸، درنگ میدهیم ۷٤، زمان دادن ما ۸۸، روزگاری دهیم ۹۲، زمان دادیم ۹٦، ما فرومیگذاریم ۱۰۲، فرامیگذاریم ۱۰۹، زمان دهیم ما ۱۲٤

★ نُمْلِی لَهُمْ: أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ (۳:۱۷۸)
فاهلیمشان ۱۰

نَمُنَّ: وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ (۲۸:۵)
سپاس نهیم ۱۰۹، نیکویی کنیم ۱۱٤

نَمْنَعْكُمْ: قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (٤:۱٤۱)
بازداشتیم ۲، آشکارا کردیم ۲٤، می وازداشتیم ۲۷، بازمی داشتیم ۲۹، بَازدَاشتیم ٤۲، باززنیم ما ٦۱، باز بداشتیم ۷۵، باز همی داشتیم ۸۲، نگه داشتیم ۱۰٦، همی بازداشتیم ۱۱۲، بازداشتم ۱۲۳، بازمیداشتیم ۱۲٤

★ [أَلَمْ] نَمْنَعْكُمْ: قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (٤:۱٤۱)
بنبشرديم ۱، نه ما واداشتیم ۱۰، بازنداشتیم ۳۰، بازنمی داشتیم ٤۱، نه بازداشتیم ۹۷

نَمُوتُ: إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا (۲۳:۳۷)
می میریم ۱، بمیریم ۲، همی میریم ۱۰۹

~: وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا (٤۵:۲٤)
میریم ۳، بمیریم ۲۲، می میریم ۳۲، بمیریم ما ٦٤، میمیریم ۱۱۱، بمیراند ما را ۱۲٤، میمیرانیم ۱۳۰

نُمِيتُ: وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ (۱۵:۲۳)
ما بمیرانیم ۲، بمرانیم ۲٤، بمی می رانیم ۲۹، بَمیرانیمْ ۵۳، می مَیرانیم ۵۵، بمیرانیم ما ٦۱، میرانیم ۱۱٤

~: إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (۵۰:٤۳)
می میرانیم ٦، می میرانم ۱۲۳

نَمِيرُ: هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا (۱۲:٦۵)
خُواربار آریم ۲، خواربار می آریم ۳، خواروبار آریم ۲٤، بار آوریم ۲۹، خورش آریم ٤۱، خَواربار مِی آریم ۵۵، خواربار آریم ۵٦، خواربار آوریم ٦۳، خواروبار د آریم ۷٤، ببریم ۱۰۰، باز آریم ۱۱۲، خود را باز آریم ۱۱۳، خوردنی می آوریم ۱۲۲، خواربار داریم ۱۲۸

بِنَمِيمٍ: وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ (٦۸:۱۱)
ستیزگی ۱، سخن چین ۲، سخن چینی ۳، سَخن چین ٤۲، سخن چینی کردن ٤۳

فَنُنَبِّئُكُمْ: فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰:۲۳)
آگه کنیم ۱، آگاهی دهیم ۲، آگاه کُنیم ۳، آگاهی دهیم ۱۳، آگاهی کنیمی ۵۳، بیاگاهَانیم ما ٦۱، بیاگاهانیدیم ٦٤، بیاگانیم ۱۰٤، آگاه گردانیم ۱۱۱، آگاه کنمتان ۱۱٤، آگاه خواهیم کرد ۱۳۵

~: قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۸:۱۰۳)
آگه کنم ۱، آگاهی دهم ۲، آگاه کنم ۲٤، آگاهی دهم ٦٤، بیاگاهانم ۱۰٦، آگاه گردانم ۱۳۲

فَلَنُنَبِّئَنَّ: فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا (٤۱:۵۰)
آگاهی دهیم ۳۰، آگاه کنیم هر آینه هر آینه ۳۲، آگاه کنم ٤۲، بیاگاهانیدم ٦۱، بیاگاهانیم ۸۷، هر آینه آگاه کنیم ۹٤، آگاهی دهم ۱۰۸، آگاه کنیم ۱۲۱، آگاهی دهیم ما ۱۲٤

فَنُنَبِّئُهُمْ: إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا (۳۱:۲۳)
آگه کنیم ۱، آگاهی دهیم ۳۰، آگاه کند ٤٦، آگاهی کنیم ٤۷، بیاگاهانیم ٦۱، آگاه گردانیم

نُنْجِ: كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنجِ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۱۰:۱۰۳)
برهانیم ۱، رهانیم ۳، رهانیدن ۱۰۰، برهانیم ما ۱۲٤

نُنْجِي: وَكَذَٰلِكَ نُـۨجِي ٱلْمُؤْمِنِينَ (۲۱:۸۸)
برهانیم ۱، پاداش کنیم ۱۲، برهانم ٦۱، برهانیم ما ۱۰۲، رهانیم ۱۰۳، رَهانیم ۱۲۱، میرهانیم ۱۳۰

نُنَجِّي: ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (۱۰:۱۰۳)
بَرهانیم ۲، رهانید یم ۳، برهانید یم ما ۱۰۰، رهایی دادیم ۱۳٦

~: ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوا۟ وَّنَذَرُ ٱلظَّـٰلِمِينَ (۱۹:۷۲)
برهانیم ۱، رهانیم ۳، برهانید یم ۵۳، برهانیم ما ۵۸، برهانم ۱۱٤

نُنَجِّيكَ: فَٱلْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ ءَايَةً (۱۰:۹۲)
در بالای او کنیم ۱، دور کنیمت ۳، برهانیم ۱۳، آشکارا کنیم ٤۲، آشکار کنیم ۵۲، دُورْ کُنیم ۵۵، بر بالا افکنیم ۵۷، ببالا افکنیم ٦۳، براندازیم ۷٤، بر سر آب آریم ۷۵، اشکارا کنیم ۷۸، پیدا کنیم ۹٤، بیرون آوردیم ۱۱۳، رهانیم ۱۱٤، می اندازیم بر بلندی ۱۲۰، برهانید یم ۱۲٤، بیرون افکنیم ۱۳٦

لَنُنَجِّيَنَّهُ: لَنُنَجِّيَنَّهُۥ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ (۲۹:۳۲)
برهانیم ۱، هر آینه رهانیم ۳، برهانید یم ٤٦، خود برهانیم ٦۲، رهانیم هر آینه هر آینه ۹۱، رهایی دهیم ۱۰۳، رهایی دهیم ۱۳۲، رهانیم ۱۳۸

لَنَنزِعَنَّ: ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ (۱۹:٦۹)
بیرون کنیم ۱، بیرُون آریم ۲، بیرون آریم ۲٤، بیرون آوریم ۲۹، بکشیم ۳۹، بیامینجیم ٤۲، ما بیاهنجیم ۵۲، بیرون کشیم ۵۳، بیرون گیریم هر آینه هر آینه ۸۰، بیرون آوردیم ۸۷، ما جدا کنیم ۹٦، جدا کنیم ۱۰۳، ما بیاهنجم ۱۰۵، بیرون گیریم ۱۱٤، بیرون کنیم ما ۱۲٤، بیرون آهنجیم ۱۲۸

نُنَزِّلُ: مَا نُنَزِّلُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلْحَقِّ (۱۵:۸)
فروفرستیم ما ٦۱، فروفرستیم ۱۲٦

~: وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ (۱۷:۸۲)
فرود کنیم ۱، فرو فرستیم ۲، فروفرستیم ما ۵٦، می فرستیم ۵۸، فروفرستادیم ۵۹، فرو می فرستیم ٦۳، فرستاده ایم ٦٤، فرو میفرستیم ما ۹۳، میفرستیم ۱۰۳، فرو میفرستیم ۱۱۵، فرو فریستیم ۱۲۸، فرود آریم ۱۳۹

~: إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةً (۲٦:٤)
فروفرستیم ۲، بفرستیم ۲٤، همی فرود آریمی ٤۷، فرستیم ٦۱، فرود فرستیم ۸٦، فروفرستادمانی ۱۰۰

★ مَا نُنَزِّلُ: مَا نُنَزِّلُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلْحَقِّ (۱۵:۸)
فرود نیایند ۱، فرونمی فرستیم ۳، فرو نمی آیند ۲۹، نمی فروفرستیم ۳۰، فرو نفرستادیم ما ٦٤، نمی فرود آورده شوند ۷۱، نفرستیم ما ۷٦، فرو نفرستیم ما ۹۲، فرونیاریم ۹٤، فرونفرستیم ۱۰۰، نفرستیم ۱۰۳، نه فرستیم ما ۱۱۸

نُنَزِّلُهُ: وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۱۵:۲۱)
فرستیم ۲٤، فروفرستیم ۱۱٤

★ مَا نُنَزِّلُهُ: وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۱۵:۲۱)
فرود نکنیم ۱، نفرستیم ۲، نفرستیم ما ۲۹، فرونفرستیم ٤۲، نمی فرستیم ۵۸، نَه می فرستیم ۷۱، فرونیاریم ۷٦، فرو نفرستیم ما ۹۳، نفرستیم ۱۰۳، فرود نیاریم ۱۱۸

نَنسَاكُمْ: وَقِيلَ ٱلْيَوْمَ نَنسَىٰكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَـٰذَا (٤۵:۳٤)
فرموش کنیم ۱، فراموش کنیم ۲، فروگذاریم ۳، دست بداریم ۲٤، دست بازداریم ۳۰، بمانیم ۳۲، بگذاریم ۳۹، فرموشی دهیم ۸۰، فرامُوش کنیم ۸۱، فرومیگذاریم ۱۰۲، فرومیگزاریم ۱۰۳، فراموشی دهیم ۱۱٤، واگذاریم ۱۱٦، فراموش گذاریم ۱۳۰، فراموش داریم ۱۳٦

نَنْسَاهُمْ: فَٱلْيَوْمَ نَنسَىٰهُمْ كَمَا نَسُوا۟ لِقَآءَ يَوْمِهِمْ هَٰذَا (۵۱:۷)
فرموش کنیم ۱، فرامشت انگاریمشان ۲، فروگذاریمشان ۳، دست واداریم ۱۰، فرامشت انگاریم ۱۰ مکرّر، دست بداریم ۲۴، فراموش کنیم ۲۷، بگذاریم ۳۶، فراموش انگاریم ۴۲، فرُو گُذارِیمْ ۵۵، بگذاریمشان ۵۸، فراموش کنیم ما ۶۱، فروگذاشتیم ۷۹، بفراموشی انگاریم ۹۴، فراموش کردیمشان ۱۱۴، فراموش کنم ۱۳۶

نَنْسَخْ: مَا نَنسَخْ مِنْ ءَايَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَآ أَوْ مِثْلِهَآ (۱۰۶:۲)
بگردانیم ۴۲، فراموش گردانیم ۷۴، بنویسیم ۹۰، گردانیم ۱۰۹، بر دلها فراموش کنیم ۱۲۱

لَنَنْسِفَنَّهُ: لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِى ٱلْيَمِّ نَسْفًا (۹۷:۲۰)
وراوشانیم ۱، بباد دهیم ۲، بباد بردهیمش ۳، بپراکندیم ۲۴، بپاشانیم ۲۹، بباد دهیمش ۳۰، بباد بردهیم ۳۴، بپراکنیم ۴۱، بباد کنیم ۴۲، بباد بردهید ۴۳، برافشانیم بباد ۵۸، برپاشیم ۶۷، بباد بردهمش هرآینه هرآینه ۸۰، بر باد دهیم ۸۷، درپراکنیم ۸۸، بردهیم ۹۰، بریزیم ۹۶، اندازیم ۱۰۰، بپاشیم ۱۰۲، بباد کنیمش ۱۰۵، پرکنده سازیم ۱۱۱، پراکنده سازیم ۱۱۶، پراکنده سازم ۱۲۳، بباد ابردهیم ۱۳۸

نُنْسِهَا: مَا نَنسَخْ مِنْ ءَايَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَآ أَوْ مِثْلِهَآ (۱۰۶:۲)
بنمایيم ۲، فراموش گردانیم ۳، واپس داریم ۲۴، بفرمائیم گذاشتن ۲۹، از یاد ببریم ۴۰، بمانیم ۴۲، فراموش کنیم ۴۳، نمانیم ۵۳، فرماییم گذاشتن ۶۲، رها کنیم ۸۳، از دلها برداریم ۱۰۱، از یاد می بریم ۱۱۱، از دل می بریم ۱۲۳، ترک نمائیم ۱۲۷، فراموش میگردانیم ۱۳۰، ترک کنیم ۱۳۵

نُنْشِئَكُمْ: عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَٰلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِى مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۱:۵۶)
ورآریم ۱، آفرینیم ۳، بیافریدیم ۲۹، بیّافرینیم ۵۱، پیدا آریم ۶۴، بیاآفرینیم ۸۱، بیالانیم ۱۰۲، بیافرینیم ۱۰۳، آفریدیم ما ۱۰۴، آفریدیم ۱۱۴، بیافریدیم ما ۱۲۴، پدید آوریم ۱۳۲، می آفرینیم ۱۳۸

نُنْشِزُهَا: وَٱنظُرْ إِلَى ٱلْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا (۲۵۹:۲)
زنده کنیم ۱، بجُنبانیم ۲، درواى می کنیم ۳، برهَم سازیم ۱۰، زنده کنم ۲۴، با هم می آوریم و زنده می کنیم ۲۵، فراهم می آریم ۲۷، برداریم ۲۹، سوی یکدیگر آریم ۳۰، برانگیزیم و زنده کنیم ۴۱، بجمبانیم ۴۲، با هم آوریم ۴۸، با هم آریم ۴۹، دَرواى مِی کُنیم ۵۵، سوی یک دیگر آریم ۵۶، زنده می کنیم ۵۷، بیرون آریم ما ۶۱، درهم سازیم، زنده کنیم ۶۳، فراهم آوردیم ۶۵، زنده کند ۶۹، زنده کنیم ۷۴، بجنبانیم ۷۶، بجنبانیم و گرد آریم ۸۳، سخت گردانیدیم ۹۰، درواى می کنیمش ۹۱، بِجُنبانیمش ۹۴، درواى می کنیم ۹۷، فراز گیریم ۹۸، راست باز می کنیم ۱۰۱، بجنبانی ۱۰۵، بهم میآوریم با هم میآوریم ۱۰۶، زنده گردانیم ۱۱۲، جشانیمش ۱۱۸، برانگیزیم ۱۲۰، بازبردیم بجایگاه ۱۲۱، بپوشانیدیم ۱۲۴، برمی انگیزم ۱۳۰، فراهم آوریم ۱۳۴، برهم نهیم ۱۳۵، برداریم از جا ۱۳۸

لَنَنْصُرُ: إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۵۱:۴۰)
یاری می دهیم ۳، یاری دهیم ۲۴، یاری کنیم ۳۹، یاری کردیم ۶۱، یاری کنم ۸۷، ما یاری کنیم ۱۰۰، یاری میدهیم ۱۰۳، ما یاری کردیم و کنیم ۱۳۸

لَنَنْصُرَنَّكُمْ: وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ (۱۱:۵۹)
یاری کنیم ۳۹، یاری دهیم ۴۱، یاری کنم ۶۱،

یاری دهیم هر آینه هر آینه ۸۰، ما یاری کنیم ۹۶، یاری دهیمتان ۱۱٤

لِنَنْظُرَ: ثُمَّ جَعَلْنَـٰكُمْ خَلَـٰٓئِفَ فِى ٱلْأَرْضِ مِنۢ بَعْدِهِمْ لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱٤:۱۰)
بنگریم ۱، ما بنگریم ۲۹، تا بنگریم ۳۸، بنگریم ما ٦۱

~: قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ ٱلْكَـٰذِبِينَ (۲۷:۲۷)
درنگریم ۱۱۱، به بینیم ۱۳۲

~: نَنظُرْ أَتَهْتَدِىٓ أَمْ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (۲۷:٤۱)
بنگرم ٤۷، نگریم ۸٦، بینم ۱۰۵

★ سَنَنْظُرُ: قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ ٱلْكَـٰذِبِينَ (۲۷:۲۷)
زود باشد که بنگرم ۵۸، زود باشد که بنگریم ٦٤، زود باشد که در نگریم ۱۰۳، زود بنگریم ۱۱٤، زود باشد که به بینیم ۱۲۱، زود بنگرم ۱۳۸

نَنْقُصُهَا: أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا نَأْتِى ٱلْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا (٤۱:۱۳)
می کهیم ۱، همی کاهیم ۲، کم می کنیم ۳، می کاهیم ۵، می کاهانیم ۲۹، همی کاهیم ۵۳، کم می کنیمش ۵۵، بکاسیم ٦۱، کم میکنیم ٦٤، همی بکاهانیم ۸۸، بازمی کاهانیم ۸۹، می کنیم ۹۰، بکاهیم ۹٦، باز کم میکنیم ۱۰۰، میکاهانم ۱۲۳، کم میگردانیم ۱۲٦

~: أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِى ٱلْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَآ (٤٤:۲۱)
کم همی کنیم ۲، همی کاهانیم ۲٤، بکاهانیم ۳۸، کم کنیم ٤۲، همی کاهیم ۵۳، کم همی کنیم ٦۹، میکاهیم ۷٤، کم میگردانیم ۸٦، کم کنیم ۹٦، باز کم میکنیم ۱۰۰، میکاهانیم ۱۰۲، همی کنیمش ۱۰۸، کوتاه میکنیم ۱۱۱، کوتاه می کنیم ۱۱٦، کاهانیم ۱۳۸

نُنَكِّسْهُ: وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى ٱلْخَلْقِ (۳٦:٦۸)
واز گردانیم ۱، باشگونه کنیم ۳، واش گونه کنیم ۲۲، نگوسار کنیم ۲۹، نگوسار کردیم ۳۰، باسگونه کنیم ۳۳، در سر آریم ۳۹، بگردانیم ٤۱، باز گردانیم ٤۲، فرود بریم ۷٤، نگوسار گردانیم ۷۹، باژگونه گردانیم ۸٦، نگونسار کنم ۸۷، باز کنیم ۸۸، نگون سار کنیم ۱۰٦، باژگونه کنیم ۱۰۹، نگونسار کنیمش ۱۱٤، برگردانیم ۱۱۵، بازگونه کنیم ۱۲۱، بازگردانم ۱۲۳، نگونسار گردانیمش ۱۲٤، پست کنیم ۱۳۱

نَنْهَكَ: قَالُوٓا۟ أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۱۵:۷۰)
وازبردیم ۱، بازداشتیم ۵۲

★ لَمْ نَنْهَكَ: قَالُوٓا۟ أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۱۵:۷۰)
نه بازداشتیم ۲، ما وانمی داریم ۲۹، نه باز زدیم ۳۹، ما نبازداشتیم ٤۱، نه ما بازداشتیم ۵۳، نه بازداشتیمت ۵۵، بازنزدیم ۵۸، نه بازداشته ایم ۱۰۲، نه بازداشته بودیم ۱۰۳، نه بازداریمت ۱۱٤

اَلنَّهَارِ: إِنَّ فِى ... وَٱخْتِلَـٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ ... لَـَٔايَـٰتٍ (۲:۱٦٤)
رُوز ـ بامداد ۲، رَوز نماز دمیدَن بام ۱۰

~: وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِى ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ (٦:۱۳)
روز ۱

~: وَهُوَ ٱلَّذِى يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِٱلنَّهَارِ (٦:٦۰)
رُوزْ روشَن ۱۰

~: وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَىِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيْلِ (۱۱:۱۱٤)
بامداد ۵۸

~: وَءَايَةٌ لَّهُمُ ٱلَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ ٱلنَّهَارَ (۳٦:۳۷)
روشنی روز ۸٦

~: إِنَّ لَكَ فِي ٱلنَّهَارِ سَبۡحًا طَوِيلًا (۷:۷۳)
روزگار ۳٤

★ سَارِبٌ بِٱلنَّهَارِ: وَمَنۡ هُوَ مُسۡتَخۡفٍ بِٱلَّيۡلِ وَسَارِبٌ بِٱلنَّهَارِ (۱۰:۱۱)
بیرون آید بروز ۲

نَهَارًا: أَتَىٰهَآ أَمۡرُنَا لَيۡلًا أَوۡ نَهَارًا (۲٤:۱۰)
رُوزْ ۲، روز ٦

نَهَاكُمۡ: وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْ (۷:۵۹)
واززد ۱، بازداشت ۳، بازدارد ۸۱، بازداشت تان ۱۱٤

نَهَاكُمَا: وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنۡ هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةِ (۷:۲۰)
باززد ٦۱، بازداشت تان ۱۱٤

★ مَا نَهَاكُمَا: مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنۡ هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةِ (۷:۲۰)
وازنزد ۱، بازنداشت ۲، وانزد ۲۹، بازنزد ۵۸

لِنَهۡتَدِيَ: وَمَا كُنَّا لِنَهۡتَدِيَ لَوۡلَآ أَنۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ (۷:٤۳)
ره بردیم ۱، راه یافتیم ۱۰ مکرّر، راه یافتیمی ۲۷، راه یاویم ۲۹، راه رفتمانی ٤۲، راه راست یافتیمی ۵٦، راه یافتمانی ۵۷، راه بردیمی ۵۸، راه یابیم ٦۳، راه یافته ۷٦، رآه یافتیمی ۹٤، رآه یابیم ۱۰۰، راه یافتیم ما ۱۲٤

★ مَا كُنَّا لِنَهۡتَدِيَ: وَمَا كُنَّا لِنَهۡتَدِيَ لَوۡلَآ أَنۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ (۷:٤۳)
و ما راه ندانستمَي ۱۰، نبودیم ما راه یافتگان ٦۰، نبودیمی ما از راه یافتگان ٦۲، ما راه نیافتیم ۱۰۳

نَهۡدِي: وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورًا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ (٤۲:۵۲)
ره نمایيم ۱، راه نمایيم ۳، راه نمائیم ۳۸، راه نمایم ۸۱، رآه نمائیم ۱۰۰، راه مینمائیم ۱۱٦

لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ: وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَا (۲۹:٦۹)
ره نمایيم ۱، ما بنمایيم ٤۷، بنمایيم ۵٦، راه راست نمایيم ۵۸، راه نمایم ٦۱، نمایيم هر آینه هر آینه ۹۱، رآه دهیم ۱۰۰، راه نمایيم ۱۱٤، راه نمائیم ۱۱٦

نَهَرًا: وَفَجَّرۡنَا خِلَٰلَهُمَا نَهَرًا (۱۸:۳۳)
جوی ۱، جُوی ۲، جوی روان ٤٤، جوی آب ۱۰۲

نَهَر: قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ مُبۡتَلِيكُم بِنَهَرٍ (۲:۲٤۹)
جوی ۱، جوُی ۲، آب روان ۱۰، جوی بزرگ ۷۲، جوی آب ۷٤، جوی از آب ۸۸، آب جوی ۸۹، جو ۱۳۸

~: إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٍ وَنَهَرٍ (۵٤:۵٤)
جویها ۱، روشنایی ۳۰، جویهای آب روان ۱۰۲، روشنایی و فراخی ۱۰۸، فراخی ۱۳۹

نُّهۡلِكَ: وَإِذَآ أَرَدۡنَآ أَن نُّهۡلِكَ قَرۡيَةً أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا (۱۷:۱٦)
بمیرانیم ۷٦، نیست کنیم ۱۱٤

★ لَمۡ نُهۡلِكِ: أَلَمۡ نُهۡلِكِ ٱلۡأَوَّلِينَ (۷۷:۱٦)
نه نیست کردیم ۲

لَنُهۡلِكَنَّ: فَأَوۡحَىٰٓ إِلَيۡهِمۡ رَبُّهُمۡ لَنُهۡلِكَنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ (۱٤:۱۳)
تباه کنیم ۵۸

نَهَوۡا: وَأَمَرُواْ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَنَهَوۡاْ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ (۲۲:٤۱)
واز زدند ۱، بازداشتند ۱۲، بازدارند ۲۹، باز زدند ۵۸، باز زدندی ۱۰٦، باززنند ۱۳۹

نُهُوا: وَقَدۡ نُهُواْ عَنۡهُ وَأَكۡلِهِمۡ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِ (٤:۱٦۱)
واززده شدند ۱، بازداشته شده‌اند ۳٦، بازداشتهٔ بُودَند ایشانرا ٤۲، باززد کردند ٤۹، بازداشته بودند ۵۲، باززده‌اند ۵۳، باز زده شود ۵٦، بازداشته آمده بودند ۵۷، بازداشته بودند شان ۸۳، بازداشته شدند ایشان ۱۰٤، بازداشته بودند ایشانرا ۱۲۵، بازداشت شدند ۱۲۸

~: وَلَوۡ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ (٦:۲۸)

باززنند تان ۹، همی بازداشتند ۲۶، بازداشته شده بودند ۳۶، بازمی داشتند شان ۴۱، بازداشتند شان ۴۲، باززدند ۵۳، بازگشته شوند ۸۲، همی بازداشتند ایشان را ۸۳، بازداشته شدند ۸۸، اوشانرا بازداشته بودند ۹۶، بازداشتد شان ۱۰۵، بازمیشدند ۱۱۲

~: فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۷:۱۶۶)

باززده شدند ۲۷، وازده شدند ۲۹، می باز زند ۳۱، بازداشتند ایشانرا ۳۵، ایشانرا بازداشتند ۴۱، بازداشته شدند ۵۵

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ (۵۸:۸)

واز زدند ۱، بازداشتند شان ۲، بازداشته شدند ۳، بازداشتند ۳۰، باززدند ۳۸، باززدند شان ۹۴

نَهَى: مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (۷۹:۴۰)

بازدارد ۲۴، باززند ۶۱، بازداشته است ۶۷، بسر باززند ۷۹، بازداشت ۱۰۰، بازداشته ۱۳۲

النُّهَى: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ (۲۰:۵۴)

خردها ۱، خرد ۳۰، خردمندان ۱۰۳، خرد ۱۰۵

نُهِيتُ: قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ (۶:۵۶)

من واز زده شدم ۱، باززدم ۹، بازداشته شدم ۳۰، باززده شدم ۳۹، بازداشتند ۴۱، بازداشته اند ۴۲، باززده ام ۵۳، باززده ام ۷۲، بازداشته اند ۸۸، بازداشته اندم ۱۱۴

~: إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ (۴۰:۶۶)

واززده شدم ۱، بازداشته اند ۲، بازداشته شده ام ۳، نهی کردند ۳۸، مرا بازداشته اند ۵۲، باززده اند مرا ۱۳۹

النَّوَاصِي: يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (۵۵:۴۱)

پنکها[1] ۱، مویها پیشانی ۳، موی پیشانی ۲۹، پیشانیها ۳۰، پیشانی ۳۶، نشانیها ۳۹، موی پیشانی ـ سر ۴۹، مویهای پیشانی ۸۰، مویهاء پیشانی ۸۸، مویهاء پیشانی ۹۱، میوهاء پیشانی ۹۴

نُوحِي: وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ (۱۲:۱۰۹)

پیغام دادیم ۷ مکرّر

~: وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ (۱۶:۴۳)

در نهانی گفته می شد ۵۸

~: وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ (۲۱:۷)

پیغامی دادیم ۱۱۴، پیغام فرستیم ۱۲۹

نُوحِيهِ: ذَٰلِكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ (۳:۴۴)

می فرستیمش ۳۰، پیغام می کنیم ۱۰۲، فرستادیم ۱۱۴، می آگاهانیم ۱۲۴

~: ذَٰلِكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ (۱۲:۱۰۲)

می فرستیم ۳۰، ما پیغام کردیم ۵۸، همی پیغام فرستیم ۹۴، همی پیغام فریستیم ۱۲۸

نُوحِيهَا: تِلْكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ (۱۱:۴۹)

همی فرستیم ۵۳، فروفرستادیم ۵۶، میفرستم ۱۲۰

نُودُوا: وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا (۷:۴۳)

خوانده شند ۱، خوانده شدند ۳، آوازدهند شان ۱۰، بانگ کرده شدند ۲۷، آوازشان دادند ۲۹، آوازشان دهند ۳۱، آواز داده شدند ۵۶، بانگ کنند ۵۸، آواز داده شوند ۶۱، آوآز دهند شان ۹۴، برخوانند ایشانرا ۱۰۰، خوانده شوند ۱۱۴، خوانده شود ۱۱۹، آواز دهند ۱۲۴

---

۱. پنکها: مویهای پیشانی.

نُودِیَ: فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِیَ یَٰمُوسَىٰٓ (۱۱:۲۰)
خوانده شد ۱، بخواندندش ۲، آواز داده شد ۳، آواز کردیم ۴۲، اواز دادند اورا ۵۳، آواز کرده شد ۹۹، بخواندند مرورا ۱۲۸

~: فَلَمَّا جَآءَهَا نُودِیَ أَنۢ بُورِكَ مَن فِی ٱلنَّارِ (۸:۲۷)
آواز دادند ۲۰، آوازدادندش ۲۴، آواز کردند ۵۳، خواندندش ۱۰۸، بخواندش ۱۲۸

~: فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِیَ مِن شَٰطِیِٕ ٱلْوَادِ ٱلْأَیْمَنِ (۳۰:۲۸)
بخواندند اورا ۴۷، اوازش دادن ۵۳، اواز داده شد ۶۹، آواز دادند اورا ۱۰۴، بخواند ۱۳۹

~: إِذَا نُودِیَ لِلصَّلَوٰةِ مِن یَوْمِ ٱلْجُمُعَةِ (۹:۶۲)
خوانده شهد ۱، خوانده شود ۳، بخوانند ۴۳، بانگ دهند ۶۱، آواز داده شود ۹۲، آواز کرده شود ۱۱۴، بانگ کنند ۱۲۴

ٱلنُّورُ: یُخْرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ (۲۵۷:۲)
رُوشنایی ۲، روشناییها ۴۱، روشناءیی ۵۷

~: قَدْ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٌ وَ (۱۵:۵)
روشنایی ۱، رَوشنی ۱۰

~: ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِی خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ ٱلظُّلُمَٰتِ وَٱلنُّورَ (۱:۶)
روشنائیها ۱۱۲

~: وَٱتَّبَعُوا۟ ٱلنُّورَ ٱلَّذِیٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ (۱۵۷:۷)
رُوشَنائی ۵۵

~: یُرِیدُونَ أَن یُطْفِـُٔوا۟ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ (۳۲:۹)
روشنای ۹۶

~: أَمْ هَلْ تَسْتَوِی ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُ (۱۶:۱۳)
روشنائی ۵، رُوشَنائی ۵۵

~: لِتُخْرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ (۱:۱۴)
چراغ ۷ مکرر، روشنائی ۳۹

~: أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ (۵:۱۴)
رُوشنایی ۲

~: ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشْكَوٰةٍ (۳۵:۲۴)
ره نمودار ۱، روشنایی ۲، راه نماینده ۲۴، روشن کننده ۲۹، روشنایی دهنده ۹۶، روشن دارنده ۱۰۰، روشنی دهنده ۱۰۵، رهنما ۱۰۹، روشنی افزوده بر روشنی ۱۱۱

~: وَمَا یَسْتَوِی ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِیرُ وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ (۲۰:۳۵)
روشنی ۷، روشنیها ۳۸

~: أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦ (۲۲:۳۹)
روشن ۲۹، رُوشَنی ۸۱

نُورًا: یَٰٓأَیُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَكُم بُرْهَٰنٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَآ إِلَیْكُمْ نُورًا مُّبِینًا (۱۷۴:۴)
روشنایی ۱، رُوشنایی ۲، رُوشْنای ۵۳، روشنائی ۱۱۰

~: قُلْ مَنْ أَنزَلَ ٱلْكِتَٰبَ ٱلَّذِی جَآءَ بِهِۦ مُوسَىٰ نُورًا (۹۱:۶)
رُوشنایی ۲، روشن ۵۵، روشنی دهنده ۱۲۳

~: هُوَ ٱلَّذِی جَعَلَ ٱلشَّمْسَ ضِیَآءً وَٱلْقَمَرَ نُورًا (۵:۱۰)
تابنده ۲۴، رُوشَن ۵۵، تابندگی ۹۶، روشنی تابندگی ۱۰۹

~: مَا كُنتَ تَدْرِی مَا ٱلْكِتَٰبُ وَلَا ٱلْإِیمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلْنَٰهُ نُورًا (۵۲:۴۲)
روشنائی ۳۲، رُوشَنی ۸۱

~: قِیلَ ٱرْجِعُوا۟ وَرَآءَكُمْ فَٱلْتَمِسُوا۟ نُورًا (۱۳:۵۷)
روشنائی ۳۹، روشنای ۴۹، روشنی ۸۱

نُورِثُ: تِلْكَ ٱلْجَنَّةُ ٱلَّتِی نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا (۶۳:۱۹)

خواهیم داد و فرو خواهیم آورد ٤٤

نُورِهِمْ: فَلَمَّآ أَضَآءَتْ مَا حَوْلَهُۥ ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمْ (۲:۱۷)

روشنایی ۲، رُوشَنایی ۵۵، روشنی ٦۰، روشنائی ٦٤، روشنایی ۹٤، روشنای ۱۰۱، روشناییها ۱۱٤

نُوَفِّ: مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ (۱۱:۱۵)

بونده دهیم[1] ۱، بدهیم ٤۱، بدَهیم ۷٦، فرادهیم ۸۸، بدهیم ما ۱۲٤

نُوَلِّهِۦ: نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِۦ جَهَنَّمَ (٤:۱۱۵)

در گور دَهیم[2] ۱، روی گردانیم ۲، بازگردانیم ۳، واهلیم ۱۰، واگذاریم ۲۷، بازگماریم ۲۹، بازگذاریم ۳٤، بگذاریم ۳٦، گذاریم ۳۸، بگردانیم ٤۱، گزاریم ٤۲، آریم ٤۵، گزاریم ۵۲، بدادیم ۵۳، بَازگُذاریم ۵۵، فروگذاریم ۵٦، برگردانیم ۵۷، دربرافکنیم ۷۲، بسپاریم ۸۲، برگماریم ۸٤، بازگذاریم ما ۱۰٤، بااوگذاریم ۱۰۵، پیش آریم ۱۱۲، بازگزاریم ۱۱٤، سازیم ۱۲۸، گردانیم ۱۲۹

نُوَلِّی: وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضًا (٦:۱۲۹)

ورگماریم ۱، بَرگُماریم ۲، برگُماریم ۱۰، پادشاهی دهیم ۲۷، بگماریم ۳٦، برگماریم ما ۳۹، بازگذاریم ٤٤، بگردانیم ما ٦۱، بگماریم ما ٦۳، بازگردانیم ۷٦، بر سر می داریم ۹٦، گماریم ۱۰۹، بازمیگذاریم ۱۲۰، برمی گماریم ۱۳٤

فَلَنُوَلِّيَنَّكَ: فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَىٰهَا (۲:۱٤٤)

رُوی بگردانیم ۲، گردانیدیم هر آینه هر آینه ۳، واگردانیم ۱۰، بگردانیدیم ۲٤، بازگردانیم ۲۹، گردانیمت هر آینه هر آینه ۳۰، بگردانیم ۳٦، روی گردانیم ۳۸، وابریم ٤۰، روی بگردانیم ٤۲، گردَانِیمَت هَرَاینه هَرَاینه ۵۵، برگردانیم ۵۷، فراگیرانیدیم ۵۹، بگردانیم ما ٦۱، روی بگردانیدیم ۸۲، بدهیم ۹۰، روی بگرد آنیم ۹٤، بازنمائیم ۱۰۰، ما بگردانیم ۱۰۲، روی فراکنیم ۱۱۲، میگردانیم ۱۲۲، فراگردانیدیم ۱۳٦

ٱلنَّوْمُ: لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ (۲:۲۵۵)

خواب ۱، خُوابْ ۲، خواب گران ۱۰، خفتَن ٤۲، خَواب ۵۵، خفتن ۵٦، خوآب ۱۰۰، خوابیه ۱۱۰، خواب بزرگ ۱۱۲، خواب سنگین ۱۲۲

~: وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِبَاسًا وَٱلنَّوْمَ سُبَاتًا (۲۵:٤۷)

خُواب ۲

نَوْمَكُمْ: وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (۷۸:۹)

خُواب ۲، خواب ۲۹، خوآب ۱۰۰

ٱلنُّونِ: وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبًا (۲۱:۸۷)

ماهیَ ۱، ماهیِ ۲

ٱلنَّوَىٰ: إِنَّ ٱللَّهَ فَالِقُ ٱلْحَبِّ وَٱلنَّوَىٰ (٦:۹۵)

خسته ۱، خرما سفالْ ۲، کولهٔ خرما ۳، خرمایسته ۹، استَیها که بَروید ۱۰، خرماسفال ۱۰ مکرّر، خستها ۲۷، استه ۲۹، استخوان میوه ۳۸، خسته خرما ۳۹، دانه خرما ٤۱، استخوان خرما ٤۲، خست خرما ٤۳، کُوله خرما ۵۵، استه خرما ٦۳، کونه خرما ۸۰، خُرما سفال ۸۸، ترش خرما ۹٦، استهٔ خرما ۱۰۰، آسته خرما ۱۰٦، سفهٔ خرما ۱۰۹، هسته ۱۲۲، دانه ۱۲۳، هستهای میوها ۱۲۷، هسته خرما ۱۳٦

نُيَسِّرُكَ: وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكْرَىٰ (۸۷:۸)

آسان گردانیدیم ۲، آسان کنیم ۲٤، خوار گردانیم ۲۹، آسان گردانیم ۳۰، آسان می کنیم

---

۱. بونده دهیم: تمام دهیم؛ تمام بگزاریم.

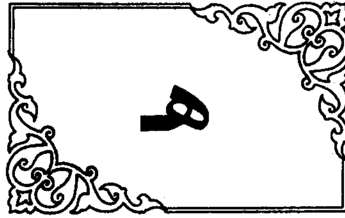
۲. در گور دهیم: واگذاریم؛ برگماریم.

٣٦، آسان کنم ٩٩، آسان گردانیده‌ایم ١٠٤، آسان کردیم ١٠٨، آسان میکنیم ١٢٠، آسان میگردانیم ١٣٠

فَسَنُيَسِّرُهُ: وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ (٩٢:٧)
آسان گردانیم ٥٦، آسان گردانیم ما ٦٤، زود باشد که آسان گردانیم ٧٩، آسان کنم ١١٤، آسانی دهیم ١١٦، بزودی آسانی دهیم ١٢٠

~: وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ (٩٢:١٠)
آسان کنیم ٤١، آسان کنیم ما ٦٤، آسان کنیم ١٠٠

نَيْلًا: وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا (٩:١٢٠)
یافتن ٣، رسیدن ١٣، گشتن ٢٤، دریافتن ٤٢، چیز ٥٢، یافتن ٥٥، هارسیدن ٥٧، رسیدن ٦٢، بازگشتن ٩٢، یافتن کام ١٠٩



هٔ: وَقَفَّيْنَا مِنۢ بَعْدِهِۦ بِٱلرُّسُلِ (۲: ۸۷)

وَی ۱۰، اُو ۵۲

~: وَيُشْهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِى قَلْبِهِۦ (۲: ۲۰۴)

آوی ۱۰

~: وَمَا ٱخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ (۲: ۲۱۳)

آن ۱

~: حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ (۲: ۲۱۴)

اوی ۱

~: وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦ (۲: ۲۳۳)

او ۴۳

~: لَهُۥ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَأَصَابَهُ ٱلْكِبَرُ (۲: ۲۶۶)

بدوی ۱، بدوا ۵۷، باو ۱۰۵

~: وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ ٱلْإِسْلَٰمِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ (۳: ۸۵)

وُی ۱۰

~: وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنًا (۳: ۹۷)

آنجا ۱۲۷

~: إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُۥ (۳: ۱۷۵)

خود ۳

~: أَتَأْخُذُونَهُۥ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۴: ۲۰)

از آن ۱۰۰

~: وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُۥ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ (۴: ۱۱۱)

خویش ۲

~: رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ فَٱجْتَنِبُوهُ (۵: ۹۰)

زان ۹۲

~: لَيَبْلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلصَّيْدِ تَنَالُهُۥٓ أَيْدِيكُمْ (۵: ۹۴)

فازان ۱۰

~: لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ (۶:۵۱)
وَیْ ۲

~: وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً (۶:۷۴)
خُویش ۲

~: لَّا تُدْرِكُهُ ٱلْأَبْصَٰرُ وَهُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصَٰرَ (۶:۱۰۳)
مرورا ۱۰ مکرّر

~: وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ ... فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكًّا (۷:۱۴۳)
ش ۵۸، باوی ۶۱

~: فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوٓا۟ إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ (۱۰:۸۴)
وی ۱

~: أَمَّآ أَحَدُكُمَا فَيَسْقِى رَبَّهُۥ خَمْرًا (۱۲:۴۱)
خُود ۲

~: فَأَنسَىٰهُ ٱلشَّيْطَٰنُ ذِكْرَ رَبِّهِۦ (۱۲:۴۲)
وااوی ۱

~: فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِى سُنۢبُلِهِۦٓ إِلَّا قَلِيلًا (۱۲:۴۷)
وُرا ۱۰۵

~: قَالُوا۟ فَمَا جَزَٰٓؤُهُۥٓ إِن كُنتُمْ كَٰذِبِينَ (۱۲:۷۴)
آنکس ۷۶، آنکس ۹۴

~: فَلَنُحْيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةً طَيِّبَةً (۱۶:۹۷)
ایشان ۱۱۳

~: أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهِۦ (۱۸:۱۰۵)
با او ۱۰۰

~: لَا يَسْبِقُونَهُۥ بِٱلْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِۦ يَعْمَلُونَ (۲۱:۲۷)
بوی ۷۶

~: وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا۟ (۲۴:۵۴)
ورا ۲

~: وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَٰخِرِينَ (۲۷:۸۷)
بدو ۲۱

~: فَإِذَا ٱلَّذِى ٱسْتَنصَرَهُۥ بِٱلْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُۥ (۲۸:۱۸)
ازو ۵۶

~: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا ... لَمَّا جَآءَهُۥٓ (۲۹:۶۸)
بدو ۴۷

~: ٱللَّهُ يَجْتَبِىٓ إِلَيْهِ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِىٓ إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ (۴۲:۱۳)
خویشتن ۲۲

~: مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلْكُفَّارِ (۴۸:۲۹)
زو ۶

بِهِۦ: أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ (۲:۲۲)
آن ۲

~: هَٰذَا ٱلَّذِى رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَأُتُوا۟ بِهِۦ مُتَشَٰبِهًا (۲:۲۵)
ایشان ۱۲۱

~: يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرًا وَيَهْدِى بِهِۦ كَثِيرًا (۲:۲۶)
این ۲، بهمان ۱۲۳

~: وَلَا تَكُونُوٓا۟ أَوَّلَ كَافِرٍۭ بِهِۦ (۲:۴۱)
بزان[1] ۱۰۶

~: فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُوا۟ كَفَرُوا۟ بِهِۦ (۲:۸۹)
برو ۶۷

~: وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا۟ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمْ (۲:۱۰۲)
بر آن ۶۳

---

۱. بزان / بذان، بدان.

~: وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيْرِ ٱللَّهِ (٢:١٧٣)
بوَى ٩٤

~: ثُمَّ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥ (٣:٨١)
بوَىْ ٩٤

~: وَقَد دَّخَلُوا۟ بِٱلْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا۟ بِهِۦ (٥:٦١)
واان ٣٧

~: أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا۟ بِهِۦ (٦:١٥١)
بدوی ١

~: قَالُوٓا۟ إِنَّا بِمَآ أُرْسِلَ بِهِۦ مُؤْمِنُونَ (٧:٧٥)
بدُو ٢٧

~: تُرْهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (٨:٦٠)
بدن ٩٢

~: وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِۦ ۖ وَهَمَّ بِهَا (١٢:٢٤)
باوی ٩٦

~: إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ ٱللَّهُ بِهِۦ (١٦:٩٢)
این ٢

~: أَمْ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةٌۢ ۚ بَلْ جَآءَهُم بِٱلْحَقِّ (٢٣:٧٠)
درو ٣٩، اورا ٤٧

~: ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ ۚ ٱلرَّحْمَٰنُ فَسْـَٔلْ بِهِۦ خَبِيرًا (٢٥:٥٩)
ورا ٦١

~: قُلْ إِنَّمَآ أَدْعُوا۟ رَبِّى وَلَآ أُشْرِكُ بِهِۦٓ أَحَدًا (٧٢:٢٠)
وارو ٦

لَهُ: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ (٢:١٠٧)
ویراست ٥٢

~: بَل لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ كُلٌّ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ (٢:١١٦)
اوراست ٦٣، وَیرا ٦٢

~: فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (٢:١١٧)
وَی را ١٠

~: وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبْغَةً ۖ وَنَحْنُ لَهُۥ عَٰبِدُونَ (٢:١٣٨)
بوَی ١٠

~: مَّن ذَا ٱلَّذِى يُقْرِضُ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ (٢:٢٤٥)
برای او ٢٧

~: لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ (٢:٢٥٥)
مراورا ٤٣

~: وَمَن يَلْعَنِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ نَصِيرًا (٤:٥٢)
اویرا ١

~: وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمًا (٤:٩٣)
اوی ١

~: إِنِ ٱمْرُؤٌا۟ هَلَكَ لَيْسَ لَهُۥ وَلَدٌ وَلَهُۥٓ أُخْتٌ (٤:١٧٦)
وَیرا ٦٢

~: أَلَا لَهُ ٱلْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ ٱلْحَٰسِبِينَ (٦:٦٢)
ورا ٢

~: بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُۥ وَلَدٌ (٦:١٠١)
او را ٩

~: وَجَعَلْنَا لَهُۥ نُورًا يَمْشِى بِهِۦ فِى ٱلنَّاسِ (٦:١٢٢)
براء او ٣٧

~: فَٱسْتَمِعُوا۟ لَهُۥ وَأَنصِتُوا۟ (٧:٢٠٤)
بد آن ١٠٠

~: فَدَخَلُوا۟ عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ (١٢:٥٨)
اُورا ٥٧، وی را ٥٨

~: لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٌ مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ (١١:١٣)
آنرا ١

~: وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُۥ (١٨:١٣)
مراورا ٢

~: إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (٣٥:١٩)
ورا ٢

~: وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ (٢٧:٢٩)
بدو ٦٤

~: مَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا (٣٦:٤٣)
بازو ٤٩

★ مَالَهُ: وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖ (١٠٢:٢)
نباشد او را ٥٢، نبود او را ٦٣

~: وَمَن لَّمۡ يَجۡعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورٗا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ (٤٠:٢٤)
نباشید ویرا ٥٤

~: وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ (٣٣:٤٠)
نیستش ١١٤

~: يَوۡمَ تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ فَمَا لَهُۥ مِن قُوَّةٖ وَلَا نَاصِرٖ (١٠:٨٦)
نباشد ٣٠

فَلَهُ: فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ (١١٢:٢)
اورا ٢٤، او را باشد ٥٢، مراورا ١٠٠، مروراست ١٢١

~: فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ (٩٤:٥)
مر آنرا ٢٦، مروراست ٨٨

~: مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشۡرُ أَمۡثَالِهَا (١٦٠:٦)
مرورا ٢٧

وَلَهُ: وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِي ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ (٨٣:٣)
وَی ١٠

~: وَلَهُۥٓ أَسۡلَمَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ (١٣:٦)
مروراست ٨٨

~: وَلَهُ ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ (٧٣:٦)
مراوراست ١١١

~: وَلَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلدِّينُ وَاصِبًا (٥٢:١٦)
اویراست ١

~: وَلَهُ ٱخۡتِلَٰفُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ (٨٠:٢٣)
مراورا ٨٧

~: وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ (٢٦:٣٠)
مرورا ٦١

~: وَلَهُ ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ (٣٧:٤٥)
مرْورا ٣٢

هَا: فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ (٢٤:٢)
این ١٠، وَی ٥٥

~: أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ (٢٥:٢)
آنها ١٣٦

~: وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ (٤٥:٢)
این ١٠

~: وَلَا يُؤۡخَذُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ (٤٨:٢)
او ٣٦

~: فَجَعَلۡنَٰهَا نَكَٰلٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهَا وَمَا خَلۡفَهَا (٦٦:٢)
ایشان ٢

~: أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمۡ أَن يَدۡخُلُوهَآ (١١٤:٢)
در آن ٦٣

~: وَلَا تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ (١٢٣:٢)
ش ٤١

~: لَا تُكَلَّفُ نَفۡسٌ إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَا تُضَآرَّ وَٰلِدَةُۢ بِوَلَدِهَا (٢٣٣:٢)

اوی ١

~: فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ (٢:٢٦٥)
خویش ٧٦

~: وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ (٣:١٣٣)
آن ١

~: هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ جَٰدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٤:١٠٩)
اینک ٣، اکنون ١٠، یا ٢٩، آیا ١٢٤

~: وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا (٦:١٦٤)
خویشتن ٢٧

~: كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا (٧:٣٨)
خود ٣

~: وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٧:٧٣)
بدوی ١

~: وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (٧:١٨٩)
وی ١، اُو ٢٧

~: وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (١١:٦٤)
بوی ١٢٣

~: وَهُوَ ٱلَّذِى مَدَّ ٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ (١٣:٣)
وَی ٦٣

~: وَٱلْخَيْلَ وَٱلْبِغَالَ وَٱلْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (١٦:٨)
بر آن ٤٣، برایشان ١٠٥

~: وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّتِى نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنۢ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثًا (١٦:٩٢)
خُود را ٢

~: وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا (١٧:١٥)
خُویش ٢

~: قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا (١٨:٧١)
ورا ٢

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍۭ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا (٢٨:٥٨)
خود ١١٤

~: وَتِلْكَ ٱلْجَنَّةُ ٱلَّتِىٓ أُورِثْتُمُوهَا (٤٣:٧٢)
بدان ٥٦

~: يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (٥٢:٢٣)
آنجا ٤١

★ هاأنتم: هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ (٣:٦٦)
شماابید ٢، اینک شما ٣، اُکنونْ ١٠، اینکید[1] شما ٢٧، شمائید ٥٢، او ٥٨، هان ٦١، شمایید ٨٨، اینه کیت شما ٩١، آ ١٠٩، بدانید ١٣٦

~: هَٰٓأَنتُمْ أُو۟لَآءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ (٣:١١٩)
ای ١، اُکنون ١٠، شما که ٢٧، شُماایند ٤٢، همی شما ٥٧، اینکید تان ٦١، اشماایید ٦٥، انکه اکنون ٩٤، هی ١٠١، آگاه باشید ١٠٣، شما آیند ١٢٤

~: هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ جَٰدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٤:١٠٩)
شماايد ٢، شُماايد ٤٥، اِینک شما ٥٥، ای شما ٦٢

~: هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (٤٧:٣٨)
این شماايد ٩٤، آگاه باشید شما ١٠٩

بِهَا: فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأْتِى بِٱلشَّمْسِ مِنَ ٱلْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ ٱلْمَغْرِبِ (٢:٢٥٨)

---

١. اینکید / اینک اید، اینک هستید.

آن را ٥٦، این را ١٢٤

~: إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا (١٤٠:٤)

بدوان ٦١

~: وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا (١١٠:١٧)

آنرا ٦٣

~: وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا (٤٧:٢١)

آن ١

~: يَسْتَعْجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا (١٨:٤٢)

وی ٣٢

لَهَا: لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ (١٣٤:٢)

ایشانرا ٦٣، ایشان را ٩٤

~: فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَا (٢٥٦:٢)

آنرا ٢٥

~: لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ (٢٨٦:٢)

اویراست ١، مراورا ٢٩

~: وَإِن كَانَتْ وَٰحِدَةً فَلَهَا ٱلنِّصْفُ (١١:٤)

مراورا ٢

~: أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَٰرِهُونَ (٢٨:١١)

آن ١، مروی را ٥٥

~: لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَٰبٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ (٤٤:١٥)

آنراست ١١٢

~: فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (١٧:١٩)

اوی ١، او ٨٦

~: مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِي أَنتُمْ لَهَا عَٰكِفُونَ (٥٢:٢١)

مرانرا ٨٧

~: إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا۟ لَهَا تَغَيُّظًا (١٢:٢٥)

ازو ٧٦

~: وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنْهَٰرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِيَ (٦١:٢٧)

مرآنرا ٤١

~: يُضَٰعَفْ لَهَا ٱلْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ (٣٠:٣٣)

مرورا ٦٤

فَلَهَا: إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا (٧:١٧)

تانرا[1] ١، اورا ٢

★ مَا لَهَا: وَقَالَ ٱلْإِنسَٰنُ مَا لَهَا (٣:٩٩)

چه میشود ١٢٠

وَلَهَا: وَمَآ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ (٤:١٥)

ورا ٧١

هَآؤُمُ: فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقْرَءُوا۟ كِتَٰبِيَهْ (١٩:٦٩)

بیایید ١، بگیریت ٣، بگیری ٢٩، بیاییت ٣٠، بیائید ٣٩، بیآئید ٤٣، فراگیرید ٧٩، بشتآب ١٠٠، بگیرید ١٠٢، اینک بیایید ١٢٢، فراگیرد ١٣٨

هَاتُوا: قُلْ هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ (١١١:٢)

بیارید ٢، بیارَی ١٠، بیاریتْ ٥٥، بیاری ٥٧، بیاورید ١٠٠

~: قُلْ هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ هَٰذَا ذِكْرُ مَن مَّعِيَ (٢٤:٢١)

بیارید ١، بیاریت ٣، بگیرید ٧٢، بدهید ٧٦، بیاورید ١٠٠

~: قُلْ هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٦٤:٢٧)

---

١. تانرا: پس آن را، مر آن را.

بیارید ۵۳

~: فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ (۲۸: ۷۵)
بیارید ۵۳

هَاتَيْنِ: قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ (۲۸: ۲۷)
این ۱، این دو ۲۹، اینان ۸۸، دوتا ۱۲۱، اینها ۱۲۸

هَاجَرَ: يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ (۵۹: ۹)
بُرد از خان ومان ۳، بیاید ۳۰، برید از خان ومان ۸۰، دوری گزید ۱۳۲

هَاجَرْنَ: وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ (۳۳: ۵۰)
بریدند از خانمان ۱۲۱

هَاجَرُوا: وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا (۲: ۲۱۸)
برفتند از خانمان خویش ۲۷، بُریدند از خان ومان ۵۵، خان و مان گذاشتند ۱۰۹، بریدند ۱۱۹

~: فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ (۳: ۱۹۵)
بُبریدند از خان ومان ۲، بریدند از خان ومان ۳، بریدند از خانومان ۳۰، رفتند ۳۶، دُوری کَردند ۴۲، دوری کردن ۵۲، بُریدند از خان ومان ۵۵، ببریدند از خان ومان ۹۱، دوری نمودند ۱۰۴، دوری کردند ۱۲۵

~: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا (۸: ۷۲)
بیرون آمدند ۱۰، برفتند از خانهای خویش ۲۷، بریدند از خان ومان ۵۵، جدا شدند از قوم خویش و شهر خویش ۹۳، بِبُریدند از خان ومان ۹۴، به بریدن از خان ومان خویش ۱۲۸

~: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا (۸: ۷۴)
از خان ومان خویش جدا شدند ۹۴

~: الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۹: ۲۰)
ببریده اند ۱۲۰

~: وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا (۱۶: ۴۱)
بریدند از کسان ۲، دور شدند ۹۵، خانمان بدرود کردند ۱۰۹، ببریدند از خان ومان خود ۱۲۴، به بریدند از خان ومان خویش ۱۲۸

~: لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِن بَعْدِ مَا فُتِنُوا (۱۶: ۱۱۰)
بُبریدند ۲، ببریدند از کسهای خود ۱۰۵، به بریدند ۱۱۹، بریدند از خانمان ۱۲۱، ببریدند از خان مان خویش ۱۲۸

~: وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۲۲: ۵۸)
ببریدند ۲، دوری گزیدند ۸۶، بریدند از خوان مان ۱۱۴

هَادِ: وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۲: ۵٤)
ره نمودار ۱، راهنما ۱۲، رهنمای ۵۸، راه نماید ۷۶، راهنماینده ۱۰۰

~: وَمَا أَنتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ (۳۰: ۵۳)
راه نمای ۳، راه نماینده ۲۹، راه نما ۳۹، راهنمای ۴۷

★ مَا أَنْتَ بِهَادٍ: وَمَا أَنتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ (۳۰: ۵۳)

نتوانی تو راه نمودن ۳۰

هَادٍ: إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (۱۳: ۷)
ره نمودار ۱، راه نمایی ۳، ره نما ۵۳، رَاه نما ۵۵، ره نُما ۵۷، راهبر ۵۸، راهنما ۸۰، ره نماینده ۱۲۵

~: وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۱۳: ۳۳)
رهنما ۴۸، راه نما ۵۸، راهنمای ۸۸، رهنماینده ۹۳

~: وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۹: ۲۳)
راه نمای ۳، راهنمای ۳۸، راهنماینده ۸۷

~: وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۴۰: ۳۳)
راه نماینده ۲، رَاه نَماینده ۵۱، راه نمایند ۱۱٤

هَادُوا: إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا (۲:۶۲)
برگشتند ۲، جهودان‌اند ٤، جَهودان بدند و باشند ۱۰، جُهودْ شُدَنْد ٥٥، برجهودی بودند ٦٢، جهود شد ۱۰٤

~: مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ (٤:٤٦)
جهودی کردند ۱، جهودند ٦٤، برگشتند ۱۱۹، برگشتند جهودان ۱۲۸

~: فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ (٤:۱٦۰)
برگشتند ۲، جهود شدند ۳

~: وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ (٥:٤۱)
جَهُود شُدند ٤۲، جهودی برگزیدند ٤۸

~: الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ (٥:٤٤)
راه یافتند ٥۸، گشتند جهودان ۱۲۷

~: إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ (٥:٦۹)
جهود شده‌اند ۱۲۲

~: وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ (٦:۱٤٦)
جهُود گشتند ۲

~: وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ (۱٦:۱۱۸)
جهودانند ۲٤، جهود شدن ۳۰، جهُودان بودند ٦۲، جهود بودند ۹۳

~: إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ (۲۲:۱۷)
بَرگشتند ۲، جهودان ۱۲، جهود گشتند ٥٤، جَهود گشتند ٦۱، یهود شدند ۱۳۲

~: قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ (٦۲:٦)
برگشتید ۲، جهودانید ۲٤، جهود شدید ۱۰۰

هَادِيَ: مَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ (۷:۱۸٦)
راه نماینده ۲، نماینده ۳، راه‌نمون ۲٤، راه‌نمای ۲۹، راه نما ٥۷، راهنما ۸۸، راهی نمای ۹۱، رآه نماینده ۱۰۰، یاری دهنده ۱۳۳

★ لَاهَادِيَ: مَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ (۷:۱۸٦)
ره نمودار نبهد ۱، نیست هیچ راهنمای ۱۲۰

هَادِي: وَمَا أَنتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ (۲۷:۸۱)
ره‌نمودار ۱، راه نماینده ۲، راه نُمای ٥۳، راهنمای ٥۸، راه‌نما ٦۲، راه‌نمای ۷٦، راهنماینده ۸۷، رآه نماینده ۱۰۰، نماینده ۱۰۲، رهنمای ۱۳۲

هَادِيًا: وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (۲٥:۳۱)
ره نمودار ۱، راه نماینده ۲، راه نمای ۳، راهنماینده ۲۰، راهنما ۳٤، راهْ‌نمای ٥۳، رَاه‌نمای ۷٦، رآه رآست نماینده ۹٤، رآه نماینده ۱۰۰، راه‌نما ۱۲٤

هَارٍ: أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ (۹:۱۰۹)
افتّادار ۱، همی فُرو اُفتید ۲، فرورفته ۳، زیرخورده ـ فرود رفته ۲۷، ریهیده ۲۹، فرو ریزنده ۳٦، بازخورده ۳۸، فروافتیده ۳۹، آتش ٤۱، فروهشته ٤۳، زیرخورده ٥۲، فُرورَفته ٥٥، ریزنده ٥۷، فرود افتیده ٥۸، که همی فروافتد ٦۲، افکند ٦۹، افتاده ۷۲، ریزیده خورده شده ریزان ۷۹، زیرخورده که همی فروافتد ۸۳، افکنده ۹۱، ویران شده ۱۰٤، رامیده ۱۰٦، فروبرنده ۱۱۰، خانه فروریخته ۱۱۲، رهیده ۱۱۳، سست ۱۱٤، شکافته شده و نزدیک بافتادن ۱۱٦، کننده فرورفته ۱۱۹، فروریخته شده ۱۲۲، شکافته شده ۱۲۳

هَالِكٌ: كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ (۲۸:۸۸)
نیست شونده ۳، مردنی ٤۷

الْهَالِكِينَ: أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ (۱۲:۸٥)
نیست شوند گان ٦۱، مرد گان ۱۱۲

هَامِدَةً: وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً (۲۲:٥)
مرده ۱، فُرومُرده ۲، فرومرده ۳، خشک شده ۱۲

آرامنده ۳۰، خشک مانده ۳٦، شکسته ۳۹، خشک مرده ۵۲، فرود خوفته ۵۸، فرودمرده ٦۱، شکسته مرده ۷۲، فرود خفته ۷٤، خشک ۷۹، اَفسُرده ۸۹، فرومانده ۹۰، نرم خشک مرده ۹٤، خشک و مرده ۹٦، ترومرده ۹۹، پژمرده ۱۰۰، پژمرده و آرمیده ۱۰۲، افسرده ۱۰٦، فروتاسیده ۱۰۹، خشک و پیر مانند مرده ۱۱۱، مرده خشکیده ۱۲۲، شکسته ـ مرده ۱۲٦، فروبرده ۱۲۸، خشک و بی گیاه ۱۳۰، خشک افسرده ۱۳۵

هَاوِيَةٌ: وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٌ (۹:۱۰۱)
دوزخ ۲، دوزخ ۳٦، زیرترین دوزخ ۱۲۰، آتش دوزخ ۱۳۹

هَٰؤُلَاءِ: فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِى بِأَسْمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ (۳۱:۲)
ایشان ۲، این گُروه ۵۵

~: ثُمَّ أَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ (۸۵:۲)
اینها ۲، اینهان ٦۱

~: هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ (٦٦:۳)
اینها ۲

~: وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدًا (٤۱:٤)
اینها همگان ۲۷

~: قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ فَمَالِ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلْقَوْمِ (۷۸:٤)
این ۲۹

~: هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ جَٰدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۱۰۹:٤)
ای گروه ۱، یا گروه ۲۷

~: لَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ (۱٤۳:٤)
این گره ۱، آنها ۲، گروه ۷۵، آن ۹٤

~: وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ (۵۳:۵)
این ۲، همی اینان ٤۵

~: لِّيَقُولُوٓا۟ أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْهِم مِّنۢ بَيْنِنَآ (۵۳:٦)
این گروهان ۲٤، این آنان ۵۸

~: قَالَ يَٰقَوْمِ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِى هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ (۷۸:۱۱)
این گُروه ۵۵

~: أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ (٦٦:۱۵)
آن گروه ۲۹، آن گُرُوه ۵۵

~: قَالَ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِىٓ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ (۷۱:۱۵)
اینان ۲

~: قَالُوا۟ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا (۸٦:۱٦)
این گروه ۲٤

~: كُلًّا نُّمِدُّ هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنْ عَطَآءِ رَبِّكَ (۲۰:۱۷)
آنان اینان ۲

~: هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمُنَا ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً (۱۵:۱۸)
اینان ۲

~: بَلْ مَتَّعْنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمْ (٤٤:۲۱)
اینها ۲

~: رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغْوَيْنَآ أَغْوَيْنَٰهُمْ كَمَا غَوَيْنَا (٦۳:۲۸)
این ها ۲٤، اینهااند ٤۷

~: وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً (۱۵:۳۸)
این گروه مردان ۸۱

~: فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ (۲۲:٤٤)
اینها ۲

~: إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَيَقُولُونَ إِنْ هِىَ إِلَّا مَوْتَتُنَا ٱلْأُولَىٰ (۳٤:٤٤)
اینها همه ٦۱

* مِنْ هَٰؤُلَاءِ: وَمِنْ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤْمِنُ بِهِۦ (٤۷:۲۹)
ازین کسان ۹۱

هَبْ: وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً (۸:۳)

ده ۱، بخش ۳، بَدَه ۱۰، بدهی ۲۵، ببخش ۴۲، بَخش ۵۵، ببخشای ۶۱، ببخش ۷۵، بِدِه ۹٤

~: قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً (۳۸:۳)
ببخش ۲، بَدِه ۵۷، به بخش ۹۹

~: فَهَبْ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي (۵:۱۹)
بَبخش ۲

~: رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا (۷٤:۲۵)
بده ۲، بوبخش ۱۱۳

~: رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا (۸۳:۲۶)
بَدِه ۲، ببخش ۲۰

~: رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰۰:۳۷)
کُنْ ۸۱

هَبَاءً: فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا (۲۳:۲۵)
گرد ۱، خاک ۳۹، ناچیز ٤۲، گردروزن ٤٦، غبار ۵۳، ذرها ۱۱۱

~: وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنبَثًّا (٦:۵٦)
گرد ۲

هَجْرًا: وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰:۷۳)
بریدن ۱، بُریدن ۲، جداشدن ۱۹، دُوری ٤۲، فروبردن ۷۹، رفتن ۹۰، دوری ۱۰۰، جدایی ۱۰۲، فروبریدن ۱۱۳، دوری گزیدن ۱۳۲، دورشدن ۱۳٦، بازبریدن ۱۳۸

هَدًّا: وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا (۹۰:۱۹)
شکستن ۱، شکسته ۲، پاره پاره ۲٤، شکسته ۳۰، لرزه ۳۹، شکسته سخت ۵٦، بشکستن ۵۸، شکست ۷۲، بیوفتادن ۷٦، خورد ومورد کردن ۸۹، افتادن ۹٦، خورد ومرد شدن ۱۰۰، افتادن ریزه ریزه ۱۰۹، شکسته و خرد ومرد ۱۱۱، شکستی که خورد ومرد شود ۱۱٦، فروریخته ۱۲۱، از هم ریخته شده بشکند ۱۳۰، پاره پاره شده ۱۳۳

هَدَاكُمْ: وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ (۱۸۵:۲)
راه نُمود ۲، راه راست ۱۰، راه نُمود ٤۲

~: وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ (۱۹۸:۲)
راه راست نمود ۱۰، راه نمود ۲٤، فرمود ۳۰، راه نمودست ٦۲

~: فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۱٤۹:٦)
ره نمودی ۱، راه راست نمودی ۱۰، راه راست دادی ۲۷، راه نمودی ۵۸، رآه نمودی ۱۰۰، داده نمودی ۱۱۱

~: وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۹:۱٦)
راه نماید ۵٦

~: لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ (۳۷:۲۲)
دادست ۲٤، نمود راه ۱۳۹

~: بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ (۱۷:٤۹)
راه نموده است ٦

هَدَانِ: قَالَ أَتُحَاجُّونِّي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ (۸۰:٦)
ره نَمود ۱، رَاه نمودسْت ۲، راه نمود ۳، راه نمودست ۲٤، راه راست نمود ۵۸، رَه نمودست ٦۲، راه داد ۷٦، راه راست ۱۲٤

هَدَانَا: وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ (۷۱:٦)
ره نمود ۱، راه نُمود ۲، راه راست نمود ۳، راه راست داد ۱۰، راه نمودست ۲٤، رَاه رَاست نَمُود ۵۵، نمودند ۸۸، رآه نمود ۱۰۰، راه راست نموده است ۱۱۱

~: وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا (٤۳:۷)
راه فانُمود ۱۰، نمودمان ۹٤

~: وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا (۱۲:۱٤)
بنُمود ۲، نمود ۳، راه راست بنمود ۹۲، بنمود ۹٤، بنماید ۱۲۸

~: قَالُواْ لَوْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَهَدَيْنَٰكُمْ (۲۱:۱٤)
راه نمودی ۵، رَاه نَمُودِی ۵۵، راه راست نمودی ۶۱، رآه نمودی ۱۰۰، راه نماید ۱۱۲

هَدَانِی: قُلْ إِنَّنِی هَدَىٰنِی رَبِّیٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۶:۱۶۱)
ره نمود ۱، راه نمود ۲، راه فانمود ۱۰، راه نموده است ۱۰ مکرّر، راه راست نمود ۹۰، راه راست داده ۹٤، راه راست داد ۱۲۸

~: لَوْ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِی لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُتَّقِینَ (۳۹:۵۷)
ره نمودی ۱، راه نمودی ۳۰، نمودی راه ۱۳۰

هَدَاهُ: ٱجْتَبَىٰهُ وَهَدَىٰهُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۱۶:۱۲۱)
ره نمود ۱، نموده بود راه ۲٤، رَاهْ نمود ۵۳، بر راه راست بداشت ۵۸، راه نمود ۷۶، راهنمود ۹۲

هَدَاهُمْ: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِیُضِلَّ قَوْمًۢا بَعْدَ إِذْ هَدَىٰهُمْ (۹:۱۱۵)
ره نمود ۱، راه نمود ۱۳، راه نموده بود ۲٤، بنمود ٤۱، راه نموده باشد ۵۸

~: أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِینَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ (۳۹:۱۸)
رانمود ۷٤، راهنمود ۸۷، راه راست نمود ۹۲

هُدَاهُمْ: لَّیْسَ عَلَیْكَ هُدَىٰهُمْ (۲:۲۷۲)
ره نمودن ۱، راه نُمودن ۲، راه راست دادن ۳، راه بردن ۲۵، رأه نمودَن ٤۲، رآه نمودن ۱۰۰

~: أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِینَ هَدَى ٱللَّهُ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقْتَدِهْ (۶:۹۰)
راه نمود ۵۸

~: إِن تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَىٰهُمْ (۱۶:۳۷)
راه نمودن ۵۶

لَهُدِّمَتْ: وَلَوْلَا دَفْعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَٰمِعُ وَبِیَعٌ (۲۲:٤۰)
فرود هیشته شدی ۱، ویران کرده شدست ۳، ویران کردندی ۱۲، ویران کرده شدی ۳۰، بیران بکردندی ۳٤، بیران کرده شدی ۳۹، درهم فکندندی ٤۱، بیران کردندی ٤۲، ویران شد ٤۳، بیران شدی ۵۲، فُرُواورْدندی ۵۳، شکسته شوند ۵۸، ویران کرده شد ۶۱، ویران کردند ۶۹، شکسته شود ۷٤، ویران کرده شدستی ۸۰، ویران کردی ۱۱٤، خراب شدی ۱۲۶

هُدْنَا: إِنَّا هُدْنَآ إِلَیْكَ (۷:۱۵۶)
واز آمدیم ۱، باز گشتیم ۲، باز گشتیم ۲۷، باز آمدیم ۳۵، بَاز گشْتیم ۵۵، راه نمودیم ما ۶۱، راه یافتیم ۱۰۰، راه یافته ایم ۱۲۲، ما گشتیم ۱۲٤

ٱلْهُدْهُدَ: فَقَالَ مَالِیَ لَآ أَرَى ٱلْهُدْهُدَ (۲۷:۲۰)
بابوش ۳، شانه سرک ۳۰، پوپو ٤۲، پُوپُو ۶۱، بوبوتش ۹۱، شانه سره ۱۰۰، بوبو ۱۰۸، بُوبِش - شانه سر ۱۰۹، بربوت ۱۲۹

هُدُوا: وَهُدُوٓاْ إِلَى ٱلطَّیِّبِ مِنَ ٱلْقَوْلِ (۲۲:۲٤)
ره نموده شند ۱، راه نمودشان ۲٤، راه نموده شوند ۲۹، راه نمایند شان ۳۰، راه نموده باشد ۳٤، راه نمودند شان ٤۱، ره نموده شوند ٤۳، راه نماید ایشانرا ۵۱، بیارند ۵۳، راه نموده باشند ایشانرا ۵٤، راه نموده شدند ۵۸، راه نمایند شان ۶۱، راه نموده شده بودند ۶٤، راهنموده شدند ۹۲، رآه نموده شوند ۹٤، راه نمائید ایشانرا ۱۰۰، ره نموده شده بودند ۱۰۳، راه نموده شده اند ۱۱۱، راه نموده شد ۱۳۹

هَدَی: إِلَّا عَلَى ٱلَّذِینَ هَدَى ٱللَّهُ (۲:۱٤۳)
راه راست داد ۳، راه نمودست ۲٤، راه نموده باشد ۲۹، بر راه راست بداشت و دلهاشان نگه داشت ٤۰، راه راست داد ٤۲، رَاه رَاسْت دَاد ۵۵، راست راه داد ۷۶، رآه رآست داد ۹٤

~: فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِینَ ءَامَنُواْ لِمَا ٱخْتَلَفُواْ فِیهِ (۲:۲۱۳)
ره نمود ۱، راه راست نمود ۶۳

~: أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِینَ هَدَى ٱللَّهُ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقْتَدِهْ (۶:۹۰)
راه نمودن ٤۱، رآه نمود ۱۰۰

~: فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلضَّلَٰلَةُ (۷:۳۰)
راه دهد ۷۶، راه راست د آد ۹٤، راه نُمود ۱٤۰

~: أَن لَّوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَهَدَى ٱلنَّاسَ جَمِيعًا (۱۳:۳۱)
راه نمودی ۵، راه نماید ۵۸

~: فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى ٱللَّهُ (۱٦:۳٦)
راه نمود ۲، راه دهد ۱۱۸

~: وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ (۲۰:۷۹)
راهْ نُمود ۵۳، راه راست یافت ۷۲، نمود راه ۸۷، راه یافت ۹۲

~: ثُمَّ ٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ (۲۰:۱۲۲)
راه راست ۵۸، براه آورد ۱۳۲

~: ٱلَّذِى خَلَقَ فَسَوَّىٰ وَٱلَّذِى قَدَّرَ فَهَدَىٰ (۸۷:۳)
راه نمود ۲، راهنمود ۹۲

~: وَوَجَدَكَ ضَآلًّا فَهَدَىٰ (۹۳:۷)
بلندنام گردانید ۱۰٦

★ مَاهَدَیٰ: وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ (۲۰:۷۹)
ره ننمود ۱، راه نُنمود ۲، راه نیافت ۲۹، خود راه نیافت ۵۸، راه ننمود ٦۱، رآه ننمود ۱۰۰، نیافتند راه ۱۰۵، راه ندارد ۱۲۱، نـنـمـود راه راست ۱۲۸، راه راست ننمود ۱۳۲

ٱلْهَدْیَ: فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا ٱسْتَيْسَرَ مِنَ ٱلْهَدْىِ (۲:۱۹٦)
خُونْ رَیختن ۲، خُون ریختَن ٤۲، خون ریختن ۵۲، گوسفند ٦۱، گوسپندی یا گاوی یا شتری بکشد و بدرویشان دهد ٦۳، خون ۸۲

~: وَلَا ٱلشَّهْرَ ٱلْحَرَامَ وَلَا ٱلْهَدْىَ (۵:۲)
گوسپند ۱۰ مکرّر، قربان ۵۳، قربانی ٦۹، اشتر ۸۲، شتران ۱۰٦

~: وَٱلْهَدْىَ مَعْكُوفًا أَن يَبْلُغَ مَحِلَّهُۥ (٤۸:۲۵)
اشْتُران کُشتنی ۲، شتران قربان ۵۳، قربانیها ٦۱، اشتران کشتنی ۱۰۸

هُدِیَ: فَقَدْ هُدِىَ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۳:۱۰۱)
بره نموده شد ۱، راه نُموده باشند ش ۲، راه نموده شد ۳، راه نمودند وی را ۱۰، راه نَمودند اورا ۲۳، راه نمایند اوَرا ۲۷، راه یافته باشد ۳٦، راه نمودَه باشند ٦۲، راه نموده باشد ٦۳، راه یافته شود ۷۵، راه راست نمودند وی را ۹٤، رآه یافته باشد ۱۰۰، راه یافته است ۱۰٤، راه نموده شده است ۱۱۱، راه نموده شود ۱۲۱، راه نموده باشند ش ۱۲۷، راه نموده شده باشد ۱۳۸

ٱلْهُدَیٰ: ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲:۲)
راهنمون ۲۹، راهنمای ٤۲، رَاه نَمایندَهْ ۵۵، رهنما ۹۳، رهنمایی ۱۰۹

~: أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُا۟ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلْهُدَىٰ (۲:۱٦)
رَاهِ رَاسْت ۵۵

~: فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّى هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَاىَ (۲:۳۸)
راه نمـاای ۲، راه نمـایـی ٦٤، راه راستی ۹۱، رآه رآست ۹٤، راه نیکو ۱۱٤، راهي ۱۳۸

~: وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۲:۹۷)
رَاه نماینده ۵۲

~: قُلْ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلْهُدَىٰ (۲:۱۲۰)
راه نما ۲۹

~: أُنزِلَ فِيهِ ٱلْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ (۲:۱۸۵)
پدید کرده ٤۰

~: وَأَنزَلَ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ (۳:۳)
راه نماینده ۲، راه نمایش ۲۹، راهنما ۸۸

~: قُلْ إِنَّ ٱلْهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ (۳:۷۳)
راه راسْت ۲، نماید و فرماید ۵۸، دین ۷۵، کیش ۱۰۹

~: لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکًا وَهُدًی لِّلْعَٰلَمِینَ (٣:٩٦)
راه نمایند گی ١٠١

~: هَٰذَا بَیَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًی وَمَوْعِظَةٌ (٣:١٣٨)
ره نمونی ١، راهنمای ٨٨، رهٔ نمآی ٩٤، راه روشن ١٢٤

~: مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَیَّنَ لَهُ ٱلْهُدَیٰ (٤:١١٥)
راه راست ١، راهِ راست ٢

~: إِنَّآ أَنزَلْنَا ٱلتَّوْرَىٰةَ فِیهَا هُدًی وَنُورٌ (٥:٤٤)
راه رآستی ٩٤

~: وَءَاتَیْنَٰهُ ٱلْإِنجِیلَ فِیهِ هُدًی وَنُورٌ (٥:٤٦)
پیداای ٢، پیدایی ١٠ مکرّر، راه نُمای ٤٥

~: قُلْ إِنَّ هُدَی ٱللَّهِ هُوَ ٱلْهُدَیٰ (٦:٧١)
ره ١، رآه راسْت ٢، راه نمایـد ٦٤، راستـی ٩٤، درست ١٢٣

~: ٱلْکِتَٰبَ ٱلَّذِی جَآءَ بِهِۦ مُوسَیٰ نُورًا وَهُدًی لِّلنَّاسِ (٦:٩١)
راه نمون ٢٤، راه رآست ٩٤، رآه نمون ١٠٠

~: عَلَی ٱلَّذِیٓ أَحْسَنَ وَتَفْصِیلًا لِّکُلِّ شَیْءٍ وَهُدًی وَرَحْمَةً (٦:١٥٤)
رهنمودن ١٠٩

~: فَقَدْ جَآءَکُم بَیِّنَةٌ مِّن رَّبِّکُمْ وَهُدًی (٦:١٥٧)
راه نمایی ٢، روشنایی و راه راست ١٠، رهنمایش ١٠٩

~: هُدًی وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِینَ هُمْ لِرَبِّهِمْ یَرْهَبُونَ (٧:١٥٤)
راه نمای و راه دان ٩٦، راه نُمایش ١٤٠

~: وَهُدًی وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (٧:٢٠٣)
رهنمودن ١٠٩

~: هُوَ ٱلَّذِیٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَیٰ (٩:٣٣)
راه راست نمودن ٢٧، راهٔ نمودن ٥٣، راه نمودن ٦٢

~: وَهُدًی وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِینَ (١٠:٥٧)
راه نمایی ٣، راه نمائی ٥٥، راهنماینده ٦١

~: وَهُدًی وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (١٢:١١١)
راه یافتن ٥٣، راه نُمودن ٥٥، راهبر ٥٨، بینایی ٧٦

~: تِبْیَٰنًا لِّکُلِّ شَیْءٍ وَهُدًی وَرَحْمَةً (١٦:٨٩)
راه نمای ٢

~: وَهُدًی وَبُشْرَیٰ لِلْمُسْلِمِینَ (١٦:١٠٢)
رآه نماینده ٢، رَه نمای ٥٣

~: وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن یُؤْمِنُوٓا۟ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَیٰٓ (١٧:٩٤)
راهِ راسْت ٢

~: إِنَّهُمْ فِتْیَةٌ ءَامَنُوا۟ بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَٰهُمْ هُدًی (١٨:١٣)
راه یافتگی ٢، گروش ٥٨، راه یافتگی ٩٦

~: وَیَزِیدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِینَ ٱهْتَدَوْا۟ هُدًی (١٩:٧٦)
اندر یافتن ٥٣، رهنمونی ٨٦

~: أَوْ أَجِدُ عَلَی ٱلنَّارِ هُدًی (٢٠:١٠)
ره نمون ٢٤، راه بر ٣٩، رهنمای ١٠٣

~: وَٱلسَّلَٰمُ عَلَیٰ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلْهُدَیٰٓ (٢٠:٤٧)
راسْت ٢، راهنمود ٨٧، راست ١٠٨

~: فَإِمَّا یَأْتِیَنَّکُم مِّنِّی هُدًی (٢٠:١٢٣)
راهنمونی ٨٦، رآه نمای ٩٤

~: مَن یُجَٰدِلُ فِی ٱللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًی (٢٢:٨)
راه یاب ٨٧

~: وَٱدْعُ إِلَیٰ رَبِّکَ إِنَّکَ لَعَلَیٰ هُدًی مُّسْتَقِیمٍ (٢٢:٦٧)
راه ٢

~: وَهُدًی وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (٢٨:٤٣)
راه نمونی ٢

~: وَإِنَّآ أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى (۳۴:۲۴)
راه راسته ۱۱۱

~: ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُ (۳۹:۲۳)
راه نمود ۳۳

~: فَهَدَيْنَٰهُمْ فَٱسْتَحَبُّوا۟ ٱلْعَمَىٰ عَلَى ٱلْهُدَىٰ (۴۱:۱۷)
راه رَاست ۸۱

~: وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ هَٰذَا هُدًى (۴۵:۱۱)
راه راست ۲

~: وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۴۵:۲۰)
راه راست نماینده ۶۱

~: وَٱلَّذِينَ ٱهْتَدَوْا۟ زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَىٰهُمْ تَقْوَىٰهُمْ (۴۷:۱۷)
راه‌دانی ۹۶

~: هُوَ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ (۴۸:۲۸)
راستی و راه نمایی ۱۳۶

~: هُوَ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ وَدِينِ ٱلْحَقِّ (۶۱:۹)
براستی ۱۳۶

* وَلَا هُدًى: مَن يُجَٰدِلُ فِى ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى (۲۲:۸)
بی راه راسْت ۲

هَدْيًا: يَحْكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًۢا بَٰلِغَ ٱلْكَعْبَةِ (۵:۹۵)
گوسپند ۵۲، قُربان ۵۳، گوسفند ۱۰۵

بِهَدِيَّةٍ: وَإِنِّى مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌۢ (۲۷:۳۵)
یاد گار ۳۶، بیلک و سوقات ۱۰۹

هَدَيْتَنَا: رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا (۳:۸)
ره نمودی ۱، راه نُمودی ۲، راه نمودی ۳، راه راست دادی ۱۰، راهنمودی ۴۱، راه راست دَادی ۴۲، راه نمودی تو ۶۱، راه راست نمودی ۶۴، راه یابیم ۷۵، رآه نمودی ۱۰۰

هَدَيْنَا: وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ ۚ كُلًّا

هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ (۶:۸۴)
ره نمودیم ۱، راه بنمودیم ۲۶، راه راست نمودیم ۲۷، راه راست دادیم ۲۹، بر راه بداشتیم ۵۸، راه نمودیم ما ۶۱، راه نموده بودیم ما ۶۳، رآه نمودیم ما ۱۰۰، راه راست دادیم ما ۱۲۴

~: وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْرَٰٓءِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا (۱۹:۵۸)
راه نمودیم ۲، راه راست نمودیم ما ۵۶، راهنمودیم ۹۲، نمودیم ۱۰۶، راه نمودم ۱۳۹

هَدَيْنَاكُمْ: قَالُوا۟ لَوْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَهَدَيْنَٰكُمْ (۱۴:۲۱)
راه نمودیمی ۵، رَاهْ نَمُودِیمی ۵۵، راه نمودمانی ۵۷، راه راست نمودیمی ما ۶۱، ما نمایيم ۷۶، راه می نمودیم ۹۲، راه نمود مارا ۹۹، رآه می نمودیم ۱۰۰، راه نمایيم ۱۱۲، راه نمودمی ۱۱۴، بردی ما را راه ۱۳۰

هَدَيْنَاهُ: إِنَّا هَدَيْنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا (۷۶:۳)
ره نمودیم ۱، بنمودیم ۲، راه نمودیم ۳۹، نمودیم ۴۱، راهنمودیم ۸۷، پدید کردیم ۹۱، رآه نمودیم ما ۱۰۰

هَدَيْنَاهُمْ: وَلَهَدَيْنَٰهُمْ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا (۴:۶۸)
استوار داشتیم ۳، بداشتیمی ۱۰، نمایيم راه ۲۴، بنمودیمی ۲۹، بنمائیم ۳۶، راه نمودیمی ۴۵، راه نمودیم ما ۶۱، راه نمودمانی ۶۳، راه نمائیم ۷۵، بنمودیم ۷۶، راه نمودمی ما ۹۲، رآه نمائیم ۱۰۰، راه نمایم ۱۱۱، راه نمودمانیم ۱۳۸

~: وَٱجْتَبَيْنَٰهُمْ وَهَدَيْنَٰهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۶:۸۷)
ره نمودیم ۱، راه نمودیم ۹، بداشتیم ۱۰، راه راست نمودیم ۲۹، راه راست دادیم ۸۲، رآه نمودیم ۱۰۰، رهبریشان نمودیم ۱۱۲، رسانیدیم ۱۲۲

~: فَهَدَيْنَٰهُمْ فَٱسْتَحَبُّوا۟ ٱلْعَمَىٰ عَلَى ٱلْهُدَىٰ (۴۱:۱۷)
پیدا کردیم ۲۴، رَاه نُمودِیم ۵۱، راه نُمودیم ۵۲، بخواندیم براه راست ۵۸، رآه نمودیم ما ۱۰۰، راه

پدید کردیم ۱۰۸

هَدَیناهُما: وَهَدَيۡنَٰهُمَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ (۳۷:۱۱۸)
ره نمودیم ۱، بنمودیم ۳۳، راه نمودیم ۶۱، راه نُمودیم ۸۱، راهنمودیم ۸۷، رآه نمودیم ما ۱۰۰، نمودیم ۱۳۲، راه نمایی کردیم ۱۳۶، راه نمودیم ما ۱۳۸

هذا: قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُ (۲:۲۵)
این ۵۵

~: ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ (۲:۷۹)
این ۲

~: وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا (۲:۱۲۶)
اینْ ۲، اینک ۵۸

~: قُلۡتُمۡ أَنَّىٰ هَٰذَاۖ قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡ (۳:۱۶۵)
این ۱

~: رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ (۳:۱۹۱)
اینها را ۱۰۵

~: قَالَ ٱللَّهُ هَٰذَا يَوۡمُ يَنفَعُ ٱلصَّٰدِقِينَ صِدۡقُهُمۡ (۵:۱۱۹)
اینست ۹

~: وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ (۱۷:۴۱)
درین ۱

~: قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡۖ هَٰذَا ذِكۡرُ مَن مَّعِيَ (۲۱:۲۴)
اینک ۲

~: قَالَ بَلۡ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمۡ هَٰذَا فَسۡـَٔلُوهُمۡ (۲۱:۶۳)
این چنین ۱۲

~: هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنۡ عَدُوِّهِۦ (۲۸:۱۵)
این یک مرد ۲۴، آن ۶۱

~: قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّفۡتَرٗى (۲۸:۳۶)
اینچ ۴۷

~: وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ بَلَىٰ (۳۹:۷۱)
این رُوز ۱۳۶

~: أَمۡ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡ هَٰذَا ٱلَّذِي هُوَ مَهِينٞ (۴۳:۵۲)
وی ۳۰

بهذا: فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ (۲:۲۶)
آین ۲۹

~: إِنۡ عِندَكُم مِّن سُلۡطَٰنِۭ بِهَٰذَآ (۱۰:۶۸)
برین ۹۶

فهذا: لَقَدۡ لَبِثۡتُمۡ ... إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡبَعۡثِۖ فَهَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡبَعۡثِ (۳۰:۵۶)
اینست تان ۶۱

لهذا: يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ (۱۸:۴۹)
این ۶۱

وهذا: قَالَ أَنَا۠ يُوسُفُ وَهَٰذَآ أَخِي (۱۲:۹۰)
این ۲

★ هذا الأدنى: يَأۡخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا ٱلۡأَدۡنَىٰ (۷:۱۶۹)
این جهان ۳۵

★ هذا الذی: قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُ (۲:۲۵)
این آن همست ۴۰

★ مالهذا: وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ (۲۵:۷)
چه بوده است ۹۴

★ مِنْ هذا: رَبِّي لِأَقۡرَبَ مِنۡ هَٰذَا رَشَدٗا (۱۸:۲۴)
ازین ۱۰۸

هذان: قَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ (۲۰:۶۳)
این دَو ۲، اینان ۵۶، ایشان ۵۸، این هر دو ۷۶، این دو مرد ۱۳۲

~: هَٰذَانِ خَصۡمَانِ ٱخۡتَصَمُواْ فِي رَبِّهِمۡ (۲۲:۱۹)
این دُو ۲

هٰذِهِ: وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۲: ۳۵)
این ۵۵

~: وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۷: ۱۹)
بدین ٦۱

~: قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً (۷: ۷۳)
این ۱

~: وَاكْتُبْ لَنَا فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً (۷: ۱۵٦)
درین ۱

~: وَأُتْبِعُوا فِي هٰذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۱: ۹۹)
اندرین ۹٦

~: مَا نَبْغِي هٰذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا (۱۲: ٦۵)
اینک ۲، اینک ۷٦، اینک ۱۲۸

~: فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هٰذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ (۱۸: ۱۹)
اینها ۱۳۲

هَرَبًا: وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (۷۲: ۱۲)
گریختن ۱، بگریختن ۲، گریز ۳٦، گُریختن ٤۲، گریختن ۹٤، گریزان ۱۱۳، گریزندگان ۱۲۱

بِالْهَزْلِ: إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۸٦: ۱٤)
بازی ۱، سخن بیهوده ۲، بیهوده ۳٤، بازی و نادرست ۸۰، نادرست ۱۱٤، افسوس ۱۲۰

هَزَمُوهُمْ: فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ (۲: ۲۵۱)
بشکستند ۲۷، بشکستند ٤۲، بشکستند ۵۵، شکستند ٦۱، درهم شکستند ۱۱٦، شکست دادند ۱۲۰، بشکستند ۱۲۱، گریزانیدند ۱۲۲، شکستن ۱۳۰، برشکستند ۱۳۸

هُزُوًا: قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ (۲: ٦۷)
فُسوس ۵۵، رسوا و ریشخند ۱۳٦

~: وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا (۲: ۲۳۱)
اوسوس ۱، أفسوس ۲، بافسوس ٦۱

~: لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا ... أَوْلِيَاءَ (۵: ۵۷)
فسوس ۲، فُسوس ۵۳، فسوس کردن ۵٦، افسوس و خنده ٦۷، هوس ۷۵، بازی و نافرجامی ۱۰٦

~: وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا (۵: ۵۸)
أفسوس ۲، فسوس ۳

~: وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنْذِرُوا هُزُوًا (۱۸: ۵٦)
افسوس ۳، مسخره و فسوس ٤٤، افسوس ۵٦، فُسوس ۱۰۸، افسوس کرده شده ۱۱٦

~: وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا (۱۸: ۱۰٦)
بازیچه ۱۳٦

~: إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا (۲۱: ۳٦)
افسوس ۲، آفسوس ۵۳

~: وَإِذَا رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا (۲۵: ٤۱)
آفسوس ۲، خنده استانی ٤۷، فسوس ـ خندستانی ۱۰۹

~: لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا (۳۱: ٦)
خندستانی ٤۷، خندستان ۱۰۲

~: وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا (٤۵: ۹)
آفسوس ۲، افسوسی ۱٦، افسوس ۲۲، افسوس و خندستانی ۱۰۲، مسخرگی ۱۰۳

~: ذٰلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا (٤۵: ۳۵)
بازی ۲٤، فسوس ۳۲، افسوس داشتن ۸۱

هُزِّي: وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ (۱۹: ۲۵)
بجنبان ۱، بجنبان ۲، درجنبان ۳، بکش ۲٤، بجمبان ۵۳، درجنبان ۸۰

كَهَشِيمِ: فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ (۵٤: ۳۱)

چون خاشه‌ی تنک بستار[1] ۱، گیاه خشک ۳، خشک شده ۳٤، گیاه شکسته ۳٦، ریزه شده ۳۹، گیاه خشک ریزنده ٤۱، گیاه خشک ٤۲، برگ خشک ٤۹، گیاه خشک پوسیده ۵۱، گیاه ٦۹، گیاه ریزیده خشک ۷۹، گیاه ریزهٔ خشک ۸۱، گیاه شکسته و ریزیده ۹۹، گیاه برکنده و خشک ۱۰۲، گیاه درهم شکسته ۱۰۳، گیاه ریزنده خشک ۱۰٤، گیاه خشک شده ۱۰٦، گیاه خشک کرده ۱۱۳، درخت خشک درهم شکسته ۱۱٦، کشت[2] ۱۱۷، گیاه درهم شکسته ۱۲۰، گیاه پراکنده خشک شده ۱۲٤، شاخهای درخت خشک ۱۳۲

هَشِیمًا: فَٱخْتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا (۱۸:٤۵)

شکسته ۱، خُشک ۲، خشک ریزه ۳، خشک شده ۸، خشک ۲٤، خشک ریزه‌ریزه ۳۰، کوفته ۳۸، گیاه خشک ٤۳، خشک و ریزیده ٤۸، کوفته و ریخته ٤۹، دروده ۵۳، خُشک ریزَه ریزَه ۵۵، گیاه خشک ریزیده ۵٦، شکسته و خرد ۵۸، دَرودهٔ خشک ٦۳، خشک و شکسته ٦٤، خشک ریزه‌ریزه شکسته ٦۷، شکننده ٦۹، شکسته خرده ۷٤، ریزه‌ریزه ۷۹، گیاه ریزه خشک ۹٤، خوشیده ۹۵، ریزه خشک ۱۰٤، دروده خشک ۱۰٦، خشک گشته ۱۰۸، خشک شده و درهم شکسته ۱۱۱، خشک گشته و درهم شکسته ۱۱٦، خشکیده ۱۱۸، شکسته و خورد ۱۱۹، خشک و ریزه‌ریزه ۱۲۱، کوفته ـ ریخته ۱۲٦، گیاه خشک برهم شکسته ۱۳۰، کشته خشک ۱۳۱، درهم شکسته ۱۳۵، ریزیده ۱۳۹

هَضْمًا: فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (۲۰:۱۱۲)

کهستن[3] ۱، کاستن ۲، کم کردن ۳، کاستن ۳۰، شکستگی ۳٤، شکستن ۳۹، شِکَستَن ۵۳، کم بودن و شکستن ۵٦، شکسته ٦۲، کم کند ۷۸، شکستَنْ ۸۷، گزاف ۸۸، بیداد ۹۰، زار کشتن ۱۰۲، کاهش ۱۰٦، انکاستن ۱۰۸، شکست ۱۰۹، گم کردن ۱۱۹، بیداد کردن ۱۳۰، کشتن[2] ۱۳۹

هَضِیم: زُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (۲٦:۱٤۸)

دربافته ۱، برهم نهاده ۲، بهم درشدست از بسیاری و شکسته ۳، با هم آمده ۲۹، نرم و پخته ۳۹، گوارنده ٤۱، با یکدیگر پیوسته ٤۲، فراهم و انبوه ٤٦، میوه آن برهم نشانده و خوش و گوارنده ٤۷، بر یک دیگر نهاده ٤۹، با یکدیگر پیوست ۵۲، پُخته و خوش ۵٦، گوارنده و خوش ۵۸، پخته شود ٦۱، باریک ٦۲، نرم و پخته ٦۵، پخته ۷٦، فراهم آورده ۷۸، بهم درشده از بسیاری و شکسته ۸۰، برهم نشانده ۸۹، انبوه ۹۰، بهم درشده و شکسته از بسیاری ۹۱، فراهم آورده ۹۸، پخته و رسیده ۱۰۱، درهم نشانده ۱۰٦، باریک و نازک نرم و پخته ۱۰۹، نازک ۱۱۱، رسیده ۱۱۳، بهم درشد ۱۱٤، بَرهَم نهاده ۱۱۹، بهم رسنده ۱۲۱، درهم ۱۲۲، نازک و نرم ۱۲۳، خوش گوارنده ۱۲٤، با هم پیوست ۱۲۵، بهم درشده ۱۲۹

هَکَذا: فَلَمَّا جَآءَتْ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ (۲۷:٤۲)

چنین بود ۱، همچنین ۳، همچنین است ۳۰، هم چنین ٤۳، همچونین است ۹۱، این ۱۱٤، همین است ۱۲٤

هَلْ: قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ (۲:۲٤٦)

مگر ۲، چه ۲۹

~: يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ مِن شَىْءٍ (۳:۱۵٤)

---

۱. خاشه ی تنک بستار: خاشاکی ریزه.

۲. هم می تواند از «کِشتن» باشد به اعتبار معنی گیاه، و هم از «کُشتن» به معنی خرد کردن و درهم شکستن.

۳. کهستن: کاستن؛ کم کردن.

ای ١، آیا ١٠، ای هستا ٢٩، خود ١٠١

~: قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ ٱللَّهِ (٥:٦٠)
اُکنون اگر ١٠، چیز خواهیت ١٠ مکرّر، ایٰ ٣٧، او ٥٨

~: هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً (٥:١١٢)
چیز ٢، هست که ٩٠

~: قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ (٦:٥٠)
کی ٨٨

~: قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَآ (٦:١٤٨)
ای هست ١

~: قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَآ إِلَّآ إِحْدَى ٱلْحُسْنَيَيْنِ (٩:٥٢)

هیچ ٥٥

~: قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ (١٠:٣٥)
هست

~: مَثَلُ ٱلْفَرِيقَيْنِ كَٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْأَصَمِّ وَٱلْبَصِيرِ وَٱلسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا (١١:٢٤)
ا ٢٤، آی ١٠٠

~: قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمْ عَلَىٰٓ أَخِيهِ (١٢:٦٤)
او ٢٤

~: قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِى ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُ (١٣:١٦)
هیچ ٥٥

~: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ (١٦:٣٣)
ای ٦٢

~: هَلْ يَسْتَوِى هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ (١٦:٧٦)
هرگز ٥٨

~: قُلْ سُبْحَانَ رَبِّى هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا (١٧:٩٣)
چیز ٢

~: وَٱصْطَبِرْ لِعِبَٰدَتِهِۦ هَلْ تَعْلَمُ لَهُۥ سَمِيًّا (١٩:٦٥)
آی هیچ ١٠٠

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُم مِّنْ أَحَدٍ (١٩:٩٨)

همی ٦١

~: قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ (٢٠:١٢٠)
تا ١٠٨

~: هَلْ هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ (٢١:٣)
نیست ٥٦

~: فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُۥ مَا يَغِيظُ (٢٢:١٥)
چه چیز ٦١

~: قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (٢٦:٧٢)
همیْ ١١٩

~: فَيَقُولُوا۟ هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ (٢٦:٢٠٣)
هستیم ٨٧

~: هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن شُرَكَآءَ فِى مَا رَزَقْنَٰكُمْ (٣٠:٢٨)
هیچ ٢

~: هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَىْءٍ (٣٠:٤٠)

اُهستید ٦١

~: هَلْ مِنْ خَٰلِقٍ غَيْرُ ٱللَّهِ يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَ (٣٥:٣)
هان ٦٤

~: قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ (٣٧:٥٤)

~: يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ (۳۰:۵۰)

چیز ۲

~: هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ (۲٤:۵۱)

هیچ ۲، بدرستی ٦

~: هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا (۱:۷٦)

بدرستی ۳، هر آینه ۸۸، بدرستی که ۱۱٤

★ هَلْ أَدُلُّكُمْ: فَنَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ (٤۰:۲۰)

باشم شما را چیزی راه نمون ۱۰۸

~: فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ (۱۲:۲۸)

چیز خواهید تا راه نمونی کنمتان ۲

★ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ: وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ (۳۹:۲٦)

خواهید گرد آمدن ٦۱

★ هَلْ تُحِسُّ: هَلْ تُحِسُّ مِنْهُم مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (۹۸:۱۹)

تو می یابی ۲۹

★ هَلْ عَسَيْتُمْ: قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا (۲٤٦:۲)

چه بود شما را ۲۹

★ هَلْ كُنْتُ: قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا (۹۳:۱۷)

نیستم من ۵۸، من نیستم ٦۳

★ هَلْ لَنَا: يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ (۱۵٤:۳)

هیچ هست ما را ۳

★ هَلْ يُجْزَوْنَ: هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱٤۷:۷)

همی پاداشت دهند ایشانرا ۳۵، پاداش داده نشوند ۹۲

★ هَلْ يَسْتَوِي: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ (۱٦:۱۳)

همی راست باشند ۵۷

★ هَلْ يَنْظُرُونَ: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً (٦٦:٤۳)

نمی نگرند ۸۱

فَهَلْ: وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ (۹۱:۵)

ای ۱، چیز ۲، چه چیز ۲٦، هستید ۵۸

~: فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ (۱۰۲:۱۰)

چه ۵۲

~: فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۳۵:۱٦)

نیست ۵۵، نیست ۵۸

~: فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (۹٤:۱۸)

هست ۵۸

~: لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ (۸۰:۲۱)

هستید ۵۸، آیا ۸٦

~: فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۰۸:۲۱)

او ۲٤

~: فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ (٤۷:٤۰)

هیچ ۲

~: فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً (۱۸:٤۷)

چنین ۸۱

★ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ: فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ (۹۱:۵)
چرا شما باز نباشید ۹۲

★ فَهَلْ وَجَدْتُمْ: فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا (۴۴:۷)
همی یافتی شما ۵۷

وَهَلْ: وَهَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ إِذْ رَءَا نَارًا (۹:۲۰)
چیز ۶۱، بدرستی ۶۴

~: وَهَلْ أَتَىٰكَ نَبَؤُا۟ ٱلْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا۟ ٱلْمِحْرَابَ (۲۱:۳۸)
هیچ ۳۸، هست ۵۶

★ وَهَلْ أَتَى: وَهَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ (۹:۲۰)
نیامد؟ ۲۴

هَلَكَ: إِنِ ٱمْرُؤٌا۟ هَلَكَ لَيْسَ لَهُۥ وَلَدٌ وَلَهُۥٓ أُخْتٌ (۱۷۶:۴)
بمرد ۱، میرد ۳، بَمیرد ۱۰، بمیرد ۲۴، بمُرد ۴۵

~: لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنۢ بَيِّنَةٍ (۴۲:۸)
نیست خواهد شد ۱۳۶

~: حَتَّىٰٓ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ ٱللَّهُ مِنۢ بَعْدِهِۦ رَسُولًا (۳۴:۴۰)
فرمان یافت ۶۷، درگذشت ۱۲۳، بمیری تو ۱۲۴

~: هَلَكَ عَنِّى سُلْطَٰنِيَهْ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ ٱلْجَحِيمَ صَلُّوهُ (۲۹:۶۹)
نیست شد ۳، بباد شد ۱۹، بشد ۳۹، گم شد ۱۲۰

هَلُمَّ: قُلْ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ يَشْهَدُونَ (۱۵۰:۶)
بیارید ۱، بیارید ۲، بیاریت ۳، بیارَی ۱۰، بیاری ۲۴، بیارِیْت ۵۵، برخوانید ۸۵، بیارند ۹۰، بیاورید ۱۰۰، بیاورید ۱۰۶

~: قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَٱلْقَآئِلِينَ لِإِخْوَٰنِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا (۱۸:۳۳)
بیایید ۱، بیاییت ۳، بشتابید ۳۶، بیائید ۳۹، آییت ۸۰، نزدیک گردانید ۸۶، آئید ۱۱۴، بیایند ۱۲۹

هَلُوعًا: إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹:۷۰)
دشکیو[۱] ۱، ناشکیبا ۲، آزور ۶، نالنده ۳۰، شتاب کُننده ۴۲، تنگدل ۴۳، شتاب کننده ۴۹، شتاب ۶۱، دل تنگ ۶۵، تنگ دل ۹۱، زاری کننده ۱۰۲، زود زاری کننده ۱۰۹

هُمْ: وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴:۲)
ءایشان ۲

~: أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ (۵:۲)
خُویش ۲

~: وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ (۹:۲)
خُوْد را ۵۵

~: فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسْمَآئِهِمْ (۳۳:۲)
اینها ۳، اینان ۱۰

~: فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۸۶:۲)
شان ۶۱

~: فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُوا۟ كَفَرُوا۟ بِهِۦ (۸۹:۲)
بریشان ۳۸

~: وَلَمَّا جَآءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ (۱۰۱:۲)
بایشان ۲۹

~: وَّإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّمَا هُمْ فِى شِقَاقٍ (۱۳۷:۲)
ایشا ۵۷

~: وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ (۱۶۷:۲)
با ایشان ۲۹

~: وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ (۱۰۴:۳)
آنان ۵۷

---

۱. دشکیو: ناشکیبا، ناشکیب.

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُم (٤٩:٤)
خود ٢٧

~: وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِمْ (٤:٦)
بريشان ٥٨

~: وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَآئِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ (١١٩:٦)
خويش ١٠ مكرّر

~: أُوْلَٰٓئِكَ كَالْأَنْعَٰمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ الْغَٰفِلُونَ
(١٧٩:٧)

اوشان ٩٦

~: فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ (١٥:٨)
ازشان ٦١

~: وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (٧٦:١١)
بديشان ١

~: وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن ظَلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ فَمَآ أَغْنَتْ عَنْهُمْ ءَالِهَتُهُمُ (١٠١:١١)
وريشان ١

~: فَلَمَّا رَجَعُوٓا إِلَىٰٓ أَبِيهِمْ (٦٣:١٢)
خُود ٧٦

~: لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْـِٔدَتُهُمْ هَوَآءٌ (٤٣:١٤)
ايشا ٩٦

~: لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ
(٤٨:١٥)

فراايشان ٦٢

~: لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِى سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (٧٢:١٥)
خُويشْ ٢

~: وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن كَانُوٓا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ
(١١٨:١٦)

برايشان ٢، خويشتن ٣٤

~: وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓا إِذْ جَآءَهُمُ الْهُدَىٰ (١٨: ٥٥)
بايشان ٢

~: فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (٧:٢٣)
ايشان ١

~: إِنِّى جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوٓا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ
(١١١:٢٣)

آيشان ٤٧

~: وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٣٨:٣٠)
اوشان ٩٦

~: أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَٰثًا (٥٠:٤٢)
شانِ ٢٢

~: إِنَّ مِنْ أَزْوَٰجِكُمْ وَأَوْلَٰدِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ (١٤:٦٤)
ازيشان ٦١

★ فِيهِمْ: وَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَوٰةَ
(١٠٢:٤)

دريشان ١

★ مَاهُمْ: وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ يُخَٰدِعُونَ اللَّهَ (٨:٢)
نيستند ٢، نيند ٢٤، نه اندايشان ١٠١

~: وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنْ أَحَدٍ (١٠٢:٢)
نيستند شان ٩٢، نيستند ١٢١

~: وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنْهَا (٣٧:٥)
نيند ايشان ١

~: وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ (٥٦:٩)
نانداشان ١

~: وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ (٤٨:١٥)
نباشند ١٠٠

~: وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنْ خَطَٰيَٰهُم (۲۹:۱۲)
نبند ۱، نباشند ایشان ۲

~: إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ (۴۰:۵۶)
نیستند ایشان ۳۹

~: وَإِن يَسْتَعْتِبُوا۟ فَمَا هُم مِّنَ ٱلْمُعْتَبِينَ (۴۱:۲۴)
نیستند ایشان ۸۱

★ وَمَاهُمْ بِخَارِجِينَ: وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ (۲:۱۶۷)
هرگز بیرون نیایند ایشان ۴۰

★ وَمَاهُمْ بِضَارِّينَ: وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنْ أَحَدٍ (۲:۱۰۲)
ایشان گزند نکنند

فَهُمْ: صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۲:۱۸)
ایشان ۱۰

~: ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶:۱۲)
خویش ۱۲۴

~: فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (۹:۴۵)
اوشان ۹۶

~: فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُوا۟ بِرَآدِّى ... عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَآءٌ (۱۶:۷۱)
ایشان ۱

~: فَهُمْ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ يُهْرَعُونَ (۳۷:۷۰)
خود ۱۰۳

لَهُمْ: وَلَهُمْ فِيهَآ أَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ (۲:۲۵)
ایشانرا باشد ۳۶

~: فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا۟ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ (۲:۶۵)
آیشان را ۱۰

~: إِذْ قَالُوا۟ لِنَبِىٍّ لَّهُمُ ٱبْعَثْ لَنَا مَلِكًا (۲:۲۴۶)
ازیشان ۱۰۳، خویش را ۱۲۴

~: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمْ (۳:۱۵۹)
اوشان ۹۶

~: لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۵:۹)
ایشانراست ۷۰

~: ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْىٌ فِي ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِي ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۵:۳۳)
ایشانرا ۲

~: ٱنظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلْءَايَٰتِ (۵:۷۵)
مرایشانرا ۲

~: لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (۵:۱۱۹)
ایشان ۱

~: لَهُمْ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمْ ۖ وَهُوَ وَلِيُّهُم (۶:۱۲۷)
مرایشانراست ۹۴

~: أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَآ ۖ أَمْ لَهُمْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا (۷:۱۹۵)
از بهر ایشان ۵۷، آن ۵۸

~: قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُوا۟ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ (۱۰:۸۰)
مرشانرا ۹۲

~: لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ (۱۳:۱۸)
مریشانرا ۵۸

~: قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغْوَيْتَنِى لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي ٱلْأَرْضِ (۱۵:۳۹)
برایشان ۱۱۲

~: وَلَا تَقْبَلُوا۟ لَهُمْ شَهَٰدَةً أَبَدًا (۲۴:۴)
زیشان ۴۷

~: لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ (۳۱:۸)
مَرایشانرا ۶۱

~: وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ (۲۰:۳۲)
مرايشانرا ٦١

~: فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (۲۵:۷۱)
مرخويشتن را ٥٦، مرخود را ٨٠

★ مَالَهُمْ: وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۲:۳)
نيست و نباشد شان ٥٨

~: وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ (۳٤:۸)
چه بُودِسْت مرايشان را ٥٥

~: وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ (۲۷:۱۰)
نباشد مرايشانرا ١٢٧

~: وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۸:٤۲)
نيستشان ١١٤

★ فَمَالَهُمْ: فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ (٤۹:۷٤)
نبودستشان ١١٤

~: فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰:۸٤)
چه بودستشان ١١٤

وَلَهُمْ: خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ ... وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷:۲)
ايشان ٢٤

~: وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۰:۲)
اوشان ٩٩

~: وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ (۲۵:۲)
اينها ١١٥

~: فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵:٦٤)
خويش ٦٤

وَهُمْ: وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۳۵:۳)
خود ٥٨

~: قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا (٦۱:۵)
ايشان ٢

~: قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ (۳۱:٦)
خويش ١٠٠

~: وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱٦۰:٦)
بريشان ٦٣

~: نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (۱۵:۱۱)
ايشا ٥٧

~: وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱٤:۵۸)
اوشان ٩٦

★ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ: ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۸۱:۲)
ايشآنرا ستم نكنند ١٠٠

هَمَّ: إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ (۱۱:۵)
انديشه كردند ١، خواستند ١٠، آهنگ كنند ١٠ مكرّر، آهنگ كردند ٤٢، انديشند ٥٣، دل دربستند ٥٧، آهنگ كردند ٦١، انديشه كرديد ٩١

~: وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ (۲٤:۱۲)
انديشه كردى ١، خواست ٢٤، انديشه كرد ٣٩، دل دربست ٥٧، آهنگ كرد ٥٨

هُمَا: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا (۱۵۸:۲)
آن دو ١٠، هر دو ٢٤

~: قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ (۲۱۹:۲)
اين هر دو ٣، آن هر دو ٦٢

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ (۲۲۹:۲)
آن دوا ١

~: فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ (۲:۲۳۳)
هردوان ۲۴، هردوشان ۶۲

~: أَن تَضِلَّ إِحْدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَىٰهُمَا ٱلْأُخْرَىٰ (۲:۲۸۲)
آن دو زنان ۲۵، دو تن ۶۲

~: وَٱللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ (۳:۱۲۲)
ایشان ۲، شان ۶۱

~: وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَآءً (۴:۱)
دو ۶۳

~: يُوَفِّقِ ٱللَّهُ بَيْنَهُمَآ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (۴:۳۵)
هر دُو ۲

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَٱلصُّلْحُ خَيْرٌ (۴:۱۲۸)
ایشان هر دو ۲

~: وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ (۵:۱۷)
این و آن ۶۳

~: وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا (۵:۱۸)
دُو ۲

~: تَحْبِسُونَهُمَا مِنۢ بَعْدِ ٱلصَّلَوٰةِ فَيُقْسِمَانِ بِٱللَّهِ (۵:۱۰۶)
آن دو ۱، ایشان ۲، ایشان دو ۱۰ مکرّر

~: فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰٓ أَنَّهُمَا ٱسْتَحَقَّآ إِثْمًا فَـَٔاخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا (۵:۱۰۷)
هر دو تن ۶۲

~: فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَٰتُهُمَا (۷:۲۲)
ایشان هر دُو ۱۰، خویشتن ۲۴، خود هر دو ۵۸

~: إِذْ أَخْرَجَهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ثَانِىَ ٱثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِى ٱلْغَارِ (۹:۴۰)
دوا ۱

~: وَقَالَ ٱلَّذِى نَجَا مِنْهُمَا وَٱدَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ (۱۲:۴۵)
دویان ۹۶

~: فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ أُولَىٰهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَآ أُو۟لِى بَأْسٍ شَدِيدٍ (۱۷:۵)
آن دو ۵۸

~: فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا (۱۸:۶۱)
خویش ۲۴

~: رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا (۱۹:۶۵)
این دو ۲

~: يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا (۲۰:۶۳)
خود ۵۸

~: ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِى فَٱجْلِدُوا۟ كُلَّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا مِا۟ئَةَ جَلْدَةٍ (۲۴:۲)
این دو ۲

~: فَجَآءَتْهُ إِحْدَىٰهُمَا تَمْشِى عَلَى ٱسْتِحْيَآءٍ (۲۸:۲۵)
آن دوگانه ۲۴

~: وَءَاتَيْنَٰهُمَا ٱلْكِتَٰبَ ٱلْمُسْتَبِينَ (۳۷:۱۱۷)
ایشان را هر دو ۵۶

~: وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٍ (۴۲:۲۹)
ایشان ۳۲

~: رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ (۴۴:۷)
آن هر دُو ۲

~: وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ (۴۴:۳۸)
هردو ۲

بِهِمَا: فَلَاجُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا (۲:۱۵۸)
بَدین دو گونه ۳۸، بدان هردو ۱۲۱

لَهُمَا: فَوَسْوَسَ لَهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا (۷:۲۰)
آن دو ۱

~: فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَٰتُهُمَا (۷:۲۲)
ایشان ۳

~: فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۱۷:۲۳)
مرایشان را ۳۷، مرهردو را ۹۲، مرایشاآنرا ۱۰۰

~: فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَٰتُهُمَا (۲۰:۱۲۱)
دوا ۱، مرایشانرا ٦۱

~: فَلَمَّآ أَنْ أَرَادَ أَن يَبْطِشَ بِٱلَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا (۲۸:۱۹)
ایشان هر دو ۲٤

~: فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ (۲۸:۲٤)
ایشا ۹٦

فَلَهُمَا: فَإِن كَانَتَا ٱثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا ٱلثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ (٤:۱۷٦)
ایشانرا ۲٤

وَهُمَا: وَقَدْ خَلَتِ ٱلْقُرُونُ مِن قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ ٱللَّهَ (٤٦:۱۷)
هردو ۲٤، اوشان ۹٦

هَمَّاز: وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ هَمَّازٍ (٦۸:۱۱)
اوسوس کنار ۱، بد گوی ۳، ستر گ ٥٤، رونده بسخن ٦٥، عیب جو ۷۹، بد گوی پشت ۹۲

هَمَّتْ: إِذْ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا (۳:۱۲۲)
اندیشه کردند ۱، آهنگ کردند ۲، آهنگ کردند ۳، اندر دل کرده بود ۱۰، آهنگ کنند ٤۱، آهنگ کَردَند ٤۲، در دل کردند ٤۸، آهنگ کردَند ٥٥، اندیشه کنند ٦۹، براندیشند ۱۲٤

~: وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُۥ لَهَمَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ (٤:۱۱۳)
اندیشه کردی ۱، آهنگ کردندی ۳، اندر دل کرده بُدند او خُواستند ۱۰، اندر دل کرده بودند ۲۷، آهنگ کردَه بُودَند ٤۲، اندیشه کَرْد ٥۳، آهَنگ کَردَنْدِی ٥٥، دل دربستندی ٥۷، آهنگ کرده بودند ۷۸، آهنگ کردی ۱۰۹

~: وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِۦ وَهَمَّ بِهَا (۱۲:۲٤)
اندیشه کرد ۱، آهنگ کَرْد ۲، باندیشد ٥۳، آهنگ کرد ٥۸، آهنگ کرد آن زن ۹٦، بیندیشید ۱۲٤

~: وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍۭ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ (٤۰:٥)
اندیشه کِردند ۲۲، خواستند ۲٤، اندیشیدند ۳۹، خواست ٦۱

هَمَزَات: رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ (۲۳:۹۷)
شورانگیزیها ۳٦، از راه بردن ٤۱، بدیها افکندن ٥۲، رنج نمودن و بازداشتن ٥٦، افشردنها ۷۷، افزدنها ۱۳۹

هُمَزَة: وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱۰٤:۱)
بد گوید از پیش ۳۹، بد گوی ٤۱، بد گویی به پس ۱۰۹

هَمْسًا: وَخَشَعَتِ ٱلْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (۲۰:۱۰۸)
سبوزی[1] ۱، شرفه ۳، آواز نرم ۲٤، بانگ اندک و نرم ۳٤، نرم آواز ٤۱، آواز نَرم ٤۲، آواز ٤۳، اواز نَرْم نَرْم ٥۳، بانگ اندک ٦۲، اواز نرم ٦۹، بانگ

۱. سبوز: آواز نرم.

نرم ۷۶، آواز آهسته ۷۹، آواز نهانی ۸۶، آوازی نرم ۸۹، آواز نرم چون لب جنباندن ۹۴، آواز پای ۹۶، آواز نـرم ۱۰۰، آواز نـرم و انـد ک ۱۰۹، آواز نرم و سخن آهسته ۱۱۶، آواز نفس و شرفه ۱۲۱، آواز نرم نرم ۱۲۴، آواز نهان ۱۳۲، آهسته ۱۳۵

هَمُّوا: وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ (۹:۱۳)
اندیشه کردند ۱، آهنگ کَردند ۲، مَی سگالیدَند ۱۰، آهنگ کردند ۱۱، خواستند ۲۴، گرد آمدند ۴۹، آهنگ کردَند ۶۱

~: وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَٰمِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا (۹:۷۴)
آهنگ کردنْد ۲، آهنگ کرده بودند ۱۲۷

هُنَّ: هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ (۲:۱۸۷)
ایشان ۲

~: فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ (۲:۲۲۲)
با یشان ۶۱، بدیشان ۱۰۰

~: وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا (۲:۲۳۵)
با ایشان ۲۷

~: ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا (۲:۲۶۰)
آنها را ۱۰۰

~: وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ (۴:۳۴)
از ایشان ۶۱

~: لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ (۴:۱۲۷)
شانرا ۶۱

~: فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ (۱۲:۳۱)
ایشان ۱

~: أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ (۱۲:۴۶)
آنرا ۲

~: رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ (۱۴:۳۶)
اینان ۱۱۴

~: وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ (۲۱:۵۶)
آن همه ۵۶

~: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ (۲۴:۳۱)
خویش ۲۴

~: تُرْجِي مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ (۳۳:۵۱)
زنان ۶۱، ازیشان ۶۱

~: تَكَادُ السَّمَٰوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ (۴۲:۵)
ایشان ۳۲

~: مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ (۵۸:۲)
آن زنان ۲

★ مَاهُنَّ: مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ (۵۸:۲)
نه اندایشان ۱، نیستند ۹۲، نیستند آن زنان ۱۱۳

بِهِنَّ: فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ (۴:۲۳)
بَدیشان ۱، ایشان ۳۰

لَهُنَّ: هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ (۲:۱۸۷)
مرزنان را ۶۱، مرایشآنرا ۱۰۰

~: وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ (۲:۲۲۸)
ایشانرا ۲، زنان را ۶۳

~: لَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً (۲:۲۳۶)
مرایشان را ۲۷

~: وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ (۲:۲۳۷)
مریشان را ۲۷

~: وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً (۱۲:۳۱)
ایشانرا ۱، از بهر ایشان ۳، مرشانرا ۹۲

~: لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ (۱۰:۶۰)
آن زنان ۳۰، مر آن زنان ۱۱۳

هُنَالِكَ: هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ (۳۸:۳)
نزدیک آن ۱۰، اینجا ۷۵، آنجا که ۹۲، هم آنجا ۹۶

~: فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ (۱۱۹:۷)
آنجا ۱

~: هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ (۳۰:۱۰)
آن جایگاه ۱۰، آنکه ۵۹، آن روز ۱۲۰، آنجانگاه ۱۲۷

~: هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ (۴۴:۱۸)
آنجا ۵۵

~: دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (۱۳:۲۵)
آنگاه ۲، آنجایگاه ۴۷، آنجایگاه ۱۰۰، آن جاگاه ۱۱۳

~: وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸:۴۰)
آنجات ۱۰۹

هَنِيئًا: فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا (۴:۴)
نوشی ۱، نُوش ۲، نُوش و شهد ۱۰، خوش ۲۹، گوارا ۳۶، نوشان ۴۳، گوارنده ۵۵، گوارنده باد ۶۵، بخواش باد[1] ۹۱، سازگار ۱۱۱، خوردن خوش ۱۲۰، خوردنی سازگار ۱۲۲، بسزگار[2] گوارا ۱۳۵

~: كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۹:۵۲)
گهارشتی[3] ۱، نوش باد ۴۳، خوش و گوارنده باد ۷۹، خوش کار ۹۴، نوش و گوآرنده ۱۰۰، خوش و گوارنده ۱۰۲، نوشتان باد گوارنده ۱۰۹، گوارنده و سازگار ۱۱۶

~: كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ (۲۴:۶۹)
گوارنده ۲، گوارنده و خوش ۳، نوش و گوارنده ۸، نوش گوارنده ۲۴، نوش ۲۹، گواران ۳۹، گوارنده و نوش ۴۹، خوش و گوارنده ۷۹، خوش گوارنده ۱۰۶

~: كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳:۷۷)
نوشتان باد ۱۹، خوش گوارا ۹۴، نوش و خوشگوار ۱۰۲، خوردنی ۱۲۰

هٰهُنَا: يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هٰهُنَا (۱۵۴:۳)
اینجا ۱، اینجا ۲، این جایگاه ۵۷، اِنْجا ۹۴

~: فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هٰهُنَا قَاعِدُونَ (۲۴:۵)
ایدر ۳۹، اینجا ۴۵، اینْجا ۵۵، اینجایگاه ۵۷، آنجا ۶۲، اینجایگه ۷۰

~: فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هٰهُنَا حَمِيمٌ (۳۵:۶۹)
اینجا ۳۹

هُوَ: هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (۲۹:۲)
آوی ۱۰، اوُ ۶۳

~: فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۳۷:۲)
او ۲

~: لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ (۱۶۳:۲)
وَیْ ۵۳

~: اللَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (۲۵۵:۲)

---

۱. بخواش باد: خوش باد، گوارا باد.
۲. بسزگار: سازگار.
۳. گهارشتی: گوارا باد.

اوی ۱

~: هُوَ ٱلَّذِی یُصَوِّرُکُمْ فِی ٱلْأَرْحَامِ کَیْفَ یَشَآءُ (۳: ۶)

اوُی ۹۴

~: قُلْ هُوَ مِنْ عِندِ أَنفُسِکُمْ (۳: ۱۶۵)

آن ۱

~: فَلَا کَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ (۶: ۱۷)

هم او ۹

~: إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِّلْعَالَمِینَ (۱۲: ۱۰۴)

این ۲

~: إِنَّ رَبَّکَ هُوَ ٱلْخَلَّٰقُ ٱلْعَلِیمُ (۱۵: ۸۶)

وی ۲

~: فَٱللَّهُ هُوَ ٱلْوَلِیُّ وَهُوَ یُحْیِ ٱلْمَوْتَىٰ وَ (۴۲: ۹)

وَی ۳۲

~: رَحْمَةً مِّن رَّبِّکَ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِیعُ ٱلْعَلِیمُ (۴۴: ۶)

او ۲

~: وَمَا یَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّکَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِیَ إِلَّا ذِکْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۷۴: ۳۱)

خودش ۱۳۶

فَهُوَ: فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَّکُمْ (۹: ۳)

تان[1] ۱، آن ۲۴

~: فَهُوَ یَصِلُ إِلَىٰ شُرَکَآئِهِمْ (۶: ۱۳۶)

وی ۲۷

~: قَالُواْ جَزَٰٓؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِی رَحْلِهِۦ فَهُوَ جَزَٰٓؤُهُۥ (۱۲: ۷۵)

او ۵۸، وَیْ ۹۴

لَهُوَ: وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلْعَزِیزُ ٱلْحَکِیمُ (۳: ۶۲)

آن ۵۶

~: وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ ٱلْعَزِیزُ ٱلرَّحِیمُ (۲۶: ۶۸)

او ۶۱

~: إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِیمُ (۳۷: ۶۰)

اوُ ۸۱

وَهُوَ: بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ (۲: ۱۱۲)

وَی ۲۹

~: قُلْ أَتُحَآجُّونَنَا فِی ٱللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّکُمْ (۲: ۱۳۹)

آوی ۱۰

~: کُتِبَ عَلَیْکُمُ ٱلْقِتَالُ وَهُوَ کُرْهٌ لَّکُمْ (۲: ۲۱۶)

آن ۱۰

~: وَمَن یَرْتَدِدْ مِنکُمْ عَن دِینِهِۦ فَیَمُتْ وَهُوَ کَافِرٌ فَأُوْلَٰٓئِکَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ (۲: ۲۱۷)

آوی ۱۰

~: وَهُوَ فِی ٱلْأٓخِرَةِ مِنَ ٱلْخَٰسِرِینَ (۳: ۸۵)

انکس ۲۵

~: بَلِ ٱللَّهُ مَوْلَىٰکُمْ وَهُوَ خَیْرُ ٱلنَّٰصِرِینَ (۳: ۱۵۰)

اوی ۱

~: وَهُوَ یَرِثُهَآ إِن لَّمْ یَکُن لَّهَا وَلَدٌ (۴: ۱۷۶)

این ۲

~: وَهُوَ ٱللَّهُ فِی ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَفِی ٱلْأَرْضِ (۶: ۳)

وی ۲

~: وَخَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (۶: ۱۰۱)

وَیْ ۹۴

~: وَٱصْبِرْ حَتَّىٰ یَحْکُمَ ٱللَّهُ وَهُوَ خَیْرُ ٱلْحَٰکِمِینَ (۱۰: ۱۰۹)

اوُ ۷۶

~: وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُۥ مُسْوَدًّا وَهُوَ کَظِیمٌ (۱۶: ۵۸)

---

۱. تان: پس آن، مر آن.

او ۲

~: وَهُوَ ٱلَّذِی خَلَقَ ٱلَّیْلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمْسَ (۲۱:۳۳)
اون ۱۱۳

~: وَهُوَ یُدْعَىٰٓ إِلَى ٱلْإِسْلَٰمِ (۶۱:۷)
ورا ۲

هَوَاءٌ: لَا یَرْتَدُّ إِلَیْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْـِٔدَتُهُمْ هَوَآءٌ (۱۴:۴۳)
گشته ۱، تهي ۔ أندروی ۲، تهی ۴۲، اویختهٔ ۵۳، خواست ۶۹، تهی و اندروای ۸۳، خالی گشته ۹۳، بگلو رسیده و بیهوش افتاده ۱۰۲، آرزوی ۱۲۸

هَوَاهُ: وَلَٰكِنَّهُۥٓ أَخْلَدَ إِلَى ٱلْأَرْضِ وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ (۷:۱۷۶)
آرزو ۲

~: وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُۥ عَن ذِكْرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ (۱۸:۲۸)
آرزو ۲، کـــام دل ۳، دام ۴۳، آرزو کــــرد ۱۲۶، خواهش ۱۳۲

~: فَلَا یَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَن لَّا یُؤْمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ فَتَرْدَىٰ (۲۰:۱۶)
کام ۲، خواست دل ۵۶

~: أَرَءَیْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ (۲۵:۴۳)
کام تن ۵۸، کام دلش ۱۱۴، کام ۱۱۹

~: وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَیْرِ هُدًى (۲۸:۵۰)
خواسته ۷۹، خواستن ۱۱۳

~: أَفَرَءَیْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ (۴۵:۲۳)
کام ۳، خواست ۲۹

هُودًا: وَقَالُوا۟ لَن یَدْخُلَ ٱلْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ (۲:۱۱۱)
جهود ۳، جَهُودان ۳۰

~: إِنَّ إِبْرَٰهِـۧمَ ... وَٱلْأَسْبَاطَ كَانُوا۟ هُودًا (۲:۱۴۰)
جهودان ۱۰

ٱلْهُونِ: ٱلْیَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ (۶:۹۳)
خواری ۱، خواری و سختی ۱۰ مکرّر، سخت ۲۴، سختر خواری ۲۶، خوار ۴۸، خواری و سخت ۶۷، خُواری ۸۸، کم ارزانی ۹۶

~: أَیُمْسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ یَدُسُّهُۥ فِی ٱلتُّرَابِ (۱۶:۵۹)
خُواری ۲، خَواری ۵۵، سستی ۹۹، سرزنش ۱۱۱، خاری ۱۲۴

~: فَأَخَذَتْهُمْ صَٰعِقَةُ ٱلْعَذَابِ ٱلْهُونِ (۴۱:۱۷)
خوار کننده ۲، خواری سخت ۶۱

~: فَٱلْیَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ (۴۶:۲۰)
خوارترین ۲۲، خوار و خوار کننده ۷۹

هَوْنًا: ٱلَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَى ٱلْأَرْضِ هَوْنًا (۲۵:۶۳)
نرم ۲، آهسته و نرم ۳، خوار ۲۹، فروتنی ۳۹، آهسته ۴۳، آسان ۴۶، أسان ۵۳، سبکای ۵۸، نرمی ۶۱، خواری ۷۲، آهسته ۷۶، آهستگی ۸۹، با نرمی و بی آزاری ۹۴، آسانی ۱۰۰، فروتنی و آهستگی ۱۰۲، بآهستگی ۱۰۶، نرم و بی آزار ۱۰۸، آرام و فروتن ۱۰۹، از روی سکینه ۱۲۰، آسان ۔ نرم ۱۲۶، با نرمی ۱۲۸، آهسته ۔ نرم ۱۲۹، فروتن و آرام ۱۳۲، سبکبانی ۱۳۹

هَوَىٰ: وَمَن یَحْلِلْ عَلَیْهِ غَضَبِی فَقَدْ هَوَىٰ (۲۰:۸۱)
افتاد ۳، نگوسار شود ۳۰، درافتاد ۴۱، بیفتاد ۴۳، نگوسار گشت ۹۴، نگوسار ۱۰۸، فروافتاد ۱۰۹، فروافتاده است ۱۱۱، نگونسار شود ۱۲۹، خوار است ۱۳۶، افتد ۱۳۷

~: وَٱلنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۵۳:۱)
فروشهد ۱، فرو رود ۳، آمد ۲۴، بیفتد ۲۹، فروشود ۳۰، فرود آمد ۳۹، فروافتد ۴۱، فروآمد ۴۲، فرود آید ۵۱، فُرُو ایَدْ ۵۳، فروشوند ۶۴، پانشیب برود ۸۹، فرود شوند ۹۰، فروآید ۹۶، با نشیب برود

۱۰۶، فرودایـد ۱۲۰، فروآمدن ۱۲۵، پاشیب برود ۱۳۸

اَلْهَوَی: فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰٓ أَن تَعْدِلُوا (۴:۱۳۵)
آرزوها ۴۵، کام دِلْ ۵۵، آرزوها ۶۱، آرزوی ۱۲۷

~: فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ (۳۸:۲۶)
أرزوی تن ۲، کام دل ۳، کام تن ۵۶، خواهش ۱۳۲

~: وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰٓ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۵۳:۳)
خـودی خـویـش ۳۰، خـواسـت تـن ۳۹، خـواسـت خویش ۴۲، هوس ۵۳، خواست دل ۵۶، خواست ۶۱، خواست خود ۹۶، سرخود ۱۰۰، خود خویش ۱۰۸، وایهٔ دل ۱۰۹، خواسته خوش ۱۳۰، کام ۱۳۹

~: وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (۷۹:۴۰)
آرزو ۲، کـام ۳۹، خـواسـتـه ۸۷، آرزوی کـام دل ۱۱۴، ناشایست ۱۳۴

هِیَ: إِن تُبْدُوا الصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَ (۲:۲۷۱)
آن ۱

~: قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا (۷:۳۲)
این ۲۴

~: قَالَ هِيَ رَٰوَدَتْنِي عَن نَّفْسِي (۱۲:۲۶)
اُو ۶۲

~: وَجَٰدِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (۱۶:۱۲۵)
وی ۲

★ مَاهِيَ: قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ (۲:۷۰)
چِیست وَی ۵۵

فَهِيَ: ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً (۲:۷۴)
آن ۱۰، ایشان ۲۹، کَآن ۹۴

لَهِیَ: إِنَّ الدَّارَ الْءَاخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ (۲۹:۶۴)
آن ۴۷

وَهِیَ: أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا (۲:۲۵۹)
وی ۹۱

~: فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ (۲۲:۴۵)
ایشان ۲

~: إِذَآ أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۶۷:۷)
آن ۱

هَيِّئْ: وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (۱۸:۱۰)
بـسـاز ۱، آمـاده کـن ۳، آسـان کـن ۲۴، سـاز ۳۶، اسان کن ۶۹، آسان ساز ۹۶، آسان گرد آن ۱۰۰، ساخته گردان ۱۰۳، سازده ۱۰۴، آماده گردان ۱۳۵

كَهَيْئَةِ: أَنِّيٓ أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ الطِّينِ كَهَيْـَٔةِ الطَّيْرِ (۳:۴۹)
بکردار ۲، نهاد ۳، مانـنده ۲۵، نموده[1] ۳۹، نَهاد ۵۵، نمونه ۵۸، پیکر ۱۰۹، مانده[2] ۱۳۸

~: وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْـَٔةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي (۵:۱۱۰)
نمون ۱، سان ۲، سازش ۹، نشان ۱۰ مکرّر، مانند ۲۹، برسان ۵۲، همچون ۱۱۹، شکل ۱۲۶

هَيْتَ: وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ (۱۲:۲۳)
بیای هانْ ۲، پیشتر آی ۳، زود باش ۷ مکرّر، فراتر آی ۲۹، بیا ۳۶، ساختم ۴۱، فرا ۴۲، پیشتر آی ۵۵، ساخته آمد ۵۷، پیش آی ۵۸، بشتاب ۶۴، بیای ۷۹، ساخت ۹۱، بیاهان ۹۴، بیا و بشتاب ۱۰۰، هین ۱۰۲، بیا بشتاب ۱۰۴، بیا ـ بشتاب ۱۱۱، بالاتر آی

---

۱. نموده، می تواند صورت دیگری از «نمونه» باشد؟
۲. صورت دیگری است از «مانده».

۱۱۴، اینک ۱۲٤، بیایی هان ۱۲۸

★ هَیْتَ لَکَ: وَقَالَتْ هَیْتَ لَکَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ (۱۲: ۲۳)
بیاترااام ۱، بیا که من ترااام ۵۲، بیای بمن ۱۱۳

اَلْهِیم: فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِیمِ هَذَا نُزُلُهُمْ یَوْمَ الدِّینِ (٥٦: ٥٥)
اشتران تشنه ۱، شتران تشنه ۲، اشتران ۲٤، اشتر تشنه ۳۰، شتر بسته ۳۸، اشتران تشنه زده ٤۱، شتر تشنه ٤۲، اشتر هوشاب زده[2] ٤۹، تشنگان شترمست ۸۱، شتران تشنه و اهوش زده[2] ۸۹، تفسیده ۹۰، اشتر مست ۹٤، شتران ۱۰۲، شتران تشنگی زده ۱۰۳، اشتران هوشازده ۱۰۹، شتر ۱۳٦، شتران تشنه و آهوش زده[2] ۱۳۸

هَیِّنًا: وَتَقُولُونَ... مَّا لَیْسَ لَکُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَیِّنًا (۲٤: ۱۵)
آسان ۱، آسان و خوار ۵۱، خوار ۵۲، اسان ٦۹، سهل و آسان ۱۳۲

هَیِّنٌ: قَالَ کَذَلِکِ قَالَ رَبُّکِ هُوَ عَلَیَّ هَیِّنٌ (۱۹: ۹)
آسان ۱، اسان ۵۳، آسان ۵۸، اسان ٦۹

هَیْهَاتَ: هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (۲۳: ۳٦)
دوری ۱، نیک دور دور است ۳، دورست ۲٤، دورا دور ۳۰، دوراست ۳٤، چون دور است ۳۹، دورید ٤۳، چه دورست ۵۲، دوری باد ۵۸، چه دوراست ۷٦، نیک دورست ۸۰، دورباد ۸۷، چون دورید ۸۸، چون دور ۹٦، چون دورست ۱۲٤، نیک راه دور ۱۲۹

۲. هوشاب، اهوش، هوشا، اهوش: صورتهای مختلف یک کلمه است به معنی تشنگی.



و: ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ (۲:۳)
وَ ۵۵

~: وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً (۲:۲۲)
اُو ۱۰

~: وَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ (۲:۳۵)
با ۲۹

~: وَأَغْرَقْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۲:۵۰)
وُ ۱۰

~: وَٱلْجَارِ ذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْجَارِ ٱلْجُنُبِ (۴:۳۶)
و ۱

~: فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (۴:۶۵)
به ۲۴

~: وَأَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ (۵:۹۲)
پس ۲۷

~: وَٱللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (۶:۲۳)
ب ۲۴

~: قَالُوٓا۟ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِى ٱلْمَدَآئِنِ (۷:۱۱۱)
اُو ۱۰

~: قُلْ إِى وَرَبِّىٓ إِنَّهُۥ لَحَقٌّ (۱۰:۵۳)
سوگند ۱

~: وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ ٱلْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (۱۰:۶۵)
نگر ۱

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍۭ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا (۲۸:۵۸)
ای ۴۷

~: وَٱلطُّورِ وَكِتَٰبٍ مَّسْطُورٍ (۵۲:۱)
سوگند ۴۱

~: وَٱلضُّحَىٰ وَٱلَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ (۱:۹۳)
سوگند به ۵٦

وَابِلٌ: فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُۥ وَابِلٌ (۲:۲٦٤)
باران سخت ۱، باران ۲، باران بنهیب ۱۰، باران بنیرو ٤۲، بنیرو ۵۲، باران تند و بسیار ٦۱، باران به نیرو ٦۲، باران با نیرو ۸۲، باران بنیرو ۸۳، باران نیک ۱۰۱، باران درشت قطره ۱۰٤، باران نیرو ۱۲۸، باران کلان ۱۳۰

~: فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ (۲:۲٦۵)
باران بزرگ ۱۰، باران تند ۳٦، باران بزرگ قطره ٤۱، باران بزرگ ٤۲، باران بزور ۵۷، باران بسیار ٦۱، باران درشت ۸۲، باران درشت دانه ۱۲۲، قطره باران بزرگ ۱۲۸

وَاثَقَكُمْ: وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ ٱلَّذِى وَاثَقَكُم (۷:۵)
گرفت ۱، پیمان کرد ۲، استوار کرد ۳٦، پیمان کرد ٤۲، پیمان کرد ۵۳، بستست ٦٤، بند داد ۷۵، بگرفت ۷٦، پیمان بست ۸۲، بسته شده است ۱۲۲، پیمان ۱۲٤

وَاجِفَةٌ: قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ أَبْصَٰرُهَا خَٰشِعَةٌ (۷۹:۸)
ترسیدار ۱، از جای جنبنده ۲، ترسان ۲٤، جنبیده ۳٤، لرزان ۳٦، از جای جنبیده ۵٦، خشک شده ۷۸، خالی و لرزان ۷۹، طپنده ۸۰، از جای جنبنده ۸۸، از جا رفته ۹۰، خشگ شده ۹۸، ترسان و لرزان ۱۰۲، لرزنده ۱۰۹، طپیده ۱۱٤، لرزان و ترسان ۱۱٦، ترسان لرزان ۱۲۰، ترسنده ۱۲٤، طپان ۱۳٦

وَاحِدًا: إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ (۲:۱۳۳)
یکی ۲۹، یکی و یگانه ٤۱، یگانه ۹٤، یگانه بی همتا ۱۲۷

~: وَمَا أُمِرُوٓا إِلَّا لِيَعْبُدُوٓا إِلَٰهًا وَاحِدًا لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَٰنَهُۥ (۹:۳۱)
بی همتا ۳٤، یگانه ۵۵، بیگانگی ۵۸، یگانه و بی همتا ۱۱۳

~: لَّا تَدْعُوا ٱلْيَوْمَ ثُبُورًا وَٰحِدًا (۲۵:۱٤)
یکبار ۵٤

~: أَجَعَلَ ٱلْءَالِهَةَ إِلَٰهًا وَٰحِدًا إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ عُجَابٌ (۳۸:۵)
یکی یگانه ٤۱، یگانه و یکتا ۱۰۳

~: فَقَالُوٓا أَبَشَرًا مِّنَّا وَٰحِدًا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذًا لَّفِى ضَلَٰلٍ (۵٤:۲٤)
یگانه ـ تنها ۲

وَاحِدٌ: وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ (۵:۷۳)
یکین ۹٦، یکتای یگانه ۱۰۰

~: قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ وَإِنَّنِى بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (٦:۱۹)
یک ۱

~: ءَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ (۱۲:۳۹)
تنها ۷۲، یگانه و بی همتای ۱۱۳

~: لَا تَدْخُلُوا مِنۢ بَابٍ وَٰحِدٍ (۱۲:٦۷)
یک ۷٦

~: قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَىْءٍ وَهُوَ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّٰرُ (۱۳:۱٦)
یگانه ۱، یکتا ۵

~: وَبَرَزُوا لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ (۱٤:٤۸)
یگانه ۵۵

~: إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ (۱٦:۲۲)
یگانه ۵۵

~: يُوحَىٰٓ إِلَىَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ (۱۸:۱۱۰)
یگانه ۷۹

وَاحِدَةٌ: كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً (۲:۲۱۳)
یک ۲

~: اَلَّذِی خَلَقَکُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ (۱:٤)
تنها ۱۰، یکان ٦٥

~: فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً (۳:٤)
یک ۱

~: وَإِن کَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ (۱۱:٤)
یک زن ۱۲، یک دختر ۹٤

~: فَیَمِیلُونَ عَلَیْکُم مَّیْلَةً وَاحِدَةً (۱۰۲:٤)
یک ۲، یکبار ۲۷، یکبارگی ٥۸، تنها ۱۰۰

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (٤۸:٥)
یک ۲

~: وَهُوَ الَّذِی أَنشَأَکُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ (۹۸:٦)
تنها ٦٤

~: هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ (۱۸۹:۷)
تک ۳٤

~: وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً (۱۱۸:۱۱)
یک سان ۷ مکرّر، یگانه ٥٥، یگانه ٥٦

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (۹۳:۱٦)
یگانه ٥٥

~: إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (۹۲:۲۱)
یگانه ٥۳

~: لَوْلَا نُزِّلَ عَلَیْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً (۳۲:۲٥)
بیکبار ٤۷، بیک بار ۸۰

~: إِن کَانَتْ إِلَّا صَیْحَةً وَاحِدَةً (۲۹:۳٦)
یکی ۳۳

~: خَلَقَکُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ (٦:۳۹)
یکی تن ٤۱، یکتاه ۹٥، یکتا ۱۳۹

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (۸:٤۲)
یگانه ۳۲

~: وَلَوْلَا أَن یَکُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً (۳۳:٤۳)
یگانه ۲

~: إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَیْهِمْ صَیْحَةً وَاحِدَةً (۳۱:٥٤)
یک بار ۲

~: فَإِذَا نُفِخَ فِی الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳:٦۹)
یکمرتبه ۱۳٦

وَادٍ: رَّبَّنَا إِنِّی أَسْکَنتُ مِن ذُرِّیَّتِی بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ (۳۷:۱٤)
رود کده ۱، بیابان ٥۷، روکده ۷۲، رود کذه ۸۸، رودبار ۹۲، رود کوه ۹٦، رودخانه ۱۱۱

~: إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۲:۲۰)
جاه ۳۹، جایگاه ٤۲، رُوذ کَذه ٥۳

~: أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِی کُلِّ وَادٍ یَهِیمُونَ (۲۲٥:۲٦)
ازن[1] ۱، گوشه ٤٦، فن ٥۸

~: حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ (۱۸:۲۷)
رود ۳، خانه ٤٦، رود کدر ٤۹، روذ کذه ٥۳، راود ۸۰، وکذه ۹٤

~: فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِیَ مِن شَاطِئِ الْوَادِ الْأَیْمَنِ (۳۰:۲۸)
راه ۳۹، رودخانه ٦٤

~: إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱٦:۷۹)
دشت ۳٤، داشت ۱۰۸

~: وَثَمُودَ الَّذِینَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹:۸۹)
منزل گاه ۱۳٦

---

۱. ازن: گونه.

★ وَادِی الْأَیْمَنِ: فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِیَ مِن شَاطِیِٕ ٱلْوَادِ ٱلْأَیْمَنِ فِی ٱلْبُقْعَةِ ٱلْمُبَٰرَكَةِ (۲۸:۳۰)
رود راست ۳

وَادِیًا: وَلَا یَقْطَعُونَ وَادِیًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ (۹:۱۲۱)
رود کده ۱، رود ۲۹، درّه ۳۶، بیابان ۵۳، میان دو کوه ۵٦، رودخانه ۵۷، دشت ٦۱، بیابان ٦۲

ٱلْوَارِثُونَ: وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْیِۦ وَنُمِیتُ وَنَحْنُ ٱلْوَٰرِثُونَ (۱۵:۲۳)
گیرنده و خداوند ماندها ٦۱، باقی باشیم ٦۲

~: وَٱلَّذِینَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمْ یُحَافِظُونَ أُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْوَٰرِثُونَ (۲۳:۱۰)
فرو آیند گان ۲٤، جاویدان ۱۳۹

ٱلْوَارِثِینَ: وَأَنتَ خَیْرُ ٱلْوَٰرِثِینَ (۲۱:۸۹)
نگاه داران ٤۱، مُرْدماند گیرند گان ٤۷، ماند گان ٦۷، گیرند گان پس ماندها ۷٤

وَارِدُهَا: وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا (۱۹:۷۱)
درشد اران ۱، اندر باید آمدن ۲، در آینده ۳، درشونده ۲۹، آینده ٤٤، بیاورد ند ۵۲، اندر بایَدْ شدن ۵۳، گذر کنند گان ٦٤، فرود آید ۷٦، گذرنده ۷۸، راه گذر ۹٤، در گذرنده ۱۰۰، گذر کنند گان ۱۱۱، گرداننده ۱۱٤، فرود آینده ۱۲۱

وَارِدَهُمْ: وَجَآءَتْ سَیَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا۟ وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُۥ (۱۲:۱۹)
اوکش ۱، پیش رو ۳، آب آرنده ۱۰، در آب شونده ۲۹، پیش رو ۳۰، پیش کرد ۳٤، آب خواه ٤۱، آب جوینده ٤۲، پیش رَو ۵۵، آب جوی ۵٦، آب جویان ۵۸، فرود آینده ٦۱، پیش رَوْ ٦۲، آب آورنده ٦۳، آب آرد ۷٦، آب کش ۷۹، آینده ۱۰۲، بندی ۱۰۵، بآب آینده پیش رو ۱۰۹، آب جو ۱۱۲، آب آور ۱۱٤، جویندهٔ آب ۱۲۱

وَارِدُونَ: حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَٰرِدُونَ (۲۱:۹۸)
درشد اران ۱، در آیند گان ۳، اندرشوند گان ۱۲، درشوند گان ۲۹: اندرشد گان ۵۳، فروشوید ۷٦، آیند گان ۸٦، دریابند گان ۹۱، اندر آمد گان ۹٤، در آینده ۹۸، در آمد گان ۱۰۰، گذرند گان ۱۱۱، گذارند گان ـ در آیند گان ۱۱٦، فرود آمد گان ۱۲۱

وَازِرَةٌ: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (٦:۱٦٤)
بزه ورداشتار ۱، بردارنده ۳، گُناه کار ۱۰، نهنده ٤۱، گناه گیرنده ٤۲، گناه گیرنده ۵۲، گُناهْ کارْ ۵۳، تن بَردارَنده ۵۵، گیرنده ۵۷، گناه بردارنده ٦۷، باربردارنده ۷۹، گناه برد آرنده ۸۲، گُناه برگیرنده ۸۸، گناه کاری ۱۱۹

~: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۱۷:۱۵)
گناه ٤۱، بازبرگیرنده ۵۲، بارْبَردارَنده ۵۵، گران بار ۵۷، باردار ۸۸، گناهکار ۱۰۲، بردارنده بزه ۱۱۹

~: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۳۵:۱۸)
بزه‌مند ۳٤، برگیرنده ۳۸، باربردارنده گناه ۱۱۱

~: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۳۹:۷)
برگیرندَه ۵۳، بردارنده بار گنه ۱۱۱، گران باری ۱۲٦

~: أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۵۳:۳۸)
بارگیرنده ۲٤، ورگیرنده ۲۹، گناه کننده ۳۰، برد آرنده ۱۰۰، گران بار ۱۲٤، بردارنده گناه ۱۳۲

وَاسِعًا: وَكَانَ ٱللَّهُ وَٰسِعًا حَكِیمًا (٤:۱۳۰)
فراخ روزی ۱، بَی نیاز ۱۰، توانگر ۲٤، فراخ کار ۲۷، فراخی کار ۵۳، فراخ ۱۰۲، فراخ بخشش ۱۳۳، فراخ رحمت ۱۳۸

وَاسِعٌ: إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِیمٌ (۲:۱۱۵)
فِراخ ٤۲، فَراخ کَار وَ توانگر ۵۵، فراخ بخشایش

۵۹، با فراخ ۶۱، فراخ بخشش ۸۸، فراخ کننده ۱۲۳

~: وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۴۷:۲)
فراخ روزی ۱، فراخ کار ۲۷، توانگر ۵۵، بسیار بخشش ۱۳۰

~: وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۱:۲)
وی نیاز ۱۰، تونگر ۳۹، توانگر فراخ کار ۵۵، فراخ دهنده ۶۷، توانا ۷۵، توانگر فراخکار ۸۰، توانگر فراخ کار ۹۱

~: وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۸:۲)
دهنده ۲۴، فراخ روزی دهنده ۱۲۲

~: وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۷۳:۳)
بی نیاز ۱۰، بی نیاز ۴۳

~: ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۵۴:۵)
فراخ دهش ۴۹، فراخ کار ۵۵

~: وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۳۲:۲۴)
توانگر ۲۴، فراخکار ۹۱، فراخ بخش ۹۲، بخشاینده ۱۳۰

~: إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم (۳۲:۵۳)
فراخ ۱، بسیار ۲۴، فراوان ۵۳، فراخ بسیار ۵۶، فرآخ ۱۰۰

* وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ: إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ (۳۲:۵۳)
فراخ آمرزش ۸۰، بسیار آمرزش ۸۶

وَاسِعَةً: قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً (۹۷:۴)
فراخ ۱، فراخ ۵۵، فراخ و بزرگ ۶۱

~: فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ (۱۴۷:۶)
فراخ ۲، فراخ و بسیار ۱۰، بسیار ۲۴، فراوان ۲۹، بسیار و فراخ ۴۴، فراخ ۵۵، فراخ بخشش ۱۰۰، فرارسنده ۱۰۲، فراخ بسیار ۱۲۷

~: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ (۵۶:۲۹)
فراخ ۵۳، گشاده ۱۰۳، فراخ و گشاده ۱۱۱، گشاده ۱۲۰

وَاصِبًا: وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ (۵۲:۱۶)
پیوسته ۳، همیشه ۲۹، پیوست ۵۲، پیوسته ۵۳، پیوسته ۵۵، همه ۷۶، پیوسته ۱۰۵

وَاصِبٌ: وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹:۳۷)
پیوسته ۲، همیشهٔ پیوسته ۳، پیوسته ۲۲، همیشه ۲۹، نزدیک ۴۳، همیشگی ۴۸، سخت ۵۸، رسیده ۹۰، رنج رساننده ۱۳۶

وَاعَدْنَا: وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً (۵۱:۲)
نوید دادیم ۳، نوید دادیم ۵۵، هنگام کردیم ۱۰۲، نوید دادیم هنگام کردیم ۱۰۹

وَاعَدْنَاكُمْ: وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ (۸۰:۲۰)
نوید دادیم ۸۰

الْوَاعِظِينَ: قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ الْوَاعِظِينَ (۱۳۶:۲۶)
پند داداران ۱، پند دهندگان ۳، پند دهان ۴۲، پند گویان ۱۲۳

وَاعِيَةٌ: لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ (۱۲:۶۹)
نگه داشتار ۱، یادگیرنده ۲، یاددارنده ۳، نگاه دارنده ۸، گوش گیرنده ۱۹، شنونده ۲۴، نگاه داشته ۳۹، گوش دارنده ۵۴، بازگیرنده ۵۸، نگاه دارنده ۷۲، نگاهدارنده ۹۰، دریابنده ۱۰۰، نگهدارنده ۱۱۶، نگه دارنده ۱۱۷، شنوا ۱۳۶

وَاقٍ: وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ (۳۴:۱۳)
نگه داشتار ۱، نگاه دارندهٔ ۳، نگاه‌دار ۵، یار ۷ مکرر، نگه بان ۲۹، نگاه دارنده ۵۵، پاینده ۶۰، نگاهدارنده ۶۷، دارنده ۷۲، نگاه دارنده ۷۹، نگهدآرنده ۱۰۰، نگه دارنده ۱۰۶

~: مَالَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ (۱۳:۳۷)
بازدارنده ٤٩، نگاه دارنده ٥٥، نگاهبان ٦١، نگه دار ٦٥، نگهدارنده ۱۱۱

~: وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٍ (٤۰:۲۱)
نگاه دارنده ۲، رهاننده ٢٤، نگه دارنده ۲۹، نگاه بان ٣٤، نگهدار ٤٨، نگاه دارنده ٥٣، نگهد آره ۱۰۰

وَاقِعٌ: وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُۥ وَاقِعٌۢ بِهِمْ (٧:۱۷۱)
افتنده ۳، براوفتد ۱۰، به‌افتد ٤١، فروافتاده ٤٩، بخواهد افتادن ٥٢، افتنده ٥٥، افکنده ۹۲، فروآید ۹۳، خواهد افتاد ٩٤، افتادن ۱۰۰، افتیده ۱۱۲، افتد ۱۲۱

~: وَهُوَ وَاقِعٌۢ بِهِمْ (٤٢:۲۲)
افتادار ۱، بیفتد ۲، بیوفتد ۲۲، فروآینده ٤٢، برفتاده ٥٣، افتان ٦١، فرود آید ٦١، فرود آینده ۸۰، بودنی - افتاده ۱۰۹، افتادندی ۱۳۸

~: إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ وَإِنَّ ٱلدِّينَ لَوَٰقِعٌ (٥١:٦)
بودار ۱، بودنی ۳، آینده ٤٢، بیوفتد ٤٧، اوفتاده ٦١، آمدنی بودنی ۱۰۸، شونده ۱۲۰، بودن ۱۲۳

~: إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٌ (٥٢:٧)
افتادنی ۳۹، فروآمدنی ٥٦، آید ٦١، فرودامدنی ٦٩، افتاده نیست ۹۸، افتاد ۱۰٥، بودنی - فروآمدنی ۱۰۹

~: سَأَلَ سَآئِلٌۢ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (٧۰:۱)
فرود آینده ۳، رسنده ٤١، فراز رسیده ٤٩، کننده ۹۱، فروآمدن ۱۱۳، افتننده ۱۳۹

~: إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٌ (٧٧:٧)
آمدنی ۲، افتاده ۱۹، می باشند ٧٦، می شود آوردنی ۱۱۳، باشنده ۱۱٤

ٱلْوَاقِعَةُ: إِذَا وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ (٥٦:۱)
رستاخیز ۱، افتنده ۳، افتادنی ٤٩، آمدنی ٦١، رستخیز ۹۰، افکننده ۹۸، آمدن ۱۰۸، پدیدشدنی ۱۱۹، بودنی ۱۲٦

~: فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ (٦۹:۱٥)
بُودن ۲، فرود آینده ۳، افتادن ۱۹، افتاده ۲۹، اوفتادنی ۳۹، افتادن - رستخیز ٥٦، افتنده برو ۷۲، بودن ۱۰۸، افتادنی - بودنی ۱۰۹

وَال: وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَالٍ (۱۳:۱۱)
نگه داشتاری ۱، یار و بخود گیرندهٔ کاری ۳، دوست ٥، یار ۷ مکرّر، بازدارنده ٢٤، سازنده‌ی کار ۳۲، نگاه‌دار ٤٢، دوستان ٤٣، بخود گیرنده کار ٥٥، دوست و نزدیک ٥٨، کارگزار ٦٢، نگاه‌دارنده ۷۹، نگاه د آرنده ٩٤، نگاهدار ۱۰۰، دوست و پناه ۱۲۱، یاور ۱۲۲، نگه‌دارنده ۱۳٤، دوستی ۱۳٦

وَالِدٌ: وَٱخْشَوْاْ يَوْمًا لَّا يَجْزِى وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ (۳۱:۳۳)
پدر ۱، زاینده ۳۹، پدرزاینده ۱۰۹، پدر ۱۱۹

ٱلْوَالِدَاتُ: وَٱلْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ (۲:۲۳۳)
مادران ۱، مادران ٤٢، مادران ٥٥، مادر آن ۱۰۰، زنان شیردار ۱۳۸

ٱلْوَالِدَانِ: لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَالِدَانِ (٤:۷)
پدر و مادر ۱، مادر و پدر ۳، پدران ومادران ۱۰ مادران و پدران ٦۳، مادر پدران ۸۸، مادر و پدران ۱۱۰

~: وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَٰلِىَ مِمَّا تَرَكَ ٱلْوَالِدَانِ (٤:۳۳)
مادران و پدران ۲۹، پدران ۷٥

وَالِدَةٌ: لَا تُضَآرَّ وَالِدَةٌۢ بِوَلَدِهَا (۲:۲۳۳)
مادر ۱، مادر ٤٢، مادران ۱۲٤

وَالِدَتِكَ: ٱذْكُرْ نِعْمَتِى عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ (٥:۱۱۰)
پدر و مادر ۱، مادر ۲، مادر تو ۳، مادرت ٢٤

وَالِدَتِى: وَبَرًّۢا بِوَالِدَتِى وَلَمْ يَجْعَلْنِى جَبَّارًا (۱۹:۳۲)

مادر ۱، مادر پدر ۹۶

وَالِدَيَّ: رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (۱۴:۴۱)
پدر و مادر ۱، مادر پدر ۹۲

~: رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ ٱلَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ (۱۹:۲۷)
ماذر بذر من ۴۶

~: رَبِّ ٱغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ (۷۱:۲۸)
مادر و پدر ۵۴، پدر و مادر ۵۶

وَالِدَيْكَ: أَنِ ٱشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ ٱلْمَصِيرُ (۱۴:۳۱)

پدر و مادر ۱

ٱلْوَالِدَيْنِ: وَبِٱلْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (۲:۸۳)
مادر و پُدَر ۱۰، مَادَر و پَدَر ۵۵

~: إِن تَرَكَ خَيْرًا ٱلْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ (۲:۱۸۰)
مادرْ و پدر ۲، پدر مادر ۳۶، مَادَر و پَدَر ۵۵

~: قُلْ مَآ أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ (۲:۲۱۵)
مادرْ و پدرْ ۲، پدرْ و مادر ۱۰

~: وَلَا تُشْرِكُوا۟ بِهِۦ شَيْـًٔا ۖ وَبِٱلْوَالِدَيْنِ إِحْسَٰنًا (۴:۳۶)
پدر و مادر ۱، مادر و پدَر ۱۰، مادر و پدر ۹۴

~: أَلَّا تُشْرِكُوا۟ بِهِۦ شَيْـًٔا ۖ وَبِٱلْوَالِدَيْنِ إِحْسَٰنًا (۶:۱۵۱)
مادران و پدران ۲۷

~: أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَالِدَيْنِ إِحْسَٰنًا (۱۷:۲۳)
مادر و پدر ۲

وَالِدَيْهِ: وَبَرًّۢا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا (۱۹:۱۴)
مادر و پدر ۲

~: وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا (۲۹:۸)
مادر و پدر ۳۴، مادر پدر ۱۰۶

~: وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ وَهْنًا (۳۱:۱۴)
مادر و پدر ۱۳۹

~: وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَٰنًا (۴۶:۱۵)
پدر و مادر ۱

وَاهِيَةٌ: وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۶۹:۱۶)
سست ۳، افتاده ۴۲، شکافته ۶۱، سُشْت ۸۹، فروافتاده ۹۲، گرد ۱۰۲، سُست و از هم شده و گردی ببوده ۱۰۹، فرود افتاده ۱۱۰، بی قوه و شسیب[1] ۱۱۳، سست و از هم ریخته ۱۲۲، سست تر ۱۲۴، سست شده ۱۲۶

وَبَالَ: لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِۦ ۗ عَفَا ٱللَّهُ عَمَّا سَلَفَ (۵:۹۵)
سرانجام بد ۳، سَرانجام بَدْ ۵۵

~: ذَاقُوا۟ وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵۹:۱۵)
سرانجام ۳، بزه ۴۱، بدی ۱۰۹

~: فَذَاقُوا۟ وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۴:۵)
گرانی ۳۲، سختی ۱۲۶، مزد ۱۳۶

وَبِيلًا: فَأَخَذْنَٰهُ أَخْذًا وَبِيلًا (۷۳:۱۶)
سخت ۳، سخت ناگوارد ۶، بیشترین ۱۹، گران ۳۲، سخت با درد ۳۳، زشت ۳۸، استوار ۳۹، گرَان ۴۲، سخت دشوار ۶۴، سخت ناگوارنده ۷۲، گران و درشت ۷۹، دشوار ۹۸، سخت گران ۱۰۴، سخت تر ۱۱۴، سخت و گران ۱۲۲، ناگوار ـ بد ۱۲۶، ناگوارنده سخت ۱۳۹

وَٱلْوَتْرِ: وَٱلْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَٱلشَّفْعِ وَٱلْوَتْرِ (۸۹:۳)
تا[2] ۱، طاق ۲۴، یک ۳۹

---

۱. کذا در متن اصلی، که اگر تحریفی از «سست» نباشد سزاوار تأمل است.
۲. تا: طاق، تای.

اَلْوَتِينَ: لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۶۹:۴۶)
رگ جان ۱، رَگِ جان ۲، رگی که دل را آب دهد ۲۹، رگ دل ۳۸، رگ دست و رگ دل و رگ چنبر گردن ۴۱، رگ گردن ۴۸، رگ دل و جان ۱۰۲

اَلْوَثَاقَ: حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ (۴۷:۴)
بستن ۱، بند ۳، پای بَنْد ۲۲، بندها ۲۴، بند نهادن ۸۹، پای بند استوار ۹۰، بند برنهادن ۱۳۸

وَثَاقَهُ: وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۸۹:۲۶)
بستن ۱، بند ۲، پای بند کردن ۲۴، استوار ۳۰، بَنْد ۵۳، بند کردن ۷۹، بند نهادن ۸۹، بند کردن ۹۴، استوار گرفتن ۱۰۲ بند کرد ۱۳۹

اَلْوُثْقَىٰ: فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ (۲:۲۵۶)
خستوارتر ۱، اِستوارترین ۲، استوارتر ۳، اُستوارترین ۱۰، استوار ۲۴، استوارترین ۴۲، اُستوارتَر ۵۵، استو آرتر ۱۰۰، استواری ۱۳۸

وَجَبَتْ: فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا (۲۲:۳۶)
بیفتد ۱، افتد ۳، بر زمین افتد ۱۲، بیوفتد ۲۴، بیفتند ۲۹، بهم آید ۴۳، بزمین افتد ۵۴، بیفتد بزمین ۵۶، بیارامید ۵۸، بیارامد ۹۰، بلرزد و بیارآمد ۹۴، بیوفتند ۱۰۵، بیفتد ـ بیارامد ۱۰۹، بیفتید ۱۳۴

وَجَدَ: كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا (۳:۳۷)
یافت ۳، بَیافتی ۱۰، یافتی ۲۴، می یافت ۱۰۰

~: وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ (۲۴:۳۹)
گندد[1] ۱، یابد ۳۰، بیابد ۴۳، یأبد ۱۱۹

~: فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ (۲۸:۱۵)
گنداد ۱، بیافتْ ۲، بیافت ۲۱

وُجِدَ: قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ (۱۲:۷۵)
گنداده شهد[2] ۱، یافته شود ۲، یاوند ۵، یَافته شَوَد ۵۵، یافته شد ۶۱، یأبَند ۷۶، یافت شود ۱۲۱

فَوَجَدَا: فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا (۱۸:۶۵)
یافتند ۳، بیافتند ۲۴، یَافتَند ۵۵، یافتندی ۹۲

~: فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَّ فَأَقَامَهُ (۱۸:۷۷)
گندادند ۱، یافتند هر دو ۲۴، بیافتند هر دو ۵۸، بیابند ۱۲۸

وَجَدْتُ: إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ (۲۷:۲۳)
گندادم ۱، یافتم ۳، بیافتم ۳۹

وَجَدْتُمْ: فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا (۷:۴۴)
گندادید ۱، یافتیت ۱۰ مکرّر، یافتی ۲۴، یافتید شما ۵۶، یافتید تان ۶۱

~: قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ (۴۳:۲۴)
یافتید ۲۲، یافتیت ۳۲، یافتید ۳۴، بیافتید ۶۱، شما یافته‌اید ۶۴، بیافتید شما ۹۹، یافته‌اید ۱۰۳

وَجَدْتُمُوهُمْ: وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ (۴:۸۹)
گندید ۱، یابیت ۳، یاوی ۲۴، بیابید ۲۹، بیابند ۴۵، دست یابید ۶۱، بیَابید ۹۴

~: فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ (۹:۵)
یاوید ۱۰، یابید ۱۱

وَجَدْتُهَا: وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ (۲۷:۲۴)
یافتم ۵۸، دریافتم من ۱۲۴

وَوَجَدَكَ: وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (۹۳:۷)

---

۱. گندد: یابد.
۲. گنداده شهد: یافته شود.

بیافت ۲، راه یافت ۳۹، بیافت ترا ٦٤، یافت ۹۲

وُجْدِکُمْ: أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ (٦٥: ٦)
توانگری ۳، فراخ ۲۸، توانائی ٤۳، یافتن ۵۸، فراخی ٦١، توانایی ۹۲، تونگری ۱۰۲، توانایی و دست رس ۱۰۹

وَجَدْنا: قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ (٥: ١٠٤)
بیافتیم ۲، بیافتیم ۱۰ مکرّر، یافته ایم ۲۹، بیافتیم ما ٦١

~: وَإِذَا فَعَلُوا فَٰحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَآ ءَابَآءَنَا (٧: ٢٨)
یافتیم ما ۱۰، ما بیافته ایم ٦٤

~: وَنَادَىٰٓ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ أَصْحَٰبَ ٱلنَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا (٧: ٤٤)
گندادیم ۱: ما بیافتیم ۱۰، یابیم ما ۹۸

~: وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ (٧: ١٠٢)
ما یافتیم ۱۰

~: قَالُوٓا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَا (١٠: ٧٨)
یافتیم ۳، یافته ایم ما ۵۸، یافتیم ٧٦

~: قَالُوا بَلْ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ (٢٦: ٧٤)
بیافته ایم ما ٦٤

~: قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ (٣١: ٢١)
یافتیم ما ۱۱۹

~: بَلْ قَالُوٓا إِنَّا وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٍ (٤٣: ٢٢)
یافتیم ۲۹، ما یافته ایم ۱۰۳، دریافتیم ما ۱۳٤

~: فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ ٱلْمُسْلِمِينَ (٥١: ٣٦)
یافتیم ۱۱٤

* مَا وَجَدْنا: وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ (٧: ١٠٢)
نگندادیم ۱، نیافتیم ما ٢٤، نیافتیم ٧٦، نیافتیم ۱٤۰

~: فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ ٱلْمُسْلِمِينَ (٥١: ٣٦)
نیافتیم ۱، نخواهیم یافت ما ٦٤، نیافته ایم ما ۹٦، ما نخواهیم یافت ۱۰۳، نخواهیم یافت ۱۱۱

وَجَدْناهُ: إِنَّا وَجَدْنَٰهُ صَابِرًا نِّعْمَ ٱلْعَبْدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ (٣٨: ٤٤)
گندادیم ۱، بیافتیم ما ۳۳، یافتیم ۵٦، بیافتیم ٦١، بیافته ایم ٦٤، یافتیم ما ۸۱

وَجَدْناها: وَأَنَّا لَمَسْنَا ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدْنَٰهَا مُلِئَتْ حَرَسًا (٧٢: ٨)
گندادیم ۱، بیافتیم ۲، می یاویم ٦، یافتیم ۳۹، یافتیم ما ۹۲

وَجَدَها: حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ ٱلشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِى عَيْنٍ حَمِئَةٍ (١٨: ٨٦)
گنداد ۱، یافت ۳٤، بیافت ۵٦

وَجَدُوا: لَوَجَدُوا ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا (٤: ٦٤)
گندادندی ۱، یاوند ٢٤، بیافتندی ٤٢، یابندی ٤٥، میبافتند ۱۳۰، یافته بودند ۱۳۵

~: وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ ٱخْتِلَٰفًا (٤: ٨٢)
بیافتندی ۱۰، یافتندی ٢٤

~: وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَٰعَهُمْ وَجَدُوا بِضَٰعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ (١٢: ٦٥)
گندادند ۱، یافتند ۳، بیافتند ۳٦، یافتند ۵۵، یافتند ٧٦

~: وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا (١٨: ٤٩)
یابند ۳، بیابند ٤۳، یابند ۵۵

وَجِلَتْ: ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ (٨: ٢)
بلرزد ۱، بترسد ۲، ترسان شود ۳، بترسند ۲۹، بجُنبید ٤١، بترسید ۵۷، از جای بشود ٦٤، بهراسد ۱۲٦

~: ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ (٢٢: ٣٥)
ترسد ۳، نرم شود ٦۵، بترسد و بلرزد ۹٤

وَجِلَةٌ: وَٱلَّذِينَ يُؤْتُونَ مَآ ءَاتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ (٢٣: ٦٠)

ترسیده ۱، ترسان ۳، ترسنده ۲۹، تَرسَنْدَه ۵۳، ترسا ۶۲، ترسان ۱۰۰، ترسکار ۱۰۹

وَجِلُونَ: قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ (۵۲:۱۵)
ترسیداران ۱، ترسند گان ۳، ترسان ۲۴، ترسنده ۲۹، همی تَرْسِیم ۵۳، تَرسَند گان ۵۵، ترسَند گان ۵۷، هراسان ۵۹، همی ترسیم ۶۲، می ترسیم ۷۶، می بشکوهیم ۸۸، ترسکار ۹۴، ترسنا کان ۱۲۱، ترس گان ۱۲۸، ترسنده گان ۱۲۹

وَجْهُ: فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ ٱللَّهِ (۲:۱۱۵)
فرمان ۲۹، خشنُودِی ۴۲، دیدار و خشنودی ۱۱۹

~: وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ ٱللَّهِ (۲:۲۷۲)
خشنودی ۱، خوشنودی ۵۲، روی و خشنودی ۵۷، خشنوده ۶۳

~: ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَجْهَ ٱلنَّهَارِ (۳:۷۲)
روشنی ۶۹، کناره ۱۰۰، اَوّل ۱۳۸

~: أَوِ ٱطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ (۱۲:۹)
روی ۱، رُوی ۵۳

~: وَٱلَّذِينَ صَبَرُوا ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ (۱۳:۲۲)
دیدار ۵، خُشنُودِی ۵۵

~: وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ (۵۵:۲۷)
پاداش ۱، هستی ۵۶

★ وَجْهَ ٱلنَّهَارِ: ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَجْهَ ٱلنَّهَارِ (۳:۷۲)
اول رَوز نماز دمیدن بام ۱۰، نماز بامداد ۹۴، بامداد ۱۲۸

وَجَّهْتُ: إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ حَنِيفًا (۶:۷۹)
روی گرفتم ۱، نهادم ۹، پیش آوردم ۱۰ مکرّر، روی فا کردُم ۱۰، بیاوردم ۲۷، پیش آوُردَم ۴۲، روی نهادم ۴۴، نِهادَم ۵۳، سپردم ۶۱، روی آوردم ۶۹، روی بنهادم ۷۲، آوردم ۸۰، روی آوردم و یکتا کردم ۸۱، بنهادم روی ۸۸، گردانیده ام ۹۶، یکرویه کردم ۱۰۲، فرا کردم ۱۰۳، بنهادم ۱۰۵، بِنهادم ۱۰۷، یک رویه کردم ۱۰۹، فرا گرفتم ۱۱۸

وِجْهَةٌ: وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا (۲:۱۴۸)
روی ۴۲، سُو ۵۵، روی ها کردن گاه ۵۷، گروه ۱۰۰، روی گاه ۱۰۲، رویگاه ۱۰۹

وَجْهِكَ: قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِ (۲:۱۴۴)
رُویْ ۲، روی ۳، رُوی ۵۵

~: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۲:۱۴۹)
سوی ۱۱۴

~: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۲:۱۵۰)
رویها ۶۳

~: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا (۳۰:۳۰)
کردار ۴۳، روی ـ دل ۹۴

~: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ ٱلْقَيِّمِ (۳۰:۴۳)
دل ۴۷، همگی ۱۰۳

وَجْهَهُ: بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ (۲:۱۱۲)
رُوی ۲، رو ۴۳، تَن ۵۵، روی و تن ۶۱، همه خود ۱۲۳

~: وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ (۴:۱۲۵)
روی ۱، تن ۳، کار ۱۰۲

~: وَلَا تَطْرُدِ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ (۶:۵۲)
پاداش ۱، خُشنُودِی ۲، خشنودی ۲۶، خشنودی و دیدار ۵۸، خوشنودی ۱۰۲

~: وَٱصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ (۱۸:۲۸)
دیدار ۸، خَشنودِی ۲، خدای ۵۸، خشنُودی ۶۱، ذات ۱۳۸

~: وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ (۳۱:۲۲)
کردار ۵۸

وَجْهِهَا: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يَأْتُوا۟ بِٱلشَّهَٰدَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَآ (۵:۱۰۸)

روی ۱، رُوی ۲

وَجْهِيَ: فَإِنْ حَآجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ (۳:۲۰)
روی ۱، رُوی ۲، تن ۲۸، کار ۷۵، روی خوش ۹۰

~: إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۶:۷۹)
روی ـ دل ۱۰ مکرّر، روی دل ۵۲

وُجُوهٌ: يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ (۳:۱۰۶)
رویها ۱: رُویها ۲۲، روی ها ۷۵، رویها ۱۰۰

~: وَعَنَتِ ٱلْوُجُوهُ لِلْحَيِّ ٱلْقَيُّومِ (۲۰:۱۱۱)
رویّها ۵۳، رویهاء ۶۴، روها ۱۲۲

وُجُوهًا: مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا (۴:۴۷)
رویها ۵۳

وُجُوهَكُمْ: فَوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥ (۲:۱۴۴)
رُویها ۲، روها ۵۶، رویهاء ۹۰

~: فَٱغْسِلُوا۟ وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ (۵:۶)
رویها ۱

~: وَأَقِيمُوا۟ وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ (۷:۲۹)
روی ۲۴

~: وَعْدُ ٱلْءَاخِرَةِ لِيَسُۥٓـُٔوا۟ وُجُوهَكُمْ (۱۷:۷)
رُویّها ۵۵، روی ها ۵۹، رویّها ۶۲

وُجُوهُهُمْ: وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ (۱۰:۲۶)
رویها ۱: رُویها ۶۲

~: كَأَنَّمَآ أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ ٱلَّيْلِ (۱۰:۲۷)
روی ها ۵۹

~: وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ (۱۴:۵۰)
هارویها ۲۹، رُویَهاء ۶۲

~: تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَٰلِحُونَ (۲۳:۱۰۴)
رُویِها ۵۱

~: يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي ٱلنَّارِ (۳۳:۶۶)
دیدارها ۱۱۴

~: سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ ٱلسُّجُودِ (۴۸:۲۹)
روی ۶، جبین ۱۲۶

وَجِيهًا: ٱلْمَسِيحُ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي ٱلدُّنْيَا (۳:۴۵)
روی شناخته ۳، گزیده ۲۴، بزرگ و روی شناس ۲۵، روی شناس ۲۷، رُوی شناخته ۵۵، نام‌دار ۵۸، روی برآرنده ۶۱، روشن ۶۳، روی شناس ۸۸، شناخته ۹۱، روی شنس ۹۲، روشناس و باجاه ۱۱۶، با آب و روی ۱۲۴، با آب رو ۱۳۵، بزرگوار ۱۳۶

~: فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُوا۟ وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهًا (۳۳:۶۹)
روی اشناس ۱، با آب روی ۳، آب روی ۷، فراز روی ۱۸، تازه روی ۲۹، گرامی ۳۴، باآب روی ۳۸، روشناس ۴۲، روی مند ۴۳، شکوهمند ۴۷، باجاه ۹۲، روی شناس، شکوه‌مند و گرامی ۱۰۹، به آب روی ۱۲۹، با آبرو ۱۳۲، روآورنده ۱۳۶

وَحْدَهُۥ: قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ ٱللَّهَ وَحْدَهُۥ (۷:۷۰)
یگانه ۱، تنها ۲۹، یک ۷۶، یگانگی تنها ۹۲، بیگانگی ۱۱۳، تنهایی ۱۳۰

~: وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي ٱلْقُرْءَانِ وَحْدَهُۥ (۱۷:۴۶)
یگانگی ۲۴، یکی ۵۳، یگانگی ۵۵، تنهایی او ۷۶، یگانه او را ۹۶، یگانگی ۱۲۱

~: ذَٰلِكُم بِأَنَّهُۥٓ إِذَا دُعِيَ ٱللَّهُ وَحْدَهُۥ كَفَرْتُمْ (۴۰:۱۲)

یگانهٔ ۵۳، تنها او ۹۶

~: فَلَمَّا رَأَوْا۟ بَأْسَنَا قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥ (۴۰:۸۴)

یکتا و یگانه ٤٩، یکی بی چون و بی چگونه ۷۲

~:حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ (٦٠:٤)
بی همتا ۲۹، تنهاست ۹٦

اَلْوُحُوشُ: وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (٨١:٥)
دَدگان ۲، چهارپایان ٢٤، ددگانِ ٣٤، جانوران ٣٦، رمنده ٥٢، دشتیان ٦٥، دد و دام ۷۹، چهارپایان دشتی رمنده از مردم ۸۰، درندگان ۹۰، ستوران و ددان ۱۰۲، چهارپایان دشتی ۱۰۹، دَدَها ۱۲٤، رمندگان ۱۳۹

وَحْيٌ: قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ (٢١:٤٥)
پیغامَ ۲، فرمان خدا ٥٦

~: إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (٥٣:٤)
فرستاده ۳۹

وَحْيًا: وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا (٤٢:٥١)
پیغام ۳۹، فرو آمدن ۱۱٤

وَحِيدًا: ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا (٧٤:١١)
تنها ۱، تنهاء ۹۰، تَنْها ۹٤

وَحْيِنَا: وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا (١١:٣٧)
فرمَان ٥٨، پیغام ۹۱، الهام ۱۲٤

~: فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا (٢٣:٢٧)
فرمان ۱، الهام ٥٢، فرمان و آموختن ٥٨، پیغامها ٦١، بفرمودن ۷۷

وَحْيُهُ: مِن قَبْلِ أَن يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ (٢٠:١١٤)
پیغام ۸۰

وَدَّ: وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ (٢:١٠٩)
آرزو بردند ۳، بَآرزوی خُواهَند ۱۰، خواستند ٢٤، همی خواهند ۲۹، دوست دارد ٣٤، خواهند ٣٦، دوست داشت ٤١، دُوست دارَند ٤٢، بخواستند ٦١، آرزو کردند ٦٣، می خواهند ٦٧، آرزو برد ۹۰، دوست داشتند ۱۰۱، همی خواهد ۱۰٥، آرزو برند ۱۱۹، دوست میدارند ۱۲۲، میخواهند ۱۲۸

~: وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ (٤:١٠٢)
دوست دارند ۱، آرزو برند ۳، دَوست داشتند و آرزو کردشان ۱۰، خواستند ۲۹، خُواهند ٤٥، آرزو بَرند ٥٥، خواهند ٥٨، روا دارند ۹۲، آرزو کنند ۹٦

وَدًّا: وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا (٧١:٢٣)
دوستی ۷۲

وُدًّا: سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا (١٩:٩٦)
دوست ۱، کسها دوستی ۳، دوستی ٢٤، دُوسْتی ٥٣، دوشتی ۷٦، کسهاء دوستی ۸۰، تنها ۹۱

وَدَّتْ: وَدَّت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ (٣:٦٩)
دوست داشتند ۳، دوست دارَند ۱۰، آرزو کردند ٢٥، آرزو بُردند ۲۸، روا دارند ۳۹، آرزو بُردَند ٥٥، خواست ٦٩، آرزو بردند ۸۰، دوست داشت ۸۲، برویده باشند ۹٤، دوست داشته اند ۱۰٤، آرزو برد ۱۱٤، آرزو می برند ۱۲۳، دوستی کرد ۱۳٦، دوست دارد ۱۳۸

وَدَّعَكَ: وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (٩٣:٣)
بدرود کرد ۹۰، کرد بدرود ۱۰۸،

★ مَاوَدَّعَكَ: مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (٩٣:٣)
نکرد بدرود ٢٤، فرونگذاشت ۳۹، فرو نگذاشته است ٥٣، بدرود نکرد ۷۹، وانگذاشت ۱۱٦، فرونگذاشته ۱۲۰، بدرود نکرد ۱۲۱، بدرود نکرده ۱۳۲، نکرده است و نگذاشته است ۱۳۹

اَلْوَدْقَ: فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ (٢٤:٤٣)

باران تیز ۴۷، باران بزرگ قطره ۵۱، بارانْ ۵۳، باران یا برف ۸۶، باران پیاپی ۹۶

~: وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ (۴۸:۳۰)

باران ۱، باران بزرگ ۴۲، باران تند ۴۷، باران نرم ۵۳، بارآن ۱۰۰، باران درشت قطره ۱۲۵

وَدُّوا: لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ (۱۱۸:۳)

دَوست دارند ۱۰، آرزو کنند ۲۷، آرزو کردند ۶۳، دوست دارید ۷۶

~: وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً (۸۹:۴)

دوست دارند ۱، دُوسْت دارندْ ۲، دوست می دارند ۳، آن شان آرزو می کُند ۱۰، می خواهند ۲۴، روا دارند ۳۹، خواستندی ۵۷، خواهند و دوست دارند ۵۸، آرزو بردند ۶۱، خواستند ۶۹، آرزو برند ۹۷، آرزو میکنند ۱۲۲

~: وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (۲:۶۰)

دوست دارند و آرزو برند ۳، خواهند ۲۹، داد زد کردند[1] ۱۱۳

~: فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (۹:۶۸)

دُوست دارند ۲، دوست داشتند ۳، خواستند ۲۹، دوست داشتند ایشان ۱۰۹، دوست میدارند ۱۲۰، دُوست دارند ۱۳۶

وَدُودٌ: إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (۹۰:۱۱)

دوست داشتار ۱، دوست دار نیکویان ۳۴، دوست دار بندگان ۴۱، دوست کننده ۴۹، دُوست دَار ۵۵، دوست ۵۷، دوست داشته شده ۶۱، دوستان ۶۳، دوست گیرنده ۹۴، بخشاینده ۱۰۲، دوستی کننده ۱۱۲، دوست دارد ۱۱۳، مهربان ۱۱۶، دوستار ۱۲۶

~: إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴:۸۵)

دُوست کننده ۲، دوست دار ۲۴، دوستدار ۳۸، دوست دارنده ۴۱، دوستدار فرمان بردار ۸۰، دوست دار فرمان برداران ۹۱، دوست د آر ۱۰۰، دوستدارنده ۱۲۳، بسیار دوست ۱۳۶، سخت دوست دار ۱۳۹

وَرَاءَ: كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ (۱۰۱:۲)

واپس ۱۰ مکرّر، واپَسِ ۱۰، پَس ۴۸، بازپس ۵۳، سَپَس ۵۵

~: فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ (۱۸۷:۳)

گداره ی[2] ۱، سپس ۲، پس پشتها ۶۵

~: وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ (۲۴:۴)

جُز ۱۰، جز از ۶۲، بیرون از ۸۸

~: وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ (۹۴:۶)

ازپس ۹

~: فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (۷۱:۱۱)

زیر ۳۹، پشت ۵۸

~: فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷:۲۳)

بُجز ۲، بیرون ۲۴، فروتر ۳۹

~: إِلَّا فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ (۱۴:۵۹)

سِپَس ۲

~: فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱:۷۰)

جز ۶، بجز ۳۹

~: وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰:۸۴)

پس ۲

وَرَاءَکُمْ: وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا (۹۲:۱۱)

گداره ۱، پس ۲، واپس ۲۹، پَس ۵۵، زبر ۷۲،

---

۱. کذا در اصل (؟).
۲. گداره ی: ورای، پس.

بـازپـس ٩٣، واپـس پـشـت ١٠٠، از پـس ١١٤، پس پشت ١١٨

~: قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا (٥٧:١٣)
ازپس ٥١، باپس ١٠٩

وَرَائِكُمْ: فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن وَرَائِكُمْ (١٠٢:٤)
گداره ١، پس ٣، پی ٢٩، پس پشت ٣١، پشت ٥٨، پشت سر ١٣٥، پس پُشت ١٣٦

وَرَاءَهُ: وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ (٩١:٢)
جز ٢٤، جز آن ٣١، جُز ٥٥، پس ٦١، جز از ٦٢، پس پشت ٩٢

وَرَاءَهُمْ: وَكَانَ وَرَاءَهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ (٧٩:١٨)
گداره ١، پیش آهنگ ٣٦، پس ٤٣، پیش ٧٩، در پیش ٩٣، پشتشان ١١٤

~: وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (٢٧:٧٦)
سپس ٢، پیش ٣، پس پشت ٦٥، واپس پشت ٧٩، واپسین پشت ١١٣، پس آینده ١٣٦، واپس ١٣٨

وَرَائِهِ: مِّن وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ (١٦:١٤)
گداره ١، پیش ٣، واپس ٢٤، سپس ٦١، پس پشت ١٢٧

~: وَمِن وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (١٧:١٤)
پس ٢، پس و پیش ١٢٤

وَرَائِهِمْ: وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (١٠٠:٢٣)
پیش ٣٢، فراپیش ایشان ٤٧، پس پشت ٦٤

~: مِّن وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُم مَّا كَسَبُوا (١٠:٤٥)
پس ٢

وَرَائِي: وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِن وَرَائِي (٥:١٩)
گداره ١، پس ٤١، سپس ١٠٨

وَرَثَةِ: وَاجْعَلْنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (٨٥:٢٦)
فرو آیند گان ٢٤

وَرِثُوا: فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ (١٦٩:٧)
واگرفتند ٢٤، یافتند ٦١

وَرَدَ: وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً (٢٣:٢٨)
پیش آمد ١، بیامد ٣، برسید ٢٤، آمد ٤٢، بگذشت ٤٣، برسید ٤٧، اندرامد ٥٣، روی نهاد ٦٤، دررسید ٧٦، رسید ٨٦، بیاید ٩٢، در آمد ٩٤، فرود آمد ١٠٠

الْوِرْدُ: وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (٩٨:١١)
پیش آمد ١، آبشخور ٢٩، آبخور ٣٠، در آوردن ٤١، جایگاه ٤٢، جای آمدن ٥٢، آمدن گاه ٥٣، آبخور ٥٥، در آمدن جای ٥٦، آمدن ٥٧، اندر آرنده ٥٨، بازبردن ٧٥، جای ٧٦، آب خور ٨٠، آمدن گاهها ٨٨، آبش خور ٨٩، آمدن گاها ٩٣، در آمدن ١٠٢

وِرْدًا: وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا (٨٦:١٩)
تشنه گان ١، جشنگان ٣، تشنه ٢٤، تشنگان ٣٢، در آوردن ٤١، اندر رُاوُردَنْ ٥٣، پیاده ٧٦، باز بردن ٨٨، خوار گرد گان ١٠٢، خوار کرده با چشمه ١٠٨، آینده گان بآب از تشنگی ١٠٩، راندن ١١٧، راند گان بخواری ١٢٨، پیاد گان ١٣٠

وَرْدَةً: فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً (٣٧:٥٥)
صرخ ١، گلگون ٣، سرخ که بزردی زند ـ گلگون ٣٠، گل گون سرخ و تابنده ٣٩، گل سرخ ٤١، گل ٥١، گلگون سرخ تابنده ٦١، سرخی ٨٨، گُلگون ٨٩، گُل سرخ ٩٦، گل رنگ ١٠٤، سرخ ١٠٨، گلگون ـ سرخ ١٠٩، برنگ گل سرخ ١١٦

وَرَدُوهَا: لَوْ كَانَ هَٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ (٩٩:٢١)
اندر شدندی ١٢، شدندی ٢٤، اندر شُدَنْد ٥٣، در آمدندی ٥٦، درشدندی ١١٣، در آمدند ١١٤

★ مَاوَرَدُوهَا: لَوْ كَانَ هَٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۱:۹۹)
درنشدندی ۱، اندر نیامدندی ۲، در نیامدندی ۳۹، فرونشدندی ۴۲، درنرونـدی ۵۸، انـدر نیامدندی ۶۱، هرگز درنرفتندی ۶۴، نیامدند ۸۶، نه درشدندی ۸۸، اندر نشدندی ۹۴، درنیاوردندی ۹۶، درنیامدند ۱۱۱، اندر نیامدند ۱۲۸

وَرَق: وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ (۷:۲۲)
برگ ۱، برگ درخت ۳، برگها ۱۰، برگها ۱۰ مکرّر

~: وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ (۲۰:۱۲۱)
بَلک ۵۳، برگهاء ۶۴، برگها درخت ۸۶، درخت ۸۸

وَرَقَةٍ: وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا (۶:۵۹)
برگ ۱، برگ درخت ۹، تَرگ ۵۵، بلگ ۸۲

بِوَرِقِكُمْ: فَابْعَثُوا أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ (۱۸:۱۹)
سِیم ۳، درم ۳۲، سیمها ۴۱، درمها ۷۶، درهم ۱۰۵، سِیم و زر ۱۲۱، دراهم ۱۳۳

الْوَرِيدِ: وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (۵۰:۱۶)
جان ۱، رگ ۳، گردن ۳۸، رگ گردن ۴۳، رگ گلو ۱۳۶

وَزَرَ: كَلَّا لَا وَزَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۷۵:۱۱)
ستاد ۱، پناه گاه ۳، پناه ۶، جایگاهی که بدانجا گریزند ۲۴، گریزگاه ۴۲، پشتیوان ۶۱، پشتوان ۷۸، پناه جای ۷۹، پناهگاه ۸۰، پناه جا ۹۹، گریز جای ۹۲، خشواره ۱۰۸، گریزگاه ۱۲۳، پشیمانی ۱۲۴

★ لَا وَزَرَ: كَلَّا لَا وَزَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۷۵:۱۱)
پناه نبود ۲۹، اندخسیده نباشد ۳۰، پناه نباشد ۱۰۵، نیست گریزگاهی ۱۲۰

وِزْرَ: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۶:۱۶۴)
بزه ۱، گناه ۲، بار ۳، گران ۴۳، بارگران ۵۷، برداشتن ۱۱۴

~: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۱۷:۱۵)
بارگناه ۳۹، بَار ۵۵، بارگنآه ۱۰۰

~: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۳۵:۱۸)
گناه ۷، گناه و بار ۵۸، باربزه ۶۴، گناه ـ بار ۷۴

~: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۳۹:۷)
بار و بزه ۷۴، گران باری ۱۲۶، بازگیری ۱۳۹

~: وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۵۳:۳۸)
گناه کردن ۶۱

وِزْرًا: فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (۲۰:۱۰۰)
بزه ۱، بَار ۲، بار ۲۹، گناه ۳۴، بزهٔ بزرگ ۴۱، گرانی ۴۳، گناه گِرانْ ۵۳، بار گران از بزه ۵۶، گناه گران ۷۶، بار گناه ۸۷، بارگران ۹۴، گناه و بار ۱۰۲، بار و بزه ۱۰۹، بارگنه ۱۱۹، باری گران از گناه ۱۲۶

وِزْرَكَ: وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي (۹۴:۲)
بار گران ۲۹، باران گران و گناه ۵۶، بارگناه ۶۴، بار ۸۷، گناه ۹۰، بارگرآن ۱۰۰

الْوَزْنُ: وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ أَنقَضَ ظَهْرَكَ (۷:۸)
سنجیدن ۱، سنجیدَن ۲، سَختن کِردارها نیک وُ بَد ۱۰، ورسختن ۲۹، سختن بترازو ۳۱، سنجش ۳۶، کشیدن ۴۱، سنجیدَن ۴۲، سختن بترازوا ۴۵، سَنْجِیدَن ۵۵، سنجیده ۱۱۹، سنجیدنها ۱۲۴، کشش ترازو ۱۳۶، سختَن ۱۴۰

~: وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ (۵۵:۹)
سخَتن ۲، ترازو ۶۱، ترآزو ۱۰۰، سَنْجِیدن ۱۱۳، سنجیدن ۱۳۰

وَزْنًا: فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا (۱۸:۱۰۵)

سنج ۱، سختن و اندازه ۲۹، ترازو ۳۶، سنجیدن ۳۹، سنگ ۴۲، سَنجیدَن ۵۳، سنجیده ۷٤، سنج ۸۸، ترازوی ۱۰۵

وَزَنُوهُمْ: وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۸۳:۳)
سنجند ۱، بسنجند ۲٤، می سنجند ۱۱۱، میسنجند ۱۱۶، سنجیدند ۱۲٤، پیمایند ۱۳٤

وَزِيرًا: وَاجْعَل لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي (۲۰:۲۹)
یاری گر ۲، دستور ۳، یاری دهنده ۳۶، یاری کننده ٤۹، دَسْتُور ۵۳، یار و هم پُشت ۵۶، همنشین ۹۰، پشت ۹۶، دستور و هم پشت ۱۰۹

~: وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (۲۵:۳۵)
یاری ده ۲٤، یار ٤۷، هم پشت ۶۱، معین و پشت و پناه ۶۷، یاور هَم پشت ۷۶، دستور، یار ۱۰۹، مددکار ۱۳۰، یاور ۱۳۲

وَسَطًا: وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا (۲:۱٤۳)
میانه ۲، میانه ۳، گُزیده ۱۰، میانَه ٤۲، برگزیده ٤۳، مِیان ۵۳، میانه و بهینه ۵۹، گزیده ۶۰، بهترینیان ۷۹، راست ۹۰، میآنه ۹٤، میانجی ۱۰۲، میانه نگه دارنده ۱۰۶، میانه و پاکیزه ۱۲۵، بزرگواران ۱۳۸

وَسَطْنَ: فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۱۰۰:۵)
درافکندند ۲، اندر میان شوند ۲٤، در میانه درآیند ۳۶، درروند ۶٤، در میان می روند ۷۹، درمیان شدند ۹۱، در میان روند ۹۶، درآیند ۱۰۰، در میانه میشوند ۱۰۵، اندر افکندند خویشتن بدان میانه ۱۰۸، بمیان درآمدند ۱۱۶، درآیند در میان ۱۱۷، بمیان درآوردند ۱۲۰، درمیانّ درآمدند ۱۳۲، بمیان درگرفتن ۱۳۶

الْوُسْطَىٰ: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ (۲:۲۳۸)
دیگر ۱، میانه ۲٤، میانگی ۲۷، میانین ۳٤، میانگین ٤۲، میانگین ٤۸، دِیگر ۵۵، میانگین میانه ترین ۶۳، میانه گی ۹۱، میانیٔ ۱۲۱، میانی ۱۲۲، میانه دیگر ۱۲۸

وَسِعَ: وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (۲:۲۵۵)
فراخ شد ۱، گنجید و رسید ۳، فراخ ست ۱۰، رسیدست ۲٤، برسیده است ۲۵، فراخ تر ۲۷، رسیده است ۳٤، فراگرفته است ۳۶، شایسته شد ۳۹، فراخ کند ٤۱، فراخَست ٤۲، گران شد ٤۳، گُنجید و رَسید ۵۵، فرارسیده است ۶۳، فراخ برسیده ۶۳، فراخی ۶۹، فرآخ برسیده است ۱۰۰، گنجایشی دارد ۱۰۱، فرارسید ۱۰٤، گُنجید ۱۱٤، فرارسیده ۱۲۳

~: وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (۶:۸۰)
فراخ است ۱، رسد ۳، فراخ بود ۹، فارسیدست ۱۰، دهد ۲٤، بسیارست ۲۶، درگرفت ۲۷، فراگرفته ۳۶، فراخست ۳۹، فِراخَسْت ۵۳، فراخ شده ۷۶، فرآخست ۸۲، فراگرفت ۱۱۲، وارسیده است ۱۱۶، فراخ ساخت ۱۲۹، فراخ گرداند ۱۳۶

~: وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا (۷:۸۹)
رسید ۳، فراخ رسیده است ۲۷، فراخ برسید ۲۹، بگنجنده است ۳۹، فراخ رسانید ٤۳، فراخ برسیده است ۶۳، بگنجیده است ۶۷، گنجانید ۱۰۹، فراخ ۱۱۰، گنجید ۱۱٤، رسنده است ۱۲۳، گشادگی دهد ۱۳۶

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (۲۰:۹۸)
فراخ است ورا ۲، می رسد ۱۶، درگنجید ۲۹، فَراخَست ۵۳، برسید ۵۸، بگنجیده و برسیده است فراخ کرده است ۶۷، فراخ کرد ۷۶، فراخ گشت ۹۲، فراْخ برسیده است ۱۰۰، فرا رسیده وگنجانید ۱۰۹، فرا رسنده است ۱۲۱، در یافت ۱۳۹

وَسِعَتْ: وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (۷:۱۵۶)
فراخ شد ۱، گنجید و رسید ۳، فارسیدست ۱۰،

رسید ست ۲٤، فراخست ۲۷، فراخ برسید ۲۹، فراگرفته است ۳٦، بگنجیده است ۳۹، فرارَسَدْ ۵۳، رَسید و گُنجید ۵۵، درگرفت ۵۸، گنجید و رسید ٦۱، فراخ برسیده است ٦۳، بگنجیده است ٦۷، فراخ شد و فرارسید ۷۹، فراخ شده است ۸۳، فراخ برسنده است ۸۵، فرارسد ۹۳، برسید و فراخ شد ۹٤، گرد فرو گرفته است ۹٦، فرارسیده است ۱۰٦، فراخ رسید ۱۰۹، وارسیده است ۱۱۱، رسید ۱۱٤، فراگرفته ۱۳٦

وَسِعْتَ: رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً (۷:٤۰)
فراخ شدی ۱، فراخ کِردی ۲۲، برسید ۲٤، فراخ گردانیدی ۳۰، فرارسیده باشد ۳٤، برسیدی ۳۸، فراخ داری ۳۹، فراخ شد ٤۱، فراخ رسانیدی ٤۳، فراخی کردی تو ۵٦، فراخ و پر کردی تو ٦۱، رسیدی ۹۲، فراخ برسیدهٔ تو ۱۰٦، فراخ فرارسیدی ۱۰۹، فرارسیدی ۱۱۳، رسیدی ۱۱٤، فراخ کردی ۱۲٤، فراخ ساختی ۱۲۵، فراگرفتی ۱۳۲، فراخ کردهٔ ۱۳٦، فراخ برسیدهای تو ۱۳۸

وُسْعَهَا: لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا (۲:۲۳۳)
توانایی ۲، درخور ۱۳۸

~: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۲:۲۸٦)
بتوان ۱، توانایی ۳، توانائی ۲۸، توانایی ٤۲، تواند ٦۳، توانآیی ۹٤

~: لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (٦:۱۵۲)
توان ۱، توانایی ۲، توانا ۱۰ مکرر، تُوَانائی ۵۵، توانآء ۱۰۵

~: لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۷:٤۲)
اندازه ۳٦، توآنایی ۱۰۵

~: وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۲۳:٦۲)
تُوانایی ۲، توانائی ۳۹، فراخ و توانایی او ٤۷، فراخی ۹۰، گنجایش ۱۱۱

وَسَقَ: وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۸٤:۱۷)
بهم گیرد ۱، بجای خویش بازشود ۲٤، تاریک گردد ۳۸، بپوشد ۳۹، گرد آورد ٤۱، اندراید ۵۳، فراهم آورد ۵٦، فراهم آرد ٦۷، جمع کرد و برداشت ۷۹، گرد کرد ۸۰، گرد کند ۹۰، بهم آورند ۹٤، درآید ۹۹، گرد آرد ۱۰۸، فراگیرد ۱۲۰، پوشانیده ۱۲۲، به پوشد ۱۲٤

الْوَسْوَاس: مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۱۱٤:٤)
دیو فریبنده ۱۲۲، فریبنده ۱۳۲

وَسْوَسَ: فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ (۷:۲۰)
اندیشهٔ بد افکند ۳، در دل افکند ۲۹، بفریفت ۳٦، بجنبانید در نهانی ٤۳، بجنبانید در نهان ۵۸، بشخشانید ٦۱، اندیشه افکند ۹۱، بشورانید ۱۰۲، برشورانید ۱۰۹، اندیشه کرد ۱۱٤، اندیشه انداخت ۱۲۹

~: فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ (۲۰:۱۲۰)
نَرم گفت ۲، اندیشه برافکند ۳، بشورید ۳۸، بجنبانید ۵۸، نرم گفت ٦۱، اندیشه بد افکند ۸۰

الْوَسِيلَةَ: اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (۵:۳۵)
نزدیکی ۱، نَزدیکی ۵۵، پیوستگی ۵٦، راه نزدیک ٦۳، راه ۷۰، پیوستن ۷۵

~: يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ (۱۷:۵۷)
پیوند ۲۹، نَزدیکی ۵۵، دستگاه ۵۹، نام کرده ۸۸، دست‌واره ۹۵، دست آویز ۱۱۱

وَصَّاكُمْ: إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَٰذَا (٦:۱٤٤)
أندرز کرْد ۲، اندرز کرد ۳، می فرمود ۱۰، بفرمود ۲٤، بیافرید یا پیدا کرد ۲۹، فرمود ۳٦، بفَرمُود ٦۳، میفرمود ۱۰۲، فرموده است ۱۱۲

~: ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٦:۱۵۱)
أندرز کرد ـ بفرمود ۲، اندرز می کند ۷٦

~: ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲:۶)
اندرز کردن ۹٤

~: ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳:۶)
اَندَرزْ همي کند ۲

وَصْفَهُمْ: سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ (۱۳۹:۶)
نشان دادن ۱۰۲

وَصَّلْنَا: وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ (۵۱:۲۸)
دیدور کردیم ۱، پیوسته گردانیدیم ۲، پیاپی فرستادیم ۳، پیوسته بکردیم ۲٤، پیوستیم ۳٦، پیوسته کردیم ۳۹، بپیوستیم ٤۱، درپیوستیم ما ٤٦، پیوستیم ما ٤۸، پیوسته‌ایم ٦۲، پیوسته کردیم ما ۷٦، بپیوستیم ما ۸۹، پیوند کردیم ما ۹۹، پیوند دادیم و درهم پیوستیم ۱۰۳، بپوستیم ما ۱۰٦، درپیوستیم - پیوسته کردیم - پدید کردیم ۱۰۹، پیوند دادیم ۱۱۱، فروفرستادیم ما ۱۱۳، رسانیدیم ما ۱۱۷، بهم پیوستیم ۱۲۲، پیوند دادیم ما ۱۲۳، بهم رسانیدیم ۱۲٦، پیوسته گردانیم ۱۲۸

وَصَّىٰ: وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَٰهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ (۱۳۲:۲)
أَندرزْ کرد ۲، اندرز کرد ۱۰، بفرمود ٤۱، اندرز کرد ٤۲، اَندَرْز کَرد ۵۵، فرمود ٦۳، اَنْدَرز کَرْد ۸۲

~: شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحًا (۱۳:٤۲)
اندرز کرد ۲، اندرْز کرْد ۲۲، بفرمود ۲٤، اَنْدَرز کرد ۳۲، فرموده بوده ۱۰۲

وَصِيَّةً: إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ (۱۸۰:۲)
أَندَرزْ کردن ۲، اندَرز کردن ۱۰، اندرز کَردَن ٤۲، اَندَرزْ ۵۵، بدر باید کردن ۱۰۷، اندرز کند ۱۳۸

~: وَيَذَرُونَ أَزْوَٰجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَٰجِهِم (۲٤۰:۲)
أَندرْز کردن ۲، اندرز کند ٤۱، اندَرز ٤۲، اَندرز باید کردن ۵۳، باید که اندرز کنند ۱۰۱

~: فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا (۱۱:٤)
اندرز ۱۰، فرموده ٦۳، فرمود ۱۳۸

~: مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ (۱۲:٤)
أَندرْز ۲، فرمان ۵۸، اندرز ۱۲۸

~: إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ (۱۰٦:۵)
اندرز کردن ۲، اندرز کردَن ٤۲

بِالْوَصِيدِ: وَكَلْبُهُم بَٰسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ (۱۸:۱۸)
دَرگه ۱، درگاه ۲، آستانه ۸، برهم نهاده ۲٤، آستانهٔ در ٤۲، دَرگاه ۵۵، پیش دَر ٦۲، در ٦۳، ستانه ٦۵، ستانه در ٦۷، آستانه در ۷٦، پیش در ۹٦، پیشگاه ۱۱۱، پس ایستادن در ۱۱۳، درگاه خانه ۱۱٤، پیش آستانه دَر ۱۳۲

وَصِيلَةٍ: مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنۢ بَحِيرَةٍ وَ... وَلَا وَصِيلَةٍ (۱۰۳:۵)
بَا خُواهر پیوسته ۲، پیوسته به برادر ۳، با خواهر پیوسته ۱۰ مکرّر، گوسپند نر و مادهٔ پیوسته ۲۷، پیوسته ۳۹، اشتر آزاد ٤۱، گوسفندی بود که چون نر ماده بیک جای گرد آمدندی ٤۹، پیوَسْتِه بر بُرادَر خود ۵۵، گوسفندی که هفت شکم بزادی دو دو ماده و هشتم ماده و نری این نر را بنکشتندی برای این ماده ۵۷، آنکه هفتم شکم بزادی که نر بودی ۵۸، پیوسته ببرادر خود ٦۱، آن گوسفندی بود که دو بیک شکم بزادی یکی را برای دیگری نکشتی ٦٤، سوخته ٦۹، پیوند کننده ۷٦، گوسفند نر و ماده ۷۸، پیوسته برادر خود ۸۰، گوسپندی دو بیک شکم بزادی ۹۲، گوسفند نر و ماده ۹۸، خواهر پیوسته ۱۰۵، پیوسته بر برادر خود ۱۱٤، بارخوایش پیوسته ۱۲۸

وَصَّيْنَا: وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَٰبَ (۱۳۱:٤)
نیک اندرز کردیم ۲، ما بفرمُودیم ۱۰، فرموده‌ایم ۳٦، اندرز کَردیم ٤۲

~: وَوَصَّيْنَا الْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ حُسْنًا (۸:۲۹)
اندرز کردیم ما ۳۹

~: وَوَصَّيْنَا الْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ (۱٤:۳۱)
فرمودیم ما ۲٤، بفرمودیم ما ٦۱

~: وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ (۴۲: ۱۳)
اندرز کردیم ۲۹

~: وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا (۴۶: ۱۵)
أندرز کردیم ۲، اندرز کردیم ۳، فرمودیم ۲۴، اندرز کردیم فرمودیم ۶۱

وَضَعَ: وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۵۵: ۷)
بنهاد ۱، بنهاده ۳۴، بنهاد راست کرد ۱۱۴، نهاده است ۱۲۰، بنهاد راست ۱۳۹

وُضِعَ: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ (۳: ۹۶)
نهاده شُد ۲، نهاده شد ۳، بُنیاد آو کنند ۱۰، بنهادند ۲۳، نهاده‌اند ۳۴، نهادند ۳۸، نهادهٔ شُد ۴۲، نهاده آمد ۶۵، بنا کرده شد ۷۹، بنیاد شد ۹۲، پی او کنند ۹۴، ساخته شده ۱۲۳، بنا نهاده شد ۱۳۸

~: وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ (۱۸: ۴۹)
نهاده شد ۱، نهاده شود ۲، برداریم و فروگشاییم ۴۱، نهاده شوَدْ ۵۵، فروتهند ۵۷، نهاده آمد ۱۲۴، نهاده بوده ۱۲۹، بدهند ۱۳۹

~: وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ (۳۹: ۶۹)
نهاده شهد ۱، بنهد ۱۵، بنهَند ۲۲، بنهند ۲۴، نهاده شوند ۶۱، نهان شد ۱۰۹، گذاشته شود ۱۳۲

وَضَعَتْ: وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ (۳: ۳۶)
نهاد ۳، زاده بُد ۱۰، بازنهاد ۲۴، بزایید ۲۵، بنهاد ۲۷، باربنهاد ۲۹، بار برَنهاد ۴۲، بازبنهاد ۹۲، زاده بد ۹۴، بآربنهآد ۱۰۰، بر زمین نهاد ۱۲۲، بر زمین گذاشت ۱۲۷، بارگذاشت ۱۳۶

وَضَعَتْهُ: حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا (۴۶: ۱۵)
بنهاد ۱، نهاد ۳، بزاد ۲۴، بنهاده است ۳۴، بار برنهاد ۴۸، واز بنهاد ۴۹، بازبنهاد ۵۳، بارنهاد ۹۲، بنهآد ۱۰۰، نهاده است ۱۱۱، بزمین نهاد ۱۲۲، بازنهاد ۱۲۴، بر زمین نهاد و زائید ۱۳۶

وَضَعْتُهَا: فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا (۳: ۳۶)
نهادش - بزادش ۳، بزاد ۱۰

وَضَعْتُهَا: فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا (۳: ۳۶)
بنهادم ۲، زادُم ۱۰، بنهادم ۲۴، بزادم ۲۵، نهادم ۲۸، بنهادم ۴۲، نَهادَم ۵۵، بازنهادم ۷۵، باربنهادم ۷۶، نهاده‌ام ۹۰، نهادم بار ۹۸، بار بنهآدم ۱۰۰، بنهاده‌ام ۱۰۲، بارنهادم ۱۳۶

وَضَعْنَا: وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۹۴: ۲)
فرونهادیم ۲، دور کردیم ۳۶، بنهادیم ۳۸، بنهادیم ما ۳۹، نهادیم ۹۱، بنهآدیم ما ۱۰۰، برگرفتیم ۱۱۶، افکندیم ۱۲۱

وَضَعَهَا: وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۵۵: ۱۰)
نهاد ۳، بگسترانید ۲۴، فروبنهاد ۱۰۹، گسترانیده است ۱۲۰، بگسترد ۱۲۳، بیافرید ۱۲۵

وَطْئًا: إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۷۳: ۶)
آرمیدن دل ۲، شپردن[1] ۳، سازاوری ۶، رنج ۱۹، سپردن ۳۰، کارگرتر بر دل ۵۶، پای نهادن ۹۴، برخاستن ۹۶، آرمیدن ۱۰۸، آرامیدن ۱۲۴

وَطَرًا: فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا (۳۳: ۳۷)
کام ۶۷، دربایست ۸۷

وِعَاءِ: ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاءِ أَخِيهِ (۱۲: ۷۶)
اوند ۱، جوال ۲، باردان ۳، بار ۲۴، باردانها ۴۱، کالا ۴۲، رخت ۶۴، جای ۶۹، بار ۷۶، باربردار ۱۱۱

وَعَدَ: وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ (۴: ۹۵)
امید نمود ۳۹، نوید داد ۵۵، نوید داده است ۶۴

~: فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا (۷: ۴۴)
نوید داد ۳، بیم کرد ۳۹، ترسانید ۱۱۴

~: وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ (۹: ۶۸)
نوید داد ۵۵، نوید کرد ۱۱۴

۱. کذا باشین در متن اصلی.

~: هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ (٥٢:٣٦)
نوید داد ١٠٩

~: وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ (١٠:٥٧)
امید کرد ٣٩

وَعْدُ: وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (٤:١٢٢)
نویدْ ٥٥

~: حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (١٣:٣١)
نوید ٥٥، فرمان ١٢١

~: إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ (١٤:٢٢)
نوید ٥٥

~: وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ (٣٠:٦)
هنگام کرده است ٤٧، امید نمودن ٥٨

~: وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا (٤٥:٣٢)
نوید ٣

وُعِدَ: مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ (١٣:٣٥)
نوید داده شدند ٣، امید کرده‌اند ٩٤، نوید دادند ١١٤، امید کرده‌اند ١٢٨

~: قُلْ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ (٢٥:١٥)
نوید داده ١١٤

~: مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ (٤٧:١٥)
امید نموده شد ١٣٩

وَعْدًا: وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَ (٩:١١١)
نوید ٣

وَعَدْتُكُمْ: إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ (١٤:٢٢)
نوید دادم ٣٠

وَعَدْتَنَا: رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ (٣:١٩٤)
نوید دادی ٣، پیمان کردی ٣٠، نویدْ دادی ٥٥، امیدوار کردی ٦١

وَعَدْتَهُمْ: رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ (٤٠:٨)
نوید دادی ١١٤

وَعَدَكُمْ: إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ (١٤:٢٢)
نوید دادتان ٣٠

وَعَدَنَا: مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (٣٣:١٢)
نوید داد ـ پذیرفت ١٠٩

★ مَا وَعَدَنَا: مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (٣٣:١٢)
هنگام نمی کرد ٤٧، نوید ندادمان ١١٤

وُعِدْنَا: لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَٰذَا مِنْ قَبْلُ (٢٣:٨٣)
نوید داده شدیم ١١٤

~: لَقَدْ وُعِدْنَا هَٰذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ (٢٧:٦٨)
هنگام بکردند ما را ٤٧

وَعَدْنَاهُ: أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ (٢٨:٦١)
هنگام کرده‌ایم ما ٤٧، نوید دادیمش ١١٤

وَعَدْنَاهُمْ: أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ (٤٣:٤٢)
نوید دادیم ٢٩

وَعْدَهُ: وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ (٣:١٥٢)
نوید ٣، نوید ٥٥

وَعَدَهَا: النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا (٢٢:٧٢)
نوید کرد ١١٤

أَوَعَظْتَ: قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ (٢٦:١٣٦)
پند دهی ١، تو پند دهی ٣٩، پند دادی ٨٠، پند دهی تو ١٠٠، پَند دَهی تو ١١٩

الْوَعِيدِ: وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ (٢٠:١١٣)

بیم ۲، ترس ۲۹، بیمها ۴۸

~:وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (۵۰:۲۰)
رستخیز ۳۸، ترسانیدن ۵۱، ترس و بیم ۱۰۵

~:قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ (۵۰:۲۸)
بیم کردن ۲، بیم کننده ۳۹، آنچه بدان ترس دهند ۸۶

وَعِيدِ (ی): ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ (۱۴:۱۴)
بیم کردن ۲، بیم ۳، بیم ۵۵، ترسانیدن ۹۸

~:كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (۵۰:۱۴)
نوید ۳، ترسانیدن ۳۹، بیم دادن ۱۲۱

~:فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ (۵۰:۴۵)
ترسیدن ۵۸، بیم نمودن ۸۶

وِفَاقًا: إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا جَزَاءً وِفَاقًا (۷۸:۲۶)
درْخور ۲، درخور ۳، اندرخور ۵۶، بسندگی ۶۱، سزای ۸۷، فراخورد ۱۰۹، دور ۱۱۴، فراخور ۱۲۱، فراخور گناه ۱۳۶

فَوَفَّاهُ: وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ (۲۴:۳۹)
بونده[1] دهد ۱، بدهد ۵۸، دهد ۱۰۶

وَفْدًا: يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَٰنِ وَفْدًا (۱۹:۸۵)
ورنشاندگان ۱، بنواخت بُرده ۲، سُواران ۳، گرامی داشتگان ۲۹، گروه گروه ۳۰، سواران ۳۹، بسواران ۴۴، اندرآوَردن ۵۳، گروهان برنشاندگان ۵۸، سواران گرامی ۶۱، نشسته ۷۶، اشتران سواران ۸۷، گروه ۹۰، نشاندگان ۹۲، گروه آراسته ۱۰۹، آیندگان ۱۱۱، سزاوار ۱۱۴، رسیدگان بمیهمانی ۱۲۲، آوردگان بنواخت ۱۲۴، بنواخت آوردگان ۱۲۸، واردشده ۱۳۵، برنشستگان ۱۳۸

وَفَّىٰ: وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ (۵۳:۳۷)
بجای آورد فرموده را و بسر برد ۱۰۹

وُفِّيَتْ: وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ (۳:۲۵)
پاداش دهندشان ۴۱، رسانده شد ۱۰۹، داده شود ۱۲۳

~:وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ (۳۹:۷۰)
بونده داده شهد ۱

وَقَارًا: مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۷۱:۱۳)
بزرگواری ۱، بزرگی ۲، بزرگ داشت ۳، آهسته ۳۹، بآهستگی ۴۹، بسیار ۵۴، آهستگی ۶۹، بزرگ داشتن ۸۰، آهستگی در کارها ۹۱، شکوه ۱۰۹

وَقَانَا: وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ (۵۲:۲۷)
نگه داشت ۱، برهانید ۲، نگاه داشت ۳۴، نگاهداشت ۹۲، پائید ۹۶، نگهداشت ۱۱۶

وَقَاهُ: فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا (۴۰:۴۵)
نگه داشت ۱، نگاه داشت ۳، برهانید ۲۲، واپایید ۲۹، نگهداشت ۴۳، نگاهداشت ۹۲، نگاه داشت ۹۶، نگاه بداشت ۱۰۰، نگاه داشتن ۱۰۸

وَقَاهُمْ: وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۴۴:۵۶)
برهاند ۱۶، نگه بداشت ۲۹، نگاه دار ۸۰، پناه داد ۹۹، بازدارند ۱۲۴، نگاهدارد ۱۳۲، نگه بدارد ۱۳۸

~:وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۵۲:۱۸)
برهانیدشان ۲، نگاه داشت ۳، برهانیده بود ۲۴، بپاید ۲۹، نگاه دارد ۵۱، نگاهداشت ۸۷، پایسته باشد ۹۶، نگه بداشت ۱۰۰، نگاه داشته است ۱۱۱، نگهداشت ۱۱۴، نگه بداشته باشد ۱۳۸

~:فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (۷۶:۱۱)

---

۱. بونده: تمام، کامل.

نگه داشت ۱، بپايد ۲۹، بازداشت ۳۹

وَقَبَ: وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳:۱۱۳)
اندر آيد ۲۴، درآيد ۷۹، درآمدست ۸۸، تاريک شود ۹۶، پشت برکند ۱۱۷، نگارد ۱۳۹

ٱلْوَقْتِ: إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْوَقْتِ ٱلْمَعْلُومِ (۳۸:۱۵)
گاه ۲، گاه ۵۵، پيدا کرده ۹۴

~: إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْوَقْتِ ٱلْمَعْلُومِ (۸۱:۳۸)
هنگام ۳۰

لِوَقْتِهَا: لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ (۱۸۷:۷)
هنگام ۳۵، گاه ۹۴

وَقْرًا: وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا (۲۵:۶)
کرّى ۵۳، گرانى و کرى ۵۸، کرّى و گرانى ۸۳، گران ۱۱۸

~: وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا (۴۶:۱۷)
کرى ۲، گرانى ۵۳، گرانى ۵۵، سنگينى ۱۳۶

~: إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا (۵۷:۱۸)
کرى ۸، گران گشتن ۴۳، گرانى ۵۵، گرانه ۱۱۰

~: كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا (۷:۳۱)
گرانى ۱، کرّى ۳، سنگى ۲۴، کرى و گرانى ۴۷، گرانى کرى ۵۸

وَقْرٌ: وَفِي ءَاذَانِنَا وَقْرٌ (۵:۴۱)
گرانى ۱، کرى ۳۴، کرى و گرانى ۱۰۲، گرانى - کرى ۱۰۹، سنگينى ۱۳۶

~: وَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ (۴۴:۴۱)
کرّى ۱۰۰، گران ۱۲۶

وِقْرًا: وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرْوًا فَٱلْحَٰمِلَٰتِ وِقْرًا (۲:۵۱)
بار ۱، بار گران ۳، گرانى ۶، بارها گران ۲۴، گران ۲۹، گرانيها ۴۷، بار گران بار ۵۱، بار کردن ۶۷، باران ۸۶، گرانها ۹۲، بار باران ۱۲۲، بار سنگين ۱۳۶

وَقَعَ: فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى ٱللَّهِ (۱۰۰:۴)
ويجب شد ۱، افتد ۲۴، بيُوفتاد ۴۵

~: قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ (۷۱:۷)
افتاد ۳، هاافتاد ۲۹، بيوفتاد ۳۱، اَفتاد ۵۵

~: فَوَقَعَ ٱلْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۸:۷)
بيفتاد - پديد آمد ۲، آشکاره شد ۴۹، پديد آمد ۵۶، فراز افتاد ۶۴، پيدا آمد ۶۷، درست شد ۹۴، افتاد - پديد آمد - پيدا شد ۱۰۹

~: وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ ٱلرِّجْزُ (۱۳۴:۷)
فروآمدى ۲۴، فرا آمد ۳۴، فرو آمَدْ ۵۳، اَفْتاد ۵۵، بيفتيد ۵۷، فرود آمدى ۹۲، فروآمد ۱۰۹، پديد شد ۱۳۶

~: أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنتُم بِهِۦ (۵۱:۱۰)
فرود آيد ۳، کوفته بَود ۱۰، بيفتد ۱۳، فروآيد ۲۴، هاافتد ۲۹، فُرود آيد ۵۵، بيفتَد ۶۲، بيفکند ۱۲۴

~: وَإِذَا وَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً (۸۲:۲۷)
بيوفتد ۶۴، سزا گردد و فرارسد ۴۷، بُيْفتَدْ ۵۳، فروافتاد ۶۱، برافتد ۱۰۸، سزا شود ۱۰۹، نزديک شود ۱۳۲، بيوفتند ۱۳۹

~: وَوَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا (۸۵:۲۷)
ويجب شهد ۱، سزا کرد ۴۷، فرود آمد ۴۹، برافتد ۵۶، پيدا شد ۸۷، فرارسيد ۱۰۲

وَقَعَتِ: إِذَا وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ (۱:۵۶)
بپاى شهد ۱، افتد ۳، برخيزد ۲۴، هاافتد ۳۲، بيفتاد ۳۴، بپاگشت ۳۹، افتاد ۵۱، پديد آيد ۱۰۴

~: فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ (۱۵:۶۹)
فرود آيد ۳، بيفتد ۲۹، بيايد ۳۰، بيفتد - برخيزد

۵۶، بیوفتد ۶۹، بیاید یا بباشد ۱۰۸، پدید گردد ۱۳۶

لِوَقْعَتِهَا: لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ (۵۶:۲)
بپای شدن ۱، افتادن ـ بودن ۳، برخاستن ۲۴، افتادن ۲۹، آمدن ۳۰

وُقِفُوا: وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ (۶:۲۷)
واز گرفته شند ۱، ایستانیده شوند ۳، بدارندشان ۹، بدارندایشان ۴۲، بیستانند ایشانرا ۵۳، بدارند ایشانرا ۵۷، ایستاده و بازگرفته شوند ۵۸، ایستانند ۶۱، بازدارند ایشان را ۶۲، بایستانند ایشانرا ۶۷، ستانیده شود ۹۱، بیستانید ایشانرا ۹۲، بردارندشان ۹۴، استانیده شوند ۹۹، بازدارندشآن ۱۰۰

~: وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ (۶:۳۰)
ایستاده شوند ۳، بیستند ۹، بازدارند ایشانرا ۲۶، ایستانیده شدند ۳۰، بیستانندشان ۳۹، بایستانندشان ۴۱، بدارند ایشان را ۶۲، بنشانندشان ۷۴، بازدارندشان ۸۸، بداردشان ۹۴، بازداشته شدند ۱۱۲، بازشده باشند ۱۲۳

وَقُودُ: وَأُولَٰئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ (۳:۱۰)
افروزینه ۳، هیمه ۱۰، هیزم سوختنی ۲۷، فروزینه ۲۸، هیزم ۴۲، فُروزینه ۵۵، افروزش ۶۹، هیزم آتش ۷۴، فروزنده ۸۰، بیفروزند ۹۰، هیمّه ۹۵، هیمه افروزه ۱۰۰، آتش افروز ۱۰۲، انگیزه ۱۰۴، آتش انگیز ۱۱۱، آتش انگیزان ۱۲۹

~: قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ (۸۵:۵)
هیزم ۱، اُفروزش ۲، افروزش ۳۰، بشخیدن ۳۲، بشخیدَن ۵۱، افروز ۶۱، برافروخته ۷۸، زبانه زدن ۷۹، هیزم افروخته ۸۲، فروزش ۸۷، سوزان ۹۱، افروخته ۹۲، افروختن ۹۶، افروختگی ۱۰۰، آتش افروخته ۱۰۶، افروخته بهیزم ۱۳۶

افروزینهٔ آتش ۳، فروزنده آتش ۱۱۴

وَقُودُهَا: فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ (۲:۲۴)
هَیمّه ۱۰، فُروزینه ۵۵، افروختن ۵۷، فروزنده ۸۰، سوختن و افروختن ۹۰، آتش انگیز ۱۰۴، هیمه فروزینه ۱۰۹، افروزاننده ۱۱۱، هیزمها ۱۱۵، هیمه افروز ۱۱۹، آفروزینه ۱۲۴، افروزش ۱۲۸

~: قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ (۶۶:۶)
هیزم ۱، فروزینه ۳، هیمه ۲۴، افروز ۳۶، فروزش ۳۹، هیزم و فروزش ۵۶، آتش افروز ۷۸، هیمهٔ افروز ۱۰۰، آتش افروزان ۱۱۱

فَوَكَزَهُ: فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ (۲۸:۱۵)
موشتی زد ۱، مشتی زد ۲۱، مشت زد ۲۹، بزد مُشتي ۳۹، بزد مشتی ۴۱، مشت بزد ۴۳، مشتی بزد ۴۶، بزد دستی ۴۷، بسینه اندر زد ۵۸، مشتی نواخت ۱۰۹، مشت زد ۱۲۸، سینه اندر زد ۱۲۹

وُكِّلَ: قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ (۳۲:۱۱)
ورگماشته شد ۱، برگماشته شد ۳، گماشته‌اند ۲۴، بگماشتندش ۳۰، برگماشتند ۴۱، گماشته شد ۴۶، بگماشته‌اند ۴۷، برگماشتهٔ است ۵۳، گماشته شده است ۶۱، برگماشت ۷۶، گماشته شدست ۹۲، گماشته شه ۱۰۹، برگماشته شده است ۱۱۱، برگماشته شده ۱۲۱

وَكَّلْنَا: فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا (۶:۸۹)
ورگماریم ۱، برگماریم ۳، برگماشتیم ۹، گماشتیم ۱۰ مکرّر، ما برگُماشته‌ایم ۱۰، ما گماشتیم ۲۶، بگماریم ۴۱، گماشتیم ما ۶۱، فروداشتیم بنگاه داشت ۶۲، فروداشتیم ۸۸، بگماریم ما ۱۰۰، برگماشته‌ایم ۱۱۶، گماشته‌ایم ۱۲۲، گماشته‌ایم ما ۱۲۳، برگماریم ما ۱۲۴، بگماشته‌ایم ما ۱۳۸

* وَقُودُ النَّارِ: وَأُولَٰئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ (۳:۱۰)

وَكِيلًا: وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۴:۸۱)

نگه‌وان ۱، کارساز ۲، کَارساز ۴۲، کَارسَاز ۵۵، کارگزار و نگاه‌بان ۵۷، نگه‌دار و کاردان ۵۸، نگه‌دار ۵۸، کاران ۶۳، پذیرنده ۶۷، کارگذار ۹۶، کارسازنیدگان ۹۸، نگاه‌بان و کاردان ۱۰۴، نِگاه‌بان ۱۰۷

~: أَم مَّن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (۴:۱۰۹)
نگاهبان ۳، نگه‌بان ۲۹، میانجی ۳۹، نِگاهْ بَانْ ۵۳، کاردان[1] ۵۶، یار و پذیرفتار ۸۱، کارگذ آر ۱۰۰، کازار[1] ۱۳۸

~: وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۴:۱۳۲)
نگاه دارندَ ۱۰، بنگاه داشتن ۳۷، سازندهٔ کار ۲۹، نِگاهَ بانْ ۵۳، کَارْدان ۵۵، سازنده کار ۸۲، کارساز کارران ۸۳، کارزار ۸۸، پاینده بودن ۹۶، کاردَان ۱۰۴، سازنده کار بندگان ۱۲۸، کارایی ۱۳۸

~: وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۴:۱۷۱)
کارگزار ۲، کارران ۲، کارران نگاه‌بان ۳، نگاه‌بان ۳۱، نگاهْ بَان ۵۳، دارنده خویش ۶۷، کارران و کارساز ۸۱، کارران و کارگزار ۸۳، کارران و کارگذار ۸۸، کارزار و کارد آن ۹۴، کارر آن ۱۰۰، کاردان نگه‌بان ۱۰۴، کارگزار و کاردان ۱۲۸، بکارای ۱۳۸

~: أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا (۱۷:۲)
نگاه‌دار کارساز ۲، نگاه بَان ۵۳، کَارَّان نگه‌بان ۵۵، خدا ۵۸، خداوند و کاردان ۹۲، کارکن ۹۳، کار بازگذاشته شده ۱۲۰

~: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (۱۷:۵۴)
نگاه‌بان ۲، نِگاه بَانْ ۵۳، نگاه‌بان و میانجی ۵۸، کارَان ۶۱، کارگزار و نگه‌بان ۱۱۳

~: وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا (۱۷:۶۵)
نگاه‌دار ۳۴، نگه دارنده ۱۰۳

~: ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا (۱۷:۶۸)
نگاه دارْ ۲، کارگزار ۸، نگهبان ۴۸، رهاننده و نگاه دارنده ۵۸، کارگزار و نگه دارنده ۷۹، نگه دارنده ۱۱۱

~: ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا (۱۷:۸۶)
یاری ده ۲۴، گماشته ۴۱، نَگاه بَان ۵۳، نگاهدار و کارساز ۶۷

~: أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا (۲۵:۴۳)
پذیرفتار ۳۹، نگاه‌دَار ۴۲، نگهبان و گماشته ۴۷، گماشته و میانجی ۵۸، نگاهدار ۶۷، کاردار ۸۶، گماشته یا نگاه‌دار ۱۰۸

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۳۳:۳)
کارران و نگاه‌بان ۳، نگاه داشت ۴۲، کارران و نگاهبان ۴۷، نگاه بَان ۵۳، یاور ۷۶، کارگزاری ۱۰۴، کارساز و نگه‌دار ۱۰۹

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۳۳:۴۸)
کارساز ۲، میانجی و نگاه‌دار ۵۸، کارساز و نگاه‌بان ۶۴، کار سازنده ۱۳۰

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۷۳:۹)
کارران و پذرفتار ۳، کاردان و نگاهبان ۴۱، کارران و پذرفتار ۸۰، پناهبان و کارران ۹۲، کارران کارساز ۱۰۸، کاردانی ۱۳۸

وَكِيلٌ: وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (۳:۱۷۳)
نگه‌وان ۱، نگاه‌دار ۲، کارران ۳، پذیرفتگار ۱۰، یار ۲۳، کاررَان پذیرفتار ۲۷، خداوند ۳۹، کارگزار ۴۱، نگاه بَان ۴۲، یار و نگاه‌دار ۵۳، نِگاه بَان ۵۵، کاردان و نگاه‌دار ۵۶، نگه‌دار ۶۲، نگاهدار ۷۸، کارگذار ۹۱، یار و پذیرفتگار ۹۴، نگاه‌دار و کاردان ۱۰۲

~: وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ (۶:۶۶)
پایندان ۲۷، گماشته ۳۶، نگاهبان ۴۱، نگاهبان و

---

۱. در متن چنین است، که اگر تحریف از «کاران» نباشد سزاوار تأمل است.

پذیرفتار ٦٧، پنای ٧٦

~: وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (٦:١٠٢)
گوا و پذیرفتگار ١٠، نگه بان ٢٩، کارران و نگاه بان ٣٩، نگاه بان و گواه و میانجی ٥٨، توانا ٧٥، کاران ٨٩، کارساز ١١٥

~: وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (٦:١٠٧)
گماشته و پایندان ١٠، نگهبان و گماشته ١٠٠، پاسبان ١١٥، چاره ساز ١٢٢

~: وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ (١٠:١٠٨)
نگاه بان ٢، بارسا ١٣، کارکن ٣٦، نگهبان ٥١، نِگاه بَان ٥٥، برگماشته و میانجی ٥٨، ورگماشته ٥٩، نگاه بان ٦٩

~: إِنَّمَآ أَنتَ نَذِيرٌ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (١١:١٢)
پذیرفتار و گواه ٦٥، نگه بان ١٢٨

~: قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (١٢:٦٦)
گواه ٧ مکرّر، نِگاه بان ٥٣، گواه و پایندان ٥٦، گواه و میانجی ٥٨، نِگاه بان ٧٦

~: وَٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (٢٨:٢٨)
گوا ٣٩، گواه و نگاهبان ٤١، نگهبان و گواه ٤٧، کاردان ٥٨، گواه و نگاه بان ٦٤، نگاهبان و گواه ٩٢، نگه بان و گوا ١٠٨

~: وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (٣٩:٤١)
نگاه بانان ٢، نگاه‌وان ٦٥، گماشته ٩٨، گماشته و نگاه بان ١٠٩

~: وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (٣٩:٦٢)
نگاه بان ٢٢، گواه و کارران ٦٥، کاردار ١٠١، کارران ١٣٨

~: ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (٤٢:٦)
برگماشته ٣، برگماشته ٢٩، میانجی ٥٦، برگماشته و نگاهبان ٦٧، کارران ١٠٠، گماشته شده ١٠٣، نگهبان و گماشته شده ١١١

فَوَلِّ: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (٢:١٤٤)
بگردان ٢، گردان ٣، بُگردان ١٠، برگردان ٢٩، روی بگردان ٣٦، بگردان ٤٢، گردان ٥٥، فروگردان ٥٩، روی برگردان ٦١، فراکن ٦٣، بگرد ٩٠، فراز کن ١٣٥

~: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (٢:١٤٩)
بگردان ٤٢، گردان تو ٦١، بکن ٧٤، فراکنید ٦١

وَلاَّهُمْ: سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُوا۟ عَلَيْهَا (٢:١٤٢)
واگردانید ١٠، بگردانید ٤٢، می گردانند ٥٥، برگردانید ٥٧، بگردانند ٥٩، بگردانید ٦٣، گردانند ٨٨، گردانید ٩٠، برگردنید ٩١، بازگردانید ١٢٢، بازگردانیده ١٢٣، برگرداندشان ١٢٤، بگرداند ١٢٨

اَلْوَلايَة: هُنَالِكَ ٱلْوَلَٰيَةُ لِلَّهِ ٱلْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا (١٨:٤٤)
پادشایی ١، پادشاهی ٣، دوستی ٤١، پادشای ٥٣، پَاذشَاهِی ٥٥، کار وبار و فرمان ٦١، فرمان ٧٤، فرمان و پادشاهی ١١٣

وَلايَتِهِمْ: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَمْ يُهَاجِرُوا۟ مَا لَكُم مِّن وَلَٰيَتِهِم (٨:٧٢)
دوستی ٣٦، نگاه داشتن ٤٢، یاری ٦١، نگاه داشت ٨٣، یاری کردن ٩٤، نگاه داشت دوستی ١٠٩، دوستی کردن ١٢٢

وَلَدَ: أَلَآ إِنَّهُم مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ وَلَدَ ٱللَّهُ (٣٧:١٥٢)
کشت ١، فرزند ٨١، زاییده است ٩٦، فرزند زاد ١٠٩، فرزند آورد ١١٤، فرزند ١٢٤

~: وَأَنتَ حِلٌّۢ بِهَٰذَا ٱلْبَلَدِ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ (٩٠:٣)
بزاد ٢، زاد ٢٩، بزایانیدند ٩٤، زاده است ١١٦، زاده ١٢٣، فرزند نهاد ١٢٦، زاییده ١٣٦، زایانید ١٣٨

وُلِدَ :وَسَلَٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ (١٩: ١٥)
زاده شد ٣، بزاد اورا ٣٤، بزادند اورا ٤١، بزادند ش ٤٢، او را بزادند ٦٢، بزايد ١٠٥، زاده شده ١١٤، زائيده شد ١٢٩

وَلَدًا : وَقَالُوا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدًا سُبْحَٰنَهُۥ (٢: ١١٦)
فرزند ٢، فرزند ٥٥، فرزند ١١٤

~: عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا (١٢: ٢١)
پسر ٣٦

~: إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا (١٨: ٣٩)
فرزند ٢، فرزندان ٥٦

~: لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا (٢٨: ٩)
فرزند ١

وَلَدٌ : إِن كَانَ لَهُۥ وَلَدٌ (٤: ١١)
فرزند نر يا ماده ١٠

~: أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُۥ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ صَٰحِبَةٌ (٦: ١٠١)
فرزند ١، فرزند ٢

ٱلْوِلْدَٰنُ : مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ (٤: ٧٥)
خوردان ١، كودكان ١٠

~: مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ (٤: ٩٨)
كودكان ٥٥

~: وَٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلْوِلْدَٰنِ (٤: ١٢٧)
خوردگان ٩٦

~: يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَٰنٌ مُّخَلَّدُونَ (٥٦: ١٧)
فرزندان ٢، زندگان ٦٧، كودكان ـ پسران ١٠٩، كودكان ١١٤

~: يَوْمًا يَجْعَلُ ٱلْوِلْدَٰنَ شِيبًا (٧٣: ١٧)
كودكان خرد ٣، كودكان خورد ٣٩

~: وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَٰنٌ مُّخَلَّدُونَ (٧٦: ١٩)
كودكان ٢، پسران ٩٦

وُلِدتُّ : وَٱلسَّلَٰمُ عَلَىَّ يَوْمَ وُلِدتُّ وَيَوْمَ أَمُوتُ (١٩: ٣٣)
بزادم ١، زاده شدم ٣، زادم ٢٤، مرا بزادند ٣٣، بزاد مرا ٣٤، بزادند ٧٦، زادند مرا ٨٦، مرا مادر بزاد ٩٦، زاد شدم ١٠٧، بزادند مرا ١٠٩، زايده شدم ١١١، زائيده شدم ١١٧، بزايانيدند مرا ١٣٤، زائيده‌ام ١٣٥

وَلَدْنَهُمْ : إِنْ أُمَّهَٰتُهُمْ إِلَّا ٱلَّٰٓـِٔى وَلَدْنَهُمْ (٥٨: ٢)
بزادند ١، زادند ٣، زاده باشد ٣٤، زاده بودند ٦١، بزيانيده‌اند ١٠٠، بزاده‌اند ١٠٢، بزايانند ١٠٦، زايند ١٠٩، زاده‌اند ١١١، بزايانيدند ١١٧، زاييده‌اند ١٢٠، زائيده‌اند ١٣٦، زاد ١٣٩

وَلَدُهُۥ : وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦ (٢: ٢٣٣)
فرزند ٥٥

~: وَٱخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِى وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ (٣١: ٣٣)
فرزند ١، زاده ٣٩

~: وَٱتَّبَعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارًا (٧١: ٢١)
فرزندان ٦

وَلَدِهَا : لَا تُضَآرَّ وَٰلِدَةٌۢ بِوَلَدِهَا (٢: ٢٣٣)
فرزند ٢، فرزند ٣، بچه ٦٤

وَلَّوْا : لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ (٩: ٥٧)
بگردندی ١، روی گردانيدند ٣، وا گريزندی ١٠، ورگردانندی ٢٤، روی گردانيدندی ٥٥، بروندی ٥٨، بازشوند ٦٠، روی گردانيدندی ٦١، برگرديدندی ٦٢، درخزيدندی ٦٣، روی آوردند ٦٧، درخيزيدندی ٨٥، روی كنند ١١١، روی فراكردندی ١١٢، برگشتندی ١١٤، روی بگردانيدندی ١٢٨، دررووند ١٣٦

~: وَلَّوْا عَلَىٰٓ أَدْبَٰرِهِمْ نُفُورًا (١٧: ٤٦)
بازگردند ١، ورگردند ٢٤، برگردند ٥٣، روی گردانند ٦١، پشت بركنيد ٧٦، روی ميگردانند

~: وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (۸۰:۲۷)
وازگردند ۱، برگردند ۵۳، روی بگردانند ۶۴، پشت کنند ۱۲۲، گردند ۱۳۹

~: وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (۵۲:۳۰)
برگردند ۳، روی بگردانند ۴۳

~: فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ (۲۹:۴۶)
واز گشتند ۱، برگردیدند ۲۲، بازگشتند ۳۶، برگشتند ۴۱، برگردیدند ۵۳، برگذشتند ۶۱، روی کردند ۸۶، رفتند ۱۲۱، روی بگردانیدند ۱۳۹

~: وَلَوْ قَٰتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَٰرَ (۲۲:۴۸)
ورگردانند ۱، پشت بدادندی ۶، برگردیدندی ۲۴، بگردانند ۶۱، بازگردانند ۶۱، پشت دادندی ۸۰، گردانیدندی ۹۶، برگردانیدندی ۱۰۰، برگردانند ۱۰۸، گردانیدندی ۱۲۳

فَوَلُّوا: وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ (۱۴۴:۲)
بگردانید ۲، گردانیت ۳، بُگردانید ۱۰، بگردانید ۲۹، بگردانیت ۴۱، فراکنید ۶۳، برگردآنید ۹۴، فراز کنید ۱۳۵

~: وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ (۱۵۰:۲)
بُگردانید ۱۰، بگردانی ۲۴، بیاورید ۱۲۱

وَلَّى: فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا (۱۰:۲۷)
وازگشت ۱، روی گردانید ۳، ورگشت ۲۰، برگردید ۲۴، برگشته ۴۳، روی گردنید ۸۰، روی برگردانید ۱۰۳، روی گردانیده ۱۱۴، گشت ۱۲۴، پشت کرد ۱۳۲

~: فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا (۳۱:۲۸)
برگشت ۳، روی بگردانید ۳۰، پشت برگردانید ۳۴، پشت بداد بگریز ۴۱، بازگشت ۵۸، بربگردید ۷۶، روگردانید ۱۳۲، پشت بداد ۱۳۶

~: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا (۷:۳۱)
وازگردد ۱، گردد ۱۴، برگردد ۲۹، روی بگرداند ۴۷، روی بگردانند ۶۴، پشت بگرداند ۱۱۶، پشت کند ۱۳۸

★ وَلّی مُدْبِراً: كَأَنَّهَا جَآنٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا (۱۰:۲۷)
برگردید بازپس ۲، بازپس گشت ۵۸

وَلِيًّا: وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا (۴۵:۴)
یار ـ نگه‌دار ۲، دوست ۳، نگاه داشت ۴۲، دوست و کارساز ۵۸، دوستدار ۶۲، یار و نِگهدار ۹۴، نگاه داشت ۵۲، یاری دهنده ۹۸، یار و نگه‌دار ۱۲۱، پناگاه ۱۲۵

~: وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا (۷۵:۴)
دوست نگه‌دار ۱۰، یاری ده ۲۴، یار و دوست ۵۳، دوست و نگاه‌دار ۵۸، نگاهدار ۶۷، دوست ۸۰، نگاه دآرندهٔ ۹۴

~: وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۸۹:۴)
دوستان ۷۵، دوستار ۱۳۰

~: وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَٰنَ وَلِيًّا (۱۱۹:۴)
دوست و یار ۱۰، خدای ۲۴، بدوستی ۱۲۴

~: وَلَا يَجِدْ لَهُۥ مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۲۳:۴)
دُوست و یار ۲

~: وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا (۱۷۳:۴)
نگاه‌دار و دوست ۲، خُویش و دوست ۱۰، نگاه‌دار ۴۲، دوُست ۸۰

~: قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ (۱۴:۶)
یار و دوست ۲، خداوند ۹، خُداوند ۴۵، یار و یاری دهنده ۶۵، یاری‌گر ۸۸، یار و یاور ۱۲۲

~: وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيًّا مُّرْشِدًا (۱۷:۱۸)
نیرودهنده ۴۹، کارگزار ۱۲۲، کارگذار ۱۳۲

~: فَهَبْ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا (٥:١٩)
فرزند ١، پسر ٧٦

~: فَتَكُونَ لِلشَّيْطَٰنِ وَلِيًّا (٤٥:١٩)
یار ـ دوست ٣٤، همنشین ٦٤، دوست و همنشین ١١١

~: وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (١٧:٣٣)
کارساز ٦٧

~: ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (٢٢:٤٨)
دوست دار ٢

وَلِيّ: وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ (١٠٧:٢)
دوست دار ٢، خویش و دوست ١٠، یاور ٩٥

~: مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (١٢٠:٢)
نگاه دارنده ٢، دوست او خویشاوند ١٠، نگاه دارنده ٤٢

~: ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (٢٥٧:٢)
دوست و یار ٢، یار و نگه دار ١٠، دوشت ٨٠، یار و دوست ٩١، دوست و یار و نگهدار ١٠٤

~: وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلْمُؤْمِنِينَ (٦٨:٣)
یار و نگه دار ١٠، یار و نگاه دار ٢٥، یار و نگاه دار ٢٧، دوست دار و یاری گر ٦٤، نگاهدار ٦٧، دوست کار ٧٢، دوستدار ٩٠، یار و نگه دار ٩١، یار و نگه دار و دوست ٩٤، سازنده کار ١٢٠، دوست و یاری ١٣٨

~: لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ (٥١:٦)
دوست ـ نگاه دار ٢٦، نگاه دارنده ٤٩، دوست و یار و نگاه دار ٨٨، دوست و یاری گر ١٢٤

~: لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ (٧٠:٦)
یار و نگاه دار ١٠ مکرّر، یاری گر ٢٩

~: وَمَا لَهُمْ فِي ٱلْأَرْضِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٧٤:٩)
دوستار ٦٧، دوست یار نگه دار ١٠٩، دوستان ١٣٦

~: وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ (١١٦:٩)
پشت ٢٤، خویشاوند ٣٦، دوستی و یاری ٣٨

~: وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ وَلِيٌّ مِّنَ ٱلذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًۢا (١١١:١٧)
یاریگر ٣٠، یاری گر ٥٥

~: مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيٍّ (٢٦:١٨)
دوست و یاری دهنده ٤٤، دوست و یار ٥٨

~: مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ (٤:٣٢)
نگاه دار ٢، خدا ٣٠، کارساز ٦٤

~: فَإِذَا ٱلَّذِى بَيْنَكَ وَبَيْنَهُۥ عَدَٰوَةٌ كَأَنَّهُۥ وَلِيٌّ (٣٤:٤١)
دوست ١، خویشاوند سخت ٢٤، خویش ٣٩، دوست و خویش ١١١، خویشی ١٣٩

~: وَٱلظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٨:٤٢)
دوست ٣٢، دوست و نگاهدار ٨١، دوست و خداوند ٩٢

~: فَٱللَّهُ هُوَ ٱلْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ (٩:٤٢)
سزای پرستیدن ٢٤، دوستدارنده ٩٩

~: وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُۥ وَهُوَ ٱلْوَلِيُّ ٱلْحَمِيدُ (٢٨:٤٢)
یاری کننده ٣٩، دوست و یار ٨١، کارگزار ١٢٢، کارگذار ١٣٢

~: وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٣١:٤٢)
خداوند ٣٨

~: وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلْمُتَّقِينَ (١٩:٤٥)
یار ٢، دوست و نگاه دار ٣٠، دوست دار ٣٩، یار و نگاهدار ٨٠

لَوَلَّيْتَ: لَوِ ٱطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا (١٨:١٨)
وازگشتی ١، برگشتی ٢، برگردیدی ٢٤، توها گردیدی ٢٩، برگردی ٣٤، روی بگردانی ٤١، پشت برکردیی ٤٢، برگشتی ٤٣، روی گردانی

۴۸، بَر گردَی ۵۳، پُشت دَادِیی ۵۵، روی بگردانی تو ۵۶، باز گشتی ۵۸، پشت دادیی ۶۱، باز گشتی ۷٤، پشت دادی ۸۰، روی بر گردانی ۸۱، پُشت بدادی ۸۹، روی بگردانیدی ۹٤، برمیگردیدی ۱۰۰، روی بگردانید ۱۰۸، بر گشتتی ۱۱٤، پشت میدادی ۱۲۱، روی گردان شوی ۱۲۲، بگردانیدی ۱۲۸

وَلَّیْتُمْ: ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ (۹:۲۵)
وازگشتید ۱، بر گشتید ۲، بر گشتیت ۳، بر گشتَید ۱۰، بر گشتند ۱۱، ور گُردیدی ۲٤، پشت فرادادید ۲۹، بر گردید ۳٤، روی بتافتید شما ۴۳، بَر گشتیت ۵۵، روی بر گردانید ید ۵۸، بر گردید ید ۶۲، روی بگرداندید ۷٤، بر گشتید شما ۸۹، پشت کردید ۱۱۱، بگردید ید شما ۱۱۳

وَلِيجَةً: وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً (۹:۱۶)
دوستان ۱،، دُوستْ نهانی ۲، دوستی ۳، دَوستان و آشنا آن و رازداران و یاران و نگه داران ۱۰، دوست نهانی ۱۱، دوست ۲۹، نهان ٤۲، پشتیبان ٤۹، نهانی ۵۲، دُوستی ۵۵، دوست و پشت ۵۸، دوست درونی ۶۵، دوستی پنهان ۸۹، یاران ۹۵، دوست خالص ۱۰٤، دوست پنهانی ۱۲۲، دوست نهان ۱۲٤، همراز ۱۳۵

وَلِيدًا: قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا (۲۶:۱۸)
خورد ۱، کودک خُرد ۲، کودک خورد ۳، کودک ۲۰، خردک ۳۹، کودک خرد ٤۳، خردک ک ٤۶، کودکی ۵۳، نوکودک زاده ۶۱، فرزند ۸۷، نوزادگک ۱۰۸، بچگی و کودکی ۱۰۹، کودَک ۱۱۹، خرد و طفل ۱۲٤، خرد ۱۲۸

وَلِيُّكُمُ: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا (۵:۵۵)
دوست ۳، دوست و یار ۱۰ مکرّر، نگاه دار ۲٤، یاری گر ۳۶، یَارِی گر ۵۵، دوست و یاری ده ۶٤، نگاهدار و دوست ۶۷، یار ۹٤، مهتر ۹۶، دوست - یار ۱۲۶

وَلِيُّنَا: أَنتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا (۷:۱۵۵)
یار ۲، یاری گر ۳، دَوست و یار و نگه دار ۱۰، دوست و نگاه دار ۲۷، کارساز نگاه بان ۳۹، یار و نگه دار ٤۲، یَاری گر ۵۵، کارساز و نگاهدار ۶۷، دوست ۸۹، کارساز نگاه دار ۹۲، یاری کننده ۹۳، مهتر ۹۶، دوست و یار ۱۰٤، خداوند و نگه دار - یار و دوست ۱۰۹، کارفرما و یاور ۱۲۲، دوستدار ۱۲۶، کارفرما و یاور ۱۲۷، یار و نگه دَار ۱٤۰

~: قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم (۳٤:٤۱)
خداوند ۲۲، آفرید گار ۲٤، دوستی مانی ۱۰۵

وَلِيُّهُ: فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ (۲:۲۸۲)
یار ۲، آنکس که وراوست ۲٤، دوست ۲۷، کارساز ۳۰، یاری گر ۱۰۹، کاردار ۱۳۳

~: فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا (۱۷:۳۳)
خُویشاوندان ۲، خداوند گار ۵۳، خداوند ۵۶

~: لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ (۲۷:٤۹)
خویشاوند ۳۰، خویش ٤۶، دوستان ۵۶، خویشان ۵۸، خویشاوندان ۸۰، وارز[1] ۹٤، کسها ۱۰۵، خونخواه ۱۳۲

وَلِيُّهُمْ: وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶:۱۲۷)
نگاه دَار و یار ۲، نگاه دار - یار ۲۷، دوست ۵۸، خداوند ۷۶، نگاردار ۸۸، یار و دوست ۱۰٤، یاور ۱۲۲، کار گذار ۱۳۳

~: فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ (۱۶:۶۳)
دُوسْت و یار ۲، دُوسْت ۵۳، دُوست ۵۵، دوست و یار ۵۶، یاری گر ۹٤

وَلِيُّهُمَا: إِذْ هَمَّت طَّائِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا (۳:۱۲۲)

---

۱. در متن چنین است(؟).

یاری دهنده ٢، یارایشان ٣، یار و نگه دار ١٠، یاری ده ٤٢، یار ٥٣، یار ٥٥، دوست ٥٦، یاری کننده ٦٣، دوستان ٧٥، یار و نگاه دار ٩٠، یاری دهنده ٩١، یار و نگه دار ٩٤، یاری ده ١٠٥، یاور ١٣٥

وَلِيِّيَ: إِنَّ وَلِـِّۧيَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلْكِتَٰبَ (٧:١٩٦)
نگاه دار ٢٤، خداوند و دوست ٥٧، دوست و یار ١٠٠، یار و نگه دار ١٠٥، خداوند ١١٤

~: أَنتَ وَلِيِّۦ فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْآخِرَةِ (١٢:١٠١)
یار و نگاه دار ٢، دوست ٣، نگاه دارنده ٤٩، خداوند ٥٧، دوست و یار و نگاه دار ٥٨، یار نگاه دار ٧٢، دوست دار ٩٢، بخشنده ١٠٤، یاری دهنده ١٢٠، نگاه دارنده ١٢٤، یار و نگهدار ١٢٥

ٱلْوَهَّابُ: إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ (٣:٨)
بخشیدار ١، بخشنده ٢، دهندهٔ هر چه خُواهی هر که را خُواهی ١٠، بسیار بخشنده ٢٧، نیک بخشنده ٢٨، نیک بخشنده ٥٥، دهنده ٦٢، بسیار بخشایش ٦٧، دهنده و دارنده ٨٣، بخشاینده ١٠٠

~: أَمْ عِندَهُمْ خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ ٱلْعَزِيزِ ٱلْوَهَّابِ (٣٨:٩)
بخشنده ٢، بخشاینده ٢٤، بَخُشایَنْدَه ٥٣، بسیاربخش بسیار ٧٩

~: إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ (٣٨:٣٥)
بسیاربخش ٤٨، بَخشنده ٨١، دهندهٔ بسیاری ٨٢، بسیار بخشنده ١٠٠

وَهَّاجًا: وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا (٧٨:١٣)
تابنده ٢، تابان ٣، روشن ٢٩، رخشان ٣٨، تابان ـ آفتاب ٤١، درفشان ٤٨، تابان و درخشنده ٦١، افروخته ٩٩، افروخته و تابان ١٠٣، بانور ١٠٤، فروزنده ـ تابان ١٠٩، افروخته ـ تابان ١٢٠، تابنده ـ آفتاب ١٢٤

وَهَبَ: ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى ٱلْكِبَرِ (١٤:٣٩)
ببخشیدْ ٢، بخشید ٣، بَخشید ٥، ببخشیدْ ٥٣، بخشود ٨٩

~: فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ (٢٦:٢١)
داد ١، بداد ٢، ببخشید ٢٠، بخشیت ٨٠، به بخشید ١٢٣

وَهَبَتْ: وَٱمْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ (٣٣:٥٠)
بداد ١، بخشد ٣، بدهد ٢٤، ببخشد ٢٩، ببخشید ٤٧، بخشید ٥٨، بَخشَد ١١٩

وَهَبْنَا: وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ (٦:٨٤)
دادیم ١، ببخشیدیم ٢، بخشیدیم ٣، بدادیم ٩، بدادیم ما ٢٤، ببخشانیدیم ما ٦١، ببخشودیم ما ٦٣، وَخشودیم ما ١٠٦، بوبخشیدیم ما ١١٣

~: وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ (١٩:٤٩)
ببخشیدیم ما ٢٩، بخشیدیم ما ٥٨، ببخشودیم ما ٧٩، به بخشودیم ما ١٠٦

~: وَوَهَبْنَا لَهُۥ مِن رَّحْمَتِنَآ أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيًّا (١٩:٥٣)
بخشیدم ٨٧

~: وَوَهَبْنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيْمَٰنَ ۚ نِعْمَ ٱلْعَبْدُ (٣٨:٣٠)
ببخشیدیم ٢، ما دادیم ٣٤، بخشُودیم ٨١، بخشودیم ١٠٦، ببخشاییم ١٣٩

~: وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً (٣٨:٤٣)
بازگردانیدیم ـ زنده گردانیدیم ١٠٨، بوبخشودیم ١١٣، دادیم و بخشیدیم ١٣٠

وَهَنَ: قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلْعَظْمُ مِنِّي (١٩:٤)
سست شد ١، سُست گشت ٤١، سست شدم ٤٩، سست گشت ٥٩، سست بود ٨٨، سست ٩١، سست شده است ١١١

وَهْن: حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ (٣١:١٤)
سستی ١، سست ٤٦، دشخواری ٤٧، سُستی ٤٨، سُستی ٥٣، دشواری و سستی ٩٢، سستی ـ دشواری ١٠٩، سست شدن ١١١

وَهَنوا: فَمَا وَهَنُوا لِمَآ أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (٣: ١٤٦)
سستي كردند ٣، شدند سست ٢٧، سست شدند ٣٦، سُستي كِردَند ٥٥، سست گشتند ٨٢، بددلی نمودند ١٠٤

★ مَا وَهَنوا: فَمَا وَهَنُوا لِمَآ أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (٣: ١٤٦)
سست نشدند ١، سُستی أندر نیاوردند ٢، هیچ سستی نکردند ١٠، سست نه شُدند ٢٣، نکردند سستی ٢٤، سست نگشتند ٢٩، سستی نیاورد ٥٢، سست نگشتندی ٥٨، نشدند سست ٦٠، نگشتند سست ٦٢، سستی نکردند ٦٤، سستی اندر نیاوردند ٨٣، نه خوار شدند ٨٨، سُستی نیاوردند ٩٤، سستی نه کردند ٩٧، سست اندر نیاوردند ٩٨، سُست نشوند ١٠٠، سستی نورزیدند ١١١، سستی نیاوردند ١٢١

وُورِيَ: لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْءَٰتِهِمَا (٧: ٢٠)
پوشیده شد ١، پوشانیده شد ٣، پوشیده بُدند ١٠، پوشیده گشته بود ١٠ مکرر، پوشیده بود ٢٤، بپوشانیدند ٢٩، پنهان کرده بود ٣١، پوشیده بکرده‌اند ٣٤، بپوشیدند ٤١، پنهان کردَه بود ٤٥، پوشیده کردَه‌اند ٥٣، پنهان کرده آمد ٥٧، پنهان کرده شد ٥٨، پوشیده کرده‌اند ٦٢، پنهان بود ٦٣، پوشیده کردند ٦٤، پوشیده ٦٩، پنهان باز کرده‌اند ٧٦، گشته بود ١٠٥، پوشیده شده بود ١٠٩، پوشیده بودند ١٢٣، پوشیده میشود ١٢٢، گشته بود ١٢٥، بازپوشانیدند ١٣٤

وَيْكَأَنَّ: وَيْكَأَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ (٢٨: ٨٢)
ای نگاه نکردی ٤٧، وای بر تو ٥٦، وای بر آن که ٦١، وای ترا ١٠٨، بدان که هرآینه ١١٤، ویک ١٣٩

وَيْكَأَنَّهُ: وَيْكَأَنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْكَٰفِرُونَ (٢٨: ٨٢)
بدرستی وای بر وی ٢٤، ای وای ٣٩، ای ندیدند

وَيْلٌ: فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ ٱلْكِتَٰبَ بِأَيْدِيهِمْ (٢: ٧٩)
وایْ ٢، وَای ٥٢، وَایْ ٥٥، دوزخ ٦٠، سختی ٦٣، فراخ دوزخ ٦٧، وآی بآدا ٩٤، وای باد ١٠٥

~: فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (١٩: ٣٧)
وای ١، وآی باد ٩٤

~: وَلَكُمُ ٱلْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (٢١: ١٨)
وایی ١١٤

~: وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (٧٧: ١٥)
وآی ١٠٠

وَيْلَتَنا: وَيَقُولُونَ يَٰوَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلْكِتَٰبِ (١٨: ٤٩)
وای ١، وآی ٩٤

وَيْلَتى: قَالَ يَٰوَيْلَتَىٰٓ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا ٱلْغُرَابِ (٥: ٣١)
وای من ١، رسوایی من ٣٦

~: قَالَتْ يَٰوَيْلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٌ (١١: ٧٢)
وایِ منی ٢، وَآی ٥٥، وآی ٦٠

وَيْلَكَ: وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ ٱللَّهَ وَيْلَكَ ءَامِنْ (٤٦: ١٧)
وای ١، وایت ١٠٩

وَيْلَكُمْ: وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا (٢٠: ٦١)
وای ٢

وَيْلَنا: لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ (٣١: ٤٦)
وای ١

~: قَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا (٣٦: ٥٢)
رسوایی ٦١

~: وَقَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَا هَٰذَا يَوْمُ ٱلدِّينِ (٣٧: ٢٠)
وآی ٢٢





ی: قَالَ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ (۲: ۳۰)

منْ ۲، مَنْ ۵۵

~: قَالَ رَبِّ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ إِلَّا نَفۡسِي وَأَخِي (۵: ۲۵)

خود ۱

~: إِنِّيٓ أُرِيدُ أَن تَبُوٓأَ بِإِثۡمِي وَإِثۡمِكَ (۵: ۲۹)

من ۱

~: إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ (۶: ۱۵)

خویش ۲

~: إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ أَحۡمِلُ فَوۡقَ رَأۡسِي خُبۡزٗا (۱۲: ۳۶)

خویشتن را ۲۹

~: ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّيٓ (۱۲: ۳۷)

وامن ۲۹

~: وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ ٱئۡتُونِي بِهِۦٓ أَسۡتَخۡلِصۡهُ لِنَفۡسِي (۱۲: ۵۴)

بمنْ ۲

~: إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدۡنِي (۲۰: ۱۴)

مارا ۱۰۸

~: وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي (۲۰: ۱۸)

خویش ۲

~: وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ (۲۳: ۲۷)

با من ۵۶

~: لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِي (۲۵: ۲۹)

بمن ۵۶

~: وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ (۲۶: ۸۷)

مرا ۱

بِی: قَالَ يَٰقَوۡمِ لَيۡسَ بِي ضَلَٰلَةٞ (۷: ۶۱)

بمن ۱، به من ۱۲۹

~: وَقَدْ أَحْسَنَ بِيٓ إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ ٱلسِّجْنِ (١٢:١٠٠)
با من ٧٦

لِي: قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً (٣:٣٨)
مرا ٩٤

~: قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً (١١:٨٠)
مراستی ١٠٩

~: وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَٰجِدِينَ (١٢:٤)
مرا ١

~: فَأَوْقِدْ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ (٢٨:٣٨)
از برای من ٥٦

~: وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَٰهَٰمَٰنُ ٱبْنِ لِي صَرْحًا (٤٠:٣٦)
بهر من ١١٤

~: وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا۟ لِي فَٱعْتَزِلُونِ (٤٤:٢١)
بمن ١٢٤

وَلِيَ: وَلِيَ فِيهَا مَـَٔارِبُ أُخْرَىٰ (٢٠:١٨)
مَرا ٢

~: وَلِيَ نَعْجَةٌ وَٰحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا (٣٨:٢٣)
مرا ٦١

~: لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (١٠٩:٦)
مراست ١٢٠

يا: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعْبُدُوا۟ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمْ (٢:٢١)
اَی ١٠

~: قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئْهُم بِأَسْمَآئِهِمْ (٢:٣٣)
اِی ٥٥

~: يَٰبُنَيَّ ٱرْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ ٱلْكَٰفِرِينَ (١١:٤٢)
ای ٣

~: قَالَ يَٰبُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَٰمٌ (١٢:١٩)
این ١٢٨

~: وَقَالَ يَٰٓأَسَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ (١٢:٨٤)
وا ٢٤

~: وَيَقُولُونَ يَٰوَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلْكِتَٰبِ (١٨:٤٩)
آی ١٠٠

~: قَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ (٢١:١٤)
ایا ٥٨

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ (٣٥:٣)
یا ١

★ يا حَسْرَتى: يَٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ (٣٩:٥٦)
وای پشیمانی ٢٤

★ يا لَيْتَنِي: وَيَقُولُ يَٰلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّيٓ أَحَدًا (١٨:٤٢)
وآی بمن کاشکی من ٩٤

وَيَا: وَيَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ (٧:١٩)
ای ٥٨

~: وَقِيلَ يَٰٓأَرْضُ ٱبْلَعِي مَآءَكِ وَيَٰسَمَآءُ أَقْلِعِي (١١:٤٤)
اِی ٥٥

يابِس: وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٍ مُّبِينٍ (٦:٥٩)
خشگ ١، خُشک ٢، چیز خشک ٢٩، خشکی ٦٠، خوشک ٦١، خشک چیز ٩٦

يابِسَات: وَسَبْعَ سُنۢبُلَٰتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٍ (١٢:٤٣)
خشک ١، خشکها ٣، خشگ ٩٨، خشک و ناچیز ١١٣، خُشکها ١١٤

~: وَسَبْعِ سُنۢبُلَٰتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٍ (١٢:٤٦)
خُشکها ٥٥، خشکان ٥٧، خشک شده ٧٦، خشکیده ١٢٢

ٱلْيَاقُوت: كَأَنَّهُنَّ ٱلْيَاقُوتُ وَٱلْمَرْجَانُ (٥٥:٥٨)
گوهر ٤٣

يُؤَاخِذُ: وَلَوْ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلْمِهِم (١٦: ٦١)
بگرفتی ١، بگیردی ٢، گرفتی ٣٠، فراگیرد ٥٩، بگیرانیدی ٦١، فراگرفتی ٦٢

~: وَلَوْ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُوا۟ (٣٥: ٤٥)
بگیردی ٢٢، بگیرد ٣٩

يُؤَاخِذُكُمْ: وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ (٢: ٢٢٥)
بگیرد ٢، گیرد ٣، بگیرَد ١٠، بگیراند ٦١، سخت میگیرد ١٢٧، به گیرد ١٣٨

~: وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ ٱلْأَيْمَٰنَ (٥: ٨٩)
بگیرد ١، همی گیرید ٩، همی گیرد ٤٥، می گیرد ٩١، میگیرد ٩٦

★ لَا يُؤَاخِذُكُمْ: لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغْوِ (٢: ٢٢٥)
نگیرد ٢، نه گیرد ١٠، نگیرَد ٤٢، نه گیراند ٦١، نبگیرد ٨٥

~: لَا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغْوِ فِىٓ أَيْمَٰنِكُمْ (٥: ٨٩)
بنگیرد ١، نگیرد ٢٤، نمیگیرد ٣٧، فرانگیرد ٧٦، همی نگیرد ١٠٧ نمی گیرد ١٢١

يُؤَاخِذُهُمْ: لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُوا۟ (١٨: ٥٨)
بگرفتی ١، بگیرد ٥٢، بگیرانیدی ٦١، فراگیرد ٦٢، گیرد ١١٤

يَأْبَ: وَلَا يَأْبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُوا۟ (٢: ٢٨٢)
سر باز زند ٦١، بازایستند ١٢٤

★ لَا يَأْبَ: وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ... وَلَا يَأْبَ ٱلشُّهَدَآءُ (٢: ٢٨٢)
گوسرواز مزن ١، گوسرواز مزنید ١، بازمه ایستد ٢، سر باز نزند ٣، نه سر باز زندا ٣، وامه آیستادا اُو نه مکنادا ١٠، سروا مزنیا ٢٤، سروا نزنند ٢٤، باز نه ایستدا ٢٧، بازمه ایستندا ٢٧، مه سرباز زندا ٢٨، باز مه ایستید ٢٩، نکنند آزار ٣٠، باز مه استاد ٣٤، سر باز مزنید ٣٨، بازنگیرد ٤١، سر باز نزنند و باز نگیرند ٤١، بَاز مه ماستد ٤٢، سر باز نزنند ٤٣، باز ماستد ٥٢، بازماستدا ٥٢، نه سَر بَاز زنندا ٥٥، سرباز مزندا ٥٦، نباید که سر بَاز زنند ٥٧، نه سر باز زنند ٦١، باز نه ایستاد ٦٢، باز نه ایستند ٦٢، نه مکنندا ٦٣، سر باز مزناد ٧٤، سر باز مزن ٧٤، باز ناستد ٧٦، باز نایستد ٨٣، با مه ایستد ٨٤، نه سر باز زند ٩٠، باز نه‌استد ٩٩، نباید که سر باز زند ١٠٠، سر باز نزد ١٠٢، باید که نافرمانی نکند ١٠٤، باید که نافرمانی نکنند ١٠٤، بازماستید ١٠٥، نباید سر باز زنند ١٠٦، باز مه ایستدا ١٠٧، سر باز نزندا ١٠٩، سر باز مزندا ١٠٩، باید که ابا نکند و سر باز نزند ١١١، باید بازنایستند ١٢١، نه باز زنند ١٢٤، بازماستید ١٢٥، نافرمانی نکنند ١٢٦، بازمیست ١٢٨، مَه باز زنید ١٣٨

يَأْبَى: وَيَأْبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُۥ (٩: ٣٢)
نپسندد ٢، بَر نه آیستَد ١٠، نپسندد ١١، می باز زند ٢٧، نخواست ٢٩، نمی خواهد ٣٠، نگذارد ٣٩، نه پسندد ٤٢، سر باز زد ٤٣، رد کند ٥٣، نه خواهَدْ ٥٥، نخواهد ٥٦، بازایستد ٦١، باز زد کند ٨٨، باز زند ٩٠، سر باز زند ٩٢، نمیخواهد ١٠٤، نمی پسندند ١١١

يَأْتِ: أَيْنَ مَا تَكُونُوا۟ يَأْتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا (٢: ١٤٨)
بیارد ٢، دهد ٢٤، واهم آرد ٤٠، بیارند ٥٣، بیارَد ٥٥، بیاورد ٥٦، آورد ٦٣، بیار ٨٢، میدهد ١٣٦

~: وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (٣: ١٦١)
آرد ١، بیابد ١١٩

~: إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا ٱلنَّاسُ وَيَأْتِ بِـَٔاخَرِينَ (٤: ١٣٣)
بیافریند ٥٨

~: يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ (١١: ١٠٥)
بیاید ٥٥

~: فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِى يَأْتِ بَصِيرًا (١٢: ٩٣)

آید ١، شود ٣٠، گردد ٥٣، بشود ٩٦، باز گردد ١١١

~: إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (١٩:١٤)
بیارد ٣٠

~: إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ (٧٤:٢٠)
بیاید ٢

~: يَأْتِ بِهَا اللَّهُ (١٦:٣١)
بیآرد ٤٣

~: وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا (٢٠:٣٣)
آیند ١، بیایندی ٥٦، بیایند ٦١، باز آیند ٦٤

~: مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (٣٠:٣٣)
کند ٢٩

~: فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (٣٨:٥٢)
می آرد ٨١

★ لِيَأْتِ: فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (٣٨:٥٢)
گو آر ١، بیارندا ٢، آردا ٣، بیاردا ٣٠، گوبیار ٦١، باید که آورد ١٠٠، باید که بیارد ١١٣، باید ... آید ١٣٨

★ لَا يَأْتِ: أَيْنَمَا يُوَجِّههُّ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ (٧٦:١٦)
نیارد ١، نیاید ٥٨، بازنیارد ٦٤، نیابد ٩٣، نآرد ١٢٤

★ لَمْ يَأْتِ: مَا لَمْ يَأْتِ ءَابَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (٦٨:٢٣)
نیامده است ٣٤، نیآمد ٤٣، نیامدست ٥٤، نه یامد ٦١، نیامده بود ١٠٣، نآمد ١٠٨، نه آمد ١١٤

يُؤْتَ: وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا (٢:٢٦٩)
بدهند ٢، داده شود ٣، دادند ٢٤، دهند او را ٢٥، بدهند اوا ٥٧، دادند اورا ٦١، میدهد ٦٣، بدهند ٧٦، داده شد ٩٠، دهندش ١٠١

★ لَمْ يُؤْتَ: وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ (٢:٢٤٧)
ندادندش ٢، نه داده شد ٣، نه دادستند وی را ١٠، ندادست ٢٤، نه داده اندش ٢٧، ندادندش ٢٩، داده نشده است ٣٦، ندادند اورا ٤١، ندادند اورا ٥٧، نه دادند اورا ٦٠، ندهند ٧٥، نه دادندش ٧٦، ندادند ٨٢، نه داده آمد ٨٨، ند آده اند او را ١٠٠، نداده اند بدو ١٠١، نداده اند او را ١٠٤، نداده اند ١٢١، ندادند بتو ١٢٨

يُؤْتِ: وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (٤٠:٤)
بدهد ٢، بفزاید ٤٠

~: وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (٤:١٤٦)
دهد ١

~: وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ (١١:٣)
ها دهد ٢٩

★ لَمْ يُؤْتِ: وَءَاتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا (٥:٢٠)
نداد ١، نه داد ٣، نه دهد ٤٥، نه داد او ٦١، نداده بود ٦٤، ند آد ٩٤، بنه داد ١٢٨

★ لَمْ يَأْتِكَ: يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ (١٩:٤٣)
نیامد ١، نیامدست ٥٦، نه آید ٦١، نیامده است ٦٤، نه آمد ١٠٨

يَأْتِكُمْ: وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُم (٢:٢١٤)
بیامد ٥٣، آمد ٦١، بیاید ٩٢

★ فَلْيَأْتِكُمْ: فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ (١٨:١٩)
گو آر ١، بیارد ٢، بیاردا ٣، گوبیارد ٦١، آورد ٩٣، گوبیار ١٣٩

★ لَمْ يَأْتِكُمْ: أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ (٦:١٣٠)
نه بیامد ٢، نه آمد ١٠، نه آمدند ٦١، نیامده است ٩٦

~: أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ (١٤:٩)
نیامد ١، نه بیامد ٢، نرسیده است ١٠٣، نیاید ١١٢

~: أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ (٣٩:٧١)
همی نیامد ٣٩، نیامدند ٦٤

~: سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸:۶۷)
نیامد ۱، همی نه آمد ۳۹، نیامده بود ۶۴، نیاید ۱۱۴

★ لَمَّا یَأْتِکُمْ: وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُم (۲:۲۱٤)
نیامده باشد ۲، هنوز نیامد ۳، نه رسیده بود ۱۰، نیامد ۲٤، نیاریت ٤۱، نه رسیده بود ٦۳، نرسیده باشد ٦٤، نیاید ۱۰۰

یُؤْتِکُمْ: يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ (۸:۷۰)
وادهد ۱۰، بدادی ۹۲، بدهذ ۹٤

~: وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ (۳٦:٤۷)
دهد ۱، بدهند ۲۲

~: فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا (۱٦:٤۸)
بدهد ٥٦

~: يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ (۲۸:٥۷)
دهد ۱۱٤، بدهد ۱۳۸

یَأْتَلِ: وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنكُمْ وَالسَّعَةِ (۲۲:۲٤)
سوگند یاد می کند ۱۳۹

★ لَا یَأْتَلِ: وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنكُمْ (۲۲:۲٤)
سوگند مخورند ۱، سوگند مخوردا ۲، نه روا بود که سوگند خورند ۲٤، نه بازگیردا ۳۰، سوگند مخوراد ۳۹، نه خورد سوگند ٤۱، سوگند مخوردا ٤۳، سوگند نباید خورد ٤۷، سوگند یاد مکناد ٥٤، نه دست بازدارند و سوگند خورند ٥٦، سوگند مخور ٥۸، سوگند نخورد ۷٦، باید که سوگند نخورند ۷۹، مه سوگند خورندا ۸۰، سوگند نخورند ۱۰۳، نباید که سوگند خورند ۱۳۸

یَأْتَمِرُونَ: إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ (۲۸:۲۰)
می اندیشند ۳۹، می سگالند ٤۷، رآی می زنند ۹٤ راه همی زنند[1] ۱۰۸، رای می زنند ۱۲٤، رای میزنند ۱۲۹

فَلْیَأْتِنَا: فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ (۵:۲۱)
گو آر ۱، گوبیار ٥۸، بیارد ٦۱، بیار ٦٤، بگو بیار ۷٦، گو بیارد ۹۲، باید که آورد ۱۰۰

یَأْتِهِ: وَمَن يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ (۷٥:۲۰)
آورد ۷٦، آید ۸٦، بیاید ۱۰۸

یَأْتِهِمْ: وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ (۱٦۹:۷)
آید ۱، بیاید ٥۸

~: كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ (۳۹:۱۰)
آمد ۱۰٦، آمده بود ۱۲۸

یَأْتُوا: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَن يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا (۱۰۸:۵)
آرند ۱، بیارند ۲۹، بدهند ۳٦، بیارند ٥۳، بیارد ۸۸، بیاید ۹٤

~: قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا (۸۸:۱۷)
آرند ۱، بیارند ۲، بیارند ٥۳، توانند آوردن ٦۱، بیاورند ۱۰۰

~: وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (٤۹:۲٤)
آیند ۱، بیایند ٥۸، بیایندی ۹۲

★ لِیَأْتُوا: فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ (۳٤:٥۲)
گو بیارید ۱، گو بیارند ٦۱، باید که بیاورند ۱۰۰، بیارندا ۱۰۸، باید که بیارند ۱۱۳

~: أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ (٤۱:٦۸)
بیارید ۳۹، گو بیاریت ٤۱، بیارند ٥٤، گو بیایند ۹۲، گو بیاری ۱۰٥، بیاورید ۱۳٦

★ لَمْ یَأْتُوا: ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ (٤:۲٤)
نیاوردند ۱، نیارند ۲، نیاورند ۲٤، نه آرند ۳۹، نیارند ٤۷، نیایند ۱۰۰، نه یارند ۱۳۹

~: فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ (۱۳:۲٤)
نیاوردند ٥۱

یُؤْتُوا: أَن يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ (۲۲:۲٤)

---

[1] . می تواند صورت دیگری باشد از «رای همی زنند».

بدهند ۲، دهند ۱۱۹

یَأْتُوکَ: یَأْتُوکَ بِکُلِّ سَاحِرٍ عَلِیمٍ (۷:۱۱۲)
بیارند ۲۷، بتو آرند ۵۸، آورند ۶۳

~: وَأَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا (۲۲:۲۷)
بیایند ۲، بیایند ۵۳، آیند ۵٤، همی آیند ۹۲

★ لَمْ یَأْتُوکَ: سَمَّاعُونَ لِلْکَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِینَ لَمْ یَأْتُوکَ (۵:٤۱)
نیامدند ۱، نیامد ۲، نه آمدند بر تو ۳، نیامده بودند ۲٤، نه آیند ٤۵، نیامده اند ۶۲، نیایند ۶۳، نیامیزند[1] ۷۵، نیاینده اند ۱۰٤

یَأْتُوکُمْ: وَإِن یَأْتُوکُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ (۲:۸۵)
بیایند ۲، آیند ۲۹، بیایند ۵۵، آرند ۶۷، آید ۱۰۱، یابند ۱۲۱

~: بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَیَأْتُوکُم مِّن فَوْرِهِمْ (۳:۱۲۵)
آیند ۱، بیایند ۲، بیاید ۲٤، همی بخواهند آمدن ۲۷

یَأْتُونَ: وَلَا یَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ کُسَالَىٰ (۹:۵٤)
آیند ۱۱

~: لَا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ کَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیرًا (۱۷:۸۸)
ارند ۵۳

~: لَّوْلَا یَأْتُونَ عَلَیْهِم بِسُلْطَانٍ بَیِّنٍ (۱۸:۱۵)
آوردندی ۶۱

★ لَا یَأْتُونَ: لَا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ کَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیرًا (۹:۵٤)
نیایند ۱، نمی آیند ۲۹، نیامدندی ۱۲۸، بجا نیاورند ۱۳۶

~: وَلَا یَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ کُسَالَىٰ (۱۷:۸۸)
نیارند ۱، نیاورند ۶۳، نتوانند آوردن ۸۹، نتوانند آورد ۱۰۰

~: لَّوْلَا یَأْتُونَ عَلَیْهِم بِسُلْطَانٍ بَیِّنٍ (۱۸:۱۵)
نمی آرند ٤٤، می نیارند ۹٤، همی نیارند ۱۰۸، نمی آورند ۱۳۷

~: وَلَا یَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِیلًا أَشِحَّةً عَلَیْکُمْ (۳۳:۱۸)
نیامدند ٦٤

★ لَوْلَا یَأْتُونَ: لَّوْلَا یَأْتُونَ عَلَیْهِم بِسُلْطَانٍ (۱۸:۱۵)
چرا نمی آرند ۱، چرا بنه آرند و نیایند ۵۸، چرا نیارند ۷۶، چرا نه آرند ۹۲، چرا نیآمدند ۱۰۰، چرا در نمی آورند ۱۱۱، چرا همی نیارند ۱۲۸، چرا نیاورند ۱۳۲

یُؤْتَوْنَ: أُولَٰئِکَ یُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَیْنِ بِمَا صَبَرُوا (۲۸:۵٤)
می داده شند ۱، بدهندشان ۲٤، بدهد ۵۳، داده شوند ۶۱، داده میشوند ۱۳۲

یُؤْتُونَ: الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاةَ (۵:۵۵)
بدهند ۲، بَدَهند ٤۵، بَدَهند ۵۳، بگزارند ۶۲، بمی دِهَند ۶۳

~: لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاةَ (۷:۱۵۶)
بدَهند ۱۰، ها می دهند ۲۹، هادهند ۵۷، میدهند ۶۱، بد آدند ۱۰۰

~: وَیُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاةَ (۹:۷۱)
می گزارند ٤۱، هَمی دَهَند ۵۳، همی دهند ۶۲، بمی دهند ۶۳، بمیدهند ۱۰۰

~: وَالَّذِینَ یُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ (۲۳:۶۰)
می دهند ۱، بدهند ۲، می یابند ۷۷

---

۱. معنی تنها در جمله شاید بتواند جابیفتد و گرنه ظاهر وارده دور از اصل عربی آن است.

~: اَلَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ (٢٧:٣)
مى بدهند ١، بمي دهند ١٣٨

~: اَلَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ (٤١:٧)
دهند ٣

★ لَا يُؤْتُونَ: فَإِذًا لَّا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (٤:٥٣)
ندهند ١، ندادندى ٣٤، ندهَنْد ٥٣، ندادندى و ندهندى ٥٨، بنه دادندى ٦٢، نبدادندى ٦٣، نيابند ٧٥، ندهندى ٨٢، نَدهَنْدى ٩٤، ندهند ايشان ٩٦

~: اَلَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ (٤١:٧)
نمى دهند ١، نه بدَهْند ٢٢، ندادند ٤١، بندهند ٤٢، بنمى دهند ١٠٠، نميدهند ١١٤

يَأْتُونَكَ: وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ (٢٥:٣٣)
آرند ٢

★ لَا يَأْتُونَكَ: وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ (٢٥:٣٣)
نياوردند ١، نيارند ٣٠، نتوانند آوردن ٤١، نيايند ٥٦، نياورند ٧٦، ميارند ٨٦

يَأْتُونَنَا: أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا (١٩:٣٨)
آيند ١، بيايند ٢

يَأْتُونِي: أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِي (٢٧:٣٨)
بيايند ٥٨، بيارَيد ٦١، آرند ٧٦، آيد ١١٤

يَأْتِيَ: فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ (٢:١٠٩)
آورد ٦٣، بياورد ١٣٠

~: مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ (٢:٢٥٤)
بيايَدْ ٢، بدهد ٧٥

~: فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ (٢:٢٥٨)
بيارد ١، مى آرد ٣، ورآورد ٢٤، مى آورد ٢٥، برآرد ٢٧، بيارَد ٤٢، برمى آرد ٤٨، مي آرَد ٥٥

~: فَعَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِندِهِ (٥:٥٢)
آرد ١، دهد ٣٦، آورد ٦٣، پيدا آرد ٦٤

~: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ (٥:٥٤)
بيارَد ٧٠

~: إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ (٦:١٥٨)
آيد ١، بيايد ١٠، بازآرد ١٠ مكرّر، آيند ١١١

~: يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ (٧:٥٣)
رسد ٣٦

~: فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ (٩:٢٤)
بياورد ٣

~: ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ (١٢:٤٩)
بيايَد ٧٦

~: أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ (١٣:٣١)
فرارسد ٦٢، دَرآيد ٧٦

~: وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ (١٣:٣٨)
بيَارَدْ ٥٣

~: مَّن يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (٤١:٤٠)
مى آيد ٦٤، بيامد ٩٢

~: مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ (٤٢:٤٧)
آيد ٣٢

★ أَنْ يَأْتِيَ: فَعَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ (٥:٥٢)
نيارد ٢٧

يُؤْتَى: إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَى اللَّهِ أَن يُؤْتَىٰ أَحَدٌ (٣:٧٣)
داده شهد ١، داده شود ٣، دهند ٢٤، بدهند ٢٧، بدهد ٥٦، بداده شود ١٠٠، بدهندى ١٢٨، دهد ١٣٨

~: أَن يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةً (٧٤:٥٢)
بدهند او را ٦

★ أَنْ يُؤْتَى: إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَى اللَّهِ أَن يُؤْتَىٰ أَحَدٌ (٣:٧٣)
كه داده نيستند ٢٥

يُؤْتِي: وَٱللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُۥ مَن يَشَآءُ (٢:٢٤٧)
دهد ۱، بدهد ۲، میدهد ۳، بدهَد ۲۵، داد ۱۳۸

~: يُؤْتِي ٱلْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُ (٢:٢٦٩)
اوی دَهد ۱۰

~: ٱلَّذِى يُؤْتِى مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ (٩٢:١٨)
می دهد ٦٤

يَأْتِيَانِهَا: وَٱلَّذَانِ يَأْتِيَـٰنِهَا مِنكُمْ فَـَٔاذُوهُمَا (٤:١٦)
می کنند ۱، بکند ۲، بیایند ۲٤، بکنند ۲۷، کنند ٤۲، بیارند ۵۳، آیند ٦۳

يَأْتِيَكَ: وَٱعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ ٱلْيَقِينُ (١٥:٩٩)
آید ۷۱، بیارد ۱۱۸، بیاید ۱۲٦

يَأْتِيَكُمُ: إِنَّ ءَايَةَ مُلْكِهِۦٓ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلتَّابُوتُ (٢:٢٤٨)
آرد ۱، بیاید ۲، بازرسد ۳۰، واشما رسد ٦۳، آورد ۱۰۰

~: وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَـٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ (٦:٤٦)
بیارد ۲، بازدهد ۲۷، باز آرد ۸۸، بازدارد ۱۰۵

~: قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ إِن شَآءَ (١١:٣٣)
آرَد ۷٦، خود بیار ۹۳، میآورد ۱۳٦

~: مَنْ إِلَـٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَآءٍ (٢٨:٧١)
آوردی ٤۷، بیاوردی ٦۱

~: وَأَسْلِمُوا۟ لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ (٣٩:٥٤)
آید ۱۱٤

~: إِنْ أَصْبَحَ مَآؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَآءٍ مَّعِينٍۭ (٦٧:٣٠)
بیاورد ۱۳٦

★ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ: قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ إِن شَآءَ (١١:٣٣)
نمی آورد ۱۲۲

يَأْتِيَكُمَا: قَبْلَ أَن يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا (١٢:٣٧)
آید ۳، اید ۵۳، بیاید ۹۲

لَا يَأْتِيكُمَا: قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِۦٓ (١٢:٣٧)
نیاید ۱، نیاورند ۱۰۰، نداد ۱۰٦، نه آید ۱۱٤

يَأْتِينَ: وَٱلَّـٰتِى يَأْتِينَ ٱلْفَـٰحِشَةَ مِن نِّسَآئِكُمْ (٤:١٥)
می کنند ۱، بیایند ۲٤، بکنند ۲۷، می بیایند ۳۹

~: إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَـٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (٤:١٩)
کنند ۱، پدید آیند ۲، آیند ۳۰، کرده باشند ٤۰، بجای آرند ٥٦

~: وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (٢٢:٢٧)
می آیند ۱، بیایند ۲، می اینذ ۵۳، آیند گان ۵۸، همی آیند ۹۲

~: وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَـٰنٍ يَفْتَرِينَهُۥ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ (٦٠:١٢)
آرند ۳

~: وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَـٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (٦٥:١)
بیارند ۳۹

★ لَا يَأْتِينَ: وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَـٰنٍ يَفْتَرِينَهُۥ (٦٠:١٢)
نیارند ۱، نیایند ۱۰۰

يُؤْتِيَنِ: فَعَسَىٰ رَبِّىٓ أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ (١٨:٤٠)
بدهد ٤۳

يَأْتِيَنَا: أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ (٣:١٨٣)
آرد ۱، بیارد ۲، آورد ٦۳، بیاورد ۱۲۸

~: وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (١٩:٨٠)
بیاید ۲، آید ۸٦

★ لَا يَأْتِينَا: وَقَالُوا۟ لَوْلَا يَأْتِينَا بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّهِۦٓ (٢٠:١٣٣)
نه می آرد ۸٦، نیاوردی ۸۷، نیاورد ۱۰۸

★ لَوْلَا يَأْتِينَا: لَوْلَا يَأْتِينَا بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّهِۦٓ (٢٠:١٣٣)
چرا نیارد ۲، چرا نمی آری ۵۸، چرا نیامد ۱۰۰،

چرا نمی آرد ١٠٣، چرا نیارد ١٣٩

سَيُؤْتِينَا: سَيُؤْتِينَا ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ وَرَسُولُهُۥٓ (٩:٥٩)
بدهد ١١، زود بود که بدهد ٤١، دَهَدْ ٥٣، بدهد ٥٥، دهد ٩٦، زود دهد ١١٤

يَأْتِينَكَ: ثُمَّ ٱدْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا (٢:٢٦٠)
آیند ١ و ١٠، بیایند ٢، دوند ٢٤، بیایند ٤٢، می آیند ١٣٥

يَأْتِيَنَّكُم: فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّى هُدًى (٢:٣٨)
بیاید ٢، بیاید، بیاید ١٠، بیایند ٢٤، بیاید هراینه هراینه ٥٥، بیامد ٨٨، میاید ١١٤

~: فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّى هُدًى (٢٠:١٢٣)
آید ١، گراید ١٠٥

لَيَأْتِيَنَّهُم: لَّجَآءَهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً (٢٩:٥٣)
آمدی ١، بیامد ١٤، آید ٤٧، بیاید ٥٨، خود آید ٨٨

يَأْتِيَنِى: عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأْتِيَنِى بِهِمْ جَمِيعًا (١٢:٨٣)
بیارد ٢، آرد ٣، آرد ٧٦، بیاورد ١٠٠

لَيَأْتِيَنِّى: أَوْ لَيَأْتِيَنِّى بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ (٢٧:٢١)
آرد ١، بیارد ٣٠، آر ٤٧، آرد ٧٦، بیارد هرآینه هرآینه ٩١، آورد ١٠٠، آید ١٣٨، بیاورد ١٣٩

يَأْتِيهِ: سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ (١١:٩٣)
آید ١، آمد ٧٦

~: وَيَأْتِيهِ ٱلْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ (١٤:١٧)
می یاود ٢٤، می آید ٥٨، همی آید ٦٢

~: مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ (٣٩:٤٠)
بیاید ١٥، بیارد ٣٠

★ لَا يَأْتِيهِ: لَّا يَأْتِيهِ ٱلْبَٰطِلُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ (٤١:٤٢)
نیاید ١، نآید ١٢٤، نیامده ١٣٦

يُؤْتِيَهُ: مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلْكِتَٰبَ (٣:٧٩)
داده بود ١٠، همی دهد ٨٢، دهد ١١٤

~: ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ (٥٤:٥)
بدهد ١٠ مکرّر، دهد ٣٧، بَدَهَد ٤٥، می دهد ٦٤

~: فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (١٠:٤٨)
بدهیم ٦، ما بدهیم ٨١، میداد ١٣٦

~: ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ (٢١:٥٧)
میدهد ١٠٣

~: ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ (٤:٦٢)
میدهد ١١٤

يَأْتِيهَا: قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا (١١٢:١٦)
می آمد ١، همی آمد ٥٣، بیاید ٥٦، می آید ١١٣، آید ١١٨

يَأْتِيَهُمُ: إِلَّآ أَن يَأْتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِى ظُلَلٍ مِّنَ ٱلْغَمَامِ (٢:٢١٠)
بیاید ٢، می برارد ١٠، رسد ٢٩، بیارد ٥٦

~: أَوَأَمِنَ أَهْلُ ٱلْقُرَىٰٓ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى (٧:٩٨)
بگیرد ١٠

~: أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ (٨:١١)
آید ١، پدید آید ٧ مکرّر، آمد نیست ١٢١

~: مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم (٢:٢١)
آمد ١٢، میاید ١١٤

~: أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ (٥٥:٢٢)
بیاید ٢

~: وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِىٍّ إِلَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٧:٤٣)
می آید ٨٠

★ فَسَيَأْتِيهِمْ: فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٦:٢٦)

سرانجام برسد ٦٤

★ مَا يَأْتِيهِمْ: وَمَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ (١١:١٥)
نیامدی ٦٢

~: مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم (٢:٢١)
نیاید ٢، نمی آید ٥٨

~: وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (٧:٤٣)
نیامد ١، نمی آمد ٣

يُؤْتِيهِمْ: أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ (١٥٢:٤)
بدهد ٨٢، بدهیمش ٨٨، بدهیم ١١١

~: لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا (٣١:١١)
بدهد ٥٣

★ لَنْ يُؤْتِيَهُمْ: لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا (٣١:١١)
هرگز نخواهد داد ٢٧، ندهد ٥٣، هرگز ندهد ٥٨، نداد ٥٩، هرگز نخواهد داد ٦٤، هرگز نداده است ٩٢، نخواهد داد ١١١، هرگز نمیدهد ١٣٦

يُؤْثَرُ: فَقَالَ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ (٢٤:٧٤)
می گزیده شهد ١، فرابافته ١٩، روا می کنند ٢٩، روان کنند ٣٠، فرابافت ٣٨، بگزینند ٥٢، برگزیده ٦١، کرده می شود ٧٢، همی روا کنند ٨٨، انداخته میشود ١٢٩، آموخته میشود ١٣٢

يُؤْثِرُونَ: وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ (٩:٥٩)
می گزینند ١، برمی گزینند ٣، می برگزینند ٢٤، برگزینند ٢٩، برمی گزیدند ٣٩، برگزیدند ٤٣، می برگزیدند ٦٩، بگزینند ٧٨، بگزینند ٨٨، برمیگزینند ١٠٢

يَأْجُوجُ: حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ (٩٦:٢١)
اشود ٩٥

يَأْخُذُ: هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ (١٠٤:٩)
بپذیرد ١، پذیرد ٢٤، فراگیرد ٥٣، میگیرد ٦١، بستاند ٦٤، فرامی گیرد ٧٩، می گیرد ٨٠، به پذیرد ١٢٨

~: مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ (٧٦:١٢)
بگرفتی ١، گیرد ٥، بگیرد ٥٨، فراگیرد ٧٦، فراز گیرد ٩٣

~: وَكَانَ وَرَاءَهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (٧٩:١٨)
می ستد ١، می ستدی ٥٦، می گرفت ٥٨، می ستاند ٩٢، فرامیگرفت ٩٣، همی گیرد ٩٤، همی گرفت ١٠٨، میگرفت ١١٤

يُؤْخَذُ: وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ (٤٨:٢)
پذیرند ١٠، ستانند ١٠١، گرفته می شود ١٢٢، گرفته میشود ١٢٧

~: وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَا (٧٠:٦)
گرفته شود ٣، گیرند ١٠ مکرر

~: أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَاقُ الْكِتَابِ (١٦٩:٧)
گرفته شد ١١٤

~: فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (٤١:٥٥)
گرفته شهد ١، گرفته شوند ٣، گیرندشان ٣٩، بگیرندشان ٥٦

★ لَا يُؤْخَذُ: وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ (٤٨:٢)
نگیرند ٢٩، نه بگیرند ٥٣، فرانگیرند ٦٢، نه گیرد ٨٨، فرانستانند ١٠٢، فرانگیرد ١٠٤، نه ستانند ١٢٤، نه گرفته میشود ١٢٧

~: وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَا (٧٠:٦)
ستده نشهد ١، نگیرد ٢، ستده نشود ٢٧، ستانده نشود ٤٤، نه ستانند ٥٣، پذیرفته نشود ٥٦، نگیرند و نه پذیرند ٥٨، نه گرفته شود ٦١، نه استانند ٦٤، نگیرید ٧٦، نپذیرد ٩٢، گرفته نشود ١٢٨

~: فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ (١٥:٥٧)

گرفته نشود ۳، نستانند ۲٤، نستانند ۳۹، فرو نگیرند ٥١، فراستده نشود ٦٤، فراگرفته نشود ١٠٠

★ لَمْ يُؤْخَذْ : أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَاقُ الْكِتَابِ (۷:۱٦۹)
گرفته نشد ۱، نمی گیرند ٤١، نه گرفته شد ٥٦، نه گیرد ٩٦، فرانگرفتند ١٠٠، فراگرفته نشده است ١١٦، فرانگیرند ١٢١

فَيَأْخُذَكُمْ : وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷:۷۳)
فرومیگیرد ٥٣، فراکشید ٦٥، فراگیر ١١٣، فرامیگیرد ١٣٦

~: وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (۱۱:٦٤)
بگیرد ۱، فراگیرد ٥٣، گیرد ٥٥

~: فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲٦:۱٥٦)
گیرد ۷، فراگیرید ١١١، فراخواهد گرفت ١٣٢

يَأْخُذْهُ : فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي (۲۰:۳۹)
بگیرد ۲، فراگیرد ٧٦، بگیرد ٨٧، گرفت ١٢١

يَأْخُذَهُمْ : أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ (۱٦:٤٦)
فروگیرد ۲۹، بگیرد ٥٣، بگیرد ٩٣

~: أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّفٍ (۱٦:٤٧)
گیرد ۳۰، فراگیرد ١١٨

يَأْخُذُوا : وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ (٤:١٠٢)
برگیرند ٦٠، بگیرید ١١٩

~: فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا (۷:۱٤٥)
گیرند ۱، فاگیرند و بپذیرند و کار کنند - می ستدند ١٠، فراگیرند ٥٣، فراگیرند ٦٣

★ لِيَأْخُذُوا : وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ (٤:١٠٢)
گو بگیرید ۱، بگیرندا ۲، برگرفته باشندا ١٠، فاگیرندا ١٠، ورگیرند ٢٤، بگیرندا ٢٧، واگیرندا ٢٧، گو برگیرید ٣٩، تا بگیرند ٤٥، گیرندا ٥٥، باید که برگیرند ٥٧، گو بگیرند ٥٨، برگیرندا، فراگیرندا ٦٢، باید که فرا گیرند ٦٣، باید که بگیرند ٧٦، گیرندا ١٠٩

يَأْخُذُونَ : يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا الْأَدْنَىٰ (۷:۱٦۹)
می گیرند ۱، می ستدند ٢٧، فرا می گیرند ٢٩، می گرفتند ٥٧، می ستانند ٥٨، همی گیرند ٦١، همی فراگیرند ٦٢، بستانند ٦٧، فراگیرند ٩٣، فرا میگیرند ١٠٤، می بگیرند ١٢٤، همی بگیرند ١٢٨

يَأْخُذُونَهَا : وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا (٤٨:١٩)
می گیرند ۱، گیرند ٣، فاگیرند ٦، بگیرند ٣٠، بگیرید و بستانید ٤٤، فراگیرند ١٠٣

يَأْخُذُوهُ : وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ (۷:۱٦۹)
بگیرند ۱، واگیرند ٢٤، بستانند ٥٨

~: وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ (٤٠:٥)
فراگیرید ١٠٦، فراگیرند ١١٤

★ لِيَأْخُذُوهُ : وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ (٤٠:٥)
تا بگیرند ٥٦

يُؤَخَّرُ : إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ (۷۱:٤)
بازپس افکند بازپس گذاشته اند ۳، واگذارد ٦، زمان دهد ٣٠، باز رهاند ٣٩، باپس دارد ٥٢، بازمی دارد ٩٢، دربس اندازد ١١١، واپس داشته شود ١١٣، واپس اندازد ١١٤، بازپس گذارد ١٢٦، پس اندازد ١٣٠

★ لَا يُؤَخَّرُ : إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ (۷۱:٤)
پس کرده نشهد ۱، واپس نتوان برد ٦، نه بازپس شود ١٩، درنگ کرده نشود ٣٠، نبود بازپس ٣٩، بازپس نشود ٤٩، پستر نشود ٦١، واپس داشته نشود ٧٩، بازپس داشته نشود ١١٤

يُؤَخِّرَ: وَلَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا (٦٣:١١)
بازپس افکند ٣

★ لَنْ يُؤَخِّرَ: وَلَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا (٦٣:١١)
پس نکند ١، هرگز نه بازپس افکند ٣، بازپس ندارد ٢٩، هرگز ندهد زمان ٤١، بازپَس نَدارَد ٤٢، ندهد زمان ٦١، واپس ندارد ٧٩، بازپس نمی دارد ٩٦، بازپس نیفکند ١٠٣، هرگز پس نیندازد ١٠٩، بازپس نیفکنی ١١١، بازپس نکند ١١٦، بازپس نگذارد ١٢٦، پس نیفکند ١٣٦

يُؤَخِّرَكُمْ: وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى (١٤:١٠)
پس کند ١، بازپس دارد ٣، زمان دهد ٢٤، واپس دارد ٢٩، باپس داد ٤٢، بازپَسْ می کند ٥٣، باسْپَس بَرَد ٥٥، واز گذارد ٥٩، بازپس ماند ٦٩، بازپس می دارد ٧٦، از پس دارد ٩٤، سپس دارد ٩٦، پس می افکند ١٠٢، بازپس می کند ١٢٤

يُؤَخِّرُهُمْ: إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ ٱلْأَبْصَٰرُ (١٤:٤٢)
پس کند ١، سپسْ دارد ٢، باپس می داریم ٥، می زمان دهد ٢٤، واپس می دارد ٢٩، بازپس می افکند ٣٠، بازپَسْ هَمی دارَد ٥٣، بَاسْپَس مي اَفكَنَد ٥٥، می گذارد ٥٨، باپس می دارند ٧٦، پس دارد ٧٨، بازپس مانیم ٨٨، سپس دارد ٩٦، بازپس داریم ١٠٥، پس افکند ١١٢، پس افکنیم ١٢١

~: وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى (١٦:٦١)
بازپس همی دارد ٢، بَازپَس دارَدْ ٥٣، بازپَس دارد ٥٧، پس می کند ٥٨، بازگذارد ٥٩، پس کند ٧٢، واپس می دارد ٧٩، واپس میدارد ٩٢، از پس دارد ٩٤، پس می افکند ١٠٢، سپس همی دارد ١٠٩، واپس اندازد ١١٤، بازپس اندازد ١٢٧

~: وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى (٣٥:٤٥)
پس همی دارد ٢، بازپس گذارد ٣، بازماند ٢٢، واپس دارد ٢٩، بازپس دارد ٣٨، باپس دارد ٤٢، بازپس گذارد ٨٠، پس میدارد ٩٢، بازپس میدارد ١٠٣، بازپس میگذارد ١٢٦

فَلْيُؤَدِّ: فَلْيُؤَدِّ ٱلَّذِى ٱؤْتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ (٢:٢٨٣)
گو بگزار ١، بگزارد ٢، گزاردا ٣، گُذارَدَا ٥، بگُزاردا ١٠، باید که بگزارد و بجای آرد ٢٥، بگذاردا ٢٧، بگذارد ٢٩، بسپارد ٣٠، گو بگزار ٣٩، گو بگزارد ٤١، بگذارَد ٤٢، بگو بگزار ٥٦، گو بدهد ٦١، بدهاد ٦٢، باید گزارد ٦٣، بسازدا ٧٤، گمارت ٩١، بگزاردا ١١٤

يُؤَدِّهِ: مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيْكَ (٣:٧٥)
پر بگزارد ١، بُگزارد ٢، وادَهد ١٠، بگذارد ٢٥، بازدهد ٢٧، بگزارد ٢٨، بازسپارد ٤٨، بُگزارَد ٥٥، بدهد ٦١، گزارد ٦٩، بازسپارد ١٠٠، گذارد ١٢٤

★ لَا يُؤَدِّهِ: مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيْكَ (٣:٧٥)
بنگزارد ١، نگزارد ٢، نگذارد ٢٥، وا نه دهد ٤٠، بازندهد ٥٦، مگزارد و بازندهد ٥٧، بنه گزارد ٦٢، ندهد ٦٤، باز نگرد آند ١٠٠، بازنسپارد ١٠٤

يَأْذَنَ: فَلَنْ أَبْرَحَ ٱلْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِىٓ أَبِىٓ (١٢:٨٠)
دستوری کند ١، دهد دسْتُوری ٢، دستوری دهد ٣، فرماید ٧ مکرّر، دستوری بود ٢٤، آواز دهد ٣٩، دَستُوری دَهَد ٥٥، دستوری دهَد ٧٦، دستور دهد ١١٣

~: شَرَعُوا۟ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنۢ بِهِ ٱللَّهُ (٤٢:٢١)
دستوری داد ١١٤

~: إِلَّا مِنۢ بَعْدِ أَن يَأْذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرْضَىٰٓ (٥٣:٢٦)
بفرماید ٢

★ لَمْ يَأْذَنْ: مَا لَمْ يَأْذَنۢ بِهِ ٱللَّهُ (٤٢:٢١)
دستوری نکرد ١، نفرمود ٢٤، نه دستوری داد ٣٢، دستوری نداد ٣٤، نه فرمود ٦١، نه فرموده است ٦٤، نه داد دستوری ٨٠، دستوری ندهد ٨١، نیست دستوری ٨٧، دستوری نداده است ١٠٣، نفرموده

است ۱۱۱، دستوری ندادند ۱۲٤

يُؤْذَنُ: وَجَآءَ ٱلْمُعَذِّرُونَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ (۹:۹۰)

دستوری خواهند ۱۱، دستور دهند ۲٤، دستوری دَهَنْد ۵۳، دستوری دهی ٦٤، دستوری دهند ۱۱٤

~: ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا (۱٦:۸٤)

دستوری داده شود ۳، دَستُوری دَاده شوند ۵۵

~: فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ (۲٤:۲۸)

دستوری کرده شهد ۱، دستوری دهند ۲٤، دَستُوری دَهَند ۵۱، دَسْتُوری دَهَند ۵۳، دستوری بدهند ۵٤، دستوری داده شویت ۸۰، دِستوری داده شود ۱۰۹، دستوری شود ۱۱۳

~: لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلَّآ أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ (۳۳:۵۳)

فرمان دهند ۱۸، دستوری دهد ٤۳، دستوری باشد ٦٤، دستوری داده شوید ۱۱۳

~: وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (۷۷:۳٦)

دستوری دهند ۱۹، دستوری داده شوند ۵٦

★ لَا يُؤْذَنُ: ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا (۱٦:۸٤)

دستوری کرده نشهد ۱، دستُوری داده نیاید ۲، نه دَستُوری دَهَنْد ۵۳، فرمان داده نشود ۵٦، دستوری داده نشوند ۵۸، دستوری ندَهند ٦۲، دستوری داده نشود ٦٤، دستوری ندهد ٦۷، دستوری داده نیاید ۸۳، دستوری داده نمیشوند ۱۳۰

~: وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (۷۷:۳٦)

دستوری ندهند ٦

يُؤْذُونَ: ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱلنَّبِيَّ ... وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ ٱللَّهِ (۹:٦۱)

می دشخواری نمایند ۱، می آزارند ۳، مَی رنجه دارند ـ می بیازارند، رنجه دارند و بیازارند ۱۰، رنجه نمایند ۱۱، رنجه دارند ۲٤، رنجه می دارند ۲۷، رنجه نمایند ۳۸، رنجانند ٤۲، مي آزارَنْد ۵۵، رنج نمایند ۵٦، می بیازارند ۵۸، رَنجه دَارند، همی برنجانند ٦۲، رنج میدارند ٦۷، دشوار نمایند، دشوار نهند ۷۲، میرنجانند ۸٦، همی آزارند ۹۲، میرنجآنند ۱۰۰، مـی آزارنـد ـ می رنجانند ۱۰۹، آزار میکنند ۱۱۱، آزارند ۱۱٤، رنج دهند ۱۱۹، برنجانیدند ۱۲۱، بیازردند، بیازارند ۱۲۸، آزردند ۱۲۹

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ (۳۳:۵۷)

برنجانند ۷، بیازارد ۱۸، می رنجانند ۲۹، رنجه دارند بناسزا ۳۹، رنج رسانند ۵٦، رنجانیدند ٦۱، رنجانند ۸۷، رنج دهند ۱۱۹

~: وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ (۳۳:۵۸)

بیازارند ۲٤، رنج و دشواری نمایند ۵۸، برنجانند ۷۲

يُؤْذِي: إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي ٱلنَّبِيَّ (۳۳:۵۳)

می دشخواری نماید ۱، برنجاند، بیازارد ۲، رنجه دارد ۱۸، بیازارد ۳۰، رنجه نماید ۳۸، برنجاند ٤۲، رنجه میدارد ٤۳، آزار آرد ٤۷، برنجانَدْ ۵۳، می رنجاند ۸٦، رنجه داشت ۸۸، رنجانیدن بود ۹۱، میرنجاند ۱۰۰، همی برنجاند بیازارد ۱۰۸

★ كَانَ يُؤْذِي: إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي ٱلنَّبِيَّ (۳۳:۵۳)

می رنجاند ۳، بودستوهی ۲٤، باشد رنج و دشواری ۵۸

يُؤْذَيْنَ: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ (۳۳:۵۹)

آزرده شوند ۳، رنجه نمایند ایشانرا ۱۸، بیازارند شان ۳۰، رنجانیدن شان ٦۱

★ لَا يُؤْذَيْنَ: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ (۳۳:۵۹)

دشخواری نموده نشند ۱، نه رنجه نمایند ایشانرا ۱۸، نیازارند شان ۳۰، رنجانیده نشوند ۳۹، رنجکی ننمایند ٤۲، نیازارند ایشانرا [illegible]

۵۲، دشواری نموده نشوند ۵۸، رنجه ندارند ایشانرا ٦٤، آزار نکشند ۱۳۱، رنجانیده نگردند ۱۳۲

يَئِسَ: اَلْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ (۳:۵)
نومید شدند ۱، نُومَید گشتند ۱۰، نومید گشتند ۱۰ مکرّر، نومید گشته‌اند ۳۰، نومید گشت ۳٤، نومید گشتند ٤۲، نومید ببودند ٤۵، نومیْد شُدَنْد ۵۳، نومیدی ۷٦، نومید شد ۹۰، ناامید شدند ۹٦

~: كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (۱۳:٦۰)
نومید شده‌اند ۳۹، نومید گردند ۹۲

يَؤُسًا: وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُسًا (۸۳:۱۷)
نومید ۱، نُومید گشته ۲، نیک نومید ۳، نومیْد ۵۳، نیک نَومِید ۵۵، ناسپاس ۵۹، نومیْد ٦۱، نومید شونده ٦۳، نومید گشته ۹٤، ناامید ۱۱٦

يَؤُس: إِنَّهُ لَيَئُوسٌ كَفُورٌ (۹:۱۱)
نومید ۱، نیک نومید ۳، نومید باشد ۲۷، نامید ۵۲، نومید است ۵۳، نیک نَومیْد ۵۵، نَومید ٦۲، نومید شونده ٦۳، نامید شونده ۸۵، ناامید ۱۱۱، نیک ناامید ۱۱٤

~: وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ (٤۹:٤۱)
نَومیْد ۳۲، بیچاره ٤۱، نومید گردد ٤۳، نومید شود ۵٦، ناامید شود ۱۲٦، ناامید می گردد ۱۳٦، نومید شوند ۱۳۸

يَئِسْنَ: وَالَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِّسَائِكُمْ (٤:٦۵)
نومید شدند ۱، نُومید گشته باشند ۲، نومید باشند ۲۹، نومیدند ۳۹، نومید شوند ٤۳، نومید شده باشند ۷۹، ناامید باشند ۹٦، نومید گشته باشند ۱۰۸، نومید شده‌اند ۱۲۲

يَئِسُوا: أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي (۲۳:۲۹)
نومید شدند ۱، نُومید گشتند ۲، نومید گشتند ۳۰، نومید شده‌اند ٤۷، نومید باشند ۵۲، نومید شدَند ۵۳، نومید شوند ٦۱، نومید باشد ٦٤، ناامید شدند ۱۰۳ ناامید باشند ۱۱۱، ناامیدند ۱۲۳، نومید می شوند ۱۲٤، ناامید گشتند ۱۲۹

~: قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ (۱۳:٦۰)
نومیدند ۲۹، نومیداند ٤۱، نومید ببودند ۸۱، نومید گردند ۹۲، ناامید شده باشند ۹٦، نومید گشته‌اند ۱۰۸

يُؤْفَكُ: كَذَٰلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (٦۳:٤۰)
می گردانسته شند ۱، گردانیده شوند ۳، ورگردانند ۲۹، بربافتند ٤۱، دروغ گفتند ٤۳، دروغ گوید ٤۹، برگردانیده می شوند ۱۱۱، بگردانید ۱۱٤، برگردانیده میشوید ۱۲۰

~: يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹:۵۱)
گردانسته شهد ۱، بازگردانند ۲، گردانیده می شود ۳، بگردانید ٦، بمی گردانند ۲۹، گردانیده شود ۳۹، برگرداند ۵۱، برگردانیده شد ٦٤، برگردانیده میشود ٦۷، دروغ می گوید ۹۲، بازگرداننده ۱۰۸، برگردانیده شود ۱۱۳، برگردانیده می شود ۱۱٦، گردانیده میشود ۱۲۱، روگردانیده میشود ۱۲۲

يَأْفِكُونَ: فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۱۱۷:۷)
می کردند ۱، همی دُروغ ساختنْد ۲، دروغ می گفتند ۳، ساخته بودند ۱۰، کرده بودند بدروغ ۲٤، ایشان ساخته بودند ۲۷، می فریفتند بدروغ ۲۹، می گردانیدند ۳۰، بدروغ می ساختند ۳۵، دروغ کرده بودند ٤۱، دروغ همی ساختند ٤۲، دُروغ میِ گفتند ۵۵، دروغ ساختند ۵٦، می سازند بدروغ ۵۷، می نمودند ۵۸، دروغ می بافتند ٦۱، از خویشتن برساختند ۷۹، دروغ گفتند ۸٤، بدروغ می گفتند یا می گردانیدند ۹۱، می ساختند دروغ ۹٤، بربافته بودند ۹٦، بربافته بودند ایشان ۱۰۰، ایشان بدروغ ساخته بودند ۱۰٤،

بربافته بود ۱۰٦، ایشان دروغ گفتند ۱۰۷، می بافتند ۱۱۲، از خویشتن برمی ساختند ۱۱۳، میگردانند ۱۱٤، بدروغ بچشم مردم مینمود ۱۲۲، می ساختند ۱۲٤، می ساختند از دروغ ۱۲۸

~: فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۲٦: ٤۵)
می گردانیدند ـ دروغ می بربافتند ۳، فرامی بافتند ۲۰، بساخته بودند ۲۹، بدروغ ساختند ۳۰، دروغ می ساختند ٤۳، دروغ ساخته بودند ٤٦، فروبافته بودند ٤۷، دروغ همی کردند ٤۹، دروغ همی کَرْدَنْد ۵۳، بدروغ آورده بودند ۵٦، بدروغ داشتند ٦۱، بدروغ ساخته بودند ۷٦، می گرانیدند ۹۱، بربافته بودند ۱۰۰، ایشان بر هم بافته بودند ۱۰۲، می سازند ۱۰۹، بافته بودند ۱۱٤، برساخته و بربافته بودندی ۱۳۸

یُؤْفَکُونَ: انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (۵: ۷۵)
می گردانسته شند ۱، بازگردانیده می شود ۳، شان بازگردانند همی ۱۰ مکرّر، دروغ گفتند ۲٤، می گردانندشان ۲۷، بازگردانیده شود ۲۹، می گردانند ۳۰، گردانسته می شند ۳۷، بازگردند و بربافند ٤۱، می برگردند ٤۵، برگَرْدانَنْد شان ۵۳، گردانیده مي شَوَنْد ۵۵، دروغ می سازند ۵۷، دروغها می گویند ۵۸، دروغ گفته شدند ٦۱، همی برگردانند ایشانرا ٦۲، برگردانیده می شوند ٦۳، برگشتند ٦٤، دروغ میگویند ٦۷، می گرداند ایشانرا ۷۰، می دروغ گویند ۷۲، دروغ می گویند ۷٦، برگردانیده می شوند ایشان ۸۹، بازگردانیده شوند ۹٤، باز همی گردانند ۱۰۵، برگردانیده میشود ۱۱۱، دروغ گفته می شوند ۱۲۱، از راه گردانیده شده اند ۱۲۲، دروغ فرامی بافند ۱۳٦

~: قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (۹: ۳۰)
برگردانیده اند ۱۰، همی دروغ گویند ۱۱، می گویند دروغ ۲٤، برمی گردانندشان ۲۷، ورگردانیده می شوند ۲۹، می بافند دروغ ٤۱، همی دروغ گُویَند ٤۲، دروغ گفته شوند ٦۱، دروغ گویند ۸۸، بدروغ زده می شوند ۱۰۰، گردانیده میشوند ۱۰۲، همی بافند ۱۰۷، برگردانیده میشوند ۱۱۱، میگردانند از راه ۱۱۲، برگردانده می شوند ۱۱٦، برمی گردند ۱۲٤، دروغ برمیبافند ۱۲۷

~: وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (۲۹: ٦۱)
می گردانسته شید ۱، گردانیده می شوند ۳، همی گردانند ایشانرا ۱٤، میگردانند ایشانرا ۲۹، گردانندشان ٤٦، می بگردانند ایشانرا ٤۷، می گرداند ٦۱، دروغ میگوییند ۷٤، گرانیده می شوند ۸۰، گردانیده شود ۸۷، دروغ زنند ۹٦، همی بازگردانند ۱۰۸، گردانده شوند ۱۰۹، برگردانیده شوید ۱۱۱، برمیبافند ۱۲۲، دروغ می دارند ۱۲٤

~: كَذَٰلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (۳۰: ۵۵)
دروغ همی کُنَنْد ۵۳، برگردانیده شوند ۸۰، گردیده میشوند ۱۱٤، بروانیده میشوند ۱۳۰، برگردانیده می شوید ۱۳۸

~: وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (٤۳: ۸۷)
می برگردانندشان ۱٦، ورمیگردانندشان ۲۹، گردانیده می شَوند ۳۲، دروغ برمی بافند ٤۱، بازمی گردانند ایشان ۵٦، گردانده می شوند ۸۰، دروغ فرو می بندی ۸۱، برگردانندشان ۹٤، بدروغ داشته می شوند ۱۰۰، روگردان شوید ۱۲۲، برمیگردانند ۱۲٦، روگردان شوند ۱۳۲، میگردانند ایشانرا ۱۳۹

~: هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (٦۳: ٤)
بازگردانندشان ۲، دروغ می گویند ۳۰، گردانندتان ٤۱، بازمیگردانند [illegible]

بازمی گردانند تان ٦٩، دروغ می بندند ٨١، روگردان میشوند ١٢٢، روگردان می شوند ١٣٢

★ كَانُوا يُؤْفَكُونَ: كَذَٰلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (٣٠: ٥٥)
می گردانسته شدند ١، می برگردانیده شدند ٣، دروغ همی گفتند ١٤، همی دروغ گفتند ٣٠، بودند گردانیده ٤٦، بودند دروغ زنان ٤٨، دروغ می گفتند ٥٦، گردانیده شدند ٦١، دروغ زنان ٧٦، دروغ بربافتند ١٠٠، دروغ میگفتند ١٣٢، گردانیده می شدند ١٣٩

يَأْكُلُ: فَٱخْتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلْأَنْعَٰمُ (١٠: ٢٤)
می خورند ١، خوَرند ١٠، بخورند ٢٤، میخورد ٢٩، خورند ٧٦، میخورند ٩٢

~: مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ (٢٣: ٣٣)
بخُورد ٢، می خرد ١١٣

~: وَقَالُوا۟ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأْكُلُ ٱلطَّعَامَ (٢٥: ٧)
می خورد ١، همی خورد ٢٤

~: أَوْ تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا (٢٥: ٨)
می خوردی ١، خورَد ٨٦

~: أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا (٤٩: ١٢)
بخورد ٦، خورد ١٠٠

لِيَأْكُلْ: وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِٱلْمَعْرُوفِ (٤: ٦)
گو بخور ١، بخورد ٢، خوردا ٣، واید خوردن ١٠، بخوراد ٢٣، گو بخورد ٤٣، باید خورد ٦٣، باید که بخورد ٧٦، بخوردا ٩٧، بخور گو ١٠٢، باید که خورد ١٠٣، باید که بخورند ١١١

يَأْكُلَانِ: وَأُمُّهُۥ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ ٱلطَّعَامَ (٥: ٧٥)
هر دو می خورند ٣٩، هر دو می خورَند ٤٢، میخورند ٦٧، خورنده اند هر دو ٩٢، هر دو همی خورند ٩٤، ایشان هر دو میخورند ١٠٥، هر دو میخورند ١٢٤

★ كَانَا يَأْكُلَانِ: وَأُمُّهُۥ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ ٱلطَّعَامَ (٥: ٧٥)
می خوردند ١، همی خوردندی ١٠ مکرّر، بودند هر دو خورندگان ٢٤، ایشان هر دو خوردندی ٢٧، ایشان هر دو همی خوردند ٢٩، هر دو می خوردند ٥٢، می خورَدنْد ٥٣، خوردندی ٦٠، میخوردند ٦١، خَوردندی ٦٢، هر دو خوردند ٩٦

يَأْكُلْنَ: يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ (١٢: ٤٨)
بخورند ١، بخُورنْد ٢، خورند ٣، خَورَنْد ٥٥، میخورند ٥٨

يَأْكُلَهُ: وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ ٱلذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَٰفِلُونَ (١٢: ١٣)
خرد ١، بخورد ٢٤، خَورد ٥٥، بخورَد ٧٦

~: لَّا يَأْكُلُهُۥٓ إِلَّا ٱلْخَٰطِـُٔونَ (٦٩: ٣٧)
خورد ٣٩

★ لَا يَأْكُلُهُ: لَّا يَأْكُلُهُۥٓ إِلَّا ٱلْخَٰطِـُٔونَ (٦٩: ٣٧)
نخورند ٥٤

يَأْكُلُهُنَّ: يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ (١٢: ٤٣)
می خوردند ١، بخوردند ٤١، همی خورد ٥٣، میخورند ٥٨، میخوردند ١٠٠

~: يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ (١٢: ٤٦)
همی خورند ٥٣، خورند ١٠٠، بخورند ١١٨، همی بخورند ١٢٨

يَأْكُلُوا: ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا۟ وَيَتَمَتَّعُوا۟ (١٥: ٣)
بخورند ٢، می خورند ٥٢، بخورَنْد ٥٣، خورند ٧١، میخورند ٩٣

~: لِيَأْكُلُوا۟ مِن ثَمَرِهِۦ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ (٣٦: ٣٥)
بخورید ٦١

يَأْكُلُونَ: أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ (۲:۱۷٤)
خُورند ۲، مَی انبارند ۱۰، همی بخرند ۵۳، خوَرند ۶۲، می خُرند ۱۰۹

~: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَوٰا (۲:۲۷۵)
می خورند ۱، بخورند ۲، بخورند ۲۷

~: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا (٤:۱۰)
همی بخورند ۲، می خورند ۱۰، می بخورند ۲٤، خورند ۲۹ ، اندر آکنده باشند ٤۰، بخورند ۵۳، بخورند همی ۶۵، همی خورید ۱۰۷

~: إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ (۹:۳٤)
مَی خُورند ۱۰، هَمی خَورَند ۵۳، می خَورَند ۵۵، هَمی خَورَند ۶۲

~: إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ (۲۵:۲۰)
می خوردند ۱، میخوردند ۲۹، همی خوردند ۳۰، خوردند ٤۸، می خوردندی ۵۶، بخوردندی ۶٤، خوردندی ۷۶

~: وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (۳۶:۳۳)
می خورند ۱، میخورند ۲۹، میخوریم ۱۳۸

~: وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (۳۶:۷۲)
همی خورند ۲۲

★ لا یأکلون: وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ (۲۱:۸)
نمی خوردند ۱، نخوردندی ۵۶، نخورند ۵۸

★ ما یأکلون: أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ (۲:۱۷٤)
مَی نه انبارند ۱۰، نمی خورند ۳۰، نمی انبارند ٤۰، همی نخورَند ٤۲، می نخورند ۷۶، همی نخورند ۹۶، نمیخورند ۱۰۰

يُؤَلِّفُ: أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ (۲٤:٤۳)
بهم کند ۱، بپیوندد ۲، با هم آورد ۲۹، فراهم کند ۳۰، فراهم می آرد ۳۶، درهم می نشاند ٤۱، فراهم آرد ٤۳، بهم می پیوندانند ٤۸، فَراهَم آرد ۵۱، فراهم ارد ۵۳، بهم می کند ۵۸، با هم پیوندند ۷۶، با هم می آورد ۸۹، گرد آورد ۹٤، پیوندد ۹۶، می پیوندد ۱۰۲، به پیوندد ۱۰۵، به پیوندانند ۱۰۸، بهم می آرد ۱۰۹، بهم آورد ۱۱۱، فاهَم آرَد ۱۱۹، فراهم می آورد ۱۲٤، فراهم آورد ۱۳۹

يَأْلَمُونَ: فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ (٤:۱۰٤)
می دردمند شند ۱، دردمند می شوند ۳، همی درد رسد ۲۹، خسته شدند ۳۶، بر درد می یابند ۳۸، رنج رسیده اند ٤۱، دَرد یابَند ٤۲، دَرْدمَنْد شَوَنْد ۵۳، درد یابند ۵۷، ایشان را درد همی رسد ۶۲، می رنجند ۶۳، دردمند شوند ۶۹، دردی یابند ۷۶، همی دَرد یافتند ۸۲، دردناک شوند ۸٤، می دردمند شوند ۹۲، دردیابند ۹۸، دردمند شدند ۱۰۰، دردمند می باشند ۱۰۲، درد می یابند ۱۰۳، درد رسیده می شوند ۱۰٤، دردمند ند ۱۱۹، دردمندان ۱۲۳، درد همی یابند ۱۳٤، آزار می کشند ۱۳۵، دردمند باشند ۱۳۶

يُؤْلُونَ: لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ (۲:۲۲۶)
سُوگند خُورند ۲، سوقند خُورَند ۱۰، ورگردیدند ۲٤، بازایستند بسوگند ۲۷، سوگند می خورند ۳۶، سوگند خورند ٤۱، سوگند خُورَند ٤۲، سوگند خوردند ۸۲، سوگند دهند ۹۰، دوری کنند ۱۰۳، سوگند میخورند ۱۰٤، بازایستند ۱۳۰

يَأْلُونَكُمْ: لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا (۳:۱۱۸)
سستی کنند ۳۰، فراگیرند ۱۲۹

★ لایألونکم: لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا (۳:۱۱۸)

پاک نگیرند ۱، دست بازندارند ۲، دست واندارند کوشیدن ۱۰، بنگذارند ۲۳، دست واندارند ۲۴، فرونگذارند ۲۹، فرو نگذارد ۳٤، دست وانه دارند ٤٠، نگذارند ٥٦، بازپس ندارد ٥٧، بازندارد ۸۲، دست بازندارند ۸۳، سستی نکنید ۹۰، نه سستی کنیت ۹۱، دست بازندارد ۱۲۱

يَأْمُرُ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِٱلْفَحْشَآءِ (۷:۲۸)
فرماید ۱۰

~: هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ (۱٦:۷٦)
می فرماید ۱، بفرماید ۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ وَٱلْإِحْسَٰنِ (۱٦:۹۰)
می فرماید ۲، همی فرمایذ ٥۳، میفرماید ٦۱، همیفرماید ۹۳

~: وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ (۱۹:٥٥)
می فرمود ۱، همی فرمود ۲، همی فرموذ ٥۳، بفرمودی ۸۷، میفرمود ۱۰۰، بفرمود ۱۳۹

~: فَإِنَّهُۥ يَأْمُرُ بِٱلْفَحْشَآءِ (۲٤:۲۱)
می فرماید ٥۱

★ كَانَ يَأْمُرُ: وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ (۱۹:٥٥)
بود فرماینده ٥٦

يَأْمُرُكُمْ: إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا۟ بَقَرَةً (۲:٦۷)
همی فرماید ۲، می فرماید ۱۰، می فرماید ٥٥، بپفرماید ۹۹

~: قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمْ (۲:۹۳)
همی فرماید ۲، فرمودست ۱۰، می فرمایند ٥۷

~: إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِٱلسُّوٓءِ وَٱلْفَحْشَآءِ (۲:۱٦۹)
می فرماید ۲

~: يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ (۲:۲٦۸)
بفرماید ۲، فرمان دهد ۲٥

~: أَيَأْمُرُكُم بِٱلْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۳:۸۰)
می فرماید ۱، می بفرماید ۲٤، فرمان می دهد ۲٥، بفرماید ٤۱، فرمود ٥٦

~: إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا۟ ٱلْأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهْلِهَا (٤:٥۸)
همی فرماید ۲، فرماید ۳، میفرماید ۲۹

★ لَا يَأْمُرُكُمْ: وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَن تَتَّخِذُوا۟ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّۦنَ أَرْبَابًا (۳:۸۰)
نمی فرماید ۱، نفرماید ۲، نه فرماید ۸۸، نفرماید ۱۰۰، نمیفرماید ۱۰۳

يَأْمُرُهُمْ: يَأْمُرُهُم بِٱلْمَعْرُوفِ (۷:۱٥۷)
می فرماید ۱، می بفرماید ۲٤، همی فرماید ٤٥، فرماید ٦۰، میفرماید ۱۰۳

يَأْمُرُونَ: وَيَقْتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِٱلْقِسْطِ مِنَ ٱلنَّاسِ (۳:۲۱)
می فرمایند ۱، همی فرمایند ۲، می فرمودند ۱۰، می فرمودند ۲٤، فرمان دادند ۲٥، فرمایند ٤۲، می فرمایند ٥٥، می فرمان دهند ٥۷، میفرمایند ٦۱، فرمودند ٦٤، میفرمودند ۱۰۰

~: يَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (۳:۱۰٤)
فرمایند ۱۰، میفریمایند ٦۱

~: وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ (۳:۱۱٤)
امر میفرمایند ۱۲۷

~: ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبُخْلِ (٤:۳۷)
بفرمایند ۲

~: يَأْمُرُونَ بِٱلْمُنكَرِ (۹:٦۷)
همی فرمایند ۳۸، همی فرمایند ٥۳، می فرمایند ٥٥، همی فرمایند ٦۲

~: يَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ [illegible]

می بفرمایند ۲۴، می فرمایند ۱۱۸

~: ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبُخْلِ (۵۷: ۲۴)
بفرمایند ۲

يُؤْمَرُونَ: وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۱۶: ۵۰)
می فرموده شند ۱، بفرمایند شان ۲، می فرمایند شان ۲۹، ایشان را فرمایند ۵۳، فَرمُودَه می شَوَند ۵۵، می فرمایند شانرا ۵۹، فرموده شدند ۶۱، فرمایند ایشانرا ۶۲، می فرمایند ایشانرا ۷۶، فرمود می شوند ۸۰، فرموده میشوند ۹۳، فرمودند ایشانرا ۱۰۰

~: لَّا يَعْصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۶۶: ۶)
فرماید شان ۲، فرموده می شوند ۳، فرموده شده‌اند ۳۰، فرموده شوند ۳۹، می فرمایند ۴۱، فرمایند ۶۱، می فرموده شوند ۸۰، همی فرمایند شان ۹۴، بفرماید شان ۱۰۸، بفرمایند ۱۲۶

يَأْمَنُ: فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (۷: ۹۹)
بی بیم شود ۳۰

★ لَا يَأْمَنُ: فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ ٱللَّهِ (۷: ۹۹)
بی بیم نشود ۱۱۴

يُؤْمِنُ: ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ (۲: ۲۳۲)
می گرود ۳، بَرویده بُوَد ۱۰، برویده باشند ۶۳، برگرود ۱۲۱

~: فَمَن يَكْفُرْ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ (۲: ۲۵۶)
بگروید ۱، ببرود ۴۰

~: وَلَا يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ (۲: ۲۶۴)
گرود ۳

~: وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَمَن يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ (۳: ۱۹۹)
برویدست ۴۰، می بگرود ۵۶

~: ٱلَّذِى يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ (۷: ۱۵۸)
برویده ست ۱۰، می گرود ۴۱

~: يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ (۹: ۶۱)
راست گر گیرد ۱، راست گوی داردا و باور دارد ۱۰، باور دارد ۲۴، راست گوی می دارد ۳۰، استوار دارد ۴۹، رَاسْت گوی می دَارَد ۵۵، می گرَوَد ۵۵، گرویده است ۵۸، براست دارد ۹۳، میگرود ۱۱۱، باور داشت ۱۱۲، باور می دارد ۱۱۳، گروید ۱۱۴، راست گوی دارد ۱۲۸

~: وَمِنَ ٱلْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ (۹: ۹۹)
می بگروید ۱

~: وَمِنْهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِۦ وَمِنْهُم مَّن لَّا يُؤْمِنُ بِهِۦ (۱۰: ۴۰)
بگرود ۲، بمی گرود ۶۳، بمیگرود ۱۰۰، میگرود ۱۱۴

~: إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا (۲۷: ۸۱)
ببرود ۴۷

~: وَمِنْ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤْمِنُ بِهِۦ (۲۹: ۴۷)
برویده می بود ۴۷، بگرویدند ۶۱

~: إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا (۳۲: ۱۵)
بگروند ۱۴، باور کند ۲۴

~: إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِٱلْءَاخِرَةِ (۳۴: ۲۱)
گروید خواهد ۵۸

~: إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ ٱلْعَظِيمِ (۶۹: ۳۳)
گرویده ۵۴

★ لِيُؤْمِنْ: فَمَن شَآءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَآءَ فَلْيَكْفُرْ (۱۸: ۲۹)
گو بگروی ۱، بگرو ۴۳، بگرود ۵۹، گو بگرود ۶۱، گو گرو ۹۳، گوبگرو ۱۰۶، بگرودا ۱۰۸، گرودا ۱۱۴

★ لَا يُؤْمِنُ: وَلَا يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ (۲: ۲۶۴)
نگروید ۱، نگرود ۲، نابرویده بَود ۱۰، برورویده نباشد ۶۳، نه گرود ۶۴، مگرود ۱۲۵

~: وَمِنْهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِۦ وَمِنْهُم مَّن لَّا يُؤْمِنُ بِهِۦ (۱۰: ۴۰)
بنخواهد بَرویدَن ۱۰، بنمی گرود ۸۹

~: فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا (۲۰:۱٦)
نمی گرود ۵۸، نگرویده باشد ٦٤، باور نکرده ۱۳۲

~: عُذْتُ بِرَبِّي ... مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (٤۰:۲۷)
بنگرود ٤۲، نمیگرود ۱۰۳

~: إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (٦۹:۳۳)
نمی گرویست ۱، بنمی گروید ۱۰۰، نمی گروندید ۱۱٦

* لَمْ يُؤْمِنْ: وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ (۲۰:۱۲۷)
نگرویست ۱، نگرود ۲، بنگروید ۱۰۰، نگرویده ۱۳۲

~: وَمَن لَّمْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (٤۸:۱۳)
نگروید ۱، نه گرود ٤٤، بنگرود ۱۰۰

* لَنْ يُؤْمِنَ: أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ (۱۱:۳٦)
راست گو نگیرد ۳۹، هرگز نگرود ۵۸، هرگز نه گرود ٦۱، نگرود ۹٦، هرگز نمیگرود ۹۹، نه گرود ۱۱٤، هرگز نمیگروند ۱۳٦

* مَا يُؤْمِنُ: وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ (۱۲:۱۰٦)
نگروند ۱، نمی گروند ۵۸، بَنگروَند ۷٦، باور نمیدارند ۹۳، نمیگروند ۱۱۱

يُؤْمِنَّ: وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ (۲:۲۲۱)
بگروند ۱، بگروند ۲، بَبروند ۱۰، گروند ۳۰، ببروند ٦۳، بگرَوَند ۹٤

~: إِن كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (۲:۲۲۸)
برویده باشند ٤۰

* كُنَّ يُؤْمِنَّ: إِن كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (۲:۲۲۸)
گرویده‌اند ۲، بَرویده باشند ۱۰، باشند گرویده ۲۷، ایشان گرویده‌اند ۷٦

لَيُؤْمِنَنَّ: وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ (٤:۱۵۹)
بگروید ۱، بگرود ۲، بگروند ۵٦، گروید ۹۷، بگرویده بودند ۱۰۰

لَيُؤْمِنُنَّ: لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا (٦:۱۰۹)
بگروند ۱، بگروند ۲۷، بگروَند ٤۲، هرآینه بگروند ۱۱۱

يَأْمَنُوا: سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ (٤:۹۱)
بی بیم باشند ۳٦، بی بیم شَوَند ۵۵، بی بیم شوند ٦۱

يُؤْمِنُوا: أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ (۲:۷۵)
براست دارند ٤، باوَر دَارند ۱۰، استوار دارند ۳۸، استوار دارَند ٤۲، راست دارند ٤۸، رَاسْت گُویْ دَارَنْد ۵۵، شما را باور دارند ٦۳، راست گوی دارند ۹۱، گروند بخدای ۱۰٤

~: وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ (٦:۲۵)
بگروید ۸۲

~: وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ (۱۷:۹٤)
بگرویدندی ۲

* كَانُوا لِيُؤْمِنُوا: وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا (۱۰:۱۳)
بودند گرویدگان ۲٤

* لِيُؤْمِنُوا: فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۲:۱۸٦)
بگروندا ۲، گروندا ۳، بَرویده وَاید بُودن ۱۰، بگروند ۲۹، برویده باید بدن ٤۰، بگروَند ٤۲، گروید ۱۰٤

~: مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ (٦:۱۱۱)
بگرویدندی ۱۰ مکرّر، گرویده ۵۸، گرویدندی ۱۱٤

★ لَا يُؤْمِنُوا: وَإِن يَرَوْا كُلَّ ءَايَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا (٢٥:٦)
نه گروند ٦١

~: وَإِن يَرَوْا كُلَّ ءَايَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا (١٤٦:٧)
نگروينِد ١، بنگروند ٢٩، بنگرويدند ٦٣

~: وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ (٨٨:١٠)
نگروند ٣٨، هيچ نگروند ٥٦

★ لَمْ يُؤْمِنُوا: كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ (١١٠:٦)
نگرويستند ١، نبرويدند ١٠، نگرويدند ٢٩، نگرويدند ٥٣، بنگرويدند ٥٧، نگرويدند ٨٨

~: وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا (٨٧:٧)
بنه برويدند ١٠، نه گرويدند ٤٥، نگرويده‌اند ٩٢، نميگروند ١٣٦

~: عَلَىٰ ءَاثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا (٦:١٨)
نگروند ٢، نه مى گروند ٦١، نه گروند ١١٤

~: أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ (١٩:٣٣)
باور نداشته‌اند ٤٧

يُؤْمِنُونَ: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ (٣:٢)
بخواهند برويدن ١٠، گرويدند ٨٠

~: وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ (٤:٢)
بگروند ٢، مى گروند ٥٥

~: بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ (٨٨:٢)
همى بگروند ٢، بخواهند برويدن ١٠، همى گروند ٥٢، مى گرويدند ٩٠

~: يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ (١٢١:٢)
بگرويدند ٢، ببروند ١٠، برويده باشند ٤٠

~: يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (١١٤:٣)
بگروند ٢، برويده‌اند ٤٠

~: يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ (٥١:٤)
همى بگروند ٢٩

~: وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ (١٦٢:٤)
مى بگروند ١، برويده باشند ١٠، بمى گروند ٦٣، بميگروند ١٠٠

~: وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ (٨١:٥)
مى بگرويستندى ١، بگرويدندى ٢، بگرويدند ١٠ مكرّر، گرويستندى ٣٧، گروندگان ٤٨، ميگرويدند ١١١، گرويدگان ١١٩

~: الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (١٢:٦)
گرويدگان‌اند ٤٥، گروند ٥٣

~: وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَاتِنَا (٥٤:٦)
همى بگروند ٢

~: فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (٥٢:٧)
ميگروند ٦١

~: وَالَّذِينَ هُم بِـَٔايَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (١٥٦:٧)
بگروند ٤٥

~: وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (٢٠٣:٧)
همى گروند و باور دارند ١٠٩

~: كِتَابُ مُوسَىٰ ... أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ (١٧:١١)
ميگروند ايشان ٦١

~: وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ (١٢١:١١)
مى گروند ٦١

~: وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (٦٤:١٦)
گرويدگان ٥٨

~: مَا ءَامَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (٦:٢١)
بخواهند گرويدن ٢٤، خواهند گرويد ١٣٢

~: وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (٢٣:٥٨)
گرویده أند ٢، گرونده اند ١٠٨

~: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (٢٤:٦٢)
برويده مى باشند ٤٧

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (٢٧:٨٦)
مى گروند ٣٧، مى بگروند ٤٦

~: نَتْلُوا عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَ... لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (٢٨:٣)
ببرويد ٤٧

~: الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِن قَبْلِهِ هُم بِهِ يُؤْمِنُونَ (٢٨:٥٢)
گرويده اند ٧٦، بگروند گانند ١٠٠

~: لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (٢٩:٥١)
ببروند ٤٧

~: أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ (٢٩:٦٧)
مى ببروند ٤٧

~: يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ (٤٠:٧)
مى گروند ٣

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (٤٠:٥٩)
گروند ٣

~: وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ (٤٣:٨٨)
گروند ٣٢

~: فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (٤٥:٦)
مى بگروند ٢٢، خواهند گرويدن ١٢٤

~: فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (٧٧:٥٠)
مى بگرويد ١٩

★ لَا يُؤْمِنُونَ: ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٢:٦)
بنه گروند ٤، بنه وايست برويدن ١٠، نخواهند گرويد ١٠٢، ايمان نياورند ١١٢

~: نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُم بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٢:١٠٠)
همى نگروند ٢، بنه وايست برويدن ٤٠

~: وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (٤:٣٨)
نمى گروند ١، بنه بروند ٤٠

~: فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (٤:٤٦)
نمى گروند ٢٧، بنگرويدند ١٠٠

~: لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ (٤:٦٥)
نه گروند ايشان ٦١، بنگرويده باشند ٨٥

~: الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٦:١٢)
همى نگروند ٢، بنمى گروند ٦٣

~: الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٦:٢٠)
نگروند ٢

~: وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ (٦:١١٣)
نگروند ٥٣

~: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٦:١٢٥)
باور ندارند ٤٤

~: كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (٨:٥٥)
بنه خواهند برويدن ١٠، همى استوار ند آرند ٩٤، استوار ندارند ١٢٤، همى استوار ندارند ١٢٨

~: قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (٩:٢٩)
همى نگروند ٢٧، نه گرويدند ٣٨

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (١١:١٧)
بنگروند ٧ مكرّر، بنه مى گروند ٥٩

~: وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ ([illegible])

كنمی گروند ١

~: إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (١٢:٣٧)
نگروند ٢، نگرويدند ٧٦، نگرويديم ١١٢

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (١٣:١)
باور نمی دارند ٥، می نگروند ٩٤

~: إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (١٩:٣٩)
نميگروند ٨٦

~: مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا ۖ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (٢١:٦)

همی نگروند ايشان ٩٤

~: وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ۖ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (٢١:٣٠)
بنگرويند ١، نخواهند گرويدن ١٠٨

~: وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ ۚ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (٢٣:٤٤)
ناگرويدگان ٥٨

~: وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ (٢٣:٧٤)
نگرويدند ٤٧، همی نگروند ٦١

~: لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (٢٦:٢٠١)
بنبروند ٤٧

~: إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ (٢٧:٤)
نمی بروند ٢٠، نبرويدند ٤٧

~: بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ (٣٤:٨)
نگروند ٣٨، می نبرويدند ٤٧

~: لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٣٦:٧)
نه گروند ٧

~: وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٣٦:١٠)

بنخواهند گرويد ١٠٠

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (٤٠:٥٩)
نمی گروند ـ باور نمی دارند ٢٤

~: يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا (٤٢:١٨)
نگرويده اند ٦٤، نگرويدن ١٠٨

~: أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ ۚ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ (٥٢:٣٣)
نگروند همی ٣٩

★ مَا يُؤْمِنُونَ: بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ (٢:٨٨)

نمی گرويدند ١١٤

★ لَمْ يَأْنِ: أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ (٥٧:١٦)
نيامد ١، هنگام نبود ٣٠، نيامد هنگام ٣٩، نه آمد هنگام ٥٦، نآمد هنگام ٦١، هنگام نيامد ٧٩، نه بيامد ٩٢، گاه نبود ١٠٨، گاه نيامد ١٢٥

يَؤُودُهُ: وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (٢:٢٥٥)
گران كند ٣، گران آيد ١٠، گران كُند ٥٥، گران شود ٧٢، گران بار گرداند ٩٠، گرانی كند ٩١، دشوار آيد ١٢٦، گران بيايد ١٢٩

★ لَا يَؤُودُهُ: وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا (٢:٢٥٥)
گران نكند ١، گرانْ نيايد ٢، گران بار نمی كند ٣٦، خسته نكرد ٤١، برنج نيارَد ٤٢، دشوار نيايد ٤٣، برنج نيارد ٥٢، گران بار نكند ٦٠، نه گران آمد ٦١، گران بار نگرداند ٦٤، گران نكنند ٧٥، گران بار نگرداند و رنجه نگرداند ٨٣، گران نيايد و رنجه ندارد ٨٤، نه گران كند ٨٨، رنجه ندارد ٩٤، ندارد زيان ٩٨، برنج نياورد ١٠٦، گران نيايد ورا رنجه نيارد ورا ١٠٧، رنج نكند ١١٠، نگرداند ١١٢، دررنج نيفكند وگران نيايد ١١٦، نيست دشوار ١٢٠، نيفكند در رنج ١٢٢، در رنج نيفكند ١٢٣، نه افكند در رنج ١٢٧، گران ننمايد ١٣٥، رنج نياورد ١٣٨

يُؤَيِّدُ: وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ (٣:١٣)

نیرو دهد ۳، نیرو دهد ۱۰، نیرومند کند ۲۷، نیرومَند کُند ۴۲، نیرُو دَهَدْ ۵۵، نیرو کند ۵٦، نیرومند گرداند ٦۱، نیرمند کند ۸۲، نیرومند گرداند ۸٤، نیرومند گرد آند ۱۰۰، یاری دهد ۱۲٤

يُبَايِعْنَكَ: إِذَا جَآءَكَ ٱلْمُؤْمِنَٰتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشْرِكْنَ (۱۲:٦۰)
پیمان کنند با تو ۲

يُبَايِعُونَ: إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ (۱۰:٤۸)
همی پیمان کنند ۱۰۸

يُبَايِعُونَكَ: إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ (۱۰:٤۸)
همی پَیمان کنند ۲

~: إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ ٱلشَّجَرَةِ (۱۸:٤۸)
دست همی دادند ۱۰۹

يَبْتَغِ: وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ ٱلْإِسْلَٰمِ دِينًا (۳:۸۵)
بجوید ۲، جوید ۳، بجَوید ۱۰، می جوید ٤۱، جُویَد ٤۲، پی روی کند ۱۱۹، میجوید ۱۳۵

يَبْتَغُونَ: أَيَبْتَغُونَ عِندَهُمُ ٱلْعِزَّةَ (٤:۱۳۹)
همی بجُویند ۲، مَی جَویَند ۱۰، می بجویند ۲۷، همی بجویند ۸۸

~: يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَٰنًا (۵:۲)
همی بجویند ۲، همی جویند ۲۹، همی جُویند ٤۵

~: أُولَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ (۵۷:۱۷)
همی جُویند ۲، می جویند ۳، هَمی جویند ۵۳

~: وَٱلَّذِينَ يَبْتَغُونَ ٱلْكِتَٰبَ (۳۳:۲٤)
بجویند ۲، می جُویَند ۵۱، بجویند خویشتن ٦۱، جویند ٦۲، خواهند ٦٤

~: يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا (۲۹:٤۸)
همی جویند ۲

~: يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا (۸:۵۹)
می جُویند ۲، می جویند ایشان ٦٤، می جَویند ۸۱

~: وَءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِى ٱلْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ (۲۰:۷۳)
میجویند ۳۹

فَلَيُبَتِّكُنَّ: فَلَيُبَتِّكُنَّ ءَاذَانَ ٱلْأَنْعَٰمِ (٤:۱۱۹)
ببرند ۱، هر آینه برند هر آینه ۳، بشکافند ۱۰، بگردانند یعنی برند ۲٤، بَشکافَند ٤۲، ببرندی بشکافند ۵٦، ببرند و بشکافند ۵۸، نگوسار کند ٦۱، بشکافند و ببرند ۷۸، ببُرند ۸۹، بُرند ۹۷، بمی برند ۱۰٦، بگشایند ۱۱۲، هر آینه میبرند ۱۲۰، خواهند شکافت ۱۲۲، میشکافند ۱۳۰

لِيَبْتَلِيَ: وَلِيَبْتَلِىَ ٱللَّهُ مَا فِى صُدُورِكُمْ (۳:۱۵٤)
آزموده گرداند ۲، پیدا کند ۳، بیازماید ۱۰، آزموده کند ۳٤، پیدا و آشکار کند ٤۱، پَیدا کُند ۵۵، آزماید ۱۱٤

لِيَبْتَلِيَكُمْ: ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ (۳:۱۵۲)
بیازماید ۱، آزمُوده گرداند ۲، بَیازماید ۱۰، آزموده گرداند ۲۹، آزموده کند ۳۹، آزمایش کند ٤۰، آزمودَه گردَاند ٤۲، آزموده گراند ۸۲، بیازمایند ۸۸، آزمایش نماید ۱۰٤

يَبُثُّ: وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (٤:٤۵)
بپراکند ۱، پراکنده می کند ۳، بپراکندْ ۲۲، می پراکند ۲۹، پراکند ۳۰، پراکنده کند ۳۹، بپراکَند ۵۳، پیدا می آرد ٦٤، پراکنده می سازد ۱۰۳، بپرکند ۱۰٦، همی پراکند ۱۰۸، پراکنده میکند ۱۱۱، پراکنده میسازد ۱۱٦، پراکنده می شود ۱۲۱، پراکنده میشود ۱۲۲، پیداست ۱۲٤، پراکنده کرد ۱۲٦

يَبْحَثُ: فَبَعَثَ ٱللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِى ٱلْأَرْضِ (٥:٣١)
مى كچيليد ١، مى كاويد ٣، همى كاويد ١٠ مكرّر، بكاويدند ٢٤، مى واپاشيد ٢٧، همى كند ٢٩، مى كچيل كرد ٣٧، بازجست مى كرد ٣٩، مى كَند ٤١، همى كاويد ٤٢، مغاكى كند ٤٥، همى جست ٥٣، مى كاويد ٥٥، جُست مى كرد ٥٦، مى باشى ٥٧، مى شكافت ٦٠، ميكاويد ٦١، همى بجوهيد ٦٢، ميكند ٦٣، بازجست ٦٩، خاک مى افكند ٧٥، بكند ٧٦، پژوهيد ٨٨، بازميكرد ٩٠، بكَنَد ٩٦، ميكاويد و ميكند ١٠٠، مى كند ١٠٦، همى كاود ١٠٩، مى گاويد ١١٩، بكاويد ١٢١، همى كاريد ١٢٤، كاوش ميكرد ١٣٥، كند ١٣٦

يَبْخَسْ: وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْـًٔا (٢:٢٨٢)
واگيرد ٢٤، كاهد ٥٢، بازپوشاند ١٣٤

* لَا يَبْخَسْ: وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْـًٔا (٢:٢٨٢)
گومكه ١، نَه كَاهدْ ٢، مه كهاندا ٣، بمه كاهدا ١٠، وانه گيرد ٢٤، كمتر نكند ٢٥، كم مكندا ٢٧، نكاهدا ٢٩، كم نكندا ٣٠، بنه بايد كماشت ٤٠، مى كم نكندا ٤١، نَه كاهدا ٤٢، كم مكن ٤٣، مَكاهَانَدَا ٥٥، مكاهدا ٥٦، بنكاهد ٥٧، نكاهاند ٦٠، نه كم كند ٦١، كم نكند ٦٧، كم نكناد ٧٤، نه كاهاندا ٨٠، مكاهيد ٨٢، نه كاهدا ٨٣، گو كم مكن ٩٢، نه كاهد ٩٦، بآزنكاهاند ١٠٠، بايد كه كم نكند ١٠٤، باز نكاهاند ١٠٦، مه كاهدا ١٠٧، نه كم كندا ١٠٩، نيست بكاهد ١٢٨، نكاه ١٣٨

يُبْخَسُونَ: نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَٰلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (١١:١٥)
كم داده شوند ٣، كَم دَاده شَوند ٥٥، كاهند ٦٩، كم كنند ١٢٩

* لَا يُبْخَسُونَ: وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (١١:١٥)
كهسته نشند ١، بنكاهند ٢٤، واكاسته نشوند ٢٩، نه كاهند ٣٨، كم كرده نشوند ٣٩، نكنندشان هيچ كم ٤١، كم نكنند ٤٢، نكاهند چيزى را، نكاهاند ٥٧، نكاهند ٧٥، بنكاهيد ٨٨، بازنكاهانند ٨٩، كم داده نشوند ٩٤، باز نكاهآنند ١٠٠، كَم نكنند ١٠٥، كاسته نشوند ١٠٩، كاسته و كم نشوند ١١١، كاسته كارى نكنند ١١٢

يَبْخَلُ: فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُ (٤٧:٣٨)
زفتى مى كند ٣، سفلگى كند ٣٠، دل تنگى كند ٦٩، زفتى كند ٨٠، دل تنگ كند ١٣٩

يَبْخَلُونَ: وَلَا يَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ (٣:١٨٠)
تنگ دل كُنَند ١٠، زفتى كردند ٣٠، مى تنگ دلى كُنَنْد ٤٠، زفتى كُنَند ٤٢، زفتى كنند ٥٢، زفتى همى كنند ٧٨، باز ميدارند ١٠٤، زفتن همى كند ١١٠

~: ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبُخْلِ (٤:٣٧)
زفتى مى كنند ٣، تنگ دلى كنند اُو خُوردنگرشى كنند ١٠، تنگ دلى مى كنند ٣٩، خودنگرشى و تنگ دلى كنند ٤٠، زفتى كُنُند ٤٢، تنگ دلى كنند ٧٢

~: ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبُخْلِ (٥٧:٢٤)
سفلگى كنند ١٠٨، زفتى ميكنند ١١٤

يَبْدَؤُا: إِنَّهُۥ يَبْدَؤُا ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ (١٠:٤)
نخست بار بيافريند ١، آغاز كند ٢، از نيست اندر هست آرد ١٠، بيافريد ١٣، پيدا مى كند ٤١، آغاز كُند ٥٥، آغاز كرد ٥٦، پيدا كند ٦١، مى آفريند ٦٧، پيدا كننده ٧٦، آفريد بآغاز ٩٤، مى آغازد ١٠٤، نخست پيدا كند ١١٤

~: مَّن يَبْدَؤُا ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ (١٠:٣٤)
بيافريند ٢٧، نوبر بدارد ٣٠، نَوپَديد آرد ٥٥، آغاز آفريند ٦١، اغاز كند ٦٩، پديد آورد ١٢٢، آشكارا كند ١٣٦

~: أَمَّن يَبْدَؤُا ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ (٢٧:٦٤)

نخست آفرید ٢٤، فرافریند ٦١، آفرید نخست بار ٧٦، از نو بیافریند ٧٩، آغاز می فرماید ٨٦، پدید کند ٩٦، آفرید ١٠٣، آفریند و پیدا کند ١١١، آغاز میفرماید ١٣٢

~: اللَّهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ، (١١:٣٠)
آغاز کُند ٢، نو آفریند ٣، نَخُست بَیافرید ٧٦، آغاز میکند ٨٦، نوپیدا کند ٩٩

~: وَهُوَ الَّذِي يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ، (٢٧:٣٠)
بیافرید از نخست ٢٤، پیدا کرد ١١٦، آغاز نمود ١٣٢

يُبْدِئُ: أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ (١٩:٢٩)
برمی آفریند ٣، آغاز کند ٣٠، افریند ٥٣، نخست آفرید ٥٨، آفرید ٦١، آغاز بکرد ٦٤، می آفریند ٧٦، از نو بیافرید ٧٩، پدید می آرد ٨٦، بیافریند ٨٩، نو می آفریند ٩١، آغاز کردندی ٩٢، پیدا می کند ١٠٢، آشکارا میگرداند ١٠٣

~: وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (٤٩:٣٤)
می آفریند نخست ٣، پیدا شود ٢٢، پیدا آید اوّل ٥٣

~: إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ (١٣:٨٥)
نخست بار بیافریند ١، از آغاز آفریند ٣٠، پیْدا آرد ٦١، پیدا می آرد ٦٥، از نو بیافریند ٧٩، نو بیافریند ٩٤، آشکارا میکند ١١١، آشکارا می کند ١١٦، پدید می آورد ١٣٢، بیافرید ١٣٩

★ مَا يُبْدِئُ: وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (٤٩:٣٤)
نخست بار نیافریند ١، نکند آغاز ٣٩، پدید نیارد ٥٦، نیافرید ٦٤، آغاز نکند ٨٦، نه کند آغاز ٩٢، نمی آفریند ١٠٣، نیافریند ١٣٨

يُبَدَّلُ: مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ (٢٩:٥٠)
دیگر کرده شود ٣

★ مَا يُبَدَّلُ: مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ (٢٩:٥٠)
نگردانید ١٧

يُبَدِّلْ: وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ (٢١١:٢)
بگرداند ١٠، بَگرداند ٤٢، بگرداند و دیگر کند ٨٠، بگذراند ١٢٨

~: إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ (٢٦:٤٠)
دیگرگون کند ٣، دیگر کند ٨٠، دیگر کند و بگرداند ٩١

يُبْدِلَنَا: عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا (٣٢:٦٨)
گرداند ٣

يُبْدِلَهُ: عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ (٥:٦٦)
بدهد بجای ٣

يُبَدِّلُوا: يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ (١٥:٤٨)
بگردانند ٢، دیگر کنند ٣، بگردانند ٨١، بگردانند و دگر کنند ١٠٩

يُبَدِّلُونَهُ: فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ (١٨١:٢)
بگردانند ٢، بگردانند ١٠، بَگردانید ٤٢، بگرداند ٥٣، بگردانیدند ٨٨، بگردانید ١٠٥، گردانیدند ١٢١

★ لَمْ يُبْدِهَا: فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ (٧٧:١٢)
اشکرا نکرد ١، نه پیدا کرد ٣، آشکارا نکرد ٥، خود را نگه داشت آشکارا نکرد ٧ مکرّر، پدید نکرد ٢٤، پیدا نکرد ٢٩، نکرد پیدا ٣٩، نه پدید گرْدان ٥٣، پَیدا نکرد ٥٥، نه آشکارا کرد ٥٦، آشکارا نگردد ٥٧، آشکار نکرد ١٠٦، در دل گرفت و آشکار نکرد ١١١، بی داد نکرد ١٢٤

يُبْدُونَ: يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ (١٥٤:٣)
پیدا کنند ٣، پدید کنند ٤٠، پَیدا کُنند ٥٥،

آشکارا کردند ٥٦، می کنند آشکارا ٩٠، آشکار کنند ١٢٩

★ لَا يُبْدُونَ: يُخْفُونَ فِيٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ (٣:١٥٤)
اشکرا نکنند ١، آشکارا نکنند ٢، پدید نکنند ١٠، می نکنند پدیدار ٢٤، پیدا نمی کنند ٢٧، پیدا بنکنند ٢٩، پیدا نکنند ٣٤، پدید نمی کنند ٣٩، نکنند پیدا ٤١، نکنُند آشکارا ٤٢، نکنند آشکار ٥٢، نتوانند که پیدا کنند ٥٨، آشکارا نمی کنند ٦٣، آشکارا نکنند ٨٢، آشکار نکنند ٩٤، پیدا نمیکند ١٠١، آشکارا نمیکنند ١٠٢، نکنند آشکارا ١٠٥

لِيُبْدِيَ: لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْءَٰتِهِمَا (٧:٢٠)
بنماید ١، پدید آرد ٢، پیدا کند ٣، پدیدار کند او واپوشد ١٠، گشاده گردانند ١٠ مکرّر، پدید کند ٢٤، گشاده کند ٣٦، گشاده گرداند ٤٢، پدید آورد ٥٨، پیدا کرد ٦٠، آشکار شود ٩٦، آشکارا کند ١١٢، آشکارا گردانید ١٣٠

يُبْدِينَ: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا (٢٤:٣١)
پیدا کنند ٣، پَدیدنند ـ اشکارا کنند ٥٣، کنند پیدا ٧٧، پدید کنند ٩٠

★ لَا يُبْدِينَ: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا (٢٤:٣١)
اشکرا نکنند ١، پیدا نکنند ٢، نه کنند آشکارا ٢٤، پیدا وا نکنند ٢٩، نه گشایند، گشاده ندارند ٣٩، پیدا نکنند ٤١، آشکارا نکنند ـ آشکارا مکنید ٤٧، پیدا نکنندا ٥٦، پدید نکنند ـ پدید نکند ٦١، برهنه نکنند ٦٤، برهنه ندارند ٧٦، مکنید پیدا ٧٧، ننمایند ١٠٣، پیدا نکنند ـ ننمایند ١٠٩، هویدا نسازند ١١٦

يَبَسًا: فَٱضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِى ٱلْبَحْرِ يَبَسًا (٢٠:٧٧)
خشک ١، خشک ٢، راه خشک ٨٦، خوشک ٩٦، خشکه ٩٩

يَبْسُطُ: وَٱللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ (٢:٢٤٥)
فراخ گرداند ٢، ببَستراند ١٠، فراخ دارد ٣٠، بسیار دهد ٤٠، می گشاید ٤١، فراخ گرداند ٤٢، فراخ کند ٥٥، روزی فراخ کند ٧٥، بگستراند ٩٤، بدهد ٩٨، فراخ بگستراند ١٠٠، فراخ میگیرد ١٠٢، فراخ فراگیرد ١٠٩، فراخ میسازد ١١١، فراخ میدارد ١١٨، گشاد میکند ١٢٠، گشاده میدارد ١٢٣، بگشاید ١٢٤

~: ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ (١٣:٢٦)
فراخ کند ١، بگستراند ٢، می گسترد ٥، فراخ می کند ٥٥، فراخ بگستراند ٦٣، بفراخ کند ٧٦، میگستراند ١٠٤، میکستراند ١١١، فراخ میکند ١١٥

~: إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ (١٧:٣٠)
فراخ گرداند ٢، فراخ می کنت ٣٠، فراخ کندایٰ بگسترد ٤٩، فراخ کند ٥٥، فراخ گسترد ٦١، فراخ بگسترند ٨٩، گشاده میکند ١١١، میگشاید ١٢١، فراخ میسازد ١٣٠

~: وَيْكَأَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ (٢٨:٨٢)
بگستراند ـ فراخ کند ٢، فراخ بکند ٢٩، فراخ کننده ٥٣، می بگستراند ٦١، فراخ کرداند ٩٨، فراخ بگستراند ١٠٠، گشاده میگرداند ١٠٣، پهن و فراخ کند بگستراند ١٠٩

~: ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ (٢٩:٦٢)
بگستراند ـ فراخ کند ٢، فراخ می کند ٣، فراخ میکند ٢٩، بگسترد ٤٢، بگستراند و فراخ کند ٤٧، فراخ می گرداند ٩١، فرآخ بگستراند ١٠٠، می گستراند و فراخ میگرداند ١٠٣

~: أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ (٣٠:٣٧)
فراخ کند و بگستراند ٤٦، فراخ کننده و بگستراند ١٣٩

~: قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ (۳۶:۳۴)
بگستراند ۲۲

~: قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ (۳۹:۳۴)
گشاده می سازد ۱۰۳، گشاده گرداند ۱۱۵، پهن کند ۱۳۶

~: يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ (۱۲:۴۲)
می گستراند ۳، می گستراند ۳۲، فراخ کُند ۸۱، فراخ میگرداند ۱۰۴، همی گستراند - فراخ همی کند ۱۰۹، میگستراند و گشاده میگرداند ۱۱۶

يَبْسُطُهُ: اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ (۴۸:۳۰)
واز کشد ۱، گستراند ۳، باز کشد ۱۴، پهن باز کند ۵۳، بازمی کشد ۷۴، پهن کند ۱۲۴

يَبْسُطُوا: إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوٓا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ (۱۱:۵)
دراز کنند ۱، بیازند ۱۰، بگسترانند ۲۷، دست بگشایند ۲۹، فراز کنند ۳۶، دَراز کُنَند ۵۵، بکَشند ۶۰، دست دراز کنند ۶۱، فراخ کنند ۹۹، فراخ بگستر آنند ۱۰۰، برگشایند ۱۰۴، بگسترند و بکشند ۱۲۴

~: وَيَبْسُطُوٓا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ (۲:۶۰)
دراز کنند ۲، بگسترند ۲۹، بگشایند ۴۱، دِراز کُنند ۴۲، بکشند ۹۶، فراخ بگسترانند ۱۰۰، بگسترانید ۱۱۳، بکشانید ۱۲۰، میگسترانند ۱۲۱، بگستراند ۱۳۸

يُبَشِّرُ: وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ (۹:۱۷)
می میزدک برد ۱، مُژده دهد ۲، مَژدَه می دهَد ۵۵

~: وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّٰلِحَٰتِ (۲:۱۸)
میزدک برد ۱، مژده دهد ۳، مژدگانی دهد ۴۴، مژده دهند ۷۶، مژده دهد ۹۶، مژده ده ۱۳۹

~: ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا (۲۳:۴۲)
مژده می دهد ۳، مژده می دهَد ۳۲، مُژده می دَهد ۸۱، مژده میدهد ۹۲، همی مژده دهد ۱۰۸، مژده داد ۱۲۱

يُبَشِّرُكَ: أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ (۳۹:۳)
مُژده دهد ۲، مژده می دهد ۳، مژدگان می دهد ۱۰، مژدگان دهد ۲۴، مژده میدهد ۲۸، مُژده دهَد ۴۲، مژده دهد ۵۲، مژده می داد ۵۶

~: يَٰمَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ (۴۵:۳)
مژده می دهند ۳، مژده همی دهد ۸۳، مژدگانی میدهد ۱۰۲، می مژده دهد ۱۳۸

يُبَشِّرُهُمْ: يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَٰنٍ (۲۱:۹)
میزدک برد ۱، مُژدَه دهد ۲، مژده می دهند ۳، مژدگان مَی دهد ۱۰، مژده دهد ۱۱، مژدگان دهد ۲۴، مژده می دهد ۳۶، مژده همی دهد ۳۸، مژده ده ۴۹، مُژده مِی دَهَد ۵۵، مژده میدهد ۷۴، مژدگانی دهد ۱۰۲، مُژده دهد ۱۱۴، مژدگانی میدهد ۱۲۶

يُبْصِرُ: لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ (۴۲:۱۹)
بِیند ۲، بیند ۲۴

★ لَا يُبْصِرُ: لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ (۴۲:۱۹)
نگیند ۱، نبیند ۴۹، نمی بیند ۱۲۳، نه می بیند ۱۲۶

★ لَمْ يَبْصُرُوا: بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِۦ (۹۶:۲۰)
ندیدید ۱، ندیدند ۲، شما ندانِستید ۴۲، نه دیده بودند ایشان ۵۶، ندیدند ایشان ۶۱، دانا نشدند ۸۶، نه دیدند ۹۲، شما ندانستید ۱۰۵، بینا نبودند ۱۱۱، بینا نشدند ۱۱۳

يُبْصِرُونَ: وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَٰتٍ لَّا يُبْصِرُونَ (۱۷:۲)
بِینَند ۵۵، رآه بینند ۹۴، می بینند ۱۲۸

~: وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا (۱۷۹:۷)
چشم بینند ایشان ۶۱

~: أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَآ (۱۹۵:۷)

می گینند ۱، فابینند ۱۰، بینند ۲۴، می بینند ۳۵، فرابینند ۵۳

~: وَتَرَىٰهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۷: ۱۹۸)
چشم بینند ۶۱

~: أَفَأَنتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ (۴۳: ۱۰)
دیدند ۶۱

~: وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ (۱۱: ۲۰)
کمی دیدند ۱، بدیدند ۳۸، بدیدندی ۴۱، به بینند ۵۸، بدیدندی ۶۲، دیدندی ۱۱۱

~: فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ (۳۶: ۶۶)
همی بینند ۲۲، دیده ور شدندی ۱۰۰، راه بینند ۱۰۹، دیدی ۱۳۸

~: وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۳۷: ۱۷۵)
بگینند ۱، چشم دارند ۶۱، بینند ۸۱، بنگرند ۹۰، بوبینند ۱۱۳

~: فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَييِّكُمُ الْمَفْتُونُ (۶۸: ۵)
بینند ۳، بینند ایشان ۶، ایشان همی بینند ۱۹، ایشان بینند ۳۹

⋆ كَانُوا يُبْصِرُونَ: وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ (۱۱: ۲۰)
فرا دیدند ۵۹

⋆ لَا يُبْصِرُونَ: وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (۲: ۱۷)
نبینند ۲، نبینند ۲۴، نی بینند ۲۹، راه نبینند ۱۰۵، بینا نبودند ۱۰۷، هیچ نه بینند ۱۲۲

~: وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا (۷: ۱۷۹)
نگینند ۱، نه بینند ۱۰، نبینند ۹۴، درنیابند ۱۲۴

~: وَتَرَىٰهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۷: ۱۹۸)
هیچ فا نه بینند ۱۰، می نبینند ۲۴، هیچ نبینند ۵۷، همی نه بینند ۱۲۸

~: وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ (۴۳: ۱۰)
نمی گینند ۱، فانه بینند ۱۰، نمی بینند ۲۴، نبینند ۵۳، بینا نشوند ۵۸، فرانبینند ۵۹، فرانبینند ۶۲

~: تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ (۳۲: ۲۷)
همی نه بینند ۱۴، هیچ نمی نگرند ۶۴

~: فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۳۶: ۹)
همی نبینند ۲۴، ندیدند ۶۴

⋆ مَا كَانُوا يُبْصِرُونَ: وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ (۱۱: ۲۰)
نه می دیدند ۳، بیننده نباشند ۴۲، نتوانستند بینند ۶۷، نباشند بینایان ۱۲۴، آنچه همی نتوانستند دیدند ۱۲۸

يُبَصَّرُونَهُمْ: يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ (۷۰: ۱۱)
بینا کرده شوند ۳، نمایند ۶، با ایشان نمایند ۲۹، آشنا گردانند ۳۰، بینند یکدیگر را ۳۸، می بینند یکدیگر را ۴۱، بخواهند که بینند یکدیگر را ۵۴، نموده می شوند ۵۶، بینند ۶۱، آشنا گردانید ۸۸، آشنا گردانند ـ بشناسند ۱۰۸، نموده شوند ۱۰۹، بینا کرده شده باشند ۱۱۶، بنمایند ۱۲۶، بینا گردانیده شوند ۱۳۰، بینا گردانند ۱۳۸

لَيُبَطِّئَنَّ: وَإِنَّ مِنكُمْ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ (۴: ۷۲)
درنگ کند ۱، گران گرداند ۲، اُو خُود بَگردانیِ رَود ۱۰، وایستد ۲۴، دیر کند و بگرانی رود ۲۷، گران همی گرداند ۲۹، درنگی می کند ۳۰، گرانی می کنید ۳۹، درنگ می کند ۴۱، دَرَنگی میِ کُند ۵۵، بازپس می افکند ۶۲، درنگی کند ۶۳، گرانی کنند و درنگ کاری کنند ۶۷، بیارامد ۷۵، همی گران آید ۸۲، همی از پس افکنند ۸۸، هرآینه بر درنگ می داردتان ۹۱، گران همی کرده‌اند ۹۴، دیرندگی می کند ۹۵، درنگ میکند ۱۰۲، بازمیدارد ۱۰۴

يَبْطِشَ: فَلَمَّآ أَنْ أَرَادَ أَن يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا (۱۹:۲۸)
بگیرد ۱، بگیرَد ۲، گیرد ۳، فراگیرد ۵۳، بزند ۶۲، سخت بگیرد ۷۹، دشمن بود ۱۱۱، بگستراند ۱۱۷

يَبْطِشُونَ: أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَآ (۷:۱۹۵)
می گیرند ۱، بگیرند ۲، ستد و داد کنند ۱۰، فراگیرند ۲۷، فرامی گیرند ۲۹، مي گیرَند ۵۵، ها گیرند ۵۷، میگیرند ۹۹، میگیرند ایشان ۱۰۰، سخت گیرند ۱۰۴، بردارند ۱۰۶، همی گیرند ۱۰۹، فرامیگیرند ۱۲۰

يُبْطِلَ: لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ (۸:۸)
توه کند ۱، ناچیز کند ۳، نیست کند ۴۱، ناراست نماید ۵۲، نیست کُنَد ۵۳، نَاچیز کُند ۵۵، نیست و نابود کند ۵۸، ناچیز گرداند ۶۱، نابود کند ۶٤، ناراست کنند ۹٤، نابود سازد ۱۱۱، کژ کند ۱۱۲، نابود گرداند ۱۲۷، ناراست کند ۱۲۸

سَيُبْطِلُهُ: قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ (۱۰:۸۱)
توه کند ۱، ناچیز کند ۳۸، تباه کند ٤۲، نیست کند ۹٤، ناچیز گرداند ۱۰٤

يَبْعَثَ: قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ (٦:٦٥)
بفرستد ۱، بگمارد ۲۹، برگمارد ۸۸، بیارد ۱۰۳

~: لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ (۱٦:۳۸)
برانگیزاند ۳۰، انگیزَند ۵۳، بَرانگیزَاند ۵۵، انگیزد ۱۰۹

~: وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ (۲۲:۷)
ورانگیزد ۱، برانگیزد ۲، زنده کند ۲٤، برانگیزَدْ ۵۳، برانگیزد زنده کند ۵۸، زنده گرداند ۷۹، برنگیزد ۸۰، برانگیزاند ۱۱٦، برمی انگیزد ۱۳۲

~: حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا (۲۸:۵۹)
بفرستادی ٤۷، بفرستاد ۷٦، بفریستد ۱۲۸

~: قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِن بَعْدِهِ رَسُولًا (٤۰:۳٤)
فرستد ۳، برانگیخت ۱۱٤

* لَا يَبْعَثَ: لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ (۱٦:۳۸)
ورنینگیزد ۱، زنده نکند ۲۹، نینگیزد ٤۲، بَرْ نه اَنگیزد ٦۲، برنینگیزد ٦۳، برنانگیزد ۹٦، برنینگیزاند ۱۰۰، برانگیخته نسازد ۱۱۱، زنده نگرداند ۱۱۳، بر نه انگیزد ۱۲٦

* لَن يَبْعَثَ: قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِن بَعْدِهِ رَسُولًا (٤۰:۳٤)
نفرستاد ۱، نفرستد ۲، نفرستید ۳۹، هرگز نفرستد ٦۱، نفرستآد ۱۰۰، هرگز برنخواهد انگیخت ۱۱۱، برنخواهد انگیخت ۱۱٦، بنفرستد ۱۳۸

~: وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷۲:۷)
نه فرستد ۳۹، هرگز برنه انگیزد از گور ٤۱، بَرنینگیزَد ٤۲، هرگز نه انگیزد و نفرستد ۵٦، هرگز برنه انگیزاند ٦٤، هرگز برنینگیز آند ۱۰۰، هرگز برنه انگیزد ۱۰۹، زنده نگرداند ۱۱۱، برنه انگیزد ۱۱٤، برنینگیزد ۱۳٤، هرگز زنده نکند ۱۳۹

يُبْعَثُ: يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (۱۹:۱۵)
انگیخته شهد ۱، برانگیزدش ۲، برانگیزندش ۲٤، برانگیخته شود ۳٦، اُنگیخته شود ۳۹، برانگیزد ۵۳، برانگیزانندش ٦۱، برانگیزانَند ویرا ٦۲، برانگیزند ۷٦، برنگیخته شود ۸۰، برانگیزانند او را ۸٦، برخیزد ۱۰۵، انگیزند او را ۱۳۸

يَبْعَثَكَ: عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (۱۷:۷۹)
ورانگیزد ۱، برانگیزد ۲، ایستاندت ۳، برساند ٤۲، برانگیزد ۵۳، بایُستَاند ۵۵، فرستد ٦۱، بایستاند ٦۷، انگیزد ۹٦، برانگیزاند ۱۱۳

يَبْعَثُكُمْ: ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى (٦:٦۰)
ورانگیزد ۱، برانگیزد ۲، برانگیزد ۳، بفرستد ۹،

برانگيزاند ٥٧، برانگيزاند و زنده كند ٦٤، بياگاهاند ٩٠، زنده كند ٩٢، بخيزاند ٩٦، برمی انگيزاند ١٦١

لَيَبْعَثَنَّ: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ (١٦٧:٧)
بفرستم ١، بفرسْتد ٢، بفرستد ٢٧، فرستد هرآينه هرآينه ٣٠، برانگيزد ٤١، هرآينه فرسْتد هَرآينه هَرآينه ٥٥، برانگيزاند ٦١، خود بفرستد ٦٢، بفرستد و برگمارد ٦٧، فرستد ١١٤، برنگيزد ١١٦، برساند ١٢٤

يَبْعَثُهُمُ: وَٱلْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (٣٦:٦)
ورانگيزد ١، برانگيزد ٢، برانگيزد ٣، زنده كند ٩، برانگيزاند ٢٩، گرد آورد و برانگيزد ٤١، برانگيزانند ٥٣، فرستاد ٦١، برمی انگيزاند ٩١، زنده می كند ٩٦، زنده ميگرداند ١١٦، برانگيزند ١٣٨

~: يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا (٦:٥٨)
زنده گرداند و برانگيزاند ٧٩، برخيزاند ٩٦، بفرستد ١٢٥، زنده گرداند ١٣٦

★ لَنْ يُبْعَثُوا: زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَن لَّن يُبْعَثُوا۟ (٧:٦٤)
برنه انگيزند ايشان را ٢، هرگز نه برانگيخته شوند ٣، نه برانگيزاند ايشانرا ٣٠، زنده كرده نشوند ٣٩، نه برانگيزند ايشان را ٥٦، هرگز بر نه انگيزدشان ٦١، هرگز ايشان برانگيخته نخواهند شد ٦٤، زنده نكنند ٨١، برانگيخته نشوند ٨٧، برانگيخته نخواهد شد ١٠٣، هرگز برنينگيزانند ايشانرا ١٠٤، برنه انگيزندشان ١٠٨، زنده كرده و برانگيخته نشوند ١١٣، نه برانگيخته شوند ١١٤، هرگز برانگيخته نشوند ١٣٢، برنينگزند ١٣٤، هرگز زنده نمی شوند ١٣٦

يُبْعَثُونَ: قَالَ أَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (١٤:٧)
انگيخته شند ١، برانگيزند ايشانرا ٢، زنده كنند ١٠، برانگيزند ايشان را ١٠ مكرّر، برانگيزند ٤٥، برانگيزانندشان ٥٦، زنده كنی ايشانرا ٧٦، برانگيخته شدن ٧٩، برنگيزند ايشانرا ٨٥، برانگيزانند ايشانرا ١٠٣، برانگيزانند خلايق را ١٠٤، برانگيخته ميشوند ١٢٢، برانگيخته می شوند ١٣٥

~: قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (٣٦:١٥)
ورانگيزند ٢٤، زنده شوند ٢٩، برانگزيند ايشانرا ٤٢، برانگيزانند ايشان را ٦٣، برانگيخته شوند ايشان ٦٤، برانگيخته شوند ١١١

~: وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (٢١:١٦)
برانگيزند ايشانرا ٢، زنده شان كنند ٢٩، برانگيختن شوند ٣٠، برانگيخته شوند ٥٥، برانگيزانند ايشانرا ٥٧، برنگيخته شوند ٨٠، برانگيزدشان ٨٨، مرانگيخته شوند ٩٢، شان را برانگيزند ٩٦

~: وَمِن وَرَآئِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (١٠٠:٢٣)
برانگيزندشان ٢، ايشانرا برانگيزند ٤٧، برانگيزند ايشانرا ٥١، برانگيزدشان ٦١

~: وَلَا تُخْزِنِى يَوْمَ يُبْعَثُونَ (٨٧:٢٦)
برانگيزی ٢٠، برانگيزد ٥٣، برانگيزانند ٨٦، زنده می شوند ١٣٧

~: وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (٦٥:٢٧)
برانگيزندشان ٢، زنده خواهند كرد ٢١، انگيخته شوند ٣٩، برانگيخته خواهند شد ٦٤، زنده كرده شويد ٧٤، برنگيخته خواهند شد ١١٦، برانگيخته ميشويد ١٢٢

~: لَلَبِثَ فِى بَطْنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (١٤٤:٣٧)
برانگيختند يشان ٤١، برآنگيخته شوند ٥٦، برانگيزاند ايشانرا ١٠٦

~: قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (٧٩:٣٨)

برانگیخته شوند ٣، برانگیزنند شان ٣٨، برانگیزَنْد ایشان را ٥٣

يَبْغُونَ: أَفَغَيْرَ دِينِ ٱللَّهِ يَبْغُونَ (٣:٨٣)
مَی جَویَند ١٠، می جویند ٤٠، مِی جویُیتْ ٥٥، میجویند ٦١، می جویید ٧٤، می جوییت ٨٠، همی جویید ٨٢، می جوئید ١٣٨

~: أَفَحُكْمَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ يَبْغُونَ (٥:٥٠)
همی جُویند ٢، همی جویند ١٠ مکرّر، جویند ٢٤، بُجویَند ٤٥، همی جُویَنْد ٥٣، میجویند و می خواهند ٥٨

~: إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (١٠:٢٣)
گد شتاری کنند ١، ستم کردن سازند ٢، ستم می کنند ٣، بی داد گری و ستم کردن و گردن کشیدن اندر گیرند ١٠، جستند ٢٤، ستم کنند ٢٧، سِتَم مِی کُنند ٥٥، افزونی می جستن ٥٧، میجویند ایشان ٦١، بیرُون شوند از فرمان ٦٢، گردن آوری کنند ٦٧، بی راه می شوند ٨٨، ستم کردن جویند ١٠٩، ستم میکند ١١٣

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (١٨:١٠٨)
جُویَند ٥٥، پویند ٧٢

~: وَيَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (٤٢:٤٢)
می گد شتاری کنند ١، افزونی جویند ٢، بی دادی می کنند ٣، افزون جویند ١٦، تباهی کنند ٢٤، بیداد می کنند ٣٢، افزونی جویند ٣٨، بیداد می کنند ٨٠، ستم می کُنند ٨١، آرزو می جویند ١٠٩، ستم میکنند ١١٣، بیداد میکنند ١٢١، فزونی جویند ١٣٠

★ لَا يَبْغُونَ: خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (١٨:١٠٨)
نجُویند ٢، نجویند ٢٤، نخواهند ٥٨، نه جویند ١٢٤

يَبْغُونَكُمْ: وَلَأَوْضَعُوا۟ خِلَٰلَكُمْ يَبْغُونَكُمُ ٱلْفِتْنَةَ (٩:٤٧)
بجویند ٣، جُستَندی ١٠، بجستندی ١١، جستندی ٢٤، بجُستندی ٢٧، می خواستندی ٢٩، می جویند ٣٤، همَی جُستَنْدی ٥٣، جُویَند ٥٥، میجویند ٦١، میجستند ١١١، میجستندی ١١٢، جویند ١١٤

يَبْغُونَهَا: ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا (٧:٤٥)
مَی جُستَند ١٠، همی بجستند ١٠ مکرّر، بجستند ٢٤، هَمی جُویند ٤٥، همی جویَدْ ٥٣، همی جستند ٩٤، میجویند ٩٩، جستند ١٠٠، میجستند ١٠٤

~: ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا (١١:١٩)
بجوُیند ٢، می جویند ٣، جویند ٢٤، همی جویند ٣٨، جویَند ٧٦، همیجویند ٩٣، میخواهند ١٢٢

~: وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا (١٤:٣)
بجُویند ٢، می جویند ٢٩، تباهی جویند ٤١، بجویند ٥٣، مِی جُویند مَرؤرا ٥٥، پی جویی میکنند ١٢٧

يَبْغِى: وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْخُلَطَآءِ لَيَبْغِى بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ (٣٨:٢٤)
گد شتاری کند ١، ستم کنند ٣٠، بی دادی کنید ٣٣، بی دادی می کنند ٣٩، گردن کشی کنند ٥٦، جُویند ٨١، فزونی میجویند ٩٢، ستم کند ١١٤، افزونی جویند ١٢٤، ستم میکنند ١٣٢

يَبْغِيَانِ: بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (٥٥:٢٠)
یکدیگر آمیختن ٩٠

لَا يَبْغِيَانِ: بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (٥٥:٢٠)
درنیامیزند ١، بهم درنیامیزند ٣، درهم نیامیزند ٢٩، بهم اندر نشوند ٣٠، گردن کشی نکنند ٤٣، بهم درنشوند ٤٩، بهم نیامیزند ٥٢، نیامیزند ٦٧، نجویند ٨١، نه آمیزند ٨٨، افزونی نمیجویند بر یکدیگر ١١٦، افزونی نمیجویند ١٢٠، با یکدیگر نمی آمیزند ١٢٢، آمیخته نمی شوند ١٣٨

يَبْقَىٰ: وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ (٥٥:٢٧)
بماند ١، پایدار ماند ٣، پای دار ماند ٩١، پاینده ماند ٩٩، پاینده است ١٣٢

وَلْیَبْکُوا: فَلْیَضْحَکُوا قَلِیلًا وَلْیَبْکُوا کَثِیرًا (۹: ۸۲)
گو بگریید ۱، بگریندا ۳، بگرئید ۳۹، گو بگرییت ۴۱، بگریند ۵۳، بگریندا ۵۵، گو بگریند ۵۸، بگریید ۶۲، گریند ۸۹، هرآینه بگریند ۹۳، باید که بگریند ۱۰۰، باید گریند ۱۰۶، گریه کنندا ۱۱۴، می گریند ۱۱۹، باید بگریند ۱۲۰، بگریند ۱۲۱، گریه کنید ۱۳۶

یَبْکُونَ: وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً یَبْکُونَ (۱۲: ۱۶)
می گریستند ۱، گریان در آمد ۷ مکرّر، گریان ۲۴، همی گریستند ۵۳، گریستند ۵۵، می گرستند ۸۰، میگریستند ۹۳، گریه کردند ۹۶، گریه میکردید ۱۱۱، میگرئیدند ۱۱۴، گریه میکردند ۱۲۲

~: وَیَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ یَبْکُونَ وَیَزِیدُهُمْ خُشُوعًا (۱۷: ۱۰۹)
گریند ۱، می گریند ۲۹، همی گریند ۳۸، می گِریَند ۵۵، می گریند ۵۷، همی گریند ۶۱، بگریند ۶۷، میگریند ۱۰۲

یُبْلِسُ: وَیَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ یُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ (۳۰: ۱۲)
نومید شند ۱، نومید شوند ۳، نومید شود ۱۴، نومید گردند ۲۴، نومید شوند ۵۳، پشیمانی خورند ۶۲، نومید باشند ۶۴، خوار و نومید شوند ۷۶، خاموش شوند ۱۰۳، ناامید میشوند ۱۲۰، نومید شدند ۱۲۱، پوشیده شوند ۱۲۹، نومید میشوند ۱۳۲

یَبْلُغَ: وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ یَبْلُغَ الْهَدْیُ مَحِلَّهُ (۲: ۱۹۶)
بَرسَد ۲، بَرسد ۱۰

~: حَتَّىٰ یَبْلُغَ الْکِتَابُ أَجَلَهُ (۲: ۲۳۵)
بسر آید ۱۰، برسَد ۴۲، بگذرد ۵۲

~: وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْیَتِیمِ حَتَّىٰ یَبْلُغَ أَشُدَّهُ (۶: ۱۵۲)
رسد ۱، فرارسد ۶۵

~: إِلَّا کَبَاسِطِ کَفَّیْهِ إِلَى الْمَاءِ لِیَبْلُغَ فَاهُ (۱۳: ۱۴)
برسد ۲، برساند ۲۹

~: إِلَّا بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ یَبْلُغَ أَشُدَّهُ (۱۷: ۳۴)
بَرسَدْ ۲

~: وَالْهَدْیَ مَعْکُوفًا أَنْ یَبْلُغَ مَحِلَّهُ (۴۸: ۲۵)
برسیدی ۶، برسندی ۱۰۸

یَبْلُغَا: فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ یَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا (۱۸: ۸۲)
رسند ۱، برسند ۳۶، برسَند ۴۲، برسند هر دو ۵۶، برساند ۵۸

یَبْلُغَنَّ: إِمَّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْکِبَرَ أَحَدُهُمَا (۱۷: ۲۳)
بررسَنْد ۲، برسد هر دو ۲۴، برسد ۲۹، رسد هرآینه هرآینه ۳۰، برسند ۳۸، بَرسَنْد ۵۳، رَسَنْد هَرآیَنه هَرآیَنه ۵۵، برسند ایشان ۵۸، رسد ۱۰۳

لَمْ یَبْلُغُوا: وَالَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ (۲۴: ۵۸)
نرسیدند ۱، نرسیده باشند ۲، نه رسیده باشند ۲۴، نرسیدَند ۴۲، نَرسِیدَه باشَند ۵۱، نرسیده بَاشَدْ ۵۳، نرسیده باشند ۵۴، نه رسیدند ۵۶، نه رسیده اند ۹۴، نرسیده اند ۱۰۳

یُبَلِّغُونَ: الَّذِینَ یُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَیَخْشَوْنَهُ (۳۳: ۳۹)
می رسانند ۱، برسانند ۳۰، برسانیدندی ۴۷، می رسانیدند ۵۶، برسانیدند ۶۴، میرسانند ۸۶، رسانند ۱۲۴، میرسانیدند ۱۳۲

لِیَبْلُوَا: وَلَکِنْ لِیَبْلُوَا بَعْضَکُمْ بِبَعْضٍ (۴۷: ۴)
بیازماید ۱، آزموده کند ۱۷، آزمون کند ۲۲، ازمایش کُنَدْ ۵۳، آزمایش کند ۱۱۳، آزماید ۱۲۷

لِیَبْلُوَکُمْ: لَجَعَلَکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَکِنْ لِیَبْلُوَکُمْ (۵: ۴۸)
بیازماید ۱، آزموده کرده اند ۲۹، آزموده همی کند ۴۵، بیازمایَد ۵۳، می آزماید ۶۰، آزموده گرداند ۶۱، آزموده گرداند ۹۴، بیازماید ۱۰۰، آزمایش نماید ۱۰۴، گرداند ۱۱۱

~: وَرَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِیَبْلُوَکُمْ (۶: ۱۶۵)
آزموده گرداند ۲، آزمون کند ۲۴، بیازمَایَدْ ۵۳، آزمُوده گرداند ۸۸

~: وَكَانَ عَرْشُهُۥ عَلَى ٱلْمَآءِ لِيَبْلُوَكُمْ (۱۱:۷)
آزموده کند ۵۸، آزماید ۶۱

~: ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْمَوْتَ وَٱلْحَيَوٰةَ لِيَبْلُوَكُمْ (۶۷:۲)
ازمایش کند ۱۱۳

يَبْلُوكُمْ: إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ ٱللَّهُ بِهِۦ (۱۶:۹۲)
مـی آزمـایـد ۱، آزمـایـد ۲٤، هـمـی آزمـایـد ۳۹، آزموده گرداند ۵۲، بیازماید ۵۶، آزموده می کند ۵۸، آزمو می آرد ۵۹، آزموده گرداند ۶۱، آزموده کـنـد ۷٤، هـمـی آزمـوده گـردانـنـد ۹٤، آزمـوده میگرداند ۱۰۳، میازماید ۱۰۶، آزمایش کند ۱۲۶

لَيَبْلُوَنَّكُمْ: يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَيَبْلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَىْءٍ (۵:۹٤)
می آزماید ۱، هر آینه بیازماید شما را هر آینه هر آینه ۳، همـی آزمایـد ۹، آزمایـش کنـد ۱۰، آزموده گرداند ۱۰ مکرّر، آزموده گر[د]اند ۲۶، بیازماید ۲۹، می بیازماید ۳۰، آزمودّه گرداند ٤۲، آزمـوده کـنـنـد ۵۳، آزمـوده کـنـد ۵۸، آزمـوده خـواهـد کـرد ٦٤، هـمـی آزمـوده ۸۲، هـمـی آزموده تان کند ۹٤، آزمایش نماید ۱۰٤، هر آینه می آزماید ۱۲۱

لِيَبْلُوَنِى: قَالَ هَٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّى لِيَبْلُوَنِىٓ (۲۷:٤۰)
بـیـازمـایـد ۱، مـی آزمـایـد ۲٤، آزمـون کـنـد ٤۷، آزموده گردانید ۹۲، آزمایش کند ۱۱۳، آزماید ۱۱٤

يَبْلَى: هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ (۲۰:۱۲۰)
فرسوده شود ۳، کهنه شود ۳۸، گردد ٤۳، بَرَسَدْ ۵۳، سپری شود ۸۷، نیست شود ۱۲۹

★ لَا يَبْلَى: هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ (۲۰:۱۲۰)
کهن نشهد ۱، نیسْت نشود ۲، نیست نشود ۲٤، کهنه نشود ۲۹، نیست نگردد ۳۰، بریده نشود ۳۶، نپوسد ۵۲، کهن نشود ۵۶، نشود و نگذرد ۵۸، بنرسد ۶۲، نگذرد ۷٤، کُهنه نشود ۸۹، کهن نگردد ۹۰، نه فرسوده شود ۹۱، کهنه نگردد ۹٤، کهنه نشوند ۱۱۳، فرسوده نشود ۱۱٤، سپری نشود ۱۲۶، کهنه نمیشود ۱۳۳

لِيُبْلِىَ: وَلِيُبْلِىَ ٱلْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَآءً حَسَنًا (۸:۱۷)
نیکوا کاری بَکُنَد ۱۰، بیازماید ۲۷، آزمون کند ۳۵، آزمـوده کـنـد ۵۸، آزمـوده گـردانـد ۶۱، آزمایش کند ۷۹، آزمایش نماید ۱۰۰، آزموده گردانند ۱۲۸

يَبُورُ: وَمَكْرُ أُو۟لَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ (۳۵:۱۰)
نیست شود ۳، نیست می شود ٤۱، کاسته شود و از پیش نرود ۱۱۱، تباه است ۱۲۲، تباه ۱۳۲

يَبِيتُونَ: وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا (۲۵:٦٤)
همه شب بایستند ۱، شب می گذارند ۳، شب گذارند ۲۰، بشب بینند ۲٤، همه شب باشند ۲۹، شب بیدار می باشند ٤۱، شب با روز آرند ٤۲، هم شب همی باشند ٤٦، شب گزارند ٤۷، شب را با روز آرنـد ۵۲، انـدر شب بـایـسـتـنـد ۵۳، بـشـب گذارند ۶۱، شب همی گذارند ۶۲، شب گذارند ۶۹، بشب باشند ۷۸، شب می گدارند ۸۰، شب میگذراند ۸۶، شب بروز می آرند ۱۰۳، شب بار فرازند ۱۰۵، شب میگزارند ۱۱۳، شب میگذرانند ۱۱۶، شب بسر میبرند ۱۲۲، شب را بروز می آرند ۱۲۳، شب بیدار میدارند ۱۲۶، همه شب... باشند ۱۳۸

يُبَيِّتُونَ: وَٱللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ (٤:۸۱)
می شوهنگ کنند ۱، همی سگالند بشبْ ۲، بشب می سگالند ۳، ایشان می بگردانند ۱۰، اندر سر مـی دارنـد ۲۹، مـی سـگـالـنـد بـشـب ۳۰، بـشـب مـی سـازنـد ۳۹، مـی گـویـنـد و مـی کـنـنـد و می اندیشند ٤۱، همی بگردانند ٤۵، بسگالید ۵۲، می سِگالـند ۵۳، میِ سگالَنْد ۵۵، بشب بر آن می باشند ۵۶، شب سازند ۵۷، گردانند ۶۰، بشب

اندران گذارند ٦٩، شب می سگالند ٧٤، بشب می گویند ٧٥، می سگالند ایشان ٧٦، همی سگالند ٨٢، همی سگالند بشب ٨٣، شب می گذارند ٩٠، همی شکالند بشب ٩٤، بشب می سازند ١٠٠، بشب همی سازند ١٠٤، بشب بسگالید ١٠٥، شب گذاشته است ١٢٤، بگردانند ١٢٦

~: إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ ٱلْقَوْلِ (٤:١٠٨)
بد می سگالید ند ٣، می سگالید ند ١٠، می اندیشند ٢٤، بشب سگالش کنند ٢٧، سازند ٢٩، در شب می گفتند ٣٦، می سگالند ٣٨، بشب می گذارند ٤١، بشب سگالند ٤٢، همی گویند ٤٥، بشب سگالند ٥٢، می سگالند ٥٣، می سگالیدند ٥٥، می سازند ٥٦، بشب می ساختند ٦٣، شب می گذرانند ٦٤، شب بسگالند ٨٣، سگالند ٨٤، همی سازند ٩٤، راز گویند با هم ٩٦، بشب بسگالند ٩٨، راز میگویند ١١٥، شب بروز میکنند ١٢٢، بپسازند ١٢٨

يُبِينُ: أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (٤٣:٥٢)
دیدور کند ١، سخن گوید ٣، هویدا شود ٢٢، سخن گوید ٣٢، هویدا شود ٣٨، روشن کند ٣٩، پیدا کند ٦١، سخن خود را آشکارا کند ١٠٢، روشن گرداند ١٠٣، پیدا شود ١٣٦، پیدا کند سخن ١٣٩

★ لَا يَكَادُ يُبِينُ: أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (٤٣:٥٢)
همی نتواند سخن پدید کردن ٣٠، همی نتواند پدید کردن ١٠٨

يُبَيِّنُ: قَالُوا۟ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِىَ (٢:٦٨)
پدید کند ٢، پدیدار کند ١٠، بدید کند ٨٢

~: قَالُوا۟ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَا (٢:٦٩)
پیدا کند ٥٥

~: قَالُوا۟ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِىَ (٢:٧٠)
وانماید ١٣٦

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ (٢:١٨٧)
پیدا می کند ٣، پیدا کند ٤٢

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ (٢:٢١٩)
می دیدور کند ١، پیدا کند ٢، پدیدار کند ١٠، روشن گرداند ٨٤، روشن میگرداند ١٠٤

~: وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٢:٢٢١)
پیدا همی کند ٢، پدید می کند ١٠، پدید کردست ٢٤، پیدا همی کند ٥٣

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ (٢:٢٤٢)
همی پدید کند ٨٢، هویدا گرداند ٨٤، روشن گرداند ١٠٤، روشن میسازد ١٣٠

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ (٢:٢٦٦)
پیدا کند ٢، روشن می گرداند ٢٥، پیدا و روشن کند ١٠١

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (٣:١٠٣)
پدید کند ٢، پدید می کند ١٠، پیدا کند ٢٣، آشکارا کند ٩٦، روشن میکند ١٠٠، یاد کند ١٢٥

~: يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ (٤:٢٦)
پدید کند ٢، همی پدید کند ١٠ مکرر

~: يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا۟ (٤:١٧٦)
پدیدار می کند ١٠، روشن می کند ٧٠، پدید همی کند ٩٤، آشکار می کند ٩٦

~: قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ (٥:١٥)
می پدید کند ٢٧، پدید کند. روشن کند ٤٥، همی پدیدار کند ٥٣

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٥:٨٩)

همی پدید کند ۲، پیدا میکند ۹۲

~: حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ (۹: ۱۱۵)
دیدور کند ۱، پدید شود ۶۲، روشن شود ۹۳، پدید آید ۱۲۸

~: وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ (۱۴: ٤)
پیدا کند ۲، روشن بگرداند ۱۱۶

~: لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ (۱۶: ۳۹)
پدید کنند ۲

~: وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲٤: ۱۸)
پدید همی کند ۲، پدیدار همی کند ۲٤، پیدا کرد ۵٦، پدید میکند ۵۸، هویدا کند ۹٤، هویدا میگرداند ۱۰٤

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ (۲٤: ۵۸)
همی پیدا کند ۲، پیدا همی گرداند ۵٤، می پدید کند ۷۷، آشکار کند ۹٦، پیدا کُند ۱۱۹

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ (۲٤: ۵۹)
روشن کند ۳۹

يُبَيِّنَنَّ: وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱٦: ۹۲)
دیدور کند ۱، پدید کند ۲، پیدا کند ۵٦، آگاهاند ٦۱، پیدا و روشن کند ۹۳، روشن کند ۱۰۰

يُبَيِّنُهَا: وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲: ۲۳۰)
می دیدور کنیم ۱، پدیدار می کند ۱۰، پدید کند ۲٤، پدیداری کند ۳۰، پدیدار می کند ۳۹، پیدا کُند ٤۲، پیدا می کند ۵٦، پیدا کند ۵۷، پدید می کند ٦۳، پیدا همی کند ۸۸، هویدا گرداند ۱۰٤، روشن میکند ۱۲۷، پیدا کرد ۱۳۸

الْيَتَامَى: وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... وَالْيَتَامَىٰ (۲: ۸۳)
بي پَدَران ۵۵، یتیمان ۵۷

~: وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ... وَالْيَتَامَىٰ (۲: ۱۷۷)
بی پدر آن ۹٤

~: قُلْ مَا أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ... وَالْيَتَامَىٰ (۲: ۲۱۵)
فرزندان نارسیده ۷٤، کودکان بی پدر ۸٤، کودکان بی پدر ۱۰٤

~: وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ (۲: ۲۲۰)
بی پدران نابالغ ۱۰٤

~: وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ (٤: ۳)
مرده پدران ۳۹، دختران بی پدر ۹۰

~: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا (٤: ۱۰)
مردم بی‌پدران ۹۹

~: وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى (٤: ۱۲۷)
بی پَدَران ۵۵، بیوه زنان ۸۹

~: فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ... وَالْيَتَامَىٰ (۸: ٤۱)
بی پدران ۲

~: فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ (۵۹: ۷)
بی پدران ۲

يَتَأَخَّرَ: لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۷٤: ۳۷)
پس شهد ۱، سپس شود ۳، واایستد ٦، بازپس ماند ۱۹، بازپس شود ۲٤، بازپس ایستد ۲۹، بازپس دارد ۳۸، واپس ایستد ۷۹، باپس شود ۹٦، بازپس رود ۱۰۰، سپس بازآید ۱۰۸، واپس استند ۱۱۳، پس شود ۱۱٤، بازایستد ۱۱٦، بازپس استد ۱۱۷، بازپس آید ۱۲٦، فراپس رود ۱۳٦، از پس استد ۱۳۸

★ لَمْ يَتُبْ: وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٤۹: ۱۱)
بازنگردد ۳۹، بازنگردد و پشیمان نگردد ٦٤، بازنیاید ۱۳٤، نگردد ۱۳۹

يَتَبَدَّلِ: وَمَن يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ (۲: ۱۰۸)
برخ گیرد ٤، بگرداند ٤۱، بگزینند ۸۳، بجای گیرد ۱۰۹

لِيُتَبِّرُوا: وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا (٧:١٧)
ويران كردند ٢٤، ويران كند ٥٨، ويران كنند ١٢٦

يَتَّبِعُ: إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ (٢:١٤٣)
بَر پى رَوَدْ ٢، فرمان برد ١٠، پس رود ٣٠، فرمان بردار بود ٤٠، پيروى مى كند ٤١، بدَم رَوَد ٤٢، بدم رود ٥٢، بادُم رَود ٥٣، پس روى كرد ٥٩، بدُم رود ٨٤، پى گيرد ٩٦، پى روى كند ١٠١، پى روى نمايند ١٠٤

~: وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ (٤:١١٥)
بَرْ پى رود ٢، برگزيند ١٠، بگزيند ٢٧، پيروى كرد ١٠٠

~: وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ (١٠:٦٦)
پَسْ رَوى مي كُنَند ٥٥، پس روى ميكنند ٥٩، همى بدم روند ١٢٨

~: وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ (٢٢:٣)
بدُم همى رود ٢، پى گير بود ٥٢، پس روى مى كند ٥٨، بدم همى رود ٦١، پى روى مينمايد ٨٦، پيروى ميكند ١٠٠، پس روى ميكند ١٣٤

~: وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (٢٤:٢١)
پس روى كند ١، بر پى رود ٨٠، پيروى كند ١١١، پى رود ١٣٢

★ مَا يَتَّبِعُ: وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا (١٠:٣٦)
پس روى نمى كنند ١، سپس نَروند ٢، از پس نروند ٤٢، پس روى نكند ٥٩، پى روى نمى كنند ٧٦، پس روى مكنيت ٩١، پيروى نميكنند ١٠٠، پى روى نكند ١٠٣، در پى نميرود ١١٢، پى روى نميكند ١١٨

~: وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ (١٠:٦٦)
بدم نرود ٤٢، پس روى نكنند ٥٨، بر پى نروند ٩٦، پى روى نكنند ١١٨

يَتَّبِعُ: أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ (١٠:٣٥)
پس روى كرده شهد ١، پس روى كرده شود ٣، وى را پَرستند اُوَى را فُرمان برند ١٠، بدم وى روند ١٣، پس روى كنند او را ٢٩، بر پى او روند ٣٩، پَسْ رَوي كرده شَودَ ٥٥، پس اورَوند ٥٦، بدم رفته شود ٦١، پس روى كند ٧٦، پس روى كنند ٩٨، پيروى كرده شود ١١١، پى روى كرده شود ١١٢، پيروى كرده ميشود ١٢٢

يَتْبَعُهَا: وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى (٢:٢٦٣)
پس رو كند ١، از پَىْ آيد ٢، بر پى رود ٣، از پس اندر آيد ١٠، پس شود ٢٤، از پس آيد ٢٥، از پس رود ٢٧، از پس آرد ٢٩، پس رود ٣٦، بدم آيد ٤٢، بدم آيد ٥٢، دنبال دارد ٥٦، پيروى كند ٦١، از پس آن رنجه دارد ٦٢، در پى بود ٦٣، در پى برد ٧٦، بر پى آيد ٨٢، در پى باشد ١٠١، از پى درآيد ١٠٢، بدُم آيد ١٠٥، در پس باشد ١٢١، در پى داشته باشد ١٢٢، در پى آرد ١٢٣، از پى باشد ١٣٥، در پى آن بود ١٣٨

يَتَّبِعُهُمُ: وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (٢٦:٢٢٤)
مى پس روى كنند ١، پس روى مى كنند ٢٠، پس روى كنند ٤٦، پيروى كنند ٤٧، بدم روند ٦١، پيروى ميكنند ١٣٠

★ لَا يَتَّبِعُوكُمْ: وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ (٧:١٩٣)
پس روى نكنند ١، فرمان نَكُنَند و پاسخت ندَهند ١٠، فرمان نكنند ٢٧، بدم درنيابند ٥٢، بَدُمْ نَرَوَنْد ٩٤، پى روى نكنند ٩٦، پيروى نكنند ١٠٠، نه پيروى كنند ١٢٤

يَتَّبِعُونَ: فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ (٣:٧)
مى پس روى كنند ١، بَدُم مى روند ٣، گرد آن

گردند ١٠، پس روی کنند ٢٧، بدم میروند ٢٨، بدم می روند ٣٠، گِرْد گرْدَنْد ٤٠، پس روی می کنند ٤١، دم گیرند ٥٢، بَدُم مي رَوَند ٥٥، بر پی می روند ٨٢، پس برند ٨٣، دم روند ٨٤، بَدُمْ روند ٩٤، بدُم می روند ٩٧، پی روی میکنند ١٠٢، دُم گیرند ١٠٥، پیروی می کنند ١١٦

~:وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلشَّهَوَٰتِ (٤: ٢٧)
بر پَی روند ٢، پس روی میکنند ٣٦، پی دارند ٣٨، پیروی میکنند ٦١، بَدُمْ همی روند ٩٤، در پی روند ١١٢، پی می روند ١٢٥

~:إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (٦: ١١٦)
بدم همی روند ١٠ مکرّر، می پَس رَوِی کُنند ٥٥، پیروی کنند ٦١

~:ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلْأُمِّيَّ (٧: ١٥٧)
پس رَوِی می کنید ٤١

~:يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُۥ (٢٠: ١٠٨)
بدُم روند ٢، پی گیر شوند ٤٢، پی گیرند ٩٦

~:فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ (٢٨: ٥٠)
پسروی می کنند ٤٧، پی روی مینمایند ٨٦

~:ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ (٣٩: ١٨)
بدم روند ٣٠، پی روی می کنند ٤١، پس روی کُنند ٨١، پی روی کنند ٩٦، پی روی می نمایند ١٠٣

~:إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهْوَى ٱلْأَنفُسُ (٥٣: ٢٣)
بر پی روند ٢، پَیْ گیری کنند ٥٣، پیروی میکنید ١٣٦

~:إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ (٥٣: ٢٨)
پی گیری می کنند ٥١

★ اِنْ يَتّبِعُونَ:إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ (٦: ١١٦)
پس روی نمی کنند ١، بَر پَی همي نروند ٢، پس نمی روند ٤٤، نمی کنند پس روی ٥٨، پس روی نمیکنند ٨٩، بدم نمی روند ٩٤، پی نمی گیرند ٩٦، پی روی نمیکنند ١٠٣، پیروی نکنند ١١٤

~:إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ (١٠: ٦٦)
بدم همی نروند ٤٢، پیروی نمی کنند ٥١، نمی پَس رَوِی کُنَند ، فرمان بُردار هَیچ کس نه اَند ٥٥

~:إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهْوَى ٱلْأَنفُسُ (٥٣: ٢٣)
نمی کنند پی روی ٤١، پس روی نکنند ٦١ بس روی نکنند ٨١، پس روی نمیکنند ١٣٩

~:إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ (٥٣: ٢٨)
پی روی نمی کنند ٢٩، نیند پی گیر ٤٢، سپس روی نکنند ٨٢، پیروی نمیکنند ١٠٠، در پی نمی روند ١٠٣

يُتْبِعُونَ:ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَآ أَنفَقُوا۟ مَنًّا (٢: ٢٦٢)
در پی فرستد ٣، برنهند ٤٠، پیروی کنند ٦١، در پی میدارند ٦٣، بر پی می فرستند ٨٠، بر پی بفرستند ٨٢، پس روی کنند ٩٠

★ لَا يُتْبِعُونَ:ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَآ أَنفَقُوا۟ مَنًّا (٢: ٢٦٢)
اندر نیارند از پس ١٠، وانبردند ٢٤، اندر رنج نیارند ٢٧، بدُم نفرستند ٢٩، نکنند پی روی ٤١، بدَم نفرستند ٤٢، در پی نیندازند ٤٣، بدم نفرستند ٥٢، دنباله ندارند ٥٦، در پس ندارند ٥٧، اندر نیارند از پی ٦٢، بر نه نهند ٦٣، پس روی نکنند ٧٥، در پی نفرستند ٧٦، در پی نمی دارند ٨٥، در پی نمیدارند ١٠٠، در پی نیارند ١٠١، از پی در نمی آرند ١٠٤، در پی ندارند ١١٢، بر پی نفرستند ١١٤، درنمی آیند از پس ١٢١، از پی درنمی آورند ١٢٢، بدم نفریستند ١٢٨، نمی آورند از پی ١٣٠، از پی نمیکنند ١٣٥، پس رُوی نکنند ١٣٦

يَتَبَوَّأُ:وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِى ٱلْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا (١٢: ٥٦)

جای همی گرفت ٢، جای می گرفت ٣، فروآمدی ٢٤، جای ساخت ٢٩، فرود آید ٣٦، جای سازد ٤٢، جایگاه گیرد ٥٣، جای گرفت ٥٥، جای گیرد ٥٦، برود ٥٨، فرو آید ٦٢، جای سازد ٧٩، جای میگرفت ٩٣، جای همی گرفت ٩٤، جای همیگرفت ٩٦، جای گرفت ١٠٠، جای میرفت ١٠٥، جای می گیرد ١٠٩، جای میگیرد ١١٢

يَتبيّن: كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ (٢:١٨٧)
پیدا شود ٢، پدید آید ١٠، پدید گردد ٢٤، پیدا شود ٤٢، پیدا شود ٥٥، پدید شود ٥٦، پیدا کند ٧٥، پیدا شود ٧٦، روشن و پیدا شود ١٠١، گردد ١٢٤، پیدا گردد ١٢٨، روشن گردد ١٢٩

~: لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا (٩:٤٣)
دیدور شدی ١، پیدا شود ٣، پدیدار آمدی ١٠، پدید آمدی ١١، پیدا شود ٥٥، پیدا شدند ٦١، روشن شدی ٦٣، پیدا شدیتی ٦٦، پیدا آمدی ١٠٠، روشن میشد ١١١، روشن می شد ١٢٠

~: حَتّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ (٤١:٥٣)
دیدور شهد ١، پیدا شود ٣٢، روشن شود ٣٩، پیدا آید ٦٤، هویدا شود ٨١، پدید کند ٩٠

يَتجرّعه: يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ (١٤:١٧)
می نگسد ١، همی فروکشد ٢، پاره پاره خورد ٣، پاره پاره فرو می برد ٥، پاره پاره می خورد ٣٠، فرو برد ٣٩، فروداشامند ٤٩، فرومی کشند ٥٢، همی آشامد ٥٣، پاره پاره می خورد ٥٥، پاره پاره بازخورد ٥٧، می نوشد ٥٨، بستم فرو می برد ٥٩، همی فروکشد ٦٢، می خورد ٦٩، فرومی برد اندک ٧٦، فروکشد ٧٨، پاره پاره می خورد ٨٠، فرود می برد ٩٢، فرو کشند ٩٤، همی فرکشند ٩٦، فروکشد بگلو ١٠٩، بیاشامد ١١٢، آشامد ١١٣، خورد ١١٤

يَتجنّبها: وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (٨٧:١١)
کرانه کند ٢، دور شود ٢٤، پرخیزد ٢٩، بپرهیزد ٣٨، پرهیز کند ٤٢، دور باشد ٦٤، بیک سو شود ٨٠، کناره کند ٨٨، بیکسو رود ١٠٢، پرهیزد ١٠٤، دورشو ١٠٦، دور کرده شود ١١١، دوری کند ١١٤، پهلو نهی کند ١١٦، پهلو تهی کند ١٢٠، بیکسو شود ١٢١، دوری گزیند ١٢٢

يَتحاجّون: وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا (٤٠:٤٧)
می پیکار کنند ١، پیکار کنند ٢، گویند با یکدیگر ٣

يَتحاكموا: يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ (٤:٦٠)
داوری برند ١، بداور شوند ٣، بداوری شند ١٠، بداوری شوند ٢٧، داوری کنند ٣٩، بداور روند ٤٢، بداور روند ٥٢، بداور شوند ٥٥، داوری کنید ٧٤، بداور شود ٩١، بداوری روند ١٢١

يَتخافتون: يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (٢٠:١٠٣)
سخن پنهام گهند ١، پنهان همی گویند ٢، آهسته گویند با یکدیگر ٣، راز می گویند ٢٤، آهسته گویند ٣٦، همی پنهان سخن گویند ٣٨، پنهان گویند ٣٩، با یکدیگر سخن نرم گویند ٤٢، سخن نرم گویند ٥٢، یک با دیگر تنها همی گویند ٥٣، نهان همی گویند ٥٦، نزدیک با یکدیگر می گویند ٥٨، پنهان همی کنند ٦١، پنهان می گویند ٦٤، با یکدیگر سخن گویند ٧٩، نهان می گویند ٩٠، با یکدیگر گویند ٩٢، میگویند پنهان ٩٤، نرم نرم سخن گویند ٩٥، پوشیده گویند ٩٦، می پرسند ١٠٠، پنهان میگویند ١٠٢، راز میگویند ١٠٣، پنهان همی گویند ١٠٨، راز می گویند با یکدیگر ١٠٩، پنهان و آهسته میگویند با یکدیگر ١١١، پنهان و آهسته سخن کنند ١١٦،

راز گويند ۱۳۲، پنهان راز ميگويند ۱۳۹

~:فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ (۶۸: ۲۳)
می سخن پنهام گهند ۱، آهسته می گفتند با يكديگر ۳، سخن نرم می گفتند با يک ديگر ۲۴، پنهان ميكنند ۲۹، نرم همی گفتند ۳۰، سخن آهسته می گفتند ۳۶، پنهان همی شدند ۳۸، پنهان همی بودند ۳۹، پنهان می كردند ۴۱، پنهان می داشتند ۴۲، پنهان می داشتند ۴۳، همی ترسيدند ۵۴، پنهان با يک دگر می گفتند ۵۶، پنهان می گفتند ۶۱، با يكديگر سخن آهسته می گفتند ۶۴، يكديگر سخن آهسته ميگفتند ۶۷، نرم نرم همی رفتند ۸۸، با يكديگر راز می گفتند ۹۰، آهسته می رفتند ۹۴، با يكديگر پنهان ميگفتند ۹۶، سخن نرم و آهسته ميگفتند ۱۰۳، نهان ميگفتند ۱۰۴، سخن آهسته ميگفتند با يكديگر ۱۱۱، با يكديگر سخن ميگفتند ۱۱۳، آهسته ميگفتند ۱۱۴، سخن نرم و آهسته با يكديگر می گفتند ۱۱۶، نرم نرم می گفتند ۱۲۴، با يكديگر بنهان می گفتند ۱۲۵، بنهان با يكديگر ميگفتند ۱۳۲، نرمک می گفتند ۱۳۸، يكديگر راز می گفتند ۱۳۹

يَتَخَبَّطُهُ:كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِى يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيْطَٰنُ (۲: ۲۷۵)
فرو گيرد ۲، تباه كند ۳، گلو چيده بود ۱۰، رنجه دارد ۲۵، بماليده بود ۲۷، فرو گيرد ۲۹، بيفكنده باشد ۳۴، آسيب زده باشد ۳۶، بزده باشد ۳۸، ديو گلوج بود ۴۰، زده باشد ۴۱، بشخوليده باشد ۴۳، بيفسرده باشد ۴۸، تباه كند ۵۵، بماليده باشد ۵۶، می زند بگزاف ۵۷، بگيرد ۶۱، تباه كرده باشد ۶۳، آسيب زند ۶۹، پای زنند ۷۲، فرو گرفته باشد ۷۴، دريافته باشد ۷۸، بربوده ميشد ۸۸، بی كافتن كرده باشد ۹۰، سرگشته كرده ۱۰۶، فراگيرد ۱۱۸، بزند و بيفكند ۱۲۰، فرو ميگيرد ۱۲۱، بيفكند ۱۲۳، بيوكنده باشند ۱۳۸

يَتَّخِذُ:مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادًا (۲: ۱۶۵)
بگيرد ۲، فراگيرد ۳۴، می پرستد ۴۰، ميگيرد ۱۰۳

~:لَّا يَتَّخِذِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ (۳: ۲۸)
فراگيرند ۶۳

~:وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ (۳: ۶۴)
گيرد ۲۷

~:وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَآءَ (۳: ۱۴۰)
كند ۱، بگيرد ـ بكند ۲، برگزيند ۴۰، كرد، بگيرد و بكند ۵۸، فراگرفت ۱۰۰، بسازد ۱۰۱

~:وَمَن يَتَّخِذِ ٱلشَّيْطَٰنَ وَلِيًّا (۴: ۱۱۹)
گيرد ۱

~:وَمِنَ ٱلْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا (۹: ۹۸)
گيرند ۲۴، می بگيرد ۵۸

~:وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَٰتٍ عِندَ ٱللَّهِ (۹: ۹۹)
فراميگيرد ۹۳، فرا می گيرد ۱۱۳

~:وَمَا يَنۢبَغِى لِلرَّحْمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا (۱۹: ۹۲)
بگيرد ۲

~:لَّوْ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا (۳۹: ۴)
گرفتی ۱، بگيردی ۲۲، بگرفتی ۵۸

~:لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا (۴۳: ۳۲)
بگيرند ۳۰

★ لَا يَتَّخِذَ:لَّا يَتَّخِذِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ (۳: ۲۸)
مگيرندا ۱۰، نشايد كه كنند ۲۵، مه گيرندا ۲۷، نه گيرندا ۲۸، مه گيرندا ۳۰، نبايد كه گيرد ۵۷، نبايد كه گيرند ۶۰، نه گيرند ۶۱، فرامگيرا ۶۲، فرامگير ۷۶، مگيرند ۹۲، نبايد كه فراگيرند ۱۰۰، بايد كه نگيرند ۱۰۴، نبايد فراگيرند ۱۰۶، مگيريدا ۱۰۷، نگيردا ۱۰۹، بايد كه فرا نگيرند ۱۱۱، بايد فرا نگيرند ۱۲۲، نه گيرند ۱۳۸

~: وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ (٣:٦٤)
نگیرد ۲، نگیرد ۲٤، نکند ۲٥، نه بگیرد ٤٣، نگیرند ٦٢، فرانگیرند ٦٣، نه گیرد ٦٩

★ لَمْ يَتَّخِذْ: وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا (١٧:١١١)
نه گرفت ۳، فرانگرفته ۱۳۲

~: ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا (٢٥:٢)
نگرفت ۱، فرانگرفت ٥٤

يَتَّخِذَهَا: لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا (٣١:٦)
می گیرد ۱، کرد ١٤، بگیرد ٥٦، فرامیگیرد ۱۰۳، میگیرد ۱۲۱، فراگیرد ۱۳۰

يَتَّخِذُوا: وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا (٤:١٥٠)
گیرند ۱، بگیرند ۲، بگیرند ٥٦، فراگیرند ۷۰

~: وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَ... وَلِيجَةً (٩:١٦)
همی گیرند ۳۸

~: أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِى مِن دُونِىٓ أَوْلِيَآءَ (١٨:١٠٢)
بگیرند ۲، بگیرند ٥٣، می گیرند ٥٨

★ لَمْ يَتَّخِذُوا: وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَا رَسُولِهِۦ وَلَا ٱلْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً (٩:١٦)
نگرفتند ۱، نه گرفتند ۳، نه گرفته باشند ٢٤، فرانگرفتند ٢٩، فرانگیرند ٩٣، نگرفته باشند ۱۰۳، نگیرند ۱۰۷، فرانگرفت ۱۱۲

يَتَّخِذُونَ: ٱلَّذِينَ يَتَّخِذُونَ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ (٤:١٣٩)
می گیرند ۱، بگیرند ۲، همی گیرند ۱۰، گرفتند ۲۷، همی گیرند ٤٥، گیرند ٥٣، بگیرند ٥٨، فراگیرند ۸۸، فرامی گیرند ۸۹، مگیرند ۹۲، فرامیگرند ۱۱۱، فراگرفته اند ۱۲۷

يَتَّخِذُونَكَ: وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا (٢١:٣٦)
فراگیرند ۷٦، گیرند ۹۲

~: وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا (٢٥:٤١)
می گیرند ٤٦، بگیرند ٤٧، گیرند ٥٣

★ انْ يَتَّخِذُونَكَ: وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا (٢١:٣٦)
نگیرند ۱، نگیرند ۲، نه گیرند ٥٣

~: وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا (٢٥:٤١)
نمی گیرند ٦٤، فرانگیرند ۷٦، فرا نمی گیرند ۱۰۳، فرانمیگرند ۱۱۱

يَتَّخِذُوهُ: وَإِن يَرَوْا۟ سَبِيلَ ٱلرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا (٧:١٤٦)
گیرند ۱، فراگیرند ٥٣، بگیرند ٥٨، فرامیگیرند ۱۳٦

★ لَا يَتَّخِذُوهُ: وَإِن يَرَوْا۟ سَبِيلَ ٱلرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا (٧:١٤٦)
نگیرند ۱، فرانگیرند ٥٣، نمیگیرند ۱۳٦

يُتَخَطَّفُ: وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ (٢٩:٦٧)
می ربوده شند ۱، همی رُبایند ۲، ربوده می شوند ۳، همی بربایند ١٤، همی ربایند ٢٤، برده کرده شوند ٣٩، برمی ربایند ٤١، بربایند ٤٣، می ربایند ٤٧، همی آیند ٥٢، همی رَبایند ٥٦، درمی ربایند ٦١، دَررُبایند ٧٦، درمی ربودند ٨٩، درربوده می شدند ۱۰٦، ربوده میشوند ۱۲۲

يَتَخَطَّفَكُمُ: تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ ٱلنَّاسُ (٨:٢٦)
بربایند ۱، شما را بَرانَند و بزنند و کالا بَروایَند و شما را وافرَاویزند ۱۰، بُربایَد ٢٤، درربایند ٢٩، ربایند ۳۰، درربایند ٣٥، اندر ربایند ٤١، بروبایند ٥٢، بُرُبایَنْد ٥٣، رَبایَنْد شُمَا را ٥٥، برربایَد ٥٧، بربایَد ٦٠، دربایند ۷۸، ربایَد ۹۱، دربآبند ۱۰۰

يَتَخَلَّفوا: أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ ٱللَّهِ (٩:١٢٠)
پس شند ١، بازایستند ٣، خویشتن سپس کنند ٢٧، واپس ایستند ٢٩، بازگردند ٣٩، بازپس استند ٤٢، بازباشند ٤٩، از پس ایستند ٥٥، بازپس ایستند ٥٧، از پس ایستادندی ٦٢، خویشتن بازپس کشند ٩٤، باپس استادندی ٩٦، سپس ایستید ١٠٩، واپس مانند ١١٣، پس باشند ١٢٤، بازپس مانند ١٢٦، خویشتن از پس گشتند ١٢٨، پس بازروند ١٣٠

يَتَخَيَّرونَ: وَفَٰكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (٥٦:٢٠)
می گزینند ١، بگزینند ٢، برگزینند ٣، بگزینند ٣٩، برگزینند ٥١، بگزینند ٨٨، برگزنند ٩١، گزینند ١٠٢، گزیند ١٠٥، خواهند ١٢٩

يَتَدَبَّرونَ: أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ (٤:٨٢)
اندیشند ٣٠، همی اندیشند ٣٤، می خوانند باندیشه ٤١، همی اندیشه کنند ٤٥

~: أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ (٤٧:٢٤)
اندیشه کنند ٣، همی اندیشه کنید ١٧

★ لا يَتَدَبَّرونَ: أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ (٤:٨٢)
بنحنایند[١] ١، همی اندیشه نکنند ٢، اندیشه نمی کنیت ٣، اندیشه می نکنند او نه اندیشند ١٠، اندر نیندیشند ٢٧، نکنند اندیشه ٢٩، اندیشه نمی کنند ٣٨، یکی ننگرند ٣٩، همی نه اندیشه کنند ٤٥، اندیشه نکنند ایشان ٥٦، ننگرند ٥٨، اندیشه نمی کنند ٦٣، اندیشه نکردند ١٠٠، اندیشه نمیکنند ١٠٣

~: أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ (٤٧:٢٤)
بنحنایند[١] ١، همی اندیشه نکنند ٢، در نه اندیشند ٦، همی اندیشه نکنیت ٣٠، اندیشه نمی کنند ٤٢، اندیشه نکنند ٥٢، اندیشه نمیکنید ١٠٦

يَتَذَكَّرُ: إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلْأَلْبَٰبِ (١٣:١٩)
پند پذیرند ١، دراندیشد ٥، پند برگیرند ٧٦، پند میگیرد ١٢١

~: فَقُولَا لَهُۥ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (٢٠:٤٤)
پند پذیرد ١، پند گیرد ٢، پند گیرد ٢٤، اندیشه کند ٧٦، پند بپذیرد ١٣٢

~: أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ (٣٥:٣٧)
پند پذیرفتی ١، بیاد آرد ٢٢، پند پذیرد ٥٣، پند پذیرفت ١١٤

~: لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلْأَلْبَٰبِ (٣٨:٢٩)
پند برگیرند ٢٢، پند گیرند ٣٠، پندپذیر شوند ١٠٣

~: إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلْأَلْبَٰبِ (٣٩:٩)
پند پذیرد ٨١، اندیشه کنند ٩٦

~: يَوْمَ يَتَذَكَّرُ ٱلْإِنسَٰنُ مَا سَعَىٰ (٧٩:٣٥)
ایاد کند ١، یاد آید ٣٩، پند گیرد ٦١، یاد آرد ١١٣، یاد کند ١٢٠، یاد آورد ١٢٦

~: يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ ٱلْإِنسَٰنُ (٨٩:٢٣)
اندیشه کنند و یاد کنند ٥١، با یاد آورد ١٣٨

★ مَا يَتَذَكَّرُ: وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ (٤٠:١٣)
پند نپذیرد ١، نگیرد پند ٥٦، پند نگیرد ٦١، پند نمی گیرد ٩١، پند گرفته نشود ١٠٣، پند نمیگیرد ١٣٢

يَتَذَكَّرونَ: وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٢:٢٢١)
پند پذیرند ١، پند گیرند ٢، پند گیرند و یاد دارند ٢٧، یاد آرند ٦٢، یاد دارند ١٠٤، پندپذیر شوند ١٢١، پند بپذیرند ١٢٢

---

١. بنحنایند: درنیندیشند؛ اندیشه نکنند.

~: وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (١٤:٢٥)
پند گیرند ۲، دراندیشند ۵، یاد کنند ۲۹، پند پذیرند ۵۷، یاد کنند و پند گیرند ٦٤، اندیشه کنند ٧٦

~: بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٢٨:٤٣)
پند پذیرند ۵۳، بیدار شوند و پند گیرند ٧٦، پند پزیرند ١٣٠

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٢٨:٤٦)
پند گیرند و پذیرند ۵۸

~: وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ ٱلْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٢٨:٥١)
دراندیشند و پند گیرند ٤٧، پند پذیر گردند ١٠٣، پند بدیدند ١٣٩

~: وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ ... لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٣٩:٢٧)
پند می گیرند ٤١

~: فَإِنَّمَا يَسَّرْنَٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٤٤:٥٨)
پند پذیرند ۲، پند پذیرند ۲۲، پند گیرند ۳۲

يَتَرَاجَعَا: فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ (٢:٢٣٠)
یک پی دیگر واز آیند ۱، بازگردند ۳، واهم شوند ایشان ٢٤، با یکدیگر شوند ۲۹، بازشوند بیکدیگر ۳۰، بازگردند بیکدیگر ٤١، بیک دیگر باز گردند ٤٢، با یک دیگر گردند ٤٩، بیک دیگر بازگردند ۵۲، یک بدیگر بازگردند ۵۳، بازآیند ۵۷، با یک دیگر باشند ٦٢، بازگردند یکدیگر ٦٧، بیکدیگر بازگردند ٧٤، یک بدیگر را بازگردند ۸۳، باز گردند ١٠٠، بهم بازگردند ١١٤، بیکدیگر باز آیند ١٢١، بازگشت کنند ١٢٢، زن یکدیگر روند ١٢٤، به یکدیگر بازگردند ١٢٨

يَتَرَبَّصُ: وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ ٱلدَّوَآئِرَ (٩:٩٨)
می برمردارد ۱، چشم دارد ۲، چشم می دارد ۳، چشم دارند ٢٤، گوش میدارد ۲۹، راه یابد ۵۷، چشم دارد ٦١، چشم مید آرند ١٠٠، چشم میدارد ١١٣، چشم میدارند ١٢٤

يَتَرَبَّصْنَ: وَٱلْمُطَلَّقَٰتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٍ (٢:٢٢٨)
چشم دارند ۳، بایستند ۲۹، چشم می دارند ٤١، بپایند ۵۲، واه پایند ۵۷، چشم میدارند ٦١، درنگ کنند ٦٧، بپایند تنها، بباید پایستن زنان را ٨٢، چشم دارند و نگاه دار٨٤، بباشند ٨٨، چشم دارند و نگاه دارند ١٠٢، چشم بدارند ١٢٤

~: يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا (٢:٢٣٤)
چشم دارندا ۳۰، چشم دارند تا بگذرد ٤١، ببایند پایستن ٤٢، پایستن آن زنان ۵۲، راه پایند ۵۷، بایستند و بازدارند ٦٢، بازدارند ٦٥، بباید پایستن ٧٦، روزگار کنند ٨٨، بباید پایستن آن زنان ١٠٥، بباید پاستن مر آن زنان ١٢٨، چشم داشتن ١٣٨

يَتَرَبَّصُونَ: ٱلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ (٤:١٤١)
می برمردارند[1] ۱، همی پایند ۲، چشم می دارند ۳، می چشم دارند - چشم می دارند ١٠، چشم همی دارند ٢٧، چشم دارند ٣٤، همی بپایند ٤٢، چشم می دارند ۵۳، چشم می دارند بدی را ۵۵، راه پایند ۵۷، چشم نهاده اند ۵۸، گوش می دارند ٦٠، بپایند - چشم میدارند ٨٨، چشم همی د آرند ٩٤، چشم مید آرند ١٠٠، همی چشم دارند ١١٢

يَتَرَدَّدُونَ: فَهُمْ فِى رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (٩:٤٥)
همی گردند ۲، می گردند ۳، کورُ و کَنَشت

۱. می برمردارند: انتظار می برند؛ چشم دارند.

مَی گردند ۱۰، همی گردند ۱۱، میگردند ۲۹، هَمی گَردَند ۵۳، مِی گردند ۵۵، دودل می شوند ۷۹، می آیند و میروند ۱۰۳، دودل اند ۱۰٤، آمد شد همی کنند، سرگردان می باشند ۱۰۹، سرگردان میگردند ۱۱۱، میکردند ۱۱۲، دور درمی شوند ۱۱۳، سرگردان می گردند ۱۲۲، همیگردند ۱۲۵، دودلند ۱۲٦

يَتَرَقَّبُ: فَأَصْبَحَ فِي ٱلْمَدِينَةِ خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ (۱۸:۲۸)
می برمرداشت ۱، چشم می داشت ۳، واپس می نگریست ۲۱، چشم همی داشت ۳۰، نگاه می داشت ٤۱، چشم دار ٤۲، چشم می داشت همی نگه کرد ٤۷، خود را می داشت ۵۸، چشم می انداخت چپ و راست ٦٤، چشم بر آن نهاده ۷٦، چشم می انداخت ۹۲، چشم داران ۱۰۵، چشیم دار بود ۱۳٦

~: فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ (۲۱:۲۸)
چشم داشت ۵۳، خود را نگاه می داشت ۵۸، چپ و راست می نگرید ٦٤، چشم میداشت ۸۷، می دید چپ و راست ۹۲، چشم نکمی داشت[1] ۹۵، چشم همیداشت ۱۰۹

يُتْرَكَ: أَيَحْسَبُ ٱلْإِنسَٰنُ أَن يُتْرَكَ سُدًى (۳٦:۷۵)
هیشته شد ۱، مانده شود ۳، بگذارند ٦، بمانندش ۱۹، دست بازدارندش ۳۰، گذاشته شود ۳٦، رها کرده شود ۵٦، بگذارندش ٦۱، گذاشته خواهد شد ٦٤، وَاگذاشته شود ۱۱۱، گذشته شود ۱۱۳، فروگذاشته شود ۱۲۰، رها کند ۱۲۵، بگذارند او را ۱۳٦

يَتِرَكُمْ: وَٱللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ (۳۵:٤۷)
کاهَنْد ۵۳، کم کند ۸۰، کاهد ۱۰۸

★ لَنْ يَتِرَكُمْ: وَلَن يَتِرَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ (۳۵:٤۷)

بنکهد ۱، نکاهد ۲، نیست نکند ٦، نه کاهند ۲۲، بنکاهاند ۲۹، نکاهاند ۳۰، هرگز کم نکند ۳٦، کم نکند ٤۳، هرگز نه کم کند ۸۰، رها نکند ۱۰۵، نه کاهد ۱۰۸، وانگذارد ۱۳٦

يُتْرَكُوا: أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتْرَكُوٓا۟ أَن يَقُولُوٓا۟ ءَامَنَّا (۲۹:۲)
هیشته شند ۱، دست باز داشته شوند ۳، دست بازدارند شان ۲۱، دست بدارند شان ۲٤، بگذارند ۲۹، دست بازدارند ایشان را ۳۰، گذاشته شوند ۳۹، فرو گذارند شان ٤۱، رها کنند ایشانرا ٤۲، رها کرده شوند ٤۳، فرو گذارند ٤۷، گذشته شدند ٦۱، رها کنند ۷٦، بگذارند ایشانرا ۸۹، دست بازدار شوند ۹۱، بگذارند شان ۱۰۰، فرو گذاشته شوند ۱۰۳، واگذاشته شوند ۱۱۱، مانند شان ۱۱٤، دست بازمیدارند ۱۲۹، بازدارند ایشانرا ۱۳۹

يَتَزَكَّى: وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ (۱۸:۳۵)
پاکی کند ۱، همی پاک کند ۲، پاکیزه می شود ۳، پاکی همی کند ۳۰، پاکیزه شود ٤۳، خویشتن پاک دارد ٦۱، پاک دارد ۸٦، پاکیزه میشود ۱۱۱، پاک میشود ۱۲٦، پاک میدارد ۱۳۲، پاک شده باشد ۱۳۸

~: ٱلَّذِى يُؤْتِى مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ (۱۸:۹۲)
پاکی کرد ۱، پارسایی می کند ۳٦، پاک گردد ۵٦، پاکی جوید ۷۹، پاک شود ۱۰۰، پاک گرداند ۱۰۸، پاکی میجوید ۱۱٤، میجوید پاکی ۱۲٦

لِيَتَسَاءَلُوا: وَكَذَٰلِكَ بَعَثْنَٰهُمْ لِيَتَسَآءَلُوا۟ بَيْنَهُمْ (۱۹:۱۸)
تا یک و دیگر را بپرسند ۱، پرسند از یگدیگر ۳، بپرسند ۲۹، بپرسند از یکدیگر ۵۲، بپُرسَند ۵۳، می پُرسیدند ۵٦، بپرسند یکدیگر ٦۱، بازپرسند ۹۳، بپرسند یکدیگر را ۹٤، یک از دگر بپرسند

---

۱. احتمالاً «چشم بکمین داشت» باشد.

١٠٨، از يكديگر درپرسند ١١٣، به پرسند ١١٨، از يكديگر بپرسند ١٢٤، پرسند ١٢٦، از يكديگر به پرسند ١٢٨، يكديگر پرسند ١٣٩

يَتَسَاءَلُونَ: فَلَآ أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ (١٠١:٢٣)

پرسند يک ديگر را ٢٤، پرسند يكديگر را ٣٠، از يكديگر پرسند ٥١، پرسند ٥٣، يكديگر را بپرسند ٥٦، پرسش نمايند ١٢٢، پرسش نمايند از هم ١٣٢

~: فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْأَنۢبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَآءَلُونَ (٦٦:٢٨)

پرسند از يكديگر ٣

~: وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ (٢٧:٣٧)

يک و ديگر را مى پرسند ١، يک دگر را همى پُرسيدند ٢، همى پرسند يک ديگر را ٢٤، مى پرسيدند ٢٩، پرسيدندى ٣٣، مى پرسيدند از يكديگر ٣٩، يكديگر را مى پرسيدند ٧٤، همى پرسند ٨١، از يكديگر پرسند ١٠٠، پرسندگان ١٠٥، از هم بپرسند ١٣٢،

~: فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ (٣٧:٥٠)

همى پُرسند ٨١، همديگر را پرسند ٩٦، سخن گويند ٩٨، از هم پرسند ١٠٠

~: وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ (٥٢:٢٥)

يک ديگر را مى پرسند ١، مى پرسند يک دگر را ٢، مى پرسند از يكديگر ٣٠، مى پرسند از يک ديگر ٤٩، مى پرسند يكديگر را ٥١، همى پرسند يک ديگر ٥٦، از يكديگر مى پرسند ٦١، يكديگر را همى پرسند ١٠٨، همى بررسند پرسند از يكديگر ١٠٩، از يكديگر درپرسند ١١٣، بپرسند يكديگر را ١٢٥

~: فِى جَنَّٰتٍ يَتَسَآءَلُونَ عَنِ ٱلْمُجْرِمِينَ (٧٤:٤٠)

يک از ديگر مى پرسند ١، يک دگر را همى پرسند ٢، يكديگر را مى پرسند ٦، همى پرسند يكديگر را ٣٠، بازمى پرسند ٦٧، درمى پرسند ٧٩

~: عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظِيمِ (١:٧٨)

مى پرسند ٣، همى پرسند ٣٠، مى پُرسند ٥٦، از يكديگر درمى پرسند ٧٩، مى پرسند يكديگرا ١٠٤، ميپرسند ١١٦

★ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ: عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظِيمِ (١:٧٨)

چمى پرسند ١

★ لَا يَتَسَاءَلُونَ: فَلَآ أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ (١٠١:٢٣)

يک ديگر را نپرسند ١، يک دگر را نپرسند ٢، نپرسند ٢٩، نپرسند يكديگر را ٣٤، نپرسند يكديگر را ٤٧، نپرسند ايشان از يكديگر ٥٨، يكديگر نپرسند ٦١، نپرسند از ديگر ٧٦، نمى پرسند ٩٦، يكديگر را نپرسند ١٠٨، نه... پرسند ١٣٨

~: فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْأَنۢبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَآءَلُونَ (٦٦:٢٨)

يک و ديگر را نپرسند ١، نپرسند يک دگر را ٢، نكنند پاسخ ٢٤، نه پرسيدند زيک ديگر را ٤٦، نيارند پرسيد يكديگر را ٤٧، نپرسند ٥٣، نپرسند از يكديگر ٥٨، نپرسند يكديگر ٦١، از يكديگر نپرسند ٦٢، پرسش نكنند ٨٦، نه پرسند از يكديگر ٩١، از يكديگر بازنپرسند ١٠٠، پرسيده نشوند ١٢١

يَتَسَلَّلُونَ: قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا (٦٣:٢٤)

مى بيرون شند ١، همى خُويشتن بيرون كشند ٢، بيرون مى آيند ٣، بيرون مى شوند ٢٤، فرو خيزند ٢٩، بيرون شوند ٣٠، بيرون مى آيند و بازمى گردند ٤١، زبان آورى كُنند ٤٢، دور مى شوند ٤٣، بيرون مى خزند ٤٧، فرو مى خزند

۵۱، بیرون ایند ۵۳، خویشتن را بیرون می زنند ۵٤، از پس می گریزند ۵٦، بیرون کشند ٦۱، خویشتن بیرون زنند ۸۸، پنهان می شوند ۸۹، بیرون آیند ۹۰، خود را بیرون کشند ۹٤، گریزند ۹٦، پنهان بیرون میروند ۱۰۰، زبان آوری کنند ۱۰۵، در پس پردها پنهان می شوند ۱۰٦، همی خویشتن بیرون کشند ۱۰۸، خود را بیرون می کشند ۱۰۹، بیرون میروند اند ک ۱۱۱، می خیزند و بیرون می شوند ۱۱۹، بیرون میآیند ۱۲۱، بیرون میروند ۱۲۲، میروند ۱۲٦، میروند اند ک اند ک ۱۳۳، میگریختند ۱۳۸

يَتَسَنَّهْ: فَانْظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ (۲:۲۵۹)

برگشت ـ بوی بگرفت ۹۱

★ لَمْ يَتَسَنَّهْ: فَانْظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ (۲:۲۵۹)

بنگشت ۱، برنگشت ـ بنه گندید ۲، نه بوی گرفت ۳، بنگردید ۲۵، نگشته است ۲۷، بنگردیده ۲۹، نگردانید ۳۰، تباه نشد ۳۹، نگردیده است ٤۱، نگشته است از مزه ٤۳، بنه گردید و تباه نشد ٤۹، برجه گشته است ۵۲، بوی نگرفت ۵۵، بنگردیده است ٦۰، بنا گردیده ٦۲، بوی بنگردانیده ٦۳، نه گنده شده است ٦۹، نیست از گونه و مزه ۷٤، نگشته اند ۷۵، برنگشت ـ بوی نگرفت ۸۰، برنگشته است ۸۲، دیگر گونه نشده است ۹۰، بزجه گشته است ۹٦، بوی بنگردیده است ۱۰۰، سال زده نشده است ۱۰۲، گندیده نشده ۱۱۱، بوی نگرفت ۱۱٤، نه گنده باشد ۱۲٤، برنگشت ۱۲۸، بوی بنگردانیده است ۱۳۸

يَتَضَرَّعُونَ: فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (٦:٤۲)

زاری کنند ۱، زاری کنند ۲، زاری کنید ۳۰، فروتنی کنند ۳٦، زاری کنند ٤۲، بزارند ایشان ٦۱، زاری نمایند ٦٤، زآری کنند ۱۰۰، ایشان زاری کنند ۱۰۲

~: فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (۲۳:۷٦)

زاری می کردند ۳، خواهش کردند ۲٤، زاری کردند ۳۰، نژندی نمودند ۳٦، زاری کنند ۵۳، زاری میکنند ۱۰۹

★ مَا يَتَضَرَّعُونَ: فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (۲۳:۷٦)

زاری نکردند ۱، زاری نکنند ۲۹، زاری نمی کردند ۵۸، هیچ زاری نمی کنند ٦٤، زاری ننمودند ۱۱۱، زاری نمیکنند ۱۲۲، زاری می نکردند ۱۲۸، زاری نمی کنند ۱۳۲

يَتَطَهَّرُوا: فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا (۹:۱۰۸)

پاکی کنند ۱، پاک شوند ۳، پاک باشند ٤۲، پاکی ورزند ٤۸، پاک شوند ۵۵، پاکیزگی کنند ٦۷، پاکیزه باشند ۱۲٤، پاک کنند ۱۲۸، پاکی نمایند ۱۳٦

يَتَطَهَّرُونَ: إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (۷:۸۲)

پاکی جویند ۲، پاکی می جویند ۳، پاکی جویند ۱۰ مکرّر، پاکیزه می کنند ۳۹، پاک روشن اند ٤۱، پاکی کنندگان ٤۵، پاکی می جویند ۵۵، پاکیزه شوند ٦۱، پاکی میجویند ٦۳، پاکیزگی می جویند، پاکیزگی می ورزند ٦٤، پاکی جویند و خواهند ۸۳، پاک می نمایند ۸۸، پاکیزه ۹۰، پاک همی کنند ۹٤، پاکی مینمایند ۱۰٤، پاکی همی جویند ۱۰۹، پاک می کنند ۱۱۳

~: إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (۲۷:۵٦)

می پاکی کنند ۱، پاک همی باشند ۲، پاکیزگی کنند ۲٤، پاکیزگی میکنند ۲۹، پاکیزگی می کنند ۳۹، پاکی می کنید ٤۳، همی پاک دارند ٤٦، پاکی می کنند ۵۸، پاکی همی کنند ٦۲، پاکی می ورزند ۷٦، خود را پاک میدارند ۹۰، پاکی خواهند ۹٦، پاک می باشند ۱۰۲، پاکیزگی

میورزند ١١١، پاک میدانند ١١٦، پاک خواهند ١٢٥، پاک می جویند ١٣٨، دعوی پاکیزه همی کنند ١٣٩

يَتَعَارَفُونَ: كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوٓا۟ إِلَّا سَاعَةً مِّنَ ٱلنَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ (١٠:٤٥)
یک دیگر را می اشناسند ١، بشناسند یک دگر را ٢، شناسند ٣، یک دیگر را وادانند ١٠، بشناسند ١٣، می شناسند ٢٤، بشناسند یک دیگر را ٢٧، یکدیگر را می شناسند ٢٩، همی شناسند ٣٨، آشنای همی دهند ٥٣، شناسند ٥٥، بازشناسند یکدیگر را ٥٦، می شناسند یکدیگر را ٥٨، شناسایی فرادهند ٥٩، یکدیگر می شناسند ٦١، یک دیگر را همی دانند ٦٢، شناسند یکدیگر ٦٣، بشناسند یکدیگر را ٦٤، بیکدیگر می شناسند ٧٢، بشناسند یک دیگر را ٨٣، یکدگر را دانند ٨٨، بشناسند یکدیگر ٩٢، شناخت یکدیگر بود ١٠٤، بشناسند یکدیگر را آشنایی دهند ١٠٩، یکدیگر را بشناسند ١١٢، یکدیگر را شناسند ١١٣، آشنائی دهند ١١٦، آشنای یکدیگر باشند ١٢٠، شناخت یکدیگر دارند ١٣٥

يَتَعَدَّ: وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ (٢:٢٢٩)
بگذرد ١، بی فرمانی کند ٤١، درگذرد ٤٢، درگذرد ٥٥، اندر گذارد ٦٣، برگردد ١٢١، درمیگذرد ١٣٥

~: وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدْخِلْهُ نَارًا (٤:١٤)
اندر گذرد ٢، درگذرد ٣، اندر گذرد ١٠، درگذرد ٤٢، دربگذرد ٥٢، درگذارد ١٣٨

~: وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ (٦٥:١)
بگذارد ٩٢

يَتَعَلَّمُونَ: فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ ... وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ (٢:١٠٢)
بیاموزند ٢، درمی آموزند ٤، بیاموزند، آموزند ١٠، می آموزند ٢٤، بیاموزند ٢٩، درآموزند ٣٦، آموخته شان آید ٤٠، بیاموزند ٤٢، بیاموختند ٥٣، می آموزند ٥٥، می آموزند ٦١، بیاموزند ٦٢، می آموختند، درمی آموختند ٦٣، میآموزند ٦٤، بیاموزند ایشان ٦٧، درآموختند ٨٢، می دانند ٨٨، همی آموزند ٩٤، درمی آموزانیدند ١٠٠، آموختندی ١٠١

يَتَغَامَزُونَ: وَإِذَا مَرُّوا۟ بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (٨٣:٣٠)
می اوسوس کنند ١، یکدیگر را بچشم نمایند ٢٩، چشمک می زدند ٣٦، بافسوس چشم می زدند ٤١، یکدیگر بچشم نمایند ٤٢، یکدیگر را چشمک می زدندی ٦٤، چشمک میزدند ٦٧، چشمک بیکدیگر می زدند ٧٩، فسوس کردندی ٨٨، فسوس می کردند ٩٠، بلب بگزیدند ٩٤، یکدگر را بچشم نمایند ٩٦، همی فسوس کردند ١٠٨، چشمک میزنند ١٠٩، بچشم زدندی ١٣٨

* لَمْ يَتَغَيَّرْ: وَأَنْهَٰرٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُۥ (٤٧:١٥)
بنگشت ١، ناگشته ٢، نه برگشت ٣، بنگردد ٦، نه گردد ٢٢، بنگردیده بود ٢٤، ناگشته ٣٠، نگشته است ٣٩، نگشته باشد ٤٣، نگردیده باشد ٥١، نگردد ٦١، بنه گردد ٨١، نه برگشته ٩١، نگردیده ١١١، نگردیده است ١١٦، برنگشت ١٢١

يَتَفَجَّرُ: وَإِنَّ مِنَ ٱلْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ ٱلْأَنْهَٰرُ (٢:٧٤)
بیرون دمد ٢، روان می شود ٣، بیرون دمد ١٠، بشکافد ٢٤، بگشاید ٢٩، بدود ٣٦، بیرون اندلد ٤٠، روان شود ٤٩، بیرون آرد ٥٠، بیرون دمد ٥٢، بیرون رود ٥٣، روان می شود ٥٥، گشاده شود ٥٧، روان میشوند ٦١، گشاید ٦٢، روان می شوند ٦٣، بیرون دمد ٧٦، بیرون آورد ٩٤، بیرون آید ٩٦، روان شد ٩٨، بیرون می شارد ١٠٢، می شود روان ١٠٤، روان شود شارد ١٠٩، روان میشود ١١١، روان میگردد ١١٦، روان میگردند ١٢٣، روان گردد ١٢٤،

برون می آید ۱۲۹

يَتَفَرَّقَا: وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ ٱللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِۦ (۴: ۱۳۰)
بپراکنند ۱، جدا شند از یک دیگر ۱۰، جدا شوند ۲۷، بپراکنند و جدا شوند ۲۹، از یکدیگر جدا شوند ۴۲، جُدا شوند ۴۵، جُدا شَویدْ از یَکدیگر ۵۳، جدا شوند از یکدیگر ۶۰، بپراکنید از یک دیگر ۶۲، پراکنده شوند ۶۳، جدا گردند از یکدیگر ۹۴، جدا شوید ۱۰۲، از هم جدا شوند ۱۰۴، جدا کنند ۱۲۹، جدائی افکنید ۱۳۸

يَتَفَرَّقُونَ: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ (۳۰: ۱۴)
می پراکنند ۱، بَپراکنند ۲، جدا شوند ۳، پراکنده شوند ۲۹، جدا کنند ۳۴، بپراکنند ۴۶، همه پراکنده گردند ۱۱۱، پراکنده گردانند ۱۲۹، درپراکنند ۱۳۹

يَتَفَضَّلَ: مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ (۲۳: ۲۴)
اوزونی جوید ۱، افزُونی کند ۲، افزونی جوید ۲۴، افزونی گیرد ۴۲، فزونی گیرد ۵۳، افزونی کند ۵۶، افزونی نهد ۶۴، افزونی نماید ۱۰۴، افزونی نهد خویشتن را ۱۰۹

يَتَفَطَّرْنَ: تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ (۱۹: ۹۰)
پاره شند ۱، شکافند ۳، بترکد ۲۴، شکافته شوند ۲۹، پاره پاره گردی ۳۰، بطرقند ۴۱، پاره پاره شوند ۴۴، بشکافندی ۵۶، پاره گردد ۶۱، پاره پاره شدی ۹۴، بطرقد ۹۶، دریده شوند ۱۰۰، پاره پاره کرده ۱۰۸، بشکافتی ۱۲۴

~: تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ (۴۲: ۵)
شکافته شود ۳، بشکافید ۳۰، بشکافد ۳۴، بشکافند ۳۶، بشکافند ۵۶، بازشکافند ۶۵، پاره پاره گردد ۶۷، بیفتند ۹۰، بشکافته شود ۱۱۴

يَتَفَقَّهُوا: فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا۟ فِى ٱلدِّينِ (۹: ۱۲۲)
دانا شدندی ۱، اندریابند ۱۳، بدانند ۲۴، دانا شوند ۳۹، دریابند ۶۱، پی افتند ۹۰، بیاموزند ۱۰۰

يَتَفَكَّرُوا: أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِم (۳۰: ۸)
اندیشه کنند ۱۱۹

★ لَمْ يَتَفَكَّرُوا: أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا۟ مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ (۷: ۱۸۴)
بنحنابند ۱، وا نَه اندیشند ۱۰، ننگرند و اندیشه نکنند ۲۴، خود را نیندیشیدند ۲۷، اندیشه نکردند ۲۹، نمی اندیشند ۴۱، نه کردند اندیشَه ۵۷، نه اندیشیدند ۵۸، نه اندیشه کردند ۶۱، همی نه اندیشند ۶۲، اندیشه نمیکنند ۶۷، می نه اندیشند ۱۲۴، همی نه اندیشیدند ۱۲۸، در نه اندیشند ۱۳۶

~: أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِم (۳۰: ۸)
بنحنایند ۱، همی اندیشه نکُنند ۲، نه همی اندیشه کنند ۱۴، اندیشه نمی کنند ۲۹، اندیشه نکنند ۳۰، در نه اندیشیدند ۴۷، نه اندیشند ۵۳، نه اندیشه کنند ۵۶، نمی اندیشید ۶۱، نمی اندیشند ۶۴، خود در نیندیشند ۷۶، درنیندیشند ۱۰۰

يَتَفَكَّرُونَ: وَيَتَفَكَّرُونَ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَ (۳: ۱۹۱)
اندیشه همی کنند ۲، می اندیشند ۳، می اندیشند ۲۳، اندیشه می کُنند ۴۲، می اندیشه کنند ۵۳، اندیشه همی کنند ۶۱، همی اندیشه کنند ۹۴، اندیشه می کنند ۹۹

~: فَٱقْصُصِ ٱلْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۷: ۱۷۶)
حنایشت کنند ۱، واندیشند و پند گیرند ۱۰، به اندیشند ۳۶، به یندیشند ۱۲۸

~: كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱۰: ۲۴)
کمی حنایشت کنند ۱، بیندیشند ۲، اندیشه کُنند ۲۷

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱۳: ۳)

کمی حنایشت کنند ١، بیندیشند ٢، دراندیشند ٥، اَندیشه کُنند ٥٥، دَراندیشه اند ٧٦، دریابند ١١٣

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (١٦:١١)
اندیشه کُنند ٢، اَندیشه کنند ٥٣، اندیشه کنند ٦٢، اندیشه کنند و دریابند ٧٩

~: وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (١٦:٤٤)
بدل باز اندیشند ٥٨

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (١٦:٦٩)
اندیشه می کنند ٢٩، اندیشه کنند ٥٣، برخود باز اندیشند ٥٨

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (٣٠:٢١)
بیندیشند ٢، دراَندیشند ٦١

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (٣٩:٤٢)
درمی اندیشند ٦١، بازاندیشند ٦٤، اندیشه کننده ٨١

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (٤٥:١٣)
اندیشه کنند ٢، بیندیشند ٣٠، باندیشند ٣٩

~: وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (٥٩:٢١)
اندیشه کنند و دریابند ١١٣

يَتَفَيَّؤُا: يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ (١٦:٤٨)
می گردد ١، برمی گردد ٣، واگردد سایه ٢٤، می گردند ٢٩، همی گردد ٣٩، همی بَاز آیدْ ٥٣، بَرمی گردَد ٥٥، بازگردد ٥٦، سایه افکند ٥٧، بازمی آید ٥٨، همی برگردد ٦٢، بر زمین افتد ٦٤، میگردد ٦٧، می فکند ٧٦، همیگردد ١٠٥، برمیگردد ١١٤، بیفکند ١١٨، برگردد ١٢٤

يَتَّقِ: وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا (٢:٢٨٢)
کوَ بپرخیز ١، بترسد ٢، بترسدا ٣، گو بترس ٣٦، بباید ترسیدن ٤٠، بتَرسَدا ٥٥، باید که بترسَد ٥٧، گو بترسَد ٦١، بترساد ٦٢، گوی بترس ٦٣، بترس ٧٥، بترسید ٨٢، بترسندا ٩١

~: فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ (٢:٢٨٣)
بترسادا ١٠، بترسَدا ٢٧، برگو بترس ٤٨، گو بترسد ٦١، بباید ترسید ٦٣

~: إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ (١٢:٩٠)
بپرخیزد ١، به پرهیزد ٥، بپرهیزد ٢٩، پرهیز کند ٣٠، ترسد ٦١، پَرهیزگاری کُند ٧٦، پرهیزگاری کند ٩٤، پرهیزکاری کند ١١٨، پرهیزکاری می کنید ١٢٤

~: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (٦٥:٢)
بپرهیزد و بترسد ١١١، به پرهیزد ١٣٤

يَتَقَبَّلُ: قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (٥:٢٧)
بپذیرد ١، بپذیرد ٢، پذیرد ١٠ مکرّر، پذیرفته آمدْ ٥٣، به پذیرد ٩٩

★ لَمْ يُتَقَبَّلْ: وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ (٥:٢٧)
پذیرفته نشد ١، پذیرفته نشود ٢، پذرفته نه شود ١٠ مکرّر، نپذیرفت ٢٧، نپذیرفتند ٣٠، پذیرفته نیامد ٥٧، نه پذیرفته شد ٦١، نپذیرد ٧٥، نه پذیرفتند ١٠٧

★ لَنْ يُتَقَبَّلَ: أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْكُمْ (٩:٥٣)
پذیرفته نشهد ١، هرگز نپذیرفته شود ٣، نه خواهند پذیرفتن ١٠، پذیرفته نشود ١١، هرگز نپذیرند ٢٧، هرگز نه پذیرفته شود ٣٠، فرا نپذیرند ٣٤، هَرگزْ نَپذیردْ ٥٥، هرگز نپذیرد ٥٦، هرگز پذیرفته نیابد ٥٧، هرگز پذیرفته نشود ٥٨، نَپذیرَد ٦٢، نه پذیرند ٩٢، نپذیرند ٩٣، نه پذیرد ١١٤، نپذیرد ١٢٤، فرانه پذیرند ١٣٦

يَتَقَدَّمَ: لِمَن شَآءَ مِنكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (٣٧:٧٤)
پیش شود ٣، پیشی کند ١٩، پیش آید ٢٤، پیش رفت ٣٠، فراپیش شود ٣٤، پیش گیرد ٦١، پیش افتد ٦٩، پیشتر آید ٨٧، پیش رود ١٠٠، پیشی گیرد ١١٣، پیش شوند ١١٤، فراپیش آید ١٢٦، فراپیش رود ١٣٤، فراپیش استد ١٣٨

يَتَّقْهِ: وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخْشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقْهِ (٥٢:٢٤)
بپرهیزد ٥٣، پرهیز دارد ٧٧، پرهیزکاری نماید ٨٦، پرهیزگاری نماید ١٠٠، پرهیزد ١٠٨

فَلْيَتَّقُوا: فَلْيَتَّقُوا ٱللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (٩:٤)
کو بپرخیزید ١، بترسندا ٣، بواید ترسیدن ١٠، گو بترسید ٢٧، بباید ترسیدن ٤٠، بترسید ٥٣، گو بترسند ٦١، بترسند ٦٢، باید بترسند ٦٣، گو ترسند ٩٠، باید که بترسند ٩٦، بپرهیزندا ١٠٩

يَتَّقُونَ: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (١٨٧:٢)
خُویشتن نگاه دارند ٢، پَرهیز کنند ١٠، خُویشتن نگاه دارند ٤٢، خویشتن را نگه دارند ٥٣، خویشتن نگاه دارند ٧٦، خویشتن را نگاه دارند ٨٢، نگاهدارنده خود را ٩٢، پرهیزگار شوند ١٠٤

~: وَلَلدَّارُ ٱلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ (٣٢:٦)
می بپرخیزید ١، پَرهیز کنند ٢، پرهیزگاری کنند، بپرهیزند ١٠ مکرّر، بترسَند ٥٣، پرهیزگار باشند ٦١، بمی پرهیزند ٦٣، ترسند ٩٦، پرهیزکار باشند ١٠٣، پرهیزگاری پیشه خود سازند ١٢٢

~: لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِىٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (٥١:٦)
پرهیز کُنند ٢، بترسند ٣، پرهیزکاری کنند ٢٦، بترسند و بپرهیزند ٥٨، بترسند و پرهیز کنند ٩٤، پرهیزگاری نمایند ١٠٤، به پرهیزند ١١٨

~: وَمَا عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَىْءٍ (٦٩:٦)
پرهیز می کنند ٣، پرهیز کارند ٢٤، پرهیزند ٢٦، می ترسند ٣٠، پرهیز کردند ٥٨، پرهیز میکنند ٩٤، پرهیز همی کنند ١٢٨

~: فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ (١٥٦:٧)
پرهیزگاری می کنند ٥٢، پرهیزگار بودند ٦١

~: قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (١٦٤:٧)
پرهیز کنند ٤١، پارسایی کنند ٧٢، پرهیزگاری نمایند ١٢٦

~: وَٱلدَّارُ ٱلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ (١٦٩:٧)
پرهیز کنند ٣، می پرهیزند ٤١

~: ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِى كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ (٥٦:٨)
تَرسَند ٥٥

~: حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ (١١٥:٩)
پرهیز می باید کرد ٥٨، می ترسیدند ٦١

~: وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ (٦:١٠)
بپرخیزند ٢٤، پرهیزِگاری کُنند ٥٥، پرهیزگاران ٥٨

~: ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (٦٣:١٠)
پرهیزگار ١٣، پرهیزگارند ٢٤، ترسکار ٧٦

~: لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (٥٧:١٢)
ترسکار باشند ٤٢، همی ترسند ٥٣، باشَند پَرهیزکار ٦٢

~: وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ ٱلْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (١١٣:٢٠)
بپرهیزَند ٢، بوپرهیزند ١١٣

~: أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ (١١:٢٦)
بپرهیزید ٢٠

~: وَنَجَّيْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (١٨:٤١)

پرهیز کاران ٤١، ترس کاران ٦١

★ كَانُوا يَتَّقُونَ: ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ (٦٣:١٠)

می بپرخیزید ند ١، پرهیز می کردند ٥٨، پرهیز کار بودند ٦١، ایشان بپرهیزید ند ٦٣

~: لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ (٥٧:١٢)

همی پرهیز کردند ٢، بودند پرهیز کاران ٢٤، پرهیز گاری می کردند ٥٦، بپرهیزیدند ٥٨، پرهیز گاری کردند ٦١، همی پرهیز کردند ٩٦، پرهیزی کردند ١٢٨

~: وَأَنجَيْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ (٥٣:٢٧)

بپرخیزید ند ١، می ترسید ند ٣، بودند پرخیز کاران ٢٤، پرهیزید ند ٤٧، پرهیز کردند ٦١

~: وَنَجَّيْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ (١٨:٤١)

می پرخیزید ند ١، همی ترسید ند ٣٨، می پرهیزید ند ٥٦، می ترسید ند و خویشتن نگاه می داشتند ٨٠

★ لَا يَتَّقُونَ: ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ (٥٦:٨)

بنپرخیزند ١، نپرخیزید ند ٢٤، نترسند ٢٧، نپرهیزند ٥٧، نمی ترسند ٦٠، بنمی پرهیزند ٩٠، نمیترسند ١٠٤، پرهیز نمیکنند ١١١، می نه پرهیزند ١٢٤

~: أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ (١١:٢٦)

بنترسید ٤٧، پرهیز نکنند ٥٨، نمی ترسید ٨٦، همی نَپرهیزَند ١١٩، نمی پرهیزید ١٣٨

يَتَّقِي: أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِۦ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ (٢٤:٣٩)

بپرخیزد ١، نگاه دارد ٢، نگاه می دارد ٣، بپاید ٢٩، بترسد ٣٣، پرهیز کند ٣٤، خویشتن نگاه دارد ٣٩، خویشتن نگاه دارد و بترسد ٦١، بازدارد ٩٢، بازد آرد ١٠٠، نگهدارد ١١٦

يَتَّكِئُونَ: وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَٰبًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔونَ (٣٤:٤٣)

می تکیه کنند ١، تکیه زنند ٢٤

يَتَكَبَّرُونَ: سَأَصْرِفُ عَنْ ءَايَٰتِيَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي ٱلْأَرْضِ (١٤٦:٧)

کمی بزرگ منشتی کنند ١، گردن کشی کردند ٣، بُزرگ منشی کُنند ١٠، بزرگی می کنند ٢٩، گردن کشی میکنند ٣٠، بزرگ منشی می کنند ٣٥، بُزُرگ مَنِشی و گردَن کِشی میِ کُنَند ٥٥، بزرگ منشی کردند ٥٦، بزرگی کنند ٦١، گردن کشی می کنند ٦٣، بزرگ منشی و گردنگشی می کنند ٩١، گردنکشی می کنند ٩٦، گردنکشی کردند ١٠٠، بزرگی میکنند ١١٤، گردن کشی کردن ١٢٤، بزرگی نمایند ١٢٦، گردنکشی میکنند ١٢٧، سرکشی میکنند ١٣٠

يَتَكَلَّمُ: فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُواْ بِهِۦ يُشْرِكُونَ (٣٥:٣٠)

می سخن گهد ١، سخن همی گوید ٢، سخن می گوید ١٤، سخن گوید ٢٤، سخن کند ١١١، سخن میگوید ١٢١، گویا شود ١٣٢

يَتَكَلَّمُونَ: لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ (٣٨:٧٨)

سخون گویند ٣٩، گویند سخن ٩٢

★ لَا يَتَكَلَّمُونَ: لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ (٣٨:٧٨)

سخن نگهند ١، نتوانند سخن گفتن ٢٤، سخن نگویند ٣٠، نتوانند سخن گویند ٦٤، سخن نمی گویند ١١٣، نتوانند دم زنند ١٣٦

يَتَلَٰوَمُونَ: فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَٰوَمُونَ (٣٠:٦٨)

سرزنش می کردند ٣، سرزنش همی کنند ١٠٩، سرزنش میکردند ١٢١

وَلْيَتَلَطَّفْ: فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ (١٩:١٨)

کوناا شنخته رو ١، چابکی کندا ٣، باید که نرمی کند ٢٩، گو پا کیزه کن ٤١، چابک کاری کند

۵۲، نرم و خوش گویَد ۵۳، چابکی کُندا ۵۵، مهربانی کند ۵٦، نرم و خوش گوید ٦۳، چابُک کاری کند ۷۸، نیکو نگاه دارد ۸۸، گو نرمی کن ۹۲، باید که بنرمی سخن گوید ۱۰۰، جابک کاری کند ۱۰۸، باریک نگردا ۱۰۹، چابکی کند ۱۲۹، باید که مدارا کند ۱۳۳، نرمی کند ۱۳۷

يَتَلَقَّى: إِذْ يَتَلَقَّى ٱلْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلْيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ (۵۰:۱۷)
می پدیره آیند ۱، پیش آیند ۳، فرامی گیرند ٦، فراهم آمد ۱۷، بیفکند ۳۰، پیش شوند ۳۹، پیش بازآمدند ۵۱، در پیش شوند ۵٦، بینند ٦٤، بیوفتند ۸۱، فراهم آیند ۹۲، فراهم رسند ۱۰۲، فراگیرند ۱۰۳، فرامیگیرند ۱۰٤، بگیرند ۱۰۸، فراهم رسد ۱۰۹، فرایکدیگر رسند ۱۳۸

يَتْلُوا: يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِكَ (۲:۱۲۹)
بَرخُواند ۲، برخُواند ۱۰، ورخواند ۲٤، خواند ۳۰، برمی خواند ۵۹، همی خواهند ۸۸، برخوآند ۹٤

~: يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ (۲:۱۵۱)
همی خُواند ۲، می ورخواند ۲٤، همی خواند ۸۲

~: يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمْ (۳:۱٦٤)
می خواند ۱، می خُواند ۲، مَی بَرخُواند ۱۰، همی برخواند ٦۲، همیخواند ۱۲۱

~: يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا (۲۸:۵۹)
می برخواندی ٤۷، برخواندی ۷٦

~: يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمْ (٦۲:۲)
میخواند ۲۹، بخواند ۳۰

~: رَّسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٍ (٦۵:۱۱)
برخواند ۲

يَتْلُونَ: وَهُمْ يَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ (۲:۱۱۳)
همی خُوانند ۲، مَی خُوانند ۱۰، می خواندند ۱۰۱، همیخوانند ۱۳٦

~: أُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ (۳:۱۱۳)
همی خُوانند ۲، میخوانند ۳٦

~: بِٱلَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا (۲۲:۷۲)
می خوانند ۱، می خُوانند ۲، خوانند ۳٤

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ (۳۵:۲۹)
همی خوانند ۲۲

~: يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ رَبِّكُمْ (۳۹:۷۱)
می خواندند ۱، همی خواندند ۳۰، بخوانند ۱۳۲

يَتْلُونَهُۥ: ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَتْلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ (۲:۱۲۱)
همی خُوانَند ۲، می خوانند ۳، برخُوانند ۱۰، ورخوانند ۲٤، همی خوانند ۳۸، میخواندند ٦۳، می خواندند ٦٤، میخوانند ۷٤، بخوانند ۹۰، خوانند ۱۰۱، برخوانند ۱۲٤

يَتْلُوهُ: وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ (۱۱:۱۷)
می خواند ۱، سپس همی آید ۲، پی روی کُند ٤۲، پی روی کند ۵۱، از پس همی آید ۵٦، بخواند ٦۱، از پی درآید ٦۳، از پس می رود ۷٦، پس روی میکند ۹۲، برمیخواند ۹۳، خواند ۱۰۰، میخواند ۱۱٤

يُتْلَىٰ: وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِى ٱلْكِتَٰبِ (٤:۱۲۷)
می خوانده شهد ۱، برخُوانند ۲، مَی خُوانند ۱۰، خوانند ۲٤، می خوانند ۲۹، بَرخوانند ٤۵، برخوانده شود ۸۲، خوانده میشود ۱۲۱

~: أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ ٱلْأَنْعَٰمِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ (۵:۱)
خوانده شود ۲، برخُوانَند ۱۰، برخوانده آمد ٤۵، خوانده می شود و پدید کرده شد ۵۸، بخواند ۷۵، خوآنده شوند ۹٤، خوانده خواهد شد ۱۱۱

~: إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (۱۷:۱۰۷)
خوانده شهد ۱، برخوانند ۸، [illegible] خوانند ۲۹

بخوانند ١٣٩

~: إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ (٢٢:٣٠)
خوانده شد ٤٣، خوانده همی اید ٥٣، خوانده شده است ٦٤

~: وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِهِۦٓ إِنَّهُ ٱلْحَقُّ (٢٨:٥٣)
خونده شود ١٣٠

~: أَنَّآ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ (٢٩:٥١)
میخوانند ٤٧

~: وَٱذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِى بُيُوتِكُنَّ (٣٣:٣٤)
خوانده می شود ٣، خواندش ٨٧

يُتِمّ: لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَ (٢:٢٣٣)
بی کم و کاست کند ١٠٩

يَتَمَاسَّا: فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا (٥٨:٣)
یک به دیگر رسند ١، یکدیگر بساوند ٣٠، فرایکدیگر رسند ٣٤، بیکدیگر رسند ٤١، بَسأیند ٤٢، ببساود ٤٣، بیک دیگر رسند ٤٩، گرد آیند ٦١، بهم آیند ٨١، بهمدیگر برسند ٩٦، بهم رسند ١٠٠، بیکدیگر برسند ١٠٦، برسند بیکدیگر ١٢٠، رسیده باشند ١٣٨

~: فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا (٥٨:٤)
بهم آیند ٣٨، بیکدیگر رسد ٥٢، بساوند یکدیگر را ٨٠، با یکدیگر رسند ١٠٣، بیکدیگر رسید ١٠٥، یکدیگر را ببساوند ١٠٨

★ أَنْ يَتَمَاسَّا: فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا (٥٨:٣)
بیکدیگر برسند ١٢٠

يَتَمَتَّعُوا: ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا۟ وَيَتَمَتَّعُوا۟ (١٥:٣)
برخورداری گیرند ١، برخوردار شونـد ٢٩، برخوردار باشند ٤٢، برخَوْرداری ٥٣، بَرخوردارِی گِیرَند ٥٥، برخُورداری کنُد ٥٧، زندگانی کنند ٧٦، برخورداری یابند ٧٩، برخورداری بردارند ٩٤، برخورد آری میگیرند ١٠٠، برخورداری میگیرند ١٠٦، بهره گیرند ١١٥

~: لِيَكْفُرُوا۟ بِمَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا۟ (٢٩:٦٦)
برخورداری کنند ١٤، برخورداری کنند ٢٤، برخورند ٣٠، می زیند ٣٩، برخورداری کنندا ٤٧، زیند ٥٢، همی زیند ١٠٥، برخورداری یابند ١٢٤، بهرور گردند ١٣٢

يَتَمَتَّعُونَ: وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ (٤٧:١٢)
می برخورداری گیرند ١، برخورداری می گیرند ٣، برخورداری کنند ١٧، برخورداری همی کنند ٢٢، برخوردار همی باشند ٣٠، برخورداری گیرند ٣٩، برخورداری می برند ٤١، زندگانی کنند ٤٢، برخورداری می کنند ٤٨، برمی خورند ٥١، برخورداری همی باشند ٨١، برخورداری می یابند ٨٦، برخورداری میکردند ٩٢، برخورد آری میگیرند ١٠٠، برخورداری میکنند ١٠٢، برخورداری یابند ١٠٤، برخوردار میشوند ١١٦، برخورداری میگیرند ١٣٤، برخوردار شوند ١٣٦

يَتَمَطَّىٰ: ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ (٧٥:٣٣)
می خرامید ٣، شادمان ١٩، پشت می کشید ٢٩، خرامید ٣٠، می پیچد پاء ٣٩، سر می جنباند و ناز می کرد ٤١، خرامان ٦١، میخرامید ٦٧، همی خرامید ٨٨، می خرامد ٩١، خرامنده ٩٢، پشت میکشید ٩٦، بزرگ منشی کرد ١٠٠، می خِرامَد ١٠٤، همی خرامیدی ١٠٩

يَتَمَنَّوْنَهُ: وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُۥٓ أَبَدًۢا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (٦٢:٧)
آرزو برند ٣، خواهند ٥٦، آرزو بردند ٩١، آرزو خواهند ٩٦

★ لَا يَتَمَنَّوْنَهُ: وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُۥٓ أَبَدًۢا (٦٢:٧)
آرزوا نکنند ١، نکنند آرزو ٢، بآرزو نخواهند ٤٢، آرزو مکنید ٤٣، آرزو نخواهند ٤٩، آرزو نبرند ٦١، هرگز ایشان آرزو نبرند ٦٤، آرزو نکنند ٨١،

آرزو نمی کنند ١٣٦، نکنند آرزوی ١٣٩

يَتَمَنَّوْهُ: وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (٢:٩٥)
بآرزو خواهند ٤٠، کنند آرزو ٨٢

★ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ: وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا (٢:٩٥)
نه کُنند آرزو ٢، هرگز نه آرزو برند ٣، بآرزو نخواهند هرگز ١٠، بآرزو نه خواهند ٤٠، آرزو نبرند ٤١، نه آرزو کنید ٥٣، هرگز آرزو نکنند ٦٧، هرگز آرزو نبرید ٧٤، نکنند آرزو ٧٦، نکنند ش آرزو ٨٢، نه هرگز آرزو بردند ٩١، نه آرزو کنند ٩٤، آرزو نکنند ٩٦، هرگز آرزو نبرند ٩٨، هرگز آرزو نکنند ١٠٤، نه هرگز آرزو کنند ١٠٥، نه آرزو برند ١١٤، هرگز آرزو نکردید ١٢٨

يَتَنَاجَوْنَ: وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَ (٥٨:٨)
می رازان کنند ١، راز همی گویند با یک دگر ٢، راز می گویند ٣، راز میگویند ٢٩، راز گفتند ٣٠، همی راز کنند ٣٨، راز گویند ٣٩، راز می گفتند ٤١، راز همی گویند ٥٦، راز با یکدیگر می کردند ٦١، با یکدیگر راز می گویند ٧٩، راز می کردند با یکدیگر ٨١، راز کنند ٩٤، یکدیگر را گفتند ١٠٥، راز همی گویند یک با دیگر ١٠٨، راز میگفتند ١٣٢، رازی میگویند ١٣٨

يَتَنَازَعُونَ: إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ (١٨:٢١)
می پیکار کردند ١، سگالیدند با یکدیگر ٣، افسوس کردند ٢٤، گفت وگوی کردند میان یکدیگر ٤١، سِگالیدَند بَا یَکدیگر ٥٥، پیکار می کردند ٥٧، پیکار همی کردند ١٠٨، سگالیدند ١١٤

~: يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (٥٢:٢٣)
یک از دیگر می ستانند ١، از یکدیگر گیرند ٣، بیک دیگر می دهند ٢٤، از یکدیگرها میگیرند ٢٩، از یکدیگر می شتابند ٣٠، همی ستانند از یکدیگر ٣٨، می گردانند ٤١، بیاهنجند ٤٢، می کشند ٤٣، از هم می گریزند و می ربایند ٥١، بیاهنجد ٥٢، دَستَادَسْت می دَهَنْد ٥٣، می ستانند از یکدیگر ٦٤، می ستانند و میدهند ٦٧، از یکدیگر فرا گیرند ٧٩، می ستانند ٨١، یک از دیگر همی شتابند ٨٨، می شتابند ٩٠، ستانند از هم ٩٦، بیکدیگر میدهند و می ستانند ١٠٢، فرایکدیگر دهند ١٠٤، یک از دیگر همی ستانند ١٠٨، بیکدیگر می دهند و می ستانند ١٠٩، داد وستد کنند ١١٦، با یکدیگر دهند و ستانند ١٢٠، دست بدست می دهند ١٢٤، فرادست یکدیگر دهند ١٣٨

فَلْيَتَنَافَسِ: وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (٨٣:٢٦)
بَنازند ٢، شادی کنند ٢٤، گو پیش دستی کنید ٣٦، گو بیاسایند ٤١، بکوشند ٥٦، گو بکوشند ٦١، خواهانی نمایندا ٨٠، خواهانی نمایند ٩١، نبرد کنند تا بازند ١٠٨، خواهان نمایند ١٢١

يَتَنَاهَوْنَ: كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ (٥:٧٩)
باز همی ایستادند ١٠ مکرّر، وَاایستادند ٢٧، باز می ایستادند ٣٦، بازپس شُدند ٤٥، باز شوند ٥٣، باز ایستادند ٦١، باز داشتند ٩٠

★ لَايَتَنَاهَوْنَ: كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ (٥:٧٩)
یک و دیگر را واز نمی زدند ١، نمی بازداشتند یکدیگر را ٣، باز همی نه ایستادند ١٠ مکرّر، بازنمی ایستادند ٢٩، بازنمی داشتند ٣٩، همی باز ناستادند ٤٢، باز نمی بودند ٤٣، همی بازناستند ٥٢، نمی بَازدَاشْتند یکدیگر را ٥٥، باز نمی داشتند یکدیگر را ٥٦، دست بر نمی داشتند ٦٣، باز نبودند ٦٧، نه می داشتند باز ٦٩، باز ندارند ٧٥، باز نمی استادند ٨٤، باز نیستادند ٨٩، باز نداشتند همدیگر را ٩٦، باز نمی ایستانند ١٠٤، چنان که باز نمی ایستادند ١٢٨، باز نمی داشتن یکدیگر را ١٣٠

يتنزّل: يَتَنَزَّلُ ٱلْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوٓا (١٢:٦٥)
مـی فـرود آيـد ١، فـرو آيـد ٢، فـرود آيـد ٣، فرومی فرستد ٤١، فرو آمد ٨٠، فرومی آيد ٩٦، ميفرستد ١٠٠، بفرستد ١٢٥

يتوارى: يَتَوَارَىٰ مِنَ ٱلْقَوْمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓ (١٦:٥٩)
می پنهام شهد ١، پنهان می شود ٣، می پوشاند ٢٩، روی پنهان كند ٣٤، پنهان همی شود ٣٩، می پوشند ٤١، پنهان شود ٤٢، پنهان كند ٤٩، پنهان می شود ٥٥، می پوشد ٥٩، پنهان می كند ٦٠، پنهان دارد ٦٤، نهان شود ٧٤، پوشيده شود ٧٩، پنهان گردد ٩٤، پنهان ميشود ٩٩، پنهان ميكند ١٢٩، پنهان شوند ١٣٤

يتوب: فَأُولَٰٓئِكَ يَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ (٤:١٧)
درگذارد ٢٧، می پذيرد ٣٠، بپذيرد ٦٤، گذارد ٦٧

~: وَٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيْكُمْ (٤:٢٧)
اندر گذارد ٢٩

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ (٥:٣٩)
درگذارد ٢٤، بپذيرد ـ بازگرداند ٣٧

~: ثُمَّ يَتُوبُ ٱللَّهُ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ (٩:٢٧)
درگذاشت ٢٤

~: عَسَى ٱللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٩:١٠٢)
به پذيرد ١٢٨

~: فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابًا (٢٥:٧١)
وازآيد ١، می گردد ٢٠، بازگردد ٢٤، می بازگردد ٤٧، بازمی گردد ٦٤، بازآمده بود ١٠٠، بازميگردد ١٠٢، بازگشت كند ١٣٢، بازآمده باشد ١٣٨

يتوبوا: فَإِن يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ (٩:٧٤)
واگردند ٢٤، بازگردند ٥٥، بازگردند بخدای ٩١، آيند ١٠٠

~: ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوٓا (٩:١١٨)
پشيمانی خوردند ٢٤، بازگشتند ٣٦، بازآيند ٦٣

★ لم يتوبوا: إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُوا ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا (٨٥:١٠)
نه بازگشتند ٨٠، بازنگشتند ١١٤

يتوبون: ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ (٤:١٧)
بازمی گردند ٣، پشيمانی خورند ٤٠، بازآمدند ١٠٠

~: أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُۥ (٥:٧٤)
بازگردند ٣، وازخواهند گرديدن ٢٧، بازگردند ٥٥، پس ميگردند ١٢٦

~: يُفْتَنُونَ فِى كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ (٩:١٢٦)
بازهمی آيند ٦٣

★ لايتوبون: أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ (٥:٧٤)
بازنگردند ٢، بازنگردند ٤٢، بازنمی آيند ٦٣، بازپس نمی گردند ٨٤، بازنميگردند ١٠٤، بازگشت نميكنند ١٢٢

~: يُفْتَنُونَ فِى كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ (٩:١٢٦)
بازنمی آيند ٩٣

يتوفاكم: وَهُوَ ٱلَّذِى يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيْلِ (٦:٦٠)
می ميراند ١، جان بردارد ٤٢، بخسباند ٤٣، بخواباند ٧٦، همی بخواباند ٨٢، بردارد ٩٤، در خواب ميكند ١١١، ميخواباند ١٢٢، جان بردار ١٢٨

~: وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ ٱللَّهَ ٱلَّذِى يَتَوَفَّىٰكُمْ (١٠:١٠٤)
بميراند ٢، جان بستاند ٢٩، جانها فراگيرد ٦٢، جان بستاند ١٠٠، ميميراند ١١١، همی بميراند ١٢٨

~: وَٱللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّىٰكُمْ (١٦:٧٠)
بميراند ١، بميرانيد ٥٣، ميراند ٥٥، جان ستاند

۵۹، بردارد جان ۹۴

~: قُلْ یَتَوَفّٰکُم مَّلَکُ الْمَوْتِ الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ (۳۲:۱۱)
میراند ۳، جان برگیرد ۳۴، بستاند جان ٦٤

یَتَوَفّاهُنَّ: فَأَمْسِکُوهُنَّ فِی الْبُیُوتِ حَتّٰی یَتَوَفّٰهُنَّ الْمَوْتُ (۱۵:٤)
بمیراند ۱، جان بستاند ۲، برگیردشان ۳، سپری کند ۱۰، بیاید ۲٤، برسد ۳٦، سپری کند ۳۹، جان بستاند ٤۲، بمیرند ۵٦، جان بستاند ٦۳، دررسد مرگ ٦٤، دریابد ٦۷، جان برگیرد ۹۷، جان بستاند ۱۰۰، جانشان بردارد ۱۱۲، جان ایشان بستاند ۱۱۸، بردارد ۱۳۵

یَتَوَفَّوْنَ: وَالَّذِینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنکُمْ وَیَذَرُونَ أَزْوَاجًا (۲:۲۳٤)
می میرند ۱، بمیرند ۲، جان برگیرند بمیرند ۱۰، بمیرند ۲٤، بمیرانندشان ۲۷، جان برکنند ۳۰، بمیرد ٤۰، بمیرند ٤۲، میرانیده می شوند ۵۵، بمیرانندشانرا ٦۱، بمردند ٦۲، جان دادند ٦۳، میرانده شوند ۷٤، جان بستانند ایشانرا ۸۵، جان بردارند ۱۰۲، جان بستاند ۱۰٦، جان ستانده شوند ۱۰۹، میمیرند ۱۲۲، جان بستانندشان ۱۳٦

~: وَالَّذِینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنکُمْ وَیَذَرُونَ أَزْوَاجًا (۲:۲٤۰)
میرانیده می شوند ۳، جان برگیرند ۱۰، فرمان یاوند ۳٤، بمیرانیده شوند ٦۱، میرانیده شوند ۸۰، جان ستاننده شوند ۱۱۲، بمرگ میرسند ۱۲۲

یَتَوَفَّوْنَهُمْ: حَتّٰی إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا یَتَوَفَّوْنَهُمْ (۷:۳۷)
می میرانند ۱، جان بستانند ۲، جان بردارندشان ۳، جانها بستانند ۱۰، جان بستانند ۱۰ مکرر، ورگیرد جانشان ۲٤، بستانند جانها ۳۹، بمیرانند ٤۵، جان بردارندشان ۵۵، بمیرانند ۵٦، می میراند ۵۸، جان ستایند ۸۵، بازستانند جانهای ایشانرا ۹٤، بستانند ۱۰٤، جان بستاند ۱۰۵، سپری کنند جان ستانند ۱۰۹، بگیرند جان ۱۲۲، جان می ستانند ۱۲٦، بازستانند ۱۲۸، جان ستانند ۱٤۰

یَتَوَفّٰی: وَلَوْ تَرَیٰ إِذْ یَتَوَفَّی الَّذِینَ کَفَرُوا (۸:۵۰)
می میرانند ۱، جان بستاند ۲، جان برگیرند ۳، جان می ستدند ۱۰، بمیرند ۲٤، جان بستانند ۲۹، فراگیرد جان ۳٤، جان بردارند ۳۸، بستدند ۳۹، جان برگیرند ۵۵، بمیرانند ۵٦، جان ستاند ۵۷، فراگیرند جان ٦۲، جان می ستانند ٦٤، جان میستانند ٦۷، جان ستانند ۷۹، میرانید ۹۲، همی فراگیرد ۹۳، بستانند ۹٦، جان برمیدارند ۱۳٦

~: اللّٰهُ یَتَوَفَّی الْأَنفُسَ حِینَ مَوْتِهَا (۳۹:٤۲)
بمیراند ۱، میراند ۳، جان بردارد ۲۲، جان بردارد ۲۹، ستاند جانها ٦۵، بستاند ٦۷، بمیراند ۸۱، بردارد ۹۲، جان بستاند ۱۰٦، میگیرد ۱۳۲

یُتَوَفّٰی: وَمِنکُم مَّن یُتَوَفّٰی (۲۲:۵)
میرانیده شهد ۱، بمیرانندش ۲، میرانیده شود ۳، بمیرانندش ۲٤، جانش بستانند ۲۹، میرانده شود ٤۳، بمیراند ۵۳، جان ستانده می شود ۷۹، جان برداشته شود ۱۰۲، جان ستاده می شود ۱۱۳، جان بستاند ۱۱۷، جان بستانند او را ۱۳۸، بمیرانیده شود ۱۳۹

~: وَمِنکُم مَّن یُتَوَفّٰی مِن قَبْلُ (٤۰:٦۷)
بمیرد ۳۸، بمیراند ۵٦، بمیراند او را ۹۲

یَتَوَکَّلْ: وَمَن یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ (۸:٤۹)
وستام کند ۱، سپارد کار خویش ٤۲، دل بنهد ۵۸، سپارد ۹٦، بخدا سپارد ۱۰۵، بازگذارد ۱۲۰، بسپارد کار خویش را ۱۲٤، بپازد کار خویش ۱۲۸، بازگردد ۱۳۰

~: قُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ عَلَیْهِ یَتَوَکَّلُ الْمُتَوَکِّلُونَ (۳۹:۳۸)
وستام کنند ۱، دل بندند ۲، دل بندند ۳۰

* لِیَتَوَکَّلِ: وَعَلَی اللّٰهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۳:۱۲۲)
کووستام کنید ۱، پشت بازنهد ۳۹، سپارند کار خویش ٤۲، سپارند کار خویش ۵۲، سپارندا کار

خويش ٨٣، سپارید کار خویش ٩٨

~: وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ (٣:١٦٠)
بسپارند کار خویش ٢٩، سازند کار خویش ٥٢، بسپاریت ١٢٨، بسپارند ١٢٩

~: وَٱتَّقُوا ٱللَّهَ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ (٥:١١)
کوو ستام کنند ١، باید گذاشتن کار خویش ١٠ مکرّر، باید گذاشتن کار خُویش ٤٢، باید گذاشتن کارها ٩٤، باید گذاشتن کارهای خویش را ١٢٨

~: وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ (٩:٥١)
گذارند کارهای خویش ٩٤، گذارند کار خویش ١٢٨

~: عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ (١٢:٦٧)
سپارند ٢

~: وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ (١٤:١١)
کار بازگذاردا ١٠٩، گذارند کارها ١٢٨

~: وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ (١٤:١٢)
گذارند کارها ٩٤، گذارد کارها ١٢٨

~: وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ (٥٨:١٠)
بسپارند کارهای خویش ١٢٤، باید گذاشتن ١٣٩

~: وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ (٦٤:١٣)
باید کار واگذارند ٩٦

يَتَوَكَّلُونَ: وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (٨:٢)
می وستام کنند ١، مانند کار خویش را ٥٢، کار با وی گذارند ٩٣، گذارند کارها ٩٤، کار خویش بازگذارند ١٠٩، کار خود را باو بازگذارند ١١١

~: ٱلَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (١٦:٤٢)
می وستام کنید ١، بازمیگذارند ١٢٠، بسپاردند کار خویش ١٢٤

~: ٱلَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (٢٩:٥٩)
دل نهند گان ٣٠، دل نهند ١٠٨

~: لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (٤٢:٣٦)
کار باز گذاشتند ٩٢

يَتَوَلَّ: وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا (٥:٥٦)
بدوشت گیرد ٢، دوست دارد ٣، گردد ٢٤، دوست گیرد ٢٩، پناه برد ٤١، بدوستی گیرد ٤٢، دوستی گیرد ٤٣، دوستی کند ٧٩، دوستی ورزد ٨٤

~: وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا (٤٨:١٧)
وازگردد ١، روی گرداند ٣، روی درگرداند ٦، برگردد ١٧، بگردد ٦١، بازگردد ٩٩

~: وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِيُّ ٱلْحَمِيدُ (٥٧:٢٤)
روی بگرداند ٣٠، روبگرداند ١٠٨

يَتَوَلَّهُمْ: وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُۥ مِنْهُمْ (٥:٥١)
دوست گیرد ١٠ مکرّر، دوستی کند ٢٤، دوستی گیرد ٢٧، دُوست گیرد ٤٢، بدوستی کرد ٥٨، بدوستی گیرد ٦٢، روی بگرداند ٩٢، دوست گرفت ١٠٤

~: وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ (٩:٢٣)
دوستی دارد ٣، دوستی و یاری و پیوستگی کند ١٠، دوست دارد ٢٧، پناه برد ٤١، یار گیرد ٤٢، بدوست گیرد ٥٧، بدوستی گیرد ٥٨، روی گرداند ٦١، دوستی میکند ٦٤

~: وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ (٦٠:٩)
برگردد ٩٢، درگیرد ١٣٩

يَتَوَلَّوْا: قَدْ أَخَذْنَآ أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَيَتَوَلَّوا (٩:٥٠)
وازگشتند ١، برگردند ٣، بَرگردَند ١٠، ورگردند ٢٤، برگردیدند ٣٨، روی می گردانند ٤١، بَرگردَند ٥٥، روی بگردانیدندی ٥٨، روی

گردانند ٦١، گردند ٩٢، روی بگردانید ند ١٢١، بگردند ١٢٤

~: وَإِن يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ ٱللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا (٩:٧٤)
واز گردند ١، روی بگردانند ٤١، بر گردند ٥٣، بَر گردند ٥٥، باز گردند ١٢٨

يَتَوَلَّوْنَ: ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ (٥:٤٣)
می واز گردند ١، همی بَگردند ٢، برمی گردند ٣، همی بر گردند ١٠ مکرّر، ورگردند ٢٤، می ورگردند ٢٧، بر گردیدند ایشان ٢٩، دوست شوند ـ واز گردند ٣٧، روی می گردانند ٤١، همی بر گردَند ٤٢، همی بَر گردَند ٤٥، می بَر گردَنْد ٥٣، روی بگردانند ٥٦، روی میگردانند ٥٨، گردند ٦٠، بر گردند ٦١، بگردانند ٦٧، می بر گردند ٧٦، بگردند همی ٨٢، پشت میگردانند ٩٦، بر گشتند ١٠٠، برمیگردند ١٠٢، رومیگردانند ١٢٢، روی گردانند ١٢٧، باز گردند ١٢٨، بازبرمیگردند ١٢٩

~: تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا
(٥:٨٠)
بدوست گیرند ٢، دوستی می دارند ٣، بدوستی گیرند ١٠ مکرّر، دوستی کنند ٢٤، دوستی می کنند ٢٧، دوستی دارند ٢٩، دوست می گیرند ٣٦، دوستی می گیرند ٣٧، درمی گیرند ٣٩، پناه می برند و یار می گیرند ٤١، بدوست گیرند ٤٢، همی دوستی گیرند ٤٥، می دوستی گیرَنْد ٥٣، دوستی میکنند ٧٩، دوستی گیرند ٩٢، دوستی بگیرند ٩٨، دوستی میکردند ١٠٠، دوست میگیرند ١٠٢، دوست میدارند ١٢١، دوست گیرند ١٢٨

يَتَوَلَّوْنَهُ: إِنَّمَا سُلْطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُۥ (١٦:١٠٠)
دُوست گیرند ٢، ورگردد ٢٤، دوست می دارند ٣٠، دوستی گیرند ٣٩، دوست و یار گیرند ٥٢، دوست گیرَند ٥٣، دُوسْت میدارَند ٥٥، دوست دارند ٥٦، دوست می گیرند ٥٨، دوستی گرفتند ٥٩، روی میگردانند ٦١، دوستی کنند ٦٣، دوست میگیرند ٧٤، بگردند ٧٦، فرمان برداری می کنند ٧٩، روی گردانند ٩٢، دست بازدارند ٩٦، دوستی کردند ١٠٠، دوست میدارند ١١١، بیاری گیرند ١٢٤، دوست گیرند ١٢٥، بیاری گیرند و دوستی ١٢٨

يَتَوَلَّىٰ: ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُم مُّعْرِضُونَ (٣:٢٣)
می واز گردد ١، روی می گردانند ٣، مَی بر گردند ١٠، ورگردیدند ٢٤، روی می بگردانند ٢٥، برمی گردند ٢٧، می گردند ٢٨، بر گردد ٢٩، روی بگردانند ٥٦، بر گردند ٦٠، همی گردد ٦٢، برمیگردند ٦٣، می گردانید روی ٦٤، بگرداند ٧٤، بگردد ٧٥، باز همی گردند ٨٢، روی گردانید ٩٢، همی گردند ١٠٥، برمیگردد ١٢١، پشت میکند ١٣٠

~: وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّٰلِحِينَ (٧:١٩٦)
بخود می گیرد ٣، نِگه دارد ١٠، دوست دارد ٢٤، یار بود و نگاه دارَد ٢٧، درپذیرد ٣٥، پناه داد ٤١، نگاه دارنده ٥٣، نگاه دارد ٥٦، میگردانند ٦١، نگاه دار است ٦٢، کارساز ٦٤، بخود پذیرنده است ٨٣، نگاه دار ٨٨، نگاه میدارد ٩٣، بخود پذیرفته است ١٠٥، دوست میدارد ١١١، نگه دارد ١١٢، یار باشد ١٢٤، دوست دار و کارگذار ١٢٧، دُوست دارد ١٣٦

~: ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ (٢٤:٤٧)
همی بر گردد ٢٤، بگرداند روی ٣٩، می بر گردند ٤٧، روی بگردانید ند ٥٤، روی بر گردانید ند ٧٧، بر گشتند ١٠٠، روی میگردانند ١٠٣، باز گردن ١٠٨، برمی گردد ١١٣، پشت کردند ١٣٢، بر گردیدند ١٣٨

ٱلْيَتِيمِ: وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ ٱلْيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (٦:١٥٢)
بی پدر ٣، بی پدران ٤٣

~: وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي (٣٤:١٧)
بی پدْر ٢، بی پَدَر ٥٥، پدرمرده ٧٤

~: كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (١٧:٨٩)
کودک بی پدر ١٣٢

يَتِيمًا: وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا (٨:٧٦)
خوردسال بی پدر ١٣٠

~: يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (١٥:٩٠)
بی پدر ٢

~: أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ (٦:٩٣)
کودک بی پدر ١٢٠، بی پدر و مادر ١٣٦

يَتِيمَيْنِ: وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ (٨٢:١٨)
بی پدران ٢، بی پدر ٣، دو بی پدر ٤٣، بی مادر و پدر ٦١، بی پدر و مادر ١٢٩

يَتِيهُونَ: يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ (٢٦:٥)
هکوی می گردند ١، سرگشته همی گردند ٢، سرگردان میروند ٣، سرگشته می گردند ٤٢، سَرگردان می رَوند ٥٥، سرگردان می روند ٥٧، سرگردان بمانند ٥٨، می گردند ٦٩، سرگردان می باشند ٧٥، گم شد ٧٨، سرگردان روند ٩١، سرگشته شوند ١٠٠، سرگشته میگردند ١٠٥، سَرگشته می گردند ١٠٩، سرگردان خواهند بود ١٢٢

يُثْبِتُ: يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ (٣٩:١٣)
باستاند ١، استوار گرداند ٢، برجای دارد ٣، استوار کند ٣٩، استوار می کند ٤١، بماند ٥٣، بَرجای دارَد ٥٥، جای دهد ٥٧، بدارد برجای ٦٧، بدارد ٧٦، استوار گرداند و بنهد و هست کند ٨٣، استوار دارد ١١٤

يُثَبِّتَ: وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (١١:٨)
باستاند ١، استوار کند ٣، نگه دارد ١٠، بدارد ٢٤، برجای دارد ٤٢، استوار گرداند ٥٢، اُستوار کُند ٥٥، بدارد استوار ٥٦، ستوار کند ٦٤، بیستاند ٧٢، استوار دآشت ٩٤، استوار داشت ١٢٤

~: يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ (٢٧:١٤)
اِستوار گرداند ٢، استوار می دارد ٣، برجای بدارد ٥، ورجای بدارد ٢٩، اُستوار مي دارَد ٥٥، نگاه دارد ٦٠، استوار گَرداند ٦١، استوار و برجای دار ١٠٩

~: لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَ (١٠٢:١٦)
اِستوار گرداند ٢، استوار دارد ٣، بیارامد ٢٤، بر جای بدَارد ٤٢، بر جا بدارد ٤٨، بدارد ٥٣، نگاه و سخت دارد ٥٨، سخت دارد ٧٢، درآرد ١٢٤

~: إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (٧:٤٧)
سخت بدارد ٢٢، بجای بدارد ٢٤، پایدار کند ٥٦، استوار سازد ١٠٣، استوار میدارد ١٢٠، استواردار دارد ١٢٦، سخت دارد ١٣٩

لِيُثْبِتُوكَ: وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ (٣٠:٨)
وازگیرند ١، بازدارند ٣، اندر زندان پنامَند یا اندر میان دیوار گیرَند ١٠، وادارند ٢٤، زندان کنند ٣٤، ببند کنند ٣٥، بَازدارَندَ ٥٥، بزندان کنند ٥٧، در خانه کنند ٥٨، بند گردانند ٦١، استوار کنند ٨٣، در زندان کنند ٨٨، اندر زندان کنند ترا ٩٣، بدارند ١١٢، بند کند ١١٣

يُثْخِنَ: حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ (٦٧:٨)
بسیار کشد ٣، تباهی کند ٢٧، بسیار بکشد ٢٩، استوار شوند ٤١، بسیارْ کُشَند ٥٥، کشتن کند بسیار ٥٦، سست کَند ٥٧، بسیار کند کشتن ٥٨، کشد ٦٣، کشتها کنند ٦٤، کشش کنند شان ٦٥، کشته کند شان ٦٦، فراز کند کشتن ٧٢، کشتن کنند ٧٨، خسته کردی ٨٣، بسیار کُشد ٨٩، کشند ٩٢، بیفکند ٩٤، گشن کند ٩٩، خسته نگردی ١٠٥، بسیار کشد و سست و خسته کند ١٠٩، کشتار کند ١٢٠، دورشوند ١٢١، خسته کند

۱۲۹، بکشد ۱۳۰، بکشند ۱۳۳، بسیار بکشند ۱۳٦

يَثْقَفُوكُمْ: إِن يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُواْ لَكُمْ أَعْدَآءً (۲:٦۰)
کند ند ۱، یابند ۳، بگیرند ۳۰، دریابند ۳٦، بیابند ٤۲، بیابند ٦۱، دست یابند ٦۹، دریآ بند ۱۰۰

يَثْنُونَ: أَلَآ إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُواْ مِنْهُ (۱۱:۵)
می دوتا کنند ۱، درمی پیچند و دوتاه می کنند ۳، دوتا کنند ۱۳، پنهان کنند ۲٤، همی دوتا کنند ۲۷، وامی گردانند ۲۹، پنهان می دارند ۳٦، دوتا می کنند ۳۸، برهم می نهند ۳۹، دورنگ می دارند ٤۱، دوتا همی کنند ۵۳، درمی پیچند و دو تاه می کنند ۵۵، دوتاه می کنند ۵۷، می پوشند ٦۰، همی برگردانند ٦۲، دوتا میکنند ٦۷، دوتان می کنند ۷۲، برگردانند ۷٦، دوتااند ۹۰، دوباره می کنند ۹۱، همی دو باشند ۹۲، درنمی نوردند و فرامیگیرند ۱۱۱، می چسبانند ۱۱۲، دوتا میکند ۱۱٤، درمی نوردند ۱۱٦، درمینوردند ۱۲۷، بازمیگردانند ۱۳٦

يُجَادِلُ: فَمَن يُجَادِلُ ٱللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٤:۱۰۹)
پیکار کند ۱، پیکار خواهد کرد ۱۰، سخن گوید ٦٤، سخن کند ۹۰

~: وَيُجَـٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلْبَـٰطِلِ (۱۸:۵٦)
پیکار کنند ۱، پیکار می کنند ۳۰، می ستیهند ٤٤، بستیهید ند ٤۹، داوری کنند ۵۹، پیکار میکند ۷٤، پیکار همی کنند ۹٤، کارزار کنند ۱۳۹

~: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَـٰدِلُ فِى ٱللَّهِ بِغَيْرِ (۲۲:۳)
می پیکار کند ۱، پیکار همی کند ۲

~: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَـٰدِلُ فِى ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (۳۱:۲۰)
پیکار همی کند ۲، پیکار می کند ٤۳، پیکار کند ۵٦

★ مَا يُجَادِلُ: مَا يُجَـٰدِلُ فِىٓ ءَايَـٰتِ ٱللَّهِ (٤۰:٤)
پیکار نمی کنند ۱، جنگ نکنند ۲، پیکار نکنند ۳۰، نکنند پیکار ۸۱، نکنند پیکار ۹۸، پیکار نمیکند ۱۱٤

يُجَادِلُنَا: وَجَآءَتْهُ ٱلْبُشْرَىٰ يُجَـٰدِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ (۱۱:۷٤)
می پیکار کند ۱، پیکار میکرد ۲۹، پیکار کردند ٤۳، می گفت ۵۵، پیکار درگرفت ۵٦، پیکار می کرد ۵۸، سخن گفت ٦۳، پیکار کند ۹۲، پیکار همی کرد ۹٤، پیکار کرد ۱۱۲، می گفت ۱۱٤، سخن بسیار کرد ۱۲۲

لِيُجَادِلُوكُمْ: وَإِنَّ ٱلشَّيَـٰطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَـٰدِلُوكُمْ (٦:۱۲۱)
پیکار کنند ۱، پیکار کنند ۲، کارزار کنند ۲۷، پیکار کنند ۵۵، تیمار کنند ۷۸، جنگ کنند ۹٦

يُجَادِلُونَ: وَهُمْ يُجَـٰدِلُونَ فِى ٱللَّهِ (۱۳:۱۳)
می پیکار کنند ۱، پیکار همی کنند ۲، جنگ می کنند ۵، جنگ کنند ۲۵، پی کار میکنند ۳۰، داوری کنند ٤۹، همی پیکار کنند ۵۳، پیکار می کنند ۵۵، پیکار می د آرند ۵۷، پیکار میکنند ٦۱

~: ٱلَّذِينَ يُجَـٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَـٰتِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَـٰنٍ (٤۰:۳۵)
پیکار می کنند ۳، پیکار همی کنند ۳۰، پیکار کنند ۵٦، پیکار کردند ۸۱

يُجَادِلُونَكَ: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوكَ يُجَـٰدِلُونَكَ (٦:۲۵)
می پیکار کنند ۱، پیکار کنند ۲، پیکار کنند با تو ۳، داوری کنند ٤۹، کارزار کنند ۵۳

~: يُجَـٰدِلُونَكَ فِى ٱلْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ (۸:٦)
پیکار می کنند ۳، پیکار و جنگ و پرخاش می کنند ۱۰، پیکار میکنند ۲۹، پیکار می کردند ۵۷، جنگ می کنند ۱۲۱

يُجَارُ: وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ (۲۳:۸۸)
زینهار داده شود ۸۷

★ لَایُجَارُ: وَهُوَ یُجِیرُ وَلَا یُجَارُ عَلَیْهِ (۲۳:۸۸)
زنهار داده نشهد ۱، زینهار داده نشود ۳۹، نرهانند ۴۱، زنهار نبود ۵۴، زینهار ندهد ۶۱، فریاد نرسد ۷۶، زنهار داده نشود ۷۷، فریاد نخواهند ۹۴، زنهار ندهند او را ۱۰۰، زنهار ندهد ۱۰۸، فریاد نرسند ۱۱۹، پناه داده نشود ۱۲۲، زینهار داده نمیشود ۱۳۰، زنهار ندهند ۱۳۴

یُجَاهِدُ: وَمَن جَٰهَدَ فَإِنَّمَا یُجَٰهِدُ لِنَفْسِهِ (۲۹:۶)
همی بکُوشد ۲، کارزار می کند ۳، بکوشد ۴۶، کارزار کند ۶۱، می کوشد ۷۴، کوشش نماید ۸۶، همی کوشد ۹۴، کوشش میکند ۱۰۲، همی بکوشد ۱۰۸

یُجَاهِدُوا: ٱلَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْیَوْمِ ٱلْأَخِرِ أَن یُجَٰهِدُوا۟ (۹:۴۴)
بکُوشنْد ۵۵، کوشش کنند ۱۲۱

~: وَکَرِهُوٓا۟ أَن یُجَٰهِدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ (۹:۸۱)
بکوشند ۴۱، کارزار کنند ۱۲۱

یُجَاهِدُونَ: یُجَٰهِدُونَ فِی سَبِیلِ ٱللَّهِ (۵:۵۴)
کارزار کُنند ۲، کارزار می کنند ۳، کارزار کنند ۱۰ مکرّر، کارزار همی کنند ۲۹، می کوشند ۴۱، کارزار کُنند ۴۲، کوشش کنند ۴۸، کارزار همی کنند ۵۳، کارزار کنید ۷۵

یُجَاوِرُونَكَ: ثُمَّ لَا یُجَاوِرُونَكَ فِیهَآ إِلَّا قَلِیلًا (۳۳:۶۰)
همسایگی کنند ۳

★ لَایُجَاوِرُونَكَ: ثُمَّ لَا یُجَاوِرُونَكَ فِیهَآ (۳۳:۶۰)
از همسایگی نگیرند ۱، همسایگی ندارند ۲، نه همسایگی کنند ۱۸، همسایگی ندارد ۳۰، زینهاری نباشند ۳۹، نکنند همسایگی ۴۱، همسایگی مکنند ۵۸، همسایه نگرفتند ۷۴، هم سرایگی ندارند ۱۰۸

یَجْأَرُونَ: حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذْنَا مُتْرَفِیهِم بِٱلْعَذَابِ إِذَا هُمْ یَجْـَٔرُونَ (۲۳:۶۴)
می زاری کنند ۱، زاری کنند ۳، زاری میکنند ۲۹، زینهار همی خواهند ۳۰، فریاد می خواهند ۳۴، بنالند ۳۹، بناله و فریاد و زاری درآیند ۴۱، بانگی و دادی می کنند ۴۷، زنهار خواستَنْد ۵۳، فریاد همی دارند ۵۴، زاری می کنند ۵۶، می خروشیدند و فریاد می کردند ۵۸، زاری کردند ۶۱، می جاوند و می نالند ۶۴، بانگ و زاری می کنند ۶۵، می خوانند ۷۶، می خروشند ۷۷، فریاد همی خواهند ۸۸، میخروشند ۹۹، زاری میکردند ۱۰۰، بفریاد آمدند ۱۰۳، باشند زاری کنان ۱۰۵، زاری همی کردند ۱۰۸، می زارند ۱۰۹، فریاد درگیرند ۱۱۱، بفریاد آیند ۱۱۶، پناه می گیرند ۱۱۹

★ لَایُجِبْ: وَمَن لَّا یُجِبْ دَاعِیَ ٱللَّهِ (۴۶:۳۲)
پاسخ نکند ۳، فرمان نبرد ۸۶، پاسخ ندهد ۱۳۶

یُجْبیَ: أَوَلَمْ نُمَکِّن لَّهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا یُجْبَىٰٓ إِلَیْهِ (۲۸:۵۷)
می گرده شهد ۱، گرد آورده می شود ۳، همی آورند ۲۴، می برند ۲۹، همی آرند ۳۰، می آرند ۴۱، گرد کرده شد ۴۳، گرد کنند ۴۶، می کشند و می آرند ۴۷، می آورند ۵۳، گرد کرده شد ۵۶، گرد کرده می شود ۶۴، گرد کرده شود ۸۷، گردند ۹۰، فرود آورده می شود ۹۱، کشیده می شود ۱۰۳، گرد همی آرند ۱۰۸، آورده شود ۱۰۹، گرد آورده شود ۱۱۴، کشیده میشود ۱۲۰، گرد آورده میشود ۱۲۱، آورند ۱۲۸

یَجْتَبِی: وَلَٰکِنَّ ٱللَّهَ یَجْتَبِی مِن رُّسُلِهِۦ مَن یَشَآءُ (۳:۱۷۹)
بگزیند ۱، بگزیند ۲، برمی گزیند ۳، برگزیند ۱۰، گزیند ۲۳، ورگزیند ۲۴، برگزیند ۴۲، برگذیند ۹۰، برگزید ۹۶، برمیگزیند ۱۰۲، برگزینند ۱۱۸، می گزیند ۱۲۱، برمیگزند ۱۲۲

~: اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ (۱۳:۴۲)
برگزیند ۲۲، برمی گزیند ۳۲، بگزیند ۱۰۵، میگزیند ۱۲۱

یَجْتَبِیكَ: وَكَذَٰلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ (۶:۱۲)
بگزیند ۱، بگزیند ۲، برگزیندت ۳، ورگزیند ۲۴، برگزید ۴۱، بگیزیند ۵۳، برگزیندت ۵۵، می گزیند ۵۸، برگزیند ۶۱، برگزیند ۷۶

یَجْتَنِبُونَ: وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ (۳۷:۴۲)
می دوربند ۱، همی پرهیزند ۲، دور می شوند ۳، همی بپرهیزند ۲۲، بپرخیزند ۲۴، می پرهیزند ۲۹، کناره کردند ۳۰، دور می شوند ۳۲، دور شوند ۳۹، بازاستند ۴۲، دور شوید ۵۳، بپرهیزید ند ۶۱، دور می باشند ۸۷، بمی پرهیزند ۸۹، دوری جستند ۱۰۰، بیکسو شد ند ۱۰۲، بیکسو میروند ۱۰۳، پرهیزگاری می نمایند ۱۰۴، بیکسو همی شوند ۱۰۹، دوری کنند ۱۱۴، دوری گزینند ۱۲۱، دور میشوند ۱۲۶، دوری میکنند ۱۳۶

~: الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ (۳۲:۵۳)
بپرهیزند ۲، پرهیز کنند ۳۹، دوری می گیرند ۴۱، پرهیز می کنند ۵۶، برگزید ند ۶۱، دور باشند ۶۴، دورشد ند ۸۰، پرهیزید ند ۸۱، دوری مینمایند ۸۶، کناره کنند ۸۸، پرهیزند ۹۶، بیکسو شوند ۱۰۹، پرهیز میکنند ۱۱۳، کرانه کنند ۱۲۴، دوری می کنند ۱۳۶

یَجْحَدُ: وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ (۴۷:۲۹)
خستون نشود ۹۲، ستیهد ۱۰۹

مَا یَجْحَدُ: وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ (۴۹:۲۹)
منکر نشوند ۳۰، ناخستون نشوند ۶۴

~: وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (۳۲:۳۱)
بی ستود نشود ۴۷، بستاده نشود ۱۰۸، انکار نمی کنند ۱۳۸

یَجْحَدُونَ: وَلَٰكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۳۳:۶)
می نارای شند ۱، بازایستند ۹، ناشناختی میکنند ۱۰۹، پیکار می کنند ۱۱۹

~: أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۷۱:۱۶)
نستوه می شوند ۳۰، بستاوه شد ند ۴۲، بستاده شد ند ۵۲

~: الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۶۳:۴۰)
انکار کنند ۱۳۶، انکار می کنند ۱۳۸

★ [کَانُوا] یَجْحَدُونَ: وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۵۱:۷)
می نارای شد ند ۱، همی بستاوه شد ند ۱۰ مکرّر، ستاده شدن ۱۰۵، می ستیهید ند ۱۰۹، همی بستهید ند ۱۴۰

~: الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۶۳:۴۰)
می نارا شد ند ۱، بازاستاده ۵۳

~: وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۱۵:۴۱)
بازایستاده ۵۳

~: لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۲۸:۴۱)
بستوه شد ند ۳

یَجِدْ: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ (۱۹۶:۲)
یاوَد ۶۳

~: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (۹۲:۴)
یابی ۴۵

~: وَمَن يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا (۱۰۰:۴)
گندد[1]، یابَد ۴۵

---

۱. گندد: یابد. این ترجمه و مشتقات آن در این قرآن و برخی قرآنهای دیگر بازهم آمده است به واژه نامهٔ فارسی پایان کتاب مراجعه شود.

~: يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا (٤:١١٠)
بیابد ٢

~: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَـٰثَةِ أَيَّامٍ (٥:٨٩)
یابد ١٠ مکرّر

~: فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (٧٢:٩)
یاود ٦

★ لاَيجِدْ: وَلَا يَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا (٤:١٢٣)
نگند ند ١، نه یابد ٥٣، نیابد ٥٧، بازنیابد ٧٦، نیابند ١٣٨

★ لَمْ يَجِدْ: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَـٰثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ (٢:١٩٦)
نه یابد ٣، نه دارد و نه یاوَد ١٠، نیابَد ٤٢، نهْ یاوَد ٦٣، هرگز نیابد ١٠٣، یافت نشود ١١٨

~: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (٤:٩٢)
نگند د ١، نیابد ٢

~: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَـٰثَةِ أَيَّامٍ (٥:٨٩)
نتواند ٤٣

~: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (٥٨:٤)
نیافت ٣٩

★ لَمْ يَجِدْكَ: أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ (٩٣:٦)
نیافت ٦٤، نه یافت ٩٠

★ لَمْ يَجِدْهُ: حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا (٢٤:٣٩)
نگند د[1] ١، نیابد ٢، نَیابَدْ ٥٣، هیچ نیابد ١٠٣، نَیابَد ١١٩

★ أَلَّا يَجِدُوا: أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ (٩:٩٢)
کنمی گند ند ١، کنه یابند ١١، آنکه نیابند ١٢٨

★ لِيَجِدُوا: وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً (٩:١٢٣)
کو گند ند ١، یابندا ٣، بیابند ١٣، باید که یاوند ٢٩، گو بیابیت ٤١، یَابَنْد ٥٣، بیابندا ٥٦، گوبیابند ٦١، یابند ٩٣، باید که یابند ١٠٤

★ لاَيجِدُوا: ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا (٤:٦٥)
نگند ند ١، نیابند ٢٧، نیاوَند ٥٣، نه یابند ٦١، نیافتندی ١٠٠، بازنیابند ١٠٥

~: وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ (٩:٩٢)
همی نیاوند ٥٣، نمی یافتند ١٠٠

★ لَمْ يَجِدُوا: وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا (١٨:٥٣)
نگند ند ١، نیابند ٢، نیاوند ٣٤، نه یافتند ٦١، نیابند هرگز ٦٤، نه یابند ١١٤

~: فَلَمْ يَجِدُوا لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَنصَارًا (٧١:٢٥)
نگندادند ١، نه یاوند ایشان ٦، نیافتند ٣٠

★ لَنْ يَجِدُوا: لَّن يَجِدُوا مِن دُونِهِ مَوْئِلًا (١٨:٥٨)
نگند ند ١، نیابندْ ٢، هرگز نیابند ٥٨، نیاوند ٦٢، نیابند ٧٦

يَجِدُونَ: وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا (٤:١٧٣)
یابند ٣، یابَند ٨٨

~: لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا (٩:٥٧)
گند ندی ١، یاوَندی ١٠، بیابد ١١، یاوندی ٢٤، یافتندی ٢٩، بیابندی ٥٢، یاوَنْد ٥٣، یاوند ٦٠، بیافتندی ٦١، یابندی ١٠٧

~: وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا (٢٤:٣٣)
اومید دارند ٣٠

★ لاَيجِدُونَ: وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (٤:١٢١)
نگند ند ١، نه یابند ٣، نیآبند ١٠٠

---

١. نگندد: نیابد.

~:وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا (۴:۱۷۳)
نیابَند خویشتن ۲، نیاوند ۱۰، نیابّند ۵۳

~:وَٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ (۹:۷۹)
نمی گندند ۱، نمییابند ۱۰۴

~:وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ (۹:۹۱)
نمی یاوند ۲۹، نمی یابند ۴۱، نیابند و یا ندارند ۵۸

~:وَلْيَسْتَعْفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا (۲۴:۳۳)
نیابَند ۲، نتوانند ۴۳، نمی توانند ۱۲۱

~:وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۳۳:۱۷)
نیابند ۲

~:خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۳۳:۶۵)
نیابند ایشان ۵۸، نیابند هیچ ۶۴

~:ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۴۸:۲۲)
بازنیابند ۲، نیاوندی ۶، نیافتندی ۳۹

یَجِدُونَهُ: ٱلَّذِى يَجِدُونَهُۥ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ (۷:۱۵۷)
می گندند ۱، بیافتند ۲۷، می یاوند ۲۹، یابند ۳۵، یَاوَنْد ۵۳، می یابند ۵۷، همی یابند ۶۲، بیابند ۶۴، یافتند ۱۰۰، میابند ۱۳۶

وَیُجِرْکُمْ: وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۴۶:۳۱)
زنهار دهد ۱، رهاند ۳، برهَاند ۲۲، برهاند ۳۰، زینهار دهد ۳۹، نگاه دارد ۴۱، پناه گیرد ۵۱، براند ۵۲، برهَانَدْ ۵۳، واپناه گیرد شما را ۷۹، برهاند و زنهار دهد ۸۶، پناه دهد ۱۲۲، پناه میدهد ۱۳۶

یَجْرِمَنَّکُمْ: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ (۵:۲)
بگیرد ۷۵، زیان دارد ۱۲۴، بگناه افکند ۱۳۶

~:وَيَٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِىٓ أَن يُصِيبَكُم (۱۱:۸۹)
گنه کار کند ۷۲، بردارد ۱۲۴

* لاَیَجْرِمَنَّکُمْ: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ (۵:۲)
نگر کسب نکند ۱، برمَدارِدا ۲، برمداردا ۱۰، مبَردارَدا ۱۰ مکرّر، ورمداریا ۲۴، بَرْمَه آردا ۲۷، برمدارد ۳۰، کار مکناد ۳۶، برندارد ۴۲، بَرندارِدا ۴۵، مَه بزه کارْ کناد ۵۳، بزمند نکناد ۵۷، میفکناد ۶۷، بزه‌مند نباشد ۷۰، بزه نیارد ۷۶، بازمداراد ۸۲، مبرداردا ۸۳، نه برداردا ۸۴، برمدارآد ۱۰۰، بران مدارگو ۱۰۲، برآن ندارد ۱۱۶، گناه ندارد ۱۱۸، نه آزارد ۱۱۹، بدمداراد ۱۳۸

~:وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ (۵:۸)
نه داردا هرآینه هرآینه ۳، بدمداردا، برنداردا ۳۰، نه داردزیان ۴۱، برمداراد ۴۲، نه کندا گناه کار ۴۵، مه بَزهْ کار کناد ۵۳، نَه دَارَدَا هَرَاینه هَرَاینه ۵۵، گناه کار مکندا ۵۶، بزه‌مند مکناد ۷۵، ندارد ۷۶، برمینگیزدا ۸۳، مه برداردا ۸۴، برمد آرد ۹۴، بسر منهاد و گناه کار مسازاد ۹۶، ونه دارد ۹۷، برمدارید ۱۱۲، بران ندارد ۱۲۳

~:وَيَٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِىٓ أَن يُصِيبَكُم (۱۱:۸۹)
ورمدار ۲۴، گنه کار نکند ۳۹، میازراد ۵۲، بزه‌مند مکندا ۵۶، برمداردا ۵۹، برمَدارا ۶۲، گناه نکند ۷۶، میازاردا ۸۳، گناهکار نکند ۹۰، میاراد ۹۶، برآن مداراد ۱۰۲، میازاراد ۱۰۵، سودمند نکند ۱۱۲، نباید که بردارد ۱۱۳، مداراد ۱۱۴، بگناه نیفکند ۱۳۶

یَجُرُّهُ: وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُۥٓ إِلَيْهِ (۷:۱۵۰)
می کشید ۱، فاکَشید ۱۰، بکشید ۲۷، میکشید ۲۹، همی کشید ۴۲، می کَشید ۵۵، بکشد ۶۲، کشید ۹۳، میکشد ۱۳۰

یَجْرِی: كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى (۱۳:۲)
می روند ۱، می رود ۳، می رَوَد ۵۵

~:كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى (۳۵:۱۳)
میرود ۸۶

~:كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى (۳۹:۵)
همی رود ۲۲

يُجزَ: مَن يَعمَل سُوٓءًا يُجزَ بِهِۦ (٤: ١٢٣)
پاداش داده شهد ۱، پاداشن دهندش ۲، پاداش داده شود ۳، پاداش یابد ۲۷، پاداش دهند ۵۳، پاداش کرده شود ۵۶، پاداشت دهند او را ۶۳، پاداش دهد او را ۷۵، پاداش دهد ۸۲، پاداشت یابد ۸۸، پاداشت داده شود ۸۹، پاداش کنند ۱۰۳، پای داشت داده شود ۱۳۸

يُجزاهُ: ثُمَّ يُجزَىٰهُ ٱلجَزَآءَ ٱلأَوفَىٰ (٥٣: ٤١)
پاداش داده شهد ۱، پاداش دهند ۳۰، پاداش دهندش ۱۳۹

يُجزَونَ: سَيُجزَونَ بِمَا كَانُواْ يَقتَرِفُونَ (٦: ١٢٠)
پاداش داده شند ۱، پاداشن دهندشان ۲، پاداشن دهند ۱۰ مکرّر، پاداش دَهند ایشانرا ۴۲، پاداش دهند ایشان را ۵۷، پاداشت دهند ایشانرا ۶۳، زود پادآش دآده شوند ۹۴، پاداشت دهیم ایشآنرا ۱۰۰، زود پاداش یابند ۱۱۴، پاداش خواهید شد ۱۳۰

~: هَل يُجزَونَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعمَلُونَ (٧: ١٤٧)
پاداشت دهندشان ۱۰، پاداش دهندشان ۲۷، پاداش کنند ۲۹، همی پاداشت دهند ایشانرا ۳۵، پاداش کُنندشأن ۴۲، پاداش کرده شوند ۵۶، پاداش کنند ایشانرا ۵۷، پاداش کرده بشوند ۵۸، پاداش دآده شدند ۹۴، پاداشت داده شوند ۱۰۰، پاداش داده شود ۱۲۴، پاداش کنندشان ۱۴۰

~: سَيُجزَونَ مَا كَانُواْ يَعمَلُونَ (٧: ١٨٠)
زود پاداش داده شوند ۳، پاداشت دَهند ایشان را ۱۰، پاداش دهند ۲۹، پای داش دهند ۵۷، پاداش کرده شود ۵۸، پاداش دهندشانرا ۹۶

~: أُوْلَٰٓئِكَ يُجزَونَ ٱلغُرفَةَ بِمَا صَبَرُواْ (٢٥: ٧٥)
می پاداش داده شند ۱، پاداشن دهدشان ۲، پاداش دهند ایشانرا ۲۰، پاداش دهند بایشان ۴۱، پاداشت دهند ۱۳۸

~: هَل يُجزَونَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعمَلُونَ (٣٤: ٣٣)
پاداش کنیدشان ۱۸، پاداش کنندشان ۳۸، پاداش داده می شوند ٦٤، پاداش داده ۸۷، پاداش کرده می شوند ۱۳۹

★ هَل يُجزَونَ: هَل يُجزَونَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعمَلُونَ (٣٤: ٣٣)
هیچ پاداش کنندشان ۲۲، پاداشت ندهند ۱۳۸

يَجزى: وَسَيَجزِي ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ (٣: ١٤٤)
پاداش دهد ۱، پاداشن دهد ۲، کپاداشت دهد ۱۰، پاداش کند ۷۵

~: إِنَّ ٱللَّهَ يَجزِي ٱلمُتَصَدِّقِينَ (١٢: ٨٨)
پاداش دَهد ۵۳، پاداش دَهد ۷٦

~: لِيَجزِيَ ٱللَّهُ كُلَّ نَفسٍ مَّا كَسَبَت (١٤: ٥١)
پای دَاشت دهد ۵۷، مزد دهد ۱۱۲

~: كَذَٰلِكَ يَجزِي ٱللَّهُ ٱلمُتَّقِينَ (١٦: ٣١)
پاداش می دهد ۲۹، پاداش کند ۵۳، پاداشت دهد ۵۷

~: لِيَجزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (٣٠: ٤٥)
پاداش دهند ٤٧

~: وَٱخشَواْ يَومًا لَّا يَجزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ (٣١: ٣٣)
بازدارد و گزارد ۳، گزارد ۸۰

~: لِيَجزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (٣٤: ٤)
پاداش کند ۱۸، پای داشت دهد ۱۱۹

~: لِيَجزِيَ قَومًا بِمَا كَانُواْ يَكسِبُونَ (٤٥: ١٤)
پاداش کنند ۲۲

~: لِيَجزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ بِمَا عَمِلُواْ (٥٣: ٣١)
پاداشت کند ۸۱

★ لاَيَجزى: لَّا يَجزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ (٣١: ٣٣)
واز نکند ۱، نگذارد ۲، سود نکند ٤٦، بی نیازی نکنند ٤٧، نکنند پاداش ٥٦، سود ندارد ٦١

بازندارد ۷۹، فریاد نرسد ۱۰۵، بنگزیراند ۱۱۷، درنگذرد ۱۲۱، بازپس نکند ۱۲۶، سود نکند و بی نیاز ۱۳۹

یُجْزَی: وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا (۶: ۱۶۰)
پاداش داده شود ۲۷، پاداش کرده شود ۵۶، پاداشت داده شود ۱۰۰

~: فَلَا يُجْزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ (۲۸: ۸۴)
پاداش داده شوند ۵۸

* لَایُجْزَی: فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا (۶: ۱۶۰)
پاداش داده شهد ۱، پاداشت ندهند وی را ۱۰، پاداشن ندهندش ۱۰ مکرّر، پاداش کرده نشود ۳۹، پای داش نکنند او را ۵۷، پاداشت داده نشود ۱۰۲، پاداش ندهندش ۱۰۵، داده نشود پاداش ۱۲۳، پاداش داده نمیشود ۱۳۰

~: فَلَا يُجْزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ (۲۸: ۸۴)
پاداش داده نشند ۱، پاداش ندهند ۴۷، پاداشت ندهند ۵۳، پاداش کرده نشوند ۵۶، پاداش داده نشوند ۶۴، پاداش نکند ۸۷، پاداشت داده نشوند ۱۰۰، مزد داده نمی شود ۱۳۶، نه پاداش کند ۱۳۹

~: مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا (۴۰: ۴۰)
نه پاداش کنند او را ۳۹، ندهند پاداش ۴۱، پاداش داده نشود ۵۶، سزا داده نشود ۱۳۲، پاداشت ندهند او را ۱۳۸

لِيَجْزِيَكَ: إِنَّ أَبِى يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ (۲۸: ۲۵)
پاداش دهد ۱، پاداشت دهد ۵۳، پاداش کند ۵۸، بدهد ۶۱، پاداش کنم ۸۷

یَجْزِیهِمْ: سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ (۶: ۱۳۸)
پاداش دهد ۱، پاداشن دهد ۲

~: سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۶: ۱۳۹)
پاداشت دهد ۱۰، سرانجام بدهد پاداش ۶۴، پاداش دهند ۷۶

~: لِيَجْزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا۟ (۲۴: ۳۸)
پاداش کند ۵۳، پاداشتی دهد ۱۱۳

~: وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (۳۹: ۳۵)
پاداش کند ۳۸

یَجْعَلَ: لِيَجْعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِى قُلُوبِهِمْ (۳: ۱۵۶)
بکند ۲، بکرد ۵۸، گرد آند ۱۰۰

~: يُرِيدُ ٱللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ (۳: ۱۷۶)
کُند ۲

~: أَوْ يَجْعَلَ ٱللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (۴: ۱۵)
پدید کند ۲۹، کند و پدید آرد ۵۸

~: وَيَجْعَلَ ٱللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۴: ۱۹)
ساخته بوَد ۱۰، نهاده است ۲۹، کرده بُوَدْ ۴۰، نهاده باشد ۶۴

~: وَلَن يَجْعَلَ ٱللَّهُ لِلْكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۴: ۱۴۱)
گرداند ۲۷، کرد ۸۲

~: مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ (۵: ۶)
کند ۱، بگرداند ۱۰۴

~: ٱللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُۥ (۶: ۱۲۴)
فرستَد ۱۰، نهد ۱۰ مکرّر، بنهد و بکند ۲۷، نَهد ۴۲، کند و دهد و فرستد ۵۸، مینهد ۱۱۱، نهند ۱۲۴

~: وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُۥ يَجْعَلْ صَدْرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجًا (۶: ۱۲۵)
بکُند ۲، دست وادارد ۱۰، برنهد ۲۹، کُنَدْ ۵۳، میکند ۱۱۲، میگمارد ۱۲۳

~: إِن تَتَّقُوا۟ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا (۸: ۲۹)
بگَرداند ۶۱، بیرون آورد ۱۳۶

~: وَيَجْعَلَ ٱلْخَبِيثَ بَعْضَهُۥ عَلَىٰ بَعْضٍ (۸: ۳۷)
گردانید ۱۰۴، باز بکند ۱۲۴، گرد کند ۱۳۶

~: وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰:۱۰۰)
فروفرستد ۹۳، بنهد ۹٤، به نهد ۱۲۸

~: سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا (۱۹:۹۶)
بکند ۲، بدهد ۷٦

~: لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً (۲۲:۵۳)
بکردی ٦۱

~: وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ (۲٤:٤۰)
میگرداند ۸۷

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا (۲۵:۱۰)
کندی ٤۷، بدادی ۷٦، پدید آرد ۸٦

~: وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا (٦۵:۲)
گرداند ـ سازد ۱۰۹، بگرداند و پدید آرد ۱۱۱، بگرداند و پدید آورد ۱۱٦

~: وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا (۷۱:۱۲)
بکند و بدهد ۵٦، پیدا آرد ٦٤

~: فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۷۳:۱۷)
گردند ۱۰۰

★ أَلَّا يَجْعَلَ: يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا (۳:۱۷٦)
که نکند ۱، که نه کند ۲، که نگرداند ۱۰۳

★ سَيَجْعَلُ: سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا (۱۹:۹٦)
هرآینه بکند ۲، بوک بکند ۵۲، سرانجام بنهند ٦٤، زود گرداند ۱۱٤، زود باشد که بکند ۱۳۹

~: سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (٦۵:۷)
زود باشد کند ۱۱۹

★ لَا يَجْعَلَ: يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا (۳:۱۷٦)
نباشد ۵۸، نکند ٦۳، بنکند ۱۰۰

★ لَمْ يَجْعَلْ: وَلَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجًا (۱۸:۱)
نکرد ۲، نه کرد ۳۰، نگردانید ۱۰۰

~: وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ (۲٤:٤۰)
نکند ۱، نداده بود ۲٤، نه کند ٤۳، نداد ۵۸، پدید نیاورد ۱۰۰، نکند ۱۱۹، پدید نکرده ۱۳۲

~: أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۱۰۵:۲)
نساخت ۱۲۰، نه بازگردانید ۱۳۹

★ لَنْ يَجْعَلَ: وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (٤:۱٤۱)
نکرد ۱، نکند ۲، هرگز نکند ۵۸، هرگز پدید نکند ۱۰۰، هرگز نگرداند ۱۰٤، نکند ۱۰۵

وَيَجْعَلُكُمْ: وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ (۲۷:٦۲)
بکند ٤٦، کند ۵۸، بکرد ٦۱، میگرداند ۸٦، گرداند ۱۱٤

★ لَمْ يَجْعَلْنِي: وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا (۱۹:۳۲)
نکرد ۲، نه کرد ۵٦، نگردانید ۸٦، نگردآنید ۱۰۰، نه گردانید ۱۱٤

يَجْعَلْهُ: وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٦:۳۹)
کند ۱، بکند و بدارد ۵۸، بدارد ٦۲، بدارد ٦٤، برآرد ۹۲، بکشد ۱۲٤

~: فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ (۸:۳۷)
اندر آوگند ۱۰، باز بکند ۱۲٤

~: ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا (۲٤:٤۳)
میگرداند ۵۸، افکند ۹٤، میکند ۱۲۱

~: فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا (۳۰:٤۸)
گرداند ۳

~: ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا (۳۹:۲۱)
کند ۸۱

يَجْعَلُونَ: يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِم (۲:۱۹)

بکُنند ۲، کنند ۲٤، مِی کُنند ۵۵، دربرند ۹٦، می گردانند ۹۸، میکنند ۱۰۰، میکنند ایشان ۱۰٤، گردانند ۱۱۱، درآورند ۱۲۲، درمی آرند ۱۲۳، میگذارند ۱۳۵

~: اَلَّذِینَ یَجْعَلُونَ مَعَ اللّٰهِ إِلٰهًا اٰخَرَ (۹٦:۱۵)
می کنند ۱، بکنند ۲، همی کنند ۵۳، می کردند ۵۸، می گَردانند ٦۱، همی نَهَند ٦۲، پدید میکنند ۱۰۰

~: وَیَجْعَلُونَ لِمَا لَا یَعْلَمُونَ نَصِیبًا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ (۵٦:۱٦)
بکنْند ۲، می کنند ۲٤، همی نهند ٦۲، بمی کنند ٦۳، بکردند ٦٤، همیکنند ۹۳، بگردانند ۱۲٦

~: وَیَجْعَلُونَ لِلّٰهِ الْبَنٰتِ سُبْحٰنَهُ (۵۷:۱٦)
می کنند ـ می گویند ۲، میگردانند ۱۱۱، کردند ۱۱۸

~: وَیَجْعَلُونَ لِلّٰهِ مَا یَکْرَهُونَ (٦۲:۱٦)
می گویند ۳۰

یَجْعَلُوهُ: وَأَجْمَعُوا أَنْ یَجْعَلُوهُ فِی غَیٰبَتِ الْجُبِّ (۱۵:۱۲)
کنند ۱، بیندازند ۲۹، دراندازند ٤۱، بفکنند ۵۲، بکنند ٦۱، دَرافکَنند ۷٦، اندازند ۹۳، بیفکنند ۹٤

یُجَلِّیهَا: لَا یُجَلِّیهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ (۱۸۷:۷)
گشاده کند ۳۰، پیدا کند ۳٦، پدید کند ۳۹، روشن گرداند ٦۱، گشاید ۹۰

★ لَا یُجَلِّیهَا: لَا یُجَلِّیهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ (۱۸۷:۷)
اشکرا نکند ۱، نگشاید ۲، گشاده نکند ۳، برنتواند انگیخت ۱۰، پدیدار نکند ۲٤، آشکارا نکند ۲۷، پیدا نکند ۲۹، گشاده نکُند ۵۵، روشن نکند ۵۷، پدید نکند ۵۸، پَیدا نکند ٦۲، نگشاید ۸۳، نه گشاده کند ۹۱، آشکار نکند ۱۲۰، پیدا نکرد ۱۲۱، نکند آشکارا ۱۳۰

یَجْمَحُونَ: لَوَلَّوْا إِلَیْهِ وَهُمْ یَجْمَحُونَ (۵۷:۹)
می سرکشی کنند ۱، همی شتابنْد ۲، شتافتندی ۳، سَرکَش و بَدخُو و نستوه و نافُرمان و بَدسازَند ۱۰، سر همی کشند ۱۱، بدخویان ۲۷، سر باز زدندی ۲۹، شتابند ۳۱، می شتابند ۳۹، شتابندگان شادمان ٤۱، سرکشی کردندی ٤۲، همی شتابند ٤۹، بشْتافتندی ۵۵، می دویدندی ۵۸، بشتاب می روند ٦۰، شتافته می شوند ٦۳، بشتابند ٦۷، سر باز می زنند ٦۹، سرکشی کنند ۷۲، همی شتابندی ۸۳، باززنند ۸۸، سرکشی میکنند ۱۰۲، سرکشی نمودندی ۱۰٤، سرگشته همی گردند ۱۰۷، سرباز همی زنند ۱۰۹، دویدندی ۱۱۲، سرکشی می کنند ۱۱۳، سرکشی نمایند ۱۲۲، سر بازکشندگان ۱۲٤، همی بشتابند ۱۲۸، میشتابیدند ۱۳۰، سر باز زنندگانند ۱۳٦

یَجْمَعُ: یَوْمَ یَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ (۱۰۹:۵)
بهم کند ۱، گرد آرد ۲، بهم برد ۹، گرد کند ۲٤، بهم آرد ٤۵، گردارد ۵۳

~: قُلْ یَجْمَعُ بَیْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ یَفْتَحُ بَیْنَنَا بِالْحَقِّ (۲٦:۳٤)
گِرد آرد ۲، فراهم کند ۱۸، فراهمْ کند ۲۲، واهم آورد ۲۹، گرد آید ٤۲، فراکند ۵۳، فراهم آورد ٦۱، فراهم ارد ٦۹، گرد آرید ۱۰۵، گِرد آورد ۱۳۲

~: اَللّٰهُ یَجْمَعُ بَیْنَنَا وَإِلَیْهِ الْمَصِیرُ (۱۵:٤۲)
فراهم کِرد ۲۲، گرد آورد ۲٤، گِرد کند ۳۲، فراهم آرد ۳۸، گرد میکند ۹۹

یَجْمَعُکُمْ: قُلِ اللّٰهُ یُحْیِیکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یَجْمَعُکُمْ (۲٦:٤۵)
بهم کند ۱، گرد آرد ۲، فراهم آورد ٤۸، گِرد کند ۵٦، یکجا کند ٦۱

~: یَوْمَ یَجْمَعُکُمْ لِیَوْمِ الْجَمْعِ ذٰلِکَ یَوْمُ التَّغَابُنِ (۹:٦٤)
گرد کند ۲٤، فراهم کند ۳۹، گرد کنند ۵٦، فراهم آرد ۹۲، گرد آورد ۱۳۲

لَیَجْمَعَنَّکُمْ: لَیَجْمَعَنَّکُمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ (۸۷:٤)

بهم كند ۱، گِرد آرد ۲، گرد كند ۳، واهم آرد ۱۰، گرد آرد، گردتان آرد ۲٤، گِرد كند ۲۷، گردارد هر آينه هر آينه ۳۰، فراهم آورد ۵۷، گرد كند ۹۲

~: لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۶:۱۲)
گِردْ آرد ۲، فراهم كند ۹، گرد كنند هر آينه هر آينه ۳۰، گرد آورد ٤١، فِراهَمْ آرد ۵۳، فراهم آرد ۷۲، فراهم ارد ۷۸

يَجْمَعُونَ: وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (۳:۱۵۷)
مى بهم كنند ۱، مى گرد كنند ۱۰، گرد مى كُنيد ۲۳، گرد مى كنيد ۳۹، گرد هَمِى كُنيد ٤٢، گرد كنيد ۵۳، گرد مى آرند ۶۱، گرد مى كنيت ۸۰، همى گرد كنيد ۸۲، شما همى گرد كنيد ۸٤، گرد مى كنند ۹۷، گرد ميكنيد ۱۰۱، گرد مى آريد ۱۰٤، گِرد ميكنند ۱۰۹، فراهم مى آوريد ۱۲۲

~: فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (۱۰:۵۸)
همِى گِردْ كُنيد ۲، گرد مى كننند ۳، گِرد مَى كُنند ۱۰، گرد كنند ۲٤، گِرد مى كنند ٤١، همِى گرد كنند ٤٢، همى گردْ كنند ۵۳، گِرْد مى كُنند ۵۵، فراهم مى آرند ٦٤، گرد مى شوند ۹۱، همى گرد كردند ۹٦، گرد همى كنند ۱۰۹، فراهم مى آورند ۱۲۷

~: وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (٤۳:۳۲)
فراهم مى كنند ۳۹، گرد ميكنند ۹۹، ايشان همى گرد كنند ۱۰۸، گرد آرند ۱۲۹

سَيُجَنَّبُهَا: وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (۹۲:۱۷)
دور كرده شود ۳٦، بپرهيزد ۳۹، پرهيزد ۵۱، دور گردانيده شود ۵٦، سرانجام دور دارند ٦٤، بيكسو شود ۱۰۲، دور داردا ۱۰۸، دور كند ۱۲٦، بزودى گرديده شود ۱۳۰، دور خواهد بود ۱۳۲، دور گرداند ۱۳٦، گردند ۱۳۹

يَجْهَلُونَ: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (۶:۱۱۱)
مى نادانى كنند ۱، نادانى همِى كُنند ۲، ندانند ۳، مَى نادانى كُنند ۱۰، همى نادانى كنند ۱۰ مكرّر، نادانى مى كنند ۲۷، نه دانند ۳۰، نادانانْ بُودَند ۵۳، نمى دانند ۵۸، نادانانند ٦۱، نادانند ٦۲، نادانى ميكنند ٦۳، نادانان اند ۸۲، نادانى همى كنند ۸۸، نميدانند ۱۰٤، نادانى كنند ۱۲٤

يُجِيبُ: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ (۲۷:٦۲)
پاسخ كند ۳، فرياد رسد ۳۸، پاسخ دهد ۱۰۲

يُجِيرُ: وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ (۲۳:۸۸)
زنهار دهد ۱، واپناه گيرد ۲۹، فريادرس ۳۰، فريادرس و برهاننده ٤۱، فريادْ رَسَد ۵۳، فرياد رسد ۷۹، زينهار ۹۰، زينهار ميدهد ۱۰۲، زنهار دهد و بفرياد رسد ۱۱۱، زنهار مى دهد ۱۱٦، پناه ميدهد ۱۲۲

~: فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (٦۷:۲۸)
مى زنهار دهد ۱، رهاند ۱۹، زينهار دهد ۳۰، برهاند ۳۹، پناه دهد ۱۲۰

يُجِيرَنِي: قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ (۷۲:۲۲)
رهاند ۱۰۲

★ لَنْ يُجِيرَنِي: قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ (۷۲:۲۲)
زنهار ندهدَ ۱، زنهار نَدهد ۲، زينهار ندهد ٦، باپناه نگيرد ۲۹، زينهار ندهند ۳۰، نه نگاه دارد ۳۹، نتوانم رهانيدن و برهاند ٤۱، فرياد نرسد ۵۲، نه رهاند ۵٦، هرگز نرهاند ٦۱، هرگز زينهار نتواند داد ٦۷، واپناه نگيرد ۷۹، هرگز نه رهاند ۹۱، نرهاند ۱۰۲، زنهار ندهم ۱۱۱، پناه نگيرد ۱۱۳، هرگز زينهار ندهد ۱۲۰، هرگز پناه ندهد ۱۳۲، پناه ندهد ۱۳٦، نتواند رهانيدن ۱۳۸

يُحَاجُّوكُمْ: قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ (۲:۷٦)
دوارى كنيد ۹۰

~: أَن يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ (۳:۷۳)
پیکار کنند ۹٤

یُحاجُّونَ: وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ (٤۲:۱٦)
پیکار کنند ۱، پیکار میکنند ۱۰۲، همی پیکار کنند ۱۰۸

یُحادِدِ: أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ (۹:٦۳)
محارب شهد ۱، بازدارد ٤۱، دشمنی کند ۱۳٦

یُحادُّونَ: إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا (٥۸:٥)
دشمنی کنند ۳۸، دُشمنی کُنند ۷۷، ناسازی می کنند ۱۰۹، دشمنی میکنند ۱۲۲

یُحارِبُونَ: إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... أَن يُقَتَّلُوا (٥:۳۳)
جنگ می کنند ۳، کارزار میکنند ۲۹، جنگ می کردند ٤۱، جنگ کنند ٤۳، بجنگ بیرون می آیند ٥۸، کارزار کنند ٦۰، جنگ دارند ٦۱، جنگ میکنند ۱۰۲، جنگ همی کنند ۱۲۸، جنگ کردند ۱۲۹

یُحاسِبُ: فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸٤:۸)
شُمار کنند با وی ۲، شمار کنند او را ۲۹، شمار کنند ۳۰، شمار کرده شود ٥٦

یُحاسِبْکُمْ: يُحَاسِبْكُم بِهِ اللَّهُ (۲:۲۸٤)
شمار کند ۳، شمار کُند ۱۰، بشمرد ۳٦، شمار گیرَد ٤۱، شَمار کُند ٥٥، شمار کرد ٦۱، شُمار کند ۹٤، شمار میکند ۱۱۱

یُحاطَ: لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ (۱۲:٦٦)
در گرفته شهد ۱، فرو گیرند ۳٤، در گیرد شما را ۳۹، برساند ٤۱، گرد در آیند ٤۲، در گیرند ٥٦، دانسته شود ٦۱، در گرفته شود ۷۲، در آید ۷٦، گرد اندر گیرد ۹٦، گرد اندر گیرند ۱۰٥، گرد در آمده شود ۱۰۹، در آورده شود ۱۱۱، فرارسد ۱۱۳، بگیرد ۱۲۸

یُحافِظُونَ: وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (٦:۹۲)
می نگه وانی کنند ۱، نگاه دارْ باشند ۲، پیوسته می باشند ۳، نگاه دارند ۹، نگه وَان آیستاده باشند ۱۰، نگاه بان باشند ۲٤، نگاه داران باشند ۲٦، نگاه دَارند گان ۲۷، نگاه می دارند ۳۹، پیوسته باشند ٤۳، نگاه بان می باشند ٥۸، نگاه دارند گانند ٦۲، نگاه میدارند ٦۷، نگاه د آرنده باشند ۹٤، می پایند ۹٦، نگاه بانی میکنند ۱۰۹، نگاهبانان می دارند ۱۱۰، نگاه دارند گان ۱۲۱، نگاهبانان ۱۲۳، نگاه دارند گان باشند ۱۲۸

~: وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۲۳:۹)
نگاه دار باشَند ۲، نگاه بانی می کنند ۳، نگاه بان ۷۷، نگاهبانند ۱۱٤

~: وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۷۰:۳٤)
نگاه دار باشند ۲، نگاه بانی کنند ٦، نگاه دارند ۲۹، نگاه دارنده باشند ۳۰، نگاه داران ٤۱، نگه دارنده ٥٤، نگاه داری کنند ٥٦

یُحاوِرُهُ: فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ (۱۸:۳٤)
می پیکار کرد ۱، سخن می گفت ۳٦، سخون می گفت ۳۹، سخن گفت رویاروی ٤۹، سخن گفت ٥۲، پیکار میکرد ٦۱، سخن همی گفت ٦۲، سخون گفت ۷۲، پاسخ همی داد ۸۸، همی سخن می گفت ۹۰، سخن می باز گردانید ۹۲، همی سخن گفت ۱۰۸، سخن می گرداند ۱۰۹

~: قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ (۱۸:۳۷)
سخن میگفت ۲۹، پاسخ می کرد ٥٦، سخن بازمی آورد ٥۸، جنگ میکرد ٦۱، سخن گفتی ۹٦، سخون همی گفت ۹۸، روی با روی سخن گوید ۱۰٥

یُحِبُّ: وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۲:۱۹٥)
دُوسْت دَارد ۲، دوست د آرد ۹٤

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلْمُتَطَهِّرِينَ (۲: ۲۲۲)
دوست دارد ۲، دوست دارَد ۲۷، دوست میدارد ۹۸

~: وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲: ۲۷۶)
دارد دوست ۹۰

~: وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ (۳: ۱۳٤)
دوست دارد ۱

~: لَّا يُحِبُّ ٱللَّهُ ٱلْجَهْرَ بِٱلسُّوٓءِ مِنَ ٱلْقَوْلِ (٤: ۱٤۸)
پسندد ۳٦

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ (۵: ۱۳)
دوست می دارد ۳

~: وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ (۵: ٦٤)
دُوسْت دارَدْ ۵۳

~: فَٱنۢبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْخَآئِنِينَ (۸: ۵۸)
دُوسْت دارَد ۵۵

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ (۹: ٤)
دُوست دارَد ٦۲، دوست همیدارد ۱۰۹، دوست می دارد ۱۳۵

~: فَٱسْتَقِيمُوا۟ لَهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ (۹: ۷)
دوست دارَدْ ۵۳

~: أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا (٤۹: ۱۲)
دُوست دارد ۲، دوست دارَدْ ۵۳، دوست دارد ۹۹

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ (٦۰: ۸)
دوست میدارد ۹۹

★ لَا یُحِبُّ: وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲: ۲۷٦)
دوست ندارد ۱، دوسْت ندارد ۲، نمی دارد دوست ٤۱، نیامرزد ۱۳۸

~: فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْكَٰفِرِينَ (۳: ۳۲)
نه پسندد ۲۵

~: فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ (۳: ۵۷)
ندست دارد[1] ۱۰

~: وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَآءَ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ (۳: ۱٤۰)
دوست ندارند ۳٤

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (٤: ۳٦)
ندوست دارد ۱۰

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا (٤: ۱۰۷)
دوُسْت ندارَدْ ۲

~: وَلَا تَعْتَدُوٓا۟ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ (۵: ۸۷)
دُوسْت نَدارد ۲، ندارد دوست ۹، دوست نمیدارد ۳۷، ندوست دارد ۱۲٤

~: وَلَا تُسْرِفُوٓا۟ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْرِفِينَ (۷: ۳۱)
نـه دارد دُوست ٤۵، دُوسـت نـدارَد ٦۲، دوست نمی دارد ۷۹

~: إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْتَكْبِرِينَ (۱٦: ۲۳)
نَه دُوسْت دارَد ۵۵، ندارَد دُوست ٦۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۲۲: ۳۸)
دُوست ندارد ۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْفَرِحِينَ (۲۸: ۷٦)
نَهْ دُوسْت دارَدْ ۵۳

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ (۲۸: ۷۷)
نَدارَدْ دوست ۵۳

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۳۱: ۱۸)
نه دوست دارد ۱٤

---

۱. ندست دارد / نه دوست دارد.

~: إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ (٤٢:٤٠)
ندارد دُوسْت ۲، ندارد دوست ۲۲، دُوسْت ندارد ۸۱، دوست نمیدارد ۱۰۳

يُحْبِبْكُمُ: فَٱتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ ٱللَّهُ (۳:۳۱)
دوست دارد ۱۰، دوست گیرد ۲۷، دوست دارتان ۳۰، دوست میدارد ۱۲٤، دوست دارَد ۱۳۸

يُحْبَرُونَ: فَهُمْ فِى رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (۳۰:۱۵)
می رامشتی شند ۱، شاد کرده شوند ۳، شادی همی کنند ۱٤، شاد کنند شان ۲۹، شاد گردانند شان ۳۰، شادمان شوند ۳۹، شادمان ٤۱، شادمانه باشند ٤۲، شاد کرده می شوند ٤٦، شاد و خرم می دارند ایشانرا ٤۷، شادمانه کرده شوند ٥٦، شاد می شوند ٥۸، شاد می شد ند ٦۱، شادان ٦۲، شادی می کنند ٦٤، شادمانند ۷٦، گرامی کردگان ۷۹، شاد کردگان ۸۰، شادی کنند ۸۹، شاد می باشند ۹۰، شآدان باشند ۱۰۰، شادمان گردانیده باشند ۱۰۳، شاد گرانید گان ۱۰۸، شادمان گردانیده شوند ۱۱۱، گرامی کردگان باشند ۱۱۳، شاد کرده میشوند ۱۱٤، شاد گردانیده شود ۱۱٥، شادمان گردانیده میشوند ۱۲۰، شادی کنند گان ۱۳۸

يَحْبِسُهُ: وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ ٱلْعَذَابَ ... لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُۥٓ (۱۱:۸)
مـی بـاز دارد ۲، بـازداشـت ۳، واداشـت ۲٤، بازمی دارَد ۲۷، بازمی دارد ۳٦، همی بازدارد ۳۸، بـازدارد ۳۹، بَاز می دَارَد ٥٥، بـازمی گـیرد ٥۸، بازمی آورد ٦۳، بازمیدارد ٦۷

★ مَا يَحْبِسُ: وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ ٱلْعَذَابَ ... لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُۥٓ (۱۱:۸)
چمی واز گیرد ۱

سَيُحْبِطُ: لَن يَضُرُّوا۟ ٱللَّهَ شَيْـًٔا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَٰلَهُمْ (٤۷:۳۲)
توه کند ۱، نیست کند ٦، تباه شود ۱۷، تباه کند ۳۰، ناچیز کند ٤۱، نابود سازد ۱۱۱، نابود کند ۱۳۲

لَيَحْبَطَنَّ: لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ (۳۹:٦٥)
توه شهد ۱، تباه شود ۲۲، بباد شود ۳۹، تَباهْ شَوَد ٥۳، بباد بردهد ۹٦، نیست شود ۱۰۸، بهیچ برآید ۱۱٤، نابود شود ۱۱٦، نابود گردد ۱۳۲

يُحِبُّهُمْ: فَسَوْفَ يَأْتِى ٱللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُۥٓ (٥:٥٤)
دوست دارد ۳٦، دوست دارند ۱۰٦

يُحِبُّونَ: وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا۟ بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا۟ (۳:۱۸۸)
دوست دارند ۱۰، دوست همی دارند ۹٤، دوست داشتند ۱۰۰

~: فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُوا۟ (۹:۱۰۸)
مـی دوست دارنـد ۱، دُوسْـت دارنْـد ۲، دوست می دارنْد ۳، دوستی می دارند ۲۷، دوست همی دارَند ٥۳، دوست د آرند ۱۰۰

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلْفَٰحِشَةُ (۲٤:۱۹)
دوسْت دارنْد ۲، دُوست دَارَند ٥۱، دُوست دَارنْد ٥۳، دوست میدارند ۸٦

~: يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ (٥۹:۹)
دوسْت دارنـد ۲، دوسـتـمـیـدارنـد ۱۱۱، دوسـتـی میکنند ۱۱٦

يُحِبُّونَكُمْ: هَٰٓأَنتُمْ أُو۟لَآءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ (۳:۱۱۹)
ایشان دوست می دارند ٥٦، دوست دارند ٦۱

★ لَا يُحِبُّونَكُمْ: هَٰٓأَنتُمْ أُو۟لَآءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ (۳:۱۱۹)
دوست نـمـی دارنـد ۱، دوسْت نـدارنـد ۲، دّوست نـدارنـد ۱۰، نـدارنـد دوسنت ۲٤، ایـشـان دوست ندارند ۲۷، نه دوست دارند ٤۰، ایشان دوست نمی دارند ٥۸، دوست نمیدارند ۱۰۰

يُحِبُّونَهُ: فَسَوْفَ يَأْتِى ٱللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُۥٓ (٥:٥٤)

دوست دارند ۱، دُوست دارند ایشان ۲، دوست دارند ایشان ۲۷، ایشان دوست دارند ٤٥، دوست د آرند ۱۰۰، دوست میدارند ۱۱۱، دوست بدارند ۱۲۱

يُحِبُّونَهُمْ: يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ ٱللَّهِ (۲: ۱٦٥)
دوست می دارند ۳، دوست دارند ۱۰، دوست همی دارند ۳٤، دوست می دارند ٥٥، دوست میدارد ٦۳، دوست دارد ۸۸، دوست میدارند ۱۰۳

يَحْتَسِبُ: وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (٦٥: ۳)
چشم دارد ۳، پندارد ٥٦

★ لَا يَحْتَسِبُ: وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (٦٥: ۳)
نپندارد ۱، گمان نبرد ۲، نیندیشد ۲٤، اندیشه ندارد ۳۰، امید ندارد ٦۷، گمان نبرد ۹٦، گمان ندارد ۱۰۲، نه پندارد ۱۰٦، چشم ندارد ۱۲۱، گمان نکند ۱۳۲، گمان نداشته باشد ۱۳٦

★ لَمْ يَحْتَسِبُوا: فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا (٥۹: ۲)
نپنداشتند ۱، نه اَندیشیدند ۲، نه چشم داشتند ۳، نمی بردند گمان ٤۱، نه پنداشتند ٥٦، نه اندیشیده بودند ٦٤، نپندارند ۸۱، نمی پنداشتند ۸۷، نه پندارند ۹۲، گمان نبردند ۹٦، نه اندیشیدند ۱۰۸، چشم نداشتند ۱۰۹، گمان نداشتند ۱۱٦، نه اندیشند ۱۲٤

يَحْتَسِبُونَ: مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (۳۹: ٤۷)
می چشم داشتند ۱، چشم داشتند ۳، می پنداشتند ۱٥، می پنداشتند ۲۲، پندارندگان ٤۱، چشم می داشتند ٤۳، چشم همی داشتند ٥۳، در شمار آرند ۷۹، همی پنداشتند ۹٦، چشم میدارند ۱۰۹، گمان داشته باشند ۱۱٦، درشمارند ۱۳۰، پنداشتند ۱۳۹

★لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ: مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (۳۹: ٤۷)
نه بودند چشم دارندگان ٥٦، نپنداشته باشند ۸۹، بودند نپنداشتند ایشان ۱۰۰

يُحْدِثُ: لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (۲۰: ۱۱۳)
نو کند ۱، نو گرداند ۲، نو بدهد ۲٤، هادید آورد ۲۹، نو گرداند ۳۰، نو دهد ۳۹، پیدا شود ٤۱، پیدا آید ٤۳، زنده کند ٦٤، از نو پدید آرد ۷۹، پیدا کرد ۸۷، نو کنند ۸۸، بنو پدید آورد ۱۰۰، فرادید آورد ۱۰٦، گرداند ۱۰۸، نو گردانند ۱۲٤

~: لَا تَدْرِي لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا (٦٥: ۱)
نوا کند ۱، نو کند ۲، پدید آرد ۲۹، پیدا کند ۳٦، نو آرد ۳۹، پیدا کند نو ٤۱، پیدا آرد ٤۳، فرادید آرد ۸۱، پدید آورد ۱۰۰، پیدا آورد ۱۰۲، پدید کند ۱۰٥، نو پیدا آرد ۱۲۳

يَحْذَرُ: يَحْذَرُ ٱلْمُنَٰفِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ (۹: ٦٤)
می ترسند ۱، می ترسند ۱۰، همی ترسند ٥۳، می ترسند ٥٥، می پرهیزند ٥۷، پرهیز می کنند ٥۸، پرهیز میکنند ۹٤، پرهیز کنند ۹٦، پرهیز کنید ۱۰٥

~: يَحْذَرُ ٱلْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِۦ (۳۹: ۹)
می ترسد ۳، همی ترسد ۲۲، بپرهیزد ٤۳، بترسد ٥۳، بترسد ٦٤، می پرهیزد ۸۱، ترسد ۱۰۰، همی ترسد ۱۰۸، میترسد ۱۱۱، پرهیز میکند ۱۱۳، ترسان ۱۳۸

★ لِيَحْذَرِ: فَلْيَحْذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِۦٓ (۲٤: ٦۳)
گوبترسید ۱، بترسندا ۳، گو پرهیز کن ٤۳، پرهیز کنند ٦۱، بترساد ٦۲، گوئی پرهیزند ۸۷، بگو بپرهیزند ۹۲، باید که بترسند ۹٦ پرهیز کنندا ۱۰۸، باید که پرهیز کند ۱۱۳، حذرکنان ۱۱۹

يُحَذِّرُكُمْ: وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفْسَهُۥ (۳: ۲۸)
همی بیم کند ۲، می بیم نماید ۱۰، بیم می کند ۲۷، بیم کند ٤۲، پرهیز می فرماید ٤۹، بترساند ٦۱، همی بترساند ٦۲، ترس همی نماید ٦٥، می ترساند ۱۰۰، بیم میکند ۱۰۲، میترساند ۱۱۱،

می ترساند ۱۳۸

~: وَیُحَذِّرُکُمُ اللّٰهُ نَفْسَهُ وَاللّٰهُ رَءُوفٌ بِالْعِبادِ (۳۰:۳)
همی بترساند ۲، می ترساند ۳، بیم کند ۱۰، می بترساند ۲۴، می بیم کند ۲۷، مِی تَرسانَد ۴۲، بیم میدهد ۱۲۱، همی ترساند ۱۲۸

یَحْذَرُونَ: وَلِیُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ (۱۲۲:۹)
بترسیدندی ۱، پرهیز کنند ۳، بپرهیزند ۳۶، بترسند ۳۹، پرهیز می کنند ۵۶، به پرهیزند ۹۶، پرهیزند ۹۸

★ کانُوا یَحْذَرُونَ: وَنُرِیَ... وَجُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ (۶:۲۸)
می ترسیدند ۱، ایشان همی ترسیدند ۲۴، پرهیز میکردند ۲۹، همی پرهیزیدند ۴۶، همی ترسیدَنْد ۵۳، پرهیز می کردند ۷۹، می پرهیزیدند ۱۰۹، ترسیدند ۱۲۱، ترسندگان ۱۲۴، همی ترسیدند ۱۲۸

یُحَرِّفُونَ: یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ (۴۶:۴)
می گردانند ۱، همی بگردانَنْد ۲، برمی گردانند ۳، مَی بُگردانند ۱۰، همی گردانَند ۴۲، گردانند ۶۱، بمی گردانند ۶۳، می گرداند ۶۵، می گردند ۶۹، گردانیدند ۷۴، همی گردانند ۹۴، میگردانند ۹۶، بمیگردانند ۱۰۰، برگردانیدند ۱۲۹

~: یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ (۱۳:۵)
همی گردانند ۲، می گردانیدند ۳، مِی بُگردانیدَند ۱۰، همی گردانند ۱۰ مکرّر، بگردانند ۲۴، می گَردانَنْد ۵۵، همی گردانندی ۶۲، بگردان اند ۸۲، بمیگردانند ۱۰۰، میگردانیدند ۱۰۲، بمی گردانیدند ۱۳۸

~: یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَواضِعِهِ (۴۱:۵)
همی بگردانند ۲، می بگردانند ۲۴، بگردانَند ۴۲، همی گَردانَنْد ۵۳، همیگردانند ۱۱۲، گردانندگان

یُحَرِّفُونَهُ: ثُمَّ یُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ (۷۵:۲)
می گردانیدند ۳، بگردانیدند ۴، بُگردانیدَند ۱۰، می گردانند ۴۹، گردانند ۵۰، همی گردانند ۵۳، می گردانیدَنْد ۵۵، بگردانیدندی ۶۲، بازمی گردانیدند ۶۳، میگردانیدند ۶۴، گردانیدند ۸۰، بگردانید ۸۲، می گردانید ۹۰، میگرداند ۹۸، بمیگردانند ۱۰۰، بمیگردانیدند ۱۰۶، باز همی گردانند ۱۱۸، میگردانند ۱۲۰، میگرداندند ۱۲۱، بمی گردانیدند ۱۳۸

یُحَرِّمُونَهُ: یُحِلُّونَهُ عاماً وَیُحَرِّمُونَهُ عاماً (۳۷:۹)
ناشایسته می دارند ۳۰

لِیَحْزُنَ: لِیَحْزُنَ الَّذِینَ آمَنُوا (۱۰:۵۸)
اندهگن کند ۱، اندوهگن شوند ۲۴، دژم کند ۲۹، اندوهگین کند ۴۱، اندوهگن کند ۴۳، اندهگن کند ۴۹، اندوهناک کند ۶۱، اندوه گین کند ۶۴، غمگین کند ۸۱، در اندوه افکند ۸۷، اندوه خورند ۹۶، اندوهگن گرداند ۱۰۰، اندوه افکنند ۱۰۸، اندوهناک کند ۱۲۶

یَحْزَنَّ: وَلا یَحْزَنَّ وَیَرْضَیْنَ بِما آتَیْتَهُنَّ (۵۱:۳۳)
تیمار دارید ۱۸، اندوه برند ۳۸، اندوه گن شوند ۳۹، اندوه خورند ۱۱۴، اندوهناک باشند ۱۳۰

★ لا یَحْزَنَّ: وَلا یَحْزَنَّ وَیَرْضَیْنَ بِما آتَیْتَهُنَّ (۵۱:۳۳)
انده نبرد ۱، اندُه گن نگردد ۲، اندوه ندارد ۷، نه تیمار دارید ۱۸، انده گین نگردند ۳۰، اندوه گن نباشد ۴۷، نَهْ تیمار دارَنْد ۵۳، نه اندوهگن شوند ۵۶، اندوه نکنند ۵۸، اندوهناک نشوند ۶۱، غمناک نشوند ۶۹، اندوهگن نشوند ۸۶، اندوه نخورند ۱۰۰، اندوهناک نشود ۱۱۱، اندوه گین نشود ۱۱۳، اندوهگین نگردند ۱۳۲

یَحْزُنْکَ: لا یَحْزُنْکَ الَّذِینَ یُسارِعُونَ فِی الْکُفْرِ (۴۱:۵)
اندوه کنند ۶۱، اندوه کناد ۷۵

~: قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ (٦: ٣٣)
می اندهگن کند ١، اَندُهگن گرداند ٢، اندوهگین می کند ٣، کند اندوهگین ٩، اندوهگن کنند ٢٤، اندوهگین گردانند ٢٦، اندوهگن کند ٢٧، اندوهگین بکند ٢٩، باندوه می آرد ٤٤، اندوهناک کند ٥٦، اندوه آرند ٦١، اندوهگن همی بکند ٦٢، اندوهگین کند ٦٧، اندهگن می کند ٧٦، اندوهگین گردانند ٨٨، اندوه گن میکند ٨٩، اندوه گی دارد ٩٠، اندوهگین میکنند ٩٤، اندوهگین ٩٨، اندوهگن میگرداند ١٠٠، اندوهِگین میکند ١٠٣، انده گن میگرداند ١٠٤، اندوهناک میسازد ١١١، اندوه گِن کند ١١٤، میکند اندوهگین ١١٨، اندوه کن کند ١١٩، اندوهگین میسازد ١٢٢، اندوه گین می کند ١٢٨

~: وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (١٠: ٦٥)
انده گِن دارد ١١٤، اندوه گن گرداند ١٢٤

~: وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ (٣١: ٢٣)
اندوهگین گرداند ٣٠، غمگین کند ٣٤، اندوهناک کناد ٤٦

★ لَا يَحْزُنْكَ: وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ (٣: ١٧٦)
نگر اندهگن نکنند ١، مه اندوهگین کنندا ٣، نِگر اندوهگن نکنندا ١٠، اندوهگن مکنیا ٢٤، اندوهناک مکناد ٢٧، باندوه میاردا ٢٩، اندوه گین مکنند ٣٠، اندوهگین مکناد ٣٦، گو اندوهنگین مکناد ٣٩، نگر اندوهگن نکند ٤٠، نه اندوهگین کند ٥٣، اندوهگن مکندا ٥٦، نه اندوه آرند ٦١، میاراد باندُه ٦٢، اندو مکناد ٧٥، اندوه گن نکناد ٧٦، مه اندوه گین کندا ٨٠، اندوه کن مکناد ٨٩، باید هیچ اندوهکن نگرداند ١٠٤، اندوهگین مکنند ١٠٧، اندوهکین نگردانند ١٢٢، نگردانند ترا اندوهگین ١٣٠، اندوه گن مکناد ١٣٤

~: لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ (٥: ٤١)
اندهگن نکنند ١، اندوهکین مکندا ٣، اندوهگین مگرداناد ١٠ مکرّر، اندوهگن مکناد ٢٤، اندوهگین مکنندا ٢٧، اندوهگن نگرداند ٢٩، اندوهگین نکناد ٣٦، اَندُوهگِن نگرداناد ٤٢، مه اندوهگن کناد ٥٣، نباید که اندوهگین کنند ٧٩، اندوه کِن مکناد ٨٢، غمگین نکنند ٨٤، اندوه مکناد ٩٩، اندوهگن نکناد ١٠٠، اندوه گن نکنند ١٠٤، اندوهگین نگرداناد ١٠٥، باید که اندوهگین نسازد ١١١، اندوهگن مکنند ١١٤، اندوهگین نسازند ١٢٢، اندوهگین نکنند ١٢٣، انده گین مکناد ١٢٨، نگرداند اندوهناک ١٣٠، اندوه کن مکناد ١٣٨

~: وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (١٠: ٦٥)
اندهگن نکند ١، اندوهگین مکندا ٣، اندوهگِن مَکُندا ١٠، نکند اندوهگین ١٣، مکنا اندوهگن ٢٤، اندوه میارا ٣٤، اندوهکین مکناد ٤٨، دل تنگ مکناد ٥١، مَهٔ اندوهگن کناد ٥٣، اَندوهِگین مَکُندَا ٥٥، نه اندوه کند ٦١، مَیارَدا بَاندوه ٦٢، نکند اندوهناک ٦٩، نکند غمگین ٧٥، اندوه گن مگرداند ٩٦، غمناک مکناد ٩٨، دلتنگ مکناد ١٠٣، باید که اندوهگن نگرداند ١٠٤، اندوهناک نسازد ١١١، نباید که اندوه گین گرداند ١١٣

~: وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ (٣١: ٢٣)
اَندُه گن مکُندا ٢، مکند اندوهگین ٤١، تنگ دل مکناد ٤٢، اندوه مکناد ٦١، اندوه گن مکناد ٧٦، مکناد اندوهناک ٨٧، اندوه گِن مکناد ٩٤، اندوهگین نسازد ١٠٣، تنگدل مکناد ١٠٥، اندوه گین مکناد ١٠٦، اندوهگن نکند ١١٤، باید اندوهگین نگرداند ١٣٢

~: فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ (٣٦: ٧٦)
مکناد اندُهگن ٢، نه غمگین کندا ٢٢، مکناد

اندهگن ٢٤، اندوگین مکناد ٣٣، اندوهگین نکند ٤١، اندوهگین مکند ٦١، نکند اندوهناک ٨٧، باندوه نیاورد ٩٦، اندوه گین نکند ١٠٨، باید که ترا اندوهناک نسازد ١١١، اندوهگن نکنند ١١٤، باید اندوهگین نسازد ١٣٢، اندوگن مکناد ١٣٨

لَيَحْزُنُنِي: قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِيٓ أَن تَذْهَبُواْ بِهِۦ (١٣:١٢)
اندهگن کند ١، اندوهگین می کند ٣، اندوهگن کند ٢٤، اندو آرد ٣٦، اندوهگین شوم ٤١، تیمار دارد ٥٣، اَندوهگِین مِی کُند ٥٥، اندوهگن بکند ٦٢، اندُوه گِن می باشم ٧٦، اندوهگن میگرداند ٩٣، اندوهگین گرداند ٩٤، اندوهگین کند ١٠٣، اندوهگین میسازد ١١١، اندوهگین دارد ١٢٠، غمگین دارد ١٢٢

يَحْزُنُهُمْ: لَا يَحْزُنُهُمُ ٱلْفَزَعُ ٱلْأَكْبَرُ (١٠٣:٢١)
غمگین کند ١٢، تیمار دَارَدْ ٥٣، اندوهگن کند ٥٨

★ لَا يَحْزُنُهُمْ: لَا يَحْزُنُهُمُ ٱلْفَزَعُ ٱلْأَكْبَرُ (١٠٣:٢١)
اندهگن نکنند ١، اندهگن نگرداند ٢، نکنند اندوهگن ٢٤، اندوهمند نگرداند ٣٤، اندوهناک نکنند ٣٩، نکنند اندوهگین ٤١، دلتنگ نکنند ٤٢، اندوهگین نکنند ٤٨، اندوهگن نکنند ٥٦، اندوهگین نگرداند ٦١، نکنند غمناک ٦٩، دل تنگ نکنند ٧٦، اندوهگن نگرداند ٨٦، اندوه نکنند ٨٧، غمگین نکند ٨٨، اندوهگن ندارد ٩٤، اندوه گین نشوند ١١٣، اندوهگین نسازد ١٣٢، اندوه گن نکنند ١٣٨، اندوه ناک نکند ١٣٩

يَحْزَنُونَ: فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٣٨:٢)
اندُهگن شوند ٢، اندوهگین شوند ٣، اندوهگن باشند ٤، اندوِهگن شند ١٠، اندوهناک گردند ٣٦، اندُوه گِین شَوَنْد ٥٥، اندوه دارند ٦٠، اندوه گن شوند ٦٣، اندوه گِن باشند ٨٢، اندوه خواهند داشت ١٢٢، اندوهگین ١٢٣، اندوهی خواهند داشت ١٢٧، اندوهگی میشوند ١٣٠، اندوهگین میشوند ١٣٥

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٦٢:٢)
اَندُه باید خُوردنْ ٢، اندَوهِگَن شَند ١٠، اندوه باید خورد ٣٨، اندوهی باشد ٥٣، اَندُوه هِگین شَوَنْد ٥٥، اندُوه دارند ٦٠، تیمار د آرند ٩٤، ایشان را اندوه باید خورد ١٠٥، اندهگن میشوند ١١٤، اندوگی شوند ١٢٨، اندوهناک میشوند ١٣٥

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (١١٢:٢)
اندُهگن شوند ٢، اندوهگِن شَند ١٠، اَندوُه بَرند ٤٢، اندوه میکنند ٩٩، اندوه ناک باشند ١٠١، اندوهگی میشوند ١٣٠

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٢٦٢:٢)
انده برند ١، اَندُه باید خُوردن ٢، اندَوهگِن باشند ١٠، اندوهگن کنند ٢٤، اندوه باشد ٣٠، اندوه ناک شوند ٧٢، اندوهی دارند ٧٥، اندوهناک اند ١٣٥

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٢٧٤:٢)
اَندهْ خُورنْد ٢، اندوه باید خوردن ٥٢، اندوهناک باشند ١٠٣، اندوخورند ١٠٧، اندوهگین گردند ١١١، اندوه خرند ١٢٤، اندوهگی شوند ١٣٠

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٢٧٧:٢)
اندوه باید بردَن ٥٢، اندهان ٦٩، اندوه خَورَنْد ٩٤

~: أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (١٧٠:٣)
اندوهگن باشند ٢٣، اندوهناک شوند ٢٧، اندوه ٥٣، اندوه خواهند خورد ١٢٢

~: فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٦٩:٥)
انده خُورنْد ٢، اندوه خورند ١٠ مکرّر، تیمار برند ٣٧، باشند اندوهگن ٦٢، باشند اندوهمند ٦٥، اندوهگین باشد ٩٨، اندوهناک میگردند ١٣٥

~: فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٤٨:٦)
اَندُه خُورنْد ٢، تیمار دارند ٩، باشند اندوهگنان ٤١، اندُوه خُورند ٨٨، باشند اندوهناک [illegible]

میخورند ۹۹، اندهگن شوند ۱۱۴

~: فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳۵:۷)
اندوهگن شوند ۲۴، اندوه‌مند باشند ۵۳، اندوه کنند ۶۱، اندوهگن شوند ۶۲، اندوه گین شوند ۶۴، اندوهمند شوند ۱۴۰

~: لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲:۱۰)
اندوه‌مند شوند ۳۴، اندوهگین باشند ۴۱، اندوه باید بردن ۴۲، اندوه گن باشند ۵۱، اندوهگنان ۵۸

~: لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۱:۳۹)
اندوه برند ۳۸

~: فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۳:۴۶)
ایشانرا اندوه باید خوردن ۲، انده خورند ۱۳۴

★ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۶۲:۲)
اندوه نرسد ایشانرا ۲۹، نرسد ایشان را هیچ اندوه ۶۲

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۴:۲)
نباشند ایشان اندوهناک ۱۳۶

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۷:۲)
نه باشد ایشانرا اندوهی ۶۲

~: أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۷۰:۳)
نباشند ایشان اندوه گین ۱۳۶

~: فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۹:۵)
نباشد ایشانرا اندوهی ۷۰

~: فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۴۸:۶)
نه ایشان را اندوه باید خوردن ۸۸

يَحْسَبُ: أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ (۳:۷۵)
می پندارد ۶، پندارد ۳۹، پند آرد ۱۰۰، پندارند ۱۳۶

~: أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵:۹۰)
گمان کند ۸۷

~: يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳:۱۰۴)
همی پندارد ۲۴، گمان برد ۹۶

يَحْسَبَنَّ: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ (۱۷۸:۳)
پندارند ۶۱

~: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا (۵۹:۸)
پندارد ۱۳۰

★ لَا يَحْسَبَنَّ: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ (۱۷۸:۳)
گو مپندارید ۱، مه پندارا ۲، مپندارندا ۱۰، مه پندارید ۲۴، مپندار ۲۹، مه پندار ۵۷، نه پندارند ۷۵، مه پندارندا هرآینه هرآینه ۸۰، باید که نپندارند ۱۰۴

~: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ (۱۸۰:۳)
مپندارید ۵۶، مپند آرند ۹۴، مه پندارندا ۹۷، باید نپندارند ۱۱۱، گمان نبرند ۱۲۲

~: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا (۵۹:۸)
مپندار ۲، نه پندار یا ۱۱، مپندارند ۲۴، تو مپندار ۲۹، نپندار ۶۴، مه پندار هرآینه هرآینه ۸۰، نباید که پندارند ۸۹، گمان مبر ۱۰۳، نپدارند ۱۱۱، گمان نکنند ۱۳۶

يَحْسَبُهُ: كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً (۳۹:۲۴)
پندارد ۲، پندارد ۵۳، پندارند ۶۱، می پندارد ۱۱۳، میپندارد ۱۱۶، پندآرد ۱۱۹

يَحْسَبُهُمْ: يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ (۲۷۳:۲)
می بپندارد ۱، پندارد ۲، پندارد ۳، پندارند ۲۴، پندار ۴۳، بدارد ۵۶، پند آرد ۱۰۰، می پندارد ۱۱۹، گمان میکند ۱۲۲

یَحْسَبُونَ: وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (۳۰:۷)
می پیندارند ۱، همی پندارند ۱۰ مکرّر، پنداشتند ۶۰، گمان برند ۹۶، گمان میبرند ۱۲۰، گمان کنند ۱۳۶

~: وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰٤:۱۸)
همی پندارند ۲، همی پندارند ۵۳، همی پندارند ایشان ۶۱، میپندارند ۱۱۶، گمان میکنند ۱۳۲، به پندارند ۱۳۹

~: أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ (۵۵:۲۳)
همی پندارند ۲

~: يَحْسَبُونَ ٱلْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا۟ (۲۰:۳۳)
همی پندارند ۲، می پندارند ۳، گمان می برند ٦٤

~: وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (۳۷:٤۳)
پندارند ۱٦، پندارند ۲۲

~: أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم (۸۰:٤۳)
همی پندارند ۲۲، می پندارند ۳۲

~: يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ ٱلْعَدُوُّ فَٱحْذَرْهُمْ (٤:٦۳)
پندارند و گمان برند ٦٤، پند آرند ۱۰۰، می پندارند ۱۱۳

یَحْسُدُونَ: أَمْ يَحْسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ (٥٤:٤)
همی بدخواهی کُنند ۲، بد می خواهند ۳، همی بدخواهی کنند ۲۹، همی بدخواهی کُنند ٤۲، بد می خواهند ۵۵، بدخواهی ٦۹، همی بدخواهند ۹٤، بدخواهی میکنند ۱۰۹، بدی خواهند ۱۱۹

یُحْسِنُونَ: وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰٤:۱۸)
می نیکوا کنند ۱، همی نیکوی کُنند ۲، نیکوی کنند ۲٤، نیکو می کُنند ۲۹، خوب می کنند ٤٤، نیکو می کُنند ۵۵، نیکویی می کنند ۵٦، نیک میکنند ۵۹، نیکو کنند ٦۱، نیکویی همی کنند ٦۲، نیکوئی می کنند ٦٤، نیکویی کنند ۷٦، نیک می کنند ۷۹، نیکو میکنند ۹۳، نیکو کردند ۱۰۰، نیکو می آرند ۱۰۳، همی نیکو کنند ۱۰۸، نیکوئی میکنند ۱۱٦، خوب میکنند ۱۳۵، نیکوئی کردند ۱۳۹

یُحْشَرَ: وَأَن يُحْشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحًى (۵۹:۲۰)
گرد کنند ٤۲، گرد آیند ٤۳، گرد کند ۵۳، گرد کرده شود ۷۲، گرد آمده شوند ۸٦، بهم شوند ۸۸، گرد بر کرده شوند ۹۲، گرد آورده شود ۱۲۸، گرد آورده شوند ۱۳۲

~: وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَآءُ ٱللَّهِ إِلَى ٱلنَّارِ (۱۹:٤۱)
گرد کرده شوند ۳، برانگیزند ۱۵، برانند ۲٤، گرد آرند ٤۱، برانگیخته شوند ٦۱، برانگیزانیده شوند ٦٤، گروه کنند ۱۲٤، گرد آورده شوند ۱۳۲

یَحْشُرُهُمْ: فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (۱۷۲:٤)
گرد آرد ۲، گرد کُنند ۱۰، برانگیزد ۳٦، برنگیزد ۵۷، بگیرد ۱۰٤

~: وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ (۱۲۸:٦)
گرد کنیم ۱، برانگیزانیم ۳۸، گرد آوریم ۱۲۰

~: وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوٓا۟ إِلَّا سَاعَةً مِّنَ ٱلنَّهَارِ (٤۵:۱۰)
برانگیزیم ۱۳، ما گرد آوریم ۲۹، برنگیزیم ۵۹

~: وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۲۵:۱۵)
گرد آرد ۲، گرد آورد ۲۹، برانگیزد ۵۳، گرد کند ۵۵، برانگیزاند ۵٦

~: وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۱۷:۲۵)
فرامی خواهند ٤۷

~: وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ (٤۰:۳٤)
گرد آریم ۲، گرد کند ۳، کبر انگیزند ۷

* سَيَحْشُرُهُمْ: فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (۱۷۲:٤)
سرانجام گرد آرد ٦۱، زود گرد آرد ۸۸

يُحْشَرُوا: ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ (٦:٥١)
گردْ آورده شونْد ٢، گرد آرند شان ٩، گرد آرند ایشان را ١٠ مکرّر، گِرد کُنند شان ٢٧، گرداورند شان ٤١، برانگیزاند ٦٤، گرد آورده شود ٨٨، گردارند شان ٩٤

يُحْشَرُونَ: ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (٦:٣٨)
گرد آورده شونْد ٢، گرد کرده شوند ٣، شمارا گردیدن ٩، گردانند ٢٦، گرد آرندَ شان ٤٢، انگیخته شوند ٤٤، گرد آردشان ٥٢، برانگیزند ٥٣، بازگردانیده شوند ٥٨، گردَه گرده شوند ٦٩، گرد کرده می شوند ٨٠، بازگردند ٨٢، بازگردانند شان ٨٨، گرد آرند ٩٦، گرد آوردند ٩٨، گرد آورند ایشانرا ١٠٤، گرد کرده میشوند ١١٤، گرد آورده خواهند شد ١٣٠

~: وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (٨:٣٦)
رانند شان ٢٧، گرد آورده شوند ٢٩، گرد آرند ایشانرا ٩٦، گرد آورند شان ١٠٤، گِرد کرده میشوند ١٠٩، رانده شوند ١٢٣، برانگیخته میشوند ١٣٠

~: ٱلَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ (٢٥:٣٤)
برانگیزند شان ٢، برمی انگیزند ٢٠، همی کشنْد شان ٢٤، گرد کنند شان ٢٩، برانگیزند ایشانرا ٤٧، برانگیخته شوند ٥٦، می رانند ٧٦، فراهم آورده میشوند ١٢٠، گرد آورنده خواهند شد ١٢٢، گرد شوند ١٣٩

يَحُضُّ: وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ (٦٩:٣٤)
برانگیخت ٣٩، برافزولید ٥٢، برمی انگیخت ٥٦، انگیخت ٩٥، افزولید ٩٦، همی برانگیخت ١٠٨

~: وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ (١٠٧:٣)
برانگیزد ٢، انگیزد ٩٠

★ لَا يَحُضُّ: وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ (٦٩:٣٤)
ورنمی انگیخت ١، همی بر نه اَنگیخت ٢، برنمی انگیخت ٣، همی نه انگیخت ٣٠، نمی داشت ٤١، بَرنیفزولید ٤٢، نداشتی ٦٧، نه همی برانگیخت ٨٨، برنینگیخت ٨٩، بر نه افزولید ١٠٥، برنینگیخت خود را ١٠٦، کوشش نمیکرد ١٢١، نه برانگیختی ١٣٩

~: وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ (١٠٧:٣)
برنه انگیزد ٨٨، برنمیگیخت خود را ١٠٠، برنمی انگیزد خود را ١٠٦، برنینگیزد ١١٤، ندهد - بهره نگیرد ١٢٤، نیمفرماید ١٣٣، بر نمی انگیزد ١٣٨

يَحْضُرُونِ: وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ (٢٣:٩٨)
فراز آیندَ ٣، آیند ٥٦، سوی من آیند ٦١، نزدیک شوند ٧٦، در آیند ٩٢

★ لَمْ يَحِضْنَ: وَٱلَّٰٓـِٔي يَئِسْنَ... وَٱلَّٰٓـِٔي لَمْ يَحِضْنَ (٦٥:٤)
بی نماز نه شوند ٣، نه بی نماز شدند ٨٠

يَحْطِمَنَّكُمْ: لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ (٢٧:١٨)
شکند هر آینه آینه ٣، بشکنند ٣٦، کشند هر آینه هر آینه ٨٠

★ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ: لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ (٢٧:١٨)
بنشکند ١، نباید که بشکند ٢٩، مشکناد ٤٣، نمالد ٤٦، فرومکوبد ٤٧، نشکند ٥٢، نشکند و خرد نکند ٥٣، نکوبند و نشکنند ٥٦، فرونشکند ٥٨، نکوبد ٦١، بنشکنند ٦٢، نشکنند ٦٩، زیرپای نسپرند ٧٨، نبادا که خرد ومرد کند ٧٩، ریز نشکند ٨٢، نکشند ٨٨، نکوبند ٩٤، پامال نکنند ٩٦، خورد ومرد مکناد ١٠٠، بمشکناد ١٠٦، نشکند - فرونکوبد ١٠٩، باید درهم نشکند ١١١، نباید که خرد ومرد کنند ١١٣، پایمال نکند ١١٤، درهم نشکند ١١٦، در پا نکوبد ١٢١، نشکنند و ناچیز نگردانند ١٢٢، درنشکند ١٢٣، درهم نکند ١٣٠، خورد نکند ١٣٨

يَحْفَظْنَ: وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ (۳۱:۲٤)
نگه دارند ۱، نگاه دارند ۲، نگاه دارند ۲٤، نگاه دارند ۵۱، پوشیده دارند ۵٤، نگهدارند ۱۰٦، نگاهدارند ۱۲۳، نگه بدارند ۱۳۸

يَحْفَظُوا: وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ (۳۰:۲٤)
نگه دارند ۱، نگاه دارند ۲٤، نگاه دارند ۵۱، نگاه دارند ۵۳، نگاهدارند ۸۷، نگه بدارند ۱۰۰، نگهدارند ۱۰٦

يَحْفَظُونَهُ: يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ (۱۱:۱۳)
می نگه دارند ۱، همی نگاه دارند ۲، نگاه می دارند ۳، نگه می دارند ۲۹، نگاه می دارند ۵۵، نگاه دارند ۵۷، نگاه همی دارند ٦۲، همی نگاه دارند ۹٤، نگه میدارند ۱۰۰، نگاه میدارند ۱۰٤، همی نگه دارند ۱۲۸

فَيُحْفِكُمْ: إِن يَسْـَٔلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا (۳۷:٤۷)
سختی کند ۱، پابندی ۲۲، سختی کند ۳۰، سختی کردی ۹٦

يَحِقَّ: وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰:۳٦)
سزا شود ۳، درست شود ۳۳، بگیرد ٤۱

يُحِقَّ: وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ (۷:۸)
درست کند ۱، پدیدار کند ۱۰، درست و راست پدیدار کند ۲۷، استوار کند ٤۱، دُرست کُند ٤۲، برجای دارد ۵۵، درست گرداند ۱۰۰

~: لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ (۸:۸)
برجای دارد ۳، پدید کند ۲٤، درست و راست آشکارا کند ۲۷، آشکاره کند ٤۹، بآشکارا کند ۹۳، راست کند ۹٤، راست نماید ۹٦

~: وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ (۸۲:۱۰)
دُرست گرداند ۲، راست گرداند ۱۳، پیدا کند ۳٦، درست گرداند ٤۲، درست داند ۵۲، پیدا آرد ٦٤، سزاوار کند ٦۷، راست کرد ۹۱، راست گردآند ۹٤، ۱۰۵، راست دارد ۱۲۱

~: وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ (۲٤:٤۲)
راست کند ۲۲، آشکارا کند ۲٤، سزاوار شود ٤۲، راست گردد ۵۳، استوار گرداند ٦٤، بجای برارد ٦۹، دُرست گرداند ۸۱، آشکارا میگرداند ۱۰۳، برجای بدارد ۱۰۸

يَحْكُمُ: فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۱۳:۲)
داوری کند ۱۰

~: وَأَنزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ (۲۱۳:۲)
داور باشد ۲

~: يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ (۲۳:۳)
داور باشد ۲، داوری کند ۳

~: وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فِيهِ (٤۷:۵)
داوری کنندا ۳

~: وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ (٤۱:۱۳)
داوری می کند ۳

~: الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ (۵٦:۲۲)
استوار می کند ۳

يَحْكُمَانِ: وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ (۷۸:۲۱)
داوری کردند ۳، داوری همی کردند ۳۰

يُحَكِّمُوكَ: حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ (٦۵:٤)
داور کنند ۱، بداوری برآیستند ۱۰، داوری گیرند ۳۹، داور گردانند ٤۲، داور گردانند ۵۲، بداور کنند ۵۷، داوری دآرند ۹٤

يَحْكُمُونَ: سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۱۳٦:٦)
داوری کند ۵۳

~: أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۵۹:۱٦)

داوری می کنند ۳، داوری همی کُنند ۵۳، داوری می کُنند ۵۵، داوری میکنند ایشان ۹۳، داوری میکنند ۱۲۱

~: سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ (۴۵:۲۱)
همی داوری کنند ۲۲، داوری کردند ۹۴

یُحَکِّمُونَكَ: وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِندَهُمُ التَّوْرَىٰةُ (۵:۴۳)
می داور کنند ۱، داور کنند ۳، داور دارند ۱۰ مکرّر، فرانشینند بداوری ۲۷ داور دارند ۴۲، داور کنند ۴۵، داورْ کنند ۵۳، د آورد آرند ۹۴، داوری میکنند ۹۹، میانجی کنند ۱۰۲، داوری کنند ۱۲۹

یَحِلُّ: وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ (۲:۲۲۸)
روا بود ۱۰۹

~: وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا (۲:۲۲۹)
روا باشد ۱۲۶

~: لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا (۴:۱۹)
شاید ۵۵، شایسته شود ۱۱۴

~: وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۱۱:۳۹)
واجب شهد ۱، فُرود دآردْ ۲، فرود آید ۳، فُرودَ آیَد ۵۵، فرود می آید ۶۹، فرود میآید ۱۲۰

~: وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي (۲۰:۸۱)
فُرودْ آیدْ ۵۳

~: أَمْ أَرَدتُّمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ (۲۰:۸۶)
ویجب شهد ۱، برسد ۹۶

~: لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِن بَعْدُ (۳۳:۵۲)
شاید ۳

~: وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۳۹:۴۰)
فُرود آید ۲، فروآید ۲۲، فرود آیَد ۶۱، فرودارد ۸۱

★ لَا يَحِلُّ: وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ (۲:۲۲۸)
نه شاید ۶۳، روا نیست ۷۸، شایسته نشود ۹۱، روا نبود ۱۰۲

~: وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا (۲:۲۲۹)
شایسته نیست ۳، شایسته نبود ۳۰، شایسته نبود ۵۵

~: لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا (۴:۱۹)
نشاید ۳، به نشاید ۵۳، روا نباشد ۵۸

~: لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِن بَعْدُ (۳۳:۵۲)
نه روا باشد ۱۸، شایان نیست ۳۹، گشاده نیست ۴۷

یُحِلُّ: وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ (۷:۱۵۷)
پدید می کند ۵۸، پدید میکرد ۷۴، شایسته کند ۱۱۴

لَیَحْلِفُنَّ: وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ (۹:۱۰۷)
می سوگند خورند ۱، هرآینه سوگند می خورند هرآینه هرآینه ۳، سوگند همی خورند ۱۳، سوگند می خورند ۲۷، سوگند میخورند ۲۹، سوگند خورند ۴۳، سوگند همی خورد ۵۳، سوگند خوردند ۵۶، سَوگند میخورند ۶۱

یَحْلِفُونَ: يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا (۴:۶۲)
می سوگند خورند ۱، سُوگند همی خورند ۲، سوگند می خورند ۳، سوگند مَی خورَند ۱۰، سوگند می خوردند ۳۶، سوگند می خُورَند ۴۲، سَوگند مِی خَورَند ۵۵، سوگند می خورد ۶۹، سوگند خوردندی ۱۰۰

~: وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا (۹:۴۲)
سوگند خورند ۳، سَوگندان خُورَند ۱۰، سوگند خورند همی ۳۸، سَوگند همی یاد کنند ۵۳، سَوگند خَورَند ۵۵، سَوگند میخورند ۶۹، سوگند

همی خورد ٦٢، سوگند یاد کنند ٩٣

~: وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ (٩: ٥٦)
سُوگند خُورنْد ٢، سوگند خوردند ٧٩، سوگند میخورند ١١١

~: يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ (٩: ٦٢)
مَی سوگند خورَند ١٠، سوگند همی خورند ١١، می خورند سوگند ٤١، سَوْگند یاد همی کند ٦٢

~: يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا (٩: ٧٤)
سوگند یاد میکنند ٩٣

~: سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ (٩: ٩٥)
سوگند خورید ١٣، سوگندان می خورند ٤٨، سَوْگنْد خَورْدنْد ٥٣، سوگند خواند ٦٦

~: يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ (٩: ٩٦)
سوگند همی یاد کنند ٣٤

~: مَّا هُم مِّنكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ (٥٨: ١٤)
سوگند همی خورنْد ٢، سوگند خوردند ٣، سوگند میخورند ٢٩، همی سوگند خورند ٣٨، سوگند میخوردند ٦١

يَحْلِلْ: وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ (٢٠: ٨١)
فرود آید ٣٠، فرود آمد ٦٤، فرو آید ٧٦

يَحِلُّونَ: لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ (٦٠: ١٠)
مردان شایسته میشوند ١١٤، شایسته اند ١٢١

يُحَلَّوْنَ: يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ (١٨: ٣١)
می پیرایه کرده شند ١، پیرایه نهند ٢، زیور بسته شوند ٣، پیرایه‌ور کنند ٢٤، بزیور کنند ایشانرا ٢٩، پیرایه پوشانند ایشانرا ٣٦، پیرایه کننده شان ٣٨، می آرایند پیرایه ایشانرا ٤١، پیرایه داده شوند ٤٣، پیرایه بندند ٤٩، پیرایه نهند ٥٢، زیوَرْ بَسْتَهْ ٥٥، پیرایه بپوشانندشان ٥٦، پیرایه کنند ایشانرا ٥٧، بیفکنند ایشانرا ٥٩، زیور داده شوند ٦٤، پیراید ٦٥، پیرایه بندند ایشانرا ٦٧، پیرایه کرده شود ٧٤، اندر پوشند ایشانرا ٧٦، بزیور کرده شوند ٧٩، پیرایه کندشان ٩٢، پیرایه نهد ایشانرا ٩٦، بیارایندشان ١٠٣، پیرایه نهند ایشانرا ١٠٥، پیراسته بسته شوند ١١١، پیرایه بسته شوند ١١٤، درپوشند ١١٨، زیور کنند ١٢٢، پیرایه بسته شود ١٢٣، پیرایه بسته میشوند ١٣٠، زیور می کنند ١٣٦، پیرایه بسته باشند ١٣٧، پیرایه کند ١٣٩

~: يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ (٢٢: ٢٣)
پیرایه نهندشان ٢، پیرایه کنندشان ١٢، پیرایه برکنندشان ٢٤، پیرایه دهندشان ٣٠، بیارایند ایشانرا ٣٤، پیرایه برکندشان ٣٩، می آرایندشان ٤١، پیرایه کنند ٥٣، بیاراید ایشانرا ٥٤، پیرایه کرده شوند ٥٨، بیارایندشان ٦٢، زیور داده شود ٦٤، پیرایه سازند ایشانرا ٦٧، زیور کرده شود ٧٩، آراسته شوند ٨٠، زیور برکنند ٨٩، پیرایه نَهندشان ٩٥، زیور کرده شوند ١٠٢، آراسته کرده شوند ١٠٩، پدید کرده می شود ١١٣، پیرایه داده شوند ١١٥، بزیور ازآسته گردانیده شوند ١١٦، آراسته گردانند ١٢٣، پیرایه نهندش ١٢٨، زیور داده شوند ١٣٢

~: يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا (٣٥: ٣٣)
پیرایه نهندشان ٢، پیرایه کنندگان ١٨، پیرایه پوشانیده شوند ٣٦، پیرایه بسته شوند ٣٩، می کنند پیرایها ٤١، بیارایند ٤٢، پیرایه پوشند ٤٩، پیرایَهْ کنند ٣ذ، بپوشند ٥٦، پیرایه کرده می شونند ٥٨، زیور بسته می شوند ٦٤، بپوشند پیرایه ٦٥، پیرایهٔ برکشندشان ٧٢، پیرایه کرده می شود ٧٤، بیارایندشانرا ٩٢، زیور در برکنند ١٠٠، زیور برکرده شوند ١٠٤، زیور بسته شده باشند ١١٦، به پوشند پیرایه ١٢٤، زیور برکنند ایشانرا ١٣٨

يُحْمَدُوا: وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا (٣: ١٨٨)

ستوده شند ١، ستوده شوند ٣، ايشان را بستاذند ١٠، بستايند ايشانرا ٢٣، بستايند شان ٢٤، بستايد شان ٢٧، ايشانرا بستايند ٢٩، بستايند ٣٤، ستوده مى شوند ٣٩، ستايش كنند شان ٤١، بستايند ايشانرا ٤٢، بستايد شان ٥٣، بستاييد ٧٦، بستايند ايشان را ٨٣، ستآيش گويند ايشآنرا ١٠٠، ستايند ايشانرا ١٠٤، ستوده شدند ١٠٩، ستايش كنند ايشانرا ١٢١، بستايد ايشانرا ١٢٨

يَحْمِلُ: فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَـٰمَةِ وِزْرًا (٢٠:١٠٠)
وردارد ١، بَرْدارد ٢، برگيرد ٢٤، برد آرد ١٠٠، برميدارد ١٣٠

~: كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (٦٢:٥)
بردارد ٢

~: وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَـٰنِيَةٌ (٦٩:١٧)
مى وردارد ١، بردارند ٥٤

يُحْمَلْ: لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ (٣٥:١٨)
بردارد ٣٠

★ لَا يُحْمَلْ: لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ (٣٥:١٨)
ورداشته نشهد ١، برداشته نشود ٣٩، نبردارند ٤١، بارداشته نشود ٦١

وَلَيَحْمِلُنَّ: وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ (٢٩:١٣)
مى وردارند ١، بردارند هرآينه هرآينه ٣، برمى گيرند ٢٩، برگيرند ٤٢، بردارند ٤٦، برد آرند ١٠٠، بردارد ١٢١

يَحْمِلْنَهَا: فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا (٣٣:٧٢)
وردارند ١، بردارند ٧، بپذيرند ٣٩، برداشتندى ٤٧، برگيرد ٥٢، برگيرند ٥٣، برداشتند ٧٣

★ أَنْ يَحْمِلْنَهَا: فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا (٣٣:٧٢)
برنگيرند ٦١

لِيَحْمِلُوا: لِيَحْمِلُوٓا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً (١٦:٢٥)
وردارند ١، بردارند ٢، بردارند ٣، ورگيرند ٢٤، برگيرند ٥٣، بَردارند ٥٧، گرد آرند ٥٨، برگيرند ٨٨، برد آرند ١٠٠

يَحْمِلُونَ: وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ (٦:٣١)
مى وردارند ١، همى بَردارند ٢، بردارند ٩، ورگرفته باشند ٢٤، همى برگيرند ٢٩، برگيرند ٥٣، مى بردارند ٥٦، مى برند ٥٧، برمى نهند ٦٠، برميدارند ٦٣، برگرفته باشند ٦٤، همى برد آرند ٩٤، برد آرند ١٠٠

~: الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ (٤٠:٧)
برمى دارند ٣، بردارند ٢٢، برگرفته اند ٢٤، همى بردارند ٣٤، برداشته اند ٥٦

★ لَمْ يَحْمِلُوهَا: مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَىٰةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا (٦٢:٥)
ورنداشتند ١، برنداشتند ٢، نه برداشتند ٣، برنگيرند ٣٠، بَرنداشتند ٤٢، نبرگرفتند ٤١، نه برگرفتند ٥٦، برندارند ٦١، كار نكنند ٨١، كار نكردند ٨٧، برنگرفتند ٩٦، برنميدارند ١٣٦

يَحْمُوم: فِى سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ (٥٦:٤٣)
دود سياه ٣، دود ٢٤، آتش گرم ٣٠، دود دوزخ ٤٩، گرما ٥١، دود آتش ٥٦، باد گرم ٨١، آتش ٨٨، گرما باد ٩٤، دود گرم ١٠٠، دود سياه گرم ١٣١، دود آتش سخت سياه ١٣٩

يُحْمَى: يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ (٩:٣٥)
تافته شهد ١، گرم كرده شود ٣، بتاوَند اوُ گرم بَكُنند ١٠، بتفسانند ١١، برارند شان ٢٤، بتابند و گرم كنند ٢٧، بتابند ٢٨، گرم كنند ٢٩، بِتاوَنْد ٥٣، گرم كَرده شَود ٥٥، تافته كرده شود ٥٦، تافته شود ٥٨، بتابانند آنرا ٦٣، افروخته شود ٦٩، بتاوند ٩٣، بتفتانند ٩٦، بتابد ٩٩، بتابآنند ١٠٠، گرم كنند و برافروزند آتش را ١٠٤، بتابانند ١٠٦،

سخت گرم کرده شود ۱۱۱، گرم شود ۱۲۲، تابند ۱۲٤، بیفشانند ۱۲۸

یَحُورَ: إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن یَحُورَ (۸٤:۱٤)
بازگردد ۹۰

★ لَنْ یَحُورَ: إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن یَحُورَ (۸٤:۱٤)
بازنگردد ۲، هرگز نگردد ٤۱، باز نیایَدْ ۵۳، هرگز بازنگردد ۵٦، هرگز نه برانگیخته شود ۸۰، هرگز نه بازگردد ۹۱، بازنیاید ۹۲، هرگز برنگردد ۱۳٦

یَحُولُ: وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ یَحُولُ بَیْنَ ٱلْمَرْءِ وَقَلْبِهِۦ (۸:۲٤)
جُدایی افکند ـ بگرداند ۲، جدایی افکند ۳، بگرداند ۱۰، بازدارد ۳۵، پرده می افکند ۳٦، همی گرداند ۳۸، می گرداند ٤۱، جدایی فکند ٤۲، جُدائی اَفکَنَد ۵۵، نگاه دارد ٦۰، بازدارنده کند ۷۲، جدایی اندازد ۷۹، جدایی کند ۸۰، جدا کند ۹۰، افکند ۹٦، بازدارد و جدا کند ۱۲٤

یُحِیطُوا: بَلْ کَذَّبُوا۟ بِمَا لَمْ یُحِیطُوا۟ بِعِلْمِهِۦ (۱۰:۳۹)
رسیدند ۳۸

★ لَمْ یُحِیطُوا: بَلْ کَذَّبُوا۟ بِمَا لَمْ یُحِیطُوا۟ بِعِلْمِهِۦ (۱۰:۳۹)
درنگرفتند ۱، بر نه رسیدنْد ۲، نرسیدند ۳، بر نه رسیدند ۱۳، گرد درنیامدند ۲۹، نه رسیدند ۳۰، به نرسیدند ۵۲، ندانستند ۵٦، گرد برنیامدند ۵۷، نه درگرفتند ٦۱، نه دررسند ۸۰، درنیافتند ۹۰، نه دریافتند ۹۱، بر نه نرسیدند ۹٤، بنرسیدند ۱۰۵، فرانرسیده است ۱۱۱، نرسیده اند ۱۱۲، فرانرسیدند ۱۱٦

یُحِیطُونَ: وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ (۲:۲۵۵)
گرد درگیرند ۳، دانند ۲٤، گِردْ دَرگیرَد ۵۵، گرد درگردند ۸۰، برسند ۱۲٤، فرامی رسند ۱۲۹

~: وَلَا یُحِیطُونَ بِهِۦ عِلْمًا (۲۰:۱۱۰)
رسد ۲٤، اندریابند ۳۰، دررسند ۳۸، دریابند ٤۳، گرد گیرند ۱۱٤، گرد کرد ۱۲٦

★ لَا یُحِیطُونَ: وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ (۲:۲۵۵)
درنگیرند ۱، بَرنرسَنْد ۲، نیک بنه دانند ۱۰، نه رسند ۲۵، نه دانند ۲۷، فراز نمی رسند ۳٦، بنه دانند ٤۰، درنیابند ٤۱، برنَرسند ٤۲، گرد برنیایند ۵۷، نرسند ٦۰، درنرسند ٦۳، برنرسند ۷٦، نه دریابند ۸۸، نه رسد دانش ایشان ۹۰، برنرسد ۹٤، درنمی آرند ۹۹، نمی دانید ۱۰۱، فرانرسند ۱۰۲، درنرسد ۱۰٦، وانمیرسند ۱۱۱، فرانمیرسند ۱۲۲

~: وَلَا یُحِیطُونَ بِهِۦ عِلْمًا (۲۰:۱۱۰)
گرد درنگیرند ۳، آگاه نشوند ۲۹، دنگیرند ۵۸، اندرنیایند ٦۱، ندانند ٦۲، گرد نگیرد ۸۷، نه توانند دریافت ۹۰، نبود ایشانرا ۱۰۵، اندر نیابند ۱۰۸، فرانگیرند ۱۳۲، گرد درنگیرد ۱۳۹

یَحِیفَ: أَمْ یَخَافُونَ أَن یَحِیفَ ٱللَّهُ عَلَیْهِمْ وَرَسُولُهُۥ (۲٤:۵۰)
ستم کُند ۲، ستم کند ۳، بی داد کند ۳۹، ستمی کند ٦٤، جور کند ٦۹، بیداد کند ۱۰۵

یَحِیقُ: وَلَا یَحِیقُ ٱلْمَکْرُ ٱلسَّیِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِۦ (۳۵:٤۳)
فرود آید ۳، فراز رسد ۱۸، اندر رسد ۳۸، فرو آید ۸۰، بازگردد ۱۲٤

★ لَا یَحِیقُ: وَلَا یَحِیقُ ٱلْمَکْرُ ٱلسَّیِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِۦ (۳۵:٤۳)
درنگیرد ۱، درنرسد ۲، نه فراز رسد ۲۲، نرسد ۲٤، اندر نرسد ۳۰، درنرسید ٦۱، فرود نیاید ۸٦، بازنگردد ۹۲، فرونیاید ۱۰٤، گرد درنیاید درنرسد ۱۰۹، نه اندر رسد ۱۳۹

یَحْیَی: وَیَحْیَىٰ مَنْ حَیَّ عَنۢ بَیِّنَةٍ (۸:٤۲)
بزید ۱، زنده ماند ۳، زِندَه بُماند ۱۰، زنده شود ۲۹، زِندَه مَانَد ۵۵، زنده گذارد ۵۸، زنده گَرداند ٦۱، زنده گردد ۸۸، بِزِیَدْ ۹٤، زنده بگذارد ۱۰۰، بزید و بماند ۱۰۹، زنده مانَد ۱۱٤، زنده کند ۱۲۱

~: فَإِنَّ لَهُۥ جَهَنَّمَ لَا یَمُوتُ فِیهَا وَلَا یَحْیَىٰ (۲۰:۷٤)

زيَد زندگانی که مَزه یابد ۲، زندگانی یابد ۳۰، زید ۳٤، زندگی یابد ۳۹، زیَد ٤۲، زنده باشد ۱۳۲

~: ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ (١٣:٨٧)
بَزید ۲

★ لَا يَحْيَى: فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ (٢٠:٧٤)
نی بزید ۱، زنده نشود ۳۸، نه زید ۹٤

~: ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ (١٣:٨٧)
نزید ٦۷، نه زنده باشد ۱۲۰، زنده نباشد ۱۳٦

يُحْيِي: كَذَٰلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ (٢:٧٣)
زندَه کُند ۵۵، زنده گردانید ۱۰٤

~: إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ (٢:٢٥٨)
زنده کند ۱، زنده کند ۲۷

~: قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا (٢:٢٥٩)
زنده خواهد کردن ۲۵، زنده باز کند ۲۹، زندَه کُند ٤۲، زنده گرداند ـ آبادان کند ۱۰۱

~: وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٣:١٥٦)
زنده می کند ۳، زنده دارد ۱۰، زنده میدارد ۱۲۳

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۖ فَآمِنُوا بِاللَّهِ (٧:١٥٨)
همی زیاند ـ زنده گرداند ۱۰۹

~: إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يُحْيِي (٩:١١٦)
بزیاند ۲۷، زندَه کُند ۵۵

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ (٢٢:٦)
زنده گرداند ۲، زنده کننده ٤۳

~: وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ (٢٣:٨٠)
زنده گرداند ۲، زنده میکند ۲۹، زیاند ۱۰۳

~: وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (٣٠:١٩)
زنده می گرداند ٦۱

~: فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (٣٠:٢٤)

زنده میگرداند ۸٦

~: هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ (٤٠:٦٨)
زنده میکند ۹۹

~: فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ (٤٢:٩)
زنده کُند ۳۲

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ (٤٤:٨)
زنده همی کند ۱۰۹، می زیاند ۱۱۹

يُحَيِّكَ: وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ (٥٨:٨)
درود داد ۱۱٤

★ لَمْ يُحَيِّكَ: إِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ (٥٨:٨)
درود نداد ۱، نه درود داد ۳، نستود ۸۱، پرسش ننمودند ۱۰٤، درود نکرده ۱۲۲

يُحْيِيكُمْ: ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ (٢:٢٨)
زندَه کُند ۱۰، برانگیزد ۳٦، زنده گردانند ۱۰۲، زنده میگرداند ۱۰٤، زنده گردانید ۱۲۱

~: اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (٨:٢٤)
زنده کند ۱، زنده کند برهاند او گرامی بکُند ۱۰، زنده کند و گرامی کند ۲۷، زنده کرد ۳۵، زنده گرداند ۵۳، زنده گرداند ٦۱، زنده دل گرداند ۸۹

~: وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ... ثُمَّ يُحْيِيكُمْ (٢٢:٦٦)
زنده گرداند ۲، زنده باز کند ٦۲، زنده کنند ۱۳۹

~: قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ (٤٥:٢٦)
بزیاند ۱۰۸، زنده میکند ۱۱٤

يُحْيِينِ: وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (٢٦:٨١)
زندَه کند ۱، زنده کُند ۵۳، زنده گرداند ۷٦، زنده میگرداند ۸٦، زنده می کند ۹٦، زنده کرد ۱۲۱

يُحْيِيهَا: قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ (٣٦:٧٩)

زنده کند ۱، زنده گرداند ۸۶، زنده کنند ۱۱٤

يُخَادِعُونَ: يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا (۲:۹)
همی فریبند ۲، می فریبند ٤۲، همی فریب نمایند ۵۰، می فریب نمایند ۵۷، فریب می دهند ۷۳، می فریفتند ۹۰، فریبند همی ۹٤، فریب میدهند ۹٦، فریوانند ۱۰۱، فریب می نمایند ۱۰٤

~: إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمْ (٤:۱٤۲)
می فریواندازند[1] ۱، بفریبند ۲، می فریبند ۳، می بفریوند ۲٤، می فریبند و دروغ می دارند ۲۷، همی پندارند که بتوانند فریفتن ۲۹، همی فریفتن نمایند ۳۱، همی فریفتن نمایند ٤۵، بفریبند ۵۳، می فری بند ۷۵، بتوانند فریفتن ۸۲، میفریبند ۹۹، فریب می آرند ۱۰۲، فریب مینمایند ۱۰٤، می پندارند ۱۰٦، فریفتن نمایند ۱۱۲

يَخَافُ: فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (۲۰:۱۱۲)
ترسد ۵۳

~: فَذَكِّرْ بِٱلْقُرْءَانِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ (۵۰:٤۵)
ترسد ۱، بترسد ٦، می ترسد ۲۹

★ لَا يَخَافُ: فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (۲۰:۱۱۲)
نترسد ۱، خود نترسد ٦۲

~: يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّى لَا يَخَافُ لَدَىَّ (۲۷:۱۰)
بنترسند ۲۰، نترسند ٤۳، بی ترس کرده‌ام ۵۸

~: وَلَا يَخَافُ عُقْبَٰهَا (۹۱:۱۵)
نترسید ۱، نمی ترسد ۱۳٦، نه ترسند ۱۳۸

يَخَافَا: إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ (۲:۲۲۹)
ترسندا ۱، دانند ۱۰، ترسند ۲٤، بترسند ٤۱، بترسند ٤۲، دانسته باشند ٦۳، بترسید ۱۳۸

يَخَافُهُ: لِيَعْلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلْغَيْبِ (۵:۹٤)
ترسد ۱، بترسد ۲، می ترسد ۳، بترسند ۲٦، بترسید ۹۲، میترسد ۱۱۱

يَخَافُوا: أَوْ يَخَافُوٓا۟ أَن تُرَدَّ أَيْمَٰنٌۢ بَعْدَ أَيْمَٰنِهِمْ (۵:۱۰۸)
ترسند ۱، بترسند ۲، بترسند ۹، بترسند ٤۵، ترسند ۵۳

يَخَافُونَ: قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمَا (۵:۲۳)
می ترسیدند ۱، همی ترسیدند ۱۰ مکرّر، ترسیدند ۲۹، می ترسیدند ۵۳، همیترسیدند ۱۱۲

~: يُجَٰهِدُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَآئِمٍ (۵:۵٤)
ترسند ۲٤، ترسند ٤۵، ترسد ۷۰

~: وَأَنذِرْ بِهِ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوٓا۟ إِلَىٰ رَبِّهِمْ (٦:۵۱)
می ترسند ۱، بترسند ۲، بترسند ۹، همی بترسند ۱۰ مکرّر، همی ترسند ۲٦، بترسد ۵۳، میترسند ۹۹، ترسناک اند ۱۰٤

~: وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلْحِسَابِ (۱۳:۲۱)
می ترسند ۵۵، ترسند ٦۰، بهراسند ٦٤

~: يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۱٦:۵۰)
ترسند ۵۵، می ترسند ٦۱، ترسند ٦۲

~: وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓ (۱۷:۵۷)
همی ترسند ۵۳، همی ترسند ٦۲

~: يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلْقُلُوبُ (۲٤:۳۷)
همی ترسند ۲، همی ترسند ۵۳

~: أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُۥ (۲٤:۵۰)
می ترسند ۵۱، می اندیشند ۷۷

---

۱. می فریواندازد: فریب می آرند: حیله می کنند.

★ لَا یَخافُونَ: وَلَا یَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٍ (۵:۵٤)
نترسند ۱، نترسَند ۲، نه ترسند ۱۰ مکرّر، نه ترسَند ۵۳

~: كَلَّاۖ بَل لَّا یَخَافُونَ ٱلۡاٰخِرَةَ (۷٤:۵۳)
نمی ترسند ٦، نمیترسند ۱۳٦

یُخالِفونَ: فَلۡیَحۡذَرِ ٱلَّذِینَ یُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ (۲٤:٦۳)
ها می گردند ۲۹، دوری می گزینند ۸٦، بیرون می آیند ۱۱٤، بیرون میآیند ۱۲۱

یَختارُ: وَیَخۡتَارُۗ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلۡخِیَرَةُ (۲۸:٦۸)
بگزیند ۱، برمی گزیند ۳، ورگزیند ۲۱، برگزیند ۲٤، می گزیند ٤۱، برمیگزیند ۱۱٦

یَختانونَ: وَلَا تُجَٰدِلۡ عَنِ ٱلَّذِینَ یَخۡتَانُونَ أَنفُسَهُمۡ (٤:۱۰۷)
ناراستی کردند ۳، نَارَاستِی کَرْدَند ۵۵، ناراستی می کنند ۸۰، می کاهند ۱۰۹، ناراستی میکنند ۱۱٤

یَختَصُّ: وَٱللَّهُ یَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن یَشَآءُ (۲:۱۰۵)
یگانه کند ۳، یَگانَه کُند ۵۵، بگزیند ٦۰، یکتا کند ٦۱، برمی گزیند ۸۰، به گزیند ۹۰

~: یَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن یَشَآءُ (۳:۷٤)
یگانه می کند ۳، برگزینَد ۱۰، یگانَه مِی کُند ۵۵، برگزید ٦۹، برای خود برگزیند ۱۰۹

یَختَصِمونَ: وَمَا كُنتَ لَدَیۡهِمۡ إِذۡ یَخۡتَصِمُونَ (۳:٤٤)
پیکار می کردند ۲۷، پیکار میکردند ۲۸، وایک دیگر می اویختند ٤۰، پیکار می کَردَند ٤۲، پیکارِی کَردَند ۵۵، گفت وگوی می کردند ۵۸، گفت گوی کردند ۷۲، دشمنی کردند ۱۳٦

~: قَالُواْ وَهُمۡ فِیهَا یَخۡتَصِمُونَ (۲٦:۹٦)
می پیکار کنند ۱، پیکار کنند ۳، پیکار می کنند ۲۰، پیکار همی کنند با یک دیگر ٤٦، پیکار همی کنند ٦۱، پیکار میکنند ۱۰۲، دشمنی کنند ۱۱۱

~: فَإِذَا هُمۡ فَرِیقَانِ یَخۡتَصِمُونَ (۲۷:٤۵)
بجنگ با یکدیگر درآمدند ۱۱۱، کارزار میکردند ۱۱٤

~: مَا كَانَ لِیَ مِنۡ عِلۡمِۭ بِٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰٓ إِذۡ یَخۡتَصِمُونَ (۳۸:٦۹)
می پیکار کردند ۱، پیکار کردند ۳، پیکار همی کردند ۳۰، گفت وشنود میکردند ۱۱۱، گفتگو میکردند ۱۲۳

یَختَلِفونَ: فِیمَا كَانُواْ فِیهِ یَخۡتَلِفُونَ (۲:۱۱۳)
برافرود می شدند ۳، ناهمواری میکردند ٦۱، بَرآفرُودَ شَوَندگان ۵۵، برافرود شدند ۸۰، ناسازی میکردند ۱۰۹

~: لَقُضِیَ بَیۡنَهُمۡ فِیمَا فِیهِ یَخۡتَلِفُونَ (۱۰:۱۹)
ناهموار همی کردند ۱۳، همی ناهموار کردَند ٤۲، دوگروهی کردند ۵۸، ناهمواری همی کردند ٦۱، نساختند ناهمواری کردند ۱۰۹

~: فِیمَا كَانُواْ فِیهِ یَخۡتَلِفُونَ (۱۰:۹۳)
برافرود می کردند ۳، بَرآفرود شُدَند، بَرافرُود شَوَندگان ۵۵، دوگروهی میکردند ۵۸، ناهمواری کردند ۷۸، ناهموار کردند ۱۲۸

~: لِیُبَیِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِی یَخۡتَلِفُونَ فِیهِ (۱٦:۳۹)
دو گروه می شوند ۵۸، دو گروهی شدند ۷۲، ناهموار شدند ۹٤، ناهموار شوند ۹٦، نمی سازند ۱۰۹

~: أَكۡثَرَ ٱلَّذِی هُمۡ فِیهِ یَخۡتَلِفُونَ (۲۷:۷٦)
ناهمواری کنند ۳۰، برافرود می شوند ۸۰

~: فِیمَا كَانُواْ فِیهِ یَخۡتَلِفُونَ (۳۲:۲۵)
همی ناهمواری کردنْد ۲، می برافرود کردند ۳، دو گروهی می کردند ٤۳، فاوایی می کردند ٤۷، ناهمواری می کردند ۵٦، همی ناهمواری کردن ۱۰۸

~: فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۳:۳۹)
آمد وشد و گفت وشنید می کنند ٤١، دوگروهی میکنند ٥٨

~: فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (٤٦:۳۹)
دوگروهی می کنند ٤٣، گروه یی کردند ۱۳۹

يَخْتِمْ: فَإِن يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ (٢٤:٤٢)
مهر کند ۱، مُهْر کُند ۲، مُهر کند ٢٢، مهر نهد ۳۰، مُهر کند ۳۲، مُهر نَهد ۸۱، مهر زند ۱۳۲

يَخْدَعُوكَ: وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ (٦٢:٨)
بفریوند ۱، فریبند ۳، بفَریوَند ۱۰، بفریفند ۱۱، بفریبند ٢٩، بدی سگالند نهان ٤١، بفریبَند ٤٢، بفریبانند ٤٨، فِریبَند ٥٥، فریب دهند ۱۰۰، بفریبد ۱۲۰

يَخْدَعُونَ: وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ (٩:٢)
فریبَنْد ۲، می فریوند ایشان ٢٤، میفریبند ۹۱، فریبند همی ٩٤، می فریبند ۱۰۹، فریب می دهند ۱۲۹

★ مَا يَخْدَعُونَ: وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ (٩:٢)
نه فریبَند ۲، نَمیِ فِریبَنْد ٥٥، نمی فریبند ٥٧، همی نفریبند ٦٢، نمی فریفتند ۹۰، نه میفریبند ۹۱، فریب نمی دهند ٩٦، نمی فریبند ایشان ۱۰۰، نفریونند ۱۰۱، نفریبند ۱۰۵، فریب نمیدهند ۱۱۱، نمی فریبانند ۱۱۲، نه می فریبند ۱۱۹

يَخْذُلْكُمْ: وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ (١٦٠:٣)
فرود هیلد ۱، فروگذارد ۳، رهاتان کند ۱۰، فروگذار ٢٧، بماند ٢٩، بگذارد ۳۹، بَماند ٤٢، خوار کند ٤٣، دَرگُذارَد ٥٥، فراگذارد ٥٦، یاری بگذارد ٥٨، شکست آرد ٦١، فرود گذارد ٧٥، نگوسار کند ۱۰۳، براند ۱۲۱، خوار گرداند ۱۲۲، نگونسار کند ١٢٤، خوار گذارد ۱۲۷، فرودارد ۱۲۹، واگذارد ۱۳٦

يُخْرِبُونَ: يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيْدِيهِمْ (٢:٥٩)
می ویران کنند ۱، ویران می کردند ۳، بیران میکنند ٢٩، ویران همی کردند ۳۰، بیران کنند ٤٣، ویران کردند ٦٧، بیرّان میکردند ٩٤، ویران کنند ٩٩، ویران همی کنند ۱۰۹، ویران میکنند ۱۲۱، ویران می کنند ۱۲٦

يَخْرُجُ: وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ (٧٤:٢)
بیرُون آید ۱۰، بیرون آند ۸۲

~: وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِ مُهَاجِرًا... أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (١٠٠:٤)
بیرون شهد ۱، بیروُن رود ۲، بشد ٦٢، بیرون شد ۹۲

~: وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ (٥٨:٧)
می بیرون آید ۱، بَرآید ۱۰، بیرون آرد ۳۱، بیرُون آرد ٤٥، بدر می آید ٩٦

~: فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ (٤٣:٢٤)
بیرُون آید ۲، بیرون همی آید ٥٤، بیرون می آرد ٥٨

~: وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ (٤٨:٣٠)
همی بیرون آید ١٤، بیرون میآید ٤٦

~: يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا (٢:٣٤)
بیرون شود ۷، بیرون می آید ٢٩

~: يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (٢٢:٥٥)
بیرون آورده شهد ۱

~: يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا (٤:٥٧)
بیرون آید ۱

~: يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (٧:٨٦)
بیرون میاید ۱۳٦

★ لَا يَخْرُجُ: وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا (٥٨:٧)
بیرون نیاید ۱، بیرون نیارد ٤١، بدر نمی آید ٩٦، بیرون نیاورد ۱۰۰

يُخرِجُ: فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ (۲:۶۱)
بَرُویَـنَدَد ۱۰، بُرُون آرَد ۵۵، بیـرون آورنـد ۵۷، برمی آورد ۹۰، بیرون کند ۹۹، پدید آرد ۱۰۴

~: يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ (۶:۹۵)
مـی بیـرون آرد ۱، بیـرُون آرد، بیـرون آیـد ۲۶، بیـرون مـی آورد ۶۳، بـدر مـی آرد ۹۶، بیـرون میآورد ۱۲۱

~: وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ (۱۰:۳۱)
بیرون آرد ۱، بَیرون آرد ۱۰

~: الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۲۷:۲۵)
بیرون کرد ۵۸، بیرون آورد ۶۱، درآرد ۱۱۴

~: يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ (۳۰:۱۹)
بیرون گیرد ۵۸

~: ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ (۳۹:۲۱)
بیرون می آرد ۴۱

★ لَنْ يُخرِجَ: أَن لَّن يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ (۴۷:۲۹)
بیرون نیارد ۱، نه برون آرد ۲۲، هرگز بیرون نیارد ۴۱، بیرون نمی آرد ۹۶، هرگز بیرون نیاورد ۱۰۰، بیرون نیاورد ۱۳۸

يُخرِجَاكُمْ: يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم (۲۰:۶۳)
بیرون کنند ۲۹، بیرون رانند ۳۹، بیرون آرند ۹۲، بدر کنند ۹۶

يُخرِجُكُمْ: يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ (۷:۱۱۰)
بیرون کند ۱، بیرون می کند ۲۹

~: لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (۳۳:۴۳)
بیرون آورده می دارد ۴۷

~: ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ (۴۰:۶۷)
بیـرون آرد ۱، بیـرون آرنـد ۸۱، بیرون می آورد ۱۰۳، بیرون می آرد ۱۱۳، بیرون آورد ۱۳۶

~: ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۷۱:۱۸)
بیرو آرد ۸۰

★ لَا يُخرِجْنَ: وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (۶۵:۱)
بیرون نشند ۲، بیرون نشوند ایشان ۲، بیرون نروند ایشان ۳۹، بیرون نروند ۴۱، بیرون نشوند ۴۹، نباید که بیرون آیند ۱۰۰، بیرون نیایند ۱۰۳، باید که بیرون نشوند ۱۱۳، بیرون نروند آن زنان ۱۳۲

لَيُخرِجُنَّ: لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ (۲۴:۵۳)
بیرون شند ۱، بیرون شوند ۳۰، بیرون آیند ۴۲، بیرُون شوَند ۵۱، بیرون آیند ایشان ۵۶، بیرون آمد ندی ۵۸، بیرون روند ۶۱، برون آیند هر آینه هر آینه ۹۱، بیرون زند ۱۱۱

لَيُخرِجَنَّ: لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ (۶۳:۸)
بیرون کنیم ۱، بیرون کنند ۳۰، بیرون راند ۳۹، بیرون کشند ۱۰۸، بیرون آرد ۱۱۴

يُخرِجَنَّكُمَا: فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ (۲۰:۱۱۷)
بیرون کند ۵۳، بیرون افکند ۶۱

★ لَا يُخرِجَنَّكُمَا: فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ (۲۰:۱۱۷)
بیرون نکند ۱، بیرُون نکند ۲، مه بیرون آردا ۳، بیرون مکناد ۴۲، نباید که بیرون کند ۷۶، نکند بیرون ۸۷، بیرون نیارد ۱۰۳، بیرون میاوراد ۱۰۶، باید که بیرون نکند ۱۲۳

يُخرِجُهُمْ: يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (۲:۲۵۷)
بیرون می آرد ۳، بَیرون مَی آرد ۱۰، بیرُون آوُرد ۲۵، بیـرون آورد ۳۰، بیـرون آورَد ۶۲، بیـرون می آورد ۱۰۴

~: وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (۵:۱۶)
می بیرون آرد ۱، بیرون آرد ۲، برون آرد ۶۲

یَخْرُجُوا: وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا (۵: ۲۲)
درروند ٦١، بیرون روند ٦٤، بیرون آرند ٧٥

~: يُرِيدُونَ أَن يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ (۵: ۳۷)
بیرون آیند ۱، بیرون آوردند ۵۳

~: كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ (۲۲: ۲۲)
بیرون آیند ۵۱، بیرون آیند ۵۳

~: كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا (۳۲: ۲۰)
بیرون شوند ۲٤

~: مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ (۵۹: ۲)
بیرون شند ۱، ویران میگردانند ۱۱٤، آواره شوند ۱۳۲

يُخْرِجُوكَ: لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ (۸: ۳۰)
بیرون کنند ۱، بیرون آرند ٦١

★ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ: وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ (٦٠: ۸)
بیرون نکردند ۱، نه بیرون کردند ۳، نه بیرون راندند ۳۹، بدر نکردند ٩٦، بیرون نمیکنند ۱۳٦

يَخْرُجُونَ: خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ (٥٤: ۷)
بیرون می آیند ٦٤

~: يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا (۷۰: ٤۳)
می بیرون آیند ۱، بیرون آیند ٦

★ لَا يَخْرُجُونَ: لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ (۵۹: ۱۲)
بیرون نشند ۱، بنروند ۲۹، بیرون نروند ۳۹، بیرون نشوند ٥٦، بیرون نیایند ۸۱، بدرنمی روند ٩٦، بیرون نمی روند ۱۰۳

يُخْرَجُونَ: فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا (٤٥: ۳۵)
بیرون آورده شوند ۸۰، بیرون آورده شدند ۱۱٤

★ لَا يُخْرَجُونَ: فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا (٤٥: ۳۵)
بیرون آورده نشند ۱، نه بیرون آیند ۲۲، بیرون آورده نشوند ۳۲، بیرون نیایند ۸۱، بیرون آورده نخواهند شد ۱۰۳، بیرون نیارند ایشانرا ۱۰۸، بیرون کرده نشوند ۱۳۲، بیرون نیاوردند ۱۳۸

يُخْرِجُونَ: يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ (٦٠: ۱)
می بیرون کردند ۱، بیرون میکنند ۲۹، بیرون آرند ۳۰، بیرون کنند ٥٦، همی بیرون کنند ۱۰۸، بیرون کردند ۱۳۸

يُخْرِجُونَهُمْ: يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ (۲: ۲۵۷)
بیرون آرند ۱، بیرون آرند ۲، بیرون می آرند ۳، بیرون آرد ۲۷، بیرون آورند ٥٦، می کشند ٦۳، بیرون می آورند ۱۰٤

يَخْرُصُونَ: وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (٦: ۱۱٦)
می دروغ گهند ۱، گزاف گویان ۲، دروغزنان ۱۰، گزاف گویان و دروغ زنان ۱۰ مکسّر، دروغ میگویند ۲۹، دروغ بافان ٤۱، دروغ می گویند ٥٥، گمان می بردند ٥٦، دروغی که همی گویند ٦۲، دروغ برمی بافند ٦۷، دروغ برمی بافتند ٩۲، گزاف همی گویند ۱۰۹، دروغگویان ۱۱٤

~: وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۱۰: ٦٦)
دروغ زنان گزاف گویان ۲، دروغ زنان ۱۳، دروغ همی گویند ۵۳، دورغ گویند ٦١، دروغی میگویند ٦۳، دروغ همی گرفتند ٦٥، گمان کنندگان ۷۲، دروغ برمی بافند ۱۰۰، گذاف گویان ۱۰۵

~: إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (٤۳: ۲۰)
خواران ۲، دروغ می گویند ۳، خواران ۱٦، همی دروغ گویند ۲٤، گزاف گویان ۳۰، دروغگویان ۳۲، دروغ گویان ۳۸، دروغ گویندگان ٤٩، گمان می کنند و دروغ می گویند ۷۲، دروغ گفتن ۸۱، گزاف کاران ۱۰۵

★ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ: وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۱۰: ٦٦)
نه اند ایشان مگر دروغ زنان ۲٤، نمی گویند ایشان مگر دروغ ۷٦

يَخِرّوا: لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳:۲۵)
بیفتند ۲۰، بر روی افتند ۵٦

★ لَمْ يَخِرّوا: لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا (۷۳:۲۵)
بنیفتند ۱، نه اُفتند ۲، فرونشوند ۲٤، نه افتند ۳۰، در روی نیفتند ۳۹، در نه افتند ٤۱، نه اوفتند ٤۲، بروی نیفتند ٤۳، برنیوفتند ٤٦، نیفتند ٤۷، نه اوفتد ۵۲، نیفتند دروی ۵۸، نیفتد ٦٤، نه درروی نیفتند ۷۲، نیفتند در روی ۷٤، رُوی بنگرداننَد ۷٦، نه بروی درافتند ۹۱، بروی درنیفتند ۱۰۰، بروی درنیفتادند ۱۰۳، بر رو نیفتند ۱۰۹، درنیفتند ۱۱٤، برروی نیفتند ۱۲۰، نه ایستند ۱۲۳، نافتند ۱۲٤

يَخِرّونَ: إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (۱۷: ۱۰۷)
می افتند ۱، فُروفتنْد ۲، بروی درمی افتند ۳، بیوفتند ۸، بروی درافتند ۳۰، درافتادند ٤۱، بیفتد ۵۲، اندر افتد ۵۳، همی افتند ٦۱، بروی اندَرافتند ٦۲، درروی افتند ۹۰، فروافتند ۹٤، بیفکنند ۱۰۸، افتد ـ می افتند برروبها ۱۱۱، بَرو درافتند ۱۱٤، بر روی درمی افتند ۱۲۱، برو افتند ۱۲۲، درافتند برویها ۱۲٤، بروی اندر افتند ۱۳۹

~: وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا (۱۷: ۱۰۹)
بیفتنْد ۲، افتادند ـ افتند ۲٤، بمی افتند ۲۹، بروی درمی افتند ۳۰، می افتند ۳٦، درافتند ٤۲، اندر افتند ۵۳، بَرُوی دَرافتَند ۵۵، بیفتادند ۹۹، بروی درمی آیند ۱۰٤، بر روی اندر افتند ۱۲٦، بروافتند ۱۳۲، بر روی می افتند ۱۳۹

يُخْزِهِمْ: قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ (۹: ۱٤)
خوار کند ۱، رسْوا گرداند ۲، رسوا کند ۳، خُوارو بنفرین شان کند ۱۰، خوار بکند ۲٤، خوار گرداند ۳٦، نگوسار می کند ٤۱، رسوا گرداند ٤۲، رَسوَا کُند ۵۵، خوار کنند ۵٦، خار کند ۱۰٤، رسوا کند و خوار ۱۰۹

يُخْزِىَ: فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ (۵:۵۹)
رسوا کند ۳، خوار گرداند ۳٤، خوار کند ۳۸، رسوا گرداند ۷۹، خوار و رسوا کند ۸۱، رسوا شوند ۱۰۰، خوار کرد ۱۰۳، خوار گردانید ۱۱۱، خار کند ۱۲٤

★ لَايُخْزِى: يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ (۸:٦٦)
خوار نکند ۱، شرمگین نکند ۲، شرم گین نگرداند ۳۰، شرمنده نکند ۳۹، نکند زیان زده ٤۱، رسوا نکند ٦۱، اندوهگین نکند ۸۷، رسوا نگرداند ۱۰٤، رسوا نسازد ۱۳۰، خوار نگذارد ۱۳۲، رسوا نمیگرداند ۱۳٦

يُخْزِيهِ: مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ (۳۹:۱۱)
خوار کند ۱، رسوا کند ۳، خوار بکند ۳٤، رَسوا کُند ۵۵، خوار گرداند ٦۱، خوار می کند ٦۹، همی خوار بکند ۸۸، خار کند ۱۰٤، رسوا میگرداند ۱۲۰، رسوا میکند ۱۳٦

~: سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ (۹۳:۱۱)
خوار گرداند ۲۹، رسوا کننده ۵۷، رُسْوا کند ۱۰۰، خار گرداند ۱۰٤

~: مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ (٤۰:۳۹)
رُسوَا کند ۲۲، رسوا گرداند ۳۰، بدبخت کند ٤۱

يُخْزِيهِمْ: ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ (۲۷:۱٦)
خوار کند ۱، رسوا کند ۲۹، خوارْ و رُسوا کُندْ ۵۳، رُسوَا کُند ۵۷، خوار گرداند ٦۱، رسوا گرداند ۱۱۱، خوار و رسوا کند ۱۲۲

يَخْسَرُ: وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ (۲۷:٤۵)
زیان گرشند ۱، زیان کنند ۲۲، زیان کار شوند ۲٤، بزیان آیند ۳۹، زیان زده باشند ٤۱، زیانکار آیند ۱۰۰، زیانکار باشند ۱۱۱، زیان کنند ۱۱٤، زیان کار باشند ۱۳٦

يُخْسِرُونَ: وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۸۳: ۳)
می کهند ۱، بکاهند ۲، هم کاهند ۲٤، کم پیمایند و سنجند ۲۹، کم کنند ۳٦، بکاهانند ۳۸، کم بسنجند ٤١، کم پیمایند ٥٦، کم پیمایند و کم کشند ٦٤، کم می کنند ۷۹، باز کاهانند ۸۹، کم دهند ۹۲، کم میدهند ۹۹، زیان میرسانند ۱۱٦، میکاهانند ۱۲۰، می کاهانند ۱۳۰، کم کشند ۱۳٤

يَخْسِفَ: أَن يَخْسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلْأَرْضَ (۱٦: ٤٥)
فرود برد ۱، فُرو برد ۲، فرُو برد ٥٣، فُرو بُرْد ٥٥، فروببرد ۱۱۳

~: أَفَأَمِنتُمْ أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ ٱلْبَرِّ (۱۷: ٦۸)
کفرو برد ۱، فرُو بَرد ۲، فرو برونْد ۸، ببرد ۳۹، فرو بَرد ٥٣، فرُو بُرْد ٥٥، فروبریم ۷۳، بزمین فرو برد ۱۰۲، فرو بَرد ۱۱۱، برد ۱۲٤

~: ءَأَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ ٱلْأَرْضَ (٦۷: ۱٦)
فروبرد ۱، برو برد ۱۹، فروریزد ۳۰

يَخْشَ: وَلْيَخْشَ ٱلَّذِينَ لَوْ تَرَكُواْ مِنْ خَلْفِهِمْ (٤: ۹)
بنزسان ۲۹

~: وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخْشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقْهِ (۲٤: ٥۲)
بترسد ۱، بترسند ۳۰، بترسْد ٥٣، ترسد ۸٦

★ لِيَخْشَ: وَلْيَخْشَ ٱلَّذِينَ لَوْ تَرَكُواْ مِنْ خَلْفِهِمْ (٤: ۹)
گوترسید ۱، بترسندا ۳، بوَاید ترسیدَن ۱۰، بترساد ۲۳، بترسند ۳۰، بباید ترسید ٤۰، گوبترس ٤۳، بترسید ٥٣، بترسَندَا ٥٥، گو بترسند ٦۱، باید ترسند ٦۳، باید تا بترسند ۷٦، گو شرم دار ۹۰، باید که ترسند ۱۰۰، بترسدا ۱۰۹، باید که بترسند ۱۱۱

★ لَمْ يَخْشَ: وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا ٱللَّهَ (۹: ۱۸)
نترسید ۱، نه ترسید ۳، نه ترسدا و نه پَرستَد ۱۰، نترسد ۳٦، نه ترَسید ٥٥، نه تَرسد ٦۲، نترسیده ۱۱۱

يَخْشَوْنَ: إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ ٱلنَّاسَ كَخَشْيَةِ ٱللَّهِ (٤: ۷۷)
می ترسند ۱، همی بترسند ۲، مَی ترسند ۱۰، بترسید ند ۲٤، همی ترسید ند ۲۹، بترسَند ٤٥، می ترْسَنْد ٥٣، بشکوهید ند ٦٤، میترسند ٦۷، میترسید ند ۱۰٤، همیترسند ۱۱۲

~: وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلْحِسَابِ (۱۳: ۲۱)
بترسْند ۲، ترسان ۱۱٤

~: ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ (۲۱: ٤۹)
بترسْند ۲، بترسند ۱۲، همی ترسند ۲٤

~: تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ (۳۹: ۲۳)
ترسند ۳

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ (٦۷: ۱۲)
همی بترسند ۲

★ لَا يَخْشَوْنَ: وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَ (۳۳: ۳۹)
نترسند ۷، نه ترسند ۱۸، نمی ترسند ۲۹، نترسید ندی ٤۷، نمی ترسید ند ۱۰۳

يَخْشَوْنَهُ: ٱلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُۥ (۳۳: ۳۹)
می ترسند ۱، ترسند ۱۸، بترسند ۳۰، بترسید ندی ٤۷، بترسَنْد ٥٣، شرم داشتند و می ترسید ند ٥۸

يَخْشَى: إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ (۲۰: ۳)
بترسد ۱، ترسد ۳، ترَسَد ٥٣، بترسید ۱۳۸

~: فَقُولَا لَهُۥ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (۲۰: ٤٤)
ترسکار شود ۸٦

~: إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَٰٓؤُاْ (۳٥: ۲۸)
می ترسند ۱، بترسند ٥۸، ترسند ۱۰۰

~: وَهُوَ يَخْشَىٰ فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ (۸۰: ۹)
همی ترسد ۳۰، می ترسد ٦۱، می ترسید ۱۰۰، می بترسد ۱۳۹

~: سَیَذَّکَّرُ مَن یَخْشَیٰ (۱۰:۸۷)
میترسد ۹۹

یَخْصِفَانِ: وَطَفِقَا یَخْصِفَانِ عَلَیْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ (۲۲:۷)
می ور نهادند ۱، همی بَردُوختند ۲، می بافتند هر دو ۳، بَرهَم می نهادند ۱۰، همی بردوختند ۱۰ مکرّر، نهادند ۲۴، بر یک دیگر می نهادند ۲۷، می بافتند ۳۰، برهم میدوختند ۳۴، فرود می آوردند ۳۶، می برنهادند ۳۸، برهم می دوختند ۴۱، برسیلایند ۴۹، می بَربافتند هَر دُو بر خویشتن ۵۵، بر یک دیگر می بستند ۵۶، می پوشیدند ۵۷، هر دو می نهادند بر یکدیگر ۵۸، می نهادند ۶۱، فراهم می دوختند ۶۲، می دوسانیدند ۶۳، بر یکدیگر نهادند ۶۷، می نهادند بر یکدیگر ۶۹، برمی نهادند ۷۲، برمی بافتند ۸۰، بردوختند ۹۰، دوزند ۹۶، میدوسانیدند ۱۰۰، برمینهادند ۱۰۲، می بافتند ۱۱۴، بچسبانیدند ۱۱۶، می چسبانیدند ۱۲۳، دوختن ۱۲۸، می فساندند ۱۳۳

~: وَطَفِقَا یَخْصِفَانِ عَلَیْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ (۱۲۱:۲۰)
می دوختند ۳، برهم می نهادند ۲۴، همی برپوشیدند ۳۸، برمی داشتند ۳۹، پاره پاره بردوزند برگ درختان ۴۱، همی پوشیدند ۴۲، هَمی پُوشیدَند ۵۳، می نهادند تو بر تو ۵۸، همی دوختند ۶۲، می دختند ۸۰، بر هم نهادند ۸۷، بر کردند ۹۲، می پوشانیدند ۱۰۶، میچسبانیدند ۱۱۱، برمیدوختند ۱۱۴، میپوشیدند ۱۲۲، بپیوستند ۱۳۰

یَخِصِّمُونَ: تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ یَخِصِّمُونَ (۴۹:۳۶)
می پیکار کنند ۱، پیکار همی کنند ۲، پیکار کنند ۳، داوری همی کنند ۳۳، پیکار می کنند ۶۵

یَخْطَفُ: یَكَادُ الْبَرْقُ یَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ (۲۰:۲)
بَربایَد ۲، بَربُودَی ۱۰، بربایَد ۴۲، بَربایَد ۵۵، بررُبایَد ۵۷، برباید ۹۰، درربایَد ۸۹، بَربایَد ۹۰، بَررُبایَد ۹۴، ببرد ۹۶، رباید ۱۰۴، ربایدی ۱۰۹، دررُباید ۱۳۸

یُخَفَّفُ: فَلَا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ (۸۶:۲)
سبک کرده شود ۳، سُبُک تر کُنند ۱۰، سبک تر کنند ۴۰، سُبُک کُنَنْد ۵۳، سُبُک کَردَه شوند ۵۵، سبک گردانند ۷۶، سبکی کنند ۱۲۴

~: لَا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ یُنظَرُونَ (۱۶۲:۲)
سُبک کرده شود ۳، سُبُک تر و آسان تر بَکُنند ۱۰، سُبُک کَرْدَه شود ۵۵، سبک کَرده شوَد ۶۱، سبک کنند ۸۸، سبک شود ۹۴

~: لَا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ یُنظَرُونَ (۸۸:۳)
کنند سبک ۲۷، سُبُک کَردَه شَوَد ۵۵، سبک گردانیده شود ۶۱، کنند سُبُک ۶۲

~: فَلَا یُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ یُنظَرُونَ (۸۵:۱۶)
کم کرده شود ۳، سُبُک کُنَند ۵۳، سبک کند ۹۴

★ لَا یُخَفَّفُ: فَلَا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ (۸۶:۲)
سُبُک نگردانَند ۲، سبک نشود ۴، نکنند سبک ۲۴، نه سبک تر کنند ۴۰، سبک نگردانده شود ۹۹، سبک کرده نشوند ۱۰۹، سبک کرده نمیشود ۱۲۱، سبک نمیشود ۱۲۲

~: لَا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ یُنظَرُونَ (۱۶۲:۲)
سبک کرده نشود ۳۶، سبک تر نکنند ۴۰، نکند سبک ۴۱، نسبک گردانَند ۵۳، سبک نکند ۵۷، نکنند سُبُک ۶۲، سبک نشود ۶۴، برندارد ۶۷، سبک کرده نیاید ۷۴، سبک کرده نمی شود ۱۲۰، نه سبک کند ۱۲۴، سبک گردیده نمی شود ۱۳۰

~: لَا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ یُنظَرُونَ (۸۸:۳)
سبک کرده نشهد ۱، سُبُک نگردانند ۲، سبک نگردانند ۲۵، سُبُک تر نه کنند ۴۰، نشود سبک ۴۱، سُبُک نَگردانَند ۴۲، سُبُک نکنند ۵۷، سبک نگردد ۶۳، سبک نگرداند ۶۷، نه سبک شود ۸۸،

نشود سبک کرده ۹۲

~: وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ٱلْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ (۱۶: ۸۵)
سبکْ نگردانَنْد ۲، سبک نکُنند ۵۷

~: وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا (۳۵: ۳۶)
سبک نکنند ۷، نه سبک کنند ۲۲، نکند سبک تر ۲٤، سبک گردانیده نشود ٦١، کم نگرداند ۸٦، سبک کرده نشود ۸۹، سبک کرده مشوید ۱۳۸

یُخَفِّفَ: يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ (٤: ۲۸)
سبک کند ۱، سُبک گرداند ۲، آسان اوُ سُبُک بَکُند ۱۰، آسان کند ۲٤، سبک گرداند ۳۰، آسان و سبک کند ٤۰، سُبک گرداند ۹۷، سبک گرد آند ۱۰۰

~: ٱدْعُوا۟ رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ ٱلْعَذَابِ (٤۰: ٤۹)
سبک گرداند ۲، بار سبک کند ۱۵، سُبک کنید ۲۲، بکاهد ٤۱

یَخفَوْنَ: إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَآ (٤۱: ٤۰)
پوشیده شوند ۳، پنهان و پوشیده اند ۲۲، پوشیده شود ۱۲٤

★ لاَیخفَوْنَ: إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَآ (٤۱: ٤۰)
پنهام نشنند ۱، پوشیده نگردد ۲، نه پنهان ورسیده اند ۱۵، پوشیده نشوند ۲۹، نتوانند پوشانیدن ٤۱، پوشیده نشود ۵۲، پنهان نشوند ۵٦، پوشیده نیست ٦۱، پوشیده نماند ٦٤، نپوشیده آید ۹٤، پوشیده نمی شوند ۱۰۳، پوشیده و پنهان نباشند ۱۰۹، پوشیده نمیشود ۱۲۳، نهان نمیمانند ۱۳۲، پنهان نیست ۱۳٦

یُخفُونَ: يُخْفُونَ فِىٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ (۳: ۱۵٤)
می پنهام کنند ۱، پوشیده می دارند ۳، پنهان می دارند ۱۰، می پنهان دارند ۲۳، میپوشیدند ۲۵، پنهان می کنند ۲۷، پنهان همی کنند ۳٤، نهان می دارند ۳٦، می پوشانند ٤۱، پنهان می کُنند ٤۲، پنهان دارند ۵۳، پنهان می کردند ۵٦، پنهان میدارند ٦۱، پنهان میکنند ٦۳، نهان می کنند ٦۹، پنهان کنند ۷۲، بپوشند ۷۵، همی پوشید ۸۲، نهان میدارند ۱۰٤، پنهان میکنید ۱۰۵، همی پنهان کنید ۱۰۷

~: بَلْ بَدَا لَهُم مَّا كَانُوا۟ يُخْفُونَ مِن قَبْلُ (٦: ۲۸)
می پوشند ۷٦، پوشند ۹٦

★ کَانُوا یُخفُونَ: بَدَا لَهُم مَّا كَانُوا۟ يُخْفُونَ مِن قَبْلُ (٦: ۲۸)
می پنهام کردند ۱، پنهان می داشتند ۳، پنهان کردند ۹، ایشان پنهان کردند ۲٤، ایشان پنهان می کردند ۲٦، همی پوشیدند ٤۲، می پوشیدند ۵۷، نهان میداشتند ٦۱، پنهان همی داشتند ٦۲، ایشان پنهان کرده باشند ٦۳، پوشیده داشتند ٦۷، پنهان همی کردند ۸۸، پنهان میکردند ۱۰۰، ایشان پوشیدند ۱۰۳، نهان می داشتند ۱۰٤، پنهان میداشتند ۱۱۲، میپوشانیدند ۱۲۲

یَخْفَی: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَىْءٌ فِى ٱلْأَرْضِ (۳: ۵)
پوشیده بود ۳۰، پوشیده است ٦۵، پوشیده ۹۰

~: وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ فِى ٱلْأَرْضِ (۱٤: ۳۸)
بود پنهان ۲٤، پنهان شود ۵۳، گردد پوشیده ۸۳

~: يَوْمَ هُم بَٰرِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِنْهُمْ شَىْءٌ (٤۰: ۱٦)
پوشیده شود ۳، پوشیده ماند ۱۲٤

~: إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ إِنَّهُۥ يَعْلَمُ ٱلْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ (۸۷: ۷)
پنهان باشد ۲، پوشیده می شود ۸۰، پنهان کند ۹۲، پنهآن بود ۱۰۰، پنهان است ۱۱۱، پوشیده میشود ۱۱٤، پنهان بود ۱۳۸

★ لاَیَخفَی: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَىْءٌ فِى ٱلْأَرْضِ (۳: ۵)
پنهام نشهد ۱، پوشیده نگردد ۲، پوشید نبود ۳،

پنهان نبود او پوشیده نبود ۱۰، نشود پنهان ۲۴، پوشیده نماند و پنهان نشود ۲۵، پنهان نشود ۲۷، پوشیده نیست ۳۸، پوشیده و پنهان نبود ۴۰، نیست پوشیده ۴۱، پُوشیدَه نگردَد ۴۲، پوشیده نماند ۴۳، پوشیده نگردد ۵۲، پنهان نمی ماند ۱۰۲، پوشیده نباشد ۱۰۳، نگردد پوشیده ۱۲۸، پنهان نیست ۱۳۶

~: يَوْمَ هُم بَٰرِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِنْهُمْ شَىْءٌ (۱۶:۴۰)
پوشیده نشود ۲، نشود پوشیده ۲۴، نپوشیده شود ۳۹، پنهان نماند ۶۱، پوشیده نماند ۶۴، پوشیده نبود ۱۰۰، نهانی نماند ۱۳۲

★ مَا يَخْفَى: وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ (۳۸:۱۴)
پنهام نشهد ۱، پوشیده نگردد ۲، پوشیده نماند ۳، پوشیده نشود ۵، پوشیده نگردد ۴۲، پُوشیدَه نماند ۵۵، پنهان نگردد ۵۸، نیست پنهان ۶۱، نماند پوشیده ۶۲، نیست پوشیده ۱۰۰، پوشیده نیست ۱۱۱

يُخْفِينَ: لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ (۳۱:۲۴)
می پنهام کنند ۱، پنهان دارند ۲، پنهان باشد ۳۰، نهان می دارند ۳۶، آشکارا نمی کند ۴۷، پوشیده سدّارند ۵۱، پنهان کنند ۵۳، پنهان همی دارند ۵۴، پنهان کردند ۵۶، پنهان می کنند ۵۸، پنهان می دارند ۶۲، پوشیده می دارند ۷۶، می پنهان کنند ۷۷، پوشیده دارند ۸۰، پنهان بود ۹۶، پنهان میکنند ۱۱۳، پنهان میدارند ۱۱۶، پوشیده کنند ۱۲۶، پوشیده میدارند ۱۳۲

يَخْلُ: أَوِ ٱطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ (۹:۱۲)
تنها مانَد ۲، تنها ماند ۳، تَنها گَرْدَدْ ۵۳، تنَها مَانَد ۵۵، تنها شود ۵۷، تنها کردند ۱۲۴

يَخْلُدْ: وَيَخْلُدْ فِيهِۦ مُهَانًا (۶۹:۲۵)
جاودانه شهد ۱، جاودان ماند ۲، جاوید ماند ۳، جاوید شود ۲۰، جاوید بود ۲۴، جاودان باشد ۳۰، جاودانه شود ۳۹، جاودانه ۵۶، جاوید مانند ۵۸، جاودان باشند ۶۱، جاوید باشد ۷۶، همیشه باشد ۱۰۰، جاودان بماند ۱۰۲، جاویدان ماند ۱۳۰، بمانند ۱۳۸

يُخْلِفُ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخْلِفُ ٱلْمِيعَادَ (۹:۳)
دروغ کند ۳۹

★ لَا يُخْلِفُ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخْلِفُ ٱلْمِيعَادَ (۳۱:۱۳)
بنگرداند ۲۹، دیگر نکند ۱۰۹

~: لَهُمْ غُرَفٌ... وَعْدَ ٱللَّهِ لَا يُخْلِفُ ٱللَّهُ ٱلْمِيعَادَ (۲۰:۳۹)
دروغ نکند ۵۸

★ لَنْ يُخْلِفَ: فَلَن يُخْلِفَ ٱللَّهُ عَهْدَهُۥ (۸۰:۲)
هرگز دیگر نکند ۱۰۹

يُخْلِفُهُ: وَمَآ أَنفَقْتُم مِّن شَىْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُۥ (۳۹:۳۴)
پاداش دهد ۳۰، دیگر دهد ۵۸، بازپس گذارد ۱۰۰

يَخْلُفُونَ: وَلَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَٰٓئِكَةً فِى ٱلْأَرْضِ يَخْلُفُونَ (۶۰:۴۳)
پس نشستند ۳، همی رفتندی ۲۴، وامی ماندندی ۲۹، سپس آمدندی ۳۰، پس نشَستَندی ۳۲، باشند از پس شما ۴۲، از پس یک دیگر می نشینند ۴۹، پس شما نشستندی ۸۰، از پی درآیند شما را ۱۰۳، بجای شما بودندی ۱۱۳، نشستندی پس ۱۱۴، از پس آمدندی ۱۲۴، بجای شما میبودند ۱۳۲، جانشین باشند ۱۳۶

يَخْلُقُ: قَالَ كَذَٰلِكِ ٱللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ (۴۷:۳)
بیافرینَد ۲، مَی آفریند ۱۰، می آفرید ۳۰، آفرید ۶۳

~: يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (۱۷:۵)
بیافریند ۱، بیاُفریند ۳۷

~: وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸:۱۶)
بیافریند ۶۲

~: أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ (۱۷:۱۶)
آفریند ۳، آفرید [illegible]

~: قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ (١٧:٩٩)
بیافریند ٢

~: وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخْتَارُ (٢٨:٦٨)
پدید آورد ١٣٢

~: لَّوْ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّٱصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ (٣٩:٤)
بیافریدی ٨١

~: لِّلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ (٤٢:٤٩)

می آفریند ٣٢

~: أَمِ ٱتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَىٰكُم بِٱلْبَنِينَ (٤٣:١٦)

بیافرید ١، می آفریند ٣

★ لَا يَخْلُقُ: أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْـًٔا (٧:١٩١)
نیافرید ١، نتواند آفرید ٢٧، نه یافرید ٩٢، نتواند آفرید ١٠٠، نمی تواند آفریند ١٣٦

~: أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ (١٦:١٧)
نیافریند ١، نیافریند ٢، نیافریند ایشان ٢٤

★ لَمْ يُخْلَقْ: ٱلَّتِى لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِى ٱلْبِلَٰدِ (٨٩:٨)
آفریده نَشُد ٢، آفریده نشد ٦١، آفریده نشده است ٦٤، آفریده نشده ٩٩، آفریده نشود ١٠٨، نه آفرید ١١٤، نیافریدند ١٣٨، نشد آفرید ١٣٩

يَخْلُقُكُمْ: يَخْلُقُكُمْ فِى بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ (٣٩:٦)
می آفرید ٣٠، می آفریند ٨١، بیافرید ١١٤

★ لَنْ يَخْلُقُوا: لَن يَخْلُقُوا۟ ذُبَابًا (٢٢:٧٣)
نیافرینند ١، نیافرینند ٢، هرگز نیافرینند ٤١، هرگز نتوانند آفرید ٥٨، نیافریند ٧٦، نیافرینند ـ نتوانند آفرید ١٠٩، نه آفرینند ١١٤، نتوانند آفریدن ١١٧، هرگز نتوانند پدید آورد ١٣٢، نیافریدند ١٣٩

يَخْلُقُونَ: لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (١٦:٢٠)
آفرینند ٥٨، بیافرینند ٥٩

★ لَا يَخْلُقُونَ: لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (١٦:٢٠)
نیافرینند ١، نمی آفرینند ٢٩، نه توانند آفرید ٦١، نیافرینند ٦٢، نه آفرینند ٨٨، نتوآنند آفرید ١٠٠، نیافرینند ١٠٥، نمیتوانند آفرید ١٢٠

~: لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (٢٥:٣)
نافریدند ٣٠، نتوانند آفرید ٦٤، نمی توانند آفرید ٨٦، نیافریدند ١٢١، پدید نیاورند ١٣٢

يُخْلَقُونَ: أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (٧:١٩١)
می آفرید شند ١، آفریده می شوند ٣، آفریده می شوند ٥٥، می آفرینند ٥٧، آفرینند ٦٣، آفریده‌اند ١١٤، آفریده شدگانند ١٢١

~: لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (١٦:٢٠)
بیافرینند ٢، آفریده شوند ٣، آفریده‌اند ٢٤، آفریده شوند ٥٥، آفریده میشوند ١١٤، آفریده شده‌اند ١٢٢

~: لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (٢٥:٣)
آفریدگانند ٢٤، آفریده شدند ٤٣، همی بیافرینند ٥٤، بیافرینند ٦١، آفریده شده‌اند ٦٤، ایشانرا بیافرینند ١٢٨

يَخُوضُوا: حَتَّىٰ يَخُوضُوا۟ فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِۦٓ (٤:١٤٠)
درشند ١، درشوند ٣، اندر شند ١٠، بکاوند ٤٩، اندرشوید ٥٣، درشوند ٥٥، درایستهند ٧٢، گفتگوی کنند ١٠٢

~: فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا۟ فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِۦ (٦:٦٨)
درشوند ١٠، اندرشوند ١٠ مکرّر، در کاری با کردنی می افتند ٤١، درروند ٥٦، اندر روند ٧٢، اندرشوند بسخن گفتن ٨٨

~: فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا۟ وَيَلْعَبُوا۟ (٤٣:٨٣)
نابکار گویند ٢، نابکار گویند ١٦، نابکار گویند

۲۲، فسوس کنند ۳۰، دَرشوَند ۳۲، نابکاری کنند ۳۸، باشند ۵۲، گفت و گوی میکنند ۱۰۹، فروروند ۱۲۲

~: فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا (۷۰:۴۲)
درشوند در سخنان ۳، وی مزه می گویند ۶، گفت و گوی کنند ۱۹، بیکار همی کنند ۳۰، درآیند ۳۶، همی گردند ۳۹، درمی کردند ۴۱، درشوند بسخنان یکدیگر ۸۰

يَخُوضُونَ: وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا (۶:۶۸)
می درشند ۱، أندر شوند ۲، بیهوده درمی شوند ۳، اندر کاردیگر باشد ۹، افسوس کنند ۱۰، اندر شوند بسخن گفتن ۱۰ مکرّر، اندرشوند ۲۹، درمی آیند ۳۶، درشوند ۳۸، دَرمی شوَند ۵۵، گفت گوی کنند ۵۷، درمی شوند ۷۹، گفتگوی میکنند ۱۰۲، همی گفت و گوی کنند ۱۰۷، درآیند ۱۰۹، درروند ۱۲۰، درشوند بسخن گفتن ۱۲۴

يُخَوِّفُ: إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ (۳:۱۷۵)
می ترساند ۱، می بترساند ۱۰، بترساند ۲۴، همی ترساند ۳۴، ترساند ۴۲، میترساند ۶۷، همی ترسانید ۸۲، شما را می بترسانند ۹۴

~: ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۳۹:۱۶)
بیم کند ۲۴، بترسند ۶۴، میکند بیم ۹۹

وَيُخَوِّفُونَكَ: وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِن دُونِهِ (۳۹:۳۶)
می ترسانند ۱، همی بیم کنم ۲، همی ترسانند ۲۴، همی بیم کنند ۳۰، می ترساند ۸۱، ترسانند ۱۱۴، میترسانند ۱۲۳

يُخَيَّلُ: فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ (۲۰:۶۶)
می مانسته شد ۱، همی نُمود ۲، نموده می شد ۳، چنان نمود ۲۴، می نمودند ۲۹، همی نمود ۳۰، ایدون نمود ۴۲، می نمود ۴۳، نمود ۵۲، چنان پنداشتند ۵۶، مانند ه شد ۵۸، مانند شد ۷۴، چنان می نمود ۷۶، نموده می شود ۹۱، نموده همی شد ۱۰۵، نموده شد ۱۱۴، نموده می آید ۱۲۴، نمونه می شد ۱۲۶، همی نموده شد ۱۲۸، مینمود ۱۲۹، نموده میشد ۱۳۷، نمونه شد ۱۳۹

يَدِ: قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ (۳:۷۳)
فرمان ۳، خواست ۲۷

~: حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۹:۲۹)
توانایی ۲۹، دست گاه ۵۸

يَدَا: تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱۱۱:۱)
دو دست ۲۴، هر دو دست ۱۲۰

يُدَافِعُ: إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا (۲۲:۳۸)
وازدارد ۱، بازدارد ۲، دور کند ۵۲، بازمی دارد ۶۴، دور می کند ۸۰، بازمیدارد ۱۰۴، باز همی دارد ۱۰۹، دور میکند ۱۱۴

يَدَاكَ: ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ (۲۲:۱۰)
دُو دسْت ۲، دستها ۳۴، دو دست ۵۶

يَدَاهُ: بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ (۵:۶۴)
دست ۱۰ مکرّر، دُو دَسْت ۵۳

~: فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ (۱۸:۵۷)
دُودسْت ۲، دُودَست ۵۳

~: يَوْمَ يَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ (۷۸:۴۰)
دو دست ۱، دُودست ۲، دستها ۲۹

يُدَبِّرُ: ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ (۱۰:۳)
می سازد ۱، همی سازد ۲، می نگرد ۲۴، همی سازد ۲۷، بنگرد ۵۸

~: وَمَن يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ (۱۰:۳۱)
سَازد ۲، سازد ۳، بَیارد ۴۲، سَازَد ۵۵، راست کند بدانایی ۵۸، بیرون سپارد ۵۹، می اندازد ۸۵،

بیارد ۱۰۵، اندازه کند ۱۱٤، بسازد ۱۲۸

~: یُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ یُفَصِّلُ ٱلْآیَٰتِ (۲:۱۳)

می گزارد ٤۱، بداند ۵۸، اندیشه کند ٦۱، می راند ٦۳، راست میکند ۹۳، میراند ۱۰۳

~: یُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلْأَرْضِ (۵:۳۲)

دراندیشد ٦۱، میسازد ۱۰۲، اندازه میکند ۱۳۷

یَدَّبَّرُوا: کِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ إِلَیْکَ مُبَٰرَکٌ لِّیَدَّبَّرُوٓا۟ ءَایَٰتِهِۦ (۲۹:۳۸)

بحنایند[1] ۱، اندیشند ۳، نیکو نگاه کنند ۲۲، اندیشه کنند ۲۹، نیکو نگاه کنید ۳۸، بنیوشند ٤۹، اندیشهٔ کُنند ۵۳، بیندیشند ۵٦، بنگرند ۵۸، اندیشه کنند ۹۸

★ لِیَدَّبَّرُوا: کِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ إِلَیْکَ مُبَٰرَکٌ لِّیَدَّبَّرُوٓا۟ ءَایَٰتِهِۦ (۲۹:۳۸)

تا بیندیشند ۱۲۲

★ لَمْ یَدَّبَّرُوا: أَفَلَمْ یَدَّبَّرُوا۟ ٱلْقَوْلَ أَمْ جَآءَهُم (٦۸:۲۳)

بنحنایند[2] ۱، اندیشه نکردند ۲، نه اندیشیدند ۳، اندیشه نمی کنند ۲۹، همی اندیشه نکنند ۳۰، اندیشه نکنند ٤۳، نه اندیشند ۵۳، نیندیشند ۵٤، نیندیشیدند ۵۸، اندیشه نکردند ٦۱، بازننگریستند ۷۷، اندیشه نمی کردند ۹۲، نه اندیشند ۱۱٤

لِیُدْحِضُوا: وَیُجَٰدِلُ ٱلَّذِینَ کَفَرُوا۟ بِٱلْبَٰطِلِ لِیُدْحِضُوا۟ بِهِ ٱلْحَقَّ (٥٦:١٨)

بشکنند ۱، بلغزانند ۳، ببرند ۲٤، ناچیز کنند ۳۹، دور کنند و بلغزانند ٤٤، بلغزانند ۵۵، از جای بگردانند ٦۲، تباه کند ٦۹، ناچیز کند ۹۰، نیست کنند ۱۰۰، بلغزاند ۱۲۹

~: وَجَٰدَلُوا۟ بِٱلْبَٰطِلِ لِیُدْحِضُوا۟ بِهِ ٱلْحَقَّ (۵:٤۰)

تباه کنند ۲، ناچیز گردانند ۳۹، نیست گردانند ۱۰۰، بگردانند ـ بلغزانند ۱۰۹، ناچیز سازند ۱۱٦

یَدْخُلَ: وَقَالُوا۟ لَن یَدْخُلَ ٱلْجَنَّةَ (۱۱۱:۲)

شود آندر ۱۰، اندر روند ۸۸، درروند ۹۰، اندر آید ۹٤

~: وَلَمَّا یَدْخُلِ ٱلْإِیمَٰنُ فِی قُلُوبِکُمْ (۱٤:٤۹)

درآمدست ۳، درآید ٤۱، درشود ۹٤

★ لَمَّا یَدْخُلِ: وَلَمَّا یَدْخُلِ ٱلْإِیمَٰنُ فِی قُلُوبِکُمْ (۱٤:٤۹)

درنشهد ۱، هنوز نه درآمدست ۳، درنیامده است ٦، نه اندر آمد ۱۷، اندر نیامدست هنوز ۳۹، هنوز درنیامده است ٦۱، هنوز نه درآمده است ۸۰، هنوز درنیآمد ۱۰۰، هنوز اندر نیامدست ۱۰۸، هنوز درنیامده ۱۲۲

★ لَن یَدْخُلَ: وَقَالُوا۟ لَن یَدْخُلَ ٱلْجَنَّةَ (۱۱۱:۲)

آندر نشود ۲، هرگز درنیاید ۳، در نه شود ٤، نه شوَد اندر ۱۰، هرگز نه درآید ۳۰، هرگز درنرود ۳٦، نرود اندر ٤۰، درنشوَد ٤۲، درنشود ۵۲، هرگز درنیاید ۵۵، نرود در ٦۰، هرگز نه درروَد ٦۱، اندر نشود هرگز ٦۲، اندر نشوید ۸۲، در نروَد ۱۰٦، هرگز درنیایند ۱۰۵، نرود ۱۰٦، درنیاید ۱۰۹

یُدْخَلَ: أَیَطْمَعُ کُلُّ ٱمْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن یُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِیمٍ (۳۸:۷۰)

درکرده شهد ۱، درآورده شود ۳، درآرند ٦، اندر آورده شود ٥٤، اندر شود ٥٦، درروَد ٦٤

یُدْخِلُ: إِنَّ ٱللَّهَ یُدْخِلُ ٱلَّذِینَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ (۱٤:۲۲)

---

۱. بحنایند: اندیشه کنند؛ دراندیشند.

۲. بنحنایند: اندیشه نکنند، نیندیشند.

أندرارد ٢، دربرد ٤٢، اندر آورد ٥٤، درآرد ٥٧

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُدْخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ (٢٣:٢٢)
درآرد ٢، درآورد ٢٤، دَربَرد ٥١، فروآرد ٧٦، می درآرد ٨٦

~: وَلَٰكِن يُدْخِلُ مَن يَشَآءُ فِى رَحْمَتِهِۦ (٨:٤٢)
درکند ١، درمی آرد ٤١، درمی آورد ١٣٠

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُدْخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ (١٢:٤٧)

دَرآرد ٥١

~: يُدْخِلُ مَن يَشَآءُ فِى رَحْمَتِهِۦ (٣١:٧٦)
اندر آرد ١٩

يُدْخِلْكُمْ: وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (١٢:٦١)
اندر آرد ٤١، درآرد ٦٤، دربرد ٩٦، درآورد ١٠٠

يُدْخِلَنَا: وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلصَّٰلِحِينَ (٨٤:٥)
درکند ١، أندر آرد ٢، اندر آرد ١٠، فروآرد ٢٤، درآرد ٥٨، ببرد ٧٦، فرود آرد ٨٨، درآورد ١٢١

يَدْخُلَنَّهَا: أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا ٱلْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ (٢٤:٦٨)
اندر آید ٥٤

★ لَا يَدْخُلَنَّهَا: أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا ٱلْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ (٢٤:٦٨)
درنشهد ١، اندر نیایند ٣٠، درنیاید ٤١، درنروند ٦٤، درنشود ٧٩، درنیایند ٩٢، درنیآیند ١٠٠، باید که نیاید ١١١، باید درنیاید ١٣٢، نرود ١٣٨

لَيُدْخِلَنَّهُمْ: لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُۥ (٥٩:٢٢)
درکند ١، اندر آرد ٢، اندرآرد ٣٠، اندر آورد ٣٤، درآرد ٥٨، اندرآر ٦١، خود اندر آرد ٦٢، درآرد هرآینه هرآینه ٩١، درآورد ١٣٢

يُدْخِلْهُ: يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (١٣:٤)
دَرکند ١، أندر آرد ٢، اندر فرستد ١٠، اندرآرد ١٠ مکرّر، فرود آرد ٤٠، اندر برد ٥٧، درآورد ٦٣، اندر آرد ٩٤، بردارد ١٠٥

~: يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (١٧:٤٨)
درآرد ٢، دربرد ٢٩، دراورد ١٣٨

~: وَيُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (٩:٦٤)
درآریم ١١٦

يُدْخِلُهُمْ: فَسَيُدْخِلُهُمْ فِى رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ (١٧٥:٤)
درکند ١، أندر آرد ٢، درآرد ١١١، درآوریم ١٣٨

~: أَلَآ إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ ۚ سَيُدْخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِى رَحْمَتِهِۦٓ (٩٩:٩)
دربرد ٢٩، فروآرد ٥٣

~: فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِى رَحْمَتِهِۦ (٣٠:٤٥)
اندر آرد ٢٢

~: وَيُدْخِلُهُمُ ٱلْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ (٦:٤٧)
درآرد ٢، اندر آرد ١٧، دبرد ٥١، اندرارد ١٠٨، درمی آرد ١٢٣

~: وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (٢٢:٥٨)
ببرد ٢٩، دَربَرد ٤٢، دربَرد ٨١، درمی برد ٩٦

★ سَيُدْخِلُهُمْ: سَيُدْخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِى رَحْمَتِهِۦٓ (٩٩:٩)
زود درآورد ٥٧، سرانجام درآرد ٦١

وَلِيَدْخُلُوا: وَلِيَدْخُلُوا۟ ٱلْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ (٧:١٧)
أندر آیند ٢، درشدند ٢٤، درشوند ٢٩، درآیند ٣٠، اندر آیید ٥٢، اندرآیند ٥٣، درروند ٥٧، درآید ٥٨، درروند ٦١، اندرشوند ٧٦، اندر آیند ٩٦

يَدْخُلُونَ: فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ (١٢٤:٤)
می درکرده شند ١، أندر آرند ٢، درآورده شوند ٣، اندر آرند ١٠، درآرند ٢٤، اندر آرند ٢٧، فرود

آرند ٢٩، اندَرشوند ٤٥، اندرارند ٥٣، فروآورند ٨٨

~: وَلَا يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلْجَمَلُ (٧: ٤٠)
رَوند آندَر ١٠، اندر آيند ٤٥

~: جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا... وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَدْخُلُونَ (١٣: ٢٣)
مى درشند ١، همى اندر شوند، همى أندر آيند ٢، درشوند، درمى شوند ٥، شند ايشان ٢٤، درمى آيند ٤١، اندَرْرَوند، اندر مى آيند ٥٣، دَرآيند ٥٥، اندرشوند، همى درآيند ٦٢، درمى روند ٦٤، دَرروند، دَرآيند ٧٦

~: فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْـًٔا (١٩: ٦٠)
أندر آيند ٢، درروند ٤٣، درآورده شوند ٤٤، اندَرآيَند ٥٣، درآيند ٥٦

~: فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا (٤٠: ٤٠)
اندر برند ٣٨

~: سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (٤٠: ٦٠)
دركرده شند ١، اندارآيند ٥٦، اندر آيد ٨١

~: وَرَأَيْتَ ٱلنَّاسَ يَدْخُلُونَ فِى دِينِ ٱللَّهِ أَفْوَاجًا (١١٠: ٢)
مى درآيند ١٠ مكرّر، همى آيند ٢٤، روند ١٠٠

★ لَا يَدْخُلُونَ: وَلَا يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ (٧: ٤٠)
درنشند ١، اندرنشوند ١٠ مكرّر، درنشوند ٢٩، درنشوَند ٤٢، نشوند ٥٣، درنروند ٥٧، درنيايند ٥٨، نروند در ٦٣، نروند ٨٩، درنروند ايشآن ١٠٠، درآورده نشوند ١١٤

يَدْخُلُونَهَا: جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا (١٣: ٢٣)
درآيند ٣٦

~: جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا (١٦: ٣١)
مى درشند ١، درشوند ٢٤، اندرايَند ٥٣، درروند ٥٨، فروآيند ٦٢، درمى آيند ١٣٠

~: جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا (٣٥: ٣٣)
اندرشوند ٣٤، درمى روند ٤١، اندرايند ٥٦، درآيد ١١١، اندر مى شوند ١١٤

يَدْخُلُوهَا: أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَ (٢: ١١٤)
أندرْشوند ٢، اندرشند ١٠، اندرشوند ٢٩، درآيند ٣٠، درشوند ٤٠، درروند ٦٠، درآمدندى ١١٤، شوند ١٢٨

~: لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (٧: ٤٦)
اندرشدند ١٠٧

★ لَمْ يَدْخُلُوهَا: لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (٧: ٤٦)
درنشند ١، اندر نشده باشند هنوز ١٠، اندر نه شودند ١٠ مكرّر، نه درآمدند ٣٠، درنرفته باشند ٣٩، نه اندر شدند ٤٥، درنشدند ٥٢، درنشوند ٥٧، نه درروند ٦١، نرفته باشند ٦٣، درنشويد ٧٦، اندرنيامدند ٩٤، درنمى روند ٩٦، درنروند ١٠٠، درنرفتند ١٠٤، درنيامده باشند ١١١، درنيابند ١١٤، درنيامدند ١٢١، اندر نيايند ١٢٤

يَدْرَأُ: وَيَدْرَؤُا۟ عَنْهَا ٱلْعَذَابَ أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ (٢٤: ٨)
واز كند ١، بازدارد ٢، دور كند ٣، بيوكند ٢٤، دور مى كند ٤١، بگرداند ٤٢، بَازدَارَند ٥١، دور ميكند ٥٢، بازدارَدْ ٥٣، بيفتد ٦٤، بازدارد دور كند ١٠٩

يَدْرَءُونَ: وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ (١٣: ٢٢)
مى واز كنند ١، باززنَند ٢، بازمى دارند ٥، وادارند ٢٤، باززنند ٤٢، بازدَارَند ٥٣، بازمى زدند ٥٨، بازميدارند ١٠٢

~: وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ (٢٨: ٥٤)
دور مى كنند ٣، بازدارند ٢٤، باز همى زنند ٣٠، باززدند ٣٩، بشتافتند ٤١، بازداشتند ٤٦، همى بازدارند ٥٣، بازميزنند ٧٤ [illegible]

همی بازدارند دور کنند ١٠٩، دور میکنند ١١٤، باز می زنند ١٢٦

یَدْرُسُونَ: وَمَآ ءَاتَيْنَٰهُم مِّن كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا (٤٤:٣٤)
می خوانند ١، برخوانند ٣، برخوانند ٢٤، می خواندند ٢٩، همی خوانند ٣٠، میخوانند ٣٩، می برخوانند ٤٩، بخواندند ٦١، بخواندندی ٦٤، بخوانند ٦٩، خوانند ٨٦، میخواندند ١٠٥

یُدْرِكُ: وَهُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصَٰرَ (١٠٣:٦)
دررسد ١، أندریابد ٢، دریابد ٣، اندریابد ٩، اندررسد و اندریاود ١٠، می بیند ٢٤، دریابد ٤٢، اندررسد و بیند ٥٧، بیند ٦٠، برسد ٧٥، درمی رسد ٩٦، درمی یابد ١١١، دریافته ١١٩

یُدْرِككُّمُ: أَيْنَمَا تَكُونُوا۟ يُدْرِككُّمُ ٱلْمَوْتُ (٧٨:٤)
دررسد ١، دریابد ٣، اندریاود ١٠، دریاود ٢٤، اندریابد ٢٧، اندررسد ٢٩، رسد ٤٥، دریابند ٦١، دریآبد ١٠٠، درربابد ١١١، نزدیک شود ١٢٤

یُدْرِكْهُ: وَمَن يَخْرُجْ مِنۢ بَيْتِهِۦ... ثُمَّ يُدْرِكْهُ ٱلْمَوْتُ (١٠٠:٤)
دررسد ١، أندریابد ٢، دریابد ٣، اندریاود ١٠، دریاود ٢٤، اندریابد ٢٧، برسید ٥٣، دریابد ٥٥، اندررسد ٦٢

یُدْرِيكَ: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (٦٣:٣٣)
دانسته کند ١، دانا کرد ٣، بیاگاهانیده است ٣٤، آگاه کند ٥٨، دانا میگرداند ١١٣، اگاهاند ١٣٩

~: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٌ (١٧:٤٢)
دریابند ٥٦

~: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ (٣:٨٠)
دانی ٢، آگاهانید ٥٦، دانا گردانید ١١١، دانا کرده ١٣٢

★ **مَا يُدْرِيكَ:** وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٌ (١٧:٤٢)
تو چه میدانی ٩٦

یَدُسُّهُ: أَيُمْسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُۥ فِى ٱلتُّرَابِ (٥٩:١٦)
می پنهام کند ١، پنهان کُند ٢، پنهان کند ٣، در گور کنند ٢٤، پنهان می کنند ٤١، فرو کند ٥٢، پنهان کُند ٥٥، برارد ٥٩، پنهان کند ٦٢، نهان کند ٦٤، پنهان کُند ١٠٥، بپوشد ١١١، پنهان کنید ١٢٦، بپوشاند ١٢٧

یَدْعُ: وَيَدْعُ ٱلْإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلْخَيْرِ (١١:١٧)
می درخواهد ١، می خوانند ٢٩، همی خواند ٥٣، می خواند ٥٥، میخواند ٩٣، برخواند ١٠٠، میخوانند ١١٤، بخوانند ١١٨

~: وَمَن يَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ (١١٧:٢٣)
می خواند ١، بخواند و بپرستد ٥٨، پرستد ٨٦

~: وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِىٓ أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُۥٓ (٢٦:٤٠)
بگذارد ٣٨، بخواند ٦١

~: يَوْمَ يَدْعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَىْءٍ نُّكُرٍ (٦:٥٤)
بخواند ٢، خواند ٣

★ **لِيَدْعُ:** وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِىٓ أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُۥٓ (٢٦:٤٠)
گو بخوان ١، بخواندا ٣، تا بخواند ٤٢، باید برخواند ١٣٨

~: فَلْيَدْعُ نَادِيَهُۥ سَنَدْعُ ٱلزَّبَانِيَةَ (١٧:٩٦)
باید که برخواند ١٠٠، بخوان ١٢٠

یَدُعُّ: فَذَٰلِكَ ٱلَّذِى يَدُعُّ ٱلْيَتِيمَ (٢:١٠٧)
سرد کند و باززند ٢، بازدارد ٢٤، بازمی زند ٤١، باززند ٥١، بانگ زد ٦٤، بعنف دور می کند ٧٩، بانگ زند ٩٠، میراند ١١٤، دور کند ١٢٦، ستم میراند ١٣٦، بازمیزند ١٣٨

★ **لَمْ يَدْعُنَا:** فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُۥ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَآ (١٢:١٠)

نخواند ١، هرگز نخوانده بود ٢٤، نخواندست ٣٦، نخوانده است ٣٩، هرگز نخوانده است ٤١، نخواندی ٥٣، نخوانده بود ٥٧، نه میخواندی ٦١، نخواندستی ٦٧، هرگز نخواند ١٠٠، نخوانند ١٢٤، نخوانده ١٣٦

يَدْعُوا: وَٱللَّهُ يَدْعُوٓاْ إِلَى ٱلْجَنَّةِ وَٱلْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِۦ (٢:٢٢١)
همی خواند ٢، میخواند ٣٦

~: وَٱللَّهُ يَدْعُوٓاْ إِلَىٰ دَارِ ٱلسَّلَٰمِ (١٠:٢٥)
می خواند ١، مَی وَاخُواند ١٠، بازخواند ٢٧

~: يَدْعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُۥ (٢٢:١٢)
همی خواند ٢، گوید ٨٦، می پرسند ١١٣

~: إِنَّمَا يَدْعُواْ حِزْبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ (٣٥:٦)
همی خواند ٢٢

~: نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوٓاْ إِلَيْهِ مِن قَبْلُ (٣٩:٨)
خوانده باشد ١٣٨

~: فَسَوْفَ يَدْعُواْ ثُبُورًا (٨٤:١١)
بخواند ٣٠، برخواند ١٣٨

يَدْعُوكَ: قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ (٢٨:٢٥)
می خواند ١، میخواند ٤٣، همی خواند ٥٣

يَدْعُوكُمْ: وَٱلرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِيٓ أُخْرَىٰكُمْ (٣:١٥٣)
می خواند ١، مَی خُواند ١٠، همی خواند ٢٧

~: يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ (١٤:١٠)
همی خُواند ٢، می تاخواند ٧ مکرّر، میخوآند ١٠٠، میخوانند ١١٢

~: يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ (١٧:٥٢)
بخواند ١، بخُوانند ٢، بخوانَند ٥٣، میخواند ٥٨

يَدْعُونَ: أُوْلَٰٓئِكَ يَدْعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ (٢:٢٢١)
همی خوانَند ٢، می خُوانَند ١٠، میخوآنند ١٠٠

~: وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى ٱلْخَيْرِ (٣:١٠٤)
می خوانند ١، خوانند ٣، وَاخوانُند ١٠، واخواند ٢٤، بازخوانند ٨٨

~: إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ إِنَٰثًا (٤:١١٧)
مَی خُوانَند ١٠، می خوانَند ٥٣

~: وَلَا تَطْرُدِ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ (٦:٥٢)
همی خُوانَند ٢، همی خوانند ١٠ مکرّر

~: وَلَا تَسُبُّواْ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (٦:١٠٨)
مَی خُوانَند ١٠، بخوانند ١٠ مکرّر، می پرستند ٢٩، همی خوآنند ٩٤

~: وَمَا يَتَّبِعُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُرَكَآءَ (١٠:٦٦)
مَی خوانند و مَی پَرستند ١٠

~: ٱلَّتِي يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مِن شَيْءٍ (١١:١٠١)
مِی بُخوانَند ٥٥، میخواستند ٥٨، خواندند ایشان ٩٣، میخواندند ایشان ١٠٠

~: وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيْءٍ (١٣:١٤)
خواندند ٥، مِی خوانَند ٥٥، خوانید شما ٧٦

~: وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا (١٦:٢٠)
همی خوانَند ٢

~: أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ (١٧:٥٧)
همی خُوانند ٢، هَمی خَوانَند ٥٣، می خوانند و می پرستند ٥٨

~: وَٱصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم (١٨:٢٨)
همی خوانَند ٢، مي خَوانَند ٥٥، می پرستند و می خوانند ٥٨، بخواند ١٣٩

~: وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلْبَٰطِلُ (٢٢:٦٢)
شما میخوانید ٢٩، میخوانید ١٣٨

~: وَجَعَلْنَـٰهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ (٢٨: ٤١)
میخوانند ٢٩، می بازخوانند ٤٧، می خوانند ٥٣، میخوانند ٦١، خونده شوند ١٣٠

~: إِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ (٢٩: ٤٢)
خوانید ٤٧، می پرستید ٨٦

~: وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ٱلْبَـٰطِلُ (٣١: ٣٠)
می خوانید ٤٦

~: مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَـٰكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (٣٨: ٥١)
می درخواهند ١

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَدْعُونَ مِن قَبْلُ (٤١: ٤٨)
همی خوانند ١٦، همی خوانید ٢٢، می خوانند ٣٢

~: يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَـٰكِهَةٍ ءَامِنِينَ (٤٤: ٥٥)
خواهند ٧٩، می خواهند ٩٢، فراخوانند ١٠٢

★ اِنْ يَدْعُونَ: إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ إِنَـٰثًا (٤: ١١٧)
نمی خوانند ١، همی نُخوانند ٢، می نپرستند ٢٤، همی نخوانند ٢٩، همی نخوانند ٤٢، نمی خُوانند ٥٥، نمی خوانند و نمی پرستند ٥٦، نپرستند ٥٨، نمیخوانند ١٠٠

★ كَانُوا يَدْعُونَ: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَدْعُونَ مِن قَبْلُ (٤١: ٤٨)
می خواندند ١، بودند که میخواندند ١٣٦، خوانده باشند ١٣٨

★ لَا يَدْعُونَ: وَٱلَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَـٰهًا ءَاخَرَ (٢٥: ٦٨)
نخوانند ٢، نخوانَند ٥٣، نخوانند و نپرستند ٥٨، نمی پرستند ٩٧، نمیخوانند ١٢١

يَدَّعُونَ: لَهُمْ فِيهَا فَـٰكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ (٣٦: ٥٧)
می درخواهند ١، آرزو برند ٣، بخواهند ٢٢، آرزو کنند ٣٣، خواهند ٣٦، خواهند و آرزو کنند ٣٩، خوانند ٦١، آرزو خواهند ٨٦، میخوانند ٨٧، خواهند و آرزو برند ١٠٣، میخواهند ١٢٣

يُدْعَوْنَ: يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَـٰبِ ٱللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ (٣: ٢٣)
می خوانده شند ١، همی خُوانند شان ٢، خوانده می شوند ٣، مَی واخوانند شان ١٠، می خوانند ایشانرا ٢٥، می بازخوانند شان ٢٧، همی خوانند ٢٩، خوانده میشوند ٣٠، همی بخوانند ٣٤، خوانند شان ٤١، خوانده مِی شویت ٥٥، خوانده می شدند ٥٦، می خوانند شان ٥٧، خوانده می شود ٥٨، میخوانند شان ٦١، همی بخوانند ایشانرا ٦٢، میخوانند ایشانرا ٦٣، خوانده شوند ٦٩، می خوانند ٧٥، بازخوانند شان ٨٨، همی خوآنند ایشانر آ ٩٤، خونده میشوند ١٣٠

~: يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ (٦٨: ٤٢)
بخوانند شان ٤١، خوانند ١٢٥، میخوانند ١٣٦

~: وَقَدْ كَانُوا۟ يُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمْ سَـٰلِمُونَ (٦٨: ٤٣)
خوانده شود ٣٠

★ كَانُوا يُدْعَوْنَ: وَقَدْ كَانُوا۟ يُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ (٦٨: ٤٣)
می خوانده شدند ١، خوانده شدند شان ٣٠، می خواندند شان ٤١، همی خوانند ٥٤، خوانده می شدند ١١٤، خواندندی ١٢٥، خواندند ایشانرا ١٣٨

يُدَعُّونَ: يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا (٥٢: ١٣)
سپخته شند ١، سپوخته شوند ٣، برانند شان ٢٩، بازگردانند ایشانرا ٣٠، باززده شوند ٣٦، بازبرند شان ٣٨، همی باززنند شان ٣٩، بسپوزند شان ٤١، بازرانَند ایشانرا ٥١، بازمی داشته می شوند ٥٦، رانده شوند ٧٩، بخوانند ٨١، رانند ایشانرا ٨٦، خوانند ایشانرا ١٠٠، رانده می شوند ١٠٢، میکشند و می افکنند ١٠٣، برانند ایشانرا ١٠٦، برگردانند ایشانرا ١٠٨، افکنده شوند ١١١، روانه شوند ١١٣، سوخته شوند ١١٤، میگردانند شان

۱۲۴، خوانده شوند ۱۳۶، خوانند ۱۳۸

يَدْعُونَنَا: وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا (۲۱:۹۰)
می خوانند ۱، همی خوانندی ۲۴، بخوانندی ۴۲، می خوانند ۴۳، همی خوانند ۵۳، همی خوانند ۶۱، بخوانند ۷۶، میخوانند ۸۷، میخوانند ۱۱۳، بخوانند ۱۳۹

يَدْعُونَنِي: ٱلسِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِيٓ إِلَيْهِ (۱۲:۳۳)
می خوانید ۱، همی خُوانند ۲، می خوانند ۳، همی خوانند ۵۳، میخوانند ۵۸، مي خوانند ۷۶، میخواهند ۱۲۸

يَدْعُونَهُ: لَهُۥٓ أَصْحَٰبٌ يَدْعُونَهُۥٓ إِلَى ٱلْهُدَى (۶:۷۱)
همی خُوانند ۲، می خوانند ۹، واخوانند ۲۴، همی خوانند ۲۶، بخوانند ۶۰، خوانند ۹۲، همی خواهند ۹۴، میخوانند ۱۳۸

يَدْعُوهُ: وَأَنَّهُۥ لَمَّا قَامَ عَبْدُ ٱللَّهِ يَدْعُوهُ (۷۲:۱۹)
می خواند ۶، بخواند ۶۱، میخواند ۱۰۰

يَدْعُوهُمْ: ٱلشَّيْطَٰنُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ (۳۱:۲۱)
می بازخواند ۴۷، می خواند ۵۸، می خوانند ۶۱، همی خواند ۶۲، میخواند ۸۷، فرماید ۱۱۴

يُدْعَى: وَهُوَ يُدْعَىٰٓ إِلَى ٱلْإِسْلَٰمِ (۶۱:۷)
می خوانده شهد ۱، خوانده شود ۳۰، خوانده می شود ۶۹، خوانده میشود ۸۷، میخواند ۹۸، خوانده می شود ۱۱۳، میخواند ۱۳۸

يَدَكَ: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ (۱۷:۲۹)
دست ۹۳

~: وَٱضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ (۲۰:۲۲)
دسْت ۲، دست ۸۷

يَدْمَغُهُ: بَلْ نَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ عَلَى ٱلْبَٰطِلِ فَيَدْمَغُهُۥ (۲۱:۱۸)
بشکند ۱، می شکند ۳۶، فروشکند ۳۹، بیرون آید ۴۲، مغز بیرون آید ۵۲، بشْکَنَدْ ۵۳، می شکند و برمی کند ۵۸، خرد بشکنند ۶۱، فرود شکند ۷۲، مغز بر آرد ۷۶، بشکند و ناچیز گرداند ۷۹، بشکنند ۸۷، مغز بدر آید ۹۶، نیست کند ۱۰۶، خرد بشکند ۱۰۸، شکند ۱۱۳

يُدْنِينَ: يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ (۳۳:۵۹)
فرود هیلند ۱، نزدیک کنند ۳، فروگذارند ۷، فروهلند ۱۸، نزدیک درگیرند ۲۹، فرود کشند ۳۹، نزدیک دارند ۴۳، فُروهِلَنْد ۵۳، نزدیک آرند و فراهم آرند ۵۶، نزدیک گشتند ۶۴، فروافکنند ۶۷، نزدیک شوند ۶۹، نزدیکتر گردانند ۹۰، بسردرگیرند ۱۰۰، نزدیک گردانند و فروگذارند ۱۰۳، فراگیرند ۱۰۴، نزدیک گردانند ۱۰۶، فرواندازند ۱۲۲

يَدِهِ: أَوْ يَعْفُوَا ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ عُقْدَةُ ٱلنِّكَاحِ (۲:۲۳۷)
دَسْت ۲، دَست ۱۲۱

~: قُلْ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ (۲۳:۸۸)
فرمان ۸۷

يُدْهِنُونَ: وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (۶۸:۹)
درسازند ۱، چرب می کنند ۲، نرمی کردند ۳، نرمی کنند ۱۹، ایشان بسازند ۳۹، دوری کنند ۴۹، آسان گیرند ۸۷، چرب سخنی کنند ۸۸، درسازند ایشان ۸۹، بسازند ۱۰۲، ایشان نرمی کنند ۱۱۱، ایشان محابا کنند ۱۳۹

يَدَيْ: وَمَن يُرْسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشْرًۢا بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِۦٓ (۲۷:۶۳)
پیش ۴۶

~: لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَىِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ (۴۹:۱)
کار ۱۷

يَدِيَ: مَآ أَنَا۠ بِبَاسِطٍ يَدِىَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ (۵:۲۸)
دست ۱

يَدِينُونَ: وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ (۹:۲۹)
فروتنی می کنند ۳۶، گردن نهند ۳۹، نزدیک شوند ۶۱، کیش ورزند ۱۱٤

★ لَا يَدِينُونَ: وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ (۹:۲۹)
فُرمان بُردار نباشند ۱۰، نگاه ندارند ٤۳، درنیابند ۷۸، فرمان برداری نمی کنند ۷۹، نمیپذیرند ۱۱٦، نمی پذیرند ۱۲۰، ندارند ۱۲۱

يَدَيْهِ: وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ (۲۵:۲۷)
دودست ۱، دست ٤٦

يُذَبِّحُ: يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ (۲۸:٤)
می کشت ۱، همی کُشند ۲، همی کشت ۲٤، می کشتند ٤۳، گُلو می برید ٤۷، می کُشت ٥٦، گلو می بریدند ٦٥، گلو می برد ٦۹، می برند ۹۲، بکشتند ۱۰٥، گلو همی برّد ۱۰۹، می کشد ۱۲۱

يُذَبِّحُونَ: يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ (۲:٤۹)
گلُو همی بریدند ۲، گلو می بریدند ۳، مَی کشتند ۱۰، گُلو می بُریدَند ٥٥، همی بکشند ٦۲، می کشند ٦٤، همی بریدند ۸۲، میکشتند ۹۱، کشتند ۱۲۹

~: وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ (۱٤:٦)
می کشتند ۱، همی بکشتند ۷ مکرّر، همی کشند ٥۳، گلُو می بُریدَند ٥٥، می بریدند ٥۸، برهم میکشند ٥۹، همی کشتند ٦۲، گلو همی برند ۸۳، همی گلو بریدند ۹۸، میکشند ۱۱۸، گلو می برید ۱۱۹

لِيَذَرَ: مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ (۳:۱۷۹)
بهیلد ۱، دست واندارد[1] ۱۰، بُگذارد ۲۷، بگذارد ۲۹، دست واخواهد داشت ٤۰، بمانَدی ٤۲، بماندی ٥۲، دست بازدارد ٥٦، دست بدارد ۷۲، فرود گذارد ۷۸، بجای ماند ۸۲، بجای بگذاشتی ۹٤، براند ۹۷، بگذ آرد ۱۰۰، واگذارد ۱۱۱، بگذارند ۱۱٤، بماند ۱۱۹، به جای گذارد ۱۲۹، گذارد ۱۳۸

يَذْرَؤُكُمْ: جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ... يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ (٤۲:۱۱)
می آفریند ۱، بیافرید ۲۲، بیافریند ۲۹، می آفرینَد ۳۲، بپراکند و بسیار کرد ۷۹، می آفرینند ۸۰، بازدارد ۸۱، پراکنده و بسیار میکند ۱۰٤، همی آفریند ۱۰۸، بسیار میگرداند ۱۱۱

وَيَذَرَكَ: لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ (۷:۱۲۷)
بهیلند ۱، بماند ۳، دَست وادارد ۱۰، دست بدارند ۲٤، دست بازداشت ۲۷، بگذارد ۲۹، رها کند ٤۸، بارکنند ٥۳، بگذ آرد ۱۰۰، وامیگذارد ۱۱۱، بکذارد ۱۱۳، واگذارند ۱۲۲، بگذارند ۱۲٤، بگذاشت ۱۳٦

فَيَذَرُهَا: فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (۲۰:۱۰٦)
بهیلد ۱، دست بدارد ۲٤، بگذارد ۲۹، بماند ۳۰، دَست بَازدارَدْ ٥۳، دست بازدارد ٥٦، رها کند ۷٦، بگذ آرد ۱۰۰، ماند ۱۱٤، واگذارد ۱۳۲

وَيَذَرُهُمْ: وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷:۱۸٦)
بماند ۳، یله کند ۱۰، بگذارد ۲۹، می گذارد ٤۱، گذارد ۹۱، بگذ آرد ۱۰۰، رها کند ۱۰۳، میگذارد ۱۱۱، وامی گذارد ۱۱٦، دست بازدارد ۱۲٥، فروگذارد ۱۲۹

يَذَرُونَ: وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا (۲:۲۳٤)
می هیلند ۱، بمانَند ۲، دست وَادارَند ۱۰، بگذارند ۲٤، دست بازدارند ـ بگذارند ۲۷، دست بازدارند ۳۰، بَمانَند ٤۲، بمانند ٥۲، بماند ٥۳، می گذارَند ٥٥، بگذاشتند ٦۲، دست بدارند ٦۳، می گذارند ۸۰، رهاء کند ۹۰، بگذ آرند ۱۰۰

~: وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا (۲:۲٤۰)
دَست بازدارنْد ۲، می گذارند ۳، بجای مانند ۲۹، دَست بازدارَند ٤۲، بازگذارند ٦۲، یله کنند ٦۳،

---

۱. این معنی منفی فقط در سیاق عبارت قابل توجیه است.

رها كنند ١٠٣، بگزارند ١٢٤

~: إِنَّ هَٰؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ (٧٦:٢٧)
همی دست بازدارند ٢، بجای همی مانند ٣٠، دست بازمی دارند ٣٩، همی بگذارند ٥٦، می بگذارند ٦٤، دست می دارند ٩٠، فرومیگذارند ١٠٢، رها میکنند ١٠٤، میگذارند ١١١، وامیگذارند ١١٦، بمی گذارند ١٣٤، دست می بدارند ١٣٩

يَذْكُرُ: أَهَٰذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ (٢١:٣٦)
همی یاد کند ٢، می یاد کند ٢٤، همی یاد کُنَد ٥٣، یاد کند ٥٦، یاد می کند ٥٨، همی یاد کند ٦١، یاد می کنند ٧٦، یاد میکند ٨٦، یاد میکرد ٨٧، یاد می آورد ١٠٠

★ لَايَذْكُرُ: أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ (١٩:٦٧)
ایاد نکند ١، یاد همی نکُند ٢، یاد نمی کند ٤١، پند نپذیرد و یاد نکند ٥٨، یاد همی نکند ٦١، اندیشه نمی کند ٧٦، یاد نمی آرد ٨٦، پند نپذیرد ٩٢، پند نمیگیرد ١٠٠، یاد نمیکند ١١١، نمی اندیشد ١٢٣، بیاد نمی آورد ١٣٢، پند نگیرد ١٣٩

يُذْكَرُ: أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ (٢:١١٤)
یاد کرده شود ٣، یَاد کنند ١٠، یاد کنید ٤٠

~: وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ (٦:١٢١)
یاد کرده شد ٥٦

~: وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ (٢٢:٤٠)
یاد کرده می شود ٥٨، یاد کرده میشود ١٠٢

~: فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ (٢٤:٣٦)
ایاد کرده شهد ١، یاد کُند ٧٦

★ لَمْ يُذْكَرْ: مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ (٦:١٢١)
ایاد کرده نشد ١، یادنکردنْد ٢، نه یاد کرده شد ٣، یاد نکرده باشند ١٠، یاد نه کردند ١٠ مکرّر، یاد کرده نشده است ٢٧، یاد کرده نشود ٣٦، یاد کرده نشد ٣٩، یادنکرده باشند ٦٤، نه گفته باشند ٧٦، یادنکردند ٨٨، یاد کردنشدست ٩٤، یاد نکرده باشید ٩٦، یاد نکرده‌اند ١٢٣، یاد کرده نشده ١٢٤

يَذَّكَّرُ: وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (٢:٢٦٩)
پند می گیرد ٣، گیرند پند ٢٤

~: كُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (٣:٧)
پند گیرد ٣، گیرد پند ٢٤، گیرند پند ٦٩

~: وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (١٤:٥٢)
پند پذیرند ١، دراندیشند ٥، پند گیرند ٤١، پند بپَذیرند ٦٢

~: أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَىٰ (٨٠:٤)
یاد کند ٣٩، پند خواست پذیرفت ٦٧، پند میگیرد ١٣٦

~: سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَىٰ (٨٧:١٠)
پند پذیرد ١، با یاد آرد ٤٢

★ مَايَذَّكَّرُ: وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (٢:٢٦٩)
نه گیرند پند ٢٤، اندرز نپذیرند ٢٥، پند نپذیرد ٢٩، نکند اندیشه ٣٨، نگیرند پند ٤١، پند نپذیرّد ٤٢، پند نگیرند ٤٣، یادنیارد ٥٧، نپذیرد پند ٦٢، پند نه گیرد ٦٣، نه پند پذیرند ٨٨، نکند یاد ٩٤، پند نه پذیرد ١١٨، پندپذیر نمی شوند ١٢٢، پند نمیگیرد ١٣٥

~: وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (٣:٧)
پند نپذیرند ١، پند نگیرد ٣، یاد نیارند ٢٥، نپذیرند پند ٢٩، پند ندهد ٧٥، نه پذیرد پند ٨٨، نمی پند گیرند ٩٧، پند نه پذیرند ١٠٤، پندپذیر نشوند ١٢٣، اندیشه نکند ١٣٥

يَذْكُرُهُمْ: قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ (٢١:٦٠)
ياد همی کرد ٥٣، یاد کرد ٥٦، یاد می کند ٨٦، یادمیکرد ٨٧، یاد میکند ١٠٠، یاد کند ١٣٩

يَذْكُرُوا: وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ (٢٢:٢٨)
یاد کنند ایشان ٢٤، یاد کنند ٣٨، یاد کُنند ٥١

~: لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ (٢٢:٣٤)
یاد کنند ٢

لِيَذَّكَّرُوا: وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا (١٧:٤١)
پَند گیرنْد ٢، پَنْد پَذیرنْد ٥٣، درانديشند ٥٩، پند پذیر شوند ١١١

~: وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا (٢٥:٥٠)
پند پذیرند ١، پند گیرند ٣٠، پَنْد پَذیرنْد ٥٣، اندیشند ٧٦، یاد گیرند ١٠٥

يَذْكُرُونَ: الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا (٣:١٩١)
می اياد کنند ١، یاد کنند ٢، یاد می کنند ٣، یادمیکنند ٦١، در یاد کرد باشند ٦٢، یادمیدارند ١٠٤، نماز کنند ١٠٥، یاد کردند ١٣٥

~: وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (٤:١٤٢)
یاد کنند ٣، یاد کُنند ٥٣، کنند یاد ٦٢

★ لَا يَذْكُرُونَ: وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (٤:١٤٢)
اياد نکنند ١، یاد نکُننْد ٢، یاد نمی کنند ٤١، نه کنند یاد ٨٨، یادنکنند ١٠٠، یاد نمیکنند ١٠٤، نه یاد کنند ١١٢

~: وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ (٦:١٣٨)
یاد نکنند ١٠، نکنند یاد ٢٤، یاد نمی کردند ٥٨، یادنکرده باشند ٦٣، نبرده باشند ٧٦، یاد نکند ١١١

~: وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (٣٧:١٣)
پند نپذیرند ١، پند نگیرند ٣٩، پند ندهند ٥٧، یاد نکنند و پند نگیرند ٨٦، اوشان یاد نمی کنند ٩٦، یادنگیرند ١٠٤، پندپذیر نشوند ١١٦

★ مَا يَذْكُرُونَ: وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ (٧٤:٥٦)
پند نپذیرند ١، یاد نکنند ٦، نیاد بگیرد ٣٠، یاد نگیرند ٤٢، پند نگیرد ٦١، یاد نمیکنند ١١١

يَذَّكَّرُونَ: قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (٦:١٢٦)
می پند پذیرند ١، پَنْد گیرنْد ٢، پند گیرَند و بَبَروند ١٠، پند پذیرد ٥٧، اندیشه کنند ٧٦

~: ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (٧:٢٦)
پند پذیرند ١، یاد آرَنْد ٥٣، با یاد آورند ٦٢

~: وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (٧:١٣٠)
یادْ کُنَنْد ٥٣، یاد کنند ٦٢، دراندیشند و پند گیرند ١٠٩، بپذیرند ١٢٢

~: فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (٨:٥٧)
پند پذیرند و بپرهیزند ٢٧

~: ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (٩:١٢٦)
پَند پذیرنْد ٢، پند گیرند ٣، پند می گیرند ٤١، پند آرند ٩٢، پند میگیرند ٩٣، پند می پذیرند ١١٣، یاد آرند ١٢١

~: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (١٦:١٣)
پَند گیرنْد ٢، یادمی کنند ٢٩، دراندیشند ٥٩

★ لَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ: فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (٩:١٢٦)
پند نپذیرند ٣٤، پَند نپذیرند ٦٢

يَذْهَبُ: فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً (١٣:١٧)
شهد ١، بشود ٥، نیست شود ٦٢، رَود ٧٦، شود ٩٢

~: يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (٢٤:٤٣)
ببرد ١، ببردی ٤٧، برد ١١٣، بَبَرد ١١٩

يُذْهِبُ: وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ (٨:١١)
ببرد ١، بِبَرَد ٥٣، بَرد ٥٥، بردارد ١٢١، به برد ١٣٠

~: وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ (٩:١٥)

ببَرد ۱۰، بَبُرد ۶۲، می برد ۱۳۵

~: لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ (۳۳:۳۳)
برد ۳، برود ۱۸

يَذْهَبَا: وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلْمُثْلَىٰ (۲۰:۶۳)
ببرند ۲۹، ببرید ۳۴، ببردند ۴۳، ببرّند ۱۰۹

يُذْهِبْكُمْ: إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا ٱلنَّاسُ (۴:۱۳۳)
ببرد ۱، تَبرد ۲، بُبَرد ۱۰، ببرَد ۴۵، ببردْ ۵۳، بمیراند ۵۸، برد ۹۷، به برد ۱۲۸

~: إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ (۶:۱۳۳)
بُبَرد ۱۰ مکرّر، ببَردْ ۵۳

~: إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۴:۱۹)
میبرد ۱۳۰

يُذْهِبْنَ: إِنَّ ٱلْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ (۱۱:۱۱۴)
ببرند ۱، دور کند ۳۶، می بَرند ۵۵، ببرد ۵۸، ببرَد ۷۶، ببرد نیست کند ۹۲، می برند ۱۰۲، میبرد ۱۱۱، می برد ۱۲۱

يُذْهِبَنَّ: فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُۥ مَا يَغِيظُ (۲۲:۱۵)
ببرد ۱، ببَرد ۵۶، برد ۶۱، بشود ۹۶

★ هَلْ يُذْهِبَنَّ: هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُۥ مَا يَغِيظُ (۲۲:۱۵)
هیچ می برد ۱۱۳

★ لَمْ يَذْهَبُوا: وَإِذَا كَانُوا۟ مَعَهُۥ عَلَىٰٓ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا۟ (۲۴:۶۲)
نشنند ۱، نروند ۲، بنپراکنند ۴۷، نشوَند ۵۳، بازنگردند ۵۸، بنه پراکنند ۶۲، بنروند ۸۹، باید که نروند ۹۶، بنشوند ۱۰۵

~: يَحْسَبُونَ ٱلْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا۟ (۳۳:۲۰)
نشدند ۱، نرفته اند ۲، نه شوند ۱۴، بنه شده اند ۴۷، نَشوَند ۵۳، نرفتند ۵۶، بازنرفتند ۶۴، نه رفتند ۶۹، نرفته است ۷۶، نه رفته اند ۹۴، نشوند ۹۶، بازنگبشته اند ۱۱۱، نرفته اند و نگریخته اند ۱۳۲، نرفتند (نه رفتند) ۱۳۹

يَذُوقَ: أَوْ عَدْلُ ذَٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِۦ (۵:۹۵)
بچشد ۱، بچشند ۳، درچشد ۶۳، چشد ۶۴، درچشند ۱۰۰، درچشید ۱۰۶

يَذُوقُوا: بَدَّلْنَٰهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ (۴:۵۶)
می چشند ۱۰، درچشند ۶۳، بچشند ۱۱۲

~: بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِي بَل لَّمَّا يَذُوقُوا۟ عَذَابِ (۳۸:۸)
بچشیدند ۳۸، بچشیدند ایشان ۶۱، بچشیده اند ۹۲، چشیدند ۱۳۸

★ لِيَذُوقُوا: لِيَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ (۴:۵۶)
تا بچشند ۷۵

★ لَمَّا يَذُوقُوا: بَل لَّمَّا يَذُوقُوا۟ عَذَابِ (۳۸:۸)
نچشیدند ۱، نچشیده اند ۱۱۱، هنوز نچشیده اند ۱۳۲

يَذُوقُونَ: لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلْمَوْتَ (۴۴:۵۶)
چشند ۳، چَشند ۳۲، میچشند ۱۳۰

★ لَا يَذُوقُونَ: لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلْمَوْتَ (۴۴:۵۶)
نچشند ۱، نچشنْد ۲، نه خواهند چشید ۴۴، هرگز نچشند ۶۴، میچشید ۸۱

~: لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۷۸:۲۴)
نچشند ۲، نمی چشند ۹۹، نمی یابند ۱۳۰، نچسند ۱۳۸

يَذُوقُوهُ: هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ (۳۸:۵۷)
بچشید ۵۶، بچشند ۱۱۴، درچشید ۱۳۸

★ لِيَذُوقُوهُ: هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ (۳۸:۵۷)
گو بچشید ۱، گو بچشیت ۴۱، بوبچشید ۱۱۳

يُذِيقَ: أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ (۶:۶۵)
بچشاند ۱، بچشد ۴۹، بچشاند ۶۳، [illegible]

بچشاند ۵۵، درچشاند ۶۳، می چشاند ۹۹

لِیُذِیقَکُم: وَلِیُذِیقَکُم مِّن رَّحْمَتِهِۦ (۳۰:۴۶)
بچشاند ۱، می چشاند و می رساند ۴۷، بچشانند ۶۱، چشاند ۸۶

لِیُذِیقَهُمْ: لِیُذِیقَهُم بَعْضَ ٱلَّذِى عَمِلُوا۟ (۳۰:۴۱)
چشاند ۳، بچشانیم ۳۴، بچشاند ۴۶، درچشاند ۱۰۰، درچشاند ۱۳۸

★ لَمْ یَرَ: أَوَلَمْ یَرَ ٱلَّذِینَ كَفَرُوٓا۟ أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَٰهُمَا (۲۱:۳۰)
همی نبینند ۲، همی نبینی ۳۴، همی نداند ۶۲، ندیدند ۸۶، نه می بیند ۹۲

~: أَوَلَمْ یَرَ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن نُّطْفَةٍ (۳۶:۷۷)
نگرد ۱، نداند ۳۳، ندید ۸۶، نه بینند ۱۱۴

یُرَاءُونَ: یُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا یَذْكُرُونَ ٱللَّهَ (۴:۱۴۲)
می چشم دیدی نمایند ۱، همی نمایند ۲، می نمایند ۳، همی نمایند ۴۵، می نمایند ۵۵، بنمایند ۸۸، برای دیدار ۱۰۵، مینمایند ۱۲۳، بروی وریا کنند ۱۳۸

~: ٱلَّذِینَ هُمْ یُرَآءُونَ وَیَمْنَعُونَ ٱلْمَاعُونَ (۱۰۷:۶)
دیدار مردمان کنند ۲، نمایش کنند ۶۴، نمایند ۹۰، دیدار مردمانرا کنند ۱۰۸، ریاکاران ۱۳۶

یُرَادُ: إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ یُرَادُ (۳۸:۶)
می خواسته شهد ۱، خواسته می شود ۳، خواست ۳۸، خواسته شده بما ۵۶، خواهد ۸۱، خواست میشود ۱۱۴، خواسته شده ۱۱۶، خواسته میشود ۱۲۱، خواسته اند ۱۲۳، خواهند ۱۳۸

یَرَاكَ: ٱلَّذِى یَرَىٰكَ حِینَ تَقُومُ (۲۶:۲۱۸)
می گیند ۱، می بیند ۲۰، بیند ۶۱

یَرَاكُمْ: إِنَّهُۥ یَرَىٰكُمْ هُوَ وَقَبِیلُهُۥ مِنْ حَیْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (۷:۲۷)
می نماید ۱، می بیند ۳، می بیند ۱۰، بیند ۱۰ مکرر،

ببیند ۳۹، همی بیند ۴۵، می ببیند ۱۱۳

~: هَلْ یَرَىٰكُم مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ ٱنصَرَفُوا۟ (۹:۱۲۷)
می گیند ۱، می بینید ۱۳، به بیند ۶۱

یَرَاهَا: إِذَآ أَخْرَجَ یَدَهُۥ لَمْ یَكَدْ یَرَىٰهَا (۲۴:۴۰)
بگیند ۱، ببیند ۲، بیند ۵۴، بیند ۵۶، دیدن ۷۶

یَرْبِطَ: وَلِیَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَیُثَبِّتَ بِهِ ٱلْأَقْدَامَ (۸:۱۱)
ببندد ۱، بربندد ۳، بربندد ۱۰، نگاه دارد ۲۴، استوار کند ۳۶، سخت کند ۳۹، بازبندد ۴۲، استوار افکند ۵۲، فروبندد ۵۳، بربندد ۵۵، ببندد و استوار کند ۵۶، بندد ۶۱، استواری افکند و بربندد ۸۳، استوار گردانید ۹۴، بیارآمد ۱۰۰، به بندد ۱۰۶، استوار گرداند ۱۲۴

یَرْبُوَا: لِّیَرْبُوَا۟ فِىٓ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ (۳۰:۳۹)
بیوزایید ۱، افزون شود ۳، بیفزاید ۱۴، افزونی گردد ۴۷، بفزاید ۵۳، افزون کند، افزون شوند ۱۱۴

★ لَا یَرْبُوا: لِّیَرْبُوَا۟ فِىٓ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا یَرْبُوا۟ عِندَ ٱللَّهِ (۳۰:۳۹)
بنیوزاید ۱، نفزاید ۲، نه افزاید ۱۴، نیفزاید ۳۶، افزون نگردد ۴۷، افزونی نشود ۱۲۱

یُرْبِى: یَمْحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰا۟ وَیُرْبِى ٱلصَّدَقَٰتِ (۲:۲۷۶)
بیوزاید ۱، بیفزاید ۲، افزون می کند ۳، بفزاید و بپذیرد ۱۰، یکی را دو گرداند ۲۵، بپروراند ۳۰، افزون گرداند ۳۶، می پرورد ۴۱، بیفزاید ۴۲، آفزون می کند ۵۵، افزونی کند ۵۶، زیادت کند ۶۹، افزون کند ۷۴، افزونی می کند ۸۰، بیفزاید ۱۰۰، می پروراند ۱۱۹، میافزاید ۱۲۰، افزون میکند ۱۲۳، فزون گرداند ۱۲۶، میفزاید ۱۳۰، افزونی میدهد ۱۳۵

یَرْتَابَ: وَلَا یَرْتَابَ ٱلَّذِینَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْمُؤْمِنُونَ (۷۴:۳۱)
بگمان افتند ۱۱۴

★ لَا یَرْتَابَ: وَلَا يَرْتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ (۳۱:۷٤)
گمامند نشند ۱، بگمان نیفتند ۸۰، نه بگمان افتند ۱۱٤، بگمان نیفتد ۱۳۹

★ لَمْ یَرْتَابُوا: ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا۟ (۱۵:٤۹)
گمامند نشدند ۱، نه بگمان شدند ۳، بگمان نشدند ٦، نشدند بیگمان ۱۱٤، نه بگمان افتادند ۱۲٤

یَرْتَدَّ: مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ (۵٤:۵)
وازگردد ۱، برگردد ۲، ورگردند ۲٤، بگردد ۳٦

~: لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ (٤۳:۱٤)
بازآیذ ۵۳

~: أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ (٤۰:۲۷)
وازآید ۱، بهَم بازآید ۲، بازگردد ۳، برهم نهی تو ۲٤، ورگردد ۲۹، برهم زنی ۳۰، گردد ٤۷، بازآید ۵٦، بَرهم زنی ۷٦، بازگردد ـ برهم آید ۱۰۹

★ یَرْتَدَّ اِلَیْکَ طَرْفُکَ: قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ (٤۰:۲۷)
چشم برهم زنی ۵۸

★ لَا یَرْتَدُّ: لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ (٤۳:۱٤)
وازنیاید ۱، بازنگردد ۲، نیاید ورهم ۲٤، ورنگردد ۲۹، وانگردد ۳۸، نزنند برهم ٤۱، نگردد ٤۳، بازنیاید ۵۸، وازنگردد ۵۹، بازنمیگردد ۱۳۰

یَرْتَدِدْ: وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ (۲۱۷:۲)
وازگردد ۱، برگردد ۳، بَرگردد ۱۰، ورگردد ۲٤، بازگردَد ٤۲، بازگردد ٤۳، بازگرْدَنْد ۵۳، بگردد ۱۳۸

یَرْتَعْ: أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ (۱۲:۱۲)
بچَریم ۲، بچریم ۲۹، بچرد ۳۰، بچَرَد ۵۵، بچرانیم ۹۳، بچرد و فراخ بزید ۱۰۲، بخرامانیم ۱۰٦، چرا کند ۱۱۲، برخوردار گردد ۱۲۰، بچراند ۱۳٤

فَلْیَرْتَقُوا: فَلْيَرْتَقُوا۟ فِى ٱلْأَسْبَٰبِ (۱۰:۳۸)
گوورشید ۱، برشوندا ۳، برّشوند ۲۲، باید که برشوند ۲۹، درشوند ۳۳، گوبرآیند ۳٦، ورآیید ٤۳، گوبرشوی ۵۲، تا برشوند ۵٦، گودرشوند ٦۱، گوبرروید ٦۷، باید که ببالا برروند ۱۰۰، گوبرشوند ۱۰۲، گو بالا روید ۱۰٤، برشوی ۱۰۵، بالا روند ۱۱۱، باید که ببالا روند ۱۱۳، باید برشوند ۱۱۷، بالا روید ۱۲۱، بگو بالا روید ۱۲۲، باید که بالا روند ۱۲۳، گو ببالا برشوید ۱۲٦، باید بروید ۱۳۸

یَرِثُونَ: ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلْفِرْدَوْسَ (۱۱:۲۳)
فروآیند ۲٤

یَرْجِعُ: أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا (۸۹:۲۰)
گرداند ۵٦

~: قَالُوا۟ لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَٰكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا (۹۱:۲۰)
وازآید ۱، بازآید ۳٤

~: بِمَ يَرْجِعُ ٱلْمُرْسَلُونَ (۳۵:۲۷)
وازآیند ۱، بازآیند ۲٤، بازمیگردند ۱۰۰

~: يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ ٱلْقَوْلَ (۳۱:۳٤)
مـی وازآرد ۱، بازگردد ۷، بازگردند ۳۰، بازگرداند ۳۸، بازمی گردانند ۳۹، همی گردانند ۵٦، بازمی گردد ٦۱، بازمی گرداند ۷۹، همی بازگردانند ۱۰۸، بازگردانید ۱۱۱

★ أَلَّا یَرْجِعُ: أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا (۸۹:۲۰)
که واز نمی آورد ۱، که بازنگرداند ۲، که باز نیاورَد ٤۲، رونکند ٦۷، که بازنمی آید ۷٦، که بازنگرداند ۱۰۸

★ لَا یَرْجِعُ: أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا (۸۹:۲۰)
بازنگرداند ۲، بازنگشت ٤۱، بازنیارد ۵۲، بازنمی آید ۵۸، همی نگرداند ٦۱، بازنمیگرداند ۸٦، بازنیاورد ۱۰۵، [illegible]

بازنمی گردد ۱۱۷، بازنمی گرداند ۱۲۳

يُرْجَعُ: وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ ٱلْأَمْرُ كُلُّهُۥ فَٱعْبُدْهُ (۱۱: ۱۲۳)
واز آید ۱، بازگردانیده شود ۳۰، بازگردد ۴۹، بازگردد ۵۵، بازگشت ۵۸، گردانیده شود ۸۹، گردد ۹۳، بازگردند ۱۰۵، بازگردیده میشوید ۱۱۱، بازگردیده شود ۱۱۴، بازگشته شود ۱۲۱، بازگردانیده میشود ۱۳۰

يَرْجِعُونَ: صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۲: ۱۸)
بازگردند ۵۵

~: وَٱكْفُرُوٓا۟ ءَاخِرَهُۥ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۳: ۷۲)
واز آیند ۱، بازگردند ۲، واگردند ۴۵، بازهمی گردند ۶۱

~: وَبَلَوْنَٰهُم بِٱلْحَسَنَٰتِ وَٱلسَّيِّـَٔاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۷: ۱۶۸)
واگردند ۱۰، بازگردید ۱۱۲، برگردند ۱۳۶

~: وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْـَٔايَٰتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۷: ۱۷۴)
بازمیگردند ۹۹

~: إِذَا ٱنقَلَبُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۲: ۶۲)
بازآیند ۲، بازایند ۵۳، بازگردند ۶۱، بازآیند ۷۶

~: إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (۲۱: ۵۸)
بازگردند ۲، بازگردانند ۵۳، بازگشت کنند ۱۳۲

~: وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَآ أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۲۱: ۹۵)
بازایند ۵۳

~: ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَٱنظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (۲۷: ۲۸)
بازمیگردانند ۱۱۳، پاسخ می کنند ۱۲۴، پاسخ کنند ۱۲۸، پاسخ میکنند ۱۲۹، بازمی گردانند ۱۳۸

~: أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (۳۶: ۳۱)
باز همی آیند ۴۹

~: وَلَآ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (۳۶: ۵۰)
توانند گردیدن ۱۳۸

~: فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (۳۶: ۶۷)
بازگردیدندی ۱۰۰

~: وَجَعَلَهَا كَلِمَةًۢ بَاقِيَةً فِى عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۳: ۲۸)
بازگردند ۲۲

~: وَصَرَّفْنَا ٱلْـَٔايَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۶: ۲۷)
بازگردند ۲۲

★ لَا يَرْجِعُونَ: صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۲: ۱۸)
بازنگردند ۲، بازنیایند ۴۲، بازنگردانند ۶۴، بازنمی گردند ۸۹، بازنمی آیند ۹۶، بازگشت نخواهند کرد ۱۲۲، بازنآیند ۱۲۸، نمی گروند ۱۳۰، درنمی یابند ۱۳۴، برنمیگردند ۱۳۵

~: وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَآ أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۲۱: ۹۵)
وازنیایند ۱، بازنگردند ۲۴، بازنیایند ۳۴، بازنیارند ۸۷

~: أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (۳۶: ۳۱)
نه بازگردند ۲۲، بازنگردند همی ۳۹، بازنمیگردند ۸۶، نمی گردند ۱۳۸

~: ٱسْتَطَٰعُوا۟ مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (۳۶: ۶۷)
نه باز آیند ۲۲، بازنتوانند گشت ۱۱۶

★ مَاذَا يَرْجِعُونَ: فَٱنظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (۲۷: ۲۸)
تا چمی واز آیند ۱، چه میگویند ۱۳۲

يُرْجَعُونَ: وَلَهُۥٓ أَسْلَمَ مَن ... طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳: ۸۳)
بازگردانند شما را ۲، بازگردانند شانرا ۶۱، بازگردنده شویت ۸۰، بازگردانند شمآرا ۹۴، بازگردیده شوید ۱۰۳، بازگردانیده شوید [illegible]

بازگردانیده میشوند ۱۱۵، بازگردیده خواهید شد ۱۲۳

~: وَٱلْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳٦:٦)
واز آورده شند ۱، بازگردانند ۹، بازگردانند ایشان را ۱۰ مکرّر، بازگردانند ایشانرا ۲٦، بازگرداند شانرا ٦۱، بازگردند ٦٤، بازگردانیده شود ۸۸، گردانیده شوند ایشان ۸۹، بازگردنیده شوند ۹۱، بازگرد آنیده شوند ۱۰۰، بازگردیده شوند ۱۱٤، بازگشته شوند ۱۲۱، بازگردیده میشوند ۱۲۲

~: إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ ٱلْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۱۹: ٤۰)
گردانیده شوند ۲۹، آرند ایشانرا ٤۲، بازگردانند ۵۳، بازآرندشان ۵٦، بازگردانند ٦۱، بازگردانیده می شوند ۸۰، بازکردانید ۹۸، بازگردانیدشان ۱۳۹

~: وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ (٦٤:۲٤)
واز آورده شید ۱، بازگردانیده شوند ۳، بازگردانندشان ۲٤، بازشوند ٤۲، بازبرند شما را ۵۱، بازبَرَند ۵۳، شما را بازگردانند ۵٤، بازگردانیده شویت ۹۱، بازآرندْ ایشانرا ۱۱۹

~: وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (۲۸:۳۹)
بازگردانیده بشوند ۵۸

~: أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (٤۰:۷۷)
بازگشتن ۱۵، بازگردیده خواهند شد ۱۰۳، گردانند ایشانرا ۱۳۸

★ إِلَيْنَا يُرْجَعُونَ: إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ ٱلْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۱۹: ٤۰)
سوی ماشان بازگردانند ٦۱، با ما بود بازآمدن ۱۰۵

★ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ: وَلَهُۥٓ أَسْلَمَ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳:۸۳)
با اوست بازگردنیدن ۲٤، با خدای خواهی شدن

~: وَٱلْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳٦:٦)
زی او باشد بازگشتن ایشان ۵۸

★ لَا يُرْجَعُونَ: أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (۲۸:۳۹)
واز آورده نشند ۱، نیایند ۲۹، بازگردانیده نشوند ۳۹، نیارند باز ٤٦، نخواهند گردید ٤۷، نگردانند ۵۳، بازنگردند ۵٦، بازنخواهند گشت ٦۲، بَازنگردانَند ۷٦، بازگردیده نخواهند شد ۱۰۳، بازنگردانند ۱۰٦، بازگردیده نشوند ۱۱٤، بازگردانیده نخواهند شد ۱۳۰، بازگشت نمیکنند ۱۳۲، نه باز آیند ۱۳۹

يَرْجُمُوكُمْ: إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا۟ عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ (۱۸: ۲۰)
بسنگ بکشند ۱، سنگ سار کنند گان ۳، سنگسار کنند ۳٦، بکشند ٤۳، بکشند بسنگ ۵۸، سنگ اندازند ۵۹، بسنگ بزنند ۱۰۰، سنگسار سازند ۱۱۱، سنگ سار کند ۱۳۹

يَرْجُوا: فَمَن كَانَ يَرْجُوا۟ لِقَآءَ رَبِّهِۦ (۱۸: ۱۱۰)
می مید دارد ۱، امید داردْ ۲، امیدوار باشد ٤۲، ترسکار ٤۹، امید دَارَدْ ۵۳، امهد می دآرد ۹٤

~: مَن كَانَ يَرْجُوا۟ لِقَآءَ ٱللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ لَءَاتٍ (۲۹:۵)
امید دارد ۲۱، اومید دارد ۲٤، اومیددار ٤۱، امیدوار ٤۳، اُمّیدْ دَارَدْ ۵۳، می ترسد و امید می دارد ۵۸، امید میدارد ٦۱، امید دآرد ۱۰۰

~: لِّمَن كَانَ يَرْجُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْـَٔاخِرَ (۳۳:۲۱)
اوُمید دارد ۲

~: يَحْذَرُ ٱلْـَٔاخِرَةَ وَيَرْجُوا۟ رَحْمَةَ رَبِّهِۦ (۳۹:۹)
امید می دارد ۳، امید همی دَاردْ ۲۲، اومید می دارد ۲۹، اُمید دارد ۸۱، امّید دَارَدْ ۱۰۵، امیدارنده ۱۳۸

~: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا۟ ٱللَّهَ (٦۰:٦)
می ترسد ۱

★ كَانَ يَرْجُوا: فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ (١٨: ١١٠)
بود امیدوار ٤٣، باشد امیدوار ١٢٤

~: مَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ (٢٩: ٥)
امید داشت ٣

~: لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ (٣٣: ٢١)
می امید داشت ٣، اومید می داشت ٢٩

~: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ (٦٠: ٦)
هست ترسیده ٢

يَرْجُونَ: أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ (٢: ٢١٨)
امید دارند ٢، امید میدارند ٣، اومید دارند ١٠، اومید دارند ٤٢، سزاوار ٥٣، می امید دارند ٦٣، امیدارند ٩٢

~: وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ (٤: ١٠٤)
امید دارند ایشان ٩١

~: فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا (١٠: ١١)
امید دارند ٣

~: قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ (١٠: ١٥)
دارند اومید ١٣

~: وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ (١٧: ٥٧)
می مید دارند ١، امید دارند ٢، اومید می دارید ٨، اومید می دارند ٢٩، همی امید دارند ٣٩، امید دارند ٤٢، اومید همی دارند ٥٣، اومید می دارند ٥٧، امید همی دارند ٦٢، امید همیدارند ٩٣، امید د آرند ١٠٠، امیدوارند ١٠٦، اومید میدارند ١١١

~: الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا (٢٤: ٦٠)
امید دارند ٥٣، دارند امید ٩٠

~: يَرْجُونَ تِجَارَةً لَن تَبُورَ (٣٥: ٢٩)
امید می دارند ٣، اومید همی دارند ٢٢، امیدوار می باشند ٦٤

~: يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ (٤٥: ١٤)
چشم می دارند ٦٤

~: إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (٧٨: ٢٧)
ترسند ٢٤

★ كَانُوا لَا يَرْجُونَ: كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (٢٥: ٤٠)
بودند نومیدان و ناگرویدگان ٥٨

★ لَا يَرْجُونَ: وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ (٤: ١٠٤)
مید نمی دارید ١، اومید نمی دارند ایشان ٢، ایشان امید ندارند ١٠، ایشان امید نمی دارند ٢٧، ایشان اومید ندارند ٥٢، نمی دارند اومید ٥٧، نمی دارند امید ٦٤، امید نمی دارند ایشان ٧٦، امید ند آرند ١٠٠

~: إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا (١٠: ٧)
مید نمی دارند ١، اومید ندارند ٢، اومید ندارند ٢٧، امید نمی دارند ٢٩، ندارند امید ٣٨، نمی دارند اومید ٤١، نه امید دارند ٥٥، امید نمید آرند ١٠٠، امید ندارند ١٠٥، امیدواری ندارند ١٣٠، امیدوار نباشند ١٣٦

~: فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا (١٠: ١١)
اومید نداشتند ١٣، امید ندارند ٥٣، امیدوار نمی باشند ١٣٦

~: قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ (١٠: ١٥)
اومید ندارند ٢٩، ندارند امید ٥٣

~: وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا (٢٤: ٦٠)
مید نمی دارند ١، امید ندارند ٢

~: وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا (٢٥: ٢١)
اومید نمی دارند ٢٩، ندارند اومید ٤١، امید نمیدارند ٨٦

~: بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (٢٥: ٤٠)
مید نمی داشتند ١، [illegible]

نداشتند ٤٣، همی امید ندارند ١٠٨، امید نمی داشتند ١١٣

~: يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ (١٤:٤٥)
نمی ترسند ١، امید ندارند ٢، امید ندارند ٣، نه امید دارند ٢٢، نترسیدند ٥٦، اومید ندارند ٨١

~: إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (٢٧:٧٨)
نمی خواهند ٣٩، نمی داشتند امید ٤١، نترسند ٦١، امید نمیداشتند ١٢١

يَرْحَمْ: يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ (٢١:٢٩)
ببخشاید ٢، بخشاید ٣، بخشایش نماید ٨٦، ببخشد ١٠٣، بخشایش فرماید ١٠٤، بخشد ١١٤، می آمرزد ١٢١، می بخشد ١٣٠، میبخشد ١٣٢

يَرْحَمَكُمْ: عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا (٨:١٧)
ببخشاید ٢، بخشاید ٣٠، ببخشایذ ٥٣، بخشاید ٥٥، به بخشاید ١٢٨

~: رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ (٥٤:١٧)
ببخشایذ ٥٣، به بخشد ٩٩، بخشد ١١٤، می بخشد ١٣٠

يَرْحَمْنَا: قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا (١٤٩:٧)
ببخشاید ٣١، بخشاید ٦٤، بخشد ١٣٠

★ لَمْ يَرْحَمْنَا: قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا (١٤٩:٧)
بنه و شخاید ١٠، نبخشاید ٢٧، نیامرزی ٣٥، نه بخشاید ٦١، نه به بخشاید ١٢٨

سَيَرْحَمُهُمُ: أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ (٧١:٩)
زود ببخشاید، ببخشاید ٢، بخشاید، زود بود که بخشاید بر ایشان ٣، بیامرزد ٦٠، زود ببخشاید ٦١، زود بخشد ١١٤، زود بود ببخشاید ١٢٤، به بخشاید ١٢٨

يُرِدْ: وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا (١٤٥:٣)
می خواهد ١، خواهد ٢، خواهد ٥٨

~: وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ (٤١:٥)
خواهد ١، بخواهد ٢، میخواهد ١٣٠

~: فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ (١٢٥:٦)
خواهذ ٥٣

~: وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ (٢٥:٢٢)
بخواهد ٢، خواهد ٥٣

★ لَمْ يُرِدْ: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ (٤١:٥)
نمی خواهد ١، نخواست ٢، نه خواست ٣، نخواست ١٠ مکرر، نمی خواهد ١٠٧، نخواسته اند ١١١

~: وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (٢٩:٥٣)
نخهست ١، نه همی خواهد ٢، نه خواهد ٥٦، نخواهد ٦١، نخواهد ٨١، نخوآست ١٠٠، نخواسته ١٣٢، نمیخواهد ١٣٦

يُرَدُّ: وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (١٤٧:٦)
بازدارد ٩٢

~: وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (١١٠:١٢)
بازگردانیده شود ٣، بازداشته ایذ ٥٣، بازگردانیده شود ٥٥، بازگردانیده شود ٦١

~: وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ (٧٠:١٦)
می واز آورده شهد ١، بازگردانیده می شود ٣، ورگردانیده شود ٢٩، بازبرند ٥٣، بازگرداند ٥٧، بازبرد ٨٨، گردانیده میشود ١١١

~: فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ (٨٧:١٨)
برندش ٤٢، بازگردانیده شود ٥٥، بازبرندش ٥٦، برد او را ٦٣، بازگردانیدش ٩٦، بازگردانیده شد ١٠٠، واپس گردانیده شود ١٠٦، بازگردیده شود ١١٤، پس گردانیده شود ١٣٠

~: وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ (٥:٢٢)
واز آورده شهد ١، بازگردانیده ش ٢، [illegible]

١٢، ورگـرداننـد ٢٩، بـاززده شـونـد ٣٩، بازگرداندش ٤١، بازبرده شود ٤٣، بازدارد ٥٣، باز آرند او را ٥٦، باز آورده شود ٥٨، بازگردنيده شـود ٨٠، بـازهـلـد ٨٨، روكـرده مـى شـود ١٠٦، بازگردانيده ميشود ١١١

~: إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ (٤١: ٤٧)
بازگردد ٢٢، گرداننـد ٢٩، گردانيـده شود ٣٩، بازگردد ٤٣، بازگرديده ميشود ١١٦، برگرديده شود ١٣٢، برگردد ١٣٦

★ لَا يُرَدُّ: وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُۥ عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ (٦: ١٤٧)

بـازنـتـوانـنـد گـردانـيـدن ٢، وانـتـوان داشـتـن ١٠، بازمى گردانيده نشود ٢٧، بازنتواند گردانيدن ٥٢، باززده نشود ٥٦، بازنتوانيد گردانيد ٥٨، بـازنـدارد ٦٧، بـانـتـوانـنـد گـردانـيـدن ٨٨، بازنمى گردد ٩٦، گردانيده نشود ١٢١، برگرديده نميشود ١٢٨

~: وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ (١٢: ١١٠)
بازنتوان زدن ٢، بازنگردانند ٥، بازگردانيده نشود ٥٦، بازداشته نشود ٥٨، باززد نشود ٦٤، بازنتوان داشت ٧٦، باگردانيده نشود ١١٣، بازگرديده نشود ١١٤، بازنتواني داشت ١١٨، بازگردانيده نشد ١٢٠، بازنزند ١٢٨، بـازگـردانـيـده نـمـيـشـود ١٣٠، برنميگردد ١٣٦

يُرِدْكَ: وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَآدَّ لِفَضْلِهِۦ (١٠: ١٠٧)
خواهد ١، خواهد ٥٥، بخواهد ٦١، خواهد ٧٦

يُرِدْنِ: إِن يُرِدْنِ ٱلرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّى (٣٦: ٢٣)
خواهد ١، بخواهد ٣٩، خواهند ٧٤

يَرُدُّوكُمْ: وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ (٢: ٢١٧)

وازگردانند ١، بازگردانند ٢، وادارند ٢٤، باز آرند ٢٧، بگردانند ٢٩، واگردانند ٣٣، باززد كنند ٦٤،

برگـردانـنـدى ٨٢، ببـرنـد ٨٨، برگرد آننـد ١٠٠، گردانند ١٢٣

~: يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَٰنِكُمْ كَٰفِرِينَ (٣: ١٠٠)
واگـردانـنـد ١٠، بـرگـرايـنـد ٢٣، بـازدارنـد ٣٩، بازمى گردانند ٤١، باززننـد ٦٩، برگردنـد ٧٥، مى باززنند ٩٢، بازگرد آنند ٩٤، برميگردانند ١٠٠، بازگردانندگان ١١١

~: يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ (٣: ١٤٩)
بازگردانند ٢، وابرند ٢٤، برگردانند ٢٩، بازبرند ٥٣، بازگردانند ٥٥، بازگردانند ٦١، برگرديد ٧٥، برميگردانند ١٢٢

يُرَدُّونَ: وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰٓ أَشَدِّ ٱلْعَذَابِ (٢: ٨٥)
بازگردانند ٢، بازگردانيده شوند ٣، وازگردانند ٤، وابـرنـدشـان ١٠، بـبـرنـد ايـشـانـرا ٢٤، بازگردانندشان ٣٤، وابرندشان ٤٠، بازگردانند ٤٢، ايشانرا باگردانند ٥٧، بازگردانند ايشان را ٦٣، بازگرزانند ٦٧، باززده شوند ٩٠، بازگشته شوند ٩٩، بازگردانيده شود ١٢١، برگردانيده ميشوند ١٢٢، بازبرند ١٢٩، بازگردانيده شويد ١٣٠، برميگردند ١٣٦

~: ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ (٩: ١٠١)
بازگردند ١٣، بازبرندشان ٢٤، واگردانيده شوند ٢٩، بازبرند ايشانرا ٤٢، بازدهند ايشانرا ٥٣، بازگردانيده شوند ٥٥، بازگردانند ايشانرا ٦٣، بـازگـرديده شـونـد ١١٤، گـردانـيـده شـونـد ١٢٨، بازگشته شوند ١٣٠، بازگردانيده ميشوند ١٣٥، برگردند ١٣٦

يَرُدُّونَكُمْ: لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعْدِ إِيمَٰنِكُمْ كُفَّارًا (٢: ١٠٩)

بـازگـردانـنـد ٣، واگـردانـنـد ١٠، بـازبـرنـد ٢٤، بازبرندى ٢٩، برگردانيدندى ٤٢، برگردانيدندى ٥٢، برگردانند ٥٣، باززنند ٦٠، باززد كنند ٦٤،

بگذارند ٦٧، بازگرداند ٧٤، بگردانند ٧٦، بازگردند ٩٠، بگردانندی ٩٩، بازگردانیدی ١٠٢، گردانیدندی ١٠٩، بازبدیدی ١٢٨

لِيُرْدُوهُمْ: لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ (٦:١٣٧)
بازگردانند شان ٤١، بازگردانند ٦١

يَرْزُقُ: وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (٢:٢١٢)
روزی دهد ٢، روزی می دهد ٣، روزی دهد ١٠، بدهد روزی ٣٦، روزی دهد ١٣٨

~: إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (٣:٣٧)
روزی دهد ٢، روزی رساند ٢٥، روزی کند ٧٥

~: وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (٢٤:٣٨)
روزی دهد ١، روزی دهد ٢، روزی میدهد ٨٦

~: يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (٤٢:١٩)
روزی دهد ٣٢، روزی میرساند ١١٥

يَرْزُقُكُمْ: قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (١٠:٣١)
می روزی دهد ١، روزی دهد ١٣

~: وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (٢٧:٦٤)
روزی میدهد ٨٦

~: قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (٣٤:٢٤)
روزی همی دهد ١٨، روزی می دهد ٥٨

لَيَرْزُقَنَّهُمْ: لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا (٢٢:٥٨)
روزی دهد ١، روزی دهد ٢، روزی دهد همی ١٢، روزی دهند ٢٤، روزی کند ٥٨

يَرْزُقْهُ: وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (٦٥:٣)
روزی دهد ١، روزی دهد ٢، روزی کند ٣٩

يَرْزُقُهَا: اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ (٢٩:٦٠)
می روزی دهد ١، روزی دهد ٢، روزی دهد ٣، روزی میدهد ٨٦

يُرْزَقُونَ: بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (٣:١٦٩)
می روزی داده شند ١، روزی همی دهد ایشانرا ٢، روزی داده می شوند ٣، روزی می دهند شان ١٠، روزی می دهند ایشانرا ٢٣، روزی شان می دهند ٤٠، روزی می خورند ٤١، روزی داده شوند ٤٣، روزی دهند ایشانرا ٦٣، روزی می دهد ایشانرا ٧٦، روزی همی دهند ایشانرا ٩٤، اوشانرا روزی دهند ٩٦، روزی داده میشوند ١٠٢، روزی همی دهند ١٠٧، روزی داده همی شوند ١٢١، روزی میدهند مرایشانرا ١٢٤، روزی همی دهند ایشانرا ١٢٨، روزی میدهند ایشان را ١٣٥، روزی خورند ١٣٦

~: فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (٤٠:٤٠)
روزی خورند ١٥، روزی خورند ٢٢، روزی دهند شان ٤١، روزی د آده شوند ١٠٠، روزی دهند ایشان را ١٠٤، روزی دهند ١٢٤

يُرْسَلُ: يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ (٥٥:٣٥)
فرستاده شهد ١، فرستاده شود ٣، بفرستند ٥٦، فروفرستاده شود ٨١، فرستاده میشود ٩٩

يُرْسِلُ: وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً (٦:٦١)
بفرستد ٢، بفرستد ٥٣، وی بفرستد ٦٢، فرستاده است ٦٤

~: وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا (٧:٥٧)
بفرستد ١، می فرستد ٣، بفرستد ١٠، بفرستد ٤٥، فرومی فرستد ٩٦، فروفرستاد ١٢١

~: يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (١١:٥٢)
فرستد ٥٥، فروفرستد ٥٧، فروفرستند ٩٣، بفریستد ١٢٨

~: أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا (١٧:٦٨)
فرستد ٣

~: فيرسل عليكم قاصفا من الريح (۱۷: ۶۹)
بفرستد ۲

~: ويرسل عليها حسبانا من السماء (۱۸: ۴۰)
بفرستد ۲، فرستاده شود ۱۱۹

~: ومن يرسل الرياح بشرا بين يدى رحمته (۲۷: ۶۳)
ميفرستد ۸۶، بفرست ۹۰

~: الله الذى يرسل الرياح فتثير سحابا (۳۰: ۴۸)
بفرستاد ۱۴

~: ويرسل الأخرى إلى أجل مسمى (۳۹: ۴۲)
بيرون هيلد ۱، فروگذارد ۲۹

~: أو يرسل رسولا فيوحى بإذنه ما يشاء (۴۲: ۵۱)
فرستد ۳۲

~: يرسل السماء عليكم مدرارا (۷۱: ۱۱)
ببارد ۱۳۶

يرشدون: وليؤمنوا بى لعلهم يرشدون (۲: ۱۸۶)
راه راست يابند ۲، راه راست گيرند ۳، بر راه راست باشند ۱۰، راه ياوند ۲۴، راه راست يابند ۲۹، راه يابند ۳۸، راه يابند ۴۲، راه راست گيرند ۵۵، راست يابند ۶۳، ميبابند ۷۵، راه راست ياوند ۸۲، براه آيند ۹۸، راه يابيد ۱۱۹

يرضعن: والوالدات يرضعن أولادهن حولين (۲: ۲۳۳)
شير دهند ۲، شير دهندا ۳، شير دهند ۱۰، شيردهنده ۴۳، شير ميدهند ۱۲۱

يرضه: وإن تشكروا يرضه لكم (۳۹: ۷)
پسندد ۱، بپسندد ۲۲، بپسندد ۳۹، بپسندد و بپذيرد ۵۸، خشنود شود ۹۲، و بپسندد ۱۱۳، پسنده است ۱۲۴، مى پسندد ۱۳۲

يرضوكم: يحلفون بالله لكم ليرضوكم (۹: ۶۲)
خشنود كنند ۱، خشنود بكنند ۱۰، خشنود كند ۱۱، خشنود بكند ۵۳، خشنود دارند ايشان ۵۸، خشنود گردانند ۶۲، خشنود سازند ۱۱۱، خوشنود كنند ۱۲۴

يرضونكم: يرضونكم بأفواههم وتأبى قلوبهم (۹: ۸)
مى خشنود كنند ۱، خشنود مى كنند ۳، خشنود مى دارند ۱۰، خشنود همى كنند ۱۱، خشنود مى داشتند ۲۴، خشنود مى گردانند ۴۲، خشنود كنند ۴۳، خشنود همى دارند ۵۳، خشنود مى كنند ۵۵، خشنود كند ۶۹، خشنود همى گردانند ۹۴، خشنود ميكنند ۱۰۰، خشنود ميدارند ۱۰۳، خشنود ميگردانند ۱۰۴، خشنود ميگردانند ۱۰۵، خوشنود مى گردانيد ۱۲۴، خوشنود ميگردانند ۱۳۰

يرضونه: ليدخلنهم مدخلا يرضونه (۲۲: ۵۹)
بپسندد ۲، پسندند ۳، بپسندند ۱۲، خشنود شوند ۴۲، به پسندند ۹۰، بپسندد ۹۴، خوشنود شوند ۹۶، ايشان بپسندند ۱۳۹

ليرضوه: وليرضوه وليقترفوا ما هم مقترفون (۶: ۱۱۳)
بپسندند ۱، پسندند ۳، بپذيرند و خشنود شند ۱۰، برگزينند ۳۶، بپسندد ۵۲، بپسندند ۵۳، يابند ۷۶، بپسنديش ۸۲، به پسندد ۱۰۵، پسند كنند ۱۱۴

يرضى: إذ يبيتون ما لا يرضى من القول (۴: ۱۰۸)
پسندد ۳۶، بپسندد ۶۲

~: فإن الله لا يرضى عن القوم الفاسقين (۹: ۹۶)
خشنود شود ۳، خشنود شود ۵۵، شود خشنود ۹۰

~: ولا يرضى لعباده الكفر (۳۹: ۷)
پسنده دارد ۴۱

~: إلا من بعد أن يأذن الله لمن يشاء ويرضى (۵۳: ۲۶)
بپسندد ۱، پسندد ۳، خشنود شود ۵۳، خشنود كند ۸۱، به پسندد ۹۰، خشنود باشد ۱۳۶

~: إِلَّا ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِ ٱلْأَعْلَىٰ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ (٩٢:٢١)
خشنود گردد ٢٤، خوشنود شود ١١٦

* لَا يَرْضَى: إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ ٱلْقَوْلِ (٤:١٠٨)
نپسندد ١، ناپسندیده ٢٩، نپسندند ٣٨، نپسندد ایزد ٤٥، نبود پسندیده ٦٠، نپسندند ٧٦، می نپسندد ١٠٢، پسند نمی دارد ١١٤، پسندیده نیست ١٢١، خوش نمی آید ١٢٢، نه پسندند ١٢٤، دوست نمی دارد ١٣٠، نپسندید ١٣٨

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْفَٰسِقِينَ (٩:٩٦)
خشنود نشهد ١، خشنود نشود ٣٤، نه پسندد ٦١، خشنود نگردد ٦٧، خوش نمی شود ١١٣، خوشنود نشود ١٢٥، خوشنود نمیشود ١٣٠، خوش نود نباشد ١٣٦

~: وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلْكُفْرَ (٣٩:٧)
نپسند ١، نپسَندد ٢، نمی پسندد ٣، نَپسَندْ ٢٢، نپْسَندد ٨١، نمی پسندد و نمی فرماید ١٠٣، خشنود نیست ١٢١

يَرْضَيْنَ: وَيَرْضَيْنَ بِمَآ ءَاتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ (٣٣:٥١)
بپسندند ١، خشنُود گردنْد ٢، خشنود شوند ٣، خشنود گردند ٣٠، بپسندنْد ٥٣، خشنود باشند ٦٤، خوشنود باشند ١٣٠

يَرْغَبُ: وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَٰهِـۧمَ (٢:١٣٠)
خواهانی بگرداند ٣، بیرون آید ١٠، خواهان بگرداند ٣٠، ناخواهان شد ٣٦، ناخواهان باشند ٣٨، برون آید ٤٠، روی بگرداند ٤١، ناخواه باشد ٤٢، روی گرداند ٥٩، برگردد ٧٤، ناخواهان باشد ٧٦، ناخواهان کند ٧٨، خواهان گرداند ٩١، ناخواه شود ٩٢، بی آهنگ شود ١٠٩، بازگردد ١٢٣

يَرْغَبُوا: وَلَا يَرْغَبُوا۟ بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِۦ (٩:١٢٠)
زفتی کنند ٣، ناخواها نباشند ٥٢، خواهان باشند ٩٤، ناخواهان نباشند ١٠٥

* لَا يَرْغَبُوا: وَلَا يَرْغَبُوا۟ بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِۦ (٩:١٢٠)
سیر نشند ١، ناخُواها باشنْد ٢، ناخواهان باشند ٢٧، نه زفتی کنند ٣٠، روی نه آرند ٣٩، نه که زفتی کُنند ٥٥، ناخواهان شدند ٥٦، ناخواهان باشید ٦٢، ناخواه شدند ٧٢، خواهان نباشند ٩٦، برنگردند ١٣٦

يَرْفَعُ: وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَٰهِـۧمُ ٱلْقَوَاعِدَ مِنَ ٱلْبَيْتِ (٢:١٢٧)
مَی وَرآوُرد ١٠، برداشت ٢٩، بلند کرد ٣٦، می براورد ٤٠، بَرداشت ٤٢، برمی داشت ٥٧، برافراشت ٦٣، برمیآورد ٧٤، برآرد ٩٨، برمی آورد ١٠١، برمیداشت ١٠٩، بلند گردانید ١٢١، برآورد ١٢٣، برمی افراشت ١٣٠، برافت ١٣٨

~: يَرْفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ (٥٨:١١)
وردارد ١، بلند گرداند ٣، بردارد ٣٤، بَردآرَدا ٤٢، بلند کند ٨٠، بیفرازد ٨١، بلند دارد ٩٦، برافرازد ١٠٠، بردارد و برکشد ١٠٩

يَرْفَعُهُ: إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلْعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرْفَعُهُۥ (٣٥:١٠)
وردارد ١، بیفرازد ٢، برمی آرد ٣، برداریم ٧، بردارد ٢٤، برداشته بکند ٣٤، بَرْبَرَدْ ٣٩، برمی دارد ٤١، بربرد ٥٨، بَرْبَرَد ٦٤، برآرد ٩٠، برافرازد ١٠٦، برمیدارد ١١١، بالا میبرد ١٣٢

يَرْقُبُوا: لَا يَرْقُبُوا۟ فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً (٩:٨)
نگرَند و نگاه دارند ١٠، نگاه دارند ١١

* لَا يَرْقُبُوا: لَا يَرْقُبُوا۟ فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً (٩:٨)
نگه ندارند ١، نه نگرَند و نگاه نه دارند ١٠، نداشتند نگاه ٢٤، نگاه ندارند ٢٧، نه نگاه دارند ٣٨، ندارند چشم ٤١، نه چشم دارند ٦١، نگه بندارند ٦٣، ندارند نگاه ٦٩، چشم ندارند ٧٩، ننگاه دارند ١٠٥، نگاه نمیدارند ١٢٠

يَرْقُبُونَ: لَا يَرْقُبُونَ فِى مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً [illegible]

نگاه دارند ۳، نگرند و نگه دارند ۱۰، نگاه میدارند ۱۰۳، نگه میدارند ۱۲۶

★ لَا یَرْقُبُونَ: لَا یَرْقُبُونَ فِی مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً (۹:۱۰)
نگه ندارند ۱، نه نگرند و نگه نه دارند ۱۰، نگاه ندارند ۱۱، نگاه بنمی دارند ۲۹، نگاه نمی دارند ۵۸، نگه بنداشتند ۶۳، چشم نمی دارند ۷۹، نگاه ندارند ایشان ۹۳، نگاه ند آرند ۹٤، نگه نمیدارند ۱۰٤، نه پندارند ۱۰٦، نگاه نمیدارند ۱۱۱، چشم ندارند ۱۲۱

یَرْکَبُونَ: وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا یَرْکَبُونَ (۳٦:٤۲)
می ورنشینند ۱، برنشینند ۲، می نشستند ۳، نشینند ٤۲، برمی نشینند ٥٦، برمی نشیند ۸۰، برشوند ۹۰، سوار میشوند ۱۰۲، سواری میکنند ۱۰۳، برمی نشینید ۱۲۱، سوار شوند ۱۲۳، می نشینند ۱۳۲، سوار می شوند ۱۳٦، می نشیند ۱۳۸

یَرْکُضُونَ: إِذَا هُمْ مِنْهَا یَرْکُضُونَ (۲۱:۱۲)
می گریختند ۱، می تاختند ـ می گریختند ۳، لگد همی زدند یعنی پای میجنبانیدند ۱۲، همی گریختند ۲٤، می دوند ۲۹، همی دویدند ۳۰، می دویدند ۳٤، پای می جنبانیدند ۳۸، می گریختند ٤۲، می رفتند ٤۳، دویدن و گریختن گرفتند ٤۸، همی جستند ٥۳، برسکیزیدند ٥۸، بدویدند ٦۲، میگریزند ۷٤، می تاختند ۷٦، بشتاب می گریختند ۷۹، پای همی جنبانند ۸۸، همی تاخته ۹٥، میگریختند ۱۰۰، میدویدند ۱۰٦، می دویدند بشتاب ۱۰۹، بشتاب میراندند ۱۱۱، بشتاب گریختند ۱۱۳، بشتاب میگریختند ۱۲۲، می گریزند ۱۲٦، همی تاختند همی دویدن ۱۲۸، میدوند ۱۳۸

یَرْکَعُونَ: وَإِذَا قِیلَ لَهُمُ ارْکَعُوا لَا یَرْکَعُونَ (۷۷:٤۸)
گزارند ۳، پشت خم دهند ۸۰، خم دهند پشت را ۱۲۹

★ لَا یَرْکَعُونَ: وَإِذَا قِیلَ لَهُمُ ارْکَعُوا لَا یَرْکَعُونَ (۷۷:٤۸)
پشت خم نکنند ٤۳، نکردند نماز ۹۲، نماز نگذارند ۱۱٦، نماز نمی گذارند ۱۲۰، نماز نکنند ۱۳٦

فَیَرْکُمَهُ: فَیَرْکُمَهُ جَمِیعًا فَیَجْعَلَهُ فِی جَهَنَّمَ (۸:۳۷)
یک ور دیگر نهد ۱، برهم نشاند ۳، بَرهَم سازد ۱۰، فراهم افکند ۲۷، درهم نشاند ۲۹، برهم نهد ۳٥، گردند تو برتو ۳۹، درهم اندازد ٤۱، یکی بر دیگر افکند ٤۲، یک بردیگر افکند ٥۲، بَرهَم نَشاند ٥٥، فراهم آرد ٥٦، برهم افکند ٥۷، گرد کند ٥۸، هم نشاند ۸۰، بیک دیگر افکند ۸۳، برهم نهاد ۹۲، بر یکدیگر افکند ۹٦، فراهم آورد ۹۹، برهم نشآند ۱۰۰، بهم برنشاند ۱۰٤، برهمنشیند ۱۰٥، فراهم آرد بر هم نهد ۱۰۹، برهم فکند ۱۱۱، گِرد کند ۱۱۲، برهم چسباند ۱۱٥، برهم چفشاند ۱۲۳، بیکدیگرنهد ۱۲٤، برنشاند ۱۲٦، بَر یکدیگر نهد ۱۲۸

یَرْمِ: ثُمَّ یَرْمِ بِهِ بَرِیئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا (٤:۱۱۲)
نهد ۲٤، اندرآرد ۲۷، بیندازد ۳۸، اندازد ٦۱، بیندوزد ۷٦، بیفکند ۱۲۱

یَرْمُونَ: وَالَّذِینَ یَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ... فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِینَ جَلْدَةً (٤:۲٤)
فریب کند[1] ۲٤، دشنام می دهند ٤۱، دشنام می زنند ٥۸، می دشنام دهد[1] ۷۷، می روند ۹۰، دشنام اندازند ۱۰۹، بیندازند ۱۲٤، دشنام میدهند ۱۳٤

~: وَالَّذِینَ یَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ (٦:۲٤)

۱. کذا به صیغه مفرد در اصل قرآن.

فزن[1] گفتند ۸۷، خوانند ۱۰۵

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرْمُونَ ٱلْمُحْصَنَـٰتِ ٱلْغَـٰفِلَـٰتِ ٱلْمُؤْمِنَـٰتِ لُعِنُوا۟ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةِ (۲۴:۲۳)

فریب کردند ۲۴، دشنام دهند ۴۲، دشنام زنند ۶۷، قزن[1] میگویند ۸۷، دشنام دهند ۱۱۹

یَرَهُ: فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُۥ (۹۹:۷)

بیند ۵۶

~: وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُۥ (۹۹:۸)

می بیند ۱۲۰

★ لَمْ يَرَهُ: أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُۥٓ أَحَدٌ (۹۰:۷)

نمی بیند ۶۱، ندیدست ۶۴، ندیده است ۱۲۰

يَرْهَبُونَ: هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (۷:۱۵۴)

می ترسند ۱، بترسنْد ۲، ترسند ۱۰، ترسکار بودند ۲۴، بترسند ۲۷، می بترسند ۳۹، بترسیدند ۴۲، همی ترسَند ۴۵، بترسیدنْد ۵۳ می ترسَنْد ۵۵، می ترسیدند ۵۸، ترسیدند ۱۰۳، ترسکاری کنند ۱۱۱، میترسند ۱۱۲، ترسکاری میکنند ۱۲۰، پرستند ۱۲۴، ترسکاری نمایند ۱۲۶، به ترسند ۱۲۸

يَرْهَقُ: وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ (۱۰:۲۶)

رسد ۳، رَسد ۵۳، رَسَدْ ۵۵، برسد ۶۱، برشود ۶۹، شود ۹۰

★ لَا يَرْهَقُ: وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ (۱۰:۲۶)

ورنپوشد ۱، نرسد ۲، نپوشد ۲۷، هانرسد ۲۹، نه برشود ۳۸، برنشود ۳۹، فرونگیرد ۴۱، فرانَرسَد ۶۲، درنرسد ۱۰۳، فرونپوشد ۱۱۱، نپوشاند ۱۲۰، پوشیده نکند ۱۲۳، پوشیده نگرداند ۱۳۰

يُرْهِقَهُمَا: فَخَشِينَآ أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَـٰنًا وَكُفْرًا (۱۸:۸۰)

وربوشاند ۱، دررساند ۳، بیفکند ۳۹، بماندی ۴۲، درخواهد ۵۲، بَرْدارَدْ ۵۳، بشتاباند ۵۶، برپوشد ۵۸، بیندازد ۵۹، برسد ۶۱، اندرآرد ۶۲، بردارد ۶۳، برساند ۶۹، پوشند ۷۶، برنج اندازد ۷۹، آرد ۸۸، بدارد ۹۰، پیش آرد ۹۴، اندرخواهد ۹۶، درافکند ۱۰۳، خواهد ۱۰۵

يَرَوْا: وَإِن يَرَوْا۟ كُلَّ ءَايَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا۟ بِهَا (۶:۲۵)

گینند ۱، بِبینَنْد ۲، به بینند ۵۸

~: وَإِن يَرَوْا۟ سَبِيلَ ٱلْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا (۷:۱۴۶)

بینند ۳، بینَنْد ۵۳

~: فَلَا يُؤْمِنُوا۟ حَتَّىٰ يَرَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ (۱۰:۸۸)

ببینند ۲۴

~: أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا نَأْتِى ٱلْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا (۱۳:۴۱)

همی بینَنْد ۵۳

★ أَوَلَمْ يَرَوْا: أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَىٰ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَىْءٍ (۱۶:۴۸)

او نه گرستند ۳

★ لَمْ يَرَوْا: أَلَمْ يَرَوْا۟ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم (۶:۶)

ننگرند ۱، همی نگاه نکنَنْد ۲، نبینند ۹، نمی دانند ۶۰، همی نگاه نکنند ۸۸

~: أَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا (۷:۱۴۸)

نمی دیدند ۱، نمی دیدند و نمی دانِستند ۱۰، ندیدند ۵۸، هیچ می ندیدند ۱۲۴، همی ندیدند ۱۲۸

~: أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا نَأْتِى ٱلْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا (۱۳:۴۱)

ننگرید ۱، نمی بینند ۲۹، می ننگرند ۵۲، همی نمی بینند ۹۳

---

۱. یک جا به صورت قزن هم خوانده شده است. در فرهنگ نفیسی «قژه و فزه» به معنی چیز پلید و ناپاک آمده است. آیا میان «قزن» و «قزه» پیوندی هست؟ در برهان قاطع هم «پژ» به معنی پلید آمده است و پژاکن صفتی است از آن. آیا می توان «قزن» را تحریفی از این کلمه دانست؟

~: أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ (۴۸:۱۶)
نه دیدند ایشان ۶۱، نگریستند ۱۰۶

~: أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ (۷۹:۱۶)
نمی نگرید ۲۹، نه بینند ۵۸، بنگرستند ۶۳، همی نگاه نکنید ۱۲۸

~: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ (۹۹:۱۷)
ندیده اند ۱۲۸، نمی بینند همی ۱۳۹

~: أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنبَتْنَا فِيهَا (۷:۲۶)
نه نگریستند ۶۴، همی ننگرند ۱۰۸

~: أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ (۸۶:۲۷)
ندیدی ۵۳، نه می بینند ۵۸، نمی بینید ۶۱، ندیدند ایشان ۶۴، نه بیند ۸۷

~: أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ (۱۹:۲۹)
نه دیدند ۳، نه نگرند ۵۶، نه می بیند ۶۱

~: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا (۶۷:۲۹)
همی نبینید ۱۴، همی نه بینند ۳۰، نگه نکردند ۴۷، هیچ نمی بینند ۶۴

~: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ (۳۷:۳۰)
نگه نکردی ۴۷، نمی بیند ۶۱، نه دانند ۸۷

~: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ (۲۷:۳۲)
ندیدند و ندانستند ۵۸، نه دانید ۸۷

~: أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُم (۹:۳۴)
هیچ ننگرند ۶۴، نگرستند ۸۶

~: أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ (۳۱:۳۶)
همی نبینند ۲۲، ندانستند ۳۳

~: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم (۷۱:۳۶)
ندانند ۳۳، نه بینند ۵۶

~: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ (۱۵:۴۱)
ندانستند ۱۰۳

~: أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ (۱۹:۶۷)
نه نگرستند ۸۰، نمی نگرند ۸۹

لِيُرَوْا: يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶:۹۹)
بنمایندشان ۲۴، نموده شوند ۵۶، تانموده شود بایشان ۷۹، بنمایند شانرا ۹۶، بازنمایند ۱۰۶، بینند ۱۱۴، تانموده شوند ۱۲۰

يَرَوْنَ: وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ (۱۶۵:۲)
ببینند ۲، بینند ۳، ببینند ۱۰، دیدندی ۶۱، دیدند ۶۳

~: أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ (۱۲۶:۹)
به بینند ۶۱

~: أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا (۸۹:۲۰)
همی بینید ۳۰، همی بینند ۵۳، بینید ۱۰۸

~: أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا (۴۴:۲۱)
می بینند ۵۸، بینند ایشان ۱۳۹

~: يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ (۲۲:۲۵)
گینند ۱

~: كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا (۳۵:۴۶)
ببینند ۲۲

★ لَا يَرَوْنَ: أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ (۱۲۶:۹)
نگرند ۱، نمی بینند ۲۹، نمی نگرند ۱۱۳

~: أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا (۸۹:۲۰)
نمی دیدند ۱، همی نبینند ۲، ندیدند ۷۶، همی نه بینید ۱۰۸

~: أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا (۴۴:۲۱)
نه بینند ۱۲، همی نبینند ۲۴، نبینند ۳۸، نمی بینید

~: لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۷٦:۱۳)
نمیبینید ۱۳٦

يَرَوْنَهُ: إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۷۰:٦)
می بیند ۳، همی بینند ۳۰، بینند ۸۰

يَرَوْنَهَا: أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا (۲٥:٤۰)
می دیدند ۱، بدیدند ۲۰، میدیدند ۱۱٤، دیدند ۱۱۹

~: كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۷۹:٤٦)
بینند ٦٤

★ لَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا: أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا (۲٥:٤۰)
ندیدند ٦٤

يَرَوْنَهُمْ: يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ (۳:۱۳)
می دیدید ۱، می بینند ۳، می دیدند ۱۰، به بینند ٦۱، می دید ٦۹، همی دیدند ۸۲، دیدند ۸۸، میدیدند ۱۰۰، می نمایند ۱۰۲

يَرَى: وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ (۲:۱٦٥)
دیدندی ۳، بدانندی ۱۰، بینند ۲٤، بدانندی ٤۰، بدیدندی ٥۳، دیدندی ٥٥، ببینند ٥٦، دانند ٦۰، به دیدی ٦۱، بینند ۷٥، بنماید ۸۲، بدیدی ۱۰۰

~: وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ (۹:۹٤)
می گیند ۱، همی بینند ۱۳، همی بیند ۳۸، به بیند ٦۱

~: وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ (۹:۱۰٥)
بیند ۲٤

~: وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ (۳٤:٦)
فرابینند ٤۷، بیند ۱۱۹

~: أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ (٥۳:۱۲)
می بیند ۳، بدید ۳۰

~: أَعِندَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰ (٥۳:۳٥)
ببیند و بداند ٥٦، می ببیند ٦٤، بداند و بیند ۱۳۹

★ سَيَرَى: وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ (۹:۹٤)
هراینه بیند ۲، هرآینه بیند ۲۷، بزودی خواهید دید ۱۳٥

★ لَوْ يَرَى: وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ (۲:۱٦٥)
اگر به ندیدند ٦۳

يُرَى: فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ (٤٦:۲٥)
دیده شد ۳

~: وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ (٥۳:٤۰)
دیده شهد ۱، نمایندش ۳۹، بنمایدش ٥٦، بیند ۸۱، نمایند او را ۱۳۸

★ سَوْفَ يُرَى: وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ (٥۳:٤۰)
زود دیده شود ۳

★ لَا يُرَى: فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ (٤٦:۲٥)
دیده نمی شد ۱، ندیدند ۳۰، نمی دیدند ٤۱، دیده نشد ٦٤، دیده نشود ۸٦، دیده نمیشد ۱۲۳

يُرِيدُ: يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (۲:۱۸٥)
می خواهد ٥٥، می خواهد ٥۷

~: وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۲:۲٥۳)
خواهد ۱، خواهد ۲، خواهد ۱۰، خواهد ۹٤

~: وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ (۳:۱۰۸)
خواهدی ۲، خواهان ٥۸

~: مِنكُم مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا (۳:۱٥۲)
می خواهد ۱، خواستند ۲۷

~: يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ (۳:۱۷٦)
همی خواهد ۲

~: يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ (٤:۲٦)
همی خواهد ۲، می خواهد

~: وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَن تَمِيلُوا (۴:۲۷)
می خواهند ۵۸، میخواهند ۶۱

~: وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (۴:۶۰)
همی خُواهند ۲

~: مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ (۵:۶)
آن خواهد ۱۰

~: أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ (۵:۴۹)
همی خواهد ۴۵، همی خواهَدْ ۵۳

~: إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ (۵:۹۱)
میخواهد ۲۶، خواهَدْ ۵۳

~: مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا (۱۱:۱۵)
همی خُواهد ۲، خواهند ۲۴

~: إِن كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ (۱۱:۳۴)
خواهَدْ ۵۳

~: إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۱:۱۰۷)
بخواهد ۷ مکرّر

~: مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ (۱۷:۱۸)
همی خواهَدْ ۵۳

~: فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ (۱۸:۷۷)
خُواسْت ۲، میخواست ۴۳، خواست ۵۲، خواسْت ۵۳، می خواست ۵۶، نزدیک بود ۹۳

~: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ (۳۳:۳۳)
میخواهید ۱۳۸

~: وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ (۴۰:۳۱)
بخواهدی ۲

~: مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ (۴۲:۲۰)
خواهَد ۳۲

* يُرِيدُ أَنْ يَنقَضَّ: يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ (۱۸:۷۷)
بخواست افتیدن ۲۴

* كَانَ يُرِيدُ: مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۴:۱۳۴)
بود خواهنده ۲۴، همی خواهد ۸۸

~: مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ (۱۷:۱۸)
باشده خواهنده ۲، می خواهد ۳۰

* لَا يُرِيدُ: وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (۲:۱۸۵)
نمی خُواهد ۲، همی نخواهد ۲۹، نمی خواهد ۳۱، نه خواهد ۴۰، همی نَخواهَدْ ۵۳، نخواهد ۵۶، نخواهَد ۵۷، نمیخواهد ۱۰۰

* مَا يُرِيدُ: مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ (۵:۶)
نمی خواهد ۱، نخواهد ۲، نه خواهد ۱۰ مکرّر، نخواست ۲۴، نمیخواهد ۹۶

* مَا اللَّهُ يُرِيدُ: وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ (۳:۱۰۸)
نیست خدای خواهنده ۲۴

يُرِيدَا: إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا (۴:۳۵)
خواهید ۱، خواهند ۱۰، بخواهند ۶۱

يُرِيدَانِ: يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم (۲۰:۶۳)
می خواهند ۱، همی خواهنْد ۲، میخواهند ۲۹، همی خواهند ۵۳

يُرِيدُوا: وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ (۸:۶۲)
خواهند ۱، خُواهند ۱۰، خواهند ایشان ۲۴، بخواهند ۶۱

يُرِيدُونَ: وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ (۴:۴۴)
همی خُواهنْد ۲، می آن خُواهند ۱۰، خواستند ۶۰

~: يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ (۴:۶۰)
می خُواهند ۲، میخواهند ۲۹

~: سَتَجِدُونَ ءَاخَرِینَ یُرِیدُونَ أَن یَأْمَنُوکُمْ (۴:۹۱)
همی خُواهند ۲، آن خواهند ۱۰، همی خُواهند ۴۵، همیخواهند ۱۱۲

~: وَیُرِیدُونَ أَن یُفَرِّقُوا بَیْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ (۴:۱۵۰)
می خواهند ۱، همی خواهند ۲، می خواهید ۱۲۱

~: یُرِیدُونَ أَن یَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ (۵:۳۷)
می خواهند ۲، خُواهند ۴۵، خواهند ۵۳

~: یَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَوٰةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ (۶:۵۲)
همی خُواهند ۲، همی جویند ۱۰ مکرّر، می خواهند و می جویند ۵۸

~: یُرِیدُونَ أَن یُطْفِـُٔوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ (۹:۳۲)
می آن خواهند ۱۰، همی خواهند ۶۲

~: یَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَوٰةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ (۱۸:۲۸)
همی خواهند ۲، خواهد ۱۳۹

~: قَالَ الَّذِینَ یُرِیدُونَ الْحَیَوٰةَ الدُّنْیَا (۲۸:۷۹)
می خواستند ۲۱، میخواستند ۴۷

~: ذَٰلِکَ خَیْرٌ لِّلَّذِینَ یُرِیدُونَ وَجْهَ اللَّهِ (۳۰:۳۸)
خواهند ۱۴، خواهد ۴۶

~: یُرِیدُونَ لِیُطْفِـُٔوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ (۶۱:۸)
همی خُواهند ۲

★ إِنْ یُرِیدُونَ: إِن یُرِیدُونَ إِلَّا فِرَارًا (۳۳:۱۳)
نمی خواهند ۳، همی نه خواهید ۱۴، نمی خواستند ۷۶، همی نخواهند ۹۴، نمیخواهند ۱۰۳

★ لَا یُرِیدُونَ: لِلَّذِینَ لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ (۲۸:۸۳)
نمی خواهند ۱، نخواهند ۲، نخواهند ۷۶، نمیخواهند ۱۱۱

یُرِیکُمْ: کَذَٰلِکَ یُحْیِ اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَیُرِیکُمْ ءَایَٰتِهِ (۲:۷۳)
بنماید ۲، می نماید ۱۰، می نمایَد ۵۵، بازمی نماید ۱۰۰

~: هُوَ الَّذِی یُرِیکُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا (۱۳:۱۲)
می نماید ۱، نماید ۵، پدید آرد ۷ مکرّر

~: وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَیُرِیکُمْ ءَایَٰتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا (۲۷:۹۳)
بازنماید ۵۳، بنمود ۱۰۵

~: وَمِنْ ءَایَٰتِهِ یُرِیکُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا (۳۰:۲۴)
مینماید ۸۶

~: وَیُرِیکُمْ ءَایَٰتِهِ (۴۰:۸۱)
همی نماید ۳۹، فرانماید ۴۲، نمود ۸۷، فرامی نماید ۱۰۹

★ سَیُرِیکُمْ: سَیُرِیکُمْ ءَایَٰتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا (۲۷:۹۳)
زودا که فراشما نماید ۴۷

یُرِیکُمُوهُمْ: وَإِذْ یُرِیکُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَیْتُمْ (۸:۴۴)
می نمودی ۱، فانمود ۱۰، وانمود ۲۹، فرانمود ۵۳، نمود ـ نَمود ۵۵، می نمود ۵۸، بنماید ۹۲، فرامینمود ۱۱۲، نماید ۱۱۴، بنمود ۱۲۴

یُرِیکَهُمْ: إِذْ یُرِیکَهُمُ اللَّهُ فِی مَنَامِکَ قَلِیلًا (۸:۴۳)
می نمود ۱، فاته نمود ۱۰، نمود ۲۴، فانمود ۲۷، می نماید ۵۶، بنمود ۶۱، فرانمود ۶۲، بنمودی ۹۲، فرانمود فراتو ۹۳، بازنمود ۱۰۰، فراتو مینمود ۱۱۲، نماید ۱۲۱

لِیُرِیَهُ: لِیُرِیَهُ کَیْفَ یُوَٰرِی سَوْءَةَ أَخِیهِ (۵:۳۱)
بنماید ۱، فرانماید ۲۷، بنمایَد ۴۱، نُماید ۴۵، به بیند ۵۸، نماید و تابد ۶۴، نماید ۷۰، بیند ۷۵، بازنماید ۷۶

یُرِیهِمْ: کَذَٰلِکَ یُرِیهِمُ اللَّهُ أَعْمَٰلَهُمْ حَسَرَٰتٍ عَلَیْهِمْ (۲:۱۶۷)
بَنمایَد ۲، می نماید ۳، فانماید ۱۰، نماید ۲۴، نمود ۲۹، بنماید ۳۶، فرانماید ۶۵، بازنماید ۸۹، بنمایاند ۱۲۱

لِیُرِیَهُمَا: یَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِیُرِیَهُمَا سَوْءَٰتِهِمَا (۷:۲۷)

بنماید ۱، نماید ۳، فایشان نمود ۱۰، نمود ۲۷، می بیند، فرانماید ۲۹، فرا... نماید ۵۳، بنمود ٦۰

يَزالُ: وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ (۲۲:۵۵)
دور گردد ۱۲۹

★ لَا يَزالُ: لَا يَزَالُ بُنْيَٰنُهُمُ ٱلَّذِى بَنَوْاْ رِيبَةً فِى قُلُوبِهِمْ (۹:۱۱۰)
همیشه ۱، همارا باشد ۲۷، همیشه باشد ۲۹، همیشه همواره ۹۱، همیشه هست ۱۱۱، همیشه خواهد بود ۱۲۲، همیشه بود ۱۲٦، همواره باشد ۱۲۸

~: وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُواْ قَارِعَةٌ (۱۳:۳۱)
همیشه باشد ۲۹، همیشه ۵۳، همارہ ۵۵، جدا نشوند ۵۷، پیوسته ۷٦، پیوسته ۸۸، پیوسته میرسد ۱۰۳

~: وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ (۲۲:۵۵)
همیشه ۲، همارہ ۳، همواره ۳٤، همارا ۱۰۸، همی باشند ۱۱۳

★ لَا يَزالُونَ: وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ (۲:۲۱۷)
همیشه ۱، همارہ ۳، همیشه ۱۰، همیشه ٤۲، همارہ ۵۵، همیشه ۵۷، پیوسته باشد ۱۰۱، هموار ۱۲۸

~: وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ (۱۱:۱۱۸)
همیشه ۲، همیشه باشد ۲۹، همواره ۵۳، همارہ ۵۵، همیشه ایشان ۵٦، پیوسته باشند ۷٦، همواره همیشه ۹۲، همیشه می باشند ۱۲۰، همیشه بودند ۱۲۱، همیشه میباشند ۱۳۰

يُزْجِي: رَّبُّكُمُ ٱلَّذِى يُزْجِى لَكُمُ ٱلْفُلْكَ فِى ٱلْبَحْرِ لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦ (۱۷:٦٦)
می راند ۱، براند ۲، همی راند ۳۹، براند ۵۳، روي کند ٦۱، می برد ٦۳، روانه می گرداند ۷۹، براند ۹۰، روان میگرداند ۱۱٦، فرماید ۱۱۸

~: أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزْجِى سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُۥ (۲٤:٤۳)
براند ۱، همی راند ۲، پدید آرد ٤۷، راند پاره پاره ۷٦، میراند ۸٦، بیارد ۱۰۵، فرادید میاورد، فرادید می آورد ۱۰٦، روانه میگرداند ۱۱۳، برارد ۱۱۹

يَزْدادَ: وَيَزْدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنًا (۷٤:۳۱)
بیوزاد ۱، بیفزایند ۳، بیفزاید ٦

لِيَزْدادُوا: إِنَّمَا نُمْلِى لَهُمْ لِيَزْدَادُوٓاْ إِثْمًا (۳:۱۷۸)
بیوزایند ۱، افزون کنند ۳، می وزایند ۱۰، می افزایند ۲۳، افزون شوند ۳۹، بفزایند ۵۳، بیفزاید ۵۸، افزایند ٦۱، همی فزآییم ۹٤

~: أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِى قُلُوبِ ٱلْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوٓاْ إِيمَٰنًا (٤۸:٤)
بیفزایند ٦، بیفزاید ۱۷، بیفزودند ٤۳، افزون کند ۱۲۱

يَزِدْكُمْ: وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ (۱۱:۵۲)
بیوزاید ۱، افزون کند ۳، بیفزاید ۳٤، بفزاید ۳۸، افزاید ٦۱، بیفزاید ۷٦، بیافزاید ۱۱۱

يَزِدْهُ: وَٱتَّبَعُواْ مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارًا (۷۱:۲۱)
افزود ۱۱٤

★ لَمْ يَزِدْهُ: وَٱتَّبَعُواْ مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارًا (۷۱:۲۱)
نیوزود ۱، نیفزاید ٦، نه افزود ۱۹، نه فزاید ۳۹، نیفزود ٦۱، نه افزون کرد ۸۰

★ لَمْ يَزِدْهُمْ: فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَآءِىٓ إِلَّا فِرَارًا (۷۱:٦)
نیوزود ۱، نه افزون کرد ۳، نیفزود ٦، نهمی افزاید ۱۹، نه افزاید ۳۹، بنه افزود ٤۹، نه افزود ۵٤

يَزِرُونَ: أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ (٦:۳۱)
می بزه کنند ۱، برداشتند ۲٦، بردارند ۳٦، برداشتند ٤۲، می بردارند ٤٤، گناه کردند ۵۳، می برگیرند ۵۷، باربرمی دارند ٦۱، همی گیرند ٦۲، بزه می دارند ٦۹، برمیدارند ۷٤، برمی گیرند بار گران را ۷٦، ایشان برمی دارند ... گناه

می کنند ۹۰، همی برد آرند ۹٤، از خود می گیرند ۹٦، می کنند از بزه ۹۸، برمیگیرند از بارهاء گران ۱۰۳، باری که ایشان میکشند ۱۲۲

~: أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۲۵:۱٦)
همی بردارند ۲، برمی دارند ۳، وردارند ۲٤، ورمی گیرند ۲۹، برمی گیرند ٤۱، همی بردارند ٤۲، بردارند ۵۲، برمیدارند ۵۵، بردارند ۵۷، باربردارند ٦۱، همی برْدارند ٦۲، برمی گیرند از گناه ۷٦، گناه کنند ۸۸، بار گران همی بردارند ۹٤، بار برمیدارند ۹۹، برمیگیرند ۱۰۲، برخواهند داشت ۱۰٤، میکشند ۱۲۰، برگیرند ۱۲٦

يَزْعُمُونَ: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا (٦۰:٤)
می گهند ۱، گمان می برند ۳، می گویند ۲٤، گویند بگمان ۲۷، همی نمایند بزبان ۲۹، گمان می برند ۳٦، بدروغ می گویند ۵۷، بپنداشت دروغ میگویند ۵۸، همی بزفان نمایند ٦۲، می پندارند ٦٤، بدروغ آرند ۸۸، گمان می بریت ۹۱، گمان میبرند ۱۱۱، پندارند ۱۱٤، گمان می کنند ۱۳٦

يَزِغْ: وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ (۱۲:۳٤)
بگردد ۱، بگردیدی ۲۹، بگرایستی ۳۰، بچسبد ٤۲، بگشتی ٤۷، روی بگردانیدی ٦٤، شوراند ۸۷، برگردد ۱۰٦

يَزِفُّونَ: فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ (۹٤:۳۷)
می شتافتند ۱، همی شتافتند ۲۲، همی شتافتند ۳۰، بشتافتند ۳۳، شتابان ٤۱، بشتاب می آمدند ۷۹، می شتابند ۹۰، شتاب میکردند ۱۰۳، می دویدند ۱۰٦، شتاب میکردند و میدویدند ۱۱٦، می پوئیدند ۱۳۸

يُزَكُّونَ: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ (٤۹:٤)
می ستایند ۱، می ستایند ۱۰، ویزار کنند خویشتن راز گناه ۲٤، پاکیزه می گویند ۲۷، همی بستایند ۲۹، پاک می گویند ۳٦، بستایند ٤۲، پاکیزه می گویند ۳٦، بستایند ٤۲، پاکیزه کنند ٤۳، پاکیزه گویند ۵۳، می ستایند ۵۵، پاکیزه می خوانند ۵٦، همی ستایند ۵۷، پاکیزه میکنند ٦۱، اپاکیزگی یاد کنند ٦۷، بستایند یا پاک گویند ۸۳، پاک گردانیدند ۹٦، بپاکی نسبت می دهند ۱۰٤، می ستایند بپاکی و بی گناهی ۱۱۱، میستایند ۱۱٦، پاک کنند ۱۲۱، پاکیزه می کنند ۱۲٤، بپاکی می ستایند ۱۲٦، پاکیزه میدانند ۱۲۷، همی پاک گردانند ۱۲۹

يَزَّكَّى: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (۳:۸۰)
پاکی کند ۱، پارسا گردد ۲۹، پاک شود ۳۰، پاکیزست ۳۹، پارسا گردد ۵۱، پاک گردد ۵۳، پاکیزه شود ٦۱، پاکیزه و نیک شود ۹٤، پرهیزگاری کند ۱۰۲، پند پذیرد ۱۰۸، پاکیزه گردد ۱۲٤، پاک کرد ۱۲٦، پاک باشد ۱۳٦

~: وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (۷:۸۰)
پاکیزه کند ۹٤، پاک گردد ۱۲٦

* أَلَّا يَزَّكَّى: وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (۷:۸۰)
که پاکی نکند ۱، که پارسا نشود ٤۲، آنکه پاک نگردد ۱۳۲

* لَا يَزَّكَّى: وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (۷:۸۰)
پارسا نباشد ۵۱، پاک نشود ۵٦، پارسا نشود ۹٦، پاکی نجوید ۱۱٤

يُزَكِّي: بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ (٤۹:٤)
بستاید ۱، بستاید و پاک کند ۲، پاکیزه می کند ۳، پاکیزه کند ۱۰، بستاید و پاک گرداند ۲۹، پاک کند و ستاید ۳۰، بستاند ٤۲، پاکیزه گرداند ۵٦، پاک کند از گناه ۸٤، پاکیزه میکند ۹۹، می ستاید ۱۰۲، بپاکی یاد میکند ۱۱۱، میستاید ۱۱۵، پاک میکند ۱۳۱

~: وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۴: ۲۱)
پاک گرداند ۲، پاک کند ۳، پاک بکند ۲۴، پاک گرداند ۲۹، پاک دارد ۴۷، پاک کند ۵۱، پاکیزه کند ۵۳، پاکیزه و پارسا کند ۵۸، برهاند ۶۴، پارسا کند ۶۵، نیک گرداند ۷۷، پاک میگرداند ۸۶، پاک کند و پاک دارد ۱۰۳، پاک میسازد ۱۱۱، پاک کند ۱۱۹

يُزَكِّيكُمْ: وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلْكِتَٰبَ (۲: ۱۵۱)
پاک گرداند ۲، پاکیزه می کند ۳، پاکیزه کند ۱۰، پاک گرداند ۲۴، پاک میگرداند ۲۹، پاکیزه می گرداند ۳۶، فزون گرداند ۴۲، فزون گرداند ۵۲، پاکیزه می کند ۵۵، افزون گرداند نیکوی - پاک گرداند و بستاید ۸۴، پاک کند ۸۸، پاکیزه گرداند ۱۱۱، پاک میکند ۱۲۱، فزون گرداند نیکوی ۱۲۵، پاکیزه میکند ۱۳۵

يُزَكِّيهِمْ: وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ
(۲: ۱۲۹)
پاکیزه گرداند ۲، پاک کند ۳، پاکیزه کنند ۳۸، پاک گرداند ۴۲، پاکیزه گرداند ۵۳، پاک کند ۵۵، پاک دارد ۷۶

~: وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲: ۱۷۴)
بستاید ۴۲، بستاید ۵۲، کند پاک ۶۲

~: وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ (۳: ۷۷)
پاکیزه کند ۳، پاکیزه بکند ۱۰، بپسندد ۲۷، بستاید ۴۲، بستایند ۵۲، پاک کند شان از گناه ۷۲، ستاید ۸۳، پاک کند از آلایش ۱۲۴

~: وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ (۳: ۱۶۴)
می پاک کند ۱، همی پاک گرداند ۲، پاکیزه بکند ۱۰، پاک می کند ۲۳، پاک گردانید ۲۴، پاک همی کند ۲۹، پاک می گرداند ۳۶، پاک میگرداند ۵۸، همی پاک گرداند ۹۸، پاک میکند ۱۱۹

~: وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (۶۲: ۲)
پاک گرداند ۲، پاکیزه می کند ۳، پاک می کند ۲۴، پاکیزه سازد ۳۸، می ستاید ۳۹، پاکیزه می گرداند ۶۴، پاکیزه میکند ۶۷، پاک می سازد ۱۰۳، پاک میسازد ۱۱۶

★ لَا يُزَكِّيهِمْ: وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ
(۲: ۱۷۴)
پاک نگرداند ۲، پاکیزه نه کند ۴۰، نستاید ۵۳، نه پاکیزه کند ۷۴، پاک نگرداند و نستاید ۸۳، نستاند و پاک نگرداند ۸۴، نه بستاید ۱۰۵، پاکیزه نمیگرداند ۱۲۲

~: وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ (۳: ۷۷)
پاک نکند ۱، پاک نگرداند ۲، پاکیزه نکند ۱۰، پاکیزه نگرداند ۲۵، پاک نگرداند ۳۴، پاک مگرداند ۶۳، نه استاید ۹۱، نه پاک کند ۸۸، پاک نسازد ۱۱۱

لَيُزْلِقُونَكَ: وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَٰرِهِمْ (۶۸: ۵۱)
برمزانند ۱، بلغزانند ۲، بلغزانند ۳، بیفکنند ۲۴، بگردانند ۳۰، از جابگردانند ۳۴، زخم کنند ۴۱، بلغزانند ۴۲، بیفکنند ۴۳، برنجانند ۴۹، درد رسانند ۵۲، بزنند ۵۴، بشخشانند ۶۱، بشخشانیدی ۶۷، بیفکند ۹۰، برسوانند ۹۱، دردوستانند ۹۶، دردوسانند ۱۰۵، بلغزاند ۱۲۰، بلغزانیدند ۱۳۴، چشم زنند ۱۳۶

يَزْنُونَ: وَلَا يَقْتُلُونَ ٱلنَّفْسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ
(۲۵: ۶۸)
پلید کاری کنند ۳، پلید کاری ۲۰، بد کاری کنند ۱۱۴

يَزْنِينَ: وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَٰدَهُنَّ (۶۰: ۱۲)
پلید کاری کنند ۳

★ لَا يَزْنِينَ: وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَٰدَهُنَّ (۶۰: ۱۲)
هرزه نکنند ۹۶

یُزَوِّجُهُمْ: أَوْ یُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا (۴۲:۵۰)
جفت کند ۱، جُفت دهد ۲، جفت دهد ۱۶، جفت دهد ۲۲، جفت گرداند ۳۰، جفت می کند ۴۱، زناشوی کنند ۵۳، هم جفت گرد آند ۱۰۰، بهمدیگر ببخشد ۱۰۲، جفت میگرداند ۱۲۶، جفت جفت میدهد ۱۳۲

یَزِیدُ: وَلَا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ إِلَّا خَسَارًا (۱۷:۸۲)
افزاید ۶۱

~: وَیَزِیدُ اللَّهُ الَّذِینَ اهْتَدَوْا هُدًى (۱۹:۷۶)
بیوزاید ۱، بیفزاید ۲، بفزاید ۵۳، فزون گرداند ۸۶

~: یَزِیدُ فِي الْخَلْقِ مَا یَشَاءُ (۳۵:۱)
افزون کند ۳، می افزاید ۲۴، همي فُزایَدْ ۵۳

★ لَا یَزِیدُ: وَلَا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ إِلَّا خَسَارًا (۱۷:۸۲)
نیوزاید ۱، نمی افزاید ۵۸

~: وَلَا یَزِیدُ الْكَافِرِینَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا (۳۵:۳۹)
نیفزاید ۲، نه افزاید ۲۲، نه فزاید ۴۹، نفزاید ۸۶، افزونی نکند ۱۰۳

لَیَزِیدَنَّ: وَلَیَزِیدَنَّ كَثِیرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ (۵:۶۴)
بیوزاید ۱، بیفزاید ۲، می بیفزاید ۲۴، می افزاید ۴۸، بفزاید ۵۳، افزاید ۶۱، افزون کند هرآینه هرآینه ۸۰، فزون گرداند ۸۴، بَیفزاید ۴۵

یَزِیدُهُمْ: فَیُوَفِّیهِمْ أُجُورَهُمْ وَیَزِیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ (۴:۱۷۳)
بیوزاید ۱، افزون کند ۳، بفزاید ۱۰، بیافزاید ۱۹

~: وَمَا یَزِیدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۱۷:۴۱)
افزون کرد ۳، افزود ۲۴، فزاید ۳۹، فَزاید ۵۳، فزود ۱۱۴

~: وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا یَزِیدُهُمْ إِلَّا طُغْیَانًا كَبِیرًا (۱۷:۶۰)
افزاید ۳۹، می بیفزاید ۹۴، همی بیفزاید ۹۶

~: وَیَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ یَبْكُونَ وَیَزِیدُهُمْ خُشُوعًا (۱۷:۱۰۹)
بیفزاید ۲، می افزاید ۳۶، زیاده کند ۱۱۸

~: وَیَزِیدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ (۲۴:۳۸)
بیفزایند ۴۷، افزون دهد ۵۸

~: وَیَزِیدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ (۳۵:۳۰)
اندر افزاید ۳۴، افزون دهد ۱۱۶

~: وَیَزِیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ (۴۲:۲۶)
افزون کند ۳۲، فزون میگرداند ۱۰۴، میفزاید ۱۳۲

★ مَا یَزِیدُهُمْ: وَمَا یَزِیدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۱۷:۴۱)
نمی اوزاید ۱، همی نیفزاید ۲، اَفزُون نَمی کُنَد ۵۵، نیفزایند ۱۱۸، افزون نکند ۱۲۱

~: وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا یَزِیدُهُمْ إِلَّا طُغْیَانًا كَبِیرًا (۱۷:۶۰)
نیفزاید ۲، افزون نمی کند ۳۰، نمی افزاید ۵۸، نیوزاید ۵۹، زیاده نکند ۱۱۸، نه یفزائیم ۱۲۴

یَزِیدُونَ: وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ یَزِیدُونَ (۳۷:۱۴۷)
افزون می نمودند ۳، بفزودندی ۳۳، افزون بود ۵۸، بیفزایند ۸۱، افزون می نمود ۱۱۴، بیشتر بودند ۱۳۹

یَزِیغُ: مَا كَادَ یَزِیغُ قُلُوبُ فَرِیقٍ مِنْهُمْ (۹:۱۱۷)
بگردد ۱، گرانسے ۳، بگرود ۳۸، بگردَد ۴۲، بِگردَدْ ۵۵، میگشتند ۶۱، برگشتی ۶۲، بگراید ۹۴، بخسبد ۱۰۳، بجـپیدی ۱۰۵، بگردد از راه ۱۱۲، بگراید ۱۲۸، از جابرود ۱۳۳

یس: یس وَالْقُرْآنِ الْحَكِیمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ (۳۶:۱)
ای مرد ۳، ای مهتر ۱۲۱

یُسَارِعُونَ: وَیُسَارِعُونَ فِي الْخَیْرَاتِ (۳:۱۱۴)
می شتاو کنند ۱، بشتابنْد ۲، مَی شتابَند ۱۰، می ستابند ۲۳، شتاب زدگی می کنند ۲۷، بشتابند ۲۹، شتاب می کنند ۳۸، بشتابَند ۴۲، پیشی می کنند ۵۸، پیش دستی کنند ۶۷، پیشی میکنند

٧٤، پیشی کنند ٩٦

~:وَلَا يَحْزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْكُفْرِ (٣:١٧٦)
مَی شتاب زدگی کنند ١٠، شتابند ٢٤، شتاب کردند ٣٨، پیش دستی می کنند ٣٩، بشتابّند ٤٢، شتاب زدگی می نمایند ٥٦، شتاب دارند ٥٨، شتاب دارند ٧٤، می بشتابند ٨٨، پیش پیشی کنند ٩٦، شتاب می نمایند ١٠٤

~:لَا يَحْزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْكُفْرِ (٥:٤١)
می شتاو کنند ١، می شتابند ٣، همی بشتابند ١٠ مکرّر، می شتاوند ٢٤، شتاب کنند ٣١، همی شتابّند ٤٢، همی شتاب کنند ٤٥، دلیری می کنند بشتاب ٥٨، می شتابند ایشان ٦١، مي شتابند ٧٠، میشتابند ١٠٢، شتاب مینمایند ١٠٤، شتاب میکنند ١٢١

~:فَتَرَى ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسَٰرِعُونَ فِيهِمْ (٥:٥٢)
همی شتابند ٢، می پیشی کنند ٧٥، پیشی میگیرند ١٢٢

~:وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ (٥:٦٢)
همی شتابَند ٢، همی شِتابَند ٣، شتابی میکنند ٩٦

~:إِنَّهُمْ كَانُوا۟ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْخَيْرَٰتِ (٢١:٩٠)
می شتاو کردند ١، همی شتابیدند ١٢، شتاب گرفتندی ٢٤، می شتافتند ٢٩، بشتافتند ٣٩، شتابندگان ٤١، شتاب کردندی ٤٢، همی شِتابْ کَردند ٥٣، پیشی می کردند ٥٨، همی شتافتند ٦١، همی بشتافند ٦٢، شتاب کننده ٧٦، پیش دستی میکردند ٨٧، میشتافتند ١٢٣

~:أُو۟لَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْخَيْرَٰتِ وَهُمْ لَهَا سَٰبِقُونَ (٢٣:٦١)
بشتاوند ٣٤، بَشتابَند ٤٢، هَمی شتابَنْد ٥٣، پیش دستی میکنند ٧٧

* كَانُوا يُسَارِعُونَ: إِنَّهُمْ كَانُوا۟ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْخَيْرَٰتِ (٢١:٩٠)
می شتافتند ٣، بودند شتابندگان ٤٨، بودند که می شتافتند ١٠٥

يُسَاقُونَ: كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى ٱلْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ (٨:٦)
می رانده شند ١، رانده می شوند ٣، مَی تازند شان ١٠، می رانندشان ٢٤، می رانند ایشانرا ٣٥، می رانند ٣٦، می برانند ایشانرا ٣٩، ایشانرا می رانند ٥٢، رانَند ٥٣، رانده می شوند ٥٥، رانده شوند ٦١، می دوانند ایشانرا ٦٣، می کشند ٦٩، همی رانندشان ٨٨، همی رانند ایشان را ٩٣، رآنده شوند ٩٤، ایشان را می رانند ٩٦، میرانند ایشانرا ١٠٣، راندند ایشان را ١٠٤، رانده میشوند ١٠٩، می برانند ١١٢، راندند ١١٩، برانندشان ١٢١، می کشندشان ١٢٨، رانده شده بودند ١٣٥، رانده می شوند ١٣٦

يَسْئَلُ: لِّيَسْـَٔلَ ٱلصَّٰدِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ (٣٣:٨)
بپرسد ١، بپرسند ١٤، بازپرسند ١٠٠، پرسند ١١٤

~:يَسْـَٔلُ أَيَّانَ يَوْمُ ٱلْقِيَٰمَةِ (٧٥:٦)
می پرسد ١، همی پرسد ٣٨، پرسد ٥٦، خواهد پرسید ٩٢، می پرسند ١١٤

* لَا يَسْئَلُ: وَلَا يَسْـَٔلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (٧٠:١٠)
نپرسند ٦، نپرسد ٣٩

يُسْئَلُ: وَلَا يُسْـَٔلُ عَن ذُنُوبِهِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ (٢٨:٧٨)
پرسند ٥٣

~:فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْـَٔلُ عَن ذَنۢبِهِۦٓ إِنسٌ وَلَا جَآنٌّ (٥٥:٣٩)
پرسیده شود ٣

* لَا يُسْئَلُ: لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُونَ (٢١:٢٣)
پرسیده نشهد ١، نپُرسَندش ٢، نه پرسند ١٢، نپرسندش ٢٩، پرسیده نشود ٥٨، نپرسند ویرا ٧٦، درپرسیده نشود ٧٩

~:وَلَا يُسْـَٔلُ عَن ذُنُوبِهِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ (٢٨:٧٨)
پرسیده نشند ١، نپرسند ٤٧، پرسیده [illegible]

نشوند پرسیده ٦٤، پرسیده نخواهند شد ١١١، خواسته نشود ١٢١، پرسیده نخواهد شد ١٣٠

يَسْئَلُكَ: يَسْـَٔلُكَ أَهْلُ ٱلْكِتَـٰبِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَـٰبًا (٤: ١٥٣)
می خواهند ١، می خواهندت و می پرسند ٣، می خُواهد ١٠، میخواهند ٢٩، می پرسند و درمی خواهند ٤١، همی پُرسند ٤٥، همی خواهند ٦٢، همی درخواهند ٨٢، همی بخواهند ٨٨، اندر همی خواهند ٩٤، میپرسند ١١١، درمیخواهند ١٣٨

~: يَسْـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِ (٣٣: ٦٣)
می پرسند ١، همی پرسند ٣٠

يَسْئَلْكُمْ: وَلَا يَسْـَٔلْكُمْ أَمْوَٰلَكُمْ (٤٧: ٣٦)
خواهد ٨٦، بخواهد ١٠٣

★ لَا يَسْئَلُكُمْ: ٱتَّبِعُوا۟ مَن لَّا يَسْـَٔلُكُمْ أَجْرًا (٣٦: ٢١)
نمی خواهد ١، نخواهند ٦١، نمی خواهند ٦٤، نميخواهد ٨٦

~: يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْـَٔلْكُمْ أَمْوَٰلَكُمْ (٤٧: ٣٦)
نخواهد ١، نخواهند ٢٢، نه خواهد ٦٤، درنخواهد ١٠٩، نميخواهد ١٣٦

يَسْئَلْكُمُوهَا: إِن يَسْـَٔلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ (٤٧: ٣٧)
بخواهندی ١٧، بُخواهندی ٢٢، بخواهند ٣٠، بخواهد ٦١، درخواهد ١١٣، خواهد ١٣٦

لَيُسْئَلُنَّ: وَلَيُسْـَٔلُنَّ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٢٩: ١٣)
پرسیده شند ١، پرسیده شوند ٣٩، بپرسند ایشان را ٤٦، بپرسند ایشانرا ٤٧، بازپرسند ١٣٨

يَسْئَلُهُ: يَسْـَٔلُهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (٥٥: ٢٩)
خواهند ١، بخواهند ٥٦، درميخواهند ١٠٦، درمی خواهد ١٠٩، خواهد ١٢٥

يَسْئَلُوا: وَسْـَٔلُوا۟ مَآ أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْـَٔلُوا۟ مَآ أَنفَقُوا۟ (٦٠: ١٠)
بخواهند ٣٩، بازستايند ٩٦

★ لِيَسْئَلُوا: وَسْـَٔلُوا۟ مَآ أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْـَٔلُوا۟ مَآ أَنفَقُوا۟ (٦٠: ١٠)
گو بخواهید ١، بخواهندا ٣، باید که بجویند ١١١ باید بخواهند ١٣٦، باید که درخواهند ١٣٨

يَسْئَلُونَ: لَا يَسْـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلْحَافًا (٢: ٢٧٣)
خواهند ٣، می خواهند ٦١، پرسند ٩٠

~: يَسْـَٔلُونَ عَنْ أَنۢبَآئِكُمْ وَلَوْ كَانُوا۟ فِيكُم (٣٣: ٢٠)
می پرسندی ١، همی پُرسند ٥٣، می پرسیدند ٧٦، درمی پرسیدندی ١١٣

~: يَسْـَٔلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ ٱلدِّينِ (٥١: ١٢)
می پرسند ١، پرسند همی ٦١

★ لَا يَسْئَلُونَ: لَا يَسْـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلْحَافًا (٢: ٢٧٣)
نخواهند ١، نخواهند ٢، نخواهند ١٠، نه خواهند ٢٤، نخواهند چیز ٢٩، درنمیخواهند ١١٢

يُسْئَلُونَ: لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُونَ (٢١: ٢٣)
می پرسیده شند ١، بپرسند ١٢، درپرسیده شوند ٧٩، بازپرسیده شوند ١٠٠، بازپرسند ١٠٦، پرسیده میشوند ١٣٠

~: سَتُكْتَبُ شَهَـٰدَتُهُمْ وَيُسْـَٔلُونَ (٤٣: ١٩)
پرسیده شند ١، پرسیده شود ٣، پرسندشان ١٦، بپرسندشان ٢٢، پرسیده شوند ٣٩، بپرسندشان ٥٦، درپُرسیده شود ٨١، از ایشان باز پرسند ١٠٠، بپرسند ایشان را ١٠٨، پرسند ایشان را ١٢٤، بازپرسند از ایشان ١٣٨

يَسْئَلُونَكَ: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَهِلَّةِ (٢: ١٨٩)
همی پُرسند ٢، مَی پُرسند ١٠، می پرسد ٤٠، همیپرسند ١١٨

~: يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ (٢: ٢١٥)
پُرسَند ٢، پرسند ٢٩، بپرسند ٥٣

~: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ (٢: ٢١٧)
می پرسند ١، همی پرسند ٢

~: وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى (٢: ٢٢٢)
مَی پرسند ١٠، بپرسَند ٥٣

~: يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَآ أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ (٥: ٤)
مَی پُرسَند ١٠، همی پرسند ١٠ مکرّر، میپرسند ٦٧

~: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَا (٧: ١٨٧)
می پرسند ١، درمی پرسند ٧٩، همی به پرسند ١٢٨

~: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَنفَالِ قُلِ ٱلْأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ (٨: ١)
مَی خُواهند ١٠

~: وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِ (١٧: ٨٥)
هَمی پُرسَند ٥٣

~: وَيَسْـَٔلُونَكَ عَن ذِى ٱلْقَرْنَيْنِ (١٨: ٨٣)
همی پُرسَند ٢

~: وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّى نَسْفًا (٢٠: ١٠٥)
می پرسَند ٨٧

يَسْـَٔمُ: لَّا يَسْـَٔمُ ٱلْإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلْخَيْرِ (٤١: ٤٩)
بستوه اند ٣، آسایذ ٢٢، بستوه آید ٨٠، سیر شود ١٢٤

★ لا يَسْـَٔمُ: لَّا يَسْـَٔمُ ٱلْإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلْخَيْرِ (٤١: ٤٩)
سیر نشهد ١، نیاساید ٢، نه‌اساید ١٦، بَستوه نیایَذ ٣٢، سیر نشود ٣٤، سیر نشَود ٤٢، سیر نیاید ٥٦، ستوده نشود ٦١، سیر نگردد ٦٧، سیر برنیاید ٨١، نه شود ستوه ٨٧، نه آساید ٨٨، بستوه نیایند ١١٤، سیر نمی شود ١١٧، مانده نشود ١٢١

يَسْـَٔمُونَ: يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُونَ (٤١: ٣٨)
ستوه آیند ٣، آساسَند ٢٢، بستوه آیند ٤٣، شوند سیر ٦٩

★ لا يَسْـَٔمُونَ: يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُونَ (٤١: ٣٨)
سیر نشند ١، بستُوه نشوند ٢، نه‌اسایند ١٥، ستم نشوند ٥٢، مانده نشوند ٦٤، سیر نشوند ٧٨، ستوه نشوند ٨٧، مانده نمی شوند ٨٩، مآنده نمی شوند ١٠٠، بستوه نیایند ١٠٢، بستوه نشوند ١٠٩، بستوه نمی آیند ١١٤، سیر نمی شوند ١١٧، نه آسایند ١٢٤، گردنکشی نکنند ١٢٦، مانده نمیشوند ١٣٣، خسته نشوند و سیر نگردند ١٣٦

يَسْبِتُونَ: وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ (٧: ١٦٣)
شَنْبِهْ بکردندی ٩٤، شنبه بکردندی ١٢٨

★ لا يَسْبِتُونَ: وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ (٧: ١٦٣)
شنبه نمی داشتند ١، شَنبه نکردَندی یا نَیا سُودندی ٢، شنبهی نکردندی ٣، شنبه نکِردندی ١٠، نبودی شان شنبه ٢٧، شنبه نکنند ٢٩، شنبد نکنند ٣٥، شنبه نبودی ٣٦، شکار شنبه نمی کردند ٤١، شَنبِهی نکردَنْدی ٥٥، شنبه نمی کردند ٥٦، شنبذ نبودندی ٥٧، نیاسایند ٦٠، شنبذ نکردندی ٦٢، نکردند شنبه ٦٩، شنبه نمیکردند ١٠٠، شنبهی نکردند ١١٤، شنبه نبود ١٢١، نبودی شنبه ١٣٦

يُسَبِّحُ: وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعْدُ بِحَمْدِهِۦ (١٣: ١٣)
بپاکی یاد می آرند ١٠٤، به پاکی یاد می آرد ١٢٦

~: وَإِن مِّن شَىْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِۦ (١٧: ٤٤)
بپاکی یاد می کند ٣٠

~: يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْـَٔاصَالِ (٢٤: ٣٦)
نماز کند ٣٩، بپاکی یاد کنند ٥٦، بپاکی یاد کند ٥٨، بپاکی یاد کرده می شود ٨٠، به پاکی یاد میکند ١٢٩

~: أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ (٢٤: ٤١)
نماز برد ٣٩

~: يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (٥٩: ٢٤)
پاکی گوید ٥٦، پاک می گوید ٩١، بپاکی یاد میکنند ١٠٣، پاک گویند ١٠٨، پاک میگوید ١١٤

~: يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ (١:٦٢)
پاک گويد ٣٠، بپاکی ياد ميکند ٦١، پاک گويند و يکی گويند ١٠٨، بپاکی ياد کنيد ١٢٣

~: يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ (١:٦٤)
پاکی ياد کند ٥٦، بپاکيزگی ستايش می نمايند ١٠٣، بپاکی و پاکيزگی ياد ميکند ١١١

يُسَبِّحْنَ: يُسَبِّحْنَ بِٱلْعَشِيِّ وَٱلْإِشْرَاقِ (١٨:٣٨)
بپاکی ياد می کردند ٣، بپاکی ياد کنند ١١٤

يَسْبَحُونَ: كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (٣٣:٢١)
می گردند ١، شتاب همی کنند ١٢، می روند ٢٩، شنا می کنند ٤١، شناو می کنند ٤٢، می رود ٥٨، بشتاب می روند ٦١، می روند و می گردند ٧٢، شناه می کنند ٨٨، همی شتابند شناو ميکنند ٩٤، شناه ميکنند و ميشتابند ١١١، شنا ميکنند ١١٤، می شتابند ١٢٢

~: وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (٤٠:٣٦)
شناه همی کنند ٢، بشتاب ميروند ٣، شتاب همی کنند ٢٢، همی روند ٢٤، اشنا می کنند ٥٦، شناه همی کند ٥٩، ميروند ٨٦، شناوری می کنند ١٠٢، بکشاد ميرود مانند ماهی در آب ١١١، بگشاده ميروند ١٢٣، گردش ميکنند ١٢٩

يُسَبِّحُونَ: يُسَبِّحُونَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (٢٠:٢١)
پاکی می گويند ٥٦، نماز می کنند ٥٨، بپاکی ياد کنند ٨٠، نماز آرند ١٠٣

~: يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ (٧٥:٣٩)
بپاکی ياد همی کنند ١٠٩

~: يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ (٧:٤٠)
بپاکی ياد می کنند ٣

~: يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ (٣٨:٤١)
پاکی می گويند ٦٩، نماز ميگذارند ١٠٣

~: وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ (٥:٤٢)
نماز کنند ٦٧

يُسَبِّحُونَهُ: وَيُسَبِّحُونَهُۥ وَلَهُۥ يَسْجُدُونَ (٢٠٦:٧)
پاک گويند ٢، پاک می گويند ٣، نماز کنند ٢٧، بپاکی ياد می کنند ٣٦، بپاکی ياد کنند ٥٦، بپاکی ياد ميکنند ٦٧، بپاکی ياد می آرند ١٠٤، بپاکی ياد همی کنند ١٠٩

يَسْبِقُونَا: أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسْبِقُونَا (٤:٢٩)
پيش دستی کنند ٣، درگذرند ٤٦، پيشی گيرند ٤٧، پيش شوند ٦١، بگذرند ٨٨، اندر گذرند ٩٤، پيشی گرفتند ١٠٠، ازما اندر گذرند - ازما بجهند ١٠٨، درگزرند ١٢٤

★ أَنْ يَسْبِقُونَا: أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسْبِقُونَا (٤:٢٩)
پيشی نکنند ١

يَسْبِقُونَهُ: لَا يَسْبِقُونَهُۥ بِٱلْقَوْلِ (٢٧:٢١)
پيشی کنند ١٢، پيش بکند ٨٧، پيش دستی کنند ٩٤

★ لَا يَسْبِقُونَهُ: لَا يَسْبِقُونَهُۥ بِٱلْقَوْلِ (٢٧:٢١)
پيشی نکنند ١، پيش نروند ٢، پيش دستی نکنند ٣، نگيرند پيشی ٢٤، نروند پيش ٣٠، پيش نکنند ٣٩، پيش نشوند ٥٦، پيش نروند ٦١، نشتابند ٦٢، پيشين نکنند ٧٢، پيشی نگيرند ٧٦، پيشين نگيرند ١٠٢، پيش از وی نروند ١٠٨، پيش نگيرند ١١٣

يَسُبُّوا: فَيَسُبُّوا ٱللَّهَ عَدْوًۢا بِغَيْرِ عِلْمٍ (١٠٨:٦)
دژنام دهند ١، دشنام دهند [illegible]، بد گوئيد ٩، دُشنام دهند ١٠، دشنام گويند ٣٦، ايشان دشنام می دهند ٤١، دشنام و ناسزا دهند ٤٤، دشنام دهيد ٥٣، دشنام دَهَند ٥٥، ناسزا گويند ٦٤، ناسزا می گويند ٦٥، دشنام می دهند ٧٤، دشنام دهد ٨٨، دشنام زنند ١١٠

یَسْتَأخِرُونَ: فَإِذَاجَاءَ أَجَلُهُمْ لَایَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً (۷: ۳٤)
بازپس مانند ٤۵، شوند پستر ۹۰، پس رود ۱۲۹

~: إِذَاجَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَایَسْتَئْخِرُونَ سَاعَةً (۱۰: ٤۹)
پس روند ۳، بازپس شوند ۱۳، بازپس استند ۳٤، ازپس شوند ۵۳، برایستند ۵۹، ازپس توانند رفتن ۱۲۸

~: مَاتَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَایَسْتَئْخِرُونَ (۱۵: ۵)
سپس ایستند ۲، ایستادند زپس ۲٤، بازپس می روند ۳۰، باپس ایستند ٤۸، بازپس تر شوند ٤۹، بازشوند ۵۳، بازبستر شوند ۵٦، پس ایستند ٦۱، پستر افکنند ٦٤، پس کنند ۷۲، بازپس باستد ۷٦، سپس مانند ۱۰۹

~: فَإِذَاجَاءَ أَجَلُهُمْ لَایَسْتَئْخِرُونَ سَاعَةً (۱٦: ٦۱)
بازپس روند ۳، دهند شان زمان ۲٤، سپس روند ۳۰، واپس دارند ٤۱، بازپس شوند ۵۳، سپس روند ۵۵، بازایستند ۵۹، پس بدارند ۹۲

~: مَاتَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَایَسْتَئْخِرُونَ (۲۳: ٤۳)
بازپس می شوند ۳، سپس ایستد ۳۰، بازپس استد ۳٤، پس افتادند ۳۹، واپس اندازد ٤۱، پستر شوند ٤۳، پسی کنند ۵۳، بازپس افتادند ۵٤، بازپس دارند ۵٦، پس بماند ۷٦، پس شوند ۷۷، پس باشند ۱۰۲، بازپس ماندند ۱۱۱، بازپس نتوانند رفت ۱۲۲، بازپس شدندی ۱۲٦، پس مانده شود ۱۲۹

★ لَایَسْتَأخِرُونَ: فَإِذَاجَاءَ أَجَلُهُمْ لَایَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَایَسْتَقْدِمُونَ (۷: ۳٤)
پس نشند ۱، سپش نروند ۲، سپس نروند ۱۰ مکرّر، بازپس نتوانند شد ۳٤، ازپس نروند ٤۲، بازپستر نشوند ٤۳، زپستر نکنند ٤۹، نه بازپس برند ۵۳، بازپس نایستند ۵۷، بازپس نیفکنند ٦۰، بازپس نیستند ٦۳، بازپس ناستند ۷٦، پس نیفتد ۹۲، ازپس نتوانند رفتن ۹٤، واپس نمی دارد ۹٦، نه پس ایستند ۱۰۳، بازپس نروند ۱۰۹، واپس نیایند ۱۱٦، پس نتوانند ماند ۱۲۲، از پیش نه توانند رفتن ۱۲٤، بازپس نمیماند ۱۲۵، بازپس نروند ۱٤۰

~: إِذَاجَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَایَسْتَئْخِرُونَ سَاعَةً (۱۰: ٤۹)
بازپس نشوند ۲، نه باشد پستر ۲۷، واپس نایستند ۲۹، پس نمانند ۳۹، بازپس ندارند ۵۱، بازپس نه ایستند ۵۷، پس نشوند ۵۸، باز بر نه ایستند ۵۹، باز پس نشوند ٦۲، باز نیستند ٦۳، باز پس نشوند ۹٦، بازپس نایستند ۱۰۰، باپس نشوند ۱۰۵، باز نه ایستد، باز نایستد ۱۰٦، باز پس شدن نتوانند ۱۰۹، واپس نروند ۱۱٤، باز نروند ۱۲۱، نه بازپس شود ۱۲٤

~: فَإِذَاجَاءَ أَجَلُهُمْ لَایَسْتَئْخِرُونَ سَاعَةً (۱٦: ٦۱)
سپس نیستند ۲، درنگ ندهند ٤۹، بازپس نایستند ۵۷، باز پس نایستند ٦۲، پستر نیفتد ٦٤، واپس ناستند ۷۹، بازپس نیستند ۸۹، ازپس نه ایستند ۹٤، سپس ناستند ۹٦، پستر نمیشوند ۹۹، پس نتوانند ایستاد ۱۰۲، بازپس نمیشوند ۱۲۰، باپس ندارند ۱۲۵، بازپس نتوانند رفت ۱۲۷، بازپس نبرند ۱۳٦

★ مَایَسْتَأخِرُونَ: مَاتَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَایَسْتَئْخِرُونَ (۱۵: ۵)
پس نشند ۱، نه ایستادند زپس ۲٤، واپس نایستند ۲۹، نه افتد بازپس ٤۱، باپس ناستند ٤۲، باپس نایستند ۵۲، پس نمی روند ۵۵، بازپس نایستند ۵۷، هیچ پس و پیش نشود ۵۸، بازپس نایستاد ٦۲، بازپس نیستند ٦۳، پس نمی روند ۷۱، از پس نروند ۹٤، پس ناستند ۹٦، باز پس نایستند ۱۰۰، بازپس نماندند ۱۱۱، واپس نیاید ۱۱۲، واپس ناستند ۱۱۳، به پس افکنده نمیشود ۱۲۱، ازپس نرود ۱۲٤، باپس نباشند ۱۲۵، بازپس نتوانند ماند ۱۲۸

~: مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَئْخِرُونَ (۱٦: ٦۱)
سپس نه ایستد ۲، بازپس نشوَد ۵۲، پستر نشود ۵۸، واپس نه استند ۷۹، بازپس نیستادند ۸۹، بازپس نمی شوند ۹۱، بازپس نشود ۹٦، سپس نمی ماند ۱۰۳، بازپس نایستادند ۱۰٦، سپس نیستند ۱۰۸، بازپس نمیشوند ۱۱٤، بازپس نمی شود ۱۲۱، بازپس نتوانند رفت ۱۳۲، بازپس نه بستند ۱۳۸

يَسْتَأْذِنُ: وَيَسْتَئْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ (۳۳: ۱۳)
دستوری خواهند ۱، دستُوری همی خواست ۲، دستوری می خواستند ۳، دستوری خواهید ۱٤، همی دستوری خواهند ۳٤، دستوری می خواهند ٤۱، دستوری میخواستند ٤۷، دستوری خواستند ۵٦، دستوری میخواهند ۵۸، دستوری ستد ند ۱۰۰

يَسْتَأْذِنُكَ: لَا يَسْتَئْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (۹: ٤٤)
دستوری خواهند ۲٤، دَستُوری دَهَنْد ۵۵، خواهند دستوری ۹۲

~: إِنَّمَا يَسْتَئْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (۹: ٤۵)
می دستوری خواهند ۱، دستوری میخواهند ۳٦، دستوری خواهند ۳۸، دستوری می خواهند ٤۱، دَستُوری می خَواهَند ۵۵، دستوری همی خواهند ۱۰۷، دستوری میجویند ـ دستوری میخواهند ۱۱۱

* لَا يَسْتَأْذِنُكَ: لَا يَسْتَئْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (۹: ٤٤)
دستوری نمی خواهند ۱، دَستوری نخواهند ۱۰، دستوری نخواهد ۱۱، نخواهند ۲٤، دستوری نخواهند ۲۷، نمی خواهند دستوری ٤۱، نه دَستُوری دَهَنْد ۵۵، دستوری نَخواهَد ٦۲، نخواهند دستوری ۹۰، دستوری می نخواهند ۹٤، دستوری نمیخواهند ۱۰٦، دستوری نمیجویند ۱۱۱، دستوری می نخواهد ۱۲۸

لِيَسْتَأْذِنْكُمْ: لِيَسْتَئْذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (۲٤: ۵۸)
گو دستوری خواهید ۱، دستوری خواهندا ۳، باید که دستوری خواهند ۲۹، دستوری خواهند ۳٤، دَسْتُوری خَواهَدْ ۵۳، گو دستوری خواهند ۵۸، دستوری خواهاد ٦۲، باید که دستوری جویند ۷٦، گو دستوری خواهد ۷۷، دستوری خواهد ۱۱٤، دستوری خواهداً ۱۱۹، باید دستوری خواهند ۱۳۲

فَلْيَسْتَأْذِنُوا: وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَٰلُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَئْذِنُوا (۲٤: ۵۹)
دستوری خواهند ۲، گو دستوری خواهیت ٤۱، دستوری خواهندا ٤۷، دَسْتُوری خَواهَند ۵۱، باید که دستوری ستانند ۹٦، دستوری بخواهندا ۱۱۹، دستوری خواهید ۱۲٤

يَسْتَأْذِنُونَكَ: إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَئْذِنُونَكَ (۹: ۹۳)
می دستوری خواهند ۱، دستوری می خواهند ۳، دستوری همی خواهند ۱۳، دستوری میخواهند ۵۸، دَستوری خواهند ٦۲، دستوری دهند ٦٤، دستوری میجویند ۱۲۲، دستوری می خواستند ۱۳۵، دستوری خواستند ۱۳٦

~: إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَئْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (۲٤: ٦۲)
دستوری خواهند ۳۰، دستوری خواهد ۱۳۹

يَسْتَأْذِنُوهُ: عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَئْذِنُوهُ (۲٤: ٦۲)
دستوری خواهند ۱، دَستُوری خواهَند ۵۱، دستوری بخواهند ۵۳، دستوری میخواهند ـ دستوری خواستند ۵۸، دستوری جویند ۱۲۲

يَسْتَبْدِلْ: وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ (۹: ۳۹)
بجای شما آرد ۱۰۹، بدل آرد ۱۱۲، بدل فراگیرد ۱۱۳

يَسْتَبْشِرُونَ: وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِم (۳: ۱۷۰)
وا یک دیگر شادی می کنند [illegible]

۲۳، شاد میکنند ۲۹، شادی هَمِی نمایند ۴۲، شاد می بباشند ۵۷، یکدیگر را مژده می دهند ۵۸، شاد می باشند ۸۸، مژده میدهند ۹۲، شاد شدند ۱۰۰، شادمانه می شوند ۱۰۴، خرمند ۱۱۸، خوشحال می شوند ۱۲۲، شادی مینمایند ۱۲۹، شادی کند ۱۳۸

~: يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ (۳:۱۷۱)

شاد همی باشند ۲، شاد می باشند ۱۰، شاد همی کنند ۲۹، شادمانه می باشند ۳۶، وایک دیگر شادِه می کنند، وایک دیگر شاد می باشند ۴۰، می شاد باشند ۵۷، همی شادی کنند و مژده دهند ۶۵، شاد همی باشند ۸۸، شادی میکنند ۸۹، شادی میکردند ۹۲، شادی همی نمایند ۹۴، شادانند ۱۰۰، مژدگانی می پذیرند ۱۰۲، شادمانی میکنند ۱۳۰، شادمانی مینمایند ۱۳۳، شادمان ۱۳۵، شادی میکند ۱۳۸

~: فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَٰنًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۹:۱۲۴)

شادی همی نمایند ۲، مژده همی دهند ۱۳، شادان باشند ۲۴، شادی می نمایند ۲۹، شادمانگی نمایند ۳۹، شادمانه باشند ۴۲، شاد شوند ۵۵، شادمانند ۵۸، شادی همی کنند ۶۲، همی مژده دهند ۸۴، شادی می کند ۸۵، شادی میکردند ۱۰۰، شاد باشند ۱۰۱، مژده یابند ۱۰۴، شادمان میشوند ۱۱۶، مژده داده شده‌اند ۱۲۱، شادمان خواهند بود ۱۲۲، شادان میشوند ۱۲۳، مژده دهندگان ۱۲۴، شادمان همی بودند ۱۲۸، شادمان میگردند ۱۲۹

~: وَجَآءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ (۱۵:۶۷)

می رامشت پذیرفتند ۱، شادی می کردند ۳، شادی می نمودند ۲۹، شادی کنان ۴۲، شادمانی کنندگان ۴۳، شادی همی کردند ۵۳، مژده گیرند ۶۱، شادی کنان ۱۰۰، مژده میدادند ۱۱۱، شادمانان ۱۱۵، شادکنندگان ۱۱۹، شادمانی میکردند ۱۲۲

~: فَإِذَآ أَصَابَ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦٓ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۳۰:۴۸)

می رامشت پذیرند ۱، شادی همی کنند ۲، شادی همی کند ۱۴، شادی کنند ۲۴، شادمانه شوند ۲۹، مژده دهند ۳۴، شادمان شوند ۳۹، شادمانی می کنید ۴۱، شادمانی کنند ۴۳، شادی و مژدگان می پذیرند ۴۷، خورم شوند ۵۲، مژده همی دهند ۵۳، شادمانه گردند ۸۷، شاد میشوند ۹۲، خرّم شوند ۹۶، مژدگانی می پذیرند و شاد میشوند ۱۰۲، شادمان و خوشدل می شوند ۱۰۳، شاد خوشدل میشوند ۱۱۱

~: وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِن دُونِهِۦٓ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۳۹:۴۵)

شادی همی نمایند ۲، شاد شوند ۳، مژده همی دهند ۲۲، شادی همی نمایند ۳۰، شادمان می باشند ۴۱، شادمان شوند ۱۰۰، مژده دهنده می شوند ۱۰۴، همی شاد شوند و بیارامند ۱۰۹، شادمان باشند ۱۱۰، تازه روی شوند ۱۱۱، تازه روی میشوند ۱۲۰، تازه رو شوند ۱۲۳

★ لَا يَسْتَثْنُونَ: إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ وَلَا يَسْتَثْنُونَ (۶۸:۱۸)

جدا نکردند ۱۱۶، انشالله نگفتند ۱۳۸

يَسْتَجِيبُ: إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ (۶:۳۶)

پاسخ کند ۲، پاسخ دهند ۳، پاسخ کنند ۲۷، فرمان کنند ۳۶، پاسخ می خواهد ۴۱، پاسخ کنند ۵۵، پاسخ میکنند ۶۱، پاسخ می کنند ۶۳، پاسخ دادند ۹۰، پاسخ می دهد ۱۰۲، جواب دهد ۱۲۹

~: وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحَٰتِ (۴۲:۲۶)

پاسخ کند ۲، روا کند ۵۳، پاسخ میکند ۹۹، میپذیرد ۱۳۲

★ لَا يَسْتَجِيبُ: مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَٰمَةِ (۴۶:۵)

پاسخ نکند ۲، پاسخ نکند ۵۶، ندهد پاسخ ۱۳۹

يَسْتَجِيبُوا: فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي (۲:۱۸٦)
پاسخ کُنندا ۲، پاسخ دهندا ۳، پاسخ کنند ۲۹، پاسُخ کُنند ٤۲، پاسخ کنید ۵۳، پَاسُخ دَهَند ۵۵، پاسخ کند ۸۲، فرمان برند ۱۲۱

~: فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۷:۱۹٤)
پاسُخ کُنندا ۱۰

★ إِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا: فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ (۱۱:۱٤)
اگر نه پاسخ دهند ٦٤

★ لِيَسْتَجِيبُوا: فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي (۲:۱۸٦)
گو پاسخ کنند ٦۱، باید که فرمان برید ۱۰٤

~: فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۷:۱۹٤)
گو پاسخ کنیت ٤۱، باید که پاسخ کنند ٦۳

★ لَمْ يَسْتَجِيبُوا: فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ (۱۱:۱٤)
نه پاسخ دهند ۳، پَاسُخ نَگوینْد ۵۵، پاسخ نکنند ۱۰۵

~: وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ (۱۳:۱۸)
پاسخ نکردنْد ۲، نَه پَاسُخ دَادَنْد ۵۵، فرمان نبرند ٦۰، پاسخ ننمودند ۱۰۰، پاسخ ندادند ۱۰۲

~: فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا (۱۸:۵۲)
پاسخ نکنند ۲، نه پاسخ کردند ۳، نه پاسخ دادند ۳۹، پاسخ ندهند ٤۳، نه پاسخ کردند ٦۱، هیچ پاسخ ندهند ٦٤، پاسخ نکنید ۱۰٦، نه جواب کنند ۱۲٤

~: فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ (۲۸:۵۰)
پاسُخ نکنند ۲، نه پاسخ کنند ۳، پاسخ نکنند ٤۳، نه کنند پاسخ ٤٦، نه پاسخ کنند ایشان ٦٤

~: وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ (۲۸:٦٤)
ندهند پاسخ ٤۱، نکنند پاسخ ۵٦

يَسْتَجِيبُونَ: لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيْءٍ (۱۳:۱٤)
پاسخ کنند ۳، پَاسُخ کُنند ۵۵

★ لَا يَسْتَجِيبُونَ: لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيْءٍ (۱۳:۱٤)
پاسُخ نکنند ۲، پاسخ نکنند ۲، پاسخ نمی دهند ٦٤، پاسخ ندهند ۹۳، پاسخ نمیکنند ۱۰٦

يَسْتَحِبُّونَ: الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا (۱٤:۳)
می گزینند ۱، بگزیدَنْد ۲، دوست می دارند ۵، ور می گزینند ۲۹، برمی گزینند ۳۰، بر گزینند ٤۲، بر گزیدند ٤۳، مِی گُزیننْد ۵۵، برمی گزینند ۵۷، دوست دارند ٦۱، بگزینند ۷۲، همی گزینند ۹۳، دوست میدارند ۹۹، برمیگزینند ۱۱۱، برگزینند ۱۱۸، دوست داشته‌اند ۱۲۰، بگزیدند ۱۲۹

يَسْتَحْسِرُونَ: وَمَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ (۲۱:۱۹)
مانده شوند ۳، سیر شوند ۱۲، دروغ بَرند ٤۲، دروغ برند ۵۲، رنجه شَوَنْد ۵۳، مانده گردند ۸۷، شوند مانده ۹۰، پایَنده گردند ۹۹

★ لَا يَسْتَحْسِرُونَ: وَمَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ (۲۱:۱۹)
رنجه نشند ۱، مانده نگردند ۲، مانده نشوند ۲۹، سیر نشوند ۳۸، ننگ ندارند و زیان کار نباشند ٤۱، باز نمانند ٦۲، نه سستی کنند نه بی فرمانی کنند ٦۷، خسته نشوند ۷٦، رنجه نمی شوند ۷۹، رنجه نمی شمرند خود را ۸٦، نه سیر شوند ۸۸، مانده نمی شوند ۱۰۰، خود را رنجه نمی شمرند ۱۰٤، نه دروغ برند ۱۰۵، مانده نمیشوند ۱۰٦، هیچ مانده نشوند ۱۱۱، نه درمانده شوند ۱۲۱، نه رنجه شوند ۱۲٤

يَسْتَحْيُونَ: وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ (۲:٤۹)
زنده همی ماندنْد ۲، زنده می ماندند ۳، ببند گی گرفتند ۱۰، زنده هَمی مانَدند ٤۲، رنجه می نمودند ۵۰، زنده بَمانند ۵۳، زنده می

گذاشتند ۵۵، زنده می کردند ٦۰، زنده می داشتند ٦۲، زنده بجای مانند ۸۲، زنده گذارند ۹٤، زنده می گذارند ۱۰۹، زنده نگه میداشتند ۱۲۰

~: یُقَتِّلُونَ أَبْنَآءَکُمْ وَیَسْتَحْیُونَ نِسَآءَکُمْ (۷:۱٤۱)
زنده می هیشتند ۱، زنده می گذاشتند ۳، زنده همی گذاشتند ٤۲، زنده همی داشتند ۵۷، زنده همی گذاشتندی ٦۲، زنده گذاشتند ۹٦، زنده می گذارند می هشتند ۱۰۹، میکذاشتند ۱۱۳

~: وَیَسْتَحْیُونَ نِسَآءَکُمْ (٦:۱٤)
زنده می گزاشتند ۳۰، زنده می گذاشتند ۵۵، زنده بمی گذاشتند ۵۷، زنده میگذاشتند ۵۹، زنده همی گذاشتند ٦۲، بمی گذاشتند ۸۵، در بندگی می آورند ۱۰۳، زنده میگذارند ۱۰٦، دست بدارند ۱۱۲، زنده میداشتند ۱۱٤

یَسْتَحْیِی: إِنَّ ٱللَّهَ لَا یَسْتَحْیِۦٓ أَن یَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً (۲:۲٦)
شرم وا دارد ۳، بازایستد ۸۰، دارد شرم ۹۰، شرم دآرد ۹٤

~: یُذَبِّحُ أَبْنَآءَهُمْ وَیَسْتَحْیِۦ نِسَآءَهُمْ (٤:۲۸)
زنده می هیشت ۱، زنده همی گذاشت ۲، زنده می هشت ٤۱، زنده می گذاشتند ٤۳، زنده می دست بازداشت ٤٦، زنده می گذاشت ٤۷، زنده میگذاشت ۷٤، زنده رها می کردند ۷٦، زنده می داشت ۷۹، زنده میگذاشتند ۸۷، زنده بمی گذاشت ۸۹، زنده گذاشتند ۹٦، زنده میگذاشت ۱۰۰، زنده می ماند ۱۱٤، زنده میگذارد ۱۲۱، زنده میکند ۱۳۰، فرومیگذاشت ۱۳۱

~: فَیَسْتَحْیِۦ مِنکُمْ وَٱللَّهُ لَا یَسْتَحْیِۦ مِنَ ٱلْحَقِّ (۵۳:۳۳)
شرم دارد ۱، شرم همی دارد ۲، شرم می دارد ۳، شرم می دارد ٤۱، شَرْم دَارَدْ ۵۳، شرم دار ۵٦، شرم می داشت ۵۸، شرم داشت ٦۱، شرم میدارد ۷٦، شرم کند ۸۷، شرم دارید ۱۳۸

★ لَا یَسْتَحْیِی: إِنَّ ٱللَّهَ لَا یَسْتَحْیِۦٓ أَن یَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً (۲٦:۲)
شَرْم ندارد ۲، نه دارد شرم ٤، شرم وا نه دارد ٤۰، شرم نَدارد ٤۲، نه گُذارَد ۵۵، شرم باز ندارد ٦۲، بجای نماند ۸۲، شرم نمیکند ۹۹، ترک نکند ۱۰٤، باک ندارد ۱۱۵، شرم نمی کند ۱۲۲، نمی کند شرم ۱۳۰، شرم و کُرم ندارد ۱۳۸

~: فَیَسْتَحْیِۦ مِنکُمْ وَٱللَّهُ لَا یَسْتَحْیِۦ مِنَ ٱلْحَقِّ (۵۳:۳۳)
شرم ندارد ۱، شرم نمی دارد ۳، نه شرم دارد ۱۸، فرونگذارد ۳٤، بازندارد ۳۹، ندارد شرم ٤۱، رها نکند که پیدا کند ۵٦، باکی ندارد ۷۹، باز نه ایستد ۸۰، نکند شرم ۸۷، شرم نمیدارد ۱۰۳

یَسْتَخْرِجَا: وَیَسْتَخْرِجَا کَنزَهُمَا (۸۲:۱۸)
بیرون آرند ۱، بیرُون آرند ۲، ورگیرند ۲٤، بیرون گیرند ۳۹، بیرون آرند ۵۵، بیرون آورند ۹۳

یَسْتَخِفَّنَّکَ: وَلَا یَسْتَخِفَّنَّکَ ٱلَّذِینَ لَا یُوقِنُونَ (٦۰:۳۰)
سبک گردانیدا ۳، سبک دارند ۳۸، سُبکْ دَارَدْ ۵۳، سبک پندارند ۵۸، از جای ببرند ۷٦، سبک سار گردانند هرآینه هرآینه ۸۰، سبکسار گردانند ۱۱٤

★ لَا یَسْتَخِفَّنَّکَ: وَلَا یَسْتَخِفَّنَّکَ ٱلَّذِینَ لَا یُوقِنُونَ (٦۰:۳۰)
نگر سبک نسنجند ۱، سُبک سار مگردانندا ۲، نه سبک دارند ۱٤، سبک نکنند ۲۹، سبک سار نگرداند ۳۰، نتوانند لغزانیدن ٤۱، سبک مکنندا ترا و مشخشانند ترا ٤٦، سبکسار مکنندا و بملغزانندا ٤۷، سبک نکناد ۵۲، سبکسار مکندا ۵٦، نگشاد سبک ترا ٦۱، ترا بر سبکی ندارند ٦٤، سبک مکنند ۷۲، سبک نپندارند ۷٤، سبک نگرداند

۸۸، سبک برمداراد ۱۰۰، سبک نکند ۱۰۲، سبک مداراد ۱۰۶، سبکبار مگردانند ۱۰۸، نه داردا بر سبکی ۱۰۹، سبکباری ندارند ۱۱۱، بر سبکی ندارند ۱۱۶، نه سبک کند ۱۱۹، سبک نشمرند ۱۲۱، سبک نگردانند ۱۲۹

لِيَسْتَخْفُوا: أَلَآ إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا۟ مِنْهُ (۵:۱۱)

پنهام شند ۱، پنهان شوند ۳، همی نهان دارند ۷ مکرّر، پنهان کنند ۱۳، پنهان کند ۲٤، بپوشند ۲۷، پنهان دارند ۳۶، بپوشانند ٤۱، پَنْهان شَوَند ۵۵، بازپوشند ۵۷، نهان دارند ٦۱، پنهان ماند ٦٤، تا نهان کنند ۷۹، نهان کنند ۱۰٤، پوشیده میدارند ۱۰۹

يَسْتَخْفُونَ: يَسْتَخْفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ ٱللَّهِ (۱۰۸:٤)

می پنهام شند ۱، پَنْهان همی دارند ۲، می پوشند ۳، شرم دارند و پنهان بکنند ۱۰، شرم می دارند ۲٤، می بپوشند ۲۹، پنهان می دارند ۳٦، پنْهان میِ دَارَند ٤۲، شرم دارند ٤۳، پنهان همی کنند ٤۵، همی پنهان دَارند ۵۳، پنهان می کنند ۵۷، می پوشند و شرم می دارند ۵۸، پنهان میدارند، نهان دارند ٦۱، همی پوشند ٦۲، می شرم دارند ۷۲، پنهان میدارید ۷٦، می خواهند پوشیده دارند ۹۰، شرم میدارند ۹۲، پنهان همی دارند ۹٤، نهان می کنند ۹٦، پنهان می شوند ۱۰۰، همی پنهان کنید ۱۰۷، پنهان میکنند ۱۱۱، پنهان همی کنید ۱۱۲، پنهان مینمایند ۱۲۲

★ لَا يَسْتَخْفُونَ: يَسْتَخْفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ ٱللَّهِ (۱۰۸:٤)

پنهام نمی شند ۱، پنهان نتوانند داشتن ۲، نمی پوشند ۳، پنهان نتواند کِردن ۱۰، ندارند نهان ۲۷، نپوشند ۲۹، پنهان نمی دارند ۳۸، پَنهان نَتْوانَند دأشتَن ٤۲، پنهان نمی کنند ۵۷، شرم نمی دارند و نمی پوشند ۵۸، پنهان نتوانند شدن ٦۳، نمی خواهند که پوشیده دارند ٦٤، شرم نمیدارند ۷٤، نه بپوشند ۸۸، نهان نمی توانند کرد ۹٦، پنهان نتوانند شد ۱۰۰، پنهان نمیتوانند کرد ۱۱۱، پنهان نمیدارند ۱۲۲، نه پنهان دارند ۱۲٤

يَسْتَخْلِفُ: وَيَسْتَخْلِفْ مِنۢ بَعْدِكُم مَّا يَشَآءُ (۱۳۳:٦)

بپای کند ۲، بیارد و بپای کند ۲۷، بایستاند ۳۹، بپای کُنند ٤۲، اَندرآرَد ۵۳، بیارد ۸۲، پَسِ شما آرد ۹٦، برپای کند ۱۰۹، جانشین سازد ۱۱۱، بجای شما آرد ۱۲٤، جانشی سازد ۱۳۰، جانشین کند ۱۳٦

~: وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّى قَوْمًا غَيْرَكُمْ (۵۷:۱۱)

از پس درآرد ۲٤، واپس گذارد ۲۹، از پس بیارد ۵۲، پس ارد ۷۸، سپس بیارد ۸۳، از پس آورد ۹٤، زود بیارد ۹٦، سپس بیارد از پی درآرد ۱۰۹، جانشین شما گرداند ۱۱۱، جانشین گرداند ۱۱٦، جانشین میکند ۱۲۰، جانشین شما خواهد کرد ۱۲۲، جانشین شما کند ۱۲۳، جانشین می کند ۱۳٦

يَسْتَخْلِفَكُمْ: وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ (۱۲۹:۷)

از پس آیشان سپَنج دَهَد ۱۰، زپس بیستاند ۲۷، جانشین سازد ۱۱۱، جانشین گرداند ۱۱٦، جانشین کند ۱۲۲

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ: لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ (۵۵،۲٤)

از پی درآیند گان کند ٤۷

يَسْتَسْخِرُونَ: وَإِذَا رَأَوْا۟ ءَايَةً يَسْتَسْخِرُونَ (۱٤:۳۷)

می اوسوس کنند ۱، افْسُوس کنند ۲۲، فسوس اندر گیرند ۳۰، فسوس کنند ۳۳، افسوس می دارند ٤۱، افسوس می کنند ۵٦، افسوس کنند ٦۱، افسوس و خندستان می کنند ۱۰۲، فسوس می دارند ۱۰۹، افسوس دارند ۱۱۳، افسوس میدارند ۱۳۰

يَسْتَصْرِخُهُ: فَإِذَا ٱلَّذِى ٱسْتَنصَرَهُۥ بِٱلْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُۥ (١٨:٢٨)
می فریاد خهست ۱، فریاد خُواست ۲، فریاد خواست ۳، فریاد می خواست ۲۱، فریاد میخواست ۲۹، فریاد کرد ۳۹، بانگ زد و فریاد بر آورد بدو ۴۱، بفریاد خواند ۷۹، فریاد خواست ۱۰۰، فریاد میکرد ۱۲۰، یاری خواست ۱۳۹

يَسْتَضْعِفُ: يَسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِّنْهُمْ (٤:٢٨)
می سست گرفت ۱، زبُون گرفت ۲، سُست می شمرد ۳، سست گرفت ۳۹، سست می گرفت ۴۷، سست همی کرْد ۵۳، سست می داشت و خوار ۵۸، سست می شمرد ۸۰، زبون گرفت ۹۴، سست و خوار می داشت ۱۰۹

★ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ: وَأَوْرَثْنَا ٱلْقَوْمَ ٱلَّذِينَ كَانُوا۟ يُسْتَضْعَفُونَ (١٣٧:٧)
می سست گرفته شدند ۱، می سست شمرده می شدند ۳، ایشان بودند سست و بیچاره ۲۷، سست شمرده می شدند ۳۰، سست داشتند ایشانرا ۳۱، سُست داشتند ۴۵، خوار داشته می شدند ۵۶، زبون کرده شدند ۶۱، بودند زبون گرفته ۹۶، زبون شمرده می شدند ۱۱۱، ضعیف یافته می شدند ۱۱۳، زبون گرفته شده ۱۲۳

يَسْتَطِعْ: وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ (٢٥:٤)
تواند ۲۷

★ لَمْ يَسْتَطِعْ: وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ (٢٥:٤)
نتواند ۱، تُوانا نباشد ۲، نه تواند ۳، نه تُواند اوُنه یاوَد ۱۰، توانا نباشد ۲۹، نتوانند اُنه یاود ۴۰، نَتواند ۵۳، توانایی ندارد ۶۳، ندارد دست رسی ۹۱، تو آنا نباشد ۹۴، توانایی ند آرد ۱۰۰

~: فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا (٤:٥٨)

نتواند روزه داشتن ۴۱، توانائی ند آرد ۱۰۰، نتوانست ۱۱۴، توانائی ندارد ۱۳۸

يَسْتَطِيعُ: أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُۥ بِٱلْعَدْلِ (٢٨٢:٢)
بتواند ۷۵

~: هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً (١١٢:٥)
تواند ۱، تواند ۲، توانند ۵۳، تواند کرد ۵۷، توانایی دارد ۷۶، تو آند ۹۴، می تواند ۹۶، میتواند ۹۹، توانائی دارد ۱۰۰، بکند ۱۳۸

★ لَا يَسْتَطِيعُ: أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُۥ بِٱلْعَدْلِ (٢٨٢:٢)
نتواند ۱، نَتواند ۲، نَه تُواند ۱۰، نه تواند ۲۷، نَتْوانَد ۴۲، نتوانند ٦٤، نمی تواند ۹۶، توانائی نداشته باشد ۱۱۱، توانائی ندارد ۱۲۳، توانایی ندارد ۱۳۸

يَسْتَطِيعُونَ: لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (٩٨:٤)
تُوانَد ۴۵، توانند کردند ۱۲۸

~: وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا (١٩٢:٧)
توانند ۳، توآنَند ۹۴

~: وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ (١٩٧:٧)
بتوانند ۶۷

~: مَا كَانُوا۟ يَسْتَطِيعُونَ ٱلسَّمْعَ (٢٠:١١)
می توانند ۳۶، توانائی دارند ۱۰۰، توانند داشته باشند ۱۲۱

~: فَضَلُّوا۟ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (٤٨:١٧)
توانا شوند ۳۰، تُوانا شوند ۵۵

~: فَضَلُّوا۟ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (٩:٢٥)
توانستند ۲٤

~: وَمَا يَنۢبَغِى لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (٢١١:٢٦)

تُوانند ۲، توانند ایشان ٤٦

~: وَيُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (٦٨:٤٢)
توانند کردن ۹۱

★ كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ: مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ ٱلسَّمْعَ (۱۱:۲۰)
می توانستند ۱، باشد ایشانرا توانایی ۲٤، بتوانستند ۳۸، بتوانِستَندی ٦۲، توانستند ٦۷، تِوانَستند ۷۵، بودند توانستندگان ۹۰، بتوانستندی ۱۰۵، توانستندی ۱۱۱

★ كَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ: وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (۱۸:۱۰۱)
نمی توانستند ۱، نتوانَستَند ۵۳، توانایی نداشتند ۱۰۰، نمیتوانستند ۱۳۲، نتوانستند ۱۳۹

★ لَا يَسْتَطِيعُونَ: لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي ٱلْأَرْضِ (۲:۲۷۳)
نتوانندْ ۲، هیچ نتُوانند ٦۲، توانایی ندارند ٦۳، نتوانند ۹٤، توانائی نداشته باشند ۱۰۰، نمیتوانند ۱۰٤، همی نتوانند ۱۳۸

~: لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (٤:۹۸)
نتوانند کردن ۲۹، نمی توانند و نتوانستند ۵۸، نتوانند هیچ ٦۲، نتوانند کردن ۱۰۵

~: وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا (۷:۱۹۲)
نتُوانَند ۱۰، همی نتوانند ٦۲، توانایی ندارند ایشان ۷٦، توانآئی ندارند ۱۰۰، نمی توانند کرد ۱۰٤

~: وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ (۷:۱۹۷)
نتوانند ایشان ۲٤، توانایی نمی دارند ۲۹، توانائی نتوانند کرد ۱۰۰، نمی توانند ۱۳۰

~: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ ... وَلَا

يَسْتَطِيعُونَ (۱٦:۷۳)
نتوانند بدست آوردن ٤۱، نَتوانَند ٦۲، نتوانند دادن ۹۲، توانائی ندارند ۹۳

~: فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۱۷:٤۸)
نَتوانَنْد ۲، نمی توانند یافتن ٤۱، نَمی توانند ٤۲، نتَوانَندْ ۵۳، توانایی نداشتند ٦۳

~: وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (۱۸:۱۰۱)
نتوانند و توانایی ندارند ۹۳

~: فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا (۲۱:٤۰)
نه توانند ۱۲، نَتوانَند ۵۳

~: فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۲۵:۹)
نمی توانند ۱، نتوانستند ٤۳، از دل می نیارند ٤۷، نیابند ۵٤، توانایی ندارند و نمی یابند ۱۱۱، توانی ندارند ۱۱۳

~: فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً (۳٦:۵۰)
توانائی ندارند ۱۳، ندارند توانایی ۱۳۰

~: لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ (۳٦:۷۵)
نتُوانند ۲۲

~: وَيُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (٦۸:٤۲)
نتوانند کردن ۱۱٤، ایشان نتوانند ۱۳۹

★ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ: وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ (۷:۱۹۷)
نتوانستند یاری کردن ۲۷

★ مَا يَسْتَطِيعُونَ: وَمَا يَنۢبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (۲٦:۲۱۱)
نتوانند ۱، توانایی ندارند ۲۹، خود نتوانند ٦۱، نمیتوانند ۱۲۳، نه توانائی ندارند[1] ۱۳۸

---

۱. کذا در متن اصلی، این شیوه استعمال بی سابقه نیست.

★ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ: مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ (۱۱:۲۰)
توانایی ندارند ٦٣، نتوانستند که از دل یافتندی ٩٣، آنچه همی نتوانستند دیدن ٩٤، توانا نه باشند ١٠٣

يَسْتَعْتِبُوا: وَإِن يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُم مِّنَ الْمُعْتَبِينَ (٤١:٢٤)
بازداشتن خواهند ٢، خشنود کردن خواهند ٣، فرْیاد خُواهید ٢٢، بازگشتن خواهند ٣٠، فریاد خواهند ٣٨، آشتی خواهند ٤٢، خشنودی کنید ٤٩، خشنودی خواهند ٥٦، خشنودی جستن خواهید ٦٩، خشنود کردن خواهیت ٨٠، خشنودی کنند ٩٠، خوشنودی خواهند ٩٩، خوسنودی جویند ١٠٣، بازگشتن خواهند بآشتی ١٠٩، خشنودی جویند ١١١

يُسْتَعْتَبُونَ: ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (١٦:٨٤)
خشنُودی بجویند ٢، خشنود کرده شوند ٣، خشنود گردانند ٢٩، بازخواستی کنند ازیشان ٤١، رها کنند ٤٢، خشنودی بجویند ٥٢، خُشنُود کَرده شَوند ٥٥، خشنودی جسته شوند ٥٨، خسته شوند ٧٤، بجویند بخشنودی ٧٨، آشتی جویند ٨٩، بازبرند ٩٠، خشنودی گردانند ٩٤، بجویند ١٠٥، آشتی و خشنودی خواسته شوند ١٠٩، خشنودی خواهند ١٣٣

~: فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (٣٠:٥٧)
خشنود کردن خواسته بوند ٣، باز هلند ٢٤، بازگردانند ٣٠، خشنود کنند شان ٤٦، توبه و آشتی خواهند ٤٧، آشتی کنند ٥٢، خشنودی جسته اند ٥٨، بادنیافرستند ٧٦، خشنود کردن خواسته شوند ٨٠، فریادرسند ١٠٠، خشنود خواسته شوند ١٠٩، خشنود شوند ١١٤، خوانده شوند ١١٦

~: فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (٤٥:٣٥)
خشنود کنند ١٦، خشنودی جویند ٣٠، بازگردانیده شوند ٣٦، آشتی خواهند ٤٢، خشنودی جسته شوند ٤٣، آشتی خواهند ٥٢، باز هِلَند شأن ٥٣، باز گردانیده شوند بخشنودی ٧٨، خشم گیرند ٨١، خشنود کردن خواسته شوند ٩١، آشتی جویند ١٠٦، خوشنودی بجویند ١٠٨، آشتی داده شوند آشتی خواسته شوند ١٠٩، خشنود کردند ١١٤، بازدارند ١٢٤، اشتی می گویند ١٣٨

★ لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ: وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (٣٠:٥٧)
نه ایشانرا خشنود کنند ٤٧

يَسْتَعْجِلُ: مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (١٠:٥٠)
می شتاو کنند ١، شتافتن می خواهند ٣، مَی شتاب زدگی کُنند ١٠، شتاب دارند ١٣، شتاب می کنند ٢٩، همی شتاب کند ٣٨، زود میخواهند ٣٩، شتاب کنند ٥٦، بشتاب درخواهند ٥٩، شتابند ٦١، شتاب دارد ٦٤، شتاب باشند ٩٢، شتاب دادند ١٠٥، شتاب زدگی کند ١٠٩، میخواهند بشتاب ١١١، شتاب میخواهید ١١٢، شتاب می آورند ١١٤، شتاب می کنید ١٢٤، می شتابد ١٢٨

~: يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا (٤٢:١٨)
می شتاو کنند ١، شتاب همی کنند ٢٢، همی شتابند ٣٠، شتاب می خواهند ٣٢، شتاب کند ٤٢، بشتاب می خواهند ٥٦، شتاب زدگی می خواهند ٦١، بشتابد ٨١، شتاب می کند ٩٢، بشتاب میخواهند ١٠٠، شتاب میکنند ١٠٣، همی شتابانند ١٠٨، شتاب میخواهد ١٠٩، شتاب میخواهند ١١٤، شتاب میکند ١٢١، شتاب مینمایند ١٣٢، بشتاب میخواهد ١٣٤

يَسْتَعْجِلُونَ: أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (٢٦:٢٠٤)
همی شتاب کنند ٢، شتافتن می خواهند ٣، بشتاب فرا می خواهند ٢٠، شتاب زدگی کنید ٢٤، شتاب زدگی کنند ٣٠، شتاب زدگی میکنند ٤٣

ایشان همی شتابند ٤٦، شتاب کنند و بشتاب می درخواهند ٤٧، همی شتابند ٦١، بشتاب درمی خواهند ٦٤، شتاب مینمایند ٨٦، شتافتن میخواهند ٩١، شتابند ١٠٨، شتاب میکنید ١١١، بشتاب میخواهند ١٣٤، بشتاب می خواهند ١٣٨

~: أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (٣٧: ١٧٦)
شتاب میکنند ٢٩، می شتابند ٣٣، شتاب می کنند ٣٩، شتاب همی کُنند ٨١، شتآب میکنند ١٠٠، شتاب کنید ١٣٩

يَسْتَعْجِلُونِ: مِثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ (٥١: ٥٩)
اشتابانید ٣٠، شتاب خواهند مرا ٨٠

* لَا يَسْتَعْجِلُونَ: فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ (٥١: ٥٩)
مکنیت شتاب ٤١، شِتّاب مَکنیدْ ٥١، مشتابند مرا ٥٦، شتاب مکنند ٦١، باید که شتاب ننمایند ٨٦، نباید که شتاب کنند ١٠٠، باید که شتاب نکنند ١٠٣، شتاب نکنند ١١١، شتاب نخواهند ١١٤، بشتاب نخواهند ١٣٨

يَسْتَعْجِلُونَكَ: وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ (١٣: ٦)
می شتاو کنند ١، می خواهندت شتافتن ٣، می شتابند ٥، می شتاوند ٧ مکرّر، شتاب کنند ٢٤، شتاب می نمایند ٢٩، بشتابانند ٣٩، می خواهند شتاب ٤١، همی شتاب زَدگی کُنَنْد ٥٣، مِی خَواهَنْد اَز تُو شتّافتَنْ ٥٥، می شتابند و میخواهند ٥٨، می شتآب می نمایند ١٠٠، بشتاب از تو درمیخواهد ١١١، شتاب خواهند ١١٢

~: وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ (٢٢: ٤٧)
همی شتابانَنْد ٢، همی شتاب خواهند ١٢، می شتابانند ٢٩، شتاب میکنند ٤٣، همی شتابند ٦١، شتاب خواهند ٩٦، شتافتن خواهند ١١٤

~: وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ (٢٩: ٥٣)
همی شتابانند ٢، شتاب همی کنند ١٤، همی شتاب کنند ٣٤، شتاب می خواهند ٣٩، بشتاب می خواهند ٤٧، بشتاب خواهند ٦١، بشتاب درمی خواهند ٦٤، می خواهند بزودی ٧٦، شتابی میکنند ٩٩، بشتاب درمیخواهند ١١١، بزودی میخواهند ١٣٢، شتاب زدگی میکنند ١٣٩

~: يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ (٢٩: ٥٤)
شتافتن می خواهند ٣، شتاب می کنند ٣٩، شتاب زدگی می کنند ٤٦، بشتاب میخواهند ٤٧، همی شتاب زدگی کنند ٥٣، شتاب میخواهند ٥٨، شتاب مینمایند ٨٦، بشتاب میجویند ١٣٢

فَلْيَسْتَعْفِفْ: وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ (٤: ٦)
گو پاکی کن ١، نهفتگی کندا ـ پارسا باشدا ٣، پَرهَیز کُند ١٠، خویشتن نگاه داراد ٢٣، نهفتی کندا ٣٠، گو باز باش ٣٦، پرهیزش باید کرد ٤٠، گو دَست بدأر ٤٢، گو دامن در کش ٤٣، بر اندازه بر گیرد ٥٣، نهُفتگی کُند ٥٥، گو دست بکش ٥٦، دست کوتاه کناد ٥٧، گو خویشتن کاری جوی ٥٨، باید دست بدارد ٦٣، خویشتن داری کنادا ٨٢، خویشتن داری کند ٨٣، باید که دست بدارد ٨٥، گو نگاه دار ٩٠، باز باشدا ٩١، خویشتن د آری کند ٩٤، نهفتگی کندا ٩٧، گو نگاه دار خود را ٩٨، نهفتگی کن گو ١٠٢، باید که پرهیز کند ١٠٣، باید که بی نیازی نماید ١٠٤، گو دست بدار ١٠٥، دست بدارد ١٠٦، نگهدارد خود را ١١٦، نهفتگی کند ١١٩، دامن درچیند ١٢١، باید نگاهدارد خود را ١٢٢، خود پاک دارد ١٢٤، نگاهدارد خود را ١٢٧

~: وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا (٢٤: ٣٣)
گو پاکی کنید ١، خویشتن داری کُندا ٢، نهفتگی کنندا ٣، باید که خویشتن داری کنند ٢٩، خویشتن نگاه دارند ٣٠، گو باز باشید ٣٦، باز باشند بپارسائي ٣٩، گو نگاه داریت ٤١، باید که پاک دامنی کنند ٤٢، گو دامن در کشند ٤٣،

پاکی گیرند ۵۳، پرهیزگاری کنادا ۵٤، پاک دامنی کنندا ٥٦، خویشتن داری کنید ٦١، خویشتن داری کنند ٦٩، پاک دامنی کند ٧٦، گو خویش کاری جویند ٧٧، خویشتن داری جوید ۸۷، پرهیزکاری کناد ۸۸، باید که دست بدارند ۸۹، گو نگاهدارند ۹۲، پاکی جوئید ۹٤، پارسایی جویندا ۹٥، باید که پاک دامنی کند ٩٦، باید خویشتن داری کنند ۱۰۳، دست بدارند ۱۰٦، باید که بازایستند ۱۱۱، بازایستند ۱۱٦، نهفتگی کنند ۱۲۹

يَسْتَعْفِفْنَ: وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ (٢٤:٦٠)
پاکی کنند ۱، خُویشتن بپُوشند ۲، نهفته باشند ۳، پارسایی کنند ٢٤، خویشتن داری کنند ۲۹، پاکیزه گی کنند ۳۰، پارسائي کنند ۳۹، جویند عافیت و پاک دامنی ٤٢، دامن درکشند ٤٣، خود نهفتگی کنند ٤٧، بپرهیزند از چادر فرونهادن ٥٤، نهفته دارند خویشتن را ٥٦، پارسا و نهفته باشند ٥٨، بپرهیزند ٦٢، نهفتگی کنند ـ ننهند چادر ٦٧، نهفتگی جویند ٧٧، نهفته سارند ۸۰، خویشتن را نگه بدارند ۸۹، خویشتن بپوشند ۹٤، نهفتگی کنند از چادر فرو نهادن پرهیز کنند ۱۰۹، نهفته باشد ۱۱٤، پاکیزگی خواهند ۱۱۹، جویند پاکدامنی ۱۲٥، پوشیده داشتن ۱۳۸، خویشتن داری کند ۱۳۹

يَسْتَغْشُونَ: أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ (١١:٥)
می در سر کشند ۱، همی اندر کشند سَر ۲، در سر می کشند ۳، سر را در جامه آرند ۷ مکرّر، پیش اندر کشند ۱۳، در سر میکشند ۲۹، سرمی کشند ۳۰، در سر میکنند ٣٦، سر در کشند ۳۸، بر سر پوشند ۳۹، بسر در کشند ٤٢، می پُوشند ٥١، بسر در کشند ٥٢، در سر می کشَند ٥٥، در سر کشند ٥٦، بسر درمی کشیدند ٥٩، بپوشانند ٦١، همی بر پوشند ٦٢، درمی گیرند ٦٣، در خود کشند ٦٤، سر در جامه کنند ۷۲، می پوشند ٧٦، بسر درمی کشند ٧٩، همی اندر کشند سر ۸۳، بر پوشند ۸۸، در خود کنند ایشان ۹۰، بسر درمیگیرند ۹۳، خویشتن اندر کشند ٩٤، اندر گشتند ٩٦، در سر میگیرند ۱۰۰، بسر درمیکشند ۱۰٤، بسر درمیکنند ۱۰٦، سرکشند ۱۱۱، بر سر خود بپوشانند ۱۲۲، بسر ور میکشند ۱۲٦، اندر میکشند ۱۲۹، بر سر می کشند ۱۳٥

يَسْتَغْفِرِ: ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ ٱللَّهَ غَفُورًا (٤:١١٠)
آمرزشت خواهد ۱، آمرزش خُواهد ۲، آمرزش خواهد ۱۰، آمُرزش خُواهَد ٤٥، آمرزش خوآهد ٩٤، آمرزش خواهند ٦١

يَسْتَغْفِرُوا: مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَن يَسْتَغْفِرُوا۟ لِلْمُشْرِكِينَ (٩:١١٣)
آمرزشت خواهند ۱، آمرزش خواهند ۱۳، آمرزش خواستند ١٢٤

~: إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّهُمْ (١٨:٥٥)
آمرزشت خهستندی ۱، آمرزش خواهید ۸، آمرزش خواستندی ٥٢، امرزش خَواهَند ٥٣، آمرزش خواهد ٧٤، آمرزش خواهندی ۱۰۸

يَسْتَغْفِرُونَ: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (٨:٣٣)
آمُرزش هَمی خُواهنْد ۲، آمرزش خواهند ۳، زنهار خواهند ٢٤، آمرزش همی خواهَند ٤٢، آمرزش خواهندگان ۱۱۲

~: وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (٤٠:٧)
می آمرزشت خواهند ۱، آمرزش می خواهند ۳، امرزش میخواهند ۱۳۸

~: وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى ٱلْأَرْضِ (٤٢:٥)
آمرزش همی خواهند ١٦، آمرزش همی خواهند ۲۲، آمرزش می خواهَند ۳۲، آمرزش میخواهند ٦١

~: وَبِٱلْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (٥١:١٨)

آمرزشت خهستند ١، خواستندی ٦، آمرزش می خواستند ٤١، آمرزش خواستندی ٥٢، آمرزش می خواستندی ٥٦، همی آمرزش خواستند ١٠٨، آمرزش بخواهند ١٢٦، آمرزش می خواستید ١٣٨

يَسْتَغْفِرُونَهُ: أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٥:٧٤)
آمرزش خُواهند ٢، آمرزش خواهند ١٠ مکرّر، بخواهند آمرزش ٢٤، آمرزش بخواهند خواست ٢٧، آمرزش بخواهند ازو ٣٧، امرزش می خواهند ٥٣، آمرزش جویند ٥٨، آمرزش می خواهند ٨٩، امرزش میخواهند ١٠٤، آمرزش میخواهند ١٢١

* يَسْتَغْفِرُونَهُ: أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٥:٧٤)
آمرزش نخواهند ١، نخواهند آمرزش ٥٧، آمرزش نمی خواهند ٧٦، آمرزش نمیجویند ١٢٢، آمرزش نخواهند ١٢٥

يَسْتَغِيثَانِ: وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ (٤٦:١٧)
می فریاد خواهند ١، فریاد همی خُواهند ٢، فریاد می خواستند ٣، فریاد همی خواهند ١٧، همی فریاد خواهند ٣٠، فریادرس می خواهند ٣٦، هردو فریاد می خواستند ٣٩، پناه می برند ٤١، فریاد می کردند ٤٨، فریاد می خواهند ٤٩، فریاد خواهند ٥٢، زاری میکردند ٦٤، بفریاد می خواندند ٧٩، فریاد خواستند ٩٦، بفریاد میخواندند ١١٣، فریاد میخواهند ١١٤، فریاد میخواستند ١٢١، فریاد بخواهند ١٢٦

يَسْتَغِيثُوا: وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ (١٨: ٢٩)
فریاد خواهند ١، باران خواهند ٣٠، فریاد خواهند و آب خواهند ٤١، فریادرسی خواهند و پناه گیری ٤٤، فریاد خَواهَند ٥٣، فریاد خوانند ٦٢، فریاد خواهند ١٠٠، فریاد کنند ١٠٣، فریادرس خواهند ١١١، آب خواهند ١١٤، فریاد خواهی کنند ١١٦، فریادرسی خواهند ١٣٧

يَسْتَفْتِحُونَ: يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا (٢: ٨٩)
مَی یارَی خَواستَندی ١٠، یاری خواستندی ٢٤، گشایشی می جستند ٥٧، یاری خواستند ٦٧، می گشادند ٩٠، یاری و گشایش میخواستند ١٠١، یاری میخواستند ١٠٩، یاری می جستند ١٢٨، یاری میجستند ١٣٦

يَسْتَفْتُونَكَ: وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ (٤:١٢٧)
همی پُرسند ٢، می پرسند ٣، مَی پُرسند ١٠، همی پرسند ١٠، مکرّر، مِی پُرسَند ٤٢، همی پُرسَند ٤٥، پاسخ می خواهند ١٠٩

يَسْتَفِزَّهُم: فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم مِّنَ الْأَرْضِ (١٧: ١٠٣)
ورکند ١، برانگیزد ٣، بیرون کند ٢٤، برانگیزاند ٣٠، بلغزاند ٣٩، بجُمْبانَدْ ٥٣، بَرانگیزانَد ٥٥، بیرون کند و ببرد فراگیرد ٥٩، بشخشاند ٦٥، پیرو کند ٦٧، دور کند ٧٩، سبک کند ٩٢، بلرزاند ٩٤، دور گرداند ١٠٤، برانگیزد و دور کند ١١١، بجنباند ١١٤، بدور اندازد ١٣٢

لَيَسْتَفِزُّونَكَ: وَإِن كَادُوا لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ (١٧:٧٦)
ورکنند ١، بلغزانند ٢، بر گردانند ٣، ورانگیزند ٢٤، از جای ورکنند ٢٩، بر کنَند ٤١، برانگیزند ٤٢، سبک دارند ٤٨، بجمباَنَنْد ٥٣، سبک کنند و بیرون کنند ٥٦، سبک کنند و بپژمرانند ٥٨، بیفزایندی ٥٩، سبک بَرْدارَند ٦٢، برانگیزانند ٦٤، بگردانند ٦٩، دور کنند ٧٩، بلغزانندی ٨٨، بجنبانند ١١٤، بفریبند ١٢٦، بلغزانیدند ١٢٩، بشخشانید ١٣٩

يَسْتَقْدِمُونَ: لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (٧: ٣٤)
پیش روند ٣، پیش توانند رفت ٣٦، پیشتر شوند ٤٣، پیش شوند ٤٥، پیش آیند ٥٦، فراپیش توانند رفت ١٠٠، پیش رود ١٢٩، پیشی گرفت ١٣٥

~: فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (١٠: ٤٩)

پیش روند ۲، پیشی دهند ۲٤، فراپیش شوند ۳٤، پیش افتند ۳۹، پیشی کنند ٤۱، فراپیش دارند ۵۱، از پیش شوند ۵۳، پیش روند ۵۵، هاپیش ایستند ۵۷، پیش ایستند ٦۱، باپیش دارند ۷٦، پیشتر شود ۹۰، فراپیش توآنند رفت ۱۰۰، درپیش شوند ۱۱۲، پیشی گیرند ۱۲۳، پیش شود ۱۲٤، پیش توان رفتن ۱۲۸، پیشین گیرند ۱۳۰

~: لَایَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً وَلَایَسْتَقْدِمُونَ (۱٦:٦۱)

پیش روند ۲، پیش بشتاوند ۲٤، پیش برند ٤۱، پیشی کنند ۵۳، پیش روند ۵۵، پیش دارند ۵٦، ازپیش شوند ۵۷، پیش شوند ۵۸ پیشی گیرند ٦۲، فراپیش روند ٦۳، درپیش دارند ۷٦، واپیش آرند ۱۱٤

★ لَایَسْتَقْدِمُونَ: وَلَایَسْتَقْدِمُونَ (۷:۳٤)

پیش نشند ۱، پیش نروند ۲، پیشتر نمیرند ۱۰، فراپیش نتوانند شدن ۳٤، نه پیش شوند ۳۸، پیش نروند ٤۲، پیشتر نکنند ٤۹، فراپیش نتوانند شد ۵۳، نه پیشتر باشد ۵۸، فراپیش ندارند ٦۰، نه فراپیش بتوانند شد ٦۲، به پیش نتوانند رفتن ۹٤، نه فراپیش شوند ۱۰۳، پیشی نشایند گرفت ۱۲۸، پیش ندارند ۱۳٦، نه پیش روند ۱٤۰

~: فَلَایَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً وَلَایَسْتَقْدِمُونَ (۱۰:٤۹)

فراپیش نشوند ۲۹، نه پیش باز شوند ۳۸، پیشتر نبرند ٤۹، پیش نشوند ۵۸، نه فراپیش شوند ٦۲، پیشتر نیفتد ٦٤، نه فراپیش دارند ۱۰۳، فراپیش شدن نتوانند ۱۰۹، درپیش نروند ۱۱۳، فراپیش نروند ۱۲۱

~: لَایَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً وَلَایَسْتَقْدِمُونَ (۱٦:٦۱)

باپیش ندارد ۵۲، پیش نتوانند رفت ۱۰۲، نه فراپیش روند ۱۰٦، پیشی نگیرند ۱۱۱، پیش ندارند ۱۲۱، پیش نیفتند ۱۳٦

یَسْتَقِیمَ: لِمَنْ شَآءَ مِنکُمْ أَن یَسْتَقِیمَ (۸۱:۲۸)

راست بایستد ۱، بیستد ۲٤، راست باشد ۳۰، راست بیستد ۳۸، راه راست نماید ۹۹، راست شود ۱۱۱، راه راست رود ۱۲۰، راست گیرد ۱۲٦

یَسْتَکْبِرْ: وَمَن یَسْتَنکِفْ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَیَسْتَکْبِرْ فَسَیَحْشُرُهُمْ إِلَیْهِ جَمِیعًا (٤:۱۷۲)

بزرگ منشی کند ۱، گردن کشی کند ۳، بزرگ منشی کند ۱۰، گردن کشد ۳۱، بزرگ منشی کند ٤۲، تکبّر کند یعنی بزرگ منشی ۵۳، بزرگ منشی کند و گردن کشی ۵۸، بزرگی نماید ٦۱، بزرگی کند ٦۹، بزرگ منشی گرد ۷۲، بزرگ منشی کرد ۸۲، گردنکشی کند ۸۹، سرکشی کند ۱۱۱، بزرگی جوید ۱۱٤، سرکشی نماید ۱۲۲، سرکشی میکنند ۱۳۵

یَسْتَکْبِرُونَ: وَأَنَّهُمْ لَایَسْتَکْبِرُونَ (۵:۸۲)

بزرگ منشی کنند ۱۰ مکرّر، بزرگ سری می کنند ۳٦، گردن نهاده بودند ۷۰، کنند گردن کشی ۹۰، گردن کشی کنید ۱۱۹

~: لَایَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ (۷:۲۰٦)

گردن کشی کنند ۳

~: وَهُمْ لَایَسْتَکْبِرُونَ (۱٦:٤۹)

بزرگی میجویند ۱۱٤

~: وَمَنْ عِندَهُۥ لَایَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ (۲۱:۱۹)

گردن کشی کنند ۵۳

~: وَسَبَّحُوا۟ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَایَسْتَکْبِرُونَ (۳۲:۱۵)

بزرگی کنند ٤۷، گردنکشی کنند ۱۰۰

~: إِذَا قِیلَ لَهُمْ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ یَسْتَکْبِرُونَ (۳۷:۳۵)

بزرگی همی جویند ۲۲، ننگ داشتندی ۲٤، بزرگ منشی کردند ۳۳، بزرگواری کردندی ۳٤، گردن کشی کردند ۳۸، بزرگ منشی کردندی ۳۹، بزرگ منشی کردندی ۵۳، سرکشی کردند ٦٤، سرکشی می نمایند ۱۰۳

سر کشی میکردند ۱۱۱، گردن کشی میکردند ۱۱٤، سرباز میزدند ۱۳۲، گردنکشی کردند ۱۳۸، بزرک منشی کردندی ۱۳۹

~: إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي (٤۰: ٦۰)
می بزرگ منشتی کنند ۱، همی گردن کشند ۲۲، ننگ دارند ۲٤، بزرگی جویند ۳۹، بزرگی می کنند ۸۷، بزرک منشی کردند ۹۸، سرکشی نمایند ۱۰۳، سرکشیدن ۱۱۱، بزرگی میکنند ۱۱٤، گردنکشی می کنند ۱۳۸

★ لَا يَسْتَكْبِرُونَ: وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (٥: ۸۲)
بزرگ منشتی نکنند ۱، بُزرگ منشی نکنند ۲، گردن کشی نکنند ۳، بزرگ منشی نه کنند ۱۰، مکرّر، بزرگ منشی نکنند ۲۹، سرکشی نمی کنند ٤۱، نکنند گردن کشی و بزرگ منشی ٥۸، گرن کشی نمی کنند ٦۳، گردنکشی نمیکنند ۸۹، بزرگی نکردند ۱۰۳، بزرگی نمی کنند ۱۲۱، نمی کنند گردن کشی ۱۳۰، گمراهی و گردنکشی نکردند ۱۳٦

~: لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ (۷: ۲۰٦)
نمی کنند سرکشی و بزرگی ٤۱، گردن نمی کشند ۹٦، بزرگی نمی نمایند ۱۰٤

~: وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱٦: ٤۹)
بُزرگ منشی نکنند ۲، گردن کشی نکنند ٥٥، سرکشی نکنند ٦٤، گردن کشی نمیکنند گردنکشی ۹۳، گردن کشی نمیکنند ۱۰٦، سرکشی نمیکنند ۱۱۱، بزرگی نمی جویند ۱۱٤

~: وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ (۲۱: ۱۹)
بُزرگ منشی نکنند ۲، ندارند ننگ ایشان ۲٤، کردن کشی نکردند ۷٦، گردنکشی نمی کنند ۱۰۰، گردنکشی ننمایند ۱۳۲، بزرگی همی نکنند ۱۳۹

~: وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۳۲: ۱٥)
نه بزرگی کنند ۱٤، ندارند ننگ ۲٤، بزرگی نکنند ۲۹، بزرگی ننمایند ۳۹، نکردند بزرگ منشی ٤۱، بزرگ منشی نمی کنند ٦٤، بزرگی نجویند ۱۱٤

يَسْتَمِعُ: وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ (٦: ۲٥)
می نیوشد ۱، گوش همی دارد ۲، گوش می دارد ۳، شنودن خواهد ۹، گوش دارد ۲٤، گوش دارد ۲۷، می شنود ۳٦، گوش باز کند ۳۸، گوش دارد ٤۲، گوش وامی کند ٥۷، گوش بازمی دارد ٦۳، گوش همی دآرد ۹٤، گوش میدارد ۱۰۲، گوش فرامیدارد ۱۱۱، گوش فرامی دارد ۱۱٦

~: وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ (٤۷: ۱٦)
گوش همی دارد ۲۲، گوش همی کند ۲٤، گوش بازدارد ٤۲، دزدیده گوش دارد ٦۱، گوش کند ۹٦، گوش بازمیدارد ۱۰۰، نغوشه میکند ۱۰۹، گوش میدارند ۱۱٤، گوش اندازد ۱۳۲، گوش دهد ۱۳٦

~: فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (۷۲: ۹)
بنیوشد ۱، گوش فادارد ٦، گوش فرا دارد ۱۹، بشنود ۳۹، بشنود و گوش دارد ٥٦، گوش باز دآرد ۱۰۰

يَسْتَمِعُونَ: وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ (۱۰: ٤۲)
می نیوشند ۱، گوش می دارند ۳، مَی فانغوشد ۱۰، گوش دارند ۱۳، گوش دارد ۲٤، نیوشیدن خواهند ۲۷، گوش وامی کنند ۲۹، همی بشنوند ۳٤، گوش فرا دارد ۳۸، گوش نهند ۳۹، گوش می دارَند ٥۳، گوش می دارَند ٥٥، فرا می نیوشند ٥۹، گوش باز می دارد ٦۳، گوش می کنند ۷٦، گوش دآرند ۹٤، گوش بازمید آرد ۱۰۰، گوش بازمیکنند ۱۰۳، گوش بازمیدارد ۱۰٦، نیوشه می کنند ۱۰۹، گوش فرادارند ۱۱۲، گوش میکند ۱۱۸، گوش فرامیدارد ۱۲۱، گوش می اندازند ۱۲۷، گوش میدهند ۱۳٦

~: نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ (۴۷:۱۷)
همی گوش دارند ۲، می شنوند ایشان ۲۴، گوش بازمی کردند ۴۲، گوش هَمی دارَند ۵۳، گوش دارند ۵۷، گوش میدارند ۵۸، بشنودند ۶۱، همی شنوند ۶۲، گوش بازمی دارند ۶۳، گوش بازمیدارند ۹۳، اشنوند ۹۴، باز گوش فرامیدارند ۱۰۶، گوش فرامیدارند ۱۱۱، گوش میکنند ۱۱۳، گوش بازمیداریم ۱۳۴

~: ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (۳۹:۱۸)
بشنوند ۲۴، فراشنوند ۳۴، همی شنوند ۳۸، میشنوند ۸۷

~: وَإِذْ صَرَفْنَآ إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقُرْءَانَ (۴۶:۲۹)
می نیوشیدند ۱، همی شنودند ۱۷، می شنودند ۲۴، همی گوش داشتند ۳۰، بدز دیده می شنیدند ۶۱، شنیدند ۸۷، گوش بازمیداشتند ۱۰۰، گوش میکردند و شنیدند ۱۱۳، می شنیدند ۱۱۴، گوش دادند ۱۳۶

~: أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ (۵۲:۳۸)
همی گُوش دارند ۲، گوش همی دارند ۳۰، می شنوند ۳۴، همی گوش دارند ۳۸، نغوشه کنند ۴۹، گوش می دارند ۵۱، همی نغوشند ۱۰۹، گوش میدادند ۱۳۹

یَسْتَنْبِئُونَكَ: وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ (۱۰:۵۳)
همی پُرسَند ۲، آگاهی می جویند - می پرسند ۳، می پُرسَند ۱۰، همی پرسند ۱۳، می پرسند ۲۴، همی آگاهی پُرسَند ۵۳، آگاهی می خَواهَند ۵۵، آگاهانند ۶۱، آگاهی می خواهند ۸۰، آگاه می خواهند ۹۱، میپرسند ۱۲۰، بیا گاهانند ۱۲۱

یَسْتَنْبِطُونَهُ: لَعَلِمَهُ ٱلَّذِينَ يَسْتَنۢبِطُونَهُۥ مِنْهُمْ (۴:۸۳)
می بیرون آرند ۱، بیرُون آرند ۲، بیرون آرند ۳، مَی سخن کَشَند و بُرس و پژوه کُنند ۱۰، بیرون می آرند ۳۹، بیرون دانَند - آوُردَن ۴۲، همی بیرون آرند ۴۵، بیرون رانند ۵۲، بیرُون آرَند ۵۳، بیرُون آرَند ۵۵، بنوبیرون آوردندی ۵۷، بیرون می گیرند ۵۸، نگاه می دارند ۶۰، بفهم بیرون آرند ۷۸، بیرون توانندی آوردن ۸۲، بیرون آوردند ۸۸، بیرون توانستندی آورد ۱۰۲، بیرون دانند آوردن ۱۰۵، همی آرند بیرون ۱۱۲، بیرون آورند ۱۲۴

یَسْتَنْقِذُوهُ: وَإِن يَسْلُبْهُمُ ٱلذُّبَابُ شَيْـًٔا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ (۲۲:۷۳)
رهانند - توانند رهانیدن ۳، باز توانند ستدن ۱۲

★ لایَسْتَنْقِذُوهُ: لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ (۲۲:۷۳)
نیستانند ۱، نتوانید رَهانیدن ۲، بنرهانند ۲۹، نتوانند رهانیدن ۳۰، نتوانند باز استانند ۳۴، باز نتوانند استد ۳۸، نتوانند بازستدن ۴۱، نتوانند ستدن ۴۲، نه رها توانند کَرْدَنْ ۵۳، بازنتوانند ستد ۵۸، نتوانند بازستانند ۶۴، نرهانند ۶۹، بازنتوانند ستدن ۷۶، نه رانند - نتوانند رهانیدن ۸۰، نتوانند که رهانند ۸۶، بازنتوانند داشت ۸۷، بنتوانند رسانیدن ۸۹، نه رهاند - نتواندش رهانیدن ۹۱، نتوانند رهانید ۱۰۰، نتواند ستدن ۱۰۵، نمیتوانند رهانید ۱۱۱، نتواند برهانند ۱۲۲، بنتوانند رهانیدن ۱۳۸

یَسْتَنْکِحَهَا: إِنْ أَرَادَ ٱلنَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً (۳۳:۵۰)
بزنی کند ۱، بزن کند ۳۸، بَزَنی کُنَدْ ۵۳، بخواهد ۶۱، بزنی خواهد ۱۱۴، بَزَني کند ۱۱۹

یَسْتَنْکِفَ: لَّن يَسْتَنكِفَ ٱلْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ (۴:۱۷۲)
ننگ دارد ۱، ننگ دارد ۲، ننگ دارَد ۲، ننگ دارَد ۵۵، ننگ آرد ۶۱، ننگدارد ۸۰، ننگداشت ۸۰، ننگ د آرد ۱۰۰، تنگ دارد ۱۱۸، ننک دارد ۱۱۹، سرباززنند ۱۳۰، ننگ میدارد ۱۳۵، ننگ داشته باشد ۱۳۶

★ لَنْ يَسْتَنْكِفَ: لَّن يَسْتَنكِفَ ٱلْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ (۱۷۲:٤)
ننگ ندارد ۱، تَنگ ندارد ۲، هرگز ننگ ندارد ۳، هَیچ ننگ ندارد ۱۰، ندارد ننگ ۲٤، ننگ ندارَد ٤۲، ننگ نداشت ٤۳، ننگ ندارد ٤٥، هرگز ننگ نداشت ٥۸، هرگز ننگ نارد ٦۱، تنگ ندارد و نداشت ۷۸، تَنگ نه دَارد ۸۸، هرگز نه ننگ داشت ۹۱، ننگ ند آرد ۹٤، هرگز ننگ ندارد و نداشت ۹۸، ننگ ند آشت ۱۰۰، نه ننگ دارد ۱۰۷، سرباز نمی زند ۱۲۰

يَسْتَهْزِئُ: ٱللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ (۱٥:۲)
فُسوسْ نماید ۲، افسوسْ کُند ٥۰، آفسُوس دَهَد ٥٥، افسوس دارد ٦۰، افسوس نماید ٦۲، فسوس کند ۹۰، پاداش فسوس دهد ۹۱، افسوس کننده است ۹٤، افسوس میدهد ۹٦، فسوس بکند ۹۸، افسوس میکند ۹۹، فسوس میدارد ۱۰۰، فسوس دهد ۱۰۷، فسوس دارد ۱۰۹، افسوس میدارد ۱۱۲، پاداش کند افسوس کردن را ۱۲٤، رسوا کند ۱۳٦

يُسْتَهْزَأُ: إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا (۱٤۰:٤)
اوسوس کرده شهد ۱، فسوس کرده شود ۳، افسوس دارند ۱۰، افسوس دارند ۲۷، فسوس کنند ۲۹، افسوس کردند ۳۱، فسوس می کنی ٥۳، افسوس کنند ٥۷، افسوس کند ٦۹، افسوس کرده اند ۷٥، افسوس می دارند ۷٦، افسوس کرده شود ۸۰، افسوس داشته شود ۱۰۰، خندستان کنند ۱۰۲، فسوس میدارند ۱۰۳، افسوس همی کنید ۱۰۷، افسوس همی کنند ۱۲۱

يَسْتَهْزِءُونَ: يَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٥:٦)
می اوسوس کردند ۱، همی فسوس کردند ۲، افسوس کنان ۹، همی افسوس د د ند ۲٦، آفسُوس می کَردند ٤۲، آفسُوس کنند ٥۳، فسوس همی کردند ۸۲، فسوس کردندی ۱۰۳

~: مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۱۰:٦)
افسوس کنند ۹، افسوس کردند ۲٦، می فسوس کنند ٥۳، فسُوس همی کردند ۸۸، فسوس میداشتند ۱۰۳، افسوس می نمودند ۱۰٤

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۸:۱۱)
افسوس می داشتند ۲۹، فسوس کنندگان ٤۳، فسوس می دارند ۷٦، افسوس میدارند ۱۰۳

~: وَمَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۱۱:۱٥)
آفسُوسْ کنند ٥۳، فسوس میکردند ٦۱

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۳٤:۱٦)
فسُوسْ کردنْد ۲، آفسُوس همی کَردَنْد ٥۳، افسوس میداشتن ٥۹، افسوس داشتند ۷٦

~: مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٤۱:۲۱)
آفسُوس کَردَند ٥۳، فسوس کردند ۸۰

~: فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٦:۲٦)
افسوس می کنند ٤٦، افسوس همی کنند ٥۳، افسوس میکنند ۸۷

~: وَكَانُوا۟ بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ (۱۰:۳۰)
همی فسوس کردند ۲، فسوس می کردند ۳، می افسوس کنند ۳٤، خندستانی می کردند ٤۷، افسوس میکردند ٥۸، خندندگان ٦۱

~: مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۳۰:۳٦)
افسوس می کردند ۳، افسوس کنندگان ۲۲، افسوس داران ٤۱، می خندیدند ۹٦، افسوس داشتندی ۱۲٦

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٤۸:۳۹)
افسوس کنان ۲۲، افسوس کرده باشند ٦٤، فسوس مینمایند ۱۰٤

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳:٤۰)
می افسُوس کردند ۲۲، افسوس همی کنند ۹٦

ریشخند می کردند ١٣٦

~:وَمَايَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٧:٤٣)
افسوس کنندگان ٢٢، افسوس کردندی ٥٣، افسوس می کنند ٨١

~:وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٣٣:٤٥)
فسوس کردند ٢، افسوس همی کردند ١٦، فسوس کردند ٣٢، افسوس گران ٥٣، افسوس میداشتند ١٠٣

~:وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٢٦:٤٦)
می افسوس کردند ١٧، فسوس می داشتند ٥١، می فسوس کردند ٨٠، همی افسوس کردند ٨١

★ كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ: مَا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٥:٦)
ایشان افسوس می کردند ٣٩، بودند افسوس کنان ٤٥

~:مَا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (١٠:٦)
بوی فسوس می کردند ٣

~:وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٨:١١)
ایشان بودند فسوس کنندگان ٤٣، بوی می فسوس کردند ٥٥، افسوس میکردند ٦٧

~:وَمَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (١١:١٥)
بودند فسوس کنندگان ٧١

~:وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٣٤:١٦)
می بوی فسوس کردند ٣، ایشان بوی فسوس همی کردند ١٢٨

~:مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٦:٢٦)
ایشان بدان افسوس می کردند ٣٩

~:فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا مَا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٣٠:٣٦)
باشند فسوس کنندگان ٣٣

~:وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٧:٤٣)

بودند افسوس خورندگان ٦١

~:وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٣٣:٤٥)
بودند فسوس کنندگان ١٢٤

~:وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (٢٦:٤٦)
بودند افسوس کنندگان ٦١

يَسْتَوْفُونَ: ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكْتَالُوا عَلَى ٱلنَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (٢:٨٣)
بی کم و کاست ستانند ١٠٩، تمام ستانند ١١٣، افزون ستانند ١٢٤

يَسْتَوُونَ: لَا يَسْتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِ (١٩:٩)
باشند برابر ١١، برابر باشد ٣٦، برابر باشند ٥٥

~:فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُۥنَ (٧٥:١٦)
گراگرند ١، برابر باشند ٢، یکسان بوند ٣٠، همی برابر باشند ٣٩، یکسان بوند ٥٥، راست باشند ٥٧، یکسان هستند ٥٨، برابرند ٦١، برابر باشند ٦٢، یکسان می گردند ٩٢، راستست ١١٨، برابر هستند ١٢٦، یکسانند ١٣٦

~:أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُۥنَ (١٨:٣٢)
باشد برابر ٦١

★ لَا يَسْتَوُونَ: لَا يَسْتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِ (١٩:٩)
گراگرانیند ١، برابر ویکسان نباشند هرگز ١٠، راست نباشند ٢٤، نباشد برابر ٢٧، برابر نیستند ٤٩، برابر نباشد ٥٣، نباشند برابر ٥٦، برابر نباشد ٦٢، یکسان نیستند ٦٣، برابر نباشد ٧٤، یکسان و برابر نباشد ٧٩، برابر نباشند ویکسان ١٠٩، با یکدیگر برابر نیستند ١٢٦

~:أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُۥنَ (١٨:٣٢)
برابر نباشند ٢، نه برابر باشد ١٤، برابر نباشند ٣٠، برابر نه اند ٣٩، یکسان نباشند ٤٦، یکسان و برابر نباشند ٤٧، راست نباشد ٥٢، نه راست باشند ٥٣،

همسان نشوند ۵۸، یکسان نباشد ۱۳۶

یَسْتَوِی:لَّا یَسْتَوِی ٱلْقَـٰعِدُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِینَ (۹۵:٤)
برابراند ۳، باشد برابر ۹۰

~:قُل لَّا یَسْتَوِی ٱلْخَبِیثُ وَٱلطَّیِّبُ (۱۰۰:۵)
باشد برابر ۹۰

~:قُلْ هَلْ یَسْتَوِی ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِیرُ (۵۰:٦)
گراگربند ۱، بَرابَر باشد ۲، برابر بوند ۳، یکسان ۹، برابر هست ۲٦، برابر شوند ۳۰، برابر آید ٤۲، رَاست بَاشَدْ ۵۳، یکسانست ٦۳، راست باشد ۷٦، برابرست ۱۱۱، برابر هستند ۱۲۱، برابر ۱۲٤، برابر آید ۱۲۵

~:قُلْ هَلْ یَسْتَوِی ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِیرُ (۱٦:۱۳)
هست برابر ٤۳، یَکسان باشَدْ ۵۳، بَرابَر بُود ۵۵، یکسان و برابر باشد ۷۹، یکسان بود ۹٤، یکسان باشد ۱۰۰، یکسانند ۱۰٦

~:هَلْ یَسْتَوِی هُوَ وَمَن یَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ (۷٦:۱٦)
گراگر بهد ۱، یکسان باشد و برابر ۵۸، برابر آید ۵۹، همسان شود ۷۲، برابر میشود ۱۱٤

~:وَمَا یَسْتَوِی ٱلْبَحْرَانِ هَـٰذَا سَآئِغٌ شَرَابُهُۥ (۱۲:۳۵)
برابر باشند ٤۳، همسان باشند ٤۹

~:قُلْ هَلْ یَسْتَوِی ٱلَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَٱلَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ (۹:۳۹)
برابر بود ۲٤، هست یکسان ۳۳، یکسان باشند ۵٦، راست باشند ۱۰۵، برابرند ۱۱٤

~:وَمَا یَسْتَوِی ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِیرُ (۵۸:٤۰)
برابر است ۱۱٤

~:لَا یَسْتَوِی مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ ٱلْفَتْحِ (۱۰:۵۷)
برابر باشد ۲، برابر شود ۳

★ لَا یَسْتَوِی:لَّا یَسْتَوِی ٱلْقَـٰعِدُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِینَ (۹۵:٤)
گراگرنینند ۱، برابر نباشد ۲، یک سان و برابر نباشد ۱۰، راست نباشد ۲٤، یکسان نباشند ۲۷، هموار نباشند ۲۹، یکسان و برابر نشوند ۳۰، همسان نشوند ۳۹، نه بَاشد یَکْسان ۵۳، یَکسَان و بَرابَر نَشَوْند ۵۵، نباشد راست ٦۰، نه برابر شوند ٦۱، یکسان نیستند ٦۳، هموار نباشد ۹٤، یکسان نیستند ۱۰۰، نیستند یکسان ۱۰٦، نه برابر باشند ۱۱۲، نیستند برابر ۱۲٤، نباشند برابر ۱۲۹

~:قُل لَّا یَسْتَوِی ٱلْخَبِیثُ وَٱلطَّیِّبُ (۱۰۰:۵)
بَرابر نباشد ۲، برابر نیست ۳، برابر نه باشد ۱۰ مکرّر، نیست برابر ۲٤، برابر نباشند ۲٦، برابر نبهد ۳۷، نبود راست ٦۰، یکسان نیست ٦۳، یکسان نبود ٦۷، نباشد یکسان برابر ۷۲، نباشد راست ۷٦، یکسان نیست ۱۰۰، برابر نمی باشد ۱۱۵

~:لَا یَسْتَوِی مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ ٱلْفَتْحِ (۱۰:۵۷)
گراگر نیست[1] ۱، نیست یکسان ۲٤، نه برابر باشد ٤۹، راست نباشد ۵۱، نباشد برابر ۵٦، برابر و یکسان نبود ٦۷، یکسان نباشد ۸۱، یکسان و برابر نباشد ۱۱۳، برابر نشود ۱۱٤

~:لَا یَسْتَوِیٓ أَصْحَـٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصْحَـٰبُ ٱلْجَنَّةِ (۲۰:۵۹)
برابر نیستند ۹۹، برابر و یکسان نیستند ۱۳۰

★ مَا یَسْتَوِی:وَمَا یَسْتَوِی ٱلْبَحْرَانِ (۱۲:۳۵)
گراگرنینند ۱، برابر نباشد ۲، یکسان و برابر نمی شود ۳، نیست برابر ۲٤، نیست یکسان ۵٦، یکسان نشود ۵۸، یکسان و برابر نباشد ۱۳۰

~:وَمَا یَسْتَوِی ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِیرُ (۱۹:۳۵)
نبود یک سان ۲٤، یکسان نباشد ۲۹، نه اند برابر ۳۹، یکسان نیست ۸۹، برابر نیست ۱۰۳، یکسان

---

[1] گراگر نیست: برابر نیست.

نه اند ۱۳۲، نه برابر باشد ۱۳۹

~: وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ (۳۵: ۲۲)
نباشند راست ۲٤، نه اند یکسان ۳۹، یکسان نبود ۸٦، برابر نیستند ۹۲، برابر نمیشود ۱۱٤، یکسان نیستند ۱۳۸

~: وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (٤۰: ۵۸)
یکسان نمی بود ۳، نبود یکسان ۲٤، راست نباشد ٤۲، نباشد برابر ۵٦، برابر نشود ۵۸، یکسان نمی بوند ۹۱، یکسان نیستند ۱۰۰

* هَلْ يَسْتَوِي: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (۱۳: ۱٦)
هیچ برابر باشد ۳

~: هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ (۱٦: ۷٦)
هرگز یکسان باشد ۲

يَسْتَوِيَانِ: هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا (۱۱: ۲٤)
گراگربند ۱، برابر آیند این دو ۲، برابر باشند ۳، یکسان باشند ۷ مکرّر، باشند برابر ۲٤، برابر باشند هردو گروه ۲۷، یکسان شوند ۲۹، برابر بوند ۳۰، برابر ٤۱، برابر شوند ۵۵، هستند برابر ۵٦، راست باشند ۵۷ برابر آید ۵۹، برابر باشند ٦۲، برابر و یکسان باشند ٦۷، برابر شوند ۸۰، برابر بمانند ۹٦، برابر باشند این دو ۱۰۵، برابرنید ۱۱۱، یکسانند ۱۱٤، برابرند ۱۱٦، برابر هستند ۱۲۱، یکسان باشد ۱۲٦

~: هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ (۳۹: ۲۹)
برابر باشند ۲، برابرند هردو ٤۱، برابر باشد ٦۱، همسان شد ۷۳، یکسان بوند ۱۰٤، یکسان و برابر باشند ۱۳۰

لِيَسْتَيْقِنَ: لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ (۷٤: ۳۱)
بی گمان شوند ۳، بی گمان گردند ۲٤، بی گمان شوند ۵٦، بیگمان شوند ۱۱٤، بگمان شوند ۱۲٤، بی گمان شدند ۱۳۹

يَسْجُدَانِ: وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۵۵: ٦)
فرمان برداری کنند ۳۹، فرمان بردارند ۷۹، فرمان می برند ۱۰۳، گردن می نهند ۱۰۹، فرمان میبرند ۱۲۲

يَسْجُدُونَ: وَهُمْ يَسْجُدُونَ (۳: ۱۱۳)
سربر زمین می نهند ۳، نماز کنانند ۲٤، نماز میکنند ۲۹، نماز همی کنند ۳٤، نماز می کنند ۵۸، نماز کنند ۱۰۱، نماز میگزارند ۱۰٤

~: وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ (۷: ۲۰٦)
سربر زمین نهند ۱۱٤

~: يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۲۷: ۲٤)
میپرستید ۱۱۱

* لَا يَسْجُدُونَ: وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۸٤: ۲۱)
فروتنی نمی کنند ۱۱٦

يُسْجَرُونَ: ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (٤۰: ۷۲)
می تافته شند ۱، پر کرده شوند ۳، افکنند شان ۱۵، افکنند شان و بتاوند شان ۲۲، همی سوزند ۲٤، می سوزند شان ۲۹، بسوزانند شان ۳۰، تافته شوند ۳٦، همی آرند شان ۳۹، افروخته شوند ٤۳، همی تابند شان ۵٦، افروخته می شوند ٦۱، رانده شوند ۸۷، بسوزانند ایشانرا ۸۹، می تابند ۹۰، بیندازند شان ۹۲، می سوزاند ایشانرا ۹٤، تابانیده شوند ۱۰۰، تافته می شوند ۱۰۲، تابانند شان ۱۰٤، بیفشانند شان ۱۰۸، سوزانیده شوند ۱۰۹، سوخته و بریان سازند ایشانرا ۱۱۱، گردند بهیمه دوزخ ۱۱۳، سوخته و بریان شوند ۱۲۰، تابیده گردند ۱۲۲، بتابند ۱۲٦، بتابانند ۱۳٤، همیسوزند ۱۳٦

يُسْجَنَ: إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۲: ۲۵)
در زندان کرده شهد ۱، بزندان کنند ۲٤، در زندان کنندش ۲۹، در زندان کرده شود ۳۰، بزندان کند ٤۱، بزندان کنند او را ۵۳، درزندان

کَردَه شود ۵۵، بزندان کنند اوا ۵۷، زندان کرده شود ۵۸، در زندان کنند او را ٦۳، در زندان بازداشته شود ٦٤، در زندان کُنند ۷٦، در زندان کنند ۸۹، بزندان کنندش ۹٤، زندان کنند ۱۰٦، بزندان کرده شود ۱۰۹، در زندان شود ۱۳٦

لَیُسْجَنَنَّ: لَیُسْجَنَنَّ وَلَیَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِینَ (۱۲:۳۲)
در زندان کرده شهد ۱، در زندان کرده شود هر آینه هر آینه ۳ و ۸۰، در زندان کنندش ۲۹، در زندان افکنده شود ۳٦، در زندان کنند او را ٤۱، در زندان کرده شود ٤۲، بازداشته گردد ۵۲، زندان کرده‌اید ۵۳، دَر زِندَانْ کَردَه شوَد ۵۵، بزندان کرده شود ۵۸، اندر زندان کنند ٦۲، در زندان کنیم او را ٦۳، زندان کرده شود ٦٤، بَزندان کُنند ۷٦، در زندان کرده شود ۸۹، بازداشت گردد ۱۰۵، هر آینه بزندان میکنم ۱۲۰، بزندان کنند ۱۲٤، بزندان داشته گردد ۱۲۸، در زندان شود ۱۳٦

لَیَسْجُنُنَّهُ: ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآیَاتِ لَیَسْجُنُنَّهُ (۱۲:۳۵)
زندان کنیم ۱، بزندان کُنَنْد ۲، بزندان کنندش هر آینه هر آینه ۳، در زندان کرده شود ۳۰، در زندان کنند ٤۲، زندان کنند ۵۳، بَزندأن کُنَند ۷٦، در زندان کردند ۸۹، بزندان کردند ۹۲، در زند آن کنند ۱۰۰، بزندان کند ۱۰۵

یُسْحَبُونَ: وَالسَّلَاسِلُ یُسْحَبُونَ (٤۰:۷۱)
می کشیده شند ۱، همی کشنْد شان ۲، کشیده شوند ۳، همی کشنْد ۲۲، همی کشند ۲٤، می کشند شان ۲۹، بکشند ٤۳، می کشند ایشان را ۵٦، کشیده می شوند ۵۸، میکشند ایشانرا بروی ٦۷، می کشند ایشانرا ۸۱، می کشند شانرا ۹۲، کشند ایشانرا ۱۰۰، کشیده میشوند ۱۰۲، کشابَند شان ۱۰٤، برروی کشیده شوند ۱۰۹، بدارند ایشانرا ۱۱۷

~: یَوْمَ یُسْحَبُونَ فِی النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ (۵٤:٤۸)
همی کشند شان ۲، کشند شان ۲٤، بکشند شان ۲۹، بکشند ایشانرا ۳۰، میکشند ایشانرا ۵۱، کشیده شود ۹۲، تابانیده شوند ۱۰۰، کشنده شوند ۱۱٤، بازدارند ایشانرا ۱۱۷، کشیده شوند ۱۲۲، می کشند ۱۲٤

فَیُسْحِتَكُمْ: فَیُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ (۲۰:٦۱)
نیست کند ۱، اَزبیخ بَر کند ۲، براندازد ۳٦، بسوزد ۳۸، بَر کند ٤۱، بگیرد ٤۳، برسد ۵۲، از بیخ بر کند ٦۱، بیخ و بنیاد شما را براندازد ٦٤، از بن و بیخ بر کند ٦۹، نابود کند ۱۲۱، نیست گرداند ۱۲۲

یَسْخَرْ: لَا یَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ (٤۹:۱۱)
افسوس کند ۸۱، افسوس کنید ۱۱۹

★ لَا یَسْخَرْ: لَا یَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ (٤۹:۱۱)
اوسوس مکنند ۱، فسوس مکنید ۲، مه فسوس کندا ۳، خندستانی مکنند ٦، مکنید افسوس ۱۷، فسوس مکنند ۳۰، فسوس مکندا ۳۹، مداریت افسوس ٤۱، افسوس مکنید ٦۱، باید که فسوس ندارد ۸٦، افسوس نکند ۹۹، خندستان مکن گو ۱۰۲، فسوس نکنند ۱۰۳، فسوس ندارد او خندستان مکندا ۱۰۹، باید افسوس ندارد ۱۱۳

یَسْخَرُونَ: وَیَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا (۲:۲۱۲)
افسوس می کنند ۳، مَی افسوس کُنند ۱۰، فسوس میکنند ۳٦، می افسوس کنند ٤۰، اَفسُوس می کُنَند ٤۲، فسوس همی کنید ۵۳، اَفْسُوس می کردند ۵٦، فسوس همی کنند ۸۲، افسوس کند ۹۰، فُسُوس همی کنند ۹٤

~: فَیَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ (۹:۷۹)
فسوس می کنند ۳، همی افسوس کنند ۱۱، فسوس کنند ٤۳، فُسُوس مِی کُنند ۵۵، افسوس می کردند ۵٦، افسوس میکنند ۵۸، فسوس کنند

ایشان ٦١، فسوس می دارند ٧٦، افسوس میدارند ١٠٠، فسوس همیکنند ١٠٩

~: بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (١٢:٣٧)
می اوسوس کنند ١، ایشان همی فسوس کنند ٢٢، افسوس می دارند ٢٩، همی فسوس کنند ٣٠، ایشان فسوس میکنند ٣٣، ایشان افسوس می کنند ٣٩، افسوس همی کنند ٥٧، افسوس کنند ٦١، فسوس میدارند ٨٦، اوشان افسوس دارند ٩٦، ایشان افسوس میکنند ١٠١، فسوس دارند ١١٤، افسوس دارند ١٢٥، خندستانی می کنند ١٣٨

يَسْخَطُونَ: وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (٩: ٥٨)
درخشم شند ١، خشم گیرند ٢، ناخشنود شوند ٣، خشم گیرند، بشخش بنه پسندند ١٠، بخشم آیند ٢٤، خشم می گیرند ٣٤، خشم کنند ٣٦، درخشم شوند ٣٩، درخشم می شوند ٤١، ناپسند کنند ٤٩، خشمی همی گیرند ٥٣، ناخشنود شوند ٥٥، درخشم آیند ٩٠، خشمناک باشند ١٠٠، ناخشنودی نمایند ١٠٤، خشمگین شوند ١٠٩، خشم گین شوند ١١١، خشم میکنند ١١٤، خشمناک شوند ١١٦، خشمناک می شوند ١٢٢، خشم می کند ١٢٤، ناخشنودی می نمایند ١٢٦

يَسْرِ: وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (٨٩: ٤)
بروند ١، اندر آید ٢٤، برود ٢٩، برود و اندر آید ٥٣، بپایان آید ١٠٤، بگذرد ١٢٠، بپایان رسد ١٣٢

الْيُسْرَ: يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ (٢: ١٨٥)
آسانی ٢، آسانی ٣، آسانی ٤٢، آسانگی ٩٩، آسانی ١٣٨

يَسِّرْ: قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (٢٠: ٢٦)
آسان کن ١، آسان کن ٢، آسان بکن ٣٤، آسان گردان ٣٦، بآسان کن ١٠٥

يُسْرًا: وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (١٨: ٨٨)
آسانی ١، آسانی ٢، آسان ٣، نیکوی ٢٤، نیکویی ٤٢، سبکی ٥٣، آسانی ٥٥، آسانی و سبکی ٥٨، آسان ١٠٠، فرمان نیکو ١٣٩

~: فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (٥١: ٣)
آسان ١٧

~: وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (٦٥: ٤)
خواری ٢٩، آسانی و گشایش ٤٩، آسانی ١٠٠

~: سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (٦٥: ٧)
توانگری ٢٤، فراخی ٣٠، فراخی و آسانی ٤١، آسانی و فراخی ١٠٩، آسانی وتوانگری ١١١

★ لَا يُسْرِفْ: فَلَا يُسْرِف فِّي الْقَتْلِ (١٧: ٣٣)
توهی[1] مکن ١، گزاف کاری مکندا ٣، گزاف کاری مکنند ٣٠، افزونی مکناد ٥٣، گزاف کاری مکندا ٥٥، گزاف کاری نکند ٥٧، گزافه کاری مکندا ٨٠، درمگذردا ١٠٩، اندر مگذران ١٢٨

★ لَمْ يُسْرِفُوا: وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا (٢٥: ٦٧)
توهی نکنند ١، نه گزاف کاری کنند ٢، گزاف نکنند ٤٧، گزاف کاری نکنند ٥٦

يَسْرِقْ: قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ (١٢: ٧٧)
دزدی کرد ١، بدزدد ٢٩، دزدد ٥٥، بدزدید ٥٧، دزدید او ٦١، دزدی کند ٦٢، دزدی کند ٧٦، دزدد ٨٠، دزدی میکند ١٣٦

يَسْرِقْنَ: يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ (٦٠: ١٢)
دزدی کنند ٣، دزدند ٦١

١. توهی: تباهی، گزاف کاری.

★ لَا يَسْرِقْنَ: يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْـًٔا وَلَا يَسْرِقْنَ (١٢:٦٠)
دزدی نکنند ١، دُزدی نکُنند ٢، نکنند دزدی ٢٤، دزدی مکنید ١٠٦، دزدی نکند ١٢١

يَسَّرْنَا: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (١٧:٥٤)
آسان کردیم ١، آسان بکردیم ٢٤، آسان کرده‌ایم ٦٤، آسان کردیم ما ٨٩، آماده کردیم ١٣٢

~: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (٢٢:٥٤)
آسان گردانیدیم ٢٥، آسان بکردیم ما ٢٩، گردانیدیم آسان ١٠٣

~: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (٣٢:٥٤)
آسان ساختیم ١٠٣

~: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (٤٠:٥٤)
آسان گردانیم ٣٠، ما آسان کردیم ٦٤، آسان گردانیدیم ما ٧٩

يَسَّرْنَاهُ: فَإِنَّمَا يَسَّرْنَٰهُ بِلِسَانِكَ (٩٧:١٩)
آسان کردیم ١، ما آسان گردانیدیم ٢، آسان کردیم ما ٢٤، آسان بکردیم ٢٩، آسان گردانیم ٣٠، ما آسان کردیم ٤٢، سُبک گردانیدیم ٥٣، آسان گردانیدم ٨٧، آسان گردانیدیم ما ١٠٠، ما آسان گردانیم ١٠٨، آسان کنم ١١٤، آسان گردانیده‌ایم ١١٦

~: فَإِنَّمَا يَسَّرْنَٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٥٨:٤٤)
آسان کردیم ٣٢، ما بآسان کردیم ٤٢، اسان کَرْدِیمْ ٥٣، آسان کردیم ما ٥٦، آسان گردانیدیم ما ٦١، اسان کردیم ٦٩، آسان گردانیدیم ٩٢، آسان گردانیدیم ما ١٠٠، آسان کنیم ١١٤

يَسَّرَهُ: مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ (٢٠:٨٠)
آسان کرد ١، آسان گَردانید ٢، خواربکرد ٥١، آسان گردانید ١٠٠

يُسِرُّونَ: أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (٧٧:٢)
پنهان می کنید ٣، نهان می کُنید ٤، پنهان گویند ١٠، پنهان دارند ایشان ٢٩، نهان می گوئید ٣٦، پنهان کنید ٥٠، پنهان میِ دارَند ٥٥، پنهان می کنند ٥٧، پنهان میدارند ٦١، پنهان گویند ٦٣، پنهان میکنند ٦٤، بازمی پوشند ٩٥، پنهان میکند ٩٨، پوشیده میدارند ١٠١، پنهان میدارد ١١١

~: يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (٥:١١)
می پنهام کنند ١، پنهان می دارند ٣، پنهان دارند ١٣، می پوشند ٣٩، پَنهان می کُنند ٥١، پَنهان می دَارَند ٥٥، پنهان کنی ٦٠، نهان میدارند ٦١، پوشیده دَارَند ٦٢، پنهان می د آرند ٩٤

~: لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ (٢٣:١٦)
نهان کنند ٣٨، نهان دارند ٦١، پنهان همی کنند ٦٢، پنهان میکنید ١١٣، میپوشند ١١٤، نهان میکنید ١٢١

~: فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ (٧٦:٣٦)
پنهان کنند ٢٢، راز گویند ٣٣، پنهان همی کنند ٣٨، نهان می کنند ٤١، درنهان می کنند ٨٠، نهان میکنند ١٣٠

لِلْيُسْرَىٰ: وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ (٨:٨٧)
آسانی ١، آسان کردن ٢٤، خوارتر ٢٩، آسان ترین ٣٠، آسان ٨٩، آسانی ١٠٠

~: وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلْيُسْرَىٰ (٧:٩٢)
کارخوارتر ٢٩، آسان تر ٩٦، آسانتر ١٢٠

يَسْطُرُونَ: نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (١:٦٨)
می نویسند ١، همی نبیسَند ٢، همی نبیسند ١٩، همی نویسند ٣٠، بنوشتند ٤٣، می نبیسند ٥٢، نبشتند ٦١، نویسند ٦٤، بنویسند ٩٠، مینویسند ١١١، می نگارند ١١٥

يَسْطُونَ: يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا (۷۲:۲۲)
انڈر افتنْد ۲، گیرند ۳، اندر افتند ۱۲، بزنند ۲٤، اندر جهند ۳۰، اندر افتد ۳٤، برجهند و درافتند ٤۱، برجهند ٤۸، اندر جَهَنْد ۵۳، چنگ درزنندی ٦٤، درافتادندی ٦۹، درافتند ۷۹، دراوفتند ۸۸، دستها بگشایند ۱۱۱، برجهند و از روی خشم بگیرند ۱۱٦، بانگ بزنند ۱۲۰، برسند ۱۲۱، درآویزند ۱۳۸

يَسْعَوْنَ: وَيَسْعَوْنَ فِي ٱلْأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓا (۵: ۳۳)
می روند ۱، بکُوشند ۲، بکوشند ۱۰ مکرّر، بروند و کار کنند ۲۷، تلاش میکنند ۳۷، بشتابند ۳۸، مِی کُوشَند ۵۵، میروند ٦۱، همی بروند ۸٤، شتابند ۱۱۱، میگشتند ۱۲۹

~: وَيَسْعَوْنَ فِي ٱلْأَرْضِ فَسَادًا (۵: ٦٤)
همی کُوشند ۲، می کوشند ۳، همی کوشند ۱۰ مکرّر، می روند - کار می کنند ۲۷، همی دوند ۲۹، می شتابند ۳٦، هَمی رَوَنْد ۵۳، می شتآبند ۱۰۰، شتابی میکنند ۱۰۵، همیروند ۱۱۲، میشتابند ۱۱۸، میکوشند ۱۲۰، میدوند ۱۲۲، شتاب می کنند ۱۲۵

~: وَٱلَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ (۳٤: ۳۸)
همی روند ۱۸، برفتند ۲۲، بروند ۳۸، کار می کنند ۳۹، روند ٤۲، پوییدند ٦۹، همیگویند ۱۰۸، کوشش کنند ۱۳۲

يَسْعَىٰ: وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا ٱلْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ (۲۸: ۲۰)
می شتافت ۳، همی دوید ۲٤، می تاخت ٤۲، همی بشتافت ٤۷، شتابان ٦۱، بشتاب ۷٦، می دود ۹۰، شتاب میکرد ۱۰۳، میشتافت ۱۱۱

~: وَجَآءَ مِنْ أَقْصَا ٱلْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ (۳٦: ۲۰)
می رفت ۱، دوان ۳، همی رفت ۲۲، همی شتافت ۳۰

~: يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ (۵۷: ۱۲)
می رود ۱، همی تابد ۲٤، برود ۵٦، می شتابند ۸۷، شتابد ۱۰۰، میرود ۱۰۲

~: نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَٰنِهِمْ (٦٦: ۸)
همی رود ۲، می شتابد و میرود ۱۰۳، همیرود ۱۰۸

~: فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ (۷۹: ۲۲)
برفت ۳۹، می دوید ٦۱

~: وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسْعَىٰ وَهُوَ يَخْشَىٰ (۸۰: ۸)
می دوید ۲٤، می شتابد ۵۱، می شتابد ۵٦، کارکند ٦۱، می کوشد ۱۱٤، میشتابد ۱۱٦

يَسْفِكُ: مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ ٱلدِّمَآءَ (۲: ۳۰)
بریزد ۲، بریَزَد ۱۰، بریزند ۲٤، ریزد ۳٦، ریزَد ۵۵، ریزند ۹٦

يَسْقُونَ: وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ ٱلنَّاسِ يَسْقُونَ (۲۸: ۲۳)
می آب دادند ۱، آب می دادند ۳، آب همی دادند ۳۰، آب می کشیدند ٤۳، آب همی دَادَنْد ۵۳، آب دادند ٦۱، آب میدادند ۹٦، آب میدهند ۱۰۳، همی آب دادند ۱۳۹

يُسْقَوْنَ: وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا (۷٦: ۱۷)
آب داده شوند ۳، بدهند شان ۲٤، بخورانند ایشانرا ۳۰، بخورانند ۸۸، آشامیده شوند ۱۰۳، باخورد داده شوند ۱۱۳، آب داده میشوند ۱۱٤، آب داده شد ۱۲۱، سیرآب شوند ۱۳٦

~: يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ (۸۳: ۲۵)
بخورانند شان ۲، بدهند ایشانرا ۲۹، بخورانند شان ۳، آب دهند شان ۳۹، شراب می دهند شان ٤۱، خورانیده شود ٦۱، باخورد داده شوند ۷۹، درخورد داده شوند ۱۰۰، آب دهند ایشان را ۱۰٤، درخورد دهند ۱۰٦، خورانیده شوند ۱۰۹، باخورد داده شود ۱۱۳، آشامانیده شوند ۱۱٦، آشامانیده می شوند ۱۲۰، آشامیده میشوند ۱۳۰، سیراب

شوند ۱۳٦

يُسْقِي: أَمَّآ أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُۥ خَمْرًا (۱۲: ٤۱)
دهد ۱، بخوراند ۲، درخورد دهد ۲۹، بیاشاماند ٤۱، دَهَد ٥٥، بخوراند ٦۱، مَی دهَد ٦۲، رها کند ۷٦، باخورد دهد ۷۹، بدهد ۱۱۲، بیاشامد ۱۱۸، شراب دهد ۱۲٦

يُسْقَى: وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَآءٍ وَٰحِدٍ (۱۳: ٤)
آب داده شهد ۱، آب دهندش ۲، آب داده شود ۳، آب می دهند آن را ٥، آبش دهند ۲۹، آب داده میشود ۳٦، آبْ دَاده شَوَند ٥٥، آب دهند ٥۷، دهند آب ٦۲، آب داده شوند ٦۷، می پرورَد ۷٦، درخورد داده می شود ۸٥، آب داده باشد ۹۳، آب دهند او را ۹٦، آب داده می شود ۱۰٤، آب داده شده ۱۱۳، آب داده میشوند ۱۱٤، آب داده شوید ۱۲۰، همی آب دهد ۱۲۸

~: مِّن وَرَآئِهِۦ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِن مَّآءٍ صَدِيدٍ (۱٤: ۱٦)
بخورانندش ۲، بیاشامانند ٥، هاخورد او دهند ۲۹، می دهندش ٤۱، بخورانندش ٤۲، خورانیده شوند ٤۳، بدهند او را ٥۳، بچشانند ٥۹، داده شوند ٦۱، درخورد داده شود ٦۳، خورانیده شود ٦۷، بدهند ۷٦، باخورد داده شود ۷۹، خورد داده شود ۸٥، دهند ویرا ۹۳، آب دهند ایشانرا ۹٤، بخورانند او را ۹٦، بیاشامانند او را ۱۱۱، بدهندش ۱۱۲، باخرد داده شوند ۱۱۳، نوشانیده شود ۱۱٥، آشامانیده شود ۱۲۲، آشامانیده میشود ۱۳۰

يَسْقِينِ: وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (۲٦: ۷۹)
آب دَهد ۳، آب دهند ۲۰، آب می دهد ۳٦، شراب دَهَدْ ٥۳، آب میدهد ۸٦، بیاشاماند ۹٤، آب چشاند ۱۰۰، می آشاماند ۱۰۳، آب داد ۱۲۱، سیر آب گرداند ۱۲۹

لِيَسْكُنَ: وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (۷: ۱۸۹)
بیارامد ۱، آرام گیرد ۲۹، آرآم گیرد ۱۰۰

يُسْكِنِ: إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ (٤۲: ۳۳)
بیارامد ۳، بیاراماندْ ۳۲، آرام دهد ۳۹، آرامیده می کند ٤۱، بیاراماند ٤۲، بنشاند ٥۳

لِيَسْكُنُوا: أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا الَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ (۲۷: ۸٦)
بیارامند ۱، می آرامند ۲۱، بیارامد ۲٤، آرام گیرند ۲۹، آرام گیرید ٥۳، درآرامید ٥۸، بیارامید ۸۷، آرآم گیرند ۱۰۰

يَسْلُبْهُمُ: وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْـًٔا (۲۲: ۷۳)
برباید ۱، رباید ۳، بستاند ۳٤، دررباید ٤۲، بربایند ۱۲۰، بورباید ۱۲۸، درباید ۱۳۸

يُسَلِّطُ: وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُۥ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ (٥۹: ٦)
ورگمارد ۱، بگمارد ۲، برگمارد ۳، بگماشت ٦٤، چیره گرداند ۸۱، برسر می دارد ۹٦، برمی گمارد ۱۲٥

يَسْلُكُ: فَإِنَّهُۥ يَسْلُكُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦ رَصَدًا (۷۲: ۲۷)
براند ۱، بَراند ۲، درآرد و بگمارد ٦، اندرآید ۱۹، می گمارد ٤۱، درآید ٦۱، درمی آرد ۱۱۱، می رود ۱۲٦، راه کند ۱۳٦

يَسْلُكْهُ: وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِۦ يَسْلُكْهُ عَذَابًا (۷۲: ۱۷)
درآرد ۳، اندر رانند ۱۹، دربرد ۲۹، اندرآرد ۳۸، دَرشود ٤۲، درآورد ۱۰۰، راه نماید ۱۳٦

يُسْلِمْ: وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُۥٓ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ (۳۱: ۲۲)
نرم گیرد ۱، بسپارد ۲، سپارد ۳، پسندد ٤۲، فروگذارد ٤٦، ببرود ٤۷، بسپرد ٥۲، بُسْپارَدْ ٥۳، بنهد ٥٦، گردن نهد و بسپارد ٥۸، گردن نهد ۸۷، فرو نهد ۱۱۹، بازگذارد ۱۲۲، گردن نهاد ۱۲٤، بازدارد ۱۳۲، بگذارد ۱۳۹

يُسَلِّمُوا: وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (٤: ٦٥)
نرم شند ۱، بسپارند ۳، بَنهِ بِرَند اُو گردن نهند ...

گردن نهند ٢٤، گردن نهد ٣١، گردن نهادند ٣٨، گردن نهند ٤٢، بسپارند ٥٥، گردن بنهند ٥٦، گردن فرو نهند ٥٧، فرمان بردار باشند ٥٨، بسپارند گردنها ٨٢، تن دهند ١٠٩

يُسْلِمُونَ: تُقَٰتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ (١٦:٤٨)
نرم شند ١، گردن نهند ٣٠، گردن بنهند ٥٦، گردن نهيد ٩٢

يَسْمَعُ: كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ (٢:١٧١)
شنوند ١٠، شنود ٣٠، گوش دارد ٦١

~: اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَٰمَ اللَّهِ (٩:٦)
بيشند ١، بشنود ١٠، بشنوند ١٢٤

~: وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (٢١:٤٥)
شُنُود ٥٣

~: يَسْمَعُ ءَايَٰتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا (٤٥:٨)
مى شنود ٣، همى شنود ١٦، ميشنود ١٣٦

~: وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا (٥٨:١)
مى اشند ١، همى شنيد ٣٠، مى اشنود ٣٤، شنويد ٨٧، مى شنودند ١١٣، مى شنيد ١٣٨

★ لَا يَسْمَعُ: كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ (٢:١٧١)
نمى شنود ٣، نه شنوند و اندر نه ياوند ١٠، نه شنوند ٤٠

~: إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَٰأَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ (١٩:٤٢)
نيشند ١، نشنود ٢

~: وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (٢١:٤٥)
نيشنند ١، نشنوند ٥٨، نمى شنوند ١٣٥

يُسْمِعُ: إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ (٣٥:٢٢)
بيشنواند ١، بشنواند ٧، شنوا كند ٢٢، شنواند ٦١، بشنوانى ٨٧، مى شنواند ١٠٣، ميشنواند ١٢٢

يَسْمَعْهَا: ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا (٤٥:٨)
مى اشند ١، شنود ٣٢

★ لَمْ يَسْمَعْهَا: كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا (٣١:٧)
نيشنيد ١، نه اشنيد ١٤، نشنيدى ٣٠، نمى شنوند ٦١، نشنيده است ٦٢، نمى شنودى ٦٤، هرگز نشنيده ١١١

~: ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا (٤٥:٨)
نيشنند ١، نشنُود ٢، نشنود ٢٢، نشنيد ٣٩، نشنيدست ٥٦، هرگز نشنيده است ٦٤، نشنيده ست ١١٣

★ لَا يَسْمَعُوا: وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا (٧:١٩٨)
گوش ندارند ٥٥، نشنوند ٦٣

~: إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ (٣٥:١٤)
نيشنند ١، نشنوند ايشان ٦١

يَسْمَعُونَ: يَسْمَعُونَ كَلَٰمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ (٢:٧٥)
بشنيدند ١٠، مى شنودند ٢٤، مى بشنيدندى ٢٩، مى شنيدند ٣٦، همى شنيدند ٣٨، شُنيدند ٥٥، همى بشنيدند ٦٢، بشنيدند ٦٣، ميشنيدند ١٠١، ميشنودند ١١١

~: إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ (٦:٣٦)
مى اشنند ١، شنوند ٣، گوش ميدارند ٦١، بشنويدند ٩٤

~: وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (٧:١٠٠)
شنيدندى ٢٤

~: وَلَهُمْ ءَاذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا (٧:١٧٩)
شنوند ايشان ٦١

~: أَمْ لَهُمْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا (٧:١٩٥)
فاشنوند ١٠

~: كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (٨:٢١)

شنیده باشند ۱۰، گوش دارند ٦١

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۱۰:٦۷)
گوش فرا دارند ٥١، میشنوند ۹۲، شنوید ۱۱۲

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۱٦:٦٥)
بشنوند ۲، سخن شنوند ٥۸، شنوندگان ۱۲٤

~: لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا (۱۹:٦۲)
اشنوندا ٥۹، اشنوند ۹٤

~: لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا (۲۱:۱۰۲)
اشنوند ٥۳

~: أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا (۲۲:٤٦)
می اشنند ۱، بشنود ۸۷

~: أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ (۲٥:٤٤)
می شنوند ۲۰، همی شنوند ٤۲، همی بشنوند ٦١

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۳۰:۲۳)
بشنوند ١٤، دریاوند پند ٤۷

~: يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (٥۰:٤۲)
گوش بازد آرند ۱۰۰

★ لَا يَسْمَعُونَ: وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۷:۱۰۰)
همی نشنوند ۲۷ نشنودندی ۲۹، فرانپذیرند پند ٥۳، نشنودند ٥۸، نشنیدندی ٦۳، فرانشنوند و نپذیرند ۸۸، درنمی یابند ۱۱۱، هیچ نشنیدندی ١٤۰

~: وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا (۷:۱۷۹)
نیشنند ۱، نمی شنوند ۲۹

~: كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۸:۲۱)
نشنیدند و نشنوند ٤١، همی نَشْنَوند ٥۳، نشنیدند ٥۸، نمی شنودند ۱۰٤

~: لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا (۱۹:٦۲)
نشْنَوند ٥۳، نه شنوند ۱۳۹

~: لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (۲۱:۱۰۰)
نشنوند ۲، سخن نیکو نشنوند ۱۲، هرگز نشنوند ٦٤، شنوا نباشند ۸٦، درنشنوند ۹٦، هیچ نشنوند ۱۰۳

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ (۳۲:۲٦)
نه اشنوند ١٤، فرانشنوند ٤۷، بنشنوند ٥۲، هیچ نمی شنوند ٦٤، نبشنوند ۹٦، به نشنوند ۱۰٥

~: بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (٤١:٤)
نمی اشنند ۱، فرانمی شنوند ۱۰۹، نمی شنوند ۱۳٦

~: لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (٥٦:۲٥)
نشنوند ۲

~: لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا (۷۸:۳٥)
نشنوند ۱۱۱

يَسَّمَّعُونَ: لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ (۳۷:۸)
گوش دارند ۳

★ لَا يَسَّمَّعُونَ: لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ (۳۷:۸)
گوش ندارند ۲، نه گوش کنند ۲۲، نتوانند گوش کردن ۲٤، گوش وانکنند ۲۹، گوش ندارند ۳۰، نمی شنوند و نمی شنوانند ٤١، نشنوند ٥٦، گوش فرا نتوانند داشت ۸٦، نمی توانند شنیدن ۹٦، نمی شنوند و گوش فرا نهادن ندارند ۱۰۳، گوش باز نتوانند داشت ۱۰٦، نیوشه نکنند ۱۰۹، نمیشنوند ۱۱۱، گوش ندارد ۱۱٤، گوش نتوانند داشت ۱۳۲

يَسْمَعُونَكُمْ: قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (۲٦:۷۲)
بشنوند ۲، شنوند ۲٤، شنوانند ۳۰، فراشنوند ٤۷، می شنوند ٥۸، اشنود ۹٤

يُسْمِنُ: لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۸۸:۷)
فربه بکردند ۳۰، فربه کند ۳٦، فربه شود ۹۰، فربه

بود ۱۰۲

لَا يُسْمِنُ: لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ (۷:۸۸)
فربه نکند ۱، نکند فربه ۲۴، فربه نشود ۶۱، فربه نگرداند ۱۰۴، فربه نکنند ۱۰۸، فربه نسازد ۱۱۶، فربه نمیکند ۱۲۰، سیر نخورد ۱۳۶

لَيُسَمُّونَ: لَيُسَمُّونَ الْمَلَٰئِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَىٰ (۲۷:۵۳)
می نام کنند ۱، همی نام کنند ۲، نام می کنند ۳، نام کنند ۲۴، نام می نهند ۲۹، همی نام نهند ۳۰، خوانند ۵۳، نام میکنند ۸۷، نام نهند ۹۶، نام می نهند ۱۰۰، نام همی دهند ۱۰۸، نام همی کنند ۱۰۹، مینامند ۱۲۲، می نامند ۱۳۲

لِيَسُوءُوا: لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ (۷:۱۷)
گست کنند ۱، اندوهگین کنند ۳، زشت کردند ۲۴، اندوهگن گرداند ۵۲، اندوهگن گردد ۵۳، اَندُوهگِین کُند ۵۵، زشت کند و اندوهگین کند ۵۶، دُژم کند ۵۷، زشت کنند ۵۸، اندوهگن کند ۶۲، برنجانند ۸۹، سیاه شود ۹۳، اندوهناک کند ۱۰۰، اندوه گین کنیم ۱۰۹، تیره سازند ۱۲۲، زشت کند ۱۲۶

يَسُومُهُمْ: مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (۱۶۷:۷)
بچشاند ۱، اندر خواهد ۲، چشاند ۳، رنج نماید ۲۹، بذو نماید ۳۵، بگیرد و داغ نهد ۴۱، درخواهد ۵۲، دشخواری رساند ۵۷، برنهد ۵۸، برنجاند ۶۳، می جنباند ۶۹، می رنجانند ۷۹، اندر خواهد ۸۳، رساند ۹۰، میچشاند ۱۰۲، می چشاند ۱۱۴، میچشانید ۱۳۶

يَسُومُونَكُمْ: يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (۴۹:۲)
می شکنجه کردند ۱۰، خواری می نمودند ۴۹، می بَرسانند ۵۳، مي چشانیدند ۵۵، همی درخواستند ۸۲، رنج رسانند ۹۰، می چشانی دند ۹۱، درمی چشانیدند ۱۰۰، شکنجه میکردند ۱۰۲، می رسانند ۱۰۹، برنج میرسانیدند ۱۱۱، میرسانیدند ۱۱۲، سختی می کردند ۱۱۴، برسانند ۱۲۱، همی اندرخواستند ۱۲۵، میچشانیدن ۱۳۰، نهادند ۱۳۵

~: يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (۱۴۱:۷)
می چشانیدند ۱، می چشانند ۲۷، رنج می نمودند ۲۹، همی برشمانهادند ۳۱، بدی می نمودند ۳۵، نشان می کردند ۴۱، همی اندرخواستند ۴۲، همی نَهادند ۴۵، مِی چشانیدَند ۵۵، می برنهادند ۵۷، می رنجانیدندی ۵۸، بچشانند ۶۱، میچشانیدیم ما ۶۷، رنج می رسانیدند ۹۰، منچشانیدند ۹۶، رنج و خواری میچشانیدند ۱۰۲، رنج میرسانیدند ۱۰۳، می چشاندند ۱۲۱، میجویند ۱۲۲، درخواستند ۱۲۴، همی اندرخواستند ۱۴۰

~: يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (۶:۱۴)
درمی خواستند ۵، رنج می نمودند ۲۹، می رسانیدند ۳۸، می چشاند ۵۲، همی نَهادَنْد ۵۳، مِی چشانیدَنْد ۵۵، برمی نهادند ۵۸، می رنجانیدند ۶۴، بچشانیدند ۶۷، همی بچشانیدند ۸۳، میرسانیدند ۱۰۰، میرنجانیدند ۱۱۱، میرساندند ۱۲۲، می نهادند ۱۲۴، می اندرخواستند ۱۲۸

يَسِيرًا: وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰:۴)
آسان ۱، آسان و سبک ۵۸، آسان ۶۱

~: وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۶۹:۴)
آسان ۱۰۰

~: ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (۴۶:۲۵)
اند ک اند ک ۴۷، اسان ۵۳، سبک ۵۸

~: وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (۱۴:۳۳)
اند ک ۲

~: وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۹:۳۳)
اسان ۶۹، آسانگی ۹۹

~: فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸:۸۴)
آسان و اندک ۵۶

یَسیرٌ: وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ (۱۲: ۶۵)
خجاره ۱، اندک ۳، اندک ۵۵

~: إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۹:۲۹)
آسان ۲۴، آسان ۴۳، اسان ۵۳، آسان ۵۸

~: ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (۴۴:۵۰)
آسان ۱

یُسَیِّرُکُمْ: هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ (۲۲:۱۰)
می راند ۱، براند ۲، روان می کند ۳، براند ۱۳، می برد ۲۹، همی راند ۳۸، می راند ۴۱، همی برد ۵۳، روان کند ۵۵، بگرداند ۶۱، میراند ۶۷، می دواند ۷۶، روانه می کند ۷۹، روان همی کند ۸۸، ببرد ۹۰، میگرداند ۱۰۳، روان گرداند ۱۰۹، روانه میگرداند ۱۱۳، روان کند ۱۱۴، روان میکند ۱۲۹

یَسیرُوا: أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا (۲۱:۴۰)
همی روند ۱۵

★ لَمْ یَسیرُوا: أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ (۱۲:۱۰۹)
بنروند ۱، بنه روند ۲۴، ترفتند ۵۵، همی نروید ۵۷، بنروید ۷۶، نمیروند ۹۳، نرفتید ۱۰۵

~: أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ (۴۶:۲۲)
همی نروند ۲، نروند ۲۴، نگشتند ۴۳، همی نرفتند ۵۶

~: أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا (۹:۳۰)
همی نروند ۲، همی نروند ۱۴، نمی روند ۲۹، نه روند ۴۶، نمی روید ۶۱، بنروید ۱۰۵

~: أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا (۴۴:۳۵)
نه رفتند ۳، همی نروند ۲۲، فرونرفتند ۱۳۲

~: أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا (۲۱:۴۰)
همی نه روند ۵۶، نرفته اند ایشان ۱۰۲

~: أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا (۸۲:۴۰)
نه می روند ۵۶

~: أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا (۱۰:۴۷)
نرفتند ۲، نروند ۲۲، بنه روید ۵۲، هیچ نرفتند ۸۱، نرفت ۱۳۸

یُسیغُهُ: يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ (۱۷:۱۴)
بگهاراند ۱، گوارد ۳، بگوارد ۵، بگوارایند ۲۹، گوارد ۵۵، فرو گذارد ۵۷، گوارنده بود ۶۲، فرو برد ۶۳، بگذراند ۹۳، بگلو فروبردن ۱۰۵، بگلو فروبرد ۱۱۳، سرد کردند ۱۲۸، گوارا باشد ۱۳۶

★ لایَکادُ یُسیغُهُ: وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ (۱۷:۱۴)
نگذرد فرو بگلو ۲۴، فرود نشود بگلو ۴۹

یَشاءُ: أَن يُنَزِّلَ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ (۲:۹۰)
خواهد ۲، خواهد ۵۵

~: قُل لِّلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ (۲:۱۴۲)
خواهد ۱۰، میخواهد ۶۱

~: وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ (۲:۲۴۷)
خود خواهد ۱۰، خواهد ۲۷

~: وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ (۲:۲۵۱)
خواست ۱، خود خواست ۲۷، خواست ۴۲

~: هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ (۳:۶)
خواهد ۱، خواست ۹۴

~: مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ (۶:۱۱۱)
خواستی یا خواهد ۵۸

~: وَمَا يَكُونُ لَنَا أَن نَّعُودَ فِيهَا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ (۷:۸۹)
خواسته باشد ۱۳۶، بخواهد ۱۴۰

~: يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ (٥٦:١٢)
خواهيم ١، خُواست ٢، ميخواست ٩٣

~: إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ (٧٦:١٢)
بخواستى ٢، خُواهد ٧٦، خواسته بود ٩٣

~: اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ (٢٦:١٣)
مى خواهد ٢٩

~: أَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا (٣١:١٣)
خهستى ١

~: يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِن مَّحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ (٣٤:١٣)
مى خهست ١، مى خواست ٦٤

~: لَّاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ (٤:٣٩)
خواستى ١

~: وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ (٢٧:٤٢)
مى خواهدْ ٣٢

يَشَاءُونَ: لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ (٣١:١٦)
مى خواهند ١، خُواهنْد ٢، بخواهند ٦١

~: لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ (١٦:٢٥)
خُواهند ٢، ميخواهند ٢٩

~: لَهُم مَّا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ (٢٢:٤٢)
خواهند ٣، خواهَند ٣٢، مى خواهند ٨١

~: لَهُم مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (٣٥:٥٠)
ايشان خواهند ٦

يُشَاقِّ: وَمَن يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٤:٩٥)
دشمن دارد ١١١

يُشَاقِقِ: وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ (١١٥:٤)
نبرد فَرمان ٧٦

~: وَمَن يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (١٣:٨)
نافرمانى كند ٤٢، دشمنى كند ١١٢

يَشَأْ: إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ (١٣٣:٤)
بخواهد ٢

~: مَن يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ (٣٩:٦)
بخُواهد ٢

~: إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ (١٣٣:٦)
بخواهد ٢

~: رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ (٥٤:١٧)
خَواهَدْ ٥٥، خواهد ٥٨

~: إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (١٦:٣٥)
خواهيد ١٣٨

يَشْتَرُوا: لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (٧٩:٢)
بر گزينند ٣، بخَرند ١٠، بخرند ٤٠، بفروشند ٤٣، خرد ٥٣، برگُزينَنْد ٥٥، بستانند ٦٤، خريدند ٩٤، فرا گيرند ١٠٠، بفروشند ١٣٦

يَشْتَرُونَ: وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (١٧٤:٢)
همى بخَرنْد ٢، مَى بَرگزينَند ١٠، بخريدند ٢٤، مى فروشند ٤٣، هَمى خرند ٥٣، مى بستانند ٦٤، همى بِخَرنْد ٩٤، فرا ميگيرند ١٠٠، همى بِخرند ١٠٧

~: إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ (٧٧:٣)
خرند ١، همى بخرند ٢، برمى گزينند ٣، بر گزينَند ١٠، برميگزينند ٢٨، مى بخرند ٥٨، فرا ميگيرند ٦٣، ميفروشند ١١١

~: وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ (١٨٧:٣)
مى خرند ١، همى بخرنْد ٢، خُويشتن را بر گزيدند ١٠، خويشتن را بر گزيدند ٤٠، ميخرند ٦١، خريد و فروخت كردند ٧٥، خريدن ايشان ٧٦، بستدند ٩٠، فرا گرفتند ١٠٠

~: لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (١٩٩:٣)
گزينند ٣، ستانند ٩٠

~: يَشْتَرُونَ الضَّلَٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ (٤٤:٤)
همی بخرند ۲، می برگزینند ۱۰، می خرند و می گزینند ۲۷، می پسندند و می خرند و می گزینند ۵۸، می خرند ۸۸، همی خورند ۱۱۹، همی خرند ۱۲۵

★ لَا يَشْتَرُونَ: لَا يَشْتَرُونَ بِـَٔايَٰتِ اللَّهِ (۳:۱۹۹)
نخرند ۱، نخرند ۲، بنخرند ۲۹، برنه گزینند ٤۰، نمی خرند ۵۸، بنه خرند ٦۲، فرانگیرند ٦۳، نخریدند ۸۸، نمی فروشند[1] ۱۱۹

يَشْتَرِي: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ (۳۱:٦)
می فروشد[1] ۱، می خرد ۳، همی خرد ١٤، بخرد ۳۰، بگرود ٤٦، می بخرد ٤۷، می بگزیند ۵۸، برگزیند ٦۱، همی بخرد ٦۲، فرا میگیرد ۱۱۰، میخورید ۱۱۳، می خرند ۱۲٤، فرا می گیرد ۱۳۸

يَشْتَهُونَ: وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ (۱٦:۵۷)
می آرزوا کنند ۱، آرزو کنند ۲، میخواهند ۲۹، آرزو می برند ۵۵، آرزو خواهند ۵٦، آرزو کنند ۵۷، آرزو میکنند ۵۹، می خواهند ٦۰، آرزو دارند ۱۱٦، میخواهید ۱۲۰

~: وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ (۳٤:۵٤)
آرزو می برند ۳، آرزو خواستند ۲٤، آرزو می کند ٤۱، ارزو همی کنند ۵۳، آرزو کردند ٦۱، آرزو می بردند ۸۰، آرزو خواهند ۸٦، خواستند ۹٦، آرزو کرده باشند ۱۰۰، آرزو میبرند ۱۲۱، آرزو میکردند ۱۳۹

~: وَأَمْدَدْنَٰهُم بِفَٰكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۵۲:۲۲)
آرزو کنند ۲، آرزو می کنند ۳۹، بآرزو خواهند ۵۱، خواهند ۵۳، خواهند ۹٦، خواهند بآرزو ۱۰۹، خواهش کنند ۱۲۲

~: وَفَٰكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۵٦:۲۱)
آرزو برند ۳، آرزوی کنند ۲٤، ایشان آرزو برند ٦٤، ارزو کنند ٦۹

~: وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۷۷:٤۲)
آرزو کنند ۲، آرزو کند ۲٤، بآرزو خواهند ۵۱، آرزو کنند ایشان ۱۰۰، خواهش نمایند ۱۲۲

يَشْرَبُ: وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۲۳:۳۳)
می شمد ۱، بیاشامد ۲، می آشامد ۳، همی آشامد ۵۳، همی آشامد ٦۲، آشامد ۱۲۵، می آشامید ۱۳۸

~: عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۷٦:٦)
می آشامند ۳

~: عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۸۳:۲۸)
باز خورند ۲۹، بیاشامند ۳۰، بخورند ۵٦، آب خورند ۹۸، آشامند ۱۰۰

يَشْرَبُونَ: إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ (۷٦:۵)
می شمند ۱، بیاشامند ۲، می آشامند ٦، درمی خورند ۲٤، باز خورند ۲۹، آشامند ۱۰۰، همی آشامند ۱۰۹، می خورند ۱۳۹

يَشْرَحْ: يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَٰمِ (٦:۱۲۵)
بگشاید ۱، گشاید ۳، بگشاید ۱۰، واگشاید ۲٤، فراخ گرداند ۲۷، روشن بکند ۲۹، فراخ کند ۳٦، بگشاید و روشن کند ۳۹، بگشاید ٤۲، روشن کند ٤٤، گشاده کند ۵۳، گشاید ۵۵، روشن گرداند ۵۷، فراخ و نرم کند ۵۸، برگشاید ٦۳، فراخ و روشن گرداند ۷۹، فراخ گردانند ۹٤، فراخ می کند ۹٦، گشاده کند ۹۹، برگشاید ۱۰۰، گشاده گرداند ۱۰٤، بگشاید و فراخ سازد ۱۱٦، میگشاید ۱۲۰

---

۱. چنانکه ملاحظه می شود، مادّهٔ «شری» به دو معنی «خریدن» و «فروختن» هر دو به کار می رفته است، که باز هم [illegible]

یُشرِکْ: وَمَن یُشرِکْ بِاللّٰهِ فَقَدِ افتَرَیٰ إِثمًا عَظِیمًا (٤:٤٨)
أنباز گیرد ٢، انباز گیرد ٤٢، انباز کند ٥٣، انباز آرد ٦١، انباز گیرید ٨٤

~: وَمَن یُشرِکْ بِاللّٰهِ فَقَد ضَلَّ ضَلَٰلًا بَعِیدًا (٤:١١٦)
انباز گیرد ٢، هنباز گیرد ٥٣، انباز آرد ٦١، انباز فرا دارد ٦٣، انباز فرداراد ١٣٨

~: إِنَّهُ مَن یُشرِکْ بِاللّٰهِ فَقَد حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَیهِ الجَنَّةَ (٥:٧٢)
انباز گیرد ٢، انباز گوید ٣، هنباز گیرد ٥٣، انباز فراد آرد ١٠٠

~: وَلَا یُشرِکُ فِی حُکمِهِ أَحَدًا (١٨:٢٦)
انباز بگیرد ٩٢

~: وَلَا یُشرِکْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (١٨:١١٠)
انباز گویند ١١٤

~: وَمَن یُشرِکْ بِاللّٰهِ فَکَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَآءِ (٢٢:٣١)
هنباز گیرد ١٢، انباز گشت ٥٨

★ لَا یُشرِکُ: وَلَا یُشرِکُ فِی حُکمِهِ أَحَدًا (١٨:٢٦)
أنباز نکند ٢، نه انباز کند ٣٠، نشود انباز ٤١، انباز نکند ٥٧، انباز فرا ندارد ٩٣، انباز نگرداند ١٠٠، انباز نکنند ١٠٨، انبازی نمیکند ١١١، انباز میاور ١٣٦

~: وَلَا یُشرِکْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (١٨:١١٠)
انباز نگیرد ٢، مه انباز کندا ٣٠، انباز منهاد ٣٤، انباز مکناد ٣٩، گوانباز مگیر ٤٢، انباز مگیردا ٥٦، انباز مگیر ٥٨، همبازی میاراد ٦٢، انباز مکن ٦٤، باز مگیردا ١٠٨، نه انباز گیرد ١٢٨

یُشرَکَ: إِنَّ اللّٰهَ لَا یَغفِرُ أَن یُشرَکَ بِهِ (٤:٤٨)
انباز گیرند ٢٧، هنباز گرفتن ٥٥، انباز گوید ٥٨، انباز آورده شود ٦١، انباز آرد ٦٤، انباز گیرد ٨٢، انباز کرده شود ٩٧

~: إِنَّ اللّٰهَ لَا یَغفِرُ أَن یُشرَکَ بِهِ (٤:١١٦)
انباز آرند ٧٥، انباز گفته شد، ٩٧، انباز فرا دارد ١٠٠

~: وَإِن یُشرَکْ بِهِ تُؤمِنُوا (٤٠:١٢)
هنباز گفتندی ٢٢، انباز فرا داشتید ١٣٨

یُشرِکْنَ: یُبَایِعنَکَ عَلَیٰ أَن لَا یُشرِکْنَ بِاللّٰهِ شَیئًا (٦٠:١٢)
انباز گویند ٨٠

★ لَا یُشرِکْنَ: عَلَیٰ أَن لَا یُشرِکْنَ بِاللّٰهِ شَیئًا (٦٠:١٢)
أنباز نگیرند ٢، انباز نه آرند ٣٩، انباز نگیرند ٥٦، انباز نیارند ٩٢، انباز فرا ندارند ١٠٠، انباز نگویند ١١٤، انباز نیاورند ١٣٦

یُشرِکُونَ: فَتَعَٰلَی اللّٰهُ عَمَّا یُشرِکُونَ (٧:١٩٠)
انباز می گویند ٣، هنباز گویند ١٠، انباز گیرند ٢٧، انباز می گیرند ٢٩، هنباز می گیرند ٣٥، انباز کردند ٥٨، هنباز کنند ٦٠، انباز باشند ٦٤، انباز فرا میدارند ١٠٠، انباز میگیرند ١١٢

~: أَیُشرِکُونَ مَا لَا یَخلُقُ شَیئًا وَهُم یُخلَقُونَ (٧:١٩١)
همی انباز گویند ٢، هنباز گیرند بخدای ١٠، همباز نهند ٦٢، همبازی همی نهند ٩٣، انباز فراز دارند ١٠٠، انباز می گردانند ١٠٤، انباز میکردند ١١١

~: لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبحَٰنَهُ عَمَّا یُشرِکُونَ (٩:٣١)
می همباز گویند ١٠، می هنباز گیرند ٣٨، انباز همی گیرند ٤٢، انباز را فرا می دارند ٩٣

~: سُبحَٰنَهُ وَتَعَٰلَیٰ عَمَّا یُشرِکُونَ (١٠:١٨)
همی أنباز گیرند ٢، همی انباز گیرند ٤٢، می انباز گیرند ٥٣، انباز می گویند ٥٥، همی انباز دارند ٩٤، انباز آرند ١١٤

~: سُبحَٰنَهُ وَتَعَٰلَیٰ عَمَّا یُشرِکُونَ (١٦:١)
انباز همی گیرند ٥٣، همی نهند ویرا از انبازان ٦٢، انباز گیرند ٩٦

~: إِذَا فَرِيقٌ مِّنكُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۵۴:۱۶)
انباز آورند ۵۸

~: وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (۵۹:۲۳)
گیرند هنباز ۲۴

~: فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۹۲:۲۳)
أنباز گیرنْد ۲، هنبازی گرند ۵۴، می انباز گویند ۷۷، همی انباز گیرنْد ۱۰۸

~: ءَاللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ (۵۹:۲۷)
انباز می گیرید ٤٦، همی انباز آرید ٤٧، همی انباز گیرند ٦١، ایشان انباز گویند ٧٦، انباز میگیرند ١٠٣، می پرستند بیرون اوخدا ١١٣

~: أَءِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۳:۲۷)
همی انباز گیرند ٢، و ازو انباز می گویند ٢١، انبازش گویند ٤١، انباز دارند ٤٧

~: سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۸:۲۸)
انباز می دارند ٤١، انباز فرا می دارند ٥٣، انباز فرا دارند ١٠٦، انباز او میکنند ١٣٢

~: فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (۶۵:۲۹)
هنباز گیرند ١٤، انباز می آوردندی ٤٧، انباز گیران باشند ٩٦

~: إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۳۳:۳۰)
انباز می آرند ٤٧، انباز می کنند ٦٤

~: فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ (۳۵:۳۰)
هنباز گرفتند ١٤، همی هنباز گیرند ٣٤، می انباز دارند ٤٧، انباز می گرفتند ٥٦، انباز آرید ٨٧

~: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۰:۳۰)
می انباز آرند ٤٧، انباز فرا می دارید

~: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۷:۳۹)
هنبازان گیرنْد ٢٢، انباز می گویند ٩٢، همباز گیرند ٩٤، انباز می آورند ١٣٦

~: أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۳:۵۲)
همی أنباز گیرند ٢، انباز میگویند ١١٤

~: سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳:۵۹)
انباز آرند ٣٩

★ أَيُشْرِكُونَ: أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا (۱۹۱:۷)
هنباز چرا گیرند[1] ١٠، می هنباز گیری[1] ٢٤[2]

★ لَا يُشْرِكُونَ: وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (۵۹:۲۳)
انباز نمی آرند ٤١، انباز نگیرند ٥٦، انباز نگویند ٩١، انباز فرا نمیدارند ١٠٠، انباز نمیگردانند ١٠٤

~: يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا (۵۵:۲۴)
أنباز نگیرنْد ٢، انباز نیارند ٣٩، نگیرند انباز ٥٦، انباز فرا ندارند ١٠٠، هنباز نگیرند ١١٩

يَشْرُونَ: الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۷۴:۴)
می فروشند[3] ١، بفروشند[3] ٢، می بخرند ١٠، بخریدند ٢٤، بجویند و بخرند ٢٧، بفروشند[3] ٢٩، می خرند ٣٠، همی خرند ٣١، بگزینند ٣٩، بخریدند و بفروختند ٥٨، بخریده باشند ٦٢، فرا می گیرند ٦٣، بفروخته اند ٦٤، بفروختند ٦٧، بخرند ٧٥، فروخته اند ١١١، میخرند ١١٤، برمی بافند ١١٩، خریدند ١٢١، میفروشند[3] ١٣٠، فرا میگیرند ١٣٤، خریدند ١٣٥

يَشْرِي: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (۲۰۷:۲)

---

١. استفهام در این ترجمه از کلمهٔ «چرا» استنباط می شود و فحوای عبارت.
٢. می به علامت استفهام بر جزء اسمی فعل مقدم آمده است. این ترجمه با قرائت «تشرکون» مطابقت دارد.
٣. رک: توضیح ذیل «یشتری» (٦:٣١)

بفروشد ۲، می فروشد ۳، می واخرد ۱۰، می بخرد ۲۴، همی بفروشند ۲۹، بفروشد ۳۶، واخرد ۴۰، بفروشد ۴۲، باز میخرد ۴۸، می فروشد ۵۵، بفروخت ۶۰، بخرد ۶۱، میخرد ۶۳، فروشد ۸۴، بخرید ۸۸، باز خرد ۱۰۹، میفروشد ۱۱۱

یُشعِرُکُم: وَمَا یُشعِرُکُم أَنَّهَا إِذَا جَاءَت لَا یُؤمِنُونَ (۶:۱۰۹)

دانسته کند ۱، آگاه کند ۳، دانید ۱۰، دانیت ۱۰ مکرر، دانید ۲۶، بیاگاهانید ۲۹، آگاهاند ۴۴، دانا کرد ۵۷، بیاگاهاند ۶۲، آگاه کرد ۶۳، آگاه کرده است ۷۶، دانا گرداند ۷۹، دانا بکند ۹۶، آگاه گردانید ۱۰۰، دانا گردانید ۱۱۱، دانا میگرداند ۱۲۰، دانا گردانیده ۱۲۲

★ مَا یُشعِرُکُم: وَمَا یُشعِرُکُم أَنَّهَا إِذَا جَاءَت لَا یُؤمِنُونَ (۶:۱۰۹)

ندانید ۲، همی ندانید ۹

یُشعِرَنَّ: وَلیَتَلَطَّف وَلَا یُشعِرَنَّ بِکُم أَحَدًا (۱۸:۱۹)

دانند ۳۹، داند ۵۳، آگاه کند هرآینه ۵۵، بیاگاهاند ۵۹، آگاهی دهد ۶۱، آگاه کندا هرآینه هرآینه ۸۰

★ لَا یُشعِرَنَّ: وَلَا یُشعِرَنَّ بِکُم أَحَدًا (۱۸:۱۹)

دانسته مکن ۱، مه آگاه کندا هرآینه هرآینه ۳، آگاه نکند ۲۹، میاگاهاندا ۳۰، ندانند ۴۱، آگاه مکناد ۴۲، آگاه مکن ۴۳، آشکارا نکند و نیاگاهاند ۴۴، نکند آگاه ۵۶، آگاهی ندهد ۶۴، آگاه نه کناد ۷۶، دانا نگرداند ۷۹، نباید که بیاگاهاند ۸۹، آگاه مکند ۱۰۳، آگاه نسازد ۱۱۶، آگاه نگرداند ۱۳۲، باید که دانا نشود ۱۳۳

یَشعُرُونَ: وَمَا یَخدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُم وَمَا یَشعُرُونَ (۲:۹)

دانند ۲، می دآنند ۹۴، می شناسند ۹۸

~: وَمَا یُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُم وَمَا یَشعُرُونَ (۳:۶۹)

می دانند ۳، آگاه‌اند ۱۰، دانستند ۲۴، آگاهی دارند ۹۴

~: وَمَا یَمکُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِم وَمَا یَشعُرُونَ (۶:۱۲۳)

همی بدانند ۲۷

~: فَأَخَذنَاهُم بَغتَةً وَهُم لَا یَشعُرُونَ (۷:۹۵)

دانستند و آگه بُدند ۱۰، می دانستند ۲۷

~: لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمرِهِم هَٰذَا وَهُم لَا یَشعُرُونَ (۱۲:۱۵)

دانند ۵۵

★ لَا یَشعُرُونَ: وَلَٰکِن لَا یَشعُرُونَ (۲:۱۲)

نهمی دانند ۵، نه دانند ۸۲، نمی دآنند ۹۴، ایشان نمیدانند ۱۰۴، نمیفهمند ۱۳۶

~: فَأَخَذنَاهُم بَغتَةً وَهُم لَا یَشعُرُونَ (۷:۹۵)

ندانستند ۱، نه دانستند و آگه نه بُدند ۱۰، نمی دانستند ۲۹، آگاهی نداشتند ۴۲، همی ندانستند ۶۲، آگاهی نمی داشته‌اند ۱۰۹، آگاهی نداشتند ۱۴۰

~: لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمرِهِم هَٰذَا وَهُم لَا یَشعُرُونَ (۱۲:۱۵)

نمی اندیشند و نمی دانند ۵۸، همی ندانند ۶۲، ندانید ۱۱۱

~: أَو تَأتِیَهُمُ السَّاعَةُ بَغتَةً وَهُم لَا یَشعُرُونَ (۱۲:۱۰۷)

نمی دانند ۱، آگاهی ندارند ۲، همی ندانند ۷ مکرر، ندانند ۵۵، نمی دانید ۹۲، ندآنند ۱۰۰

~: وَأَتَاهُمُ العَذَابُ مِن حَیثُ لَا یَشعُرُونَ (۱۶:۲۶)

ندانستند ۶۲، می ندانستند ۱۲۴

~: أَو یَأتِیَهُمُ العَذَابُ مِن حَیثُ لَا یَشعُرُونَ (۱۶:۴۵)

ندانند ۲، ندانند ۵۳

~: نُسَارِعُ لَهُم فِی الخَیرَاتِ بَل لَا یَشعُرُونَ (۲۳:۵۶)

همی ندانند ۲، ندانند ایشان ۲۴، می ندانند ۵۶، هیچ ندانند ۷۶، نمیدانند ۸۶، آگاهی ندادند ۸۷، همی آگاهی ندارند ۹۵، نمیدانند ایشان

۱۰۰، درنمی یابند ۱۱۶

~: فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۶: ۲۰۲)
ندانند ۱، ندانند ۵۳

~: لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۷: ۱۸)
همی نه دانند ٤٦، ندانند ۵۳، آگاه نباشند ۱۱۱

~: وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۷: ۵۰)
آگاه نبودند ۱۰۳

~: أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۸: ۹)
نمیدانستند ۱۰۳

~: فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۸: ۱۱)
آگاهی نداشتند ۳۰، نمییافتند ۱۳۲

~: وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۹: ۵۳)
نه دانند ١٤، ندانسته باشند ٦٤

~: فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۳۹: ۲۵)
نه دانستند ۳

~: أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (٤۳: ٦٦)
ندانند ۲۲

★ مَا يَشْعُرُونَ: وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۲: ۹)
نمی دانند ۵۵، نیستند ایشان که دانند ۱۰۰، نمی یابند سرانجام ۱۱۱

~: وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۳: ٦۹)
نمی دانند ۱، آگاهی ندارند ۲، آگاه نه اند ۱۰، نه دانند ۲۵، نه می دانند ۲۷، همی ندانند ۳٤، آگاهی ندارند ٤۲، نمیدانند ۱۰۰، درنمی یابند ۱۱۱، نمی یابند ۱۳۵

~: وَإِن يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (٦: ۲٦)
آگاهی همی ندارند ۲، آگاهی نمی دارند ۲۹، آگاهی ندارند ٤۲، همی ندانند و آگاهی ندارند ۸۳، آگاهی همی ندارند ۸۸

~: وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (٦: ۱۲۳)
آگاهی ندارند ۲، ایشان نه دانند و آگه نه اند ۱۰، نمی دانند ایشان ۸۹

~: وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۱٦: ۲۱)
ندانند ۱، ندانند ۵۳، نه همی دانند ۸۸، نمی فهمند ۱۳٦

~: وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۲۷: ٦۵)
همی نه دانند ٤٦، نه میدانند ۸٦

يَشْفِ: وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (۹: ١٤)
خوش گرداند ۲، آسانی آرد ۱۰، خوش گرداند ۱۱، آسانی دهد ۲۷، بهتری دهد ۳۰، نیکو کند ٦۱، آسان گرداند ۹٤، خوش گرداند به کند ۱۰۹، خوش کند ۱۲۱

يَشْفَعُ: مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ (۲: ۲۵۵)
خواهش کند ۲، خواهش کند ۳، خواهش کُند ٤۲، درخواست کند ۱۲۲

~: مَّن يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُن لَّهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا (٤: ۸۵)
خواهش کند ۲، خواهش کُند ٤۲، خواهش کُند ۵۵، خواهش گری کند ٦۱، گوید ٦۲، درخواهد، درخواه کند ۱۱، درخواست نماید ۱۲۲، درخاست کند ۱۳۰

يَشْفَعُوا: فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا (۷: ۵۳)
خواهش کنند ۳، خواهش کُنند ٤۲، خواهش کننده ۵۸، خواهش گری کنند ٦۱، خواهش کنندی ۹٤، درخواه کنند ۱۱۱، خواهش بکنندی ۱۲۸، درخواست کند ۱۳۰

يَشْفَعُونَ: وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ (۲۱: ۲۸)
خواهش کنند ۹۱، درخواست میکنند ۱۲۲

★ لَایَشْفَعُونَ: وَلَایَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَیٰ (۲۱:۲۸)
خُواهش نکنند ۲، خواهش نکنند ۲۹، خواهش نتوانند کرد ۱۰۰، درخواست نمیکنند ۱۱۱

یَشْفِینِ: وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ (۲۶:۸۰)
بهتر گرداند ۳۰، آسانی دهد ٤٦، درست کند ۵۳، به کند ۵۸، ١٤٤، بهتری دهد ۸۰، تندرستی دهد ۱۰۹، بهزی دهد ۱۲۹

یَشَّقَّقُ: وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا یَشَّقَّقُ فَیَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ (۲:۷٤)
بَشکافَد ۲، شکافته شود ۳، از هم بَتَرکد ۱۰، بترکد ٢٤، کز هم بترکد ٤۰، بَشکافَد ٤۲، بشکافته شود ٤۹، شِکافْتَه شَوَد ۵۵، شکافته میشود ٦۱، شکافت می شود ٦۳، باز شکافد ٦۷، شکافته می شود ۸۰، فرو می افتد ۱۰٤، میشکافد ۱۲۲

★ لَمَا یَشَّقَّقُ: وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا یَشَّقَّقُ (۲:۷٤)
کی بشکافد ۲۹

یَشْقَیٰ: فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَایَ فَلَا یَضِلُّ وَلَا یَشْقَیٰ (۲۰:۱۲۳)
بد بخت شود ۳، بد بخت گردد ۳۰، در رنج و سختی افتد ۵٦، برنج افتد ۹۰، در رنج افتد ۱۳۰

★ لَایَشْقَیٰ: فَلَا یَضِلُّ وَلَا یَشْقَیٰ (۲۰:۱۲۳)
گد بخت نشهد[1] ۱، بد بَخت نگردد ۲، بد بخت نگردد ۳٤، بد بخت نشود ۳۸، برنج نیفتد ٦۹، نه بد بخت گردد ۱۰٦، بد بخت نشد ۱۲۵، نگردد بد بخت ۱۲۹، نه شو درنجور ۱۳۹

یَشْکُرُ: وَمَن شَکَرَ فَإِنَّمَا یَشْکُرُ لِنَفْسِهِ (۲۷:٤۰)
آزادی کند ٤٦، سپاس کند ۵۸

~: وَمَن یَشْکُرْ فَإِنَّمَا یَشْکُرُ لِنَفْسِهِ (۳۱:۱۲)
همی سپاسْ دارَد ۲، سپاس داری کند ۳، سپاس دارد ۳۹، سپاسداری کند ٤۷، سپاس داری می کند ۵٦، سپاس داری نماید ۸٦، سپاس گذارد، سپاس میگذارد ۱۳۲

یَشْکُرُونَ: کَذَٰلِکَ نُصَرِّفُ الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَشْکُرُونَ (۷:۵۸)
فُرمان بَرند اوُ بَبرَوند ۱۰، سپاس داری کنند ۲۹، سپاس دارَند ٤۲، سپاس داران ۵۸، سپاس داری کنید ۹٤

~: وَلَٰکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لَا یَشْکُرُونَ (۱۰:٦۰)
سِپاس دارند ۳، سِپّاس دَارَند ۵۵، سپاس می کنند ۹۱، سپاس داری میکنند ۱۲٦

~: وَلَٰکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْکُرُونَ (۱۲:۳۸)
سپاس داری کردند ۱۲٤

~: وَارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُونَ (۱٤:۳۷)
سپاس دارنْد ۲، سپاسداری کنند ۹۹، سپاس داری نمایند ۱۰٤

~: وَمَا عَمِلَتْهُ أَیْدِیهِمْ أَفَلَا یَشْکُرُونَ (۳٦:۳۵)
آزادی کنند ۵٦

~: وَلَهُمْ فِیهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا یَشْکُرُونَ (۳٦:۷۳)
سپاس کنند ۸۷

~: وَلَٰکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْکُرُونَ (٤۰:٦۱)
سپاس دارند ۳

★ لَایَشْکُرُونَ: وَلَٰکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْکُرُونَ (۲:۲٤۳)
سِپاسْ داری همی نَکنَنْد ۲، سپاس ندارند ۳، آزادی نکنند ۲۷، نمَی کنند سپاس داری ٤۱، سِپاس دارِی نَکُنَند ٤۲، سپان داری نکنند ۷٦، سپاس داری همی نکنند ۸٤، ناسپاسند ۹۸، سپاسداری نمیکنند ۹۹، سپاس داری نمی نمایند

---

۱. گدبخت نشهد / بدبخت نشود؛ تبدیل «ب» به «گِ» در متون قدیم معمول بوده است.

۱۰٤، سپاس نمیکنند ۱۱۸

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۱۰:۶۰)
سپاسْ نـدارنـد ۲، سپاس داری نکـنـنـد ۱۳، نمی دارند سپاس ٤۱، ناسپاس اند ۱۱٤، سپاس گزاری نمیکنند ۱۲۲، سپاس نکنند ۱۳۶

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۱۲:۳۸)
سپاس داری نکُنند ۲، سپاس داری نمی کنند ۲۹، ناسپاسی کنند ۵۶، سپاس د آری نکنند ۹٤، سپاس داری ندارند ۱۰٤، ناسپاس داری کردند ۱۲٤، سپاس داری نکردند ۱۲۸

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۲۷:۷۳)
همی ناسپاس داری کُنند ۲، آزادی نه می کنند ٤۶، سپاس نمی کنند ۵۸

~: وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۳۶:۳۵)
سپاس داری نمینمایند ۸۶، سپاس گذاری نمیکنند ۱۳۲، سپاسدار نکنید ۱۳۳

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (٤۰:۶۱)
سپاس داری نمیکنند ۱۰۳، سپاس نمیدارند ۱۱٤، سپاس داری ننمایند ۱۲۲

يَشْهَدُ: لَٰكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ (٤:۱۶۶)
می گوای دهد ۱، گُوای دهد ۲، گواهی می دهد ۳، مَی گوایی دهد ۱۰، گواهی دهَد ۲۷، گُواهی همی دَهد ٤۵، گوای می دَهَدْ ۵۳

~: وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۹:۱۰۷)
گوای هَمی دَهَدْ ۵۳، گواهی میدهد ۶۱، گوایی دَهَد ۶۲، گو آهی میدهد ۱۰۰، گواهی میدهند ۱۳۵

~: وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲٤:۲)
گواه شود ۱۳۹

~: أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ (٤۱:۲۲)
گوای دهد ۱، گواهی دهد ۳، گوای دهَدْ ۲۲، گُواهی دَهد ۵۱، می داد گواهی ۵۸، گو آهی دهد ۱۰۰، گوا گشتند ۱۰۸

~: وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۵۹:۱۱)
گواهی داد ۸۱

~: وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (۶۳:۱)
گواای دهد ۲، گوائي دهد ۳۹، گواه است ۸۱، گواهست ۹۶، می دهد گواهی ۱۳۹

يُشْهِدُ: وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ (۲:۲۰٤)
گُوا آرد ۲، گواه می کرد ۳، گوای مَی کند ۱۰، سوگند می خورد ۲٤، گواه گیرد ۲۹، گواه می کند ۳۰، گوا می کند ٤۰، گواه می گیرد ٤۱، گواه آرد ٤۲، گُواهْ کُند ۵۵، سوگند خورد ۶۰، گواهی دهد ۶۱، گواه کند ۶۲، گواه میکند ۶۳، گواه خواند ۶٤، بگـوایـی مـی آرد ۸٤، گـوا آرد ۹٤، گـواه میگرداند ۱۰۰، گواه میگیرد ۱۰۲، گواهی می آورد ۱۰٤، بگواهی آورد ۱۲۳، گواه میآورد ۱۳۵

يَشْهَدُهُ: كِتَابٌ مَرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۸۳:۲۱)
ایشان گواهی دهند ۱۰۰، گواهی دهند ۱۳۶

لِيَشْهَدُوا: لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ (۲۲:۲۸)
بِرَسَند ۵۳، بهم شود ۵۸، بهم شوند ۷٤

يَشْهَدُونَ: وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ (٤:۱۶۶)
می گوای دهند ۱، گوای دهنْد ۲، مَی گوایی دهند ۱۰، گوایان ۳۱، گوایان اند ٤۵، گو آهی میدهند ۱۰۰، گواهانند ۱۱۲

~: قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ (۶:۱۵۰)
گواای دهنْد ۲، گوایی دهند ۱۰، گواهی دهند ۲٤، گواهی می دهند ۳۰، گوای می دَهَنْد ۵۳، گواهی می دادند ۵۶، گواهی میدهند ۵۸، گو آهی دهند ۱۰۰، همی گواهی دهند ۱۰۷

~: لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ (۲۱:۶۱)

گوای دهند ۱، گووای دهند ۲، گوای دَهَند ۵۳، گواه شوند ۵۸، گواه گیرند ۸۷

~: وَٱلَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ ٱلزُّورَ (۲۵: ۷۲)
گواهی بدهند ۲۰

★ لَا يَشْهَدُونَ: وَٱلَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ ٱلزُّورَ (۲۵: ۷۲)
گوای نمی دهند ۱، گواهی ندهند ۴۳، ندهند گواهی ۸۷، گوآهی نمیدهند ۱۰۰، گواهی نمی دهند ۱۱۶

يَشْوِي: كَٱلْمُهْلِ يَشْوِي ٱلْوُجُوهَ (۱۸: ۲۹)
بریان کند ۱، بریان همی کند ۳۹، بریان می کند ۴۱، بسوزد ۴۳، بُریان کند ۵۳، بِریان کُند ۵۵، بریان کنند ۶۳، بریآن کند ۱۰۰، بسوزاند ۱۰۶

يُصَبُّ: يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ ٱلْحَمِيمُ (۲۲: ۱۹)
ریخته شهد ۱، ریزانیده شود ۳، هیچ فرو ریزد ۱۲، همی ریزند ۲۴، می ریزند ۲۹، فرو ریزد ۳۰، همی فرو ریزد ۳۸، ریخته شود ۳۹، برریزند ۴۲، بریزند ۴۳، بَرریزَند ۵۱، هَمی ریزند ۵۳، فرو ریزند ۵۶، فرو ریخته شود ۶۴، ریزانیده می شود ۸۰، همی ریخته شود ۱۰۹، ریزنده میشود ۱۱۴، ریخته میشود ۱۱۵

يُصْبِحَ: أَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا (۱۸: ۴۱)
شهد ۱، بشود ۲، شود ۲۴، بباشد ۲۹، گردد ۳۹، گردد بامداد ۵۸، بگردد ۶۳، بامداد شود ۶۴، در روز آید ۱۱۸

لَيُصْبِحُنَّ: قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَٰدِمِينَ (۲۳: ۴۰)
شند ۱، گردند ۲۴، بباشند ۲۹، بامداد کردند ۴۳، شوند ۵۶، بامدادان باشند ۵۸، بامداد باشند ۷۷، هرآینه گزند ۷۹، هرآینه شوند هرآینه ۹۴، بشوند ۱۰۸، باز گردند ۱۱۴

★ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ: قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَٰدِمِينَ (۲۳: ۴۰)

روزگار ایشان پشیمان گردند ۷۶، بامداد پشیمان شدند ۹۶

فَيُصْبِحُوا: فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَآ أَسَرُّوا فِىٓ أَنفُسِهِمْ نَٰدِمِينَ (۵: ۵۲)
شند ۱، شوند ۳، بشوند ۱۰ مکرّر، گردند ۲۷، بامداد خیزند ۳۱، برخیزیت بامداد ۴۱، بُباشند ۴۵، باشند ۵۳، شوند ایشان ۵۶، بامدادان شوند ۵۸، بامداد کنند ۶۱، درگاه بامداد شوید ۷۵، در روز آیند ۷۶، بشنوند ۱۰۵، خواهند گردید ۱۲۲، شنوند ۱۲۴

يَصْبِرْ: إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ (۱۲: ۹۰)
شکیوا کند ۱، شکیبائی کند ۵۳، شکیبایی کند ۵۷، شکیبای کند ۹۶، شکیبا شود ۱۱۴، شکیبایی نماید ۱۲۶

يَصْبِرُوا: فَإِن يَصْبِرُوا فَٱلنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ (۴۱: ۲۴)
شکیبای کنید ۱۵، شکیبآیی کنید ۲۲، شکیبایی کنند ۵۶، شکیبایی کنید ۸۱، شکیبا شوند ۱۱۴، شکیبایی ورزند ۱۲۳

يُصِبْكُمْ: يُصِبْكُم بَعْضُ ٱلَّذِى يَعِدُكُمْ (۴۰: ۲۸)
رساند ۱، برسد ۳۰، برساند ۱۰۰، می رسد ۱۳۶

★ لَمْ يُصِبْهَا: فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ (۲: ۲۶۵)
نرسید ۱، نَرسد ۲، نه رسید ۳، نَه ر میده بوَد ۱۰، نرسد ۲۴، نرسّد ۴۲، نه رسد ۵۶، نه برسد ۶۱، نَرَسَد ۱۳۸

يُصْحَبُونَ: وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ (۲۱: ۴۳)
رهانیده شند ۱، هم راهی یابند ۱۲، برهانند شان ۲۴، نگاه شان بدارند ۲۹، نگاه دارند ۴۲، یاری داده شوند ۴۳، فَریاد رَسَدْ ۵۳، یاری کرده شوند ۵۶، زنهار داده شوند ۵۸، یاری یابند ۶۱، زینهار دهند ۷۲، باز دارند ۷۶، همی راهی یابند ۸۸، نگه بتوانند داشت ۸۹، نگاه داشته و زینهار داده شوند ۱۱۱، واجود گرفته شوند ۱۱۳، پناه کرده شوند

۱۲۲، نگاهداشته شوند ۱۳۳، زینهار دهنده ۱۳۹

يَصْدُرُ: يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا (۹۹:۶)
بازگردند ۲٤، پیش آید ۳۹، بیایند ۵۱، بازگردد ۶۷، بازگرداند ۹۰، پیش آرد ۹۲، درآیند ۹٦

يُصْدِرَ: قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ (۲۸:۲۳)
واز گردند ۱، برگردند ۳، بازگردند ۲٤، بازبگردد ۳۰، فراز آیند ۳۸، اندرایند ۵۳، بیرون شوند ۵۸، بازآیند. بیرون آیند ۷٤، بازگردانند ۱۰۳، بیاید ۱۳۹

يَصَّدَّعُونَ: يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ (۳۰:٤۳)
می پراکنند ۱، بپراکنند ۲، بُپَراکنند ۳، همی بیرون آیند ۱٤، پراکنده شوند ۲۹، بپراکنند ۳۰، پراکند ٤۷، گِرد کرده شوند ۵۶، برپراکنند ۵۸، بپراکند ٦۱، جدا شوند از یکدیگر ٦٤، پراکنده بَباشند ٧٦، پیدا کنند ۸۸، پراکنده شوند یکدیگر ۹۰، پراکنده شوند از یکدیگر ۱۰۲، جدا شوند مردم از یکدیگر ۱۰۳، جدا شوند ۱۱٦، پراکند شوند ۱۳۸

يُصَدَّعُونَ: لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ (۵٦:۱۹)
سربدرد آورده شوند ۳، دردسر کندشان ۳۸، دردسر گرفته شوند ۵٦، درد کند سرشان ٦۹، درد کُنَدْشان سر ۹٤، سربدرد آورده شوند ۱۲۱، دردسر کشند ۱۲٦

★ لَا يُصَدَّعُونَ: لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ (۵٦:۱۹)
دردسر کرده نشند ۱، دردسر نکندشان ۲، نبود دردسر ۲٤، دردسر نگیرد ایشانرا ۳۰، دردسر نگیرد ۳٤، نیارد دردسر ٤۱، دردسر نکنند ٤۳، دَردسر ندهند ایشانرا ۵۱، دردسر نیارد ٦٤، دردسر یافته نشوند ۷۹، دردسر نخیرد ۸۱، درد نکند سرشان ۸۷، دردسر آورده نشود ۹۲، دردسرشان نباشد ۹٦، دردسر نکشند ۱۰۰، دردسر نگیرد ایشان را ۱۰۸، با دردسر نشوند پراکنده نشوند ۱۰۹، دردسر و فتنه نشودند ۱۱۳، دردسر نیابند ۱۱٤، دردسر کشیده نشوند ۱۲۰، دردسر نه بینند ۱۳۲، دردسر نرسانند ۱۳۸

يَصْدِفُونَ: ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ (٦:٤٦)
می روی گردانند ۱، رُوی أزپَسْ همی گردانند ۲، می گردند ۳، روی بگردانند ۹، همی سپس باز گردند ۱۰ مکرّر، پس همی باز گردند ۲٦، روی همی بگردانند ۲۹، برمی گردند ۳۰، روبرمی گردانند ٤۱، ازپس باز همی گردَند ٤۲، ازپس باز همی گردند ۵۲، روی برگردانند ۵۳، بَرمِی گردَند ۵۵، باز می چمند ۵۷، رو همی بگردانند ٦۲، گردانیده می شوند ٦۹، همی بازگردند ۸۳، روی از پس گردانند ۸۸، جا گیرند برمی گردند ۹۰، باز می گردند ۹٦، میروند ۱۲۱، باز همی گردند ۱۲۵، برگردانیده میشوند ۱۳۸

~: سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا (٦:۱۵۷)
می روی گردانند ۱، بَرگردنْد ۲، روی می گردانند ۳، رُوی اندر گردانند ۱۰، ورگردند ۲٤، برگردند ۲۷، بمی گردند ۲۹، برگردَند ٤۲، همی برگردَنْد ۵۳، باگردند ۵۷، بگردند ٦۰، روی میگردانند ٦۱، برمیگردند ٦۳، همی برگردند ۸۸، روی گردانند ۹۰، همی بازدارند ۱۰۷، روی میگرداند ۱۲۹، روی گردانند گان ۱۳۳

★ كَانُوا يَصْدِفُونَ: بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ (٦:۱۵۷)
می روی گردانستند ۱، می روی گردانیدند ۳، ایشان روی اندر گردانیده باشند ۱۰، همی برگشتند ۱۰ مکرّر، بمی گردیدند ۲۹، روی می گردانیدند ۳٤، می گشتند ۳۹، بازداشتند ۵٦، باز می چسپیدند ۵۷، برمی گشتند و می گردانیدند ۵۸، بودند برگردند گان ٦۰، روی گردانیدند ٦۱، برگردیده باشند ۷٦، برگشتند ۸۹، روی بگردانیدند ۹۲، روی میگردانیدند ۹۹، ایشان برگشته باشند ۱۰۳، برمی گشتند ۱۰۹،

ایشان بر گشتند ۱۱۱، روی گردان شده‌اند ۱۲۷

یُصَدِّقُنی: فَأَرْسِلْهُ مَعِیَ رِدْءًا یُصَدِّقُنِی (۲۸:۳٤)
راست کر گیرند ۱، راست گو دارد ۲، راست گوی دارد ۳، راست گو کند ۲٤، راست گرداند ۵۳، راست گوی می کند ۵۸، راست کند ۷٤، براست دارد ۷٦، راست گوی گرداند ۹٤، بر آست دارند ۱۰۰، راست گوی دارند ۱۰۵، راستگوی دارد ۱۲۱، راست گرداند ۱۲٤، راست گوی کرداند ۱۲۸، باور دارد ۱۳۱

یَصَّدَّقُوا: وَدِیَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَن یَصَّدَّقُوا (۹۲:٤)
ببخشند ۱۰، ببخشند ۵۳، ببخشند و نخواهند ۵۸، به بخشند ۱۲٤

یُصَدِّقُونَ: وَالَّذِینَ یُصَدِّقُونَ بِیَوْمِ الدِّینِ (۷۰:۲٦)
می راست کر گیرند ۱، راست دارند ۲، راست گوی می دارند ۳، راست کر دارند ۱۹، استوار دارند ۳۰، راست دارند ٤۲، راست گوی کردند ٦۱، باور می دارند ۷۹، راست گوی دارند ۸۰، راست گوی دارندگان ۹۲، براست دارند ۹٦، براست داشتند ایشان ۱۰۰، باور میدارند ۱۰۲، راست گوی میدارند ۱۱٤، استوار دانند ۱۲٤

یَصُدَّکُم: وَیَصُدَّکُمْ عَن ذِکْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَوٰةِ (۵:۹۱)
واززند ۱، بازدارد ۲، بگرداند ۳، بازدارد ۱۰ مکرّر، باززند ۳۹، دور کند ۵۳، روی گرداند ٦۱، بازدارند ۷٦، بازمیگرداند ۹٦، بازمیدارد ۱۲۰، بازمی دارد ۱۲۱، بازدار ۱۲۸

~: یُرِیدُ أَن یَصُدَّکُمْ عَمَّا کَانَ یَعْبُدُ ءَابَآؤُکُمْ (۳٤:٤۳)
برگرداند ۳، بازبرد ۲۲، بازدارد ۵۳، بازگرداند ۵٦، بازگردانند ٦۱، برگردانند ۱۳۸

یَصُدَّنَّکَ: فَلَا یَصُدَّنَّکَ عَنْهَا مَن لَّا یُؤْمِنُ بِهَا (۲۰:۱٦)
گردانند ٦٤، بگرداند ۹۲

★ لا یَصُدَّنَّکَ: فَلَا یَصُدَّنَّکَ عَنْهَا (۲۰:۱٦)
مگرداندا ۳۹، بازمگردان ۵۲، مه دور کنند ۵۳، بازمداردا ۵٦، بازمداراد ٦۲، بازندارد ٦٤، مگرداند ۷٤، مگرداناد ۸۷، بمگرداناد ۱۰۰، بازمدارد ۱۰۳، برمگرداناد ۱۰٦، بازمدار ۱۰۸، نگرداند ۱۱٤، دور نکند ۱۲۱، بازنگرداند ۱۲۸

★ لا یَصُدُّنَّکَ: وَلَا یَصُدُّنَّکَ عَنْ ءَایَٰتِ اللَّهِ (۲۸:۸۷)
وازنزند ۱، بازمداردا ۲، بازنه دارند ۲۱، نباید که بگردانند ۲٤، مگردانندا ۳۹، مگرداند ٤۳، بازمدارندا ٤٦، نگردانند ٤۷، نه دور کُنَد ۵۳، بازنگرداند ٦۱، بازمگرداناد ٦۹، بازمداراد ۷٦، نگرداند ۸۷، هیچ مگرداناد ۸۸، برمگردانند ۸۹، بازندارند ۹٦، برمگرداناد ۱۰۰، برمگرداناد ۱۰٦، نه گرداند ۱۱٤، باید که باز ندارند ۱۳۰، باید باز نگرداند ۱۳۲، نه دور کند ۱۳۹

یَصُدَّنَّکُم: وَلَا یَصُدَّنَّکُمُ الشَّیْطَٰنُ (٤۳:٦۲)
بازداردا ۲، بازداردا ۲۲، گرداند هر آینه ۳۲، بازدارد ۳۸، گرداند ۱۱٤

★ لا یَصُدَّنَّکُم: وَلَا یَصُدَّنَّکُمُ الشَّیْطَٰنُ (٤۳:٦۲)
نگر[1] وازترند ۱، مه گرداندا هر آینه هر آینه ۳، بازندارد ۳۰، بامدارا ۳٤، مگردانندا ۳۹، بازنگرداناد ٤۲، مه بازدارد ۵٦، مگرداناد ۷۲، برمگرداناد ۸۹، برمگرداناد ۱۰۰، بازمداراد ۱۰۸، هر آینه هر آینه نگرداند ۱۲۱، بمگرداناد ۱۳٤، برمگرداند ۱۳۸

لِیَصُدُّوا: یُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ لِیَصُدُّوا عَن سَبِیلِ اللَّهِ (۸:۳٦)
وادارند او واگردانند ۱۰، بازدارند ۲٤، ورگردانند

---

۱. «نگر» برای نهی مطلق و تنبیه بر سر فعل آمده است.

۲۹، بر گردانند ۳۵، باز گردانند ۴۱، باززنند ۵۸، روی گردانند ۶۱، بر گرد آنند ۱۰۰، می گردانند بازمی دارند ۱۰۹، بگردند ۱۲۱، بازمیدارند ۱۲۳

یَصُدُّونَ: رَأَیْتَ الْمُنَافِقِینَ یَصُدُّونَ عَنکَ (۶۱:۴)
می روی گردانند ۱، باز گردند ۲، روی می گردانند ۳، رُوی بگرداند، برمیگردند ۲۹، روی میگردانند ۳۰، می بر گردند ۳۸، بازمی دارند ۴۱، بازگردند ۴۲، دور می شوند ۵۳، روی بگردانند ۶۷، بگردند ۷۶

~: الَّذِینَ یَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ وَیَبْغُونَهَا عِوَجًا (۴۵:۷)
می واززنند ۱، می گردند ۳، مَی واداشتند ۱۰، همی بازداشتند ۱۰ مکرّر، ورگردیدند ۲۴، روی بمی گردانند ۲۹، روی بگرداندند ۴۳، بازدارند ۴۵، روی بگردانیدند ۵۶، می باز گردانند ۷۲، بازمیداشتند ۸۳، بازمیگردانند ۹۹، بر گردانیدند ۱۰۰، همی بگردند ۱۲۶

~: وَهُمْ یَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۳۴:۸)
واداشتند ۱۰، وادارند ۲۴، روی می بگردانند ۲۷، بازهمی دارند ۴۲، مِی گردانند ۵۵، می گردانند ۵۶، ایشان باز همی دارند ۹۶

~: وَیَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ (۴۷:۸)
می واززنید ۱، می وادارند ۱۰، بازمی داشتند ۲۴، روی بمی گردانیدند ۲۹، بازمی زدند ۵۸، باززد می کنند ۷۲، برمیگردآنیدند ۱۰۰، همی بازداشتند ۱۲۸

~: وَیَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ (۳۴:۹)
برمی گردانند ۳، مَی وادارند ۱۰، بازهمی دارند ۱۱، می بازدارند ۲۴، بازمی گردانند ۲۷، بمی گردانند ۲۹، بازمی دارند ۵۵، بازمی زنند ۵۸، روی میگردانند ایشان ۶۱، بازمی دارند ۶۴، میگردند ۱۰۲، بازمیدارند ۱۰۳

~: الَّذِینَ یَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ وَیَبْغُونَهَا (۱۹:۱۱)
برمی گردند ۳، ببشولند ۷ مکرّر، بازدارند ۲۴، همی بازدارند ۵۳، بَرمِی گردند ۵۵، میگردانند ۵۹، برمیگردارند ۱۱۹، بازداشته اند ۱۲۲

~: الَّذِینَ یَسْتَحِبُّونَ الْحَیَاةَ الدُّنْیَا عَلَى الْآخِرَةِ وَیَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ (۳:۱۴)
بازدارند ۲، می گردانند ۵، بازداشتند ۲۴، بَرمی گردند ۵۵، برمی گردانند ۵۷، بگردانند ۷۶، برمیگردانند ۹۳

~: إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَیَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ (۲۵:۲۲)
همی بازدارند ۲، همی بازدارند ۱۲، همی گردانند ۲۴، برگشتند ۳۰، برگردند ۴۲، روی بتافتند ۴۳، برگردند ۵۱، هَمی بازدارند ۵۳، روی گردانیدند ۸۷، برگردانیدند ۱۰۰، روی بگردانیدن ۱۰۵، بازهمی دارند و بازهمی گردند ۱۰۹، بازمی گردانید ۱۳۹

~: وَرَأَیْتَهُمْ یَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَکْبِرُونَ (۵:۶۳)
همی بازگردند ۲، بازگردند ۳۰، بَرگردند ۴۲، همی برگردانند ۵۶، روبگردانند ۱۳۶، می گردند ۱۳۸

یَصِدُّونَ: إِذَا قَوْمُکَ مِنْهُ یَصِدُّونَ (۵۷:۴۳)
می جوخیدند ۱، می خروشند ۳، می بازشوند ۲۲، برگردیدند ۲۴، همی خروشیدند ۳۰، روی می گردانید ۳۲، همی بازشوند ۳۸، روی گردانیدند ۳۹، روی بتافتند ۴۳، خروشیدند ۵۶، روی گردانند ۶۱، بانگ می دارند و می خروشند ۷۹، برمی گردند ۸۱، روی میگردانند ۸۷، برمی گشتند ۱۰۰، روی همی بگردانیدند ۱۰۸، بانگ می کنند - روی می گردانند ۱۰۹، شاد میشوند ۱۳۳، برمیگردیدند ۱۳۸

یَصُدُّونَهُمْ: وَإِنَّهُمْ لَیَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِیلِ (۳۷:۴۳)
وازرنند ۱، برمی گردانند ۳، همی بازدارند ۲۲،

همی بازگردانند ۳۰، می گردانند ۳۹، بگردانند ۵۳، بازگردانند ۶۱، بازدارند ۹۶، برمیگردانند ۱۰۰، بازمیدارند ۱۰۳، بازمی دارند ۱۲۶، دورمیکنند ۱۳۹

یُصِرُّ: ثُمَّ یُصِرُّ مُسْتَکْبِرًا کَأَن لَّمْ یَسْمَعْهَا (۸:۴۵)

بیستد ۲، بیستند ۲۲، بایستد ۲۴، بمی ایستد سخت ۲۹، همی استهند ۳۰، پای می فشارد ۳۲، گناه کند ۵۲، بایستد بستیزه ۵۶، می ایستد ۶۱، سخت گردد ۸۱، می ایستد و می ستیهد ۱۰۹، می ایستادند ۱۲۴، بستیهد ۱۲۶، گردد ۱۳۸

یُصْرَفْ: مَّن یُصْرَفْ عَنْهُ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ (۶:۱۶)

بگردانند ۱، گردانیده شود ۳، ورگردد ۲۴، بازگردانند ۲۶، بگردانند ۲۷، دور کنند ۳۶، بگردانند ۵۳، بگردانند او را ۶۱، بگردانند ۶۲، گردیده شود ۱۱۴ درگذرانند ۱۲۱

یَصْرِفُهُ: وَیَصْرِفُهُ عَن مَّن یَشَاءُ (۲۴:۴۳)

بگرداند ۱، بازدارد ۲، بگرداند ۵۱، بازدارد ۵۳، دور میگرداند ۸۶، گرداند ۹۱، میگرداند ۱۰۳، برگرداند ۱۰۶، بازگرداند ۱۱۹، بازمیدارد ۱۲۰، بگردانید ۱۳۹

یُصْرَفُونَ: الَّذِینَ یُجَادِلُونَ فِی آیَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ یُصْرَفُونَ (۴۰:۶۹)

می گردانسته شند ۱، برگردانیده می شوند ۳، همی بازگردانندشان ۱۵، همی بازگردانندِشان ۲۲، بمی گردانندشان ۲۹، بازگردانندشان ۳۸، می گردانندشان ۴۱، گردانیده شوند ۴۳، برگردانند ۴۹، گردانیده می شوند ۶۱، گردانیده میشوند ۱۰۲، برگردانیده میشوند ۱۰۳، برگردیده می شوند ۱۰۶، بازگردانند ۱۰۸، گردانیده میشوید ۱۱۴، روگردانیده میشوند ۱۲۲، برمی گردانند ۱۳۴، میگردند ۱۳۶

لَیَصْرِمُنَّهَا: إِذْ أَقْسَمُوا لَیَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِینَ (۶۸:۱۷)

ببرند ۱، بدروند ۲، میوه بازکنند ۱۹، میوه بچینند ۲۴، بدروند ۵۶، ببرند میوه ۷۹، هرآینه بازکنند ۹۴، ببرند ۱۰۰، بازکنند ۱۰۲، بگیرند ۱۱۳، ببرند هرآینه ۱۲۰، بچینند ۱۲۲

★ لَمْ یُصِرُّوا: وَلَمْ یُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا (۳:۱۳۵)

نه ایستهند ۲، نه پای فشردند ۳، بنه آیستند ۱۰، نه ایستادند ۲۳، بنایستند ۲۴، پیوسته نباشند ۲۷، همواره نایستند ۲۹، پای نه فشردند ۳۰، همواره برنیستند ۳۴، نه همیشه ایستند ۳۹، نه استند ۴۲، نه ایستند ۴۳، نه استند ۵۲، اُستوارنه باشیدند ۵۵، نه ایستند ایشان ۵۶، همواره برنه ایستند ۶۲، همیشه نبودند ۷۵، نه اسند ۷۶، نه استوار باشیدند ۸۰، برنایستند ۸۲، نایستند ۸۳، نه برایستند ۹۴، نه استد ۱۰۵، دل ننهند ۱۰۹

یُصِرُّونَ: وَکَانُوا یُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِیمِ (۵۶:۴۶)

ستیهیدن ۷۸، می پای فشارند ۸۰، سخت می گردند ۸۱، پای فشارندگان ۹۱، پامیفشارند ۱۲۱

★ کَانُوا یُصِرُّونَ: وَکَانُوا یُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِیمِ (۵۶:۴۶)

پای می فشاردند ۳، دلیر که پیوسته همی بودند ۳۰، همی استیهیدند ۳۴، بودند استوار ۴۱، باستادند ۴۲، بودند استاده ۴۹، بستیزه بایستادندی ۵۶، بودند ایستادگان ۹۲، بسادند ۹۴، پیوستگی همی کردندی ۱۰۹، پای می فشردند ۱۱۴، بایستادندی ۱۳۹

یَصْطَرِخُونَ: وَهُمْ یَصْطَرِخُونَ فِیهَا (۳۵:۳۷)

می فریاد خواهند ۱، همی خروشند ۲، فریاد کنند ۳، فریاد همی خواهند ۲۲، فریاد می خواهند ۲۴، فریاد خواهند ۲۹، خروشند ۳۰، بانگ می کنند ۳۴، فریاد می کنند ۴۱، فریاد دارند ۵۲، فریاد همی خوانند ۵۳، فریاد همی کنند ۵۶، می خروشد ۶۴، بخروشند ۶۵، فریاد همی خواهند

۹۰، بانگ دارند ۹٤، بفرياد ميخروشند ۹۹، بانگ و فرياد ميكنند ۱۰۲، فرياد ميخواهند ۱۰۳، همى خروشند ۱۰۸، بانگ و فرياد همى خواهند ۱۰۹، فرياد ميكنند ۱۱٤، فرياد خواهند كشيد ۱۱۵، فرياد كنند و فريادرسى خواهند ۱۱٦، بفرياد آيند ۱۲۲، ميخروشند ۱۲۹، بانگ ميكنند ۱۳٦

يَصْطَفِي: ٱللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ ٱلنَّاسِ (۷۵:۲۲)
بگزيد ۱، بگزيند ۲، برمى گزيند ۳، بر گزيند ۲٤، بـر گـزيـد ۳۰، مـى گـزيـنـد ۵۸، بـگـزيـنـد ٦۱، مى بر گزيند ۸٦، برميگزيند ۱۱۱

يَصْعَدُ: إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ (۱۰:۳۵)
ورشهد ۱، برشود ۲، برمى آيد ۳، برمى رود ۳٦، بـازشـود ٤۲، بَـرْشَـوَدْ ۵۳، بـررود ٦٤، ورشـود ۷۲، بر آيد ۸٦، بالا ميرود ۱۰۳، برشود - بر آيد ۱۰۹، نيالايد ۱۱۳، برميشود ۱۱٤، ببالا بررود ۱۱۷، گِردد ۱۳۸

يَصَّعَّدُ: يَجْعَلْ صَدْرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِى ٱلسَّمَآءِ (۱۲۵:٦)
مى ورشهد ۱، همى برشود ۲، برمى شود ۳، بَربايد شدن ۱۰، برشود ۱۰ مكرّر، بپرّد ۲٤، وى برايد ۲۷، برمى رود ۳۹، هـمـى بـرشـود ٤۲، مـى بـرشـود ۵۳، بُـرمـى شَـوَد ۵۵، مـى رود ٦۰، بـررود ٦۱، بـبـالا برمى رود ٦۳، مى شود ۷٦، برآمدَى ۸۲، بربالا برمى رود ۸۵، بالا رود ۹٦، برميرود ۱۰۲، برشدن خواهدى ۱۰٤، بالا ميرود ۱۱۱، برميشود ۱۱۲، ببالا برميشود ۱۲۱، برشدن خواهد ۱۲٦، برمى آورد ۱۳۰

يُصْعَقُونَ: فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى فِيهِ يُصْعَقُونَ (٤۵:۵۲)
مى ميرند ۱، بيهوش كرده شوند ۳، بميرند ۲٤، بيفتند ۲۹، بميرانندشان ۳۰، بيهوش شوند ۳٦، بى هوش بيفتند ۳۸، ميرند ٦۱، بى هوش شوند ۸۱، بيهوش بيفتند ۹٤، بميرند يا بميرانندشان ۱۰۸، مرده شوند ۱۲۲، مدهوش شوند ۱۳۱، ازهوش مى شوند ۱۳۹

وَلْيَصْفَحُوا: وَلْيَعْفُوا۟ وَلْيَصْفَحُوٓا۟ ۗ أَلَا تُحِبُّونَ (۲۲:۲٤)
درگـذاريـد ۱، روى بـگـردانـنـدا ۳، بـايـد كـه درگذرند ۲۹، اندر گذارندا ۳۰، برگذرند ۳۹، درگذار ٤۱، درگذارد ۵۲، درگـذارنـد ۵٤، روى بگـردانـنـد ۵٦، روى بـرتـابـى گـيـرنـد ۵۸، روتازه دارنـد ۷۷، بـايـد كـه درگـذرانـنـد ۷۹، روى بگردانندا از خشم راندن ۸۰، اندر گذارند ۹٦، دست باز بايد داشت ۱۰۲، بايد كه درگذرانند ۱۱۳، روى گـردانـنـدا ۱۱٤، درگـذاران ۱۱۹، درگـذريـد ۱۲٦، درگـذرنـد ۱۳۲، بـايـد ... فـرو گذارند ۱۳۸

يَصِفُونَ: سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۰۰:٦)
مى گويَد ۱۰، مى گويند ۲۷

~: فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۲۲:۲۱)
نشان مى دهند ۲، مى گويند ايشان ۲٤

~: سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (۹۱:۲۳)
ميگويند ۵۸

~: نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (۹٦:۲۳)
ايشان همى گويند ۲٤

~: سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۵۹:۳۷)
مى ستايند ۱۲۲

~: سُبْحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۸۲:٤۳)
همى گويند ۱٦، همى گويند ۲۲، نشان مى دَهند ۳۲، ميستايند ۱۳۲

يَصِلُ: فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَآئِهِمْ (۱۳٦:٦)
برسد ۳، وارسد ۱۰، رسد ۱۰ مكرّر، رسيدى ۲۹، رَسَد ۵۳، فرارسيدى ٦۲، واپيوندد ۷۹، ميرسد ۹٦،

پیوندد ۹۹، باز گردد ۱۰۰

★ لَا يَصِلُ: فَلَا يَصِلُ إِلَى ٱللَّهِ (۱۳۶:۶)
نرسد ۱، نه رسد ۲، نرسیدی ۲۹، نمی رسید ۶۳، وانمی پیوندد ۷۹، نمی رسد ۹۶، نمیرسد ۱۱۱، نه رسند ۱۲۸

يَصْلَاهَا: ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَىٰهَا مَذْمُومًا (۱۷: ۱۸)
می درشهد ۱، درشود ۲، بسوزد ۲۹، درآید ۳۶، بسوزند ۳۸، اندررود ۳۹، در می رود ٤۱، اندرآیَدْ ۵۳، دَرشَوَد ۵۵، بسُوزد ۵۷، دررود ٦۱، می سوزد ٦٤، اندر آید ۱۲٤، اندرشود ۱۲٦

★ لَا يَصْلَاهَا: لَا يَصْلَىٰهَا إِلَّا ٱلْأَشْقَى (۹۲: ۱۵)
درنشهد ۱، درنشود ۲، درنرود ٤۱، سوخته نشود ٦٤، درنیاید ۹۲، اندر نشود ۱۰۸، نرود ۱۱۱، فرانگیرد ۱۳٦

يُصْلَبُ: وَأَمَّا ٱلْآخَرُ فَيُصْلَبُ (۱۲: ٤۱)
دارکرده شهد ۱، بدارکُنندش ۲، بردار کرده شود ۳، دال یاود ۷ مکرّر، وردارکنند ۲٤، بیاویزندش ۲۹، بردارکنند ۳٤، بردارکنند او را ۳۸، او را بردار کُنَند ٤۲، بردارکنندش ۵۲، بدارش کنند ۵۳، بَردار کَرْدَه شود ۵۵، بدار کنندش ۵٦، بَردارکنند ۵۷، بردرخت کنند ٦۰، بردارنهاده شود ٦۱، بردارکند ٦۲، بردارکُنند ۷٦، بردارش کنند ۱۰۰، آویخته شود از دار ۱۰۹، آویخته شود ۱۱۱، بردارزده خواهد شد ۱۲۷، بردار خواهد بود ۱۳۵، درآویخته شود ۱۳٦

يُصَلَّبُوا: أَن يُقَتَّلُوٓا۟ أَوْ يُصَلَّبُوٓا۟ (۵: ۳۳)
وردارکرده شنند ۱، بدارکنندشان ۱۰ مکرّر، بیاویزند ۲٤، بردارکنندشان ۲۹، برآویزندشان ۳۱، بردارکنند ۳٦، بردار کرده شوند ۳۹، بردارکُنَندشان ٤۲، براویزندشان ٤۵، بَرْدارکنند ۵۳، بردارکنند ایشان را ۵٦، بیاویزی ٦۰، بردرخت کنند ٦۲، دارنهاده شوند ۹۰، بردارشآن کنند ۱۰۰، بردارکنند ایشانرا ۱۰٦ بردار کشند ۱۱٦، بردار کشیده شوند ۱۲۲، بردار آویخته شوند ۱۳۰، به دار کرده شوند ۱۳۸

يُصْلِحُ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ ٱلْمُفْسِدِينَ (۱۰: ۸۱)
نیکو کند ۳، پسندد ۳٦، نیکوکار کند ٦۱، نیکو بکند ۸۰

~: يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ (۳۳: ۷۱)
خُوب کند ۲، نیک کند ۱۸، نیک گرداند ۲۹، سامان کند ۵۳، بسامان آرد ۸٦، بسامان کند ۱۰۹، بسامان شود ۱۱٤، شایسته کند ۱۳٦

~: سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ (٤۷: ۵)
راست کند ۱، خوب گرداند ۳۰، نیکو گرداند ٦۱، بسامان آورد ۱۲۲

★ لَا يُصْلِحُ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ ٱلْمُفْسِدِينَ (۱۰: ۸۱)
نیک نکند ۱، خُوب نگرداند ۲، نیکو نکند ۲۷، نگونگرداند ۳۹، راست نیارد ٤۱، خوب نگرداَند ٤۲، نیکو نگرداَنْدْ ۵۳، نِیکُو نَکُند ۵۵، راست نکند ۵۸، نیکو نگرد آند ۹٤، خوب نگرداند ۹۸، بسامان نیارد ۱۰٤، بسامان نکند ۱۰۹، بسامان نمیآورد ۱۲۰، نیک ندارد ۱۲۱، نگرداند نیکو ۱۲۸

يُصْلِحَا: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا (٤: ۱۲۸)
آشتی افکنند ۳، آشتی بَکُنَید ۱۰، آشتی دهند ۲۷، آشتی فکینند ٤۲، هردو آشتی کنند ۵۸، آشتی کنند ۱۱۱، آشتی نهند ۱۲٤

يُصْلِحُونَ: ٱلَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۲٦: ۱۵۲)
کنند نیکی ۲٤، بسامانی کنند ٤۹، بسامان باشند ۵٦، نیکویی کنند ۹۱

~: يُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۲۷: ٤۸)
نیکی می کنند ٦٤

★ لَایُصْلِحُونَ: اَلَّذِینَ یُفْسِدُونَ فِی اَلْأَرْضِ وَلَا یُصْلِحُونَ (۲۶:۱۵۲)
نیکی نمی کردند ۱، نیکوی نکنند ۳، خوبی همی نکردند ۳۰، نکنند نیکویی ۴۲، نه بسامان کنند ۵۳، نیکی نمی کنند ۵۸، نکنند خوبیْ ۶۱، نیکویی نکنند ۸۰، خوبی و نیکی مکنند ۱۰۸، هیچ بسامان نمی کنند ۱۰۹، بسامان نمی آورند ۱۲۰، نیکی نکنند ۱۲۸

~: یُفْسِدُونَ فِی اَلْأَرْضِ وَلَا یُصْلِحُونَ (۲۷:۴۸)
نه کردندی نیکی ۴۶، نه بَسامانی کَرْدَنْد ۵۳، نابسامانی کردند ۵۶، خوبی نکردند ۶۱، نیک نمی کردند ۱۰۹، نیکی نمیکردند ۱۱۴، خرمی همی نکردند[1] ۱۲۸

★ لِیُصَلُّوا: وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ یُصَلُّوا فَلْیُصَلُّوا مَعَكَ (۴:۱۰۲)
گو نماز کنید ۱، نماز کُنند ۲، نماز کنندا ۳، نماز کُنندا ۱۰، نماز کنندا ۲۷، نماز کنند ۲۹، گوبکنیت نماز ۴۱، نماز کُنْدَا ۵۳، گو نماز کنند ۶۱، باید که نماز کنند ۶۳، نماز بکنند ۹۶، نماز گذ آرند ۱۰۰، نماز گذارند گو ۱۰۲

★ لَمْ یُصَلُّوا: وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ یُصَلُّوا فَلْیُصَلُّوا مَعَكَ (۴:۱۰۲)
نماز نکردند ۱، نماز نکرده باشند ۲، نماز نه کردند ۳، نماز ناکرده ۱۰، نماز نکردَه باشند ۴۲، نه نماز کند ۴۵، نکردند نماز ۵۳، نماز نمی کردند ۵۸، نه نماز کنند ۶۱، نماز نکرده بودند ۶۴، نماز نگزارده باشند ۸۹، نگزارند نماز ۱۱۴، نماز نکرده اند ۱۲۲، نماز نگذارده اند ۱۲۳، نکرده باشند نماز ۱۲۴

★ لَنْ یَصِلُوا: إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ یَصِلُوا إِلَیْكَ (۱۱:۸۱)
نرسند ۱، نَرسندْ ۲، نرسند ایشان ۲۴، هرگز نرسند ۳۰، نرسد ۴۱، نرسَند ۵۳، هَرگز نَرسَند ۵۵، وانپیوندند ۷۹، نرسیدند ۱۱۱، وابی بودند[2] ۱۱۳، نه رسند ۱۱۴، نمیرسند ایشان ۱۲۳، هرگز نتوانند برسانند ۱۳۶

یَصِلُونَ: إِلَّا اَلَّذِینَ یَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَیْنَكُمْ وَبَیْنَهُمْ مِیثَٰقٌ (۴:۹۰)
می پیوندند ۱، پیوسته اند ۱۰، پیوندند ۳۶، بپیوندَند ۴۲، همی پیوندند ۴۵، پیوسته باشد ۵۳، می پیوندد ۵۶، به پیوندند ۶۴، پیوند گیرند ۱۰۴، پیوستند ۱۰۶، بپیوندند و پناه برند ۱۱۱، پیوند کنند ۱۲۳

~: وَاَلَّذِینَ یَصِلُونَ مَا أَمَرَ اَللَّهُ بِهِۦٓ أَن یُوصَلَ (۱۳:۲۱)
بپیوندند ۲، بپیوستند ۲۴، بَپَیْوَنْدَند ۵۳، مِی پیوَنْدَند ۵۵، می رسند ۶۱، بمی پیوندند ۶۳، بپْیوندَند ۷۶، وامی پیوندند ۷۹، میپیوندند ۱۱۶، میرسانند ۱۳۶

~: وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَٰنًا فَلَا یَصِلُونَ إِلَیْكُمَا (۲۸:۳۵)
رسند ۳، رسند ایشان ۴۶

★ لَایَصِلُونَ: فَلَا یَصِلُونَ إِلَیْكُمَا (۲۸:۳۵)
نرسند ۱، نرسَند ۵۳، نرسند ایشان ۵۶، فرانرسند ۶۲، نتوانند رسید ۶۴، وانپیوندند ۷۹، نرسد ۱۰۸، وانه پیوندند ۱۱۳، نرسانند ۱۳۲

یَصْلَوْنَ: وَسَیَصْلَوْنَ سَعِیرًا (۴:۱۰)
درکرده شند ۱، زُود اَندر آرند شان ۲، زود درآیند ۳، نزدیک کنند ۲۳، زود باشد که درشوند ۲۷، زود یابند ۲۹، زود باشد که درشوند ۳۸، بآتش

---

۱. معنی خالی از تأمّلی نیست: اگر تحریفی نباشد، می توان پنداشت که «خرمی کردن» تلویحاً به معنی شاد کردن و اصلاح باشد. شاید هم تحریفی باشد از «فرّهی همی کردند».

۲. واپی بودند هم می توان خواند، به معنی «عقب ماندند یا نرسیدند» که به این معنی در گویش شهرهای جنوب خراسان هست.

دوزخ بسوزند ۴۰، در آرند ۵۲، نزدیک کند ۵۳، درروند ۵۶، بسوزند ۵۷، بیاوند ۶۲، در آورده شوند ۸۰، اندر آرند ۸۲، زود اندر آردشان ۹۴، درشوند ۹۶، اندر آرند ۹۸، در آیند ۱۰۲، درافتد ۱۲۲، انداخته می شوند ۱۳۵

یُصَلُّونَ: إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ (۳۳: ۵۶)
می درود دهند ۱، همی دُرود فرستند ۲، درود می دهند ۳، همی درود دهند ۱۸، درود همی فرستند ۳۰، درود گویند ۳۹، درود می فرستند ۴۲، درود فرستد ۶۱، درود دهند ۹۰، درود فرستند ۹۴، درود میدهند ۱۰۲، درود گوید و درود فرستند ۱۰۳، درود همی دهند ۱۰۹، درود میفرستند ۱۱۶، درود می فرستید ۱۳۹

یَصْلَوْنَهَا: جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا ۖ وَبِئْسَ ٱلْقَرَارُ (۱۴: ۲۹)
می درشند ۱، أندر شونْد ۲، در آیند ۳، درشند ۲۴، درمی روند ۴۱، در آرند ۵۸، درروند ۵۹، بتابید بتَپش ۶۳، درمی ارند ۶۹، درشدند ۱۱۲

~: جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ (۳۸: ۵۶)
بسوزند ۲۹، درروند ۵۶، سوخته خواهد شد ۶۴، دریابند ۹۲، دربرند ۹۶، بسوزد ۱۰۵، درمیآیند ۱۲۰

~: حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا ۖ فَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (۵۸: ۸)
درشوند ۲، شوند ۲۴، سوزند ۲۹، سوخته شوند ۶۴، درسوزند ۱۱۳، بسوزاند ۱۲۴

~: وَإِنَّ ٱلْفُجَّارَ لَفِى جَحِيمٍ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ ٱلدِّينِ (۸۲: ۱۵)
اندر شوند ۲، می سوزند ۳۹، میسوزند ۶۷، درآویزند ۱۲۰

یَصْلَى: فَسَوْفَ يَدْعُوا۟ ثُبُورًا وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا (۸۴: ۱۲)
درشهد ۱، درآید ۲، اندر آرد ۳۰، می سوزد ۳۹، درشود ۶۱، سوخته می شود ۶۴، درآرد ۸۷، می سپوزد ۹۲، سوخته شود ۱۳۹

~: ٱلَّذِى يَصْلَى ٱلنَّارَ ٱلْكُبْرَىٰ (۸۷: ۱۲)
می درشهد ۱، اندر شود ۳۰، سوخته خواهد شد ۶۷، رود ۱۳۴

~: سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۱۱۱: ۳)
درشود ۲۴، دررود ۴۱

یُصَلِّی: وَهُوَ قَآئِمٌ يُصَلِّى فِى ٱلْمِحْرَابِ (۳: ۳۹)
نماز همی کرد ۲، نماز می کرد ۳، می نماز کرد ۱۰، نماز می کرد ۲۷، نماز میکرد ۲۹، نماز می گزارد ۳۶، نماز می کرد ۴۲، نماز همی کرد ۶۲، نماز کرد ۷۶، نماز گزارد ۸۹، نماز میگزارد ۱۱۱، نماز میگذارد ۱۳۰

~: هُوَ ٱلَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ (۳۳: ۴۳)
درود دهد ۱، درود فرستد ۲، درود دهد و بخشاید ۳، بیامرزد ۲۴، درود گفت ۴۳، آفرین میکند ۴۷، می بخشاید ۶۱، درود فرستد و آمرزش ۶۴، درود میگوید ۹۹، درود میفرستد ۱۰۶، درود دهد آفرین میکند ۱۰۹، درود می دهد ۱۱۶، فرو فرستاد ۱۳۹

فَلْيَصُمْهُ: فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ (۲: ۱۸۵)
روزه دارد ۲، روزه دارد ا ۳، روزه واید داشتن ۱۰، روز[ه]* سی[1] باید داشتن ۴۰، باید که رُوزه دارَد ۴۲، باید که روزه دارد ۵۲، باید روزه دارد ۵۷، روزه بدارد ۶۳، گوروزه دارد ۹۰، روزه د آرد ۹۴، باید که روزه بد آرد ۱۰۰، باید که روزه بود ۱۰۱، روزه دار گو ۱۰۲، روزه دارند ۱۲۴، باید روزه باشد ۱۲۹، باید روزه گیرد ۱۳۶

یَصْنَعُ: وَيَصْنَعُ ٱلْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِۦ سَخِرُوا۟ مِنْهُ (۱۱: ۳۸)
می ساخت ۳، کند ۴۲، می ساخت ۵۵، بسازد ۶۱،

---

۱. کلمهٔ «سی» می تواند تفسیری باشد و مربوط به سی روز ماه رمضان.

می کرده و می ساخت ۹۲، میکردی ۹۹، میساخت ۱۰۰، بساز ۱۳۵

★ کَانَ یَصْنَعُ: وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ (۷:۱۳۷)
می کرد ۱، می کردند ۱۰، می کرد و می ساخت ۳۹، همی کرد ۴۵، ساخته بود ۶۳، می کردند ٦٤، میکردند ۱۰۰، میکرد ۱۱۲، کرد ۱۲۱، ساخته بودند ۱۲۲، همی کردند ۱۲۸

یَصْنَعُونَ: وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۵:۱٤)
می کُنَند ۱۰، کار کنند ۷۵

~: وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۵:٦۳)
همی کنند ٤۲، ایشان می کنند ٦۳، می سازند ۱۰۰، میسازند ۱۱٦

~: إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۲٤:۳۰)
می کنند ۱، همی کُنند ۲، ایشان کنند ۲٤، همی کنید ۵۳، ایشان همی کنند ۵٤، می سازند ۱۰۰، میکنید ۱۱۱، ایشان میکنند ۱۱۷، کنند ۱۲۵

~: إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۵:۸)
همی کنند ۱۸، می کنند ایشان ۵٦، میکنند ۷٤

★ کَانُوا یَصْنَعُونَ: وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۵:۱٤)
می کردند ۱، همی کردند ۲، کار میکردند ٦۱، کردند ٦۷، ایشان همی کردند ٦۲، ساختند ۸۹، می ساختند ۱۰۰

~: وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۵:٦۳)
همی کردند ۲، می کردند ۳، بودند کمی کردند ۳۷، ایشان کردند ۹۲

~: فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱٦:۱۱۲)
ایشان کرده بودند ۲٤، میکردند ۲۹، کرده بُودند ٤۲، همی کَردند ۵۳، کردند ۵۹، همی کَردند ٦۲، بودند کنندگان ۹۰، ایشان میکردند ۹۳، ساختند ۱۰۰

یُصْهَرُ: يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (۲۲:۲۰)
گدازانیده می شود ۳، بگزارد ۱۲، بگدازد ۲٤، میگدازند ۲۹، بگذارند ۳۰، سوراخ کند ۳٦، گداخته شود ۳۹، بازمی گذارند ٤۱، فروریزد ٤۳، باگداخته شود ٤۸، بگذارند ۵۱، بگیازد ۵۲، بگدازند ٦۱، گذاریده می شود ۸۰، گدازانیده شود ۹۱، بکیازد ۱۰۵، بگدازانند ۱۰٦، همی ریخته شود ۱۰۹، گداخته می شو ۱۱۹، می گدازد ۱۲٤، میگدازد ۱۲۹، بگذارد ۱۳٤

یُصَوِّرُکُمْ: هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ (۳:٦)
نگارد ۱، بنگارد ۲، می نگاردتان ۳، بنگارید ۲۵، بنگارد ٤۲، می نگارد ۵۵، بنگاشت ۸۲، می نگارت ۹۱، بنگاشت ۹٤، مینگارد ۱۲۲

یُصِیبُ: سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ (٦:۱۲٤)
برسد ۲، فارسد ۱۰، اندررسد ۲۹، رسد ۵۳، هارسد ۵۷، اندررسد ٦۲، رسند ۸۲، برسند ۱۱٤

~: سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۹:۹۰)
رسد ۱، فرارسد ۲۹، برود و برسد ٤۱، فرارسد ۵۳

~: يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ (۱۰:۱۰۷)
برساند ۳، هارساند ۲۹، فرارساند ٦۲، بدهد ۹٤، برساند ۱۰۰

~: وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ (۱۳:۱۳)
برسد ۲، می رساند ۳، برساند ۵۳، رساند ۵۵، برساند ۷٦، میرساند ۱۰۲

~: فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ (۲٤:٤۳)
رساند ۱، برساند ۲، برساند ۵۳، میرساند بهره ۱۱۱

★ سَيُصِيبُ: سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُوا۟ صَغَارٌ عِندَ ٱللَّهِ (۱۲٤:٦)
زودا كفا رسد ۱۰، زود بود كه برسند ۱۱٤

يُصِيبَكُمْ: وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمُ ٱللَّهُ (۹: ۵۲)
رساند ۱، فارساند ۱۰، برساند ۱۱، برسند ۹٦، ميرساند ۱۳٦

~: لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِىٓ أَن يُصِيبَكُم (۱۱: ۸۹)
برسد ۳، فرا رسد ۵۳، برساند ۱۰۰

يُصِيبَنَا: قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا (۹: ۵۱)
برسد ۱۱

★ لَنْ يُصِيبَنَا: قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا (۹: ۵۱)
نرسيد ۱، هرگز نرسد ۳، نه رسد ۱۰، نرسد ۲٤، هانرسد ۲۹، نرسّد ۶۲، فرا نرسد ۷٦

يُصِيبَهُمْ: أَنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ (۵: ٤۹)
رساند ۱، برساند ۲، بَرَسانَدْ ۵۳، بگيرد ۷٦، برساند ۱۰۰

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ (۹: ۱۲۰)
رَسَد ۵۵

~: أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲٤: ٦۳)
بَرَسَد ۵۱، هارسد ۱۱۹

~: سَيُصِيبُهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُوا۟ (۳۹: ۵۱)
برسد ۳

★ لَا يُصِيبُهُمْ: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ (۹: ۱۲۰)
نرسد ۱۳، نه رَسَد ۵۵

يُضَارَّ: وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ (۲: ۲۸۲)
گزند رسانيده شود ۳، رنجانند ٤۳، رنجه داده شود ۹۰، زيان نمايد ۱۳۸

★ لَا يُضَارَّ: وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ (۲: ۲۸۲)
زيان نبايد كردن ۲، ستيزه مَكنيد او ستم مَفرمائيد ۱۰، نه بايد كه زيان كند ۲۵، نه فرمايندا ستم ۲۷، مكناد زيان كارى ۳٤، ستيزه نبايد كردن ٤۰، زَيان نبايّد كرّد ٤۲، زيان نبايد كرد ۵۲، زيان رسانيده مشوا شايد مشواد ۵٦، نه گزند رسانند ٦۱، رنجه ندارد ٦۳، نداريد رنجه ٦۹، زيان مرساناد ۷٤، نبايد رنجانيد ۷۵، نبايد كه گزند رسانند ۱۰۰، بايد كه گزند رسانيده نشود ۱۰٤، نبايد گزند رسانيد ۱۰٦، گزند مرسانيد ۱۳٦، نبايد كه گزند رساند ۱۳۸

يُضَاعَفُ: يُضَٰعَفُ لَهُمُ ٱلْعَذَابُ (۱۱: ۲۰)
يک دو كرده شهد ۱، دُوباره گردانند ۲، دوچندان كرده ۳، بيفزايد ۲٤، دوچند كرده شود ۳٦، افزوده شود ۳۹، دوچندان مى شود ٤۱، دوباره گرداند ۵۲، بفزايند ۵۳، دُوچَندان كَردَه شود ۵۵، دُوباره كنند ۵٦، دولايه كنند ۵۷، يک دو شود ۵۸، دوتا كنند ۵۹، دوچندان كنند ٦۰، دوچند گردانيده شود ٦۱، دوچندان باشد ٦٤، افزون كند ٦۷، دوباره گردانند ۸۳، دوباره داده شود ۹٤، دوچند گرد آينده شد ۱۰۰، دوبهره كند ۱۰٦، افزوده ميشود ۱۲۰، دوچندان ميشود ۱۲۲، بيفزايد يكى بدو ۱۲٤، دوباره گردانيد ۱۲٦، افزوده ۱۳۰

~: يُضَٰعَفْ لَهُ ٱلْعَذَابُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۲۵: ٦۹)
يک دوشهد ۱، دوچندان كرده شود ۳، اوزون كنند ۲۰، همى افزايد ۲٤، بيفزايد ۳۰، يک دو كرده شود ۳۹، دوچندان بود ٤۲، يک دو كنند ٤٦، مى افزايند ٤۷، بيفزايند دوچندان ۵٦، يک بدو كرده شود ٦٤، دوچند ۸۷، يكىّ بدو كرده شود ۹۲، دوچندان كند ۹٦، دوباره كرده شود ۱۰۳، دوبرابر شود ۱۳٦

~: يُضَٰعَفْ لَهَا ٱلْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ (۳۳: ۳۰)
بيفزايند ۱٤، افزون كنند ۲٤، دوباره باشد ۳۹، دوچندان شود ٤۱، دوتو كند ٤۲، دوتو كرده شود ٦۱، توبرتو ۸۰، توبرتو كرده شود ۹۱، يک دو

کرده شود افزوده شود ۹۳، دوچندان کند ۹۶، دوچندان گرداند ۱۰۰، افزون کرده شود ۱۰۹، فزون شود ۱۳۲

~: وَأَقْرَضُوا اللّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضَاعَفُ لَهُمْ (۵۷:۱۸)
یک دو کند ۱، یک دو داده شود ۳۹، می افزاید ۴۹، دوتو بدهد ۵۲، بیافزاید ۸۱، دوچندان بدهد ۹۶، افزونی گردانند ۱۰۸، افزون گرداند ۱۲۹

يُضَاعِفُ: وَاللّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ (۲:۲۶۱)
یک دوا کند ۱، افزون کند ۳، بفزاید ۱۰، بیفزاید ۲۴، یکی را دو گرداند ۲۵، یک دو کند ۲۷، یکی بدو کند ۲۹، دوچندان کند ۳۶، افزون گرداند ۴۲، افزون گرداند ۵۲، بیفزاید یکدو ۵۶، یکی را دودهد ۷۲، یک دوگرداند ۷۴، یکی بدوگرداند ۸۲، دوچندان میکند ۹۹، دوچند آن گرد آند ۱۰۰، دوبرابر گرداند ۱۰۱، افزونی دهد ۱۰۴، دوبهره گرداند ۱۰۶، فزاید ۱۰۹، افزون میکند ۱۲۰، می افزاید ۱۳۵

يُضَاعِفَهُ: فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافاً كَثِيرَةً (۲:۲۴۵)
یک دوکند ۱، افزونی کند ۳، بفزاید ۱۰، دُو تُو گرداند ۴۲، یکدو کند ۴۳، یکی بدوگرداند ۵۳، افزون کند ۵۶، افزاید ۶۱، وادهد دوبار هزارهزار ۶۳، دوچند کند ۶۹، یکی دوکند، افزونی دهد ۷۵، دتو گرداند ۷۶، بیفزآید ۹۴، دوچند میکند ۹۹، دوگرداند ۱۰۱، دوباره گرداند ۱۰۲، زیاده کند ۱۱۲، دوبار چندان گرداند ۱۱۸، دوبرابر میکند ۱۲۰، دوبرابر میگرداند ۱۳۰

~: مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفَهُ لَهُ (۵۷:۱۱)
یک دوا کند ۱، دوچندان کند ۳، افزون دهد ۲۴، یکی بدو گردد ۳۰، بدهد دوچند ۵۲، افزوگرداند ۱۰۸، افزون بازدهد ۱۰۹، دوچندان دهد ۱۱۴، افزون گرداند ۱۲۴

~: إِن تُقْرِضُوا اللّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضَاعِفْهُ لَكُمْ (۶۴:۱۷)
بیفزاید ۲۴، دُوتُو کرگرداند ۴۲، افزونی بازدهد ۴۹، دوتو گرداند ۵۲، دوچندان گرداند ۸۸، بسیار کند ۹۶، زیاده گرداند ۱۰۳، دوبهره گرداند ۱۰۶، ته برته کند - افزون کند ۱۰۹، فزون کند ۱۳۲

يُضَاعِفْهَا: وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا (۴:۴۰)
یک دو کند ۱، دوچندان کند ۳، بیفزاید ۳۶، بافزون ۴۰، بیفزاند ۴۱، دوچندان گرداند ۴۲، بفزاید ۵۳، یکی دوکند ۵۶، دوچندان گرداند ۵۸، افزاید ۶۱، افزون کند ۶۷، دوتو گرداند ۷۶، افزونی کند ۸۸، دوچند آن گرداند ۹۴، دوبالا کند ۹۶، دوچند گرداند ۱۰۰، افزونی گرداند ۱۱۱، افزون گرداند ۱۱۶، بیفزاید دوچندان ۱۲۴، دوچندان گرد آند ۱۲۸

يُضَاهِئُونَ: يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ (۹:۳۰)
می مانسته شند ۱، مانندگی همی کنند ۲، می مانند - مانند می آرند ۳، می مانندی کنند ۱۰، مانندگی همی کنند ۱۱، مانندِه کردند خویشتن را ۲۴، مانندگی می کنند ۲۹، مانند می کنند ۳۶، همی مانندہ کنند ۳۸، مانندہ می کند ۳۹، می مانند - مانند آرند ۵۵، مانند می شوند ۶۹، همی مانندہ شد ۷۲، می ماند - مانند می آرند ۹۱، مانندہ می گویند ۹۲، مانندی آرند ۹۴، مانندگانی می کنند ۹۵، مانندگی کنند ۹۶، بهم مانندہ است ۱۰۰، مانندگی میکنند ۱۰۲، مانند است ۱۰۴، بهم مانند ۱۰۶، مانندہ کنند ۱۰۷، می ماند ۱۱۲، مانند میگردانند ۱۱۳، مانندی می آرند ۱۱۹، برابری میکنند ۱۲۱، مانند می آرند ۱۲۴

فَلْيَضْحَكُوا: فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلاً وَلْيَبْكُوا كَثِيراً (۹:۸۲)
گوبخندید ۱، بخندندا ۳، بخندند ۱۱، باید بخندند ۲۹، می خندند ۳۶، گوبخندیت ۴۱، بخندندا ۵۵، بگو تا بخندند ۵۶، گوی بخندید ۵۷، گوبخندند ۶۱، بخندید ۶۲، بخندید گوید...

بِخندَند ٩٤، باید که بخندند ١٠٠، باید خندید ١٠٦، باید که خنده کنند ١١١، خنده کنندا ١١٤، باید خنده کنید ١٣٦

يَضحكُونَ: فَلَمَّا جَاءَهُم بِآيَاتِنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَكُونَ (٤٧:٤٣)
می خندیدند ١، بخندیدند ٩، همی خندیدَند ٢٢، همی خندیدند ٢٤، همی خندند ٨١، خندیدند ٩٦، خندستانی میکردند ١٠٩

~: إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (٢٩:٨٣)
می بخندند ٢٩، می خندیدندی ٦١، خندند ٨٩، میخندند ٩٢، میخندیدند ٩٦

~: فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (٣٤:٨٣)
می خندند ١، می خندَند ٢، خنده میکنند ٩٩، بخندند ١١٣

يَضُرَّ: وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا (١٤٤:٣)
زیان دارد ٥٣

★ لَنْ يَضُرَّ: وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا (١٤٤:٣)
زیان نکند ١، هرگز زیان ندارد ٣، هیچ زیان نکُند ١٠، نه زیان دارد ٢٣، هیچ زیان نکند ٤٠، ندارد هیچ زیان ٦٢، زیانی نتواند کرد ٦٣، زیان نکند هرگز ١٠١، زیانی نتواند ١٠٦، هرگز گزند نرساند ١٣٠

يَضْرِبَ: إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَن يَضْرِبَ مَثَلًا (٢٦:٢)
بزند ٢، پیدا کند ٤، پَیدا کُند ٥٥، بِزَنَدْ ٩٤، بیارد ١٢١

~: كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (١٧:١٣)
می زند ١، همی زَند پدید کند ٢، پیدا می کند ٣، پَیدا می کُند ٥٥

~: وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ (٢٥:١٤)
یاد کند ٦٢، میزند ٩٣، پیدا همی کند ٩٦، پیدا میکند ١٠٣

~: وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ (٣٥:٢٤)
همی پدید کُند ٢، پدید می کند ٢٤، همی زند و پدید کند ٤٧، باز کند ٥٤، پدید می آرد ٨٦، مینماید ١٢٩

~: كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (٣:٤٧)
همی پدید کُند ٢، پدیدار همی کند ٢٤، بزند - پدید کند ٣٠، زند ٥١، پدید کرد ٦١، پدید میکند ٨٦

يَضرِبْنَ: وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ (٣١:٢٤)
برزنند ٤٧، زنند ٥٦، برافکنند ٩٥، بزنند و برافکنند ١٠٩، برفکنند ١١٤

★ لِيَضرِبْنَ: وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ (٣١:٢٤)
گوفرود هیلند ١، برافکنند ٢٤، باید که بزنند ٢٩، فروکشند ٣٩، بزنند ٤٣، فروگذارند ٥٤، بزنندا ٥٦، گوبزنند ٥٨، گوبزنید ٧٧، فرواندازید ٧٨، باید کفروگذارند ١١١، باید که نیک بپوشانند ١١٣، باید که برزنند ١١٧، درافکنند ١٢١، باید که فراگذارند ١٢٣، باید بزنند ١٣٢، باید برزنند ١٣٨

★ لايَضرِبْنَ: وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ (٣١:٢٤)
بنزنند ١، نه زنندا ٣، نزنند ٤٣، وانزنندا ٤٧، مزنید ٦١، برهم نزنند ٧٦، گومزنید ٧٧، باید که برزمین نزنند ٨٦، نباید که بهم برزنند ٨٩آ، به نزنند ١٠٥، مزنندا ١٠٨، نزهند ١١٣، باید نزنند ١٣٢

يَضرِبُونَ: إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ (٥٠:٨)
می زنند ١، مَی زَدَند ١٠، می زدند ٣٦، زنند ٦٣، همیزنند ٩٦، زنندگان باشند ١٠٠

~: فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ

وَأَدْبَـٰرَهُمْ (٢٧:٤٧)
همی زنند ٢٢، میزنند ٨٦

~: وَءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِى ٱلْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ (٢٠:٧٣)
می روند ١، روند ٢٩، بزنند ٣٠، همی روند ٣٨، بروند ١١٤

يَضَّرَّعُونَ: إِلَّآ أَخَذْنَآ أَهْلَهَا بِٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ (٩٤:٧)
زاری کنند ١، زاري كُنند ٢، ببروند و زاری کُنند ١٠، فروتنی کنند ٣٦، زاری کُنند ٤٢، بزاری کنند ٦١، زآری کنند ١٠٠

يَضُرُّكَ: مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ (١٠٦:١٠)
زیان کند ٣، گزند رساند ٦١، زیآن کند ١٠٠، زیان رساند ١١٤، زیان دارد ١٢٨

★ لَا يَضُرُّكَ: مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ (١٠٦:١٠)
نگزاید ٢، زیان ندارد ٧ مکرّر، نه زیان نکند ٥٢، زیان نکند ٥٨، گزند نکند ٥٩، زیان نکُند ٧٦، زیانی نکند ١٠٦، نه گزندت رساند ١١٢، گزند نمیتواند رسانیدن ١٢٦

يَضُرُّكُمْ: لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْـًٔا (١٢٠:٣)
زیان دارد ٣، گزند کند ٣٠، گزند رساند ٦١

~: لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهْتَدَيْتُمْ (١٠٥:٥)
گزاید ١٠ مکرّر

~: مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ (٦٦:٢١)
زیان کند ٣٠، گزند میرساند ٨٦، زیان رساند ١٣٢

★ لَا يَضُرُّكُمْ: لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْـًٔا (١٢٠:٣)
زیان نکند ١، هیچ بَزند[١] نکند ١٠، گزند نکند ٢٣، نکند زیان ٢٤، هیچ بزند[١] نکند ٤٠، نه زیان دارد ٨٨، زیآن نکند ١٠٠، زیانی نتواند کرد ١٣٨

~: لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهْتَدَيْتُمْ (١٠٥:٥)
نگزاید ٢، زیان نداردتان ٣، نه گزاید ١٠ مکرّر، زیان نرسد ٣٦، زیان نتواند کرد ٩٤، رنج نرساند ٩٩، گزند نتواند رسانید ١٠٠، گزند نرساند ١٠٢، گزند نتواند رسانیدن ١٠٤، زیان نکندا ١٠٧، زیانی نکند ١٣٨

~: مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ (٦٦:٢١)
نه گزند کند ١٢، ندارد زیان ٢٤، زیان نرساند ٦٤، نه گزند میرساند ٨٦، زیان نتواند رسانید ١٠٠

★ يَضُرُّنَا: مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا (٧١:٦)
زیان کندمان ٣، زیان دارد ١٠، گزاید ٤٢، زیان کند ٥٣، گزند رساند ٦١، رنج کند ٩٩، دارد زیان ١٢٨

★ لَا يَضُرُّنَا: مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا (٧١:٦)
زیان نکند ٢، زیان نکند و نه گزاید ١٠ مکرّر، نه گزاید ٢٦، زیان ندارد ٢٩، زیان نکند ٦٣، گزند نکند ٨٨، نه گزند رساند ١٠٤

يَضُرُّهُ: مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنفَعُهُ (١٢:٢٢)
زیان کند ٤٣، زیان تواندش کردن ٩٥، زیان تواند کرد ١٠٠

★ لَا يَضُرُّهُ: مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنفَعُهُ (١٢:٢٢)
زیان نکند ٢، زیان نتواند کردن ٣٤، نکند زیان ٨٧، نگزند رساندش ١١٤، زیان نتواند رسانید ١٣٢

يَضُرُّهُمْ: وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ (١٠٢:٢)
زیان دارد ٢، زیان دارد ١٠، زیان کند ٤١، زیان کند ٥٥، گزند رساند ٦١، زیان میکرد ٦٣، زیان می کرد ٨٩، زیان می داشت ١٠٤

---

١. بزند / گزند.

~:مَالَايَضُرُّهُمْ وَلَايَنفَعُهُمْ (۱۸:۱۰)
زیان کُند ۵۵، گزند رسّاند ۶۱

~:مَالَايَنفَعُهُمْ وَلَايَضُرُّهُمْ (۵۵:۲۵)
گزند کند ۳۰، زیان بارد ۷۶، کند زیان ۸۷

* لَايَضُرُّهُمْ: مَالَايَضُرُّهُمْ وَلَايَنفَعُهُمْ (۱۸:۱۰)
زیان ندارد ۲، گزند نکند ۱۳، زیان نمی کنند ۴۱، زیان نکند ۵۱، نکند گزند ۹۶، گزند نکنند ۱۰۵، زیان نتواند کرد ۱۰۶، گزند نرساند ۱۱۴، گزندشان نکند ۱۲۸

~:مَالَايَنفَعُهُمْ وَلَايَضُرُّهُمْ (۵۵:۲۵)
نکند زیان ۶۲، گزند نمی تواند رسانید ۸۶، گزند نمیرساند ۱۰۴، نه دارد زیان ۱۳۹

* لَنْ يَضُرُّوا: إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا (۱۷۶:۳)
زیان نکنند ۱، زیان نکُنند ۲، نه گزند کنند ۳، هیچ زیان نتوانند کردن ۱۰، گزند نکنند ۲۳، زیان نتوانند کرد ۲۴، زیان نکنند ۲۹، هرگز نه گزند کنند ۳۰، نکنند زیان ۴۱، نه زیان کنند ۵۳، هرگز زیان نتوانند آورد ۵۸، هرگز نه گزند رسانند ۶۱، زیانی نتوانند کرد ۱۰۰، زیانی نکنند ۱۲۸، زیان نرسانند ۱۳۸

~:لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا (۱۷۷:۳)
زیان نکردند ۱، هیچ زیان نکنند ۱۰، نکردند زیان ۲۴، هرگز نه گزندی توانند رسانید ۹۰، هرگز نتوانند گزند رسانیدن ۱۰۴

~:لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا (۳۲:۴۷)
نگزایند ۲، هرگز گزند نه کنند ۳، نه زیان کنند ۱۷، زیان نکُنند ۵۱، هرگز رخنه نتوانند کرد ۶۴، نه گزآیند ۸۱، نگزایند ۱۰۸، گزند نرسانند ۱۱۳، هرگز گزند نتوانند رسانید ۱۱۴، هرگز گزندی نتوانند رسانید ۱۳۲

يَضُرُّوكَ: فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا (۴۲:۵)
توانند زیان کردن ۱۰ مکرّر

* لَنْ يَضُرُّوكَ: فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا (۴۲:۵)
نتوانند گزند کرد ۲۷، زیان ندارد ترا ۲۹، زیان نکنند ۳۷، زیانی نتوانند رسانیدن ۴۱، زیان نتوانند کردن ۴۲، نه زیان کُنند ۵۳ هرگز زیان نتوانند کرد ۵۶، هرگز زیانی نتوانند کرد ۵۸، هرگز نه زیان رسانند ۶۱، هیچ زیان ندارد ۶۲، گزند نرسانند ۷۹، هرگز نتوانند گزند رسانند ۱۰۴، زیان نتوانند کردن ۱۰۵، نتوانند زیان کردند ۱۲۸، نتوانند که رنج رسانند ۱۳۶

يَضُرُّوكُمْ: لَن يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى (۱۱۱:۳)
زیانی و گزندی توانند ۴۰، گزند کنند ۱۲۹

* لَنْ يَضُرُّوكُمْ: لَن يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى (۱۱۱:۳)
زیان نکنند ۱، زیان نکنند ۲، هرگز نه گزند کند ۳، هیچ زیان نتوانند کردن ۱۰، هرگز گزند نکنند ۲۳، نکنند زیان ۲۴، زیانی و گزندی نه توانند ۴۰، گزند نکُنند ۴۲، گزند نکنند ۵۲، هرگز نه گزند کُند ۵۵، نه زیان کنند ایشان ۵۶، زیان ندارد شما را ۵۷، هرگز گزند نتواند رسانند ۵۸، هرگز گزند رسانند ۶۱، زیانی نکنند ۶۳، زیان نرسانند ۶۹، نکنند گزند ۸۲، نکند گزند ۸۸، هرگز گزندی نتوانند کرد ۱۰۰، هرگز نتوانند رسانیدن ۱۰۴، گزند نکند ۱۲۴، زیانی نتواند کرد ۱۳۸

يَضُرُّونَ: أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ (۷۳:۲۶)
زیانی کنند ۲۴، زیان کنند ۳۶، گزند کنند ۴۷، زیان دارند ۵۳، زیانی رسانند ۶۴، گزند میرسانند ۸۶، گزند می رسانند ۱۰۲، گزند رسانند بشما ۱۱۳، زیان میرسانند ۱۱۶، زیان میدارند ۱۲۹، گزندی میرسانند ۱۳۲

يَضُرُّونَكَ: وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ (۱۱۳:۴)
زیان می دارند ۳۰، زیان کنند ۳۶، گزند کنند ۵۳، زیان توانند کرد ۵۸، گزند رسانند ۶۱

★ مَایَضُرُّونَکَ: وَمَایَضُرُّونَكَ مِن شَیْءٍ (٤:١١٣)
زیان نکنند ۱، نتوانند زیان کرد ۲، زیان نتوانند کردن ۱۰، زیانی نکنند ۲۸، نتوانند گزند کردن ٤۲، نتوانند گزند کردن ٥۲، نه زیان کنند ٥۳، زیانی نتوانند کرد ٦۳، زیان نمی دارد ۹۷، زیان نمیرسانند ۱۰٤، نتوانند گزند کردن ۱۰٥، زیان نمی توانند رسانید ۱۱۱، گزند نرسانندت ۱۱٤

یَضَعُ: وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَٱلْأَغْلَٰلَ (٧:١٥٧)
می بنهد ۱، می نهد ۳، فرونهد ۱۰، بنهد ۲٤، فرو می نهد ۲۹، برمی دارد ۳٦، فرونَهَد ٥۳، می نَهَد - فرو می گیرد ٥٥، بمی نهد ٦۳، بردارد ٦٤، می نهاد ۷٤، فرو نهند ۹٤، فرو مینهد ۱۱۱، نهد ۱۱٤، برمیدارد ۱۲۲، فرو ننهند ۱۲٤، فرو میگیرد ۱۲۹، سبک میگرداند ۱۳۳، فُرو نَهد ۱٤۰

یَضَعْنَ: فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُنَاحٌ أَن یَضَعْنَ ثِیَابَهُنَّ (٢٤:٦٠)
بنهند ۱، فرو نهند ٥٤، بیفکنند ٦٤، فُرونَهند ۱۱۹، بگذارند ۱۳۲

~: وَأُولَٰتُ ٱلْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن یَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ (٦٥:٤)
بار بنهند ۲، نهند ۳، بار نهند ۹٤

~: فَأَنفِقُوا۟ عَلَیْهِنَّ حَتَّىٰ یَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ (٦:٦٥)
بنَهند ۲، گم شود ۸۱

یَضِلُّ: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن یَضِلُّ عَن سَبِیلِهِۦ (٦:١١٧)
وی ره شد ۱، گُم شود ۲، گمراه می شود ۳، بربی راهی بُماند ۱۰، گم شد ۱۰ مکرّر، گم شود ۲٤، بربی راهی بماند ۲۷، گم راه شود ٥۷، بی راهست ٥۸، برگردد ٦۳، گم راه شده است ۹۲، گمره شد ۱۰۰، گم میشود ۱۱۱، گمراه شد ۱۲۱

~: وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا یَضِلُّ عَلَیْهَا (١٠:١٠٨)
وی ره شود ۱، گُم گردذ ۲، گمراه شود ۳، باشد بی راه ۱۳، بی راه شود ۲۷، گم شود ٤۲، بی راه شود ٥۳، گُمراه شَود گم شَود ٥٥، گمراه شد ٥٦، گم راه شود ۷٦، گُم گردد ۹٦، گمراه شده ۱۲۲

~: لَّا یَضِلُّ رَبِّی وَلَا یَنسَى (٢٠:٥٢)
گم کند ۱۱٤

~: فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَایَ فَلَا یَضِلُّ وَلَا یَشْقَىٰ (٢٠:١٢٣)
شود گم ۲٤، گُمْ شَوَذْ ٥۳، گم بوده شود ٥٦

~: وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا یَضِلُّ عَلَیْهَا (٣٩:٤١)
بیراه شود ٦۱، گمراه کند ۸۷، گمراه میشود ۱۰۳

★ إِنَّمَا یَضِلُّ عَلَیْهَا: فَإِنَّمَا یَضِلُّ عَلَیْهَا (١٠:١٠٨)
آن گمراهی هم برتن اوست ٥۸

★ لَا یَضِلُّ: لَّا یَضِلُّ رَبِّی وَلَا یَنسَى (٢٠:٥٢)
نادان نشهد ۱، گُم نکنَید ۲، بی ره نشود ٤۳، گم راه نکند ۷٦، گم نکند ۱۰۸، فرو نمیگذارد ۱۳۰

~: فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَایَ فَلَا یَضِلُّ وَلَا یَشْقَىٰ (٢٠:١٢٣)
گم نشود ٤۲، گمراه نشود ٥۸، گم نگردد ٦۱، گمراه نگردد ٦٤، نشود گمراه ۱۳۹

یُضَلُّ: یُضَلُّ بِهِ ٱلَّذِینَ كَفَرُوا۟ (٩:٣٧)
می وی ره شند ۱، گمراه کرده می شوند ۳، گم راه شوند ۱۱، زراه ببردند ۲٤، گم بوده می کنند ۲۷، گمراه کرده میشوند ۳۰، بیراه کنند ۳۸، بی ره کنند ٤۳، گمبوده کنند ٤۹، بیراه شوند ٥٦، از راه بیفتد ٥۷، گمراه کرده شوند ٦۱، گمراه می شوند ۸۰، گمراه شوند ۹٦، گمراه کنند ۹۹، گمراه کرده می شود ۱۰٤، گمراه می کند ۱۲۱، گم شود ۱۲۸، گمراه گردانیده میشوند ۱۳۰

یُضِلُّ: یُضِلُّ بِهِۦ كَثِیرًا وَیَهْدِی بِهِۦ كَثِیرًا (٢:٢٦)
گُم گرداند ۲، بی راه کُند ٤، خواست کی بی راه کند ۲۹، گُمراه مِی کُند ٥٥، گمراه شوند ٦۰، گمراه می کند ۷٦، گُمْ کند ۹٤، بی راه می شوند ۹٦، گمراه کردند ۱۰٥

~: لِیُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَیْرِ [illegible]

تَبی راه و گُم کُنند ١٠، گُمْ راه کند ٥٣، بی راه گرداند ٥٨، گمراه کنند ٩٤، گمراه گرد آند ١٠٠

~: وَمَاكَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَىٰهُمْ (٩: ١١٥)
وی ره کند ١، تبی راه می کند ١٠، گم کننده ١٣، گم بوده کند ٣٩، گمراه گذارَد ٦١، گمرآه کند ١٠٠

~: قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ (٢٧:١٣)
گم کند ٥، بی ره کند ٤٣، گمبوده کند ٤٩، بی راهْ کُند ٥٣، بیراه کُند ٦٢، گمراه میکند ٩٣، گمره کند ١٠٠، فرو میگذارد درگمرهی ١١١

~: فَيُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ (١٤:٤)
گم گرداند ٢، بی راه کند ٥، فرو گذارد ٣٦، گمراه گزارد ٦١، گم راه گرداند ٦٢

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى مَن يُضِلُّ (٣٧:١٦)
بی راهی خواهد ٥٨، گم راه باشد ٧٦، گمراه باشد ١١٨

~: ثَانِىَ عِطْفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (٩:٢٢)
بی راه شود ١٢، گمراه کند ٥٦، گم راه بماند ٥٨

~: لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٦:٣١)
بیراه کند ١٤، گم راه شود ٣٤، گم می شود ٤٧، گم کرده بماند ٥٨، بر گرداند ١٠٠

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ (٨:٣٥)
گم راه کند ١٨، گمراه دارد ٣٩، گمراه میگرداند ٨٦

~: وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِۦ (٨:٣٩)
گمراه کند ٣، گم شود ٥٦، گم شده بماند ٥٨، بیراه شود ٦١، شود ٩٥

~: كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ (٣٤:٤٠)
فرو میگذارد ١١١، بگمراهی گذارد ١٣٢

~: كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلْكَٰفِرِينَ (٧٤:٤٠)
گمراه گرداند ٦١

~: وَٱلَّذِينَ قُتِلُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَٰلَهُمْ (٤:٤٧)
ناچیز کند ٨٠

~: كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ (٣١:٧٤)
گم می کند ٦، گمراه گرداند ٥٦، فرو گذارد ٨٧

★ لَنْ يُضِلَّ: وَٱلَّذِينَ قُتِلُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَٰلَهُمْ (٤:٤٧)
گم نکند ١، هرگز نه ناچیز کند ٣، نه گم گردد ١٧، نه گُم گرددْ ٢٢، تباه نگرداند ٣٠، هرگز بباد داده نشود ٦١، تباه نکرد ٨١، هرگز گم نکند ٩٢، گم نمی کند ٩٦، هرگز بیراه نکند ٩٩

★ مَا يُضِلُّ: وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلْفَٰسِقِينَ (٢:٢٦)
گُم راه نگرداند ٢، وَی راه نکُند ٤، بی راه نکند ٢٩، بنه دارد برگم شدگی ٦٣، گمراه نکند ٧٦، بی راه نگرداند ٩٦، نشوند گمراه ١٠٠، گمراه نمیکند ١٠١، فرو نمیگذارد ١١١، گمراه نمیگرداند ١١٤، گم نگرداند ١٢٨، نمی سازد گمراه ١٣٠، گمراه نشود ١٣٦

★ مَا كَانَ لِيُضِلَّ: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًۢا بَعْدَ إِذْ هَدَىٰهُمْ (٩:١١٥)
نکند بی راه ٥٨

فَيُضِلَّكَ: وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (٣٨: ٢٦)
وی راه کند ١، گُم گرداند ٢، بی راه کند ٢٢، گمراه کند ٣٣، گُم کند ٥٦، بگرداند ٦١، گم راه گرداند ٨١، ببرد ٩٤، برگرداند ١٠٠، گمراه گرداند ١٠٣، گمراه کنند ١١٤

يُضْلِلْ: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا (٤:٨٨)
وی رَه کند ١، گمراه کند ٣، برگم شدگی می دارد ١٠، گمراه گذارد ٦١، گم راه کرد ٩٢

~: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا (۴: ۱۴۳)
گُم راه گرداند ۲، اندر گُم بُدگی می دارد ۱۰، بی راه یابد ۲۹، گم کند ۳۱، گُم راه گردانید ۴۲، بی راه آفریند ۶۲، گم راه گرداند ۸۸، گم گردانید ۱۰۵

~: وَمَن يُضْلِلْ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (۷: ۱۷۸)
رَاه راست گم بُکِرد ۱۰، راه گم کند ۴۱، گمراه شود ۶۱، فرو گزارد ۱۱۱، گمراه کرد ۱۲۱

~: مَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَا هَادِىَ لَهُۥ (۷: ۱۸۶)
یَله کرد اندر گُم بُودگی ۱۰، گمراهی کرد ۹۲، بی راه گرداند ۹۳، گمراه گرداند ۹۶

~: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ (۱۳: ۳۳)
گم کند ۵، بی رَاهْ کُند ۵۳، گُم ره کند ۵۷، گمراه گزارد ۶۱، گم گرداند ۹۶، برگردند ۱۱۲

~: وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِهِۦ (۱۷: ۹۷)
گُم گرداند ۲، گم شد ۸، گم راه شود ۲۴، گمراه نماید ۱۳۹

~: وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيًّا مُّرْشِدًا (۱۸: ۱۷)
بی ره کند ۴۳، از راه گردانید ۱۰۸

~: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ (۳۹: ۲۳)
بی راه کند ۳۳، گُمراه کند ۵۶، گمرآه کند ۱۰۰

~: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ (۳۹: ۳۶)
بی راه کنند ۸۱

~: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ (۴۰: ۳۳)
گمراه گرداند ۶۱، گمره کند ۹۲، فرو گذارد ۱۱۱

~: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِىٍّ مِّنۢ بَعْدِهِۦ (۴۲: ۴۴)
گم راه کند ۱۶، بیراه کند ۳۴، گمراه گذاشت ۳۹

~: وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ (۴۲: ۴۶)
بی راه گذاشت ۳۹، گُم راه گرداند ۸۱

يُضْلِلْهُ: مَن يَشَإِ ٱللَّهُ يُضْلِلْهُ (۶: ۳۹)
گمراه کند ۳، اندر بی راهی دست بازدارد ۹، زراه ببرد ۲۴، گم راه گرداند ۲۶، گُم گرداند ۲۷، گمراه گردانند ۴۳، بی راه کند ۴۴، گم کند ۵۳، گمراه گذارد ۶۱، گم راه کند ۷۶، گم بوده کند ۹۲، گمراه گرداندش ۹۴، بیراه کند ۹۹، گمراه می کند ۱۱۸

يُضِلُّنَا: إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا (۲۵: ۴۲)
وی ره کند ۱، گم راه کند ۲، بگرداند ۴۳، بیراه کردی ۴۶، بگرداند و گم کند ۴۷، بی راه کند ۵۲، گمراه کند ۶۵، بَبَرَد ۷۶، گمراه گرداند ۸۶، گمراه گرد آند ۱۰۰، بیراه کند ۱۲۵، برگرداند ما را ۱۳۸

يُضِلَّهُۥ: وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُۥ يَجْعَلْ صَدْرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجًا (۶: ۱۲۵)
برگم شُدگی و بی راهی مَی دارد ۱۰، گمراه کند ۶۳، گم ره کند ۷۶، راه گم کند ۹۴

~: فَأَنَّهُۥ يُضِلُّهُۥ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ (۲۲: ۴)
وَی راه کند ۱۰، او بی راه کند ۱۲، گم کند ۲۴، بی راه کند ۳۸، گمراه می کندش ۴۱، بیراه کند ۵۶، بیراه گرداند ۶۲، گمراه گرداند ۸۶، بیراه شد ۸۷

يُضِلَّهُمْ: وَيُرِيدُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمْ (۴: ۶۰)
وی ره کند ۱، گُم گرداند ۲، گمراه کند ۳، وی راه کند ۱۰، گم راه کند ۲۴، بی راه گرداند ۲۹، گم بوده کند ۴۹، از راه ببرد ۵۳، بی راه کند ۵۷، گم کند ۵۸، گم بکند ۷۵، گم ره کند ۷۶، بی راه کنند ۸۲، بی رآه شان کند.۹۴، بیراه کند ۹۹، گم بکنند ۱۰۷، گمراه گرداند ۱۱۱، گمره کند ۱۳۴

يُضِلُّوا: رَبَّنَا لِيُضِلُّوا۟ عَن سَبِيلِكَ (۱۰: ۸۸)
گم راه شوند ۲۹، بیراه شوند ۳۸، بی راه شوند ۵۳، برگرد آنند ۱۰۰، بگشتند ۱۲۱، گمراه شدند ۱۳۶

~: وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّوا عَن سَبِيلِهِ (۱٤:۳۰)
وی ره کنند ۱، بی رَاهْ کُنَنْدْ ۵۳، گم شوند ۵۸، برگردند ۷٦، برگردانند ۹۳، گمراه شوند ۱۱۳، بیراهی کنند ۱۲٤

~: إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ (۷۱:۲۷)
گم کنند ٦، گم گردانند ۳۰، بی راه کنند ۳۹، گمراه کنند ٤۱، گم راه کنند ٥٤، گمراه گردانند ۱۰۰

يُضِلُّوكَ: لَهَمَّت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ (٤:۱۱۳)
وی ره کنند ۱، گم گردانید ندی ۲، از راه ببرّند ۱۰، گم راه کنند ۲٤، از راه بیفکنند ترا ۲۹، لغزانندت ۳۰، بَلَغْزانَند ٥٥، گمراه کنند ٦۰، برگردانند ٦۳، بیفکنند از راه ٦٤، بی راهی کنند ۷٥، بلغزانند ۹۱، بیراه کنند ۹۹، گمراه گرد آنند ۱۰۰، بگردانند از راه راست ۱۱۱

~: وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ (٦:۱۱٦)
می وی ره کنند ۱، گم گردانند ۱۰ مکرّر ورگردانند ۲٤، بی راه کنند ۲۷، گمْ کُنَنْدْ ۵۳، بگردانند ٦۰، دور کنند ٦٤، گمراه گردانند ۹٤، گمراه میکنند ۱۲۲، گمراه گرداند ۱۲٤، گم راه گردانند ۱۲۸

يَضِلُّونَ: إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۳۸:۲٦)
وی ره شند ۱، همی گُم شوند ۲، گم شوند ۳۰، بی راه کنند ۳۳، بی راه شوند ۳۸، بگشتند ٦۱، گمراه شوند ٦٤، گم راه گردانند ۸۱، گمراه کنند ۸۷، گم شد ند ۹۲، گمراه اند ۹٦، گمره شدند ۱۰۰، گمراه می شوند ۱۰۳، گمراه گردانند ۱۱۱، گم شده اند ۱۱٤، گمراه میشوند ۱۲۳، گمراهند ۱۳٦، می گردانند ۱۳۸

يُضِلُّونَ: وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ (۳:٦۹)
وی ره کنند ۱، گمراه کنند ۳، بی راه کُنَند ۱۰، گم راه کنند ۲٤، گم بوده کنند ۲۷، بی راه کنند ۲۹، بی ره کنند ٤۰، گم راه گَردانَند ٤۲، کنند گمراه ٥۷، بشخشانند ٦۷، برگردانند ۸۹، گمراه گردانند ۱۰۲، گم راه گردانند ۱۰۷

~: وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ (٤:۱۱۳)
گمراه می کنند - لغزانند ۳۰، از راه بیفکنند ٦۲، می برند از راه ۷۲، زیان می کنند ۹۱، بیراه کنند ۱۱۲، برند از راه ۱۲٤، کنند گمراه ۱۳۰

~: وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ (٦:۱۱۹)
می وی ره شند ۱، گمراه می کنند ۳، بی راه مَی کنند ۱۰، گم راه شوید ۱۰ مکرّر، از راه بشوند ۲٤، بی راه کردند ۲۹، بی رَاهْ کرْدَنْد ٥۳، گم می شوند و بی راه ٥۸، گمراه می کردند ٦٤، برمی گردانند ۸۹، میگردانند ۹۲، گمراه می شوند ۱۰۳، گمراه میشوند ۱۱۲، گمراه شوند ۱۱۸

★ مَا يُضِلُّونَ: وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ (۳:٦۹)
وی ره نمی کنند ۱، گُمْ راه نگردانند ۲، بَی راه نمی کنند ۱۰، نکردند گم راه ۲٤، نه کنند گم بودَه ۲٥، گم نمی کنند ۳۹، بی ره نکنند ٤۰، نکنند گمراه ٤۱، گمراه نگردانند ٥۲، نشخشانند ٦۷، برنتوانند گردانیدن ۸۹، گمر آه نتوانند گردانید ۱۰۰، گمراه نمی کنند ۱۲۱، گمراه نمیکنند ۱۲۳، گمراه نتوانند کرد ۱۳۸

~: وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ (٤:۱۱۳)
وی ره نمی کنند ۱، گُم راه نگردانند ۲، از راه بنَه برند ۱۰، از راه نیفکنند ۲۹، گم راه نکنند ۳۸، نبرند اَز راهْ ٥۳، نکنند بی راه ٥۷، از راه نمی افکنند ٦۲، گمراه نتوانند کرد ٦۳، نتوانند گمراه کنند ٦٤، بی راه نکنند ۷٥، برنتوانند گردانید ۸۹، از راه نمی برند ۹۲، گمراه نکنند ۹٦، گم راه نمی کنند ۹۷، گمراه نتوانند گرد آنید ۱۰۰، نه برند از راه ۱۲٤

یُضِلُّونَکُمْ: وَدَّتْ طَآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ (۳: ۶۹)
گمراه گردانند ۵۲، بی‌راه کنند ۵۸، گمراه گذارند ۶۱، گمراه کند ۹۰، گمراه نمودن ۱۲۲

یُضِلُّونَهُمْ: ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ (۱۶: ۲۵)
می وی ره کنند ۱، گم‌راه گردانیدند ۲، بی‌راه کنند ۵۳، گمراه می کنند ۵۵، بیراه کنند ۵۶، بی‌راه کند ۵۸، گمراه گردانند ۶۱، گمراه می کنند ۶٤، گم‌راه کنند ۷۶، بیراه کرده‌اند ۹۳، بی‌راه گردانیدند ۹٤، گمراه کردند ۱۰۰، برمیگردانند ۱۰٦، گمراه می ساختند ۱۱۱، گمراه کنند ۱۱۸، بیراه گردانید ۱۲۸

یُضِیءُ: يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيٓءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ (۲٤: ۳۵)
بدروشد[1] ۱، روشن شود ۳، بتابدی ۲٤، روشنایی دهد ۳٤، می درفشد ۳۶، بدرفشد ۳۸، تاب دهد ۳۹، روشنی کند ٤۲، بتابد ٤۳، برافروزدی ٤۷، روشنی کند ۵۱، روشن شودی ۵٦، روشنی دهدی ٦٤، روشنایی می‌دهد ۷٦، روشن گرداند ۷۹، روشنی دهد ۸۹، روشن کند ۹۰، روشنائی دهد ۱۰۰، بتابدی ـ روشنایی دهد از خویشتن ۱۰۹، روشن دهد ۱۳۸

یُضِیعَ: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمْ (۲: ۱٤۳)
تباه کند ۲۸، تباه کند ٤۲، ناچیز کند ٦۱، نیست کند ۱۰۹

★ لَا یُضِیعُ: وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۳: ۱۷۱)
ناچیز نگرداند ۱۰٤، نیست نکند ۱۰۹، ناچیز نکند ۱۱٤

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ (۹: ۱۲۰)
ناچیز مگرداند ۱۰٤، گم نکند ۱۰۹

~: وَٱصْبِرْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ (۱۱: ۱۱۵)
بی بهره نکند ٤۱، بباد ندهد ۵۸، تباه نکند ۱۰۹، نابود نمیکند ۱۲۲

یُضَیِّفُوهُمَا: ٱسْتَطْعَمَآ أَهْلَهَا فَأَبَوْاْ أَن يُضَيِّفُوهُمَا (۱۸: ۷۷)
مهمان کنند ۱، مهمان دارند شان ۳، مهمان داشتند ٤۳، مهمانی کنند ۵۲، مهمان دارند ۵۳، مهمان دارند ۵۵، میزبانی کنند ۵۹، مهمانان دارند ٦۱، میزبانی ۷٦، مهمان داشتندی ۸۸، میهمان دارند ۱۰۳، میهمان داری کنند ۱۲۱، میهمانی کنند ۱۳۲

یَضِیقُ: أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (۱۵: ۹۷)
می تنگ شهد ۱، تنگ می شود ۳، تنگ همی شود ۳۸، همی تنگ شود ۳۹، تنگ می شود ۵۵، تنگ می بود ٦۰، تنگ میشود ٦۱، همی دل تنگ شود ٦۲، تنگ می آید ۱۰۰، بتنگ می آید ۱۰٦، تنگ میشود ۱۲۳

~: وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى (۲٦: ۱۳)
تنگ شهد ۱، تنگ شود ۲۰، تنگ گردد ۳٤، تنگ ببود ۷٦، تنگ دل شود ۹۲، تنگ می شود ۱۱۹، تنگ است ۱۲۱

یُطَاعُ: وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ (٤: ٦٤)
فرمان برده شود ۳، فرمان وی برند ۱۰، فرمان کنند او را ۳٦، فرمان برند ٤۵، فرمانش برند ۵۳، فرمان داشته شود ۵٦، فرمان وی برده‌اید ۵۷، فرمان برندش ۷٦، فرمانی برند ۹٤، فرمان برد ۱۰۰

~: مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (٤۰: ۱۸)
فرمان برداری کرده شهد ۱، فرمان برند او را ۲٤، او را فرمان برد ۱۰۰، پذیرفته شود ۱۳۲

---

[1] بدروشد / بدرخشد.

يُطَافُ: يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ (٣٧: ٤٥)
می گردانسته شهد ۱، گردانیده شود ۳، همی گردند ۲۲، می گردانند ۲۴، میگردند ۲۹، بگردند ۳۳، می گردند ۴۱، همی گردانند ۵۳، گرداننده شود ۷۴، بگردانند ۱۰۶، گردانیده می شود ۱۱۶، بگردش آورده شود ۱۲۲

~: يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ (٤٣: ٧١)
همی گردند ۱۶، همی گردانند ۲۴، گشته شود ۳۹، می گرداند ۶۱، گرد بر آرند ۱۰۰، گردانیده میشود ۱۲۰

~: وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا (٧٦: ١٥)
بگردانند ۲۹، برگردانند ۳۰، بگردانند ۵۶، گردیده شود ۱۳۲

يَطَؤُنَ: وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ (٩: ١٢٠)
راهی سپرند ۱۳، سپرند ۲۷، روند ۳۶، پیمایند ۴۱، پای بنهند ۵۲، سَپَرند ۵۳، سُپُرند ۵۵، پای نهند ۶۱، ایستند و نروند ۶۴، سپرند بگشتن ۹۱، راه سپرند ۱۰۷

★ لَا يَطَؤُنَ: وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ (٩: ١٢٠)
نسپرند ۱، نه سپرند ۳، بپای ها نگیرند ۲۹، نه راهی سپرند ۳۸، بَپای نسپرنَد ۴۲، نه سپرند جای از زمین ۴۹، بنَسپُرْدَنْد ۶۲، بپای نسپرند ۶۳، نه بپای میگذارند ۸۸، بجای نگذارند ۹۳، پای ننهند ۹۶، نروند ۱۰۲، نه سپردند ۱۰۴، پناه نبردند ۱۰۶، نسپرند و گام ننهند ۱۱۱، نسپُرند ۱۲۷

يَطْبَعُ: كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (٧: ١٠١)
مهر کند ۱، مُهر نهد ۲، مُهر نهد ۱۰، مهر برنهد ۴۹، مهر نهاد ۵۶، مهر می نهد ۹۶، مهر همی نهد ۱۰۹، مهر زند ۱۳۶

~: يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (٣٠: ٥٩)
مهر افکند ۵۳، مهر نهآد ۱۰۰، مهر میهد ۱۱۶

~: يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (٤٠: ٣٥)
مهر می کند ۳، مهر کرد ۴۱، مهری نهد ۱۰۳، مُهر میزند ۱۳۲

يُطِعِ: وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي (٤: ١٣)
فرمان برداری کند ۱، فرمان برد ۲، فُرمان بُردار بُود ۱۰، فرمان بردار بود ۴۰، فرمان داری کند ۵۳

~: وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ... وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا (٤: ٦٩)
فرمان بَرد ۴۵، پی روی نماید ۱۰۴

~: مَّن يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ (٤: ٨٠)
فرمان برداری کنند ۵۳

~: وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ... فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (٢٤: ٥٢)
فرمان کند ۲

يُطْعَمُ: وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ (٦: ١٤)
خوردنی داده شود ۳، روزی دهد ۲۹، خورانند ش ۳۹، خورش دهند ۶۱

★ لَا يُطْعَمُ: وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ (٦: ١٤)
او را نَخورانَنْد ۲، نخورانند ش ۵۶، نخورد ۵۷، اورا نخورانند ۹۴، ویرا نخورانند ۱۰۵، خورانده نشود ۱۰۹، روزی داده نشود ۱۱۲، خورانیده نمیشود ۱۲۲، روزی داده نمیشود ۱۲۳، نخورانند ۱۲۴، ندهند خورش ۱۲۶، وی را نخورانند ۱۲۸، نه خوردنی بدو دهند ۱۲۹، نمیخورد ۱۳۰

يُطْعِمُ: وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ (٦: ١٤)
بَخورانَد ۲، خورنی می دهد ۳، روزی دهد ۲۴، روزی میدهد ۲۵، بخورانید ۲۶، روزی می دهد ۳۶، خورش دهد ۴۱، بخوراند ۴۲، نان دهد ۴۳، بخوراند ۵۲، میخوراند ۶۱، خورش میدهد ۸۶، خوردنی می دهد ۹۱، بخورآند ۹۴، می خوراند ۱۱۴، خوردنی داده است ۱۲۲، خوردنی دهد ۱۲۹

يُطْعِمُنِي: وَٱلَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (۲۶:۷۹)
خورش دهند ۲۰، خورش داد ۸۸، خوردنی دهد ۹۱، خورش می دهد ۱۰۴، میخوراند ۱۱۱، خورش میدهد ۱۳۲

يَطْعَمُهُ: قُل لَّآ أَجِدُ فِي ... مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُۥٓ (۶:۱۴۵)
بخورد ۱، خوردش ۳، بخوردست ۲۷، برخورد ۸۲، بخورند ۹۲، خورده شود ۱۲۹

★ لَمْ يَطْعَمْهُ: وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُۥ مِنِّيٓ (۲:۲۴۹)
نخورد ۱، نخورد ۲، نه خورد ۳، نه خُورَد ۱۰، نخورد بدهان ۲۷، نه خورده بود ۴۰، نَخُورَد ۴۲، نخورَد ۶۲، باز نخورد ۶۳، نیاشامد ۷۴، نه بخورد ۷۵، نچشد ۱۰۴، نچشید ۱۳۵

يَطْعَمُهَا: لَّا يَطْعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ بِزَعْمِهِمْ (۶:۱۳۸)
خورد ۳، خورَد ۱۰

★ لا يَطْعَمُهَا: لَّا يَطْعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ (۶:۱۳۸)
نخورد ۱، نَخُورد ۲، نخوردست ۲۷، نه خورد ۸۸، نمی خورد ۹۶، نچشد ۱۰۴، نخورند ۱۱۸

يُطْعِمُونَ: وَيُطْعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسْكِينًا (۷۶:۸)
بخُورد دهند ۲، بخورانند ۳۰، می خورانند ۵۶، می خورانید ۸۰، میخورانند ۱۰۲ میدهند ۱۲۰

يُطْعِمُونِ: وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ (۵۱:۵۷)
خوردنی دهند ۳، نان دهند ۸، خَوردْ دَهَنْد ۵۳

يَطْغَىٰ: رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَآ أَوْ أَن يَطْغَىٰ (۲۰:۴۵)
نافرمان شود ۲۹، بیراه شود ۵۶، بی راهی و بزرگ منشی کند ۵۸، سربکشد ۶۴، نافرمانی کند ۷۶، سرکشی کند ۹۶، گردن کشد ۱۲۱

~: كَلَّآ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَيَطْغَىٰٓ أَن رَّءَاهُ ٱسْتَغْنَىٰٓ (۹۶:۶)
گردن برد ۲، گردن کشی کند ۲۴، بی راه گردد ۳۹، سرکش شود ۶۴، گذرد از اندازه ۱۰۹، از حد درگذرد ۱۱۳، گردنکشی میکند ۱۱۵

يُطْفِئُوا: يُرِيدُونَ أَن يُطْفِـُٔوا۟ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ (۹:۳۲)
بمیرانند ۱، فرو میرانند ۳، فرو کُشَند ۱۰، فرو نشانند ۱۱، فرود نشانند ۲۷، فرو نشانده اند ۳۴، فرو خسبانند ۳۶، فرود میرانند ۳۹، بکشند ۴۳، فُرو مَیرانَند ۵۵، بکُشند ۵۶، فرو بنشانند ۶۷، بنشآنند ۱۰۰، وانشانند ۱۰۴، فرو نشانند، کشند ۱۰۹، فرو کشند و بنشانند ۱۱۲

~: يُرِيدُونَ لِيُطْفِـُٔوا۟ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ (۶۱:۸)
فرو کشند ۳، بنشانند ۲۹، فُرو نشانند ۴۲، فرو می رانند ۶۱، فرود می رانند ۸۷، خواموش کنند ۱۳۶

يَطْلُبُهُ: يُغْشِي ٱلَّيْلَ ٱلنَّهَارَ يَطْلُبُهُۥ حَثِيثًا (۷:۵۴)
همی جوید ۲، می جوید ۳، مَی جَویند ۱۰، می جویند ۲۴، همی جویَد ۴۵، جوید ۸۳، همی خواند ۸۸، میجوید ۹۸

لِيُطْلِعَكُمْ: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى ٱلْغَيْبِ (۳:۱۷۹)
وررساند ۱، دیده ورکند ۳، برخُواهد رسانیدن ۱۰، برخواهد رسانید ۴۰، آگاهی دهَد ۴۲، دیدور گرداند ۴۹، آگاهی دهد ۵۲، برساند ۵۳، بررساند ۵۷، آگاه بکند ۷۵، بررسانیدی ۸۲، بداندی ۸۳، بررساندی ۸۴، برسانیدی ۹۴، بسردارد ۹۶، برآگاهاند ۹۹، آگاه گرداند ۱۲۲، برساندی ۱۲۸، آگاه کند ۱۳۶

لِيَطْمَئِنَّ: قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي (۲:۲۶۰)
بیارامد ۱، آرام گیرد ۲۴، بیارامَدْ ۲۷، بیارَامد ۴۲، بیَارَامَد ۵۵، بیاساید ۷۴، آرآم گیرد ۱۰۰، آرامیده شود ۱۰۴، آرمیده شود ۱۲۶، ارام گیرد ۱۳۸

يَطْمِثْهُنَّ: لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ (۵۵:۷۴)
بسوده باشد ایشانرا ۱۱۹

★ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ: لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ (۵۵:۵۶)
نرسید ۱، نه بساویده است ۲، نه بسود ۳، نادیده باشند ۳۰، نه بساونده است ۳۸، نسوده است ۶۷،

بدست نسابیده باشد ٧٩، با ایشان گرد نیامده باشند ٨١، نه بسود است ٩٢، نرسیده باشد ١٠٠، نسوده باشند ١٠٣، گرد نیامد ١٠٨، دوشیزه گی نبرد ١٠٩، بدست نشابیده باشند ١١٣، نسوده باشد ١١٦، گرد نیامده باشند ١٢٤، نه رسیده باشد ١٣٨، نسود ١٣٩

~: لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (٥٥:٧٤)
دوشیزگی نگرفته باشد ٣٠، خون نیاورد ٣٩، نرسیده باشد بدیشان ٦٤، نه بسوده باشد ٩٠، بنسوده باشد ١٠٨، بدست نشابیده باشند ١١٣

يَطْمَعُ: فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ (٣٣:٣٢)
امید افتد ٢، چشم دارد ٣، فرمان برد ٧، امید گیرد ١٨، اومی افتد ٣٠، امید افتد ٣٩، امید میدارد ١١٤

~: أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (٧٠:٣٨)
امید دارند ٢، می امید دارد ٦، اومید دارند ٣٠، امید می دارد ٦١، آرزو برد ٩١، امید میدارند ١٢٤

~: وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (٧٤:١٥)
امید دارد ٢، چشم می دارد ٣، اومید دارد ٣٠، امید دارد ٣٩، امید دارد ٦١

يَطْمَعُونَ: لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (٧:٤٦)
امید می داشتند ٣، امید کی می دارند ١٠، همی امید دارند ١٠ مکرر، امید همی دارند ٣١، چشم می دارند ٣٦، اومید همی دارند ٤٢، امید می دارند ٦٩، امید می داشتند ٨٠، همی اومید دارند ٨٣، اومید داشتند ٩١، امید میدارند ١٠٢، اومید همی دارند ١٠٥

يُطَهِّرَ: الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ (٥:٤١)
پاک کند ١، پاک گرداند ٢، پاک پاکیزه کند ١٠، یکسان کند ٧٥، پاک کردن ١٢٢

لِيُطَهِّرَكُمْ: وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ (٥:٦)
پاک کند ١، پاک گرداند ٢، پاک و پاکیزه کند ١٠، پاک کند ٦٢، پاک گرد آند ١٠٠، پاک شوید ١٢٤

~: وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ (٨:١١)
پاکیزه کند ١٠، پاک گرداند ٥٣، پاک گرداند ٦١، تا پاکیزه گردانید ٩٣، پاک و پاکیزه گرداند ١٢٢، پاک گردانید ١٢٨

~: وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (٣٣:٣٣)
پاکیزه کند ٣، پاک بکند ٣٤، پاک دارد ٤٧، پاکیزه گرداند ٦١

يَطْهُرْنَ: وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ (٢:٢٢٢)
پاک شند ١، پاک شوند ٢، پاکیزه شند ١٠، پاک شوند ٢٤، پاکی کنند ٤٢، پاک کنند ٥٢، پاک شوید ٥٣، پاک شوند ٥٥، سروتن بشورند ـ پاکیزه شوند ٦٣، پاکی کنند ٩٦، سروتن شسته باشند ١٠٠

يَطُوفُ: وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ (٥٢:٢٤)
می گردند ١، گردند ٣، میگردند ٢٩، همی گردند ٣٨، برگردند ٥٦، گردبرگردند ١٠٠

~: يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ (٥٦:١٧)
همی گردند ٢، همی گردد ٣٠، می گردد ٣٤، میگردانند ٥١، گرد می آیند ١٠٤، گردند ١٠٦، میگرداند ١٢٠

~: وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ (٧٦:١٩)
بگردند ٢٩، میگردد ٣٤، می گرداند ٦٤، بگردانند ٩٦، گردبرآیند ١٠٠

يَطَّوَّفَ: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا (٢:١٥٨)
بگردد ٦١، گردبرآیند ١٠٤، گردد ١٠٩

وَلْيَطَّوَّفُوا: وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (٢٢:٢٩)
بگردند ٤٢

يَطُوفُونَ: يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ (٥٥:٤٤)
مى گردند ۱، مى گردند ۲، همى گردند ۲٤، ميگردند ۲۹، مى غلتند ۳۵، ميگردند ۵۱، بگردند ٦۱، گرد آنند ۱۰۰، همى گرديده اند ۱۰۸، گردند ۱۳۸

سَيُطَوَّقُونَ: سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَـٰمَةِ (۳: ۱۸۰)
بگردن اندر افكنند ايشانرا ۲، در گردن كرده شوند ۳، زودا كه اندر گردنهاشان آوگنند ۱۰، در گردن افكندند ۳۸، اندر گردنهاشان اوكنند ٤۰، در گردن افكنند ٤۲، در گردن افكنند ۵۲، بگردند ۵۳، در گردن كرده شوند ۵۵، در گردن افكنند ايشانرا ۵۷، بگردن اندر افكنند ۷۸، در گردن افكنده شوند ۸۰، بگردن افكنند ايشان را ۸۲، در گردن درافكنده شوند ۹۱، زود بگردن درافكنند مرايشانرا ۹٤، گرداگرد ميگردند ۹۹، زود باشد كه بگردن درافكنند ايشانرا ۱۰٤، بگردن اندر افكنند ايشانرا ۱۰۷، زودا كه در گردن انداخته شوند ۱۰۹، در گردن ايشان كنند ۱۱۱، زود در گردنشان كنند ۱۱٤، زود باشد كه بگردن درافكند ۱۲۱، گردبر گردند ۱۲۸، بگردن اندر افكند ايشانرا ۱۲۹

يَطِيرُ: وَلَا طَـٰٓئِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم (٦: ۳۸)
بپرد ۱، همى پَرد ۲، مى پَرد ۳، همى پرد ۹، پَرد ۲٤، پرد ۲٦، بُپَرد ۲۷، مى پرد ۳٦، برمى پرد ٤۱، بپرد ٤۲، پرزند ٦۱، ميپرد ۱۱۱

يَطَّيَّرُوا: يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ (۷: ۱۳۱)
مرو گرفتندى ۱، بخترداشتندى ۱۰، باختر بداشتندى ۲۷، اختر زدندى ۸۳، اختر گرفتندى ۹٤، فالى بدزدندى ۱۱۳، اختر كردندى ۱۲٤

يُطِيعُكُمْ: لَوْ يُطِيعُكُمْ فِى كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ (٤۹: ۷)
فرمان بردارى كند ۱، فرمان كند ۲، بفرمان شما كند ٦، فرمان برد ۳۸، فرمان بردار باشد ٦٤، فرمان بردارى كردى ۱۱۳

يُطِيعُونَ: وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ (۹: ۷۱)
مى فرمان بردارى كنند ۱، همى فرمان بَرند ۲، فرمان مى برند ۳، فرمان برند ۱۱، فرمان بردارى مى كنند ۳٦، فرمان بردارى كنند ۳۹، فرمان بردارند ٤۸، بجاء همى آرند ۵۳، فرمان بَردارى مى كُنند ۵۵، فرمان بردارى نمايند ۷۲، فرمان بردارى ميكنند ۸۸، فرمان ميكنند ۹٤، فرمان ميبرند ۱۱٦، فرمانبردارى مى نمايند ۱۲٦

يُطِيقُونَهُ: وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدْيَةٌ (۲: ۱۸٤)
بَتوانَند ۲، نتوانند ۳، توانند ۱۰، تواند ۲٤، توانند دادن ٤۰، نتواند ۵۲، بَتوانَند ۵۵، بتوانند ۷٦، نتوانند داشتن ۸۸، تو آنند ۱۰۰، توانااند ۱۲۳

★ لَمْ يُظَاهِرُوا: وَلَمْ يُظَـٰهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا (۹: ٤)
هم پشتى نكردند ۲، نه يارى دادند ۳، يارى نَكردند ۱۰، نه پشتى كردندى ۱۱، يارى نكردند ۲٤، نه كردند يارى ۲۷، نه دست گردانند ۳۸، يارى ندادند ۳۹، بنگردند پيدا ٤۱، نه يارى دادَند ۵۵، يارى نكنند ۵٦، نبودند يار ۵۸، نه يارى كردند ٦۱، هيچ يارى نكردندى ٦۲، هم پشت نشدند ٦۳، يكديگر را يارى ندادند ۷۹، نه هم پشتى كردند ۸۳، هم پشت نشدند ۸۹، نه يارى كند ۹۲، هم پشت نگشتند ۱۰۲، يارمندى نكردند ۱۰٤، هم پشتى نكرديد ۱۰۵، هم پشت نشوند ۱۰٦، يارى نكرده اند ۱۱۲، پشتى نكردند ۱۲۰، نه هم پشت گردند ۱۲۹، هم پشتين نكردند ۱۳۰

يُظَاهِرُونَ: الَّذِينَ يُظَـٰهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَآئِهِم (۵۸: ۲)
مانند مى كنند بمادر ۳۹، هميدون گويند كه چون پُشت مادرمنى ۵٦

~: وَالَّذِينَ يُظَـٰهِرُونَ مِن نِّسَآئِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ (۵۸: ۳)
شما چون پشت مادريد ۵٦

فَيَظْلَلْنَ: فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِۦٓ (٤۲: ۳۳)

بمانند ۱، وازایستند ۲، شوند - گذارند ۳، وازایستند ۱۶، از ایستد ۲۲، گردند ۲٤، باشند ۲۹، همه روز بباشد ۳۰، شوند یا روز گذارند ۳۲، باستیده گردد ۳٤، روز گذارند ۳۹، می باشند ٤۱، بیستند ٤۲، بیستد ٤۹، همه روز باشد ٥٦، روزگار گذارند ٦۱، شوند ۷۲، همه روز گردانند ۸۱، درشود ۹۰، بیستند ۹٦، شوند استوار ۹۹، روز گذرانند ۱۰۲، ایستاده باشند ۱۰٦، همه روز بباشند ۱۰۸، بگردند ۱۲۲، همه روز ایستاده باشد ۱۳۸، درایستندی ۱۳۹

یَظْلِمْ: وَمَن یَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُۥ (٤:۱۱۰)
ستم کند ۱، ستمی کند ۲۷، ستم میکند ۱۲۱

~: وَمَن یَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِیرًا (۲٥:۱۹)
بیداد کند ۲، بی داد کند ٦۱، ستم کرد ۳۰

★ لَا یَظْلِمُ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا یَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (٤:٤۰)
ستم نکند ۱، ستم و بیدادی نکند ٥۸، سِتمْ نکند ۹٤

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا یَظْلِمُ ٱلنَّاسَ شَیْـًٔا (۱۰:٤٤)
ستم نمیکند ۷۹، بی داد نکند ۸۳، ستم نمی کند ۹۲

~: وَلَا یَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (۱۸:٤۹)
ستم نکند ۲، ستم نکند ۸، بیداد نکند ٤۲، نکند ستم ۱۳۹

لِیَظْلِمَهُمْ: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِیَظْلِمَهُمْ (۲۹:٤۰)
ستم کند ۱، بی داد کند ۳۹، ستم نماید ۸٦

★ [كَانَ] لِیَظْلِمَهُمْ: فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِیَظْلِمَهُمْ (۹:۷۰)
ستم کرد ٥۸

~: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِیَظْلِمَهُمْ (۲۹:٤۰)
ستم بکردی ٤۷

★ [مَا كَانَ] لِیَظْلِمَهُمْ: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِیَظْلِمَهُمْ (۲۹:٤۰)
نکند و نکرد ستم ٥۸

یَظْلِمُونَ: وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (۲:٥۷)
بیدادگران اند ۸۲

~: وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِنْ أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (۳:۱۱۷)
ستم کردند ۱، ایشان ستم می کنند ٥٦، بیداد کردند ۷٦

~: وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (۹:۷۰)
ستم کار باشند ٦۱

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا یَظْلِمُ ٱلنَّاسَ شَیْـًٔا (۱۰:٤٤)
می ستم کنند ۱، ستم می کنند ۳، ستم کنند ۱۰، سِتمْ همی کنند ٥۳، ستم میکنند ٥۸، همی ستم کنند ۷٥

~: وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (۱٦:۱۱۸)
سِتم همی کنند ٥۳

~: وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (۳۰:۹)
ستم کنند ۱٤، ستم می کنند ٥۸

~: إِنَّمَا ٱلسَّبِیلُ عَلَى ٱلَّذِینَ یَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ (٤۲:٤۲)
ستم می کنند ۳۲

★ [كَانُوا] یَظْلِمُونَ: وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (۲:٥۷)
ستم می کردند ۳، می زیان کردند ۱۰، زیان می کردند ۲۹، ستم کردند ۳٦، بودند ستم کاران ٦۲، زیان میکردند ٦۷، بیدادگران ۷٦، ستم می کردید ۸٤، ستم میکردند ۹۰، بودند می ستم کردند ۹۱، می ستم کردید ۱۰۷

~: بِمَا كَانُوا۟ بِـَٔایَٰتِنَا یَظْلِمُونَ (۷:۹)
می نارای شدند ۱، ستم همی کردند ۱۰ مکرّر، ستم کرده باشند ۷٦، بودند بیدادگنندگان ۱۲٤، ستم کرده بودند ۱۳٦

~: وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (۷:۱٦۰)

می ستم کردند ۱، زیان کردند ۱۰، بیداد می کردند ۵۷، ستم میکردند ۶۱، سِتم کردند ۶۲، ایشان ستم کردند ۶۳

~: بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ (۷:۱۶۲)
همی بی داد کردند ۸۳، هی همی بی داد کردند ۹۶، ایشان ستم کرده بودند ۱۰۳، ستم و بیداد می کردند ۵۸، ستم کار می بودند ۶۱

~: وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۹:۷۰)
بودند ستم کننده ۲٤، ستم کَرْدَنْد ۵۳

~: وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۶:۳۳)
بودند بیَداد بیداد کنان ۵۷، ستم کار می کردند ۶۱

~: وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۳۰:۹)
ستم کنند گان ۶۱، بیَداد گر ۷۶

يُظْلَمُونَ: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲:۲۸۱)
کم داده شوند ۲۸، ستم کنند ۱۲٤

~: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۳:۱۶۱)
شوند ستم کرده ۹۲

~: فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (٤:۱۲٤)
ستم کنند شان ٤۵

~: فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶:۱۶۰)
ستم رسیده بودند ۲۷

~: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۰:٤۷)
بیداد کردند ۱۳

~: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶:۱۱۱)
سِتَمْ کنند بَرْیشانْ ۵۳، بیداد کرده شوند ۶۱

~: وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۱۷:۷۱)
سِتَمْ کنند بریشان ۵۳، ستم کند شان ۹٤، کنند ستم ۱۳۹

~: فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (۱۹:۶۰)
ستم کردند ۸۷

~: وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۳۹:۶۹)
ستم شوند ۱۳۶

~: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (٤۵:۲۲)
ستم کرده شوند ۳، ستم کرده شَوند ۳۲

★ لَا يُظْلَمُونَ: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲:۲۸۱)
ستم کرده نشند ۱، ستم نکُنَنْد ۲، نه ستم کنند ۸۸، ستم نکنند شان ۹٤، ستم رسیده نباشند ۱۲۲

~: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۳:۲۵)
بیداد نکنند ۲، بریشان ستم نکنند نه از نیکیهاشان بکاهند او نه از بد یهاشان بَوزاَیَند ۱۰، برایشان ستم نکنند ٤۰، ستم زده نشوند ٦٤، نشوند ستم کرده ۶۹، ستم کرده نه شوند ۹۷، ستم رسیده نخواهند شد ۱۲۲

~: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۳:۱۶۱)
بیداد نکنند ۲، ستم کنند ۲۷، کَمْ دَادَه نَشَود ۵۵، بریشان ستم کرده نشود ۵۸، ستم رسیده نگردند ۱۲۲، ستمرسیده نگردند ۱۲۷، ستم نشوند ۱۳۶

~: بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (٤:٤۹)
ستم نکنند برایشان ۲، هیچ ستم نکنند بریشان بنه کاهند از نیکیهاشان ۱۰، کم نکنند شان ۲۷، کم کرده نشود ۳۶، نه اید بیداد کرده ۳۹، بیداد نکنند بریشان ۷۶، نکاهد از گناه ایشان ۱۰۷، ستمرسیده نشوند ۱۲۷

~: فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (٤:۱۲٤)
ستم نکند برایشان ۲، ستم کرده نشوند ۳، بیداد نکنند برایشان ۳۸، نکنند ستم برایشان ٤۱، بیداد کرده نشود ۵۷، ستمدیده نشوند ۱۱۱، ستم رسیده نشوند ۱۲۳

~: فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶:۱۶۰)
ستم نکنند ۱۰ مکرّر، کم کرده نشود ۷۹، ستم رسیده نخواهند بود ۱۲۲

~: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۰:۴۷)
ستم نکنند ورایشان ۲۹، هیچ بیدادی نبودی ۵۷، ستم رسیده نشوند ۹۴، ستم دیده نمیشوند ۱۱۱، ستم بایش کرده نشود ۱۱۳

~: وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۰:۵۴)
سِتم نَکنند ۵۳، ستم کرده نشدندی ۱۱۴

~: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶:۱۱۱)
ستم نکنند شان ۵۷

~: وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۱۷:۷۱)
نکُنند بیداد ۲، بیداد نکنند بایشان ۹۶

~: فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (۱۹:۶۰)
بیداد کرده نشوند ۵۸، نکاهند ایشانرا ۱۰۸

~: وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۳:۶۲)
بی داد کرده نشوند ۳۹، درپاداشت برایشان ستم نکنند ۴۷، ستم برش کرده نشوند ۱۱۳، ستم نکنند بریشان ۱۱۹

~: وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۳۹:۶۹)
ستم بریش کرده نشوند ۷۹، ستم دیده نشوند ۱۰۳

~: وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۴۵:۲۲)
ستم کرده نشند ۱، ستم کرده نشوند ۶۴، ستمکرده نشوند ۱۱۱، ستم نوش کرده نشوند ۱۱۳، ستمرسیده نباشند ۱۳۲

یَظُنُّ: مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا (۲۲:۱۵)
می پندارد ۱، چنان داند ۱۲، چنان پندارد ۲۴، گمان برد ۳۰، گمان میکند ۱۳۲

~: أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۸۳:۴)
گمان می برد ۴۱، پندارند ۸۰

★ لَا يَظُنُّ: أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ (۸۳:۴)
ندانند ۱، نمی دانند ۳۹، ندانند ایشان ۶۱، هیچ گمان نبرند ۶۴، همی نیندیشند ۹۴، گمان نمی برند ۹۶، نمیدانند ۱۱۱، نه پندارند ۱۱۴، گمان نبرند ۱۳۶

یَظُنُّونَ: الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُوا رَبِّهِمْ (۲:۴۶)
گمان می برند ـ می دانند ۳، بی گمان اند ۴۲، بَگمان مِی بَرنْد ۵۵، دانند ۶۰، گمان همی برند ۸۲، می دانند ۹۰، همی دآنند ۹۴، پندارند ۹۹، بیگمانند ۱۰۴، بی گمانند ۱۰۵، میدانند ۱۱۲

~: وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۲:۷۸)
همی گُمانْ برند ۲، گمان برند گان ۳، اندیشه کنان ۴، بَردُو گُمانِی اَند ۱۰، گمان همی برند ۳۸، همی گمان بَرند ۴۲، بگمانان ۵۰، همی گمان برند ۵۲، همی پندارند ۶۲، دوگمانی ۶۳، گمان میکنند ۱۲۷

~: قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُوا اللَّهِ (۲:۲۴۹)
می یقین شند ۱، دانستند ۱۰، گمان بُردَند ۴۲، گمان بردند ۴۳، می دانستند ۶۴، می پندارند ۶۹، گُمان بَرنْد ۹۴، بیگمان بودند ۱۲۸، میدانستند ۱۳۰، گمان داشتند ۱۳۵

~: يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ (۳:۱۵۴)
گمان می بردند ۳، اندیشه بد می کردند ۱۰، می اندیشند ۲۳، همی اندیشیدند ۲۹، همی اندیشند ۳۴، گمانَ می بُردَند ۴۲، می اندیشیدند ۵۳، گمان برند ۷۲، گُمان بردند ۹۴، گمان میبرند ۱۰۱، می اندیشند ۱۲۴، گمان همی بردند ۱۲۸

~: وَمَا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۴۵:۲۴)
گمان می برند ۳، اندیشه کُنان ۲۲، گمان مندان ۴۱، می گمان برند ۵۶، بگمان سخن می گویند ۶۴

يُظْهِرُ: أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (۴۰:۲٦)
اشکرا کند ۱، پیدا کند ۳، اشکارا کند ۱۵، آشکارا شود ۲٤، آشکارا کند ۳۰، آشکاره کند ٤۹، اشکارا ۵۳، پیدا آید ٦٤، پیدا شود ۸۷، آشکار کند ۹٦، آشکارا گردد ۱۰۳، آشکارا کرده شود ۱۱٦

~: عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (۷۲:۲٦)
دیده ور کند ۳، بررساند ۳۸، می نماید ۱۲۹، آشکارا بکند ۱۳۹

★ لَا يُظْهِرُ: فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (۷۲:۲٦)
ورنرساند ۱، برنرساند ۲، دیدور نکند ٦، برنه رساند ۱۹، آشکارا نکند ٦۱، آگاهی ندهد ٦۷، دیده ور نکند ۱۰۹، آشکارا نسازد ۱۱۱، آشکار نسازد ۱۲۰، پدید نکند ۱۳٦

لِيُظْهِرَهُ: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (۹:۳۳)
بیرون کند ۳، آشکارا کند ۱۰، پدیدار کند ۲٤، پیدا آرد ۳۹، آشکاره کند ٤۹، پیدا گرداند ٦۱، پیروز کند ۸۰، هویدا گرداند ۱۲۳

~: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (٤۸:۲۸)
چیره کندش ۳، پیدا کند ۳۰، آشکار کند ۸۷

~: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (٦۱:۹)
آشکارا گرداند ۳۰، برآرد ۳۹، فره گرداند ۱۰۹

يَظْهَرُوا: وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ (۹:۸)
وررسند ۱، پیدا شود ٤۱، دَسْت یَابَند، بیرون شَوَند ۵۵، یاری دهند ٦۱، هم پشت شوند ۱۰۰، بیرون آیند ۱۱٤

~: إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ (۱۸:۲۰)
دست یابند ۳، آگاه شوند ۲۹، پیدا شود و نشان برند ٤۱، برآیند ٤۳، پیدا شوند ٤٤، بَرَرسَند ۵۳، پدید آیند ـ پیدا کنند ۵٦، دیده ور شوند ۵۹، بدانند ٦۲، بررسند ۸۸، آگه شوند ۱۰۳

★ لَمْ يَظْهَرُوا: أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ (۲٤:۳۱)
نرسیدند ۱، بَرْنرسیده بَاشد ۲، نه دیده ور شدند ۳، آگاه نشوند ۲۹، در نرسند ٤۲، دیده ور نشده باشد ٤۳، دیده ور نگشته باشند ٤۷، دیده ور نشده باشند ٤۹، برنرسیده باشند ٦۱، توانا نشده باشند ٦٤، رسیده نیند ۷۷، دیده ور نشدند ۱۰۹، دیده ور نشوند ۱۲۱

يَظْهَرُونَ: وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (٤۳:۳۳)
می ورشند ۱، برشوند ۳، بربالا شوند ۲۹، برشدندی ۳۰، برآیند ۳٦، برمی روند بر بامها ٤۱، می برروند ۵٦، بالا شدندی ٦۱، بر روند ٦٤، در شوند ۷۲، ببام برآیند ۷۹، برمی شوند ۸۰، پیدا شوند ۸۱، ببالا برمی شدندی ۸۹، برمیروند ۱۰۰، بنمایند ۱۰۳، برشوندی ۱۰۸، همی شوند ۱۰۹، آشکارا ۱۲٤، برمیشوند ۱۲۹، برایند ۱۳۳، ببالا برمی شدندی ۱۳۸، می برشوند ۱۳۹

يَظْهَرُوهُ: فَمَا اسْطَاعُوا أَن يَظْهَرُوهُ (۱۸:۹۷)
ورشندور آن ۱، برشوند ۳، برشند ۲٤، ورآیند ۲۹، برآیند ۳٦، زبر آن شوند ۳۸، بیرون آیند ٤۱، بربالا آیند ٤۲، برآمدندی ۵۲، بَر شُوند بَروی ۵۵، برآمدندی ۵۸، از بالا درآیند ٦۲، بر بالا برآمدند ۷٤، بالا درآیند ۷٦، بالا روند ۱۲۳، روشن کنند ۱۲۸، برشونده ۱۳۹

يَعْبَؤُا: قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (۲۵:۷۷)
کند ۱، باک داردی ۲، باک داشتی ۳، سبک بودی ۲۰، خواست کردن ۲٤، باک دارد ۳۰، باک داشت ۵۳، باک داشته ٤۳، کار بود ۷٦، باک بود ۷۸، کرد باک ۸۷، باک داشته باشد ۱۱٦

★ مَا يَعْبَؤُا: قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (۲۵:۷۷)
باک ندارد ۲۹، چه خواهد کرد ٤۷، چه باک دارد ۷٤، بشمار در نیاورد ۱۲۲، در شمار نیاورد

يَعْبُدُ: وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا (٧:٧٠)
مى پرستندى ٢٧، پرستند ٧٦، ميپرستند ١٣٦

~: أَتَنْهَىٰنَآ أَن نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا (١١:٦٢)
مى پرستون كردند ١

~: تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَآ (١١:٨٧)
مى پرستيدند ٥٨

~: فَلَا تَكُ فِى مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ ... كَمَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُهُم (١١:١٠٩)
مى پرستون كنند ١، مى پرستند ٥٨، پرستيدند ٥٨، بپرستيدند ٦١، همى پرستند ١٢٨

~: أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا (١٤:١٠)
مى پرستند ٥

~: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعْبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ (٢٢:١١)
پرستد ٥٨، مى پرستد ٨٦، بپرستند ١٣٩

★ **كَانَ يَعْبُدُ**: وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا (٧:٧٠)
مى پرستون كردند ١، مى پرستيدند ٣، مى پرستيدند ١٠، همى پرستيدند ١٠ مكرّر، پرستيدند ٣٦، بپرستيدند ٤٥، پرستيدند ٥٣، پرستيدند ١٤٠

~: أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا (١٤:١٠)
همى پرستيدند ٢، ايشان پرستيدند ٢٤، مى پرستيدند ٥٣، همى پرستيدند ٩٦، پرستش ميكرد ١١٦

~: يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُكُمْ (٣٤:٤٣)
پرستيده بودند ٣٩

يَعْبُدُوا: وَمَآ أُمِرُوٓا إِلَّا لِيَعْبُدُوٓا إِلَٰهًا وَٰحِدًا (٩:٣١)
پرستون كنند ١، پرستند ٣، برويده باشند اوفرمان بردار باشند ١٠ مكرّر، بپرستند ٢٤

~: وَمَآ أُمِرُوٓا إِلَّا لِيَعْبُدُوا ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ (٩٨:٥)
پرستند و يكى گويند ٩١

~: فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَٰذَا ٱلْبَيْتِ (١٠٦:٣)
بايد كه بپرستند ١٠٠، بيگانگى پرستيد گو ١٠٢، بايد بپرستند ١٢٠، پرستش كنند ١٣٦، گو بپرستيد ١٣٩

يَعْبُدُونَ: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (١٠:١٨)
مى برستون كنند ١، مى پرستند ٣، مى پرستند ايشان ٦١، همى پرستند ٦٢، ميپرستند ٦٧

~: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا (١٦:٧٣)
همى پرستيد ٢، بپرستند ٥٧، پرستيد ١٣٩

~: فَلَمَّا ٱعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (١٩:٤٩)
مى برستون كردند ١، همى پرستيدند ٢، مى پرستيدند ٤٢، پرستيدند ٥٦، همى پرستيدن ١٠٨، ميپرستيدند ١٣٢

~: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (٢٢:٧١)
همى پرستند ١٢، همى پرستيدند ٥٤، همى پرستيد ٦١، مى پرستند ٧٦

~: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمْ (٢٥:٥٥)
پرستند ٤٧

★ **كَانُوا يَعْبُدُونَ**: مَا كَانُوٓا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ (٢٨:٦٣)
مى پرستيدند نيك بر هواى مى رفتند ٤٧، پرستند ١٠٠، بپرستند ١٣٢

~: ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (٣٤:٤٠)
مى برستون كرديد ١، مى پرستيدند ٣، همى پرستيدند ٢٢، بودند پرستندگان ٢٤، پرستيده بودند ٣٩، پرستندگان ٦١

~: أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ٱلْجِنَّ (٣٤:٤١)
پرستيدند ٥٨

~: وَأَزْوَٰجَهُمْ وَمَا كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ (۳۷: ۲۲)
همی پَرِسْتیدند ۲، بپرستیدندی ۳۳، ایشان می پرستیدند ۳۹، بندگی می کنند ۵۷

مَا یَعْبُدُونَ: مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُهُم مِّن قَبْلُ (۱۱: ۱۰۹)
برستون نمی کنند ۱، نمی پرستند ۳، نمی پَرستند ۷۶، همی نپرستند ۹۶، نمیپرستند ۱۱۱، همی نه پرستند ۱۲۸

~: وَإِذِ ٱعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ (۱۸: ۱۶)
برستون نمی کردند ۱، نپرستیدند ۹۳

لِیَعْبُدُونِ: وَمَا خَلَقْتُ ٱلْجِنَّ وَٱلْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۱: ۵۶)
پرستیدن ۳، بندگی کنند ۴۹، بپرستند ۶۱، پرستند ۱۰۳

یَعْبُدُونَ: أَجَعَلْنَا مِن دُونِ ٱلرَّحْمَٰنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ (۴۳: ۴۵)
می برستون کرده شند ۱، پرستیده شوند ۳، پرستیدند ایشانرا ۳۰، پرستیده می شوند ۵۶، می پرستند ۶۱، همی پرستید ۸۱، ایشآنرا پرستند ۱۰۰، پرستیده همی شوند ۱۰۹، پرستندشان ۱۱۴، پرستند ایشانرا ۱۳۸

یَعْبُدُونَنی: يَعْبُدُونَنِى لَا يُشْرِكُونَ بِى شَيْـًٔا (۲۴: ۵۵)
بپرستند ۲، پرستند ۵۱، می پرستند ۵۶، بپرستند ۵۸، بپرستیدند ۶۱، همی پرستند ۶۲

یَعْبُدُوهَا: وَٱلَّذِينَ ٱجْتَنَبُوا۟ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا (۳۹: ۱۷)
کبرستون کردند ۱، بپرستند ٦٤، پرستند ۱۰۰

★ کَانُوا یَعْتَدُونَ: ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ (۲: ٦۱)
ستم کردند ۱۰، درگذشتند ۳٦، بودند اندر گذشته ٦۱، بودند بی دادان ۹۰، از اندازه درمیگذشتند ۱۰۱، درمی گذشتند از اندازها ۱۰۹، بیرون شدند ۱۲۱

~: ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ (۳: ۱۱۲)
می گذشتاری کردند ۱، درمی گذشتند ۵۲، درگذرند ٦۹، از حد گذرندان ۷٦، می گذشتند ۹۰، از حد درگذشتند ۱۳۸

~: ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ (۵: ۷۸)
بودند که گذشتاری می کردند ۳۷، می درگذشتند ۵۵

یَعْتَذِرُونَ: يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ (۹: ۹٤)
بهانه آرند ۳، بهانه می آرند ۳۰، بهانه می کنند ۵۵، پوزش همی آرند ۱۰۹، بهانه می آورند ۱۱٤، بهانه میگیرند ۱۲۱

یَعْتَزِلُوكُمْ: فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوٓا۟ إِلَيْكُمُ ٱلسَّلَمَ (٤: ۹۱)
گردند ۲۷، جدا شوند ۵۳، باز گردانیده شوید شما ۱۳۰

★ لَمْ یَعْتَزِلُوکُمْ: فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوٓا۟ إِلَيْكُمُ (٤: ۹۱)
ورتانشند ۱، جُدا نشوند ۲، نه بیکسو شوند ۳، بنه گردند ۱۰، یکسو نشوند ۳٦، جدا نشوند ۳۹، دور نشوند ٤۱، جُدا نشوند ٤۲، نه جُدا شوند ٤۵، نه جدا شوند ۵٦، نه گوشه گیرند ٦۱، با یکسوی نشوند ٦۳، جدا نشد ۷٦، جدا نگردند ۸۲، جدا نه شوند ۹۷، بیکسو نشوند ۱۰۲، کناره نگیرند ۱۱۱، دوری نگزینند ۱۲۲، نگردند جدا ۱۲۸، گوشه نگیرند ۱۳۳

یَعْتَصِمْ: وَمَن يَعْتَصِم بِٱللَّهِ فَقَدْ هُدِىَ (۳: ۱۰۱)
دست هنگ گیرد ۱، چنگ در زند ۳، دست زند اُو کار کند ۱۰، دست در زند ۲۳، دست اندرزند ۲۹، پناه برد ٤۱، چنگ زد ٤۲، چنگ زند ٤۳، دست زند ٤۸، چنگ زند ۵۵، دست اندر آویزد ۵۷، درآویزد ٦۳، چنگ اندر زند ٦۵، پناه جوید ۹۰، پناه گیرد ۱۰۳، چنگ زد ۱۰۵، چنگ کند ـ زند ۱۲۸، چنگ اندر زد ۱۲۹

یُعجِبُ: فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ (٤٨: ٢٩)
شگفت کند ١، خوش آید ٢، بشگفت می آورد ٣، شگفتی آرد ٦، شاد شود ٢٤، شگفت آید ٣٨، شگفت آرد ٣٩، بشگفت اید ٥٣، بشگفت می آرد ٨٠، بشگفت آورد ٨٩، بشگفت آرد ١٠٢، برشگفت دارد ١١٣، بشگفت میاورد ١٣٠، شگفت می آرد ١٣٩

یُعجِبُكَ: وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ (٢: ٢٠٤)
خوش آید ٢، بشگفت می آرد ٣، خوش آید ١٠، نیکو آید ٢٤، بشگفت آرد ٢٩، خوش آید ٤٢، شگفت می آرد ٤٣، شگفت آرد ٦١، بشگفت آورد ٦٢، بشگفت می آورد ٦٣، بشگفت دارد ٦٤، خوش آمد ٩٢، خوش می آید ١٢٢، بشگفت آید ١٢٤، خوش است ١٣٥، شگفت دارد ١٣٦

لِیُعجِزَهُ: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ (٣٥: ٤٤)
پیشی کند ١، سست گرداند ٢

یُعجِزُونَ: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ (٨: ٥٩)
درگذرند ٥٥، زبون گردانند ٦١، درگذرند ٩١

★ لایُعجِزُونَ: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ (٨: ٥٩)
پیشی نکنند ١، ما را سُست نتوانند کردن ـ نتوانند گریخت ٢، نتوانند ٢٧، ما را سست نتوانند گردانیدن ٤٢، سست نتوانند گردانیدن ٥٢، سست نه اند ـ نتوانند گریختن ٩٤، راست نتوانند گردانیدن ٩٦، بیچاره نیابند ١٠٩، درنگذرند ١١٤، سست نتوانند گردانید ١٢٥، سست اند ١٢٨

یُعَجِّلُ: وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ (١٠: ١١)
شتاوانیدی ١، شابانید ٣، بشتابدی ١٣، بشتابد ٢٧، بشتافتی ٢٩، بشتابیدی ٣٨، رساند ٣٩، شتاب کند ٤١، شتاب کندی ٥٣، بشتابانیدی ٥٥، بشتاباند ٥٦، بشتابانیدی ٦١، زود بدهد ٦٢، زود بدهد ٨٨، شتابانیدی ٩٦، شتاب نمودی ١٠٤، شتابندی ١٠٧، شتاب کردی ١١٢

یَعِدُکُمُ: الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ ... وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ (٢: ٢٦٨)
می خواند ٢٤، ترساند ٢٥، می بترساند ٢٩، می ترساند ٣٦، همی ترساند ٤١، بیم می کُند[1] ٥٥، نوید می دَهَد[1] ٥٥، همی بترساند ٦٢، بترسند ٦٣، بترساند ٦٧، نوید دهد ٩١

~: وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ (٨: ٧)
نوید داد ٣، بیم کند ٦٤

~: وَإِن يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُم بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ (٤٠: ٢٨)
نوید می دهد ٣

★ لَم یَعِدکُم: قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا (٢٠: ٨٦)
نه نوید داد ١١٤

یَعدِلونَ: ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (٦: ١)
برابر می کنند ٣، همی داد خواهند ٩، همی همتا گویند ٢٦، برابر و همتامی کنند ٢٧، همتا میگویند ٢٩، برابر می گردند ٣٩، همتایی می کنند ٤٣، می داد خواهند ٤٥، همی گوشه کنند ٤٩، همتا گیرند ٥٣، برابر می کُنند ٥٥، می بگردند ٦٠، برابر میکنند ٦١، می همباز گیرند ٧٢، همی بگردند از راه ٨٢، هَمتا همی گویند ٨٨، هم تا باشند ٩٠، همتای کنند ٩٢، همباز می گیرند ٩٦، همباز گیرند ٩٨، برابر میدارند ١٠٢، می داد

١. هریک از معانی دوگانهٔ این قرآن، به ترتیب به یکی از دوموردی بازمی گردد که مدخل «یعدکم» در آیه به [illegible]

خواهد ۱۰۷، برابر می دارند ۱۰۹، برابری میدهند ۱۲۳، برابر میرسانند ۱۳۰

~: وَهُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۶:۱۵۰)
هنباز گیرند بتان را ۱۰، همتاه گویند ۱۰ مکرّر، همتا می گویند ۳۶، بی فرمانی می کنند و برمی گردند از راه راست ۴۱، همتا گویند ۴۲، انباز می گیرند وبت می پرستند ۴۴، هم گوشه کنند ۴۹، برابری کنند ۶۱، برابری میکنند ۶۳، انباز می آرند ۶۷، مانند کرد ۷۶، همتا می کنند ۹۰، همتای گویند ۹۴، انباز گیرند ۱۰۳، می داد خواهند ۱۰۷

~: يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۷:۱۵۹)
می راستی کنند ۱، همی داد کُنند ۲، داد کنند ۱۰، راستی میکنند ۲۹، داد دهند ۴۲، همتایی کنند ۴۳، راستی کنند ۴۸، همی داد کنند ۵۲، کار می کنند ۵۸، داد می کنند و داد می دهند ۸۰، داد میکنند ۹۴

~: يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۷:۱۸۱)
همی داد کُنند ۲، داد می کنند ۳، راستی می کنند ۲۹، داد دهی کنند ۵۷، کار کنند ۵۸، همتا می آرند ۶۹، داد همی کنند ۹۴

~: أَءِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ (۲۷:۶۰)
از راه همی بتابند ۲، برابر کنند ۲۴، از راه نیایند ۳۰، می گردند ۳۶، از راستی برگردنده گان ۴۱، از راه همی بگردند ۴۶، می جسبند ۴۷، همی گردند از راه راستی ۵۳، همی گردند ۶۲، برابر می دارند ۶۴، می گردند ۷۶، از راه همی تابند ۱۰۸، از راه می گذرند ۱۲۶، می تابند ۱۲۹

★ مَا يَعِدُهُمْ: وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا (۴:۱۲۰)
نوید نمی دهد ۹۷

يَعْدُونَ: إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ (۷:۱۶۳)
گذشتاری کردند ۱، ستم می کردند ۳، درمی گذشتند ۳۶، بی فرمانی کردند ۴۱، ستم می کردند ۵۵، درگذشتند ۶۱، نافرمانی کردند ۱۰۳، درمی گذشتند از اندازه ۱۰۹، میگذارد ۱۲۸

يُعَذِّبُ: يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ (۳:۱۲۹)
شکنجه کُند ۵۵

~: يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ (۵:۱۸)
شکنجه می کند ۳

~: وَيُعَذِّبَ الْمُنَٰفِقِينَ وَالْمُنَٰفِقَٰتِ (۴۸:۶)
شکنجه کند ۳

يُعَذِّبْكُمْ: إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۹:۳۹)
شکنجه کند ۳

يُعَذِّبُهُ: فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۸۸:۲۴)
شکنجه کند ۸۰

يُعَذِّبُهُمْ: فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۴:۱۷۳)
شکنجه کند شان ۳

يَعْرُجُ: ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ (۳۲:۵)
ور شهد ۱، بر شود ۳، بر بالا می شود ۲۹، بر رود ۳۰، می رود ۴۱، بر بالا شود ۴۲، ور شوند ۴۶، گردد سر کار بند گان ۴۷، بَرْشَوَدْ ۵۳، برمی شود ۵۸، باز گردد ۶۴، بَرْ رود ۹۴، بر بالا برد ۹۶، بالا برمی بردند ۱۰۶، بو رود ۱۰۸، بالاتر می رود ۱۱۳

~: وَمَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا (۳۴:۲)
بر آسمان برمی شود ۸۸، برمیشود ۱۰۲، بالا میرود ۱۰۳، ببالا برمی رود ۱۰۶، به بالا می رود ۱۳۴، در شود ۱۳۹

~: وَمَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا (۵۷:۴)
بَر شود ۲، بر می آید ۳، بر آسمان شود ۲۴، برمی رود ۴۱، بالا شود ۴۲، ببالا بر شود ۸۱، برود ۹۰، بر آید ۱۰۲، ببالا بررود ۱۰۶، ببالا برمیرود ۱۱۷، برمیآید ۱۲۱، ببالا برمی رود ۱۳۴، ببالا برمی برد

يَعْرُجُونَ: فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (۱۵:۱٤)
می ورشدندی ۱، همی بر شوند ۲، بر شوندگان ۳، ببالا می شدندی ۲۹، بر آیند ۳٦، همی برشدندی ۳۹، بر روندگان ٤۱، همی برشوند ٤۲، برشوند ۵۳، برمی شوند ۵٦، برمیشوند ۵۹، بر روند ٦۱، همی شدندی ٦۲، ببالا برمی شدندی ٦۳، فرو می شدند ٦۹، بر آسمان رونده ۷٦، برشوند ۷۸، ببالا برشدندی ۷۹، درهمی برشوند ۸۳، برشدندی ۸٤، ببالا برشوند ۹۳، ببالا روند ۱۰۰، بالا میروند ۱۰٤، بالا روند ۱۱۱، بالا درشدندی ۱۱۳، بالا میرفتند ۱۱۵، بالا روندگان ۱۲۱

يَعْرِشُونَ: أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ (۱٦:٦۸)
می ماسیابندند[1] ۱، بچینانند ۲، وایج می کنند ۳، چفته می بندند ۲۹، وانج می کنند ۳۰، چفته می بندند ۳٤، چفته کنند ۳۹، چفته می کنند ٤۱، بجنبانند ٤۲، پایه بندند ٤۳، جفته زده اند ۵۳، وایج می کنند ۵۵، چفته می بندند ۵۷، رز بندند ۵۸، برچفته بندند ٦۰، چفته که ایشان همی بندند ٦۲، کرد و مندد ٦۹، بلند برآرند ۷۳، چفت که می بندند ۷٦، بجنبانید ۷۸، چفته می کنند ۷۹، چفته زنند ۸۸، خفته می کنند ۹۵، بنا میکنند ۱۰٤، بجنبانند رزان ۱۰۵، چفت می بندند ۱۰٦، چفته می کنند ۱۱۳، جفت می بندند ۱۱۸، رز می بندند یعنی کدو ۱۱۹، داربست کنند ۱۲۲

★ كَانُوا يَعْرِشُونَ: وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (۱۳۷:۷)
می ماسیابستند ۱، می فربندند ۲، رزان چفته می بستند و درختان می کشتند ۱۰، چفت می بستند ۲۹، همی جفته زدند ۳۱، چفته می کردند ۳۵، همی بستند چفتها ٤۱، همی کردند بلند ٤۲، همی چفته زدند ٤۵، می زیدند چفته ۵۷، چفته همی ساختند میوها و رزها ٦۲، چفته بستند ٦۳، بلند می کردند ٦٤، همی چفته زدند ٦۵، براوردید ۷۸، همی برآوردند ۸۳، چفت می بستند ۸۹، بودند بیرون می آوردند ۹۰، می برآوردند ۹۱، برافراشته بودند ۹٦، جنفة میکردند ۱۱۳، برافراشته بودند از کوشکها ۱۲۲، می جبنانیدند ۱۲٤، برافراشته بودند ۱۲۷، برآوردند ۱۲۸، برمی افراشتند ۱۳۰، بودند که بنا کرده بودند ۱۳٦، همی جُنبانیدند ۱٤۰

يُعْرَضُ: وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ (٤٦:۲۰)
نموده شوند ۱۰۹، روی آرند ۱۱٤

~: وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ (٤٦:۳٤)
نموده شود ۱۰۹

يُعْرِضْ: وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا (۷۲:۱۷)
روی گرداند ۱، روی در گردانید ٦، روی بگرداند ۱۹، برگردد ۲۹، برگردد ٤۲

يُعْرِضُوا: وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا (٥٤:۲)
روی گردانند ۱، روی بگردانند ۳۹، برگردند ۵۳، روی گردانید ۸۷، برگردند ۱۰۰، روی بگردانند ۱۳۲

يُعْرَضُونَ: أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ (۱۱:۱۸)
روی گردانندگان ٦۹، نموده شوند ۱۰۹، روی گردانیده شوند ۱۱٤

~: وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ (٤۲:٤۵)
روی بگردانند ۸۱

يُعْرَفُ: يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ (۵۵:٤۱)

---

[1]. می ماسیابندند: داربست و چفته می بندند.

اشنخته شند ١، شناخته شوند ٣، بشناسند ٢٤، شناسند ٨٧، شناخته خواهند شد ١٣٠، شناخته شود ١٣٦

يُعْرَفْنَ: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ (٣٣: ٥٩)
اشنخته شند ١، شناخته شوند ٣، بشناسند شان ٧، بشناسند ایشانرا ٣٠، بشناسند ٤٧، بشناسَند ٥٣، بشناسند ایشان را ٥٦، شناسند شان ٧٢

★ أَنْ يُعْرَفْنَ: ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ (٣٣: ٥٩)
نشناسند ١١١، باز نشناسند ایشانرا ١٣٨

يَعْرِفُوا: أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا۟ رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ (٢٣: ٦٩)
شناختند ١١٥

★ لَمْ يَعْرِفُوا: أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا۟ رَسُولَهُمْ (٢٣: ٦٩)
نیشنختند ١، نَشناختنْد ٢، می نشناسند ٢٤، نشناختند ٣٠، نمی شناسند ٤١، نشناخته اند ٤٧، نشناسند ٥٢، نه شناختند ٨٧، ندانستند ١١٩

يَعْرِفُونَ: يَعْرِفُونَهُۥ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمْ (٢: ١٤٦)
همی شناسند ٢، بشناسَنْد ٢، مَی دَانند ١٠، بشناسند ٢٤، میشناسند ٢٥، می دانند ٢٩، می شناسند ٣٦، همی شناسند ٣٨، شناسَد ٤٠، می شناسَند ٤٢، بشناسَنْد ٥٣، مِی شَناسَنْد ٥٥، دانند ٦٠، همی دانند ٦٢، بشناختند ٨٢، دآنند ٩٤، می شناساند ٩٨، میدانند ١١٩

~: يَعْرِفُونَهُۥ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمُ (٦: ٢٠)
می اشناسند ١، همي شَناسَند ٢، شناسَند ٤٢

~: وَعَلَى ٱلْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّۢا بِسِيمَٰهُمْ (٧: ٤٦)
شناسند ٣، مَی شناسند ٤٢، همی دانند ٤٥، می شناسد ٥٨، می شناختند ٦١، باز همی شناسند ١٠٩، شناخته شوند ١٣٦

~: يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا (١٦: ٨٣)
همی شَناسَنْد ٢، می شناسند ٣، همی شناسَدْ ٥٣، مِی شَناسَنْد ٥٥، می شناسند و می دانند ٥٨، همی بَدانَنْد ٦٢، میشناسند ٦٧، بآشکارا میشناسند ١١٦

يَعْرِفُونَهَا: لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَآ إِذَا ٱنقَلَبُوٓا۟ (١٢: ٦٢)
بیشناسند ١، شناسندش ٣، بشناسند ٣٠، بدانند ٥٣، بَشَناسَندش ٥٥، بازشناسند ٦٣، بَشناسند ٧٦

يَعْرِفُونَهُمْ: رِجَالًا يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَٰهُمْ (٧: ٤٨)
وادانند ١٠، بشناسند ١٠ مکرّر، واشناسند ٢٤، دانند ٤٥، شناسند ٦٣، می شناسند ١٠٢

يَعْزُبُ: وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ (١٠: ٦١)
می دور شود ٣، پنهان ماند ٦٤، پوشیده شود ٧٥

~: لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ (٣٤: ٣)
دور شود ٣، پنهان شود ٢٨، در شود ٩١

★ لَا يَعْزُبُ: لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ (٣٤: ٣)
نشود پنهان ٢٤، نیست دور ٣٩، دور نیفتد ٤٧، دور نشود ٤٩، دور نشود و پنهان نگردد ٥٨، در نشود ٦١، دور نیست ٦٤، گم نشود ٨٧، به نشود ١٠٥، پنهان نمی شود ١١١، پوشیده نشود ١١٦، دُور نیشود و در نپُوشید ١١٩، پنهان نشود ١٢٢، نشود پوشیده ١٣١، پنهان نیست ١٣٦

★ مَا يَعْزُبُ: وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ (١٠: ٦١)
دُور نشود ٢، پنهان نماند ٧ مکرّر، دور نمی شود ٢٩، نه پنهان شود ٣٨، دور نیست ٣٩، نشود دور و پنهان ٤١، دور نشود ٤٢، فرو نشود ٥١، نمی دُور شَود ٥٥، دور نگردد ٥٧، ناپیدا نشود ٥٩، دور نبود ١٠٢، پوشیده نمیشود ١١١، پوشیده نمی شود ١١٦، پنهان نیست ١٣٦

يَعْشُ: وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ ٱلرَّحْمَٰنِ (٤٣: ٣٦)
روی گرداند ١، سَرْبتاود ٢، خویشتن کور سازد ٣، سربتابدْ ٢٢، بر گردد ٢٤، خویشتن کور سَازد ٣٢، روی بگرداند ٣٦، بازاستد ٤٢، بازاستند ٥٢، بَگردَدْ ٥٣، بزید ٨١، سربتابد ٨٨، چشم بپوشد

۱۰۳، نابیناسازد ۱۰٤، کورسازد خود را ۱۱٤

يَعْصِ: وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (٤:١٤)
نافرمان شهد ۱، فرمان نبرد ۱۰، نافرمانی کند ۲۷، فرمان نبرد ٤۰، نافرمانی کند ٤۲، بی فرمان باشد ٦۱، فرمان نبرد ۷٦، بیفرمانی کند ۹٦

~: وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًا مُّبِينًا (٣٣:٣٦)
بی فرمانی کند ۲، فرمان نبرد ۲٤، بی فرمان شود ۳۹، نگاه دارد ٤۷، نافرمانی نماید ۸٦، نافرمانی کرد ۱۱٤، نگه بدارد ۱۳۸

~: وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ (٧٢:٢٣)
بی فرمانی کند ۲، بی فرمان شد ۳۰، نافرمان شود ۳۸، نافرمان برداری کند ۱۱۳

يَعْصِرُونَ: فِيهِ يُغَاثُ ٱلنَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ (١٢:٤٩)
می شیره کنند ۱، شیره کنند ۲، شیره کنند یا برهند ۳، شیره کنید ۷ مکرّر، شیره کنند ۲٤، انگور فشارند ٤۲، بفراخی افتند ٥۳، شیره کنند یا برهند ٥٥، فشرند ٥۷، می شپیلند ٦۱، بسیاری انگور شیره کنند ٦٤، می شبیلند ٦۹، میوها افشارند ۷٦، برهانید ۸۸، شیره کنند یا سبار کنندگان ۹۱، شیره کنند یا سبار کنند ۱۰۰، انگور فشارند ۱۰۳، افشارند ۱۰۹، شبیلند ۱۱۰، بیفشرند ۱۱۱، میوها افشارد ۱۱۸، می فشارند ۱۱۹، می افشرند ۱۲۰، شیره کشند ۱۳٦

يَعْصِمُكَ: وَٱللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِ (٥:٦٧)
می نگه دارد ۱، نگاه دارد ۲، نگاه می دارد ۳، نگاه میدارد ۲۹، نگه می دارد ۳۷، همی نگاه دارد ٤٥، نگاه دارد ٥۳، نگاه دار ٥۸، نگه میدارد ٦۳، نگاهدارد ٦۷، نگاهدارنده ۷۹، نگه دارد ۸۲، درپناه گیرد ۱۰۰، همی نگاه دارد ۱۱۲، نگهدارد ۱۱٦، نگاهمیدارد ۱۲۳، نگه دارت ۱۲۸

يَعْصِمُكُم: قُلْ مَن ذَا ٱلَّذِى يَعْصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ (٣٣:١٧)
می نگه دارد ۱، نگاه دارد ۲، نگاه می دارد ۳، نگه بدارد ۲۹، داردتان ٤٦، نگاه دارد ٥۳، نگاهدارد ۸۷، نگهدارد ۱۱٦، نگاه میدارد ۱۲۰، نگه دارد ۱۲٥

يَعْصِمُنِى: قَالَ سَـَٔاوِىٓ إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِى مِنَ ٱلْمَآءِ (١١:٤٣)
نگه دارد ۱، نگاه دارد ۲، نگاه می دارد ۷ مکرّر، نگه بدارد ۲۹، نگاه دارد ٥٥، بازپاید ٥۷، بازدارد ٥۹، نگاه دارد ٦۱، نگاهدارد ۹۰، نگهدارد ۱۱٦

يَعْصُونَ: لَّا يَعْصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمْ (٦٦:٦)
بی فرمان شود ۹۰، نافرمانی کنند ۱۲٦، بی فرمانی کنند ۱۲۹

★ **لَا يَعْصُونَ:** لَّا يَعْصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمْ (٦٦:٦)
نافرمان نشند ۱، بی فرمانی نکنند ۲، بی فرمان نشوند ۳۹، نافرمانی نکنند ٤۲، بیفرمانی نکنند ٦۷، نافرمان برداری نکنند ۷۹، بیفرمانی نمیکنند ۹۹، نافرمان بردار مکنید ۱۱۳، نافرمانی نمیکنند ۱۳٦

يَعْصِينَكَ: وَلَا يَعْصِينَكَ فِى مَعْرُوفٍ (٦٠:١٢)
بی فرمانی کنند ۳، فرمان نگذارند ۹٦، نافرمان شوند ۱۲٤

★ **لَا يَعْصِينَكَ:** وَلَا يَعْصِينَكَ فِى مَعْرُوفٍ (٦٠:١٢)
نافرمان نشند ۱، بی فرمانی نکنند ۲، نکنند بی فرمانی ٤۱، نافرمانی نکنند ٤۲، نافرمان نشوند ٥٦، نکنند نفرمانی ۱۱٤، بیفرمانی نکنند ۱۲۳

يَعَضُّ: وَيَوْمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ (٢٥:٢٧)
بخاید ۱، بگزد ۲، گزد ۳، بجاید ۲۰، بدندان گیرد ۲٤، دندانها نهد ۲۹، می گزد ٤٦، می گزد و میخاید ٤۷، بدندان بگزند ٦۲، بدندان می گیرد ۷٦، دندان گیرد ۸٦، می خاید ۱۰۳، بدندان گزد ۱۱۳، گزد و خاید ۱۱٦، بدندان گزد ۱۲۱، میخاید ۱۲۳، میگزد ۱۳۱

★ **لَمْ يُعْطَوْا:** وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَآ (٥٨:٩)

دادە نشند ۱، نه داده شوند ۳، نه دهندشان ۱۰، ندهند ۲٤، بدهندشان ۳۹، ندهَند شانرا ٤۲، نَدَهَنْد ۵۳، داده نشوند ۵۸، ندَهَند ایشانرا ٦۲، ندهند ایشانرا ٦۷

يُعْطُوا: حَتَّىٰ يُعْطُوا ٱلْجِزْيَةَ عَن يَدٍ (۲۹:۹)

بدهند ۱، بَدهَند ۱۰، ها دهند ۲۹، بدهَند ٤۲، داده شوند ۱۲۱، دهند ۱۲٦

يُعْطِيكَ: وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰٓ (۵:۹۳)

بدهد ۲٤، دهد ۹۱، ببخشد ۱۳٦

يَعِظُكُمْ: وَمَآ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْحِكْمَةِ يَعِظُكُم بِهِۦ (۲۳۱:۲)

می پند دهد ۱، پَند همی خُواهد ۲، پند می دهد ۳، مَی پَند دهد ۱۰، پند دهد ۳۰، پندَ مـی هَد ٤۲، پند می دهَد ۵۷، پند میدهند ٦۳، پند میدهد ۱۱۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓ (۵۸:٤)

پَند دهد ۲، پند می دِهد ۲۷، پند همی دهد ۲۹، اندرز می کند ۵۷، پند داد ٦۰

~: يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۹۰:۱٦)

پَند همی دهد ۲، پند همی دَهَد ۵۳، پَند مِی دَهد ۵۵، پند همی دهَد ٦۲

~: يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُوا۟ لِمِثْلِهِۦٓ أَبَدًا (۱۷:۲٤)

پَند همی دهد ۲، پندی می دهد ۲٤، همی پند دهد ۳۰، پَند می دَهَد ۵۱

يُعْظِمْ: وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُعْظِمْ لَهُۥٓ أَجْرًا (۵:٦۵)

بزرگ کند ۱، بزرگ دهد ۳، بزرگ بدهد ۲٤، بزرگ گرداند ۳٦، بزرگ گرداند ٤۲، بزرگی دهد ٦۱، بزرگ سازد ۱۰۳

يُعَظِّمْ: وَمَن يُعَظِّمْ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ (۳۰:۲۲)

بزرگ دارد ۱، بزرگتر دارد ۱۲، گرامی دارد ۳٦، بـزرگ دَارَدْ ۵۳، بـزرگ مـی دارد ۵۸، بـزرگ

داشت ۱۱٤

يَعِظُهُۥ: وَإِذْ قَالَ لُقْمَٰنُ لِٱبْنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ (۱۳:۳۱)

می پند داد ۱، پند می داد ۳، پند داد ۳۰، همی پند دَاد ۵۳، پند میداد ۱۰۰، همی پند داد ۱۰۸

يَعْفُ: أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا۟ وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ (۳٤:٤۲)

درگذارد ۳، انـدر گـذارد ۱٦، درمـی گـذارد ٤۱، درگـذارنـد ٤۳، درگـذرد ۸۹، درگـذرانـد ۱۰۷، درمیگذرد ۱۳۲، درگذریم ۱۳٦

يَعْفُوا: أَوْ يَعْفُوَا۟ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ عُقْدَةُ ٱلنِّكَاحِ (۲۳۷:۲)

انـدر گُـذارد ۲، درگذارنـد ۷٤، انـدر گـذرد ۹۲، گذارد ۹٦، گذرد ۱۱۸

~: فَأُو۟لَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَعْفُوَ عَنْهُمْ (۹۹:٤)

درگـذارد ۳، انـدر گـذارَدْ ۲۷، انـدر گـذارد ۲۹، درگـذارَد ٤۲، درگـذرد ٦۳، انـدر گـذ آرد ۹٤، درگزارد ۹۷

يَعْفُوا: وَيَعْفُوا۟ عَن كَثِيرٍ (۱۵:۵)

أندر گُذارد ۲، اندر گذارد ۱۰ مکرّر، می گذارَد ۲۷، درگـذارد ۳٤، مـی انـدر گـذارنـد ۵۳، می گذارد و پیدا نکند ۵۸، درگذارند ۷۵، آسان فـرا گـیـرد و درگـذارنـد ۱۰۲، انـدرگـذاری ۱۰۷، درمیگذرد ۱۱۱، درمی گذارند ۱۲٤، اندرمیگذارد ۱۲٦، همی اندر گذارد ۱۲۸

~: وَيَعْفُوا۟ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۲۵:٤۲)

درمـی گـذارد ۳، بـیـامـرزد ۲٤، درگـذرد ٤۲، فرامیگذارد ۱۰۲، فروگذارد ۱۰۳، درمی گذرد ۱۱٤، فرومیگذارد ۱۱٦، میگذارد ۱۳۰

~: وَيَعْفُوا۟ عَن كَثِيرٍ (۳۰:٤۲)

درگُذارد ۲، درمیگذارد ۱۱٤

وَلْيَعْفُوا: وَلْيَعْفُوا۟ وَلْيَصْفَحُوٓا۟ (۲۲:۲٤)

أنـدرگـذاريـد ۲، درگـذارنـدا ۳، درگـذارنـد ۳۹،

فرا باید گذاشت ٤٧، درگذارندا ٨٠، باید که درگذرند ١٠٠، اندر گذارندا ١٠٨، اندر گذارند ١٢٨، باید درگذرند ١٣٨

يَعْفُونَ: إِلَّآ أَن يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَاْ (٢:٢٣٧)
درگذارد ٣، ببخشند ٢٤، دست باز دارند ٢٧، بخشند ٣٦، گذارد ٤٢، بگذارد ٤٣، گذارد ٥٢، درگذرند ٥٦، درگذارند ٦٣، بگذارند ٦٤، دست بدارند ٧٥، نخواهند ٧٦، اندر گذارد ٨٢، اندر گذارند ٩٢، آسان فراگیرند ١٠٢، ببخشد ١٠٣، درگذرد ١٠٦

يُعَقِّبْ: وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفْ (٢٧:١٠)
بازپس آمد ٢٨

⋆ لَمْ يُعَقِّبْ: وَلَمْ يُعَقِّبْ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفْ (٢٧:١٠)
ورپاشنک وازنگشتی ١، نه بازنگرست ٢، وانیگرست ٢٠، بازپس ننگرست ٢٤، بازنایستاد ٢٩، بازپس ننگریست ٣٩، بازنگشت ٤٢، نه بازنگرید ٥٣، بازپس ننگر ٥٦، بازنمی آمد ٥٨، ازپس ننگریست ٦١، پس ننگرست ٦٢، بازنگردید ٧٦، نه نگریست پس ٩٠، بازپس نمی نگریست ١٠٠، بازنمی گردید ١٠٦، باپس ننگریست و برنگردید ١٠٩، بازنمی ایستاد ١١٧، روبپس نمیکرد ١٣٢

~: وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَٰمُوسَىٰٓ أَقْبِلْ (٢٨:٣١)
سپس ننگرست ٢، نه بازگشت ٣، سپس ننگریست ٣٠، بازپس نیامد ٣٤، پس ننگریست ٣٦، نه ایستاد ٣٨، بازنگشت ٣٩، درپی نرفت ٤١، بازناستاد ٥٢، نه بازنگرید ٥٣، نه بازپس گشت ٥٦، بازنیامد ٥٨، بازپس نگریست ٦١، درنگ نکرد ٦٤، ننگریست ٦٩، درپس نرفت ٧٦، نه پس بنگر ٨٧، بازنیامد بازپس ٨٨، نه از پس نگریست ٩٠، از پس بنگرست ٩٤، بازناستاد ٩٦، پس نشد ١٠٢، بازناستاد ١٠٥، بازنمیگردید ١٠٦، بازنگریست ١٠٩، بازنیستاد ١٢٥، روبه پس نمیکرد ١٣٢، نه بازگرد ١٣٩

يَعْقِلُهَا: وَمَا يَعْقِلُهَآ إِلَّا ٱلْعَٰلِمُونَ (٢٩:٤٣)
دریابند ٣، اندر یابد ٣٤، دانند ٤٣، اندر یابند ٥٦، داند ١٣٦

⋆ مَا يَعْقِلُهَا: وَمَا يَعْقِلُهَآ إِلَّا ٱلْعَٰلِمُونَ (٢٩:٤٣)
اندر نیابند ٢، اندر نیابد ٢٤، درنیاوند ٤٧، درنیابند ٥٨، ندانند ٦١، نداند ٦٢، درنیابد ٦٤، درنمی یابند ١١١، نمی دانند ١٢١

يَعْقِلُونَ: وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلْمُسَخَّرِ بَيْنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (٢:١٦٤)
خرد دارند ٢، خرد را کار فرمایند و باور دارند و اندیشه کنند تا بدانند ١٠، خردمندانند ٢٤، بیندیشند ٣٦، خرد کار فرمایند و باور دارند و اندیشه کنند و زنده دل باشند ٤٠، خرد دارند ٤٢، دریابند بخرد ٥٥، خرد کنند ٧٥، خردمندند ١٠٢

~: أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْـًٔا (٢:١٧٠)
دانستند ٣٠، دانستندی ٥٥، می دانستند ٩٠، دریافتندی ٩١

~: صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (٢:١٧١)
اندریاوند ١٠ مکرّر، بخرد دریابند ـ بخرد دانستندی ٦١، خرد داشتند ٩٤

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (٥:٥٨)
خرد دارند ٤٥، بخرد دانند ٦١

~: يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (٥:١٠٣)
دریابند بخرد ٣، می دانند ٢٤

~: إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلصُّمُّ ٱلْبُكْمُ ٱلَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (٨:٢٢)
دانند ٩٠

~: أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (۱۰:۴۲)
هش دارند ۳۰، کار بندند خرد را ۵۵

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۳:۴)
خرد را می کار فرمایند ۱، هُش دارند ۳، بدانند ۲۴، هُش دارند ۵۵، بدانند ۵۷، خردمندی می کنند ۷۲، میدانند ۱۱۴

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۶:۱۲)
دریابند ۲، دریاوند ۲۴، دریابند بخرد ۵۵، پند پذیرند ۶۲، اندر آیند بخود ۱۲۸

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۶:۶۷)
خرد دارند ۲، خردمند می شوند ۲۹، اندر یابند ۵۳، خردمند باشند ۶۲

~: فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا (۲۲:۴۶)
دریابند ۵۸، برافتادندی ۱۲۸

~: أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ (۲۵:۴۴)
کار می بندند خرد را ۳، می دریابند بخرد ۵۶، برافتند ۶۱

~: وَلَقَد تَّرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۹:۳۵)
اندر یابند ۲، همی دانند ۴۶، بدانید ۸۷، دریابند ۱۰۰

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۳۰:۲۴)
خرد دارند ۲، درمی یابند ۴۱، خردمندی کنند ۴۳، خرد دارند و دانند ۴۶، خرد را کار بندند ۴۷، خردمند باشند ۶۲، خردمنداند ۱۳۶

~: كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۳۰:۲۸)
اندریابند ۱۴، بی افتند ۳۹، بدانند بخرد ۴۶

~: لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ (۳۹:۴۳)
دانند بخرد ۵۶

~: وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۴۵:۵)
دریابند بخرد ۳۲، دریابندگان ۶۱

★ لَا يَعْقِلُونَ: أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا (۲:۱۷۰)
درنیافتندی ۲، نه دانستند ۳۰، درنیافتند ۴۲، همی ندانستند ۶۲، خورد نکنند ۷۵، درنیافتند ۷۶، ندانستندی ۹۲، هیچ نه دانستند ۹۴، درنیافته باشند ۱۰۰، درنیافتندی ۱۰۲، بی خردان ۱۲۴

~: صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۲:۱۷۱)
اندر نه یاوند ۱۰، اندر نه یاوند ۱۰ مکرر، همی ندانند بخرد ۵۶، نشناسند ۶۲، هیچ خرد ندارند ۶۴، خرد نکنند ۷۵

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (۵:۵۸)
خرد را کار نمی فرمایند ۱، هیچ خرد نه دارند ۱۰ مکرر، درنمی یابند ۲۴، خرد ندارند ۲۹، خرد ندارند ۴۲، خرد ندارند ۵۳، بی خردان ۵۸

~: يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۵:۱۰۳)
خرد ندارند ۲، خرد نه دارند ۱۰ مکرر، خرد ندارند ۲۶، همی اندر نیابند ۲۹، هُش ندارند ۵۵، ندانند بخرد ۵۶، ندانستند ۶۴، نمیدانند ۱۰۰

~: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۸:۲۲)
اندر نیاوند ۱۰، خرد بکار نبندند ۹۳، فهم نمی کنند و درنمی یابند ۱۱۳

~: أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (۱۰:۴۲)
هوش ندارند ۳، همی ندانند ۲۷، خردمند نمی شوند ۲۹، اندر نیابند ۵۳، هُوش ندارند ۵۵، درنیابند ۱۰۰، درنمییابند ۱۳۰

~: وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰:۱۰۰)
ندانند ۱۳، نه هوش دارند ۳۸، درنیابند ۴۲، خردمندی نکند ۵۸

~:قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (٢٩: ٦٣)
درنیابند ۲، نه دانند ۱٤، ندانند بخود ٤٦، نه اندر یابند ٥٣، خردمندی نکنند ٥٨، نمی یابند ٦١، درنیاوند ۸۸، نمیفهمند ۱۳٦

~:وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي ٱلْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (٣٦: ٦٨)
نه خرد دارند ۲۲

~:لَا يَمْلِكُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَعْقِلُونَ (٣٩: ٤٣)
اندرنیابند ۲، نه دریافتند بخرد ۳

~:أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (٤٩: ٤)
بی خردان اند ۲٤، بی خردانند ۳۰، نخرد دارند ۹٤، نادانند ۱۱٤، خردمند نباشند ۱۳٦

~:ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (٥٩: ١٤)
درنیابند ۸۱، بیخردانند ۱۱٤

يَعْكُفُونَ: فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ (٧: ١٣٨)
می استادند ۱، پیوسته می باشیدند ۳، روی فاکرده بُدَند و بریستاده بُودند ۱۰، می ایستادند ۲۹، ایتساده بودند ٤۱، استاده بُودَند ٤۲، همی پرستیدند و بیستادند ٤٥، استاده بودند ٥۲، پیوَسْته مِی باشِیدَند ٥٥، بازایستاده بودند ٥٦، می پرستیدند ٥۷، می پرستیدند و می ایستادند ٥۸، بازایستند ٦۹، پیوستگی میکردند ۱۰۹، می باشیدند ۱۱۹، ایشان ایستادَه بُودند ۱٤۰

سَيَعْلَمُ: وَسَيَعْلَمُ ٱلْكُفَّٰرُ لِمَنْ عُقْبَى ٱلدَّارِ (١٣: ٤٢)
بدانند ۱، زود بود کبدانند ٥، زود بدانند ۹۳، بدآنند ۱۰۰

~:وَسَيَعْلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ أَىَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ (٢٦: ٢٢٧)
زود بود کی بدانند ٤٦، زود باشد که بدانند ۱۲۱

يَعْلَمُ: أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (٢: ٧٧)
مَی دَاند ۱۰

~:وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (٢: ٢١٦)
دَاند ۲، به داند ٦۳

~:وَٱللَّهُ يَعْلَمُ ٱلْمُفْسِدَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِ (٢: ٢٢٠)
واداند ۱۰، میشناسد ۱۲۷

~:وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (٢: ٢٣٢)
مِیدَاند ٦۱

~:يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ (٢: ٢٥٥)
داند ۱، می داند ۳

~:وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ (٣: ٢٩)
میداند ۱۲۲

~:وَلِيَعْلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (٣: ١٤٠)
بینند ۹٤

~:وَلَمَّا يَعْلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُوا۟ مِنكُمْ (٣: ١٤٢)
پدید کُند ۲، دیْد ٦۱

~:وَلِيَعْلَمَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَلِيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُوا۟ (٣: ١٦٦)
پدید کند ۲، ببیند ۱۰، ببینند ٥٦، پدید آید ٦۷

~:لِيَعْلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلْغَيْبِ (٥: ٩٤)
جدا کند ۱۰، پیدا کند ۱۰ مکرّر، پیدا کُند ٤۲، باز کند ٤۸، بَدانَدْ ٥۳، جدا باز کند ٦۳، آشکارا کند ۹٦

~:أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ (٥: ٩٧)
بدانْد ۲، مِیداند ۱۰۰

~:وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (٥: ٩٩)
دانْد ۲

~:يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (٦: ٣)
همي داند ۲، هَمی داند ٥۳

~:وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ (٦: ٥٩)
بَداند ۲

~: إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا (٨:٧٠)
دانستی ٦٠، میدانست ١٣٦

~: وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ (٩:١٦)
دانسته باشد ١٢٨

~: يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (١١:٥)
میداند ١٠٠

~: ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ (١٢:٥٢)
پدید شود ٦١

~: وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ (١٦:٣٩)
بدانند ٢

~: وَإِن تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (٢٠:٧)
بداند ٢

~: يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ (٢٠:١١٠)
وی داند ٦٢

~: لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ (٢١:٣٩)
دانندی ٥٨، بدانندی ٦١، دانند ٨٦

~: إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ (٢١:١١٠)
هم داند ٥٨

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ (٢٧:٧٤)
همی داند ٢

~: لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ (٥٧:٢٩)
بدانند ١٠٣

~: وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ (٦٣:١)
همی بداند ٥٦

~: لِيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ (٧٢:٢٨)
پدید کند ـ بداند ٣٠

★ كَيْلَا يَعْلَمَ: لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا (٢٢:٥)
هیچ نشناسد ١٠٣

★ لَا يَعْلَمُ: قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ (١٠:١٨)
نداند ١

~: أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ (١٣:٣٣)
نداند ٢

~: قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (٢٧:٦٥)
نه داند ١٣٩

~: أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (١٠٠:٩)
نمیداند ١٢٠

★ لِئَلَّا يَعْلَمَ: لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ (٥٧:٢٩)
تا بدانند ١

★ لِكَيْلَا يَعْلَمَ: لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا (١٦:٧٠)
تا نداند ٢، تا چنان بود که نداند ٥٨

★ لَمْ يَعْلَمْ: أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً (٢٨:٧٨)
ندانست ١، نداند ٦١، نمی داند ٦٤، ندآنست ١٠٠

~: عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (٩٦:٥)
نمی دانست ٣٩، نه دانست ٥٦، نه می دانست ١٣٩

~: أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ (٩٦:١٤)
نمیدانست ١٣٢

★ لَمَّا يَعْلَمِ: وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا (٣:١٤٢)
نداند ١، پدید نکند ٢، پیدا نکرد ٢٧، ندیده باشد ٢٩، هنوز جدا نکردست ٥٦، هنوز بندانست ٥٧، نمی داند ٥٨

~: وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ (٩:١٦)
ندانسته باشد ٤٢، جدا باز نکند ٤٨، ندیده باشد ٥٣، نه دیده باشد ٦٢، نه بدانسته بود ٩٦، ندانست ١٠٣، ندانسته باشند ١٠٥

★ مَا يَعْلَمُ: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا ٱللَّهُ (۷:۳)
نداند ۱، نمی داند ۲۸، ند آند ۱۰۰، نمیداند ۱۲۳

لِيُعْلَمَ: لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ (۳۱:۲٤)
دانسته شهد ۱، دانسته شود ۳۹، بدانند ٥٤، دانسته شوند ۱۱٤

يُعَلِّمَانِ: وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا (۱۰۲:۲)
آموزند ۲۹، آموزند ایشان هر دو ٥۷، می آموزانند ٦۱، درآموزند ۱۰٥، می آموزانید ند ۱۱٤، درمی آموختند ۱۳٤

★ مَا يُعَلِّمَانِ: وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا (۱۰۲:۲)
بنه آموزند آن دُو ۱۰، نمی آموزند هر دو ٤۱، نیاموزند ٥۲، نمی آموزانَنْد ٥٥، درنمی آموختند ٦۳، نمی آموزند ٦٤، نیاموزانند ٦۷، نیاموختند ۸۲، نمی آموختند ۹۰، نمی آموزانید ند ۱۰۰، نمی آموزانید ۱۱۱، در نه آموختند ۱۲۱، نمی آموختند هر دو ۱۳۰

يُعَلِّمُكَ: وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ (٦:۱۲)
بیاموزد ۱، درآموزاند ۳، درآموزانید ٤۸، میاموزد ٥۳، دَرآموزانَدت ٥٥، می آموزد ٥۸، درآموخت ٥۹، دَر آموزد ۷٦، بیاموزاند ۹٦، آموزاند ۱۰٤، درآموزد ۱۱٤، آموزد ۱۲۸.

يُعَلِّمُكُمْ: وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا۟ تَعْلَمُونَ (۱٥۱:۲)
بیامُوزَند ۲، بیامُوزد ۲، می آموزاند ۳، بیاموزد ۱۰، می بیاموزد ۲۹، می آموزانند ۳۰، می آموزد ٥۳، اندر آموزد ٥۷، بیاموزاند ٦۱، همی بیاموزد ٦۲، میآموزد ٦٤، درمی آموزاند ۸۹، درمی آموزد ۱۲۱

~: وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ (۲۸۲:۲)
می آموزد ۱، مَی آموزد ۱۰، درآموزد ۲٤، بیاموزد ۲٥، بیاموخته است ۲۷، همی درآموزد ۲۹، همی آموزد ۳٤، دَرآمَوزانَد ٤۲، درآموزاند ٥۲، درمی آموزاند ۱۰۰

لَيَعْلَمَنَّ: فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُوا۟ وَلَيَعْلَمَنَّ ٱلْكَٰذِبِينَ (۳:۲۹)
بداند ۱، پیدا کند ٤۱، روشن کند ٤۱، نیک بداند ٥٦، می داند ٥۸، بدانست ٦۱، نیک دانست ۹٤، نیک داند ۹٤، دانند ۱۲٤، جدا کند ۱۳۹

~: وَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَيَعْلَمَنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ (۱۱:۲۹)
همی داند ٥٦، نیک همی داند ٥٦، داند و شناسد ٦٤، داند هر آینه هر آینه ۹۱، جدا بازکند ۱۰۰، بازکند ۱۳۸

يَعْلَمْهُ: وَمَا تَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ ٱللَّهُ (۱۹۷:۲)
بَداند ۲، می داند ۳، داند ۳۰

~: أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُهُۥ (۲۷۰:۲)
بداند ۲، میداند ۱۰۳، همی داند ۱۳۸

~: أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ ٱللَّهُ (۲۹:۳)
آشکارا داند ۸۸

~: أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ ءَايَةً أَن يَعْلَمَهُۥ عُلَمَٰٓؤُا۟ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (۱۹۷:۲٦)
دانستندی ۱، بیاموخت ۸۷

يُعَلِّمُهُ: وَيُعَلِّمُهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٤۸:۳)
درآموزد ۳، درآموزاند ۲۸، بیاموزیم ۲۹، اندرآموزیم ٤۰، درآموزانَد ٤۲، بیاموزاند ٦۱، درمی آموزاند ٦۳، بیاموزد ٦٤، اندر آموزد ۹۸

~: إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٌ (۱۰۳:۱٦)
می آموزد ۲٤، می آموزاند ۳٦، همی اُموزد ٥۳، درآموخت ٥۹، آموزاند ٦۱، آموزد ٦۲، درمیاموزد ۱۰٦، می آموزند ۱۱۸

يَعْلَمُهَا: وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا (٥۹:٦)
داند ۳، دانش ۸۸، بداند ۹٤

يَعْلَمُهُمْ: لَا تَعْلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعْلَمُهُمْ (٦۰:۸)
داند ٥۸، می داند ٦٤، میداند ۱۹٤

★ لَا يَعْلَمُهُمْ: لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا ٱللَّهُ (١٤:٩)
نه دانَد ٥٣، نداند ١١٢

★ مَا يَعْلَمُهُمْ: قُل رَّبِّىٓ أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ (٢٢:١٨)
نداند ٥٦

يُعَلِّمُهُمْ: وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٢:١٢٩)
بیاموزند ٢، آموزاند ٣، بیاموزد ١٠، درآموزد ٢٤، بیاموزاند ٣٦، اندرآموزد ٥٧، درموزی ٥٩، درآموزاند ٦٣، بیاموزاند ١٠٢، اندرآموخت ١٠٧، بیاموز ١٣٠، درآموزند ١٣٤، درآموزد ١٣٦

~: وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٣:١٦٤)
می آموزد ١، بیاموزد ١٠، بیاموخت ٢٤، می آموزاند ٣٦، بیاموزد ٤٠، همی آموزد ٦٢، درمی آموزاند ٩٧، همی آموزاند ٩٨، آموزد ١٠١، میاموزد ١٣٠

~: وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٦٢:٢)
درآموزید ١١٣، درمی آموزد ١١٤

يَعْلَمُوا: أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (٩:٩٧)
دریابند ٣، همی دآنستند ٩٤

~: وَلِيُنذَرُوا بِهِۦ وَلِيَعْلَمُوٓا أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ (١٤:٥٢)
بدانند ٢، بدانند ١١٢

~: لِيَعْلَمُوٓا أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ (١٨:٢١)
بدانند ٤٣

★ أَلَّا يَعْلَمُوا: أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (٩:٩٧)
که ندانند ١، که نه دریابند ٣

★ لَمْ يَعْلَمُوا: أَلَمْ يَعْلَمُوٓا أَنَّهُۥ مَن يُحَادِدِ ٱللَّهَ (٩:٦٣)
ندانید ١، نه دانند ٢٤، نَه دانستند ٥٥، نه دانستند ٦١، همی ندانند ٩٣، نمیدانند ١٠٣

~: أَلَمْ يَعْلَمُوٓا أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ (٩:٧٨)
می نه دانند ٢٤، نمی دانند ٤١، نه همی دانند ١٠٧

~: أَلَمْ يَعْلَمُوٓا أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ (٩:١٠٤)
نَدانستند ٥٣، ندانستند ١٠٠

~: أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓا أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ (٣٩:٥٢)
ندانند ١، همی نه دانند ٥٣

يَعْلَمُونَ: أَلَآ إِنَّهُمْ هُمُ ٱلسُّفَهَآءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ (٢:١٣)
دآنند ٩٤

~: فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ (٢:٢٦)
دانند ٢، بدانند ٣٦، می دانند ٥٥

~: ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُۥ مِنۢ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (٧٥:٢)
همی دانستند ٤، مَی دانستند ١٠، می دانستند ٣٦، می دانستند ٥٥، میدانستند ٦٤، همی بدانستند ٨٢

~: نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا ٱلْكِتَٰبَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (١٠١:٢)
داندی ٣، دانستند ١٠

~: لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ (١٤٤:٢)
می کنید ٨٨، همی دآنند ٩٤

~: وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ ٱلْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (٢:١٤٦)
می دانستند ٢٤

~: وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (٢:٢٣٠)
می دانند ١، همی دانند ٢

~: وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (٣:١٣٥)
دانند ٢، میدانند ٥٦

~: أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا (١٠٤:٥)
دانستندی ٨٠

~: قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (٩٧:٦)
بدانند ٨٨

~: كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (٣٢:٧)

دانااند ـ می دانند ۵۸

~: يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵:۱۰)
دانند ۵۳

~: لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ (٤٦:۱۲)
بدانند ۱، بدانند ۲

~: يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۹٦:۱۵)
دانند ۷۱

~: وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ (۵٦:۱٦)
بدانند ۵۳

~: وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۲۵:۲٤)
می دانید ۱، همی بدانند ۵٤

~: يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۷:۳۰)
همی دانند ۱٤

~: قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (۲٦:۳٦)
بدانندی ۲، بدانستندی ۱۰۰، میدانستند ۱۱٤

~: فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۸۹:٤۳)
بدانند یا بکنند ۲، دانید ۳۲، بدانید ۵٦

~: كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ (۳۹:۷۰)
ایشان می دانند ٦

★ كَانُوا يَعْلَمُونَ: لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۲:۲)
می دانستند ۳، ایشان دانش کار بندندی و بی گمان بدانندی ۱۰، بدانستندی ۳٤، همی دانند ٦۱، باشند دانندگان ۱۲۳، بودند دانایان ۱۲٤

~: لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۳:۲)
بدانستندی ۱۰، داننده ۲٤، دانندی ٤۰، می دانندی ٤۱، بودندی دانا ۱۲۸

~: وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (٤۱:۱٦)
همی دانستندی ٦۲

~: لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (٤۱:۲۹)
بدانستند ۵۸

~: لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (٦٤:۲۹)
بدانندی ۲، باشید دانید ۱٤، هستید دانندگان ٦۱

~: أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا (۱٤:۳٤)
دانستندی ۱، دانسته بودند ۳، بودندی دانندگان ۵٦، می دانستندی ۵۸، دانندگان ٦۱

★ لَا يَعْلَمُونَ: وَلَٰكِنْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳:۲)
نمیدانند ایشان ۱۰۰، ایشان نمیدانند ۱۰٤

~: أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ (۷۷:۲)
نمی دانند ۱۰، همی ندانید ۷٦

~: نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۱:۲)
همی ندانند ۲، نمی دانستند ۲٤، ندانستندی ٦۷

~: كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ (۱۱۳:۲)
ندانند ۲، ندانند ۱۰، می ندانستند، می ندانند ۲۹، نه دانند ٤۰، نمیدانند ٦٤

~: وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ (۱۱۸:۲)
ندانستند ۲، نه دانستند ۲٤، ندآنند ۹٤، نمیدانستند ۱۰۰

~: أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا (۱۰٤:۵)
ندانند ۱، همی ندانستند ۲، همی نه دانستند ۱۰ مکرّر، ندانستند ۲٦، می ندانستندی ۲۹

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۷:٦)
نمی دانند ۱، همی ندانند ۲، همی نه دانند ۱۰ مکرّر

~: سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۲:۷)
نه دانند و نه بدوسند ۱۰

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳٤:۸)

نمی دانند او باور ندارند ۱۰، همی ندانند ۵۳، نمی یابند ۱۱۳

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰: ۵۵)
ندانند ۵۳

~: وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ (۱٦: ۵٦)
نمید آنند ۱۰۰

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰: ۳۰)
نه همی دانند ۱٤

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (٤٤: ۳۹)
همی ندانند ۲۲

~: فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (٤۵: ۱۸)
نه دانند ۲۲

سَيَعْلَمُونَ: فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا (۱۹: ۷۵)
نیک بداند ۲، زود بدانید ۸۷، نیک بدانند ۱۰۸

~: سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ (۵٤: ۲٦)
زود که بدانند ۱۳۹

~: فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (۷۲: ۲٤)
زود بدانند ۱۳٦

~: كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۷۸: ٤)
زود باشد که بدانند ۵٦، سرانجام بدانند ٦٤، بزودی بدانند ۱۲۰

يُعَلِّمُونَ: يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ (۲: ۱۰۲)
می آموزند ۳، درمی آموختند ٤، می آموختند ۱۰، درآموختند ۲٤، همی درآموزند ۳۸، می آموختند ٤۰، می آموزند ٤۲، همی آموزند ۵۳، می آموزانیدند ۵۵، می آموختند ۵۷، درمی آموزند ۵۹، درمی آموختند ٦۳، میآموزند ٦٤، بیاموزانند ٦۷، آموزانیدند ۷۹، همی درآموختند ۸۲، همی آموختند ۹٤، درمی آموزانیدند ۱۰۰، می آموزانند ۱۰۲، می آموزانیدند ۱۰٤، می درآموختند ۱۱٤، درآموزانند ۱۲۱

يُعْلِنُونَ: أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۲: ۷۷)
آشکارا می کنید ۳، آشکار می کنند ٤، آشکارا گویند ۱۰، آشکارا دارند ۲٤، پیدا کنند ۲۹، آشکار می گوئید ۳٦، آشکارا کنید ۳۸، آشکارا همی کنند ٤۲، آشکارا می کنند ۵۵، پیدا کنید ٦۲، آشکار میکنید ٦۷، آشکارا میکنند ۹۸، آشکارا میدارد ۱۱۱، هویدا می کنند ۱۱۵، آشکار می کنید ۱۳۸

~: يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۱۱: ۵)
می اشکرا کنند ۱، آشکارا می کنند ۳، آشکارا کنند ۲٤، آشکارا میکنند ۲۹، آشکار می کنند ٤۱، آشکارا می کنند ۵۱، آشکارا می کنند ۵۵، آشکارا کنند ٦۲، آشکارا دارند ۷٦، آشکارآ می کنند ٦٤، آشکار میکنند ۱۱۱، آشکار مینمایند ۱۲۲

~: أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۱٦: ۲۳)
آشکارا میدارند ۵۹، آشکارا همی کنند ٦۲، آشکارا دارید ۷٦

~: لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (۲۷: ۷٤)
پیدا می کنند ۳٤، آشکار میکنید ۵۳، آشکارا می کند ۵۸، میکنند آشکارا ٦۱، بآشکارا کنند ۷٦، آشکارا میدارند ۱۰٤، همی پیدا کنند ۱۰۸، می آشکارند ۱۱٤، آشکارا ۱۳۹

~: يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (۲۸: ٦۹)
آشکار کنند ۳۰، پدیدار کنند ۵۳، آشکارا کند ٦۱، آشکارا می دارند ٦۵، آشکارا می سازند ۱۰۳

~: إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۳٦: ۷٦)
آشکارا همی کنند ۳۸

يَعْمُرُ: إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ (۹: ۱۸)
آودان کنند ۱، آبادان کند ۳، آبادان آن کس کند ۱۰، آبدان کُند ۵۵، آباد کند ٦٤، آبادان کردند ۱۰۷، آبادان کنند ۱۱٤

يُعَمَّرُ: يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ ... أَن يُعَمَّرَ (۲: ۹٦)
زندگانی داده شود ۳، وی را زندگانی دَهند ۱۰، وی را زندگانی دَراز کنند ۱۰، زندگانی دادست ۲٤، زندگانی دهند ۲٤، وی را زندگانی دراز دهند ٤۰، بدهند زندگانی ۵۲، بزیَدْ ۵۳، بسیار زید ۵۳، زندگانی داده شَودی ۵۵، زندگانی دهد ٦۱، روزگار داده شود ۷۳، بزید ۸۸، بیش زید ۸۸، زندگانی دادندی ۸۹، بزیایند ۹۲، زندگانی داده شدی ۱۰۰، داده شود ۱۰٤، زندگانی داده شد ۱۱۹، زندگانی بیابد ۱۲۱، زندگی کشد ۱۲۲، زندهگانی کند ۱۳٦، زنده باشد ۱۳٦

~: وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِۦٓ (۳۵: ۱۱)
بسیار زندگانی کند ۱۸، زندگانی دارد ۳۰، زید ۳۹، زندهگی دهند ۵۳، دراز زندگانی بود ٦۵، زندگانی باشد ۹٦

★ مَا يُعَمَّرُ: وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ (۳۵: ۱۱)
زندگانی داده نشهد ۱، زندگانی دراز نکنند ۲، داده نمی شود زندگانی ۳، زندگانی ندهند ۲۹، زندگانی ندهد ٤۲، ندهد زندگانی ۵٦، زادور کرده نشود ۵۸، نه بسیار زندگانی کند ۸۸، زندگانی دراز نکند ۱۰۸، زندگانی نکند ۱۳۲

يَعْمُرُوا: مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ (۹: ۱۷)
آودان کنند ۱، آبادان کنند ۳ و ۹۰، آوادان کنند ۱۰، آبدان کُنند ۵۵، آبادان ۱۰۹

يَعْمَلْ: وَمَن يَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُۥ (٤: ۱۱۰)
کند ۱، وَرزد ۵۵، کند او ۱۰۰

~: وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (٤: ۱۲٤)
کُند ٤۵، بجا آرد ۱۳۳

~: وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا يَعْمَلُ ٱلظَّٰلِمُونَ (۱٤: ٤۲)
می کند ۱، می کند ۵، میکنند ۹۳، همی کنند ۹٦

~: قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ (۱۷: ۸٤)
می کار کند ۱، کار همی کند ۳۹

~: فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَٰلِحًا (۱۸: ۱۱۰)
کار کند ۳۰

~: وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ (۲۰: ۱۱۲)
بکند ۲، کار کُندْ ۵۳

~: فَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ (۲۱: ۹٤)
بکُند ۲

~: وَمِنَ ٱلْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ (۳٤: ۱۲)
می کار کرد ۱، کار می کرد ۳۰، بکرد ۵٦، بکنند ٦۱، کار میکند ۸٦، کار می کند ۹۲، کار میکرد ۱۰۰

~: وَمَن يُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعْمَلْ صَٰلِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ (٦۵: ۱۱)
بگزارد ۳۹

~: وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُۥ (۹۹: ۸)
بکرده باشد ٦٤، میکند ۱۲۰

★ لِيَعْمَلْ: فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَٰلِحًا (۱۸: ۱۱۰)
گو کارَ کن ۱، بکند ۲، کار کناد ۳۹، گو بکن ٤۲، کاری کناد ٦۲، باید کی بکند ۷٦، باید کار کند ۱۰۰، بکندا ۱۰۸، گو بکند ۱۳۹

~: لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ ٱلْعَٰمِلُونَ (۳۷: ٦۱)
گو کار کنید ۱، کار باید کردن ۲٤، کار کنند ۳۰، گو کار کنند ٦۱، باید که کار کنند ۱۰۰، باید کار کنند ۱۳۸، کار کند ۱۳۹

يَعْمَلُونَ: وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۲:۹٦)
همی کنند ۲، ایشان می کنند ۱۰، ایشان همی کنند ۲۹، میکنید ٦۱

~: وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲:۱٤۱)
کننده ۲٤، می کنید شما ۱۲٤

~: إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۳:۱۲۰)
ایشان می کنند ۱۰

~: وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۳:۱٦۳)
می کنند ۱

~: لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ (٤:۱۷)
کنند ۲٤

~: لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ (٤:۱۸)
همی کنند ۲۹

~: وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (٤:۱۰۸)
شما همی کنید ۲، همی کنید ۳۱

~: لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٥:٦۲)
همی کنند ۲، همی کنند ۱۰ مکرر

~: وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (٥:٦٦)
همی کنند ٤٥، کردند ۷۰، بکردند ۹۲

~: زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٦:۱۲۲)
می کنند ایشان ۷٦

~: وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (٦:۱۳۲)
ایشان میکنند ۱۰۰

~: وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۸:٤۷)
میکنند ایشان ۹۳

~: إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱:۱۱۱)
ایشان می کنند ۷٦

~: وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۲:۱۹)
میکنند ٥۸

~: وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ (۱۷:۹)
می کنند ٥٥، همیکنند ۱۲٥

~: وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ (۱۸:۲)
بکنند ۲، کردار کنند ٥۳

~: فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ (۱۸:۷۹)
می کار کردند ۱، کار می کردند ٤۳، کار می کردند ٥٥، کار کردند ٥٦، همی کردند کاری ۹٤، کار همی کردند ۹٦، کاری میکردند ۱۰٥

~: وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (۲۱:۲۷)
می کار کنند ۱، همی کنند کار ۱۲، کار کنند ٤۸، کار می کنند ٥۸، کار میکنند ۱۲۱

~: وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَٰلِكَ (۲۱:۸۲)
همی کردند ۳۸، می کردند ٥٦، کار می کردند ٥۸

~: قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲٦:۱۱۲)
ایشان می کنند ۷٦

~: أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا (۲۹:٤)
کارها کردند ٦۱

★ يَعْمَلُونَ السُّوءَ: إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ (٤:۱۷)
گنهی شان کرده آید ٤۰

★ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹:۹)
بدانچه بودند که بد می کردند ٥۸

★ كَانُوا يَعْمَلُونَ: وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲:۱۳٤)
همی ایشان کردند ۲، ایشان کردند ۱۰، کردند ۲٤، کار میکردند ٦۱، ایشان میکردند ۹۲

~: وَلَا تُسْئَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲: ۱۴۱)
ایشان کردستند ۱۰، همی کردید ۲۹، میکردند ۶۷، بودند که می کردند ۱۳۶

~: لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۵: ۶۲)
می کردند ۱، بودند کی کردند ۳۷

~: وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶: ۴۳)
همی کردند ۲، همی کردند ۱۰ مکرّر، ایشان می کردند ۲۴

~: وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶: ۸۸)
همی کردند ۲، بودند کننده ۲۴، ایشان کردند ۲۷، کرده باشند ۲۹

~: فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶: ۱۰۸)
بودند کنندگان ۲۶

~: كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶: ۱۲۲)
همی کردند ۲

~: فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۷: ۱۱۸)
ایشان بودند کرده ۲۷، کَرْدَه بودند ۵۳، ساخته بودند ۹۲، ایشان کرده بودند ۱۰۳

~: هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۷: ۱۴۷)
ایشان کرده باشند ۲۴، بکردند ۱۲۴

~: لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹: ۱۲۱)
می کنند و می کردند ۵۸

~: كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۰: ۱۲)
ایشان همی کردند ۹۶

~: وَمِن قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ (۱۱: ۷۸)
همیکردند ۹۳

~: فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲: ۶۹)
کردند ایشان ۶۱، کَرده‌اَند ۷۶، بودند که کردند ۱۱۳، کرده‌اند ۱۱۸

~: هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۴: ۳۳)
کرده بودند ۳۹

یَعْمَهُونَ: وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۲: ۱۵)
سرگشته همی گردند ۲، سر در نَهند و سرگشته باشَند ۴۲، کُوران و سرگردان ۴۸، کوران ۵۰، کِردار میِ کَردَنَد ۵۵، تا دراز می گردند بر کوری ۵۷، گمراهی می روند ۶۴، کور خرامند ۹۰، نابینایان می روند ۹۸، سرگشته شوند ۱۱۲، سرگردانان ۱۱۹، سرگردان می گردند ۱۲۴، میروند سر زده ۱۳۱، در نهند ۱۳۵، بسر گشته می شوند ۱۳۸

~: وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۶: ۱۱۰)
می هکوی شند[1] ۱، سَرگشته همی گردنَد ۲، سرگشته می شوند ۳، همی گردند ۹، کَور و کَبود و کَنست مَی باشند ۱۰، کور شدگانند ۲۴، سرگردان ۲۶، فرومانده می باشند ۲۷، سرگردان می باشند ۴۱، خیره همی گردند ۴۹، می باشند سرگردان ۵۸، سرگشته شوند ۷۹، سرگشته همی گردند ۸۲، کور باشند ۹۰، کور می باشند ۱۰۲، می کور شوند ۱۰۷، سرگشته شدند ۱۲۴، گشته میشوند ۱۳۸

~: وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷: ۱۸۶)
سرگشتَه همی گردنَد ۲، سرگران می روند ۳، کورُ و کَنستَ مَی باشند ۱۰، سر زده می باشند ۳۵، کور شوند ۳۸، سرگردان باشند ۶۱، کوروار می روند ۶۴، سرگشته میروند ۱۰۶

~: لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۰: ۱۱)
سرگشته همی گشتندی ۱۳، سرگردانند ۲۴،

۱. می هکوی شند: سرگشته می شوند.

سرگشته باشند ٤۲، سَرگردان مِی رَوَند ۵۵، سر
زده می باشد ۵۷، سرگردانند ایشان ۵۸،
سرگردان میروند ٦۱، کوروار می باشند ٦٤،
می گردند ٦۹، سرگردان روند ۸۰، سرگشته
می باشند ۱۰٤، سرگردان میگردند ۱۲۰

~: لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۵: ۷۲)
سرگردان بودند ۲٤، سرگشته می گردند ٤۲،
سرگردان می روند کوروار ٤۳، سَرگشته مِی رَوَند
۵۵، سرزده می گردند ۵۷، سرگردانند ٦۱، بی راه
می روند ۷۲، کور می شوند ۸۸، سرگشته می دوند
۹۱، سرگشته میشوند ۱۰٦، سرگردان می شدند
۱۱۱، حیران ۱۱۲، سرگردان میشدند ۱۱٦، گمراه
میشوند ۱۲۲، گمراه می شوند ۱۲۷

~: لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۲۳: ۷۵)
می هکوی شدندی ۱، سرگردان می شوند ۳،
برکوری همی روند ۲٤، سرگشته ۲۹، می روند
کور و کر و نمی بینند ۵۸، همی گشتند ٦۱،
سرگشته می شدندی ۸۹، بر کوری می رفتند ۹٤،
سرگشته شدندی ۱۰۰، همی گشتندی ۱۰۸، سَرزَده
می گردند ۱۱۹، سرگشته همی گشتند ۱۲۸

~: زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (۲۷: ٤)
سرگشته می روند ۳، کوری می کنند ۲۰، در
کوری می روند ۲٤، سرگشته همی باشند ۳٦،
هَگوی می باشند ۵۳، در بی راهی می روند ۵۸، در
بی راهی میروند ۷٤، کوران می گردند ۹۲،
سرگردان می باشند ۱۰۹، کورند ۱۲۰، سرگردان
میشوند ۱۲۳

يَعُودُوا: وَإِن يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ
(۸: ۳۸)
واز آیند ۱، باز گردند ۳، واگردند ۱۰، بازآیند
۲۹، بازایستند ۵٦، باز کردند ۱۱۲

يَعُودُونَ: وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ (۵۸: ۳)
می واز آیند ۱، بازآیند ۲٤، بازمیگردند ۸۷،
وامیگردند ۱۱٤، برمی گردند ۱۳٦

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ (۵۸: ۸)
همی باز گردند ۲، بازمی گردند ۳، می شوند ۲۹،
بازگردند ۳٤، همی گردند ۱۰۸، بازگردیدند ۱۳۲

يَعُوذُونَ: وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ
(۷۲: ٦)
می وازداشت خهستند ۱، پناه می گرفتند ۳،
وازداشت می خواستند ٦، پناه دادند ۲۹، همی
بازداشت خواستند ۳۰، پناه برند ۳۸، بازداشت
خواهند ۳۹، پناه می بردند ٤۱، پناه می گرفتند ٤۲،
پناه جستندی ۵٦، بازداشت میخواهند ٦۱، زینهار
خواستندی ٦٤، پناه خواستندی ۷۲، بازداشت
همی خواهند ۹٤، پناه دادند ۱۰۵، همی بازداشتند
۱۰۸، پناه می خواستند و زینهار ۱۰۹، پناه میگیرند
۱۱٤، پناه میگرفتند ۱۱٦، پناه می برند ۱۳۲، پناه
می میدادند ۱۳۸، بازداشت خواستند ۱۳۹

★ لَمْ يَعْيَ: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ (٤٦: ۳۳)
درنماند ۱، ماندَه نگشت ۲، درنماند ـ مانده نشد
۳، نه رنجه شد و نه اندزماند ۱۷، نه رَنجه شد و نه
اندرُماند ۲۲، وانماند ۲۹، مانده نگشت ۳۰، مانده
نشد ۳٦، نه اندرماند ٤۰، اندرنماند ۵۳، نه شد
مانده ۵٦، نماند ٦٤، زنجه و مانده نشد ٦۷، در
نه ماند ۸۰، نه رنجه شد و درماند ۸۸، نه درماند ـ
مانده نشد ۹۱، برنج نیامده است ۹٦، رنجه نشد
۱۱۳، مانده نشد و در رنج نیفتاد ۱۱٦، نگشت
مانده ۱۲٤

يُعِيدُ: وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (۳٤: ٤۹)
دیگر باره بازآید ۱۸، بازآید ۲۲، بازگردَد ٤۲،
بازآیَدْ ۵۳، بازگرداند ۵٦، برانگیزاند ٦٤، بازآرد
۱۱٤، بازگردانید ۱۲۱، بازگرداند و زنده کند ۱۳۹

~: إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ (۱۳:۸۵)
دیگر بار کند ۱، دگربار بیافریند ۲، دیگرباره آفریند ۳۰، دیگرباره باز آغاز کند ۹٤، باز آفرید ۱۰٦، زنده میگرداند ۱۲۰، بازمیگرداند ۱۳۲

★ مَا يُعِيدُ: وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (٤۹:۳٤)
دیگر بار نکند ۱، بازنیاورد ۲۹، بازنگرداند ۳۰، بازنتواند آفرید ۱۰۰، بازنمیگرداند ۱۰۳، بازنگردد ۱۳۲، بازنمی گردد ۱۳٦، بازنیافریند ۱۳۸

يُعِيدَكُمْ: أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ (٦۹:۱۷)
دیگر بار کند ۱، بازگرداند ۲، باز آورد ۲۹، بازگردانند ۵۲، دیگرباره کند ۵۳، باز آریم ۷٤، برانگیخت ۱۰٦

~: ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۱۸:۷۱)
واگرداند ٦، بازبرد ۱۹، برد ۵٤، بازگردانید ٦۱، باز آرد ۹٦، بازمیگرداند ۱۰٤، بازخواهد برد ۱۱۱

يُعِيدُنَا: فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا (۵۱:۱۷)
می دیگربار کند ۱، بازگرداند ۲، آفریند دیگرباره ۲٤، زنده کند ۲۹، باز آرد ٤۲، دیگر راهْ کند ۵۳، زنده کرد دیگربار ۵۸، بیافریند ٦۲، باز آفریند ۷٦، دیگر بار کند ۸۸، بازداد ۹۰، بازبیافریند ۹۳، دوم بار آفریند ۱۰٤، برانگیخت ۱۰٦، بازگردانید ۱۱٤، باز آفرید ۱۱۸، باز زنده کند ۱۲۱، بازمی آرد ۱۳۰

يُعِيدُهُ: إِنَّهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ (٤:۱۰)
دیگر بار کند ۱، باز گرداند ۲، باز آورد ۲۹، باز آفریند ٤۲، باز گرداند ۵۵، دوم بار می آفریند ۱۰٤، باز بیافریند ۱۱۸، گرداند ۱۲۸

~: مَن يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ... ثُمَّ يُعِيدُهُ (۳٤:۱۰)
نوزنده واکند ۱۰، دیگرباره کند ۱۳، باز دیگر باره کنند ۱۳، زنده کند پس مرگ ۲٤، زنده کند ۲۷، برانگیزاند ۳۰، نو کنند ۳۸، باز آرد ٤۲، برانگیزاند ۵۵، باز آفریند ۵۷، دیگر باره آفریند ۵۹، بگرداند ٦۱، واز گردند ۹۲، دوم بار آفریند ۱۰٤، دیگر باره باز آرد ۱۰۵، بیافریند ۱۱۲، برگرداند ۱۳٦

~: أَمَّن يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ (٦٤:۲۷)
بازدارد ۲، دیگر بار باز آفریند ۲٤، باز برد ۳۹، دیگر راهْ کند ۵۳، دیگر باز آفرید ۷٦، بازمیگرداند ۸٦، دیگر بار زنده کند ۹۱، بازمیگرداند دوم بار ۱۰٤، زنده کرد ۱۲۱، باگرداند ۱۲۵، بازپس گرداند ۱۲٦، باز دیگر باره کند ۱۳۹

~: أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ (۱۹:۲۹)
بازگرداند ۲، زنده واکند ۲۹، دیگر راه کند ۵۳، بازگرداند ٦٤، دگر باره می آفریند ۷٦

~: اللَّهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ (۱۱:۳۰)
باز آرد ۲، برانگیزد ۳، دیگر بلر آفریند ٤٦، باز زنده کند ٦٤، دگر باره آفرید ۷٦، برانگیزاند پس مرگ ۹۱، آرد ۱۰۵

~: وَهُوَ الَّذِي يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ (۲۷:۳۰)
دگر باره آفریندْ ۲، بیافریند بار دیگر، بیافریند شان بار دیگر ٦۱، همو زنده کند دیگر بار ٦٤

يُعِيدُوكُمْ: إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ (۲۰:۱۸)
واز آرند ۱، بازگردانند ۳، بازبرند ۳٤، دیگر باره بازگردانند ۳۹، برگردانند ۵۳، باز آرند ۵۸، درآرند ۹٦، درآورند ۱۰۰، گردانید ۱۳۹

يُغَاثُ: ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ (٤۹:۱۲)
می گواران داده شند ۱، باران دهند ۲، فریاد رسیده شوند ۳، باران داده شوند ۳۰، بارانها بارد ۳٦، باران داده شود ۳۹، بفریاد آیند ٤۱، فریاد رَسند ٤۲، باران بارد ٤۳، فریاد رَسند ۵۳، فریاد

رَسیدَه شوَند ٥٥، باران آید ٦٠، ببارانند ٦٢، باران بارانند ٦٣، فریاد رسد ـ باران دهد ٦٧، فریاد رسد ٦٩، بفریاد رسد خدا وباران بسیار بیاید ٩٣، باران بارآند ١٠٠، فریاد رسند ١٠٣، باران فرستد ١٠٤، باران بارانند مردمانرا ١٠٦، فریاد رسیده شوند باران داده شوند ١٠٩، بفریاد رسیده شوند ١١١، فریاد رسیده یا باران داده شوید ١٢٠، فریاد خواهند ١٢١، بفریاد رسیده شوند ١٢٢، فریاد رسنده شوند ١٢٣، باران دهد ١٢٨، بفریاد رسد ١٣٦

يُغاثوا: وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ (١٨:٢٩)
فریاد رسیده شند ١، فریاد خوانند ٢٤، بفریادشان رسند ٢٩، باران داده شوند ٣٠، فریادرسان رسند ٤١، فریاد رسَند ٤٢، فریاد دهند ٥٢، فریادْرَسَنْد ٥٣، فریاد رسند ٥٦، فریاد خواهند ٥٧، فریاد رسیده بشوند ٥٨، فریاد رسیده شوند ٦١، فریادشان رسند ٦٣، فریاد رسد ٦٧، رسیده شوند ١٣٠، فریاد رسیده خواهد شد ١٣٥، فریاد رسی ١٣٩

يُغادِرُ: لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً (١٨:٤٩)
ماند ٣، همی ماند ٣٩، مانَد ٥٥، گذارد ٥٦، گُذاردست ٦١، دست باز دارد ٦٣، می ماند ٩٠

★ لا يُغادِرُ: لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً (١٨:٤٩)
نمی هیلد ١، دسْت بازندارد ٢، بنگذارد ٢٩، نمی گذارد ٣٦، فرونمی گذارد گناه ٤١، رها نکرده است ٤٢، دست بازندارد ٥٢، نه مانَد ٥٥، فرو نگذارد ٦٢، نمی ماند ٦٩، بنگذاشته است ٧٩، نماند ٨٨، نه ماند ٩١، فرونگذاشته اند ٩٤، همی دست بازندارد ٩٦، فرونگذاشته است ١٠٠، فرو نمی گذارد ١٠٤، دست بازندارند ١٠٥، بنگزرانیده اند ١٠٦، همی بجای نماند ١٠٨، فرو نمی گذارد ١٠٩، نگذاشت ١٢١، فرو نگذاشت ١٢٣، بجای نماند ١٢٨، وانگذاشته ١٣٢

★ لا يَغْتَبْ: وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا (٤٩:١٢)
از پس مگویدا ٣، مه از پس گویندا ٨٠، ازپس بد مکنید ٩٤، سخن کسان مکنید ١٠٨، بدی یاد نکند ١٢٢، نه بد گویید ١٢٤، نگویند از پس ١٢٩، بدی یاد مکنید در نهانی ١٣٢

يَغْرُرْكَ: فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (٤٠:٤)
بفریبد ٨٧، فریبند ١١٤

★ لا يَغْرُرْكَ: فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (٤٠:٤)
نگر بنفریود ١، مفریبّاندا ٢، مه فریبدا ٣، مفریبدا ٣٠، مفریباد ٣٦، نه فریبد ٣٩، مه فریباد ٥٣، فریفته نکند ٦٤، مفریباناد ٨٩، بمفریباناد ١٠٠، فریفته مکن گو ١٠٢، باید که فریب ندهد ١٠٣، باید فریب ندهد ١١١، نباید که بفریباند ١١٣، نه فریبند ١١٤، فریب ندهد ١١٦، نفریبد ١٢١

فَيُغْرِقَكُمْ: فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ (١٧:٦٩)
بآب فرو برد ٣، فرو برد ٣٠، بآب فُرو بَرَد ٥٥، بآب برد ٥٩، فرو می بزد ١٢١، آب فرو برد ١٢٩

يَغُرَّنَّكَ: لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا (٣:١٩٦)
فریبد ٨٨، فریفته گرداند ٩٠، فریباند ١١٤، فری بند ١١٩

★ لا يَغُرَّنَّكَ: لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا (٣:١٩٦)
نگر بنفریبود ١، مفریباناد ٢، مه فریبدا هرآینه هرآینه ٣، مه فریباد ٢٣، مفریباندا ٢٧، مفریباد ٣٦، نفریبد ٤١، بمفریبد ٥٢، مَفریبَدَا هَرَاینه هَرَاینه ٥٥، مفریبدا ٥٦، فریفته نشوی ٥٨، نه فریْباند ٦١، بمفریباناد ٦٣، مفریباند ٦٧، نه فریباد ٧٢، مه بفریبدا هراینه هراینه ٨٠، مفریبادا ٨٢، مه فریبد هرآینه هرآینه ٩١، مفریبد ٩٤، مفریبدا هرآینه‌ی هرآینه ٩٧، فریفته نکند ١٠٢، باید که نفریبد ١٠٤، فریفته مکناد ١٠٩، نباید که بفریباند ١١٢، فریب ندهد ١١٦، نه فری بند ١١٩، نفریباند ١٢١، باید که فریب ندهند ١٢٣، نه فریبد ١٢٤، نفریبند ١٢٩،

نباید فریب دهد ۱۳۵، بمفریباد ۱۳۸

یَغُرَّنَّکُمْ: وَلَا یَغُرَّنَّکُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۳۱:۳۳)
فریبد ۹۰، فریفته کند ۱۱۴، فریباند ۱۳۰

★ لَا یَغُرَّنَّکُمْ: وَلَا یَغُرَّنَّکُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۳۱:۳۳)
نگر بنفریبود ۱، مَفریباندا ۲، مه فریبدا ۳، نه فریبدا ۳۴، مفریباناد ۴۶، فریفته مکندا ۴۷، نفریبدا ۵۸، فریفته مکناد ۷۶، نه فریبدا هر آینه هر آینه ۹۱، بمفریباناد ۱۰۰، بمفریباد ۱۱۹، نه فریباد ۱۲۴

~: وَلَا یَغُرَّنَّکُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۳۵:۵)
مفریباندا ۲، مه فریبدا هر آینه هر آینه ۳، نفریباناد ۳۰، مفریبدا ۳۹، نفریبد ۴۱، مفریباد ۴۲، نشخشاناد ۶۷، نه فریبد ۸۸، فریفته نکند ۱۰۳، مفریبد ۱۰۵، فریب ندهد ۱۱۱، مه فریباد ۱۲۴، فریفته نگرداند ۱۲۶

یَغْشَاهُ: أَوْ کَظُلُمَاتٍ فِی بَحْرٍ لُّجِّیٍّ یَغْشَاهُ مَوْجٌ (۲۴:۴۰)
می ورپوشد ۱، بپُوشد ۲، بپوشد ۲۴، برپوشد ۳۰، برسد ۴۳، بَرهَمِی آیَدْ ۵۳، می پوشد ۵۸، درآید ۷۶، بپوشاند ۸۹، فروپوشد ۹۱، فروپوشاند ۱۰۰، پوشد ۱۱۱، پوشاند ۱۱۴، بَپُوشد ۱۱۹، آید بر زبر ۱۲۲، فراگیرد ۱۳۶

یَغْشَاهَا: وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّیْلِ إِذَا یَغْشَاهَا (۹۱:۴)
بپوشد ۲۹، بپوشاند ۳۴، برپوشد ۳۸، بَپُوشَدْ ۵۳، تاریک شود ۱۰۰، تاریک کند ۱۰۶، بپوشاند و تاریک گرداند ۱۰۸، فروپوشد ۱۱۴، به پوشد ۱۲۴، پوشد ۱۲۹

یَغْشَاهُمْ: یَوْمَ یَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِن فَوْقِهِمْ (۲۹:۵۵)
می ورپوشد ۱، فروپوشد ۳، بپُوشَاند ۱۴، برپوشد ۳۴، بپوشاند ۴۳، بیاید ۴۶، درآید ۴۷، بَرَسَد ۵۳، بپوشد ۶۱، فرارسد ۶۲، درگیرد ۶۴، بگیرد ۷۶، واپوشاند ۷۹، فراپوشد ۱۰۹، فروگیرد ۱۱۱، فروپوشاند ۱۱۴، فراگیرد ۱۳۰

یَغْشَی: یَغْشَیٰ طَائِفَةً مِّنکُمْ (۳:۱۵۴)
می ورپوشید ۱، می پوشد ۳، بَگرفت ۱۰، واگرفت ۲۴، بپوشید ۲۷، همی اندرآمد ۲۹، دررسید ۳۶، می برپوشند ۳۹، مِی پُوشِید ۵۵، درگرفت ۵۶، درمی پوشد ۵۷، بپوشیدند ۶۰، پوشاند ۶۱، فروگرفت ۶۴، بگرفت ۶۷، درآمد ۷۶، می پوشید ۸۰، فروگیرد ۹۰، درمی پوشآنید ۱۰۰، می آمد ۱۰۱، فرومی گیرد ۱۰۹

~: یَوْمَ تَأْتِی السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِینٍ یَغْشَی النَّاسَ (۴۴:۱۱)
می ورپوشد ۱، بپوشد ۳، برپوشد ۱۶، برپوشده ۲۲، بپوشاند ۲۴، بپُوشد ۳۲، بترسْنْد ۵۳، بپوشاند و تاریک کند ۶۴، واپوشاند ۷۹، فراگیرد ۱۱۶، به پوشاند ۱۲۴، فروپوشد ۱۳۲، بپوشند ۱۳۶

~: إِذْ یَغْشَی السِّدْرَةَ مَا یَغْشَیٰ (۵۳:۱۶)
می ورپوشند ۱، برپوشیده آمد ۲، پوشید ۸۰، برسد ۸۱، می آمد ۸۶، پوشیده بود ۹۶، بپوشانید ۱۰۰، فرامیگرفت ۱۳۲

~: وَاللَّیْلِ إِذَا یَغْشَیٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّیٰ (۹۲:۱)
ورپوشد ۱، برپوشید ۳۸، بازپوشد ۵۲، پوشد ۱۰۴، تاریک شود ۱۰۶، تاریک گرداند ۱۰۸

یُغْشَی: کَالَّذِی یُغْشَیٰ عَلَیْهِ مِنَ الْمَوْتِ (۳۳:۱۹)
ورپوشیده شهد ۱، بیهوشی افتد ۳، برپوشیده شود ۱۴، بیهوش آید ۲۹، برپوشد ۳۸، بی هوش کرده شد ۳۹، از هوش برفته باشد ۴۲، پوشیده شود ۴۶، درآرند ۴۷، برفروگیرد ۷۶، بیهوش افتاده باشد ۷۹، درآید ۸۸، از هوش رفته باشد ۹۶، بیهوش بود ۱۰۴، بیهوش کرده باشند ۱۰۶، پوشیده شده باشد ۱۱۱، فرو رفته شود ۱۳۰، بیهوش شود ۱۳۲

یُغْشِی: ثُمَّ اسْتَوَیٰ عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهَارَ (۷:۵۴)
می ورپوشد ۱، بَپوشَد ۱۰، همی بپوشاند ۱۰ مکرّر، بمی پوشند ۲۹، می برپوشد ۳۱، همی بپوشاند ۴۲،

بپوشاند ٤۳، همي برپوشد ٤٥، بپوشانيد ٦۱، همي پوشاند ۹٤، درميكشد ۹۸، درمي پوشآند ۱۰۰، فروميرساند ۱۰٤، مي درآرد ۱۱۳، درمي آرد ۱۱٦، درپوشد ۱۲۳، اندرآورد ۱۳٦

~: جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ (۱۳: ۳)
همي پوشاند ۲، مي پوشاند ۳، مي پوشد ٥، مي بپوشد ۲٤، درمي آورد ۲۹، برپوشد ۳٤، بپوشد ۳۹، پُوشانَدْ ٥۳، مِي پُوشانَد ٥٥، بَاز پُوشد ٥۷، همي پوشد ٦۲، همِي پوشد ٦۳، مي درآورد ۷۹، درمي پوشآند ۱۰۰، بپوشيد ۱۱۲، ميدرآرد ۱۱۳، ميپوشاند و درميكشد ۱۱٦، ميپوشد ۱۳۰، درمي كشد ۱۳٦

يُغَشِّيكُمُ: إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ (۸: ۱۱)
مي وربوشيد ۱، فروبوشانيد ۳، برگماريد ۱۰، گرفت ۲٤، بپوشانيد و برگماشت ۲۷، رسيد ۲۹، درمي پوشيد ۳٥، بپوشد ۳٦، بپوشيد ٤۱، پوشيد ٤۲، بپوشاند ٥٦، برپوشَد ٥۷، بپوشانيد ٦۱، درآمد ٦۲، بسردرآورد ٦۳، بيفكند ٦۷، پوشاند ٦۹، فراگرفت ۱۰۰، درآورد و بپوشد ۱۰۲، ميرسانيد ۱۰٤، بربوشيد ۱۰۷، فراپوشانيد ۱۱۱، واپوشانيد ۱۱۳، بيامد ۱۲۱، به پوشاند ۱۲٤

يَغْضُضْنَ: لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ (۲٤: ۳۱)
فرود آرند ۱، فروخُوابنَنْد ۲، فروخوابانند ۳، نگاه دارند ۲٤، ورهم نهند ۲۹، فرودارند ۳۰، چشم برهم نهند ۳٤، فرازگيرند ۳٦، فروگيرند ۳۹، فروبندند ٤۱، درپيش دارَند ٤۲، بابرهم نهند ٤۸، بَرهم نَهند ٥۱، درپيش دارند ٥۲، فِراهَم گيْرَنْد ٥۳، پيش گيرند ٥۸، خوابانيده دارند ٦٤، برهم نهند ۷٦، فراهم گيرند ۸۸، فراخود گيرند ۸۹، بپوشانند ۱۱۱، فراخوابانند ۱۱٦، فروپوشند ۱۲۱، بپوشند ۱۲۳، پوشيده دارند ۱۲٤، بخوابانند ۱۲٦

يَغُضُّوا: قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ (۲٤: ۳۰)
فرود آرند ۱، نگاه دارند ۲٤، برهم نهند ۲۹، فروگيرند ۳۰، فروبندند ٤۱، درپيش داريد ٤۲، فرودارند ٤۷، بَرهم نَهَند ٥۱، فراهَمْ گيرَنْد ٥۳، چشم نگاه دارند ٥٤، فروخوابانند ٥٦، پيش گيرند ٥۸، چشم فراكنند ٦۲، فروخوابانيده دارند ٦٤، فرود گيرند ۷۲، خوابانيده دارند ۸٦، فراهم كشند ۸۸، چشم برهم نگاه دارند ۹٦، بپيش گيرند ۹۸، بخوابانند ۱۰۸، فروخوابانند پوشيده دارند ۱۰۹، فراگيرند و ببوشانند ۱۱۱، فراخوابانند ۱۱٦، فروپوشيده ۱۱۹، فروپوشند ۱۲۱، بپوشند ۱۲۲، فروخابانند ۱۲۹

يَغُضُّونَ: إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ (٤۹: ۳)
فرود آرند ۱، فرودارند ٦، فرومي دارند ۳، نرم دارند ۲٤، واكم ميكنند ۲۹، فروبردند ۳۰، فروآرند ۳۸، برنمي كشند ٤۱، نرم كنند ٤۳، فروگيرند ٥٦، خوابانيده دارند ٦٤، پست دارند ٦۷، مي فرودارند ٦۹، فرومي خوابند ۷۹، كم كنند ۸۷، برمي دارند ۹۲، فروبرند ۹۹، بپيچانند ۱۰۰، فروميدارند ۱۰۳، خوابانيده مي دارند ۱۰٤، فرودارند - پست همي كنند ۱۰۹، ميخوابانند ۱۱۱، فروخوابانند ۱۱۳، خوابانند ۱۱٤، بازميدارند ۱۱۷، پست ميشمارند ۱۲۰، مي پوشند ۱۲۱، مي خوابانند ۱۲٦، بازكم ميكنند ۱۳۱، فراميدارند ۱۳٤، بپوشند ۱۳٦، كم مي كنند ۱۳۸

يَغْفِرُ: فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ (۲: ۲۸٤)
بيامرزد ۱

~: فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ (۳: ۳۱)
بَيامُرزد ۱۰، بپوشاند ۲۹

~: وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ (۳: ۱۳٥)
آمرزد ۱، فاپَوشَد ۱۰، فاتواند پوشيد ٤۰

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا ... (٤: ٤۸)
درگذارد ۳، امرزد ٥۳

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا ... (٤: ۱۱٦)

بیامُرزد ٢، بیامُرزد ٤٥

~: ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ (١٣٧:٤)
بیامُرزدْ ٥٣

~: لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ (١٦٨:٤)
بیامرزد ٤٥

~: يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ (١٨:٥)
میامرزد ٣٧

~: وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ (٢٩:٨)
آمُرزَد ٥٥

~: يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ (٧٠:٨)
می آمرزید ١١٢

~: لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ (٩٢:١٢)
بیامرزاد ١، فاپذیرد ٧ مکرر، بیامُرزاد ٧٦

~: إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا (٧٣:٢٠)
بیآمرزد ٤٣

~: إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا (٥١:٢٦)
بیامرز ٧٩

~: إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا (٥٣:٣٩)
می آمرزد ٣

~: يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ (٣١:٤٦)
بیامرزدْ ٢٢

* لَا يَغْفِرُ: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ (٤٨:٤)
نیامرزد ١، نیامُرزد ٢، نیامُرزَد ١٠، نِیامُرزدْ ٩٤، نمیآمرزد ١١١

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ (١١٦:٤)
بنیامرزد ١٠، نه امرزد ٥٣، نه یامرزد ٩٤،

نمی آمرزد ١١١، نه آمرزد ١٢٤

* لَمْ يَغْفِرْ: لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا (١٤٩:٧)
بنیامرزد ١

* لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ: لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ (١٣٧:٤)
نه آمرزد ٦٢

* لَنْ يَغْفِرَ: فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (٨٠:٩)
بنیامرزد ١، نه آمُرزد ٢، نه آمرزد ١١، نیامرزد ٢٤، نیامرز ٩٤

~: ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (٣٤:٤٧)
هرگز نیامرزد ٣، نه آمرزدْ ٢٢، نیامرزد هرگز ٣٩، نیامرزید ٨١

~: أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (٦:٦٣)
نیامرزد ٨١، هرگز نمی آمرزد ١٣٢

يُغْفَرُ: وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا (١٦٩:٧)
آمرزیده شهد ١، بیامرزند ٦٢

~: إِن يَنتَهُوا يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ سَلَفَ (٣٨:٨)
آمرزیده شود ٣٠، آمُرزیدَه شوَد ٥٥، آمرزنده شود ١٢٨

يَغْفِرُوا: يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ (١٤:٤٥)
درگذارند ١، بیامرزد ١٦، بیامُرزند ٢٢، بپوشاند ٣٠، بیامرزند ٣٨، بپوشند ٣٩، آمرزش خواهند ١٠٠، بپوشانند ١٠٨، درگذرند ١١٤

يَغْفِرُونَ: وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (٣٧:٤٢)
درگذارند ١، بیامُرزند ٢٢، بیامرزند ٢٩، بپوشانند ٣٠، اندر گذارند ٥٣، بیامرزند گناهها ٨١، آمرزش خواهند ٨٧، درگذرند ٨٩، درگذرانند ١١٣، می آمرزند ١١٤، درمی گذرند ١١٦، درمیگذرند ١٢٦، میبخشند و درمی گذرند ١٣٦

يَغُلَّ: وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّ (١٦١:٣)

ناراستی کند ٣٠

یَغْلِبْ: فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ (٧٤:٤)
چیره شود ٣، به آید ٢٩، پیروز آید ٨٠، چیره کرده شود ٩١

یَغْلِبُوا: إِن یَکُن مِّنکُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ (٦٥:٨)
به آیند و دست یابند ١٠٩

~: فَإِن یَکُن مِّنکُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ (٦٦:٨)
به آیند و فره ـ دست یابند ١٠٩، چیره شوند ١١٤

سَیَغْلِبُونَ: وَهُم مِّن بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَیَغْلِبُونَ (٣:٣٠)
چیره شوند ١١٤

یُغْلَبُونَ: ثُمَّ تَکُونُ عَلَیْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ یُغْلَبُونَ (٣٦:٨)
دست یافته شوند ایشان ١٠٩، چیره کرده شوند ١١٤

یَغْلُلْ: وَمَن یَغْلُلْ یَأْتِ بِمَا غَلَّ یَوْمَ الْقِیَامَةِ (١٦١:٣)
ناراستی کند ٣، نَاراسْتی کُند ٥٥، دزدد ١٠٩

یَغْلِی: کَالْمُهْلِ یَغْلِی فِی الْبُطُونِ (٤٥:٤٤)
می جوشد ١، می جُوشد ٢، جوشیدن ١٦، همی جوشدْ ٢٢، همی جوشد ٣٠، بجوشد ٣٦، جوشد ٨٩، میجوشد ٩٦، همیجوشد ١٣٠

یُغْنِ: وَإِن یَتَفَرَّقَا یُغْنِ اللَّهُ (١٣٠:٤)
بی نیاز کند ١، وی نیاز کند ١٠، بی نیاز گرداند ٢٧، توانگر گرداند ٣٦، توانگر کند ٤١، بی نیاز گرداند ٤٢، بی نیاز کُند ٤٥، بی نیاز گَرداند ٦١، بی نیازی دهد ١٠٢، بی نیاز و توانگر کند ١٠٤، بی نیاز کرد ١٠٥

یُغْنِهِمُ: إِن یَکُونُوا فُقَرَاءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ (٣٢:٢٤)
وی نیاز کند ١، بی نیاز گرداند ٢، توانگر کند ٣، توانگرشان کند ٢٤، بی نیاز گرداند ٤٢، بی نیاز کند ٥٣، توانگر گرداند ٦٢، تونگر کند ٧٨

یَغْنَوْا: کَأَن لَّمْ یَغْنَوْا فِیهَا (٩٥:١١)
بودند ١٢٤

★ لَمْ یَغْنَوْا: کَأَن لَّمْ یَغْنَوْا فِیهَا (٩٢:٧)
نه باشیدند ٣، هرگز نبُودستَند ١٠، درنگ نکردند ٣٥، نبودند ایشان ٤١، نَه بَاشِیدَند ٥٥، زندگانی نکردند ٧٦، نبودندی ٩٤، نباشند ١١٤، نبودی ١٢٨، بی نیاز شدند ١٣٦، هرگز نَبوده بُودَند ١٤٠

~: کَأَن لَّمْ یَغْنَوْا فِیهَا (٦٨:١١)
نبودند ١، نه بودند ٣، نَه بُودَند ٥٥، بینیازند ١٣٦

~: کَأَن لَّمْ یَغْنَوْا فِیهَا (٩٥:١١)
نبودید ٢، ایشان هرگز نبودند ٧ مکرّر، نَبُودَنْدْ ٥٥، نغنودند ٥٩، نبودَه‌اند هرگز ٦٢، نه بودندی ٦٤، نُبودند ٧٦، نبوده‌اند ٩٣

★ لَن یُغْنُوا: إِنَّهُمْ لَن یُغْنُوا عَنکَ مِنَ اللَّهِ (١٩:٤٥)
وازنکنند ١، نه سود کنند ٢، هرگز دور نکنند ٣، باز ندارد ٣٠، هرگز دور نگردَند ٣٢، بازندارند ٣٩، بی نیاز نکنند ٤٢، هرگز نه دور کنند ٨٠، دور نکند ١١٤، نه بی نیازند ١٢٤، بنگزیراند ١٣٨

یُغْنِی: مَّا کَانَ یُغْنِی عَنْهُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَیْءٍ (٦٨:١٢)
واز کرد ١، وادارد ٢٩، بازدارَد ٧٦، بازتوانستن داشتن ٨٣، بازد آرد ١٠٠

~: وَلَا یُغْنِی عَنکَ شَیْئًا (٤٢:١٩)
بازدارد ٢

~: یَوْمَ لَا یُغْنِی مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَیْئًا (٤١:٤٤)
سُود کُند ٢، دور کند ٣

~: وَلَا یُغْنِی عَنْهُم مَّا کَسَبُوا شَیْئًا (١٠:٤٥)
سود کند ٢، سود دارد ٩٩

~: لَّا ظَلِیلٍ وَلَا یُغْنِی مِنَ اللَّهَبِ (٣١:٧٧)
بی نیاز کند ٣٩

~: لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ (٧:٨٨)
بی نیاز شود ٩٢

~: وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ (١١:٩٢)
بازداشت ١٠٠، بی نیازی کند ١٠٢، بگذ یرانید ١٣٨

★ كَانَ يُغْنِي: مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُم (١٢:٦٨)
سود داشتی ٥٦

★ لَا يُغْنِي: إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (١٠:٣٦)
هیچ بی نیازی نکند ١٠، بازندارد ١٣، نکند بی نیاز ٢٤، باز ندارد ٢٧، سود ندارد ٢٩، ندارد سود ٤١، بی نیاز نگرداند ٥٧، بکار ناید ٥٩، نکند سود ٦٢، بازمدارد ٩٢، بازند آرد ١٠٠

~: وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنكَ شَيْئًا (١٩:٤٢)
وازنکند ١، نه باز دارد ٢، واندارد ٢٩، بی نیاز نکند ٤٩، سود نکند ٥٣، بازنمیدارد ٨٦، بازنمی دارد ١٠٤، نگزیراند ١٣٤، بنگذیراند ١٣٨

~: يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْئًا (٤٤:٤١)
بازندارد ٢٢، بی نیازی نکند و فریاد نرسد ٤٤، دور نکند ١١٤، بازندارند ١٢٤

~: وَلَا يُغْنِي عَنْهُم مَّا كَسَبُوا شَيْئًا (٤٥:١٠)
بسنده نکند ٢٩، بی نیازی نکنند ٥٣

~: يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا (٥٢:٤٦)
فریاد نرسد ٤٢

~: وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (٥٣:٢٨)
نه سُودْ کند ٥٣، فایده ندهد ٨٦، سود نمیدارد ١٠٣، سود نمی دهد ١١٦، بی نیاز نمیکند ١٣٢

~: لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ (٧٧:٣١)
نه وی نیازی کند ٦، بنگزیراند ٢٩، نه بازدارند ٨٨، بنگریزاند ٩٦، نگذیراند ١٣٨، نه بی نیاز کند ١٣٩

~: لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ (٨٨:٧)
سُود ندارد ٢، بی نیاز نشود ١٣٦

★ مَا يُغْنِي: وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ (٩٢:١١)
بازندارد ٢، بنگزیراند ٤٢

★ مَا كَانَ يُغْنِي: مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُم (١٢:٦٨)
دور نمی کرد ٣، نکرد سود ٢٤، نداشت باز و سود ٤١، سود نکرد ٤٢، دوُر نمی کرْد ٥٥، نداشت سود ٥٨، بی نیاز نکرد ٦٧، بازنتوانستی داشتن ٩٤، نه چنان بود که بازنتوانستی داشتن ٩٦

★ لَمْ يُغْنِيَا: فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا (٦٦:١٠)
وازنگردند ١، بازنداشتند ٢، نه دور کردند ٣، نگزیرانیدند ٢٩، بازنداشت ٤١، نگزیراند ٥٢، بی نیازی نداشتند ٥٦، سود نکنند ٦١، دور نکردند ١١٤، بنگزیرانید ند ١٣٨، سود نکردند ١٣٩

يُغْنِيكُمُ: فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ (٩:٢٨)
بی نیاز کند ١، توانگر کند ٣، بی نیاز کند ١٠، بی نیاز کرداند ١١، توانگر گرداند ٣٦، توانگر گرْدَاند ٥٣، تُوانگر کُند ٥٥، توانگر کند ٦٢، بی نیاز گرداند ١٠٤، توانگر ١٢٠

يُغْنِيهِ: لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (٨٠:٣٧)
وی نیاز کند ١، بگریزاند ٤٢، بی نیاز کند ٦١، نگریزاند ٩٦، بازدارد ١٠٤، بی نیاز گرداند ١١٣

يُغْنِيَهُمُ: حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ (٢٤:٣٣)
وی نیاز کند ١، بی نیاز کند ٣٠، توانگر گرداند ٣٦، تونگر کند ٣٩، توانگر کند ٤٢، بی نیاز گرداند ٦١، بینیاز گرداند ١٣٢

يَغُوصُونَ: وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ (٢١:٨٢)
بدریا فرو می شوند ٣، بدریا فرو شدند ١٢، از دریا گوهر بر آوردندی ٢٤، شنا می برند ٢٩، بدریا همی فرو رفتند ٣٠، بزیر آب فرو شدندی ٣٤، در دَریا می رَود ٤١، اشنا بردند ٥٢، اندر آب [illegible]

شدند ۵۳، فرو شدند ۵٦، فرو رفتندی ٦٤، بدریا می شدند ۷۹، بدریا فرود شوند ۹۰، آشنا بردند ۹٦، فرو میشدند ۱۰۲، بدریا فرورفتند ۱۰۸، زیر آب دریا فرو شدند ۱۰۹، بدریا فرو می شدند ۱۱۳، بدریا فرو روند ۱۲۱، بدریا فرو میشدند ۱۲۲، درآب می رفتند ۱۲٤، فرو میروند ۱۲۹، آب بازی کنند ۱۳٦

یُغْوِیَکُمْ: إِن كَانَ ٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ (۱۱:۳٤)
ویَ ره کند ۱، بی راه گرداند ۲، بی راه کند ۳، گم راه کند ۲٤، سرگشته کند ۳۸، گمراه کند ٤۱، بی رَاه کُنَد ۵۵، بیراه کند ۵٦، گم کند ۵۹، نومید کند ۷٦، بگمراه کند ۹۲، بیراه گرداند ۹٦، گمراه گرداند ۱۰۰، بگمراهی گذارد ۱۰٤، زیان کار گرداند ۱۱٦، بر گمراهی بگذارد ۱۲۲، گمراهی دارد ۱۲٦

یُغَیِّرُ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ (۱۱:۱۳)
بگَرْدَاند ۵۳، گرداند ٦۱، دیگرسان کند ۹۱، برگرداند ۱۲٤

★ **لَا یُغَیِّرُ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ** (۱۱:۱۳)
بنگرداند ۱، نگرداند ۲، دیگر نکند ۳، بنه گرداند ۵، بنگرداندْ، ۵۳، نَه دیگرسَان کُند ۵۵، بنگرداند ۷٦، دیگرسان نکند ۱۱٤، برنگرداند ۱۲۸

فَلَیُغَیِّرُنَّ: وَلَءَامُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ ٱللَّهِ (٤:۱۱۹)
بگرداند ۱، دیگرسان کنند هرآینه هرآینه ۳، بَگردانند ۱۰، بگردانَند ٤۲، بگَرْدَانَند ۵۳، دیگرسان کُنَند هَرَآیَنه هَرَآیَنه ۵۵، می گردانند ٦۰، برگرداند ٦۱، دیگرسان کنند ۹۷، ایشان بگرداند ۹۸، بگرد آنند ۱۰۰، بمی گردانند ۱۰٦، بگردند ۱۲۷

یُغَیِّرُوا: حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا بِأَنفُسِهِمْ (۸:۵۳)
بگردانند ۱، دیگرگون کنند ۳، بُگردآنند ۱۰، بگردانند ایشان ۵۸، بگرَدانند ٦۱، بگردانید ٦۳، برگرد آنند ۹٤، گردانند ۱۱٤

~: **حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا بِأَنفُسِهِمْ** (۱۱:۱۳)
گردانند ٦۱، بگردانند ۷٦، دیگرسان کنند ۸۰، برگردانند آیشان ۹٤، برگردانند ۱۲٤

★ **حَتَّىٰ یُغَیِّرُوا: حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا بِأَنفُسِهِمْ** (۸:۵۳)
تا بنگرداند[1] ۲٤

~: **حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا بِأَنفُسِهِمْ** (۱۱:۱۳)
تا دیگر نکنند[1] ۳

یَغِیظُ: وَلَا يَطَـُٔونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ ٱلْكُفَّارَ (۹:۱۲۰)
در خشم کند ۱، بخشم آرد و آندهگن گرداند ۲، دشخوار آمد ۲٤، بخشم افکند ۲۷، بخشم آورد ۲۹، در خشم می شوند ٤۱، بخشم کرد ٤۹، بخَشم آرَد ۵۵، بخشم کند ۵۸، خشم کند ٦۱، بخشم آید ٦٤، بخشم آرند ٦۷، بخشم ارد ٦۹، بخشن کنند ۹۱، بخشم آرد و گرم کند ۱۰۹، خشم افکند ۱۲۸، دشوار آمد ۱۳٦

~: **فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُۥ مَا يَغِيظُ** (۲۲:۱۵)
بخشم آرد ۲، خشمناک کند ۳، خشم گیرد ۱۲، خشم می آرد ۳٦، خشم آید ٤۲، خشم آرد ٤۳، بخشم می آرد ۵٦، خشم می کند ۵۸، سگالش کند ۷٤، بخشم می آورد ۱۱٦، خشم می آورد ۱۲٦، درخشم می آورد ۱۳۹

~: **يُعْجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلْكُفَّارَ** (٤۸:۲۹)
بگرم دارد ٦، خشم گین کند ۲٤، خشم گیرند ۳۸، سخت کند ۳۹، کینه گیرد ۵۳، خشمگین کند ٦۱، خشم شود ۹۲، خشم آلود و دلتنگ گرداند ۹٤، بخشم آرد یا اندوهگین گرداند ۱۰۸، خشمگین شوند ۱۱۱

یَفْتَحُ: ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ (۳٤:۲٦)
دَوارَی کند ۲۲، داوری کند ۲٤، گشاده میکند ۹۹، کار برگذارد ۱۰۹

---

۱. منفی بودن فعل به اعتبار مفهوم جمله است.

~: مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا (۳۵:۲)
بگشاید ۱، گشاید ۳، بگشایذ ۵۳، گشاده گرداند ۸۶، برگشاید ۱۰۰، بازگشاید ۱۰۹

لیفتدوا: لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۵:۳۶)
خود را وازخرید ۱، خویشتن بخرند ۳، بازخرندی خویشتن را ۱۰ مکرّر، واخریدندی ۲۷، خریدندی خویشتن را ۳۰، وازخرندی ۳۷، خویشتن بازخرند ۳۹، بازخرند خُودرا ۴۲، بازخرند خود را ۵۲، خویشتن بخرند ۵۵، بازخرند ۵۸، بخرند ۶۱، بیش گیرند ۷۵، بازخریدندی خویشتن را ۸۳، بازخورند خویشتن ۹۲، خویشتن بخریدندی ۹۴، خود را بازخرند ۹۶، برهند ۱۲۱، خویشتن خریدندی ۱۲۸

یفتدی: يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ (۷۰:۱۱)
خود را وازخرند ۱، خویشتن بازخرد ۳، خویشتن واخریدی ۶، بازخردی ۴۳، بازخرد ۵۶، خویشتن بازخردی ۸۰، خویشتن بازخریدی ۹۴، بازخریدمی خود را، بازخریدی ۱۰۶، بازخرد خود را ۱۰۹، بازخریدی خود را ۱۱۷، خویشتن را بازتوانستی خرید ۱۲۱، خویشتن را بازخریدی ۱۲۴، خویشتن بازخری ۱۳۹

یفتّر: لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۴۳:۷۵)
سست کنند ۱۶، سست می شود ۴۹، کندست ۶۹، سست کرده شود ۸۰، اندک شود ۹۰

* لایفتّر: لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۴۳:۷۵)
سست کرده نشهد ۱، نه پست کرده شود ۳، نه سُسْت کنند ۲۲، نکند سبک ۲۴، سست نگردانند ۲۹، سُسْت کرده نشود ۳۲، سست نشود ۳۹، نشود سست ۴۱، کم نکنند ۴۳، سست نکنند ۵۲، سُسْت نشود ۵۳، سست نکرده شود ۶۱، آسان و سبک نکنند ۶۷، سست کرده نشود ۷۲، سُست کرده نشود ۱۰۹، سست گردانیده نشود ۱۱۶، سست کرده نشوند ۱۲۱، سبک گردانیده نشود ۱۲۲، سبک نکنند ۱۳۸

یفترون: وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۳:۲۴)
بدروغ می نمایند ۱۰۴

~: انْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (۴:۵۰)
می درحینند ۱، همی بافند ۲، می سازند ۱۰، دروغ می گویند ۲۴، می سازند ایشان ۲۷، همی بافند ۲۹، بازمی برند ۳۹، بافند ۵۳، بَرمی بَافَنْد ۵۵، بربافند ۵۶، بدروغ می سازند ۵۷، همی فراهم نهند ۶۲، فرابافتند ۷۶، می باز بزند ۹۲، برمیبندند ۱۳۰

~: وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (۵:۱۰۳)
برمی بافند ۳، همی سازند و بافند ۱۰ مکرّر، دروغ گفتند ۲۴، دروغ می بافند ۲۶، می بافند ۲۷، همی گویند ۴۵، همی فرابافند ۵۳، دروغ می بافتند ۵۸، همی فرانهند ۶۲، برمی بافتند ۶۴، می بافتند ۷۶، از خویشتن برمی سازند ۷۹، همی بافتند ۹۴، از خود پدید می آرند ۱۰۴، می بندند ۱۳۰

~: وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۶:۲۴)
دروغ همی بافند ۱۰ مکرّر، می دروغ گویند ۷۲

~: فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۶:۱۱۲)
می دروغ درحینند[1]، همی دُروغ بافَنْد ۲، می گویند دروغ ۲۴، می بافند و می سازند ۲۷، فریب می کنند ۲۹، دروغ برمی بافند ۳۹، همی بافند بدرُوغ ۴۲، همی بافند بدروغ ۵۲، دروغ می فرابافند ۵۳، دروغ می سازند ۵۶، می کنند از دروغها ۵۸، برمیبافند از دروغ ۶۷، برمی سازند از خویشتن ۷۹، برمی بافتند از دروغ ۹۲، فریب

۱. می دروغ درحینند: دروغ می بافند.

میکنند ۹٤، برمی بافند از دروغ ۱۰۱، پدید می آورند از دروغ ۱۰٤، دروغ همی گویند ۱۰۷، دروغها که برمی بافند ۱۱۱، برهم می بافند ۱۲۰، از خویش می سازند ۱۲٤

~: فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۳۷:٦)
همی بَافَنْد ۲، می گویند از دروغ ۲٤، همی بد سازند ۲۷، همی سازند ۲۹، ایشان همی سازند از دروغ ٦۲، همی سازند از خویشتن ۸۲، ساز بد بافند ۸۸، بدروغ بربافتند ۱۰۰، دروغ فرابافند ۱۰۳، همی کنند بدروغ ۱۰۷، دروغ فرامیبافند ۱۳٦

~: سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳۸:٦)
دَروغ مَی گویَند ۱۰، دروغ میگویند ۲۹، بربافند دروغ ٤۱

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۳۰:۱۰)
برمی بافند دروغها ٦٤

~: وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (٦۰:۱۰)
دَروغ سازَند ۱۰، دروغ بافند ۱۳، فرامی بافند ۲۹، بافتند ٦۰، برمی بند ند ۱۲۰، بربند ند ۱۳۰

~: يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (٦۹:۱۰)
دروغ گویند ۷ مکرّر، سازَند ۱۰، فرابافتند ۱۳، گویند دروغ ۲٤، همی فراگویند ... دروغ ۵۳، می گویند دروغ ۵۸، فرامی بافتند ۵۹، پدید کردند ۱۰٤، دروغ بندند ۱۱۸، دربافند ۱۲٤، پدید می آرند ۱۲٦

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۱:۱۱)
بدروغ بهم میبافند ۱۳٦

~: إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۱۱٦:۱٦)
ببافنْد ۲، بگویند ۵۳، می بَربَافنْد ۵۵، بسازند ۵٦، بربافتند ۵۸، فرانهَنْد ٦۲

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۷۵:۲۸)
همی فرابافند ۵٦، دروغ می کنید ۸۷

~: وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳:۲۹)
برمی بافند بدروغ ٤۳، دروغ بافند ۹۲

★ كَانُوا يَفْتَرُونَ: وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲٤:۳)
أز خُویشتن همی دُروغ بَافتنْد ۲، بربافتند از دروغ ۳، دروغی که می گفتند ۲۵، دروغ می بافتند ۲۷، می برفافتند ۲۸، می کردند از دروغ ۲۹، می بافتند ۳٦، دروغها که می گفتند ٤۰، دروغ بافند گان ٤۱، از خویشتَن همی درُوغ ساختَند ٤۲، برمی بافتند ٤۳، مِی بَربَافتَند ۵۵، برمی بافتند بدروغ ۵٦، می بریدند دروغها ۵۷، دروغ می گفتند ساخته ۵۸، کردند از دروغ ساختن ٦۲، بربافتند ٦۳، دروغ ساختند ٦۹، بافندگان دروغ ۷۸، همی دروغ ساختند ۸٤، بودند برمی بافتند ۸۸، بودند دروغ می گفتند ۹۰، همی گفتند دروغ ۹٤، بدروغ فرابافته بودند ۱۰۳، از خویشتن همی دروغ ساختند ۱۰۷، برمیبافتند ۱۲۲، از خویشتن دروغ همی ساختند ۱۲۸

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲٤:٦)
می دروغ درحیدند ۱، أز خویشتن همی بافتنْد ۲، برمی بافند ۳، می بدروغ گفتند ۹، همی دروغ ساختند ۱۰ مکرّر، دروغ می گفتند ۲٦، ایشان دروغ می ساختند ۲۷، فرونهاده اند از دروغ ۲۹، فروبافته بودند ۳۸، ایشان می ساختند از دروغ ۳۹، همی ساختند ۵۲، بدروغ می ساختید ۵۷، بربافتند دروغ ٦۷، فرابافتند ۷٦، از خویشتن برمی ساختند ۷۹، همی بافتند ۸۸، بربافتند دروغ گفتند ۹۲، از خویشتن همی بافتند ۹٤، دروغ سازندگان ۹٦، همی ساختند و بافتند ۱۰۵، فرامی بافتند از دروغ ۱۱۲، از خویشتن می بافند ۱۲٤

~: سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳۸:٦)

دُروغ می بافتند و ساختند ۲، دروغ همی ساختند ۲۷، دروغ می ساختند ۵٦، دروغ میگفتند ۵۸، دروغها که همی گفتند ٦۲، دروغها می گفتند ٦٤، بر دروغ گفته باشند ۷٦، همی دروغ بافتند و ساختند ۸۳، همی دروغ بافتند ۸۸، ایشان دروغ گفته باشند ۱۰۳

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۷: ۵۳)
بافته و ساخته بودند ۱۰، بافتند و ساختند ۱۰ مکرّر، برمی بافتند ٤۳، می ساختند ٥٦، برمی بافتند ٤۳، می ساختند ۵٦، دروغ می گفتند ۵۷، دروغ بافتند ٦۱، همی فراساختند ٦۲، ایشان بربافته باشند ٦۳، فرابافته بودند ۷٦، بودند که برمی بافتند ۱۱۳، می ساختند از خویشتن ۱۲٤، همی ساختند از خویشتن ۱۲۸، بودند که فرامیبافتند ۱۳٦

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۰: ۳۰)
می بربافتند ۳، ایشان دَروغ و دَراواز خویشتن ساخته باشند ۱۰، همی دروغ بافتند ۱۳، بودند دروغ گوینده گان ۲٤، همی دروغ گفتند ۳۸، هَمی از خویشتن بافتند ۵۳، فرامی بافند ۵٦، بدروغ می ساختند ۵۷، دروغ بَافتند ٦۱، بربافتندی ٦۷، فرا بافته باشند ۷٦، بودند می فرانهادند ۸۸، بربافند گان ۹۸، ایشان دروغ فرابافتند ۱۰۳، دروغ می گفتید ۱۲۱، بودند دروغ زنان ۱۲٤، بودند که دروغ می گفتند ۱۳٦

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۱: ۲۱)
ایشان دروغ گفتند ۲٤، بودند ایشان می ساختند بدروغ ۲۷، همی بربافتند ٤۱، بدروغ فرابافتند ٤۲، می دروغ گفتند ۵۳، می بَربَافتند ۵۵، بدروغ می پرستیدند ۵٦، ایشان بربافتند ٦۳، دروغ فرابافتند ۱۰۳، دروغ بافان ۱۲٤، از خویشتن می بافتند ۱۲۸

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱٦: ۸۷)
همی بُدند دُروغ بافتند ۲، دُروغ همی گفتند ۵، ایشان گفته باشند دروغ ۲٤، دروغ می گفتند ۲۹، ایشان فرابافته بودند ٤۲، بدروغ می بافتند ۵۷، دروغ زن میداشتند ٦۱، بربافته باشند ٦۳، دروغها برمی بافتند ٦٤، می گفتند از دروغ ۷٦، همی از خویشتن بافتند ۱۲۸، دروغ فرامی بافتند ۱۳٦

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۸: ۷۵)
بربافتند ۳، بدروغ فرا می بافتند ۲۱، ایشان از دروغ می گفتند ۲٤، فرامی بافتند ٤۲، همی فرابافتند ٤٦، می فرابافتند ٤۷، بربافته باشند ۵۳، بافتند از خویشتن ۱۲۸

~: وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۹: ۱۳)
ایشان دروغ همی گفتند ۲٤، همی بافتند بدروغ ٤٦، فرابافتند از دروغ ٤۷، می بافتند بدروغ ۵٦، همی فراساختهاند از دروغ ٦۲، ایشان برمی بافتند از دروغ ٦٤، بدروغ فرابافتهاند ۷٦، بودند همی فراساختند دروغ ۸۸، بودند که دروغ بافتند ۱۳٦، بربافته اند ۱۳۸

~: وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (٤٦: ۲۸)
همی از خویشتن ساختند ۲، بدروغ همی گفتند ۱۷، بدرُوغ همی گرفتند ۲۲، بودند فاهم بافته ۲٤، دروغ بربافند گان ٤۱، دروغ برمی بافتند ٦٤، دروغ همی بافتند ۸۱، از خویشتن ساختند ۱۰۸

يَفْتُرُونَ: يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (۲۱: ۲۰)
سُست شوند ۳، سست شوند ۱۲، سستی می نمایند ۳٦، سستی کنند ٤۳، سُست شَونْد ۵۳، شوند سست ٦۹

★ لَا يَفْتُرُونَ: يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (۲۱: ۲۰)
سست نشنند ۱، سُسْت نگردند ۲، هیچ سستی نکنند ۲٤، سست نشوند ۲۹، سست نگردند ۳۰، نکنند سستی ٤۱، سستی نیایند ٤۲، سستی نیابند ۵۲، سُست نشوند ۵٦، سستی نکنند ٦٤، سست نمی شوند ۷۹، سُستی ننمایند ۹٦، سست نشوند و

نه سیر شوند ۱۰۹، سست نمیشوند ۱۱۱

یَفْتَری: إِنَّمَا یَفْتَرِی الْکَذِبَ (۱۶:۱۰۵)
می‌درحینند[1] ۱، دروغ می گوید ۲۴، می بافند ۲۹، می بربافند ۳۰، برمی بافد ۴۱، ببافند ۵۲، می سازند ۵۶، می بافتند ۵۸، فرابافد ۵۹، بربافند ۶۱، فرابافتند ۷۶، برمی بافند ۹۳، از خود پدید می آرند ۱۰۴، سازد و فرابافد ۱۰۹، برمی سازند از خویشتن ۱۱۳

یُفْتَرَی: وَمَا کَانَ هٰذَا الْقُرْءَانُ أَن یُفْتَرَیٰ (۱۰:۳۷)
دروغ درحنیده شد ۱، بربافته شود ۳، فاتُوان ساختن و بتُوان گفتن و بتوان آوردن بود دروغ ۲٤، بدروغ ها سازند ۲۹، فراگویند ۵۳، بَربَافته شَوَدْ ۵۵، فرابافند آن را ۵۶، بدروغ هازاسند ۵۷، دروغ گفته می شود ۵۸، دروغ بربافته شود ۶۷، دروغ گفته آمد ۷۵، ساخته بود ۹۰، از خویشتن توان نهاد ۹٤، پدید آورده باشند او را ۱۰٤، فرابافته شود و ساخته ۱۰۹، بربافته شده ۱۱۱، دروغ بر سازند ۱۱۲، از خویشتن برساخته باشد ۱۱۳، بربافتند ۱۱٤، دروغ گفته شود ۱۲۱، از خویشتن توان نهاد ۱۲۸، بدروغ بسته شود ۱۳۵، بدروغ بافته باشد ۱۳۶

~: مَا کَانَ حَدِیثًا یُفْتَرَیٰ (۱۲:۱۱۱)
فرابافتند ۵، ساخته شود ۳۹، دروغ توان بافتن ۵۲، بافته بَاشَد ۵۳، بَربافتَه شَوَدْ ۵۵، دروغ بافته ۵۸، دروغ بربافته شده است ٦٤، دروغ ساخته ۷۲، فرابافته ۷۶، فراساخته شده ۹۳، بربافته باشند ۱۰۰، خود گفته باشد ۱۰٤، بربافته شده باشد ۱۱۱، از خویشتن برسَاخته ۱۱۳، دروغ باشد ۱۲۱، بربافته ۱۲٤

یَفْتَرِینَهُ: بِبُهْتَٰنٍ یَفْتَرِینَهُۥ (۱۲:۶۰)
می درحینند ۱، بربافند ۳، از خویشتن سازد ۳۰، بسازند از خود ۳۹، فرابافند ٤۲، بسازند ٥٦، بافند ۸۰، بندند ۹٦، بربافته باشند ۱۰۰، از خویشتن برسازند ۱۱۳، بربافته اند ۱۲۰، از خویش سازند ۱۲٤، برمی بافند ۱۳۲، دروغ بندند ۱۳٦

یَفْتِنَکُمْ: إِنْ خِفْتُمْ أَن یَفْتِنَکُمُ الَّذِینَ کَفَرُوٓا (٤:۱۰۱)
رنجه دارند ۱۰، درآشوب اندر آرند ٤۱، بیاشوباند ٤۲، بکشند ۵۸، در رنج دارند ۷٦، بیاشوبانند ۷۸، بیاشورانند ۸۳

٭ لَا یَفْتِنَنَّکُمْ: یَٰبَنِیٓ ءَادَمَ لَا یَفْتِنَنَّکُمُ الشَّیْطَٰنُ (۷:۲۷)
آزمُوده مگرداندا ۲، بدوزخ اندر نِیوَگَند ۱ ۱۰، آزموده مگرداناد ۱۰ مکرّر، آزموده مکناد ۲۷، گمراه مکناد ۳٦، نه بازگرداند ٤۵، آزموده نکناد ۵٦، آزموده مکناد و مفریباد ۵۸، بمفریباناد ٦۳، نفریبد ٦٤، آزموده مگرداند ۹٤، در فتنه نیفکند ۹۸، آزمون مکناد ۱۰۲، نباید که بفریبد ۱۰۳، نباید که بلغزاند ۱۱۳، آزموده مَگرداناداَ ۱٤۰

یَفْتِنَهُمْ: مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَإِیْهِمْ أَن یَفْتِنَهُمْ (۱۰:۸۳)
آزموده کند ۲۷، در آشوب فکنده بودند ٤۱، بگرداند ۵٦، بکشند ۵۸، بَرگرداند ٦۲

یَفْتِنُوکَ: وَاحْذَرْهُمْ أَن یَفْتِنُوکَ عَنۢ بَعْضِ (۵:٤۹)
بگردانید ۳، بگردانند ۲۷، بیازمایند ۵٦، آشوب کنند ٦۱، بفریبند ۱۰۳، بشورانند ۱۰۹، آزموده بگردانیدن ۱۲٤، آزموده بگردانیدند ۱۲۸

٭ أَنْ یَفْتِنُوکَ: وَاحْذَرْهُمْ أَن یَفْتِنُوکَ (۵:٤۹)
که بنگردانند ۱، آزموده نگردانند ۲، که ور نگردانند ۲٤، آزموده نگرداند ۲۹، تا نگردانند ۷۵، آزموده نگردانند ۹٤

---

[1] می درحینند: برمی بافند.

يُفتَنُونَ: أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ (٩: ١٢٦)
می آزموده شند ۱، آزموده کرده شوند ۳، آزموده کردند ۲۷، آزموده می شوند ۳۶، در آشوب می اندازند ٤١، آزموده می کنند ۵۳، آزمُودَه کردَه شَوند ۵۵، آزموده کرده می شوند ٥٦، آزمایش کند ۵۷، آشوب کرده شوند ٦١، آزمُودَه همی گردند ٦٢، بیازمایند ٧٦، آزمایش کرده می شوند ۷۹، آزموده‌اند ۸۸، آزموده همی گردند ٩٦، آزموده همی کردند ۱۰۵، می آزمایند ١٢٤، آزموده گردند ۱۲۸

~: أَن يَقُولُوٓا۟ ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (٢٩: ٢)
آزموده کنند ٣٤، اندازند در آشوبها ٤١، شوند آزموده ٤٦، آزمایند ۱۲۸

~: يَوْمَ هُمْ عَلَى ٱلنَّارِ يُفْتَنُونَ (٥١: ١٣)
می سوزند ٦، همی سوزانند ٢٤، بشورانند ۳۰، همی شورند ۳۸، آزموده شوند ۳۹، می آزمایند ٤٩، بسوزند ٥٦، آزموده گردانند ٦٤، کشیده می شوند ٦٩، سوخته شوند ۸۰، همی سوزند ۸۱، تابانیده شوند ۱۰۰، بسوزانند ۱۰۸، سوخته می شوند ۱۰۹، آزموده و سوخته شوند ١٣٦، بتابانند ۱۳۸، کشیده شوند ۱۳۹

★ لَا يُفْتَنُونَ: أَن يَقُولُوٓا۟ ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (٢٩: ٢)
آزموده نشند ۱، آزموده کرده نشوند ۳، آزمون نکنند ۲۱، ایشانرا نیازمایند ۲۹، آزمون نشوند ۳۹، آزموده نشوند ٤٣، آزمایش نکنند ۵۲، نه ازموده کنند ۵۳، آزموده گردانیده نشوند ٦٤، ازموده نشوند ٦٩، آزمون کرده نشوند ۱۰۲، ایشان نیازمندند ١٠٦

لَيَفْتِنُونَكَ: لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ (١٧: ٧٣)
بگردانند ۱، بشورانند ۲، ورگردانند ٢٤، بفریبند ٤٢، بشورانند ۵۲، فریب دهند ٧٤، بلغزانند ۷۹، گرفته افکند ۱۳۹

يُفْتِيكُمْ: قُلِ ٱللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ (٤: ١٢٧)
پاسخ کند ۲، پدید کرد ٢٤، پاسخ همی کند ۲۹، پاسخ دَهَد ٤٢، پیدا می کند ۵۸، پاسخ دهد ۱۰۵

~: يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ ٱللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِى ٱلْكَلَٰلَةِ (٤: ١٧٦)
پَاسُخ کند ۲، پاسُخ کند ٤٢، همی جواب کند ۱۱۲

لِيَفْجُرَ: بَلْ يُرِيدُ ٱلْإِنسَٰنُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُۥ (٧٥: ٥)
گدی کند[1] ۱، تباهی کند ۳، دروغ دارد ٦، سامانی فرستد ۱۹، بفرستد ٢٤، براند ۳۰، برآید ۳۹، بی سامانی کند ۵۲، تباه کاری کند ٦٥، بدی کند ۸۸، بی سامان کاری کند ۱۱۳، بدروغ بدارد ۱۲۰، پلیدی کند ۱۳۹

يُفَجِّرُونَهَا: عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (٧٦: ٦)
می رانند ۱، بگشایند ۲، روان می کنند ۳، همی رانند ۱۹، همی گشاید ٣٤، می جوشد ٤١، رَوان گردَانند ٤٢، همی گشایند ٥٦، پیدا می آرند ٦٧، روانه گردانند ۷۹، روان کنند ۸۷، بشکافند ۹۰، درگشایند ۹۱، برون آرند ٩٦، میرانند ۱۰۲، روان گرداند ١٠٤، بیرون آرند ۱۰۵، روان کرده باشند ١٠٦، روان گردانند ۱۱۱، روان گردانید ۱۱۳، روان میکند ١١٤، روان میگرداند ۱۲۰

يَفِرُّ: يَوْمَ يَفِرُّ ٱلْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ (٨٠: ٣٤)
بگریزد ۱، برمد ۲۹، گریزد ۳۸، میگریزد ٤١

يَفْرَحُ: وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ ٱلْمُؤْمِنُونَ (٣٠: ٤)
رامشتی شند ۱، شاد شوند ۳، شاد گردند ۳۰، شادی کنند ٣٤، شادی کند ٤١، خورم شوند ۵۲، شاد می شوند ٥٦، شادمانه شدند ۵۸، شادمانه شوند ٦٧، شاد شود ٧٦، خرم شوند ٩٦، خرّم

---

۱. گدی / بدی، ابدال / ب / به / گ / در این قرآن زیاد است.

شوند ۱۰۵، شاد میشوند ۱۲۰، شادمان شوند ۱۳۰

یَفْرَحُوا: بِفَضْلِ اللّٰهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا (۱۰: ۵۸)
رامشتی شید ۱، شادمانه گردید ۲، شاد شوندا ۳، شادی کنند ۱۰، شادمانه کردند ۱۳، شادی کنند ۳۸، شادمان گردند ۴۰، شاد باشند ۵۳، شادمان باشند ۵۶، شادمانه باشید ۶۱، شادی کنندا ۶۲، خرّم باشند ۷۶، شادان شوند ۱۱۲، شاد شوید ۱۲۳، شاد باشید ۱۲۴

~: وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا (۳: ۱۲۰)
رامشتی شند ۱، شاد شوند ۳، شادمان گردند ۲۹، شادی کنند ۴۰، شاد شوند ۴۲، شاد شوید ۵۳، خورّم شوند ۵۷، شاد کردند ۸۲، خوشدل شوند ۱۲۳، خوشحال می شوند ۱۲۷، شاد گردند ۱۲۸، خوشحال میشوند ۱۳۰

★ لِيَفْرَحُوا: وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا (۱۰: ۵۸)
باید که شاد شوند ۲۹، گو شادمان باشیت ۴۱، گو شادمانی کنند ۵۸، باید که شاد باشند ۱۰۰، باید که شادمان شوید ۱۱۱، گو شادمان شوید ۱۲۱

يَفْرَحُونَ: لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوا (۳: ۱۸۸)
شادی کنند ۲، شاد می شوند ۳، می شادی کنند ۱۰، شادی میکنند ۲۹، شادمانه اند ۵۸، شادمانگی می نمایند ۶۴، همی شادی می کنند ۶۵، شادی همی باشد ۸۲، شادمانی کنند ۹۰، همی شادی کنند ۹۸، شآد شدند ۱۰۰، شادمان شوند ۱۰۲، شادمان شدند ۱۲۱، شاد شدند ۱۳۵، شاد می کنند ۱۳۸

~: يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ (۱۳: ۳۶)
شادی همی کنند ۲، شادی می کنند ۵، شادان گردند ۷ مکرّر، شادمان می باشند ۴۱، شادمانه شوند ۴۳، شاد می باشند ۴۸، شاد همی باشند ۵۳، شاد می شوند ۵۵، خُرّم می شدند ۵۴۷، شادمانی میکنند ۵۸، شادمانه باشند ۶۱، شادی همی کنند ۶۲، خرم اند ۹۵، شآد می شوند ۱۰۰، شاد میشوند ۱۰۶، شاد شدند ۱۱۲، شاد میباشند ۱۱۸، شادمان میشوند ۱۲۰

يَفْرُطَ: قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَا (۲۰: ۴۵)
زورفرازی کند ۱، شتابد ببدی ۳، ستم کند ۲۴، تیزی کند ۲۹، شتاب کند ۳٤، تیز زبانی کند ٤۳، بشتابد ٥٦، تندی کند ۵۸، بردود ۷۲، درگذرد ۸۷، افزونی جوید ۸۸، پیشی گیرد ۸۹، پیش دستی کند ۹٤، بدزبانی کنند ۱۰۸، شتابد ۱۱۳

يُفَرِّطُونَ: تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ (۶: ۶۱)
سپوز[1] کند ۱۰ مکرّر، سستی کنند ۲۷، گذاشتند ٦۱، دست بازدارند ۷۸، گزاف کنند ۱۰۷

★ لَا يُفَرِّطُونَ: تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ (۶: ۶۱)
بارخواری نکنند ۱، ندهند زمان ۹، پشیمانی خورند ۲٦، فرو نگذارد ٤۱، سستی نکنند ۵۳، هیچ درنگ نکنند ۵۸، درنگ نمیکنند ۷٤، سُپوز[1] نکنند ۸۳، سُستی نمی کنند ۹٦، سپوز[1] نکنند ۱۲۰

يُفْرَقُ: فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (٤٤: ٤)
جدا کرده شود ۳، جدا شود ۲۲، جدا بکنند ۲٤، جدا کنند ۲۹، جدا گردد ٤۱، جدا کرده می شود ٤٤، پیدا کرده آید ٦۷، جدا کرده شد ۱۰۰، بپرکردن ۱۰٦، جدا کند ۱۲٤، روشن کنند ۱۲٦، پراکند ۱۳۸

يُفَرِّقُوا: وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ (٤: ۱۵۰)
جدا کنند ۱، جُدایی کُنند ۱۰، افکنند جدایی ۲۷،

---

۱. سپوز: تأخیر و درنگ.

جدائی افکنند ٣٦، جدایی آندازند ٤١، جدا کُنَند ٤٢، جُدا کنند ٤٥، جدای کنند ٦٠، جدایی افکنند ٦٣، جدا وا کنند ٩٥، جدایی کنند ١٢٤، جدایی اندازند ١٢٧

★ لَمْ يُفَرِّقُوا: وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ (٤:١٥٢)
جدا نکَردند ١، جُدایی نیفکندنْد ٢، نه جدا کردند ٣، جُدایی نَه افکَند ١٠، نه جُدا کنند ٤٥، جدای نکنند ٦٠، جدایی نیفکندند ٦٣، جدا نکنند ٧٥، جدا نه افکندند ٨٨، نکنند جدا ٩٠، نه گردند جدا ٩١، جدا نکردند ٩٤، جدائی نیفکندند ١٠٠، جدایی نکردند ١٠٢، جدایی نیفکند ١٠٥، جدائی نیفکندند ١١١، جدائی نکردند ١٢٣، نه افکنده‌اند جدایی ١٣٠

يَفْرَقُونَ: وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ (٩:٥٦)
می ترسند ١، ترسَند ١٠، جدا کنند گان ١١، جدایی می خواهند ٤١، همی ترسند ٤٢، مِی ترسَنْد ٥٥، جدا شوند ٦١، همی تَرسَنْد ٦٢، میترسند ٦٧، ترسانند ١١٤، جدااند ١٢١، ترسند گانند ١٢٤

يُفَرِّقُونَ: مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَزَوْجِهِۦ (٢:١٠٢)
جُدَایی اُفکنَنْد ٢، جدا کنند ٤، جُدای اَو کَنَند ١٠، جدایی افکنند ٣٦، جدا افکند ٥٣، جُدَا مِی کُنَند ٥٥، جدا باز کنند ٥٩، بپراکنند ٦١، می افکندند ٦٣، جدایی می‌افکنند ٧٤، جدایی افکند ٧٦، جدا می کنند ٨٠، جدا او کنند ٨٢، جدایی می افکندند ٨٩، جدائی می افکندند ١٠٠، جدای افکندندی ١٠١، جدایی می افکند ١٠٤، جدا میکنند ١١٢، جدا افکنند ١٢١، جدائی می افکنند ١٢٣، جدایی افکندند ١٢٩

يَفْسَحِ: فَٱفْسَحُوا۟ يَفْسَحِ ٱللَّهُ لَكُمْ (٥٨:١١)
فراخ کند ١، فراخ گرداند ٣، فراخ بکند ٣٤، فراخی دَهاد ٤٢، گشایش دهد ٦٤، گشاده گرداند ١٠٣، گشاده کند ١٣٠، گشاد دهد ١٣٢

يُفْسِدَ: قَالُوٓا۟ أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا (٢:٣٠)
تباه کاری کند ٢، تَباهِي کُند ٥٥، تباهکاری کند ١٢٠

~: وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا (٢:٢٠٥)
تباه کاری کُند ٢، تباهی کند ٣٠، تباه کارِی کُنَد ٤٢، تباه کُند ٦١، تبآهی کند ١٠٠

لِيُفْسِدُوا: لِيُفْسِدُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ (٧:١٢٧)
توهی کنند ١، تباهی کنند ٣، تباه کنند ٦١، تباه کاری کنند ٦٤، تباهی کنید ٧٦، تباهی میکند ١١١

يُفْسِدُونَ: وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ (٢:٢٧)
تباه کاری کنند ٢، تباه کاری کَنَند ٤٢، تَباهِي بِی کُنند ٥٥، سیاهی میکنند ١٠٦، تباهکاری می کنند ١٢١

~: وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعْنَةُ (١٣:٢٥)
می توهی کنند ١، تباه کاری کُنند ٢، تباهی می کنند ٣، تباه کاری آرند ٦٤، تباهی کُنند ٧٦، تباه گر کاری کنند ١٢٥

~: ٱلَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (٢٦:١٥٢)
همی تباه کاری کنند ٢، تباهی کنند ٤٣، تباهی میکنند ٤٧، تباه کاری میکنند ٦٤، تباهی مینمایند ٨٦، تباهی میکنند ایشان ١٠٠، نابکاری کنند ١٠٨

~: يُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (٢٧:٤٨)
تباهی می کردند ٤٧، هَمی تباهی کَرْدَنْد ٥٣، تباه کردند ٦١، تباهی کردند ٧٦

★ كَانُوا يُفْسِدُونَ: بِمَا كَانُوا۟ يُفْسِدُونَ (١٦:٨٨)
تباه کاری کردند ٥٢، تَباهی می کَرْدَنْد ٥٣، تَباهِی کَردَند ٥٥، تباه کاری می کردند ٥٨، تباه کاری میکردند ٦١، تباهی میکردند ٩٢، همی تباه کاری کردند ٩٦، همی تباه کاری میکردند ١٢٨

يَفْسُقُونَ: يَمَسُّهُمُ ٱلْعَذَابُ بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ (٦:٤٩)
نافرمانی می کنند ٣٩، بیرون همی آیند از فرمان

خدای ۴۴، بی فرمانی کنند ۸۸، فسوس می کنند ۹۸، نافرمانی کنند ۱۰۶

~: كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۷:۱۶۳)
ایشان بی فرمانی کنند ۳۹، نافرمانی میکنند ۶۷

~: رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۲۹:۳۴)
تباهی کنند ۵۳، تباهی میکنند ۸۷، بیرون میروند از فرمان ۱۱۱

* كَانُوا يَفْسُقُونَ: بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۷:۱۶۳)
بودند ناگرویدگان ۱۳۶

يَفْصِلُ: إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲۲:۱۷)
جدا کُند ۲، داوری کند ۱۲، جدائی کند ۱۱۶

~: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۳۲:۲۵)
داوری کند و جدا کنند ۴۷، داوری کُنَدْ ۵۳، جدایی کند ۷۶، جدا کنند ۹۶، داوری می کند ۱۲۶

~: يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ (۶۰:۳)
جدا کرده شهد ۱، جُدا کند ۲، جدا کند ۳، جدا کنند ۲۹، جدا می کند ۴۱، جدا میکند ۹۹

يُفَصِّلُ: يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۰:۵)
می دیدور کند ۱، همی پدید کُنم ۲، پدید کنیم[1] ۱۳، ما جدا می کنیم ۲۹، پدید می کند ۵۸، هویدا کرد ۱۰۶

~: يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ (۱۳:۲)
پدید می کُند ۲، جدا بکند ۷ مکرّر، پدیدا کند ۲۴، جدا می کند ۲۹، پدید همی کند ۵۳، جدا کند ۶۱، پیدا کند ۶۳، هویدا می کند ۸۵، هویدا میکند ۱۰۳، پدید میکند ۱۰۲، پیدا میکند ۹۳، جدا کرد ۱۲۱، پدید کند ۱۲۵، همی پیدا کند ۱۲۸

يَفْعَلُ: فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمْ (۲:۸۵)
کُند ۱۰

~: وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۲:۲۵۳)
بکُند ۲، کند ۴۰، بکُند ۴۲، کُند ۹۴

~: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ (۳:۲۸)
بکند ۲، فا کند ۱۰۹

~: مَّا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ (۴:۱۴۷)
کند ۱، خواهد کرد ۲۹

~: لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ (۲۱:۲۳)
می کند ۱، کُند ۲، اوکند ۵۶، همی کند ۶۲

~: إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۲۲:۱۸)
میکند ۸۶

* لَمْ يَفْعَلْ: وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ (۱۲:۳۲)
نکند ۱، نه کند ۳۶، نه می کرد ۶۱، بَنکُند ۷۶، نکرد ۱۱۴

* مَا يَفْعَلُ: مَّا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ (۴:۱۴۷)
نه کُند ۲، نکند ۱۱۸

يُفْعَلُ: وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ (۴۶:۹)
خواهند کردن ۳۴، کند ۸۱، کرده خواهد شد ۱۳۲، کرده شد ۱۳۹

~: وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۷۵:۲۵)
کرده شود ۳، بکنند بایشان ۳۰، کرده می شد ۵۶، کرده خواهد شد ۶۴، کَرده شود ۱۱۱

* مَا يُفْعَلُ: وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ (۴۶:۹)
چکرده شهد ۱

يَفْعَلْهُ: وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۶۰:۱)

---

۱. ضبط عربی کلمه براساس قراءتی دیگر «نفصّلُ» بوده است که به این صورت ترجمه شده است.

بکند ٥٦، کند ١١٤

يَفْعَلُوا: وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ (٣: ١١٥)
می کنید ٥٣، بکنند ٥٨، کنید ١٠١

★ لَمْ يَفْعَلُوا: وَيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا (٣: ١٨٨)
نکردند ١، نکردند ٢، نه کردند ٣، نکرده‌اند ١٠، نکرده‌اند ٢٤، نه کرده باشند ٤٠، نکرده باشند ٦٧

يَفْعَلُونَ: فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (٢: ٧١)
بکنند ٣٠، همی کردند ٥٣، کُنند ٥٥، بکند ٩٠، بِکُنند ٩٤

~: ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (٦: ١٥٩)
گفته و کِرده و سگالیده باشند از نیک و بد ١٠

~: إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (١٠: ٣٦)
می کننـد ١، همـی کننـد ١٣، مـی کردنـد ٥٧، کردند ٦١، شما می کنید ٧٦

~: يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (١٦: ٥٠)
می کُنند ٥٥، بمی کنند ١٠٠

~: وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (٢٤: ٤١)
می کنند و کردند ٥٨

~: قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ (٢٦: ٧٤)
همی کردند ٦١، میکردند ١٠٠

~: وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ (٢٧: ٣٤)
کنند ٤٦، میکنند ٥٨

~: وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (٣٩: ٧٠)
کردند ١٣٨

★ كَانُوا يَفْعَلُونَ: لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (٥: ٧٩)
دروغ می بافتند و ساختند ـ ایشان همی کردند ٢، بودند می کردند ٣٧، همی کردند ٥٣، کار میکردند ٦١، همی کردند ایشان ٨٨، میکردند ٩٢، میکردند ایشان ١٠٠

~: ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (٦: ١٥٩)
می کردند ١، همی کردند ٢٧، کرده باشند ٧٦، فامیکردند ١٠٢، ایشان کرده باشند ١٠٣، ایشان کردند ١١١

~: فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (١١: ٣٦)
ایشان می کنند ٦٣

★ لَا يَفْعَلُونَ: وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (٢٦: ٢٢٦)
نکنند ١، نمی کنند ٥٣، ندانند و نکنند ٥٨، نمیکنند ٨٦

★ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ: وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (٢: ٧١)
نخواستند کردن ٤٢، نخواستند کردن ٧٦

يَفْقَهُوا: وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي (٢٠: ٢٨)
دریاوند ١، بدانند ٢٤، دریابند ٣٦، اندریابند ٥٣، بفهمند ١٣٢

يَفْقَهُونَ: لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (٤: ٧٨)
دریاوند ١، اندریاوند ١٠، دانند ٧٦، درآیند ١٠٤

~: انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (٦: ٦٥)
اندریابند ٩، بدانند و دریابند ٤١، دریابند ٤٢، بدانند و گوش و هوش کنند ٤٤، دریابند ٥٥، بدانند و دانش پیدا کنند ١١١

~: قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (٦: ٩٨)
دریابند ٣، بدانند ٢٧، پی افتند ٥٦، بخرد دانند ٦١، اندریابند ٧٥، دریافتند ٩٤، میدانند ٩٩، می دانند ١٢١، برافتند ١٢٨، دانش مندند ١٣٦

~: لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا (٧: ١٧٩)
دریابند ایشان ٣، درمی یابند ٧٢

~: قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَّوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (٩: ٨١)
کمی دریاوند ١، می دانند ٢٤، همی دانند ٣٨، همی دریابند ٦١، همی دانند ٦٢، دریابند ٦٣، درمی یابند ٦٤، همی دریابند ٩٢، دریابند ١٠٠،

ميدانيد ١١١

~: وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (٩:٨٧)
دريابند سخن ٩٤

~: صَرَفَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (٩:١٢٧)
دانند ٣

~: قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (١٨:٩٣)
بدانند ٤٢، دريابانيد ندى ٥٨، پى افتيد ٦٧، پى افتادند ٩٦، بفهمند ١٣٢

★ كَانُوا يَفْقَهُونَ: لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (٩:٨١)
دانسته بودندى ٣، مى اندرائيد ١١، مى دانستندى ٢٩، دانستندى ٤٢، هستيد دريابند گان ١٢٤

★ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ: بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ (٤٨:١٥)
درنمى يافتند ١، نه درمى يافتند ٣، نه اندريافتند ١٧، نمى اندريافتند ٣٠، ندانستند ٤٢، نه مى دريافتند ٨٠، ندانستند ٨١، درنيافتند ٩٢

★ لَا يَفْقَهُونَ: لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا (٧:١٧٩)
درنياوند ١، اندر نياوند ١٠، اندر نيابند ٢٧، ندانند ٣٥، ندانند هيچ چيز ٦٢

~: بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (٨:٦٥)
درنمى ياوند ١، أندر نيابند ٢، نمى دانند ١٠، نه اندر يابند ١١، همى ندانند ٢٧، ندانند گان ٧٦، اندر نمى يابند ٩٤، درنميابند ١٠٤، هيچ نميفهمند ١٢٧، نفهمند ١٣٦

~: وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (٩:٨٧)
نمى استند ١، پى نيفتند ٣٩، بنمى دانند ٩٥، نميدانند ١٠٣، نمى يابند ١١٤

~: صَرَفَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (٩:١٢٧)
همى درنيابند ٢، ندانند ٥٥، نادانند ٧٦، همى اندرنيابند ٩٦

~: بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (٤٨:١٥)
همى اندر نيابند ٢، مى درنيابند ٣٩

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (٥٩:١٣)
أندرنيابند ٢، چيزى ندانند ٢٩، خرد ندارند ٣٠، نادانند ٥٦، ندانند بخرد ٦١، درنيابند ٨١، باشند نادان ١٣٦

~: فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (٦٣:٣)
درنيابند ٢، درنمى يابند ٤١، نمى دانند ٤٢، هيچ چيز درنيابند ٦٤، نميفهمند ١٣٦

~: وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (٦٣:٧)
همى أندر نيابند ٢، پى نمى افتند ٣٩، پى نيفتند ٦١، درنمى يآبند ١٠٠

★ يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ: لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (١٨:٩٣)
اندر يابندى ٥٦، خواسته برافتادن ١٠٨

★ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ: لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (٤:٧٨)
نتوانند دريافتن ٧٤

~: لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (١٨:٩٣)
نمى خواستند دريافتن ٣، نه توانتسند و نه خواستند دريافتن ٦٣، درنمى يابند ٦٤

يَفْقَهُوهُ: وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ (٦:٢٥)
اندريابند ٥٣، بدانند ٥٧، دور باشند از دانش ٦٢، بر نهفتند ١٢٨

~: وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ (١٧:٤٦)
دريابند ٣، بدانند ٥٣، برافتند ٨٣

~: إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ (١٨:٥٧)
بدانند ٢٩، درياوند ٣٤، دريافتند ٦١

★ أَنْ يَفْقَهُوهُ: وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا (٦:٢٥)
درنياوند ١، تا درنياوند ٢٤، كه درنيابد ٢٦، كه

درنيابند ۲۷، دور باشند از دانستن ۲۹، تا بر نه افتند ۸۳، برنيفتند ۹٤، تا بنه دانند ۱۰۵

~: وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ (٤٦:١٧)
درنمی یابند ٤۱، درنیابند ۵۲، تا برنه افتند و درنیابند ۹٤

~: إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ (۵۷:۱۸)
که درنیاوند ۲٤، درنیافتند ۹٤، برنیفتند ۱۰۸

يُفْلِحُ: أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۱:٦)
برهند ۳٦، رهَند ۵۵، رهاند ۷۲، رستگار سازد ۱۱٤

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۱۳۵:٦)
رَهند ۱۰، یابند رستگاری ۱۰ مکرّر، رستگاری یابد ۲۷

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (۱۷:۱۰)
رهند ۱۳

~: وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ (٦۹:۲۰)
رهد ۲٤، نیک بخت باشند ۵۳

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۱۱۷:۲۳)
رستگار شوند ٤۳

★ لَا يُفْلِحُ: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۱:٦)
نرهانَد ۹، نیابد رستگاری ٤۱، رهایی نیابند ٤۲، رهائی نیابد ۵۲، رهایش نیابند و نرهند ۵۸، نیاوند رستگاری ٦۲، نباشد رستگاری ٦٤، رهایش نباشد ۷٤، ندهد رستگاری ۹٤، رهایی نیابد ۱۲۵

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۱۳۵:٦)
نیک بخت نشند ۱، نَرهَند ۲، نه رَهند ۱۰، رستگاری ندهد ۲٤، خود رستگاری نیابد ٤٤، نَرهَند ۵۵، نرهند و نیکبخت نگردند ۵۸، نرستگاری یابند ٦۱، پیروزی نمی یابند ۹٦، رستگار نمیشوند ۱۱۱، رستگار نکند ۱۱٤، رستگاری نه بیند ۱۲۸، رستگاری نمی یابند ۱۳۰

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (۱۷:۱۰)
نَرهانَد ۵۳، نرَهَند ۵۵، نه رهایی یابند ۸۸، پیروزی نیابد ۱۰۹

~: أَسِحْرٌ هَٰذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (۷۷:۱۰)
نه رهند ۳، رستگار نشوند ۲۹، نسترگان نباشند ۵۷، پای دآری نیابند ۹٤، پیروزی نیابند و نرهند ۱۰۹، فیروزی نیابند ۱۲۳، رستگار نمیباشد ۱۳٦

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۳:۱۲)
نیکبخت نشوند ۳۹، رستگاری نباشد ٦۳، رستگاری نیابند ۱۰۰، رستگار نمی شوند ۱۱۱، رستگار نیستند ۱۳٦

~: وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ (٦۹:۲۰)
نیک بخت نشهد ۱، نرهد ۲، رستگار نشود ۲۹، بیرون نیاید و نرهد ٦۷، نیکبخت نشود ۷۲، نه بود پایدار ۹۰، فیروزی نیابد ۹٦، پیروز نشود ۱۰۳، کام نیابد ۱۰۹، فیروز نمیشود ۱۲۲، رستگاری نیافت ۱۲٦، فیروز نمی شود ۱۳۲، نیابد رستگاری ۱۳۹

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۱۱۷:۲۳)
نیک بخت نکند و نرهاند ۵۸، هرگز نرهد ۱۰۹

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۳۷:۲۸)
نرهند ۲، نبرهد ۲۱، نیابند رستگاری ٤۱، نرهند و پیروزی نیاوند ٤۷، نَرهَدْ ۵۳، رستگاری نیابد ۷٦، فیروز نشوند ۱۰۳، نجات نمیدهد ۱۲۱

~: وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۸۲:۲۸)
رستگاری نیابند ۵۳، پیروزی نیابند ۸٦، رستکاری نیابند ۱۱۱، نیابند رستگاری ۱۱۸

يُفْلِحُونَ: قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (٦۹:۱۰)
رستگار میشوند ۱۱٤

~: إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۱۱٦:۱٦)

رَهند ۳، یابند رستگاری ۹۰، رِهَند ۹٤

★ لَا يُفْلِحُونَ: قُلْ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۱۰:٦۹)
نیک بخت نشند ۱، نَرهَند ۲، بنرهند ۷ مکرّر، نه رَهند از دوزخ و نه یاوند بهشت ۱۰، نکنند رستن ۱۳، بنه رهند ۲۷، رستگار نشوند ۲۹، نرهند ٤۲، رستگاری نیابند ۷۲، پایدار نیابند ۹٤، فیروزی نیابند ۹٦، رستگاری نمی یابند ۱۰٤، رستگار نمیشوند ۱۱۱، نه رستگار میشوند ۱۱٤، پای داری نیابند ۱۲۸، رستگار نباشند ۱۳٦

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۱٦:۱۱٦)
نرهند و نیکبخت نشوند ۵۸، هرگز نرهند ٦٤، نیک بخت نشوند ۸٤، رستگار نشوید ۷٦، رستگاری نباشد ۱۱۸، پایدار نباشند ۱۲٤

يُقَاتِلْ: وَمَن يُقَٰتِلْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيُقْتَلْ (٤:۷٤)
کازار کند ۱، کارزار کند ۱۰، کارزار کنندا ۲۹، کارزار کنیت ٤۱، کارزار کندا ۵۳، کارزار کنید ۵۷، کارزار کُند ٦۱، کارزار کن ٦۱، کارزار کنند ۷٦

لِيُقَاتِلْ: فَلْيُقَٰتِلْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (٤:۷٤)
کازار وَاید کردن ۱۰، باید که کارزار کنند ۲۷، باید کارزار کند ۱۳۵

★ لِيُقَاتِلُوكُمْ: حَتَّىٰ يُقَٰتِلُوكُمْ فِيهِ (۲:۱۹۱)
جنگ میکنند ۱۲۱

~: وَإِن يُقَٰتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ ٱلْأَدْبَارَ (۳:۱۱۱)
کازار کنند ۱، کارزار کنند ۳، کنند کارزار ۵۸، کارزآر کنند ۹٤

~: أَن يُقَٰتِلُوكُمْ أَوْ يُقَٰتِلُوا۟ قَوْمَهُمْ (٤:۹۰)
کارزار کنندی ٤۵

★ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ: فَإِنِ ٱعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ (٤:۹۰)
کارزار نکنند ۲، کارزار نکنند ٤۲، نه کارزار کنند ٤۵، نکنند کارزار ۵۷، کارزار نمی کنند ٦٤، کارزآر نکردندی ۱۰۰

~: لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ فِي ٱلدِّينِ (٦۰:۸)
نه کارزار کردند ۳، جنگ نکردند ۳۹، کارزار نِکردند ۵٦، کارزار نکردند ۱۰۰، کارزا نکرده‌اند ۱۰۳، کارزار نمی کردند ۱۱۳

يُقَاتَلُونَ: أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا۟ (۲۲:۳۹)
می کارزار کنند ۱، کارزار کنند ۲، کارزار کنند ۱۲، کارزار می کنند ۵۸، کارزار میکنند ۱۰۰

يُقَاتِلُونَ: يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ (٤:۷٦)
کازار می کنند ٤۱، همی کارزار کند ٤۵، کارزار میکنند ٦۱، می کارزار کنند ۹۲، همی کارزار کنند ۱۰۷، کارزار مینمایند ۱۳۰

~: يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقْتُلُونَ (۹:۱۱۱)
می کارزار کنند ۱، کارزار همی کنند ٦۲

~: يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفًّا (٦۱:٤)
کارزار کنند ۲، جنگ کنند ۱۲۳

~: وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (۷۳:۲۰)
جنگ می کنند ٦، کارزا همی کنند ۱۹

يُقَاتِلُونَكُمْ: وَقَٰتِلُوا۟ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوٓا۟ (۲:۱۹۰)
کارزار کنند ۲، کارزار می کنند ۳، کارزار کُند ۱۰، کارزار میکنند ٦۱، کارزار کنند ٦۷، کارزار کند ۷٤، کارزآر کردند ۱۰۰، جنگ کند ۱۰۹

~: وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ (۲:۲۱۷)
می کارزار کنند ۱، کارزار کنند ۳، کالزار کنند ٦۰، می کشند ۱۲٤

~: كَمَا يُقَٰتِلُونَكُمْ كَآفَّةً (۹:۳٦)
کازار کنند ۱، کارزار کردند ٤۳، جنگ کردند ۵۳، ایشان جنگ همی کنند ٦۲، همی کارزار کنند ۹٦

★ لَایُقَاتِلُونَکُمْ: لَا يُقَٰتِلُونَكُمْ جَمِيعًا (۵۹:۱٤)
کازار نکنند ۱، جنگ نکنند ۳٤، کارزار نکنند ٦۱، هرگز کارزار نکنند ٦٤، کارزآر نکنند ۱۰۰، کارزا نمیکنند ۱۱۱

يُقَالُ: قَالُوا۟ سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُۥٓ إِبْرَٰهِيمُ (۲۱:٦۰)
گفته شهد ۱، گفته می شود ۳، گویند ٤۳

~: مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ (٤۱:٤۳)
می گویند ۵٦

~: ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (۸۳:۱۷)
گفته شود ٦٤، گویند شان ۱۰۰

★ مَا یُقَالُ: مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ (٤۱:٤۳)
گفته نمی شهد ۱، گفته نشد ٦۱، گفته نشود ٦٤، نمی گفته شود ۸۰، نمی گویند ۸۱

يَقْبِضُ: وَٱللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲:۲٤۵)
تنگ کند ۱، روزی تنگ کند ۲۹، می بندد ٤۱، تنگ گردانَد ٤۲، تنگ گرداند ۵۲، تَنگ کُنَد ۵۵، تنگ گیرد ۵٦، فراگیرد ۵۷، تنگ بازگیرد ٦۳، تنگ فراگیرد ۸۸، فروگیرد ۹٤، بستاند ۹۸، تنگ میگیرد ۱۰۲، تنگ میگرداند ۱۰٤، تنگ میسازد ۱۱۱، تنگ می گیرد ۱۱٦، تنگ میکند ۱۲۰، میگیرد ۱۲۲، بندد ۱۲٤، فرامیگیرد ۱۳٦

يَقْبِضْنَ: أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَٰٓفَّٰتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱلرَّحْمَٰنُ (٦۷:۱۹)
خود را می درکشند ۱، بازمی گیرند ۳، پرها بهم زنند ۱۹، بازهم آورند ۲٤، پرها فراز گیرند ۳۹، فراهم می گیرند ٤۳، همی برند ۵۲، باز گیرند بَرخویشتن ۵٦، نگاه دارند ٦۱، درهم کشند ٦٤، درمی کشند پرها ٦۷، فراهم ارد ٦۹، باهم می آرند ۷۹، برفراز گیرند ۸۸، فراهم می آرند ۹۰، پرها برهم زنند ۹٤، فراهم می آورند ۱۰۲، فراهم میگیرند ۱۰۳، باهم می آورند ۱۰٤، همی برند ۱۰۵، بازخود میگیرند ۱۰٦، باهم می آرند بالها را ۱۱۳، فرامی گیرند ۱۱٦، بازگیرند ۱۲۱، برهم آورندگان بالها ۱۲۲، فراهم میکنند ۱۲٦، برهم آورندگان ۱۳۲، باخود میگیرند ۱۳٤، خود را نگاه دارد ۱۳٦

يَقْبِضُونَ: وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ (۹:٦۷)
می درکشند ۱، همی فروگیرند ۲، بازمی گیرند ٤، همی گیرند ۱۱، فروگیرند ۲٤، فرود می دارند ۲۷، فرامی گیرند ۲۹، سخت دارند ۳۹، می گیرند ٤۱، فروگرفته اند ٤۲، بازدارند ٤۹، هَمی فُرُودارَند ۵۳، بازمی گِیرَند ۵۵، فراگرفتند ۵٦، می فراگیرند ۵۷، بازمی کشند ۵۸، هَمی فروگیرَند ٦۲، بازخود می گیرند ٦۳، بسته می دارند ٦٤، سخت می دارند ٦۵، بازمی کشیدند ٦۹، فرود همی گیرند ۸۳، فروگرفتند ۹۲، با خود میگیرند ۱۰۰، فرومیگذارند ۱۰۲، فراهم آورند ۱۰٤، فرومی گیرند ۱۰۵، با خود میگیرند ۱۰٦، فرامیگیرند ۱۱۱، فراهم گیرند ۱۱۲، گیرند ۱۱٤، بازداشتند ۱۲۱، میگیرند ۱۲۲، فراهم می آورند ۱۲٦، بهم می آرید ۱۳۵، فراگیرند ۱۳٦

يَقْبَلُ: هُوَ يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ (۹:۱۰٤)
بپذیرد ۱، بپذیرد ۲، می پذیرد ۳، بپذیرد ۱۳، مِی پَذیرَد ۵۵، به پذیرد ۹۰، پذیرنده ۱۲۳

~: وَهُوَ ٱلَّذِى يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ (٤۲:۲۵)
بپذیرد ۱، می پذیرَد ۳۲، فراپذیرد ۱۰۹، پزیرد ۱۱۱، بپذیرد ۱۲٦، میپذیرد ۱۳۲

يُقْبَلُ: وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَٰعَةٌ (۲:٤۸)
پَذیرُفته شَوَد ۵۵، پدرفته شود ۸۰، به پزیرد ۱۱۸

~: وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ (۲:۱۲۳)

پذیرفته شود ۳، پذیرند ۱۰، پذیرد ۵۲، فراپذیرفته شود ۵۹، پذرفته شود ۹۱

★ لَايُقْبَلُ: وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَٰعَةٌ (۲:۴۸)
نه پذیرد ٤، نپذیرد ۲۹، فرانپذیرند ۱۰۲، نه شود پذیرفته ۱۳۰

~: وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ (۲:۱۲۳)
نه پذیرند ۱۰، پذیرفته نشود ۳٦، نپذیرد ٤۳

★ لَنْ يُقْبَلَ: فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ (۳:۸۵)
پذیرفته نشهد ۱، نپذیرد ۲، هرگز نه پذیرفته شود ۳، نه پَذِیرَند ۱۰، نپذیرند ۲۵، هرگز پذرفته نشود ۲۸، نه پذیرند ٤۰، پذرفته نیاید ۵۷، نپذیرند ۸۲، هرگز نه پذرفته شود ۹۱، نَپذیرد ۹٤، هرگز فرانپذیرند ۱۰۲، نپزیرد ۱۱۸، پذیرفته نمیشود ۱۳۵، نه پذیرد ۱۳۸

~: فَلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِم مِّلْءُ ٱلْأَرْضِ ذَهَبًا (۳:۹۱)
پذیرفته نه شود ۲۵، پذرفته نشود ٤۲

يَقْتَتِلَانِ: فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ (۲۸:۱۵)
کارزار کردند ۱، همی جنگ کردند ۲٤، جنگ می کردند ۲۹، کارزار همی کردند ۳۰، کارزار می کردند ٤۳، کاردزنی می کردند ۵۸، جنگ همی کردند ٦۲، کارزار میکردند ۷٤، کارزآر میکردند ۱۰۰، کارزار می کردند با یکدیگر جنگ می کردند ۱۰۹

يَقْتَرِفْ: وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُۥ فِيهَا حُسْنًا (۴۲:۲۳)
کشت کند ۳، بسازد ۱٦، کند ۲٤، بیندوزد ۲۹، بکند ۳٦، کار کند ٦۱، اندوزد ۸۹، ورزد ۱۱٤

★ لِيَقْتَرِفُوا: وَلِيَقْتَرِفُوا۟ مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ (٦:۱۱۳)
کِرده وُساخته آید ۱۰، ساخته و کرده آید ۲۷، بکنند ۳٦، بکنند از خویشتن ٤۲، بسازند ۵۳، بکُنَند ۵۷، گناه کنند ۵۸، اندوزند ٦۳، ورزند ۱۱٤، بکنند از خویش ۱۲۸

★ كَانُوا يَقْتَرِفُونَ: سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا۟ يَقْتَرِفُونَ (٦:۱۲۰)
همی کردند ۲، همی کردند ۱۰ مکرّر، ایشان کرده باشند ۲٤، می اندوختند ۲۹، دروغ برمی بافتند ۳۹، همی کردَند ٤۲، همی اندوزند و الفنج می کنند ٤٤، می سَازند ۵۳، می ساختند و می کردند ۵٦، می کردند ۵۸، همی اندوختند ٦۲، اندوخته باشند ۷٦، ایشان برمی بافند ۸۵، همی دروغ گفتند ۱۰۷، می ورزیدند ۱۱٤، فرابافته باشند ۱۱۸، کسب کنند ۱۲۱، کردند ۱۲۸، می اندوزند ۱۳۰

يَقْتُرُوا: وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُوا۟ لَمْ يُسْرِفُوا۟ وَلَمْ يَقْتُرُوا۟ (۲۵:٦۷)
بکنند ۱۰ مکرّر، تنگی کنند ۱۲٤

★ لَمْ يَقْتُرُوا: لَمْ يُسْرِفُوا۟ وَلَمْ يَقْتُرُوا۟ (۲۵:٦۷)
نه تنگ کنند ۳، بتنگ نکنند ۲۰، نکنند تنگی ۲٤، تنگ فرانگیرند ۲۹، تنگ نکنند ۳۰، تنگی نکنند ۳۹، نکنند تنگ ٤۱، نه کنند تنگی ٤٦، نه تنگی کنند ۵۳، بازندارند ۵۸، تنگ دستی نکنند ۷٦، تنگ نگیرند ۷۹، تنگ بازنگیرند ۸۹، ندارند تنگ ۹۰، تنگ نگردانند ۱۰۸، نه تنگ گیرند ۱۱٤، تنگ گیری نکنند ۱۱٦

يَقْتُلَ: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا (٤:۹۲)
بکشد ۱

~: وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا (٤:۹۳)
کشد ۳

يُقْتَلُ: وَلَا تَقُولُوا۟ لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتٌۢ (۲:۱۵٤)
کشته گردد ۲، کشته شود ۳، بکُشدَند ۱۰، بکشند ۳٤، بکشتند ۲۹، کُشتَه ائید ٤۰، کُشتَه گردد ٤۲، کشته گردد ۵۲، کشته شوند ۵٦، کشته می شود ٦۳، کشند ۸۸، کشته شد ۱۰۰، کشته میشود ۱۰٦، کشته شده است ۱۱۱، کشته شده ۱۲۲، کشته میشوند ۱۳۰

~: فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (٤:٧٤)
کشته شهد ١، بکُشندش ١٠، بکشند او را ٢٧، بکشندش ٢٩، کُشته شود ٤٥، بکشند ویرا ٥٣

★ لا يَقْتُلْنَ: وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ (٦٠:١٢)
نکشند ٨٩

يُقَتَّلُوا: أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ (٥:٣٣)
کشته شند ١، بکشندشان ١٠ مکرّر، بکشند ٢٤، می کشند ٣٦، بکشند ایشانرا ٣٨، بکُشند ایشانرا ٥٣، کشته شوند ٥٨، ایشانرا بکشند ٦٢، بکشند ایشان را ٦٣

يَقْتُلُوكَ: لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ (٨:٣٠)
بکشند ١، کُشند ١٠

يَقْتُلُونَ: وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ (٢:٦١)
می بکشند ٦٤، همی کُشند ٩٤

~: وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ (٣:٢١)
می کشند ١، بکُشند ٢، مَی کشتند ١٠، بکشته اند ٤٠، می کشدند ٥٧، میکشند ٦١، بکشند ٦٢، کارزار می کنند ٦٣، همی بکشتند ١٠٧، کارزار کنند ١٢٩

~: وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ (٣:١١٢)
همی کشند ٣٤

~: فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (٥:٧٠)
می بکشتند ١، بکشتند ١٠ مکرّر، بُکشتندی ٢٧، کشتندی ٣٦، همی کشتند ٤٥، همی کشتندی ٧٠، بکشتندی ٧٦، میکشتند ١٠٠، کارزار کردند ١٢١.

~: يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ (٩:١١١)
می کشند ١، کشند ٣، بکشند ٣٦، کَشند ٥٥، می کُشند ٥٦، همیکشند ١٢٥

★ [كَانُوا] يَقْتُلُونَ: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ (٢:٦١)
همی کُشتند ٢، می کشتند ٣، می کشتند ٤، مَی بکُشتند ١٠، بکشتند ٢٤، همی کشتند ٥٠، می بکشتند ٥٣، می رنجانیدند ٦٣، میکشتند ٩٩

★ لا يَقْتُلُونَ: وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ (٢٥:٦٨)
نکشند ١، نکشند ٢، به کشند ٦٢، نمیکشند ١١٦، نه کشند ١٣٨

يَقْتُلُونِ: وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (٢٦:١٤)
بکُشند ٥٦

~: إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (٢٨:٣٣)
بکشند ١، کشند ٨٦

يُقْتَلُونَ: فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ (٩:١١١)
می کشته شند ١، کشته شوند ٣، می کشندشان ٢٤، کُشته شوند ٥٥، کشته می شوند ٥٨، کشته همی شوند ٩٤، کشته میشوند ١١١، کشتندشان ١٢٤، کشته همیشوند ١٢٥

يُقَتِّلُونَ: يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ (٧:١٤١)
می کشتند ١، برهم مَی کُشتند ١٠، کشتند ٣٦، همی کشند ٤٥، بکشتندی ٥٨، می کشند ٦٠، میکشتند ٩٢، همی کُشتند ١٠٥، همی کشتند ١٢٨، همی کشتند ١٤٠

يَقْتُلُونَنِي: إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي (٧:١٥٠)
بکشند ١، بکُشند ١٠، بکشتندی ٥٣

يَقْدِرُ: اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ (١٣:٢٦)
تنگ کند ١، تنگ گرداند ٢، تنگ می کند ٣، تنک می کُند ٥٥، تنگ باز گیرد ٦٣، تنگ بکند ٩٣، تنگ باز کرد ١٠٦

~: عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ (١٦:٧٥)

توانا باشد ۳۹، تواند ۶۱، توانایی دارد ۱۲٤

~: أَحَدُهُمَآ أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ (۱۶: ۷٦)
توانا شود ۳

~: إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ (۱۷: ۳۰)
تنگ گرداند ۲، نیک می کند ۳۰، اندازه گرداند ـ تنگ گرداند ۸۳، نیک کرد ۱۰۷

~: لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ (۲۸: ۸۲)
تنگ دارد ۳۰، تنگ بازگیرند ۵۳، تنگ می گرداند ۸۶، تنگ کند ۱۰۲، تنگ کشد ۱۰۵، اندک کند ۱۲٦

~: لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ لَهُۥٓ (۲۹: ٦۲)
تنگ فراگیرد ۲۹، تنگ کُنَدْ ۵۳، تنگ میکند ۷٤، تنگیری میکند ۱۱۱

~: أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ (۳۰: ۳۷)
نیک کند ۱٤، تنگ میگرداند ۸٦، تنگ گیرد ۱۰٦

~: قُلْ إِنَّ رَبِّى يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ (۳٤: ۳٦)
تنگ گرداند ۹۸

~: يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ (٤۲: ۱۲)
اندازه کند ۲، تنگ می گرداند ۳۲، تنگ می سازد ۱۰۳، تنگ میسازد ۱۱۱، تنگ میکرداند ۱۱۹

★ لَا يَقْدِرُ: عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ (۱۶: ۷۵)
توانایی ندارد ۱، نتواند ۲۹، توانای ندارد ٤۹، توانا نباشد ۵٦

~: أَحَدُهُمَآ أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ (۱۶: ۷٦)
توانا ای ندارد ۲، توانائی ندارد ۵۲، توانا نشود ۵۵، توانایی ندارد ۵۸، ندارد توانایی ۹۲

★ لَن يَقْدِرَ: أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۹۰: ۵)
توانا نشهد ۱، توانا نگردد ۲، نتواند ۳۹، هرگز توانا نشود ٦۱، هرگز دست نیابد ٦۷، هرگز تنگ نگیرد ۱۰۰، تنگ بازنگیرد ۱۰٦، توانا نباشد ۱۳٦

یُقَدِّرُ: وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ (۷۳: ۲۰)
اندازه کند ۲، اندازه می کند ۳، اندازه کرد ۵٦، اندازه میکند ۱۰۰، اندازه می نهد ۱۰۲، اندازد ۱۰٦، انداز میکند ۱۲۰، می اندازد ۱۳٤

یَقْدِرُونَ: لَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ (۲: ۲٦٤)
توانند ٦۱، داند توانایی ۱۲٤، توانا باشند ۱۳۰

~: لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا۟ عَلَىٰ شَيْءٍ (۱٤: ۱۸)
توانا شوند ۳، تُوانَا شَوَند ۵۵، توانند ایشان ٦۱

~: أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ ٱللَّهِ (۵۷: ۲۹)
ایشان توانا شدند ۳، توانایی دارند ۱۲٤

★ أَلَّا يَقْدِرُونَ: أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ (۵۷: ۲۹)
که توانایی ندارند ۱، که توانا نیستند ٦٤، که توانا نه‌اند ۱۳۲

★ لَا يَقْدِرُونَ: لَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ (۲: ۲٦٤)
توانا نگردند ٤۲، توانا نگردند ۵۲، نه توانایی دارند ۸۸، توانایی نداشته باشند ۱۰۰، توانا نباشند ۱۰٤

~: لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا۟ عَلَىٰ شَيْءٍ (۱٤: ۱۸)
توانایی ندارند ۱، نتوانند و توان ندارند ۵، نتوانند ۵۳، نتوانند ۵۷، نمیتوانند ۹۹، توانائی ندارند ۱۰۰، توانا نباشند ۱۰۲، توانا نشوند ۱۲۱، دست رس نداشته باشند ۱۲۲

~: أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ ٱللَّهِ (۵۷: ۲۹)
نتوانند در افزودن ٤۱، توانا نیستند ۱۰۰، نمیتوانند ۱۱٤، توانائی ندارند ۱۳۸

یَقْدُمُ: يَقْدُمُ قَوْمَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۱۱: ۹۸)
پیش روی کند ۱، پیش رود ۲، درپیش باشد ۷ مکرّر، فراپیش شود ۲۹، پیش رو باشد ٤۲، پیش‌رو

آمد ٥٥، پیش آمد ٥٧، پیش شود ٥٨، پیش شد ٥٩، اندرپیش همی آید ٦٢، پیش میرود ٦٧، پیش می رود ٧٥، درپیش داشت ٧٦، درپیش ایستد ٨٩، پیش آید ٩٢، پیش رو باشد ١٠٣، درپیش استد ١٠٦، درپیش دارد ١١٣، پیشروی کنند ١١٤، فراپیش کند ١٢١، پیش روی میکند ١٢٦

يَقْذِفُ: قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (٣٤:٤٨)
بیندازد ١، پیدا کند ٢، همی فرو اندازد ١٨، بپراکند ٣٠، فرو اندازد ٣٨، درمی اندازد ٤١، دشنام می دهد ٤٢، همی آندازد ٥٣، همی اندازد ٥٦، پیدا می کند ٦١، افکند ٦٤، فرو می فرستد ٨٠، بفرماید ٩٨، می اندازد ١٠٠، می افکند ١٠٣، میرساند ١٠٤، دشنام میدهد ١٠٥، می اندازد ـ برزند ١٠٩، میفرستد ١٢١، پیدا کند و بفرماید ١٣٩

يَقْذِفُونَ: وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (٣٤:٥٣)
می اندازند ١، بگزاف همی اندر آرند ٢، بیرون انداختند ٧، می انداختید ٢٩، گزاف همی اندزاند ٣٠، همی اندازند ٣٨، درمی اندازند ٤١، برانند ٤٢، بیندازند ٤٣، می اندازند ایشان ٥٦، می انداختند ٨٠، می فکنند ٨٦، اندازند ٨٩، بگذاف همی اندازد ١٠٨، می افکندند ١١١، می انداختن ١٣٠، می فکندند ١٣٢

يُقْذَفُونَ: وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا (٣٧:٨)
می انداخته شند ١، انداخته شوند ٣، همی اندازندشان ٢٢، همی اندازند ٢٤، بیندازند ٣٣، بزنندشان ٣٩، می اندازندشان ٤١، بیندازند ایشانرا ٤٢، بیندازندشان ٥٦، زده شوند ٦١، انداخته می شوند ٧٤، رانده و انداخته شوند ٧٩، انداخته می شوند ـ برایشان می اندازند ١١١، رانده شوند ١٣٢، اندازند ١٣٤

يَقْرَءُونَ: فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ (١٠:٩٤)
می خوانند ١، همی خوانند ٢، میخوانند ١٣، خواندستند ٢٤، می خوانند ٢٧، می خوانند ٤٢، می خوانند ٥٥، همی خوانند ٦٢، همی خوآنند ٩٤

~: فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ (١٧:٧١)
برخوانند ٢، برخوانند ٣، ورخوانند ٢٤، خوانند ٤٢، خوانند ٥٥، بخوانند ٥٨، برخوانند ٦٢

★ لَا يَقْرَبُوا: فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ (٩:٢٨)
نزدیک مشید ١، نزدیک نشوندا ٣، نگر پیرامون نگردندا ١٠، نزدیک مشوندا ٢٧، نباید که نزدیک شوند ٢٩، نه نزدیک شوندا ٣٠، در نروند ٣٩، نزدیک نگردند ٥٣، نزدیک مشویت ٥٥، نزدیک نشوند ٥٦، نزدیک میایند ٥٨، نه نزدیک شوند ٦١، نباید نزدیک آیند ٦٤، نباید که نزدیک آیند ٦٧، نزدیک مگردید ٩٣، نزدیک نیایند ٩٦، نباید که فرا نزدیک آیند ١٠٠، نباید فرا نزدیک روند ١٠٦، نزدیک نشوید ١١١، مگذارید نزدیک شوند ١٢٢

لِيُقَرِّبُونَا: مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى (٣٩:٣)
نزدیک کنند ١، نزدیک کند ٢٤، نزدیک گردانند ٣٠

يُقْرِضُ: مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (٢:٢٤٥)
اوام دهد ١، قام دهد ٢، فام دهد ٣، وام دهد ١٠، وام دهد ٤٢، فام دهد ٥٥، اوآم دهد ٩٤، وام میدهد ٩٩، افام دهد ١٠٨، بدهد وام ١٢٤

~: مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ (٥٧:١١)
وام دهد ٢، فام دهد ٣، وام می دهد ٣٦، اوام خواهد ٥٦

يُقْسِمُ: وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ (٣٠:٥٥)
می سوگند خورند ١، سوگند خورند ٣، سوگند خوردند ١٤، سوگند می خورند ٤٧، سوگند خورند ٥٣

يُقْسِمَانِ: فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا (٥:١٠٦)

می سوگند خورند ۱، سوگند خوردند ۱۰ مکرّر، سوگند خورند آن دو تن ۲٤، سوگند یاد کنند ۳۹، سوگند می خورند ٤۱، سوگند بخورند ٦۱، سوگند همی خورند ۸۲، هر دو سوگند خوردند ۹٦، سوگند میخورند ۱۲۹

~: فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِن شَهَادَتِهِمَا (۵: ۱۰۷)

سوگند خورند ۱

يُقْسِمُونَ: أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ (٤۳: ۳۲)
بخش می کنند ۳، می بخشند ۲۹، ببخشند ۳۰، بَخش می کنند ۳۲، بخش کردندی ٤۳، بخشند ۵٦، بخش کنند ۱۰۳، همی بخشند ۱۰۸، بخش می کنند ۱۰۹، بخش میکنند ۱۱٤

يَقُصُّ: إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ (٦: ۵۷)
برمی گوید ۳، پَدید کُنَد ٤۲، پدید کند ۵۲، بگزارد ۵۷، داوری کند ۵۸، می گزارد ۷۹، آگاهی دهد ۸۲، آگاهی دهد ۹٤، گذ آرده شود ۱۰۰، برگذارد ۱۰۲، گذارد ۱۰۹، برمیگوید ۱۱٤

~: إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۷: ۷٦)
همی پدید کند ۲، برخواند ٤٦، همی بَرْخَوانَدْ - بازمیگوید ۵۳، بازمی راند ٦٤، خواند ۷٦، همی برخواند ۸۸، پدید میکند ۱۰۲، میخواند ۱۰۳، همی خواند ۱۰۸، برمیخواند ۱۱٤، می برخواند ۱۳۹

يُقْصِرُونَ: وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ (۷: ۲۰۲)
ایستَند ۵۵، کوتاه کنند ایشان ٦۱، ایستند ۸۰، بازایستند ۱۰۹

★ لَا يُقْصِرُونَ: وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ (۷: ۲۰۲)
واز نشند ۱، باز نه ایستَنْد ۲، نه ایستند ۳، وا نه آیستَند ۱۰، وانیستند ۲۷، وا نه ایستند ۲۹، باز نه استند ۳۵، باز نمی ایستند ۳٦، نمی کنند کوتاه ٤۱، باز نمی استَند ٤۲، فرو نه ایستَنْد ۵۳، باز نه ایستَند ۵۷، باز نه ایستند ٦۲، کم نکند ٦٤، باز نباشند ٦۷، فرو نه ایستند ایشان ۸۸، باز نایستند ایشان ۹۳، باز ناستند ۹٦، باز نَاستند ۱۰۵، باز نمی استند ۱۰٦، کم نباشند ۱۲۱، باز نمی ایستادند ۱۲۷، باز نایستند ۱۳٦

يَقُصُّونَ: يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي (٦: ۱۳۰)
مَی برخُوانند ۱۰، همی خواندند ۱۰ مکرّر، ورخواندند ۲٤، می خواندند ۲۹، گفتندی و خواندندی ۳۰، برخواندند ۳۸، می خوانند ٤۱، می برگرفتند ۵۳، گُفتَنْدی و خَوانَنْدِی ۵۵، برمی خواندند ۵۸، میگفتند ٦۱، بخواندند ٦٤، برمی خوانند ۹۰، همی خوآنند ۹٤، میخواند ۱۱۸، میخواندند ۱۲۲، بخوانید ۱۳۳

~: إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي (۷: ۳۵)
برخُواند ۲، برگویند ۳، مَی خُوانند ۱۰، برخواند ۱۰ مکرّر، ورخوانند ۲٤، برخوانند ۳٤، خوانند ۳٦، همی برخوانند ۳۸، همی بَرخُوانند ٤۵، همی خوانند ۵۳، میگویند ٦۱، بخوانند ٦۷، بازرانند ۷۸، برگویند ۹۱، برخوآنند ۹٤، میخوانند ۱۰۲، برخوانند و برگویند ۱۰۹، خواهند خواند ۱۳۵

يَقْضِ: وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ (٤۳: ۷۷)
بمیراند ۲٤، براند ۱۰۸

~: كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۸۰: ۲۳)
بگذارد ۳۰، بگزارد ۵٦، گزارد ۹۰، بگذ آرد ۱۰۰

★ لِيَقْضِ: وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ (٤۳: ۷۷)
بخواه تا مرگ دهد ۱۰۵، باید که بمیراند ۱۳۲، بمیراند ۱۳۸

★ لَمَّا يَقْضِ: كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۸۰: ۲۳)
نگزارد ۱، نه گزارد ۳۹، گزارده نکرد ٤۲، بنگذارد ۵۱، نگذارد ٦۱، هنوز نگزارده است ۱۰٤،

گذارده نکرد ۱۰۵، هنوز نگذارده ۱۲۰، بجا نیاورده ۱۲۲

لِیَقْضُوا: ثُمَّ لْیَقْضُوا تَفَثَهُمْ (۲۲:۲۹)
گو بیرون کنید ۱، بگزارند ۲، باید که بگزارند ۲۹، گو بگزاریت ۴۱، باید که بگذارند ۴۲، بگذارید ۴۳، بگذارند ۵۱، بیایندا ۵۶، گو روا کنند ۵۸، بگزارد ۶۱، باید که بگذارید ۱۱۱، باید که بگذارند ۱۱۳، گذراند ۱۱۴، باید بگذرند ۱۲۰، باید بگذارند ۱۳۲

یَقْضُونَ: وَالَّذِینَ یَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا یَقْضُونَ بِشَیْءٍ (۲۰:۴۰)
گزارند ۳۸، داوری کنند ۳۹، داوری کُنَدْ ۵۳

★ لَا یَقْضُونَ: وَالَّذِینَ یَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا یَقْضُونَ بِشَیْءٍ (۲۰:۴۰)
نگذارند ۱۵، نتوانند داوری کردن ۲۴، نمی گزارند ۴۱

یَقْضِیَ: لِیَقْضِیَ اللَّهُ أَمْرًا کَانَ مَفْعُولًا (۸:۴۲)
بَراند ۲، گزارد ۳، براند و برگزارَد ۱۰، براند ۲۴، برگزارد ۲۷، گُزارَد ۵۵، بگذارد ۶۳، بگذ آرد ۱۰۰، بداند ۱۰۵، بگذرد ۱۰۶، بهم آرد ۱۱۲، برانده ۱۲۸، بگذراند ۱۳۶

~: لِیَقْضِیَ اللَّهُ أَمْرًا کَانَ مَفْعُولًا (۸:۴۴)
بَرگُزارَد اوبرانَد ۱۰، گذارد ۱۱۴

~: إِنَّ رَبَّکَ یَقْضِی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ (۱۰:۹۳)
پدید کند ۲۴، برگذارد ۵۹، داور باشد ۹۴

~: إِنَّ رَبَّکَ یَقْضِی بَیْنَهُم بِحُکْمِهِ (۲۷:۷۸)
می گزارد ۲۹، داوری همی کند ۵۳

~: وَالَّذِینَ یَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا یَقْضُونَ (۴۰:۲۰)
داوری میکنند ۱۲۶

~: إِنَّ رَبَّکَ یَقْضِی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ (۴۵:۱۷)

بگزارد ۲، داوری کند ۲٤

یُقْضَی: ثُمَّ یَبْعَثُکُمْ فِیهِ لِیُقْضَیٰ أَجَلٌ مُّسَمًّی (۶:۶۰)
باز گزارده شود ۳، پیدا کند ۹، گزارده شود ۱۰ مکرّر، گزاردَه شَوَد ۵۳، سپری شود ۵۸، بگذارید ۷۶، بگذ آرد ۱۰۰، گذارده شود ۱۰۵، بسر آید ۱۱۱

~: مِن قَبْلِ أَن یُقْضَیٰ إِلَیْکَ وَحْیُهُ (۲۰:۱۱٤)
گزارده شهد ۱، بگزارد ۲٤، بگزارند ۵۶، بگذارند ۷۶، گزارده آید ۹٤، گذ آرده شود ۱۰۰، رسانیده شود ۱۰۳، گزارد ۱۳۹

★ لَا یُقْضَیٰ: لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا یُقْضَیٰ عَلَیْهِمْ (۳۵:۳۶)
نرانند ۳۰

یَقْطَعَ: لِیَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَوْ یَکْبِتَهُمْ (۳:۱۲۷)
ببرد ۱، بُرد ۳، بَبُرَّد ۱۰، ببرّد ۲۹، براندازد ۳۶، ببرَد ٤۲، بُرَد ۵۵، بریده کند ٦٤، برکند ٦۷، بِبُرد ۹٤

~: وَیَقْطَعَ دَابِرَ الْکَافِرِینَ (۸:۷)
بُرَد ۳، از بن و بیخ بَبُرَد اوُ بُن بسیند بَکَند ۱۰، ببرد و بکَند ۲۷، برد ۳۰، بِبُرَد ۵۳، بِبُرد ۵٦، ببرَد ٦۲، بُرَد ۹۱، بریده گرداند ۱۰٤

لِیَقْطَعْ: فَلْیَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ لْیَقْطَعْ (۲۲:۱۵)
واز کو خود را گلوا افشار کن ۱، بُبُردا ۲، برّدا ۳، گو ببر ۳٦، بِبُرَد ۵۳، گو بِبُر ۵٦، ببردا ٦۱، ببرّدا ۸۸، بردا ۱۰۸، باید که در اتباند[1] ۱۱۳، بگلو کشد خود را ۱۲۲، خویشتن خفته کن[1] ۱۳۹

یَقْطَعُونَ: وَیَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ (۲:۲۷)
بُبرند ۲، می بُرَند ۵۵، می ببرند ٦۳، بمی بُرند ۸۹، بِبُرَّند هَمِی ۹٤، نمی پیوندند ۱۰۰، میبرند ۱۰۷

~: وَلَا یَقْطَعُونَ وَادِیًا إِلَّا کُتِبَ لَهُمْ (۹:۱۲۱)
بُرند ۱۳، برند ۳۰، برّند ۱۰۷

~: وَیَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ (۱۳:۲۵)

---

۱. کذا در متن اصلی، که اگر غلط نباشد قابل توجه است.

می ببرند ۱، می برند ۳، ببرّند ۲٤، بُبرّند ۵۳، می شکنند ٦۱، بمی برند ٦۳، می برّند ۷۲، بَرُنّد ۷٦، فرو می برّند ۷۹، ببریدند ۱۰۰، فرو می برند ۱۱۳

★ لَايَقْطَعُونَ: وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا (۹:۱۲۱)
نبرند ۱، نَبُرّند ۲، نه برند ۳۸، نَبُرند ٥٦، نبرّند ۸۸، نه برند مسافت ۱۰٤، نه برّند واپس نکنند ۱۰۹، نمیرند ۱۱۳

يَقْطِينٍ: وَأَنبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ (۳۷:۱٤٦)
کدواً ۱، کدُو ۲، کدو ۳، درخت کدو ٤۱، کاو ٦۹، درخت کدُو ۸۱، کدوبن ۱۲٤

يَقُلْ: وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَٰهٌ مِّن دُونِهِ (۲۱:۲۹)
گهد ۱، گوید ۳۹، بگوید ۵۸، میگوید ۱۱٤

يُقَلِّبُ: فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا (۱۸:٤۲)
می گردانست ۱، می گردانید ۲۹، همی گردانید ۳۸، می زد ٤۳، می گردانند ٥۷، میگرداند ٥۹، همی نگوسار گردانید ٦۱، میگردانید ٦۳، برهم میزد ۹۳، برهم می زد ۱۰٦، برمی گردانید ۱۱۳، میگردانند ۱۱٤، می گردند ۱۳۹

~: يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (۲٤:٤٤)
می گرداند ۱، همی گرداند ۲، همی گرداند ۲٤، بگرداند ٤۳، بازمی گرداند ٥٦، می گرداند ۷۹، بهم برمیگرداند ۱۰۰، گرداند ۱۱۹

★ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ: فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ (۱۸:٤۲)
دست بریکدیگر می زد ۳٤

يُقَلِّلُكُمْ: وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا (۸:٤٤)
می خجاره کرد ۱، آندکی نُمود ۱۰، اندک نمود ۲٤، اندک میکرد ۲۹، اندکی گردانید ٤۲، اندک گردانید ٦۱، اندکی همی کرد ٦۲، اندکی آورد ٦۳، اندک گردانید ٦۷، اندک کرد ۷۲، اندک نماید ۹۰، اندازه کرد ۹۱، اندکی می نمودید ۱۰۰، کم کرد ۱۰۳، اندک آورد ۱۰٦، اندکی ۱۱۲، کم گردانید ۱۱٦، کم نمود ۱۲۲، کم میگرداند ۱۲٦، اندکی گردد ۱۲۸، اندک فرانمود ۱۳٦

يَقْنُتْ: وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ (۳۳:۳۱)
فرمان برداری کند ۱، فرمان کند ۲، فرمان برد ۳، فرمان بردار باشد ۳۰، فرمان بردار شود ۱۰٦

يَقْنَطُ: قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ (۱٥:٥٦)
نومید شهد ۱، نومِید گردد ۲، نومید شود ۳، نومید گردد ۳٤، نومید باشد ٤۱، نُومید شود ٥۳، نَومِید شُدْ ٥٥، نومید بود ٥۹، نَومید گردَد ٦۲، نومید شد ۷۱، ناامید شود ۱۱٦، ناامید باشد ۱۲۸، نومید میشود ۱۳۰

يَقْنَطُونَ: وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ (۳۰:۳٦)
می نومید شند ۱، نُومید گردند ۲، نومید می شوند ۳، نومید گردند ۲٤، نومید شوند ۳٦، همی نومید بباشند ٤۷، نومیْد شَونْد ٥۳، نومید شده باشند ٦۲، نومید باشند ۷۹، نومید میشوند ۸٦، ناامید می شوند ۱۰۳، نومید همی شوند ۱۰۹، ناامید شوند ۱۲٦، ناامید گردند ۱۲۹، نومید میگردند ۱۳۷

يَقُولُ: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ (۲:۸)
گوید ۲، گویَند ۱۰، می گویَدْ ٥٥، بگو ۱۲۸

~: قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ (۲:٦۸)
همی گوید ۲، مَی گوید ۱۰

~: قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ (۲:٦۹)
همی گوید ۳٤

~: قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ (۲:۷۱)
می گوید ۲٤

~: وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۲:۱۱۷)

همی گوید ۱۰

~: سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمْ (۲:۱۴۲)
بگویند ۲، گویند ۱۰

~: وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِى ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ حَسَنَةً (۲:۲۰۱)
گوید ۲، می گوید ۱۰۱

~: حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ (۲:۲۱۴)
می گفت ۱، می گفتی ۱۰، گفت ۳۰، گفتی ۷۶

~: إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۳:۴۷)
بگوید ۲، گوید ۱۰

~: ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا۟ عِبَادًا لِّى مِن دُونِ ٱللَّهِ (۳:۷۹)

گهد ۱

~: وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ (۵:۵۳)
می گهند ۱، گویند ۲، بگویند ۲۹، میگویند ۶۱

~: يَوْمَ يَجْمَعُ ٱللَّهُ ٱلرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبْتُمْ (۵:۱۰۹)
گوید ۳

~: سَيَقُولُ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوا۟ لَوْ شَآءَ ٱللَّهُ (۶:۱۴۸)
خواهند گفتن ۱۰

~: إِذْ يَقُولُ ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ (۸:۴۹)

گفتند ۵۸

~: وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ ٱئْذَن لِّى وَلَا تَفْتِنِّىٓ (۹:۴۹)
می گهد ۱

~: وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ (۱۳:۷)
گویند ۲، میگوید ۵

~: وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ (۱۳:۲۷)
همیگویند ۹۳

~: وَيَقُولُ يَٰلَيْتَنِى لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّىٓ أَحَدًا (۱۸:۴۲)
میگفت ۱۰۰

~: إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۱۹:۳۵)
بگوید ۲

~: وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِى ٱلسَّبِيلَ (۳۳:۴)
گوید و پیدا کند ۴۶

~: وَإِذْ يَقُولُ ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ (۳۳:۱۲)
بگفتند ۶۱

~: وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ (۴۷:۲۰)
می گویند ۶

~: وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطًا (۷۲:۴)
می گفتند ۶۱

يَقُولَا: حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ (۲:۱۰۲)
گویند ۱۰، گویند ۲۹، گویند ۵۲، بگویند ۶۱، میگفتند ۶۳، گفتندی ۱۰۱

لَيَقُولُنَّ: لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُۥ مَوَدَّةٌ (۴:۷۳)
گویند ۲۷، بگویند ۲۹، هرآینه گوید ۱۱۱

~: لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ (۹:۶۵)
گهند ۱

~: لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُۥٓ (۱۱:۸)
می گهند ۱، بگویند ایشان ۶۱

~: لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ ٱلسَّيِّـَٔاتُ عَنِّىٓ (۱۱:۱۰)
می گهد ۱، گوید ۵۸، بگوید ۶۱

~: لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ (۲۱:۴۶)
گویند ۲

~: وَلَئِن جَآءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ (۲۹:۱۰)
گویند ایشان ۵۶

~: وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ ([illegible])

گويند هر آينه هر آينه ۳۲، هر آينه گويند هر آينه هر آينه ۸۰، هر آينه گويند ۹۴

يَقُولُوا: وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (۱۷:۵۳)
بگويند ۲

~: إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ (۲۲:۴۰)
مى گفتند ۵۸

~: لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا (۲۴:۵۱)
گوهند ۱

~: فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا (۲۸:۴۷)
گفتندی ۴۷، بگفتند ۶۱

★ لِيَقُولُوا: فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۴:۹)
گوهيد ۱، گويندا ۳، بگويندا ۱۰، گو بگوييد ۲۷، ببايد گفت ۴۰، بگويند ۵۸، بيگويند گو ۹۰، بگوئيد ۹۶، بايد كه گويند ۱۰۴

~: وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ (۶:۱۰۵)
گهند ۱

★ لَا يَقُولُوا: أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ (۷:۱۶۹)
نگوهيد ۱، نگويند ۲۹، نه بگويند ۶۱

يَقُولُونَ: ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ (۲:۷۹)
گويند ۲، گويند ۱۰

~: وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ (۳:۷)
مى گهند ۱

~: وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۳:۷۵)
همى گويند ۲

~: وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۳:۷۸)
همى گويند ۲، مى گويند ۲۵

~: يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِم مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ (۳:۱۶۷)
همى گفتند ۲

~: وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ (۴:۱۵۰)
همى گويند ۲

~: يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ (۵:۵۲)
ميگويند ۶۱

~: يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۵:۸۳)
گفتند ۵۸

~: قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ (۶:۳۳)
ايشان همى گويند ۲۷، ايشان ميگويند ۲۹، ميگويند ۵۸

~: وَمَن يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ (۱۰:۳۱)
سرانجام گويند ۶۴

~: وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (۱۵:۹۷)
مى گوهند ۱

~: وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ (۱۶:۱۰۳)
هميگويند ۹۳

~: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (۱۷:۴۳)
همى گويند ۲

~: فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا (۱۷:۵۱)
گويند ۲

~: وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا (۱۸:۲۲)
مى گويند ۲، همى گويند ۲

~: نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ (۲۰:۱۰۴)
مى گويند ۲

~: سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳:۸۵)
گويند ۲، بگويند ۴۳

~: يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا (۲۳: ۱۰۹)
همی گفتند ۲، میگفتند ۵۱

~: وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (۲۵: ۲۲)
گویند ایشان ٤٦

~: أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ (۳۲: ۳)
خواهند گفت ٦٤

~: وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓا ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۷: ۳٦)
همی گفتند ٦١

~: اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ (۳۸: ۱۷)
می گویند ۸۱

~: يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ (٤۲: ٤٤)
گویند ۳۲

~: إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَيَقُولُونَ (٤٤: ۳٤)
می گویند ۳، می گویند ۳۲

~: فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ (٤۸: ۱۵)
همی گویند ۲

~: فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ (٥۰: ۳۹)
ایشان می گویند ٦

~: نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ (٥۰: ٤٥)
ایشان می گویند ٦

★ إِنْ يَقُولُونَ: إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (۱۸: ٥)
نمی گهند ۱، نمی گویند ٦٤، همی نگویند ۱۰۸

★ سَيَقُولُونَ: فَسَيَقُولُونَ هَٰذَآ إِفْكٌ قَدِيمٌ (٤٦: ۱۱)
زود گوئید ۱۱٤

يَقُومُ: إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَٰنُ (۲: ۲۷٥)
ورخیزد ۱، برخیزد ۲، خیزد ۱۰، ایستد ۲۸، بخیزد ۳۹، برخیزد ٤۲، برمیخیزد ۱۲۹، برمی خیزد ۱۳[illegible]

~: يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (۱٤: ٤۱)
بپای شهد ۱، برخیزد ۲، بپای خیزد ٥، ورخیزند ۲٤، پدید آید ۳٤، بپای گردد ٤۲، بپای خیزد ٥۳، بپای ایستد ٦۱، بپای شود ۱۳٦

~: وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَٰدُ (٤۰: ٥۱)
برخیزند ۲۹، بپای خیزند ۷۸، بپا ایستند ۱۳۲، بپا شود ۱۳٦

~: لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (٥۷: ۲٥)
بایستند ۱، ایستند ۳، راست کنند ۳۰، بیستند ۳۹، راست باستند ۱۳۸

~: يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَٰٓئِكَةُ صَفًّا (۷۸: ۳۸)
بایستد ۱، باشند ۲، بپاء خیزد ۳۹، باستد ٥۲

~: يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَٰلَمِينَ (۸۳: ٦)
خیزند ۳٤، باستند ٦٤

يَقُومَانِ: فَـَٔاخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا (٥: ۱۰۷)
بایستند ۱، بایستند ۲، ایستند ۳، بپای خیزند ۹، ورخیزند ۲٤، بیستند ۳۹، بایستند ٤۲، بیستند ٥۳، باز ایستند ٦۳، باستند ۷٦، بباشند ۹٤، برپایستند ۹۸، برخیزند ۱۱۱

يَقُومُونَ: لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَٰنُ مِنَ الْمَسِّ (۲: ۲۷٥)
ایستند ۳، ورخیزند ۲٤، خیزند ٥۲، پای ایستند ٦۱، برخیزند ۱۱٥

★ لَا يَقُومُونَ: لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَٰنُ مِنَ الْمَسِّ (۲: ۲۷٥)
ورنخیزند ۱، برنخیزند ۲، نخیزند ۱۰، برنخیزند ۲٥، برنه خیزند ۲۷، نه خیزند ٤۲، نه ایستند ٥٥، برنخیزند ٦۹، نه خیزند ۸۸، نمی استند ۹۹، برنمیخیزند ۱۰٦، نمی خیزند ۱۳٥، برنخیزید ۱۳۸

يُقِيمَا: إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ (۲: ۲۲۹)

برپای بتوانند داشت ۷۵، پای دارند ۸۸، به پای بدارند ۹۰

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ إِن ظَنَّآ أَن يُقِيمَا (۲: ۲۳۰)
بپای کنند ۱، بپای توانند داشت ۲٤، بپاء توانند داشت ۳۹، بپای دارند ٤۲، بتوانند گزارد ٦۳، نگاه دارند ٦٤، بجای توانند آورد ٦۷، بپای دارند ۷٦، بپای توانند داشتن ۸۳، بپای درانند ۱۱۱

★ أَلَّا يُقِيمَا: إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ (۲: ۲۲۹)
که بپای نکنند ۱، که راست ندارند ۲، که راست نتوانند داشتن ۲، که بپای نتوانند داشتن ۲۷، راست ندارند ۳۸، که ایشان راست ندارند ٤۲، که ایشان نتوانند داشتن ٤۲، که ایشان نتوانند داشتن ۵۲، بجا نتوان آورد ٦۷، که ایشان راست ندارند ۷٦، که بپای ندارند ۱۰۳

★ أَنْ يُقِيمَا: إِن ظَنَّآ أَن يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ (۲: ۲۳۰)
بپای توانند داشتن ۵۵

★ لَا يُقِيمَا: إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ (۲: ۲۲۹)
بپای نه تواند داشتن ۱۰، بپای نتوانند داشتن ۱۰، بپای نتواند داشت ۲۹، نه بر پای دارند ۳۰، بپا ندارند ۳٦، نگه نتواند داشتن ٤۰، نتوانیت نگاه داشتن ٤۱، نتوانند نگاه داشتن ٤۱، راست نتوانند داشتن ۵۳، بپای ندارید ۵۷، نه بپای ایستند ٦۱، بجای نتوانند آورد ٦۲، نبتوانند ٦۳، بجای نتوان داشتن ۸۲، برپای ندارند ۹۲، نتوانند راست داشتن ۹٤، راست ندارند ۹٦، نگه نتوانند داشت ۱۰۰، بجای نیاورند ۱۰٤، ایشان راست ندارند ۱۰۵، ایشان نتوانند داشتن ۱۰۵، برپا ندارند ۱۰۹، بپای ندارند ۱۱٦، بپای داشتن نتوانید ۱۲۰، بپای نمیتوانند داشت ۱۲۳، برپای نمی توانند داشت ۱۳۰، بنتوانند داشت ۱۳۸

یُقِیمُوا: لِّعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ (۱٤: ۳۱)
بپای کنند ۱، نگاه دارند ٤۱، بپاء دارند ۵۳، می گزارند ٦۱، بپای دآرند ۱۰۰

~: رَبَّنَا لِيُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ (۱٤: ۳۷)
برپای دارند ٦۱

~: وَيُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ (۹۸: ۵)
بپای دارند ۲، بپاء دارند ۳۹، بپا دارند ۸۷، بجا آورند ۱۳٦

یُقِیمُونَ: ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ (۲: ۳)
بپای دارند ۲، بپای میدارند ۳۰، بپای میدارند ٤۲، بپای می دارند ۵۵، برپای میدارند ۱۲۲، گذارند ۱۲۹، پای می دارند ۱۳٤

~: ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ (۵: ۵۵)
بپای دارند ۲، بپای می دارند ۳، برپای می دارند ٤۱، بپای دارند ۵۳، بگزارند ۵۸، می گزارندشان ٦۱، بپای می کنند ۷۵، میگذاردند ۱۰۰، بپا می دارند ۱۰۳، برپا میدارند ۱۲۲

~: ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ (۸: ۳)
می بپای کنند ۱، بپای دارند و بگزارند ۱۰، بپای دارند ۲٤، بپای دارند ۵۳، گزارند ٦۱، برپای دارند ٦٤، به پای دارند ۱۲۸

~: وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ (۹: ۷۱)
همی به پای دارند ۱۱، بپای همی دارند ۵۳، بپای همی دارند ٦۲، بپا دارند ۱۱۵، به پای میدارند ۱۲٦

~: ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ (۲۷: ۳)
همی بپای دارند ۲، پای دارند ۱۲۵

~: ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ (۳۱: ٤)
بپای دارند ۱٤، برپایدارند ۹۹، بپایدارند ۱۲۳

ٱلْيَقِينُ: وَٱعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ ٱلْيَقِينُ (۱۵: ۹۹)
مرگی ۱، بی گمان ۲، مرگ [illegible]

بی گمان ٥٥، بی گمان ـ مرگ ٧١، گمان ـ مرگ ١٢٤

~: وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ (٢٢:٢٧)
درست بی گمان ٣، راست درست ٢٤، درست ٢٩، بیگمان ٤٧، بی گمان درست ٥٣، راست ٩٠، راست بی گمان ٩٢

~: وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (٥١:٦٩)
بی گمان ٢

~: وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ (٤٧:٧٤)
بی گمانی ١٩، کار درست ٢٩، موت ٧٩

~: ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (٧:١٠٢)
دانش ١٠٥

يَقِينًا: وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَل رَّفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ (١٥٧:٤)
راستین ٣، بی گمان ١٠، بی گمان ٤١، درست ٤٣، دُرُست ٥٣، راستین ٥٥، بدرستی و راستی ٥٨، بیگمان ١٠٤، راست ١٢٤

يَكُ: فَإِن يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ (٧٤:٩)
بهود ١، باشد ٢٩

~: وَإِن يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ (٢٨:٤٠)
هست ١

★ لَمْ يَكُ: ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً (٥٣:٨)
نیست ١، نه بُود ٥٥، نباشد ٥٦، نمیباشد ١٣٦

~: وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (١٢٠:١٦)
نبود ١، نُبود ٢، نه بود ٥٦

~: أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ (٣٧:٧٥)
نبوده است ٦٤

يَكَادُ: يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ (٢٠:٢)
نزدیک بُد ١٠، خواست ٢٤، نزدیکست ٢٩، مِی خواهد ٥٥، می خهد ٨٠، بخواهد ٨٢، نزدیک است ١١٤، نزدیک آید ١٢٤

~: وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ (١٧:١٤)
نزدیک بود ٦٣، تواند ١٢٤

~: يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ (٣٥:٢٤)
خواهد ٢، خواهدی ٤٧، می خواهد ٥٤، همیشه ٧٦، میخواهد ١٢٦

~: يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (٤٣:٢٤)
می کامد[1] ١، نزدیک باشد ٥١، ببرد ٥٤، نزدیک آمد ٥٨، نزدیک میشود ٨٦، نزدیک می شود ١٠٤، خواهدی ١١٩

~: الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (٥٢:٤٣)
خواهدْ ٣٢

~: وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ (٥١:٦٨)
کامستند[2] ١، خواهد ٢، خواهند ٣، همی خواهند ٣٩، می خواهند ٤١، خواهست ١٠٩

★لَا يَكَادُ: وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ (١٧:١٤)
نکامد ١، نتواند ٢، نه خواهدی ٥، نزدیک نباشد ٢٩، نتواند ٤٢، نمی خواهد ٧٦، نه نزدیک بود ٩٣، نزدیک نبود ١٠٤

~: الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (٥٢:٤٣)
نزدیک نیست ٢٩، نخواهد ٣٩، نمیتواند ١٢٠، نه توانند کردن ١٢٤

★ لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ: وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ (١٧:١٤)
بنه گوارد ٥٩، بنگواردش ٦٠، نتواند فرو بردن ٩٤،

---

١. می کامد: نزدیک است، باشد که.
٢. کامستند: بخواهند، نزدیک است.

هرگز كوارا نشود ۱۲۱

يَكَادُونَ: لَايَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (۷۸:٤)
خواهند ۱۰، خواهند ۲۷، ميخواهند ٦۱، نزديكست ٦۳

~: لَايَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۹۳:۱۸)
خواستند ۳، ٤۳، خواستندى ٥٥، نزديک بود ۹۳

~: يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَـٰتِنَا (۷۲:۲۲)
مى كامند ۱، خواهند ۲، مى خواهند ۳، همى خواهند ۱۲، نزديک باشند ۲۹، نزديک مى آيند ٥۸، نزديک باشد ۱۱۷، مى سگالند ۱۲۹

★ يَكَادُونَ يَسْطُونَ: يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَـٰتِنَا (۷۲:۲۲)
زود برسند ۱۲۱

★ لَا يَكَادُونَ: لَايَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (۷۸:٤)
نكامند ۱، نمى خواهند ۲، نمى خواهند ۳، نه خواهند ۱۰، نخواهند ۲۹، نزديک نمى آيند ۳۹، نخواهند ٤۲، نيستند نزديک ۱۰۳، نه نزديک است ۱۰٦، نزديک نيستند ۱۱٦

~: لَايَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۹۳:۱۸)
نمى خواستند ۳۰، نزديک نبودند ٤۲، نخواستندى ۸۰، نخواستند ۹٦، نتوانستند ۱۲۸، نزديک نبود ۱۳۷

★ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ: فَمَالِ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (۷۸:٤)
نتوانند دريافتن و دانستن ٥۸، نمى دانند ٦۰، اندر نخواهند يافتن ۸۲

~: لَايَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۹۳:۱۸)
نخواستند بر افتادن ٥۲

يَكْبِتَهُمْ: لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَوْ يَكْبِتَهُمْ (۱۲۷:۳)
اندهگن گرداند ۲، نگوسار كند ۳، بروى اندر افكند ۲۳، نگوسار كنند ۳۰، بر روى افكند ۳۹، بروى افكند ٤۲، بروى افكند ٥۲، نگوسار كند ٥٥، باز گونه زند ٦۱، سرنگون كند ٦۳، بروى دارد ۷٦، اندوه ناک گرداند ۷۸، نگونسار كند ۸۰، اندوه گن گرداند ۸۲، اندوهگن گرداند ۸۳، اندوه گين گرداند ۸٤، بروى برافكنند ۸۸، نگوسار گرداند ۹۰، اندوهگين كند ۹٤، بر روى درافكند ۱۰۱، سرنگو كنند ۱۰٦، نگونسار گرداند ۱۱۱، خوار كند ۱۱۲، خوار و نگونسار گرداند ۱۱٦، اندوهناک گرداند ۱۲۱، اندر گرداند ۱۲۸، بروى درآرد ۱۳٥، نگون سار كند ۱۳٦

يَكْبُرُ: أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِى صُدُورِكُمْ (٥۱:۱۷)
بزرگ آيد ۱، بزرگ آيد ۲، بزرگ نمايد ۳، بزرگترست ۲٤، بزرگ شود ۲۹، بزرگ باشد ٤۲، بزرگ نمايد ٥٥، بزرگ داشتند ٥۷، بزرگى كند ۹۹، بزرگ مى آيد ۱۰۰، بزرگست ۱۱٦، بزرگى نمايد ۱۲۹، گران آيد ۱۳۳، بزرگ مى شود ۱۳٦

يَكْبَرُوا: وَلَا تَأْكُلُوهَآ إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا۟ (٦:٤)
بزرگ شند ۱، بزرگ شوند ۳، بزرگ شند ۱۰، وارسند ببزرگى ۲٤، بزرگ گردند ۲۹، بزرگ شند و فارسند ٤۰، بزرگ شوند ٤۲، بزرگ آيد ٤۳، بزرگ شويد ٥۳

يَكْتُبُ: وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُ (۲۸۲:۲)
بنويسد ۱، بنبيسد ۲، نويسد ۲٥، نبيسد ۲۸، بنبيسد ۲۹، نبشتن ٦۳، نويسند ۱۰٥، بنبيسد ۱۳۸

~: وَٱللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ (۸۱:٤)
همى نبيسد ۲، مى نويسد ۱۰، نبيسد ۲۷، همى نبيسد ٤٥، نبيسند ٥۳، مى نبيسد ٥٦، مى نويساند ٦۱، مينويسد و نگاه ميدارد ٦۷، بازمى نويسد ۱۰۰، همى بنويسد ۱۱۲، همى نويسد ۱۲۸

★ أَنْ يَكْتُبَ: وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ (۲۸۲:۲)

که وا ننویسد ۲۴، از نبشتن ۶۳

★ لِيَكْتُبْ: وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌۢ بِٱلْعَدْلِ (۲: ۲۸۲)
گو بنویس ۱، بنبیسند ۲، بنویسدا ۳، بَنبیسند ۱۰، باید که بنویسد ۲۵، نبیسد ۲۸، نُبیسَد ۴۲، گو بنویسد ۴۳، نبسیند ۵۲، نَبیسَدا ۵۵، بنبیسندا ۵۶، باید که بنویسَد ۵۷، گو نویسد ۶۱، بنویسد ۶۲، بباید نبشت ۶۳، بنویس ۶۹، بنویساد ۷۴، بنبیسدا ۸۳، بنبیسیدا ۸۴، بنبیسنیدا ۸۸، بنویسند گو ۹۰، نویسدا ۹۱، باید که بازنویسد ۱۰۰، بنویس گو ۱۰۲، باید که نویسد ۱۰۳، نویسند ۱۰۵، باید بنویسد ۱۲۲

يَكْتُبُونَ: فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ ٱلْكِتَٰبَ (۲: ۷۹)
نبیسَنْد ۲، بنبیسند ۱۰، می نبشتند ۲۹، نبیسند ۴۰، مِی نَوِسَنْد ۵۵، می بنویسَند ۶۰، می نویسند ایشان ۶۱، مینویسند ۶۳، بنویسد ۷۶

~: إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۱۰: ۲۱)
می نویسند ۱، همی نبیسند ۳۸، مِی نَبیسَنْد ۵۵، همی نویسند ۶۲، پوشیده اند ۹۱

~: بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (۴۳: ۸۰)
همی نبیسَنْد ۲۲، می نویسَند ۳۲، می نبشتند ۶۱، نویسند گان ۸۱، باز می نویسند ۱۰۰

~: أَمْ عِندَهُمُ ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۵۲: ۴۱)
می نبیسند ۲، همی نویسند ۳۰، همی بنبیسند ۵۶

~: أَمْ عِندَهُمُ ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۶۸: ۴۷)
نویسند ۳۰، بنویسند ۳۹، بنبشتند ۵۴

يَكْتُمُ: وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ (۴۰: ۲۸)
می پنهام داشت ۱، پنهان می داشت ۳، همی پنهان داشت ۲۴، پنهان همی داشت ۳۸، پنهان داشت ۴۲، پنهان می کرد ۴۳، پنهان کند ۵۶، واپوشانید ۷۹، نهان کند ۸۷، می پوشانید ۱۰۰، باز پوشاند ۱۰۶، پنهان میکرد ۱۱۱، می پوشاند ۱۱۳، پنهان میداشت ۱۱۴، پنهان می دارد ۱۳۶

يَكْتُمْنَ: وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ (۲: ۲۲۸)
پنهان کُنَنْد ۲، پنهان دارند ۱۰، پنهان کنند ۲۴، بپوشند ۴۱، پنهان کُنَند ۴۲، بازپوشانند ۶۳، پوشند ۶۷، نهان کنند ۷۴، فرازپوشند ۷۵، پنهان کند ۹۰، بپوشانند ۹۸، پوشآنند ۱۰۰، نهان دارند ۱۰۷، به پوشند ۱۳۰

يَكْتُمْهَا: وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٌ قَلْبُهُۥ (۲: ۲۸۳)
پنهام کند ۱، پنهان دارد ۱۰، پنهان کند ۲۴، پوشاند ۲۸، بپوشاند ۳۰، بازپوشاند ۳۸، نهان دارد ۶۱، بپوشد ۶۹، پنهان کُنَدْ ۹۴، بازپوشآند ۱۰۰، بازپوشد ۱۰۳

يَكْتُمُونَ: وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ ٱلْحَقَّ (۲: ۱۴۶)
همی بُوشَانند ۲، می پوشانند ۳، مَی پنهان دارند ۱۰، می پنهان گردند ۲۴، پنهان میکنند ۲۹، پنهان می کنند ۳۴، می پنهان دارند ۴۰، می پوشَند ۴۲، بازمی پوشند ۵۲، مِی پُوشَانَند ۵۵، بپوشند ۶۷، همی بپوشند ۸۲، نهان می دارند ۸۴، میپوشند ۹۸، میپوشانند ۱۲۲

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلْنَا مِنَ ٱلْبَيِّنَٰتِ (۲: ۱۵۹)
همی بُوشَانَنْد ۲، می پوشند ۳، پنهان دارند ۱۰، پنهان کردند ۲۴، همی بپوشانند ۳۸، پوشانَند ۴۲، پوشانند ۵۲، بپوشاند ۵۳، بپوشید ند ۶۷، بپوشانند ۷۶، وامی پوشانند ۷۹، پنهان کنند ۸۸، پنهان مینمایند ۱۲۷

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (۲: ۱۷۴)
همی بُوشَانَنْد ۲، پنهان بکردند ۲۴، می پوشانند ۳۰، همی پوشانند ۵۳، بازمی پوشانند ۶۳، می بپوشانند ۶۴، فرامی پوشند ۷۵، همی پوشانند

۸۴، بازپوشانند ۸۵

~: وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا یَکْتُمُونَ (۳:۱۶۷)
می پنهام کنند ۱، پوشیده کنند ۲، ایشان می پنهان دارند ۱۰، پنهان می دارند ۲۳، پنهان کنند ۲۴، شما پنهان می کنید ۳۴، می پنهان دارید ۴۰، پوشیده کنند ۴۲، پوشیده کنند ۵۲، همی پنهان دارند ۵۳، نهان میدارند ۶۱، بازپوشانیدند ۶۳، فرازپوشند ۷۵، پوشیده کنید ۸۴، پوشند ۹۶، پنهان میدارند ۱۰۲

~: وَیَکْتُمُونَ مَآ ءَاتَٰهُمُ اللّٰهُ مِن فَضْلِهِۦ (۴:۳۷)
بپوشانند ۲، بازپوشانند ۳۸، نهان دارند ۶۱، پنهان می دارند ۸۰، همی بودند پوشیده ۱۰۷

~: لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا یَکْتُمُونَ اللّٰهَ حَدِیثًا (۴:۴۲)
نهان کنند ۳۴، پوشیده دارید ۵۶

~: وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا کَانُوا یَکْتُمُونَ (۵:۶۱)
همی پوشید کنند ۱۰ مکرّر، نهان می دارند ۳۶، پنهان می کنید ۴۳، همی پنهان کنند ۴۵، پوشیده دارند ۴۸، پنهان همی دارند ۵۳، پوشیده میدارند ۶۷، پوشیده می دارند ۹۲، همی پنهان کنید ۱۲۸

★ کَانُوا یَکْتُمُونَ: وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا کَانُوا یَکْتُمُونَ (۵:۶۱)
می پنهام کردند ۱، همی پوشیده کردند ۲، می پنهان داشتند ۳، پنهان کرد ۱۰ مکرّر، بودند پنهان کنندگان ۲۴، ایشان پنهان داشتند ۲۷، پنهان می داشتندی ۲۹، بودند پنهان کردند ۳۷، پوشیده کردند ۴۲، پنهان می داشتند ۵۶، پنهان می کردند ۵۷، نهان میداشتند ۶۱، ایشان پنهان همی داشتند ۶۲، پنهان داشتند ۹۰، پنهان میکردند ۱۰۳، کردند پنهان ۱۱۸، می پوشیدند ۱۲۱

★ لَا یَکْتُمُونَ: وَلَا یَکْتُمُونَ اللّٰهَ حَدِیثًا (۴:۴۲)
پنهام نکنند ۱، پنهان ندارند ۱۰، پنهان نکنند ۲۷، پنهان بنکنند ۲۹، پنهان نتوانند داشت ۴۰، پنهان نتوانند کردن ۴۲، پنهان نکردندی ۵۸، نپوشند ۶۰، بازنتوانند پوشانیدن ۶۳، نهان نتوانند داشت ۶۴، پنهان نتوانند کرد ۶۷، بازنپوشند ۷۶، نتوانند پوشیدن ۸۴، بازنتوانند پوشانید ۸۹، پنهان نتوانند کردن ۹۴، بازنتوانند پوشیدن ۹۶، بازنپوشانند ۱۱۸، نمی توانند پوشانید ۱۲۲، نه پنهان کنند ۱۲۴

یَکَدْ: إِذَآ أَخْرَجَ یَدَهُۥ لَمْ یَکَدْ یَرَىٰهَا (۲۴:۴۰)
خواهد ۵۶

★ لَمْ یَکَدْ: إِذَآ أَخْرَجَ یَدَهُۥ لَمْ یَکَدْ یَرَىٰهَا (۲۴:۴۰)
نکامد ۱، نخواهد ۲، نه خواهد ۴۳، نزدیک نبود ۵۱، نتواند ۵۲، نخواهد ۵۳، نزدیک نیاید ۷۷، نه نزدیک بود ۱۰۰، نزدیک نباشد ۱۱۱، نخواهدی ۱۱۹، نزدیک نیست ۱۲۰

یُکَذِّبُ: وَیَوْمَ نَحْشُرُ مِن کُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن یُکَذِّبُ بِـَٔایَٰتِنَا فَهُمْ یُوزَعُونَ (۲۷:۸۳)
می دروزن گیرد ۱، دروغ زن داشتند ۴۶، می بدروغ داشتند ۴۷، دروغ زن می گرفت ۵۸، دروغ زن می داشتند ۶۴، بدروغ داشتند ۱۰۰، بدروغداشتند ۱۱۴

~: هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ الَّتِی یُکَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۵۵:۴۳)
می دروزن گیرند ۱، دروغ زن میکنند ۶۱

~: فَذَرْنِی وَمَن یُکَذِّبُ بِهَٰذَا الْحَدِیثِ (۶۸:۴۴)
بدروغ گیرد ۳۸، بدروغ دارد ۳۹، دروغ گوید ۵۴، دروغ دارد ۶۱، بدروغ میدارد ۱۰۰

~: أَرَءَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ (۱۰۷:۱)
دروغ داشت ۵۱، بدروغ میدآرد ۱۰۰، دروغ میدارد ۱۲۱، باور نمیکرد ۱۲۲، استوار نمی دارد ۱۳۹

★ مَا یُکَذِّبُ: وَمَا یُکَذِّبُ بِهِۦٓ إِلَّا کُلُّ مُعْتَدٍ أَثِیمٍ (۸۳:۱۲)

دروزن نگیرند ۱، بدروغ ندارند ۳۰، ناخستون نباشد ۶۷، دروغ نداشتند ۱۱۴

یُکَذِّبُکَ: فَمَا یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ (۷:۹۵)

بدروغ همی دارد ۳۸، دروغ زن می دارد ۴۱، دروغ میدارند ۵۲، دروغ زن کند ۶۴، بدروغ دارد ۹۲، دروغ گوی دارد ۱۰۹، بدروغ گفتن دارد ۱۱۴، بدروغ داشت ۱۲۶

یُکَذِّبُوکَ: وَإِن یُکَذِّبُوکَ فَقَدْ کَذَّبَتْ (۴۲:۲۲)

دروغ زن گیرند ۵۸، دروغ گوی می دارند ۶۴، دروغ زن گفتند ۸۷، دروغ دارند ۹۶، دروغ گوی میدارند ۱۰۳، دروغ زن کنند ۱۳۹

~: وَإِن یُکَذِّبُوکَ فَقَدْ کُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِکَ (۴:۳۵)

بدروغ زن دارند ۲۲، بدروغ داشتند ۳۰، بدروغ دارند ۳۸، دروغ زن دارند ۴۲، دروغ زن میکنند ۵۶، بدروغ می گیرند ۵۸، دروغ زن کردند ۶۱، دروغ زن می کنند ۶۴

یَکْذِبُونَ: لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ بِمَا کَانُوا یَکْذِبُونَ (۱۰:۲)

دروغ گویندگان ۲۴، دروغ میگویند ۸۴، دروغ گویان ۱۲۱، درمی بافند ۱۲۲، دروغ دارندگان ۱۲۴، دروغ ورمی بافند ۱۲۷

★ **کَانُوا یَکْذِبُونَ: بِمَا کَانُوا یَکْذِبُونَ** (۱۰:۲)

بدروغ می دانستند ۴، دُرُوغ مِی گُفتَند ۵۵، دروغ گفتند ۵۷، همی دروغ گفتند ۶۲، بودند دروغ زنان ۹۰، همی بدروغ داشتند ۱۰۵

~: وَبِمَا کَانُوا یَکْذِبُونَ (۷۷:۹)

می دروغ گفتند ۱، بودند دروغ گویندگان ۲۴، دروغ می گفتند ۲۹، همی دروغ گفتند ۳۸، دروغ میگفتند ۶۱، دروغ زن کردند ۶۷

یُکَذِّبُونَ: الَّذِینَ یُکَذِّبُونَ بِیَوْمِ الدِّینِ (۱۱:۸۳)

می دروزن گیرند ۱، بدروغ دارند ۳۰، بدروغ داشتند ۱۱۴، دروغگوی میدانند ۱۲۱، بدروغ میدارند ۱۳۸

~: بَلِ الَّذِینَ کَفَرُوا یُکَذِّبُونَ (۲۲:۸۴)

دروغ زن کنند ۶۱، بدروغ میدآرند ۱۰۰، دروغ گوی میدارند ۱۰۹، دروغ میدارند ۱۱۴

یُکَذِّبُونِ: قَالَ رَبِّ إِنِّی أَخَافُ أَن یُکَذِّبُونِ (۱۲:۲۶)

مرا دروغ زن خوانند ۴۷، دروغ زن گیرند ۵۸، بدروغ می دارند ۷۶، دروغ گوی دارند ۹۱، بدروغ د آرند ۱۰۰، بدروغ دارند ۱۳۸، دروغ زن کنند ۱۳۹

~: إِنِّی أَخَافُ أَن یُکَذِّبُونِ (۳۴:۲۸)

دروزن گیرند ۱، بدروغ زن دارند ۲۱، دُرُوغ زن دارند ۵۳، دروغ زن دارند ۵۸، بدروغ گیرند ۹۴، دروغ دارند ۱۱۴

یُکَذِّبُونَکَ: فَإِنَّهُمْ لَا یُکَذِّبُونَکَ (۳۳:۶)

دروغ زن کنند ۹، دروغ زن می خوانند ۲۷، دروغگوی دارند ۳۰، دروغ زن می کنند ۵۳، دروغ زن دارند ۶۱، بدروغ زن داشتند ۱۰۰، دروغ میدارند ۱۲۹

★ **لَا یُکَذِّبُونَکَ: فَإِنَّهُمْ لَا یُکَذِّبُونَکَ** (۳۳:۶)

دروغ زن نتوانند گردانیدن ۲، نه دروغگوی دارند ۳، دروغ زن می ندارند ۲۹، نتوانند دروغ زن کردن ۴۲، به دروغ نمی دارند ۵۷، نتوانند دروغ زن کردن ۵۸، دروغ زن همی ندارند ۶۲، دروغ زن نمی کنند ۶۴، دروغ زن نمیکنند ۶۷، دروغ نمی دارند ۷۶، بدروغ برنمی دارند ۹۶، دروغ نمیدارند ۱۰۳، بدروغ ندارند ۱۱۴، دروغ گوی نمی دارند ۱۲۱

یُکْرِههُّنَّ: وَمَن یُکْرِههُّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِکْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۳۳:۲۴)

بناکام فرماید ۲، ورناخواست گیرد ۲۹، بستم

بـردارد ۳۰، دشـوار دارد ٤۲، بـسـتـم دازد ٤۳، دشخـوار دارد ۵۲، بـد شواری دارد ۵٦، بـنـا کـام بفرمايد ٦۱، جور کند ٦۹، ستم کند ۹٤

يَكْرَهُونَ: وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ (۱٦:٦۲)
مـی دشخـوار دارنـد ۱، نـاپـسـنـد مـی دارنـد ۳، نـمـی خـواهـنـد ۲۹، دشـمـن دارنـد ۳۹، دشـوار می دارند ٤۱، دشخوار دارند ۵۳، ناپسند می دارند ۵۵، نخواهند ۵۷، نخواهند و دشوار دارند ۵۸، دشوار دارند ۵۹، دوست ندارد ٦۹، نپسند ند ۸۳، دشـخـوار ايـد شـان ۸٤، نـاخـوش دارنـد ۹٤، نـميخـواهـنـد ۱۰٤، نـاپـسـنـد دارنـد ۱۱٤، نـاپـسـنـد ميدارند ۱۲۱

يَكْسِبْ: وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا (٤:۱۱۱)
کند ۱۰، اندوزد ۲۹، سازد ۳۱، بکند ۵٦، می کند ۵۸، کار کند ٦۱، اندوخته باشد ٦۳، بکند کار ۷۵، بـيـنـد وزد ۷٦، ورزد ۹۱، مـی انـدوزد ۱۰۳، می ورزد ۱۱٤، همی بورزد ۱۲۷

يَكْسِبُهُ: فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ (٤:۱۱۱)
برزد ۱۲۷، اندوختی ۱۳۸

يَكْسِبُونَ: وَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ (۲:۷۹)
می سازند ٤، مَی سازند ۱۰، همی اندوختند ۳٤، کار می کنند ٤۳، همی خوزند ۵۲، همی سازند ۵۳، مـی وَرْزَنـد ۵۵، هـمـی انـدوخـتـنـد ٦۲، می الفختند ٦۷، همی کردند ۸۲، می کردند ۹۰

~: إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ (٦:۱۲۰)
بکنند ۲، می ورزند ۳، بکنند ۱۰ مکرّر، همی اندوزند والفـنـج کنند ٤٤، می کنند ۵۸، کار میکنند ٦۱، بکردند ۸۲، بسازند ۹٤، اندوزند ۹٦، ورزيدند ۱۲۱، می آموزند ۱۳۸

~: نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (٦:۱۲۹)
مَی کنند و می گويند و مَی سگالند ۱۰، الفنج همی کنند ٤٤

~: وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹:۹۵)
الفنجيده ۷۸

~: أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۰:۸)
می اندوزند ۳٤

~: فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۳۹:۵۰)
الفنجيده اند ٦٤

~: بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (٤۱:۱۷)
می الفنجند ٦٤

★ كَانُوا يَكْسِبُونَ: بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (٦:۱۲۹)
کردند و خوزيدند ۲٤، الفنجيده باشند ٦٤، کرده باشند ۷٦، ساختند ۹٤، همی خوريدند ۱۰۵، همی شناختند ۱۲٤

~: بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۷:۹٦)
ايشان می کردند ۲٤، همی کردند ٤۵، اندوختند ۵۳، کار ميکردند ٦۱، ايشان اندوختند ٦۳، می الفنجيدند ٦٤، کردند ۹۲

~: وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹:۸۲)
می ورزيدند ۳، می ساختند ۱۱، ايشان کرده باشند ۲٤، بودند کار کنند گان ۲۷، می اندوختند ۲۹، همی کَردند ٦۲، الفنجيدند ۷۸، همی گرد کردند ۸۸، بودند الفنجند گان ۹۰، بوديد ورزند گان ۱۲٤

~: وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹:۹۵)
همی ساختند ۱۳، ايشان کرده اند ۲٤، اندوخته باشند ٦۳

~: بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۰:۸)
همی اندُوختند ۲، ساختند ۵۳، بودند کنند گان ۱۲٤

~: فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ (۱۵:۸٤)
همی کردند ۲، ایشان کردند ۲٤، همی ساختند ۵۳

~: وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ (۳٦:٦۵)
اندوختند ۳٤، اندوخته باشند ٤۲، میکردید ۸۷، اندوخته باشید ۱۰۵

~: فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ (۳۹:۵۰)
می کردند ۵٦، بودند ورزندگان ۱۲٤

~: فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ (٤۰:۸۲)
همی ساختند ۲۲، همی ورزیدند ٤۱، میکردند ۸۷

~: بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ (٤۱:۱۷)
همی ساختند ۲۲

~: لِيَجْزِىَ قَوْمًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ (٤۵:۱٤)
ورزیدند ۳۲، کار می کردند ٦۱

یَکْشِفُ: فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَآءَ (٦:٤۱)
واز کند ۱، بُگشاید ۲، بازپوشد ۹، بگشاید ۱۰ مکرّر، وردارد ۲٤، برگیرد ۲۷، برگشاید ۳۸، بردارد ٤۱، او بازگشاید ۵٦، بردارد ۵۸، وابرد ۷۹، بگشاید ۸۸، گشایت ۹۱، بکشاید ۱۱۹، برمیدارد ۱۲۰

~: إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ ٱلسُّوٓءَ (۲۷:٦۲)
بردارد ۲، گشاید ۳، بازدارد ۲۱، بگردانند ۳۸، دور کند ۳۹، بازگشاید ٤۳، ببرد ٤٦، بازبرد ٤۷، دورگردانند ٦۱، بازمی برد ۸٦، برد آرد ۱۰۰، برمی دارد ۱۱٦، برداشت ۱۲۱

یُکْشَفُ: يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ (٦۸:٤۲)
وازکرده شهد ۱، پیدا شود ۲، گشاده کرده شود ۳، برهنه کند ۱۹، بازگشایند ۲۹، برهنه شود ۳۹، برهنه کنند ٤۹، برهنه کرده شود ۵٦، وابرده شود ۷۹، گشاده شود ۸۷، پرده برداشته شود ۱۰۲، برداشته شود پرده ۱۰۳، بازبرده شود ۱۰٤، بردارند جامه ۱۰۵، برداشته شود ۱۰۹، پیچیده شود ۱۱۷، بازگشاده شود ۱۳۹

یَکْفِ: أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ (٤۱:۵۳)
بسنده است ۱٦

★ لَمْ یَکْفِ: أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ (٤۱:۵۳)
گوسی نکند[1] ۱، نه بسنده است ۳، نه بسندست ۲۲، بسنده نیست ۲۹، بَسنده نیست ۳۲، نیست بسنده ٦٤، بسنده نبود ٦۹، نه پسنده است ۹٦

یَکُفَّ: عَسَى ٱللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأْسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ (٤:۸٤)
وازدارد ۱، بازدارد ۳، وادارد ۱۰، کوتاه کند ۳۱، بگردانند ٤۱، فروگیرد ٤۲، فروگیرد ۵۲، بازدارد ۵۵، بازدارد و کوتاه کند ۵۸، دست نبرد ۹۰، بازدارد ۹٤، بازدهد ۱۲٤

یَکْفُرُ: وَمَن يَكْفُرْ بِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ (۲:۱۲۱)
بنه برود ۱۰، نبرود ٤۰، نگرود ۵۲

~: فَمَن يَكْفُرْ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ (۲:۲۵٦)
کافر شهد ۱

~: وَمَن يَكْفُرْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ (۳:۱۹)
ناخستون شود ٦٤

~: وَمَن يَكْفُرْ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ (٤:۱۳٦)
نگروید ۷۵

~: وَمَن يَكْفُرْ بِٱلْإِيمَٰنِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُۥ (۵:۵)
پوشد ۹٦

---

[1] گوسی نکند: بس نباشد.

~:فَمَن یَکْفُرْ بَعْدُ مِنکُمْ فَإِنِّی أُعَذِّبُهُ عَذَابًا (۵: ۱۱۵)
نگرود ۲۷

~:فَإِن یَکْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَکَّلْنَا بِهَا قَوْمًا (۶: ۸۹)
نگروند ۵۸، نبک رود[1] ۱۲۸

~:فَمَن شَاءَ فَلْیُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْیَکْفُرْ (۱۸: ۲۹)
نه گرَوَدا ۵۵، نگرودا ۱۰۸

~:ثُمَّ یَوْمَ الْقِیَامَةِ یَکْفُرُ بَعْضُکُم بِبَعْضٍ (۲۹: ۲۵)
بیزار شود ۲٤، ناخستون شوند ۷۸، ناسپاس شود
بستوه شود ۱۰۹، بیزاری کند ۱۱۱

~:لَجَعَلْنَا لِمَن یَکْفُرُ بِالرَّحْمَٰنِ لِبُیُوتِهِمْ سُقُفًا (٤۳: ۳۳)
نمی گرود ۱۰۳، نگرویده ۱۳۲

یُکْفَرُ: یُکْفَرُ بِهَا وَیُسْتَهْزَأُ بِهَا (٤: ۱٤۰)
ناسپاسی کرده شهد ۱، نمیگروند ۱۱۱

یُکَفِّرْ: وَیُکَفِّرُ عَنکُم مِّن سَیِّئَاتِکُمْ (۲: ۲۷۱)
فروپوشاند ۳، بپوشانیم ۲۵، بپوشانم ۷٤،
درگذرانم ۹۰، پوشد او ۱۰۹، میپوشاند ۱۲۲،
می پوشاند ۱۳۰

~:وَیُکَفِّرْ عَنکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ (۸: ۲۹)
محا کند ۱، بازپوشد ۳۵، پاک کند ٤۹، فُروپُوشَد
۵۵، واپوشاند ۷۹، بآزپوشاند ۱۰۰، به پوشاند ۱۲٤

~:لِیُکَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِی عَمِلُوا (۳۹: ۳۵)
بگذارد ٦۱، درگذرد ۱۲۲، تاپوشاند ۱۳۹

~:وَیُکَفِّرَ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ (٤۸: ۵)
بپوشاند ۲، بمحاند ٦، بیفکند ۱۷، واپوشد ۳۸،
بردارد و بپوشاند ٤٤، بسترند ۵۳، درگذارد ٦۱،
بازپوشانیم ۱۰۰، درگذارد و فروپوشد ۱۰۹، گزارد
۱۲٤

~:یُکَفِّرْ عَنْهُ سَیِّئَاتِهِ (٦٤: ۹)
بپُوشاند ۲، بیامرزد ۲٤، بپوشد ۲۹، بپوشانند ۳۰،
دَرگُذَرد ٤۲، بپوشد ۸۱، بازپوشاند ۱۰۰، فراپوشیده
شود ۱۲٦، میپوشد ۱۳۰

~:وَمَن یَتَّقِ اللَّهَ یُکَفِّرْ عَنْهُ سَیِّئَاتِهِ (٦۵: ۵)
بسترد ۲۹، ببَرَد ٤۲، نیست گرداند ٤۹، بپوشاند و
درگذارد ٦٤، دور کند ۱۳۲

~:عَسَىٰ رَبُّکُمْ أَن یُکَفِّرَ عَنکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ (٦٦: ۸)
فروپوشد ۳، ببرد ۲۹، فراپوشد ۳۹، پاک گرداند
۸۷، بردارد ۹٦، درگذراند ۱۱۱

یَکْفُرُوا: أَن یَکْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْیًا (۲: ۹۰)
نگرَویدَند ۵۵

~:وَقَدْ أُمِرُوا أَن یَکْفُرُوا بِهِ (٤: ٦۰)
بیزاری گیرند ٦۷، نگروند ۷۵

~:لِیَکْفُرُوا بِمَا آتَیْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا (۱٦: ۵۵)
نسپاسی کنند ۳، ناسپاسی کنند ٤۲، نامن پاس
کنند ۱۲۸

~:لِیَکْفُرُوا بِمَا آتَیْنَاهُمْ وَلِیَتَمَتَّعُوا (۲۹: ٦٦)
نابرویده و ناسپاس می شوند ٤۷، ناسپاس شوند ٦٤

~:لِیَکْفُرُوا بِمَا آتَیْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا (۳۰: ۳٤)
ناسپاس و نابرویده می باشند ٤۷، ناسپاسی کنند
۱۰۰

یَکْفُرُونَ: وَیَکْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ (۲: ۹۱)
ناسپاسی می کنند ۳۸، ناخستون میشوند ٦٤،
نگروند ۷٤، نمیگرویدند ۱۲۲

~:إِنَّ الَّذِینَ یَکْفُرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ (۳: ۲۱)
نگرویدند ۲۷

---

۱. نبک رود / بنگرود.

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ (۳: ۱۱۲)
فرازپوشند ۷۵، پوشیدند ۹۶

~: وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَٰنِ (۱۳: ۳۰)
نمیگروند ۱۰٤

~: أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ (۱٦: ۷۲)
نسپاسی می کنند ۳۰

~: كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ (۱۹: ۸۲)
بیزار گردند ۲٤، بیزاری گیرند ٤٤، سرانجام ناخستون شوند ٦٤، ناسپاس شوند ۱۰۹

~: أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ (۲۹: ٦۷)
ناسپاسی کنند ٦۱، ناخستون می شوند ٦٤

~: فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ (۳۰: ۵۱)
ناسپاسی همی کردند ۵۳، ناسپاسی می کنند ۱۲٦

~: وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ (۳۵: ۱٤)
بیزاری ستانند ۵٦

★ كَانُوا يَكْفُرُونَ: كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ (۲: ٦۱)
نمی گرویدند ۳۰، بودند ناگرویدگان ۱۲۱

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ (۳: ۱۱۲)
بودند ناسپاسی می کردند ۹۰

~: وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (٦: ۷۰)
نگرویده بودند ۱۲۲

~: وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۱۰: ٤)
نگرویدند ۵۸، بنگرویدند ۹۵، نمیگرویدند ۱۱۱، همی نگرویدند ۱۲۸

~: بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۱۰: ۷۰)
ناخستون شدند ٦٤

يُكْفَرُوهُ: وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ (۳: ۱۱۵)
ناسپاسی کنندش ۱۱٤

★ لَنْ يُكْفَرُوهُ: فَلَنْ يُكْفَرُوهُ (۳: ۱۱۵)
ناسپاسی کرده نشید آن ۱، هرگز بی پاداش نمانند ۳، بنپوشند ۲۳، بازنپوشانند ۳۸، هرگز نوسپاسی مکنید ٤۱، ناسپاس داشت نگردد شما را ٤۲، ناسپاس داشت نگردد ۵۲، هرگز نه ناسپاسی کرده شویت ۵۵، هرگز ناسپاسی کرده نشوید ۵٦، فراموشی نکنند ٦۷، فراز نپوشند ۷۵، ناسپاس داشته نگردد ۸٤، نیست پوشیده هرگز ناسپاسی کرده نشود ۹۲، ناسپاسی نکنید ۱۰۱، ناسپاس داشته نشوند ۱۱۱، هرگز ناسپاسی نکنید ۱۲۳، هرگز نپوشند ۱۳٦

يَكْفُلُ: إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ (۳: ٤٤)
پذیرد ۲، پذیرد ۱۰، بپذیرد ۲۷، پذرفتار کند ۲۸، پذرفتاری کند ۳۰، پذیرفتار کند ۳٦، میانجی شود ۳۹، ببایید پذیرفت ٤۰، نگاه دارد ٤۱، پذرفتاری کند ۵۵، درپذیرد ۵٦، سپرد ٦۱، پذیرفتکاری کند ٦۲، پروردن ۷۸، پذرفتاری کند ۸۰، پایندانی کنند ۱۰۰، پایندا می کند ۱۱٤، پایندان شود ۱۱٦، پزیرفتکاری کند ۱۲۹، پایندانی کند ۱۳٤، نگه داری کند ۱۳٦، پایندانی کند ۱۳۸

يَكْفُلُهُ: فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ (۲۰: ٤۰)
بپذیرد ۱، نگه بانی کند ۲۹، پذیرد ۳۰، نگاه دارد ۳٦، پذیرفتاری کند ۵٦، برگیرد ۵۸، کار دربرگیرد ۷٤، پایندان کند ۷٦، پایندانی کند ۸۹، دربر گیرد ۹۲، درپذیرد ۹٤، پابندانی کند ۱۰٦، به پزیرد ۱۰۸، پرورد ۱۲۱، پزیرد ۱۲۹، با آیندانی کنند پایندانی ۱۳۸

يَكْفُلُونَهُ: عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ هَلْ أَدُلُّكُمْ (۲۸: ۱۲)
بپذیرند ۱، پذیرند ۳، بدارند ایشان ۲٤، نگه بانی کنند ۲۹، برپذیرند بدایگی ٤۷، پایندانی کند ۵۲، بپذیرند ۵۳، همی دارند ٦۲، درپذیرند ٦٤،

پذرفتاری کنند ۷٦، پذیرند ۸۰، پایندانی کنند ۱۰۰، پایندانی کنید ۱۰۵، پایندان کنند ۱۳٤، بپذیرفتند ۱۳۹

يَكْفِهِمْ: أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ (۵۱:۲۹)
بس کند ٤۳

★ لَمْ يَكْفِهِمْ: أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ (۵۱:۲۹)
گوسی نکند ۱، بسنده نیست ۲، نه بسنده بود ۳، بسنده نباشد ۱٤، بسند نشد ۲۹، بسنده نیست ۳۰، بسنده نکرد ٤٦، نه بسنده است ٤۷، نه بس باشد ۵۳، بس نکند ۵۸، نه بس بود ٦۲، نیست بسنده ٦٤، بسند نیست ۹٦، بسندیده نیست ۱۰۵، بسنده نبود ۱۲۱، نه است بسنده ۱۲٤، بس نیست ۱۳۲

يَكُفُّوا: وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوا (۹۱:٤)
بازدارند ۲۷، بازگیرند ٤۱، کوتاه کند ٤۵، بازخود گیرند ٤۸، باز زنند ٦۱، باز خودانگیرند ۱۳۸

★ [لَمْ] يَكُفُّوا: وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ (۹۱:٤)
واز ندارند ۱، فرو ندارند ۱۰، فرو نداشتند ۲٤، فرو ندارند ۳٤، فرو نگیرند ٤۲، فرو نگیرند ۱۰۵، باز ندارند ۱۲۲

يَكُفُّونَ: لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ (۳۹:۲۱)
واز بدارند ۱، باز دارند ۳، کوته کنند ۱۲، بازداشتند ٤۲، توانند بازداشت ۹۰، بازداشته شوند ۱۱۷، بازتوانند داشت ۱۲٦

★ لَا يَكُفُّونَ: لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ (۳۹:۲۱)
نتوانند بازداشتن ۲، وانگیرند ۲۹، بازندارند ۳٤، بازنتوانند داشت ۳۹، نتوانند بازداشت ٤۱، بازندارند و نتوانند که بازدارند ۵۸، نتوانند باز آرند ۷٤، نه توانند بازداشتن ۱۲٤، بازنمیدارند ۱۳۰، بازنتواند داشت ۱۳۹

يَكْفِيَكُمْ: أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ رَبُّكُم (۱۲٤:۳)
بَس بود ۱۰، بس بود ٤۰، بس باشد ۵۳، بَسنْدَه شَوَد ۵۵، بس کند ۷۵، بسنده بود ۸۰، بسندَه باشد ۸۲، بسنده کند ۹۰

★ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ: أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ (۱۲٤:۳)
خود بس نبود ۱۰۱

★ لَنْ يَكْفِيَكُمْ: أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ (۱۲٤:۳)
گوسی نکند ۱، نباشد بسنده ۲، هرگز بسنده نبود ۳، نه بس باشد ۲۳، نه بسنده باشد ۲۷، بسنده نیست ۳٦، بسنده نبود ۳۹، نه بس بود ٤۰، نباشد بسندَه ٤۲، نه بس کند ٤۳، بسنده نباشد ۵۸، هرگز نه بسنده کند ٦۱، پس نبود ٦۷، هرگز بسنده نکند ٦۹، نباشد بس ۹۲، نباشد پسنده ۹٤، بس نیست ۱۰۳، پسند نکند ۱۱٤، نباشد بسندیده ۱۲٤، نه باشد بسنده ۱۲۸، بسندیده نبود ۱۳٦

فَسَيَكْفِيكَهُمُ: فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ (۱۳۷:۲)
بَسندگی کند ۲، بَسندِگی کند ٤۲، زود بود که بسنده کند ٤۳، زود بسنده کند ٦۱، برگیرد ٦۷، زود باشد که بسنده کند ۷٤، بسندگی کند ۷٦، بسنده است ۸۸، زود پسندگی کند ۹٤، سرانجام برهاند ۹۸، بسندگی کند ۱۰۵، بردارد ۱۲۸

يَكْلَؤُكُمْ: قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ (٤۲:۲۱)
همی نگاه دارد ۱۲، نگاه دارد ۲٤، نگاه بدارد ۲۹، نگاه می‌دارد ۵٦، نگاه میدارد ۷٤، نگاهدارد ۸۷، نگه میدارد ۱۰۰، نگه دارد ۱۰۳، نگهدارد ۱۰٦، میدارد ۱۲٤، می‌دارد ۱۲۸، نگه بدارد ۱۳۸

يُكَلِّفُ: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۲۸٦:۲)

ببسكفت[1] فرمايد ٢٨، فرمايد ٦١، نهد ١٢٤

~: لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَا (٧:٦٥)
بشكفت[1] مى فرمايد ٣، اندر فرمايد و خواهد ٥٦، بگردن در آرد ١١٤

★ لَا يُكَلِّفُ: لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (٢:٢٨٦)
ور ننهد ١، نه بنشكفت[1] فرمايد ٣، اندر نخواهد ١٠، نفرمايد ٢٤، بر ننهد ٢٥، در نخواهد ٣٠، ننهد ٣٨، بر ننهاد ٤١، نه بسكفت[1] فرمايد ٥٥، نكند زيادت ٦٩، نه نهد ١٣٨

~: لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَا (٧:٦٥)
نمى كند سختى ٤١، نخواهد ٦١، رنج ننهد ٨١، نكند ستم ٩٢، برنج ننهد ١١٣

يُكَلِّمُ: وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا (٣:٤٦)
سخن مى گويد ٣، سخن گويد ١٠، سخن گفت ٢٤، سخن ميگويد ٢٨، سخون گويد ٦١، گويد سخن ٦٩، مى سخن گويد ٩٢

يُكَلِّمُنَا: لَوْلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوْ تَأْتِينَآ ءَايَةٌ (٢:١١٨)
سخن گويد ٣، سخن گفتى ٢٩، سخون كند ٦١، سخن كند ٩٠، سخن ميگويد ١٢٩

★ لَا يُكَلِّمُنَا: لَوْلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ (٢:١١٨)
سخن نگويد ٢، سخن نگويد ١٠، سخن نمى گويد ٣٦، سخن نه گويد ٤٠، سخن نگويد ٤٢، نگويد سخن ٥٣، سخن نگويد ٦٧، سخن نميكند ١٠٤، سخن نمى كند ١١٦، سخن نكند ١١٨، سخن نميگويد ١٢٢

يُكَلِّمَهُ: وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا وَحْيًا (٤٢:٥١)
سخن گهد ١، سخن گويد ٣٢، سخون گويد ٦٧

يُكَلِّمُهُمْ: وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (٢:١٧٤)
سخن گويد ٣، گويد سخن ٥٦، سخون كند ٦١

~: وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ (٣:٧٧)
سخن گويد ١٠، گويد ٢٨، سخون گويند ٣٩، سخون گويد ٦١، سخن كند ٩٠

~: أَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا (٧:١٤٨)
گفت سخن ٢٤، سخن گفت ٣٦، سخون كند ٦١

★ لَا يُكَلِّمُهُمْ: وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ (٢:١٧٤)
سخن نگويد ٢، سخن نگويد ١٠، سخن نه گويد ٤٠، نه گويند سخن ٦٤، نه سخن گويد ٧٤، سخن نكند ١١٦، نه گويد سخن ١٢٤

~: وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ (٣:٧٧)
سخن نگهد ١، سخن نگويد ٢، سخن نگويد ١٠، نگويد سخن ٢٤

~: أَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا (٧:١٤٨)
سخن نمى گفت ١، سخن مى نگفت ١٠، سخن همى نگويد ٥٣، نمى گفت سخن ٥٧، سخن همى نگويد ٦٢، سخن همى نگويد ٩٣، سخن گفتن نتواند ٩٦، نميگفت ١٠٠، سخن نميگويد ١٠٣، سخن نميكند ١١١، سخن نمى كند ١١٦، سخن نميكرد ١٢٢

يَكُنْ: وَمَن يَكُنِ ٱلشَّيْطَٰنُ لَهُۥ قَرِينًا (٤:٣٨)
بود ٢٤

~: وَمَن يَشْفَعْ شَفَٰعَةً سَيِّئَةً يَكُن لَّهُۥ كِفْلٌ مِّنْهَا (٤:٨٥)
بهد ١

~: وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَآءُ (٦:١٣٩)
باشد ١٠ مكرر

~: إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَٰبِرُونَ (٨:٦٥)

---

[1] بسكفت، بشگفت: زحمت، سختى، تكليف.

هستند ۲۹، باشند ۶۱، بوده باشد ۱۳۶

~: وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (۲٤:٤۹)
باشدی ٦٤

★ لَا يَكُنْ: فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ (۷:۲)
مباش ۱، نباید که باشد ۲۹، مباد ۳٦، مباشاد ٤۹، نباشد ٦۱

~: ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً (۱۰:۷۱)
گو مباش ۱، مبادا ۲، نباشدا ۳، مباشدا ۳۹، مَباد ٤۲، مَبادا ۹٤

★ لَمْ يَكُنْ: ذَٰلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۲:۱۹٦)
نباشند ۱۰۰

~: فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ (٤:۱۱)
نبهد ۱، نه بُوَد ٦۱

~: إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ (٤:۱۲)
نبوده باشد ۱۱۱

~: لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا (٤:۱۳۷)
نه چنانست ۵۸، نه چنان است ۸۸، نسزد ۱۲۷

~: لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ (٤:۱٦۸)
نکند و نباشد ۷۰، هرگز نباشد ۱۰۰، نچنانست ۱۰۵

~: أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ (٦:۱۳۱)
نیست ۱، نُبود ۲

~: وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ (۱۷:۱۱۱)
نه بود ۲، نباشد و نبود ۵۸، نیست و نبود ٦۳، نبود و نه هست و نه باشد ۹٤، نبود و نباشد ۱۰۰، نبود و نیست ۱۰۸

~: وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا (۱۹:۱٤)
نبودْ ۲

~: وَلَمْ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ (۳۰:۱۳)
نباشد ۲

~: لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا (۷٦:۱)
نبود ٦

~: لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ (۹۸:۱)
نه بُود ۲، نه باشد ۳۹، نبودند ٦٤، نه بودند ۱۰۸

~: لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُن لَّهُ (۱۱۲:٤)
نه بوده است ٦٤، نیست و نبود و نباشد ۷۹، نبود ۱۳٦

یَکُنَّ: وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ (٤۹:۱۱)
باشند ۵٦

یَکْنِزُونَ: وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ (۹:۳٤)
می گنج نهند ۱، گنج می نهند ۳، اندر نَهَل نهند ۱۰، گرد کنند ۲٤، گنج نهند ۲۷، می نهند گنج و خزینه ٤۱، بیا کنند ٤۲، می نهند ٤۳، بنَهَند ۵۳، گنج مِی نَهَند ۵۵، گنج می دهند ۵٦، گنج می دارند ٦۱، بنهند ٦۲، گنج مینهند ٦۷، همی گنج نهند ۷۲، گنج همی نهند ۸۳، گنج می نهند ایشان ۱۰۰، گنج بنهادند ۱۱۹، گنج میکنند ۱۳٦

یُکَوِّرُ: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ (۳۹:۵)
درآرد ۱، درمی آرد ۳، بزبیچد ۲۲، اندرآورد ۲٤، درآورد ۲۹، همی اندرآرد ۳۰، میگرداند ۳۳، درمی پیچد و درمی آرد ٤۱، بگرداند ٤۳، می برگرداند ٤۹، همی برگرداند ۵۳، می اندرآرد ۵٦، می گرداند ۵۸، اندرارد ٦۹، درگرداند و درآرد ۷۲، می درآرد ۷۹، می بگرداند ۸۷، درمی آورد ۸۹، درنورد ۹۰، می پوشد ۱۰۲، درمیرساند ۱۰٤، می آورد ۱۰٦، می گرداند ۱۰۹، برمی آورد ۱۱۹، درمیآورد ۱۲۰

يَكُونُ: فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (١١٧:٢)
نَبود ١٠، نَباشد ٥٢، باشند ٦١، بگزارد ٦٣، بشود ٩٠، پیدا می شود ١٢٢، پیدا میشود ١٢٧

~: وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (١٤٣:٢)
بباشد ٢، بوَد ١٠

~: لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ (١٥٠:٢)
باشد ٢٤

~: وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ (١٩٣:٢)
می باشد ٢٩، شوند ٦٤

~: قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا (٢٤٧:٢)
بهد ١، باشد بود ٩٢

~: قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ (٤٠:٣)
باشد ٢

~: قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ (٤٧:٣)
ببود ١٠، هست شود ٣٦، بباشد ٧٢

~: فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ (٤٩:٣)
شود ٢٧، گردد ٧٢، میگردد ١٢٣

~: خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (٥٩:٣)
بُد ١٠

~: أَم مَّن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (١٠٩:٤)
باشد ٤٥

~: وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا (١٥٩:٤)
تو باشی ٧٦

~: مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ (١١٦:٥)
نه سزا بود

~: وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ (٧٣:٦)
بهود ١، میشود ٩٩، میباشد ١١٤

~: وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (٧٥:٦)
بود ٣

~: إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (٣١:١٥)
بودی ١

~: إِذَا أَرَدْنَاهُ أَن نَّقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (٤٠:١٦)
بباشد ٢، بُباشَد ٥٥

~: إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (٣٥:١٩)
ببهود ١

~: قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَا أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا (١٦:٢٤)
روا است ٢٤، سزد ١٣٢

~: لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا (٧:٢٥)
بباشیدی ١٠٨

~: فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ (٦٧:٢٨)
بند ١

~: فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (٦٨:٤٠)
ببهد ١، بباشَد ٢٢

~: وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً (٣٣:٤٣)
باشَند ٣٢، بودندی ٦١

★ يَكُونَ رَدِفَ: قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم (٧٢:٢٧)
از پی در آید ٣، نزدیک آمد ٤٧

★ أَنْ يَكُونَ: قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم (٧٢:٢٧)
کبهد ١

★ لِئَلَّا يَكُونَ: لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ (١٥٠:٢)
تا نباشد ٢، نباشد ٣٠، تا نبود ٤٠، نباشید ٨٢، تا نه باشد ٩٠، نبوده باشد ١٣٦

~: لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ (١٦٥:٤)
تا نبهد ١، تا نباشد هرگز ١٠٠، تا نباشند ١١١

★ لِكَيْ لَا يَكُونَ: زَوَّجْنَٰكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَٰجِ أَدْعِيَآئِهِمْ (۳۳:۳۷)
تا نباشد ٤۳

~: لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ (۳۳:۵۰)
نباشد ٦۱

★ مَا يَكُونُ: مَا يَكُونُ لِيٓ أَنْ أَقُولَ (۵:۱۱٦)
نباشد ۲، نباشد و نیست و نرسد ۱۰ مکرّر، نبهود ۳۷، نبود ٦۳، نمی باشد ـ نمی رسد ۹۱

~: فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا (۷:۱۳)
نبهد ۱، نه سزاوارست ۱۰، نباشد و نشود ۵۸، نرسد ٦٤، نمی سزد ۱۱٤

~: وَمَا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّعُودَ فِيهَآ (۷:۸۹)
نیست ۲۹، نشاید ۳۹، نمیباشد ۱۳٦

~: قُلْ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنْ أُبَدِّلَهُۥ (۱۰:۱۵)
نسزد ۷۹

~: قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا (۲٤:۱٦)
روانباشد ۸۷، نمی شاید ۹۱

لِيَكُونَا: لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ ٱلصَّٰغِرِينَ (۱۲:۳۲)
باشد ۵۸، بْباشد ۷٦

يَكُونَا: لِيَكُونَا مِنَ ٱلْأَسْفَلِينَ (٤۱:۲۹)
باشند ۳۹، بباشند ۹٦

★ لَمْ يَكُونَا: فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ (۲:۲۸۲)
نبهند ۱، نه باشند ۱۰، نباشند ۲۵، نباشد ۵۲، نه باشد ٦٤، نه باشندا ۱۰۹

لَيَكُونُنَّ: لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى ٱلْأُمَمِ (۳۵:٤۲)
بودندی ۲۲، بباشیم ٦۱

يَكُونُوا: أُولَٰٓئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ (۹:۱۸)
بند ۱

~: رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ ٱلْخَوَالِفِ (۹:۹۳)
بباشند ۵۸

~: ثُمَّ لَا يَكُونُوٓا أَمْثَٰلَكُم (٤۷:۳۸)
باشند ۳

~: عَسَىٰٓ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ (٤۹:۱۱)
باشید ۱۷، باشند ۳۰

★ أَلَّا يَكُونُوا: أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۲٦:۳)
که نمی باشند ٦٤

★ أَنْ يَكُونُوا: رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ ٱلْخَوَالِفِ (۹:۸۷)
نباشند ۱۰۳

★ لِيَكُونُوا: فَلْيَكُونُوا مِن وَرَآئِكُمْ (٤:۱۰۲)
کوبید ۱، بباشند ۲، باشندا ۳، باشند ۲۹، گوباشیت ٤۱، بباشند ٤۲، گوباشند ٦۱، باید که باشند ۱۰۰

~: لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (۱۹:۸۱)
بند ۱، بباشند ۲، تا بباشند ۱۰۸

~: إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُۥ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ (۳۵:٦)
باشد ٦۱

★ لَا يَكُونُوا: أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۲٦:۳)
نیند و نباشند ۵۸، نمی باشند ۸٦، نیستند ۱۰۰

~: ثُمَّ لَا يَكُونُوٓا أَمْثَٰلَكُم (٤۷:۳۸)
نباشیت ٤۱، نباشید ۸۷

~: وَلَا يَكُونُوا كَٱلَّذِينَ أُوتُوا ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلُ (۵۷:۱٦)
مه باشند ۲، نباشند ۵٦، نباید که باشند ۱۰۰

★ لَمْ يَكُونُوا: أُولَٰٓئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ (۱۱:۲۰)
نبند ۱، نباشند ۵۸، نیستند ۱۱۱

~: وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (۳۹:٤۷)

نبودند ۱، نه بودند ۵٦

يَكُونُونَ: وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا (۱۹:۸۲)
شوند ۱۰۳، بباشند ۱۰۸

~: كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۷۲:۱۹)
بند ۱، باشند ۳۹، بوند ۱۱٤

فَيَكِيدُوا: فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا (۱۲:۵)
بدسگالند ۳، ایشان برنجانند ۷ مکرّر، سگالند ۳۰، بدی سگالند ٤۱، بسگالند ٤۸، بسگالید ۵۳، می سگالند ۷٦، سازند ۸۹، بسازند ۹٤

يَكِيدُونَ: إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا (۸٦:۱۵)
همی سازند ۳۰، همی سگالند ۳۸، می سگالند ۳۹، بدی میسگالند ٦۷، بدی می سگالند ۸۰، سگالش کنند ۸۷، سگالش میکردند ۹۹، می سازند ۱۳٤

يُلَاقُوا: حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (٤۳:۸۳)
پدیره آیند ۱، بینند ۳، بینند ۳۲، بررسند ۸۱

~: حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (۵۲:٤۵)
بررسند ۸۱، رسند ۸٦

~: حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۷۰:٤۲)
ببینند ٦، برسند ۳۰، باز رسند ۹۹، برخورند ۱۳۲

يَلْبَثُوا: كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ (٤٦:۳۵)
درنگ کردند ۳، درنگ کنند ۳۸

★ لَمْ يَلْبَثُوا: لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ (۱۰:٤۵)
دَرنگ نکردَه باشند ۱۰، درنگ نکردند ۲۷، نماندند ۳۸، نبودند ٤۱، نه درنگ کَرْدَنْد ۵۳، نَه دَرَنگ کَردَند ۵۵، نبودندی ۵۸، نه درنگ کَردند ٦۱، درنگ نکرده بودند ٦۷، نکردند درنگ ۷۲، درنگ نکرده‌اند ۸۸، درنگ نکرده باشد ۱۰٦، نکرده‌اند درنگ ۱۲۳

~: كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ (٤٦:۳۵)
درنگ نکردند ۱، درنگ نکردندی ۲، نه درنگ کردند ۳، نه درنگ کنند ۱۷، درنگ نکرده‌اند ۸٦، درنگ نکنند ۱۱۳، نه مانند ۱۲٤

~: كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۷۹:٤٦)
درنگ نکرده باشند ۷۹

يَلْبَثُونَ: وَإِذًا لَّا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۷:۷٦)
درنگ کنند ۳، درنگ کُنند ۵۵، مانند ٦۱

★ لَا يَلْبَثُونَ: وَإِذًا لَّا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ (۱۷:۷٦)
درنگ نکردندی ۱، درنگ نکنند ۲٤، نمانند ۳۹، نماندَندی ۵۳، بنمانند ٦۰، نباشند ٦۹، درنگ نکردند ۷٤، درنگی نکردندی ۹۳، درنگ نمیکنند ۱۳۰، درنگ نمیکردند ۱۳۷

يَلْبِسَكُمْ: أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم (٦:٦۵)
بیامیزد ۱، آمیخته کند ۳، بپوشاند ۹، بپوشد ۲٦، آمیخته بکند ۲۹، برگرداند ٤٤، آمیخته کُند ۵۵، درپوشد ۵۷، برآمیزد ٦۳، پیدا آرد ٦٤، درپوشانند ۷٦، بشوراند ۷۹، درپوشاند ۸۸، بچشاند ۹۰، بهم آمیزد ۹٦، درهم زند ۱۰٦، برپوشد ۱۰۷، درآمیزد ۱۱۱، شوریده کند ۱۱۲، پوشد ۱۱٤، پوشاند ۱۲۸، بیامیزند ۱۳۸

يَلْبِسُوا: وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ (٦:۱۳۷)
هکوی کنند[1] ۱، پوشیده کنند ۳، بپوشند و بشورند ۱۰، پوشیده گردانند ۱۰ مکرّر، بپوشانید ۵۳، پوشیده کُنند ۵۵، بپوشند ۵٦، بپوشد ۵۸، پوشیده گردانید ۸۸، بپوشند گردانند[2] ۹۲، شوریده کنند ۱۰۲، پرسیده[3] گرداند ۱۰۵، بپوشانند

---

۱. هکوی کنند: شوریده گردانند.
۲. کذا، شاید تحریفی باشد از «پوشیده گرداند».
۳. اگر تحریفی از «پوشیده» نباشد، باید گفت: «پَرس» در فرهنگ به معنی پوشش و پر آمده است.

۱۲۱، بر آمیزند ۱۳٤

★ لَمْ یَلْبِسُوا: وَلَمْ یَلْبِسُوٓا۟ إِیمَٰنَهُم بِظُلْمٍ (۸۲:٦)
نیامیختند ۱، نیامیختَنْد ۲، نه آمیختند ۳، نه پوشیدند ۹، بنَه پوشند ۱۰، نپوشیدند ۳٦، نه آمیزَند ۵۳، نه آمیختَنْد ۵۵، پوشیده نکردند ۵۷، بنپوشند ٦۰، بنه آویخته‌اند ٦۲، نه پوشند ۷٦، نه شورانیدند ۷۹، برنیامیختند ۸۵، وانپوشیدند ۸۸، نه پیچیدند ۹٦، نپوشند ۹۹، نیامیخته ۱۱۱، نیامیخته‌اند ۱۳۰

یَلْبَسُونَ: وَیَلْبَسُونَ ثِیَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ (۳۱:۱۸)
می پوشند ۱، بپوشند ۸، درپوشند ۲۹، پوشند ۳۰، پوشانیده شوند ٤۳، بُوشَند ۵۵، بپوشَنْد ٦۲، می پوشانند ٦٤، بپوشانند ۱۰۳

~: یَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ (۵۳:٤٤)
همی پوشند ۱٦، همی پوشانند ۲٤، می پُوشند ۳۲، درپُوشَند ٤۲، می درپوشند ٤۹، میپوشند ۱۳۲

یَلْبِسُونَ: وَلَلَبَسْنَا عَلَیْهِم مَّا یَلْبِسُونَ (۹:٦)
می هکوی کنند ۱، پوشند ۹، بپوشندشان ۲٤، پوشیده‌اند ۲۵، همی پوشند ۲٦، ایشان می پوشانیدند بر خود ۲۷، می پوشند ۲۹، برپوشند ۳۱، می پوشانید ٤۱، همی پوشَند ٤۲، بررسیده گرداند ۵۲، ایشان می بپوشند ۵٦، می پوشانند ایشان ۵۷، می پوشانند ٦۰، ایشان بر خود می پوشند ٦۳، پوشیده می کنند ۸۲، بر خود می پوشند ۸۵، پوشیده همی کنند ۸۸، بپوشند ۹۲، می پوشند ایشان ۱۰۰، می پوشیدند ۱۱۲، پوشیده کنند ۱۱٤، پوشیدند ۱۲۱

یَلْتَفِتْ: وَلَا یَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ (۸۱:۱۱)
بازگردد ۱۲٤، بازنگرد ۱۳٤

~: وَاتَّبِعْ أَدْبَٰرَهُمْ وَلَا یَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ (٦۵:۱۵)
بازنگردا ۳۹، بازپس نگرد ۱۱۱

★ لَا یَلْتَفِتْ: وَلَا یَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ (۸۱:۱۱)
کو واز منگر ۱، سپس ننگرد ۲، راست و چپ منگردا ۳، واپس نگردد ۷ مکرّر، نباید که وا نگرد ۲۹، بازپس منگردا ۳٦، نه باز گردد ۳۸، نه باز نگردا ۳۹، باز ننگردا ٤۱، بازمنگرد ٤۲، بازینگراد ٤۳، بازپَسْ مَنگرْ ۵۳، رَاسْت و چَپ مُنگِردَا ۵۵، مه بازپس نگردا ۵٦، بازپس منگرا ۵۷، وامیستدا ۵۹، باید که واپس ننگرند ۷۹، از پس مَنگِراد ۸۳، نه پس نگرد ۹۰، بازپس منگرد ۹٤، باید که باز ننگرد ۱۰٤، واپس منگردا ۱۰۵، ازپس منگردا ۱۰۹، واپس ننگرند ۱۱۱، بازپس نگرد ۱۲۱، واپس ننگرد ۱۳۳

~: وَاتَّبِعْ أَدْبَٰرَهُمْ وَلَا یَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ (٦۵:۱۵)
مَنگردا از پس ۲، مه نگردا از راست و چپ ۳، منگرا ۲٤، منگرا از راست و چپ ۳۰، پس منگراد ۳٦، باز ننگرد ٤۱، باپس منگردا ٤۲، نباید که واپس بنگرد ٤۸، باپس منگر ۵۲، مَهْ باز گُردُدَا ۵۳، نباید که بازنگرد ۵۷، از پس مماناد ۵۸، باز مگذار ۵۹، بازپس ننگرد ٦۰، نه چپ و راست کند ٦۱، بَازپَس منگرا ٦۲، نباید که باز پس نگرد ٦۳، مه نگرَدَا راست و چپ ۷۱، باید که واپس ننگرد ۷۹، مه نگردا راست و چپ ۸۰، سپس منگراد ۸۳، بازپس نگرداند ۸۸، باید که بازپس ننگرد ۱۰۰، بازپس منگر ۱۰۲، ننگرد ۱۰۳، باپس منگرادا ۱۰۵، نباید که بازپس نگرد ۱۰٦، منگردا ۱۰۹، ازپس واننگرند ۱۱۳، بازپس نگردد ۱۱٦، رونگرداند ۱۲۲، باپس مگرد ۱۲۸، به پس ننگرد ۱۳۰

یَلْتَقِطْهُ: یَلْتَقِطْهُ بَعْضُ ٱلسَّیَّارَةِ (۱۰:۱۲)
وردارند ۱، برگیرد ۳، برگیرند ۷ مکرّر، ورکشد ۲٤، بردارند ۳٦، بردارد ٤۱، برآرد ٤۲، بَرگیرَدَش ۵۵، برآرند و بردارند ۵٦، برباید ٦۱، برآورند ٦۲، بگیرد ٦۷، براورد ٦۹، پروراند ۷۲، گیرند ۷٦، یابند و بردارند ۷۹، برچیند ۸۸، برد آرند ۱۰۰، برآورد ۱۰۲، بر کشند ۱۱۲، فرا گیرند ۱۲۰

بازيابند ۱۲۱، بکشد ۱۳٦

يَلْتَقِيَانِ: مَرَجَ ٱلْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹:۵۵)
می بهم آیند ۱، بهم میرسند ۳، بهم اندر شوند ۳۰، هر دو گرد آیند ۳۹، بَهم رَسند ٤۲، فراهم آینده ٤۳، بهم می رسند ٤۹، بهمْ رَسَند ۵۱، فراهم آمدند ٦۷، برهم می رسند ۸۱، فراهم می برساند ۸۷، فراهم آیند ۹٤، فراهم میرسند ۱۰۲، بهم پیوسته است ۱۰٤، بهم رسند ۱۰۵، بیکدیگر میرسند ۱۱٦، بهم دیگر میرسند ۱۱۷، فرایکدیگر می رسند ۱۳۸

يَلِتْكُمْ: وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَٰلِكُمْ شَيْـًٔا (۱٤:٤۹)
کم کند ۳

★ لَا يَلِتْكُمْ: لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَٰلِكُمْ شَيْـًٔا (۱٤:٤۹)
بنکهد ۱، نکاهد ۲، کم نکند ٦، بنه کاهد ۱۷، بنکاهاند ۲۹، نکند کم ٤۱، نه کاهاند ۵۳، نه کاهند ۸۱، نه کاهد ۸۸، نکاهند ۹٤، باز نکاهاند ۱۰۰، کم نگرداند ۱۱، نه کم کند ۱۲۹

يَلِجَ: حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلْجَمَلُ فِى سَمِّ ٱلْخِيَاطِ (٤۰:۷)
درشهد ۱، اندر رَود ۱۰، اندرشود ۱۷، در رود ۳۹، اندَر آید ٤۵، دَر آیَد ۵۵، اندر اُید ۸٤، در شَود ۱۱٤

~: يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا (۲:۳٤)
درآید ۱، درمی آرد ۳، درمی شود ۲۹، اندرآید ۵٦، رود ۹۱، فرومیرود ۱۰۰، فرورود ۱۰۳

~: يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا (٤:۵۷)
درمی آید ۳، درشود ۲۹، فروشود ۳٤، درآرد ۳۹، نهان شود ٦٤، دربرد ۸۱، پنهان شود ۹۰، درمیرود ۱۰۰، درمیآید ۱۲۰، می رود ۱۲۱، بیرون می آید ۱۳٤

★ حَتَّى يَلِجَ: حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلْجَمَلُ فِى سَمِّ ٱلْخِيَاطِ (٤۰:۷)
أندر نشود ۲، درنیاید ۲٤

يُلْحِدُونَ: وَذَرُوا۟ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ أَسْمَٰٓئِهِۦ (۱۸۰:۷)
می کیلی درآرند[1] ۱، می جستند ۳، می چسبند ۳۰، می گردند ۳٦، انباز کنند ٤۹، بیک شوند ۵۲، دروغ می گویند ۵٦، بازمی چمند ۵۷، همی بیک سو شوند ۸۳، می چسبند و می گرایند ۹۲، بَهْ یَکْسُو همی روند ۹٤، از راه برمیگردند ۱۰۰، بپیچ درآرند ۱۰۲، بیکسوی شوند ۱۰۵، کج همی گردند و بیخ درهمی آرند ۱۰۹، پوشیدند ۱۲۱، بیک سوی میروند ۱۲٤، بیکسو همی روند ۱۲۸

~: لِّسَانُ ٱلَّذِى يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِىٌّ (۱۰۳:۱٦)
می گردد ۱، می گرایند ۳۰، می گرداند ٤۱، همی گرایند ۵۲، مِی گِرَایند ۵۵، می گردانند ۵٦، همي گردانند ۸۳، بگرایند ۹٤، میگردانند گفتار خود را ۱۱۱، میگرایند ۱۱٤، می گروند ۱۲۱

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَآ (٤۰:٤۱)
بچسبَند ٤۲، بچسبند ۵۲، می بگذرند از راستی ۵٦، برگشتند ٦۱، روی بگزدانند ٦٤، کجی می نمایند ۷۹، می بگذارند گذرانستی ۸۱، بچسپند ۹٦، می گردانند و می پیچند ۱۰۲، کژی می نمایند ۱۰٤، بیکسو شدند ۱۰۸، می گردند و می پیچند ۱۰۹، بیکسو شوند ۱۱٤، بیکسو می شوند ۱۲۱، می جنبند ۱۲٦، یکسو میشوند ۱۲۹، بمی چسبند ۱۳٤

يَلْحَقُوا: وَءَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا۟ بِهِمْ (۳:٦۲)
اندر رسیدند ۳۰، پیوستند ٤۱، برسیدند ٦۱، دررسند ۸۰، دررسیدند ۸۸، ازپس دررسیدند ۹٤، دررسیده اند ۱۱٤، برسند ۱۳٦

★ لَمْ يَلْحَقُوا: بِٱلَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا۟ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ (۱۷۰:۳)
درنرسیدند ۱، نه دررسیدند ۳، نه رَسیده باشند ۱۰، نرسیدست ۲٤، نرسیده اند ۳٦، نرسیدند ۳۹،

---

۱. می کیلی درآرند: کژی می کنند، می گرایند.

نه پیوستند ٤١، درنرسیدند ٤٢، نه رسیده باشد ٥٣، نه دَر رَسیدِند ٥٥، ایشان نرسیده باشند ٦٢، نرسیده باشند ٦٣، درندمیدند ٦٧، درنرسند ٧٥، نرسیده باشد ٨٢، نه رسیدند ٩٠، درنه رسیدند ٩٧، اندر نرسیدند ٩٨، نرسیدند ایشان ١٠٠، نه پیوسته‌اند ١٠٢، درنرسیده ١١٤، درنرسیده‌اند ١٢٣، اندر نرسیده‌اند ١٢٩

★ لَمّا يَلْحَقُوا: وَءَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ (٦٢:٣)
درنرسیدند ١، چون نه در رسیده‌اند ٣، نه رسیده‌اند ٢٤، نرسیدند ٢٩، هنوز نرسیده‌اند ٣٦، هنوز درنرسیده‌اند ١٠٢، چون درنرسیدند ١٢١

★ لَمْ يَلِدْ: لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (١١٢:٣)
نه زاد ٢، نزاد ٤١، نزائیده است ٩٦، نزایاند ١٠٠، نزاده است ١٢٠

يَلِدُوا: وَلَا يَلِدُوٓا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (٧١:٢٧)
زایند ٣

★ لا يَلِدُوا: وَلَا يَلِدُوٓا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (٧١:٢٧)
نزایانند ١، نزایند ٢، نه زایند ١٩، نَزایند ٤٢، نزایند ایشان ٦٤، نذایند ١١٣، نه زایانند ١٣٨

يَلْعَبْ: أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ (١٢:١٢)
بازی کنیم ٢٤، بازی کنیم ٥٣، بازی کند ٨٠، بازی کنید ١٢٤

يَلْعَبُوا: فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا (٤٣:٨٣)
بازی کنند ١، بازی می کُنند ٣٢

~: فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا (٧٠:٤٢)
بازی می کنند ٦، بازی همی کنند ٣٠

يَلْعَبُونَ: ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (٦:٩١)
می بازی کنند ١، سرگشته می شوند ٨٩

~: أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ (٧:٩٨)
بازی کنند ٣، بازی مَی کُنند ١٠، بازی می کنند ٢٧، دربازی باشند ٩٠، دربازی باشند ١٠٠، بازی کنان بودند ١٠٤، بازی کنندگان ١٠٧، بازی میکرده باشند ١٢٠، بازی کنندگان ١٢٣، بازی همی کنند ١٤٠

~: إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (٢١:٢)
بازی همی کنندُ ٢، بازی همی کردند ١٢، بازی میکنند ٢٩، بازی کردند ٥٢، بازی کنان ٥٣، بازی همیکنند ٦٩، بازی میکردند ١٠٠، بازی گرند ١٠٥، ایشان بازی میکنند ١١١، بازیچه شمارند ١٣٦

~: بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ (٤٤:٩)
بازی میکنند ٣٢، بازی می کردند ٥٦، بازی میکنند و فسوس میدارند ١٠٤، سرگشته می شوند ١٠٦، بازی ١٢٤

~: الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (٥٢:١٢)
بازی کنند ١، بازی همی کنند ٢، همی بازی کنند ٣٠، بازی نمایند ٥١، می بازند ١١٤

يَلْعَنِ: وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ نَصِيرًا (٤:٥٢)
نفرین کرد ٢٤

~: وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا (٢٩:٢٥)
نفرین کند ٣، بنفرینند ٤٧، نفرین کند ٥٣

يَلْعَنُهُم: أُولَٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّٰعِنُونَ (٢:١٥٩)
نفرین می کند ٣، سَنه خواند ١٠، نفرین کند ٤٠، نفرین می کُند ٥٥، براند ایشان را و نفرین کند ٥٧، نفرین کنند ٦٤، نفرین میکند ٧٤، بنفرینند ١٠٢، دور گرداند ١٠٤، نفرینند ١٠٩، نفرین میکنند ١١٤، نفرین کرد ١١٩، میراند ١٢٣

يَلْفِظُ: مَا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (٥٠:١٨)
افکند از دهان ٣، بیرون افکند ٣٠، سخن بیرون آید ٣٦، افکند در دهان ٨٠، گوید ٨٧، فکند از دهن ٩٢، اندازد ١٠٩، افکند ١١٤

★ مَا يَلْفِظُ: مَا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (۵۰:۱۸)
نگهد ۱، بیرون نیفکند ۲، بنه گوید ۶، نه پندارد ۱۷، نیفکند ۴۱، نگوید ۴۳، بیرون ندهد از دهن ۵۱، از دهن نیفکند ۷۲، نه بیرون افکند ۸۸، نیندازد ۸۹، نمی گوید ۹۶، نمی افتد ۱۱۱، نمی افکند ۱۲۰

يَلْقَ: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (۲۵:۶۸)
پدیره آید ۱، بیند ۲۰، برسد ۳۰، بزه مند گردد ۳۴، ببیند ۴۶، فرارسد و ببیند ۴۷، درآید و بیند ۵۸، فرارسد ۷۶، درافتد ۹۶، دررسد ۱۱۹، بیابد ۱۲۲، میبیند ۱۳۰

يَلْقَاهُ: وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (۱۷:۱۳)
گیند[1] ۱، بیند ۳، ببیند ۲۴، بیند ۵۳، بیند ۵۵، ببینند ۵۶، به بیند ۶۱، بیند ۶۲، می بیند ۶۴، بیندازد ۱۲۰، برسد ۱۲۸

يُلَقَّاهَا: وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (۲۸:۸۰)
وادل بدهند ۲۱، دهند ۴۶

~: وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۴۱:۳۵)
بیند ۲۲، بپیش آرند ۳۹، بینند ۶۱، میدهند ۱۱۴، رسد ۱۳۸

★ لَا يُلَقَّاهَا: وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (۲۸:۸۰)
پدیره آورده نشند ۱، ندهند ۲۴، پیش بازنبردند ۲۹، نه بیند ۴۳، نه رسانند ۵۳، داده نشود ۵۸، نه بینند ۶۱، نرسانند ۷۶، فراياد داده نشود ۱۰۹، پیشواز آمده نشوند ۱۲۲

★ مَا يُلَقَّاهَا: وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۴۱:۳۵)
پدیره آورده نشهد ۱، ندهند ۲، نمی داده شود ۳، داده نمی شود ۳، داده نشوند ۵۶، نرسند ۱۰۰، نرساند ۱۱۳، فراپیش آمده نشوند ۱۳۲، نیابد ۱۳۶

فَلْيُلْقِهِ: فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي (۲۰:۳۹)
کواو کن ۱، بیندازد ۳، برافکند ۲۴، بیفکنند ۳۰، بیندازد ۳۹، بیفکن ۴۲، بیفکند ۴۳، بفکند ۵۳، باید که بیندازد ۸۶، باید که اندازد ۱۰۰، بفکند ۱۰۳، تابیفکند ۱۰۸، بینداز ۱۱۴، باید که بیفکند ۱۲۳

يُلْقُوا: وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ (۴:۹۱)
بیفکنند ۲۷، بیفکند ۴۵، افکنده شوند ۶۱، بیوکنند ۸۲، فراپیش آرند ۸۸، افکنند ۹۷، اند آزند ۱۰۰، اندر آرند ۱۲۴، بیندازند ۱۳۸

★ [لَمْ] يُلْقُوا: فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ (۴:۹۱)
نیوکنند ۱، نه افکنند ۵۳، نیفکنند ۱۲۸

يَلْقَوْنَ: فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (۱۹:۵۹)
پدیره آیند ۱، درافکنند ۲۴، برسند ۳۰، ببینند ۳۶، بینند ۵۳، بیفتند ۵۶، درآیند ۵۸، دراندازند ۹۶، درافتند ۱۱۳، فرارسد ۱۱۴، به بینند ۱۲۶

يُلْقُونَ: وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ (۳:۴۴)
می افکندند ۳، می دراوکندند ۱۰، بیوکندند ۲۴، می بیفکندند ۲۵، افکندند ۳۰، می دروکندند ۴۰، بیفکندند ۴۱، بیفکندند ۴۲، می انداختند ۵۸، انداختند ۶۱، همی افکندند ۶۲، می زنند ۶۴، بفکندند ۷۲، درانداختند ۹۶

~: يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ (۲۶:۲۲۳)
می اوکنند ۱، می افکنند ۲۰، افکنده شوند ۴۳، می افکنند ۴۶، درافکنند ۴۷، بیفکنند ۶۱، می اندازند ۸۶، اندازند ۸۹، فرامیدارند ۱۰۳،

۱. گیند / بیند.

درانداززند ۱۱۳

یُلقَونَ: وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا (۲۵: ۷۵)
می پدیره آورده شند ۱، پیش آورده شوند ۳، ازپیش وابرندشان ۲۹، پیش آمده شوند ۳۶، پیش آرندشان ۳۹، پیش برندشان ۴۶، پیش آرند ایشانرا ۴۷، پیش ارندشان ۵۳، بدیشان آورده شود ۵۸، پیش بازآیندشان ۶۲، پیش باز ارندشان ۷۲، پیش ایشان باشند ۷۶، آموخته شوند ۱۱۴، برسند ۱۲۱، پیش آرند ۱۲۶، افکنده بایشان ۱۳۲

یُلقَونَهُ: فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ (۹: ۷۷)
پدیره آیند ۱، رسند ۲۹، پیش باز شوند ۴۲، بُبینند ۵۵، بازرسند ۶۳، با پیش ایشان شوند ۷۶، بی نند ۹۱، پیش باز شوند ۱۰۳

~: تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ (۳۳: ۴۴)
بینند ۳، برسند ۳۰، ببینند ۳۹، به بینند ۵۸، بهم رسند ۱۰۰

یُلقی: أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ (۲۵: ۸)
اوکنده شدی ۱، افکنند ۲۹، اندازد ۵۲، بدادندی ۵۴، فروافکنده شدی ۵۶، بیفکنندی ۶۱، بیفکندی ۱۰۸، فروافکنند ۱۱۹

~: وَمَا كُنتَ تَرْجُو أَن يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ (۲۸: ۸۶)
اوکنده شهد ۱، انداخته شود ۳، کشاند ۲۱، افکنده شوند ۴۳، بیفکنند ۴۶، آورند ۷۶، فکند ۸۶، فرو فرستد ۸۸، فرو فرستاده شود ۱۱۱، آمد ۱۲۱، فکنده شود ۱۳۲، فرود دارند ۱۳۹

~: أَفَمَن يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِي آمِنًا (۴۱: ۴۰)
درافکنده شود ۳، اندر افتد ۲۲، افکنندش ۳۸، اندازند ۵۲، بیفکنند ۹۲، انداخته شود ۱۰۳، اندر افکند ۱۰۸، درانداخته شود ۱۱۳، درافکنند ۱۲۴، اندازند آنرا ۱۳۸

یُلقی: فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ (۲۲: ۵۲)
اوکند ۱، دراندازد ۲۹، بیفکند ۳۹، افکند ۵۳، درافکندی ۵۶، درافکند ۵۸، بیفکندی ۶۱، انداخته بودی ۷۶، درمی افکند ۱۰۲، درافکنده باشد ۱۱۱

~: لِّيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً (۲۲: ۵۳)
می افکند ۵۸، اندر افکندی ۶۱، انداخته باشد ۷۶، اندازد ۹۳

~: يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ (۴۰: ۱۵)
می اوکند ۱، فرستد ۳، ها افکند ۲۹، فرو فرستد ۳۰، همی فرستد ۳۸، می فرستد ۳۹، فروآید ۴۲، بفرستاد ۴۳، بفرستد ۶۱، فرود آید ۸۷، می اندازد ۱۰۰، فرو فروستد ۱۰۸، میرساند ۱۳۲

یَلمِزُکَ: وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ (۹: ۵۸)
بدگویی می کنند ۴۱

یَلمِزونَ: الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ (۹: ۷۹)
بدمی گویند ۳۶، بدی گفتند ۴۱

یَلهَثْ: إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث (۷: ۱۷۶)
بشیشد[1] ۱، زبان بیرون کند ۳، زوان از دهن آویخته دارد ۱۰، زوان بدر او کند ۲۴، زبان فرو هِلد ۲۷، زبان از دهن فرو هلد ۲۷، زبان بیرون افکنده باشد ۳۴، زبان بیرون اندازد ۳۶، زبان بیرون افکند ۳۹، راه نیابد ۴۱، زبان بکشد ۴۳، زبان بدر کند از دهن ۴۸، زفان بیرون کند و بهقد ۴۹، بتواند ذجهد ۵۲، ورجهد ۵۲، زبان برون کند ۵۵، زفان بیرون کند ۵۶، بانگ می کند ۵۸،

---

۱. بشیشد: زبان از دهن بیرون دارد و بدمد.

دهان باز می کند ۵۸، بانگ کند ۶۱، زفان از دهن بیرون کند ۶۳، زبان از دهان بیرون افکند ۶۷، زبان از دهان بیرون کشد ۶۷، دهان بازمیکند ۷٤، بانگ میکند ۷٤، زبان از دهن بیرون اندازد ۷۹، اندرجهد ۸۳، زبان از دهن بیرون کند ۸۵، زبان بیرون افکنده باشد ۸۸، زبان ازدهان بیرون اندازد ۸۹، زبان از دهن بیرون افکند ۹۲، درجهد ۹۶، فرو هلد زبان ۹۹، زبان از دهان بیرون کند ۱۰۰، بتواندرجهد ۱۰۵، زبان بیرون کشد ۱۱٤، زبان بیرون آورد ۱۲۱، زبان بردار ۱۲۱، شتابد ـ درجهد ـ زبان بیرون کند ۱۲٤، زبان بیرون کرده ۱۲۸، زبان از دهن بر آرد ۱۳۰، زبان از دهان بیرون می آورد ۱۳۵، زبان درآورد ۱۳۶

یُلْهِهِمُ: وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ (۳:۱۵)
ناپروا کند ۱۰۹

يَلُونَكُمْ: قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ (۹:۱۲۳)
نزدیک که شدند ۱، نزدیک اَند ۲، نزدیک‌اند ۱۳، نزدیک می شوند ۲۹، نَزدیک شَوَدْ ۵۵، برسند ٦۱، نزدیک اَند ٦۲، نزدیکترند ۱۰٤، نزدیکند ۱۱۲، بنزدیک‌اند ۱۱۳، نزدیکتانند ۱۱٤، نزیک شمایند ۱۲۲، نزدیک ۱۲٤

يَلْوُون: لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ (۳:۷۸)
می گردانند ۱، می پیچانند ۳، مَی پیچند ۱۰، بگردانند ۲٤، می بگردانند ۲۵، پیچانند ۲۸، همی پیچانَند ٤۲، می پَیچانند ۵۵، نرم کنند ٦۱، همی گردانند ٦۲، می جنبانند ٦٤، می گردانیدند ٦۹، می پیچد ۷۲، میگردانند ۷٤، می پیمایند ۷۵، همی بجنبانید ۸۲، همی پیچانند ۸۳، همی پیچانند ۸٤، وابر می پیچند ۹۵، بمی پیچآنند ۱۰۰، گرداند ۱۲٤، بمی پیچانند ۱۳٤

اَلْيَمّ: فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ (۷:۱۳۶)
دریاَ ۱، دریایِ بُزرگ ۲، دریاه ۳۵، دریا ۱۰۰

~: أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ (۲۰:۳۹)
رود ۸٦

~: فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ (۲۰:۷۸)
دریا بزرگ ۱۰۸

~: فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ (۲۸:٤۰)
دریای بزرگ ٤٦، دَرْیا ۵۳

~: فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (۵۱:٤۰)
دَریا ۲

يُمَارُونَ: أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ (٤۲:۱۸)
می پیکار کنند ۱، بگمان مي شوند ۳، پیکار کنند ۳۰، می ستیهند ۳۹، ستیهند گی می کنند ٤۲، ستیهَند گی می کنند ۵۲، بگمان می افتند ۵٦، بگمان شوند ۸۰، ستیهد گی میکنند ۱۰۵، همی پیکار کنند ۱۰۸، بگمان میشوند ۱۱٤، ستهید گی می کنند ۱۲۵

يَمُتْ: فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ (۲:۲۱۷)
بمرد ۳، بمیرد ۱۰، بَمیَرد ٤۲

يَمْتَرُونَ: بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (۱۵:٦۳)
می گمامند شدند ۱، بگمان می شدند ۳۰، گمان برندگان ۳۸، گمان بران ٤۱، بگمَان شُدَند ۵۵، می بگمان شدند ۷۱، گمان کنندگان ۱۱۲، گمان می برند ۱۲٤، همی گمان برند ۱۲۸، بی گمان ۱۳٦

~: قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (۱۹:۳٤)
می گمامند شند ۱، بگمان می شوند ۳، بگمان شدند ۳۰، بگمان‌اند ۳۹، بگمان افتادند ۵۲، گمان بردند ۵۸، گمان می برند ۷۲، بگمان می شوید ۸۰

يُمَتِّعْكُمْ: ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا (۱۱:۳)
برخورداری دهد ۱، زندگانی دهد ۱۳،

برخورداری دَهد ۲۷، بزیاند ۳۹، برخورداری می دهد ٤۱، برخوردار گرداند ٤۲، برخورداری دَهَد ۵۳، برخورداری کند ۷۵، برخورداری دهد ۷٦، برخوردار کند ۹٦، برخوردار سازد ۱۱۱، بهره‌ور کند ۱۲۲

يُمَتَّعُونَ: مَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يُمَتَّعُونَ (۲۰۷:۲٦)
می برخورداری گرفتند ۱، می برخوردار کرده شدند ۳، ایشان برخورداری کرده‌اند ۲٤، برخورداری داده شدند ٤۳، برخورداری کردند شان ٤٦، ایشانرا برخورداری می دادند ٤۷، برخورداری می کنند ۵۳، برخورداری می گرفتند ۵٦، برخورداری داده شدگان ۵۸، برخورداری یافتند ٦۱، برخورداری داده شده‌اند ٦٤، برخورداری که ایشانراداده باشند ۷٦، می برخورداری کرده شدند ۸۰، می برخوردار کرده شدند ۹۱، ایشانرا برخورداری داده شده‌اند ۹۲، برخورد آری گرفتند ۱۰۰، بودند ببرخوردن ۱۰۵، برخورداری دادگان ۱۱۰، برخورداری یافته بودند ۱۱۱، برخورداری داده می شدند ۱۱۳، برخورداری میکردند ۱۱٤، برخورداری می یافتند ۱۱٦، برخوردار شدند ۱۲۱، برخورداری یافتید ۱۲۸، برخوارداری داده شده بودند ۱۳۰، بهره‌ور میشدند ۱۳۲، برخورداری داده باشد ایشانرا ۱۳۸

يَمْحُ: وَيَمْحُ ٱللَّهُ ٱلْبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓ (۲٤:٤۲)
محا کند ۱، بسترد ۲۲، پاک کند ۳۰، ناپدید کند ۳۲، ناچیز کند ۵٦، نابود گرداند ٦٤، بگستراند ۸۱، نیست می کند ۸۹، ناچیز گرداند ۱۰٤، نیست کند ۱۰٦، ببرد و دور کند ۱۰۹، ناپیدا کند ۱۲۱

لِيُمَحِّصَ: وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (۱٤۱:۳)
پاک کند ۱، پاک گرداند ۲، پاکیزه کند ۳، پاک گرداند ۲۷، پاک گرداند ٤۲، پاکیزه کند ۵۵، برگزیند ۵٦، پاک ٦۹، برهاند ۸۸، پاک و پاکیزه گرداند ۱۱۱، پاک بدارد ۱۲۱، نگاه دارد ۱۳۹

~: وَلِيُمَحِّصَ مَا فِى قُلُوبِكُمْ (۱۵٤:۳)
پاک کند ۲، پدیدار کند ۱۰، پیدا کند ۳٦، پاکیزه گرداند ٤۲، پاکیزه گرداند ۵۲، پاک کند ۵۳، پاکیزه کند ۵۵، ناپیدا کند ۵۸، پدید کند ٦۷، برکند ۱۰۰، پاک سازد ۱۱۱، پاک کنند ۱۲٤

يَمْحَقُ: يَمْحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰا۟ وَيُرْبِى ٱلصَّدَقَٰتِ (۲۷٦:۲)
بکهد ۱، می کهاند ۳، کم و کاست بکند ۱۰، می کهاند ۲۸، کم گرداند ۳٦، نیست کند ٤۱، بکاهاند ٤۳، می کاهاند ٤۸، می کهاند ۵۵، بکاهانید ۵٦، کم و کاست بکند ٦۳، ببرد ۷۵، باز کاهاند ۱۰٦، کم و کاست میگرداند ۱۱۱، میکاهاند ۱۱٤، کاسته کند ۱۱۵، می کاهد ۱۱۹، نیست میگرداند ۱۲۰، نیست میکند ۱۲۱، نابود میکند ۱۲۲، می برد ۱۲۹، میبرد ۱۳۸

~: وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (۱٤۱:۳)
بکاهد ۲، کم کند ۳، کم و کاست کند ۱۰، کم کند ۲۳، نیست و گم کند ۳۰، بکاهد ٤۲، گم کند ۵۵، نیست گرداند ٦۳، ناچیز گرداند ۷٤، بکاهند ۹٤، بسترد ۹٦، کاسته داند ۱۰٤، تباه گرداند ۱۲۲، نابود گرداند ۱۳۰

يَمْحُوا: يَمْحُوا۟ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ وَيُثْبِتُ وَيَمْحَقَ ٱلْكَٰفِرِينَ (۳۹:۱۳)
محا کند ۱، پاک می کند ۳، می سترد ۵، پاک کند ۳۰، بسترد ٤۲، پاک گرداند ۵۳، پاک کند ۵۵، دور گرداند ٦۱، نیست کند ٦۳، ببرد ۷٦، پاک گردانند ۹٤، بسترد ۱۰۵، نابود بگرداند ۱۳۱

فَلْيَمْدُدْ: فَلْيَمْدُدْ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ مَدًّا (۷۵:۱۹)
گو بیوزای ۱، دراز نماید ۳۰، بیفزاید ۳۹، بگشاد ٤۳، بفزاید ۵۳، فرو گذارد ۷۹، گو بیفزای ۸۷، دراز بماند ۱۰۸، فرا گذارد ۱۱۳، افزون کند ۱۱٤

~: فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ (۱۵:۲۲)
کو بکش ۱، باز کشدا ۳، بکشد ۱۲، ببندد ۲٤،

بر کشدا ۳۰، گو بکش ۴۲، گو بکش سخت ۵۶، بگشایدا ۶۲، باید که بکشد ۷۶، باز کشد ۸۰، باید که کشد ۸۶، گو کش ۸۷، بر کش گو ۱۰۲، گودر آویز ۱۰۶، می کشد ۱۲۹، باید که بیاویزد ۱۳۳، بیاویز ۱۳۸

يُمْدِدْكُمْ: يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم (۳:۱۲۵)
افزون کند ۳، بیفزاید ۴۲

~: وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ (۷۱:۱۲)
بیوزاید ۱، بکشند ۳۰، افزون گرداند ۱۰۸، افزیند ۱۱۴، میکشاند ۱۳۶

يُمِدَّكُمْ: أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ رَبُّكُم (۳:۱۲۴)
افزون گرداند ۴۲، فرستد ۷۵، افزون گرداند ۸۲، فزون کنند ۹۴، فزون گرداند ۱۲۸

يَمُدُّهُ: مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ (۳۱:۲۷)
افزون کرد ۳، بکشد ۱۴، بیفزاید ۳۰، بفزاید ۳۴، سیاهی ۶۱، فرومیگذارد ۱۰۶، همی بیفزودی ۱۰۹

يَمُدُّهُمْ: وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۲:۱۵)
دراز بمانند ۲، دست بدارد ۲۴، می دارد ۴۸، همی کشد ۵۰، فرو گذارد ۵۵، بکشد ۵۷، بماند ۸۲، دراز بماند ۸۳، فرو گذارد ۹۱، بگذرد ۹۸، رها کند ۱۰۰، فرو گذرد ۱۰۱، می کشد ۱۰۲، فرو میگذارد ۱۰۶، کشد ۱۰۹، میکشد ۱۲۲، فراگذارد ۱۲۴، وامیگذرد ۱۳۵

يَمُدُّونَهُمْ: وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ (۷:۲۰۲)
می کشند ۱، همی کشند ۲، می کشند ۱۰، فروگذارند ۲۹، فرومی گذارند ۳۰، بکشند ۴۸، فرو می گذارند ۵۵، میکشند ۶۷، همی کشند ۸۳، درمیکشند ۱۰۰، میکشد ۱۰۵، فرامیگیرند ۱۰۶، همی کشند ۱۰۷، میکشانید ۱۲۲، باز کشند ۱۲۶، میکشانند ۱۳۶

يَمُرُّونَ: وَكَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا (۱۲:۱۰۵)
می روند ۱، همی گذرند ۲، می گذرند ۳، میگذرند ۲۹، می گذارند ۳۶، می گذرد ۴۱، همی روند ۵۳، می گذرند ۵۵، بگذرند ۵۶، میگذرند ایشان ۶۱، میگردند ۶۷، می گردند ۹۰، همی گذرند ۹۶، میروند ۱۱۱، میگذررند ۱۱۳

يَمْسَسْكَ: وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶:۱۷)
رسد ۱، رساند ۱، برساند ۲، بساید ۳، بساود ۳، برساند ۲۶، فرارساند ۳۴، بساود ۵۵، برساند ۵۵، فراه رساند ۸۸، برساند ۱۰۰، ببساید ۱۰۹، برماند ۱۱۲

~: وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ (۱۰:۱۰۷)
هاتو رساند ۲۹

يَمْسَسْكُمْ: إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ (۳:۱۴۰)
رسد ۱، برسد ۲، برساند ۲۵، فرارسد ۳۴، رسید ۳۶، می رسد ۴۰، برسد ۵۶، برسید ۵۸، بساود ۱۱۹

★ لَمْ يَمْسَسْنِي: وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ (۳:۴۷)
نبسود ۲، نه بسود ۳، نابسوده ۱۰، نرسیده ست ۲۴، دست نکشیده ۲۵، نه بسودست ۲۷، نرسیده است ۲۹، نرسید ۳۶، نبسود ۴۱، نبسود ۴۲، نه سود ۶۱، نه بسوده است ۹۰، نه بساویده است ۹۴، نبسودست ۹۸، نبسوده ۱۰۲، نسوده است ۱۱۶، نسود ۱۲۱

~: قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ (۱۹:۲۰)
نرسید ۱، نزدیک نگشته است ۳۶، نه بساویده است ۳۸، نه بساوید ۴۴، نه سودست ۵۶، نبسودست ۵۸، نه رسید ۶۱، نه بساویده است ۹۴، نسوده باشد ۱۱۱

★ لَمْ يَمْسَسْهُمْ: لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ (۳:۱۷۴)
نرسید ۱، نرسید ۲، نه بسود ۳، نه رسید بد [illegible]

نارسیده ٤۰، نرسد ٤۳، نه رسید ٦۱، نرسیده است ٦٤، نساود ۱۱٤

يُمْسِكُ: وَيُمْسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلْأَرْضِ (۲۲: ٦٥)
واگیرد ۱، بدارد ۱۲، نگاه همی دارد ۳۰، بازمی دارد ٤۱، نگه میدارد ۱۰۰، نگهدارد ۱۱٦

~: وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ (۳٥: ۲)
بازدارد ۲، برگیرنده ۷، بازگیرد ۲٤، بازدارد ٥۳، نگاه داشت ٦۱، نگاهدارد ۸۷

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُمْسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ أَن تَزُولَا (۳٥: ٤۱)
همی نگاه دارد ۲، نگاه می دارد ۳، همی بازگیرد ۲۲، نگاه دارد ۳۹، استوار میدارد ۷٤، نگاه میدارد ۸٦، همی برگیرد ۸۸، بازمیدارد ۹۹، نگه می دارد ۱۰٦، نگهمیدارد ۱۱٦

~: فَيُمْسِكُ ٱلَّتِى قَضَىٰ عَلَيْهَا ٱلْمَوْتَ (۳۹: ٤۲)
بازدارد ٥۳، نگاهمیدارد ۱۲۳

★ مَا يُمْسِكُ: وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ (۳٥: ۲)
بازندارد ٦٤

يَمَسَّكَ: يَٰٓأَبَتِ إِنِّىٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ (۱۹: ٤٥)
رسد ۱، برسد ۲، برسد ۳۰، ببساید ٤۹، برسد ٥۳، بپساود ۱۱٤

أَيُمْسِكُهُۥ: أَيُمْسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ (۱٦: ٥۹)
می وازگیرد ۱، بدارد ۲، نگاه دارد ۳، نگاه دارد ۱۰، نگاهش دارد ۲٤، بازگیرد ۲۹، همی نگاه دارد ۳۹، نگاه می دارند ٤۱، جنگ درزنند ٤۲، نگاه دارد ٥٦، بازدارد ٥۷، بدارد ٦۲، همی بازدارد ۸۸، می دارد ۹۲، نگه دارد ۹۳، جنگ در زدند ۱۰٥، نگهدارد ۱۱٦، نگاه داشته باشد ۱۱۸، نگاهدارد ۱۲۰

يُمْسِكُهُنَّ: مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُ (۱٦: ۷۹)
دارد نگاه ۲٤، نگاه دارد ٥۳، نگه میدارد ۱۰٦، نگهدارد ۱۱٤

~: وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱلرَّحْمَٰنُ (٦۷: ۱۹)
نگاه می دارد ۳، نگاه دارد ۱۹، همی نگاه دارد ۳۸، نگاهدارد ۸۷، نگاه میدارد ۱۲۰

★ مَا يُمْسِكُهُنَّ: مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُ (۱٦: ۷۹)
وازنمی گیرد ۱، ندارد نگاه ۲، وانمی دارد ۲۹، نمی دارد نگاه ٤۱، نگاه ندارد ٤۲، نگه نمی دارد ٥٥، نگاه نمی دارد ٥۹، نگه نمی دارد ۸۹، نگه نمیدارد ۹۳، نگه نمید آرد ۱۰۰، همی ندارد ۱۲۸

~: وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱلرَّحْمَٰنُ (٦۷: ۱۹)
نگاه همی ندارد ۲، نمی دارد ٢٤، نگاه نمیدارد ۱۰۳، نگاه همی ندارند ۱۰۸، نگاه نمیدارند ۱۱۲

يُمَسِّكُونَ: وَٱلَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِٱلْكِتَٰبِ (۷: ۱۷۰)
دست می درزنند ۱، جنگ در می زنند ۳، دست زنند ۱۰، دست اندر زدند ۲۷، دست آویز میکنند ۲۹، جنگ درمیزنند ۳۰، دست در زنند ۳٥، جنگ در زده‌اند ۳٦، در آویختند ٤۲، جنگ در زنند ٤۳، استوار باشند ٥۲، جنگ در می زنند ٥٥، اندر آویزیدند ٥۷، می گیرند ٥۸، نگاه میدارند ٦۱، دست اندر زده باشند ٦۲، نگاه دارند ٦٤، جنگ زنند ٦۹، کار می کنند ۷۹، دست در زده باشند ۸۸، در می آویزند ۸۹، جنگ اندر زدند ۹٤، جنگ در زدند ۹۸، درمیآویزند ۱۰٦، دست درزدند ۱۱۲

لَيَمَسَّنَّ: لَيَمَسَّنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٥: ۷۳)
رسد ۱، برسد ۲، هر آینه بساود هر آینه هر آینه ۳، فراز رسد ۲۷، ببساید ۳۹، برساند ٤٥، برسد ٥۳، فرا رسد ٦۲، هر آینه برسد ٦٤، برسد ۹٤

يَمَسُّنَا: لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ (۳٥: ۳٥)
رسد ۳۰، بساود ۷۲

★ لَا يَمَسُّنَا: وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ (۳۵:۳۵)
نرسد ۲، نرسد ۳۹، نرسید ٦۱، مرسد ۸۷، نمیرسد ۱۰۳، نساود ۱۱٤، نساید ۱۲۹، نه بساود ۱۳۹، نه برسد ۱۳۹

لَيَمَسَّنَّكُمْ: وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸:۳٦)
برسد ٥٦، رسد ۸٦

يَمَسُّهُ: لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹:٥٦)
بساوند ۳، بساود ۳۸، بساوید ۸۰، دست فرا کنند ۱۰٦، بسایند ۱۲٤

★ لَا يَمَسُّهُ: لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹:٥٦)
نرسند ۱، بنساود ۳۰، بنسایند ۳۹، بنه برماسد ٤۹، نبساوند ٦۱، نبساید ۸۱، نساود ۹٥، نبسند ۹٦، باید که دست ننهند ۱۰۰، نسایند ۱۰۳، نه بساوند ۱۳۹

يَمَسُّهُمْ: وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ (٦:٤۹)
رسد ۱، برسد ۲، بساود ۳، ببساود ۱۰ مکرر، برسد ۲۷، برسد ۳٦، ها رسدها ٥۷، بگیرد ٥۸، بپساود ۹٤، میرسد ۹٦، ببساد ۱۲۸

~: ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱:٤۸)
برسد ۲، برسد ٥۳، بساید ۹۲، ببساید ۱۰۹، دریابد ۱۳۰، میرساند ۱۳٦

★ لَا يَمَسُّهُمْ: لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ (۱٥:٤۸)
نرسد ۱، نه رسد ٥۳، نه بساود ـ نرسد ۷۱، نساود ۱۱٤

~: الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ (۳۹:٦۱)
نه بساود ۲۲

يَمْشُونَ: أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا (۷:۱۹٥)
می روند ۱، فاتوانند رفتن ۱۰، بروند ۲٤، راه می روند ۳۰، میروند ۳٤، روند ٦۳، راه روند ۱۰۲، راه بروند ۱۲۲

~: قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا (۱۷:۹٥)
می رفتندی ۱، رفتندی ۳، همی رفتندی ٥۳، رفتندی ٥٥، برفتندی ٥٦، همی روندی ۸۸، میرفتندی ۹۳

~: يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ (۲۰:۱۲۸)
می رفتند ۱، همی روند ۲، همی روند ۲٤، می رفتند و می بردند ٤۱، میرفتند ۷٦، گذشته میروند ۱۱۱، راه میرفتند ۱۳۲

~: وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ (۲٥:۲۰)
همی رفتند ۳۰، رفتند ٤۸، برفتند ۹٦

~: الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا (۲٥:٦۳)
همی روند ۲، می روند ۳، همی روند ٥۳، راه روند ۱۳۲

~: يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ (۳۲:۲٦)
همی روند ۲، راه میروند ۱۳۲

يَمْشِي: وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ (٦:۱۲۲)
می رود ۱، می رود ۱۰، همی روی ۱۰ مکرر، میرود ۲۹، می رود ٥۳، بمیرود ٦۷، روند ۷٦

~: فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ (۲٤:٤٥)
می رود ٥۱، می رود ۱۱۹، راه میرود ۱۳۲

~: يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ (۲٥:۷)
همی رود ۲، می گردد ٥۳، می رود ۷٦، همیرود ۱۰۸

~: أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى (٦۷:۲۲)
همی رود ۲، برود ۳۰، رود ۳۸، میگردد ۱۱۱، می رود ۱۱۳

يَمْكُثُ: وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ (۱۳:۱۷)
درنگ کند ۱، بباشد و بماند ۲، بماند ٥، [illegible]

کُند ۵۵، بایستد ۵۷، درنگ گیرد ۵۸، درنگی کند ۶۳، بماند ۷۶، درنگ میکند ۱۱۱، می ماند ۱۲۱، میماند ۱۳۶

یَمْکُرُ: وَإِذْ یَمْکُرُ بِكَ الَّذِینَ كَفَرُوا لِیُثْبِتُوكَ أَوْ یَقْتُلُوكَ أَوْ یُخْرِجُوكَ وَیَمْكُرُونَ وَیَمْكُرُ اللَّهُ (۸:۳۰)
بد سگالید ند ۳، می ساخت ۲۷، بسگالید ند ۴۱، سازد ۵۲، می سگالید ند ۵۸، سگالید ند ۶۷، سگالد ۹۰، سگالش کند ۹۰، سگالش دهد ۹۲، سازش بد ساختند ۹۴، سازش بد کردند ۹۶، فریب می دهد ۱۰۴، همی سازد ۱۰۹، سگالش بد همی کردند ۱۰۹

لِیَمْکُرُوا: وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِی كُلِّ قَرْیَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِیهَا لِیَمْكُرُوا فِیهَا (۶:۱۲۳)
بد سگالند ۳، سازش بد سازند ۱۰ مکرّر، بد سازند ۲۷، سازش بد کُنند ۴۲، سازش بد کنند ۵۲، می سِگالَند ۵۳، سگالید ند ۵۸، می سازند ۶۳، می سگالند ۶٤، ساز بد سازند ۸۸، بد سگالش کنند ۱۱٤، سگالند ۱۲۹

یَمْکُرُونَ: وَمَا یَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ (۶:۱۲۳)
سازند ۲۹، سگالش کنند ۳۸، سِگالَند ۵۳، می سِگالَند ۵۵، سازش بد همی کنند ۸۸، سگالشهای بد کردند ۱۰۷، بسازند ۱۲٤

~: وَیَمْكُرُونَ وَیَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَیْرُ الْمَاكِرِینَ (۸:۳۰)
بد یها می سگالند ۲۷، می سگالید ند ۴۸، می سِگالَند ۵۵، سگالند ۵۶، فریب می نمایند در نهان ۱۰٤، بد همی سگالید ند ۱۰۹، فریب می نمایند ۱۲۶، سازش بد ساختند ۱۲۸، بدی می سگالند ۱۳۱

~: إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ یَمْكُرُونَ (۱۲:۱۰۲)
دستان میکردند ۲۹، همی سگالید ند ٤۱، می ساختند ۶۳، بد می سگالید ند ٦٤، سازش همی کردند ۹۶، میساختند ۱۰۶، سازش بد همی کردند ۱۲۸

~: وَلَا تَكُ فِی ضَیْقٍ مِّمَّا یَمْكُرُونَ (۱۶:۱۲۷)
سازش بد کنند ۲، دستان می کنند ۲۹، همی سِگالند ۵۳، بَدی سگالَند ۵۵، می سازند ۶۳، ایشان بد می سگالند ٦٤، بد کاری می کنند ۷۲، همی سازش بد کنند ۷۸، میسازند ۱۰۶، همی سازند از بدی ۱۲۸، افسوس میکنند ۱۳۶

~: وَلَا تَكُن فِی ضَیْقٍ مِّمَّا یَمْكُرُونَ (۲۷:۷۰)
همی بد سگالند ۲، می سگالند ۲۱، دستان میکنند ۲۹، ایشان می سگالند ٤۷، همی سگالَند ۵۳، بدی می سازند ۵۸، بد می سگالند ٦٤، ایشان بدی می سگالند ۹۲، میسگالند ۱۱۵، می کنند ۱۲۵، می سگالید ۱۳۹

~: وَالَّذِینَ یَمْكُرُونَ السَّیِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ (۳۵:۱۰)
می سگالند ۲، سگالیدن ۳۰، همی سگالند ۳۸، هَمی سِگالَند ۵۳، سگالش میکنند ۵۶، بسگالیدند ۶۹، بد سگالند ۹۰، سازش بد می کنند ۱۲٤، کنند ۱۲۵، بسگالید ندی ۱۳۹

★ كَانُوا یَمْكُرُونَ: سَیُصِیبُ الَّذِینَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِیدٌ بِمَا كَانُوا یَمْكُرُونَ (۶:۱۲٤)
همی سازش بَد کردند ۲، می سگالید ند ۳، بد همی ساختند ۲۷، همی سازش بد کردن ۵۲، می کردند سگالش بد ۵٦، می سگالید ند و می کردند ۵۸، همی کردند سازش بد ۸۸، سگالش میکردند ۱۰۰، سگالش بد همی کردند ۱۰۹، سگالش میکردند ۱۱۰، می سگالید ۱۱۹، همی کردند ـ می ساختند ۱۲٤

★ مَا یَمْكُرُونَ: وَمَا یَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ (۶:۱۲۳)
نمی سگالند ۳، سازش بد نکنند ۱۰ مکرّر، بد نسازند ۲۷، نسازند ۲۹، بد نمی سگالند ۳۹، بدی نمی سگالند ٤۱، نمی سازند ۶۳، نمی سازند بدی ۱۰۰، بدی نمیرسانند ۱۰٤، نه سگالند همی ۱۰۷، بد سگالش نکنند ۱۱٤

وَلَيُمَكِّنَنَّ: وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ (۲٤:۵۵)
جای کند ۱، استوار گرداند ۲، جای دهد ۲۹، جای سازد ۳۰، نگاه دارد ٤۲، استوار کردیم ٤۳، دست دهد ٤۷، نگاه کند ۵۳، جایگاه کند ۵۸، استوار گرداند ٦۱، توانایی دهند ۷٦، جای دهیم هر آینه هر آینه ۸۰، استوار دارند ۹٤، توانا گرداند ۹٦، دستگاه دهد ۱۳۸

يُمِلَّ: أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ (۲:۲۸۲)
بر گوید ۳، بر دهد ٤۱، ور دهد ٤۳، بنوساند ۱۳۱

يَمْلِكُ: قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا (۵:۱۷)
پادشای دارد ۱، می تواند ۳، پادشایی دارد ۱۰ مکرّر، وادارد ۲۷، پادشاهی داد ۲۹، برهاند ٤۱، می تواند ۵۵، نگاه تواند داشت ۵۸، تواند ٦۲، باز دارد ٦۷، باز تواند داشت ۹۰، پادشاهی د آرد ۹٤

~: مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۵:۷٦)
پادشاست ٤۵

~: أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ (۱۰:۳۱)
پادشاهست ۱۰، پادشاه گردد ۵۳، توانایی دهد ۵۸، پادشاهان دارد ۵۹، توانا و پادشاه باشد ٦٤، توانا بود ۸۸، خداوندی میکند ۱۲۰

~: مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا (۱٦:۷۳)
گردان کنند ۳۰، پادشای دارد ۵۳

~: وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۲۰:۸۹)
پادشا بود ۵۳، دارد پادشایی ۹۵

~: فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا (۳٤:٤۲)
توانند ۲، پادشاهی دارد ۳۸

~: قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا (٤۸:۱۱)
پادشاای دارد ۲، پادشاه گردد ۳۰، توانایی دارد ٦٤، تواند ٦۷، بتواند ۹۰، سود کند ۱۰۵

★ لَا يَمْلِكُ: مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا (۵:۷٦)
پادشای ندارد ۱، پادشاای ندارد ۲، پادشایی نه دارد ۱۰ مکرّر، پادشاهی ندارد ۲۹، نگیرد ۹۲، پادشاهی ند آرد ۹٤، نتواند کرد ۱۰۰، نتوانید ۱۰۵

~: مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا (۱٦:۷۳)
پادشایی ندارد ۲، نتواند ۲٤، نمی تواند ۲۹

~: وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۲۰:۸۹)
پادشای نمی داشت ۱، توانایی ندارد ۳۹، نتوانست رسانیدن ٤۱، نتواند کردن ٤۲، نتواند کردن ۵۲، پادشاه نشود ۵٦، پادشاهی ندارد ۵۸، پاداش ندارد ٦۱

~: فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا (۳٤:٤۲)
پادشا ای ندارد ۲، نه پادشاهی دارد ۲۲، توانائی ندارد ۳۹، پادشا نشود ۵٦

~: وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ (٤۳:۸٦)
پادشای ندارند ۱، نه توانند ۳، نه پادشاهی دارند ۲۲، نتوانند ۳۹، پادشاه نشوند ۵٦، پادشاهی ندارند ۱۰۸

يَمْلِكُونَ: فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ (۱۷:۵٦)
توانند ۳، پادشای دارند ۵۳

~: وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۲۵:۳)
پادشاهند ۳۰، پادشاه شوند ۵٦، پادشاهی د آرند ۹٤

~: لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا (۲۹:۱۷)
پادشای دارند ۹٤

~: لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (۳٤:۲۲)
کارگردان کنند ۳، پادشاهی دارند ۳۸

~: مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ (۳۵:۱۳)
پادشاهی دارد ۱۸، دارند توانایی ۹۰

~: لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۷۸:۳۷)

پادشاه‌اند ٣٩

★ لَايَمْلِكُونَ: لَايَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا (١٣:١٦)
پادشای ندارند ١، پادشا نباشند ٢، نه توانند ٣، می نتوانند ٧ مکرّر، نتوانند ٢٤، نشوند پادشاه ٥٦، توانایی ندارند ٥٨، نتوانند رسانیدن ٧٦، پادشاهی ند آرند ٩٤

~: فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ (٥٦:١٧)
پادشایی ندارند ٢، نتوانند ایشان ٢٤، نتوانید ٣٨، نمی توانید ٤١، پادشاهی ندارند ٤٢، پادشائی نداد ٩٤

~: لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ (٨٧:١٩)
پادشای ندارند ٢، نتوانند کردن ٤٢، پادشاهی و توانایی ندارند ٥٨

~: وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (٣:٢٥)
نتوانند ایشان ٢٤، پادشاهی ندارد ٦١، نتوانند که بازدارند ٧٦، نمیتوانند ١٢٣، پادشاه ندارند ١٢٨

~: لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا (١٧:٢٩)
پادشا ای ندارند ٢، نتوانند داد ٣٩، پادشا نشوند ٤٦، پادشاه نشوند ٥٦، نمیتوانند ١١١، نه پادشاهی ١٣٩

~: لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (٢٢:٣٤)
توانائي ندارند ٣٩، نه پادشای دارند ٢٢، نتوانستندی ١١٤

~: لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (٣٧:٧٨)
پادشاه نشود ٦١

★ مَا يَمْلِكُونَ: مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ (١٣:٣٥)
پادشای ندارند ١، نه‌اند پادشاه ٢٤، نشوند پادشا ٥٦، توانایی ندارند ٥٨، پادشاهی و توانایی ندارند ١٣٩

لِيُمْلِلِ: وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ (٢٨٢:٢)
برگویدا ٣، گویدا ٢٨، گوبرده ٤١، برگویدا ٥٥، در دهدا ١٠٩، باید که بنویساند ١٣٣

يَمُنُّ: وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ (١١:١٤)
سپاس نهد ٢، نیکویی کند ٣، نیکویی کُند ٥٥، نیکو داشت کند ١٠٢، سپاس می نهد ١٠٩

~: بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ (١٧:٤٩)
سپاس نهد ٣٠، سپاس دهد ٣٩، سپاسه نهد ٥٢

يَمْنَعُونَ: وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (٧:١٠٧)
بازدارند ٢، بازمی دارند ٦٤، بازمیدارند ١١٤، بازگیرند ١٣٩

يَمُنُّونَ: يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا (١٧:٤٩)
سپاس همی نهند ٢، سپاس نهند ١٧، سپاس می نهند ٣٩، سپاسه می نهند ٧٢، بهانه می نهند ٩٩

يُمْنَىٰ: أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ (٣٧:٧٥)
انداخته کرده شود ٣، بیندازند آنرا ٦، آرزو کردند ١٩، بچکد ٢٤، بیرون آرند ٢٩، بیرون آمد ٣٠، ریخته شود ٣٩، می ریختند ٤١، بیرون گذارد ٦١، ریخته می شود ٧٩، بریزند ١٠٦، بیرون آید ١٠٨، اندازه کرده شده ١١٤، ریخته میشود ١١٦، ریخته شده ١٢٠، بریزد ١٣٦

يُمَنِّيهِمْ: يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (١٢٠:٤)
آرزوا نماید ١، آرزو می دهد ٣، اومید دهد ١٠، امیداو کند ٢٤، امید دهد ٢٧، درامید می اندازد ٣٦، آرزوها پیش می کند، آرزوها پیش کند ٤١، اُمید می کُند ٤٢، اومید می کند ٥٢، اُمیدها نُماید ٥٣، درآرزو افکند ٥٦، امید می نماید ٥٨، فرا آرزو می دارد ٦٣، آرزو نماید ٦٤، در آرزو کُند ٦٩، آرزو می دهند ٧٦، امید همی کند ٧٨، آمید همی دهد ٨٢، آرزوهاء شان نماید ٩٠، می آمید نماید ٩٢، امید می دهد [illegible]

۱۰۰، بیوس میدهد ۱۰۲، در آرزو می اندازد ۱۰۳، بآرزوی می آرد ۱۰٤، امید میکند ۱۰۵، آرزو میدهد ۱۰٦، ایشانرا در آرزوها می افکند ۱۱۱، آرزومند کند ۱۱٤، آرزو دهد ۱۲۱، نمایند ۱۲٤، امید میکند ۱۲۵، به آرزو می افکند ۱۳۰، بآرزو افکند ۱۳٦، فرا آرزو می دارد ۱۳۸

يَمْهَدُونَ: فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ (۳۰:٤٤)
می گسترند ۱، گسترند ۲، می گسترانند ۳، بگسترانند ۱٤، جای می سازند ۲۹، همی گسترند ۳۰، می سازند ۳۸، جاء می سازند ۳۹، راست کنند ٤۳، راست می کنند ٤٦، می بستر سازند ٤۷، جای آرام می سازند ۵۸، جای راست میکنند ٦۱، جای نرم میسازند ٦۷، ساخته باشد ۷٦، می گستران اند ۸۰، راست میکنند ۸۷، گهواره می سازند ۹۰، می گستراند ۹۱، بستر میسازند ۱۰۲، بستر گسترانند ۱۰۹، میکسترند ۱۱۱، میگسترند ۱۱٦، میسازند ۱۱۷، میگسترانند ۱۲۱

يَمُوتُ: لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ (۱٦:۳۸)
بمیرد ۱، بمیرد ۲، مرد ۳، بمرده بود ۲٤، میرد ۵۳، می میراند ۱۲٦، میمیرد ۱۳۰

~: وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ (۱۹:۱۵)
بمیرد ۲، بمرد ٦۲

★ لَا يَمُوتُ: فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا (۲۰:۷٤)
نمیرد ۲، بنمیرد ۳٤، نمیرد ۵۳، نه میرد ۸٦

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ (۲۵:۵۸)
نمیرد ۱، نمیرد ۲، نمیرد هرگز ۲٤، هرگز نمیرد ۱۱۱

~: ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ (۸۷:۱۳)
نمیرد ۲

يَمُوتُوا: لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا (۳۵:۳٦)
کبمیرند ۱، بمیرندی ۲۲، بمیرند ۳۹

يَمُوتُونَ: وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ (٤:۹۸)
می میرند ۱، بمیرند ۲، میرید ۲۳، بمیرند ۲٤، همی میرند ۲۹، مرگ شان آید ٤۰، میرند ۵۳، بمیرند ایشان ٦۱، بمردند ۱۰۰، میمیرند ۱۳۰

★ الَّذِينَ يَمُوتُونَ: وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ (٤:۱۸)
آن کسها کشان مرگ آید ۵۵

يَمُوجُ: وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ (۱۸:۹۹)
می در شهد ۱، در هم شوند ۳، درمی شدند ۲۹، می گردند ۳٤، بهم اندر شود ۳۸، بهم در می شوند ۳۹، درمی آمیزند ٤۱، بهم درشود ۵۲، بیایند ـ آمیخته شوند ۵٦، درهم می زنند توتو ۵۸، درمی شوند ٦۱، درشود ٦۳، درامیزند ۷۹، اندر شود ۸۸، درمی آیند ۹۲، درهم می شوند ۹٤، روند ۱۰٦، همی اندر آمدند ۱۰۸، درمی شود ۱۰۹، بشورند ۱۲۲، همی گردند ۱۲٦، درشوند ۱۲۹

يُمِيتُ: رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ (۲:۲۵۸)
می میراند ۳، بمیراند ۱۰، مرده کند ٦۳، بمیراند ۱۰۰

~: وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳:۱۵٦)
مرگ دهد ۱۰، بمیرند ٤۰، می میراند ۱۲۱

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ (۷:۱۵۸)
میراند ۳، بمیرندد ۱۰، همی میراند ۱۰۹

~: يُحْيِي وَيُمِيتُ (۹:۱۱٦)
بمیراند ۲، بمیراند ٦۲، میمیراند ۱۱۱

~: وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ (۲۳:۸۰)
بمی میراند ۲۹

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ (٤٤:۸)
میرانده ٦۱

~: لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ (۵۷:۲)
بمیراند ۲، میرانده ۹۸

يُمِيتُكُمْ: فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ (۲:۲۸)
جانهاتان بردارد ۱۰، میراند ۵۵، بمیرانید ۶۰، جان بستاند ۶۳، می راند ۸۰، بمیر آند ۹۴، میمراند ۹۶، می میراند ۱۰۴

~: وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ (۲۲:۶۶)
بمیراند ۲، میرانند ۱۱۴

~: ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ (۳۰:۴۰)
بمیرانید ۳۴، میرانید ۱۱۱

~: قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ (۴۵:۲۶)
بمیراند ۲، میراند ۳

يُمِيتُنِي: وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (۲۶:۸۱)
بمیراند ۱، بمیرآند ۵۳، می میراند ۸۶، میراند ۸۷، میمیراند ۱۱۱

يَمِيزَ: حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ (۳:۱۷۹)
پدید کند و جدا کند ۲، پیدا کند ۳، جدا کند ۲۳، پدید کند ۴۲، جدا کند ۵۵، جدا باز کند ۶۳، آشکارا کند ۹۶

~: لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ (۸:۳۷)
جدا کند ۱، جدابی کند ۲، جدای باز کند ۶۳، تا جدا گرداند ۷۹، باز کند ۱۰۶، جدابی کند ۱۰۹

فَيَمِيلُونَ: فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً وَاحِدَةً (۴:۱۰۲)
گرایند ۳، بر کو بندی ۱۰، بچسبند ۲۹، بچسبند ۳۸، بگردند ۳۹، بدوانند ۴۱، بگردند ۵۳، گرایند ۵۵، بازچمند ۵۷، برچسبند ۸۸، باز گردندی ۹۲

الْيَمِينِ: يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ (۱۶:۴۸)
راست دست ۱، راست ۲، سوی راست ۳، سوی راست ۵۵، رآست ۱۰۰

~: وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ (۱۸:۱۸)
راست ۵۳، دست راست ۵۵، پهلوی راست ۱۱۹

~: جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ (۳۴:۱۵)
راستا ۹۸

~: قَالُوا إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ (۳۷:۲۸)
دست راست ۸۱

~: فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (۳۷:۹۳)
سوگند ۲۴، نیرو ۳۳

~: إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ (۵۰:۱۷)
راست ۲

~: وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۵۶:۲۷)
دست راست ۱

~: لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۶۹:۴۵)
نیروی هفت اندام ۳۰، هفت اندام ۸۸، نیرو، گرفتن سخت ۱۰۹

يَمِينِكَ: وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا (۲۰:۶۹)
راست دست ۱

~: وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ (۲۹:۴۸)
دست ۲۴، دست رآست ۱۰۰

~: وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ (۳۳:۵۰)
دستهاتان ۶۱، دست راست ۱۱۹

~: إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ (۳۳:۵۲)
دست راست ۳

★ مَامَلَكَتْ يَمِينُكَ: وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ (۳۳:۵۰)
کنیزکان و زیردستان ۲۴، آنچه پادشاه گشت بر آن دست ـ زیردستان تو ۴۷، کنیزکان تو ۵۸، زیردست شما باشد ۹۶

~: إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ (۳۳:۵۲)
پرستاران ۲۴

بِيَمِينِهِ: فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۱۷:۷۱)

راست دست ۱، دشت راشت ۲، دست راست ۳، دَشت رَاشت ۵۵

~: وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطْوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦ (۳۹:۶۷)
سوگند ۳۰، فرمان ۱۳۹

يَنَابِيعَ: فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ فِى ٱلْأَرْضِ (۳۹:۲۱)
چشمها ۱، چَشمَهَا ۵۳، چشماء ۸۹، چشمه ها ۹۸، چشمه ۱۲۰

يُنَادِ(ى): وَٱسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ ٱلْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۵۰:۴۱)
آواز دهد ۶، بخواند ۳۰، خوانده شود ۸۰، بانگ کند ۱۳۹

يُنَادَوْنَ: يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ (۴۰:۱۰)
می خوانده شند ۱، بانگ کنند ۲۲، بانگ همی کنند ۳۹، آواز کنند ۴۲، خوانده می شوند ۵۶، آواز داده شوند ۶۱، آواز دهند شان ۹۹، برخوانند شان ۱۰۰، آواز میدهند ایشانرا ۱۰۲، آواز داده می شوند ۱۰۹، آواز کرده شدند ۱۳۶، آواز دهند گان ۱۳۹

~: أُو۟لَٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ (۴۱:۴۴)
خوانده می شود ۳، بخُوانند شان ۲۲، همی خوانند ۲۴، آواز دهند ۲۹، بانگ می کنند ۴۹، خوانده شوند ۱۰۰، بخوانند شان ۱۰۸، آواز کرده شوند ۱۱۴، خوانند ۱۲۴، میخوانند ۱۲۶، خوانده میشوند ۱۲۹

يُنَادُونَكَ: إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلْحُجُرَٰتِ (۴۹:۴)
می خوانند ۱، آوازمی کنند ۳، آواز می دهند ۶، بخوانند ۱۷، آواز میدهند ۲۹، آواز دهند ۳۰، بانگ کنند ۳۹، بانگ می کنند ۵۲، آواز دادند ۶۱، هَمی خوانند و آواز می کنند ۸۱، میخوانند ۸۷، بآواز می کنند ۹۱، برمیخوانند ۱۰۰، بانگ میکنند ۱۰۵، همی آواز دهند ۱۰۸، آواز میکنند ۱۲۳، فریاد زنند ۱۳۶

يُنَادُونَهُمْ: يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ قَالُوا۟ بَلَىٰ (۵۷:۱۴)
می خوانند ۱، بَخوانند ۲، آواز دهند ۳۰، آواز می دهند ۳۹، آواز دهد ۶۱، آواز برآرند ۶۴، خوانده شوند ۹۲، آواز داده شوند ۱۱۹، بانگ کنند ۱۲۴، برخوانند ۱۳۸، آواز میدهند ۱۳۹

يُنَادِى: إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِى لِلْإِيمَٰنِ (۳:۱۹۳)
می خواند ۱، مَی وَاخواند ۱۰، آواز داد ۲۳، آواز می دادی ۲۷، میخواند ۲۹، آواز می داد ۴۱، همی خُواند ۴۲، همی خواند ۵۲، می آواز داد ۵۳، آواز دهد ۶۱، بخواند ۶۷، اواز می داد ۶۹، همی خواند ۹۴، آواز میداد و باز میخواند ۱۰۲، آواز همی داد ۱۰۹

يُنَادِيهِمْ: وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِىَ (۲۸:۶۲)
بخواند ۱، آواز دهد ۲۴، بانک زند ۴۱، برخوانند ۵۳

~: وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبْتُمُ ٱلْمُرْسَلِينَ (۲۸:۶۵)
خواند ۳، میخواند ۱۳۰

~: وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِىَ (۲۸:۷۴)
برخواند ۵۳

~: وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَآءِى (۴۱:۴۷)
بخواند ۳۰، آواز دهند ۶۱، فریاد کند ۱۳۶

يُنَازِعُنَّكَ: فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ فِى ٱلْأَمْرِ ۚ وَٱدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ (۲۲:۶۷)
باید پیکار کردن ۹۴

★ لَا يُنَازِعُنَّكَ: فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ فِى ٱلْأَمْرِ (۲۲:۶۷)
پیکار نکنند ۱، پَیکار نباید کردن ۲، پیکار نباید کردن ۳۰، نباید پیکار کردن ۶۱، پیکار نکند ۹۲

يَنَالُ: قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِى ٱلظَّٰلِمِينَ (۲:۱۲۴)
رسد ۱۰، یابد ۳۰

~: لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا (۲۲:۳۷)
برسد ۸۷

★ لَایَنَالُ: قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ (۲:۱۲۴)
أندرْ نیابد ۲، نیابد ۲۹، اندر نیاید ۳۸، نه رسد ۴۰، بنیاید ۴۱، دَر نیابَد ۴۲، نیابند ۴۸، درنیابد ۵۲، نرسد ۵۷، نیاید ۶۷، اندر نیافتند ۸۲، نیاوند ۹۵، نرسد و فرانگیرد ۱۳۰

★ لَنْ یَنَالَ: لَنْ یَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا (۲۲:۳۷)
نرسد ۱، نه رسد ۲، هرگز نه یابد ۳، هرگز نرسد ۳۹، نَرَسَد ۵۳، نرسد و درنیابد ۵۴، هرگز درنتوان یافت ۶۴، نخواهد ۱۰۵، نیابد ۱۱۴، نمیرسد ۱۲۰

یَنَالُهُ: وَلَکِنْ یَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْکُمْ (۲۲:۳۷)
برسد ۲، رسد ۲۴، خواهد ۱۰۵، یابد ۱۱۴، میرسد ۱۲۳

یَنَالُهُمْ: أُولَئِکَ یَنَالُهُمْ نَصِیبُهُمْ مِنَ الْکِتَابِ (۷:۳۷)
رسد ۱، برسد ۲، بیابد ۲۹، فرا ایشان رسد ۶۲، می رسد ۹۶

~: أَهَؤُلَاءِ الَّذِینَ أَقْسَمْتُمْ لَا یَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ (۷:۴۹)
رساند ۳، برساند ۱۰ مکرّر

~: سَیَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ (۷:۱۵۲)
بَرسد ۲، فارسد ۱۰، هارسد ۳۵، در رسد ۳۶، فرا رَسَد ۵۳، سرانجام برسد ۶۱، زود یابد ۶۴، زود فرا رسد ۹۳، دریابند ۱۰۰، برسد ۱۲۹، میرسد ۱۳۶

★ لَایَنَالُهُمُ: لَا یَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ (۷:۴۹)
نرساند ۱، نیابد ۲۹، فرا نرساند ۵۳، فرا ایشان نرساند ۸۸، هرگز نرساند ۱۱۱، نمیرسد ۱۲۰، نرساند ۱۲۶

یَنَالُوا: وَهَمُّوا بِمَا لَمْ یَنَالُوا (۹:۷۴)
یافتند ۲۷

★ لَمْ یَنَالُوا: وَهَمُّوا بِمَا لَمْ یَنَالُوا (۹:۷۴)
نرسیدند ۱، نیافتند ۲، نمی رسند ۴۱، نه یَافتَند ۵۵، نیافتند و نرسیدند ۵۸، نه در رسیدند ۶۱، نه رسیدند و نیافتند ۱۰۹، نرسیدند بدان ۱۱۳، نیابند ۱۲۱، نمیرسند ۱۳۶

~: وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِینَ کَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنَالُوا خَیْرًا (۳۳:۲۵)
نیافتند ۲، نه یافتند ۳، نه رسیدند ۳۴، درنیافتند ۴۲، نَهْ یابند ۵۳، نرسیدند و نیافتند ۱۱۳

یَنَالُونَ: وَلَا یَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَیْلًا (۹:۱۲۰)
رَسنْد ۲، یابند ۳، رسد شان ۱۳، یاوند ۲۹، گیرند ۳۶، رسند ۵۷، برسند ۶۱

★ لَایَنَالُونَ: وَلَا یَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَیْلًا (۹:۱۲۰)
نکنند ۱، نیاوند ۳۴، نیابند ۳۹، نمی یابند ۴۱، نیابَند ۴۲، نَه یَابَنْد ۵۵، نرسد ۶۴، نرسند ۹۶، نه یابند نرسند ۱۰۹، نه یابند ۱۳۵، نمیرسند ۱۳۶

یَنْأَوْنَ: وَهُمْ یَنْهَوْنَ عَنْهُ وَیَنْأَوْنَ عَنْهُ (۶:۲۶)
می دور بند ۱، دُور همی شونْد ۲، دور می شوند ۳، دور می باشند ۹، دور میشوند ۲۵، خود دور همی شوند ۲۹، بازمی گردند ۴۱، خود دور شوند ۴۲، دور شوند ۵۲، دُور مِی شَوَند ۵۵، خود دور همی باشند ۶۲، دور باشند ۶۷، دور همی شوند ۸۲، خود همی دور شوند ۸۵، دور همی باشند ۸۸، دور باشد ۹۲، خود دور شوند ۱۰۵، کناره میجویند ۱۲۲

یُنَبَّؤُا: یُنَبَّؤُا الْإِنْسَانُ یَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۷۵:۱۳)
آگاه کرده شود ۳، آگاهی دهد ۳۰، آگاه کنند ۶۱، آگاهانیده شود ۷۹، آگاهانیده شد ۱۰۰، آکاهانیده شود ۱۰۴، هانیده شود ۱۱۳، بیاگاهانند ۱۳۸

یُنَبَّأْ: أَمْ لَمْ یُنَبَّأْ بِمَا فِی صُحُفِ مُوسَى (۵۳:۳۶)
آگاه کرده شد ۸۰

★ لَمْ یُنَبَّأْ: أَمْ لَمْ یُنَبَّأْ بِمَا فِی صُحُفِ مُوسَى (۵۳:۳۶)
آگه کرده نشد ۱، نیست آگاه ۲، نه آگاه کرده شد ۳، آگاهی ندارد ۳۰، آگاهانیده نشد ۱۰۰،

آگاهی نـدادنـدش ۱۰۸، آگاه کـرده نـشـد ۱۱٤، آگاهی ندادش ۱۲٤، نیاگاهانید ۱۳۱

يُنَبِّئُكَ: وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (۱٤:۳۵)
آگاهد ۱۱٤

★ لَا يُنَبِّئُكَ: وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (۱٤:۳۵)
آگاهی ندهد ۳۰، نکند آگاه ٥٦، آگاه نکند ٥۸، آگاهانیدن ٦۱، نیاگاهاند ۸٦، آگاه نسازد ۱۳۲، نه گاهاند ۱۳۹

يُنَبِّئُكُمْ: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٤۸:٥)
آگه کند ۱، آگاه کند ۲، اگاه کند ٥۳، بیاگاند ۸۹، آگاه خواهد ساخت ۱۲۲

~: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰٥:٥)
آگاه کند ٥۳، بیاگاهد ۱۱٤، آگاه میگرداند ۱۳۰

~: ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (٦۰:٦)
آگاهی دهد ۲، پدید کند ۹، آگاه کند ٥۳

~: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰٥:۹)
آگاهاند ۱۱٤، آگاه خواهد کرد ۱۲۲

~: هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ (۷:۳٤)
می گوید ٤۱، می آگاهاند ۸٦

~: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷:۳۹)
بیاگاهاند ۲٤

~: فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸:٦۲)
آگاهی دهد ۲، آگاه گرداند ۱۱۱

يُنَبِّئُهُمُ: وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ (۱٤:٥)
آگه کند ۱، آگاه کند ۲، آگه کند ـ آگاه کند ۳۷، آگاهی کند ٥۲، بنگاهاند ٦۷، بیاگاهان ۷۹، آگاه سازد ۱۱٦

~: فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۰۸:٦)
آگاهی دهد ۲، آگاه کند ۳، آگه کند وبگوید ۱۰، آگاه میگرداند ۱۳۰، بیاگاهاند ۱۳۸

~: ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۱٥۹:٦)
آگاه میکند ۱۲۱

~: وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا (٦٤:۲٤)
بیاگاهاند ۲٤، آگاه کند ٥۳، آگاهی دهد ٦۱، آگاه گرداند ۱۳۲

~: يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا (٦:٥۸)
بیاگاند ۲٤، خواهد ۸۷

يُنبِتُ: يُنبِتُ لَكُم بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ (۱۱:۱٦)
در آرد ۱، بَرُویانیم ۲، می رویانت ۳، برویند ۲٤، ور رویاند ۲۹، می رویاند ۳٦، برویاند ۳۸، بر آرد ۳۹، برویانیم ٥۲، همی رُویانَدْ ٥۳، می رُویانیم ٥٥، بر می رویاند ۷۹، میرویاند ۱۰۰، برباند ۱۲۸

لَيُنبَذَنَّ: كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (٤:۱۰٤)
درافکنند ۲٤، درافکند ۲۹، درانداخته شود ۷۹، درافکندش ۸۸، دراندازد او را ۹٦، انداخته شود ۱۰۰، هر آینه انداخته خواهد شد ۱۲۰، درآورندش ۱۲٤، افکنده شود ۱۲٦

يَنبَغِي: وَمَا يَنبَغِي لِلرَّحْمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا (۹۲:۱۹)
سزد ۳، سزا است ۲٤، شاید ۳۹، می سزد ۱۱٤

~: مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ (۱۸:۲٥)
سزندی ۱، بود سزاوار ۲٤، روا باشد ۳٦، سزاوار ٥۳

~: وَمَا يَنبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (۲۱۱:۲٦)
سزاوار بود ۲٤

~: لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ (٤۰:۳٦)
سزاوار است ۲۲، سزاوار باشد ٥۹، سزاوارست ۸۸، باید باشد ۹٦، یابد ۱۰٥، سزد و روا باشد ۱۱۱، بشاید ۱۲٤

~: وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا یَنْبَغِی لَهُ (۳۶: ۶۹)
سزا بود ۲٤، باید و سزد ۹۰، سَزَد ۱۳۸

~: لَا یَنْبَغِی لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِی (۳۸: ۳۵)
افزونی جُویَدْ، سَزاوارْ بَاشَدْ ۵۳

★ کَانَ یَنْبَغِی: مَا کَانَ یَنْبَغِی لَنَا (۲۵: ۱۸)
بود سزاوار ۵٦

★ لَا یَنْبَغِی: لَا یَنْبَغِی لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِی (۳۸: ۳۵)
نسزدا، نه باید ۳۳، نباید ۳۹، نُجوید ۸۱، نشاید ۹۲، نبود ۱۰۵، سزاوار نباشد ۱۱۱، نسزد و روا نباشد ۱۱٦، نرسد ۱۲۳

★ مَا یَنْبَغِی: وَمَا یَنْبَغِی لِلرَّحْمَنِ أَنْ یَتَّخِذَ وَلَدًا (۱۹: ۹۲)
نسزد ۱، نسزد و نشاید ۲، نباید ۲۹، نشاید ـ روا نباشد ۳٦، نرسد ٤٤، سزا نباشد ۵٦، نمی سزد ۱۲۱، سزاوارنباشد ۱۳۰، نباید و نشاید ۱۳۹

~: وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا یَنْبَغِی لَهُ (۳۶: ۶۹)
نسزد ۲، نه سزاوار است ۲۲، نبایستی ۳۳، نبایست ٤۱، نیست سزاوار ۵٦، نمی باید ۱۰۲، نشود ۱۰۵، سزاوار نیست ۱۱٦

★ مَا کَانَ یَنْبَغِی: مَا کَانَ یَنْبَغِی لَنَا (۲۵: ۱۸)
سزا نبود ۲، نمی سزید ۳، نسزید ٤۷، بسزا نبود ٦۱، نباشد و نسزد ۷٦، نسزد ۸۹، نباشد سزاوار ۱۳۲

یَنْبُوعًا: حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ یَنْبُوعًا (۱۷: ۹۰)
چشمه ۱، چشمه ی روان چشمها ۳٦، چشمهٔ روان ۵۲، چَشمَه ۵۳، چَشمه ۵۵، چشمه آب ۵۹، چشمه روآن ۹٤، چشمه آب بزرگ ۱۱٤، چشمه روان ۱۲۵، چشمه پر آب که هرگز کم نشود ۱۳۰، چشمه ها ۱۳۷

یَنْتَصِرُونَ: هَلْ یَنْصُرُونَکُمْ أَوْ یَنْتَصِرُونَ (۲٦: ۹۳)
داد واز آرند ۱، کینه می کشند ۳، نگاه دارند ۲۰، کینه واخواهند ۲۹، خود را نگاه توانند داشت ۳۹، بداد رسانند ٤۳، یاری می دهند ٤٦، خویشتن را یاری کنند ۵٦، باز همی دارند ٦۱، یاری می یابند ٦٤، خود را بتوانند رهانید ۷٦، دآد بستانند ۱۰۰، کینه کشند برای خود ۱۰۹، نگاه میدارند خود را ۱۱۱، بازهمی دارند از خویشتن ۱۲۸، خود یاری دهندگان ۱۳۹

~: وَالَّذِینَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْیُ هُمْ یَنْتَصِرُونَ (٤۲: ۳۹)
می داد واز آرند ۱، داد ستانند ۳، یاری خواهند ۲۲، کینه بازخواهند ۲٤، داد بستانند ۲۹، بازباشند ۳۹، یاری می خواستند ٤۱، داد خواهند ٤۲، یاری کنند ۵۳، کین خود می کشند ۵٦، داد ستانند ۸۱، داد بستدند ۱۰۰، کین باز کشند ۱۰۹، داد خود بستانند ۱۲۲، کینه کشند ۱۲٦، یاری داد میشوند ۱۳۰

یَنْتَظِرُ: فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ (۳۳: ۲۳)
می برمردارد[1] ۱، چشم می دارد ۳، چشم دارد ۱٤، همی پاید ۳۰، چشم میدارد ۹۲، چشم نکند ۱۱٤، چشم میدارند ۱۱۸

یَنْتَظِرُونَ: فَهَلْ یَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَیَّامِ الَّذِینَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ (۱۰: ۱۰۲)
برمرنمی دارند ۱، چشم می دارند ۳، چشم دارنده ۱۳، چشم دارند ۲۷، گوش می دارند ۲۹، همی یابند ۵۲، چشم هَمي دَارند ۵۳، چشم میدارند ۵۹، همی پایند ۹٦، چشم میدارید ۱۱٤، پایند ۱۲۵

یَنْتَقِمُ: وَمَنْ عَادَ فَیَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ (۵: ۹۵)

---

۱. می برمردارد: چشم می دارد، انتظار می کشد.
۲. کذا، در قرآن قدس به همین صورت منفی.

داد وازآرد ۱، کینه کشد ۲، کینه کشد ۱۰ مکرر، داد بستاند ۲۹، کینه آهنجد ۳٦، کینه بکشد ۳۹، کینه بکشد ٤۵، کین بکشد ۵۷، کینه بازخواهد ٦۳، کینه بیاهنجد ٦٤، داد ستاند ٦۵، کینه بستاند ۷۲، کین گذارد ۹٦، کینه میکشد ۹۹، کینه بازخواهد ۱۰۰، کینه آهنجید ۱۲۸

★ لَمْ یَنْتَهِ: لَئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ (۳۳:٦۰)
وازنشند ۱، نه ایستد ۲، نه بازایستد ۳، نه بازشوند ۱۸، وانایستند ۲۹، بازناستند ۳٤، نه بازباشند ۳۹، بازندارند ٤۲، بازنباشند ٤۳، باز نه ایستد ٤۷، بازبندارند ۵۲، نه بازایستند ۵٦، بازنشوند ۵۸، بازنایستند ۱۰۰، بازنیستند ۱۳۸، نه ایستند ۱۳۹

~: كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۹٦:۱۵)
باز نه ایستد ۲، بازناستد ۹٦، بازنایستد ۱۰۰، بازنایستاد ۱۲٤

یَنْتَهُوا: وَإِن لَّمْ يَنتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ (۵:۷۳)
بازایستند ۱۰ مکرر

~: إِن يَنتَهُوا يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ سَلَفَ (۸:۳۸)
وازشند ۱، بازگردند ٤۱، بازاستند ٤۲، بازاستد ۵۳، بازایستد ۵۵، بازباشند ۵۸، بازمانند ۹۲، بازایستید ۱۳٦

★ لَمْ یَنْتَهُوا: وَإِن لَّمْ يَنتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ (۵:۷۳)
وازنشند ۱، باز نه ایستند ۲، نه بازایستند ۳، باز نه ایستند ۱۰ مکرر، بازناستند ٤۲، نه بازشوند ٤۵، بازنیستند ٦۳، بازناستند ۷٦، بازنایستند ۸٤، نه ایستند ۸۸، بازنباشد ۹۲، بازده نشوند ۹۵، نایستند ۱۰۰، بازنه استند ۱۰۵

یَنْتَهُونَ: إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ (۹:۱۲)
بازایستند ۲، بازایستند ۳، وایستند ۱۰، واایستند ۲۹، بازشوند ۳۸، بازباشند ۳۹، باز ایستند ٦۲، بازاستند ۹۳، بازمانند ۹۹، مستر جوشند ۱۱۳

یُنَجِّی: وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ (۳۹:٦۱)
برهاند ۱، رهاند ۳، برهاند ۱۰۰، میرهاند ۱۲۰، می رهاند ۱۲۱

یُنَجِّیکُمْ: قُلْ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ (٦:٦۳)
می رهاند ۱، رهاند ۲، رهاند ۲۷، رهاند ۸۸، رهانید ۹٤

~: قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ (٦:٦٤)
برهاند ۱، برهاند ۲، برهانید ٦۰، میرهاند ۱۰٤، رها میکند ۱۱۸

یُنْجِیهِ: وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ (۷۰:۱٤)
برهاند ۳، برهاندی ٦، همانندی ۱۹، برهانندی ۳۰، رستگاری یابد ٤۹، برهانیدی ۵٤، برهانند ۱۱۳، رهاند ۱۱٤، برهانیدند ۱۳۸

یَنْحِتُونَ: وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (۱۵:۸۲)
ایشان می تراشند ٦۳، می تراشند ۸۰

★ کَانُوا یَنْحِتُونَ: وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا (۱۵:۸۷)
ایشان می کردند ۲٤، همی تراشیدند ۳٤، همی کندند ۳۹، همی کندند ۵۳، بودند تراشندگان ۹۰، تراشیدند ۹۸، می بریدند و میتراشیدند ۱۱۱، میکاویدند ۱۱۵، می تراشیدن ۱۱۹، میتراشیدند ۱۲۲، بودند که میتراشیدند ۱۳٦

یُنْذِرَ: قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ (۱۸:۲)
بدس برد[1] ۱، بیم کند ۲، بیم دهد ۱۳۵

~: وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (۱۸:٤)

۱. بدس برد: بیم دهد.

بیم نماید ۸، بیم کند ۲٤، بیم نمایند ٦٤، میترساند ۱۳٦

~: لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ (۳٦:۷۰)
بیم گیرد ۲۲، بترساند ۳۳، بیاگاهاند ٦۱

~: لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ (٤۰:۱۵)
آگاهی دهد ۲۹

لِيُنْذِرَكُمْ: أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ (۷:٦۳)
بدس برد ۱، بیم کند ۱۰، آگاهی دهد ۲۹، بترساند ۵۳

~: ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ (۷:٦۹)
بیم نماید ٦٤

لِيُنْذِرُوا: هَٰذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ (١٤:۵۲)
بدس برده شند ۱، بیم کنند ۵، آگاهی کنندشان ۲۹، بیم کرده شوند ۳۰، بیم و آگاه کرده شوند ۵۸، بیم زده شوند ۵۹، بترسانند ایشانرا ٦۲، پند گیرند ۷٦، بیم کنندشان ۱۱۲، ترسانیده شوند ۱۲۲، بیم شوند ۱۳٦

لِيُنْذِرُوا: وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ (۹:۱۲۲)
بدس بردندی ۱، بیم کنند ۱۳، آگاه کُنند ۵۳، پند دهند ٦٤، بیاگاهانند ۸۸، بترسانند ۱۱۱

يُنْذَرُونَ: وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (۲۱:٤۵)
بدس برده شند ۱، ایشانرا بیم کُنند ۲، بیم کنند ایشانرا ۱۲، بیم کندشان ۳۰، بیم کنندشان ۳۹، بترسانند ایشانرا ٤۲، بیم کرده شوند ٤۳، ترسانیده شوند ۵۸، بیم نمایند ٦٤، ایشانرا بترسانند ۷٦، بیم نمایند ایشانرا ۸٦، بترسانندشان ۱۰۳، بترسانند ۱۰۵، بیم کرده می شوند ۱۱۱، بیم نمایندہ شوند ۱۱۲، بیم کنند ۱۳۹

يُنْذِرُونَكُمْ: وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا (٦:۱۳۰)
می بدس بردند ۱، آگاه کردند و بیم کردند ۱۰، همی بیم کردند ۱۰ مکرّر، بیم کردند ۲۷، می ترسانیدند بیم می کَردَندْ ۵۳، بیم نمایند ۵۷، همی ترسانند ٦۲، می ترسانند ۷٦، بیم همی کردند ۸۲، بیم میکردند ۹۲، ترسانند ۹٦، می ترساند ۱۱۸، میترسانند ۱۲۲، بیم کنندگان ۱۲۳

~: وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا (۳۹:۷۱)
بیم کنند ٤۳، بترسانیدند ۵۲، آگاه می کردند ۵٦، بیم کردندی ۹۱، بیم می کردند ۹۲

يَنْزِعُ: يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا (۷:۲۷)
می بیرون کرد ۱، بیرون می کرد ۳، بَرکَشید ۱۰، ورکشید ۲٤، برمی کند ۲۹، بیرون آهنجید ٤۲، همی بیرون کرد ٤۵، همی کشید ۵۳، بُرون مي کرد ۵۵، بکشید ۵٦، می کند ۵۷، بیرون کرد ۵۸، بیرون آرد ٦۱، برکند ٦۳، بیرون می آرد ۸۰، بیرون کشد ۹۲، کشید ۹٦، بیرون میکشد می ستاند ۱۰۹، برکند و بیرون کشید ۱۱۲، بیرون آورد ۱۱۹، برمیکشیم ۱۲۰، کند ۱۲۲، میکشید ۱۲۳، کم کند ۱۲۷، بیرون همی کند ۱۲۸، درکشید ۱۳٦

يَنْزَغُ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ (۱۷:۵۳)
شُورش افکند ۲، تباهی می افکند ۳، تواه کند ۲٤، تباهی افکند ۲۹، بشوراند ۳۹، دشمنی می اندازد ٤۱، تباه کند ٤۲، بیاشوباند ۵۲، تَباهی اَفکند ۵۵، می شوراند ۵٦، بَشُوراند ۵۷، شورانگیزد ۵۸، بیاغالد ۵۹، بشخشاند ٦۱، شورش افکند ۷۸، تباهی می کند ۷۹، تباهی کند ۹٦، سگالش میکند ۱۰۲، بیاشوباند ۱۰۵، دشمنی میافکند ۱۱۱، تباهی میکند ۱۱۳، دشمنی می افکند ۱۱٦، دشمنی اندازد ۱۲۷

يَنْزَغَنَّكَ: وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ (۷:۲۰۰)
بَشُوراند یا بجنبانند ۲، براغالند ۱۰، براغالد و بشوراند ۲۷، برسد ۳۰، برغالند و برسند ۳۹،

درآید ۴۱، پُرسَد ۵۵، بشخشاند ۶۱، برآغالاند ۶۷، بشوراند و بجنباند ۸۳، بجنباند در دل بجنبد و برسد ۹۳، رسد ۱۰۴، بشوراند ۱۰۷، برانگیزاند ۱۱۱، کینه گیرد ۱۲۱، از جا بدر آورد ۱۲۲

~: وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيْطَـٰنِ نَزْغٌ (۴۱:۳۶)
وسوسه او کند ۱، بشُوراند ۲، برسد هرآینه هرآینه ۳، بسوراند[1] ۱۵، بشورانَد ۲۲، تباه کند ۲۹، بشوراند ۳۰، دراندازد در دل ۴۱، کشند ۵۲، بَرسَدْ ۵۳، بشورانید ۵۶، بشورد ۷۸، پرسید هرآینه هرآینه یا بگردانید ۸۰، بشورانند ۸۸، بگرداندت ۱۱۴، برسد هرآینه ۱۲۱

یُنزِفُونَ: لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ (۳۷:۴۷)
مست شوند ۳، خرد برد ۳۳، بریده شوند ۴۲، سست شوند ۴۳، خرد برده شوند ۵۶، تهی شوند ۶۵، سیری کنند ۷۸، بیهوش کرده شوند ۷۹، مست کرده شوند ۸۰، ستوه شوند ۸۷، مستی کنند ۸۸، سست گردند ۹۰، بی هوش شوند ۱۰۴، بهوش[2] کرده شود ۱۱۳، بیهوش گردانیده میشوند ۱۲۰، بیهوش گردند ۱۲۲، دردسر کشند ۱۳۱

~: لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ (۵۶:۱۹)
بی آشوب مانند ۳، سستی کند ۹۴، بیهوشی کشند ۱۰۰، بیهوش شوند ۱۳۰

* [لَا] يُنزَفُونَ: وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ (۳۷:۴۷)
مست نشند ۱

~: لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ (۵۶:۱۹)
نشوند مست ۲۴، مست نشوند ۳۰، مَست نشوَند ۵۱، بیهوش کرده نشوند ۷۹، مست نگردند ۸۱، بیهوش نشوند ۱۰۴، خردشان نرود ۱۰۸، بی خرد نشوند ۱۰۹، بی هوش نشوند ۱۱۳

یَنزِلُ: وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا (۳۴:۲)
فروکند ۱، فروفرستد ۳۸، فرومی آید ۴۱، فروآید ۴۷، فرومیآید ۱۳۸، فرود آرد ۱۳۹

~: وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا (۵۷:۴)
فرود آید ۳۰، فرود می آید ۶۱

یُنَزَّلَ: أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ (۲:۱۰۵)
فروفرستاده شود ۳، فَروفرستند ۱۰، بفرستند ۲۴، فرستد ۹۰، فروفرستاده است ۱۲۴، فروفرستاده شده ۱۳۰

~: حِينَ يُنَزَّلُ ٱلْقُرْءَانُ تُبْدَ لَكُمْ (۵:۱۰۱)
فرود شد ۱، فروفرستد ۹، فروآید ۲۴، فروفرستند ۲۶، فرود آورده شود ۲۷، فرود آید ۳۶، فرود کرده شهد ۳۷، فرستاده آید ۵۳، فرود فرستادهٔ شود ۵۸، فروفرستاده شد ۶۱، فروفرستاده می شوَد ۶۴، بفرستد ۷۶، فروفرستاده آید ۹۲، فرستاده میشود ۱۲۰

~: وَإِن كَانُوا۟ مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم (۳۰:۴۹)
فرود کرده شد ۱، فرستاده شود ۴۶، فروآرند ۴۷، فرود آمد ۶۴، فرستاده شد ۸۷، فروفرستادن ۱۳۸

یُنَزِّلَ: أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ (۲:۹۰)
فِرستَد ۱۰، فرستاده آید ۸۲، می فریستد ۱۲۸

~: أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً (۵:۱۱۲)
فرود کند ۱، فرستاد ۶۱

~: قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يُنَزِّلَ ءَايَةً (۶:۳۷)
فروفرشتد ۲، بفرستد ۲۴، فروفرستَد ۵۷، فرود فرستد ۵۸

~: وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِۦ (۸:۱۱)

---

۱. بسوراند / بشوراند.
۲. بهوش: بیهوش.

فرو بارندید ۱۰، بفرستاد ۵۸

~: يُنَزِّلُ الْمَلَٰئِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ (۱۶: ۲)
فرود آیند ۱، فروفرستد ۲، فرو می فرستد ۵۵، فروفرستید ۶۵، فرومیفرستد ۹۳، میفرستد ۱۰۳، فرومی فرستند ۱۰۶

~: وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ (۱۶: ۱۰۱)
فرو کند ۱، همی فرو فرستد ۲، می فرستد ۳۰

~: وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ (۲۴: ۴۳)
فرود آرد ۲، فرومی آرد ۴۷، فرود آرد ۶۱، فرود آرد ۱۰۸

~: وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً (۳۰: ۲۴)
همی فروفرستد ۱۴، فرود میفرستد ۸۶، فروفرستاد ۸۷

~: إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ (۳۱: ۳۴)
فروآرد ۴۷، فرستادن ۶۱، فرود آورد ۱۱۴

~: وَلَٰكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ (۴۲: ۲۷)
فروفرستد ۱۶، فرو می فرستد ۳۲، فروفرستد ۸۱، فرود فرستاد ۱۳۹

~: هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ (۵۷: ۹)
فرومی فرستد ۳، فرستد ۳۰

أَنْ يُنَزِّلَ: قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً (۶: ۳۷)
فرود نه فرستاد ۱۰ مکرر

★ لَمْ يُنَزِّلْ: مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا (۳: ۱۵۱)
فرود نگردید ۱، نه فرستاد ۳، نفرستادست ۱۰، نه فرستاده بود ۲۴، نداده بود ۲۷، نفرستاد ۳۶، فرونفرستاد ۵۲، فرونفرستاد ۱۰۰، فرود نیامد ۱۳۶

~: مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا (۶: ۸۱)
فرود نکرد ۱، نه فروفرستاد ۲، نفرو فرستاد ۴۱، فرو نفرستاده است ۶۲، فرود نیامده است ۶۴، فرو نفرستاده است ۹۶، فرو نه فرستاد ۱۱۴، فرونفریستاد ۱۲۸

~: وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا (۷: ۳۳)
نه فرستادست ۱۰، نیامدست ۲۴، نفرستاده است ۶۲

~: مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا (۲۲: ۷۱)
فرو نفرستاد ۲، نه فروفرستاد ۳، فرونفرستیده است ۳۴، فرود نفرستاد ۸۶

فَيَنْسَخُ: فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ (۲۲: ۵۲)
بسترد ۱۲، دوری کردی ۲۴، پاک کردی ۳۰، بگرداند ۵۲، ناچیز کند ۵۳، ببرد ۸۸، ناپدید کند ۹۲، ناچیز میکرد ۱۳۲، نیست کند ۱۳۸

يَنْسِفُهَا: فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (۲۰: ۱۰۵)
ورکند ۱، برکند ۳، از جای برکند ۲۹، برکند ۴۱، براند ۴۲، باد براند ۵۲، برباد کند ۵۳، بپراکند ۵۶، بر باد دهد برکند ۵۸، بکند ۶۱، بباد بردهد ۶۲، بست کند ۷۶، پراکند ۸۷، بباد بردامد ۸۹، برخواهد کند ۹۲، گرد کند ۹۶، خورد ومرد کند ۱۰۰، به باد بردهد ۱۰۶، پراکنده سازد ۱۱۱، برکند و بباد بردهد ۱۱۳، پراکنده میکند ۱۲۲، پراکنده میسازد ۱۳۰، بباد برده ۱۳۸، پراکنده ۱۳۹

يَنْسِلُونَ: وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ (۲۱: ۹۶)
می بیرون آیند ۱، همی پویند ۲، می پویند ۳، بزیری شتابند ۲۴، می دروند ۲۹، همی پویند ۳۰، می آیند بشتاب ۳۴، بیرون می آیند ۳۹، فرومی آیند ۴۲، همی بیرون آیند ۵۳، همی شتابند ۶۱، همی آیند بشتاب ۶۲، بویه می روند ۷۸، بزیر دوند ۷۹، پویند ۸۹، فرومی روند ۹۰، همی شتابند و بیرون خیزند ۹۴، فرود روند ۱۰۲، فرومی دوند ۱۰۹، بشتابند و دوند ـ در همهٔ زمین پراکنده شوند ۱۱۶، درمی آیند ۱۲۱، پویندگان باشند ۱۳۴، درمی پویند ۱۳۸

~: فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ (۵۱:۳۶)
بیرُون آیند ۲، شتابند ۳، بشتابند ۳۳، همی بیرون شوند ۳۸، می دوند ۴۲، بیرون آیند ۴۳، می شتابند ٦٤، بپویه می دوند ۷۸، میدوند ۸٦، بیرون آیند گان ۹۲، رمیده شوند ۹٦، بشتاب می روند ۱۱۳، میشتابند ۱۲۳، شتابان باشند ۱۳۰، برانگیخته شوند ۱۳٦

يَنْسَى: لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى (۵۲:۲۰)
فراموش کند ۳، فرامشت کند ۳۹، فرامُوش کُند ۵۳

★ لَا يَنْسَى: لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى (۵۲:۲۰)
فرموش نکند ۱، فَرامُشت نکند ۲، فراموش نکند ۳٤، نه فراموش کند ٦۱، فراموش نگذارد ۸۷، فراموش نشود ۱۰۲، فراموش نمیکند ۱۲۳

يُنْسِيَنَّكَ: وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ ٱلشَّيْطَٰنُ فَلَا تَقْعُدْ (٦۸:٦)
فرموش کند ۱، فرامُشت گرداند ۲، فراموش گرداند ۳، فراموش کند ۹، از یاد تُو ببرد ۱۰، فرامشت گرداند ۱۰ مکرّر، زیاد ببرد ۲٤، فراموش کناند ۳۹، از یاد ببرد ۷٦، از یاد بازبرد ۸۵، فراموش کنند ۸۸، فراموش کناد ۹۰، از یادت ببرد ۱۰۳، از یاد برد، از یاد تو بازبرد ۱۰٦

يُنْشِئُ: وَيُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ (۱۲:۱۳)
ورآرد ۱، بردارد ۲، برآرد ۵، براند ۲٤، هادید آورد ۲۹، پدید آورد ٤۸، همی کند ۵۳، بَربالاند ۵۵، بیافرید ۵٦، نو بیافریند ۵۷، برمی آید ۵۸، بیارد ٦۰، می آرد ۷۲، پدید می آرد ۷۹، فرادید می آورد ۸۵، پدید می آورد ۹۳، فرادید میآورد ۱۰٦، می انگیزاند ۱۰۹، می آفریند ۱۲۰

~: ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشْأَةَ ٱلْآخِرَةَ (۲۰:۲۹)
بیافریند ۲، آفریند ۳، برانگیزد ۲۱، بازآفریند ۲۹، بیافَریند ۳۰، برآرد و بیافریند ۵۸، پدید آرد ۸٦، پدید کند ۹٦، بیافرید ۱۰۸، پدید میکند ۱۲۰

يُنَشَّأُ: أَوَمَن يُنَشَّؤُا فِي ٱلْحِلْيَةِ (۱۸:٤۳)
ورآید ۱، پرورده شود ۳، پروردَند او را ۲۲، بپرورندش ۲۹، برآید ۳۰، بربالد ۳۲، بالیده شود ۳٦، پرورده شد ۳۹، بیاراید ٤۲، بَبالیدَه است ۵۳، براید ۵٦، پرورش دهد ٦٤، بربالد ۸۰، فرادید آید ۸۱، آراسته شود ۹۲، به پرورانند ۱۰٦، برانند ۱۰۸، پرورده شود ـ ببالد و بزرگ شود ۱۰۹، برمالد ۱۱٤، پرورده میشود ۱۲۰، پرورده گردد ۱۲۳، ببالد ۱۲٦، بپرورانند او را ۱۳۸

يَنْشُرْ: يَنشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحْمَتِهِۦ (۱٦:۱۸)
بپراکند ۱، بگُستراند ۲، بازگشاید ۳، بدید آورد ۳٤، فراخ کند ۳٦، پدید آرد و بپراکند ٤٤، بَپراکَند ۵۳، بپراکنند ۵۹، پدید آرد ۷٦، بگستراند ۹۲، بگسترد ۱۰۳، پراکنده و بسیار کند ۱۳۲، پیدا کند ۱۳۳، نشت کند ۱۳۹

~: وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُۥ (۲۸:٤۲)
گشاید ۳، بفرستد ۲٤، پراکنده می کند ۲۹، بگستراند ۳۹، برانگیزد ۹۰، پراکنده کند ۹٦، پراکند کند ۹۹، پراکند ۱۰٦، پراکنده میکند ۱۲۱، پراکنده گرداند ۱۲٦، پراکنده مینماید ۱۳۲

يُنْشِرُونَ: أَمِ ٱتَّخَذُوٓا۟ ءَالِهَةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ (۲۱:۲۱)
می زنده کنند ۱، همی بیافریند ۲، کس آفریند ۱۲، زنده واکنند ۲۹، زنده کُنند ۳٤، هَمی افریند ۵۳، انگیختند ۵٦، مردگان را زنده بتوانند کرد ۵۸، بیافرینند ٦۱، مرده زنده کنند ٦٤، همی افریند ٦۹، زنده می کنند ۷٦، همی آفریند ۹۰، برانگیزند ۹٤، آفرینش کنند ۱۰۲، زنده گردانند ۱۰٤، آفرینند ۱۰٦، همی بیافرینند ۱۰۸، پراکنده می شوند ۱۱۷، زنده میکنند ۱۲۱، زنده کرده شوند ۱۲٦، برانگیزانند ۱۳٦

يَنْصُرُ: يَنصُرُ مَن يَشَآءُ (۵:۳۰)
یاری دهد ۲، یاری کند ۳، یاری دهد ٤۷، یاری

میدهد ۱۰۳

يَنْصُرَكَ: وَيَنصُرَكَ ٱللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا (۳:۴۸)
یاری دهد ۳، یاری کند ۶، نیرو دهد ۴۴

يَنْصُرْكُمْ: إِن يَنصُرْكُمُ ٱللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ (۳:۱۶۰)
یاری دهد ۳، یاری فرماید ۱۰۴

~: وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ (۹:۱۴)
یاری دهند ۳، یاری کند ۱۰، یاری دهد ۵۸، نیرو دهد ۹۴

~: أَمَّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ جُندٌ لَّكُمْ يَنصُرُكُم (۶۷:۲۰)
یاری میکند ۹۲، یاری میدهد ۱۰۳، بازدارد ۱۳۹

لَيَنْصُرَنَّ: وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ (۲۲:۴۰)
یاری کند ۲، یاری کند ۲۴، یاری دهد ۵۸، خودیاری دهد ۶۲، یاوری کند ۱۳۲

يَنْصُرُنَا: فَمَن يَنصُرُنَا مِنۢ بَأْسِ ٱللَّهِ إِن جَآءَنَا (۴۰:۲۹)
رهاند ۳، یاری دهد ۳۹، یاری کند ۵۶، یاری خواهد داد ۶۴، یآری کند ۱۰۰، بازدارد ۱۲۱

لَيَنْصُرَنَّهُ: ثُمَّ بُغِىَ عَلَيْهِ لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُ (۲۲:۶۰)
یاری کند ۲، یاری کند ۵۸، یاری دهد ۷۶

يَنْصُرُنِي: وَيَٰقَوْمِ مَن يَنصُرُنِى مِنَ ٱللَّهِ (۱۱:۳۰)
بازدارد ۳، یاری کند ۵۳، یاری دهد و رهاند ۵۸، نگاه دارد ۶۲، یآری دهد ۱۰۰، یاری میکند ۱۱۸

~: فَمَن يَنصُرُنِى مِنَ ٱللَّهِ (۱۱:۶۳)
بازدارد ۳، یاری دهد ۲۹، یاری کند ۶۱، یاری مُهد ۱۱۳

يَنْصُرُهُ: وَلِيَعْلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ (۵۷:۲۵)
یاری کند ۲۴، یاری دهد ۱۰۸

★ لَنْ يَنْصُرَهُ: أَن لَّن يَنصُرَهُ ٱللَّهُ (۲۲:۱۵)
نکند یاری ۲، نه یاری کند ۱۲، هرگز یاری ندهد ۵۸، نکند یاری ۶۱، یاری ندهد ۶۴، هرگز یاری ننماید ۸۶، هرگز یاری نکند ۹۲، هرگز یاوری نکند ۱۳۲

يَنْصُرُونَ: وَلَآ أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ (۷:۱۹۲)
یاری کنند ۳، یاری و نیرو توانند کردن ۱۰، یاری توانند کردن ۲۷، یاری میکنند ۲۹، یاری توانند کرد ۵۶، یاری توانند دادن ۵۷، بتوانند یاری کردن ۵۸، یاری توانند داد ۱۰۴، یاری می توانند داد ۱۱۱

~: وَلَآ أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ (۷:۱۹۷)
نیرو دهند ۴۹، یاری دهنده ۵۳، یاری توانند کرد ۶۳، می توانند یاری دادن ۱۰۴، بینند ۱۱۲

~: وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (۵۹:۸)
یاری دهند ۲، یاری می دهند ۴۱، یاری همی کنند ۵۶، یاری می کنند ۸۱، یآری میکنند ۱۰۰، همی یاری دهند ۱۰۸، یاری میدهند ۱۱۳

★ [لَا] يَنْصُرُونَ: وَلَآ أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ (۷:۱۹۲)
یاری نه توانند کردن ۱۲۴

يُنْصَرُونَ: وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲:۴۸)
یاری کنند ۴۴، یاری داده شوند ۵۵، یاری کرده شود ۱۲۱

~: وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲:۸۶)
بازداشته شوند ۳۶، برهانند ۴۰، یاری کرده خواهند شد ۱۲۲، یاری دادگان باشند ۱۲۳، یاری کرده میشوند ۱۳۵

~: وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲:۱۲۳)
یاری کرده شوند ۳، ایشان را برهانند ۱۰، ایشان را برهاند ۴۰، کند یاری ۵۳

~: ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۳:۱۱۱)
رهانندشان ۱۰، یاری گری کرده شوند ۶۲، یاری کنندشان ۷۲

~: وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲۱:۳۹)
یاری دهند ۱۲، یاری کنند ۵۳، یاری داده میشوند ۱۳۰

~: لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (۳۶:۷٤)
نیرو کنند ۳۳

~: وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (٤٤:٤۱)
یاری داده شوند ۳، یکدیگر را یاری کنند ٤۲، یاری کنند گان ۱۳۸

~: وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۵۲:٤٦)
یآری کرده شوند ۱۰۰

★ [لَا] يُنصَرُونَ: وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲:٤۸)
نباشند یاری کرده شده ۱۳٦

~: وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲:۱۲۳)
نکنند یاوری ٤۲

~: ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۳:۱۱۱)
ایشانرا یاری نکُنند ۲، یاری داده نشوند ۳، نکنند ایشانرا یاری ۲٤، شما را یاری نکنند ۳۹، شان نرهانند ٤۰، مدهند یاری ٤۱، یاری نکنند ایشانرا ۵۷، یاری نکنند شان ۱۲٤، ایشانرا یاری نکنند ۱۲۵، یاری داده نمیشوند ۱۲۷، مرایشانرا یاری نکنند ۱۲۸، نشوند یاری کرده شده ۱۳۰، کسی یاری نتواند کرد ۱۳۹

~: وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ (۲۸:٤۱)
یاری نکنند شان ۲، یاری ندهند شان ۲۹، یاری نه کنند شان ٤٦، نگه ندارند ایشانرا ٤۷، یاری نکنند ۵۳، یاری کرده نشوند ۵٦، یاری ندهند ایشانرا ۷٦، یاری داده نخواهند شد ۱۰۳

~: وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ (٤۱:۱٦)
ایشانرا یاری نکند ۵۳، یآری کرده نشوند ۱۰۰، یاری ندهند ۱۰۸، یاری کرده نمیشوند ۱۳٦

★ لَا هُمْ يُنصَرُونَ: وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲:٤۸)
نه ایشانرا بود یاری دهی ۲٤

~: وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲:۸٦)
ندهند شان یاری ٤۱

~: وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۲:۱۲۳)
نه ایشان را برهانند ٤۰، نکنند ایشانرا یاری ۹٦، نکنند ایشانرا یاوری ۱۰۵

يَنصُرُونَكُمْ: هَلْ يَنصُرُونَكُمْ أَوْ يَنتَصِرُونَ (۲٦:۹۳)
یاری توانند کردن ۲٤، یاری کنند ٤۷، یاری دهند ۵۸، یاری همی کنند ٦۱، یاری توانند داد ۷٦، یاری مینمایند ۸٦، یآری می توانند کرد ۱۰۰، یاری میدهند ۱۱۱

يَنصُرُونَهُ: وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُ (۱۸:٤۳)
یاری کردندی ۵۵، یاری دادند ۵۸، یآری کنند ۱۰۰، یاری کردن ۱۰۸

~: فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ (۲۸:۸۱)
نگاه داشتی ۲۱، یاری کردندی ٤٦، یاری کنند ۵۳، یاری می کنند ۵٦، یاری دهند ۵۸، یاری نمایند ۸٦، یاری دادن ۱۱۱، یاری کردند ۱۳۹

يَنصُرُونَهُم: وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنصُرُونَهُم (٤۲:٤٦)
یاری دهد و نگاه دارد ۳۰، یاری کند ۵٦، یاری دهند ٦۱، یاری کنند ۸۰

★ لَا يَنصُرُونَهُمْ: وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنصُرُونَهُمْ (۵۹:۱۲)
یاری ندهند ۳۰، یاری نکنند ٦۱، نکنند یاری ۸۷، یاری نمی کنند ۹٦، یاری نمی دهند ۱۰۳

يَنطِقُ: وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۳:٦۲)
می سخن گهد ۱، سخن گوید ۲، گواهی دهد ۲٤، سخن میگوید ۲۹، سخن همی گوید ۳۰، سخون گوید ٤۷، همی سخن گویند ۵۳، گویا ۵٤، گواهی دهد ٦۹، می سخن گوید ۷۷، سخن می گوید ۹۱،

سخون همی گوید ۹۸، همی سخن گوید ۱۰۹، سخن کند ۱۱٦

~: هَٰذَا كِتَٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم بِٱلْحَقِّ (٤٥: ٢٩)
سخُن گوید ۲۲، سخن می کند ۹۰، گواهی میدهد ۱۰۲، سخن گفت ۱۳٦

~: مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلْهَوَىٰٓ (٥٣: ٣)
سخن می گوید ۳، گوید سخن ۳۰

★ مَا يَنْطِقُ: وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلْهَوَىٰٓ (٥٣: ٣)
سخن نمی گهد ۱، سخن نگوید ۳۸، نگوید سخن ۳۹، سخن نمیگوید ۸٦، سخن نگفت ۹۲، سخن نمی گوید ۹٦، سخن نگفت و نگوید ۱۰۰، نگفت سخن ۱۳۹

يَنْطِقُونَ: فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا۟ يَنطِقُونَ (٢١: ٦٣)
می سخن گوهند ۱، همی سخن گویند ۲، می سخن گویند ۳، سخن گویند گان ۱۲، سخن بگویند ۳۰، سخن می گویند ۳٤، سخون گویند ۳۹، سخن گُویَند ٤۲، سخن گویَدْ ۵۳، سخن همی گویند ٦۲، سخن می توانند گفت ۱۰۰

~: لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ (٢١: ٦٥)
سخن گویان ۳، سخن گویَنْدَه ۵۳، سخن میگویند ۷۹، سخن میکنند ۱۰٤، سخن کنند ۱۱۱، سخون گویان ۱۳۹

~: وَوَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا۟ فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ
(٢٧: ٨٥)
سخن گویند ۳

~: هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنطِقُونَ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (٧٧: ٣٥)
گویند سخون ۳۹

★ لا يَنْطِقُونَ: وَوَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا۟ فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ (٢٧: ٨٥)
سخن نگوهند ۱، سخن نه گویند ٤٦، سخن نمی گویند ۵۳، سخن نتوانند گفتن ۱۰۲، سخون نگویند ۱۳۹

~: هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنطِقُونَ (٧٧: ٣٥)
سخن نگویند ٦، هیچ نتوانند گفت ٦٤، نتوانند گفتن ۸۷، سخن نتوانند کرد ۱۱۱، نگویند ۱۳۰، سخن نتوانید گفت ۱۳٦

★ مَا هَؤُلاءِ يَنْطِقُونَ: ثُمَّ نُكِسُوا۟ عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ (٢١: ٦٥)
نگویند سخن ۲٤، اینان سخن نگویند ۷٦، سخن نگویند ۹٦، سخن نمی توانند گفت ۱۰۰

يَنْطَلِقُ: وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى (٢٦: ١٣)
رود ۳، می رود ٤٦، گشاده می شود ۷۲، گشاده گردد ۹٤، گشاید ۱۲٤، شود گویا ۱۲۹

★ لَا يَنْطَلِقُ: وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى (٢٦: ١٣)
بنرود ۱، بنگشاید ۲۰، نگردد ۳۰، گشاده نمی شود ۳۹، نگشاید ٤۱، گشاده نباشَد ٤۲، گشاده نباشد ۵۲، گشاده نشود ۵٦، نه رود ۵۸، بنه رود ٦۲، روان نگردد ٦٤، نرود ۷٤، نبروَد ۷٦، جاری نمی شود ۷۹، روان نشود ۱۱٤، گشوده نمی شود ۱۱۷، روان نسازد ۱۲۰، آزاد نگردد ۱۲۸

يَنْظُرُ: وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (٣: ٧٧)
نگاه کند ۱۲۹

~: فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (٧: ١٢٩)
بنگرد ۱، نِگرَد ۱۰، بِنگرَد ٦۲، به بیند ۹٦

~: وَمِنْهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيْكَ (١٠: ٤٣)
می نگرد ۳، مَی نگرَد ۱۰، همی نگرد ۳۸، می نگرَد ٦۲، نگاه می کند ۱۳۵

~: يَوْمَ يَنظُرُ ٱلْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ (۷۸:۴۰)
چشم دارد ۴۲، بیند ۱۲۱

★ لِيَنظُرْ: فَلْيَنظُرْ أَيُّهَآ أَزْكَىٰ طَعَامًا (۱۸:۱۹)
کو بنگر ۱، نگردا ۳۰، گو بنگرد ۴۲، بنگر ۴۳، درنگرد ۵۷، باید که بنگرد ۷۶

~: فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُۥ مَا يَغِيظُ (۲۲:۱۵)
بنگرد ۲، بنگرادا ۵۴، بازبنگردا ۹۵

~: فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا (۸۰:۲۴)
بنگردا ۲، گوببین ۵۶، باید بنگرد ۱۱۳، نگاه باید کرد ۱۳۸

~: فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِن مَّآءٍ دَافِقٍ (۸۶:۵)
گو درنگر ۲۹، گو بینند ۶۱، نگاه کن گو ۱۰۲، یکی بنگر ۱۳۹

★ لَا يَنظُرُ: وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۳:۷۷)
ننگرد ۱، نه نگرد ۴۰، ننگرد ۴۲، نه بیند ۶۹، نگاه نکند ۹۹

★ مَا يَنظُرُ: وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً (۳۸:۱۵)
برمرنمی دارند ۱، می ندارند چشم ۲۴، چشم ندارند ۴۳، گوش نمی دارند ۵۲، همی چشم ندارند ۵۳، ندارند چشم ۵۶، ننگرند ۸۱، چشم نمی دارند ۹۲، چشم نمیدارند ۱۰۰، نمی نگرند ۱۰۳، نه چشم دارند ۱۳۹

يَنظُرُوا: أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۱۲:۱۰۹)
بنگرند ۵، ببینند ۲۴، چشم دارند ۶۱، بدیدندی ۶۳، درنگرند ۷۶

~: فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۳۰:۹)
نگه کنند ۴۷، بینند ۷۶

~: فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۳۵:۴۴)
بنگرید ۷، بنگرند ۱۱۴، بدیدند ۱۳۸

~: أَوَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُوا۟ مِن قَبْلِهِمْ (۴۰:۲۱)
بنگرندی ۱، بیند بنگرند ۱۰۸، نگه کنند ۱۰۹

~: أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۴۰:۸۲)
درنگرند ۱۲۳

~: فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۴۷:۱۰)
بنگرند ۲۲، نگرند ۵۱، بنگرستندی ۸۱، نگرند و بیند ۸۶، بنگریستندی ۱۰۸، می نگرند ۱۱۴

★ لَمْ يَنظُرُوا: أَوَلَمْ يَنظُرُوا۟ فِى مَلَكُوتِ (۷:۱۸۵)
ننگرند ۱، نه نگریستند او نه نگرند ۱۰، نی ننگرند ۲۷، ننگرستند ۲۹، همی ننگرند ۳۵، می نگرند ۳۶، نمی نگرند ۵۷، نگه نکردند ۹۴، نمینگرند ۱۰۳، ننگریستند ۱۰۴، نه نگرستند نه اندیشیدند ۱۰۹، نه نگرستند ۱۱۴، همی نگه نکردند ۱۲۸

~: أَفَلَمْ يَنظُرُوٓا۟ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَٰهَا (۵۰:۶)
نگاه نکردند ۲، بنه نگرند ۶، نمی بینند ۶۱، نه نگریستند ۸۰، نه نگرند ۸۷، نگه نکردند ۱۰۹

يَنظُرُونَ: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن يَأْتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِى ظُلَلٍ (۲:۲۱۰)
همی پایند ۲، می نگرند می پایند ۴۱، همی بایند آمدن ۴۲، همی پایید ۸۲

~: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ (۶:۱۵۸)
برمرمی دارند ۱، همی پایند ۱۰ مکرر، گوش می دارند ۲۹، چشم می دارند و می یابند ۴۱، چشم دارند ایشان ۶۱، می چشم دارند ۷۲

~: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُۥ (۷:۵۳)
همی چشم دارند ۲، می پایند ۳، چشم دارید ۳۱، می پایند ۵۵، نگران می باشند ۷۶، همی یابند ۱۲۸، چشم دارید ۱۴۰

~: وَتَرَىٰهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۷:۱۹۸)

می نگرند ۱، می بنگرند ۹۲

~: كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى ٱلْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ (۸:۶)
همی نگرند ۵۳، مینگرند ۱۰۵، می بینند ۱۳۶

~: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ (۱۶:۳۳)
چشم می دارند ۲۴، می نگرند و چشم می دارند ۴۱، چشم می دارند ۵۵، چشم میدارند ۵۹، می بینید ۱۲۱، می یابند ۱۲۴

~: فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ ٱلْأَوَّلِينَ (۳۵:۴۳)
چشم بدارند ۹۱، بینند ۹۲

~: مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً تَأْخُذُهُمْ (۳۶:۴۹)
چشم دارند ۳۸

~: فَإِنَّمَا هِىَ زَجْرَةٌ وَٰحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنظُرُونَ (۳۷:۱۹)
بنگرند ۳۳، همی بنگرند ۳۸، نگران باشند ۸۶، مینگرند ۱۱۱

~: ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ (۳۹:۶۸)
نگرندگان باشند ۱۵، نگرندگان باشند ۲۲، همی نگرند ـ یابند ۱۰۸، برپای ایستادگان باشند ـ مینگرند ۱۱۱، نگاه می کرده باشند ۱۳۶

~: يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِىٍّ (۴۲:۴۵)
همی نگرند ۲۲

~: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ (۴۳:۶۶)
چشم همی دارند ۲۴، می پایند ۳۲، پایند ۸۰

~: فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً (۴۷:۱۸)
همی دارند چشم ۲۴، راه پای می کنند ۹۶

~: رَأَيْتَ ٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ ٱلْمَغْشِىِّ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ (۴۷:۲۰)
همی نگرند ۲۲

~: فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ (۵۱:۴۴)
می نگرستند ۱، همی نگرستند ۲۴، نگریستند ۳۰، می نگریستند ۳۸، می نگریدند ۵۲، می دیدند ۹۲

~: إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ (۸۳:۲۳)
همی نگرند ۲، نگاه کند ۱۳۶

~: أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى ٱلْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۸۸:۱۷)
نگرند ۳۹

★ لَا يَنظُرُونَ: أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى ٱلْإِبِلِ (۸۸:۱۷)
ننگرند ۱، همی ننگرید ۳۰، هیچ ننگرند ۶۴، نمی بینند ۱۰۰، نمی نگرند ۱۱۱

★ مَا يَنظُرُونَ: مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً (۳۶:۴۹)
برمرنمی دارند ۱، نمی پایند ۳، نبینند ۲۲، چشم همی ندارند ۲۴، نپایند ۳۳، ننگرند ۶۱، چشم نمی دارند ۶۴، چشم نمیدارند ۸۶، راه پای نمی کنند ۹۶

★ هَلْ يَنظُرُونَ: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن يَأْتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِى ظُلَلٍ مِّنَ ٱلْغَمَامِ (۲:۲۱۰)
هیچ چیز را چشم نمی دارند ۱۰، چشم ندارند ۱۱۵، نگرند ۱۲۸

~: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ (۶:۱۵۸)
چشم نمی دارند ۱۰

~: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُۥ (۷:۵۳)
برمرنمی دارند ۱، هیچ چیز را چشم نمی دارند ۱۰، وای نمی نگرند ۱۱۳

~: فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ ٱلْأَوَّلِينَ (۳۵:۴۳)
نمی پایند ۳، هیچ بینند ۲۲

~: فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً (۴۷:۱۸)
چشم نمی دارند ۶، هیچ بینند ۲۲

يُنظَرُونَ: لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۲:۱۶۲)
زمان داده شوند ۳، زمان دهند ۴۲، چشم داشته

شوند ٦١، یاری کنند ٧٥، نگریسته شوند ٩٠، مهلت داده شوند ١١٢، یاری داده شوند ١١٦

~: لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (٣: ٨٨)
زمان داده شند ١، زمان دِهَنْد ٢٤، زمان دهند ٢٥، درنگ داده شوند ٣٩، می نگرند ٧٥، پاییده شوند ١٠٩

~: وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ (٦: ٨)
زمان داده شدندی ٨٢

~: فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (٢١: ٤٠)
زمان دهَند ٤٢

~: لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (٣٢: ٢٩)
زمان دهید ١٤

★ لَا يُنْظَرُونَ: لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ (٦: ٨)
زمان داده نشدندی ١، زمان نُشدندی ٢، اوشانرا زمان شان ندادندی ٢٧، ندادند ایشانرا زمان ٤١، زمان ندهند ایشانرا ٤٢، زمان ندادندی ایشان را ٦٣، زمان ندادندی ایشانرا ٨٥، زمان داده نشُدی ٨٨، زمآن داده نشدندی ١٠٠، زمان ندهند ایشانرا ١٠٥، پاییده نشدندی ١٠٩، نمینگرند ١١٨، زمان ندادندی ١٣٨

★ لَا هُمْ يُنْظَرُونَ: خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (٢: ١٦٢)
نه شان زمان دهند ٤٠، نه هند شان زمان و نگرند یدیشان ٤١

~: لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (٣: ٨٨)
نه زمان دهند ٤٠، ندهند ایشانرا زمان ٤١

~: فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (١٦: ٨٥)
نه، ایشانرا زمان ندهند ١٠٥

~: لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (٣٢: ٢٩)
نه ایشانرا زمان دهید ١٤

يَنْعِقُ: كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ (٢: ١٧١)
بَانگ کُنَدْ ٢، بانگ برمی زند ٣، بانگ برزند ١٠، بانگ می کند ٢٩، بانگ زند ٣٦، بانگ کنند ٣٨، بانگ دارد ٤١، بانگ کُنَد ٤٢، بانگ کند ٤٣، بَانگ کند ٥٣، بانگ بَرمی زَند ٥٥، بانگ همی زند ٦٢، بانگ می زند ٧٣، می خواند ٧٥، بانگ میکند ٩٢، خواند ٩٨، بانگ بر گوسفند زند ١٠٠، آواز میدهد ١٠٢، بانگ زد ١٠٤، بانگ میزد ١١١، بانگ میزند ١١٦، نعره می زند ١١٩، بانگ همی کند ١٢١، آواز کند ١٢٩، بانگ میزند بگوسفندی ١٣٠، آوازی زند ١٣٨

يَنْعِهِ: انْظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ (٦: ٩٩)
رسید ١، پُختن ٢، رسیدن ٣، باربردارد ٩، پختن میوَها ١٠، پختن ١٠ مکرّر، بپزد ٢٤، برساند ٤١، پختگی ٥٦، پخته شدن ٥٨، خوشه فروهشت ٧٥، فرارسیدن ٨٨، برسد ٩٠، دو بلند و پختن[1] ٩٢، برسیدن ٩٦، بار ١٠٠، رسانیدن ١٠٤، رسیدگی ١١١

فَسَيُنْغِضُونَ: فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ (١٧: ٥١)
بجنبانند ١، جنبانند ٣، می جنبانند ٢٤، بردارند ٣٩، زارَند ٥٣، زودْ بُوَد که جُنبَانَندْ ٥٥، همی بجنبانند ٦٢، سرانجام جنبانیدن گیرند ٦٤، همی جنبانند ٧٦، درجنبانند ٧٩، همی کشند ٨٨، همی فشانند ٩٦، بجنباند ١١١، همی جنبانید ١١٨، میجنبانند ١٣٦

يَنْفَخُ: وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ (٦: ٧٣)
دردمیده شود ٣، بدمد ٩، دردَمَند ١٠، اندردمند ١٠ مکرّر، اندر دمد ٢٦، دمیده شود ٣٩، اندر دمیده شود ٤٤، دَردَمیده شَوَد ٥٥، دردمد ٦٧، میدمد ١٢٢، دَردَمند نفخ را ١٣٨

~: يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ (٢٠: ١٠٢)
دمیده شهد ١، دَردمند ٢

~: وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ (٢٧: ٨٧)

١. کذا، در متن.

دردمند ۲۱، بدمند ۳۰

~: يَوْمَ يُنفَخُ فِى ٱلصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۸:۷۸)

بدّمند ۲

يَنْفَدُ: مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ بَاقٍ (۹٦:۱٦)

کرانه شهد ۱، سپری شود ۳، واگسلد ۲۹، نماند ۴۱، سپری شود ۵۵، برسد ۵۷، نیست شود ۵۸، برسد ٦۲، سپری گردد ۸۳، کم میشود ۱۰۲، نمی ماند ۱۱٤، سپری می شود ۱۲۰

يَنْفِرُوا: وَمَا كَانَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا۟ كَآفَّةً (۱۲۲:۹)

بیرون شند ۱، بیرون روند ۳، بیرون شوند ۱۳، برفتندی ۳۹، بیکبار بیرون روند ٤۱، بیرون روند ۵۳، برون روند ۵۵، بیرون شدند ۵۷، بیرون آیند ٦۱، برمند ۱۲۱

يَنْفَضُّوا: هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا۟ عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّوا۟ (۷:٦۳)

بپراکنند ۱، پراکنند ۳، بروند ۳٦، پراکنده شوند ۳۹، پراکنده شوند ٤۲، بپراکنند ٦۱، دورشوند و بپراکنند ٦٤، پراکنده گردند ۸۸، بگریزند ۹٤، برگردند ۱۰۰، کوچ کنند ۱۳٦

يَنْفَعُ: وَٱلْفُلْكِ ٱلَّتِى تَجْرِى فِى ٱلْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ (۱٦٤:۲)

سود کند ۳، سود کنند ۲٤، سود می کند ۳۰، سُود کُند ٤۲، سود میرساند ۸٤، سود شود ۹۸

~: قَالَ ٱللَّهُ هَٰذَا يَوْمُ يَنفَعُ ٱلصَّٰدِقِينَ صِدْقُهُمْ (۱۱۹:۵)

سُود دارد ۲، سود داشتن ۳، سود دارد ۱۰ مکرّر، سود دارد ۲۷، سُود کند ٤۵، سُود کند ۵۳، سود دآرد ۹٤، سود دهد ۱۱٦، سود میدارد ۱۱۸

~: وَأَمَّا مَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ فَيَمْكُثُ فِى ٱلْأَرْضِ (۱۷:۱۳)

سود کردنی ۵، سود میدهد ۱۱۱

★ لَا يَنْفَعُ: لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَٰنُهَا (۱۵۸:٦)

هیچ سُود ندارد ۱۰، سود ندارد ۱۰ مکرّر، ندارد سود ۲٤، سود ندهد ۹٦

~: يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸:۲٦)

نه کند سود ۱۳۹

~: فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۵۷:۳۰)

نه سود دارد ٤۷

~: لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِيمَٰنُهُمْ (۲۹:۳۲)

نه سود کند ۱٤، سود نخواهد داشت ۱۰۳

~: يَوْمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ (۵۲:٤۰)

نسود کند ۳۹

يَنْفَعُكَ: وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ (۱۰٦:۱۰)

سود دارد ۳، سود کند ۵۳، کند سود ۵٦

★ لَا يَنْفَعُكَ: مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ (۱۰٦:۱۰)

نکند سود ۱۳، سود نکند ۵۸، سود ندارد ۵۹، سود نکُند ۷٦، سود نمی دارد ۱۰٤، نسود دهد ۱۱٤، سود نمی رساند ۱۲٦

يَنْفَعُكُمْ: وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِىٓ إِنْ أَرَدتُّ (۳٤:۱۱)

سود دارد ٦٤، سود میدهد ۱۳۰

~: وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ (۳۹:٤۳)

سود کند ۳

★ لَا يَنْفَعُكُمْ: وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِىٓ إِنْ أَرَدتُّ (۳٤:۱۱)

سود نکند ۵٦، نکند سود ۱۰۰، سود نمیکند ۱۰٦، سود نبخشد ۱۳٦

~: مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ (٦٦:۲۱)

نه سود کند ۱۲، سود ندارد ۳٤، سود نمیرساند ۸٦، سودی ندهد ۱۳۲

★ لَنْ يَنْفَعَكُمْ: قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم (۱٦:۳۳)

هرآينه نکند سود ۸۷

~: وَلَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ (٤٣:٣٩)
هرگز نه سود کند ٣، سود نکند ٢٢، هرگز سود ندارد ٣٠، سُود نکُند ٨١، سود نمیدارد ١٠٣، هرگز سود ندهد ١٣٢

يَنفَعُنَا: قُلْ أَنَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا (٦:٧١)
سود کند ٣، سُوْد دَارَدْ ٥٣

~: أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَن يَنفَعَنَا (١٢:٢١)
سود بود ٩٦، سود دهد ١١٣، سودمند آید ١٢٦

~: لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَن يَنفَعَنَا (٢٨:٩)
سود دارد ٤٧، سُود کند ٥٣، سودمند بود ١٠٣، سودمند افتد ١٢١

★ لَا يَنفَعُنَا: قُلْ أَنَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا (٦:٧١)
سُود نکُند ٢، سود نکند ٢٦، سود ندارد ٢٩، سود نه کند، سُود نکند ٨٨، سود نرساند ١٠٤، نسود دهد ١١٤، سود نمی رساند ١٢١، ندارد سود ١٢٨

★ لَا يَنفَعُهُ: مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنفَعُهُ (٢٢:١٢)
سُود نکُند ٢، سود نتوان کردن ٣٤، نه سود کند ٣٨، نکند سود ٥٤، سود نکند ٥٨، سود نتواند رسانید ٨٦، نه سود تواند نمود ١٠٠، سودی نبخشید ١٣٢

يَنفَعُهُمْ: وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ (٢:١٠٢)
سُود کند ٤، سود دارد ٤٣، سود رساند ٦١، سود آرد ٩٠

~: مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ (١٠:١٨)
سُود کُندشان ٥٥، سود کند ٦١

~: فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا (٤٠:٨٥)
سود دهد ١١٤

★ لَا يَنفَعُهُمْ: مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ (٢:١٠٢)
سُود ندارد ٢، هیچ سود ندارد ١٠، ندارد سود ٢٤، سود نکند ٣٦، سُود نه کند ٤٠، نه دارد سود ٤١، سُود نیارَد ٤٢، سود نیارد ٥٢، نه سود دَارَدْ ٥٣، نَه سُود دَارَد ٥٥، سود نمی کرد ٦٣، سود نمیکرد ١٠٠، سود نمیداشت ١٠٤

~: مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ (١٠:١٨)
سود ندارد ٢٩، نمی کنند سود ٤١، سُود نَکند ٦٢

~: وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمْ (٢٥:٥٥)
نکند سود ٢٤، سُود نکند ٧٦، سود نمیرساند ٨٦

★ لَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ: فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ (٤٠:٨٥)
نه سود داشت ٣، سود نکرد ٩٢، سود نبود ١٠٠، سود ندهد ١٣٦

يَنفَعُونَكُمْ: إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ (٢٦:٧٣)
سود می کنند ٢٤، سود کند ٣٠، سود می دارند ٣٦، سود کنند ٤٣، سود کنند ایشان ٤٦، سُود دَارَنْد ٥٣، سودی کنند ٦٤، سُود رسانند ٧٦، سود میرسانند ٨٦، سود رسانند ١٠٢، فایده میرسانند ١٢٦، سودی میدهند ١٣٢

يُنفِقُ: كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ (٢:٢٦٤)
می خزین[1] کند ١، هُزینه کند ٢، بدهد ١٠، دهد ١٠٤

~: بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ (٥:٦٤)
خزین کند ١، هزینه کند ٢، هزینه می کند ٣، می دهد ٢٧، می دهد روزی ٥٣، هَزینّه مِی کند ٥٥، روزی دهد ٥٨، میدهد ٦٧، هزینه کنند ٩٤، روزی می دهد ١١٦، روزی میدهد ١٢٣

١. خزین / هزینه.

~: وَمِنَ ٱلْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا (۹:۹۸)
می خزین کند ۱، هُزینه کند ۹٤

~: فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا (۱۶:۷۵)
هُزینه کند ۲، هَزینه می کُند ۵۵، هزینه همی کند ۹۶

★ لِيُنفِقْ: لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِۦ (۶۵:۷)
گو خزین کن ۱، گو هزینه کن ٤۱، هزینه کندا ۸۰

يُنفِقُوا: وَيُنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً (۱٤:۳۱)
خزین کنند ۱، هُزینه کُنند ۲، هزینه کننْد ۳۰، هزینَهْ کُنَنْد ۵۳، هَزینه کُنَد ۵۵، هزینه کنید ۹۸

يُنفِقُونَ: وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (۲:۳)
هُزینه کُنند ۲، هَزینَه مي کُنْد ۵۵، روزی کنند ۶۲

~: يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ (۲:۲۱۵)
خزین کند ۱، هُزینَه کُنید ۲، هزینه کنند ۳، بدهند ۱۰، هَزینَه کُنَد ۵۵، هزینه کنید ۵۷، ببايد داذان ۶۳

~: مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۲:۲۶۱)
هزینه می کنند ۳، هزینه کُنند ۵۲

~: ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۲:۲۶۲)
بدهند ۱۰

~: وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمُ (۲:۲۶۵)
خزینه کنند ۵۶، هزینه کردند ۶۷

~: ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ (۲:۲۷٤)
بدهند و بکاربرند ۳۰

~: مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِى هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۳:۱۱۷)
همی هُزینه کُنندْ ۲، آیشان مَی هُزینه کنند ۱۰، همی بکاربرند ۲۷، هزینه کنند ۵۷

~: وَٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ (٤:۳۸)
هُزینه کُنند ۲، می دهند ۳۶

~: وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (۸:۳)
وَرپاشند برپاشند ۱۰، هزینه میکنند ۲۹، هَزینه می کُنند ۵۵

~: وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ (۹:۹۱)
هُزینَه کنند ۹٤، خرج کنند ۱۱۳

~: وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً (۹:۱۲۱)
هزینَه کنند ۵۳

~: وَٱلْمُقِيمِى ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (۲۲:۳۵)
هُزینه کنُند ۲، هزینَه کنند ۵۳

~: وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (۲۸:۵٤)
هزینه همی کنند ۲

~: وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (۳۲:۱۶)
هُزینه کنند ۲

~: وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (٤۲:۳۸)
هزینه کُنند ۲۲، هُزینَه می کُنند ۸۱

★ لَا يُنفِقُونَ: وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَٰرِهُونَ (۹:۵٤)
بنَه دهَند ۱۰، نمی کنند هزینه ٤۱، نمیدهند در راه خدا ۱۳۶

~: وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً (۹:۱۲۱)
نه هزینه کنند ۱۳، هزینه نکنند ۵۸، هزینه نمی کنند ۹٤

يُنفِقُونَهَا: فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً (۸:۳۶)
می خزین کنند ۱، ورپاشند ۱۰، هزینه همی کنند ٤۲، هزینه کنند ٤۹، هَزینه کنند ۵۵، هزینه می کنند ۵۸، هزینه میکنند ۶۱

★ لَا يُنفِقُونَهَا: وَلَا يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۹:۳٤)
خزین نکنند ۱، هُزینه نکُنْد ۲، نه هزینه کنند ۳۸، نمی کنند هزینه ٤۱، هزینه نمی کُنند ۵۵، هَزینه

نمی کنند ۵۷، نکنند هزینه ۹۴، نمیدهند ۱۳۶

یُنْفَوْا: أَوْيُنفَوْا مِنَ ٱلْأَرْضِ (۵:۳۳)
رانده شند ۱، دور کرده شوند ۳، بیرون کنند شا ۱۰ مکرّر، بیرون کنند شان ۲۷، رانده شند ـ بیرون کنند ۳۷، رانده شوند ۳۹، بیرون کُنند شان ۴۲، برانند ۴۳، بدَر کنند شان ۴۵، برانند یا بیرون کنند ۵۳، دُور کَردَه شوَند ۵۵، بیرون کرده شوند ۵۶، بیرون کنند ایشانرا ۵۷، برانند ایشان را ۶۲، بازدارند ایشانرا ۶۳، برانند شان، بردارند شان ۶۷، برانند ایشانرا ۷۶، بردارند ۷۸، بیرون کند شان ۸۲، بیرون کنند ۸۳، برانند ایشآنرا ۱۰۰، نیست کنند ۱۰۳، برانند شان ۱۰۴، نابود کنند شان ۱۱۲، رانده و آواره شوند ۱۲۲، بازدارید ایشان را ۱۳۸

یُنْقَذُونَ: فَلَاصَرِيخَ لَهُمْ وَلَاهُمْ يُنقَذُونَ (۳۶:۴۳)
رهانیده شند ۱، رهانیده شوند ۳، برهانند ۲۲، رهانند ۳۳، بیرون آرند ۴۱، رهانیده شدندی ۶۱، رها کرده شوند ۱۰۳، بتوانند رهانیدن ۱۳۸

یُنْقِذُون: لَّاتُغْنِ عَنِّى شَفَـٰعَتُهُمْ شَيْـًٔا وَلَا يُنقِذُونِ (۳۶:۲۳)
رهانند ۳، برهانند ۱۸، بتوانند رهانیدن ۲۴، توانند رهانیدن ۳۰

★ لَایُنْقِذُون: وَلَايُنقِذُونِ (۳۶:۲۳)
بنرهانند ۱، نه برهانند ۱۸، نراهند ۳۹، نرهانید ۴۱، نرهانند ۶۱، بنتوانند رهانیدن ۸۹، نتوانند رهانیدن ۱۰۸، نه رهانند ۱۱۳

یُنْقَصُ: وَلَايُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِى كِتَـٰبٍ (۳۵:۱۱)
کم کرده شود ۳، بکاهند ۱۸، کاهد ۲۴، کم کنند ۵۶، کم شود ۶۴، کم کند ۹۱

★ لَایُنْقَصُ: وَلَايُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِى كِتَـٰبٍ (۳۵:۱۱)
کهسته نشهد ۱، نکاهند ۲، نه بکاهند ۱۸، نکاهد ۳۰، کم نگردد ۳۹، نشود کم ۴۱، کم نشود ۴۲، کم کرده نشود ۶۱، کم نکند ۶۹، باز کاهانیده نشود ۸۹، بازنکاهاند ۱۰۶، بازنکاهانند ۱۳۸

★ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ: ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْـًٔا (۹:۴)
بنکهستند ۱، نکاشتند ۲، نه کم کردند ۳، هیچ بنه شکستند ۱۰، کم نکردند ۲۷، وانکاهانیدند ۲۹، نه کاهانند ۳۸، نه کاستند ۴۳، نشکستند ۴۹، کم نکنند ۵۶، نه شکستند ۶۱، باز کم نکردند ۶۳، نه شکنند ۹۰، کم نگردانیدند ۱۰۴، نکاستید ۱۰۵، نگردند ۱۱۲، نگذاشتند ۱۲۸

یَنْقَضَّ: يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُۥ (۱۸:۷۷)
بیفتد ۱، فرود افتد ۳، شکسته شود و بیفتد ۲۹، بشکند ۳۸، فرود آید ۹۰، فروافتد ۹۱، بافتد ۱۲۱، فروز آید[1] ۱۲۸، خراب شود ۱۳۶

یَنْقُضُونَ: ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ (۲:۲۷)
بشکستند ۲، بشکنند ۲۴، بشکنَند ۴۲، مِي شِکَنَند ۵۵، بشکافتند ۶۰، شکستند ۸۴، میشکنند ۹۶، می اشکنند ۱۲۸

~: ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِى كُلِّ مَرَّةٍ (۸:۵۶)
می بشکنند ۱، مَی بَشکَنَد ۱۰، همی بشکنند ۳۸، مي شِکَنند ۵۵، می بشکافند ۵۷، بشکافند ۶۰، همی شکنند ایشان ۶۱، بازمی شکافند ۶۳، می شکنید ۶۶، برشکنند ۷۴

~: وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَـٰقِهِۦ (۱۳:۲۵)
بشکستند ۲، می شکنند ۳، می شکافند ۲۹، شکنند ۴۳، همی شکنند ۶۱، می شکستند ۱۹۱

★ لَایَنْقُضُونَ: وَلَا يَنقُضُونَ ٱلْمِيثَـٰقَ (۱۳:۲۰)
بنشکنند ۱، نشکنند ۲، نمی شکنند ۳، بنه شکنند

---

۱. کذا در اصل متن با «ز».

٥، نمی شکافند ٢٩، نشکنند ٣٩، نه شِکنَند ٥٥، نشکافند ٥٧، بازنمی شکافند ٦٣، نشکستند ١٠٠، نمیشکنند ١٠٤، بازنکاهانند ١٠٦، بازنمیشکافند ١٣٤

يَنْقَلِبُ: مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ (٢: ١٤٣)
برگردد ٢، ورگردد ٢٤، بگردد ٣٨، برگرَدَد ٤٢، بَرگَرَدَدْ ٥٥، بازگردند ٦٤، برگردید ١٠٠، برگردد برد و پاشنه خود ١٠٢، روی گردانند ١٢٢، برمی گردد ١٢٤، میگردد ١٢٨

~: وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ شَيْئًا (٣: ١٤٤)
وازگردد ١، گردد ٢٤، بَرگرَدَد ٢٧، بَرگَرْدَدْ ٥٥، بیرون رود ١٢٢

~: يَنقَلِبْ إِلَيْكَ ٱلْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (٦٧: ٤)
واگردد ٦، بازآید ٣٩، بازگرداند ٤١، برمیگردد ١٣٦

~: وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا (٨٤: ٩)
بازگردد ٢، بازمیگردد ٩٩

★ لَنْ يَنْقَلِبَ: بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ (٤٨: ١٢)
وازنگردد ١، برنگردد ٢، هرگز بازنگردد ٣، وانگردد ٦، نه بازگردد ١٧، هرگز بازنگردند و نیابند ٦٤، هرگز نگردد ٩٢، هرگز بازنمیگردد ٩٦، هرگز بازنگردند ١٣٢، برنمیگردد ١٣٦، هرگز بازنیاید ١٣٩

يَنْقَلِبُوا: أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنقَلِبُوا۟ خَآئِبِينَ (٣: ١٢٧)
وازگردند ١، بازگردند ٣، برگردند ١٠، بازگرَدَند ٤٢، گردند ٦٣، بازگشتند ٨٨، شوند ٩٠

يَنْقَلِبُونَ: أَىَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ (٢٦: ٢٢٧)
بازگردند ٣، واگردند ٢٠، گردانند ٢٤، بازگردانند ٤٦، بازگَرْدَنْد ٥٣، بازمی گردند ٥٦، بازخواهند گشت ٦٤، بازمیگردند ٨٦، برگردند ١٠٢، بازخواهند گردیدن ١٠٦، بازگشت خواهند کرد، بازگردیده شوند ١١٦، بخواهند گردید ١١٧

يَنْكُثُ: فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ (٤٨: ١٠)
پیمان شکند ١، همي بشکند ٢، شکند ٣، شکسته بود ٦، بشکند ٢٩، پیمان بشکند ٣٠، شکسته باشد ٣٦، بشکند پیمان ٣٩، می شکافد ٥١، دروغ دارد ٥٢، می شکند ٥٦، میشکند ٦٧، دروغ داشت ١٢٥، شکسته است ١٣٦، باز شکافته باشد ١٣٨

يَنْكُثُونَ: إِلَىٰٓ أَجَلٍ هُم بَٰلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ (٧: ١٣٥)
می پیمان شکنند ١، می شکستند ٣، می شکافتند ٣٥، می شکنند ٣٦، پیمان می شکنند ٤١، درنگ کنند گان ٤٣

~: فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ ٱلْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ (٤٣: ٥٠)
می بشکِنَنْد ٢٢، بشکستند ٢٤

يَنْكِحَ: وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ (٤: ٢٥)
بزنی کند ١، بزني کند ٢، برزنی کند ٩١

★ لَا يَنْكِحُ: ٱلزَّانِى لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً (٢٤: ٣)
بزنی نکند ١، بزنی نکنند ٢، بزنی نکند ٢٩، زنی نکند ٣٦، شوی نکند ٥٢، نه زنی کند ٨٠، نخواهد که خواهد ٨٦، زن نکند ـ شوی نکند ١٠٥، به زنی نکند ١١٤، زن نکند ١٢٥

يَنْكِحْنَ: فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحْنَ أَزْوَٰجَهُنَّ (٢: ٢٣٢)
بزني باشَنْد ٢، وازني شُویان شَند ١٠، بزنی شوند ٢٧، با شوهران خویش شوند ٢٩، وازنی شوی شند ٤٠، بزنی باشند ٥٣، شوهر کنند ٥٧، بزنی کنند ٦١، شوی کنند ٧٤، بشوی کند ٧٥، بزن باشند ٧٦، بزن کنند ١٠٠، زن کند ١٠١، بزنی باشید ١٠٥

★ لَا يَنْكِحُهَا: وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ (٢٤: ٣)
نخواهد ٣، بزنی نکند ٤٧، باید که نخواهد ٩٦، شوهر نکند ١٠٠

يُنكِرُ: وَمِنَ ٱلْأَحْزَابِ مَن يُنكِرُ بَعْضَهُۥ (١٣: ٣٦)
نشناسی میکند ٢٩، بستاوه شود ٤٢، می پوشد ١١٤

يُنكِرُونَهَا: يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا (١٦: ٨٣)
نشناسی می کنند ٢٩، ناشناخته می آرند ٣٠، ناشناخته می آرند ٥٥، ناشناسی میکنند ٥٨، نمی شناسند ٦١، ناشناخته آرند ٩١، نشناسند ١١٤، ناشناخت میدارند ١٢١

يَنْهَاكُمُ: لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَـٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ (٦٠: ٨)
بازدارد ٣٠

~: إِنَّمَا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَـٰتَلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ (٦٠: ٩)
می واززند ١، باززد کند ٤٣، بازمی دارد ٦٤، بازمیدارد ١١٤

★ لا يَنْهَاكُمُ: لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَـٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ (٦٠: ٨)
بازنمی زند ١، بازندارد ٢، بازنمی دارد ٣٩، بازنمیدارد ١٠٤

يَنْهَاهُمُ: لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّـٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ (٥: ٦٣)
بازداشتند ١٠ مکرر، بازداشتندی ٤١، باززند ٤٥، باززند ٥٣، باززنند ٦١

~: يَأْمُرُهُم بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَىٰهُمْ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٧: ١٥٧)
می واز زند ١، بازمی دارد ٣، وامیزند ٢٩، باززد کند ٤٩، بازمی زند ٥٨، همی بازدارد ٨٣، بازدارد ٩٠، باز همی دارد ٩٤، بازمیدارد ١٠٣

★ لا يَنْهَاهُمُ: لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّـٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ (٥: ٦٣)
واز نمی زنند ١، باز نه داشتند ١٠ مكرّر، بازنداشتند ٥٢، بازنزدند ٥٦، بازنمی زند ٥٧، بازنمیدارند ٦٣، بازندارند ٦٤، نه باززنند ٨٤، بازنمی زنند ١٣٨

★ لو لا يَنْهَاهُمُ: لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّـٰنِيُّونَ (٥: ٦٣)
چرا وازنمی زنند ١، چرا بازنزدند ٥٨، چرا بازندارند ٦٧، چون بازندارند ٩٢، چرا بازنداشتند ١٠٥، اگر بازنداشتندی ١٢٨

يَنْهَوْنَ: وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٣: ١٠٤)
می واززنند ١، بازدارند ٣، بازمی زنند ٢٣، می بازدارند ٢٤، بازدارند ٤٢، باز آیند ٧٥، باز آرند ٩٤، یکدیگر را با می زنی ٩٥، بازد آرند ١٠٠

~: وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٣: ١١٤)
می باززنند ٥٣، سر بازمی زنند ٧٩، باز همی دارند ٨٢، بامی دارند ٩١

~: وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْـَٔوْنَ عَنْهُ (٦: ٢٦)
همی بازدارند ٢، بازمی دارند ٣، باززنند ٩، بازدارند ٤٢، می باززنند ٥٣، بازایستند ٦١، همی بازدارند ٨٢، بازمی ایستند ١٠٠، بازمیزنند ١٠٦، دورمیدارند ١١١

~: أَنجَيْنَا ٱلَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ ٱلسُّوٓءِ (٧: ١٦٥)
می واززدند ١، بازداشتند ٣، نه پسندیدند و پرهیز کردید ١٠، وامی زدند ٢٩، بازمی داشتند ٣٥، بازمی داشتند ٥٥، همی باززدند ٦٥، بازبودند ٩٢، باز همی د آشتند ٩٤، باز همی داشتند ١٢٨

~: وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمَعْرُوفِ (٩: ٦٧)
همی بازداشتند ١١، زجر می کنند ٥٣، بازمی دارند ٥٥، بازمی زنند ٥٨، باز همی دارند ٦٢، بازمید آرند ١٠٠، باززنند ١٠٧

~: يَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٩: ٧١)
بازدارند ٢، همی باززنند ١١، بازنند ٩٥

~: أُو۟لُوا۟ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْفَسَادِ (١١: ١١٦)
می واززدند ١، وامی دارند ٢٩، بازمیدارند ٣٠، بازمی زدند ٣٨، باززد کنند ٤٩، زجر کردندی ٥٣، بازمی دارند ٥٥، می باز زدند ٥٨، بازداشتندی ٩٦، بازمی داشتندی ١١٩

يَنْهَى: وَيَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ (۱۶:۹۰)
می واززند ۱، بازدارد ۲، همی باززند ۵۳، بازززند ۵۹، همی بازدارد ۹۴، بازمیدارد ۹۹، بازمیزند ۱۰۶، باز همی دارد ۱۰۹، بازداشتن ۱۲۱

~: أَرَءَيْتَ ٱلَّذِى يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰٓ (۹۶:۹)
باززد ۳۹، بازمی دارد ۴۱، بازمی داشت ۶۴، بازداشت ۸۷، بازمیداشت ۱۳۲، بازمی زند ۱۳۸

يُنِيبُ: وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ (۴۰:۱۳)
واز آید ۱، باز گردد ۲۲، بازآید ۵۳، بخدای باز گفته باشد ۵۶، باز گشته باشد ۸۱، باز آمد ۱۰۰، بگردد ۱۲۴، باز گشت مینماید ۱۳۲

~: وَيَهْدِىٓ إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ (۴۲:۱۳)
بازمی گردد ۳، باز گردد ۲۲، باز آید ۲۹، با دراو شد ۵۲، روی آرد ۶۴، روی بدو آرد ۷۲، میگردد ۱۱۴، باز گشت کند ۱۳۶

يُهَاجِرْ: وَمَن يُهَاجِرْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۴:۱۰۰)
ببرد ۵۲، از خان ومان برد ۵۵، از خان ومان خویش بریده شود ۹۴، از خان ومان برد ۹۷، بیرون رود ۱۰۵، از خان مان خویش برید ۱۲۸، به برد ۱۲۹

يُهَاجِرُوا: فَلَا تَتَّخِذُوا۟ مِنْهُمْ أَوْلِيَآءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا۟ (۴:۸۹)
برند از خان ومان ۹۷، خان ومان بدرود کنند ۱۰۹، ببرند ۱۲۸

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَمْ يُهَاجِرُوا۟ مَا لَكُم مِّن وَلَـٰيَتِهِم (۸:۷۲)
ببرند از خان ومان خویش ۹۴

* لَمْ يُهَاجِرُوا: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَمْ يُهَاجِرُوا۟ (۸:۷۲)
نه بریدند از خان ومان ۱۱۴، نبرند از خان ومان ۱۲۴

يَهَبُ: يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَـٰثًا (۴۲:۴۹)
دهد ۱، می بخشد ۳، بدهد ۱۶، ببخشد ۳۰، بخشد ۳۲، ببخشاید ۸۱، به بخشد ۱۰۶، میبخشد ۱۳۲

يَهْبِطُ: وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ (۲:۷۴)
فرومی افتد ۳، ببُن گردد ۱۰، بزیر آید ۲۹، فرود افتد ۳۶، فرود آید ۳۸، فرو گردد ۴۰، فروغلتد ۴۲، فرود آمد ۴۳، بشیب آید ۴۹، پاره پاره شود ۵۰، فروغلتد ۵۲، فرو آید ۵۳، فرومی افتد ۵۵، فروشود ۵۷، فرود می آید ۶۱، از بالا می افتد ۸۰، فرود آید و پاره شود ۱۰۵، فروغلتند ۱۱۸، بزیر می آید ۱۲۲، از سر کوه درگردد و فروگردد ۱۲۴، فروافتدی ۱۲۸، فرومی آید ۱۲۹، بیاید ۱۳۶

* لَمْ يَهْتَدُوا: وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا۟ بِهِۦ (۴۶:۱۱)
راه نیافتند ۲، نه راه یافتند ۱۷، نه راه یافتند ۴۲، راه ننمودندی ۵۲، راه نیافتندی ۵۶، راه راست نیافتند ۶۱، راه نبرند ۸۹، رآه نیافتندی ۱۲۰، راه نیابند ۱۲۴، راه نبردند ۱۳۸، نیافتند راه ۱۳۹

* لَنْ يَهْتَدُوا: فَلَن يَهْتَدُوٓا۟ إِذًا أَبَدًا (۱۸:۵۷)
تره نبرند[1] ۱، براه بازنیابند ۲، هرگز نه راست گیرند ۵۵، هرگز نگروند ۵۸، هرگز راه نیابند ۵۹، هرگز نه راه راست یابند ۶۱، راه نیابندی ۶۴، نگروند ۷۴، راه نیابند ۷۶، براه بازنیایند ۹۴، هرگز رآه نیابند ۱۰۰، نیابند راه راست ۱۳۹

يَهْتَدُونَ: لَا يَعْقِلُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ (۲:۱۷۰)
راه یابند ۵۷

~: لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (۴:۹۸)
یابند ۳، راه فرایابند ۴۵، راه راست یافتند ۶۱، دانند بردن ۸۳، رآه یابند ۱۰۰

~: لَا يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ (۵:۱۰۴)
راه برند ۲۷، راه می یابند ۴۱، راه راست یابند ۵۶،

---

۱. تره نبرند: پس راه نبرند.

راه می یابند ۱۰۹

~: وَعَلَٰمَٰتٍ وَبِٱلنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (۱۶:۱۶)

می ره برند ۱، راه می برند ۳، راه کنند ۲۴، راه می یاوند ۲۹، راهْ یابَنْد ۵۳، رَاه مِی بُرند ۵۵، راه دانند ۵۸، راه راست نمایند ۷۲، رآه می برند ۱۰۰، راه دریابند ۱۱۵

~: وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۲۱:۳۱)

ره برند ۱، راه برند ۲، راه یاود ۲۴، راه یاوند ۳۴، راه بیابَند ۴۲، رَاهْ یابند ۵۳، راه یابید ۱۳۹

~: وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۲۳:۴۹)

راه راست گیرند ۳۰، راه راست یابند ۳۹

~: فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۷:۲۴)

راه یابند ۲

~: نَنظُرْ أَتَهْتَدِىٓ أَمْ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (۲۷:۴۱)

میشناسند ۱۳۲

~: وَرَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا۟ يَهْتَدُونَ (۲۸:۶۴)

راه یافتگان ۲۱، راه یابند گان ۵۳، راه راست ۷۶

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳۲:۳)

براه باز آیند ۳۰، راه یابند و پند گیرند ۵۸، راه بازیابند ۱۰۸، راه نمایند ۱۳۸

★ كَانَ ... يَهْتَدُونَ: أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ (۲:۱۷۰)

راه راست دانستند ۴۰، راه دَانِستَندِی ۴۲، راه دانستندی ۵۲، رَاه رَاسْت گِرفتندِی ۵۵، راه یافته بودند ۱۲۳

~: أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ (۵:۱۰۴)

راه راست گرفتند ۳، راه یافته بودند ۱۰ مکرّر، راه راست گرفتندی ۳۰، راه می یافتند ۳۶، ره می بردند ۳۷، راه می بردند ۵۸، راه راست بگرفتندی ۸۰، راه رآست رفتندی ۹۴

★ كَانَ ... لَا يَهْتَدُونَ: أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ (۲:۱۷۰)

نَدانِستَندِی ۱، راه نمی یافتند ۲۹، هیچ راه راست نه دانستند ۴۰، راه ندانستندی ۵۳، راه نبردند ۶۰، راه نیافته باشند ۱۰۰، نه راه دانستندی ۱۰۵، راه ندانستند ۱۰۷، راه نمییافتند ۱۱۱، راه راست نیافته بودند ۱۲۲، نه دانستندی راه ۱۲۸

~: أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ (۵:۱۰۴)

راه نیافته بُودند ۲، راه نه یافته بودند ۱۰ مکرّر، راه نیافتند ۲۶، همی بازنیافتندی راه ۲۹، راه ندانستند ۵۷، راه راست نیافتند ۶۳، راه راست نیافتندی ۶۷، راه راست نمی یافتند ۱۱۱، راه نیافته بودند ۱۲۱

★ كَانُوا يَهْتَدُونَ: لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (۲۸:۶۴)

راه راست گرفته بودندی ۳، راه یافتندی ۴۷، راه یافته بودندی ۵۲، راهْ یافتندی ۵۳، راه می یافتندی ۵۸، بودندی راه راست یافتگان ۶۱، راه راست یافتندی ۹۸، راه همی یافتندی ۱۰۹، راه یافتند ۱۳۹

★ لَا يَهْتَدُونَ: وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (۴:۹۸)

ره نبرند ۱، ندانند بردن ۲، نه یابند ۵۳، نیابند ۵۶، ندانستند راه بردن ۵۸، نیاوند ۶۲، نتوانند رفتن ۶۳، ند آنند بردن ۹۴، نیابند راهی ۱۰۲، نه دانند ۱۰۵، نه راه دانند ۱۱۲

~: لَا يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ (۵:۱۰۴)

نه راه یابند ۹

~: فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۷:۲۴)

ره نمی بردند ۱، راه نمی یاوند ۴۷، نه راه همی یابند ۵۳، راه راست نیابند ۵۶، براه بازنیابند ۶۱،

نیابند همی راه ٦٢، رآه نمی یابند ١٠٠، راه ندانند ١٢٥، راه بازنیابند ١٢٨

~: نَنظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (٤١:٢٧)
بازندانند ٢٤، راه نیاوند ٣٤، راه نیابند ٤٢، راه نمی یابند ٤٣، نه داند ٤٦، راه نبرند ٤٧، نشناسند ٥٨، ندانند ٦١، راه درنیابند ٦٤، نمی یابند راه ١٢٣، راه نمی برند ١٣٨، راه ننماید ١٣٩

يَهْتَدِي: فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ (١٠٨:١٠)
تره برد ١، راه می یاود ٢٩، راه راست یافت ٥٨، راه یافته باشد ٦٣، راه گیرد ٩٤

~: مَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ (١٥:١٧)
ره برد ١، راه می گیرد ٣، راه یابد ٢٩، راه نماید ٥٦، راه راست یافته باشد ٥٨، راه برد ٥٩، راه راست گیرد ٩٦

~: فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ (٩٢:٢٧)
راه یافته باشد ٥٣، راه می برد ٥٨، راه یافت ٦١، راه می یابد ١٠٣، راه راست می یابد ١١٦، راه یابد ١٣٩

يَهْجَعُونَ: كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (١٧:٥١)
می بخفتند ١، می خفتند ٣، به خفتندی ٢٤، همی خفتند ٣٠، بخسبند ٣٩، خفتندی ٤٢، بخفتندی ٥١، بخُفتندی ٥٦، خفتند ٦٩، می خفتیدند ٧٩، بخُفتند ٨١، میخفتند ٨٧، بخفتند ٩٤، خسپند ٩٦، خواب کردندی ١٠٣، خفتیدندی ١٠٩، خواب میکردند ١١٦، در خواب شوندگان ١٢٦، شب خفتگان ١٣٨

★ مَا يَهْجَعُونَ: كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (١٧:٥١)
نخفتندی ٣٤، نمی خفتند ٤١، نخفتند ٩٠

يَهْدِ: مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي (١٧٨:٧)
ره نماید ١، راه راست نمود اوُ نماید ١٠، راه راست نماید ٥٨، راه مینماید ١١١، راه نمود ١٢١

~: مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ (١٧:١٨)
راه نماید ٢، رآه نماید ٥٧، راه دهد ٧٦، راه بنماید ٩٦

~: وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ (١١:٦٤)
راست دارد ٣٩، راهنماید ٩٢

★ لَمْ يَهْدِ: أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ (١٠٠:٧)
دیدور نکرد ١، پدید نه کرد ١٠، راه ننمایند ٢٧، راه ننمودند ٢٩، نه راه نمود ٣٠، همی راه ننمود ٣٥، همی پیدا نیامد ٤٥، رآهْ نَنمودَ است ٥٣، نه پدید کردیم ٥٨، نَنمودَه است راه ٦٢، روشن نشد ٦٣، پدید نکرد ٩٢، پیدا نیامد ١٠٧

~: أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ (١٢٨:٢٠)
راه ننمود ٢، نشد پیدا ٢٤، نه پدیْد آمدْ ٥٣، روشن نکرد ١٠٦

~: أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ (٢٦:٣٢)
پدید نیامد ٢، پدیدار نکرد ٢٤، ننمود ٤٦، نه پیدا آمد ٤٧، نه بنمود ٥٦، پدید نشد ٥٨، هیچ راه ننمود ٦٤

★ لَمْ يَهْدِنِي: قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي (٧٧:٦)
ره ننماید ١، راه ننماید ٢، ننماید راه ٩، بنَه دارد برراه راست ١٠، نه راه راست نماید ٦١، ننماید راه راست ٦٤، ننماید ٧٤، رآه ننماید ١٠٠، نه راه نماید ١١٤

يَهْدُونَ: وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ (١٥٩:٧)
می ره نمایند ١، همی راه بَرنْد ٢، راه نمایند ٣، راه یابند ٣٥، راه راست می نمایند ٣٩، همی راهْ نمایند ٥٣، راه نمایی کنند ٥٧، راه می برند ٥٨، راه راست یابند ٦١، راه یافته اند ٩٣، همی راه برند ١٠٥، راه می یابند ١١٦، راه برده اند ١٢١

~: وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ (١٨١:٧)

راه راست نمایند ١٠، راه می نمایند ٢٩، راه نمای ای کنند ٥٧، بر راه راست اند ٥٨، راه همی یابند ٩٣، همی راه نمایند ٩٤، رآه می برند ١٠٠

~: وَجَعَلْنَٰهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا (٧٣:٢١)
راه می نمودند ٣، راه می یاوند ٢٩، راه همی نمودند ٣٠، راه برند ٤٣، راهْ همی نُمایند ٥٣، راه راست می نمودند ٥٦، راه مینمایند ٨٦، راه می بردند ١٠٠، راه مینمودند ١١١

~: وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا (٢٤:٣٢)
راه همی نمایند ٤٦، راه می نمودند ٤٧، راه نمودند ٦٤، رآه می بردند ١٠٠

يَهْدُونَنَا: فَقَالُوٓا۟ أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا۟ وَتَوَلَّوا۟ (٦:٦٤)
می ره نمایند ١، راه نماید ٢، راه نمایند ٣، راه می نمایند ٨٩، راه مینماید ١٣٢

يَهْدِى: يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرًا وَيَهْدِى بِهِۦ كَثِيرًا (٢٦:٢)
راه می نماید ٥٥، راه یاوند ٦٠، راه نمایدْ ٩٤

~: قُل لِّلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُ يَهْدِى مَن يَشَآءُ (١٤٢:٢)
راه نمایند ١٠٥

~: وَٱللَّهُ يَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٢١٣:٢)
ره نماید ١

~: وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ (٢٧٢:٢)
راه می نماید ٣

~: يَهْدِى بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَهُۥ (١٦:٥)
راه راست نماید ١٠

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ (٥١:٥)
نماید راه ٤٥

~: وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٢٥:١٠)
می نماید ٦٤

~: قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ (٣٥:١٠)
می ره نماید ١، راه نمایی کند ١٣٦

~: وَيَهْدِىٓ إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ (٢٧:١٣)
راه نماید ٢، راه می دهد ٩٣، راه میدهد ١١٨

~: فَيُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ (٤:١٤)
راه راست مینماید ١١١

~: وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ (٩٣:١٦)
راه راست دهد ٥٥، راه راست میدهد ١٠٣

~: إِنَّ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ يَهْدِى لِلَّتِى هِىَ أَقْوَمُ (٩:١٧)
رآه می نماید ١٠٠

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يُرِيدُ (١٦:٢٢)
راهنماید ٨٧

~: يَهْدِى ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُ (٣٥:٢٤)
راه راست دهد ١٠٣، بتابد روشنایی دهد ١٢٨

~: وَٱللَّهُ يَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٤٦:٢٤)
رساند ١٣٢

~: فَمَن يَهْدِى مَنْ أَضَلَّ ٱللَّهُ (٢٩:٣٠)
راه بنماید ٤٧، راه نمود ٦١

~: وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِى ٱلسَّبِيلَ (٤:٣٣)
همی راه نماید ١٤، بنماید ٤٦، پدید می کند ٥٨، بنماید راه ١٣٩

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ (٨:٣٥)
راه مینماید ٨٦

~: مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ (٣٠:٤٦)
راه همی نماید ٨١

~: وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ (٥:٦٢)
نماید راه راست ٩٢

~: إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ (۷۲:۲)
می واخواند ۶

★ لَا يَهْدِي: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۲:۲۵۸)
ره ننماید ۱، راه ننماید ۲، راه بهشت ندهد ۲۵، راه ننمایَد ۴۲، نمی نماید ۶۳، براه درنمی آورد ۱۲۲

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۲:۲۶۴)
رَاه ننماید ۲

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۳:۸۶)
راه نمی نماید ۶۳، نمی نماید راه ۱۳۰

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵:۵۱)
نه نماید راه ۳۱، دوست ندارد ۵۶

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۵:۶۷)
راه نمینماید ۱۱۸

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۵:۱۰۸)
ننماید راه ۹، رآه ننماید ۹۴

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۶:۱۴۴)
راه نمینماید ۱۰۴

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۹:۱۹)
ننماید راه ۶۲، راه نمی نماید ۱۳۶

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۹:۳۷)
ننماید راه راست ۲۷، راه راست ننماید ۵۸

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۹:۸۰)
نه راه نماید ۱۱، راه راست نمی نماید ۱۱۱، نراه نماید ۱۲۴

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۹:۱۰۹)
راه نمایی نمیکند ۱۳۶

~: وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (۱۲:۵۲)
رَاه ننمایَد ۵۵، راه راست ندهد ۱۰۳

~: وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۱۶:۱۰۷)
راه نمیدهد ۱۱۸

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۲۸:۵۰)
راه راست ننماید ۶۴

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۴۶:۱۰)
راه نه نماید ۱۳۹

يُهْدَى: أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى (۱۰:۳۵)
ره نموده شهد ۱، راهش نمایند ۲۹، راه برده شود ۳۹، راه نمایندش ۴۲، رَاه نمودَه شود ۵۵، او را راه نمایند ۵۶، راه نمایند ۵۷، راه نمایند او را ۵۹، راه نموده شود ۶۱، راه نمایدش ۹۲، رآه نمایندش ۹۴، رآه نموده شود ۱۰۰، راه نموده شده باشد ۱۳۶

★ أَنْ يُهْدَى: أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى (۱۰:۳۵)
کِش فانمایَند و فا آموزَند و فاوایوند ۵۵

يَهِدِّي: أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى (۱۰:۳۵)
راه نماید ۶۱

★ لَا يَهِدِّي: أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى (۱۰:۳۵)
ره نبرد ۱، راه راست نگیرد ۳، راه فانه داند ۱۰، راه نداند ۱۳، راه نتواند نمود ۵۶، راه ننماید ۷۶، راه نیابد ۱۱۳

يَهْدِيَكُمْ: وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ (۴:۲۶)
ره نماید ۱، راه نماید ۲، پدید کند ۱۰، بازنماید ۴۸، راه راست نماید ۵۸، نماید ۹۱

~: أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ (۲۷:۶۳)
می ره نماید ۱، راه مینماید ۸۶

~: وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۴۸:۲۰)
بنماید ۶، فرانماید ۵۱

يَهْدِيَنِ: وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي ([illegible])

بر راه راست بدارد ۵۸، راهنماید ۶۱، راه نما ۹۳، راه نماید ۱۰۸

یَهْدِینِ: قَالَ كَلَّآ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (٦٢:٢٦)
ر آه نماید ۱۰۰

~: ٱلَّذِى خَلَقَنِى فَهُوَ يَهْدِينِ (٧٨:٢٦)
راه راست نماید ۴۶، راه نموده می دارد ۴۷، بر راه راست بدارد ۵۸، راه دهد ۷۶، راه مینماید ۸۶، راهنمود ۸۷

~: إِلَّا ٱلَّذِى فَطَرَنِى فَإِنَّهُۥ سَيَهْدِينِ (٢٧:٤٣)
راه نماید ۱۶، ره نماید ۳۲، راه راست نمود ۶۲، راه نمود ۸۷

یَهْدِیَنِی: قَالَ عَسَىٰ رَبِّىٓ أَن يَهْدِيَنِى (٢٢:٢٨)
ره نماید ۱، بنماید ۴۶، بنماید راه ۴۷، راه نماید ۵۳

یَهْدِیَهُ: فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهْدِيَهُۥ (١٢٥:٦)
ره نماید ۱، راه راست نماید ۱۰، راه نماید ۲۹، ر آه راست نماید ۹۴

~: أَنَّهُۥ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُۥ يُضِلُّهُۥ وَيَهْدِيهِ (٤:٢٢)
راه نمآید ۱۰۰

~: فَمَن يَهْدِيهِ مِنۢ بَعْدِ ٱللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٢٣:٤٥)
می ره نماید ۱

یَهْدِیَهُمْ: وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا (١٣٧:٤)
ره نماید ۱، بنماید ۲۹، نماید ۱۲۱

~: وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا (١٦٨:٤)
راه نماید ۳۶

★ لَا لِیَهْدِیَهُمْ: وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا (١٦٨:٤)
ننماید ۲۹، راه ننماید ۶۳، ننماید راه ۷۰

یَهْدِیهِمْ: وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا (١٧٥:٤)
ره نماید ۱، بنماید ۲

~: وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (١٦:٥)
می رهٔ نماید ۱، راه نماید ۲، راه می نماید ۳، راه راست نماید ۱۰، می ره نماید ۳۷، راه نُماید ۴۵، می نماید ۵۳، میرساند ۱۲۲، راه مینماید ۱۲۶

~: أَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا (١٤٨:٧)
نمود راه ۲۴، راه نمود ۲۷

~: يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَٰنِهِمْ (٩:١٠)
راه نمایند ۱۳، راه نَمایَد ۵۵

★ لا یَهْدِیهِمْ: أَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ (١٤٨:٧)
ره نمی نمود ۱، نَمی نمود ۱۰، راه ننماید ۳۵، ننماید ۵۳، نمی نمود ۵۸، راه نمی نماید ۹۳، راه نمودن نتواند ۹۶، نه راه نماید ۹۸، نمینماید ۱۲۲، نمی برد ۱۲۸

~: لَا يَهْدِيهِمُ ٱللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (١٠٤:١٦)
ره نمی نماید ۱، ننماید راه راست ۶۴، راه راست ندهد ۱۰۳

یُهْرَعُونَ: وَجَآءَهُۥ قَوْمُهُۥ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ (٧٨:١١)
می شتافتند ۱، همی شتافتند ۲، شادان و دنان شتاو می کردند ۷ مکرّر، آمد بشتاب ۲۴، می شتافتندی ۳۹، می شتافتند و براندند ۴۱، شتابان ۵۲، شتاب همی کردَند ۵۳، مِی شتَافتَند ۵۵، می شتابیدند ۵۶، می شتاویدند ۵۹، سخت رانده شدند ایشان ۶۱، شتاب همی کردند ۶۲، همی بشتافتند ۹۴، شتاب زده بودند ۱۰۴، شتاب زدگان ۱۱۵، بشتاب دوانیده می شدند ۱۱۶، دوانیده شد ۱۲۰، بشتافتند ۱۲۴، بشتاب رنده شدند ۱۳۵، میشتافتند ۱۳۶

~: فَهُمْ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ يُهْرَعُونَ (٧٠:٣٧)
می شتاوند ۱، می شتابند ۳، همی شتابنْد ۲۲، همی روند ۲۴، همی شتافتند ۳۰، شتابان اند ۳۳، شتابَند ۴۲، شتابندگان ۴۳، همی شتابند ۴۹، همی شِتابَند ۵۳، بشتاب می روند ۶۴، شتابیده میشدند [illegible]

میشتابند ۱۳۲

سَيُهْزَمُ: سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ (٥٤:٤٥)
شکسته شوند ۳، بشکنند ۲۹، بگریزند ٤۲، شکسته شود ۸۰

لِيَهْلِكَ: لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ (۸:٤۲)
نیست شود ۱۱٤، بمیرد ۱۲۰

يُهْلَكُ: هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (٦:٤۷)
نیست کرده شوند ۱۰۲

يُهْلِكَ: وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ (۲:۲۰٥)
نیست کند ۳، نیست کُند ٥٥، سوزد ٦۳، نابود کند ۱۲۳، تباه کند ۱۲٤، نابود گرداند ۱۲۹، ناچیز کند ۱۳٦

★ يُهْلِكَ الْحَرْثَ: وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ (۲:۲۰٥)
خرمن سوزد ٦۳

★ [يُهْلِكَ] النَّسْلَ: وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ (۲:۲۰٥)
جانور کشد ٦۳

يُهْلِكُنَا: نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ (٤٥:۲٤)
نیست کند ۸۰

★ مَا يُهْلِكُنَا: نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ (٤٥:۲٤)
نیست نکند ۳، نیست نمی کند ۳۲

يُهْلِكُونَ: لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ (۹:٤۲)
تباه می کنند ٥۸

★ إِنْ يُهْلِكُونَ: وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ (٦:۲٦)
نمیکنند تباه ٥۸

يُهِنِ: وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ (۲۲:۱۸)
خوار کند ۱، خوار گرداند ۲، خوار کرد ۲٤، خوار بکند ۲۹، خوار سازد ٤۱، خوار گذارد ۱۳۲، خوار کنند ۱۳۹

يَهُودُ: وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ (۲:۱۱۳)
جهودان ٤، جُهودان ۱۰، جوهودان ۱۱۱

~: وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ (۲:۱۲۰)
جهودان ۲

~: وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ (٥:۱۸)
جهودان ۱

~: لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ (٥:۸۲)
جهودان ۹٤

يَهُودِيًّا: مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا (۳:٦۷)
جهود ۱، جُهود ۱۰، جهودان ۹۲

يُهَيِّئْ: وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا (۱۸:۱٦)
بسازد ۱، بساز ۲، بیارد و آماده کند ۳، آسان کند ۲٤، سازد و آماده کند ۳۰، سازد ٤۳، آماده کند ٥٥، بَسازد ٥۷، ساخته گرداند ۱۰۳، بنهد ۱۰۸، ساخته اند ۱۱٤

يَهِيجُ: ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا (۳۹:۲۱)
خشک شهد ۱، خُشک شود ۲، خشک شود ۳، جهد ۲۲، بگردد ۲٤، خشک کند ۳۳، بادی شود ۳۸، برانگیزد ۸۱، خشک می شود ۱۰۳، خشک میشود ۱۱۱، خشک شد ۱۲۳، خشک آورد ۱۳۹

~: ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا (٥۷:۲۰)
خشک شود نارسته ٤۱، خشک گردد ٦۷، بادی جهد ۹٤، خشک ۱۲٥

يَهِيمُونَ: أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (۲٦:۲۲٥)
از سخن می درشند ۱، همی گردند ۲، سر نهاده می روند ۳، سرگشته می شوند ۲۹، همی روند ۳۰، نکوهیده گان ٤۲، روبنهند ٤۷، سرگردان و آسیمه اند ٥۸، سرگشته روند ٦۱، می روند ٦٥، سرگردااند ۷٤، سرگشته میشوند ۸٦، روی می نهند ۸۹، می گردند ۹۰، سرگشته می گردند

۹۴، درمیروند ۱۰۰، سرنهند ۱۰۲، سرگردان می شوند ۱۰۳، سرگشته همی روند ۱۰۸، سرگشته همی گردند ۱۰۹، سرگردان میشوند ۱۱۱، سر نهاده میروند ۱۱۴، می پویند ۱۱۷، سرگردان می روند ۱۱۹، سرگشتگانند ۱۲۱، سرگردان اند ۱۲۳، همی روند سرگشته ۱۲۴، سرگشته میگردند ۱۳۲، سرگشته گان ۱۳۶

یُوَادُّونَ: یُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (۲۲:۵۸)
می دوستی گیرند ۱، دُوستی گیرند ۲، دوستی دارند ۳، دوستی کنند ۲۹، دوست دارند ۳۹، همی دوست دارند ۵۶، دوستی گیرند ۶۴، دوست میدارند ۸۷، دوستی نمایند ۱۰۴، دوستی ورزند و دوست دارند ۱۱۱

یُوَارِی: لِیُرِیَهُ کَیْفَ یُوَارِی سَوْءَةَ أَخِیهِ (۳۱:۵)
بپوشید ۱، پُوشاند ۲، پوشاند ۳، بپوشد ۲۴، پوشد ۳۶، بپوشد ـ پنهان کند ۳۷، پوشاند ۴۱، پنهان کند ۴۵، پنهان می کند ۵۸، پنهان میکند ۷۴، فراپوشد ۱۰۲، برنشاند ۱۲۸

~: قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَیْکُمْ لِبَاسًا یُوَارِی سَوْءَاتِکُمْ (۲۶:۷)
می پوشد ۱، بپُوشاند ۲، فاپوشد ۱۰، بپوشاند ۱۰ مکرّر، بپوشی ۲۴، بازپوشاند ۴۸، پُوشاند ۵۵، بازپوشد ۵۷، بازپوشی ۶۰، واپوشاند ۷۹، بپوشند ۱۰۲، میپوشد ۱۲۳، به پوشاند ۱۲۴، پوشانید ۱۲۹

لِیُوَاطِئُوا: لِیُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ (۳۷:۹)
راست آرند ۳، درست و راست ساخته باشند ۱۰، راست آورند ۲۹، خوار گردانند ۴۱، راست دارند ۴۲، راست آرند شما را ۵۵، راست دارند ۱۰۵، برابر آیند ۱۰۹، سزاوار آید ۱۲۱، برآرند ۱۲۴

یُوبِقْهُنَّ: أَوْ یُوبِقْهُنَّ بِمَا کَسَبُوا وَیَعْفُ عَنْ کَثِیرٍ (۳۴:۴۲)
شکند ۱۱۳، بشکند ۱۳۲

یُوثِقُ: وَلَا یُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶:۸۹)
بسته شهد ۱، بندد ۲، بند بنهند ۵۲، بندد ۶۱، بسته شود ۶۴، بند کند ۹۰، در بند کند ۱۲۶

★ لَا یُوثِقُ: وَلَا یُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶:۸۹)
بند ننهند ۲۹، بند نکند ۵۳، بند ننهد ۸۹

یُوَجِّهْهُ: وَهُوَ کَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَیْنَمَا یُوَجِّهْهُ (۷۶:۱۶)
فرستد ۱، بفرستد ۲۹، فرستند ۵۲، فرستَدْ ۵۳، فِرِستَد ۵۵، روی آرد ۶۱، فرستَند ۶۲، روی فراکند ۶۳

یُوحَ: أَوْ قَالَ أُوحِیَ إِلَیَّ وَلَمْ یُوحَ إِلَیْهِ شَیْءٌ (۹۳:۶)
پیغام فرستاده شد ۹۴

★ لَمْ یُوحَ: أَوْ قَالَ أُوحِیَ إِلَیَّ وَلَمْ یُوحَ إِلَیْهِ شَیْءٌ (۹۳:۶)
پیغام فرستاده نشد ۱۲۴

لَیُوحُونَ: وَإِنَّ الشَّیَاطِینَ لَیُوحُونَ (۱۲۱:۶)
می وسوسه اوکنند ۱، همی راه نُمونی کُنَنْد ۲، می آموزند او می فرمایند ۱۰، همی راه نمونی کنند ۱۰ مکرّر، راه نمونی همی کنند ۲۷، آگاهی میکنند ۲۹، راه نمونی کُنند ۴۲، راه نمونی کنند ۵۲، می فراکنند آگاهی ۵۳، پنهان پیغام می کنند ۵۸، می اندازند ۶۳، پیغام کنند ۷۴، می فکنند ۷۶، درمی اندازند ۷۹، میاندازند ۱۰۶، پیغام دهند ۱۰۹، سخن پوشیده گویند ۱۱۲، وسوسه میکنند ۱۱۹، راه نمونی می کنند ۱۲۴، فرادل میدهند ۱۲۶، راه نمون همی کنند ۱۲۸

یُوحَی: إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا یُوحَىٰ إِلَیَّ (۵۰:۶)
پیغام آید ۱۰ مکرّر، پیغام آمد ۸۸، پیغام ۱۲۴

~: قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا یُوحَىٰ إِلَیَّ مِنْ رَبِّی (۲۰۳:۷)
فرستند ۱۰، فروفرستاده شود ۹۴، فروفرستاده شد ۱۲۱

~: إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا یُوحَىٰ إِلَیَّ (۱۵:۱۰)
فروفریستاده شود ۱۲۸

~: وَاتَّبِعْ مَا یُوحَىٰ إِلَیْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ یَحْکُمَ اللَّهُ (۱۰۹:۱۰)

فروفریستاده رود ۱۲۸

~: فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ (۱۱:۱۲)
فرمودند ۲٤، پیغام فرستند ۵۲، پیغام داده میشود ۱۰۹

~: وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ (۲۰:۱۳)
پیغام داده شود ۳، آگاهی همی کنند ترا ۵۳، فرموده شدی ۸۷، پیغام فرستند ۱۲۸، فرموده شود ۱۳۹

~: وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ (۳۳:۲)
پیغام داده می شود ۳، فرستاده شد ۹۳، فرستاده شود ۱۳۹

~: إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۵۳:٤)
همی آید سوی وی ۳۰، بفرستادندش ۳۹، فرستادندش ٦۱، از نزد خدای آورده ۸٦، همی آید بوی ۱۰۸، فرود آمده میشود ۱۱۱، فرستاده میشود ۱۱٤

یُوحِي: يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ (٦:۱۱۲)
می وسوسه کنند ۱، راه نمودنی می کُند ۲، مَی آموزند اُو مَی فرمایند ۱۰، راه نموی همی کنند ۱۰ مکرّر، آگاه می کنند ۲۹، درمی دمند ٤۱، راه نمونی می کنند ٤۲، راه نمونی کنند ۵۲، آگاه می کنند ۵۳، اندازند ٦۳، درمی اندازند ۷۹، راه نمونی همی کنند ۸۸، راه نمونی میکنند ۱۰۵، راه نمونی کند ۱۲٤، میرساند نهانی ۱۳۵، می اندازند ۱۳۸

~: إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ (۸:۱۲)
فرمُود و پیغام فرستاد ۱۰، پیغام فرستاد ۲۷، فرمان داد ۵۸، پیغام همی کرد ۱۰۹

~: كَذَٰلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ (٤۲:۳)
پیغام می فرستد ۳، پیغام می فرستَدْ ۳۲، پیغام دهد ۸۰، پیغام میفرستد ۱۲۱

فَيُوحِيَ: فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ (٤۲:۵۱)
پیغام دهد ۳۲، پیغام کند ۳۹، میرساند ۱۲۰

يَوَدُّ: يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ (۲:۹٦)
آرزوُ کند ۲، دَوست دارَد ۱۰، دوست می دارند ۲۹، دوست میدارند ۳۸، دُوشت می دارَند ۵۵، دوست همی دارد ٦۲، آرزو برد ۸۰، می خواهند ۹۰

~: أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ (۲:۲٦٦)
دوست دارد ۱، دُوشت دارد ۲، دوست می دارد ۳، آرزو کند ۱۰، دُوست دارَدْ ۲۷، آرزو کند و دوست دارد ۳۰، همی خواهد ٦۲، آرزو می برد ۷۲، او خواهد ۷۵، دوست دارد و آرزو کند ۸۳، همی دوست دارد ۸۸، دوست دآرد ۹٤، آرزو میکند ۱۰۰، دوست میدارد ۱۰۲، می خواهد ۱۳۸

~: يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ (٤:٤۲)
دوست دارند ۱، دُوشت دارنْد ۲، آرزو کنند ۲۷، دوست دَارند ۵۳، آرزُو بَرنْد ۵۵، بخواهند ٦۱، دوست داشته باشند ۱۱۱، آرزو میکنند ۱۲۲

~: رُّبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۱۵:۲)
آرزو برند ۳، خواهند ۲۹، آرزُو بَرند ۵۵، آرزو کردند ۱۰۰

~: يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ (۷۰:۱۱)
دُوست دارد ۲، خواهندی ٦، خواهد ۲۹، آرزو خواهند ۱۰۵، دوست داشته باشد ۱۱۱، آرزو خواهد ۱۲۵، آرز کند ۱۳۲

★ مَا يَوَدُّ: مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا (۲:۱۰۵)
نَمی خُواهند ۱۰، نخواستند ۲٤، دوست ندارند ۲۹، دوست ندارد ۳٦، نه دوست دارند ٤۰، دُوست ندارَد ٤۲، نَمی دُوست دَارَنْد ۵۵، آرزو نکردند ٦۳، نخواهند و دوست ندارند ٦۷، نخواهد ۱۰۵، دوست نمی دارند ۱۰۷، دوست نمیدارند ۱۲۲، مدارید دوست ۱۲۸، نمی دارید دوست ۱۳۰، آرزو

نکردندی ۱۳۸

یَوَدُّوا: یَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ فِی ٱلْأَعْرَابِ (۳۳: ۲۰)
دوست دارند ۱، آرزوبرند ۳، خواهند ۲۹، آرزو کنند ۳۰، دوستر داشتندی ۴۷، دوست دارند ۵۳، خواستندی ایشان ۵۶، خواستندی ۸۷، دوست میدارند ۱۱۱

یُورِثُهَا: إِنَّ ٱلْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُهَا مَن یَشَآءُ (۷: ۱۲۸)
بدهد ۲۷

یُوزَعُونَ: وَحُشِرَ لِسُلَیْمَٰنَ جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ وَٱلطَّیْرِ فَهُمْ یُوزَعُونَ (۲۷: ۱۷)
می وازداشته شوند ۱، همی بازگیرند ۲، وامی داشتند ۲۰، بازداشته بودند ۲۴، بجای خود بداشت ۴۱، بازمی داشتند ۴۳، بازداشته شده بودند ۴۶، می پنافتند[1] ۴۷، بازداشتگان ۵۶، گرد کرده می شوند ۵۸، باززده می شدند ۶۴، بازداشته می شدند ۷۸، بازداشته شدند ۹۱، همی دانستند ۱۰۸، بازداشته بودندی ۱۱۱، بازداشته میشوند ۱۱۴، رانده میشدند ۱۲۰، رانده شدندی ۱۲۳، میرفتند ۱۳۳، بازداشته شد ۱۳۹

~: مِّمَّن یُکَذِّبُ بِـَٔایَٰتِنَا فَهُمْ یُوزَعُونَ (۲۷: ۸۳)
بازداشته شوند ۳، وادارند ۲۱، فراهم کرده شوند ۳۹، بازداشته باشند ۴۶، می پناوند[1] و فراهم می آرند ۴۷، وازدارند ۴۹، همی بازدارند ۵۳، بازمی دارند ۶۱، بازداشته می شوند ۶۴، درهم رسند ۷۶، بی گمان میگویند ۸۷، گردیدند ۱۰۵، دفع کنند یکدیگر را ۱۰۶، فراهم آورده شوند ۱۲۲، بازداشته ۱۳۳

~: وَیَوْمَ یُحْشَرُ أَعْدَآءُ ٱللَّهِ إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمْ یُوزَعُونَ (۴۱: ۱۹)
از بهر یک دیگر همی پایند ۲۲، بازدارند ۲۴، می کشانندشان ۴۱، می گردیدند ۴۲، بازدارند ۵۲، بازبرده شوند ۶۹، بازبرده می شوید ۸۱، میگردیدند ۱۰۵، رانده شوند ۱۱۱، بازمیدارند ۱۲۶، می بازدارند ۱۳۹

یُوصَلَ: وَیَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن یُوصَلَ (۲: ۲۷)
بپیوندند ۲، پیوندند ۲۶، بپیویستنش ۴۰، پیوسته شود ۵۵، بپیوندند ۶۲، به پیوندد ۹۴، به پیوندید ۱۰۷، بهم پیوسته کرده شود ۱۰۹، آنرا به پیوندند ۱۲۳

~: وَٱلَّذِینَ یَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن یُوصَلَ (۱۳: ۲۱)
پیوسته شهد ۱، پیوسته شود ۳، بباید پیوستن ۴۲، پیوسته شود ۵۵، برسیده شوند ۶۱، بباید پیوست ۶۴، بباید پیوستن ۱۰۵، پیوسته شدند ۱۱۴، برپیوندد ۱۲۱، پیوند کرده شود ۱۲۷

~: وَیَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن یُوصَلَ (۱۳: ۲۵)
رسیده شوند ۶۱، پیوندند ۶۲، پیوندد ۷۲، واپیوسته شود ۷۹، پیوسته شوند ۹۲، بپیوندید ۹۳، به پیوندند ۹۴، به پیوندد ۱۲۸

یُوصَى: مِنۢ بَعْدِ وَصِیَّةٍ یُوصَىٰ بِهَآ أَوْ دَیْنٍ (۴: ۱۲)
اندرز کند ۲۳، اندرز کرده شود ۳۹، اندرز کرده ۵۷، اندرز کنند ۹۴، اندرز کند ۱۲۸

یُوصِی: مِنۢ بَعْدِ وَصِیَّةٍ یُوصِی بِهَآ أَوْ دَیْنٍ (۴: ۱۱)
اندرز همی کند ۲، اندرز کرد ۳، می پدیدار کند ۱۰، اندرز می کند ۲۰، اندرز کنند ۴۱، اندرز می کند ۴۲، اندرز کند ۵۳، اندرز کرده شود ۵۵، اندرز می کنند ۵۷، می فرماید ۵۸، اندرز کرده بود ۷۶، اندرز کرده شود ۸۰، میفرماید ۱۰۰، اندرز میکند ۱۰۵، پند میدهد ۱۲۱

یُوصِیکُمُ: یُوصِیکُمُ ٱللَّهُ فِیٓ أَوْلَٰدِکُمْ (۴: ۱۱)
پدید می کند ۲۴، می پدیدار کند ۴۰، اندرز کند ۱۱۴

یُوصِینَ: مِنۢ بَعْدِ وَصِیَّةٍ یُوصِینَ بِهَآ (۴: ۱۲)
اندرز کنند ۵۶، فرمایند ۶۳، اندرز کند ۷۶،

---

۱. پنافتن: مسدود شدن

اندرز کرده باشند ۹۶، اندرز می کنند ۹۷، فرمودند ۱۰۰، اندر کنند ۱۲۸

یُوعَدُونَ: حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا ٱلْعَذَابَ (۱۹: ۷۵)
نوید دادندشان ۱۱٤

~: ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُوا۟ يُوعَدُونَ (۲۶: ۲۰۶)
هنگام می کردند ۲۰، می ترسانیدندشان ۲۹

~: وَعْدَ ٱلصِّدْقِ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يُوعَدُونَ (٤٦: ۱۶)
نوید داده می شوند ۳، می نوید داده شدند ۸۰، نوید داده میشوند ۱۱٤

~: مِن يَوْمِهِمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ (۵۱: ۶۰)
ترسانندشان ۳۹، بیم نموده می شوند ٦٤

~: وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَـٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ (۷۰: ٤۲)
نوید داده شدند ٦٧

~: تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمُ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يُوعَدُونَ (۷۰: ٤٤)
نوید داده می شدند ۳، نوید داده شده‌اند ٦٤، نوید داده شوید ۱۱٤

یُوعَظُ: ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ (۲: ۲۳۲)
پند داده می شود ۳، بفرمایند ۲٤، می فرمایند و پند می دهند ۲۷، پند می دهد ٤۳، پند همی دهد ۵۳، پند داده می شود ۵۵، پند دهند ۵۷، می فرمایند ٦۳، پنده داده شد ٦۷، پند داده میشود ۷٤، پند میدهد ۹۲، پند همی دهند ۹٤، پند میدهد شمارا ۱۰۰، همی پند دهند ۱۰۷

~: ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ (٦۵: ۲)
می پند داده شهد ۱، پند داده شود ۳، پند دهد ۳٤، اندرز می کند ۱۰۵، پند داده می شود ۱۱۳، پند داده شده‌اید ۱۳٦

یُوعَظُونَ: وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا۟ مَا يُوعَظُونَ بِهِۦ (٤: ٦٦)
می پند داده شدند ۱، پند دهندشان ۲، پند داده می شوند ۳، فرمودندشان ۱۰، فرمودستند ایشانرا ۲٤، میفرمایند ۲۹، پند دهند ایشان را ۳۱، پند دهند ایشانرا ۳٦، پندشان می دهند ٤۱، پند دهندشان ٤۲، پند داده میشدند ۵٦، می فرمایندشان ٦۰، پند داده میشوند ٦۱، ایشان را فرمایند ٦۲، بفرمایند ایشانرا ٦۷، پند می دهند ۷٦، پند داده شوند ۸۲، پند داده شوند ۹٤، پند می دهندشانرا ۹٦، پند میدهند ایشانرا ۱۰۳، پند دهند ۱۲٤، پند می دادند ۱۳۸

یُوعُونَ: وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۸٤: ۲۳)
پنهان دارند ۲، در دل دارند ۲٤، اندر دلها پنهان می دارند ۳۰، پنهان میدارند ۵٦، گرد کنند ٦۱، ایشان در دل میدارند ٦۷، نگاه می دارند در دلهای ایشان ۷۹، پنهان می دارند ۸٤، همی نگاه دارند ۹٤، در دل میدارند ۱۰۲، در دل می دارند ۱۰٦، نگاه میدارند در دل ۱۱۱، نهان میکنند ۱۳۲، نگاه میدارند ۱۳٤، در دل پنهان دارند ۱۳۹

یُوَفَّ: وَمَا تُنفِقُوا۟ مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ (۲: ۲۷۲)
بونده داد شهد[1] ۱، گزارده شود ۲۵، برانند پاداش آن ٤۱، داده شود ۵٦، بدهد ٦۹، بی کم و کاست داده شود ۱۰۹، رسانیده میشود ۱۳۵

~: وَمَا تُنفِقُوا۟ مِن شَىْءٍ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۸: ٦۰)
تمام داده شود ۱۱۳

یُوفِضُونَ: كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ (۷۰: ٤۳)
می شتاوند ۱، می شتابند ۲، می شتاوندی ٦، همی باز گردند ۱۹، همی شتابند ۲٤، می شتابند ٤۲،

۱. بونده داده شهد: تمام و کامل داده شود.

می شتابندی ۴۳، می روندی ۵۲، شتاب می کنند ۶۱، میشتابند ۶۷، می شتابند و می روند ۷۲، پویند ۸۹، میرمند ۹۶، می پویند ۱۰۶، شتابانند ۱۳۰، بر پای می شتابند ۱۳۱

یُوَفِّقِ: إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا (۴:۳۵)
شایسته کند ۱، سازواری افکند ۳، ساختگاری اوگند ۱۰، پیدا آرد ۳۶، ساخت کاری اوکند ۴۰، سزاواری دهد ۴۹، ساخته کند ۵۳، سازواری آفکند ۵۵، راست گرداند ۵۷، ایستاند ۶۱، فراهم کند ۷۵، سازگاری افکند ۷۸، راست کند ۸۸، سزاواری بدارد ۹۰، سزاواری دهد ۱۰۹، سازگاری نهد ۱۱۲، سازگاری می افکند ۱۲۲

وَلْيُوفُوا: ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲۲:۲۹)
و باید که آن کند ۱۱۳

یُوفُونَ: الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ (۱۳:۲۰)
بجای می آورند ۱۰۲

~: يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷۶:۷)
بسر همی برند ۱۰۹

یُوَفَّی: إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۹:۱۰)
بونده داده شند ۱، بدهد ۳۳، داده شوند ۵۶، داده شود ۱۳۹

لَيُوَفِّيَنَّهُمْ: لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ (۱۱:۱۱۱)
بونده دهیم ۱، دهد ۳۹، سیری کند ۵۹

یُوَفِّیهِمْ: وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ (۳:۵۷)
بدهیم ۶۴، دهد ۹۸

~: فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ (۴:۱۷۳)
بونده دهد ۱، پُر دهد ۱۰۹

~: يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ (۲۴:۲۵)
پاداش دهد ۴۱

~: وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ (۴۶:۱۹)
بدهد ۳۹

یُوقَ: وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ (۵۹:۹)
نگاه داشته شد ۳۰، نگاه داشتند ۴۱، نگاهداشته شود ۶۷، وازدارد ۶۹، نگاهدار ۸۷ بپایند ازو ۹۶، داشته شود ۱۱۳، نگاهدارد ۱۱۴، نگه بداشته شود ۱۱۷، نگاه داشت ۱۲۹، نگه دارد ۱۳۸

~: وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ (۶۴:۱۶)
نگهداشته شهد ۱، نگاه دارد ۲، نگاه داشته شود ۳، برهانیدش ۲۴، نگاه دارند ۲۹، بپاید ۹۶، نگه بدارد ۱۳۴

یُوقَدُ: كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ (۲۴:۳۵)
می ور اوروخته شهد ۱، همی سوزد ۲۴، ورافروزند ۲۹، می برافروزدش ۳۰، درفشد ۳۶، برمی افروزندش ۳۸، افروخته شود ۳۹، برمی افروزد ۴۳، می افروزد ۴۷، ورافروخته می شود ۴۹، افروخته باشند او را ۵۱، فراگیرند ۵۲، همی فروزد ۵۳، برافروزند ۵۴، افروخته می شود ۵۸، بفروزند ۶۱، می فروزد ۷۶، می افروخته شود ۷۷، برافروزد ۸۸، افروخته بود ۱۰۰، فروخته می شود ۱۰۳، فراگیرند ۱۰۵، می درخشد ۱۰۶، افروخته باشد ۱۱۱، افروخته میشود ۱۲۰، برافروخته میشود ۱۲۹

یُوقِدُونَ: وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ (۱۳:۱۷)
می وراورزید ۱، می آفریدند ۳، می افروزند ۵، ورمی افروزند ۲۹، می افروزانند ۳۰، برافروزند ۳۹، همی فروزید ۴۲، همی برفبروزند ۵۳، می افرُوزانیتْ ۵۵، می افروزند ایشان ۵۶، آتش میکنند ۵۸، بیفروزند ۶۴، آتش می کنید ۷۴، برافروختید شما ۷۶، برمی افروزند ۷۹،

می افروزانیت ۸۰، همی بر آورند ۸۸، می افروزید ۹۳، برافروزید ۱۰۵، میافروزند ۱۰۶، برافروختند ۱۱۸

یُوقِعَ: أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ (۵: ۹۱)
او کند ۱، افکند ۳، بیفکند ۱۰ مکرّر، بافکند ۲۷، بیو کند ۲۹، درافکند ۳۰، باشد ۳۷، دراندازد ۴۱، اَفکند ۵۵، اندازد ۶۳، افکند ۱۱۴، بیندازد ۱۲۲

یُوقِنُونَ: وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۲: ۴)
بی گمانند ۲، باور دارند ۲۴

~: قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۲: ۱۱۸)
بی گمان اند ۲، بی گمان شوند ۳، بی گمان اند ۱۰، بی گمان اند ۴۲، بی گمانند ۵۳، بی گمان شوند ۵۵، بی گمانانند ۶۷، بی گمان بودند ۹۰، بگمان شوند ۹۱، بیگمانان ۹۹، بیگمان باشند ۱۰۲، میدانند ۱۰۴، بیگمان می باشند ۱۰۹، بی کمان شوند ۱۱۹، دانند ۱۳۵

~: وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۵: ۵۰)
بی گمان ۲، بی گمان باشند ۱۰ مکرّر، بی گمانند ۲۴، بی گمانند ۲۷، بی گمان باشند ۴۲، بی گمانان باشند ۸۸، بی گمان شدند ۱۲۱

~: وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۲۷: ۳)
بی گمانانند ۲، بی گمانند ۲۰، باشند بی گمان ۴۶، بی گمانان اند ۶۲، بی گمان می باشند ۶۴، بی گمانانند ۱۰۶، بیگمانند ۱۱۴، بیگمان میشوند ۱۲۳

~: أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (۲۷: ۸۲)
باگمانومندان ۶۱

~: وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (۳۰: ۶۰)
بی گمان اند ۲، بی گمانی کنند ۴۳، راست گوی ۶۱

~: وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۳۱: ۴)
بی گمان می شوند ۳، بی گمان باشد ۱۴، بیگمان ۴۷

~: لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۳۲: ۲۴)
بی گمانان ۳، بی گمان بودند ۴۶، بی گمان می بودند ۹۲، بیگمان بودند ۱۱۱، بی گمان میشدند ۱۲۶

~: وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۴۵: ۴)
بیگمانند ۱۱۱، بیگمان اند ۱۳۶

~: وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۴۵: ۲۰)
بی گمان می شوند ۸۱، بیگمان شوند ۱۱۴

~: أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَل لَّا يُوقِنُونَ (۵۲: ۳۶)
گمان ببرند ۸۷

★ كَانُوا لَا يُوقِنُونَ: كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (۲۷: ۸۲)
بیگمان می بودند ۴۷

★ لَا يُوقِنُونَ: أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (۲۷: ۸۲)
بی گمان نشوند ۳۹، نه بی گمانند ۴۶، ناگمانان ۷۸، بی گمان نمی بودند ۹۲

~: وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (۳۰: ۶۰)
نمی دانند ۲۹، بی گمان نباشند ۳۹، راست گوی ندارند ۴۶، نیستند بیگمانان ۴۷، بی گمان نمی شوند ۵۸، راست گوی ندانند ۷۲، بی گمان نه اند ۹۵، بیگمان نباشند ۱۰۲، همگمان نمی شوند ۱۱۱، بیگمان نمی شوند ۱۱۶، گمان ندارند ۱۲۲، کوی ندارند ۱۳۹

~: أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَل لَّا يُوقِنُونَ (۵۲: ۳۶)
بی گمان نمی شوند ۴۱، نباشند بی گمان ۵۶، بیگمان نمیشوند ۱۱۴

يُولِجُ: ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ (۲۲: ۶۱)

مى درآرد ١، أندر آرد ٢، درمى آرد ٣، اندر آرد ١٢، مى آرد ٢٤، پنهان كند ٦٤، درمى برد ١٠٤

~: أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ (٣١:٢٩)

درآرد ١، همى افزايد ٢٤، درآورد ٢٩، اندرارد ٥٣، نهان كند ٦٤، درمى آورد ٨٩، درمياورد ١٠٦

~: يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ (٣٥:١٣)

مى افزايد ٢٤، اندر مى آورد ٤١

~: يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ (٦:٥٧)

أندرْ آرد ٢، درافزايد ٢٤، اندر آورد ٣٤، اندر فزايد ٣٥، دربرد ٥١، اندارآرد ٩٥، بيرون مى آورد ١٣٤، دركشد ١٣٦

★ لَمْ يُولَدْ: لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (٣:١١٢)

نه ورا بزادند ٢، اورانزادند ٥١، زائيده نشد ١٠٠، زاييده نشده از كسى ١٠٨، زاده نشد ١١٤، نه زاده شده ١٢٠، نه شد زاده ١٢٣، نزاده شده ١٣٦

لَيُوَلُّنَّ: وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ ٱلْأَدْبَـٰرَ (١٢:٥٩)

ورگردانند ١، پشت دهنده هرآينه ٣، پشت بدهند ٢٩، بگردانند ٥٢، برگردانند ٥٦، بازگردند ٦١، روى بگردانند ٦٤، برگردند بازپس ٩٤، به پس بازگردند ١٠٣، هرآينه بازپس كرده شويد ١١١، هرآينه برگشته شوند ١٢١، هرآينه برگردند ١٣٦، بگردند ١٣٩

يُوَلِّهِمْ: وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُۥ (١٦:٨)

ورگرداند ١، گرداند ١٠، برگرداند ٢٧، كند ٤٢، پشت فرادَهَدْ ٥٣، روى گرداند ٦١، بگرداند ٦٢، برگردآند ١٠٠، بگردد ١١٢، پشت كند ١١٤

يُوَلُّوكُمُ: وَإِن يُقَـٰتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ ٱلْأَدْبَارَ (١١١:٣)

ورگردانند ١، پشت دهند ٣، گردانند ١٠، پشت برگردانند ٢٣، گردانند ٤٠، بگردانند ٤١، گردآنند ٤٢، پُشت دَهَنْد ٥٥، بيارند ٥٦، بدهند ٦١، پشت فرادهند ٦٢، بر شما كنند ٧٦، گرد آيند ٨٢، برگرد آنند ٩٤، مى گردانند ٩٦

يُوَلُّونَ: وَلَقَدْ كَانُوا۟ عَـٰهَدُوا۟ ٱللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ ٱلْأَدْبَـٰرَ (١٥:٣٣)

برگردانند ٥٣، روى بگردانند ٨٧، گردانند ١٢٤

~: سَيُهْزَمُ ٱلْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ (٤٥:٥٤)

مى ورگردانند ١، بگردند ٢، بدهند ٣، برگردند ٣٠، بگردانند ٣٩، روى بگردانند و پشت دهند ٤١، برگردند ٤٢، فاگردانند ٥٣، روى بگردانيدند ٦٤، بازگردانند ٩٦، برگرد آنند ١٠٠، برگردانيده شود ١٠٣، روى گردانيده شوند ١٣٢، روى برگردانند ١٣٦

★ لَا يُوَلُّونَ: وَلَقَدْ كَانُوا۟ عَـٰهَدُوا۟ ٱللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ ٱلْأَدْبَـٰرَ (١٥:٣٣)

ورنگردانند ١، نه برگردانند ١٤، روى نگردانند ٢٩، برنگردند ٣٠، نگردانند پشتها ٣٩، پشت ندهند ٤١، نروند ٤٢، نگردانند ٤٣، بنگردانند ٤٧، بازنگردانند ٥٦، روى بازپس نكنند ٦١، ندهند پشتها ٩٣، نروند واپس ٩٦، برنگردانند ١٠٠، پشت برنگردانند ١٠٣، برنگردانيدند ١١٣، ندهند ١١٤، پشت نكردند ١٢٣

ٱلْيَوْمَ: ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ مَـٰلِكِ يَوْمِ ٱلدِّينِ (٤:١)

رَوز ١٠

~: رَبَّنَآ إِنَّكَ جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ (٩:٣)

روز ١٠٧

~: ٱشْتَدَّتْ بِهِ ٱلرِّيحُ فِى يَوْمٍ عَاصِفٍ (١٨:١٤)

رُوز ٢

~: إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ ٱلْأَبْصَـٰرُ (٤٢:١٤)

امروز ٤١

~: فَلَنْ أُكَلِّمَ ٱلْيَوْمَ إِنسِيًّا (٢٦:١٩)

امروز ٢

~: هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ ٱلْحِسَابِ (۳۸: ۵۳)
مر رُوز ۸۱

~: كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ (۴۶: ۳۵)
آنروز ۸۱

~: أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا ٱلْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ (۶۸: ۲۴)
امرُوز ۱۳۶

★ يَوْمُ ٱلْآخِرِ: ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ (۲: ۸)
روز واپسین ٤

~: مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا (۲: ۶۲)
روز بازپسین ۳، روز رستاخیز ٤

~: إِن كُنَّ يُؤْمِنَّ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ (۲: ۲۲۸)
رُوز باسپسین ۵، روز رستاخیز ٦۱

~: مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ (۲: ۲۳۲)
باسْپَسین ۵، روز رستخیز ۵۷

~: يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ (۳: ۱۱٤)
روز راست خیز ۲۷

~: مَن يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ (۹: ۹۹)
روز پسین ۳۹

★ يَوْمَ ٱلْآزِفَةِ: وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ ٱلْآزِفَةِ (٤۰: ۱۸)
روز رستخیز ۳۹

★ يَوْمِ ٱلْبَعْثِ: لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْبَعْثِ فَهَٰذَا يَوْمُ ٱلْبَعْثِ (۳۰: ۵۶)
زنده کردن دیگربار ۵۸

★ يَوْمَ ٱلتَّلَاقِ: لِيُنذِرَ يَوْمَ ٱلتَّلَاقِ (٤۰: ۱۵)
روز رستخیز ۵۶

★ يَوْمَ ٱلتَّنَادِ: إِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ ٱلتَّنَادِ (٤۰: ۳۲)
روز رستخیز ۵۶

★ يَوْمَ ٱلْجَمْعِ: وَتُنذِرَ يَوْمَ ٱلْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ (٤۲: ۷)
روز رستخیز ۱۲٤

★ يَوْمِ ٱلْحِسَابِ: هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ ٱلْحِسَابِ (۳۸: ۵۳)
روز رستخیز ۱۲٤

★ يَوْمَ ٱلْحَسْرَةِ: وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ ٱلْحَسْرَةِ (۱۹: ۳۹)
روز رستخیز ۵۶، روزشمار ۹۲

★ يَوْمُ ٱلدِّينِ: مَٰلِكِ يَوْمِ ٱلدِّينِ (۱: ٤)
رُوزشُمار ۵، روز شُمار کردن ۱۰، روزشمار و روز پاداش ٦٤

~: وَإِنَّ عَلَيْكَ ٱللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ (۱۵: ۳۵)
رُوز شمار ۲

~: وَقَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَا هَٰذَا يَوْمُ ٱلدِّينِ (۳۷: ۲۰)
روز پاداش ۳۳

~: وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ (۳۸: ۷۸)
روز رستخیز ۲۲

~: يَسْـَٔلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ ٱلدِّينِ (۵۱: ۱۲)
روزشمار ۲

~: وَٱلَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ (۷۰: ۲٦)
روز پاداش و شمار ۲، روز رستخیز ۱۹، روز شمار و پاداش ۱۲٤

~: وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلْيَقِينُ (۷٤: ٤٦)
روز شمار و پاداشن ۲

★ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ: قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ (۲۰: ۵۹)
روز نوروز ۵۳

★ يَوْمِ ٱلظُّلَّةِ: فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ ٱلظُّلَّةِ (۲٦: ۱۸۹)
روز میانه ٤٦

★ يَوْمُ ٱلْفَصْلِ: هَٰذَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (۳۷: ۲۱)

روز داوری ۴۹

~: هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ (۳۸:۷۷)
روز گزاردن کارها ۲۹

★ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۱۳:۲)
روز بازخواست ۱۰۴

~: وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۷۴:۲)
روز خاستن ۹۱، روز برخاستن ۱۰۵

~: وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۷۷:۳)
روز رستخیز ۷۲

~: وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۶۱:۳)
روز راستخیز ۸۴

~: وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۸۵:۳)
روز شناختن ۴۰

~: لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۳۶:۵)
روز بازپسین ۹۱

~: قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۳۲:۷)
رُوز رستخیز ۱۴۰

~: يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ (۹۸:۱۱)
فردا ۷ مکرّر

★ يَوْمِ الْمَوْعُودِ: وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲:۸۵)
روز رستخیز ۳۹

★ يَوْمَ حُنَيْنٍ: لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ (۲۵:۹)
در روز دادی ۹۱

★ يَوْمٍ عَقِيمٍ: أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ (۵۵:۲۲)
روزی بی شب ۱۰۹

★ يَوْمٍ مَعْلُومٍ: لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (۵۰:۵۶)
راستخیز ۲

★ يَوْمِ يُبْعَثُونَ: قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴:۷)
روز رستخیز ۲۴

يَوْمًا: وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا (۴۸:۲)
روز ۳، رُوز ۱۰

~: قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا (۲۵۹:۲)
یک روز ۳۶

~: وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (۲۶:۲۵)
رستخیز ۴۶

يَوْمَئِذٍ: يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ (۱۶۷:۳)
آن رُوز ۱

~: يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ (۴۲:۴)
آن رُوز ۲، آنروز ۶۱، روزی ۱۰۰، در آن روز ۱۰۴

~: مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ (۱۶:۶)
آن رُوز ۲

~: فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ (۱۰۱:۲۳)
آن رُوز ۲

~: مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ (۴۷:۴۲)
آنرُوز ۸۱

~: فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱۵:۶۹)
روزی که چنین باشد ۱۱۳

~: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲:۸۸)
روز گار

~: يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴:۹۹)
روزی که ۱۰۰

يَوْمِكُمْ: وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا (۱۳۰:۶)
امرُوز ۱۰، روز ۵۶

~: وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَـٰذَا (۷۱:۳۹)
امروز ۱۳٦

يَوْمِهِمْ: كَمَا نَسُوا۟ لِقَآءَ يَوْمِهِمْ هَـٰذَا (۵۱:۷)
روز ۱۱٤

~: وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَـٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ (۴۲:۷۰)
دیدار ۵٤

يَوْمَيْنِ: فَمَن تَعَجَّلَ فِى يَوْمَيْنِ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ (۲:۲۰۳)
دو روز ۱۰

~: بِٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْأَرْضَ فِى يَوْمَيْنِ (۹:٤۱)
دو روز ۱، دو روز ۱۳٦

يَيْأَسُ: إِنَّهُۥ لَا يَا۟يْـَٔسُ مِن رَّوْحِ ٱللَّهِ (۸۷:۱۲)
نومید شود ۳، نومید باشد ٦۱

★ لَا تَيْأَسُوا: إِنَّهُۥ لَا يَا۟يْـَٔسُ مِن رَّوْحِ ٱللَّهِ (۸۷:۱۲)
نومید نشند ۱، نومید نباشد ۲، نومید نشوند ۵، نومید مشوند ۲۹، نومید نباشد ۳۹، نومید نشود ٤۱، نومید نگردند ۵۸، نومید نکند ٦٤، نومید نباشند ۷٦، ناامید نباشد ۹٦، نومید نمیشوند ۱۱۱، ناامید نیست ۱۱۸، ناامید نمیشوند ۱۲۲

★ لَمْ يَيْأَسِ: أَفَلَمْ يَا۟يْـَٔسِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ (۳۱:۱۳)
ندانستند ۳، بنه دانستند ۵، نومید نشدند ۲۹، نه نومید شدند ٦۱، امید نبرند ۹۳، نا آمید نشد ۱۱۱

واژه نامهٔ فارسی هر چهار جلد فرهنگنامهٔ قرآنی به صورت الفبایی در جلد پنجم آمده است.